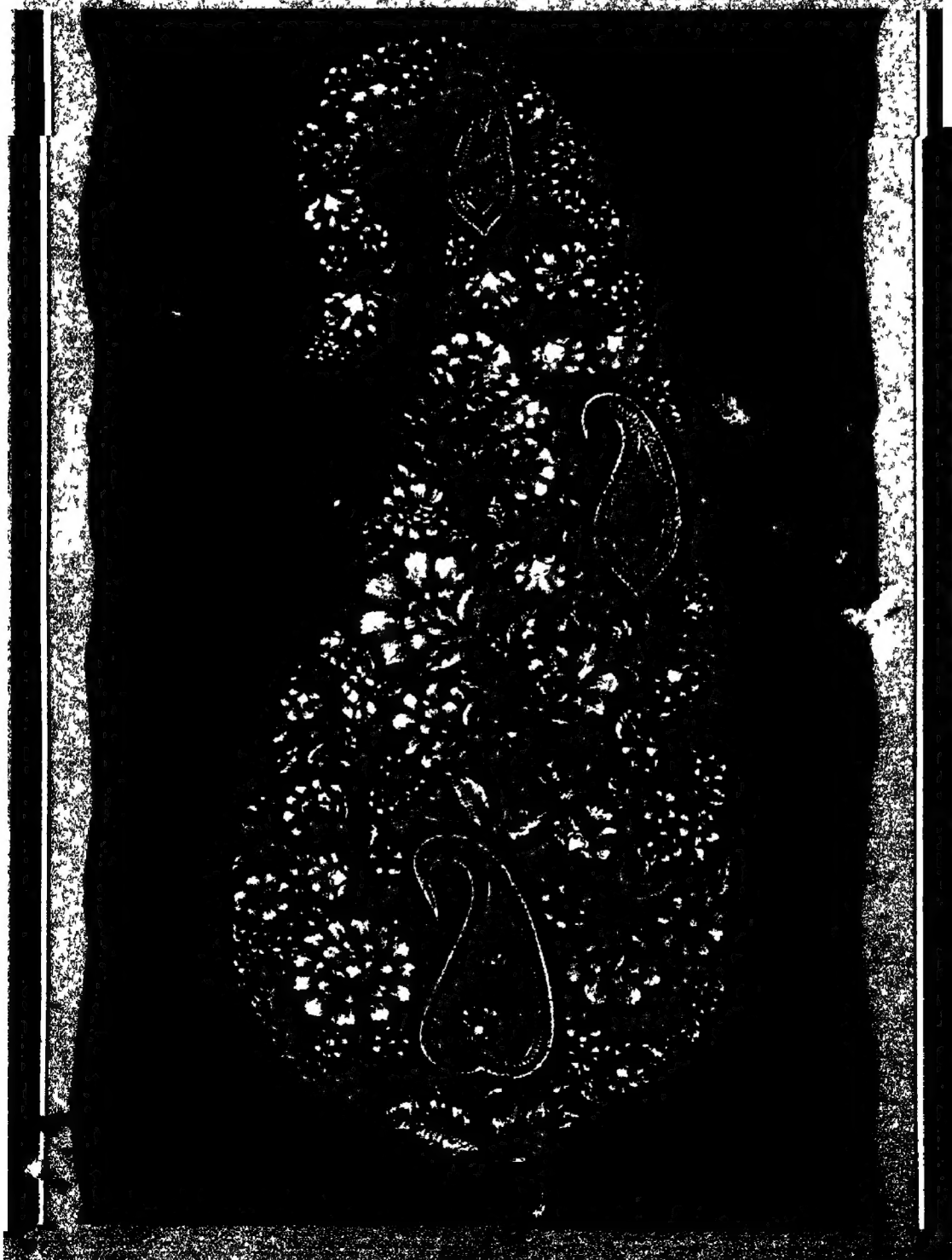
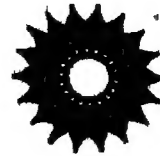


نشر دانش

سال سیزدهم، شماره اول، آذر و دی ۱۳۷۸



SV02



نشر دانش، نشریه مرکز نشر دانشگاهی

سال سیزدهم، شماره اول، آذر و دی ۱۳۷۱

نشر دانش به منظور طرح مسائل کلی کتاب و کتابشناسی و نقد و معرفی کتابهای علمی و تحقیقی تازه هر دو معناه یکبار توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر می‌شود.

مرکز نشر دانشگاهی مؤسسه‌ای است فرهنگی و انتشاراتی که به منظور چاپ و نشر کتابهای درسی و غیردرسی دانشگاهی و نشریات علمی و تحقیقی و تاریخی و بالا بردن کیفیت کتابها و توزیع عادلانه آنها در سراسر کشور از طرف ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ تأسیس شده است.

● ویراستاران: احمد سیمي، حسین معصومی همدانی

● مدیر داخلی: حسین مشتاق

● ناظر چاپ: محمدتقی اعتباری

● علاقه‌مندان نشر دانش می‌توانند بهای اشتراك مجله را به شماره حساب ۹۰۰۰۹ بانک ملی ایران (شعبه خیابان پارك) واریز کنند و برگه بانکی را همراه با نشانی پستی خود به مرکز نشر دانشگاهی به بخش توزیع بفرستند.

● هزینه‌های این نشریه از راه فروش نسخه‌های آن تأمین می‌شود.

● سرویس: لایتنرود مرکز نشر دانشگاهی

● جکاسی: لیتوگرافی ۱۱۰ چاپ و سبک‌بندی

● بهای هر شماره ۴۰۰ ریال بهای اشتراك سالانه ۳۶۰۰ ریال

مطالب نشر دانش مشتمل است بر:

- مقاله‌هایی که از لحاظ تاریخی مسائل تألیف و ترجمه و تدوین کتاب را در فرهنگ اسلامی بررسی می‌کند.
- مقاله‌هایی که وضع موجود کتاب را در کشور بررسی می‌کند.
- مقاله‌هایی که به بهبود کیفیت ترجمه، تألیف، ویرایش و تولید کتاب کمک می‌کند.
- مقاله‌هایی که به معرفی زندگی و آثار نویسندگان و مؤلفان بزرگ اسلامی و ایرانی می‌پردازد.
- نقد و معرفی کتابهای فارسی (به استثنای کتابهای بسیار تخصصی).
- نقد و معرفی کتابهای خارجی، بخصوص کتابهایی که درباره مسائل اجتماعی، سیاسی، دینی، فلسفی و تاریخی اسلام و ایران نوشته یا ترجمه شده باشند.
- اخبار کتاب، اعم از داخلی و خارجی.
- معرفی اجمالی تازه‌ترین کتابها و جزوه‌ها و نشریه‌های علمی کشور.

چند یادآوری

- آراء و نظرهای مندرج در مقاله‌ها، نقدها و نامه‌ها ضرورتاً مبین رأی و نظر مسؤولان مرکز نشر دانشگاهی و مدیریت نشر دانش نیست.
- نشر دانش از عموم نویسندگان مقاله و نقد می‌پذیرد.
- مقاله‌ها، نقدها و نامه‌ها باید ماشین شده یا به خط کاملاً خوانا نوشته شده باشد.
- طول مقاله‌ها از سی صفحه دست نوشت یا ماشین نوشت (هر صفحه بیست سطر) و طول نقدها از بیست صفحه نباید تجاوز کند.
- نشر دانش در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.
- مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نشود پس فرستاده نمی‌شود.
- مقاله‌ها و نقدها و نامه‌های خود را به آدرس زیر بفرستید:

تهران: خیابان دکتر شریعتی، پلاک ۱۱۰، مرکز نشر دانشگاهی، دفتر نشر دانش (کد پستی: ۱۵۵۳۱) - پستی: ۱۵۵۳۱ (کد پستی: ۱۵۵۳۱)



معارف

- | | | |
|----|------------------|--------------------------------|
| ۲ | نصرالله پورجوادی | حکمت دیوانگان در مثنویهای عطار |
| ۱۷ | امید طباطباده | مروزی بر واژگان بویسی در ایران |
| ۲۲ | حورانی / اسعدی | دایرةالمعارف نستعلیق |

بیگانه در بیگانه

- | | | |
|---|-------------|----------------------------------|
| ۳ | ناصر ایرانی | ارادی و نقش آن در سبای فرهنگ عرب |
|---|-------------|----------------------------------|

نقد و معرفی کتاب

- | | | |
|----|---------------|---|
| ۴۰ | حسین محبی | ویرایش تازه «واژه نامه فسی»
نظر اجمالی به چند کتاب |
| ۴۲ | سیدجعفر شهیدی | مثنوی معنوی |
| ۴۵ | مجید ملکان | همیان ستارگان |
| ۴۶ | مرتضی اسعدی | معجم الرموز والاشعار |
| ۴۷ | ع روح بخشان | سیری در تاریخ تحت فولاد اصفهان |
| ۴۸ | مسعود - حقیری | بیان |

تجربیات

- | | | |
|----------------------------------|--|---|
| نظر اجمالی به چند کتاب چاپ خارج: | | |
| ۵ | | تاریخ تعلیم و تربیت در ایران (از احسان برامی) |
| ۵۱ | | انقلاب و وضع رن در ایران (از فریبا عادلخواه) |
| ۵۱ | | سرچشمه های تشیع (از محمدعلی امیرمعری) |
| ۵۲ | | تشتت قدرت در عهد ناصری (از مصطفی احمدی) |
| ۵۳ | | تاریخ دولت عثمانی (از کالین ایمر) |
| ۵۴ | | دایرةالمعارف اسلام ترکیه |
| ۵۵ | | دایرةالمعارف اسلام لیدن |

نشر کتاب

- | | | |
|----|---------------|---|
| ۵۶ | امید طباطباده | کتابهای تازه، معرفی ستریه های علمی و فرهنگی |
|----|---------------|---|

خبرها

۶۶-۷۰

نامها

رباعیات خیام حسرو ناصد / «واره» ایرج اصاب / دواشته در انتهم احمد برنگ / چند نکته دریک
مقاله رصا مختاری / «ناز آمد» یا «پس حوراند» کاظم انهری
۷۱-۷۶

حمله دیوان من دیوانگیست
عمل را با این سخن بیگانگیست
حان بگردد باک از بیگانگی
تا نیابد بوی این دیوانگی
(مطلق الطیر، ص ۲۵۱)

حکمت دیوانگان در مثنویهای عطار

بروهندگانی که در تاریخ فلسفه و حکمت اسلامی ایران تحقیق کرده‌اند عموماً سر تفکر فلسفی را در آثار بزرگانی چون فارابی و ابن سینا و سهروردی (سح مقول) و حواجه نصیرطوسی و ملاصدرای شیرازی و سروان ایسان بی گرفته‌اند. تفکری که این بزرگان در آثار خود بیان کرده‌اند البته فلسفی است، اما این فلسفه اساساً مبتنی است بر همان سب فلسفی که در یونان آغاز شده بود، و همان‌طور که می‌دانیم، با این سب فلسفی همواره مخالفت‌های سدید می‌شد، مخالفت‌هایی که جنبه سلبی داشت. اما در عین حال کسانی هم بودند که می‌خواستند از راه دیگری مسائل فلسفی و مابعدطبیعی را مطرح کنند و به آنها پاسخ گویند. در نتیجه این کوشش‌ها سنت یا سنت‌های فکری و فلسفی دیگری در ایران پیدا شده است که مسائل عمیق حکمت و فلسفه را به وجه دیگری طرح و نه ربانی دیگر بیان می‌کردند. این روس، که با روس یونانی فرق داشت، روسی بود که حکمت و فلسفه و ادب را متحد می‌کرد و از زبان شعر بهره می‌جست. یکی از کمالات ادبیات فارسی نیز دقیقاً همین است. ادبیات فارسی، بخصوص شعر، گنجینه‌ای است که تقریباً همه فعالیت‌های عقلی و ذوقی ایرانیان را در خود جای داده است. بنابراین، محققانی که درباره تاریخ فلسفه و حکمت ایرانی تحقیق کند ولی آثار ادبی و بخصوص اشعار سعرا را چون حکم فردوسی و حکیم نظامی و صوفیانی چون حکیم سنایی و عطار و مولوی و سعدی و جامی را نادیده بگیرد، در حقیقت، از افکار فلسفی و حکمت ناب ایرانی غافل مانده است. در اشعار صوفیان ایرانی که نام بردیم ما با مذهبی روبرو می‌شویم که فلسفه نیست. اما مسائل فلسفی، چه نظری و چه عملی، به نحو خاصی در آن مطرح شده است. تصوف ایرانی در شعر فارسی نقطه‌ای است که در آن فلسفه و شعر متحد شده‌اند. مذهب موصوف را در بسیاری از جنبه‌های آن می‌توان در مثنویهای عطار ملاحظه کرد.

نصرالله پورحوادی



دهن عطار و نحوه تفکر او فلسفی است، هر چند روس او در طرح مسائل روس مسایی یا حتی بوافلاطونی نسبت نگرس عطار به مسائل عمیق فلسفی، در عین آنکه دهن او دهن فلسفی است، نگرس يك ساعر و ادب است عطار ساعری است فیلسوف و عارفی است ساعر. صرف نظر از غرلئاس، در مسو بهای حون الهی نامه و منطق الطیر و اسرار نامه و مقصد نامه عمقترین مسائل فلسفی و کلامی به نحوی ظریف و هنرمندانه بیان شده است سخنان حکیمانه عطار، چه در صورت و چه در معنی، بیان حکمت و تصوف ایرانی در دوره اسلامی از يك سو و آینه تمام نمای دین و ادب فارسی از سوی دیگر است عطار در مقام يك ساعر برای بیان حکمت و فلسفه خود شخصیهایی را می آفریند تا مطالب خود را از زبان آنان بیان کند. مهمترین شخصیهایی که در مسو بهای عطار در نفس يك حکم و عارف ظاهر می شود دیوانه است دیوانگان عطار همان کسانی هستند که در تمدن اسلامی به «عقلای مجانن» مشهور بودند

عنوان «عقلای مجانن» که در تمدن اسلامی به گروه خاصی از دیوانگان اطلاق می شد، عنوانی است که در عین طرافت مانده سگفتنی است سگفتنی ما از این عنوان به دلیل تناقضی است که ظاهراً میان مفهوم عقل و جنون وجود دارد.^۱ این احساس سگفتنی چه بنا بر مشاهده عنوان مقاله حاضر بر به حواسده دست دهد و از خود سؤال کند که چگونه ممکن است دیوانگانی که بر حسب تعریف از عقل فارغ و از عافیتی به دورند حکمتی داشته باشند این خود بررسی است موخه که ما امدهواریم در ضمن نقل مطالب حکیمانه دیوانگان و تحلیل آنها در این مقاله تا حدودی بدان پاسخ گوئیم اما قبل از هر خبر لازم است نکته ای را مدکر سویم و آن آنکه دیوانگانی که در اینجا با ایشان آشنا خواهیم شد و سخنان حکیمانه شان را نقل خواهیم کرد دیوانگان معمولی نیستند البته، مطابق ملاک و معیاری که عامه مردم برای عافیتی دارند دیوانه به حساب می آیند؛ اما، از نظر عطار و همچنین سایر حکیمان و عارفان و ادیبانی که به نقل اخبار و ذکر اوصاف ایشان پرداخته اند، حالت این دیوانگان حالتی است مافوق عقل به مادون آن این معنی را عطار در مسو بهای خود دقیقاً در مد نظر داشته است در داستانیهایی که ما از مسو بهای عطار نقل خواهیم کرد دیوانگانی را مشاهده می کنیم که در باره عمقترین و عالیترین مباحث فلسفی و مابعد طبیعی سخن می گویند. این سوزیدگان فرزانه در مقام معلمان اخلاقی و دینی و منتقدان اجتماعی در میان مردم ظاهر می شوند و آنان را سبب به وظیفه و مسؤولیت سنگینی که در این عالم بر عهده دارند آگاه می سازند. اما بیس از اینکه ما به نقل و تحلیل این داستانها و سخنان حکیمانه آنان بپردازیم، لازم است يك نکته کلی را درباره نسب دیوانگان با خلق و ورود ایشان به

میان مردم توضیح دهیم.

نویسندگان و شعرائی که در آثار خود به وصف ا. دیوانگان پرداخته اند عموماً از يك صفت خاص در ایسا، کرده اند و آن مردم گربری است دیوانگانی که در غل و ربح دیوانه خانه ها نگهداری نمی شدند معمولاً بیرون از شهر کوه و بیابان یا در ویرانه ها و گورستانها، به سر می بردند از مردم و جامعه سب و مردم بر آنان را از خود طرد کرده بودند گاه گاهی به میان مردم می آمدند مورد اسهرا و ادب و آزار می گرفتند در بسیاری از داستانها و اخبار دیوانگان، وفه رابطه و سبب ایسا با خلق سحر به میان می آید، این حالت گربری و اروا در دیوانگان دیده می شود. عطار سر در داستا خود به این صفت اشاره کرده است دیوانگان او اساساً به بی علی ندارند اما عطار سبب دیوانگان و مردم را به نحو خاص نظر می گرد. قبل از عطار نویسندگان دیگر، بخصوص ابوالحسن نیشابوری، حکایات دیوانگان را نقل کرده بودند؛ اما نویسندگانی حون نیشابوری با نظر عطار تفاوت دارد نیشاب به منظور جمع آوری اخبار دیوانگان دست به ت عفاء/المجانیس زده بود و دیوانگان او غالباً اسخاص ساخته تاریخی اند لیکن عطار گرا سگر اخبار دیوانگان بی دیوانگان او غالباً اسخاص بی نام و شان اند و حتی وقتی در شخصتهای ساحه سده ای حون بهلول و محمد معسوق طر و لیمان سر حسی سخن می گوید منظور او معرفی شخص بهل معسوق و لیمان و بیان حالات ایشان نیست. دیوانه عطار د نوعی است این دیوانه مقام و مرسته ای والا تر از جامعه و دارد مرسته جامعه مرسته عقل عملی یا عقل معاس است و، دیوانه مرتبه روح با حان آدمی است که ورای عقل است. د عطار داتا گسسه از مردم و بیرون از متن جامعه است، ح روح آدمی مافوق فوه عقل است. اما همین دیوانه را عطار، حندی به میان مردم می آورد و آن هنگامی است که او می خ جامعه را از حواب سدار کند و به مردم اندر دهد و فرعون را تنبیه کند نام دیوانه عطار پیامی است از عالم جان در ا روح مردم عقل رده ای که در بند عقل معاس گرفتار آمده

روش حقیقت جویی

حکمت دیوانگان را با درسی که یکی از آنان در باره «روس ت به ما می دهد آغار می کنیم

حاشیه

(۱) سگریده به مقاله نگارنده با عنوان «تحلیلی از مفاهیم عقل و حون در مجانیس» در معارف، دوره چهارم، شماره ۲، مرداد-آبان ۱۳۶۶، ص ۵-۴.

در یکی از داستانهای اسرارنامه دیوانه‌ای کنج عزلت را رها می‌کند و نه میان مردم می‌آید در کویی می‌ایستد. می‌بید هر دسته از مردم از سویی می‌رود. فریاد برمی‌آورد: آی مردم، اریک سو بروید.

یکی دیوانه‌ای استاد در کوی
جهانی حلی می‌رفتند هر سوی
فغان برداست این دیوانه ناگاه
که اریک سوی باید رفت و یک راه
نه هر سویی چرا باید دودین
نه صد سو هیچ‌جا نتوان رسیدن^۲

در این داستان عطار روس تقریب به حق را نه ما می‌آمورد. درسی که او می‌خواهد از زبان دیوانه نه ما بدهد درسی است که همه انبیا و اولیا و همه عرفای بزرگ در همه ادیان الهی نه اسان داده‌اند و آن داستانی وحدت بوجه و یکجهت و یکسو شدن است. کویی که دیوانه در آن ایستاده و سخن می‌گوید کوی دل آدمی^۳ است و حلی مفرق در این کوی اندیشه‌های هر ره‌گرد آدمی است. دیوانه از مقام حان به اسان هشدار می‌دهد که دست از این هر ره‌گردی بردارد او می‌خواهد مردم را بدار کند و بیداری مردم رمایی است که همه همت خود را مصروف یک حیر کند و عاسفانه نه یک معسوف و یک معبود دل بسارند. فقط از این راه است که اسان می‌تواند نه حصفت مفرق حوید.

بوی نایک دل ای مسکین و صد یار
نه یک دل حوون توانی کرد صد کار^۴

نصویری که عطار در این داستان از دیوانه و مردم ترسیم کرده است گدسه از معنایی که ناد کردیم به نکته‌ای درباره سبب میان دیوانه و مردم اساره می‌کند دیوانه، هر چند در میان کویی استاده و با مردم سخن می‌گوید، در حقیقت تنهاست. مردم همه از او دور می‌شوند. همه نه او سب کرده‌اند. حتی معلوم نیست کسی سخن او را سیده باشد و اگر سیده باشد نه معنای آن راه یافته باشد؛ و این خصوصیت داستانهای دیوانگان در آثار عطار است عطار عمیقترین و عالیترین مسائل معنوی و حناتی را نه صورتی بیان می‌کند که ظاهراً برای همه کس ملموس و محسوس است؛ اما، در عین حال، مانند ماهی از جنگ عقل بیرون می‌رود در بسیاری از موارد، حکمت دیوانگان نه نظر عقل مسخره می‌آید، اما توضیحاتی که بلافاصله عطار می‌دهد می‌رساند که حین نیست.

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

حکمت دیوانگان حکمتی است الهی و توحیدی و دیوانه اساساً یک موحد است و همه مسائل را با توجه نه سبب انسان با حق تعالی در نظر می‌گیرد دیوانه هر چه را که بخواهد از خدا می‌خواهد چون در همه عالم جر خدا هیچ کس منسأ ابر نیست.

همه حیر از اوست و بازگشت همه نه اوست.
دیوانه‌ای با حدای خود خلوت کرده و رار رار گریه می‌ک
عافلی به او می‌رسد و می‌رسد. چرا این طور گریه می‌ک
دیوانه می‌گوید: برای اینکه می‌خواهم دل خدا نه حال من بسو
عافل می‌نگوید: حقا که دیوانه‌ای، آخر مگر خدا هم دل دارا

حواس داد آن دیوانه بیسه
که او دارد همه دلها همیشه
همه دلها که او دارد سگرفس
حگو نه دل ندارد این چه حرفست^۵

داستان در همین‌جا پایان می‌یابد، اما سخن عطار تمام نه است. باید گفتار دیوانه را تفسیر کند تا خوانندگان او، که در رد
مرد عافل اند، معنای آن را درک کنند.

توصیحاتی که عطار در اینجا می‌دهد بیان فلسفه‌ای است بنابر آن هر چه در این عالم است نمودی از عالم بالاسب. به
این عربی هر موجودی از موجودات این عالم را عین بابت
است در حضرت اعیان بابت. نه فقط موجودات، از جمله دلم
ما، بلکه حتی افعال آدمی بیدر اصل از عالم بالا صادر شده است

همه حیری که اینجا هست از آنحاسب
ند و یک و بلند و سب از آنحاسب
س این دلهای ما رانجا بود سر
دل بها نمی‌گویم همه حیر

بدان اینجا که حر و سر از آنحاسب
اگر بفحسب از آنجا صر از آنحاسب^۶

در اینجا عطار از زبان دیوانه نه تنها بر قول کسانی که
موجودات را محصر نه عالم محسوس کرده‌اند خط به
می‌کشد بلکه حتی تصریح می‌کند که اصل موجودات این عالم
عالم بالاسب و این عالم محسوس سایه‌ای است از عالم قد
نقل حکایت این دیوانه ساهدی است برای این بهت که بیسه
داستان آمده است.

حو بود کار تو حر اسک و سوری
درلفس سایه اهد بر تو روری^۷

نه تنها این عالم نسبت نه عالم بالا، که عالم قدس است، و ح
سایه‌وار و ناایدار دارد، بلکه حتی عالم بالا بیدر سبب به ذات
الهی ناایدار است. عطار برای بیان این معنی بار نه
دیوانه‌ای می‌رود

کرد از دیوانه‌ای مردی سؤال
کیں دو عالم حبس با حدین خیال
گفت کیں هر دو جهان بالا و سب
فطره است نه بیست و نه هست

س همه موجودات این دو عالم صورتهایی است که بر آب
سته است. حتی موجوداتی که نه نظر صلب و سخت می

حزری حر صورتهای خیالی و ناپائدار بیستند

گسب از اول فطره آب آشکار

فطره است با حدس نگار

هر نگاری کان بود بر روی آب

گر همه رآهن بود گردد حراب

هیچ چیزی بسب رآهن سحر بر

هم بنا بر آب دارد در بگر

هر چه را سیاد بر آبی بود

گر همه آس بود حوایی بود

کس ندیدست آب هر گر ناپدار

کی بود بی آب ساد استوار^۱

سحنایی که این دیوانه بیان می کند حکمت محض است. عطار در حقیقت مطالب فلسفی و مابعدطبیعی را که خود بدان قابل بوده است از زبان این دیوانه و دیوانگان دیگر بیان کرده است. بیان این مطالب، در ضمن حکایت و با استفاده از تمثیل، جسّه ادبی و ساعرائه کار عطار را نشان می دهد. البته او می تواند به حای دیوانه حکیمی را نشاناند و این سخنان را از زبان او بیان کند ولی دیوانه عطار هم کسی حر حکم روس ضمیر نیست عطار هم ساعر است و هم حکیم و فیلسوف و وقتی از صاحب شعر با ما سخن می گوید باید در نفس شخصی ظاهر شود که این گسستگی از مردم و تعالی در آن ملحوظ باشد.

گوسه ای از مابعدالطبیعه و حکمت نظری دیوانگان را ملاحظه کردیم حال نظری به حکمت عملی انسان بیفکیم و ببینیم دیوانگان بر اساس چنین فلسفه ای چه اندررهایی به مردم می دهند

درس ازادگی

بحسب و مهمترین درس دیوانگان به مردم ازادگی است. ازادگی از نظر عارفی حو عطار یعنی تعسب و تعلقات مادی و دیبایی است و ازاده کسی است که به عم گدسه را می خورد و به عم آمده را ازادگی در حقیقت حزی است که اساتیب انسان بسته بدان است. کسانی که ریر بار تعلقات به سر می برند از حقیقت انسانی دور شده اند و این خود در واقع حال اکثر مردم است. مردم عموماً یا حسرت گدسه را می خورند یا بگران آینده اند و لذا از «بعد حال» خود غافل مانده اند. این مردم که خود را غافل می بدانند از نظر عطار صورت انسانی دارند، اما در باطن از اساتیب دور مانده اند فقط عده معدودی هستند که از بعد همه تعلقات ازادند یکی از این ازادگان دیوانه ای است بعدادی که عطار داستان او را در الهی نامه نقل کرده و در ضمن آن عقلت و سرگردانی همان مردمی را که در عن سوداردگی خود را غافل می بدانند از زبان دیوانه بیان کرده است.

دیوانه ای در بغداد در کج عربل سسته و با هیچ کس سخن نمی گوید. روری شخصی برد او می آید و علب این خاموسی را او می برسد

بدو گفتند ای محو عاخر

حرا حرفی نمی گویی تو هر گر؟

دیوانه با شنیدن این سؤال سکوت خود را می سکند و حوای می دهد: ما که حرف برنم؟ آدمی بیست که من با او حرفی برنم، انتظار داسه باسم او به من حوای دهد.

حس گفت او که حرفی با که گویم

حو مردم بیست ناسح از که حویم؟

ناسح دیوانه يك ناسح معمولی نیست. این همه آدم در دنیا رندگو می کند و همه هم، الحمدلله، از فوّه ناطقه بر حوردارند، با ایر حال، دیوانه ما دسا را از مردم حالی می بیند. وقتی آن شخص همین معنی را به دیوانه تذکر می دهد و می گوید. مگر این همه خلو خدا را نمی بینی و مگر اینها انسان بیستند؟ جواب می دهد: نه اینها هیچکدام «انسان» نیستند. حرا؟ برای اینکه انسان بحقیقت کسی است که اراده باشد، در عم دیر و زو فردا باشد، فقط در فکر يك حیر باشد

حس گفت او به اند این قوم مردم

که مردم ان بود کو از تعظم

عم دی و عم فرداس بود

رکار نهده سوداس بود

عم نامده هر گر ندارد

رفته حویس را عاخر ندارد

عم دروینی و روریس بود

بحر يك عم سار و ریس بود^۲

چه حیر است که انسان باید سب و رور دایم در اندیشه آزاد باشد؟ ناسح این سؤال روشن است. یگانه حزی که انسان آزاد باید به ناد آن باشد خداست. هر حیر دیگری که فکر و ذکر انسان را به خود مسعول کند مایه عقلت است. اساتیب انسان رمان

حاشیه

(۲) اسرارنامه، فریدالدین عطار، به تصحیح سیدصادق گوهری، تهران، ۱۳۳۸، ص ۱۳

(۳) به اصطلاح امروزی «دهن» آدمی

(۴) اسرارنامه، ص ۱۳

(۵) الهی نامه، فریدالدین عطار، به تصحیح هلموت ریر، اسانسول، ۱۹۴۰ (اقتب تهران، ۱۳۵۹)، ص ۱۴۷

(۶) همانجا

(۷) همان، ص ۱۴۶

(۸) منطق الطیر، فریدالدین عطار، به تصحیح سیدصادق گوهری، نگاه ترجمه سر کتاب، ۱۳۵۶، ص ۴۹

(۹) الهی نامه، ص ۲-۲۱

فلسفه را عطار خود در انتهای داستان بصراحت بیان کرده است که می گوید:

اگر هستی درین میدان تو بر کار
نصیب خویش مردانه بردار
خو از ماضی و مستقبل حر بیست
نحر عمر تو بقدری ماحصر بیست
مده این نقد را بر سیه بر باد
که بر سیه کسی نهاد باد

در این داستان، دیوانه کاری را کرد که اردستس برمی آمد. در داستانی دیگر، دیوانه ای را می بینم که حو می بیند کسی کاری اردستس برمی آید و نمی کند اظهار تعجب می نماید. دیوانه ای در راه می رفت. گذارش به دکان بفالی افتاد. وارد دکان شد و از بفال پرسید. معر بادم و سکر داری؟ بفال جواب داد: دارم، خیلی هم دارم، منتظر حر بدارم هستم. از سیدن این جواب دیوانه تعجب می کند. به بفال می گوید: سده خدا، کجای کاری؟ سکر داری، مغز بادم هم داری، آن وقت خودت نمی خوری و نیستی ای که یکی دیگر باید و به او بدهی!

در این داستان، بفال نمودگار (سمبل) خلق عالم است همه ما بفالایی هستیم که در دکان این دنیا نیستیم و نقد و وف و رورگار خود را حو سکر و بادم در بیس رو حاضر داریم ولی از آن استفاده نمی کنیم و منطرقیم که آن را با حری دیگر مبادله کنیم. دیوانه در این داستان مظهر عافلی و وحدان سدار آدمی است که می خواهد ما را از این سودای سباحصل منصرف گرداند به دیبال این داستان، عطار خود وارد صحنه می شود و برده از این حصفت برمی دارد در هر دمی که ما فرو می بریم هزاران هزار سر بهایی است و این اسرار نقد ماست و ما از آن عافلم:

هزاران بحر بر اسرار کامل
به یک دم می توانی کرد حاصل
ترا این سب در هر دو عالم
که بر باید رحابت بی خدا دم^{۱۱}

نفسی که ما دمدم فرو می بریم نعمت بررگی است که خداوند به ما عطا کرده است از این نعمت باید استفاده کرد و استفاده از آن ناس انفاس داستن است. در این مقام هر چه بر اسان مکسوف سود و هر برده ای که از بیس روی او برداسته سود باید از آن حسود ناسد نه تنها با داده باید حوس ناسد بلکه اگر هم حیری به او بدهد نار باید حوس ناسد

بهر حب او دهد دلداد می ناس
و گر بدهد حوس و آزاد می ناس^{۱۲}

این همان مقام رخصاست و کسی که به این مقام رسیده ناسد از هر چه بدو رسد محظوظ می شود، حو دهنده را کسی جز حق نمی بیند. این معنی را عطار در صحن داستانی از دیوانه مسهور،

تحقی می باید که از این عفلت بیرون آید و خود را سده خدا بداند و تو کلس بر او باند آرادگی اسان در سبگی و حدابرستی است عطار در این داستان یک نکته عرفانی را از زبان دیوانه تعدادی بیان کرده و به حواسده خود اندر داده است که غم دیور و فردا را بخورد و فرزند و وف خویش ناسد و از نقد حال بهره مند شود. این البیه نوعی بنفدی است، اما این بیفیدی به معنای بی اعسایی مطلق به دنیا نیست در غم گذشته و آینده بودن به معنای ترك دنیا نیست عطار می خواهد بگوید که اسان باید از دنیا محظوظ شود، بر عکس، همه نت او اس است که به اسان بگوید باید از دنیا کمال اسفاده را ببرد از نظر او مردم استیاه می کیند وقتی نقد حال را اردستس می دهند و با فکر گذشته معدوم و آینده موهوم خود را مسعول می کیند حس مردمی در حصفت ریان می بیند. اسفاده را کسی از دنیا می برد که از «نقد امروز» عافل نباسد. دیوانه تعدادی ما را از عفلتی که مردم عموماً بدان گرفتارند آگاه کرد و شرط اساست را در آن دانست که اسان در ذکر خدا و به ناد خدا ناسد در داسایی دیگر، عطار دیوانه ای را معرفی می کند که به مردم می امورد حجگو به باند از نعمتی که خدا در دنیا به اسان عطا فرموده اسفاده کیند.

دیوانه ای سر حوس و مسب از ریدگی تکه حوی برمی دارد و بر آن سوار می شود و می بارد، گویی بر اسایی راهوار سوار است این سحالی نظر سیده ای را جلب می کند و برای اسکه سر به سر دیوانه گذاسته ناسد از او می پرسد: چه حر سده که این طور ناحب و بار می کنی؟ دیوانه در ناسح می گوید حوس دارم حالا که ریده هستم و اردستم برمی آید دمی حند در میدان عالم سواری کم

یکی دیوانه حوی بر بسته
بک می سد حو اسایی بنگ سسه
دهایی داسست همجون کل ر حنده
حو بلبل حوس در عالم فکده
یکی بر سید ارو کای مرد درگاه
حس گرم از چه می ناری بو در راه
حسین گفت او که در میدان عالم
حوس دارم سواری کرد بکدم
که حو دسم فرو سیدند با تام
بحمد یک سر موم بر اندام^{۱۳}

در این داستان ظاهر یک گفتگوی بس با افتاده و بهریجی مان یک سحص که خود را عافل می نندارد با یک دیوانه که در دیوانگی او هیچ حای تردید نیست بس آمده است ولی با کمی دف متوجه می سویم که ساعر در حصفت می خواهد ما را از یک حصفت بررگ در باره وجود اسان در این عالم آگاه کند. در ورای حرک مضحك دیوانه و ناسح ساده او فلسفه ای نهفته است. این

بهلول، بیان می‌کند.

بهلول در زمان هارون الرشید زندگی می‌کرد. روزی ریده، زن هارون، برایش بریانی و حلوا می‌فرستد. بهلول می‌نشیند و همه آنها را خودش تنها می‌خورد. یکی از او می‌پرسد: «می‌خواهی از این عدا به دیگران هم بدهی؟ بهلول برآشفته می‌گوید: حرا بدهم؟»

که حق حو این طعام این زمان داد

حگونه این زمان ما او توان داد^{۱۳}

در این داستان، بهلول همان کاری را کرده است که بفال می‌نایست می‌کرد. خدا به دسب ریده نه او بریانی و حلوا داده و او بسته و حورده، نه کسی هم نداده است. این عمل نه به معنای بی‌اعتنایی سبب به خلق است، بلکه کمال استعراق در حق و نعمت اوست. اگر توجه انسان به خلق خدا موجب سود که او از خدا غافل ماند، باید از خلق روی بگرداند. البته کاملانی هستند که توجه ایشان به خلق عین آگاهی آنان از حق است، ولی دیوانگان در این مقام نیستند. مرتبه دیوانگی مرتبه مردم‌گریزی است.

بهلول از نعمتی که نصیبش شده دل‌ساز گشته است اما این حسودی و رصا باید در همه احوال باشد. چه بدهند و چه ندهند. «وگر ندهد خوش و آزاد می‌باش». این آزادگی در حصفت ترك اختیار است و کسی که به این مقام رسیده باشد دسب از اختیار برداشته و تسلیم اراده حق شده است. این ترك اختیار و تسلیم رصا در واقع از مقامات عارف است و در ادبیات ما گاهی از دیوانگانی یاد می‌شود که دقیقا به همین مقام رسیده‌اند. مثلا سعدی در بوستان از دیوانه‌ای حکایت می‌کند که وقتی از او پرسیدند دورح را می‌خواهی یا نه‌بست را، در پاسخ می‌گوید هر کدام را که خدا بخواهد این ادبیات می‌توانست از عطار باشد: یکی بیس سوریده حالی بست

که دورخ تما کی یا نه‌بست

نگما مرس از من این ماحری

سندیدم اح او سسد مرا^{۱۴}

ناسح این دیوانه در حصفت ناسح يك عارف عاسق است همان طور که عاسق از خود اختیاری ندارد و حواس او حواس معسوق است، این دیوانه بیر همان حیری را می‌خواهد که خدا می‌خواهد. بدیهی است که در حین مقامی عاسق یا دیوانه نمی‌تواند چیزی از حق طلب کند؛ نمی‌تواند دعا کند، چه انسان در دعا خواست خود را در میان می‌گذارد و آن را برخواست خدا ترجیح می‌دهد. این معنی را عطار خود در یکی از داستانهای دیوانگان بیان کرده است.

محل وقوع داستان يك مسجد است و مسجد حایی است که مردم باید در آن عبادت کنند، یعنی در مقام عبودیت در بیسگاه حق

سجده کنند و خود را با تمام وجود تسلیم رضای معبود سازند. ولی عموم مردم، حتی واعظی که ایسان را موعظه می‌کند، از این معنی غافل‌اند. در جایی که مدعیان عقل و عاقلی از يك حقیقت مهم غفلت می‌ورزند، بوب دیوانگان است که قدم بیس گذارند و ایسان را موعظه کنند، موعظه‌ای دیوانه‌وار و در عین حال حکیمانه.

واعظی بالای منبر دعا می‌کند و مردم، مطابق معمول، «آمین» می‌گویند. دیوانه‌ای در مجلس به با می‌خیزد و از مردم می‌پرسد: «آمین یعنی چه؟»

دعا می‌کرد ان داسده دین

حهای خلق می‌گفتد آمین

یکی دیوانه گف آمین چه ناسد

که آگه بیستم تا این چه ناسد

مردم در جواب دیوانه می‌گویند: آمین یعنی این که هر چه واعظ از حق خواست «حنان باد و حنان باد و چنان باد». با شنیدن این سخن، دیوانه برآشفته شده فریاد می‌زند: بس آمین نه آمین.

که سود آنچان و ایحیی هیچ

کامام حواحه خواهد خند از این بیج

ولیکس حر حمان سود کم ویش

که حق خواهد چه می‌خواهد از حویس^{۱۵}

در این داستان و همچنین در داستانهای دیگری که نقل کردیم، دیوانگان درس آزادگی و حذارستی را به عموم مردم از همه طبقات و گروههای اجتماعی دادند مخاطب آنان عموم مردم بودند. اما داستانهای دیگری هم هست که در آنها سخن یا گروه خاصی مخاطب یا مخاطبان دیوانگان واقع می‌شوند و دیوانگان حکمتی را بیان می‌کنند که ناظر به وظایف گروهها و شخصیتهای خاص اجتماعی است. در رأس همه این مردم ناساها و حکام نه طور کلی صاحبان قدرت‌اند.

نکوهش غرور و خودبینی

در بسیاری از داستانهای دیوانگان، چه در آثار عطار و چه در کتاب عفلاء المجانس و چه در آثار نویسندگان دیگر، ما با مجانیسی آسا می‌شویم که در مقام منتقدان اجتماعی و سیاسی سلاطین و حکام

حاشیه

(۱۰) همان، ص ۲۳۷

(۱۱) اسرارنامه، ص ۸-۱۸۷

(۱۲) الهی‌نامه، ص ۲۰۸

(۱۳) همانجا

(۱۴) بوستان، به تصحیح علامه حسین یوسفی، انتشارات حواری، تهران

۱۳۵۹، ص ۹۱

(۱۵) الهی‌نامه، ص ۱۶۷

می‌توانم حکم کنم که بلایی سخت به سرت نیاورد» دیوانه، بی آنکه از این تهدید ترسی به خود راه دهد، به ساه می‌گوید: «تو حتی بر نفس خود هم حاکم هستی چه رسد به اسکه حکم بر دیگران جاری باشد».

دو دیوانه گفاهین سدیدس
که امر تو روان خون بیست بر حوس
ناسد بر دگر کس هم روانه
مرا منسول حد اری بهانه^{۱۶}

در این داستان، عطار تلویحاً بر عصبه سیاسی رایج در میان ورزایی خون حواحه نظام الملك طوسی و علمایی خون ابو حامد محمد غزالی خرده گرفته است. از نظر اس ساعر عارف، سلطان نه سایه خداست و نه اولوالامر بلکه موجودی است ضعیف و حقیر که حتی بر نفس خود هم تسلط ندارد. محمود، با آن همه قدرت و سوکت، مانند هر آدم معمولی دیگر ضعیف و اسیر نفس اماره حوس است؛ و ابگهی، او مانند همه پادشاهان به هر حال اسان است، و هر انسان موجودی است با محدودت‌ها و ضعفهای طبیعی خود. اس محدودیت و ضعف طبیعی را باز عطار در یکی از داستانهای دیوانگان با ظرافت خاص بیان کرده است.

پادشاهی به دیوانه‌ای می‌رسد، نه او می‌گوید: «ار من حاجبی بخواه تا برآورده کم» دیوانه به ساه می‌گوید: «کاری کن که این مگسها دست از سر من بردارند گویی که در جهان هیچ کس دیگر نیست، همه جمع شده‌اند دور سر من»

نه سه دیوانه کف ای حفته در بار
مگس را دار امروری رمی بار
که خندان اس مگس در من کریدند
که ثوبی در جهان خر من بدیدند

ساه در جواب می‌گوید: «من نمی‌توانم این کار را بکنم، خون مگسها که در فرمان من هستند» دیوانه هم حق ساه را کف دسس می‌گذارد و می‌گوید: «س برو بی کار، بحالت نکس»

خو بو بر يك مگس فرمان داری
برو سرمی بدار از سهر باری^{۱۷}

با اس تفاضل، اطاعت از او امر حسن اسخاص ضعیف و دلیلی واجب نیست بلکه اس قبل اسخاص حتی لایق ان هستند که کسی اعتنایی به ان نکند. اس بی اعتنایی را عطار در داستانهای فوق عملاً بیان داده است. در داستان قبلی، وی پادشاهی را، با ان همه سکوه و حلال و قدرت و سوکت، بر دیوانه‌ای می‌برد که عار داشت حتی به او نگاه کند؛ عکس العمل ساه نسبت به ان دیوانه نوأم با جسم اسب، ولی، در داستانی دیگر، عطار همس ساه را در برابر دیوانه‌ای دیگر به الماس وامی‌دارد.

سد مکر محمود در و برانه‌ای
دد احبا بدلی دیوانه‌ای

را آماج سخت‌ترین انتقادهای می‌سارید. ربان دیوانگان در این داستانها در واقع ربان دل مردم است و علت رواج داستانهای دیوانگان در جامعه ما بر تا حدودی همین بوده است. ربان مردم به دلیل «عافلی» اسان بسته بود ولی دیوانگان به حکم جیون و بی عافلی قادر بودند گستاخانه در برابر صاحبان قدرت و زور نایسند و از ظلم و جور اسان سکات نکند و معاتب انان را بر ملا سارید. نویسندگانی خون عطار که به نقل این داستانها می‌پرداختند، در واقع، حرف دل خود را از ربان دیوانگان اظهار می‌کردند.

عطار در حکمت سیاسی دیوانگان اساساً از يك صفت مدموم در پادشاهان انتقاد می‌کند و آن فرعونیت است. فرعون، همان طور که می‌دانم، دعوی خدایی داشت و این دعوی را بر اظهار می‌کرد؛ ولی در مدن اسلامی حلقا و سلاطین، که ادعای مسلمانی داشتند، نمی‌توانستند اسکارا دعوی خدایی کنند. آنها به ظاهر و نه ربان مسلمان و موحد بودند، اما در معنی، بی آنکه خودسان هم بدانند، همان راهی را می‌رفتند که فرعون رفته بود. عطار موسی‌هایی را به سراع اس فرعونها می‌فرستد تا با اسان مبارزه کنند و کفر حق اسان را آسکار گردانند، از این راه، هم خود انان و هم مردم را سست به اس حقیقت آگاه سارند. یکی از اس فرعونها سلطان عربوی محمود است که عطار حدیث حکایت را از بر خورده او با دیوانگان گمنام نقل کرده است.

سلطان محمود روری از راهی می‌گذشت دیوانه‌ای را دید در کنجی سسته، رفت و در کنار سست دیوانه نه از حاس حسد و نه احرامی به ساه گذاشت حتی يك کلمه حرف هم با او برد بر عکس، کاری کرد که محمود اصلاً انتظار اس را نداشت. دیوانه حسمان خود را سست و اس عمل باعث ریجس محمود شد و نه او کف حرا حسمان را سستی؟ کف برای اسکه نمی‌خواهم روت را سسم اس ناسخ صریح جسم و غصب ساه را بر انگشت که نه او کف روا نمی‌داری که روی کسی را که ساه عالم است سستی؟ محمود، با اس سخن، بکر و رعوت خود را آسکار می‌سارد و دیوانه ناسخی به او می‌دهد که از يك موحد انتظار ان می‌رود می‌گوید من حتی روا نمی‌دارم که به خودم هم نگاه کم با چه رسد به دیگران.

خو خود سستی درس مذهب روا نیست
اثر سستی حر خطا نیست

دیوانه درس بررگی به محمود داده، ولی ساه معنای ان را درک نکرده است. خود سستی و غرور و بحوت او سس از ان است که به وی محال اندسندن و درك اس اندر را بدهد و لذا از روی جهالت و اکسسی سسان می‌دهد که سوه حکام و سلاطین مکتور و مفرع اس با تهدید به دیوانه می‌گوید: «من اولوالامر جهانم و

سر فرو برده به اندوهی که داس
سب ز بر مار آن کوهی که داس
ساده را چون دند گفیس دور ناس
ورنه بر حاسب ریم صد دور ناس
تو به ای ساهی که تو دون همی
در حدای حوس کافر بعمی
گفت محمود مرا کافر مگوی
یک سخن با من بگو دیگر مگوی
گفت اگر می دایی ای سحر
کز که دور افتاده ای ریر و ریر
بسی خاکسیر و خاک تمام
حمله اسن ز بری بر سر مدام^{۱۸}

در اسحا عطار، در واقع، به همه ساهان خطاب کرده و همه آنان را دون همب خوانده است. این انتقاد در حقیقت حرف دل شاعر است که از ریان دیوانه‌ای بیان شده است. او نمی‌توانست این سخنان را با این صراحت مستقیماً بیان کند و از گردن سلطان و حاکم وقت در امان بماند. بیان این انتقادهای محتاج به یک نوسن موخه بود و یکی از موه‌های نوسنهای که عطار می‌توانست احتیاط کند استفاده از ریان دیوانگان بود. بسیاری از داستانهای دیوانگان در آثار عطار و سله‌ای است برای بیان انتقادهای سیاسی او از قدرتمندان و حکام عطار در ضمن این داستانها بی‌محانا حرف دل خود را بیان می‌کند و س از آن سر سخن خود را بعمم می‌دهد و دعوی سروری و حواحگی حکام و ساهان را دعوی بوح و حسی بک آور می‌خواند. مثلاً، در اسهای داسان فلی، خطاب به همه کسانی که خود را سرور و حواحه دیگران می‌ندارد می‌گوید

می‌اید ترا رس حواحگی بک

که نرد آورده‌ای عمری دوم سنگ^{۱۹}

عطار در اسحا همه آنچه را که مایه بربری حویی ناساهان و بوانگران است از ایسان می‌گیرد. احساس قدرتمند بودن یکی از اسات بربری حویی ایسان است که عطار سعی می‌کند با بیان دهد که این مدعیان قدرت برستی قدرتمند نیستند مانه دیگر بربری حویی از راه جمع‌آوری مال و بروب دسا به دست می‌آید و این مایه را بر بار عطار سعی می‌کند بی‌اررس و بی‌اعتبار سازد. در بیت فوق، حنان که ملاحظه شد، شاعر ز و سم و کوهرهای فسمی را «دوم سنگ» خواند اما در داستانهای دیگر، برای بی‌اعتبار کردن بروب دسا، وی موضوع را از نظرگاه دیگری ملاحظه می‌کند و آن نظرگاه آخرت است. به عبارت دیگر، وی مسأله مرک را سس می‌کشد و از جهان دیگر به اس جهان نگاه می‌کند. مال و بروب دسا زمانی معبر و ارزشمند است که ما از دیدگاه دسا به آن بنگریم؛ ولی، وقتی نظرگاه خود را تغییر دادیم و از نظرگاه آخرت و با توجه به مرگ و بسی ایسان در دسا

به موضوع نگاه کردیم، ارزشها بکلی دگرگون می‌شود. دیوانه‌ای در راهی بسته و کاسه سر مرده‌ای را در مقابل ح نهاده است. ناساهی از آنجا می‌گذرد. حشمن به این صحنه می‌افتد و از دیوانه می‌پرسد: «این کاسه سر برای چیست؟»
به سه گفتا که سه اندیشه کردم
ترا با حویستی هم بیشه کردم
بدام کله حون من گدایست
و یا خود آب حون تو ناساهیست^{۲۰}
عاقبت دیوانه و ساه یک چیز است و آن مرگ است. و از این دیدگاه میان ساه و دیوانه فرقی نیست.

درس عترتی را که دیوانگان به ساهان دادند و انتقادی که از عرو و فرعن آنها کردند ملاحظه کردیم. اما انتقاد دیوانگان عطار از خودسان و فرعون صفتان فقط متوجه ساهان نیست. عطار ناساهی را نقل می‌کند که در آنها به‌طور کلی از صاحب قدرت فرعون صفتی انتقاد شده است. در یکی از این داستانها، بهلول دیوانه را می‌بینیم که در بغداد یکی از عمال حلقه را سررس می‌کند.

صاحب قدرتی سوار بر است از حیایانهای بغداد
حال عبور است. سرهنگانی که ملازم رکاب او هستند با فریا «دورسو! کورسو!» مردم را کنار می‌زنند:

یکی می‌رود در بغداد بر رخس
تو گفتی بود در دعوی جهان بخش
س و سس سس سرهنگ می‌سد
به مردم بر آورده تنک می‌سد
رهر سویی حروس طرفوا بود
که بردارد او از حار سو بود^{۲۱}

در همن هنگام، بهلول سر می‌رسد، مستی خاک در دست می‌گیرد می‌گوید

که حدس کز از حاکی روا نیست
که گر فرعون سد حواحه خدا نیست

بهلول در اینجا به حقیقتی در وجود ایسان اشاره می‌کند. حال مطهر سستی و مدلت است و این، در حقیقت، مقام و مرتبه دسایی ایسان در سسگاه حق است. این وجود حاکی با همه سستی و مدلتی که دارد دعوی خدایی می‌کند، و نمودگار این دعوی عنصر با است

حاشیه

(۱۶) همان، ص ۳۱-۳۳

(۱۷) اسرارنامه، ص ۱۶۱

(۱۸) مطلق الطیر، ص ۱۹۹

(۱۹) الهی نامه، ص ۲۳۱

(۲۰) همان، ص ۱۲۴ داستان مساهی هم در مقصد نامه (ص ۳۲۷) آمده است

(۲۱) همان، ص ۲۱۴

باد مظهر بوحی و هیجی است و، چون دعوی حدایی و تفرعن در اسنان باطل است، در حکمت دیوانگان از آن به «باد» تعبیر شده است. نادی متعص و آرا دهنده این معنی را عطار در حکایتی دیگر بیان کرده است. و این بار کسانی که آماج اسفاد و سررنس فرار می گیرند به ساه اند و نه حاکم بلکه عده ای ناربرورده و معرور و متکبرند که نا بخوب و رعنایی از میان مردم خرامان خرامان عبور می کنند^{۲۲} در میان مردم دیوانه ای است که همی که حسس نه آنها می افتد سر در گریان فرو می برد:

حو ان دیوانه بی حاروبی مان
دیدن ان حل خودین را حرامان
کسید از سگ سردر حب انگاه
که تاران عافان حالی سد آن راه

س از اینکه اس عده دور می شوند، دیوانه سرس را بالا می آورد یکی از او می پرسد چرا حبس کردی؟ دیوانه می گوید: از س نادر و ابیحا دیدم برسدیم باد مرا برد.

حو نگدستند سر بر کرد از حب
یکی برسد اردو کای مرد بی عیب
چرا حو روی رعنایان بدیدی
سدی ایسقه و سر در کسیدی؟
حس کف او که سر را در کسیدم
ر س نادر و ابیحا که دیدم
که برسدیم که بر ناند مرا باد
حو نگدستند سر بر کردم ازاد
ولی حو نگد رعنایان رسیدم
سدم بی طاف و سر در کسیدم^{۲۳}

کبر و غرور و رعنایی در ابیحا باد خوانده شده است و این خود نوعی محار است اما عطار سعی می کند با حایی که ممکن است آن را به حقیقت نزدیک گرداند و، به اس منظور، نای دیوانه را به سس می کند باد غرور و رعنایی برای دیوانه نادی است واقعی و محسوس با نوبی متعص حی این باد آنقدر سدید است که دیوانه می پرسد مبادا او را با خود ببرد. البته خود ان رعنایان از این باد عافل اند و ان را احساس نمی کنند آنها فایلت درک اس معنی را ندارند عطار در اس داستان از رعنایان و کبر و غرور اسان اسفاد کرده است ولی مخاطب دیوانه خود اس رعنایان هستند در داستانهای فلی بر عطار، هر چند خطاب دیوانگان را متوجه اسخاص معرور و مفرع نموده است، هیچ اساره ای به تأیر اندر رهای دیوانگان در اسان نکرده است سیدن و درک اندررو تبیه سدن فایلتی است که در هر کس نیست سلطان مفرعی چون محمود عربوی و قدرمندان دسادار و معرور می تواند از عیب خود آگاه شوند ولو اینکه دیوانه ای به ایسان تذکر دهد. البته کسانی هم هستند که گاهی گرفتار عجب و غرور و تفرع می شوند، اما خودسان می توانند بر آن آگاهی پیدا کنند.

یکی از این اسخاص سح ابو نکر سناوری است که عطار داسانی از وی در منطی الطیر آورده است^{۲۴} این داسان ظاهرا مربوط به دیوانگان بیس ولی نکته ای که در آن بیان شده است همان حکمت دیوانگان است. موضوع داستان غرور و کبر و نحوب و مفرعی است که عطار معمولا از ریان دیوانگان نکوهش کرده است علاوه بر این، در این حکایت نیز غرور و کبر و خودسی با باد ارتباط پیدا کرده است. بادی کاملا محسوس سح ابو نکر سری است راه رفته و روشن صمر. روری همراه مریدان خود از حانقاه بیرون می اند و سوار بر خر، که مرکوب علما و مسایح است، به راه می افتد در میان راه ناگهان اسافی می افتد.

سیح بر حر بود بی اصحابنا
کرد ناگه حر مگر نادی رها
سح را ران باد حالت سد بدیدی
عره ای رد حامه برهم می درید

سور و حالی که سح در ابیحا پیدا می کند سور و حالی است که معمولا در محالس سماع به صوفیان دسب می دهد. عره ردن و حامه برهم دریدن در ملاعام، آن هم از حالت سحی آداب دان، براستی مانه تعجب است هیچکس، حتی مریدان خود سح سز، از اس حرکت حوسس نمی آید.

س از اینکه سیح به خود می آند، یکی از مریدان برد آورده می پرسد: «سح، چه سد که در اسحا حال کردی؟» سح در حواب می گوید. همس طور که من سوار بر حر می رفتم، نگاه کردم دیدم اصحاب من آنقدر ریادند که راه را سد آورده اند. فکر کردم با اس همه مرید که در بیس و سس من حرکت می کنند من دیگر دسب کمی از نایرد سظامی ندارم از اس گذشته، فکر کردم اس مریدان از حان گذشته ای که امرور در دنیا با من اند فردای فنامت سز مایه سرافراری من خواهند بود در همس فکرها بودم که

گف حو این فکر کردم از فصا
کرد حر اس حانگه نادی رها

تا ابیحا سیح ابو نکر در نفس يك آدم خودین و مفرور بوده است، اما از این لحظه ناگهان او نفس دیگری پیدا می کند، نفسی که عطار در داستانهای فلی به دیوانگان داده است. به عبار دیگر، نادی که از حر صادر می شود سیح را موقتاً دیوانه می سازد. دیوانه ای از مرمره عقلای محانین. البته، عافلی سح در ابیحا مقدم بر دیوانگی اوست و سانه آن فلی او از آن باد است. سح در معنی آن باد می گوید

یعنی آن کو می رید این شیوه لای
حر حواس می دهد حد از گرا

به دنبال این معنی است که سح دیوانه وار به عره زدن و حامه بر تن دریدن می بردارد.

در سبب حوین اسم در جان فدا

حای حاتم بود و حاتم ران فدا

حسانکه ملاحظه می شود، عطار در این حکایت همان که ای را به ما می آموزد که در داستانهای دیوانگان آموخته و سخته ای که وی از این حکایت می گیرد کمابیس همان نیجه کلی است که وی از داستانهای قبلی گرفته است

با تو در عجب و سروری مانده ای

از حقیقت دور دوری مانده ای

عجب برهم زن غرور را سرور

حاضر نفسی حضور را سرور

ای نگشه هر دم از لویی دگر

در تن هر موئی مرغوبی دگر

با تو بک دره نافی ماندست

صد سال از تو نافی ماندست

اندرری که در ضمن حکایت سیح ابو بکر بساویری به ما داده شده است همان اندرری است که دیوانگان در حکایات قبلی در برخورد با سلطان محمود و اسخاص معرور و مسرع و حوزین به ما داده اند اما این حکایت یک فرق عمده با حکایات قبلی دارد و آن تحلیل است که عطار از حالات و شخصیت سیح ابو بکر می کند سیح ابو بکر، از این جنب که موهبا گرفتار عجب و فرغویی شده است، خندان فرقی با سلطان محمود و حاکم بغدادی و آن قوم معرور و منکر ندارد، اما از یک لحاظ دیگر با آنها کاملاً فرقی دارد و آن استعداد و قابلیت او برای مسنه شدن است. در این حکایت، عطار، علاوه بر آنکه به ما یک بند اخلاقی می دهد، دقایق روانشناسی بندبندی را نیز تشریح می کند. در این حکایت کسی به سیح صریحاً خبری نمی گوید، اندرری به او داده نمی شود، اما استعداد او و ضمیر روئیس به وی کمک می کند تا از یک فعل نحو و بی معنی سخته ای بر معنی بگردود و در آن محو شود. بطور این تحول و انقلاب نفسانی را عطار در ضمن یک داستان دیگر بدقت برای ما شرح می دهد، داستانی که در آن هم اندر دیوانگان است و هم گوسی آماده سیدن آن

اندررهای دیوانه را در هوا رها نمی کند بلکه خود همراه آنها درو، جان مخاطب می رود و خواننده را نیز با خود می برد و او را بحر نه خودی اندرر سوخته آسای می سارد. در این داستان، ما روانشناسی عرفانی در حکمت دیوانگان آسای می شویم.

هارون الرشید از راهی می گذرد^{۲۵} از اتفاق، گذر بهلول بر ایحای می افتد، چون هارون را با آن همه حسمت و حلال و ککبه دیده می بیند، به صدای بلند او را مخاطب می سازد و می گوید: «هارون عم حوازا»

هارون از اینکه می بیند شخصی این چنین گستاخ، بدو رعایت احترام و سرفیاق معمول، او را به اسم خوانده است. حسمت می شود و از سرفیاقان خود می پرسد این بی سر و کسب که به خود حرأب داده مرا در ملاعام به اسم صدا رد؟ به می گویند که این شخص بهلول دیوانه است

بدو گفتند بهلول است ای ساه

روان شد پس او هارون هم انگاه

بدو گفتا بدانی احترام

نه می خواهی تو بی حاصل به نام؟

می دانی مرا ای مرد محزون

که بر خاک بر برم حوین هم اکنون؟

واکس هارون و خطاب و عتاب او با بهلول در سبب ما واکس محمود است سبب به دیوانه ای که از دیدن روی او عداست اما ناسخ بهلول در ایحای ناسخ آن دیوانه گمنام فریاد دارد او سر، بی آنکه بررسی از بهدید حلقه به خود راه دهد، د کمال سحاعت می گوید آری، می دانم که حلقه ای و این کارها دست ساخته است، اما این را هم می دانم که قدرت تو محدود است، چون در آن واحد در همه جا نمی توانی ناسی تا اعما قدرت کنی و لذا وقتی که در معرب هسی کسی در مسرق از آن نمی پرسد اما این محدودیت تأثیری در مسؤولیت تو ندارد اگر همان نقطه در مسرق نای سرری به سگی اصابت کند و محرو شود با اگر بلی سگسته ناسد و نای بری در آن سگستگی فرورود

حاشیه.

۲۲) اسعاد عطار از این نوع رفتار بی سگ منتهی بر تعالیم قرآن است در این مورد سگریده به سوره لقمان، آیه های ۱۸ و ۱۹ (ولا تمس فی الارض مراحا ان الله يحب کل محال فحور و اقصی فی مسك)، برای داستانی مشابه، سگریده، مصنف نامه، ص ۱۷۴

۲۳) الهی نامه، ص ۲۱۵

۲۴) منطق الطیر، ص ۱۶۲-۳

۲۵) سگریده به الهی نامه، ص ۲۶۴-۶. سیه این داستان را درباره هارون الرشید و دیوانه ای دیگر به نام ابوعمر مضاف که در مدینه زندگی می کرد نقل کرده اند رجوع کنید به «علاء المحاسن» به روایت ابن الحوری» در معارف (ویرنه ماه، علاء المحاسن)، دوره ۴، شماره ۲، مرداد- آبان ۱۳۶۶، ص ۲۰۲

رواستناسی اندر زبیری

داستانی که می خواهیم بررسی کنیم درباره دو شخصیت تاریخی است یکی بهلول و دیگری هارون الرشید عطار، در این حکایت، بهلول را در مقابل حلقه عباسی قرار می دهد، و در ضمن یک گفتگوی بسیار طولانی، نکته هایی را به هارون متذکر می شود که هر یک اندرری است حکیمانه و بر معنی از زبان یک دیوانه اما ساعر، در ضمن اندررگویی، به یک کار مهم دیگر میرسد می رند و آن وصف حالات نفسانی حلقه پس از سیدن هر یک از اندررهای بهلول است. به عبارت دیگر، عطار، در این داستان،

گیر کند، تو مسؤول آن خواهی بود.

حواس داد مرد تر معانی
که می‌دام تو این سکو توانی
که در مسری اگر رالیست نامی
که بر سنگ ایدس نای انقادی
اگر حایلی نلی ناسد سکسه
که گرداند نری را نایسته
بو گر در معری از بو نرسند
نرس ای سحر کر بو نرسند

در اینجا بحسب اندرز بهلول به حلیفه حاتم می‌یابد و عطار بوجه خواننده را به مطلب دیگری جلب می‌کند در داستانهای قبلی، عطار کاری با محمود و آن صاحب منصب پس از سندن اندرز دیوانگان نداشت. ولی، در این حکایت، او پس از هر اندرز بلافاصله به سراع اندرز سوخته می‌رود و حال او را برای خواننده وصف می‌کند در اسحا، هارون، با سندن این سخنان، به حدی تحت تأثیر قرار می‌گیرد که راز را به گر نه می‌افند این وقت حال خود کمالی است که عطار به حلیفه مسلمس سبب می‌دهد و به موجب همس کمال بهلول بیر رفار ملا نمری با حلیفه در بیس می‌گیرد. از نظر عطار، حلیفه مسلمس، به خلاف سلطان عرب، ناید این قابلیت را داشته ناسد که از سخن حق نبد گیرد و همس قابلیت است، که عطار می‌خواهد در اسحا تحلیل کند و در ضمن آن به بیان «رواسیاسی اندرز ندری» منادرب کند این تحلیل و تنس رواسیاسانه موضوع مهمی است که نابد از اندا آن را مورد مطالعه قرار دهیم

کفیم که بحسب اندرز بهلول به حلیفه آن بود که به وی ندر داد که بو نا همه قدری که داری نمی توانی ناسد خدا در همه جا حاضر ناسی و اعمال قدر کبی ولی، در عس حال، از نابت هر ظلمی که در ملک بو به رعایای تو و حی به حاربانان اسان نرود مسؤول خواهی بود این البته بحسب اندرز صریح بهلول است، اندرری که هارون آن را سنده و بحب تأسر آن فرار گرفته است اما، اگر دف کیم، می‌سیم که اولس اندرز و سبه بهلول در حصفت در همان خطایی بوده که نا هارون کرده است بهلول فر نادر «ای هارون عم حوار» و نا همس خطاب به حلیفه هسدار داد هارون حلیفه‌ای است بر قدر، نا ملکی وسیع و حرایی بی‌سماز طاهرأ این همه مکب و دول نابد او را دلساد و حوسحت کرده ناسد ولی در حصفت حس سبب از نظر بهلول، این همه دول و مکب به ننها موجب حوسبختی و سادمانی حلیفه سده بلکه بر ثریسان خاطری و عمگینی او افروده است. هارون ناید غم یک دنیا علقاب را که لازمه خلاف است نچورد. این معنایی است که در دل خطاب بهلول بهفه است. اما هارون به آن توخهی نمی‌کند او نمی‌تواند موخه این معنی سود، زیرا او هور

در مرتبه فرعوبی است و این فرعونیت مانع از آن می‌سود که او بکنه ظریفی را که در خطاب دیوانه است درک کند. اولین واکنس هارون نسبت به بهلول حسمی است که از همین تفرعن بر حاسه است بهلول ریر کانه این فرعونیت را هدف فرار داده و بدون رعایت احترام او را به اسم سدارده و تر او دقیقاً به سانه سسته و فرعون نفس هارون را حربه‌دار کرده است

خطاب و عنایی که هارون نا بهلول می‌کند عریده نفس مفرعن اوست و بهلول، در ناسح به وی، یک نار دیگر همس فرعون نفس را هدف فرار می‌دهد. به او می‌گوید بو حلیفه‌ای و دارای قدر، اما این قدر تو در جنب قدر الهی بسیار محدود است. ولی در عوض نار مسؤولی که در مقام خلاف بر دوس داری از حدود قدر تو سی فرار است این موعظه دفماً در نفس هارون کارگر می‌افتد و فرعونیت و عرو و بخوب را از او می‌گرد گر نه و راری حلیفه در حصفت سانه فروریختن فرعونیت اوست و عطار سسار اسادانه از عهده بوصف آن برآمده است.

پس از آنکه هارون از بحب فرعوبی به ریر آمد، نا حدودی همرته بهلول می‌سود و رفتار دیگری در بیس می‌گرد از اینجا به بعد لحن هارون تعیر می‌کند. حسوب و نغیر حای خود را به ملائمت و مهر نانی می‌دهد. به بهلول سسهادی می‌کند، می‌گوید آنا به کسی ندهکاری داری تا ما آن را نرداریم؟

هر چند عرو و بحوب فرعوبی نفس هارون را برک گفته و او را از حیث مر به بهلول نا حدودی بر دیک کرده است، هور هم حس برتری در او نافی است هارون، در عس سسهادی که به بهلول می‌کند، بلو نحا می‌گوید که من عسی هسم و بوفر بهلول نر در اسحا به سراع همس احساس توانگری می‌رود و در صدد برمی‌آند تا یک نار دیگر حلیفه را گو سمال دهد توانگری صفی است محتص ناری نعالی به نندگان او درست است که حلیفه حرایی بی‌سماز در احتار دارد، ولی آنچه در خراین اوست از آن مردم است به از آن سحص او. نابران، حون حلیفه به بهلول می‌گوید اگر تو وامی داری نگو تا ما آن را نرداریم، بهلول در ناسح می‌گوید تو می‌خواهی وام مرا نا بولی که معلو به مردم است نرداری.

که بو وامی به وامی می‌گراری
حو مال حویس یک حو ندری
را گر مال مال مردماست
که سبب آن بو هر حب این رماست
برو مال مسلمانان ر سده
که کفب مال کس سنان به کس ده

پس از این تبیه، عطار نار دیگر به «رواسیاسی اندرز ندری» روی می‌آورد و تأسر سخن بهلول را در هارون بیان می‌کند. ابتدا

فرعونیت از او گرفته شده و سپس احساس توانگری. بدین ترتیب، خلیفه به نابوایی و فقر وجودی خود پی برده و خود را به همرته بهلول دیوانه بلکه حتی از او سر حقیرتر دیده است کسی که با بند و اندر هوسارانه خود در جان او نفوذ کرده و لباس فرعونیت و غرور و توهم توانگری را از نفس او منحل ساخته بی شک از او عافتر و با فصیلت تر است. احساس عجز هارون را در تقاضایی که از بهلول می کند می توان مشاهده کرد دفاعی پس او خود را برتر می داند و می خواست حیرت به بهلول بدهد ولی حال خود را محتاج او می بیند.

بصحب حواس از بهلول هارون
بدو گفت آن زمان بهلول محزون
که ای اساده در دنیا حسین راست
سنان اهل دورخ در تو ندانست
ز روبرو محو کردن آن سانی
و کز نه گفتیم و رفتم تو دانی

سبحان بهلول با پس از آن تسبیح در حقیقت نبیه بود دیوانه ما سعی داشت خلیفه را از وضع خود در دنیا آگاه سازد ولی در اینجا او می خواهد عاقبت کار او را در احرب به وی کوسرد کند و بگوید اگر کردار خود را بکوی بگرداند هم حسرت الدنیا خواهد بود، که هست، و هم حسرت الآخره البته خلیفه سعی می کند مقاومت کند می نداند که خود از دور حیان نیست، اگر چه از مال دنیا فقیر است بی کردار نیست، حیا می کند که اعمالی دارد و این اعمال او را در احرب نجات خواهد داد و فی اعمال خود را به رح بهلول می کشد، دیوانه در مقام یک روانشناس سرس به او می گوید

بدو گفتا من هر ماه و هر سال
که هم چون اهل دورخ داری احوال

با شنیدن این جواب، هارون از عمل خود سر ناامید می شود ولی هنوز یک حیر دیگر در او هست که می تواند بدان افکار کند خلیفه عباسی سستیس به بغیر اکرم (ص) می رسد

دکتر ره گفت اگر چه نوالفقولم
سب بقدرت ماری ای رسولم
بدو گفتا که چون فرات سندی
فلا انسان بیهم^{۲۶} دیدی؟
دکتر ره گفت هان ای که بفاعت
امیدم منقطع نیست از سفاعت

بهلول تا اسحا هر چه هارون داشته است از او گرفته است بر قدرت ترین و بر و تمندترین شخص را عاخر و فقیر کرده و حتی امید او را از اعمالش در احرب قطع کرده است تنها حیرتی که برای خلیفه مانده امید به سفاعت بغیر (ص) است ولی

بهلول بار هم دست بردار نیست. اندر او باید به یک نفع بیخامد و آن توحید محض است:

بدو گفتا که بی ادن الهی

سفاعت نکند او رین می چه خواهی
و این آخرین کلام بهلول با خلیفه است عطار در این داستا، مو عظه و اندر یک دیوانه را به خلیفه یادفت و موسکافی بیان کرد و، در ضمن، یک یک مراحل نفسانی خلیفه را، که مخاطب اندر است، شرح داده و همه تعلقات و تعیبات را از او سلب کرده و در نهایت او را به حاکم مدلب رسانده است این تجربه دروازه بحر نهانی است از فنا و شطار نیز در این اندررها مراحل فنا و سرچ داده است آخرین سخن خلیفه نر، حیا که خواهیم دید دفعا به همن معنی اساره می کند کار بهلول با هارون و کا هارون با بهلول تمام شده و لذا آخرین سخن خلیفه با همراهان خود است، همراهانی که در تمام این مدت شاهد ماحرا بوده اند ولی هدف، مدها و اندررهای بهلول بوده اند و بفهمنده اند که به سر خلیفه چه آمده است

سه را گفت هارون هس براند
که او ما را نکست و می نداند

داسان ملاقات بهلول و هارون الی رسید را در اینجا بتفصیل شرح کردیم، چون عطار در این حکایت، علاوه بر انقاد از خلیفه و اندررگویی، روانشناسی اندررندری را تحلیل نموده است اینها گدسه، عطار ضمنا به یک موضوع دیگر سر اساره کرده و آر وضع قدریمیدان و توانگران در دنیا و احرب و سست ایسان ما جو است سحنه خود سنی و غرور و فرعونیت دوری از حد است این معنی را عطار در داسان سلطان محمود و دیوانه سر تأکید کرده و این دیوانه به سلطان گفت که او، به دلیل کفران نعمت دون همتی، از خدا دور مانده است و خود نمی داند این دوری از حق موجب محرومیت فرعون صفیان و باربروردگان از رحمت الهی است

محرومیت نازیروردگان از رحمت الهی

یکی از این حواشگان متمم در وف نماز از خدا طلب رحمت می کرد^{۲۷}. دیوانه ای این سخن را می شنود و به او می گوید حال نمی کسی؟ این همه داری، بار هم می خواهی؟
تو ز بار خود بگنجی در جهان
می حرامی از بکتر هر زمان

حاشیه.

منظری سر بر فلك افراسنه

حار دیوارش نه زر سگاشنه

ده غلام و ده کیرك کرده راس

رحمت ایجا کی بود بر برده راست

نارپروردگان و توانگران نه تنها مستحق رحمت بیستند بلکه خود را در معرض بلای آسمانی سر فرار می دهند. آسایش و عافیت در افتادگی است نه در بالا رفتن از بردبان ترو و تعم. در واقع، هر کس که فزونی جوید و خود را بالاتر کسد نه بلایی که از آسمان می بارد نزدیکتر شده است.

سپهداری قلعه ای بلند ساخته است، دیوانه ای را صدامی زند و نه او می گوید: بین چه قلعه رفیعی ساخته ام. در ایجا دیگر هیچ دسمی دستش نه من می رسد. دیوانه در جواب می گوید: اسبیه می کنی، حوون وقتی بلا نازل شود تو در قلعه ار همه به او بردگیری^{۲۸}

نعم و نارپروردگی ساهان و حواجگان نه تنها باعث دوری ایسان از خدا و محرومیتسان از رحمت الهی است بلکه در رابطه و سبب ایسان با خلق خدا سر تأثیر می گذارد. حواجگی و سروری و توانگری عموماً مانع غفلت از حال و رور مردم است. بادسها و حکام هم از خدا دورید و هم از رعیت خدا. این موضوع را بر عطار در ضمن داستان دیوانگان بیان می کند. یکی از این داستانها بار درباره سلطان محمود است.

محمود از قصر خود سرون آمده از راهی می گذرد. از اتفاق، گذارس نه ویرانه ای می افتد و دیوانه ای را می بیند سخب اندوهگس که کلاهی بدس بر سر نهاده و در کجی سسته است:

در ان ویرانه سند محمود یکرور

یکی دیوانه ای را دید بر سور

کلاهی از بد بر سر نهاده

بدو بیک جهان بر در نهاده

بر او حوون فرود آمد رمایی

نو گفتمی داسب اندوه جهایی

نه بیک لحظه سوی سلطان نظر کرد

نه از اندوه خود یکدم گذر کرد

سلطان محمود از روی ترحم غلب عم و اندوه او را سؤال می کند. دیوانه در جواب می گوید: اگر نه حای آن تاح کلاهی از بد بر سر داستی غلب اندوه مرا درك می کردی:

گرت هم رین بد بودی کلاهی

برا بودی درین اندوه راهی

ولیک در میان بادشاهی

چه دای سحتی و درد حدایی^{۲۹}

در این حکایت نه از تفرع و کبر و غرور ساه سخنی گفته شده است و نه از گستاخی دیوانه مجلسی که ساعر در این ویرانه ترتیب داده است مجلس درد و ریح است، دردی که رعیت

ستمکس و محروم از دست جباران و ساهان بی مروت دنیا می کشند. دیوانه خود نماینده همه مردم است و زبان او زبان همه کلاه نمیدها. عطار در ایجا هیچ اساره ای به روانسناسی ساه در مقام کسی که مخاطب دیوانه و اندرزا و انتقادهای او واقع شده است نمی کند. دیوانه ناله ای جانشوز از دل برمی آورد، ولی خود می داند که کسی که باید آن را بشنود گوس سنوا ندارد. چگونه کسی که در صد برده ناز برورده شده است فادر است از درد محرومان با خبر شود؟

تنبیه دین فروشان و زاهدان

انتقادهای و اندرزه های دیوانگان با ساهان و حکام و خواحگان و توانگران و درتمدان البته بخش اعظمی از داستانهای اجتماعی دیوانگان را در منویهای عطار تشکیل می دهد. اما طرف دیوانگان در این فیل داستانها فقط ساهان و حلفا و حکام بیستند. توانگران و درتمدان در جامعه بیس از هر کس از خدا و خلق غافل اند، اما این غفلت کم و بس در دیگران هم هست و عطار برای تنبیه و هشدار دادن به آنان نیز بار از سخصت دیوانگان استفاده می کند و از ریان ایسان نند و اندر و درس عبرت می دهد. یک دسته از مردمی که معمولاً در داستانهای دیوانگان مورد انتقاد فرار می گرفته اند فاضیان بوده اند. ابوالقاسم نیناسوری در عطاء المجانین چندین داستان در این باب نقل کرده است^۳. اما عطار با فاضی کاری ندارد، چه مسأله او عمیقتر و اساسیتر از مسأله نزاعهای مردم با یکدیگر و زیر پا فرار گرفتن حقوق آنان با حکم فضا است. عطار یک عارف تمام عیار است و مسأله او مسأله حیات انسان در این عالم و غفلت او از حق است، داستانهای او، از جمله داستانهای دیوانگان، همه بر محور همین موضوع دور می زند. دیوانه عطار با هوس جامعه است. دیوانگان او می خواهند مردم خواب آلوده را بیدار کنند و وظیفه اصلی ایسان را یادآور شوند. اندرزهایی که به بادسها و حکام می دادند همین معنی را دقیقاً نشان می داد. توجه عطار به حلیه و سلطان و به طور کلی درتمدان این بود که این عده صاحب ادعا بودند و درتی که حقا از آن خدا بود به خود نسب می دادند. دسته دیگر از مدعیان، که عطار دیوانگان را نه سراغسان می فرستد، دن فروشان اند. داستان واعظی را که حواس خود را بر فضای الهی ترجیح می داد قبلاً ملاحظه کردیم. در آن داستان، عطار در نهایت ظرافت از کسی انتقاد کرد که مدعی بود مردم را به سوی خدا هدایت می کند ولی در واقع بوحید افعالی را نادیده می گرفت. در داستانی دیگر، دیوانه ای به واعظی که چهل سال بر بالای منبر مردم را موعظه می کرده است می گوید.

سبد در آب داری می بدایی

سر اندر حوون داری می بدایی^{۳۱}

این خوابِ غفلت را عطار به کسی نسبت می‌دهد که مدعی است می‌خواهد هفتگان را با مواظط خود بیدار کند.

انتقادی که عطار از واعظان زمانه خود می‌کرد به منظور بی‌اعتبار کردن سخن ایسان یا نفس‌موعظه بود. دیوانگان عطار به يك معنی خود موعظه‌گر بودند و آنان سز در بهایب همان حیری را می‌خواستند به مردم بگویند که واعظان بر سر منبر می‌گفتند. چیزی که عطار بر آن خرده می‌گرفت شخصیت واعظ و نیت او بود در عصر عطار واعظی ناراری گرم داس و واعظان ار حاه و مقام حاصی بر حوردار بودند مسئله‌ای که در جامعه عطار بیس آمده بود مسئله‌ای است که همواره حوامع دینی را تهدید می‌کرده است و آن خطر دورویی و نفاق است در فرآن مجید به این مسئله عنایب سده است. خداوند به کسانی که قول و فعلسان معایر یکدیگر است می‌فرماید: «لَمْ يَقُولُوا مَالًا تَفْعَلُونَ»^{۳۲} این خطر رمایی اخلاق جامعه را عمیقاً تهدید می‌کند که مدعیان دین و دیانت و معلمان اخلاق و معویبت خود بدان مبلا ناسند و بخواهند از عواطف دینی مردم برای اغراض شخصی و ارضای حاه‌طلبی خود استفاده کنند خطر ریاکاری و دورویی دین‌فروسان و واعظان غیر متعظ خطری است که به اساس دینیت در جامعه لطمه می‌زند و عطار می‌خواهد دقیقاً با این خطر مقابله کند این مقابله و مبارزه با ریاکاران و دین‌فروسان را عطار به طرق مختلف در بیس گرفته است و یکی از مؤثرترین این راهها استفاده از داستانهای دیوانگان است دیوانه عطار واعظی است که به عرض شخصی دارد و نه در بی حاه و مقام است مرتبه او فرار از مرسته مدعیان دیداری و واعظان غیر متعظ است.

دین‌فروسی و ریاکاری فقط به واعظان اختصاص نداشت. زاهدان بیر گروه دیگری بودند که دعوی دینیت داشتند؛ اما آنان هم سونه خود گرفتار هواهای نفسانی بودند و عطار برای مقابله با ریاکاری ایسان بیر از داستانهای دیوانگان استفاده می‌کند.

همان‌طور که انتقاد عطار متوجه نفس‌موعظه بیس، ار رهد بیر، به عنوان رهد، انتقاد می‌کند گذشت از دنیا و دنیاطلبی حیری است که عطار خود از ریان دیوانگان بارها آن را به مردم توصیه کرده است حیری که او از آن انتقاد می‌کند ریاکاری و دعوایهای گراف و خوددسی و دین‌فروسی زاهدان است این معنی را در داستان ریر نحوی می‌توان ملاحظه کرد

دیوانه‌ای بی‌سر و نا گستاخانه با خدا سخن می‌گوید^{۳۳} راهدی نه او می‌رسد و می‌گوید: ححالت نکس، و این‌طور گستاخانه با خدا سخن می‌گوید. دیوانه در دفاع از خود می‌گوید. من چه تقصیری دارم؟ خدا مرا دیوانه کرده، و بر دیوانه هم حرجی نیست. اما تو خودت چه می‌گویی؟ تو که ادعای دین‌داری و زهد می‌کنی و مدعی هستی که دست از دنیا برداشته‌ای ولی در باطن

فکر بول ورن مدام ترا مسعول کرده است. در حالی که من اص دلی ندارم که هیچ يك از این چیزها را بخواهد.

گفت ایرد چون مرا دیوانه حواس
هرچه آن دیوانه گوید آن رواست
گر سخنهاي حطا ناسد مرا
حون بیم غافل روا ناسد مرا
تو برو ای راهد و کم گوی تو
مرد نفسی در طلب رن حوی تو
بیدلان را بارر و نارس حه کار
سرع را و عمل را نارس حه کار؟^{۳۴}

در اس انیاب، عطار به نکات عمیقی در روانشناسی دینه اساره کرده است وی مقام دیوانه را برتر از مقام راهد دانسته ریرا که راهد، به هر حال، در فید همان هواهایی است که ظاهر می‌خواهد با آنها مبارزه کند؛ در حالی که دیوانه عاسمی است بیدل که فقط در بند يك حیر است او بنده خداست نه بنده هوا؛ نفس. وانگهی، ظاهر دیوانه حکایت از همین بیدلی می‌کند، و حالی که ظاهر راهد باطن او کاملاً متفاوت است و این حیری به نفاق بیس.

در داستان فوق، عطار به يك نکته مهم درباره وضع دیوانگان حکم سرع درباره آنان تصریح کرده است. دیوانگان به دلی بی‌عقلی از حکم سرع سرون رفته‌اند و تکلیف از ایسان ساده سده است به همین دلیل بود که مردم کارهای خلاف سرعی که ایسان صادر می‌سد نادیده می‌گرفتند. آنها می‌توانستند با حکام سلاطین گستاخانه سخن گویند و حتی با خدا به نزاع بردارند علاوه بر این، بی‌نماری نیز، که گاهی با نحسودی بود، از جم خطاهایی بود که اردیوانگان سر می‌رد و داستانهای متعددی نیرد اس ناره نقل سده است^{۳۵} واکس مردم در فبال این خطا متفاوت بود عذر دیوانگان از لحاظ سرعی البته موحه بود و مردم ن

حاشیه

(۲۸) الهی‌نامه. ص ۲۳۸

(۲۹) همان. ص ۱۱۹

(۳۰) ملا رجوع کند به غفلاء المحاسین. ص ۴۸ (حکایت‌های حصص س عیار فاسی با علان دیوانه و ابو یوسف فاسی و علان) و ص ۷۳ (حکایت قاضی و دیوان در حمام)

(۳۱) اسرارنامه. ص ۱۱۴

(۳۲) سورة الصف (۶۱). آیه ۲

(۳۳) مصیبت‌نامه. فریدالدین عطار. به تصحیح نورانی وصال. تهران. ۳۳۸

ص ۲۴۹

(۳۴) همانجا

(۳۵) رجوع کنید به مقاله نگارنده «سرح احوال محمد معسوق طوسی» معارف. دوره ۲، شماره ۲. مرداد-آبان ۱۳۶۶، ص ۱۸۸ به بعد، و بیر به مصیبت‌نامه. ص ۲۵۲

دیوانگان، بیس از دیگران در حور ملامت و عقاب اند.

*

در داستانهایی که نقل و تحلیل کردیم جنبه‌هایی از حکمت معنوی عطار را، که خود حکیده حکمت معنوی ایران است، ملاحظه نمودیم. هر منویهای عطار داستانهایی دیگری از دیوانگان نقل شده است که خود حبه‌های دیگری از این حکمت را بیان می‌دهد. البته، حکمت معنوی عطار فقط در ضمن این قبیل داستانها بیان شده است. عطار نکات فلسفی و حکمت‌آمیز و اخلاقی و عرفانی را از زبان شخصتهای مختلف، حواه شخصتهای تاریخی مانند پیامبران و مسایح صوفیه و حواه شخصتهای اجتماعی و یا از زبان حیوانات و حتی عناصر و موجودات آسمانی، بیان کرده است ولی هیچک از موجودات و شخصتهای مانند شخصت دیوانه نمایانگر باطنی شخصیت عطار و آرمانهای بلند او نیست.

یادداشت

مقاله «حکمت دیوانگان» دنباله نحی است که سه سال بیس در همین محله (سال هشتم شماره دوم، بهمن و اسفند ۱۳۶۶) با مقاله «حکمت دینی و تقدس زبان فارسی» آغاز کردم و با تمام ماند قصد دارم صاحب فلسفی را در آثار عطار به تفصیل شرح دهم ولی «رندی حافظ» مرا از دیوانگی عطار بازداشت در باره رندی حافظ و دو صفت خاص آن که یکی نظریاتی و دیگری باده‌بوسی و مستی است دو سلسله مقاله با عنوان «رؤیت ماه در آسمان» و «باده‌بوسی» آغاز کرده‌ام و در ضمن چند مقاله سعی کرده‌ام مسئله نظر و باده‌بوسی و عشق را از لحاظ تاریخی تحلیل کنم فکر می‌کردم دامنه کار تا این حد وسیع باشد در دنباله این دو منحت یادداشتهای فراوانی فراهم کرده‌ام که اگر خدا بخواهد و همی باشد به صورت مقالاتی دیگر عرضه خواهیم کرد ن پ

حاشیه

۳۶) یکی از وظایف خادمین مساحت این بود که در مساحت را پس از نماز می‌بستند تا بچه‌ها و دیوانگان وارد مساحت نسود (رك ایین سهرداری، تألیف محمد بن احمد فرسی، ترجمه جعفر شعار، نگاه ترجمه و سر کتاب، تهران، ۱۳۴۷، ص ۱۷۷) در این باره حدسی هم نقل کرده‌اند که سایر آن «بیمبر فرمود مساحت را از بچه‌ها و دیوانگان ماکیره دارید، این دیوارهای مساحت را سیاه و رمیس را با بول و سایر محاسبات ناک کند» (همان، ص ۱۷۴) در باره بول کردن دیوانگان به در مساحت هم داستانهایی نقل شده است (از جمله رجوع کند به علاءالمجانبین، ص ۶۸، لطایف الطوائف، از فخرالدین علی‌صمی، به اهتمام گلچین معانی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۲، ص ۴۲۳) نکته سبایان توحه این است که دیوانگان عطار، که دیوانگان الهی و از رمره عقلای مجانبین اند، مرتکب این گونه بی‌حرمتیها نمی‌سود احترامی که عطار در آثار خود برای دیوانگان قائل شده است در آثار کمتر نویسنده‌ای دیده می‌سود

(۳۷) الهی‌نامه، ص ۹۹

عموماً کاری با دیوانگان نداشتند در مورد دیوانگانی که در رمره عقلای مجانبین نبودند، مردم حتی مانع از ورود ایشان به مساحت می‌سند.^{۳۶} اما گاهی هم عده‌ای در صدد برمی‌آمدند که امر به معروف را در حق دیوانگان بیر رعایت و آنان را وادار به نماز خواندن کنند گاهی هم دیوانگان نماز می‌خواندند، ولی تنها، و با این حال مردم سعی می‌کردند آنها را به مساحت دعوت کند تا نماز را به جماعت بخوانند عطار داستان یکی از این دیوانگان را در الهی‌نامه نقل می‌کند و می‌گوید.

یکی دیوانه بود از اهل راری

نکردی هیچ حر بها نماری

کسی آورد سساری سفاعت

که تا آمد به جمعه در جماعت

مردم همه صف سسند و امام جمعه بیر تکبیر سست و نماز را شروع کرد. در میان حمد، وقتی همه خاموس بودند، دیوانه ناگهان صدای گاو از خودس درآورد وقتی نماز تمام شد، شخصی از دیوانه پرسد. این صدا چه بود که از خودس درآوردی؟ از خدا تر سیدی؟

کسی بعد از نماز از وی پرسید

که حاب در نماز از حق تر سید

که ناگ گاو کردی بر سر جمع؟

سرت باید بریدن حور سر سمع

دیوانه اهل رار در حواب می‌گوید. من سست بر امام نماز می‌خواندم و او بیسوا می‌بود وسط نماز او مسعول خریدن گاو شد و من هم، که ناچار به او افندا می‌کردم، صدای گاو از خودم درآوردم. قصه را به بیسمار می‌گویند و او در کمال انصاف سخن دیوانه را تصدیق می‌کند

حطیس گف حور تکبیر سسم

دهی ملکس حابی دوردم

حو در الحمد خواندن کردم اعار

به خاطر اندر آمد گاوده نار

ندارم گاو، گاوی می‌خردم

که از پس ناگ گاوی می‌سیدم^{۳۷}

اسفادی که عطار در این داستان از امام جماعت می‌کند اسفادی است ملامت و مضافه از این امام به حرم خوردن مال اوفاف و ریاکاری اسفاد شده است گناه وی نفاق باطنی است، گناهی که دامن واعظ و راهبر را نرا لوده کرده است. البته این گناه تقریباً همگانی است، چه عموم مردم در این نفاق باطنی به سر می‌برند و این خود ضعف و عجز سر است. علاوه بر این، خودبسی و خودخواهی و غرور و سهوب نیز صفاتی است که گریبان عموم خلق را گرفته و اسان را در غفلت فرو برده است. اما نکته اینجاست که غامه مردم دعوی بیسوا می‌دینی ندارند، در حالی که واعظ و راهبر و امام جماعت همه مدعی دینداری و حداساسی و بیسوا می‌اند. به همین دلیل بیسویان دینی، از نظر

۱) واژه‌نامه و واژگان

ظواهر نخستین بار مسؤولان واره‌گویی مرکز سرداستگاهی نادو اصطلاح «وارگان» و «واره‌نامه» میان دو سوه متفاوت گردآوری اصطلاحات علمی فرنگی و معادلهای فارسی آنها بنایر بهادند این دو اصطلاح که هور حسابکه باند در فاموس تخصصی ربا ساسان و علاقه‌مدان به وارگان نگاری جای نگرته، ار حمله معدود اصطلاحات علمی و تخصصی در زبان فارسی است که به ار روی معادلهای فرنگی، بلکه صرفاً بر اساس بدید آمدن مفهومسان در جامعه و در نیجه بار به نامده سدسان ساخته سده است نگارنده تا کون معادل فرنگی دهمی برای اس دو اصطلاح، نا تعریفی که خواهد آمد، یافته است.

واره‌نامه مجموعه‌ای است از اصطلاحات^۱ فرنگی با معادلهای برگزیده هر يك از آنها، در واره‌نامه اصولاً برای هر اصطلاح فقط يك معادل داده می‌سود و دکر محل أحد معادلهای موردی ندارد. به عنوان نمونه بخشی از واره‌نامه بهداس^۲ را می‌آوریم

absorption (physio)	جذب
acaricide (mater)	که‌کس
acclimatization (evol)	اقلیم‌دیری، سارگاری بامحیط
acute (med)	حاد

کلمات مختصر سده داخل برانتر در مقابل هر اصطلاح بنایانگر ساخته علمی آنهاست (فیریولوری، مواد، تکامل، برسکی).

«وارگان» مجموعه‌ای است از اصطلاحات خارجی نا کله معادلهایی که در طی دوره‌ای معین برای هر يك از آنها در متون گوناگون فارسی ارائه سده است بنایر این در وارگان برای هر اصطلاح غالباً بیس از يك معادل داده می‌سود و دکر محل احد هر يك از معادلهای بر ضرورت دارد به عنوان مثال بخشی از وارگان فلسفه و علوم اجتماعی^۳ داریوس اسوری را که نخستین وارگان زبان فارسی نر هست می‌آوریم:

ability	صناعی/رواساسی	تواس
ablaut	بدره‌ای/رباساسی	دگرگویی واکه‌ها
abnormal	آریاسور/حامعه‌سناسی	بابهنجار

حاشیه.

- ۱) اصطلاح (term) در این مقاله به کلماتی اطلاق می‌شود که به عنوان يك كل واحد، به مفهومی تخصصی در یکی از رشته‌های علمی اشاره دارد
- ۲) گروه بهداس مرکز سرداستگاهی واره‌نامه بهداس (انگلیسی-فارسی-فارسی-انگلیسی)، تهران، مرکز سرداستگاهی، ۱۳۶۹
- ۳) اسوری، داریوس اویراستارا وارگان فلسفه و علوم اجتماعی، برابر نهاده‌های مترجمان و مؤلفان ایرانی، تهران، آگاه، ۲۵۳۵ | ۱۳۵۵، ج ۲

مروری بر وارگان نویسی در ایران

امید طیب‌زاده

مقدمه

امروره حلیها تهه واره‌نامه یا وارگان تخصصی را ار ساده برین و سرعترین راههای «کنادارا» سدن می‌داند، ریرا بر اساس برحی اراناری که نا کون در این رمنه به زبان فارسی مسسر سده است، گمان می‌کند برای تهه وارگان کافی است که يك اصطلاحات فهرست سده در احر کتابهای تخصصی، و سر افلام واره‌نامه‌ها و وارگانهای مستقل قدیمی تر را فس کند، فسها را به ترتیب حروف البای اصطلاحات انگلیسی و سس معادلهای فارسی آنها تنظیم بناید و بالآخره حاصل کار را به عنوان واره‌نامه انگلیسی-فارسی و فارسی-انگلیسی به دست حروف و فس بسرد اما واقعیت حیر دنگری است، دسوارای تهه وارگان به شکل مطلوب و کامل ان، به هیچ وجه دست کمی از برجمه یا حتی در واردی تألیف کتابهای فسی و تخصصی ندارد. برای تهه حس وارگانی، وارگان بویس علاوه بر داستی تخصصی در رسته مورد نظر خود باید از حوصله و حلاقیب و روحه بروهسگری بر حوردار ناسد و در عین حال نامسائل رباساسی (یا اگر دیفتر بگویم وارگان نگاری / lexicography) و نیز مآحد کناساسی مربوط به رسته خودس آسایی داسته ناسد

وارگان نویسی در ایران تاریحه کوتاه اما ثراف و حیزی دارد که سیر تحول آن را می‌توان نا دو معار تحر به و علم سحید، به اعتقاد نگارنده وارگان نویسی در ایران از بظر تجربی رسد بسیار کرده است، اما از بظر علمی، مأسفانه، رسد حدیابی داسته است این مقاله به بررسی و اساب همین موضوع اختصاص دارد در این مقاله ابتدا درباره تفاوتهای «واره‌نامه» و «وارگان» سخن خواهیم گفت و سس مراحل وارگان نویسی را در ایران سرح خواهیم داد. مطافه برحی ار بقدهایی که در سالهای گذشته بر وارگانهای گوناگون بوسه سده نا وارگانهای جدیدتر، و بر بحث مختصری درباره علل اهمیت کتاب فسی وارگان نگاری در وارگانها مطالب بخش دوم گفتار ما خواهد بود.

آریانه‌پور/جامعه‌شناسی مطلق‌گرایی، مطلق‌آیینی absolutism
شیر و انلو/ضرورت خودکامگی
اختصاراً سمت راست نمایانگر نام نویسنده یا مترجم و عنوان
کتابی است که معادل هر اصطلاح از آن اخذ شده است. چنانکه
می‌بینیم برای اصطلاح absolutism سه معادل اردو مآخذ گوناگون
ذکر شده است.

۲) واژگان نویسی در ایران

واژگان فلسفه و علوم اجتماعی و بعد از آن واژه‌نامهٔ زبان‌شناسی^۴
کورس صفوی نخستین واژگانی است که در ایران انتشار یافته
است پس از این دو واژگان، به عللی که خواهیم سمر،
تغییرات بسیاری در واژگانی بعدی بدید آمد؛ این تغییرات به
حدی است که بر اساس آنها می‌توان واژگان نویسی در ایران را
به دو مرحلهٔ کلی تقسیم کرد:

● مرحلهٔ نخست. هدف از ذکر نام بسنهادهندهٔ هر اصطلاح در
نخستین واژگانی فارسی حندان روس سبب و دلایلی هم که
برای این عمل ذکر شده به سها توجه منطقی و علمی ندارد، بلکه
گاه متناقض است مثلاً داریوس آسوری در مقدمهٔ حاب دوم
کتاب خود می‌گوید «ناری، اگر ما در آوردن نام اسخاص در
جب یکایک واژه‌ها اصرار کردیم سستر از آن جهت بوده است که
حق کسانی را که در این راه کوشش بسرا کرده‌اند، حق کسانی
حون امیر حسین آریانه‌پور و حمید عنایت و غلامحسین مصاحب
باامال نسده باشد. ناری حه بهر که کسی به جسم سسد که
واژه‌های ساخته با برابر فرار داده، هر حه بیسر به کار می‌رود و
حزء رنگی زبان ناربان ریده سده است»^۵ البته روس است که
اولاً آوردن نام نخستین بسنهادهندهٔ هر معادل به صرف آنکه
احقاق حق سده باشد هیچ معنی به حال زبان فارسی یا مطالعات
زبان‌شناسی یا هیچ هدف علمی دیگری ندارد، و ناساً در بسیاری از
موارد به سادگی می‌توان نخستین بسنهادهنده را مشخص
ساحب؛ کما اینکه آسوری خود در ادامهٔ سخنانش می‌گوید «...
مترحم ارحمد آفای احمد آرام، خاطرسان کردند که بهتر بود
منابع بر حسب تاریخ انتشار تدوین می‌سد تا به دفت معلوم می‌سد
که هر لعب یا اصطلاح متعلق به حه کسی است (الته اگر حسین
کاری امکان می‌داس، بهترین راه برای تعیین واضع هر لعب
بود، اما مسکل آنست که بسیاری از مراجع یا تاریخ ندارند یا
تاریخ درسد و دفت ندارند)»^۶ وی سپس دربارهٔ بی‌وجه بودن
این همه دفت و وسواس در بدیا کردن بخشین بسنهادهندگان
می‌نویسد «مسئله‌ی مهم این است که لعب مال زبان است و اگر
کسی کمکی به گسترش زبان کرده دستش درد نکند، دهس برابر

و زبانس گویا و فلمس روان باد، اما سند مالکیت برای واژه‌ها نسازیم
[تأکید از ما]. مگر این حندین هزار واژه‌ای که از گذشته به ما
رسیده سبب هر یکی نوشته است که وضع کنندهٔ آن کی است؟
زبان میراب قومی است، آنچه مهم است اینست که شخص با این
زبان حه هری کرده است، و الا وضع حد لعب که «اینهمه
نیست»^۷ می‌بینیم که لعب ذکر نام بسنهادهندهٔ هر معادل
حندان مشخص نیست، و این ناسی از مخدوس بودن مفهوم و
اهداف «واژگان» در ذهن نخستین واژگان بوسان زبان فارسی
است. کورس صفوی نیز در واژه‌نامهٔ زبان‌شناسی بی‌اساره‌ای به
علت مشخص ساحب نام بسنهادهندگان، عساً سیوهٔ کار
آسوری را در سس گرفته و طاهراً دلایل وی بیر در ذکر نامها و
مآخذ حیزی بیستر یا کمتر از دلایل آسوری بوده است. سس
نخستین مشخصهٔ واژگانی مرحلهٔ اول این است که دقیقاً معلوم
نیست چرا محل اخذ و نام بسنهادهندهٔ هر معادل را روسن
کرده‌اند؛ یعنی معلوم نیست که چرا این تاللفات واژگان هسند به واژه‌نامه
دومین ویژگی واژگانی مرحلهٔ اول به ترتیب تنظیم معادل‌هایی
مربوط می‌سد که بسنهادهندگان گوناگون برای يك اصطلاح
به سبب داده‌اند به آسوری و به صفوی مشخص نکرده‌اند در
مواردی که برای يك اصطلاح حد معادل متفاوت (از حد
بسنهادهنده) وجود داشته، معیار تنظیم معادل‌ها حه بوده است
در واقع هیچ معیاری در کار نیست؛ مثلاً در مورد اصطلاح
extension در واژگان فلسفه و علوم/اجتماعی حنس وضعی است.
آریانه‌پور/فلسفه حیر، امتداد، مصداق extension
برهان مس/امصادآمورس تمدید، امتداد، افراس
عنایت/هگل گستردگی، انبساط، مصداق
بدره‌ای/حامه‌سای روستایی گسترش
در یابدری/فلسفهٔ عرب بسط
چنانکه می‌بینیم ترتیب تنظیم معادل‌ها به سرحسب حروف اول
خود آنهاست و به سرحسب حروف اول نام نویسندگان یا
عنوان مآخذ. با نگاهی به فهرست مآخذ کتاب دیدیم که این
ترتیب بر اساس تاریخ انتشار کتابها نیز نبوده است. واژه‌نامهٔ
زبان‌شناسی نیز کم و بس همین گونه است.
ترابی/فرهنگ بنداصلی Major clause
باطنی/توصیف بندهمین
مخدوس بودن سیوهٔ تنظیم معادل‌ها بیر ناسی از مخدوس بودن
مفهوم واژگان در ذهن واژگان نویسهای این دوره است. در
واژگانی مرحلهٔ بعد که لعب ذکر نام مآخذ و بسنهادهندگان
روس می‌سد، تنظیم معادل‌های بسنهادهندگان گوناگون نیز
توحيهی منطقی و علمی می‌یابد.
از دیگر ویژگیهای واژگانی این مرحله این است که

معادلهای فهرست شده در آنها غالباً انتخابی است، به این معنی که برای هر اصطلاح فرهنگی غالباً فقط يك معادل ارائه شده به پیستر، حال آنکه برای بسیاری از اصطلاحات، حتی از میان مآخذ خود همین وارگانها، معادلهای دیگر نیز وجود داشته است. مثلاً واژه نامه زبانشناسی صفوی برای اصطلاح phoneme فقط يك معادل آورده

مقدم/معالات واج phoneme

و حال آنکه برای این اصطلاح معادل «واک» و مجدداً «واج» (از کتاب تاریخ زبان فارسی دکتر خالری و آواشناسی دکتر حق ساس) سر ممکن بود ذکر گردد وارگان فلسفه و علوم/اجتماعی اسوری سر حسن است در این مرحله وارگان بوسان اردو معادل متفاوت (مثلاً «واک» و «واج») آن را که به نظر سان مناسبتر آمده برمی گردید (در اینجا «واج»)، و در مواردی هم که دو مآخذ معادل مسرکی برای اصطلاح واحدی داشته اند (مثل «واج» در آواشناسی دکتر حق ساس و معالات دکتر مقدم)، فقط به ذکر یکی (در اینجا کتاب دکتر مقدم) بسنده می کردند و تکرار دومی (در اینجا کتاب دکتر حق ساس) را بی مورد می دیدند خواه هم دید که با روس شدن مفهوم «وارگان» در دوره بعد این سبب اسباب معادلهای سردرگور می شود

و برگی سوم برای آثار مرحله اول این است که اس وارگانها بیشتر حاصل هم و تلاشهای فردی بوده است و به برنامه ریزیهای زبانی مسجّم و منظم تردیدی نیست که بهینه وارگان از جمله نخستین وظایف فرهنگسازهای زبان در حوامعی چون ایران است، اما از آنجا که اس فرهنگستانها در ایران هیچگاه به طور مسجّم و سودمند فعالیت نداشته اند، کارهایی از قبیل تهیه وارگان و واژه نامه و حتی گاه فرهنگهای سامدی و غیره را افراد با دوق و نا فکری که بی به اهمیت مسئله برده اند خود دنبال می کنند وارگان فلسفه و علوم/اجتماعی اسوری و واژه نامه زبانشناسی صفوی حاصل حسن اعداماتی است. داریوس آسوری در مقدمه کتابش می نویسد «وارگان فلسفه و علوم/اجتماعی در واقع محصول فرعی يك کار اصلی است که اصل کار هرگز به انجام نرسید بدین معنا که نگارنده در یکسال و اندی دوره همکاری خود با «روشنگاه علوم انسانی» طرحی برای يك دانشنامه علوم اجتماعی فراهم کرده بود که مقصود از آن شرح به نسبت مفصّلی از چند صد مفهوم اساسی در زمینه های مختلف علوم اجتماعی و انسانی بود اما در میان دسوارزیهای فراوانی که در سر راه این کار سبّر شد و طرح را در مراحل آغازین از پیسرف بارداشت، یکی هم مشکل زبان بود... هنگامی که من و همکارانم ناگزیر در «دانشنامه» را بستیم و از آن حسم نوسیدیم، این فکر به ذهنمان گذشت که تدوین و سر واره نامه ای از واژه های

گرد آمده حالی از فائده نیست... به هر حال غرض این بود که اگر نتوانستیم دانشنامه ای فراهم کنیم، دست کم واژه نامه ای فراهم شود [تأکید از ما]...»^۸ حنا که می بینیم به برنامه ریزی زبانی اریس تعیین شده ای در کار بود و به حمایت مستقیم دولت یا نهادی فرهنگی؛ حتی با سر وارگان هم ناسری خصوصی (آگاه) است. واژه نامه زبان شناسی هم بی هیچ کمک دولتی و توسط ناسری خصوصی مسجّم شد توضیح آنکه «روشنگاه علوم انسانی»، از سازمانهای دولتی پس از انقلاب، در سال ۱۳۵۵ صورت تحدید نظر شده ای از وارگان فلسفه و علوم/اجتماعی را با عنوان فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی^۹ منتشر ساخت. گرچه این کتاب با حمایت سازمانی دولتی تهیه و منتشر شد اما اولاً مانند دو وارگان دیگر این مرحله مننی بر هیچ برنامه ریزی زبانی ای نبود و مابین تمام ویرگیهای دو وارگان دیگر مرحله اول را بر داشت. فرهنگ فلسفه و علوم/اجتماعی بعدها منای وارگان مفصل تر دیگری با عنوان فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم/اجتماعی^{۱۰} فرار گرفت که در بخش بعد (وارگانهای مرحله دوم) درباره آن سخن خواهیم گفت در دوره ای که وارگانهای مرحله اول انتشار یافت (یعنی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۱) حد بعد بر وارگان فلسفه و علوم/اجتماعی اسوری نگاشته شد که به ناسری در کیفیت و برانسیهای بعدی وارگان فوق داشت و نه مورد استفاده کورس صفوی در بدوین واژه نامه زبانشناسی فرار گرفت حالت است که متفذهای اس دوره بر، مانند وارگان بویسهای آن، بصور روس و دفعی از اهداف و وظایف وارگان در نظر نداستند مثلاً در یکی از این بدها^{۱۱} بر وارگان اسوری، مسفد بیسهاد کرده است که اولاً وارگان موضوعی گردد و مابین مناسبترین معادل فارسی، که در کنار معادلهای دیگر آمده، با علامتی مسجّم شود در بخش بعدی همین مقاله خواهیم دید که وارگانها مطلقاً حبیب وظایف یا نفسهایی ندارند توضیح آنکه بعد مذکور، سوای دو نکته ای که گفته شد، هنوز هم از جمله بدهایی است که هر وارگان بوسی

حاشیه

(۴) صفوی، کورس واژه نامه زبانشناسی (فارسی- انگلیسی، انگلیسی- فارسی)، تهران، انجمن انتشارات مجر، ۱۳۶۱

(۵) اسوری، داریوس همان، ص ۲ (۶) همان (۷) همان

(۸) همان، ص ۱

(۹) فرهنگ فلسفه و علوم/اجتماعی (انگلیسی- فارسی) تهران، روشنگاه علوم انسانی، بی تا

(۱۰) بریجیان، ماری فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم/اجتماعی (انگلیسی- فارسی)، ویراسته بها الدین حرمساهی، ۲ ح، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (روشنگاه)، ۱۳۷۱

(۱۱) عطیما، نازی نامه انجمن کتابداران ایران، دوره ۹، ص ۳ (نابیر ۲۵۳۵

(۱۳۵۵)، ص ۴۲۱-۴۱۱

بیس از آغاز کار خود باید بنخواد، درواقع مستندهای دوره بعد همین نقد را انگاره کار خود قرار دادند و مطالب آن را بسط دادند و یکتاب تازه ای بدان افزودند و حتی، در مواردی، عنا مالهایی از آن نقل کردند

● مرحله دوم. با انتشار وارگان فیریک^{۱۲} و وارگان بروی^{۱۳}، به همب مرکز سردانسیگاهی، مرحله حدیدی در وارگان نویسی ریان فارسی آغار سد وارگانهای این مرحله در چهار مسحصه ای که بیستر بر سردیم با وارگانهای مرحله نخست تفاوتهای کمی دارد. در این مرحله تفاوتهای وارگان و واره نامه کاملاً روس سده است و وارگان بو سها از اهداف وارگان آگاهی کامل دارند در مقدمه وارگان فیریک می خوانم «با بوجه به حجم کتابهایی که در مدت تعطیلی موفت داسگاهها و در دوران انقلاب فرهنگی قرار است ترجمه شود تهیه واره نامه ای که مورد بدرس اگر دسب اندر کاران ترجمه و تألف باشد، در دستور کار قرار گرفت اساسرس راهما در تهیه حین واره نامه ای، دفری است که شامل کله واره های فارسی و سامد هر يك از ابها در متون علمی موجود باشد، نه اس تربیت با بصوب کمیته تخصصی فیریک مرکز سردانسیگاهی، کار تهیه وارگان فیریک از اواخر آمان ماه ۱۳۵۹ سمنی آغار سد»^{۱۴}. می بییم که وارگان مفهوم ناره ای یافته است دیگر صحت از نایمال سدن با سدن حق بحسین سسهاددهندگان معادلها یا مسائلی از اس قبل سب، بلکه صحت از بهیه مبنایی اصولی و علمی است برای تهیه يك واره نامه معتبر و دق؛ درواقع وارگان در اس مانه حبری سب مگر يك مرحله گذر یا سکوی برسی برای «واره نامه بوسی»، بر ا اولاً معادلهای گوناگون سسهاد سده برای هر اصطلاح در وارگان، دسب واره نامه بویس را در انتخاب بهرس معادلها نار می گذارد، نا با سامد کار بر دهر معادل، که آن سر در وارگانهای اس دوره دکر سده، معار مناسبی را برای ساحتن گراسهای عالت در انتخاب و سراسحتن معادلهای اصطلاحات در اختیار واره نامه بویس قرار می دهد با روس سدن مفهوم و هدف وارگان، ارائه معادلهای سسهاددهندگان گوناگون برای يك اصطلاح واحد بر معنای خاصی می یابد در وارگانهای این مرحله، این معادلها بر حسب سامد کار بردسان در مآحد مورد استفاده وارگان بویس، در مقابل هر اصطلاح بو سته می سوند. ملا در وارگان بروی در مقابل اصطلاح active آمده است.

فعال ACTIVE: ۴۹-۴۸-۴۱-۳۴-۲۹-۲۵-۲۲-۱۲-۱۱-۰۵
آزیر ۳۱-۲۱
اکتبر ۱۷-۱۶
دایر ۱۱

کنشی ۱۱
کاریک ۳۱
کردار ۳۱

حنانکه می بییم «فعال» که بر بسامدترین معادل برای اصطلاح active است، در ۱۰ مأخذ دیده سده است و معادلهای دیگر در دویا يك مأخذ. اعدادی که در مقابل هر معادل بو سته سده سانه منبعی است که آن معادل از آن اخذ سده است، با مراجعه به فهرسب مابع کتاب می توان منبع مورد نظر را به راحتی یافت. با استفاده از این طریق نه سها می توان نام موفی ترین سسهاددهندگان، یعنی کسانی که معادلها سان سستر از دیگران فول عام یافته، را پیدا کرد، بلکه نام ناموفی برین سسهاددهنده را بر می توان به دسب آورد در وارگان بروی کد با شماره ۳۱ معلی به واره نامه فرهنگستان زبان ایران است: جالب ایحاست که معادلهای سسهادی فرهنگستان تقریباً در تمام موارد فقط يك بسامد داشته (که آنهم مربوط به خود واره نامه فرهنگستان بوده) و در سته غالباً آحرس جایگاه را در فهرسب معادلهای گوناگون يك اصطلاح در اختیار داشته است!

از مهمترین اهداف وارگانهای این دوره عرصه کله معادلهایی است که بو سندگان و مترحمان متفاوت برای يك اصطلاح واحد سسهاد کرده اند، با بر این معادلهای وارگان مطلقاً باید انتخابی باشد. ملا در واره نامه ریاساسی و علوم واسه^{۱۵} برای اصطلاح phoneme آمده است:

واحد ۱۷-۳۹، واك phoneme

اعداد ۱۷، ۳۹ و ۸ به شماره مأحدی در فهرسب مآحد کتاب اساره دارد که هر معادل از آن اخذ سده است. در این وارگان تمام معادلها، اعم از تکراری و احتمالاً غلط یا نارسا، دکر سده است؛ و درواقع اگر غیر از این می بود در اعتبار آماری وارگان خلل به وجود می آمد.

وارگانهای مرحله دوم به تدریج از حارحوب فعالتهای صرفاً فردی حارح سد و تحت نوعی بر نامه ریری زبانی قرار گرفت؛ مرکز سردانسیگاهی نخستین سارمان فرهنگی بود که به اهمیت موضوع بی برد و آن را بیگیری کرد. گروه تخصصی سیمی و مهندسی سیمی این مرکز در گزارش کار خود درباره تدوین وارگان، که در مجله سردانس منتشر سد، می نویسد «برای يك بواخت کردن اصطلاحات و واره های علمی در کلیه متهای سیمی، همچنین یافتن معادل فارسی برای بعضی از لعاب علمی که خیلی متداول است ولی هنوز معادلی برای آنها انتخاب نشده، بخش واره یابی گروه تخصصی سیمی و مهندسی سیمی ایجاد سد و از تاریخ اول بهمن ۵۹ با تسکیل جلسات روزانه خود مسغول تدوین این وارگان گردید... حنین مجموعه ای دارای معادلهای

فارسی گوناگون برای هر يك از لغات می باشد که لزوماً در کتابهای درسی سیمی، فرهنگها و دائرةالمعارفها به کار رفته است. در حقیقت در این مجموعه سانسنامه يك لغت با تمام معادلهایی که برای آن تا کنون به کار رفته است گردآوری شده است.^{۱۶} گروه فیریک سردر گراس کار خود می نویسد «اینچه همواره در مد نظر ما بود این بود که ما دارای يك زبان علمی مستحکم هستیم و زبان علمی رایج فارسی بدون بکنه بر یکی از زبانهای علمی رایج دنیایی محتوی می شود. ما یکی از راههای گسستن از «عیر» و حرکت در راه استقلال و خودکفایی را در بومی کردن زبان علم و تفکر می دانیم. مسئله عمده ما حکوونگی و برایش و یکدست کردن زبان علمی و واژه های آنهاست. گروه واژه یاب و واژه گرس احرا کار خود را شروع کرده است. به این امید که وارگان برگزیده به مرور در بر حمله ها حاضر شوند و در سس با هفت سال آینده اولس دوره کتب بر حمله سده فیریک با رسم الخط و وارگان یکسان و زبان مستحکم در احسار دانشویان فرار گردانند پس بر سب اولس گام در جهت اتحاد زبان علمی فیریک در ایران برداشته شود»^{۱۷} گروه فیریک در یکی دیگر از گزارشهای خود مفصلاً درباره حکوونگی نهه وارگان و ساسایی و جمع آوری منابع آن سخن می گوید و روس نهه وارگان فیریک را با استفاده از برنامه های کامپیوتری، همراه با ارائه نمونه ای از يك لست، کامپیوتری، شرح می دهد در این گزارش به خصوصیات و فوائد وارگان پیر اساره سده است «۱- در برابر هر واژه انگلیسی تمامی معادلهای فارسی آن که تا کنون به کار رفته ذکر می شود» ۲- ذکر منابع مستحق می کند که هر معادل در چه بعدادی از منابع به کار رفته است» ۳- با توجه به خصوصیات این منابع، می توان تشخیص داد که چه معادلی موثر تر و رایج تر است» ۴- با افزودن لیستی از واژه ها، به ترتیب الفبای فارسی، به وارگان می توان دریافت که يك واژه فارسی تا کنون به عنوان برابر چه واژه های انگلیسی به کار رفته است و بدین طریق کار گریس يك معادل واحد برای هر اصطلاح ساده تر می شود» ۵- با استفاده از برنامه های کامپیوتری این طرح، و بدون اینکه بار به برنامه نویسی جدید باشد، می توان واژه نامه هایی در موضوعات دیگر فراهم آورد «۱۸. می بینیم که وارگان نویسی زیر حمایت سازمانی فرهنگی فرار می گیرد و در خارج و برنامه ریزی مستحق به مسیری متفاوت با مسیر اولیه اس می افتد. به حرات می توان گفت که اگر این حمایت فرهنگی و برنامه ریزی زبانی نبود، وارگان نویسی در خارج و همان مفهوم مخدوس اولیه اس باقی می ماند و ای سنا تا کنون از میان رفته بود. ویرایش دوم وارگان فیریک^{۱۹} در بیس از ۱۰۰۰ صفحه و با ۱۲۸ مآخذ، و نیز وارگان سیمی و مهندسی سیمی^{۲۰} با بیس از ۱۵۰۰۰ اصطلاح و ۴۰۰۰۰ معادل فارسی، حاصل

برنامه ریزیهای درآمدت این مرکز است. بحر مرکز سرداسگاهی، با سران دیگری نیز، البته در ابعاد محدودتر، به انتشار وارگان روی آوردند. ملامؤسسه مطالعات تحقیقات فرهنگی با اسسار واژه نامه زبانی ساسی و علوم وابسته و فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی^{۲۱}، یا آستان قدس رضوی با اسسار فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی^{۲۲} جمله این با سران هستند. آخر س وارگانی که تا هنگام نگارش این مقاله اسسار یافته، وارگان اقتصاد و رمیه های وابسته^{۲۳} نام دارد با بیس از ۳۰۰۰۰ اصطلاح انگلیسی و ۱۲۰۰۰۰ معادل فارسی که از میان سس از ۴۵۰ مآخذ گردآوری شده است، از حه روسمدیر س وارگانهای این مرحله است. حالت است که این وارگان با سری خصوصی دارد.

یکدست بودن سوه تدوین تمام این وارگانها، علی ر باظمان و باطراو گوناگونی که دارند، نمایانگر وجود یوه برنامه ریزی زبانی مسرک اما بلویخی در میان اهل فن است.

حاشیه

(۱۲) امسی، سید محمد اربیربطار وارگان فیریک (انگلیسی- فارسی)، بهر مرکز سرداسگاهی، ۱۳۶۱

(۱۳) گروه واژه گرسی برو وارگان برو (انگلیسی- فارسی)، بهر مرکز سرداسگاهی، ۱۳۶۱

(۱۴) امسی، سید محمد همان، س ۱

(۱۵) همان، همان، واژه نامه زبانی ساسی و علوم وابسته، ویراسته علی محو سس، بهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (بروهسگاه)، ۱۳۷۱

(۱۶) «گراس کار گروههای تحققی- گروه تحققی سیمی مهندسی سیمی» سرداس، س ۱، س ۲ (خرداد و سیر ۱۳۶۰)

(۱۷) «گراس کار گروههای تحققی- گروه تحققی فیریک» سرداس، س ۱، س ۵ و ۶ (۱۱ ماه ۱۳۶۰)

(۱۸) «گراس کار گروههای تحققی- گروه تحققی فیریک» سرداس، س ۳ (فروردین و اردیبهست ۱۳۶۰)، س ۶۷-۷۰

(۱۹) امسی، سید محمد وارگان فیریک (انگلیسی- فارسی، فارسی- انگلیس تهران، مرکز سرداسگاهی، ۱۳۷۰، ویرایش دوم

(۲) بورخادی، علی وارگان سیمی و مهندسی سیمی (انگلیسی- فارسی- انگلیسی)، تهران، مرکز سرداسگاهی، ۱۳۶۹

(۲۱) همان، همان

(۲۲) بریخانیان، ماری همان

(۲۳) اکری، محمدی (و) دیگران فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلام (فارسی- انگلیسی)، ویراسته بهاء الدین حرمساهی، مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۷۰

کتاب حاضر از معد و سسار با ارسنی است که حای حالی آن در زبان فار سالها محسوس بود، با این همه بر نگارنده روس بیست که حرا آن را به سو وارگان تدوین کرده اند به واژه نامه ملا در این کتاب علت مستحق ساحتیه احد هر معادل معلوم بیست دیگر اینکه معادلهای فهرست شده در آن انتخابی است یعنی برای هر اصطلاح غالباً فقط يك معادل ذکر شده است و به تمام معادل بیستهاد شده موجود آن

(۲۴) فرهادی، کاظم وارگان اقتصاد و رمیه های وابسته (انگلیسی- فارسی تهران، پیشرد، ۱۳۷۱

این سبانه‌ای است حبان دلکس و سادی بحس که هر دوستدار رسد و اعلای ریان فارسی را به وحد می‌آورد

اما ای کاس قصه به همنس حا حاسه می‌یافت

به اعتقاد نگارنده وارگان بوسی در ایران از رهگذر تجربه رسد سوار کرده است، اما از رهگذر علم به! نا اعار مرحله دوم وارگان بوسی در ایران و اهمیت ندا کردن آن، حد بعد مسدل و بر محوا در باره وارگانهای مسر سده نکاسته سد که ساید بوحه وارگان بوسیه به انها، و رعایت دستورهای انها، می‌بواسب مرحله سوم را در امر وارگان بوسی ریان فارسی بدید آورد این بی بوحه که مناسفانه دامنگیر تمام وارگانهای مرحله دوم بوده است، اولاً موجب تکرار برخی از اسبابهار نار و فاحس وارگانهای مرحله اول گردیده، و ناا مایع از بدید آمدن روسهای حدیدر و کارآمدیر وارگان بوسی در ریان فارسی سده است در این قسمت از مقاله بیا به بعضی از این موارد اساره می‌کنیم و حواسدکان را برای اطلاعات کامل به خود بعدها ارجاع می‌دهیم از مهمربس و اسدایی برس اصولی که در هر وارگان و اصولاً

در هر فهرست لغایی باید دهفقا مر اعات شود، سیوه تنظیم بکدسب و روس واره‌ها سب اصولاً سه سیوه برای تنظیم واره‌ها در وارگانها وجود دارد سیوه حرف به حرف، سیوه کلمه به کلمه و سیوه‌ای که مرکب از دو سیوه فوق است دکتیر محمد طباطبایی در نقدی که بر وارگان فلسفه و علوم اجتماعی آسوری نگاسه^{۲۵}، بس از سرح مسوطی درباره این سه سیوه می‌بوسد «اگر هدف وارگان صرفاً دادن معادل فارسی اصطلاحات به مرحمان با اسادان و داسجوبایی است که در ضمن بر حمه با مطالعه ابری به این اصطلاحات بر حورده می‌کسد، مؤبر برس سیوه همان سیوه حرف به حرف است اگر هدف وارگان ارائه تصویری از وضع موجود معادلهای فارسی در برابر اصطلاحات حدید علمی است با در واره کرسی با واره‌ساری مورد اسفاده فرار گردد، در این صورت بهر است از سیوه کلمه به کلمه اسفاده شود، حه بدس برس بعداد بسیری از واره‌هایی که از نظر اسفافی و معنایی با هم ارباط دارند، در نکحا آورده می‌سود او! اگر هر دو هدف مورد نظر ناسد می‌بوان از هر دو سیوه اسفاده کرد»^{۲۶}

وی سبس مفصلاً حگوگی احرای هر نک از این سه سیوه را سرح می‌دهد اگر حه احرای کامل و صحیح سیوه سوم (یعنی سیوه مرکب) مسلرم دف و صرف وف بسیار است، اما بهر برس سیوه برای وارگانهاست در این سیوه کلمه ترکشایی که اریک اصطلاح بسط ساحتیه سده‌اند در دیل همان اصطلاح فرار می‌گردید، به طوری که معادلهای گوناگون آن را در ترکشیا برس می‌توان در نکحا با هم مقایسه کرد و ساسدهاسان را سجد اطرط دیگر به هنگام درهم آمش و ارگانهای رسته‌های گوناگون (یعنی عملی

که بس از بهنه واره‌نامه نهایی باید انجام گردد)، می‌توان معادلهای گوناگون نک اصطلاح واحد در رسته‌های گوناگون را در ترکشیا و در کلمات بسط نکحا برس کرد تا کون هسک از وارگانهای مرحله دوم از سیوه مرکب با حنی از سیوه کلمه به کلمه اسفاده نگرده است و همگی سیوه ساده‌تر حرف به حرف را برگزیده‌اند. مناسفانه احتلاط ناقص سیوه حرف به حرف در این وارگانها با دو سیوه دیگر خود موجب بدید آمدن وضع آسفه‌ای در تنظیم اصطلاحات آنها سده است.

ملا در واره‌نامه رناساسی و علوم واسه^{۲۷} اصطلاحات کلا به سیوه حرف به حرف تنظیم سده است اما گاه مواردی از سیوه کلمه به کلمه برس در آن دیده می‌سود ملا اصطلاحات برس در این وارگان فقط به سیوه حرف به حرف تنظیم سده‌اند

data collecting

data collection

data orientation

data oriented

اما بعضی از ترکشیا در این وارگان هم به صورت حرف به حرف آمده و هم به صورت کلمه به کلمه، ملا اصطلاحات برس در یکحا اینگونه تنظیم سده است (کلمه به کلمه)

alternation change

تناوب متغیر

alternation irregular

تناوب نامنظم

alternation regular

تناوب منظم

alternation sporadic

تناوب پراکنده

و در حای دیگر اسگونه (حرف به حرف)

irregular alternation

تناوب نامنظم

regular alternation

تناوب منظم

حباکه می‌سیم چهار اصطلاح به سیوه کلمه به کلمه (که سیوه اصلی وارگان بسب) تنظیم سده و از این چهار با فقط دو با به سیوه حرف به حرف (که سیوه اصلی وارگان است) درج سده است! نکته دیگر اسکه به هنگام تنظیم اصطلاحات مرکب به سیوه کلمه به کلمه، در صورت مفلوب ساختن ترکیب، باید با ویرگولی نایه ترکیب را از کلمه یا کلمات دیگر جدا کرد، اما حباکه می‌سیم وارگان بوس این عمل را هم انجام نداده است. علت حبسب؟ علت این است که واره‌نامه رناساسی (صفوی)، یکی از مأخذ عمده وارگان حاضر بوده، و مؤلف بدون هیچ اصلاحی کلیه افلام آن وارگان را، اعم از غلط یا درست، در وارگان خود تکرار کرده است وای کاس قصیه به همین حا حتم می‌سد! بس از اسسار واره‌نامه رناساسی صفوی، دکتیر مهسید بسیری بعد مفصلی بر این وارگان در محله سرداس بسب که اسکالات بساری (محمله همین اسکال با همین مالها) را در آن برسرد^{۲۸}. اگر

نویسندهٔ واژه‌نامهٔ ریاضیاتی و علوم و انسان، به‌دحام مسری بر واژه‌نامهٔ ریاضیاتی را خوانده بود. سبک کم استباهات وی را تکرار می‌کرد استباهات واژه‌نامهٔ ریاضیاتی بسیار بیشتر از آن چیزی است که در این مقاله نقل کردیم و متأسفانه غالب آن استباهات در واژه‌نامهٔ ریاضیاتی و علوم و انسان عیان‌تر شده‌است. از دیگر مسائلی که در کلمهٔ فرهنگهای لغت انگلیسی‌نویس ریاضیات بود این است که صورت واژه‌های آنها باید بی‌ساز باشد، یعنی مثلاً مفرد و بدون حرف تعریف در مورد اسمها، مطلق در مورد صفات و بدون to در مورد مصدرها. دکتر طباطبایی در بعد خود پس از بیان این نکته و شرح مفصلی دربارهٔ حجوبگی اجرای آن در واژه‌نامه، موارد بسیاری از واژه‌گان فلسفه و علوم اجتماعی داریوش اسوری برمی‌سازد که اصل فوق را نقص کرده است.^{۲۹} می‌دانیم که واژه‌گان فلسفه و علوم اجتماعی مسای واژه‌گان دیگری با عنوان فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی بود، و این فرهنگ بر خود بعدها مسای واژه‌گان جدیدتر فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی قرار گرفت. بسیار متأسفانه از آنکه بگوئیم واژه‌گان نویسندهٔ واژه‌گان اخیر بر بدون توجه به نقدی که بر واژه‌گان سلف خود (یعنی واژه‌گان فلسفه و علوم اجتماعی اسوری) نگاشته شده، غالب استباهات و نارسائیهای آن را تکرار کرده است. مثلاً آنکه در هر دو واژه‌گان هم صورت جمع و هم صورت مفرد بعضی از اصطلاحات آمده است: مثلاً affix (مفرد) و affixes (جمع)، magus (مفرد) و magi (جمع)، nucleus (مفرد) و nuclei (جمع)، stratum (مفرد) و strata (جمع) و غیره. و البته تکرار استباهات واژه‌گان اسوری در واژه‌گان بریحاسان محدود به همین موارد نیست. دکتر طباطبایی در بعد خود بر واژه‌گان اسوری، با دقت و حرکات بسیار شرح داده است که با استفاده از علامت اختصاری و ارجاعات چگونه می‌توان فرمهای استاندارد وی بیان مشکل‌ساز را در واژه‌گانها تنظیم کرد. رعایت دقیق اصول علمی واژه‌گان نگاری به علت شبکهٔ ارجاعات پیچیده و علامت اختصاری و نمادهای گوناگون آن کاری مشکل و طاقت‌فرسا است اما این دلیل می‌شود که واژه‌گان نویسنده که اساسی هم نالا رده، این اصول را به کار نگرفت و از نقدهایی که بر واژه‌گانهای سبک نگاشته شده بی‌خبر باشد یا به هر دلیلی از خواندن آنها طفره برد و بی‌اعتنا به آنها واژه‌گان را تهیه کند.

در ضبط نام عناصر سیمیایی و سانه‌های اختصاری آنها در واژه‌گانها، نکات بسیار ریز و حالی وجود دارد که رعایت آنها در ادرس واژه‌گان را از نظر کارایی و سهولت مراجعه صد حدان می‌کند. این نکات به طور کامل و مسطور در نقدی با عنوان «بررسی و نقد واژه‌نامهٔ سیمی» که در سال ۱۳۶۱ در نشر دانش منتشر شد درج شده است.^{۳۰} متأسفانه بسیاری از نکته‌گیریهایی

این نقد در مورد واژه‌گان سیمی و مهندسی سیمی، که اخیراً منتشر شده است، بر صدق می‌کند. به عنوان مثال عنا حد جمله از آر نقد را که هشت سال پس از این بر واژه‌نامهٔ سیمی نگاشته شده در اینجا نقل می‌کنم. این حملات، بحر در مورد شمارهٔ صفحه‌ها، در مورد هر دو اثر کاملاً صادق است: «در این واژه‌نامه نام کامل يك عنصر سیمایی و سانهٔ اختصاری آن به طور جداگانه داده شده است، بی‌آنکه پس از آنها ارتباطی برقرار شود، مثلاً «کالفریم Californium» [ص ۲۰] و «سانهٔ عنصر کالفریم ۹۴» [ص ۲۱]، حال اینکه باید به نحی از دو صورت ریز تنظیم شود کالفریم Californium - Cf [ص ۲۰]، Cf the symbol for Californium [ص ۲۱] یا کالفریم Cf = Californium [ص ۲۰]، سانهٔ عنصر Californium Cf [ص ۲۱]»^{۳۱} و البته نکات مسریک آن واژه‌نامه و این واژه‌گان و نقدهای که دکرس به میان آمد، مطلقاً محدود به آنچه گفته شد نیست.

از این مثالها بسیار است که برای طولانی شدن مقاله، از نقل آنها خودداری می‌شود و فقط به گفتن همین واقعیت تلخ اکتفا می‌کنیم که هیچکدام از واژه‌گان نویسنده مرحلهٔ دوم نواخته‌اند، یا نواخته‌اند، از اصول علمی واژه‌گان نگاری استفاده نکند. استفادهٔ صحیح و روشمند از سانه‌ها و علامت اختصاری گوناگون و شبکهٔ ارجاعات منظم، و بر انتخاب حروف مناسب برای حاب واژه‌گانها^{۳۲} از جمله عوامل عمده‌ای است که مبنای مسرحتر و قابل اعتمادتری را برای تهیهٔ واژه‌نامهٔ نهایی فراهم می‌آورد و در عین حال استفاده از واژه‌گان را از هر نظر راحت‌تر می‌سازد.

حاشیه

(۲۵) طباطبایی، محمد «واژه‌گان نا و براساز» ولی نا و براساز» عدد آگاه، در بررسی اراء و آثار (مجموعهٔ مقالات) تهران، آگاه، ۱۳۶۳، ص ۲۹۱-۲۹۷. بر همین نقد نقدی با عنوان «عنا نویسندهٔ واژه‌گان در فرهنگ سیمی» بر کتاب فرهنگ اصطلاحات نجومی، تألیف ابوالفضل مصطفی، نوشته است که بسیار خواندنی و آموزنده است (ک عدد آگاه، تهران، آگاه، ۱۳۶۲، ص ۲۱۸-۱۹۱).

(۲۶) همان، ص ۲۶۲-۲۶۴.

(۲۷) همان و همانجا همان.

(۲۸) مسیری، مهسید «بررسی و نقد فرهنگ ریاضیاتی»، سرداس، ص ۳.

ص ۲ (همین و اسناد ۱۳۶۱) ص ۶۶-۶.

(۲۹) طباطبایی، محمد همان.

(۳۰) طباطبایی، محمد «بررسی و نقد واژه‌نامهٔ سیمی»، سرداس، ص ۳، ص ۱ (اد و دی ۱۳۶۱)، ص ۲۲-۲۷. بر واژه‌نامهٔ سیمی (تهران، مرکز سرداسگاهی، ۱۳۶۱) نقد دیگری بر نگاشته شده است با این مشخصات: فرهنگستان زبان (گروه واژه‌گزینی) «بررسی واژه‌نامهٔ سیمی»، سرداس، ص ۲، ص ۵ (مرداد و شهریور ۱۳۶۱). خواندن نقد اخیر بر همهٔ دست‌اندرکاران واژه‌نامه و واژه‌گان واجب است زیرا نا خواندن آن متوجه می‌شود که هر نقدی هم خواندنی و آموزنده است.^{۳۱}

(۳۱) طباطبایی، محمد همان ص ۲۴-۲۳.

(۳۲) مثلاً اگر واژه‌گان فیریک یا حروفی نازکتر که مناسب کتابهایی از این دست است جیده می‌شد، شمار صفحات آن دست کم از ۱۰۰۰ به ۵۰۰ می‌رسید.

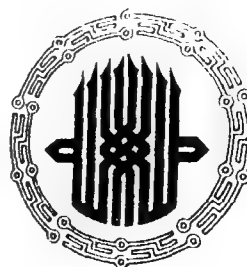
النهضة أي عربي | حلوة سوق روسفكران سوریه نه سارگاری با اروبا
بود این روسفکران با استعدادار استعدادهای موروپی حدریابیگی، که
ارویرگیهای این منطقه بود، در نقل و اقتباس دستاوردهای اروبا در زمینه
ادبیات، دایره المعارف نویسی، تعلیم و تربیت، ورورنامه نگاری نه اوح
موقعیت دست یافتند. آنان می خواستند ضمن طی این طریق، در
پیشانیس اُمم خود، اردرواره بررگ نه ساحب تاریخ عرب گام نهاد
ژالدزک

در سال ۱۸۷۵ سردبیر محله الحمان که در بیروب منتشر می شد
اعلام کرد که قصد دارد يك دایره المعارف منتشر کند. بَطْرُس
نُستانی را عامه کتابخوانهای عرب مصر و سوریه خوب
می ساختند و خارجیان مقیم بیروب نیز با نام او نه عنوان معلم،
مترجم و محقق آشنا بودند، و این نام حتی برای اهل علم در اروبا
بیر با آسا بود؛ اما با تمام این احوال، نمی سد سک نکرد که حظور
او، یا هر کس دیگری، خواهد توانست از سس تألیف و سر اری
در این سطح و با این دامنه، که در هر سراطی دسوار است، بر آید.
با این حال، نخستین مجلد این ار در ۱۸۷۶ نه پایان آمد و با
عنوان دایره المعارف و عنوان فرعی فرانسوی *Encyclopedie*
arabe (دایره المعارف عربی) منتشر سد. از آن سس تا سال ۱۸۸۲،
سح جلد دیگر از این دایره المعارف بیانی انتشار یافت در حلد
هفتم این ار، که در ۱۸۸۳ مسر سد، در گدسب بُسانی حبر داده
سد از آن سس، سر وی، سلیم نُستانی، که ار ابتدای کار دستیار
بدر بود، کار نظارت و سر برستی این دایره المعارف را بر عهده
گرفت، اما خبر وفات او سر با انتشار حلد هشتم این ار در ۱۸۸۴
اعلام گردید. از این سس، آهنگ اسسار مجلدات دیگر این
دایره المعارف کُندی گرفت دو فررد دیگر بَطْرُس نستانی،
بصیب و حبس، با کمک یکی دیگر از اعصای این دودمان، نه نام
سُلیمان سسانی، توانستند مجلد نهم این دایره المعارف را در
۱۸۸۷ منتشر کنند. سس، جلد دهم، با تأخیری طولانی، در
۱۸۹۸ و حلد باردهم در ۱۹۰۰ انتشار یافت. دو حلد اخیر، نه جای
سروب، در مطبعه محله مسهور الهلال در فاهره حاب سد حلد
یاردهم آخرین مجلد از این دایره المعارف است که تا این رمان
[۱۳۷۱/۱۹۹۲] اسسار یافته و با انتشار آن، دایره المعارف
نستانی نه حرف «ع» رسیده است. آخرین مقاله این مجلد مربوط
نه سلسله عثمانی است، که ساید حتام میاسی بوده است؛ ریرا که
همانا دسواری رورافرون سر آرادانه آن در فلمر و سلطان
عبدالحمید، و همچنین مسائل مالی، به تأخیر طولانی و انتقال کار
حاب آن از بیروب نه فاهره منحر سده بود.

این دایره المعارف از همان ابتدای انتشار، در بیروب از
کسورهای عربی بیر انظار را به خود جلب کرده بود؛ در سال
۱۸۸۰، فلایسر، سرفساس آلمانی، در سریه ZDMG، بر سه

دایره المعارف بُستانی

نوشته البرت حورانی
ترجمه مرتضی اسعدی



جلد نخست این *دایره‌المعارف* نقدی بوس^۲. *دایره‌المعارف* بستانی، نه رعم باتمام بودسن، ناکون کاملترین اثر عربی در این نوع است افعال خواستگان به این *دایره‌المعارف* از محدوده کشورهای عرب فراتر رفت و به کشورهای که در آنها با زبان عربی آشنایی وجود داشت سر رسید و حوزه‌های علمیه ایران مقالات مربوط به تاریخ اسلام آن را معین سمردند^۳.

دایره‌المعارف از این نوع و با این دامنه و وسعت چگونه در دهه هفتم قرن ۱۹ میلادی، در یکی از شهرهای نسبتاً کوچک و کم‌اهمیت امپراتوری عثمانی، حاب و سر سده؟ *دایره‌المعارف*های امروزی در کشورهای انگلستان و فرانسه و آلمان از قرن هجدهم میلادی به این سو منتشر شدند، اما در کشورهای دیگر بحسب قدمها برای سر حس *دایره‌المعارف*هایی در اواسط قرن نوزدهم بر داسه شد *دایره‌المعارف* بستانی از بحسب *دایره‌المعارف* امروزی روسته حندان حواسر بست^۴ و حلد اول آن سبرده سال زودتر از اول *دایره‌المعارف* ترکی، یعنی قاموس الاعلام^۵، اثر کو حکر و سبار محدودتر سمس الدین سامی فراسری مسر سده است.

به این سؤال پاسخهای گوناگونی می‌توان داد، که همه به هم مربوط اند بحسب پاسخ همان وضع و حال سروب در آن دوره است در آن سالها سروب سدری بود که همگام و هبراه با سسط دامنه تجارت دریایی اروپا با جهان خارج، رسد کرده بود، آمد و سد منظم کسبهای کوچک و بزرگ تجارتی آن را با سادر حوره مدیترانه و سواحل افانوس اطلس مرتبط می‌ساحت، این شهر مفر کسولکرها، هشتهای تبلیعی و مدارس دسی معدد بود، و طایفه‌ای از بازرگانان داخلی و خارجی بوسه مصوغات اروپایی را وارد این سدر می‌کردند آنچه در این سدر دادوسد می‌سد فقط کالا بود کسبهای تجارتی کتاب و سربه سراز اروپا و امریکانه این سدر می‌آوردند، تلگراف که سسکه آن در دهه هفتم قرن ۱۹ میلادی در سروب دایر سده بود، احبار و بدادهای جهان را تنها در طول حلد ساعت به این سدر می‌رساند؛ کسولها، بازرگانان، مبلغان مذهبی، و معلمان در واقع محاری نقل داس اروپایی و الگوهای سیوه حدید ریدکی بودند.

فلاسرد نقد و بررسی *دایره‌المعارف* بستانی، سروب را بازار اصلی (Hauptemporium) سوریه خوانده و این قول گوته را شاهد آورده بود که سرق و عرب/ دیگر حدا بستند^۶ برای راه‌بردن این بازار، و نه هم رساندن سرق و عرب، واسطه‌ها و مناحیهایی لازم بود، و مسحان لبنانی، همچنانکه یونانها و ارامه در سایر بلاد امپراتوری عثمانی، برای این کار کاملاً مناسب بودند بویه مارونی‌ها و دیگر سروان کلیساهای شرقی مستقل متحد با کلیسای روم دیر زمانی بود که، به عنوان

کسیس و بازرگان و کارمند کسولگری با سرکتهای بازرگانی، با اروپا ساس تماس و دادوسد داشتند، و عده‌ای از آنان، در برتو فعالیتهای مدارس مبلغان دسی و حوزه‌های علمیه کلیسای کاتولیک روم با زبانهای لاتنی و ایتالیایی آسنا سده بودند آنان دیگر اکون فراگرفتن زبان فرانسه یا انگلیسی را در مدارس حدید مبلغان دسی آغار کرده بودند، و افهای تازه‌ای برای اسعمال به معلمی و مترحمی با کار در ماصت بالابر کسولگریها به روی ایسان گسوده سده بود در دهه‌های هفتم و هشتم قرن ۱۹، دامنه فعالیتهای ایسان سبار گسرس یافته بود ایسان علاوه بر آن که خارجیان را با زبان و حامه خود آسما می‌ساحسد، در مقام معلم و رورنامه‌نگار، جهان حدید اروپا و امریکا را بیره با سوادان عربی زبان می‌سساندند.

نطرس بستانی هم نمونه و سمرسقی و هم رهبر این گروه واسط بود.^۷ وی که در خانواده‌ای از مارونیهای جنوب لبنان راده سده بود، در مدرسه مارونی «عس ورفه» درس خواند، و در همانجا، علاوه بر زبان عربی، زبانهای لاتن و ایتالیایی و سریانی را نیز فراگرفت اولن تماس او با جهان انگلیسی‌زبان در سال ۱۸۴۰ یعنی هنگامی دسب داد که سروه‌های انگلیسی، برای واداسس محمدعلی پاشا به بحله سوریه، در سروب بیاده سدید اندکی سس از این، بستانی همکاری با هشتهای تبلیعی بروتستان امریکایی در سروب را با درس‌دادن در مدارس ایسان، تدریس خصوصی زبان عربی به آنان، و برحه و همکاری در فعالیتهای انتشارانی این هشتها آغار کرد کسانای از اعدای این هشتها بیره او انگلیسی آموحسد و او بروتستان سد حلد سالی به هشتهای تبلیعی حاشیه:

1) Berque, Jacques, *Arabie*, Revised edn (Paris 1980) p 133

2) Fleischer, H I, in *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*, 34 (1880), pp 579-82

۳) به نقل از دکتر حسین مدرسی

4) R L Collison, 'Encyclopaedia', *Encyclopaedia Britannica* 15th edn (Chicago, 1979), Macropaedia, vol. VI, pp 779-90

۵) سامی بی فراسری (سمس الدین سامی فراسری)، قاموس الاعلام، معجم تاریخ و جغرافیا، ج ۶ (اساسول، ۱۸۸۹-۱۸۹۸)

6) ZDMG, p 579

۷) *دایره‌المعارف* (سروب، ۱۸۸۳)، ج ۵، ص ۵۸۹-۶۰۸، حرجی ریدان. ترجمان مساهر السرق، ج ۲، ط ۲ (قاهره، ۱۹۱۱)، ص ۲۵-۲۲، این هر دو منستی است بر المصطفی، ج ۸ (۱۸۸۳-۱۸۸۴)، ص ۷۱-۷۰ از حمله مطالعات تازه‌تر

A L Tibawi, "The American missionaries in Beirut and Butrus al-Bustami" in A Hourani, ed., *Saint Antony's Papers 16 Middle Eastern Affairs*, vol. III (London, 1963) pp 137-182 B Abu Manneh, "The Christians between Ottomanism and Syrian nationalism: the ideas of Butrus al-Bustami", *International Journal of Middle East Studies*, II (1980), pp 287-304

امیر عبدالقادر [جزایری]، تقدیر نامه‌ای برای وان دیک فرستادند.^{۱۱} حادثه دیگری از این نوع وفات بطرس بُستانی در ۱۸۸۳ بود؛ سبب سال بعد یکی از کسانی که در مراسم تدفین او حاضر بوده، به نحوی رفته و حادار حلوه‌های غم و اندوه و اسکهای وان دیک، و خطابهٔ بلیغ ادیب اسحق را در این مراسم وصف کرده است.^{۱۲}

نویسندگان این اثر حدید، هر حد بسیار مستأق استقلال خود بودند، به حامیانی نیاز داشتند فاموس بُستانی با افعال حکومت عثمانی مواحه سده بود و او برای جلب کمک به دو تن از مقامات عالیهٔ عثمانی روی آورد؛ آنان قول همراهی دادند، ولی پیش از سر نخستین بخش این اثر نمی‌نویسند کمک کنند. لذا، وی به حدیو اسماعیل متوسل شد و او، با وفوف به ادرس کاری که سستان مساعی خود او برای وارد کردن مصر به جهان حدید دسآورد اروپا می‌شد، بی‌درنگ به این اسمداد ناسخ مس داد.^{۱۳} وی هزار نسخهٔ دایره‌المعارف را بیس خرید کرد، و بعداً کمکهای مالی دیگری نیز از جانب اطرافیان او، یعنی فرزندان بوفیق و وریرس ریاض، به بُستانی رسید.^{۱۴} در مقدمه‌های مخلصات بخش دایره‌المعارف از این همراهی ساسگزارای، در عس حال، از سلطان مراد بحم و حاسنس، عبدالحمید دوه عثمانی، ددردای سده است.^{۱۵}

هسح اثر مرجمی کاملاً بی‌طرف نیست. يك لعب نامه حه ساسا ساسه‌ای ادبی ناسد، و يك دایره‌المعارف، با دعوی اسمال بر همهٔ مطالبی که داستس انها لارم یا مفید است، ناگیر ناید، برای انتخاب و ترتب و انتظام مطالب، اصول و مبای خاص خود را داسه ناسد. دایره‌المعارف نویسار بررگ فرن هجدهم این بیارو مسائل ناسی ار آن را ساسخته بودند اس مسأله در مقدمهٔ حاب اول دایره‌المعارف بر ساسکا بروسی سان سده است. «روس انفال معارف به ترسب الصانی» هر حد مسلماً مفید است، حظری بر دربردارد «روس تفسیم علوم به قطعات بر حسب اصطلاحات فنی گوناگون معلی به هر ناره ار آن، با معنی واقعی علم معایر دارد، ریرا علم سلسله‌ای ار نتائج مربوط به هم است که ار اصول ندیهی یا اصول مکسوفهٔ فیلی اخذ سده ناسد». لارم است که اس اصول «با سلسل [نه خوانده] عرصه سوند» و این سلسله کامل ناسد. «علوم ناید سمامی عرضه سوند، وگر به عرصهٔ آنها فاند، محصری حواهد داسد».^{۱۶}

سایراس، مؤلفان دایره‌المعارفها این سار را احساس کردید که در نارهٔ ساسات داسها با یکدیگر در منظومهٔ علوم، نظری کلمه ارائه کسد. ار این رو مقدمه‌های به دوت تهیه سدهٔ این نوع انار حملهٔ ار رسمندترین بخشهای ماندگار آنهاست ار این است: گفتار آغازین (*discours préliminaire*) دندرو

بروستان در ترجمهٔ حدید کتاب مقدس کمک کرد و به این منظور ربان یونانی و عربی حواند. اما سراجام رمایی فرا رسید که او ظاهراً دیگر نمی‌خواست تحت حمایت هشتهای سلیفی خارجی باسد حد صاسحی دیلماح کسولگری ایالات متحده بود، و مدرسه‌ای به نام «المدرسه الوطنیه» بار کرد که نامس بر معنی بود ننا بود که اس مدرسه برای همهٔ گروهها و هدفس معلم حب «وطن» و آمورس ربان عربی ناسد

سبس دوران کارهای حصمی تُردامنهٔ وی، یعنی تألیف فاموس عربی حدید محیط المحیط و انتسار سر نه فرهنگ الحان فرا رسید.^{۱۷} سریات ادواری و رورنامه‌هایی ار این نوع ندیده‌ای بو ظهور بود که به طر نمی‌بو، یعنی با اسسار در فواصل رمایی معین و ارسال برای مسرکان سار عامهٔ با سوادان را به مواد حواندنی مفید و آمورده برمی‌آورد دایره‌المعارف بر که حروه‌های آن هر حد وفك بار برای مسرکان فرساده می‌سد و هدفس این بود که با برنامه و اسلوب و انتظام، معارفی را در دسترس حواندگان ددارد، به يك معنا در حکم سر نه ادواری بود

بُستانی، در حلقهٔ سسران و ساگردان و همکار اس حکم کابون بخشس گروه روسفکران حدید جهان عرب را سدا کرد، گروهی که ار نظر احتماعی بویا و یکسره وفوف و سر آراء و افکار بود و با حیره‌دستی در فنون کلامی آماده بود با در وضع موحود و بدرفته خون و حرا کسد. انکار کلسای ماروبی و قول مذهب بروسان نخستس گام در همس راه بود در حامعه‌ای منتی بر نابعیب مذهبی، بروستان سدن به معنای آن بود که فرد هر حه سسر نه اظهار حق بر وی ار عقل و وجدان حوبس روی آورد.^{۱۸} با اس حال، حس واداری به معلمان و همکاران در این گروه همحسان بر و مند بود، و روح دادن بر حی حواد اس حس را فو تر هم ساحب یکی ار اس حواد در کالاح امریکایی بیروب روح داد که استاد علوم طبعی اس، در سحرانی حسن فارع التحصیلی سال ۱۸۸۲ ار آراء داروس دفاع کرد، و محبوبرسد که اس کالاح را ترک کسد.^{۱۹} در سحه، عدهٔ دیگری ار اسدادان به رهبری کربلیوس وان دیک (Cornelius Van Dyck)، برسك معروف هیث تبلیعی، به ساسهٔ اعتراض به اخراج او، اسعفا کردید. این نخستین باری بود که ار حرنهٔ مألوف روسفکران، یعنی اعتراضنامهٔ جمعی، در جهان عرب استفاده می‌سد. سخصتهای نامدار دمشق، به رهبری مفتی این سهر، سیخ محمد حمزه، و

ارواییان با این روس مانوس بودند. حوامع العلوم قرون میانه، همچون المعارف ابن قتیبه، به ترتیب موضوعی مرتب شده بودند. بعدها قاموسهایی برحسب حروف صامت آغازین ریشه کلمات تدوین شد. مدحلهای تراحم، از قبیل معجم الادبی یا فوت، بر اساس نخستین حرف صامت اسامی مرتب شده بود، و همین معاحم سرمسقی بلافصل ستایی بودند، بیت اولیه او در واقع این بود که معجمی از تراحم تألیف کند.

داسی که «قوم عرب» به کسب آن نیاز داشت چه بود؟ سسرین تأکید دایره المعارف بستایی بر سه موضوع است دانس و فن امرورین، تاریخ اروپا، تاریخ و ادبیات عرب. بیستر مقاله‌های دو موضوع بحسب از آثاری ترجمه، تلخیص یا اقتباس شده است که به زبانهای انگلیسی و فرانسه نوشته شده‌اند، و این در آری که نه آن ستات تألیف می‌شد و بخش اعظم مقاله‌های آن را، حر معدودی که نوشته مؤلفان دیگری بود، تنها سح نر ار اعصای حاواده سسانی می‌نوستند ناگزیر بود (تصاویر نایان

حاشیه.

(۸) محط المحيط، ج ۲ (بیروت، ۱۸۶۹-۱۸۷۰)، الحان (۱۸۸۵-۱۸۷۰)
 9) J. Fontaine, *Le désaveu chez les écrivains libanais chrétiens de 1825 à 1940* (Thèse de doctorat de troisième cycle, Paris, 1970), pp. 172-176
 ۱۰) از حمله نگاه کنید به

N. Farag, "The Lewis affair and the fortunes of al-Muqatfat", *Middle Eastern Studies*, 8 (1982), pp. 72-83. D. M. T. Cavitt, "Darwinism in the Arab World: The Lewis affair in the Syrian Protestant College", *Muslim World*, 71 (1981) pp. 85-98

بر نگاه کنید به زندگیامه خرحی رندان به فلم خودس (بر حمله انگلیسی)

1. Philipp, Gurgi Zaidan, *His Life and Thought*, (Beirut, 1979), pp. 128-206

۱۱) من این تقدیر نامه در المعتقد، شماره ۱۹ (۱۹۸۵)، ص ۸۸۸، حات شده است

۱۲) ف حورابی، 'المعلم نطرس ستانی'، المستمع العربی، شماره ۴ (۱۹۴۳)، ص ۱۰-۱۲

۱۳) دایره المعارف، ج ۱ (بیروت، ۱۸۷۶)، ص ۲-۳، بر نگاه کنید به امین سامی، *عقود البیل و عصر اسماعیل پاشا*، جزء ۳، المجلد الثالث (قاهره، ۱۹۳۶)، ص ۱۲۱۷، ۱۴۰۲. این ارجاع و بر راهنماییهای دیگر را به لطف دکتر نطرس ابومنه مدیونم

۱۴) دایره المعارف، ج ۲ (بیروت، ۱۸۸۰)، ص الف

۱۵) همان، ج ۱ ص ۴، ج ۴ ص ۱

16) *Encyclopaedia Britannica or a New and Complete Dictionary of Arts and Sciences*, 1st London, edn, vol. I (1773) preface, p. V

17) *Encyclopedie ou dictionnaire raisonne des sciences, des arts et des metiers*, vol. I (Paris, 1751), discours preliminaire pp. i-xlv

18) *General Introduction to the Encyclopaedia Metropolitana, or a Preliminary Treatise on Method*, 3rd edn

(London, 1849) در معرفی نامه حات دوم دایره المعارف

19) *Encyclopedie* vol. XV (Paris, 1765), pp. 541-544

۲۰) دایره المعارف ج ۱، ص ۲

دایره المعارف بررگ (فراسه) که بر اساس نوعی معرفت ساسی مبتنی بر نمایر میان و طبقه و عملکرد حافظه، عقل و فوه خیال، -نظمی خاص خود برای منظومه علوم فایل است^{۱۷}، و، نجاه سال پس از آن، محط روس (*Treatise on Method*) کولریج (Coleridge) در دایره المعارف متروبولینا، که در آن کوسس شده است با، با سان دادن حگوگی فراهم آمدن علوم محفل ار عمل ذه، که نظم خود را بر موضوعات تحمیل می‌کند، مناسبان میان علوم بوضوح داده سود^{۱۸}

در برنو این قبیل طرحهای احتمالی، سسر دایره المعارفها کوسیده‌اند با میان مقاله‌های کلی بلندی که در آنها کل مطالب یک حوزه معن مرور و بروهس شده است و مقاله‌های کوتاهی با موضوعات محدود، مواردی برقرار سازند اما در این کار چه سنا مشکلائی برور می‌کرده است، و برخی از موضوعات که نمی‌شده است بر احیای آنها را با مانی کلی مربوط صاحب احاره ورود در اثر نمی‌یافته‌اند در حات اول دایره المعارف بررگ فرانسه، اطلاعات مربوط به تاریخ و زندگیامه‌ها عمدتا در مقالات جغرافیائی عرضه شده‌اند، و اس امر را می‌توان به مانی کلی حاکم بر اثر مربوط داسب، در این دایره المعارف برای سکسر مدخل مسفلتی وجود ندارد و ار او دبل مدخل «اسرا بورد» (Stratford)، یعنی سهر رادگاه او، کفگو شده است^{۱۹}

مقدمه دایره المعارف سسانی حاوی بوصف دفعی و مسجمی از علوم سست، ولی در آن به نآت مؤلفان اساره‌هایی شده است این مقدمه با سسانی اعار می‌سود که ساید اکنون از معارفات جلوه کند، اما همس سحان در ورکار خود اراء راهکسای بحول اجتماعی و فرهنگتی بوده‌اند، از حمله اینکه سارهای ملتها برحسب زمان و مکان فرق می‌کند، یا هیج ملتی نمی‌تواند بدون دانس، بدون نانه و اساس ترفی اقتصادی و اجتماعی و بدون سلامب و رسد عقلانی و اخلاقی با سحگوی مصصیات عصر حدید پاسد؛ یا اینکه «مردم عربی زبان» (اهل اللغة العربیه)، که همسایه کشورهای ممدانند، به سار حویس به داس و معرفت واقف شده‌اند مقصود از تألیف دایره المعارف با سحگوی به اس نیاز هاست، آن هم با برهیر از فرقه‌گرایی (الانبعاد عن التحرر) و به طریقی که برای اهل همه ادیان بدر فسی ناسد^{۲۰}. این مقدمه ضمنا حاوی سرحی درباره «روس انتقال معارف به ترتیب الفبایی» بر هست. در آن آیام، حواسدگان عربی زان کمتر از

جلد چهارم به بعد نیز توسط شرکت امریکایی آتلتن و سرکا (Appleton & Co) تأمین شده بود.^{۲۱} هر چند، در سه جلد نخست، تصاویر مندرج در متن کار یکی از هنرمندان محلی، به نام منکاتیل فرج، بوده است. همچنین فلیس در بررسی خود از این دایره المعارف خاطرها و اسباب غنا وین رندگانه‌ها در این اثر گاهی عرب و دور از انتظار است، آنجا که گویی مؤلفان در این حوزه از حد دانش خود فراتر رفته‌اند.^{۲۲} این مقاله‌ها، خواه اصل و تألفی خواه نه، با همان تیر روس و روان و ساده، ولو عاری از تیرانه و حسن، نوشته شده‌اند که بستانی و گروه مؤلفاس برای بیان همه فهم آراء و معارف جهان امروزی به کار برده‌اند.^{۲۳}

حتی در همن بخشهای دایره المعارف ندیده‌هایی انگیزه اعجاب می‌سود آنکه در این دایره المعارف نگراف و وصف شده باشد حندان دور از انتظار نیست، زیرا در آن آثار همه با آن آسا بوده‌اند، اما شاید نافع و وصف تلفی در جلد سیم، که در سال ۱۸۸۲ منسیر شده، حرب انگیز باشد، زیرا اخراج گراهامیل بحسب تاریخ در سال ۱۸۷۶ یعنی تنها ۶ سال پس از انتشار مجلد مربوط به سب رسید، و نخستین مرکز تلفی که حسیه باررگانی داس در سال ۱۸۷۹ در امریکا تأسیس شد.^{۲۴}

مقاله‌های بسیاری که در این دایره المعارف به تاریخ، ادبیات و اساطیر یونانی اختصاص داده شده است سر از نظر مشخص مؤلفان درباره آنجه دانستس را برای «مردم عربی‌ربان» مهم می‌سمرده‌اند حکایت دارد هر چند، به لحاظ رابطه نزدیک میان سوانق و ستهای علمی یونانی و عربی (اسلامی)، حه ساس امر مسعد نماید، اما این مقاله‌ها، بواقع، از حد معلوماتی که در دسترس نویسندگان عرب نیستی بوده فراترند. مدخلهای بمسوکلس، توسندید (توکودندس)، تسنوس، تنودوسوس، ثوفرستوس، و تنوکریوس، یکی س از دیگری در این دایره المعارف آمده‌اند، در حالی که سها نام یکی از این سس نفر احابا برای مسلمانان فرو مانه اسنا بوده است.^{۲۵} به همر س مقاله و سرح و توصیفی اختصاص یافته است.^{۲۶} در حالی که هیچ یک از آثار او با آن زمان به ربان عربی ترجمه شده بود، و سها یکی از اعضای هشت بحریه این دایره المعارف، یعنی سلیمان بستانی، چند سال بعد ایلاد را ترجمه کرد.^{۲۷} و ندین سان، راهی گسوده سد که، چند سل بعد، به رواج کار برد نمادین اساطیر یونانی در سرح عربی رهمون گس.^{۲۸}

مقالات مربوط به دانس و تکنولوری این دایره المعارف احتمالاً همان مقاله‌هایی بوده‌اند که بستر خوانندگان می‌خواستند. هشت تحریریه در مقدمه‌های جلد سوم و چهارم از اینکه، به مقتضای ترتیب الفبایی، بخش اعظم جلدهای اول و دوم

ناگزیر به نامهایی اختصاص یافته که با «این» و «او» آغاز می‌شده‌اند، عذرخواهی کردند.^{۲۹} حال آنکه از نظر خواننده امروزی مدخلهای مربوط به موضوعات عربی و اسلامی حالبتر است. در این مقاله‌ها، که با حد زیادی بر منابع عربی، از جمله نسخ خطی حاب شده، مبنی بوده‌اند، داورها و سلیقه‌هایی اظهار شده است که الزاماً همان داورها و سلیقه‌های محققان اروپایی آن روزگار نیست. نویس مقاله‌های مفصل راجع به ساعران عرب‌ربان، با سواهد و نقل قولهای فراوان، از نویسندگانی که در عصر کسف دوباره و بارساسی قدر میراث سرح عربی می‌ریستند، بعد نیست، اما وسعت دامنه مقاله‌های مربوط به تاریخ و تفکر اسلامی ساید دور از انتظار ناسد؛ مثلاً مقاله «ابونکر» سح صفحه است.^{۳۰} (این دایره المعارف هرگز نه مدخل «محمد (ص)» نرسد). بوحه به این خلدون، که در سس از یک مقاله اراز شده است، در میان نویسندگان اروپایی و عرب و ترک آن روزگار در حال سوع بود، اما در برخی مقاله‌های دیگر فضائتهایی دیده می‌سود که حه ساس محققان اروپایی در آن زمان با آن موافق نبوده‌اند. مقاله «الحلاج»^{۳۱} از هر مقاله دیگری که سوان سس از تحففات ماسینون در تألفی از تألفات مسابه اروپایی سراع گرفت، کاملتر است؛ حتی در سال ۱۹۱۳ که از ماسینون درباره حلاج مسسر شده بود، طول مقاله حلاج در (طبع بحسب) دایره المعارف اسلام که خود ماسینون آن را نوشته بود، سها یک صفحه بود.^{۳۲}

مقالات مربوط به حمزه ابن عبدالملک، عموی سامبر اکرم (ص) و الحاکم بامرالله^{۳۳} نلندید، و دلیل آن فاعداً ناستی علاقه خاص نویسندگان و خوانندگان لسانی به سباح سرحسمه‌های مذهب دروری بوده ناسد ساسر مقالات مربوط به تاریخ محلی س همگی نرو سمان‌اند. مقالات مربوط به سهرها (مل بروب، دمشق، حلب، بغداد) و مقالات مربوط به خاندانهای محلی، که دنباله سنت تاریخ نگاری لسان است و سسانی سسر سربا مسارک در سرحا بارالا عان فی حبل لسان طوس سدیاق^{۳۴} در آن دسهم بوده است، از آن حمله‌اند ساید از نظر مورخان مهمترب مقالات این دایره المعارف همانا مقالات مربوط به برخی معانی و اندیشه‌های کلی معنی ناسد در این نوع مقالات، یکی از وبرگیهای کار نویسندگان عرب در آن دوران، یعنی تلاش برای نافعن سوبد میان اراء اندسه‌های بحصل شده از عرب و اندسه‌ها و آراء مألوف سس مسلمانان عرب، جلوه‌گر است. مثلاً مقاله «تاریخ» این دایره المعارف با بحث از یونان، از زمان هرودت به بعد، آغاز شد، و سس از اساراتی به تطور تاریخ نگاری اروپایی، به بررسی از ابن خلدون درباره «فن تاریخ» برداخته است.^{۳۵} با مقاله «حق»

ارائه تعریفاتی مأخوذ از تفتارتی و میرسیدسریف خُرحانی آغار سده و سپس اراء فلاسفه جدید را عرضه داشته است.^{۳۶} در برخی از این دست مقالات در محدّات اوّلّه این دایره المعارف آزادی و حوس بیسی موصی موجود در عصر احرای قانون اساسی عثمانی کاملاً مسهود است در مقاله «حکومه»، که در سال ۱۸۸۳ مسر سده، انواع نظامهای حکومتی سایر تعاریفی که ارسطو از آنها ارائه کرده بوده معرفی سده اند (در حالی که کتاب سیاس ارسطو در آن آثار هور حزنی از سب کلاسیک اسلامی سده بود) در این مقاله صریحاً ادّعا سده است که آن آزادی و برابری که در کشورهای متمدن حدید، یعنی کشورهای دارای حکومت مسمی بر «قانون اساسی» و «پارلمان» (یا مجلس المّوّات)، هست در هیچک از پادشاهیهای کهن وجود نداشته است.^{۳۷}

در مقاله «ارونا»، اس فاره «ار همه فاره های جهان بحر یکی کو حکمر، اما در تاریخ مدن ار همه مهمتر» فلهداد سده است.^{۳۸} و اس خود در حکم اعتقاد نامه دایره المعارف و پلاسی است برای وارد کردن تمامی مدن اروپایی در زبان عربی و مالا وارد کردن «مردم عربی زبان» و فرهنگ مورپیی آنان به جهان پوی که اروپایی امرورس آفریده است. تاریخ عرب و اسلام به صورت بخشی از تاریخ جهان، و نه حتی بخش ممتاز آن، در آمده است، و باید مانند هر بخش دیگری از اس تاریخ بلفی و نوسه سود و با همان معیار آزادی («خُرّنه») و «مدن» درباره آن داوری تُردد.^{۳۹}

بدین سان، دایره المعارف پسنایی مظهر گسوده مدن ابواب زبان عربی به روی جهان حدید، و بر گسوده مدن درهای فرهنگ جهان امروری به صاحب موضوعات عربی و اسلامی است حتی به معنایی دیگر هم می توان اس دایره المعارف را مظهر فتح پایی دیگر سمرد به نظر پسنایی، زبان عربی و مالا هر آنچه با اس زبان بیان سده است، به يك اداره به همه کسانی که به آن بکلم می کنند تعلّق دارد باید اس بحس تاری بوده باشد که مسیحان

عربی زبان در موضوعات اسلامی با همان لحنی به نگارس دست دند که درباره مسائل دیگر به کار می بردند دایره المعارف پسنایی سر آغازاهی بود که مسیحان عرب در پس گرفته بودند تا طی آن فرهنگ و تاریخ اسلامی را از آن خود نداشت و «از دروازه بررگ به ساحب تاریخ عرب گام بهند»^{۴۰}

حاشیه.

- (۲۱) همان، ج ۴، ص الف و
H H Jessup, *Fifty-three Years in Syria* 2 vols (New York, 1910) p 485
22) ZDMG, p 582
(۲۳) اسن المقدسی، الفصول الاربعة و اعلامها فی التهتة العربیه الحدیه (سروت، ۱۹۶۳)، ص ۱۸۳-۲۲۲
(۲۴) دایره المعارف، ج ۶ (سروت، ۱۸۸۲)، ص ۲۰۱
(۲۵) همان، ص ۳۳۱ و بعد
(۲۶) همان، ج ۴، ص ۶۹۱-۶۹۳
(۲۷) الباده هومبروس (قاهره، ۱۹۰۴)
(28) S K Jayyusi, *Trends and Movements in Modern Arabic Poetry* 2 vols (Leiden 1977) ۷۲۰
نورده ج ۲، نانوس ص ۷۲۰
(۲۹) دایره المعارف، ج ۲ (سروت، ۱۸۷۷)، ص ج ۳ (سروت، ۱۸۷۸)، ص الف
(۳۰) همان، ج ۲، ص ۴۱-۳۷
(۳۱) همان، ج ۷، ص ۱۵۴-۱۵
(32) "al-Hallādj" FI, 1st edn vol II (Leiden 1913) pp 239-40
(۳۳) دیل مدخل «حمره» در دایره المعارف، ج ۷، ص ۱۷۷-۲۱۴ و دیل مدخل «حائم بامر الله»، همان، ج ۶، ص ۶۵۹-۶۵
(۳۴) سروت، ۱۸۲۹
(۳۵) دایره المعارف، ج ۶، ص ۲۰-۹
(۳۶) همان، ج ۷، ص ۱۲۲-۱۲
(۳۷) همان، ص ۱۳۲-۱۳۳
(۳۸) دیل مدخل «ارونا»، همان، ج ۴، ص ۶۰۶-۶۲۰
(۳۹) دیل مدخل «خُرّنه»، همان، ج ۷، ص ۲-۴ و دیل مدخل «مدن»، همان، ج ۶، ص ۲۱۳-۲۱۵
(40) Berque, *Arabies*, p 133

مجله زبانشناسی

(از اسسازان مرکز سراسر دانشگاهی)

سال هشتم، شماره اول

منتشر می شود

عنوان برخی از مقاله ها

- سنجی از تفاوت های فارسی ایران و تاحکسان
- واره های فر بیکار در فارسی تاحکی
- نقدی بر مقاله «سرامون را» در زبان فارسی»
- برخی ملاحظات معنایی در دستور زبان رایا
- زبان فارسی در عصر حافظ
- زبانشناسی و زبانسناسی کاربردی

آزادی

و نقش آن در بنای فرهنگ غرب

ناصر ایرانی

معنای آزادی

نویسنده می‌گوید آزادی، مثل رسانی و عسق، یکی از آن اررسهایی است که بهر می‌توان در عمل جستان کرد با نا کلمات بهر نفسان نمود از این رو با آنکه بهرینا همگان موافقت که آزادی اررسی است که باید آن را باس داسب نوافق حدایی در این ناره که آزادی حسب وجود ندارد، و همس ابهام باعث سده است هر کس تواند واره آزادی را به معنایی که می‌سندد به کار ببرد و، در سخته، واره مزبور معنایی کم و بس مختلف پیدا کند اما در بطن تمام این معنایی کم و بس محلف سه اندسه به هم بنوسته وجود دارد هر يك از این سه اندسه مر بوط است به وجهی از وحوه سه‌گانه آزادی که مجموعاً کل این آرمان را بسکیل می‌دهد سه وجه مزبور عبارتند از آزادی فردی، آزادی فرمانروایی (sovereignal freedom)، و آزادی مدنی

آزادی فردی به شخص این احساس را می‌بخشد که، از يك سو، سایر اشخاص او را محور به کاری که مایل بسب نمی‌کند و از انجام دادن کاری که مایل است بار نمی‌دارد و، از سونی دیگر، می‌تواند هر کاری را که مایل است بکند به شرط آنکه مانع آزادی دیگران در انجام دادن همان کار نگردد. چه آن جنبه سلی؛ چه این وجه ابجایی لازمه آزادی فردی است و بدون هر يك از اینها آزادی فردی کاملاً حاصل نمی‌سود.

آزادی فرمانروایی به شخص این توانایی را می‌دهد که به مل

Orlando Patterson *Freedom*, vol. I «Freedom in the Making of Western Culture» London, I B Tauris & Co Ltd, 1991

آزادی عالمرس اررس دسای معاصر است، اررسی که بسیاری از مردم آماده‌اند در راه آن جانفسانی کنند و به واقع کم بسند کسانی که جان فدای آن کرده‌اند جهان غرب آزادی را همواره اررس بربر و مانه فجر خود اعلام کرده است، از جنگ جهانی دوم تا کنون بر بسیاری از کسورهای جهان سوم به این آرمان کزوده‌اند و آن را در حرف و در عمل کم و بس باس می‌دارند، ولی حال که نظام سوسالسی به کلی بی‌اعتبار سده و خودبه‌خود فرو رجنه و کسورهای اردوگاه سرق به آرمان آزادی روی آورده‌اند می‌توان گفت در هیچ رمایی از ریدگی اسان آزادی به اندازه امروز در کل جهان گسرس و نفوذ نداسه است اکنون ساند هیچ کسوری را توان ناف که رهرا سس مدعی اعتقاد و ناسندی به آزادی ناسند، و حتی خود را بهرین ناسداران فلهداد بکنند کادب بودن بسیاری از این ادعاها خود سانه اعتبار و قدرت سسار ربانی است که آرمان آزادی در جهان امروز دارد و معلوم می‌کند که کسانی ممکن است آزادی را بر نا بگذارند ولی حزن نمی‌کنند بر صدان سخن بکوسند و فصلیس را انکار کنند آزادی حسب که به اررسی حسب والا و نرومند و جهانگیر تبدیل سده است؟

نوعی جامعه سیاسی موجود ناسد و در آن حقوق و تکالیف افراد به روشنی مشخص شده ناسد. ارادی مدنی لزوماً به معنای دموکراسی سیاسی کامل نیست در دموکراسی سیاسی کامل تمام افراد بررگسال حق رأی دارند، حال آنکه در آتن قدیم که دموکراسی بحسب بار در آن به وجود آمد ربا و ساکنان بگانه حق رأی نداشتند در جمهوری روم دموکراسی از این هم محدودتر بود چون بها بردان طبقه اسراف از حق رأی برخوردار بودند

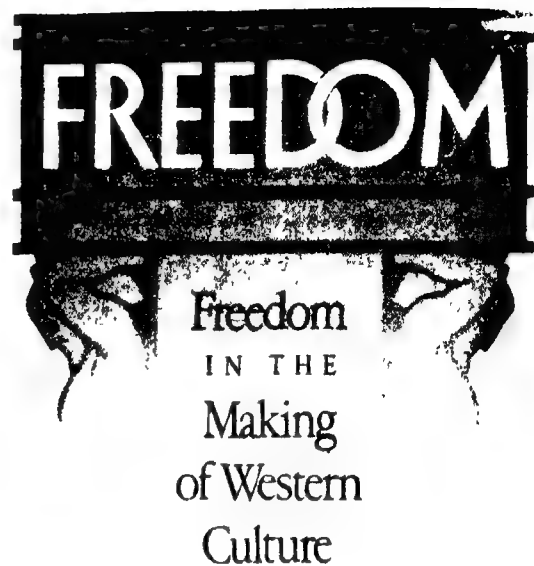
آزادیهای فردی، فرمانروایی و مدنی سه عنصر تشکیل دهنده ارادی غربی اند اما این سه عنصر در تمام کسورها و دورههای تاریخی غرب نفس و اهمیت یکسانی نداشتند گاه يك عنصر بر دو عنصر دیگر یا دو عنصر بر عنصر دیگر حبرگی داشته است هم اکنون بر کسورهای غربی از لحاظ سیاسی که با این سه عنصر برقرار کرده اند بحث میناوتند مثلاً سونس هیچ در بی دستبایی به ارادی فرمانروایی نیست در حالی که انالاب منحه شکل حدیدی از این ارادی را حق طبیعی ابرفدربی خود می داند به هر حال، با وجود اختلافی که بین کسورهای غربی از حیث علاقه و ناسدی به وجود ارادی هست، به قول آقای نارسون «هر سه اوجه ارادی بحسب رندهای از ضمیر غربان باقی مانده است»

ازادی زاده بردگی است

بحسب کسانی که در ناسد اراد بودن چه اررسی دارد بردگان بودند بردگی سلطه شخصی خنس دائم بر اسخاص نیست سدهای بود که در سرزمینی بگانه راده سده بودند بردگی به وبرگی عمده داسب اولاً صورتی بود از سلطه شخصی يك فرد بحب قدرت مستقیم فرد دیگر یا مأمور او بود این قدرت مستقیم در عمل به معنای در احسار داسب رندگی و مرگ برده بود، با سب برده شخصی بود طرد سده، از هیچ حق قانونی و اخلاقی برخوردار نبود، و اصولاً هسی اجتماعی مسفلی نداشت او بها از طریق ارباب و برای او وجود داسب و، به عبارت دیگر، بگانه ای بود مادر ارادی، و بالبا حسب اسبابی این را ارد سب داده بود و ارباب و سسکاس از طریق سب کردن او بررگی و افتخار می ناسد

این سه وبرگی باعث سده بود که بردگی در ادهان مردم نوعی مرگ اجتماعی تلقی شود برده کسی داسه می سد که عموماً در تنحه سسکت در حبک و بر به دلیل فقر می ناسب مرده ناسد، ولی به این شرط که برده فایح گردد رندگی جسمی او را حفظ کرده بودند

بردگی در هر جایی که رایج بود دو مشکل اساسی به وجود می آورد یکی از این دو مشکل بیستر جبه اجتماعی داسب و



ORLANDO PATTERSON

خود، فارغ از امال دیگران، عمل کند و حتی ارادی دیگران را محدود ناسد یا به کلی بر با بگدارد این امر که کسی «آراد» ناسد هر چه دلس می خواهد نکند، با توجه به این گفته بربر اند راسل که «بسر ادمان مل دارند به بها مهار رندگی شخصی خود بلکه مهار رندگی دیگران را بر در احسار نکنند»، حدان خلاف منطقی و اخلاق است که فیلسوفان را، و از جمله راسل را، برانکجه است تعریفی از آزادی به دسب دهند که در آن جایی برای امال و ساقاب غربی ناسد ولی نارسون می گوید تاریخ اجتماعی جهان گواهی می دهد که ادمان همواره در بی دستبایی به حسب قدرتی بوده اند و چه بسا که این را به دسب آورده اند و بی هیچ مشکلی هم این را «آزادی» خوانده اند در ارادی فرمانروایی بین ارباب و برده یا بین حاکم مستند و جامعه سبب خاصی برقرار می شود ارباب و حاکم مستند سبب به طرف دیگر از ارادی مطلق برخوردارند، ولی برده و جامعه سبب به طرف دیگر فاقد هر نوع آزادی اند

ارادی مدنی به افراد بالغ جامعه توانایی می دهد که در اداره امور آن سهیم گردند این آزادی در صورتی متحق می گردد که

در جامعه بدوی گرچه با برده حلی بدرفتاری نمی‌شد آروزی آزادی فردی موجود بود. این آروزی را هم برده حس می‌کرد و هم ارباب می‌شناخت. ارباب نه تنها می‌توانست آن را در برده خویش ببیند، بلکه در آن افرادی از قبله خود هم مشاهده می‌کرد که به جنگ دسمن افتاده بودند و به بردگی کسانده شده بودند و سپس فرار کرده بودند و به قبله خویش، یعنی به آزادی، بازگشته بودند. پس آروزی و اندیشه آزادی بر همگان آشکار بود. منتهی برای آنکه این آروزی به صورت ارزش درآمد لازم بود اولاً ارباب نفی در آن بیابد و ثانیاً رضایت جامعه جلب شود. تقریباً در تمام حوامعی که مردم از طریق سکار و گردآوری موه ریدگی می‌کردند و در میان مردم دوران بوسگی نه اربابان هیچ انگیزه و نفی در بدرفین و بدرفتاری آزادی‌داسد و به سایر افراد جامعه، و لذا درهم حوسی آروزی برده و نفی ارباب و رضایت جامعه، که مجموعاً لازم بود با آروزی آزادی فردی نه ارزش اجتماعی نانداری تبدیل شود، صورت نگرفت. این درهم حوسی مدتها بعد، وقتی حوامع کشاورزی سرفه‌تر ندید آمدند، صورت بدرفتاری

آزادی در یونان با گرفت

نویسنده کتاب معتقد است در جهان غرب عربی، و برادر اروپای پس اردوره کلاسیک، آزادی فردی حقوق نافذ ریرا از میان سه شرط لازم تنها يك شرط، یعنی آروزی برده، موجود بود. سواهد حاکی از آنست که در تمام جاهایی که عبر بردگان آزادی فردی را سودمند تشخیص داده‌اند هیچ برده‌ای، حر سب سده‌تر نسان، از قبل روسیان و راهبران، خواهان آزادی فردی نبوده است در حین سراطی آزادی فردی برای برده میل بیرون بردن از کسی بردگان و فروافتادن در افانوس برار کوسه است برده فقط هنگامی که نفس ندا کند اگر ارباب خدا سود می‌تواند کاری بسه کند و از لحاظ اجتماعی و فرهنگی در برابر دسمنی عبر بردگان تاب نیاورد نه فکر آزادی می‌افتد. حس فضایی اجتماعی با پس از فراگیر شدن بردگی در یونان باستان مطلقاً موجود بود

پس نایان قرن هفتم تا اوایل قرن چهارم پس از میلاد سح انقلاب بررگ در یونان باستان رخ داد که مسیر تاریخ غرب، و حتی جهان، را دگرگون ساخت.

انقلاب اول اقتصادی بود بنادیس اقتصاد مافیل صنعتی مراغ خانوادگی مستقل و املاک بررگ حومه شهرها که بر صنایع دسنی شهری و صادرات مواد معدنی متکی بود و بیروی کار ان را عمدتاً بردگان و بردگان سابق تسکیل می‌دادند

انقلاب دوم اجتماعی بود و سرفستی دوگانه داس. اریک سو، جمعیت سنا کیری نه کار کشاورزی برداشت اس جمعیت کبر

دیگری نه روابط بین افراد مربوط می‌شد. در حران کوسسهای که برای حل این دو مشکل صورت می‌گرفت ارزش آزادی زاده‌شد. مشکل مربوط به روابط بین افراد اس بود که برده را وادارند با دل و جان خدمت کند این مشکل به‌واقع پس از مشکل اول، یعنی مسکلی که جسته اجتماعی داس، نه وجود آمد خون در سستر حوامع بدوی که بردگی در انها رائج بود حواسته‌های ارباب حندان رباد بود در اس حوامع ارباب به‌درب از لحاظ اقتصادی به بردگاس مکی بود حواسته او بیستر افجار و احرام بود برده بحسم رنده سحاعت او در جنگ بود و هسی برده سفسه حواسته او را برمی‌آورد در سستر حوامع بدوی از بردگان به حویی نگهداری می‌شد و گاه حی آنان را بازبرورده بار می‌آوردند. بعدها، وقتی وظائف برده سحیدگی سسری ناف و از لحاظ اقتصادی بار سسار سسگی روی دوس او گداسد، مشکل مربوط به روابط بین افراد رخ نمود

مسکلی که از همان لحظه بنادس برده‌داری نه وجود آمد این بود که جامعه برده و روابط برده‌داری را بدرد. جامعه حرا می‌بدرفت که اسخاص از لحاظ اجتماعی مرده‌ای در میان افرادس ریدگی کند؟ اصولاً جامعه حرا حنس روابط عربی را محار می‌ساح؟ قطعاً می‌ناست حری در روابط برده‌داری می‌بود، عامل بنادس دهنده‌ای، که به منافع جامعه خدمت کند در حوامع کوچک بدوی از حسب سلسله‌مراتب اجتماعی و قدرت سحسی تفاوت حنادی بین افراد وجود بنادس تمام اس نوع حوامع مخالف بررک قدرت در دسهای يك سحس بودند و قدرت، هر جا که وجود می‌داس، جمعی بود و در جانب جامعه نه علاوه، خون حوامع بدوی گروههای كوچك كاملاً درهم سده‌ای بودند وجود حند برده، حی يك برده، تأسر مهمی در کل گروه نه‌حاً می‌گداس تمام افراد گروه حضور برده را، که عرب‌های همسگی بلفی می‌شد، در میان خود حس می‌کردند و لذا مشکل اجتماعی برده‌داری پس از مشکل مربوط به روابط بین افراد رخ نمود، و ان نوع از آزادی هم که از حل این مشکل ناسی سد پس از آزادهای دیگر رائج گردید

برای آنکه جامعه بدوی وجود برده و روابط برده‌داری را بدرد، و اس سم از پس برود که بنادا وجود برده قدرت سحسی ارباب را پس از حد محار افراس دهد، در تمام اس قبل حوامع برده عمدتاً به صورت يك کالای اجتماعی مسرک درمی‌آمد هر برده‌ای البته اربابی داس که نه او خدمت می‌کرد و نه اعتبار و افجارس می‌افرو، ولی بهره‌هایی که ارباب از وجود برده می‌برد غالباً نسبت به منافعی که جامعه از برده به دست می‌آورد کمتر بود اس بناداسی بود که جامعه در برابر بدرفین روابط برده‌داری کسب می‌کرد

برنامه‌ی کردید افراس یافته بود. جنگها منع اصلی برده‌گری بود ولی بکنه حالت بوحه اینکه فاجان مردان سکسب حورده و اسیر بنده رامی کسند و زبان را، حرف نظر ارمقام اجتماعی آنان، نه بردگی می بردند زبان بخشس کسانی بودند که وحسب بردگی را حس کردند و طعنا بخشس کسانی بودند که اررس بعضی آن را هم دریافتند درك وحسب بردگی و اررس ارادی فقط محصن زبان برده نبود بلکه زبان اراده هم، حتی زبان اسراف، حون ممکن بود در بی سکسب مردانسان در حنک نه بردگی کسانده شوند وحسب بردگی و اررس ارادی اا حس می کردند ندا ارادی سفر درار خود را در شعور غر زبان نه عنوان اررسی رنامه آعار کرد

این اررس رنامه حسنه فردی داسب، زبان از برده سدن شخص خود نم داسند، حون از لحاظ اجتماعی نه مرگ آنان محر می سد، و اررس اراد مادن شخص خود را دریافتند حون حقوق انسانی سان را محفوظ می داسب سن می توان گفت بخشس وحقی از وجوه سه گانه ارادی که در عرب سباحه سد ارادی فردی بود.

ظهور جامعه برده‌داری و ازادی مدنی

در فرون سسم و سجم سنن از میلاد بقارن سه عامل محر نه بداسن جامعه برده‌داری و ظهور دموکراسی در یونان سد این سه عامل عبارت بودند از

۱) بداسن اقتصاد سجنده‌ای که بخش «مدرن» کساورری آن منکی بر کار بردگان بود این بخش متعلق نه بجنگانی بود که درآمدسان سسر از این طریق حاصل می سد کرچه سایر سکلهای استعمار سروی کار بر معمول بود بخش سسی کساورری را رمسداران کوحک و مسفل سسکل می دادند وضعب اقتصادی بخش سسی با اخرن دهه‌های فرن چهارم و م دکرکوبی حدانی سدا نکرد

۲) بخش سهری «مدرن»ی هم رسد کرد که نه وسيله بردگان، ارادسدکان (freedmen)، برده‌های سابق که اکون اراد سده بودند)، ساکان بگانه، و همحس سهرودان نه بولد کالاهای دسی می برداحت، و نه ویره از اوایل فرن سجم نه اسسجراح معدن مسعول بود اسسجراح معدن بقر بنا نه طور کامل نه وسيله بردگان صورت می گرفت این بخش مدرن بداسن سدن سهری و دساوردهای گوناگون آن را ممکن ساحت

۳) وضع اجتماعی حدید بنامدهای فرهنگی و رواساحتی معددی داسب که مهمرس آنهارواح اندسه ارادی بود دروضع اجتماعی حدید سن دهفانان مستقل که رمن کوحکی در احبیار داسند و بخش سستی اقتصاد را سسکل می دادند (حه خود برده داسند و حه بداسند) از بک سو، و بجنگان و طبقات متوسط



اولاندو پارسون

می توانست علاوه بر عداای خود عداای اسراف و بخش مهمی از جمعیت عرب کساورری را نر بولد کند بخش بار بود که در تاریخ پسر حس تحولی رخ داده بود، و از سوی دیگر، اکثریت افراد جامعه از بند واسسگی اقتصادی و احساعتی نه طبقه حاکم خود رها سدید این امر بر در تاریخ سسر بی سافه بود

انقلاب سوم سیاسی بود اتحاد دولت دموکراتیک در آتن که در آن تمام افراد مذکر و بالغ جامعه سیاسی مسارت کامل داسند انقلاب چهارم اندسه انسان را غمفا دکرکون ساحت کسف تعفل نه عنوان هدفی مسفل و، در سحه، بداسن فلسفه عبردسی و علوم اجتماعی و علم اخلاق

انقلاب سجم سناد نهادن ارادی نه عنوان اررسی محوری بود، اررسی که هر سه وجه ارادی در آن حای خود را داسب و در نظام اررسهای عرب بر برن مقام را باف.

منشأ ارادی فردی

از اوآخر فرن نهم تا اخر فرن هسجم سنن از میلاد در یونان حد تحول رخ داد که از لحاظ تاریخ ارادی اهمیت ربادی دارد یونان در این دوره نه بدرخ از اقتصاد سسی بر دامداری نه کساورری روی آورد و بولد مواد عداای نه حدی افراس باف که امکان بداسن طبقه حاکمه‌ای که خود نه کار کساورری با دامداری نردارد فراهم آمد در سحه جامعه سه طبقه‌ای نه وجود آمد که متسکل بود از اسراف حاکم، دهفانان اراد رمسدار، و مردم اراد بی رمنی که سسه آنان باررکابی، صناعت دسی، کارگری در مرارع، یا خدمکاری اسراف بود

فروتر از سسر اخر بردگان بودند عده بردگان هبوراندک بود، ولی اهمیت اجتماعی آنان نه دلیل بجنهای ربادی که اسراف

برده‌دار در بخش شهری و روستایی از سوی دیگر تعارض سدیدي به وجود آمد. از این تعارض بود که دموکراسی سر برآورد

در قرن سیم و م. طبقات پایین آتن به مبارزه بی‌وقفه‌ای برخاستند تا امتیازهای محدودی را که در نتیجه اصلاحات سولون (۶۵۹-۶۳۸ ق م) به دست آورده بودند افزایش دهند. تقاضای عمده آنان اصلاحات ارضی و توزیع مجدد زمین بود. آنان از این لحاظ چندان موفق نبودند ولی مبارزاتشان باعث شد اصلاحاتی اجتماعی و حقوقی صورت گیرد که همسنگی جمعی کلمه استخاض آراد را بیستر می‌کرد و مشارکت آنان را در حکومت ممکن می‌ساخت. قانونی هم علیه شکایت وضع شد. اس قانون، که یادآور برنامه‌های تولید کار در کشورهای جهان سوم دوران ماست، شهرها را آرامبر صاحب و سطح تولید را در روستاها بالا برد و سر تداوری اتحاد شد که به طور غیر مستقیم مردم اراد را نا حدی از بروت و سرمایه دولت بهره‌مند می‌کرد.

اصلاحات مربوط انتظارانی را که یونانیان اراداد (freedom) جهت برابری بیستر داشتند برآورده نساخت و حتی به آنها دامن زد، اما نشان رندگی اجتماعی و سیاسی را که تا کنون بر خویشاوندی و هم‌فیلگی استوار بود بر همولایت بودن و دموس (واحد دولت ولایتی در یونان باستان) فائق کرد. عضو فیله بودن به معنای آن بود که شخص از برخی یا بیشتر همولایت‌های خود جداست، حال آنکه دموس تمام افراد يك ولایت را به هم می‌نویست. هم‌فیلگی نابرابری را باعث می‌شد، ولی دموس بر مساوی برابری بناد نهاده شده بود و از این رو بانه دموکراسی بود. دموس تعیین می‌کرد که چه کسی شهر وند هبست با سبب، و حاکم دموس، که نارای عمومی استجاب می‌شد، شخصیت مهمی به تنها در سیاست محلی بلکه در دولت مرکزی بود. شورای ناصد بهره‌ای را هم که مدیریت مجلس عام را به عهده داشت دموس‌ها استجاب می‌کردند. در مجلس عام تمام مردم می‌توانستند شرکت کنند.

از آنجمله گفتم شد باید نتیجه گرفت که دموکراسی آتن کامل و فراگیر بود. اولاً ساحه احزابی دولت آتن محضراً در اختیار اسراف و نجبان برونمند بود زیرا خدمت در دولت مرکزی مستلزم اقامت دوگانه، یکی در شهر و دیگری در روستا، بود و تنها اسراف و مردم برونمند می‌توانستند هم در شهر و هم در روستا خانه داشته باشند، هم در رندگی اجتماعی و سیاسی روستا شرکت فعال داشته باشند و هم در دولت مرکزی که در آتن مستقر بود. ناماً دموکراسی آتن شامل زنان و بردگان نمی‌شد. به قول یونان سانس مسهوری «شهر یونانی در شکل کلاسیکس داع طرد دو خانه‌ای را بر بنایی داشت. طرد ریان، که آن را به ناسگاه مردانه‌ای تبدیل

نموده بود؛ و طرد بردگان، که آن را ناسگاه شهروندان ساحه بود».

بردگی در استقرار دموکراسی در آتن نفس مهمی ایفا کرد چون نجبان بیستر از طریق استخراج معدن و ناربگانی بروت می‌اندوختند و هر دوی اس فعالشها عمدتاً به کار بردگان وابسته بود. عده آنان به قدری افزایش یافته بود که جامعه اس را به جامعه برده‌داری تبدیل کرده بود. اس امر ممکن بود آتنان متوسط را سخت ناراضی کند. نجبان درصدد برآمدند ناداسی به شهروندان آتن بدهند. ناداس مربوط استقرار دموکراسی بود. دموکراسی به آسان لذت و افساح آراد بودن را می‌جسناد و ناراضایی آنان را از افزایش سس از حد عده بردگان تحفص می‌داد.

جنگهای ایران و یونان و بیدایش آزادی فرمانروایی با آنکه دموکراسی در فرهای سیم و سجم سس ار میلاد در جامعه برده‌داری آتن راده شد با مدت‌ها اسم عامی برای این انقلاب اجتماعی وضع نگردید. اصطلاح دموکراتیا (demokratia) تا اواخر قرن سجم معمول نبود و در این زمان سرحسین کسانی که آن را به کار بردند، ناره آن هم در معنای تحفص امیر، نویسندگان محافظه‌کار بودند. به علاوه، دموکراسی نوعی ار آزادی داشته نمی‌شد. برای آنکه مفاهیم آزادی و بردگی در اندیشه و احساسات یونانیان نفسی اساسی پیدا کند به بحارب عمده‌ای نیاز بود. یکی از مهم‌رئس این بحارب جنگهای ایران و یونان بود.

گرچه جنگهای ایران و یونان آن قدر طولانی و مخرب نبود که سامدهای اجتماعی و حیمی داشته باشند، از لحاظ تاریخ آزادی ار دو جهت اهمیت بسیار زیادی داشت. اولاً در اس جنگها بود که یونانان بحسب نارب و حسب به بردگی کسانده سدن مردان را حس کردند و به روسی در ناصد که اسارت مساوی است با بردگی. در یونان فرهای بهم و هشتم جنگ تحربه‌ای مردانه بود که در آن سکسب حورندگان یا فرار می‌کردند یا کسه می‌سدید. ولی ایران امراطوری سبباً سسرفته‌ای بود که نظام بحارب برده نارب‌حایی داشت و ببار زبادی به برده. سار اس یکی از نتایخ مهم جنگهای ایران و یونان آن بود که مردان و حسب بردگی و ادرس نصص آن، یعنی آزادی، را دریافتند. ناماً اسغال نواحی شمالی و مرکزی یونان و دوبار تخلیه آتن در طول جنگهای مربوط حسارت‌های اجتماعی و اقتصادی بسیاری به‌ویژه به کساورزایی زد که زمینهای کوحك داشتند. این خانه‌حاییها و بیارهای مالی ناسی ار اقتصاد جنگی فسرهای حدیدی به‌وجود آورد که بر بیروی کار بردگان متکی بودند. مهم‌رئس از این، جنگهای مربوط به آتنیان این امتیاز سیاسی و اقتصادی را بخشید که ابتدا به دریای سیاه راه پیدا کنند.

و سپس بر آن مسلط شوند در نای سباه مهمترین راه تجارت برده در جهان باستان بود جنگهای ایران و یونان همجنس عده افرادی را که دلیسته سوه ردگی اسراف مسانه ابراسان بودند بسیار افراس داد و بیس گرفتن جس سیوه ای مسلمم آن بود که به شمار بردگان بفرایند

جنگهای ایران و یونان از لحاظ تاریخ ارادی واحد این اهمیت بر بود که جس اتحاد را، که فلا نها در بارها و مراسم مذهبی محلی بود، در میان یونان گسرس داد و اندسه ارادی سیاسی و سر اندسه یوستگی این نوع ارادی با انواع دیگر آن را به سطح شعور سیاسی یونانیان آورد جنگهای ایران و یونان جنگهای ارادی جس خوانده شد و یونان عشق خود را به ارادی شاحصی به شمار آوردند که آنان را از ابراسان و سایر «برها» متمایز می ساخت متمایز بودن یونان از برها مساوی با متمایز بودن اروپا از اسبا شد و هر دوی آنها مساوی با متمایز بودن سوه اندسه اراد از سوه اندسه برده وار حالا دیگر از متمایز بودن آزادی طبعی یونانان از سرب برده وار سرفیان و لسرالیسم یونانی از استبداد ابرایی فراوان سخن می روف.

جنگهای ایران و یونان مفهوم اسرافی حدیدی از ارادی نه وجود آورد سروری بر ابراسان افتخار امربرس حلوه لك اررس اشرافی قدیمی شد آرته (arete)، که به معنای افتخار، مردانگی، و شجاع در جنگ و وررس بود طفه حاکم کوسد اررس ارادی را که به سرب بضح می گرف با سروری بر ابراسان همداد کند بدین سرب ارادی نه تنها باروح هلی، که مدبهای مددوره اشراف در بارهای المنك بود، جوس خورد بلکه باسکوه جنگ و اسفلال سیاسی سربکی شد اردیدگاه اسراف این مفهوم ارادی ربطی نه ارادی فردی با دموکراسی بداسب درواقع، همجان که در تاریخ هرودت مکررا ذکر شده، ارادی از لحاظ اسراف نه معنای ارادی حکومت کردن بر دیگران بود دفتتر آن است که بگویم در تنحه جنگهای ایران و یونان واره ارادی معنای دیگری یاف در فرن سسم و م ارادی جس معنایی داسب تحت تسلط زمامداران مستند بودن و عضو اولنگارسی سیاسی بودن، حالا در وجه سلبی نه بردگی کسانده شدن نه وسیله مسسدان بیگانه معنی می داد و در وجه ایجابی اولا ترکیبی بود از مفهوم ارادی ملی یونانیان و فصایل اسرافی افتخار و سرف و قدرت و گرفتار کار مبتدل بودن، و نایباً به معنای یکی بودن فرهنگ یونانی با فرهنگ آزادی در تضاد با فرهنگ برها بود. آزاد بودن یعنی یونانی و اصیل و سکسب باندیر و از لحاظ سیاسی مستمل بودن، و غیر یونانی بودن یعنی برده ای بودن که می نایست بر او حکومت کرد ملاحظه می کید که ارادی یونانی دعوتی اسرافی به سهیم شدن در فرمانروایی بر تمام بردگان، یعنی بر تمام غیر یونانیان،

بود و بدین ترتیب مفهوم یونانی، و غربی، ارادی فرمانروایی راده شد

جمهوری روم و رواج اندیشه آزادی

طهور جمهوری روم و نظام برده داری آن محط رست اجتماعی باروربری نه وجود آورد با ارادی در آن رسه بدواند و در غرب سو و نما کند تاریخ بداس و گسرس ارادی در جمهوری روم را می توان به دو دوره مسخص تقسم کرد

در دوره اول که از انحلال سلطت در حدود نایان فرن سسم با ۲۶۷ ق م طول کسید سه حول عمده، که عبارت بود از (۱) سرب طیفانی درارمدت بس طیفات ممار و بده مردم (۲) گسرس روم در تمام سه حریره اسالنا و (۳) تحدید سارمان کساورری اسالنا، نه جنگان روم امکان داد از يك سو جس ار در حواسنه ای اقتصادی مردم را برآورده سارند و از بارصانی آنان بکاهند، و از سوی دیگر رهبران مردم را نه داخل طفه خود حدت کند و نوعی دموکراسی محدود نه وجود آورد که بها مسارکب فسره ای محلف بحارادر اداره امور کسور بضمین می کرد نه عبارت دیگر، حکومت جی انحصاری طفه بحا بود

در دوره دوم که از ۲۶۷ ق م تا بربك نه میلاد مسیح طول کسید جمهوری روم نه يك قدرت بررک منطقه ای تبدل شد، نظام بردگی گسرس ناف، و طفه حاکم مسسد ارادهای فردی مردم را با بمال کرد و واسسمار کارگران و بروب اندوری را از حد گذراند مردم ارروی حکومت مطلقه مردی را در دل می بروردند که آنان را از استبداد و آرمندی بی مهار بحا بحاب دهد آگوستوس (۱۴ میلادی- ۶۳ ق م) جسس امراطور امراطوری روم نه دفاع از ارادهای فردی مردم برحاسب و آنان را از استبداد بحا رهند و بر مصالح ریادی بول صرف رفاه آنان کرد، و در عوض با اتکا بر حمایت ساکرا نه مردم ارادی مورد نظر خود، یعنی ارادی فرمانروایی، را مستقر ساخت رومان سبب نه آگوستوس و سایر امراطوران روم فقط دلنسیکی و احترام سان نمی دادند بلکه آنان را بهره مند از الوهیت می دانسند و معتقد بودند که ارادی سلبی سان- ارادی از بعدی دیگران- واسسته نه ارادی ایحایی امراطور است که ارادی اس منکی نه قدرت مطلق اوست، و قدرس را نه سود همگان و از حمله تضمین ارادی فردی آنان نه کار می گرد^۱

حاشیه.

(۱) این قسمت از مقاله در اصل حدودده صفحه دستوب بود چون حاب متن کامل این قسمت در مجله، مقاله را بس از حد دراز و احتمالاً خواننده را حسه می کرد، تلخیص فسرده آن در اسحا نه حاب رسد متن شامل در شات بحران دموکراسی در ایران (مجموعه سبرده مقاله از بکارنده) که توسط مرکز سراسگاهی نه رودی مسر خواهد شد نه حاب می رسد

مسیح، مسیحیت، و آزادی

مسیحیت نه عنوان فرقه مذهبی عربی در گوشه دوری از امپراطوری روم ظهور کرد و نه سرع شهرهای سمهیرامونی یونانی را فراگرفت و در مرکز امپراطوری نه صورت دینی که بلور آن کلیسا بود درآمد یکی از دلایل عمده رسد و گسترش فوق العاده مسیحیت بدون تردید این بود که نیازهای اساسی معنوی و روانساختی و اجتماعی بسیاری از مردم امپراطوری را برآورده می ساخت

بنار اساسی آن رمان رستگاری بود، بنار ناامیدانه به رهایی از فشارهای جسمی و روحی، بنار نه صلح درونی و آمیخت مسیحیت از آغار دین رستگاری بود و حبیب بر باقی ماند

تمام دینهای رستگاری به نحوی با مسئله آزادی معنوی سر و کار دارند ولی تنها مسیحیت است که آزادی را هسته آئینی رستگاری خود نموده است. مسیحیت البته به عنوان دین آزادی آغار رسد در نخستین مرحله اس، که جسمی بود نه رهبری عسی علیه السلام، فرقه ای بود از لحاظ مذهبی بنار سبه نه سایر فرقه های یهودی ولی حبیب در همن مرحله بحسب، و به ویره در تعلیمات و رفتار مذهبی حضرت عسی (ع)، بدر تحولات بعدی بهمه بود مسهی اس بدر فقط يك امکان عام بود جسمی که عسی بناد نهاد ممکن بود به حدیب جهت برود و حبیب برسد، و تنها يك گونه ان، گونه ای که برور رسد، دین آزادی گردید و جهان رومی را فتح کرد

حضرت عسی بنعلماس را در حدود سال ۲۹ میلادی آغار کرد و در حدود سال ۶۰ به شهادت رسد تعلیمات اوربط صریحی با موضوع آزادی نداشت، ولی او بر میل سایر همدینان یهودی اس تنها خدا را در روابط اساساً نامفارس با انسان آزاد می نداشت در یکی از مهمربن موعظه هاس تمیل برده را نه کار برده است در اس تمیل خدا همچون ارباب است که نه برده اس فرمان می دهد سام او را بناورد، و از برده اسطار دارد در محضر او آماده به خدمت ناسند و سس سام خود را بخورد برده نام فرمانبرداری و خدمتس به سگری دریافت می دارد و نه مردی اسان بر در روابط با خدا می ناسبت کارهایی را که نه او فرمان داده سده انجام دهد بی انکه مسطر دریافت ناداسی ناسند بکنه حالت بوچه انکه حضرت عسی اس تمیل را نه گونه ای نه کار برده که از ان به هیچ وجه نمی توان حبیب اسباط کرد که اس رابطه منجر به آزادی برده (= اسان) می سود

سس از آنکه حضرت عسی به شهادت رسد در میان بروان او اختلاف افتاد و انان به فرقه های مختلفی بنقسم سدید که هر يك به راهی رفند در عین حال مسیحیت نه سرعت حزب آوری ابتدا در حوامع یهودی جهان یونانی و سس در شهرهای بزرگ جهان

رومی-یونانی، و از حمله خود روم، که اکریب عمده آنها را غیر یهودیان تسکیل می دادند گسرس یافت.

تمام فرقه های مسیحیت اوله به نوعی با اندیشه و اررس آزادی سر و کار داشتند ولی فقط در يك فرقه آزادی هدف اصلی مذهب نه شمار آمد، و این مهمربن عامل توفیق دینی آن فرقه سد توفیق برور دساورد تنها يك مرد بود. بولس از مرده طرسوس

الهیات آزادی بولس

مسیحیت را بر بنا نه طور کامل بظرباب بولس سکل داده است بولس مسیحیت را بر اساس سس فکری خود بازسازی نمود و از اس طریق بازسازی شعور عربی را ممکن ساخت. او کیس مسیحیت اوله را نه ایس آزادی تبدیل کرد. البته، همچنان که گفته سد، مفاهیمی از آزادی در مسیحیت اولیه وجود داشت اما بومایگی بولس در روسی بود که او طقی آن آس آزادی را سسط داد و برور مرکریب کاملی که اس مفهوم در اندسه های او داشت.

بحمین رده می سود که بولس ۱۶ هزار کیلومتر سفر کرده است و در بنستر راههای باررگانی و شهرهای یونانی سده و لاسی سده امپراطوری روم حضور داشته است بنستر اس شهرها، و از حمله طرسوس که بولس در ان بزرگ سد، دارای نظامهای سسرفه برده داری بودند، جناح شهری و باررگانی آنها بر کار بردگان مکی بود، و در انها اساسی برن بنقسم اجتماعی بین اسخاص آزاد و بردگان بود ناند داشت تمام کسانی که در جامعه برده داری زندگی می کنند حواه و ناحواه بحب تأسر از فرار می گیرند، چه ساه و چه گدا، چه اراد و چه برده در جامعه برده داری روابط بردگی میل سرطانی در حون بر همگان می نارد و آنان را آلوده و بنمار می کند در عین حال حوب و مطلوب بودن آزادی را هم حد حندان می نماند.

در مناطقی که بولس موعظه می کرد، به ویره در افسس و فرسس، بردگی نه سدب رابح بود در ناحیه فرسس که بولس در آن بنس از هر جای دیگر به موفقت سب ناف بربران بردگی همسطح و احتمالاً بنس از روم بود تحمین رده می سود که در زمان بولس يك سوم جمعیت شهری فرسس را بردگان تسکیل می داد.

مرگِ مرغِ معنوی، حاصل می‌شود بولدی دیگر را در آسی نیا خداوند موجب می‌گردد همان طور که در سطح غیردینی آراد سده آفرینش حدیدی است در سطح معنوی بر کسی که از طریق ایمان به مسیح نجات یافته «حلف ناره» ای است (رساله نه علاطیان، ۱۵۶)

فرآیندهای بازخريد و ارادی نارخريد و آرادى طی سه فرآند ایمان، احیاء، و مصلوبت صورت می‌گردد این فرآندها مناره ای وقفه‌بندیر را می‌طلبد مؤمن موجود غیرفعالی نیست و مسیح نه رایگان نجاتش نمی‌دهد و فی او نه برکت ایمان عطیه آرادى را پذیرفت می‌نایست از طریق تعامل درونی با خداوند و درآمنحس بروبی با سایر مؤمنان آن را در خود رنده نگه دارد و دانما یو کند این نارخريد و آرادى عملی کاملاً فردی است بولس می‌گوید «هر کس ناید محمل نار خود ناسد» (رساله نه علاطیان ۵۶) و «نجات خود را با برس و لرزه کمال برساید، برآ حداسبت که از لطف خود هم اراده و هم قدرت هر کاری را در سما احاد می‌کند» (رساله نه فیلسان ۱۲۲ و ۱۳) فرآند ایمان مؤمن را از فدا فاون (= سر بعت یهود) اراد می‌کند و نه نیکی مطلق می‌رساید، یعنی نه فرآند احیاء با بولدی دیگر منجر می‌گردد ولی احیاء بر ماحرابی نیست که فقط يك نار صورت نگیرد و همگان از آن بر جوردار شوند؛ فرآندی است مداوم و مؤمن را هر رور یو می‌کند فرآند سوم مصلوبت (justification) است طی این فرآند کاهنکار که از ناساهی خداوند بعد سده بود در نسیگاه او مصلوب واقع می‌شود این مصلوبت سجه ایمان است بولس می‌نویسد «هیچ کس با احرای مفرات سر بعت یهودا در حضور خدا مصلوب واقع نمی‌شود بلکه فقط بر آب ایمان نه عسی مسیح يك محسوب می‌گردد» (رساله نه علاطیان ۱۶۲) سایر این ایمان عمده برس عامل در سه فرآند نارخريد و آرادى است

وسيله بازخريد و آرادى وسيله نارخريد و آرادى نه صلبت كسده شدن، ریح، و احیاء مسیح است و بها حرری که لارم است با شخص مسیحی گردد ندرس و تصدیق کردن این حقیقت است هسه مرکزی نام بولس و جوهر مسیح ساسی او همن است فلا گفته سد که س از سقوط جمهوری روم ارادی مدنی در روم از بین رفت و حای آن را ارادی فرمانروایی گرفت این ارادی خاص امراطور سمه خدا بود که آرادى فردی برولناریا و حاشیه.

(۲) گفته‌های مستقیم بولس را حی الامکان از ارجیل سرف، ترجمه حدید فارسی (تهران، انجمن کتاب مقدس، تاب سوم، ۱۹۸۱) نقل کرده‌ام

و يك سوم دیگر را ارادسدگان سایر این دو سوم جمعیت این ناحیه ردگی در سراط بردگی را تحر نه کرده بودند بولس از تمام حسه‌های ردگی اطلاع کامل داسب و حتی در فرتس و افسس در کنار بردگان کار کرده بود و فاون بردگی و اراد شدن را نیز نه حوی می‌ساحب. نسیم الهیات بولس با این بحر نه نسوی حرکت از ردگی نه سوی آرادى، یا ارزوی تولدی دیگر در ردگی اجتماعی، حه کرد و حگو نه آن را نه آیین آرادى معنوی ارتفا داد، آسی که با امرور در غرب رنده مانده است الهیات ارادی بولس، در خلاصه‌ترین سکلس، دو برس را مطرح می‌کند و به انها ناسح می‌گوید از حه نجات می‌نایم؟ و در حه نارخريد و اراد سده‌ام؟ این دو برس مصلوبات اساسی نارخريد و ارادی (redemption) در اندسه بولس است فرد مؤمن از طریق فرآیندهای نارخريد و ارادی از يك وضع نجات می‌یابد و در وضع دیگری، که نقص اولی است، فرار داده می‌شود ولی این فرآیندها حر با مداخله الهی صورت نمی‌گیرد از این رو کارگزاری الهی با وسيله نارخريد و ارادی وحه عمده دیگری در الهیات ارادی بولس است

مصلوبات اساسی از حه نجات می‌نایم؟ ناسح بولس روس است: از ردگی معنوی گناه نجات می‌نایم ولی برده حه کسی یا حه حرری سده‌ام؟ بولس این برس را نه روسی ناسح نمی‌گوید منهی در نامه نه رومان از «برده گناه بودن» و «ارگناه آراد شدن» سح می‌گوید که می‌رساید گناه را هم نوعی وضعیت نه حساب می‌آورد و هم ارباب.

ما از ردگی معنوی نارخريد می‌شوم و نقص آن را، که ارادی معنوی است، ندا می‌کنم ارادی معنوی نفسه حالت وحدآور و ارسمندی است و ناداس در مسیح بودن است «خداوند روح القدس است و هر حا خداوند ناسد در انجا آرادى هست»^۲ (رساله نه فرسان دوم ۱۷۳) بولس این نکته را مکررا نادآوری می‌کند، از جمله: «اری ما آرادم، ریرا مسیح ما ارارهانی نچسد س در این آرادى اسوار ناسد و نگدارند که نار دیگر یو ع ندگی نه گردن سما گداسه شود» (رساله نه علاطیان ۱۵) خلاصه، از لحاظ بولس گناه نیروبی است که انسان را نه ردگی می‌کساید و از خدا دور می‌کند و آرادى که از نفی ردگی، یا

به مقیاس وسیع تجدید حیات یافت، یا نفسی نابوی ولی مهم در اقتصاد ایفا کرد. در اسانیا و در منطقه مدیترانه، به ویژه در جزایری که زیر تسلط ونیز بود، و در شهرهای برتغال بردگی به مفاس وسیع وجود داشت در انگلستان و اروپای شمال غربی نیز بردگی نفس احتمالی - اقتصادی مهمی ایفا می کرد. خلاصه، در فرون وسطی برده داری در کل اروپای غربی معمول بود.

همان طور که سابقاً بیستر مورخان را عمده بر این بود که در فرون وسطی بردگی به مقیاس وسیع وجود نداشت، برخی از مورخان جدید نیز معتقدند در آن دوره آزادی ارزش مهمی به شمار نمی رفت ولی حقیقت جراین است. عجز مورخان مر نور در فهم حقیقت ناسی از این گرایش آنان است که آزادی را محدود به آن دو وجهی از آزادی می داند که در دسای امروز اهمیت بیستری یافته است - یعنی آزادی فردی و آزادی مدنی - و حون آزادی فرمانروایی وجه غالب در فرون وسطی بود اهمیت آزادی را در آن فرون نمی می کشد یا دست کم می گیرند.

در فرون وسطی یکی از نکلهای آزادی فرمانروایی مصونیت ناحیه ای (territorial immunity) بود این نوع آزادی به معنای مصونیت از مداخله شاه و دربار در مالکیت ناحیه خاصی بود، و به مالك اجاره می داد آرادانه بر تمام کسانی که در آن مقیم بودند حکومت کند.

گاه به اصناف بیتر آزادی داده می شد که در خارج حون آزادی فرمانروایی شاه از منافع صنفی خود دفاع نماید و از ورود افراد سگانه به داخل صنف جلوگیری کند. این آزادی به جمع هر صنف داده می شد و لذا عناصری سبیه به آزادی مدنی در آن وجود داشت

در سطح روسا و کیسپس سین (parish)، ناحیه ای که حوره خدمت يك کیسپس واحد است) بیتر عناصری سبیه به آزادی مدنی در خارج حون آزادی فرمانروایی شاه موجود بود. کلیساها علاوه بر وظایف دینی وظایف غیردینی هم، از قبیل تعمیر حاده ها و خسکاندن مردابها، انجام می دادند روسایان غالباً فرمانیهایی می خریدند که به موجب آن حق پیدا می کردند کسپس کلیسای خود را انتخاب کنند

واحدهای روستایی بر در کنار واحدهای کلیسایی فعالیت می نمودند و این دو، یا با هم و یا جداگانه، مرکز اصلی زندگی اجتماعی اکثریت عظیم مردم، یعنی روسایان و سرفها، بودند. روسایان غالباً حقوق و آرادیهایی محاز را می خریدند و یکی از منابع عمده درآمد های طبقه اعیان بولی بود که از طریق فروش این حقوق و آرادیهها به روسایان به دست می آوردند.

ولی در آزادی در فرون وسطی شهرها بودند. حوامع شهری در خارج حون آزادی فرمانروایی شاه از آرادیهایی برخوردار بودند، و

طبقات متوسط آزاد سده را تضمین می کرد، و توده ها نیز بایه های عظم بیمه خدایی او بودند و به تحلیل اومی برداشتند زیرا به تنها او آزادی فردی آنان را تضمین می کرد، بلکه هر چه حلال و افتخار امراطورسان بیستر بود جلال و افتخار جمعی شهر وندان روم نیز بیستر بود. امراطور و خانواده او محازاً و برای توده های مردم به مواقع تحسم دولت امراطوری بودند.

بولس الهبات آزادی خود را درست طبق الگوی این نوع آزادی غیردینی صورتبندی کرد. سبب بین مسیح و بیرواس درست سبیه سبب امراطور و اتاعس است. کلیسا نیز سبیه دولت روم است امراطور تحسم دولت روم بود، مسیح حسم و جان و رأس کلیسا

آزادی معنوی فردی آزادی نوع اسان است که در انتظار حداشت و آزادی فرمانروایی آزادی حداشت که در انتظار اسان است آزادی حدا آزادی برتری است که اسان امندوار است هنگامی که سابسگی ناف در آن سهم گردد در آن هنگام انسان برده کاملی سده است که با ارباب کامل، یعنی خداوند، همدان می گردد. در اس بردگی کامل، بردگی خود را از منان برمی دارد حون ارباب و برده یکی سده اند

بردگی و آزادی در قرون وسطی

سابقاً بیستر مورخان اروپای ناسان را عمیده بر اس بود که کمی سس از نایان امراطوری روم بردگی به مفاس وسیع در اروپا از سس رفت، ولی بروهسهای تاریخی حدید ناف کرده است که کرچه در اس دوره بردگی با حدی رو به روال گداشت اولاً در برخی از مناطق اروپا، گاه سس ارروالی موف (از حمله در ایریا و ایالیا)، نهاد بردگی اهمیت بیستری یافت و بایاً در آن کسورهای بر که روال حسمگر بر بود (ملا در آلمان) بردگی از لحاظ اجماعی اهمیت خود را در تمام اوایل و اواسط فرون وسطی حفظ کرد

با آنکه کلیسا حواستار مسوح سدن بردگی بود، روی آوری توده های مردم به مسیحیت در اواخر فرون همم یکی از عمده ترین نانه های عمده بی نظام بردگی را سبب کرد. اعفاد کلیسا به برابری معنوی تمام اسانها در برابر حدا، ناکسانی نمادین عمده سس بردگان و غیر بردگان را باطل ساحت این امر، به علاوه کاهش سدید در حمیبت اروپا به دلیل طاعونهای فرون هفتم، بحران عمده ای در نظام بردگی ایجاد کرد و آن را تا سال ۷۰۰ در استانه روال فرار داد ولی دیری نگذشت که هجومهای مجدد بررها موجب تجدید حیات بردگی به مقیاس وسیع شد

در اروپای فرون وسطی، جر در حون فراسه و شمال ایالیا، درست با آغار دوران حدید بردگی یا به مقیاس اندك ناهی ماند، یا

این آرادنها شامل هر فرد غیر برده‌ای می‌گردید که يك سال و يك روز در داخل دیوارهای شهر زندگی می‌کرد. يك ضرب‌المثل المابی می‌گوید «هوای شهر آدم را آزاد می‌سازد».

شهرهای اروپایی البته نه يك اندازه از آزادی بهره‌مند نبودند. آزادی شهرهای ایتالیا و آلمان نه حدی بود که سرانجام به دولتهای خودمختار تبدیل شدند. فلورانس در اواخر قرون وسطی به قدری آزاد بود که آن را «سر حشمه آزادی» دانسته‌اند. ویر هم وضع مشابهی داشت. شهرها و روستاهای آلمان سر تا حد زیادی خودمختار بودند و برخوردار از آزادهای جمعی و فردی ولی شهرهای انگلستان و اسکاتلند بهره کمتری از آزادی داشتند

*

جلد اول کتاب آزادی، که در احسان ماس، تاریخ بیدایس و تحول اس اررس والای سری را تا قرون وسطی دنبال می‌کند می‌کوشد جلد دوم کتاب را هم، که به نفس آزادی در دوران معاصر می‌پردازد، به دست بیاورم و بلخص و بعد آن را به خوانندگان سر داس عرضه بدارم.

اهمیت کتاب آزادی، بوسه آفای ارلاندو باترسون استاد جامعه‌شناسی دانشگاه هاروارد، در این است که تعریف جدیدی از آزادی به دست می‌دهد، تعریفی که شاید در زبان فارسی و طبعاً در اندیشه ما فارسی‌زبانان بی‌سابقه باشد، و در این تعریف سه وجه برای آزادی قائل می‌شود که با هم تعامل دارند؛ و سر در این است که هیچ يك از سه وجه آزادی را حتماً صرفاً مفهومی معرفی نمی‌کند، بلکه بر اساس شواهد تاریخی نشان می‌دهد هر سه وجه، که از روابط بردگی ناسی شده‌اند، طرفت آن را دارند که رفع یابد و ارمان منهدمانه‌ای به حساب آیند با سقوط کنند و سر زبان‌آوری گردید در دوران ما سازی به ذکر محاسن آزادهای فردی و مدنی بست، و کتاب آزادی شرح می‌دهد که در عصر ناسان آزادی فرمانروایی چگونه در قلمرو مملکتداری به عامل تضمین‌کننده آزادی فردی و رفاه و امنیت بوده مردم تبدیل شد و در قلمرو دس به الهیات آزادی شکل بحسد اما همین آرمانهای والا طرفیت آن را هم دارند که عامل ولنگاری و فساد و هرج و مرج و سلطه مستبدانه طبقه‌ای از مردم بر کل جامعه (مثلاً در دوره جمهوری روم) یا سلطنت استبدادی به آن صورتی که ملت ما قریباً تحریر کرده است شود

و چون در جهان امروز آزادی، به‌ویژه دو وجه فردی و مدنی آن، به راستی عمده‌ترین ساختار ارزشی فرهنگی موجود و یکی از مهمترین مبانی روابط بین‌المللی است فهم و و کاملتری که از آزادی در سیحه مطالعه این کتاب حاصل می‌شود به شخص امکان می‌دهد آردیدگاه بهتری به فرهنگهای ملل، چه دیرینه و چه جدید، بنگرد و آنها را درستتر و مصفاه‌تر دآوری کند. و هیچ

تعجب نکند که چرا گروهها و قسرهایی که حنان بر سر سنگ آزادی را به سینه می‌زدند و می‌رسند، و چه بسا که با صداقت هم می‌زدند و می‌زدند، حسن بی‌محایا آزادی قسرها یا بقیه جامعه را زیر نامی گذاشتند و می‌گذارند یا چرا دولتهای غربی که لحظه‌ای از ستایش آزادی دم فرو نمی‌سندند فرمانروایی ارباب وار بر ملل آسا و افریقا و امریکای لایس را حق طبیعی خود می‌دانند. کتاب آزادی نشان می‌دهد این اندیشه که در نمایشنامه ایفینگنیا، اثر تراردی نویسنده یونانی اوریندس، بیان شده هنوز بر ذهن عربیان حاکم است.

یونانیان راده شده‌اند تا بر بررها فرمان برانند، مادر، به اینکه بررها بر یونانیان حکومت کنند. آنان فطرتاً رده‌اند، آزادی ما در حون ماس

خود ارلاندو باترسون هم در بسگفتار کتاب نکته‌ای را مذكر می‌شود که اگر نه بوی برادرسی بوی عرب محوری می‌دهد. می‌گوید در سسر طول تاریخ ستر و تقریباً در «تمام جهان غیر غربی تا سس از تماس با عرب، آزادی هدف بدهی و مقبولی بود و در بسیاری از جاها هنوز هم سست. سایر اررسها و ارمانها بطر عرب، سرف، قدرت برای خود یا خانواده و قبیله حوس، ملی‌گرایی، عظم ساهساهی، نظامگری و سحاعت در حنک، نفوی، هماهنگی آسمان و زمین، گسترس «ایمان راسس»، سرواها، بوعدوسی، عدالت، برابری، و سسرف مادی. اهمیت سس بستری داس و هنوز هم دارد اما، بیرون از متن فرهنگ غرب و نفودس، تقریباً هرگز آزادی» اررس مهمی بوده است «به‌واقع مردم عبر عربی به قدری کم درباره آزادی می‌اندیشیده‌اند که بسسر زبانهای سری بیس از تماس با عرب حتی واره‌ای برای این مفهوم نداسه‌اند راس نمونه تاری است واره رانی جاری تنها در طول قرون نورد هم که درهای کسور به سوی عرب نارسد این معنی را نافت وضع در کره هم به همین سوال است. حین در میان حوامع عبر عربی موردی استثنایی است که اصلاً لزوم [وضع واره‌ای جهت] این مفهوم غریب ظاهراً بالارم را در نافت

من از زبانهای رانی و کره‌ای خبر ندارم و نمی‌دانم حکم نویسند درباره آن دو زبان درست است یا غلط. اما در زبان فارسی از دیرباز واره آزادی تقریباً به عمده‌ترین معانی مورد بحث آفای باترسون موجود بوده و فراوان به کار می‌رفته (رجوع کنید به لغت نامه دهخدا ذیل مدخل آزادی و سز آزاد و آزاده و آزادگی) و به همین دلیل می‌توان به ضرس قاطع گفت که در فرهنگ ایرانی آزادی همواره ارزش متعالی و ستایش شده‌ای بوده است.

ویرایش تازه «واژه نامه فنی»

حسن محبی

واژه نامه فنی، غلام حسین صدری افشار (و دیگران)، تهران، انتشارات ییلوفر ۱۳۷۱، ۵۹۸ صفحه، ۸۰۰ تومان

کار در همین جرح و تعدیل است که به تخصص علمی و زیبایی بار دارد.^۱

ناری، فقدان رمه علمی و ناآسایی با اصول واره نگاری و واره برداری موجب سده است که حاصل کار نوعی «وصله دوری» ناسد که، نه اعتراف مؤلفان، «واره نامه ای مستقل بر اساس اصول علمی» نیست و با این همه عنوان «واره نامه فنی» به خود گرفته است و خود بخود مسئله حقوق صاحبان آناری را که از صاحب بروهسها و رحمتاسان برایگان استفاده سده است بیس می کسد استفاده کسدگان از واره نامه فنی نمی دانند غب و سمین را به نای کدام مسع بوسسد، و بدین سان، حسك و بر در آتس این جرح و تعدیل می سورد

عمده ترین نقصهای واره نامه فنی را می توان به این سرح دسته بندی کرد.

۱) در مقدمه مؤلفان بر ویرایس دوم این واره نامه هدف از آماده سازی اس ویرایس «كمك نه فارسی ربانان در اسفاده از منتهای فنی به ربان انگلیسی» اعلام و متن فنی آن متنی معرفی سده است که «نه يك رسته سعلی خاص- بوبره در رمیه صعب، تحارب، تولید و حدمات- مربوط می سود» همین مؤلفان در فرهنگ ربان فارسی امروز، فنی را «۱. فاعده یاروس انجام دادن کاری (نه خانه داری، نه کستی، نه کساورزی)؛ ۲. آگاهیهای مربوط نه صعب (علم و نه)» تعریف کرده اند.

از سیوه انتخاب مدخل در واره نامه فنی به نظر می رسد که مؤلفان تعریف دوم را در مدنظر داشته اند. ربیرا، برای بونه، در مورد هیچ يك از موضوعهای مربوط نه خانه داری و کستی و مدخلی ندارند اما تعریف متن فنی در مقدمه و عنوان فرعی روی جلد کتاب (واره های مهندسی، فن و هنر، شعنها، نهادهای) اسکالهایی بدید آورده است. درواقع، برای حضور عنوانهای هنر، شعنها و نهادهای متعلق نه آنها در واره نامه فنی چه وجهی می توان قایل سد.

حسن واره نامه های تخصصی اختصاص آنها به رسته ای

واره های هر رسته معمولاً نه دو سیوه اصلی گردآوری می سود بحسب اینکه همه معادلها از منابع معسر مربوط نه آن رسته اسخراج و با ذکر منبع مرتب سود؛ دیگر آنکه فقط معادل یا معادل های مرجح برای هر واره احبیار سود که خود مستلزم اسخاب و ارزش سایی بر نایه دانس و تحر به شخصی و مسورت و تبادل نظر با اهل فن است.

حال ببینیم در واره نامه فنی کدام سیوه احتیار سده است در مقدمه و براس اول آن حسن می حوائیم

در سال ۱۳۶۲ در حر بان گفتگوهایی با همکارانم ضرورت وجود يك واره نامه فنی به صورت حدی مطرح سد

يك راه- و راه درسب- اس بود که واره نامه های مصور انگلیسی مربوط نه یکایك رسته های فنی تهیه و نه کارگاهها و نه میان اهل فن و حرفه برده سود و با سان دادن هر ابزار و قطعه ای نام فارسی آن ساسایی و ضبط سود حسن کاری به يك سرمایه گراف، امکانات فراوان و گروهی بروهسگر سار داسب که ما بداسیم راه دیگر اس بود که دسب كم با ادغام و يك نارحه کردن واره نامه های فنی موجود و حرح و تعدیل آنها يك واره نامه فنی انگلیسی نه فارسی بدوس سود

بر اس اساس تعدادی از واره نامه های موجود برگزیده سد تنها واره هایی در اس کتاب آمده است که نه معادل فارسی آنها دسرسی بوده است، یعنی مؤلفان از انداع و جعل خودداری کرده اند

متأسفانه مؤلفان نه در مقدمه ویرایس اول و نه در مقدمه ویرایس دوم سیوه جرح و تعدیل را سرح نداده اند در حالی که گره

خاص است در این فصل واژه‌نامه‌ها، محدودیت بیکره (Corpus) به افرایس مران استقصا و اتقان کمک می‌کند محصول کار واژه‌نامه نویسنده، با بهره‌گیری از تخصص، جامع و دقیقتر خواهد بود البته در معرب‌رسم فرهنگهای عامتر علمی و فنی وجود دارد و فرهنگ علمی و فنی «مک‌گراهِل» از همین نوع است اما در چنین فرهنگی، صرف نظر از سرکب جمع‌گیری از محققان و اساتید در تألیف آن، بی‌گمان به واژه‌های مربوط به حیاطی، گرافیک، نفاسی، دفترداری، نرمی‌حوریم.

فرصت کیم کسانی پیدا شوند که در رسته‌های گوناگونی که واژه‌نامه‌فنی حاوی اصطلاحات متعلق به آنهاست^۲ متخصص باشند، و همچنین فرصت کیم که این مؤلفان بتوانند اعتبار منابع موجود در این رسته‌ها را تشخیص دهند و ادرس اصطلاحات مختار آنها را بسجند بار هم این سؤال بیس می‌آید که آیا ضرورت دارد واژه‌های همه این رسته‌ها به صورتی ناقص و نارسا در یک کتاب گردآوری شوند همچنین این سؤال مطرح می‌شود که آیا رسته‌هایی چون سیمی، طیف‌نگاری، نرسکی، علوم هسه‌ای، اسک، الکترونیک، فیزیک، روانشناسی، ترمودینامیک، آمار، الکتریک و معاطس، گرافیک، مکانیک کوانتوم، بلورشناسی را می‌توان حرورسته‌های فنی به معنای مصطلح و رایج آن به شمار آورد

منابع^۳ واژه‌نامه فنی برحاکمی از آن است که فن ناحیا به معیاری رناده وسع گرفته سده است

(۲) گستردگی و برانکندگی بی‌دلیل موضوعها در واژه‌نامه فنی مانع رعایت صابطه‌ای معین در گریس واژه‌ها سده است، اصولاً جمع کردن جامعیت و دقت و نظم و اسلوب در چنین طیف وسیعی متعذر است و حواه ناحواه در هر گامی بررسهایی از این فیل مورد سدا می‌کند که چرا این واژه در آن آمده و واژه همسنگ یا هم‌ارر آن بیامده است؛ چرا تناسب حجم وارگانی در رسته‌های گوناگون رعایت سده است؛ چرا از معنی بحس عمده آن و از معنی دیگری یکی دو واژه نقل سده است، چرا مسع معتبری را نادیده گرفته و از منبعی نامعتبر استفاده کرده‌اند

در چنین تألیف فاقد صابطه و اسلوبی حتی نمی‌توان توقع داسب همه واژه‌های کلیدی هر رسته وارد سده باشند.

(۳) در واژه‌نامه فنی به واژه‌های بسیاری نرمی‌حوریم که به تنها به علم و فن و صنعت مربوط نیستند بلکه به هیج وجه نمی‌توان آنها را حتی به «سعل» و «نهاد» معینی هم نسبت داد. بخصوص در فیرایس دوم این کتاب این گونه واژه‌ها فراوان است، به طوری که با حذف آنها تا یک پنجم از حجم واژه‌نامه کاسته می‌شود.^۴

(۴) در واژه‌نامه فنی، تنها برای بعضی از واژه‌ها توضیحی درون برانتر افروده سده است. انتظار مراجعه‌کننده طبعاً این است

که توضیح به اصطلاحات مهجورتر اختصاص یافته باشد. اما این انتظار، بیهوده است، زیرا مهجور و نامأنوس بودن واژه ملاک توضیح نیست مثلاً برای واژه‌هایی چون سیم، ادوات موسیقی و نفتالین بیر توضیحی افروده سده است از آن سو، برای بعضی از واژه‌ها، به جای معادل، تنها «تعریف» آمده است، مثلاً «سیستم ارسال عکسهای تلویزیونی به وسیله دستگاه زیراکس و حاب ار راه دور» به عنوان برابر نهاده ذکر سده است. توضیحاب گاه صورت حالی پیدا می‌کند. مثلاً در برابر Erichsen test بوسته‌اند «آرمایس ار بکسن (آرمایس فنحانی جهت تعیین تناسب جسم برای کسیدن)» که معنای محصلی ندارد. یا در برابر هافیم بوسته‌اند: «عنصر فلزی سببه زیرکونم و همراه با آن در فیلان تنگستی به کار می‌رود»^۱

(۵) انتخاب و نقل معادلها نیز کارشناسانه صورت نگرفته و طبعاً در آن خطاها و سدفتهایی رفته است، به طوری که غیرمتخصص را سردرگم می‌سارد زیرا ار تمیر انتخاب در سب و

حاشیه.

(۱) برای سدا کردن تصویری احتمالی اردسواری کار، مراجعه به مقدمه واژه‌نامه فیزیک، ار انتشارات مرکز سراسر دانشگاهی، حالی ار فایده بیست برای هیبه و تنظیم یک واژه‌نامه ۱۶۲ صفحه‌ای، ۲۵ نفر فیزیکدان و ادیب و رناب سلس ار سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴ بین ار ۰۰ ۸۰ ساعت صرف وف کرده‌اند

(۲) عده‌ای از این رسته‌ها را نرمی‌شماریم الکترونیک، ناهدگی، برق، هوانشناسی، کامپیوتر، فلرکاری، سنجی، نوردکاری، حاب، مساحی، سیمنا، تلویزیون، سابی، بحاری، داده‌آمایی، نفاسی، ریحه‌گری، منالورری، سوهار، ساحتمان، تلگراف، معدن، ناوبری، صحافی، موسیقی، دینامیک، حیاطی، صاانرداری، نالک، رادار، گجری، حساانرداری، دفترداری، حفاری، گرافیک، عکاس، لائراور، نورشناسی، دناغی، سیشه‌سازی، ارتاطاعب، تلفن، صوب سناسی، فالیافی، انکاری، هنلداری، ساعشناسی، ورس، عکاسی، تناثر، مکانیک سیالات، حاده‌سازی، و

(۳) قسمتی از این منابع به این سرح است واژه‌نامه محیط رسب، واژه‌نامه نهداشت حرفه‌ای، اصطلاحنامه علم اطلاع‌رسانی و دکوماناسیون، واژه‌نامه آمار، فرهنگ اصطلاحات مدیریب، واژه‌نامه بحوم و احکام بحوم، واژه‌نامه حمل و نقل و ترافیک، فرهنگ توضیحی لغات و اصطلاحات علوم اقتصاد، فرهنگ اصطلاحات کشاورری، واژه‌نامه آموزش و برورش، فرهنگ کوحک برشکی، فرهنگ علوم باررگانی، فرهنگ رمین سناسی، واژه‌نامه کنانرداری و دکوماناسیون

(۴) نمونه‌هایی از این واژه‌ها را می‌آوریم مستمری فوب، کودک ناقص العصور، هواپیمارنایی، روزلب، تلکه، سررسب و فیم، سته، استحر سر نوشیده، نافع، افلیب نرادی، مسافرب، ادیباب کودکان، دبیرستان دحترابه، دلهدردی، امتحان تحدیدی، سفاخانه، بوی بد دهان، نالسن، حویشاوبد، رورنامه عصر، کودک استثنایی، امتحان، بول نقد، رناب محاوره‌ای، درجه فوق لیسانس، دامن سلواری، سنگ قر، رورنامه رسمی، متاهل، آموزش عالی، بیشگفتار، فعلا، علطنامه، حنا، محوطه دانسگاه، اصلی، رورنامه، موحر، مستأحر، مموغ، علوفه، ناورمی، دلار، طلاق، کیسه حواب، مارخانه، هینب سیاسی، عیدی، عف‌مانده، ناقص، معلول، واژه‌نامه، رورنامه رسمی، سرداب، ناریک، یادداشت، سرراست، سرسیر، رف، کشف الآیات، کالای قاحاق، رییس | کدا | جمهور، فیلیم بلیسی، عصب، منبر، کلیسا، مستراح، نحماق

نادرست عاجز است. نمونه‌هایی از این عیب و اشکال مهم در معادله‌ها ذیلاً ارائه می‌شود:

○ light dimmer، «کاهنده نور» (اما این قطعه وسیله‌ای برای تنظیم روشنایی نور است و می‌تواند نور را هم زیاد و هم کم کند)؛
○ focal plane، «سطح تصویر» (معادل درست: سطح کانونی)؛

○ heat treatment، «حاره‌کاری حرارتی» و «عملیات حرارتی» (که تنها دومی درست است و اولی بی‌معناست)؛
○ I LED، «دیود نوری» یا «دیود ساطع نور» (که «دیود نوری» معادل photo diode است نه LED و به جای «ساطع نور» هم باید «ساطع کننده نور» یا «دیود نور گسیل» بیاید)؛
○ low brass، «کم برنج» (که غلط یا بی‌معناست؛ زیرا «برنج» کم و زیاد نمی‌شود بلکه «عیار» آن کم یا زیاد می‌شود، لذا معادل درست «برنج کم عیار» است)؛
○ isotropic و isotrope، «همان‌سگرد» (که معادل فقط برای isotrope درست است)؛

○ electronic calculator، «محاسب الکترونیکی» یا «سمارسگر الکترونیکی» (که دومی نادرست است و به جای اولی هم معمولاً «ماشین حساب» می‌گویند)؛
○ epicenter، «کانون لرزه» و «مرکز لرزه» (که فقط مرکز لرزه درست است که در سطح است کانون لرزه [seismic focus] در عمق زمین است)؛

○ reactance modulator، «مدوله‌کننده مقاومتی» (اولاً راکتانس مقاومت نیست، ثانیاً همه مدوله‌کننده‌ها راکتانس دارند ولی در این نوع خاص راکتانس را می‌توان مطابق با دامنه سیگنال مدوله‌کننده تغییر داد)؛

○ coupling، «حف‌گیری» (که درست آن «حف‌شدگی» است)؛

○ high speed، «که از حمله معانی آن «حداکثر سرعت» آمده و نادرست است)؛

○ equiviscous temperature، «دمای همدوسدگی» یا «گرمای لزوج» (اما «همدوسی» معادل coherence است و معادل temperature بر «دما» است نه «گرما»)؛

○ astrology، «ستاره‌شناسی» و «علم احکام نجوم» (که دو مفهوم مجابرید و «ستاره‌شناسی» معادل astronomy است نه astrology. در مبنای قدیم «احتراری» مترادف «علم احکام نجوم» آمده که برای astrology معادل مطلوبی است)؛

○ electro polar، «قطدار» (که فقط معادل polar است)؛
○ meteorological satellite، «قمر مخابراتی هواشناسی» («قمر مخابراتی» و «قمر هواشناسی» دو خبرید و «قمر» همان

«ماهواره» می‌معروف است)؛

○ lift table، «میزکار بالا برنده» (نه جای «میزکار بالا رونده»)،
○ acidizing، علاوه بر «اسیدکاری»، «حاره‌کاری با اسید» (که نه مصطلح است و نه معنای محصلی دارد)؛
○ perturbation، «تداخل، آسفتگی، انحراف، خروج از مدار، نه هم خوردگی، اختلال» (که با یکدیگر فرق بسیار دارند و معادله‌های اول و سوم و چهارم حتماً نادرست‌اند)؛
○ acidwater، «آب اسیدی» (اما منظور آب اسیددار است، چون آب نه اسیدی است نه باری)؛

○ shot noise، «صدای مزاحم» یا «بازایب ضربه» (اما، اولاً noise خود «مزاحم یا بازایب» است و noise غیر مزاحم نداریم ثانیاً noise همیشه به صورت صدا نیست ثالثاً این noise نوع خاصی [سیگنال مزاحم] است که در اثر عبور تصادفی حاملها در دیودها و ترانزیستورها بدید می‌آید)؛
○ astronomical photography، «فلمبرداری نجومی» (نه جای «عکسبرداری نجومی»)،

○ adjustable transformer، «ترانسفورماتور دورانی» (حاکمی از اینکه با گرداندن (یا دوران) قطعه‌ای می‌توان ترانسفورماتورها تنظیم کرد)؛

○ extruder، علاوه بر معادل درست «دستگاه روزنرانی»، «ماسر رجه‌گری فشاری» (روزنرانی خاص پلاستیک دانسته شده است، اما «رنجه‌گری فشاری» معادل pressure diecasting است که در همس‌واره‌نامه هم آمده است دراکستورن اصلاً فلز دوت نمی‌شود یا ریخته‌شود)؛

○ digital circuit، «مدار کامپیوتری» (که معادل درست از «مدار رهمی» یا «مدار دیجیتالی» است و می‌تواند در کامپیوتر یا هر جای دیگر به کار رود)؛

○ braoch، «وسله خان‌کسی» (معادل رایج آن همان «حاجر کس» است)؛

○ bolt، «مهره بیج» (نه جای «بیج مهره»)،
○ Brinell hardness test، «آزمایش سختی برینل»، «مهره سختی برینل» (که این آخری معادل Brinell hardness number است)؛

○ space craft و space ship را مترادف با space vehicle سفینه

ولی false color رنگ کاذب است یعنی جسم خودش رنگ دارد ولی ما به مفصودی خاص، رنگ کاذب به آن می‌دهیم.)

۶) در تعیین رشته علمی و فنی مربوط به واژه‌ها همواره دقت لازم شده است. مثلاً «راهگاه» و «تخلیه کور» به رشته «فلرکاری» متعلق دانسته شده، حال آنکه به رشته «ریخته‌گری» تعلق دارند همچنین بسیاری از واژه‌ها به حوزه «متالورژی» نسبت داده شده‌اند که در واقع به «ریخته‌گری» مربوط‌اند و با وجود اختیار عنوان مستقل «ریخته‌گری» باید آنها را حرو حوزه «متالورژی» قلمداد کرد بسیاری از واژه‌های ریاضی نیز، تنها به دلیل استفاده از آنها در رشته‌های دیگر، به آن رشته‌ها نسبت داده شده‌اند؛ مثلاً «تابع بله‌ای» به «ارباطات» تعلق یافته است

۷) در سوره ارائه ترکیبات مدخل بیریدفتی شده است؛ بدین معنی که سانه ~ معمولاً علامت تکرار اولین واژه بیس از آن است ولی در واژه نامه می‌بینیم مثلاً بعد از lever jack واژه jaw wrench آمده که ظاهراً باید lever jack jaw wrench خوانده شود، ولی، در واقع، مقصود lever jaw wrench، به معنی «انبردست فشاری» است و معلوم می‌شود که علامت ~ برای تکرار lever jack است که هست مدخل بستر آمده است.

۸) یکدست بودن معادلها هم از مبراز این حرح و تعدیل است مثلاً معادل frequency در ترکیبات آن گاهی «بسامد» و گاهی «فرکانس» و در ترکیب mean carrier frequency «تواتر» به کار رفته است؛ یا معادل mean در ترکیبات، گاه «متوسط» و گاه «میانگین» آمده است یا برای «بلی مرفسم» معادل «خندگونگی» و «خندسکلی» و «خندریختی» آمده ولی برای «بلی مرف» فقط معادل «خندگون» ذکر شده است

معنا و مورد استعمال فلات | | و برانتر () در واژه نامه می‌روس بیست در فلات، بستر رسته مربوط به مدخل آمده؛ ولی در مواردی، مثل «کنترل پرواز کامپوتری»[]، نفس دیگری دارد همانند نفسی که برانتر مثلاً در «اطلاعات پرواز (ی)» دارد. با همه این احوال، واژه نامه فنی، در بود واژه‌نامه‌های جامع و کم غلط، برای خواننده فارسی زبان گره گساست و در قسمتی از آن که به ویراس اول بردیکتر است، واژه‌های کمابیس خوبی از کتاها گرد آمده که دسترسی به آنها برای همه آسان نیست. به هر حال، حناحه در ویرایشهای بعدی در اختیار منابع و گریس معادلها و اسلوب تطبیق آنها رعایت صوابت شود، ارس بالاتر و فواید بیستری خواهد داس.

حاشیه:

۵) مثلاً در این مصرع از موحهری به فالگیر به کار آید به اخترگر

نموده شده‌اند (لنک space vehicle وسیله بالارونده سفینه است نه خود سفینه)

○ casting، «فالت‌بری یا ریخته‌گری»، «حدن‌بری» (که این احری نادرست است و casting می‌تواند هر نوع ریخته‌گری باشد)

○ pitot tube، «لوله سوب» (به حای لوله سوب)

○ frustum، «مخروط ناقص» (که می‌تواند هرم ناقص هم باشد)

○ fog attenuation، «مه‌سکن» (به حای «سکسب مه»)

○ non exchanger، «مبدل یون» (به حای «مبادله کن یون»، چون یون تبدیل نمی‌شود)

○ space navigation، «فضانوردی» (به حای «ناوبری فضایی» که بحس مهمی از فضانوردی astronautics است)

○ character printer، «خاتگر دحسه‌ای» (وضع‌کنندگان «دحسه»، به عنوان معادل character خود مدتهاست آن را می‌کرده‌اند)

○ waveguide، «هادی موج» (به حای «موج بر» که رایج است)

○ eclipse، «کسوف» (که به معنای «گرفگی» است و می‌تواند «ماه‌گرفگی» - کسوف - یا «خورسندگرفگی» باشد)

○ کیلو وار، «هرار آمر» (که احتمالاً باید استاه حانی باشد و درست آن «هرار کیلو ولت آمر» است).

○ I.A.A، «سارمان هواوردی دولتی» (معلوم نیست که این سارمان متعلق به کدام کشور است اصلاً ذکر اتفاقی حد احتصار چه معنی دارد؟)

○ make-before break-contact، «اتصال کار و سکون» و «اتصال با بعیر» (که هر دو نادرست و بی‌معاست)

○ space probe، «ساحک فضایی» (که بی‌معاست. probe سفینه‌ای است مشخصاً برای کاوسی خاص و عمدتاً بر فضاسماهای ربونی اطلاق می‌شود می‌توان «کاوسگر فضایی» را معادل آن اختیار کرد. حالب آنکه دبل probe همه‌جرا آمده است الا «ساحک»)

○ false color، «رنگ مصوعی» («رنگ مصوعی» در مقابل «رنگ طبیعی» است، مثل رنگ ترکیبی در مقابل رنگ روباس،

حد رور نس با آفای دکتر نورحوادی در محفلی بودم، سخن از منوی در میان آمد و ایسان مرده دادید که آن نسخه را بطریق عکسی حاب کرده‌اند از این خبر چه اندازه سادمان سدم؟ خدا می‌داند، بخصوص که بلافاصله گفتند نسخه‌ای همراه دارم و هم اکنون نزد احتیاریات می‌گذارم. با سویی و سعف فراوان نسخه را گرفتم و نه محص رسیدن نه خانه نه مطالعه آن برداشتم، و س از مراجعه نه دو سه سب که در حاب بیکلسون موجب اسکال سده بود ضبط درست را دیدم و آن اسکالها بر طرف گردید. (احه می‌نویسم سها در مورد مقاله کمر ازده صفحه است و از همین جا اهمیت این نسخه معلوم می‌شود) درباره تاریخ تحریر، نویسنده نسخه، کیفیت مقاله و ضبط آن آفای دکتر نورحوادی سرحی در مقدمه (از صفحه پنج تا هفت) نویسه‌اند که حد سطر آن را نقل می‌کنم: «این نسخه نه دست یکی از وابستگان یعنی مریدان سلطان ولد نه نام محمد فرید عبدالله قوئوی نامرافبت و نظارت حسام‌الدین حلبی و خود سلطان ولد از روی بیس نویسه‌هایی که در محضر مولانا فرائب و تصحیح سده یعنی از دست نویس حلبی یا از ناک نویسی که از نسخه نس نویس فراهم آمده است استساح شده»

ار این حد سطر می توان دریافت که این سسحه در میان دیگر
سسحه ها چه مقامی دارد از حد اود معال مرید بوفیق افای دکر
بورحوادی و فعالیت مسمر مرکز سر را خواهام حال که از
بحسب سب مبنوی سخن رفت بد سب بدس مناسب داسانی
را بوسم

گونا سال ۱۳۵۴ بود که گذارم به برکه افتاد، به قوسه و به ريارت ترب مولانا رستم هنگام برون آمدن در مدخل مقبره ، نر مردی حوس سما رو برو گسسم، سلام کردم ناسخ داد و گفت من عبدالقاي گلزارلی هستم گفتم دندار سما یکی از آروهای من بود خدا را سکر که توفیق یافتم سانی حانه خود را داد، حواس به دیدن او روم عصر همان روز به مریس رفتم ، ساعتی از همسویی با او بهره بردم و پس از آن با هم مکانه داستم با انکه به جهان جاودان رفت ناری در آن سب سسر سحان در ناره موسوی و اهمب آن بود، مخصوصاً بر سر «سبو . بی / سبو این بی» آن مرحوم گفت مقصود مولانا از «این بی» خود اوست، لیکن کاتبان به حرمت او صیغه متکلم را به غایب تبدیل کرده اند

این نظر درست است یا نه کاری ندان ندارم تنها حواسم از آن مولوی ساس قفید یادی شود آنحاکم او مولانا را سیبهای خالص و محصل می سمرد و بیتهایی از منوی را که خلاف این نظر است تاویل می کرد. حدایس بیامرد

دکتر سید جعفر شهیدی

نظر اجمالی به

چند کتاب

مثنوی معنوی

منشوی معنوی، مولانا حلال الدین محمد بلخی (مشہور بہ رومی)، چاپ
عکسی از روی نسخہ خطی فوسہ (مورہ مولانا)، تاریخ کتابت ۶۷۷
هجری، بہران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱، ص ۶۱۰

نست واند سال نس روړی در محضر استاد منوی- خدایس
رحمت کید- سحر از کوسس حیدس ار ابران ساسان می رډ،
من ار نکلسون نه خاطر رڼی که در تصحیح، حاب، ترجمه و
شرح منوی مولانا حلال الدین برده است باد کردم منوی ضمن
ازج نهادن بر کار وی گف افسوس که او ار سحّه صحیح و
معبری که بهر من سحّه هاست و در فو به است بهر درستی
نگرف و افروداس سحّه حابی سطهای نادرسی دارد، ار حمله
بب بحسب دفتر اول، که باید حسن باشد

سسو اس بی حوں سکایپ می کد

ار حدانم، ها حکایم می کند

حید سالی از این گفتگو گذشت مرحوم مسوی مرده داد که
اماده فراهم کردن جایی از مسوی بر اساس همان نسخه است
دریعا که آن برگ به حواری حق رفت و نداستم کار را به کجا
رساند

در این سالها که با مصاعب اندك مشغول بوسس سرحدگو به‌ای
بر منوی هسّم با ساید کاری را که اسناد بررگوار علامه مرحوم
فرورانه ریس گرفت و با تمام مایه با نان بحسم، اررو می کردم بر
آن نسخه دست یابم که لطف حق بار و همت مولانا مددکار سد

سوا نكيد در هم است

می بحسد و آنگاه است که در بهنه بیلگون آسمان، نه عنوان يك ستاره
قابل رؤیت بدیدار می شود

در مقدمه ناسر بر کتاب حسن می خواهم

براستی در گردآوری این کتاب، نویدگانی اسارگر، همچون عواصی
ماحر احو و مهور در نکاوی یافش در و گهر خود را نه امواج سهمگین
افیا بوسهای بیکران سرده اند تا از این رهگذار توسه ای برگزید و از هر
گلستان گلی بحسد و محمودی فایانیدر و دسته گلی ربا و نفیس تقدیم
حاضران و نسل آینده نمایند

حال بسیم این عواصان ماحراحو و متهور از این افیا بوس
سکران چه دسه کلی گرفته اند تا در واقع چه دسته گلی نه آب
داده اند

بحسب آنکه هیچ معاری برای اسحاب نویسندگان داستان
کوباه وجود نداشته است نه عنوان يك خواننده حرفه ای
داستانهای کوباه بسیاری از نامهای مطرح شده در این مجموعه
را فلا سیده بودم و حدس از صاحبان آثار این مجموعه هم که
خود دب اندر کار داستان کوباه هستند از وجود حسن اسخاصی
اطهار بی اطلاعی می کردند. از طرفی دیگر بسیاری نامهای محو
از قلم افاده است چون ذکر نامها در این مورد ممکن است باعث
برور سوء تفاهم شود، از آن در می گذرم، فلمداد کردن
بیماسیج، احمد ساملو، مهدی احوان نالب، موحهر آتسی،
هاسال الحاص، سیدعلی صالحی و... حرو سارگان آسمان
داستان کوتاه از آن حرفهاست! اصلا بعد است خود این افراد
ادعای داستان نویس بودن داسه ناسند. همس طور هستند
دیگرانی چون مصطفی رحیمی، بهرور دهفانی، امیر پرویر یوان،
ناهر مؤمی و... که هر يك نه طریقی در فلمروی دیگر مسعود به
کاری بوده اند که هیچ ربطی نه داستان نویسی نداشته و همه اینها
از سر نفس داستان کوباه هم بوسه اند

از میان آثار هر بوسنده هم، «نه گرسی» هیچ ملاک و مبنای
مسحقی نداشته، حر سلیقه شخصی و آن هم سلیقه ای که بر هیچ
داس و سباحی میکی نیست در میان این مجموعه داستانهای
سار صغفی وجود دارد که تا هیچ يك از ملاکهای نقد ادبی
می توان آنها را حتی داسان خواند، چه رسد نه اینکه ستاره ای
ناسد در آسمان داستان نویسی ایران

گردآورندگان در رمیه ادبیات داستانی نه صاحب تجربه اند و
نه دارای تحصلات تا اینکه هر يك از آنها يك داستان را از
خودسان در این مجموعه آورده اند و آن را «در و گهر و گل»
گلستان» داشته اند، رمیه سعلی آنها و نوسه ها و سهرهایی که فلا
از آنها دیده ایم، هیچ يك رمیه مناسبی برای داوری و گریس در
ادبیات داستانی نیست حاصل کارسان هم سان از همین
بی خبری دارد

همین ستارگان (نه گرسی) از داستانهای کوتاه ایرانی از آغاز تا امروز،
گردآورندگان محمد حلیلی - مصطفی فعله گری، تهران، انتشارات هوش
و ابتکار، ۱۳۷۱، ۲۰۹۳ صفحه، ۱۲۰۰ تومان

تا اینکه مدافعان کی رایب در فواید بوسستن نه این نمان
س المللی حرفهای مسندل و مصطفی بسیاری رده اند، هیچ گاه
سیدرصد قانع سده بودم که در مجموع فواید بوسستن نه
کی رایب بر صررهای احتمالی آن می حرد اما همین سارگان
داغ مرا ناره کرد و حسه ای دیگر از فواید کی رایب را بر می
انکار ساحب تا بوسس نه کی رایب دیگر کسی نمی تواند آثار
دیگران را بی هیچ صابطه و فاعده ای گردآوری کند و نه نام
مجموعه، مسحب، نه گرسی، جنگ و... نه «حاب» برید حقوق
مادی اثر نه حای خود محفوظ، صاحب اثر این حق معوی را دارد
نه تصمیم نگردد ابرس کجا، چگونه، در کنار کدام آثار، تا چه
نفسی و توسط چه کسی انتخاب و چاپ شود.

البته تا وجود عضو بودن ایران در نمان کی رایب اخلاقیایی
در این رمیه حاکم بوده است و بسیاری از گردآورندگان
مجموعه ها کسب اجازه از صاحبان اثر را بر خود فرض مسلم
می داشته اند و در آن مجموعه هم ذکر می کردند که حاب این آثار
در حای دیگر موط نه اجازه صاحبان اثر است (برای نمونه مؤلف
سعر امروز ایران از اعار تا امروز حسن کرده است) ولی میل
نکه گفته اند اخلاقیات و بر سبب مرده ریک بوررواری است
س می توان بدون هیچ شخصی در داسان بوسی و نقد ادبی،
۲۰۹۳ صفحه داسان کوباه از آثار دیگران را نه «حاب» رد و
خداقل ۱۵ درصد از قیمت سب جلد در سرار ۵۰۰۰ سجه، یعنی
حدود يك میلیون تومان، نه حسب رد سس سجه می گریم مرک بر
نی رایب، رنده یاد هرح و مرج ادبی

البته ناکفته نماید که نه فرار مسوع حدس از صاحبان آثار
س مجموعه نه دستگاه قضایی سکایت برده اند و معلوم نیست که
دسته ماحرا نه کجا خواهد کسد

این کتاب نه جلدی مقدمه ای دارد سار خواندنی بر از اصل
نسب حناکه ملا در آن می خواهم

سار سار نویسندگان داستان کوباه از بدو بداس این سوه ظهور
رده اند

البته کلمه «سزاری» می رساند که اندکی از نویسندگان داستان
کوباه هم قبل از بداس این سوه ظهور کرده اند یا در حای دیگر.

وفی که ساره ای بر می جهد و در آسمان ادب و هنر يك سررمس نه
در حسن می سید، نه کوسه های ناریک برامون حوس، روسی

دوم آنکه وقتی فرار اسب کار گردآورندگان تنها «حاج رذن» آثار چاپ سده دیگران باشد، کمترین انتظاری که می توان داشت این است که این کار با رعایت امانت و درستی و کم غلط صورت گیرد. اما در این کتاب استباه حاشی و جاافتادگی به قدری فراوان است که هر حاشی کتاب را بار کنید بی نصیب نمی مایید. با توجه به اینکه حرفه اصلی یکی از گردآورندگان کتاب بردازی اسب حاج اسب که کاری را که باب آن «حق التألیف» گرفته اند نمونه حواشی کنند. چند مثال از این باب

□ داستان ۵ر۵ صفحه ای «سرك لو فرس» از صمد بهرنگی يك جا ۲۲ سطر جاافتادگی دارد و در حاشی دیگر ۱۹ سطر تکرار سده است (نگذریم از اینکه آیا اصلاً فرار بوده داستان کودکان در این کتاب نباید یا نه و از دیگران هم نقل سده یا نه)
□ داستان «هربانی» عباس بهلوان ۱۲ سطر تکراری و مقدار زیادی جاافتادگی دارد.

□ در داستان «سلحه» موحهر کریم راده يك باراگراف جاافتاده که به کلی رابطه منطقی داستان را به هم رده است
□ داستان «اوزه های بلور» سهر بوس نرسی نور سه سطر جاافتادگی دارد که آن را با مفهوم می سارد
□ مابوستهای صفحه ۱۹۴۳ کتاب حاج افتاده اسب و در عوض وسط صفحه ۱۹۴۴ هنگام خواندن داستان به مابوست صفحه قبل برمی خورید.

□ نه يك باراگراف از صفحه ۷۰۱ توجه کنید که جاافتادگیهای حد سطر، مطلب را به چه صورت در آورده است.
مادر همبستور که سرگرم امام کار اخیل بود کهگاه سرس را بلند می کرد و عییک را عافگیر دیدم، نگاهم را به سمت مادر برگرداندم و حالگه بارد را تانی نگاه می ریخت روی ساط اخیل مسگل گسا
□ داستان «باری» از اصغر الهی ۲۵ سطر تکراری دارد و تقریباً ۲۵ سطر جاافتادگی.

□ داستان «نید، درباحه، هو» از حسن عالی راده ۸ سطر تکراری دارد و دو برابر این مقدار جاافتادگی
□ غلط حاشی هم که الی ماسا الله حتی اسامی نویسندگان و داستانها هم مصون نموده است. مثلاً ایرح مهر و یان به جای ایرج مهدویان یا داستان «برده که کنار» به حاشی «برده که کنار رفت» آمده است

فهرست اعلامی که در پایان کتاب می آید طبعاً به منظور سدا کردن صفحاتی است که نویسندگان در آن صفحات داستان دارند در حالی که در این کتاب در مقابل اسامی شماره صفحه نیامده است. منابع کتاب هم بسیار ناقص ذکر شده، مثلاً به ویره نامه هرو ادبیات یا کیهان هفته و ... اکتفا سده است.

طبعی است که انتظار نداشتید در این کتاب رسم الخط اصلی

نویسندگان حفظ سده باشد و حوسختانه برای اسبکه به کسی بر نخورد، داستانهای این مجموعه هیچ تربیی ندارند، نه الفبایی، نه قدمت تاریخی، و نه ارزش ادبی و هری. البته وسط کتاب، برای رفع حسنگی گاه عرلی از سعدی (ص ۱۱۴۷) هم گنجایده اند. شاید عرل هم نوعی داستان کوتاه اسب. با دیدن این کتاب بسیر ناد میوه فروسها می افتم که دائم می گوید سوا بکنید، در هم اسب.

مجید ملکان

فرهنگ اختصارات اسلامی

معجم الرمور والاسارات، تألیف الشیخ محمد رضا المامقانی، مطبعة مهر، قم، ربیع الاول ۱۴۱۱ هـ. ۵۵۳ ص

اختصاراتی مثل ص (به معنای صلوات الله علیه)، ع (علیه السلام) م (میلادی)، و م (قبل از میلاد)، ح (حلد یا حره)، س (سال)، س (سماره، شمال یا گاهی هم سرق)، ه.و. (هجری قمری) و بسیاری دیگر از بطار مکرر بر این نوع اختصارات را ساید همه اهل کتاب می ساسند، اما بعید است که همه اهل کتاب و کسانی که کم و بیس به نحوی یا مابون عربی / اسلامی کار می کنند وقتی در حاسه کتابی به عدد ۱۲ برمی خورند سریعاً بفهمند منظور از اس عدد در کنار حاسه مریور حسب. رموز و اساراتی مثل ی (به معنای آیه)، و (ورقه)، م (رمف صفحه)، ن (نسخه بدل)، م (مخطوط)، صل (نسخه اصل)، ع (سعر)، م. ح. (مقدم مؤخر) و کیری نامتواتر از اسها بیر برای سیاری از اهل کتاب و حتی اهل تحقیق نالبداهه مکسوف بیست. نگذریم از این که سیاری از این رموز و اسارات در متون مختلف دلالتهای متفاوتی می یابند، و مثلاً «ص» در جایی صلوات الله علیه معنا می دهد، و در جای دیگری صواب، یا اصل، یا ماه صفر، یا مصنف، یا امام جعفر صادق (ع)، یا صحابی و یا...

در ربانهای اروپایی مدتهاست که علاوه بر اساراتی که در لانه لای فرهنگهای عمومی و تخصصی به برخی از برتواتر ترس رموز و اختصارات می سده، فرهنگهای مستقل و علی حده ای، کلا تحت عنوان Abbreviations یا Symbols بیر انتسار می یافته است برای نمونه از این دست، فرهنگهای زیر قابل ذکرند:

توضیح داده است- ص ۱۵) اندکی کمتر از نصف این کتاب ۵۵۲ صفحه‌ای، یعنی ۲۲۸ صفحه از آن به عرصهٔ چهارس نه‌گانه کتاب آیات قرآنی، احادیث شریف، اسرار اعلام؛ نویسندگان و کتابها؛ بلدان و فرق، مصطلحات خاصه؛ رموز، منابع و مراجع؛ و بالاخره فهرست مطالب کتاب اختصاص یافته است. و لو آن که می‌شد از حجم این اثر اندکی کاست، از قدر آن نمی‌توان و نمی‌باید کاست، حای کتاب، معجم‌الرموز و الاسرار سالها حالی بوده است، و اینک می‌توان امید داشت که این اثر ضروری و مفید طی طبعهای آتی بوسیلهٔ منقح بر و تکمیل شود

مرتضی اسعدی

منبع تازه‌ای در تاریخ اصفهان

سیری در تاریخ بخت فولاد اصفهان، سید مصطفی الدین مهدوی، اصفهان، انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، ۱۳۷۰، ۲۴۴+۲۷ ص، فهرست، مقصور.

ايرانيان در روزگاران پس از اسلام مردگان خود را عموماً در دحمه‌ها می‌گذاشتند و چون به اسلام گرویدند به سروی از تعالیم سامیر اکرم و ائمهٔ هندی مردگان را در گور نهادند از آن پس قبرستان در نظام شهرسازی ایرانی حای خاص خود را یافت و همچون مسجد، میدان، بازار، آب‌انبار و مانند آنها از جمله ملزومات شهر بود در روستاها قبرستان را در سرون از ده می‌ساختند و معمولاً غازی از هر سرانه‌ای بود غلب این بی‌برایگی را عموماً بسوادی روستاییان و بی‌بوجهی آنان به طواهر و بهی‌دستی انسان دانسته‌اند، ولی غلب واقعی آن در امان نگاهداشتن قبرستان از دسبردن بی‌احترامی دشمنان و مهاجمان بوده است اما در شهرها قبرستان معمولاً در رقص، یعنی حاشهٔ میان باه‌های شهر یا ناروی آن، ساخته می‌شد و در شهرهای بزرگ در هر سوی شهر گورستانی وجود داشت

لك اصل سنده که در اتحاد قبرستان مورد توجه قرار داشت این بود که آن را در سرامون لك امامزاده یا مضره احداث می‌کردند یا هم ترك همجواری حاصل آند و هم به منسب این همجواری قبرستان از بی‌احترامی در امان نهاد

از قدیم رسم بوده است که بر روی قبر سنگی (لحد) می‌گذاشتند و نام و نشان و دیگر مشخصات مُرده را بر آن نفر می‌کردند این بوسه‌ها غالباً حاوی اطلاعات ارزنده اما فراموش شده‌ای دربارهٔ زندگی علمی و اجتماعی مردمانی هستند که در آن گورستانها حفته‌اند و با پس از مرگ در آن شهر می‌ریسته‌اند. گردآوری این بوسه‌ها و بررسی آنها قسمت مهمی از تاریخ شهرها را روشن می‌کند و سر تحول شهرها را نشان می‌دهد و به

Everyman's Dictionary of Abbreviations, ed. by Dr. John Paxton, London, J.M. Dent & Sons Ltd. 1974, *Reverse Acronyms, Initialisms & Abbreviations Dictionary*, ed. by Ellen I. Crowley, 3 vols., Michigan, Gale, 1982.

اما در زبان فارسی و عربی، بوبره در رسمهٔ اختصارات انار اسلامی، کمتر آیری از این دست فراهم آمده است حر کتاب *العلامات والرموز عبدالملوك العرب* دكتر حسن علی محفوظ (نعداد، ۱۹۶۴) و یا *ملا حدیقه‌الرموز* سیح محمد بن ابوالقاسم حنلانی (واصف)، حاب هم، ساید توان نعداد ربادی از این نوع انار بر سمرد اگر این بار در دوران تدوین کتاب *الالفاظ الکتابه عبدالرحمن بن عسسی همدانی* (موفی ۳۲۷ق) یا *فقه‌اللعنه و سیرالعرفه ابو منصور بغالی* (موفی ۴۲۹ق) هنوز حندان حدی و محسوس یا اصلاً مطرح بوده، امروزه کشف رمز کردن از انوه رموز و اختصاراتی که به مرور زمان و بنا به ضرورت بسط دامنهٔ انواع علوم اسلامی طی پس از هزار سال در مئون گوناگون اسلامی فراهم آمده است به کسافی اختصاصی نبار دارد کتاب *معجم‌الرموز و الاسرار* سیح محمد رضا مامقانی از جمله بحسین انار حدی و حامعی است که به قصد بر کردن این حای حالی و تدارك این نقصه تدوین و منسیر شده است این کتاب حر مقدمهٔ ده صفحه‌ای مؤلف (ص ۹-۱۸)، که در آن دربارهٔ ضرورت استفاده از رموز و اختصارات در مئون اسلامی، و در غش حال ضرورت کشف این رموز برای محققان و متدیان، و سیر رحی انار مقدم در این زمینه و نحوهٔ تدارك این اثر سخن رفته است، حاوی ۳ بخش اصلی است

الف) الفوائد (سامل فوائد عامه، الرموز عبدالساح، الرموز عبدالقراء، الرموز عبدالمحدث، الرموز عبدالرحالین، الرموز عبداللغوس، الرموز عبدالعلماء السب، الرموز السعیر، الرموز و الفلسفه، الرموز عبدالمعاصرین، تسه غلامات بحضو محطوطات، بمادح من الرموز الخاصه، الرموز الموم) صفحات ۱۹ تا ۹۵، القسم الاول الحروف الرمزه (به ترتیب الفبایی از الف تا یا، از ص ۹۹ تا ۱۹۲)، القسم الثاني: العلامات الرمزيه که طی آن ابتدا علامات رمزه اختصار، از ص ۱۹۵ تا ۱۹۹، توضیح داده شده و سپس بعد از لك دیباجه و توصحات و تذکرات ده‌گانه (ص ۲۰۶ تا ۲۱۲)، اسرار رمزی نیز به ترتیب الفبایی، از صفحهٔ ۲۱۵ تا ۳۲۵، عرصه و توضیح داده شده است (مؤلف در مقدمهٔ کوباه خود دربارهٔ «رمز» (حروف یا علامات) و «اسرار» و تفاوت آنها

بسیاری از بررگان علم و ادب جامعه، که ایک در فراموسی به سر می‌برد، حیات تازه می‌بخشد.

نمونه این تحقیق، کتاب حاضر است که مؤلف آن با اعتقاد به اینکه «گورستانها یکی از مبای تاریخ هر ملت و هر شهر می‌باشند و تاریخ علمی و ادبی هر ناحیه‌ای را می‌توان به طور احوال از مفار آن به دست آورد» (ص ۱۵) به تألیف آن پرداخته است و سرمشق خوبی برای تدوین تاریخ مفار و گورستانها به دست داده است کتاب دارای ۹ مبحث عمده است (۱) وجه تسمیه؛ (۲) تخب فولاد در قبل از اسلام؛ (۳) در دوره دیالمه؛ (۴) از دیالمه تا صفویه؛ (۵) دوره صفویه؛ (۶) دوره قاجار و بعد از آن؛ (۷) مع دهن اموات؛ (۸) اماکن مترك؛ (۹) تكایا و برخی از مدفونین.

کتاب با دقت و حوصله فراهم آمده است و مؤلف که تألیفات مسابهی مثل رحال اصفهان (۱۳۲۸) و دانشمندان و بزرگان اصفهان (۱۳۴۸ س) دارد از ساینستی لایم برای پرداختن به این تحقیق مهم برخوردار بوده است. آرس کار او در این است که خواننده ضمن مطالعه مفار و تكایای قدیم و جدید گورستان تخب فولاد، با تاریخ احتمالی اصفهان و مخصوصاً احوال رحال علم و ادب آنجا آسای می‌شود. در واقع مؤلف در هر جا که توانسته است اطلاعات دقیقی در احوال اشخاص آورده و عاوین تألیفات آنان را ذکر کرده و منابعی را که برای مطالعه بیستر در احوال ایسان وجود دارد، متذکر شده است. به این ترتیب کتاب حاضر منبع عمده‌ای برای تحقیق در تاریخ اصفهان و اصفهانیان نامدار به شمار می‌آید و صرف نظر از سلك و سیای نگارش که خاص مؤلف است و ایرادی بر آن وارد نیست، بکنه‌ای که می‌توان بر کتاب گرفت تحریر برخی از اسامی است حناکه «گنانادیه»، که در همه جا به همین صورت نوشته می‌شود به سلك «گونانادیه» تحریر یافته است، یا «فمسه‌ای» که «فمیه‌ای» (ص ۱۱۰ و ۱۱۱) تحریر یافته است. و سخن آخر اینکه «فهرست اسامی» از نظم مطلوب برخوردار نیست، مثلاً «محمد ابراهیم» در ردیف «ابراهیم» آمده است و «محمد باقر» در موضع «ب» ضبط شده است و هکذا «محمد نفی» و «محمد جعفر» و «محمد حسن» و «محمد حسین» و غیرهم که به ترتیب در ذیل حروف «ب»، «ت»، «ج» و «ح» ذکر شده‌اند.

تحقیقی جامع در باب کرد و کردستان

غلامرضا رشید یاسمی، کرد و بهیوستگی بزادی و تاریخی او، چاپ چهارم، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ۱۳۶۹، ۳۰۲+۱۸ ص.

کردان «یکی از سعه‌های مسهور نژاد آریایی هستند که محققان را

در آریایی بودن آنان سکی نیست»، و کتاب مرحوم رسد یاسمی که اول بار در سال ۱۳۱۳ س حاب و منتشر شد ظاهراً اولین کتاب مستقلی بود که درباره این قوم و نژاد و تاریخ و فرهنگ و دیگر خصوصیات آن نوشته شده بوده است کتاب با مقدمه‌ای درباره سبکهای قدیم و جدید تعلیم و تربیت و تحقیق و تألف آعار می‌شود و در دو باب ادامه می‌یابد و با يك حاتمه و يك فهرست باان می‌گیرد.

در باب اول مبحث سرزمین کردستان قدیم مطرح شده است و در ضمن آن موضوعات «قدمت مسکونیت راگرس»، «روابط هندو اروپاییان با آسور و ایلام» و «دولت ماد و آغاز دولت نارس» مورد بحث قرار گرفته‌اند در باب دوم ضمن هفت فصل در باب موضوعات «تحقیقات علما در خصوص لفظ کرد»، «برادسای»، «دیانت و معتقدات»، «ربان»، «حقیقت ملیت»، «کرد در قبل از اسلام و بعد از آن» بحث شده است... این تحقیق بدیع که در حدود سقبت سال بیس انجام گرفته است، تارگی خود را حفظ کرده و حیدان اسوار و عالمانه است که هنوز هم به عنوان يك منبع دقیقی مورد استفاده محققان قرار دارد و هر چند گاه يك حاب تازه‌ای از آن ضرورت می‌یابد نداداسهایی که ناسر از منابع گوناگون در ناره کرد و کردستان و احوال مؤلف برگرفته و به آخر کتاب افزوده است موجب مرید سودمندی آن است. ع. روح بختان

نگاهی به «بیان»

بیان، تألیف دکتر سیروس شمیسا، تهران، فردوس و مجید، ۱۳۷۰

در سالهای اخیر بازخوانی و بازنویسی علوم بلاعی سنتی و آرایس و بیرایس آن مورد توجه خاص ادبا و محققان واقع و کنت متعددی در این باب منتشر شده است کتاب حاضر یکی از اررنده ترین این کابهاست مؤلف در فصل اول کتاب، که به تعاریف و کلمات اختصاص دارد، با دیدگاهی نو به تعریف علم بیان و اهمیت آن در درك و تحلیل آثار ادبی پرداخته است در سه فصل بعد ترتیب مباحث محاز، تسبیه و استعاره همراه با سواهد مناسب طرح شده است در این مباحث خصوصاً در بحث تسبیه و ساختمان آن و تفاوت انواع تسبیه برخی نکته سنجیهای عالمانه و تازه نیز دیده می‌شود.

فصل سیم کتاب - با عنوان «بعد از اسعاده» - شامل مباحثی چون سمل و اسطوره و است فصل سیم به بحث کانه اختصاص دارد و در پایان بر فضلی با نام حاسه در علم ان و تمرینهای برای یادگیری مباحث کتاب آمده است

و برکنهای مهم کتاب بیان را می توان بدین گونه خلاصه کرد
(۱) کوسس در جهت ارائه نکات من درسی که اثر مستقیم باریوسی میون غربی در آن ناسد

(۲) آوردن سواهد گوناگون از شعر فارسی

(۳) حذف برخی مباحث کم اهمیت تر و نقل

(۴) کوسس در جهت افزودن برخی ملاحظات جدید با الهام از بلاغت فرنگی

(۵) نقد و بررسی و احیاناً اصلاح و تکمیل برخی مباحث بحث دیگر

مؤلف محترم در مقدمه کتاب سخی از لزوم باریوسی و تکمیل کتاب و کاملتر شدن آن در جابه های بعد به بیان آورده اند و امید تحقق این امر در اینجا به حد نکه که توجه به آنها کتاب را به مقصود مؤلف نزدیکتر خواهد کرد اشاره می شود.

(۱) در فصل بعد از اسعاده، با انکا به انکه بیان علم ادای معنای واحد به طرق مختلف است، مقولاتی مورد بحث قرار گرفته که شاید در لزوم پرداختن به همه آنها در علم بیان نواقو، حیدایی ناسد هر چند مباحثی چون سمل، تأویل، قایل و غیره در نقد ادبی جدید بسیار راهکساید ولی بهر آن است که آنها را در مباحث انواع ادبی و نقد ادبی مطالعه کرد اگر حسن نکسم، چه بسا افرادی پیدا شود که مثلا انواع مکسهای ادبی و وحی اوران شعری را هم، به اتکای همس تعریف علم بیان، وارد این علم کنند

(۲) در بحث انواع سسه، هر دو نوع سسه حیالی و وهمی را از مقوله سبیه عقلی داسه و نوسه اند «ار فروع بحث سبیه که مسه نه آن عقلی است بحث سسه حیالی و وهمی است» (ص ۶۸) و در باورقی بر حسن آورده اند. «هدما مسه نه حیالی و وهمی

را از مقوله حسی داسه اند که به نظر ما صحیح سست» حال آنکه علمای بلاغت سسه حیالی (مثل آسمان عقلی) را از مقوله تسه حسی داسه اند ولی تسه وهمی (مثل دیدان عول) را از نوع سسه عقلی به حساب آورده اند (سعدالدین بقتارانی، مطول، ص ۲۱۲ و ۲۱۳، محمد حلیل رحابی، معالم البلاغه، ص ۲۴۵ و ۲۴۶) مؤلف برای انکه بیان دهد که «هدما مسه نه حیالی و وهمی را از مقوله حسی داسه اند» حمله ای از معالم البلاغه نقل کرده است که اصلا سسه وهمی را مطرح نکرده بلکه فقط سبه حسی و حیالی را که آن هه ملحق به حسی است بیان کرده است. حمله معالم البلاغه حسن است «س امر حسی اعم است از اینکه خود محسوس به حسن ظاهر ناسد با انکه فقط موادس یعنی مفردات و احرای برکنه اس به حواس ظاهر ادراک سود».

مؤلف معالم البلاغه سس از این حمله به تسه عقلی می بردارد و سسه وهمی را بر به آن ملحق می کند (همان، ص ۲۴۶)
(۳) برخی سواهد برای منظور مؤلف مناسب سستند مثلا در بحث از سبیهی که مسه آن حسی و مسه نه آن عقلی است این مثال ذکر سده «علم و داس مثل حیات است» (ص ۶۷) در حالی که علم عقلی است و در حای دیگری از همس کتاب (ص ۹۰) هم عقلی داسه سده است همحسن «نگاه» (ص ۹۰) حسی داسه سده ولی «دیدار» (ص ۹۳) عقلی فرض سده است و یا در حای دیگر (ص ۲۶۹) «من» عقلی به حساب آمده است درباره تمیل دیل

دسا و دس و سسر و عقل از من برف اندر عمس

حایی که سلطان حمه رد عوغا نماد عام را

نوسه اند سسه مرکب عقلی به مرکب عقلی است (ص ۳۶۹).
(۴) اغلاط حایی کتاب سس از حد معمول است (در حدود چهل مورد)، که هم شامل کلمات عادی و هم شامل اصطلاحات اساسی کتاب می سود و در مواردی سرون اسعار را دچار احتلال کرده است

مسعود جعفری

مجله شیمی

(از انتشارات مرکز سرداسگاهی)

سال پنجم، شماره سوم، آذر - اسفند ۱۳۷۱

منتشر می شود

● عنوان برخی از مقاله ها

○ تاسدگی پروتئینها

○ پیام دهنده های سمیایی حشرات

○ میکروسکوپی تول ربی نویسی سیلیسیم و کربن

○ آموزش سمی تحریر

○ مطالعه رفتار گراش سطح مواد آلی و ضریب شکست آنها

می‌گساید و در دامن آن بزرگ می‌شود هر چند که از تحصیل مدمات علوم قدیمه غفلت نمی‌کند به "تحصیلات حدیده" روی می‌آورد و دیلم و لیسانس می‌گیرد و برای تکمیل تحصیلات به اروپا می‌رود و "تر" می‌گذراند و چون به کسور باری می‌گردد در مقام استاد دانشگاه و مدیر "مؤسسه" به کار می‌پردازد .. (صفحه هف تا دوازده)

بخش یکم (ص ۳ تا ۳۲) «گسترش معارف و آموزش در ایران از قرن اول تا قرن دوازدهم ه. ق.» نام دارد و متسکل از حد فصل است در توضیح چهارحوب تاریخی جامعه و گسترش اسلام و تعلیمات اسلامی و حرکت فرهنگی دوره عباسی و اسلامی صدر کسور و روی آموزش در مسجد، مکتب، مدرسه، نظامیه و حلقه‌های تصوف...

بخش دوم (ص ۳۵ تا ۷۲) «اصول آموزشی برنامه‌ها و سازمان مراکز سستی تعلیمات اسلامی» نام دارد و شامل فصولی است در باب سازمان و کارکرد "مکتبها" و "مدارس" و اصول و محتوای تعلیمات و حکونگی تأمین منابع مالی آنها و زندگی "طلاب" و مراحل تحصیل مل "مدمات"، "سطح"، "خارج" تا رسیدن به "اجتهاد" این بخش در واقع مکمل بخش اول است بخش سوم (ص ۷۵ تا ۲۰۳) «نفوذ غرب و نو سدر آموزش و پرورش در ایران (از سال ۱۱۹۳ ق تا ۱۳۵۸ س)» است و متسکل از فصلهایی است در توضیح زمینه‌های سیاسی و اجتماعی جامعه از قرن دهم تا چهاردهم ه. ق.؛ رخنه اندیشه‌های نو در آموزش؛ رخنه قدرتهای اروپایی در ایران؛ انقلاب مسروطه؛ حکومت بهلوی و تحول رمنه‌های سیاسی- آموزشی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷، اخنای سیاسی و آموزشی؛ تجدید حیات تعلیمات اسلامی و واکس هویت طلبانه و بارگست به روحیه اسلامی و معرفی سه سحصب اثر گذار آن حلال آل احمد، علی سربیتی، مرتضی مطهری

بخش آخر (ص ۲۰۵ تا ۲۱۵) شامل نتیجه‌گیری است حناکه ملاحظه می‌شود کتاب از اسخوانبندی سبباً کامل؛ استوار بر حوردار است و تقریباً کمتر مبحثی است که مورد توجه قرار نگرفته باشد. لذا سکل و صورت کتاب اسکالی بدارد، اگر ایرادی در کار باشد متوجه محتوای کتاب است در واقع بعلم؛ تربیت در ایران و عوارض و آثار آن بر تحولات اجتماعی موضوعی بیست که در یک کتاب دو یست و حد صفحه‌ای سر و به آن به هم آورده شود و حق این است که درباره هر دوره تاریخی آن کتابها نوسه شود نکته دیگر این است که درباره این موضوع؛ بخصوص وضع تعلیم و تربیت در دو قرن اخیر و حکونگی رخنه تمدن غرب در ایران، کتابهای مهم و سودمندی نوشته شده است که از امهات منابع به سمار می‌روند ولی هیچیک از آنها مورد

نظر اجمالی به

چند کتاب چاپ خارج

تاریخ اجمالی تعلیم و تربیت در ایران

Ehsan Naraghi *Enseignement et changements sociaux en Iran du VII^e au XX^e siècle*, Paris, Editions de la Maison des sciences de l'homme, 1992, XII + 224p glossaire, illustr

احسان نراقی. آموزش و تغییرات اجتماعی در ایران از آغاز اسلام تا امروز، پارس، ۱۹۹۲، دوازده + ۲۲۴ ص، واژگان، تصویر

بررسی وضع نظام آموزش در ایران، از اسدای دوره اسلامی تا به امروز موضوع حدیدترین کتاب احسان نراقی است که به زبان فرانسوی در پارس منتشر شده است.

کتاب با سسگفتاری درباره حکونگی توحه یافس مؤلف به دو نظام آموزشی قدیم و حدید یا اصطلاحاً "مدهبی" و "غیرمدهبی" و وضعیت خاص خانواده‌ای که مؤلف به آن تعلق داسه است، آغاز می‌شود. مؤلف در سال ۱۳۰۵ شمسی در کاسان، مسهور به دارالمؤمس، حسم بر دنیا گسوده است ساکاس، ملامهدی نراقی و ملا احمد نراقی، از علمای نام و مراجع بعید رمان خود بوده اند مدرس، آسیح حسم- که دو سال بیس بدورد حیات گفت- "ملا"یی بود روسفکر که نخستین مدارس امروزی کاسان را بیان نهاد. انقلاب مسروطیت در آغاز حوایی او در گرفت و او مجدانه در آن سرک کرد. همسرش هم ربی تحصیلکرده و فهمیده بود که در کار ایجاد مدارس حدید و بوسعه آنها به سوه ر کمک کرد. بدیهی است که کسی که در حسم خانواده‌ای حسم بر حهان

هنات مؤلف فرار نگرفته است (میل تاریخ بیداری ایرانیان، یادگار عمر، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید ..)

علاوه بر اینها چه از جهت محتوا و چه به لحاظ فنی می توان بر کتاب خرده گرفت که نه دو مورد از آنها اشاره می شود اولاً بنی امیه از سال ۶۶۰ تا ۷۵۰ میلادی حکومت کرده اند نه از ۶۶۱ تا ۶۷۵ (ص ۴)، بابا نام بنیانگذار سلسله رند کریم جان رند است نه محمد کریم جان (ص ۲۲ و ۷۵) ..

انقلاب و وضع زن در ایران

Fariba Adelpkhah, *La révolution sous le voile-Femmes islamiques d'Iran*, Paris, Karthala, 1991 - 280 p., photos

فریبا عادلخواه، انقلاب با چادر- زنان اسلامی ایران، پاریس، کرتله، ۱۳۷۰، ۲۸۰ ص، تصویر

انقلاب اسلامی ایران که در بهمن ۱۳۵۷ بحقی ناف به وسیله افراد گوناگون و از نظر کاههای متفاوت بررسی شده است، از حمله توسط فریبا عادلخواه که حاصل رساله دکترای جامعه‌شناسی خود را به صورت کتاب حاضر به چاپ رسانده است

کتاب علاوه بر بسکفتار و مقدمه حاوی سس فصل و بر کناساسی، ماحد و واره‌نامه است در بسکفتار گفته می شود که در میان همه مسائلی که بر حاسه از انقلاب اسلامی است، موضوع زنان و وضعیت آنان در انقلاب سس از هر موضوع دیگر کنحکاوای خارجیان را برانگیخته است بی آنکه بحقی مصفانه حامی در اس رمیه انجام گرفته ناسد و آنچه در این رمیه تهیه مسر سده سطحی و سرسری بوده است

در مقدمه گفته می شود که زنان ایرانی در تحق انقلاب نفس اساسی و کارسار داسه اند و در بارور سدن آن سسار مؤثر بوده اند برای سسار دادن اس مسارک و باروری ناسی از آن، وضعیت زن اسلامی ایران در سس فصل بررسی شده است (۱) زنان در حکومت ساهساهی و در جمهوری اسلامی (۲) زنان در انقلاب (۳) زنان در امور مذهبی و فعالیتهای جمعی (۴) زنان و ازدواج (۵) بوساک زنان (۶) زنان در سهر و جامعه و فعالیتهای اجتماعی . چنانکه ملاحظه می شود مؤلف کار خود را از سالهای آخر حکومت سابق آغاز می کند و قدم به قدم همراه با زنان به سس می آید و تحولاتی را که در وضعیت آنان، از جهات گوناگون، بدید آیده است مطالعه و تحریه و تحلیل می کند از آنجا که خود مؤلف از جامعه سنوان است برای او بر فراری تماس با زنان و سرک در زندگی ایشان و راهیابی به زندگی خصوصی آنان اسان بوده است.

او توانسته است همه جنبه های زندگی زنان را مخصوصاً در اجتماعات بررسی کند و نه يك نتیجه مطلوب برسد. دق مؤلف در توصیف فعالیتهای عمومی با جمعی زنان از جمله تسکیل مجالس روضه خوانی و "سفره" و سرک در سمار جماعت و رفتن به ریارب و کار در بیرون از خانه... در حور تحسین است.

مؤلف در اسر خود که يك بحقی "مدانی" جامعه سناحتی به معنای واقعی کلمه است، سساری از نکات بارک تاریخ کنونی زن ایرانی را روس کرده است حقیقت این است که خارجیان درباره سساری از مفاهیم زندگی اجتماعی امروز ایران میل ازدواج (و جهیر)، متعه و حجاب و اسعال تصورات نادرست دارند مؤلف با دق و حوسله و نادکر مبالغها و نقل دلائل گوناگون سسان می دهد که میان تصویری که خارجیان از این مفاهیم دارند و تصویری که زن اسلامی ایران از آنها دارد، تفاوت ارمین با اسمان است. او ناس می کند که ملا عقد سسعه به معنای تحسیر زن و بهره کنی از او نیست بلکه از اصل حفظ نظام خانواده و سلامت اجتماع و علی الخصوص حفظ منزلت زن به عنوان يك موجود صاحب حق، و نه فقط الک ارضای سهوات نفسانی، سروی می کند، و یا ملا بوساک زن و به طور کلی 'حجاب اسلامی' (خواه با حادر و خواه بی حادر) عامل سست سحسب زن است و..

کتاب مسسد فریبا عادلخواه که با دق تمام فراهم آمده و به ربانی سسوا و روان بوسه سده سساری از سسعه ها و کراندسیهای را که درباره وضع زنان مسلمان ایران وجود دارد رفع می کند و حسماندار ناره ای در اس رمیه بر روی حواسده اروپایی می گساند

سرچشمه های تشیع

Mohammad-Ali Amr-Moezzi, *Le guide divin dans le shi'isme original (Aux sources de l'esoterisme en Islam)*, Paris, Verdier, 1992, 379 p., bibliographie index

محمدعلی امرموزی، راهمای ملکوتی در تشیع اعارین (سرچشمه های تعلیمات باطنی در اسلام)، پارس، وردی، ۱۳۷۱، ۳۷۹ ص، کناساسی، فهرست

از ربانی که گلدربهر کتاب درامدی بر کناساسی تاریخ اختلاف سسعه و سسی را در ۱۸۷۲ در اسر سس حات کرد، مطالعات فراوان در رمیه تسع به طور کلی و علی الخصوص امامیه انجام گرفته است که کتاب حاضر اسر اسهاست و غلب تألیف آن این است که به اعتقاد مؤلف، در مورد سساراعار آیس تسع هیچ مطالعه حدی و عمیقی صورت نگرفته است و تصور روشن و مسحمی از حگوگی نخستین اندیسه های تسع در دست نیست. آنچه در

مطالعاتی که تاکنون انجام گرفته حلب نظر می‌کند خلط میان تعلیمات ائمه با آموزشها و اندیشه‌های متفکران و دانشمندان امامیه قرون بعد است. به عقیده مؤلف، اروپاییان و نه طور کلی فرنگیان هیچ آگاهی درستی از جهان‌نگری ائمه و تصوراتی که از اسان و تاریخ داشته‌اند، ندارند و در نتیجه خود دچار آسفتگی فکری شده‌اند.

مؤلف س از معرفی چهارحوب کار خود، ضمن مقدمه به تشریح وجوه مختلف "عقل" از دیدگاههای گوناگون و ارتباط تعقل با تعلیمات باطنی و معرفی منابع عمده‌ای که برای مطالعه در این زمینه در دست است، این نکته را روس می‌کند که به اعتقاد اهل تسبیع وجود ائمه مقدم بر آفریس جهان بوده است و اساس کار خود را حدیسی از امام جعفر صادق (ع) فرار می‌دهد که به موجب آن «امام دلیل بیس از همه مخلوقات وجود داشته است». آنگاه در فصلی دیگر به توصیف امامت می‌پردازد و مخصوصاً بر وجه "سیاسی" ردگی امام تأکید می‌کند و سان می‌دهد که علم قدسی چه بوده است و چه تفاوتی میان "علم امام" با علم در معنای متعارف آن وجود دارد و به دلیل بر حوررداری ار همین علم است که ائمه "فرآن باطنی" توصیف شده‌اند و به برک همین علم است که ار قدرت حارق العاده بر حوردار هستند.

فصل آخر کتاب به بررسی موضوع "حیات حاوید" و نه‌ای امام و عیبت امام دواردهم (عج) و حگوئگی ظهور آن حضرت اختصاص دارد. کتاب با تشریح این حدیث نوی نایان می‌گیرد که «اهل بیت من همحون کستی نوح است، هر کس بر اس کسی بر آند نجات یافته است و هر کس بدان برسد طعمه امواج خواهد شد»

کتاب، که سیار مسید فراهم آمده است تصورات نادرست و احیاناً معرصانه‌ای را که درباره سبب در میان فرنگیان وجود دارد، اصلاح می‌کند و با ارائه روایت واقعی فضایا بر خطاهایی که تاکنون وجود داشته است، خط بطلان می‌کشد

تشتت قدرت ناصری

Mostafa Edjtehadi, *Zerfall der Staatsmacht Persiens unter Nāsr ad-Dīn Schah Qagār (1848-1896)*, Berlin, Klaus Schwarz Verlag, 1992, 184 p

مصطفی اجتهادی، تشتت قدرت در ایران عهد ناصری (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ هـ ق)، برلن، انتشارات کلاوس شوارتز، ۱۳۷۱، ۱۸۴ ص.

ناصرالدین میرزا، فرید محمدساه، س ار مرگ بدر در ۱۲۶۴، در هفده سالگی به ساهی رسد، مدت فریب به سجاه سال سلطنت کرد و در روز جمعه ۱۷ دیفعد ۱۳۱۳ در حرم ساهراده عبدالعظیم

به ضرب گلوله میرزارضا کرمانی کشته شد

دوره ناصری به جهات مختلف مورد توجه بروهندگان ایرانی و فرنگی بوده است: طول سلطنت او که نه‌ریاً در اعصار قبل و بعد سابعه نداشته است، آرامس سبی کشور، مداوم ردگی سبی و دور ماندن ار تحولات جهان، تحولات داخلی علی الحصوص در بهران میل گسرس ارگ و افراس عمارات آن، گسرس ناسحت و تعبیر برج و باروی "طهماسبی" آن که سس ار سه فرن بر سر با بود، گسرس مداخلات درباریان در امور کشور و افراس رفانها و کسمکسهای ساهرادگان و درباریان، قدرت یابی برچی ار صاحب مقامان ار حمله صدراعظم، مسافرتها کوتاه و بلندولی سانی ساه به خارج از نانتخت و به خارج ار کشور، کوسس برای تقلید ار سوسه‌های اروپایی حکومت و فسون و بهداشت، گسرس مداخلات روس و انگلیس در ایران و افرایس نارضایی عمومی و برور اعتساست در میان مردم و فرار گرس روحانیت در برابر سلطنت و حکومت، افرایس حضور فرنگان در تهران و. و فوع حوادثی میل قتل امیرکبیر، صدارت یکی ار عمال انگلیس، دُر دانه سدن ملنحک، دامه یافتنی حرمسرا، ار جمله نکات برحسته آن دوره به سمار می‌رود. اما عمده ترین مسخسه آن دوره بحرنه بدریچی قدرت، تسب در عوامل نضمم گری و فراهم آمدن رمیه‌های فروناسی قدرت است و همس مسخسه است که موضوع تحقیق مصطفی اجتهادی فرار گرفته است.

مؤلف سس ار سسگفتاری کونه، ضمن مقدمه به معرفی موضوع تحقیق و حدود کار خود برداخته است فصل اول به بررسی سخصت ناصرالدین ساه و تحلیل منس و خصوصیات اخلاقی او اختصاص دارد فصل دوم در سنن وجوه محلف سلطنت ناصرالدین ساه است (اداره مملکت، عدالت، دولت، فسون). در فصل سوم وضع دربار و آداب و رسوم درباری و قدرت یابی درباریان مورد بررسی فرار گرفته و حد سخصت اصلی آن عصر (دوست محمدخان معیر الممالک، میرزا یحیی خان مسیرالدوله، میرزا عباس خان فوام الدوله، میرزا علی رضاخان عضدالملک حواسالار، عزیزالسلطان (ملیحک)، میرزا علی اصهرخان امین السلطان) معرفی شده‌اند در اس فصل عمدتاً بر روابط میان ناصرالدین ساه و امین السلطان تأکید شده است و می‌توان گفت که موضوع و عنوان کتاب هم ار همین روابط و در واقع اختلافات برگرفته شده است. فصل چهارم در بیان اواخر کار

ناصرالدین شاه است، که با ضعف و ناتوانی و احیاناً بی‌تصمیمی، همراه بوده است.

به عقیده مؤلف قدرت سلطنت که با اواخر عصر محمدشاه قدرت مطلق به شمار می‌رفت و ناظر بر تمامی امور کشور بود و محصوراً در دست شاه قرار داشت، با به سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه روبه‌سبب و تحریر و فروپاشی نهاد صرف نظر از قدرت روحانیت که در حد مورد، مخصوصاً در قصه تناکو، شاه را به عقب‌نشینی و تسلیم واداشت، قدرت صدراعظم بر، علی‌الحضوص وفی که در وجود میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان متمرکز شد، به موارد قدرت سلطنت و حتی گهگاه رودرروی آن قرار گرفت به عبارتی دیگر وضعیتی پدید آمد که دیگر شاه در رأس هرم قدرت قرار نداشت برآ که اصلاً هرم قدرت باقی نمانده بود.

کتاب سبب قدرت ناصری، تحقیقی عالمانه و مستند است که می‌تواند گوسه‌های تاریک تاریخ ناصری را روشن کند در واقع نگاهی است تازه به مناسبات قدرت در آن زمان و ایرادی ندارد چرا که اولاً به آلمانی است و حواشی ناآشنا به آن زبان از بعضی خواندن آن محروم می‌ماند. ثانیاً در دوره ناصری شخصتهای گوناگون به اب و نان و نام و سنگ رسیده‌اند و معلوم نیست که چرا مؤلف فقط به ذکر احوال فقط هفت تن از اسان- که همه آنان هم معروف و مشهور نیستند- اکتفا کرده است، و ثالثاً در صیقل لایق اسامی و اصطلاحات فارسی استباهانی روی داده است، از جمله اینکه «خان» و «خوان» (در حواشی‌الار) به یک صورت ضبط شده و حواشی‌الار خدا را هم و به صورت دو کلمه آمده است (ص ۹۸).

اراد بروخردی

تاریخ دو قرن نخست عثمانی

Colin Imber - *The Ottoman Empire, 1300-1481* - Istanbul The Isis Press, 1990 - 288pp

محققان تاریخ عثمانی می‌دانند که تاریخ دو قرن نخست تسکیل دولت عثمانی همچنان در هاله‌ای از روایات غیرمستند مانده و هنوز حوادث تاریخی این دو سده ساله که در واقع دوران تنبیه و استقرار امپراتوری عثمانی است، به تحقیق احرار و سبب نشده

است. دکتر کالین ایمبر که اسناد زبان ترکی در دانشگاه محستر است صریحاً اعلام کرده است که کتابش را به قصد تاریخی و ترسیم چهره قطعی و متفق تاریخ عثمانی در این دو قرن، بر اساس موثرتین منابع دست‌اول، فراهم آورده است وی در همان نخستین سطور مقدمه‌اش گفته است که گرچه سبب و اسلوب و فایده نگارانه دبری است که مطلوب طبع مورخان اروپای غربی نیست، اما او بنا به ضرورت سبب و اسباب صورت واقعی حوادث تاریخی این دو سده ساله، همین سبب غیرتحلیلی و صرفاً روایی را که بر مدار «سها» و «سها» و تاریخ رویدادها» می‌گردد، در سبب گرفته است محدودۀ این توفی تاریخی از سال ۱۳۰۰ میلادی، یعنی حوالی آغاز تأسیس حکومت عثمانی، تا ۱۴۸۱ سال مرگ سلطان مراد دوم، سبب سلطان این سلسله، یعنی در سبب همان دوره‌ای است که به بعضی دایره‌المعارف فارسی مصاحف حتی «سبب مراد» به «ان سبب» «محقق سبب» (ص ۲، ص ۱۶۸۳): مؤلف کتاب سبب در همان اوایل مقدمه خود به این امر اشاره کرده است

نویسنده کتاب کوشیده است تا سبب مکان از همه منابع دست‌اول و بخصوص منابع همزمان با دوره تاریخی مورد نظر، در زبانهای مختلف، از وفای نامه‌های ترکی و فارسی و اونیورسی و عربی گرفته تا تواریخ یونانی و سری و بحصاف اصل و بدیع آلمانی و فرانسوی و انگلیسی استفاده کند وی از جمله از آثار این عرساه (موفی ۱۴۵۰م)، ابن حجر عسقلانی (موفی ۱۴۴۹م)، ابن بطوطه (موفی ۱۳۷۷م)، ابن اثاب (موفی حدود ۱۵۲۴م)، ابن عربی بردی (موفی ۱۴۷۰م)، خلیل بن اسماعیل (بوه سیح بدرالدین و نویسنده رندکسامه‌ای حمالی از حدس، سبب و نماد زمانه قرن نهم میلادی)، حسن بن روملو (موفای بعد از ۱۵۷۸م)، عربی اردسر اسیرانادی (موفای بعد از ۱۳۹۸م)، بحسی فقهی اسحاق (نا به قول حاجی حلیفه بخشی فقهی‌الاس، روفی حیاتش در اواخر قرن ۸/۱۴ و اوایل قرن ۹/۱۵) که از آثار سببها در حلال تاریخ عاسی باساراده استفاده و یاد شده است، عاسی باساراده (موفای بعد از ۱۴۸۲-۱۴۸۱م)، ابن بکر بهرابی (موفای بعد از ۱۴۸۱-۱۴۸۲م)، احمدی (ساعر برك و نویسنده اسکندرنامه، متوفی ۱۴۱۲م)، کمال باساراده (موفی ۱۵۳۴م)، محمدناسای فرمانی (موفی ۱۴۸۱م)، محمد سری (موفی قبل از ۱۵۲۰م)، نظام‌الدین سامی (مورخ ابرایی و مؤلف طهرنامه، متوفی قبل از ۱۴۱۲م)، عروج (وفای بکار ترك اواخر قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶م)، سکرالله (سفر و مورخ ترك اواسط قرن ۱۵م)، تورسون بی (متوفی بعد از ۱۴۹۱م) و نظایر ایسان استفاده کرده است. آنچنانکه از فدردانی و تسکر نویسنده از «مصححان و مترجمان

متونی که مورد استفاده او بوده است، برمی آید (p XI)، نه نظر می رسد که او بیشتر از ترجمه آثار دسب اول مر نور استفاده کرده باشد تا مستقیماً از خود آن آثار. از میان آثار نویسندگان و محققان عربی، نویسنده بویه از آثار ویکتور مزار (V L Menage) تحلیل و استفاده کرده است. قابل توجه است که وی کتابسازسی یا فهرست منابع و مآخذ این اثر را به دو بخش تقسیم کرده است: در بخش نخست «فهرست منابع» این کتاب، و در بخش دوم «فهرست منابع» که در پای صفحات به آنها اشاره و استشهد شده» ارائه گردیده است. تعداد و سبب آثار سرفی و ترکی مذکور در این بخش دوم کتابسازسی حسنگرتر است از نویسندگان ترك صاحب نامی همچون حلیل انالحنی (یا ایالحنی)، فؤاد کورولو و اورن حارسلی و آثار ایسان بها در بخش دوم اس کتابسازسی نادرده است. از جمله آثار دسب اول مهمی که نویسنده این کتاب ندیده است (علاوه بر آثار دسب اول عربی که حاجی حلفه، موفی ۱۰۶۷ ق / ۱۶۵۶، از آنها یاد کرده) کتاب هست بهست مولی ادریس اس حسام الدین بدلسی (متوفی ۹۳۰ ق / ۱۵۲۴) است که تاریخ آل عثمان را از آثار کار اس دولت تا عهد سلطان بازید دوم (سامل حکومت هست بر اس سلاطین این سلسله، که وحه سمنه اس کتاب سر بوده) در برمی گیرد؛ فرید مولی ادریس، ابوالفضل محمد دفتری (متوفی ۹۸۲ ق / ۱۵۷۴) نیز دلی تا آخر سلطنت سلطان سلیم بانی و مرگ وی در سال ۹۷۴ ق. / ۱۵۶۶ بر آن افروده است. مولی ادریس به گفته حاجی حلفه اولس کسی است که تاریخ آل عثمان نوشته، و در میان همه تواریخ متقدم ال عثمان که ترکی است تنها هست بهست او به فارسی بوده است. قابل توجه است که نویسنده این کتاب به آثار دسب دومی همچون تاریخ عثمایی هامر سورگستال یا تاریخ الدوله العثمانيه محمد فریدک المحامی و آثار نظایر آنها اشاره و اعتنایی نکرده است با توجه به حجم بالنسبه کم و اهمیت قابل توجه اس کتاب حا دارد که مترجمان علاقه مند یا محصص در تاریخ عثمانی به ترجمه آن اهتمام کنند

جلد ششم «دایرة المعارف اسلام» ترکیه

سکل گیری دایرة المعارف اسلام اوفاف ترکیه (یا دوفتر، تورکیه دیات و فقی اسلام انسیکلویدیسی) حاصل اهتمام ترکها به تألیف و تدوین يك دایرة المعارف مستقل اسلامی، حدای از دایرة المعارف دیگر بود که تحت همین عنوان اسلام انسیکلویدیسی عمدتاً بر اساس ترجمه دایرة المعارف اسلام طبع

اول لیدن از سال ۱۹۴۰ به بعد در ۱۳ جلد فراهم آمده بود؛ طاهرا طبع اول این دایرة المعارف در فاصله سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۷ در ۶ جلد انتشار یافته بود. (سزار قابل توجه است که علی رغم عرق و علاقه شدید ناسوبالیستی ترکها، اولین دایرة المعارف ترك تحت عنوان تورک انسیکلویدیسی، یا در آثار ایوبواسکلویدیسی- مدتها پس از اهتمام ایسان به ترجمه دایرة المعارف اسلام لیدن، و از سال ۱۹۴۶ منتشر شد.)

در میان همه کشورهای مسلمان، علاقه و اهتمام برکه به تدوین دایرة المعارفهای متعدد اسلامی با ملی و عمومی سزار حسنگر، و مساهمه محققان ترك در تألیف مقالات آنها بساز عالمانه بوده و سزاری از مقالات این دایرة المعارفها به طور مستقیم یا غیرمستقیم در دایرة المعارفهای اروپایی مورد احد و اقتباس قرار گرفته است؛ صرف سرب ترجمه طبع اول دایرة المعارف اسلام لیدن، که تنها ۱۷ سال، یعنی از ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۷ طول کشیده، خود سیار قابل توجه است. دایرة المعارف اسلام اوفاف ترکیه نیز با سرعت قابل توجهی تدارک و منتشر می شود. اولین گامهای تأسیس هیئت مرکزی تدوین این دایرة المعارف در ۱۳ مارس ۱۹۷۵ از سوی سازمان اوفاف ترکیه در آنکارا برداشته شد؛ نخستین جروه این دایرة المعارف (در قطع رحلی) در نوامبر ۱۹۸۸ / آبان ۱۳۶۷ انتشار یافت؛ و ایک (در اواخر سال ۱۹۹۲ / ۱۳۷۱) سسمین جلد آن (در ۵۵۹ صفحه سه ستونی) منتشر شده است. هر جلد این دایرة المعارف حدوداً سامل ۱۲ جروه ۴۸ صفحه ای است، و در حالی که هیئت تحریریه آن بسیار کوچک است کل نویسندگان آن تا کنون به حدود ۴۲۸ نفر سر رده است، و علاوه بر محققان و اساتید دانشگاههای ترکیه، سامل برخی از محققان و نویسندگان کشورهای عرب و ایران و هند و پاکستان و فیلیپین و نیز بعضی از نویسندگان مسلمان عربی مثل حامد الگار، نیز می شود. جلد سسم این دایرة المعارف حاوی مدخلهای «سیر آعاحامی» تا «جعفر باسا تکیه سی»، و از جمله سامل مقالاتی همچون بیهی، بیدا (که از آن به کلیله و دمه ارجاع داده شده)، بیهی (محمد بن حسین، علی بن رید، و سادات بیهی)، بیب، بیروب، بیب لحم، بیب الحکمه، بیب الاحران، بیب المال، بیب المدراس، (بیب المقدس به قدس ارجاع داده

جلد ششم «دایرة المعارف اسلام لیدن»

جلد ششم دایرة المعارف اسلام طبع حدید لیدن که در مارس ۱۹۹۱/ اسفند ۱۳۶۹ کامل شده بود سرانجام به ایران رسید و هم اکنون در مرکز سرداسگانی عرصه شده است این مجلد در ۱۰۴۴ صفحه، حاوی مدخلهای Mahkamah (محکمه) تا Midyuna (مدیونه، یکی از قبایل مهم بربر شمال افریقا) است. هر مجلد از این دایرة المعارف اسلام، که بنا به اجماع محققان ایرانی و خارجی، مهمترين، با دست کم یکی از ممتازترین مبررات سالها تحقیقات اسلام‌شناسانه در غرب بوده است، از همان ابتدای نشر شامل ۸ حروفه ۱۲۸ صفحه‌ای دوسوی (هر ستون ۷۲ سطر و هر سطر ۸ تا ۱۰ کلمه) بوده و طول مقالات مختلف آن (که گاهی از حیط احتمال و تفصیل نامناسب بوده) تا ۵۰۰۰ و گاهی ۵۰۰۰۰ کلمه می‌رسیده است شش جلد کنونی این دایرة المعارف رزی هم‌رفته شامل شش از ۷۵۰۰ صفحه دوسوی، جمعاً متجاوز از ۷۵۰۰۰۰ کلمه، هزاران مدخل با ارجاعات مفصل کامل، و تصاویر و نقشه‌های فراوان است در سالهای ۱۳۵۹/۱۹۸۰ تا ۱۳۶۱/۱۹۸۲ سه حروفه ضمیمه حاوی مستدرکات مدخلهای مجلدات اول تا سوم این دایرة المعارف بر مبنای عمده‌ها شامل مدخلهای مسی مائده ایرانی (و سعی) بود.

رای این مجموعه تا کنون چند فهرست تهیه شده است در سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹ نخست بروفسور برسون و همسرش یک فهرست ۱۹۵ صفحه‌ای دوسوی (در قطع سایر حروف این دایرة المعارف) برای مجلدات اول تا سوم تهیه و منتشر کردند این فهرست که منحصراً «فهرست اسامی و اعلام» است از آن پس با انتشار مجلدات بعدی مطبوعاً کاملتر شده و تا کنون مجلدات ۱ تا ۵ را دربر گرفته است اخیراً (در سال ۱۳۷۱/۱۹۹۲) بی جی بیرمن برای مجلدات اول تا ششم علاوه ضمایم مربوط به «فهرست موضوعی» (انکلیسی و فرانسوی) در ۱۶۰ صفحه دوسوی تهیه کرده که برودی عرصه خواهد شد (ظاهراً این فهرست در نوامبر ۱۹۹۲/ آبان ۱۳۷۱ در لندن منتشر شده بوده است)

آخرین اطلاع قابل توجه دیگر درباره دایرة المعارف اسلام لیدن این است که اعلام شده بوده مجلد هفتم این دایرة المعارف، حاوی مدخلهای Mitrash تا Niz، در ۱۰۴۴ صفحه در رابوئه ۱۹۹۳/ دی ۱۳۷۱ منتشر خواهد شد؛ تا این زمان چهار حروفه ۱۲۸ صفحه‌ای (شماره ۱۱۵ تا ۱۲۰) حاوی مدخلهای مفرس (Mitrash) تا محمد (Muhammad) ارجاع خارج شده و حروف شماره ۱۲۱ تا ۱۳۰ نیز حاب تا در دست انتشار بوده است

مرتضی اسعدی

سده است)، برم السب، بیعت، بیجانور، بحایه، بدعت، بیدل دهلوی، بخارا، ابانوار، بهبهانی (آقامحمدنادر، محمدعلی و عبدالله بن اسماعیل)، وایه الله بهستی (که هر چهار مقاله خیر را حامد الگار نوشته است)، استاد کمال الدین بهراد، بیمارستان (در ۱۵۵ صفحه سه ستونی)، بیرون و بیرونی، بیراس (حدود ۱۴ صفحه)، بومناحی (سروش سانس انتالبانی موفای ۱۹۷۹)، ترح، بوسه و هررگووین (در ۸ صفحه)، بوسان سعدی، برهمسب، کارل بروکلیمان، ادوارد براون، بودیزم (حدود ۸ صفحه) فرانسیس بوهل (مستشرق دانمارکی)، بختسوع، تحور و تحوردان، مطبوعه بولاق (در حدود سه صفحه)، بلغار و بلغارستان (در ۱۹ صفحه)، برائ، بوهان لودویگ بورکهارت، برهان فاطم، بورکینافاسو، سرریخارد فرانسیس بوربون، آله الله حاج آقا حسین بروجرودی و مدرسه بروجرودی، بطرس سبانی، بطلان (حقوقی و ادبی و منطقی)، ثلث، سداری، آل بویه، کناربرک امید، حارث بن عبدالله، حارث حبان، لئون کاسانی و است مقالات مربوط به زبان و ادبیات فارسی را در این دایرة المعارف رضا کورتولوس (Kurtulus) و بروفسور بحسن نارنجی نوشته‌اند؛ و مقاله «ابوالحسن نسبی، عارف حراسانی» بوسه دکتر نصرالله بورجوادی است عده نویسندگان مقالات این جلد به ۱۷۸ نفر می‌رسد

سند یکی از کارهای خوب این دایرة المعارف که تا کنون در ایران (احتمالاً تحت تأثیر دایرة المعارف اسلام لیدن) از آن تعافل شده، همین گنجاندن مقالات مربوط به اسلام‌شناسان غربی در این دایرة المعارف اسلامی است

سایر آنچه بیشتر اعلام شده بوده، این دایرة المعارف تقریباً شامل ۲۲۰۰۰ مدخل (مقاله) خواهد بود، و با توجه به اینکه هر جلد آن حدود ۸۰۰ مقاله دارد، لذا کل آن به حدود ۳۰ جلد سر خواهد شد با آنکه بیستر حسن برآورد شده بود که تکمیل این دایرة المعارف به حدود ۲۶ سال وقت نیاز خواهد داشت، پس از انتشار جلد ششم، کار بدارک و سر این دایرة المعارف سرعتی یافته که بر اساس آن در بروفسور حدید معرفی این امر (به زبان ترکی) اظهار امیدواری شده است که این دایرة المعارف تا سال ۲۰۰۰ میلادی کامل شود و به واسطه حاب این دایرة المعارف نه حاوی تصاویر رنگی بسیار زیاد و زیبایی می‌رهد، نظرگیر است (برای آشنایی با جهات دیگری از این دایرة المعارف نگاه کنید به کاتبی، علی، «دایرة المعارف اسلام سازمان اوقاف ترکیه» در تحقیقات اسلامی، شماره ۱ و ۲، سال سوم (۱۳۶۷)، ص ۱۸۵-۱۸۷).

کتابشناسی این دایرة المعارف حسن است
Turkive Divanet Vakfi Islam Ansiklopedisi, vols 1-6
Istanbul, 1988-1992

کلیات

● فهرست، کتابشناسی

(۱) حسینی، عطاءالله کتابشناسی حانات و جمهوریهایی آسیای میانه و قفقاز تهران مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی ۱۳۷۱ ۱۸۲ ص ۱۱۰۰ ریال

کتابشناسی حاضر شامل مسحصات بر دیک نه ۲۴۰۰ کتاب و مقاله نه ربابهای اروپایی، در رمنه مسائل کوناگون مربوط نه حانات و جمهوریهایی آسیای میانه و قفقاز است. مسر منابع ابن کتابشناسی نه رویدادهای دوسده اخیر احصااص دارد. ابن منابع نه ترتب الهای نام نویسدگان آنها تنظیم شده است.

(۲) سلطانی، فر، صدیقه (و) مریم حکیم سیمیا کتابشناسی قران و علوه قرانی تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۰ [توریع ۱۷۱ ۴۴۰ ص فهرست راهما ۲۶۰۰ ریال

شامل مسحصات حدود ۱۷۰۰ کتاب از انار حات سده در ایران است که بر اساس رده BP (علوم دینی اسلام در نظام رده سدی کتابخانه کنگره) طقه سدی موضوعی سده اند. متون قران و فهرستها، کسف الاناب، کسف المطالب، طبقات الاناب، واره نامه ها، علوم قرآنی، مفسر، کلام و عقاید، و مباح حدید قرانی از جمله عناوین اصلی طقه سدهایی ابن کتابشناسی است.

(۳) مرکز مدارك اقتصادی- اجتماعی و انتشارات مقاله نامه موضوعی فارسی (سماره ۴۶- تا ۱۳۷۰) تهران سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۱ ح ۳۳۵ + ص فهرستهای راهما ۱۵۰۰ ریال

فهرست حاضر حاوی مسحصات ۱۵۴۵ عنوان مقاله فارسی در رمنه علوم اجتماعی و رمنه های واسه است که از سن ۲۵ عنوان مجله و رورنامه فارسی (مسر سده در نایر ۱۳۷۰) موجود در ارسبو کتابخانه مر ثری سازمان برنامه و بودجه کردآوری و تنظیم سده است. علاقه مندانی می تواند با ارسال هر سه، سخته ریرا کس مقاله مورد نظر خود را نه دست آورند. مناسبانه حان تعدادی از مجله های معتبر و ورین ایرانی در کتابخانه ابن وراریخانه حالی است. گشتی است که سماره ۴۷ (رمنسان ۱۳۷۰) و ۴۸ (بهار ۱۳۷۱) ابن مقاله نامه بر مسر سده است.

● خبررسانی و اطلاعات

(۴) دوش، میتل ساحتمان و تجهیرات ارشیو ترجمه شهلا اسرف (و) رضامهاجر تهران انتشار سازمان اسناد ملی ایران ۱۳۷۱ چهارده + ۲۸۰ ص جدول مصور ۱۳۰۰ ریال

این کتاب اطلاعات بسیاری را در رمنه ارسبو و حگو بگی انتقال اساده ان در اختیار می کدارد «توصف ساحتمان ارسبو»، «فس ارسبوست و آرسیتکت»، «رمن و طرح ساحتمان آرسبو»، «مسحصات عمده ساحتمان آرسبو»، «مسحصات عمومی اتافهای بایگانی»، «مجل در باب و صدعوبی کردن اسناد»، از عناوین فصلهای ابن کتاب است.

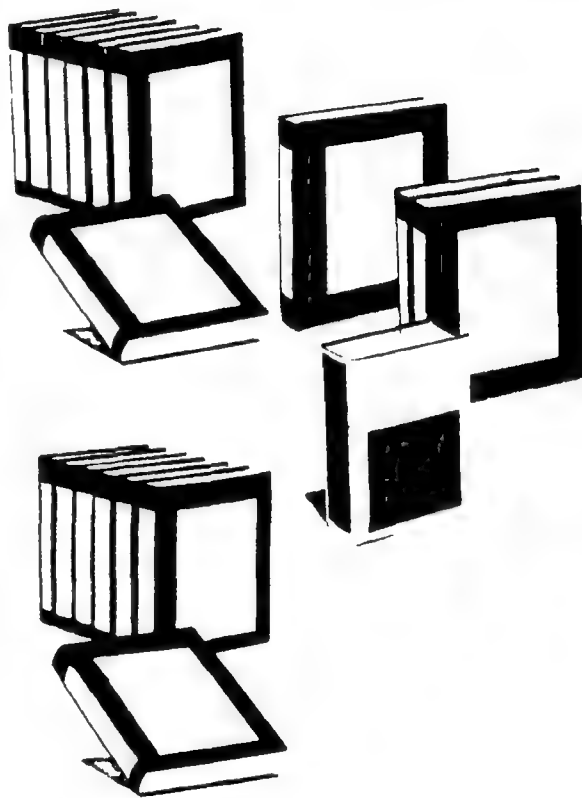
(۵) قواعد فهرست نویسی انگلو امریکن ترجمه رحمت الله فتاحی ویراسته اسدالله آزاد مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۱۰۳۶ ص واژه نامه فهرست ۷۰۰۰ ریال

ترجمه حاضر اردوی ویرایش دوم (۱۹۷۸) ابن امر که از معتبر ترین مآخذ و راهماهای کتابداران در رمنه تهیه فهرست و سیاهه های مورد سار کتابخانه هاست ترجمه شده است. بیس از ابن، بحس اول از ویرایش بحس ابن امر (۱۹۶۷) در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۵۴ نه فارسی ترجمه و منتشر سده بود. اطلاعات لازم برای توصیف امر در دست فهرست نویسی و بر انتخاب و نعیس سر عوانها در فهرست، مطالب عمده ابن کتاب را سکیل می دهد.

● مجموعه ها

(۶) جکناجی، م. پ. [به کوشش] گیلان نامه: مجموعه مقالات گیلان شناسی، ج ۳، رشت، طاعتی، ۱۳۷۱، ۳۹۰ ص، مصور، ۳۲۰۰ ریال

کتابهای تازه



امید طبیب زاده

● متون

۱۱) احویی، ربیع بن احمد هدایة المتعلمین فی الطلب به اهتمام حلال متبسی مشهد دانشگاه فردوسی (مشهد) ۱۳۷۱ ج ۲ شصت و هشت + ۹۱۴ ص نمونهٔ نسخه فهرست راهما شمیر ۲۲۰۰ / زرکوب ۳۰۰۰ ریال
کتاب حاضر از جمله آثار اواخر سدهٔ چهارم هجری است که به زبان فارسی نوشته شده و ماحد عمده‌ای برای شناخت و درمان بیماریها بوده و پیسنده کتاب (موفی ۳۷۳ هـ ق) از ساک دان با واسطهٔ زکریای رازی (موفی ۳۱۳ هـ ق) بوده است. این کتاب از نظر تاریخ طب در ایران و نیز از نظر استعمال مر لغات علمی فارسی و کلا از نظر ناساسی دارای اهمیت بسیار است. مصحح این کتاب را با مقالهٔ سه سدهٔ خطی (نسخهٔ اساس از کتابخانهٔ نادلیان اصفورد، مکتوب به سال ۴۷۸ هـ) تصحیح کرده و موارد اختلاف نسخ را در بنویست صفحه‌ها به دست داده است. حات بحسب این کتاب در سال ۱۳۴۴ صورت گرفت، پس از حات اخیر (۱۳۶۱)، مصحح در ندادستی در ایران نامه (حات امریکا) بنویست، پس حات بدین اطلاع وی صورت گرفته و حاتحه او را از حات مجدد امر اگاه می‌کردند. اصلاحات و نداداسیهای را بر کتاب می‌افزود.

۱۲) لشکریوس شریعمدار تریری، حبیب الله لغات مصطلحه عوام به اهتمام احمد مجاهد تهران اشارات «ما» ۱۳۷۱ هجده + ۴۳ ص ۶۰۰ ریال

این کتاب کوخک ناکون با نه اسم نامیده شده و به نه کس (میراها، میراحبب الله لشکریوس و سرعمدار تریری) منسوب گشته و هفت بار (با حات حاضر) حات شده است. حات اخیر به اهتمام محمود کیرانی در سال ۱۳۴۹ مسرر سد ظاهر این کتاب در اواخر دورهٔ قاجار به رستهٔ بحر بر در آمده است.

دین، عرفان و فلسفه

● اسلام

۱۳) بیبا، محسن سراج القعود لمعارج الشهود، عرفان در سطح عالی تهران ای بی با ۱۳۷۱ ۷۱۶ ص ۶۰۰۰ ریال
کتاب حاضر تعلیمه‌ای است بر رسالهٔ حبیب الله منسوب از محمود بن امین الدین عبدالکریم تریری، به زبان عربی و فارسی.
۱۴) الحسی، هاشم معروف حشتهای تبییی در تاریخ اسلام ترجمهٔ سید محمد صادق عارف مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۶۴۰ ص ۳۲۵۰ ریال

نویسنده نه خود سعه است در این کتاب با استناد به منابع تاریخی کو پیسنده است بحسی از حشتهای سعی را از اعاز با قیام عبدالله بن معاونه بن عبدالله بن جعفر و ابو مسلم خراسانی شرح و بررسی کند.
۱۵) بخاری، فضل بن احمد بن حلف عده العقول و عمده المعقول فی اوضح ماسی الاصول، همراه با دیگر مقالات فلسفی و کلامی به اهتمام حبیب مایل هروی مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ سی و چهار + ۱۲۵ ص نمونهٔ نسخه فهرستهای راهما ۸۷۰۰ ریال

فضل بن احمد حلف بخاری از مردمان خراسان بود و در نیمهٔ دوم سدهٔ ششم و نیمهٔ نخست سدهٔ ششم هجری می‌زیست. او در رسالهٔ عده العقول و عمده المعقول نه از رادر سال ۵۵۸ هـ ق نگاشته است، در نارهٔ وحدانیت باری تعالی، حدود غایه و مقولهٔ معاد بحث کرده است. از ویژگیهای این رسالهٔ دند تحصی و انفاذی فضل بن احمد به مسائل کلامی و مباحث فلسفی است.

● ادیان دیگر

۱۶) رضی، هاشم تاریخ مطالعات دینهای ایرانی، تهران بهجت ۱۳۷۱ ج ۲ ۲۹۹ ص شمیر ۳۲۰۰ / زرکوب ۴۵۰۰ ریال.

مجموعهٔ حاضر شامل مقالاتی است در رستهٔ تاریخ، فرهنگ، هنر، زبان، ادبیات و مردم‌شناسی. کتان عنوان برخی از مقالات این مجموعه را می‌آوریم: «استخدام خائکاران حبسی در مزارع حای کتان»، «نقص حنخل و اسرار ناده ماریدری»، «سایه‌های مصدری و سوبدها در گویش گیلکی گیل دولت»، «ظاهر و رهره»، «بوساک قدم کلک‌ها»، «غرتهای کلکی»، «نمونه‌هایی از واره‌ها هساند در زبان مردم گیلان و ماریدران»، «سماه‌ای در نارهٔ تحول واده‌ای عربی در زبان کلکی»، «کرحی و کرحی ساری در اترلی و اصطلاحات کرحی نایان».

۱۷) سخن اهل دل، مجموعهٔ مقالات کنگرهٔ بین‌المللی برگداسست حافظ تهران کمیسیون ملی یونسکو در ایران ۱۳۷۱ ۸۱۶ ص ۷۰۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل کزیدهٔ مقاله‌ها و سحرابهایی است که در مراسم جهانی «کنگرهٔ بین‌المللی برگداسست حافظ» (سرا، انان ۱۳۶۷) ارائه گردید. بر سه، اشحات این مقالات بر نظر دکتر عبدالحسن زریس کوب صورت گرفته است. مسححات برخی از این مقالات را می‌آوریم: «مقام حافظ در میان برهه‌های عرب»، صادق اسموند / «حافظ ساسی در سیکال»، کلوم ابو السر / «حفظ و عارفان بررت اسلامی»، سیدامیر محمود انوار / «حدث حافظ سیرار در این»، امینکو اونادا / «حافظ در فرهنگ حشلولانی»، برزی حکا / «حنص حافظ»، محمدصی نس / «ناره‌ای با هموارها در شعر حافظ»، علیرضا دنا بی فراخلو / «حافظ و سدا و سها ریدتی»، منصور رسنکار / «علم کلام و حافظ»، محمد حواد مسکه / «حافظ و عرا او»، ورا نه سحکو.

۱۸) مرکز مطالعات و بحقیقات رسایه‌ها مجموعهٔ مقالات، بحسب سمسار بررسی مسائل مطوغات ایران تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۱ ۴۲۲ ص ۳۶۰۰

شامل مقالات ارائه شده در بحسب سمسار بررسی مسائل مطوغات ایران است. به در تاریخ ۶ و ۷ اسفند ۱۳۶۹ در هیل استقلال تهران برترار سد.
۱۹) مجموعهٔ مقالات اولین سمسار کارپردی مراکر و سارماهای بروهنش فرهنگی و اطلاع رسانی (شمارهٔ ۸۳) تهران سارمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - واسسه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۰ | بورع ۱۷۱ | ۱۶۳ ص ۱۵۰۰ ریال

اولین سمسار کارپردی مراکر و سارماهای بروهنش فرهنگی و اطلاع رسانی به هیل اول ما سوم بهمن ماه ۱۳۶۹ برترار سد. کتاب حاضر مقالات و سحرابهایی ارائه شده در این سمسار است. «کاربرد و عدم کاربرد اطلاعات در روهس» هرویهٔ برومد / «روسهای علمی و عملی سارکا ی افراس قمت اطلاعات علمی» محمدحسب دمای / «کتابخانه‌های نوکدان و بوجوانان را حدی بکیرم»، وحید طوقانی / «نفس ارباط مقابل کتابخانه‌ها، مراخر اسناد د کسیرس اطلاعات»، علامرضا فدایی عرافی / «نارایی کامیوتری طلاعات»، جعفر مهرا، عنوان برخی از مقالات این مجموعه است.

۱۰) رحیم‌لو، یوسف (و) سروس برادران سکوهی (و) یحیی کلاتری اکرد اورندگان یادنامهٔ میراحضر سلطان القرایی بریر انتشارات دانشگاه بریر ۱۳۷۰ پانزده + ۴۲۳ ص مقصور نمونهٔ سد ۱۸۰۰ ریال
میراحضر سلطان القرانی (۱۲۸۳-۱۳۶۷) خطاط، سعه‌سای و نقاش داسسد بریری است که از جمله آثار وی می‌توان از تصحیح و بحسیهٔ کتاب «صاحب الحمان، بآلف حافظ حبس کر بلانی تریری معروف به اس کر بلانی تهران، سگاه ترجمه و سر کتاب، ۱۳۴۳، ج ۲)، نام برد. برخی از مقالات مجموعهٔ حاضر را به عنوان نمونه می‌آوریم: «صوفی اسسده‌دل درگذست»، سروس برادران سکوهی / «اخرین دندار»، مهدی روس صمیر / «سرح احوال و امار جعفر سلطان القرانی تریری»، حنخل سلطان القرانی / «جهان سنی نظامی گنجوی بر اساس منلها»، رضا ایرانی براد / «نیت و دو واره ادبی از سدهٔ هفتم هجری»، یحیی دکاء / «تبریر در آفتاب سمس»، محمدرضا براسد محصل / «ابر بوارب و محیط از دیدگاه سغدی»، حمزهٔ گنجی / «حدث سد تاریخی از صفویه تا قاجار»، سید جمال ترائی طباطبایی / «حدث سد تاریخی از

کتاب حاضر شامل مباحثی است دربارهٔ دیبهای اریایی، معانی، مادی، هخامنشی، دروایی، میترائی و زرتشتی
(۱۷) وحیدی، حسین. شهر روش زرتشت، در گزارش گاتها تهران. فروردین ۱۳۷۰ [توزیع ۷۱] ۳۷۰ ص. واژه‌نامه. ۲۲۰۰ ریال

● فلسفه غرب

(۱۸) زیلسون، اتین عقل و وحی در قرون وسطی ترجمه شهرام باروکی. تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) ۱۳۷۱ ۷۵ ص. ۴۰۰ ریال.

شامل سه فصل با عناوین «برتری ایمان»، «برتری عقل»، و «هماهنگی میان عقل و وحی» است که متن خطابه‌های درسی مؤلف کتاب در دانشگاه ویرجینیا (سال ۱۹۳۷) می‌باشد

(۱۹) کاپلستین، فردریک. فردریک بیچ، فیلسوف فرهنگ ترجمه علیرضا بهبهانی (و) علی اصغر حلبی. تهران بهبهانی ۱۳۷۱ ۴۱۶ ص ۲۲۰۰ ریال.

سیاست

(۲۰) انقلاب بیکاراگوا: ساندنیستها و علل شکست آنها (مجموعه مقاله) ترجمه مریم خراسانی تهران دیبای مادر ۱۳۷۱ چهارده + ۱۹۴ ص. ۱۵۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل ده مقاله است که از سه سریه *Monthly Review*، *Latin American Perspectives*، و *Against the Current* انتخاب و ترجمه شده است. قانون اساسی جدید بیکاراگوا، مسئلهٔ ربا و اصلاحات ارضی، دموکراسی و سازمانهای حلقی، خودمختاری منطقه‌ای و حقوق بومی و بررسی علل شکست ساندنیستها در انتخابات ۱۹۹۰ از جمله موضوعات این کتاب است

(۲۱) ترکمان، محمد نقدی بر [کتاب] مصدق و ببرد قدرت (به انضمام اسنادی دربارهٔ رابطهٔ علما با دکتر مصدق) تهران مؤسسه خدمات فرهنگی رسا ۱۳۷۱ ۷۵ ص. نمونهٔ صد ۶۰۰ ریال

نقدی است بر کتاب مصدق و ببرد قدرت (از همایون کاتوریان، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، ۱۳۷۰) و نویسنده نقد کوشیده است برخی از مواردی را که در کتاب کاتوریان ناصحیح و جانبدارانه دانسته تصحیح و تعدیل کند از جمله انتقادات او یکی این است که کاتوریان در حق نفس سبکها و تأثیر شخصیتهای اسلامی در بهض ملی کم لطفی کرده و بیس از همه در حق مرحوم آیت الله بروجردی ظلم روا دانسته است وی در صمیمهٔ نقد خود، نمونه‌هایی چند از سستیابی مراجع و علما از دکتر محمد مصدق در فاصلهٔ سالهای ۱۳۳۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به دست داده است

(۲۲) حافظ بیا، محمدرضا خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) ۱۳۷۱ ۵۳۶ ص ۲۸۰۰ ریال

بررسی احتمالی وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و امنیتی منطقهٔ خلیج فارس و کشورهای حاشیهٔ آن، مطالعهٔ اهداف قدرتهای جهانی در منطقهٔ استراتژیک خلیج فارس و تنگهٔ هرمز، بررسی موقعیت و مسخضات طبیعی و حدود تنگهٔ هرمز و حرایر بیرونی آن، مطالعهٔ سیاستها و طرحها و اقدامات دولتهای منطقهٔ خلیج فارس در زمینهٔ جداگانه کردن محاری حمل نف و کالا و تأثیر آن بر اهمیت تنگهٔ هرمز، و مطالعهٔ حه‌های استراتژیک تنگهٔ هرمز و بگرس استراتژیهای بحری و بری از جمله مطالب کتاب است

(۲۳) درو، الیزابت امریکا، انتخاب يك رئیس جمهور ترجمهٔ حسن بورانی بیدخت تهران کویر ۱۳۷۱ ۶۱۷ ص ۴۷۰۰ ریال
نویسنده کتاب که در حرایر انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۸۰ امریکا خبرنگار و گزارشگر سوپورکر بوده، در این کتاب کوشیده است با در نظر

گرفتن رویدادها و بیرون کردن تفکر و حساسگری و واکنس سیاستمداران در حرایر انتخابات، گزارشی روزنالیستی از این اسخانات و کلا فضای حاکم بر انتخابات و نقش تبلیغات در این رمیه در جامعهٔ امریکا در اختیار نگدارد
(۲۴) دفتر انتخابات وزارت کشور اشایی با انتخابات در کشورهای عضو اتحاد بین المجالس زیر نظر لطف الله ساعروایی ح ۳ تهران وزارت کشور بی تا [توزیع ۱۳۷۱] ۳۳۳ ص جدول فهرست راهما
کتاب حاضر سومین مجلد از مجموعه‌ای است که در ایران برای اسخ ساختن مردم با انتخابات در کشورهای گوناگون جهان میسر شده است مجلد حاضر در واقع بیست و چهارمین شماره از مجموعهٔ «تاریخچهٔ وقایع» رویدادهای انتخابات است که انتشار آن از سال ۱۹۶۷ به طور سالانه آغاز شده است این دفتر شامل وقایع اول رویهٔ ۱۹۸۹ تا ۳۰ روتی ۱۹۹۰ است
(۲۵) روتی ژان کریستف نظم بویس جهایی، امپراطوری و بربرهانی جدید شمال- جنوب ترجمهٔ هوشنگ لاهوتی تهران بازنگ ۱۳۷۱ ۳۷۱ ص ۳۰۰۰ ریال

به اعتقاد نویسندهٔ کتاب با فروپاشی بلوک کمونیستی و از بین رفتن نظم سابق جهایی، نظم بویس دیگری در حال شکل گیری است که این بار به شکل تعارضی بین دو بخش شمال و جنوب (بخای حه‌های گری قدیمی شرق و غرب) جهان حلوه خواهد کرد او این نظم جدید را از دیدگاههای محلی بررسی کرده است

(۲۶) ستودهٔ تهرانی علی اصغر نگاهی کوتاه به صنعت نفت [تهران] ناشر نویسنده ۱۳۷۱ ۲۲۳ ص مصور نقشه نمودار جدول ۲۹۰۰ ریال

نویسنده ابتدا شرح محضری از بارنجهٔ صنعت نفت و دامنهٔ توسعهٔ آن در جهان آورده و سپس صنعت نفت ایران را از اسدای اقدامات روسر در گرفتن امتیاراتی در ایران و فعالتهای و بلام داری تا ملی شدن نفت و تسکین کسر سیوم با حرنیات بسیار شرح داده است

(۲۷) سفری، محمدعلی قلم و سیاست، از شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ [تهران] نامک ۱۳۷۱ ۹۶۰ ص مصور فهرست راهما ۹۰۰۰ ریال

کتاب حاضر مروری است به حوادث سیاسی سالهای ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نویسنده وقایع این دوره را از دیدگاه مطوعات و در من مارنهٔ مطوعات برای دستابی به ارادی فلم بقو بر کرده است

(۲۸) مجتهدزاده، پیروز جغرافیای سیاسی تنگهٔ هرمز ترجمهٔ محسن صغیرا اصفهان صغیر ۱۳۷۱ ۱۲۱ ص ۱۲۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل تحفهاتی است دربارهٔ موقعیت تنگهٔ هرمز و حرایر استراتژیک آن بخش عمدهٔ کتاب به معرفی حرایر ایرانی و بواقعات مرزی ساحلی می‌ماند کسورهای منطقه اختصاص دارد مؤلف دلایل بسازی برای اسات مالکیت ایران بر سه حریرهٔ تنگهٔ هرمز و بزرگ و انوموسی آورده است
(۲۹) نظم بویس، از روی تحدید ساحار سیاسی جهان تهران دانسکده اطلاعات، معاونت پژوهشی و تحقیق- شرکت نشر و بلیع سری ۱۳۷۱ ۲۱۷ ص ۱۸۰۰ ریال

(۳۰) بولاو، گوشر قدرتهای بی صدا ترجمهٔ حواد سیداشرف تهران ۱۳۷۱ ح ۲ ۶۷۵ ص مصور بهای دو جلد ۳۹۰۰ ریال
در این کتاب مهمتر من ماحراهای حاسوسی در سالهای سن از حدی جهایی دوم و در اسای حگ سرد معرفی و بررسی شده است مطالب کتاب بر نظر گوشر بولاو، رئیس اسخی سازمان حد اطلاعات انگلنس تهیه و تنظیم شده است

(۳۱) هراول، جیمز سایه‌های قدرت، شورای روابط خارجی و قدرت امریکا ترجمهٔ کریم میرزایی با مقدمهٔ محمود سریع القلم تهران رسا ۱۳۷۱ ۳۲۳ ص. مصور ۲۸۰۰ ریال
نویسنده در این کتاب به ویرگهای اقتصادی نظام سیاسی امریکا و نف هشت حاکمهٔ آن پرداخته و با امار و ارقام مستند تمرکز در تصمیم گیری و برده اقتصادی و اندیشه‌های سیاست خارجی امریکا را سنان داده است

(۳۲) هراول، جیمز سایه‌های قدرت، شورای روابط خارجی و قدرت امریکا ترجمهٔ کریم میرزایی با مقدمهٔ محمود سریع القلم تهران رسا ۱۳۷۱ ۳۲۳ ص. مصور ۲۸۰۰ ریال
نویسنده در این کتاب به ویرگهای اقتصادی نظام سیاسی امریکا و نف هشت حاکمهٔ آن پرداخته و با امار و ارقام مستند تمرکز در تصمیم گیری و برده اقتصادی و اندیشه‌های سیاست خارجی امریکا را سنان داده است

اقتصاد، مدیریت، بانکداری و حسابداری

۳۲) یوفیق، فیروز تحلیل داده-سایده در ایران و کار بردهای آن در
سجش، پیش بینی و برنامه ریزی تهران انتشارات و آموزش انقلاب
اسلامی ۱۳۷۱ ۲۷۸ ص وازه نامه جدول شمیر ۲۵۰۰/ررکوب ۳۵۰
ریال

و بسنده در این کتاب جنگوئی به نه جدول داده-سایده و کاربردهای مهم
آن معرفی و بررسی کرده است

۳۳) خلعت بری، فیروزه مجموعه مفاهیم پولی، بانکی و سن الملی
تهران سناویر ۱۳۷۱ هفت + ۱۴۳۷ ص فهرست راهما

مجموعه ای است از ۴۳۸۰ اصطلاح از اصطلاحات اقتصادی و بانکداری
به زبانهای فارسی، انگلیسی، آلمانی، فرانسه، ایتالیایی و اسپانیایی همراه با
توضیح مختصری درباره هر اصطلاح کتاب دارای فهرستهای راهما برای
پیدا کردن است که می تواند از طریق رتبی به غیر از زبان انگلیسی (که کتاب
را اساس آن تنظیم شده) از فرهنگ استفاده کند اصطلاحات ثبت به ترتیب
حرف الفبای اصطلاحات انگلیسی تنظیم شده اما مناسبانه تصحیحات کتاب از
رست به خط تنظیم شده است رسم عجبی که این روزها در بعضی فرهنگها
دیده می شود

۳۴) رمضانی، حمیدرضا موسوی حسابداری پیشرفته بی جا نشر
برمه ۱۳۷۱ ۴۶۳ ص جدول وازه نامه ۳۳۰۰ ریال

۳۵) علاقه بند، علی منایی و اصول مدیریت آموزشی، تهران، بعثت
۱۳۷۱ ح اول از ویراسته سوم ۲۰۰۰ ص وازه نامه ۱۵۰۰۰ ریال

۳۶) فلورا، دویتر اقتصاد معاصر ح ۱ اعمال اقتصادی ترجمه
فرهنگ تهران سروش ۱۳۷۱ ۶۰۲ ص جدول نمودار فهرست راهما
جلد نرم ۲۵۵۰/ررکوب ۳۷۰۰ ریال

تحلیل اعمال بولند، بورج مقصر و سرمایه داری و تطبیق آنها در
حاجت تحلیلهای کلاسیک و مارکسیستی و شرحی از حمله مطالبه شده
کتاب حاضر است

۳۷) مولانا، حمید کدراور بوگرانی ترجمه نوس سکرخواه تهران مرکز
مطالعات و تحقیقات رسانه ها- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۳۲۹
ص ۲۸۵۰ ریال

۳۸) فیضی، طاهره منایی مدیریت دولتی ح ۱ تهران دانشگاه پیام
نور- از سری انتشارات ارمانی مود درسی، ۱۳۷۱ ده + ۲۹۸ ص
نمودار ۱۷۰۰ ریال

ثبت حاضر می توان به عنوان اولین متن درسی تخصصی دانشجویان
سرمه مدیریت دولتی استفاده کرد بخشهای اول کتاب مشتمل است بر تعاریف
د، سازمان، مدیریت، اداره امور عمومی و خصوصی و سر تحول اندیشه
مدیریت دولتی آخرین بخش کتاب به تاریخچه مدیریت دولتی در ایران از
قدیم تا سروری انقلاب اسلامی اختصاص دارد

بیمه

۳۹) سات، عزیزالله آتش سوزی-انحاز بحریه و تحلیل عناصر
سکیل دهنده خطر (پسگیری- کنترل) تهران بیمه البر- انتشارات
جهاد دانشگاهی حواحه نصیرالدین طوسی [۱۳۷۱] ۲۹۵ ص وازه نامه
۲۵۰۰ ریال

بحث درباره روشهای مقابله با خطرات آتش سوزی و انحاز و سر تسریع
اصطلاحات فی برای افراد غیر متخصص از جمله مخاطب این کتاب است
عنوان برخی از فصلهای کتاب را می آوریم «خودخود سوزی»، «کارها»،
«تدابیر و ممانعت قابل استعمال»، «حراوت و روشانی با الکتریسیته»، «بولر»،
«سستمهای حراوت مرکزی»، «خطر مواد مورد استفاده در صنعت»

جامعه شناسی

۴۰) براون، جی لاری (و) اح اف یانر کرسنگی در امریکا ترجمه

حسن تقی راده میلانی شیراز نوید ۱۳۷۱ ۳۰۸ ص ۲۵۰۰ ریال
این کتاب حاصل کار گروهی از برسان و محققان تعدیه دانشگاه
هاروارد است بر اساس آمار مسند این کتاب حدود ۲۰ میلیون اسان گرسه
در امریکای شمالی زندگی می کند و کرسنگی مخصوصاً در دوران رمانداری
رنگان و سن اراا بررگترین مشکل داخلی ایالات متحده بوده است به اعتماد
بوسندگان کتاب مشکل کرسنگی و فقر در امریکا بها به علت سوء سیاست و
برنامه های تسلیحاتی و دفاعی دولت بدید آمده و به سهولت قابل کنترال است
حناکه در مقدمه کتاب می خوانیم بوسندگان این کتاب با راکسهای
کینه تروانه سیاستمداران امریکائی مواجه بوده اند و بحسی از کتاب بر به
افسای همین نکته اختصاص دارد

۴۱) رئیس دانا، فریور که توسعه کی اقتصادی- اجتماعی تهران
قطره ۱۳۷۱ پنج + ۳۶۶ ص جدول ۳۳۵۰ ریال

مجموعه حاضر شامل ۱۴ مقاله از بوسنده کتاب است که از سال ۱۳۶۲
تاکنون نگاشته شده و برخی بر در سرباب گوناگون منتشر شده اند «انحاز
سهر سسی در جهان سوم»، «انحاز، بوگرانی و سوه بولند آسیایی»، «ترکیه،
رسد صنعتی به سبب انحصار جهانی»، «بروستر و نکا و ارایس سروهای
اقتصادی در جهان سوم»، «ایران و جمهوریهایی آسیایی»، عنوان برخی از
مقالات این مجموعه است

۴۲) تیل، جانانان سربوشت رمین ترجمه اسماعیل رید تهران البر
۱۳۷۱ ۲۸۸ ص ۲۱۰۰ ریال

بوسنده ابتدا درباره نامدهای کاربرد سلیحات هسته ای در جنگها، و
عملکرد دفاعی سلاحهای هسته ای و عوارض ناشی از «نا» سخن گفته و
سپس به علل بدید آمدن، حسن وضع ناگواری برداخته و درباره علت مقاومت
سیاستمداران در برابر تلاشهایی که برای مبارزه با انحاز سربوشت
صورت گرفته مطالبی را مطرح کرده است

۴۳) ملک پور، محار راهمای علمی طرحهای پژوهشی اصمهان
مولانا ۱۳۷۰ [تورج ۱۷۱] ۱۵۲ ص جدول ۱۲۰۰ ریال

مؤلف کوشیده است اصول و روش تحقیق را در کنار سوه های آماری
ضروری بر امر تحقیق بوامان آموزش دهد وی برای هر روش مثال یا
مقاله ای طرح کرده و بدین طریق روشهایی چون روش همسنگی، ارمون،
محدود «فی» و تحلیل واریانس را شرح داده است

۴۴) یاریک حداد، ایون (و) ادیرت لومیس گسترش ارزشهای
اسلامی در ایالات متحده امریکا ترجمه افضل وثوقی تهران سازمان
مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۷۱ ۲۶۳ ص جدول نمودار ۱۵۰۰
ریال

کتاب حاضر به بررسی وضع مهاجران مسلمان، و فررندان و بوه های آنان در
امریکا اختصاص دارد کسی است که حام ایون یاریک حداد اسناد تاریخ
اسلام دانشگاه ماساچوست و سردسیر محله جهان اسلام، و حام ادیرت
لومیس محقق مرثر تحقیقات مذهبی و انحازی هاروارد است

روان شناسی و آموزش و پرورش

۴۵) اطهری، علی روان شناسی هرمد تهران ناشر مؤلف ۱۳۷۱ ۷۷
ص ۵۷۰ ریال

بوسنده بر اساس مکتب روان درمانی جدیدی به نام نوروانالیز اسانها را
به دو گروه بزرگ هرمد و غیر هرمد تقسیم کرده و ضمن بوحیه هر ما عوامل
رستی و سربوشت هر گونه نظر به جامعه سناحتی برای مساه تولید هر، اصول
این مکتب حدید در روانشناسی را شرح داده است

۴۶) حیدری، اشرف (و) بصرت الله حادمی تنوریهایی رهبری و رهبری
در گروه [تهران] شهراب ۱۳۷۱ ۸۳ ص جدول نمودار ۱۰۰۰ ریال

۴۷) میلارد، گاستون (و) ژان ویتال تاریخ جهانی آموزش و پرورش ح
۱ سالهای ۱۸۱۵ تا ۱۹۴۵ ترجمه محمدرضا شجاع رصوی، مشهد، آستان
قدس رصوی ۱۳۷۰ [تورج ۱۷۱] ۴۵۰ ص- مصور جدول فهرست

راهما ۳۱۵۰ ریال

کتاب حاضر به شرح و بررسی خلاصه‌ای از اهم فعالیت‌های آموزشی و بررسی طی دوره‌ای ۱۳۰ ساله (۱۸۱۵ تا ۱۹۴۵) در مفاط گوناگون جهان اختصاص دارد. نخستین روش‌های ابتکاری برای آموزش دروس کلیدی (خواندن، نوشتن، حساب کردن و کلا مناره با نینوادی)، آولین هوانس و فرمانها و مقررات و دستورالعملها برای سازماندهی و مدیریت و بررسی مؤسسه‌های آموزشی، موضع کلیسا در برابر مناسی فلسفی غیردینی نظامهای آموزشی و کلا موضع فرهنگهای بومی و اعتقادات مذهبی در مقابل سبیه‌های تعلیم و تربیتی جدید وارداتی و بعضاً استعماری و بالاخره توجه به تعلیم و تربیت دختران و آموزش افراد معلول استثنائی از جمله مباحث این کتاب است.

حقوق و قوانین

۴۸) ردیر، ربه. *مقدمه‌ای بر حقوق تطبیقی ترجمه سیدمحمد علوی تهران دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۱ ۱۷۶ ص ۲۰۰۰ ریال*

«اطلاعات در حقوق تطبیقی»، «واقعیت نوع نظامهای حقوقی بیگانه»، «طیفه‌بندی نظامهای حقوقی کشورهای متمدن»، «و طبقه حقوق تطبیقی»، «برداشتهای مختلف از حقوق تطبیقی»، «وحدت حقوقی»، «فواعد روس تطبیقی»، عنوان بخشهایی از کتاب است
۴۹) *قائم‌مقام فراهانی، سیدعبدالمجید حقوق بین‌الملل ج ۵ سلب مالکیت اموال بیگانگان و ملی کردن تهران برپا ۱۳۷۱ ۴۱۹ ص. وازه نامه ۵۰۰۰ ریال*

«ملی کردن از نظر قضائی»، «ملی کردن از نظر اقتصادی»، «ملی کردن از نظر همکاری بین‌المللی»، «ملی کردن و تأثیر بر روی مری»، «سلب مالکیت به دلیل منافع عمومی»، «غرامت و اسناد مربوط به غرامت»، «ملی کردن و بین‌المللی کردن قراردادهای»، «حقوق فراملی و منابع آن» عنوان فصلهایی از کتاب حاضر است

۵۰) *کاتوریان، ناصر دوره‌مقدماتی حقوق مدنی، وقایع حقوقی تهران یلدا ۱۳۷۱ ۲۷۸ ص ۴۰۰ ریال*
«مسئولیت مدنی»، «ازگان مسئولیت»، «مسئولیت‌های خاص و محبط»، «آثار مسئولیت مدنی»، «عقب»، «آثار عقب»، «مضامین»، عنوان بخشهایی از این کتاب است

۵۱) *مجموعه قوانین و مقررات فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمانهای وابسته تهران دفتر حقوقی و ارث فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۱ شانزده + ۴۹۲ ص ۵۶۰۰ ریال*

۵۲) *معاونت ملی دفتر ملی مجموعه بخشنامه‌ها و دستورالعملها ج ۴ تهران سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۱ ۳۱۷ ص سید ۶۰۰۰ ریال*
سامل مجموعه بخشنامه‌ها و دستورالعملهای سازمان برنامه و بودجه در امور قراردادهای مهندسان مشاور، قیمت‌های پایه، تعدیل و بیمه‌های سمانکاران است

۵۳) *ولیدی، محمد صالح حقوق حرای اختصاصی ج ۳ حرام برصد امنیت و آسایش عمومی تهران غروب ۱۳۷۱ ۴۰۶ ص جدول ۳۴۰۰ ریال*

«سکه قلب»، «جعل و تزویر»، «محو یا سکنس مهر» با سرف بوسه‌ها از اماکی دولتی»، «فرار محسوسین قانونی و احفاء مقصرین»، «عصب عناوس و مشاعل دولتی»، «بحریت اسبه و آثار مذهبی و خارج کردن اساء عتقه از کشور و سایر تعلات در آنها»، عنوان بخشهایی از این کتاب است

زبان و زبان‌شناسی و ترجمه

۵۴) *باطنی، محمدرضا. پیرامون زبان و زبان‌شناسی (مجموعه مقالات). تهران فرهنگ معاصر. ۱۳۷۱ ۱۳۶ ص ۱۲۵۰ ریال*

این مجموعه سامل هفت مقاله در موضوعات گوناگون زبان‌شناسی است این مقالات بیس از این در سریات گوناگون منتشر شده است

۵۵) *قزوب، بدرالزمان ترجمه و تحقیق ۱ وستره خاتکه، داستان تولد بودا به روایت سعدی تهران اویش ۱۳۷۱ ۱۳۶ ص ۱۰۰۰ ریال*

وستره خاتکه نام منی سعدی است که داستان یکی از تولدهای بودا را روایت می‌کند این متن را، در کنار موی سعدی بسار دیگر، داسمندی هراسوی به نام بنو در اوایل قرن ۲۰ کشف کرد و گوئو و بنو بسب، مریحس هراسوی من، عنوان وستره خاتکه را برای آن برگزیدند کتاب حاضر بحسین ترجمه فارسی از این من است که از روی من اصلی (سعدی) صورت گرفته است کتاب حاضر همحس سامل گراسی از جگوئگی کشف این من محل نگهداری دستنوشته‌های سعدی آن، و مطالبی درباره مطالب من، بحسین بسنگامان بحقی و بروهن درباره آن است گفتنی است که زبان سعدی ساجهای از گروه سرفی حاواده زبانهای ایرانی در دوره مناسی آن است و در هزاره اول میلادی در قسمتی از ایران رنده و راج بوده است

۵۶) *فالك، حولیا اس زبان‌شناسی و زبان بررسی مفاهیم بیادی زبان‌شناسی ترجمه خسرو علامعلی‌زاده متهد آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۶۱۷ ص مصور جدول وازه نامه، فهرست راهما ۴۰۰۰ ریال*
کتاب حاضر از جمله مهمربس متون درسی زبان‌شناسی در دوره کارشناسی (لیسانس)، و بر از جمله مهمربس منابع امتحان دوره کارشناسی ارشد (هوی لیسانس) است این کتاب که مسمل است بر گسره وسعی از مسائل، مباحث عمده زبان‌شناسی جدید، مقدماتی بر من مفاهیم این علم را زبانی ساء، وروس برای دانشجویان سالهای بحسب و بر برای علامفندان به زبان‌شناسی بیان کرده است

۵۷) *همایون، همداحب گویش اقتری ویراسته علی محمد حق شناس، تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) ۱۳۷۱ چهارده + ۱۹۲ ص ۶۰۰ ریال*

اقتز فقهه‌ای است در ۳۰ کلومتری سمان و در ۱۰۰ کیلومتری غرب حاده سمان- هرورکوه این فقهه با ۲۳۵ حابوار حدود ۱۲۰۰ نفر حمعب دار- مواد کتاب حاضر حاصل بحقیات ذکر صادق کیاسب که سالها بسن آن را برای پژوهشگاه کوبس ساسی فرهنگستان زبان ایران بهه کرده بود این مواد بس از انقلاب به بانگانی بروهنی مؤسسه مطالعات و بحسفات فرهنگی مسفل سد و بهاسا در بررسی حاضر به عنوان داده‌های زبانی مورد استفاده قرار گرفت این کتاب مسمل است بر واره نامه گویس اقتری و اوایکاری واره‌ها، بر بوسخانی در رمنه واحساسی و صرف و نحو این کوبس

۵۸) *لظمی پور ساعدی، کاظم درامدی به اصول وروس ترجمه تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۱ سیرده + ۲۴۲ ص جدول وازه نامه فهرست راهما ۲۲۰۰ ریال*

مؤلف کوسده است هراشد ترجمه ووظایف مریحم را ارددکاه زبان‌شناسی، و به طور احص از دنداه سخن کاوی (discourse analysis) و من کاوی (text analysis)، بررسی کند وی اسدا به معرفتی مفاهیم زبان‌شناسی مورد استفاده در کار ترجمه برداحبه و باز بحجه محنتری از مطالعات علمی در رمنه ترجمه و عاریف گوناکونی از ترجمه را عرضه کرده است شرح و بررسی مفصل معادل ترجمه‌ای و سراط احرای آن و بر صحت درباره ترجمه موی گوناگون سکره اصلی کتاب حاضر را تسکیل داده است

واژه‌نامه و واژگان

۵۹) *احمدی‌زاده، سیدمرتضی وازه نامه صنعتی و باررگانی (انگلیسی-المانی، فارسی) تریر ناشر مؤلف ۱۳۷۱ ۲۹۷ ص مصور وازه نامه ۱۶۵۰ ریال*

۶۰) *امیبی، سیدمحمد واژگان فیریک (انگلیسی-فارسی، فارسی-انگلیسی) ویرایش دوم تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۱ دواوده + ۹۹۴ ص ۹۰۰۰ ریال*

و برایش بحسب این وارگان در سال ۱۳۶۱، با همین عنوان، اما فقط به صورت انگلیسی- فارسی، به حات رسید نه ایر و براس بحس فارسی- انگلیسی افزوده شده و تعداد منابع آن از ۷۲ مع (در و برایش بحس) به ۱۲۸ مع رسیده است

(۶۱) بریحابیان، مازی فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی و ریاسته بهاءالدین هرمشاهی تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) ۱۳۷۱ ح سی + ۹۷۰ ص ۴ ریال

وارگان حاضر صورت و براس سده فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی به آن، بروهنگاه علوم انسانی) است که سن از اعلات است ریافه بود (۶۲) فرهادی، کاظم وارگان اقتصاد و رمینه‌های وابسته (انگلیسی- فارسی) تهران پیشبرد ۱۳۷۱ ۴۷+۱۲۵۶ ص ۹۲۰۰ ریال

افلام این وارگان از کلمه متون اقتصادی (اعم از مقاله و حروه و کتاب) که از سال ۱۳۰ تا ۱۳۶۵ س به ران فارسی منبر سده گردآوری شده است همجنس حد مأخذ اساسی منتشر شده در افغانستان را در فهرست ماحداث وارگان می بینیم این مجموعه سن ۳۰۰۰۰ اصطلاح انگلیسی با حدود ۱۲ معادل فارسی دارد

(۶۳) همایون، همدحت و ریاسته علی محمد حق شناس واژه‌نامه ریاضیاتی و علوم وابسته تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) ۱۳۷۱ بیست + ۴۹۶ ص

در تهیه این مجموعه از ۳۵ کتاب و ۵۴ مقاله استفاده شده است

علوم

(۶۴) ارتین، امیل نظریه کالوا (حروه‌های درسی ریاضی بوتردام، شماره ۲۲۱) ترجمه محمد صادق منتحب تهران نور ۱۳۷۱ ۱۱۰ ص واژه‌نامه ۱۰۰۰ ریال

(۶۵) آهانیان، هاس فیریک آهانیان ترجمه ناهید ملکی جیرسرای ح ۱ تهران کتاب ماد (واسه به ستر مرکز) ۱۳۷۱ بیست + ۵۰۷ ص مقصور سودار جدول واژه‌نامه فهرست راهما ۸۲۵۰ ریال

پزشکی

(۶۶) امامی میندی، محمدعلی (و) سید نورالدین نعمت‌اللهی ماهانی کاندیسانی اساسی، تشریح توصیفی و مقصور بدن انسان (برای سربارتیکار) پرد دانشگاه آزاد اسلامی- واحد میند ۱۳۷۱ سی + ۳۳۶ ص مقصور ۳۲۰۰ ریال

(۶۷) ربور (و) سودارب پرستاری داخلی- جراحی پرستاری بیمارهای دستگاه گوارش ترجمه مرتضی دلاورخان (و) پروانه بیسته‌بان تهران ستر و سلیع ستری ۱۳۷۱ ۴۰۸ ص مقصور ۳۲۰۰ ریال

(۶۸) پرستاری بیمارهای چشم و گوش (پرستاری ربور) ترجمه احمد داس (و) محمدعلی سجادیه تهران ستر خاورمیانه ۱۳۷۱ ۱۹۱ ص مقصور ۱۵۰۰ ریال

(۶۹) عبداللهی، محمد (و) علی اکبر مقدم بیا (و) بیزن سققی روسهای نسانی سموم دارونی (اورزاس و ارمایشگاهی) با مقدمه احمدرضا دهور تهران جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران ۱۳۷۱ شماره + ۲۴۰ ص مقصور جدول سودار ۲۵۰۰ ریال

(۷۰) فریدن اصفهانی، رحمت‌الله بیمارها و اختلالات دستگاه نوارس ای‌جا عمیدی ۱۳۷۱ مقصور ۱۱۱۵ ریال

(۷۱) ایلسون ۱۹۹۲ بیمارهای عفوی کودکان ترجمه محمد سی فعل (و) دیگران ربور نظر علی اکبر ولایتی تهران احیاء کتاب بی‌تا توزیع ۱۳۷۱ ۸۳۶ ص مقصور. جدول گالیگور ۱۲۰۰۰/ شمیر ۹۰۰۰ ریال

نجوم

(۷۲) سی، ابوالفضل هدایت طلاب به دانش اسطرلاب: آشنایی با اسطرلاب و روش کاربرد آن مشهد استان‌قدس رضوی ۱۳۷۱ ۴۶۴ ص مقصور واژه‌نامه جدول ۲۹۵۰ ریال

نویسنده کتاب معمد است که اسطرلاب سانه نوع فکری و اندیشه اعجازآمر اساسی است و با وجود اینکه نزدیک ۳۰۰۰ سال از قدمت آن می‌گذرد، هنوز بر اعتبار علمی و عملی خود را حفظ کرده و در صورت آشنایی و آستی داسمندان با آن، می‌تواند وسیله مناسب و سودمندی در تحقیقات علمی باشد بحث دربارهٔ ساسانی و تاریخچه اسطرلاب، معرفی اجزاء و اعمال اسطرلاب، توضیح دربارهٔ خطوط و نفوس و مفهوم اسطرلاب و توحیه آنها، و بالاخره حکونگی اسطرلاب و بهره‌گیری علمی از این وسیله از جمله مباحث کتاب حاضر است از مؤلف کتاب مقاله‌ای بر با عنوان «آشنایی با ستر ستر اسطرلاب جهان» در مجله مسکوه (ش ۱۲ و ۱۳، نابیر و رستان ۱۳۶۵) منبر سده است

هنر

● سینما

(۷۳) روشن صمیر، امید از غرتی به غرت دیگر: نگاهی به فیلمهای ویم ویدرس و ریاسته بابک احمدی تهران ناهید ۱۳۷۱ ۱۲۰ ص مقصور ۱۰۰۰ ریال

کتاب حاضر به بررسی آثار سیمایی ویم ویدرس (متولد ۱۹۴۵)، فیلمسارو عکاس بر حسهٔ آلمانی ناز، اختصاص دارد مؤلف ضمن نقد فیلمهای ویدرس آراء و نظرات گوناگون وی در رمنهٔ سیمما و نقد آثار سیمایی را سرح داده و ناصر بدربهای وی را از آثار ادبی و سیمایی متفاوت بررسی کرده است ترس دیوارهایان از حمرنهٔ سالتی (۱۹۷۲)، الس در سهر ما (۱۹۷۲)، حرکت علط (۱۹۷۵)، درگیر رمان (۱۹۷۶)، و دوست امریکایی (۱۹۷۷) از جمله اناری هستند که در این کتاب بررسی شده‌اند

(۷۴) کاندورفر، پی‌یر موتاژ تصویر و صدا ترجمه بهراد موسوی تهران س، مینا ۱۳۷۱ ۹۷ ص ۹۰۰ ریال

ترجمهٔ بخشی از کتاب اموس ساحتار، فلم است که در سال ۱۹۸۴ در آلمان قدرال منتشر شد نویسنده به‌قسمندی موتاژ را براساس تائیرات حاصل از نوبند نماها مطرح ساخته است «موتار فیلم ترس و نبود»، «وسهای سادی موتار»، «شوری دنالکس از دنگاه ارسس»، «صدا در فلم»، «اهست د امانخی صدا»، «حکونگی بر شت فرم و محوای گوارسی»، «سر و صدا ساندافت»، عنوان فصلهای کتاب حاضر است

(۷۵) محمدی، مجید سیمما و رنگی تهران مینا ۱۳۷۱ ۱۶۰ ص فهرست راهما ۱۳۰۰ ریال

(۷۶) موناکو، جیمز چگونگی درک فلم فیلم ترجمه حمید احمدی لاری تهران فارابی ۱۳۷۱ ۵۴۴ ص جدول فهرست راهما ۵۹۵۰ ریال

نویسنده نویسنده است فلم را در مقام یکی از انواع هنرها مطرح شد و آن را از نقطه نظر می و عملی از حسه‌های گوناگون به خوانندگان ساساند به اعتقاد وی اطلاع از حس بخانی، درک فلم و بر ناصر روانساحی و ربایی ساحتی فلم بر ساساکر را افراس می‌دهد

(۷۷) مهربانی، مسعود پوسرهای فیلم تاریخ سیمایی ایران ۱۳۰۵-۱۳۷۱ با مقدمه‌ای از اندین اعداشلو (و) مرتضی ممیز تهران راد ۱۳۷۱ اندون صفحه‌شمارا مقصور ۱۴۲۰۰ ریال

نویسنده نویسنده است با آراء ۱۲ پوسر از فیلمهای گوناگون ایرانی (از فلم دحیر (۱۳۱۲) با رنگی، دیگر هیچ (۱۳۷۱)، کم و کف مسائل مربوط به حکونگی عرمنهٔ فلم را بررسی کند

● موسیقی

(۷۸) پژمان، احمد امشکهای محلی ح ۱ شمال ایران تصویرگر بویا

اریان پور تهران همگام با کودکان و نوجوانان ۱۳۷۱ ۲۲ ص خط موسیقی ۲۰۰۰ ریال
منتخبی است از بوسه آهنگها و ترانه‌های محلی که برای نابینا و سده است

● شیرینی بزی

۷۹ رعیعی، درخشنده نابو صد نوع کیک، تارت و شیرینی تهران انتشارات میراث ۱۳۷۰ [توزیع ۱۷۱] ۱۰۶ ص مصور. ۳۲۰۰ ریال
در این کتاب طرز تهیه یکصد نوع کیک و تارت و سرسبی آموزش داده شده است

ادبیات

● نظم و نثر کهن ایرانی

۸۰ [حیام] رناعات حیام به تصحیح و تحشیه محمدعلی فروغی و قاسم عینی به اهتمام خرزنده دار تهران اساطیر ۱۳۷۱ ۱۳۳ ص فهرست راهما ۹۵۰ ریال

این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۲۰ منتشر شد و از آن پس چند بار دیگر به صورت چاپ آهسته تجدید چاپ گردید تفاوت چاپ حاضر با چاپهای قبل در تجدید حروف و جویی و تفکیک رساله‌های سه‌گانه کتاب «حیام صاحب»، «رناعات»، و «شرح محضر» و نیز اضافه شدن کشف الایات بیه اول و دوم و فهرست اعلام به کتاب است

۸۱ دانشفر، حسن اسپیده‌بار (سری در احوال و انتعار باناطاهر همدانی) تهران اقبال ۱۳۷۱ ۲۶۲ ص ۵۳۰۰ ریال

نگارنده این کتاب کوشیده است اولاً چهره روس و دیهیمی از باناطاهر همدانی به دست دهد و با ساد و سبی‌هایی را که به اعتقاد او اصالت دارند و از آن خود باناطاهر همدانی از اسعار دیگری که منسوب به وی هستند تفکیک نماید و برای دست یافتن به صورت اصیل یا بردنک به اصل هر دو بیتی ارمیهارهای سبک‌ساختی گونه‌گونی استفاده کرده و در کنار هر دو بیتی توضیح آنها را آورده است در بهایب وی ۶۵ دو بیتی از باناطاهر را به ترتیب حروف الفبای سب اول در اختیار گذاشته است

۸۲ [فردوسی] داستان جنگ هاموران و به اسمان رفس کاووس و جنگ هفت‌گردان به اهتمام سید محمد دیرسیاقی تهران علمی ۱۳۷۱ ۸۲ ص ۵۰۰ ریال

دیرسیاقی قصه دارد شاهنامه را بحسب بحس و داستان داستان در قطع کوچک و با توضیحات محضر لغوی در پای صفحات و بر ما نقل مسوده هر داستان به سر، به مدبریح مسر سارد کتاب حاضر از بحسب سابع این اهتمام است مأخذ نقل این مجموعه شاهنامه مصحح خود اهتمامگر است که مبنای آن هم شاهنامه چاپ کلکته بوده است

۸۳ گزیده‌ای از سیاست‌نامه و قابوس‌نامه با شرح جعفر شعار و برگس روان پور تهران دانشگاه پیام نور (از سری انتشارات آرمایش درسی) ۱۳۷۱ ۲۰۲ ص ۱۳۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل دو گزیده حداکانه از سیاست‌نامه حواجه نظام‌الملک و قابوس‌نامه عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر است مطالب کتاب مفصل فصل همراه با شرح، حکنده می و خودارمایی ارائه شده و هدف از آن اسامی داسجویان با آن دو چهره سر و ادبایب کهن فارسی است

● درباره ادبیات فارسی

۸۴ حلی، علی اصغر تأثیر قرآن و حدیب در ادبیات فارسی تهران اساطیر ۱۳۷۱ ۳۱۰ ص

بو بنسده اسناد به بحی احتمالی درباره قرآن و معانی و تفسیر آن برداحه و سبب ابواع استفاده از قرآن و حدیب را (اساره، تلمیح، تضمین، حل، اقتباس، وارد و تمیل) در آثار ساعران و بر بوسان برگ فارسی بررسی کرده است ۸۵ دریاکشت، محمد رسول صائب و سبک هندی در گستره تحقیقات

ادبی. تهران نشر قطره ۱۳۷۱ پانزده + ۶۴۸ ص. ۶۲۰۰ ریال

دردی ماه سال ۱۳۵۴ مجمع بحث در افکار و اسعار صائب با سحرانی بیس از سبب تن از استادان زبان و ادبیات فارسی، به ریاست دکتر برویر نایل حایلری، در کتابخانه دانشگاه تهران برگزار شد مجموعه سحرانیهای آن مجمع در سال ۱۳۵۶ (اسرار دانشگاه تهران) منتشر شد مجموعه حاضر شامل مقالات آن مجموعه و نیز ۱۶ مقاله تحمیمی دیگر درباره صائب و سبک هندی است عنوان و نام بو بنسده برخی از این مقالات را می‌آوریم «مارکسب سبک هندی به ایران»، محمد محیط طباطبایی / «پادی از صائب»، برویر نایل حایلری / «صائب»، حبیب نعمانی / «تقویر ساعرانه اسبیه در نظر صائب»، علامه حسن یوسفی / «کتابخانه صائب»، ارجح اسفار / «صائب تبریزی»، محمدعلی تربیب / «صائب تبریزی»، حیدرعلی کمالی / «میرا صائب اصفهانی»، سبلی نعمانی / «نگاهی به صائب»، علی دستی / «سبک اصفهانی، سبک صائب، سبک صفوی»، امیری فیروزکوهی / «رابر هندی»، عبدالحمید زرین کوب / «کلیات در اسعار صائب»، گلچین معانی ۸۶ دست‌عیب، عبدالعلی گرایشهای متضاد در ادبیات معاصر ایران تهران حیا ۱۳۷۱ ۳۰۶ ص ۲۵۰۰ ریال

۸۷ نقد آثار جلال‌الاحمد بهران زرف ۱۳۷۱ ۲۷۱ ص فهرست راهما ۲۴۰۰ ریال

سرحی است درباره زندگی و آثار ال احمد و بعد و بررسی داستانیهای کوناه و بلند او

۸۸ رحیمی، مصطفی حافظ اندیشه، نظری به اندیشه حافظ همراه با اسفاد گویه‌ای از بصوف تهران نور ۱۳۷۱ ۳۱۷ ص ۲۸۰۰ ریال

۸۹ شمسا سیروس بیان بهران فردوس (و) مجید ۱۳۷۱ ح ۲ ۲۷۸ ص ۱۸۰۰ ریال

۹۰ حقوقی، محمد سعربو، از آعار تا امروز ۲ ح تهران رواب ۱۳۷۱ ۱۸۴ ص فهرست راهما بهای دو جلد ۸۷۰۰ ریال

این کتاب و براس دوم با صورت ذکر کون سده کتاب دیگری با همین عنوان است که چاپ بحسب آن در سال ۱۳۵۱ در یک مجلد (حیی - فر اکتس) مسر سب کتاب حاضر بار بحسب سعربو فارسی است از اسدای سال ۱۳۰۱ (سال سراسر «افسانه» سما) با سال ۱۳۷۰ شمسی جلد بحسب کتاب تاریخ سعربو را از ۱۳۰۱ تا ۱۳۵۰ و جلد دوم از ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۱ شامل می‌سود احیرا کتاب دیگری در این رمنه، با بگرس و خط‌مسی دیگری، مسر سده است با عنوان تاریخ تحلیلی سعربو (ح ۱) از مسروطیب تا کودنا بهران سر مرکز (۱۳۷۰) از سمس لیکرودی

● شعر معاصر فارسی

۹۱ بهتاش، پیام عزلواره‌های بهایی (دفتر شعر)، بهران سیروسیاحت ۱۳۷۰ [توزیع ۱۷۱] ۷۶ ص ۱۰۰۰ ریال

۹۲ حمیدی، مهابر حرفی برای هیچکس تهران روتسگران ۱۳۷۱ ۷۸ ص ۱۰۰۰ ریال

۹۳ جمالی کامران در انجماد پس از رمهریر (مجموعه شعر) تهران ژرف. ۱۳۷۰ ۱۰۳ ص ۹۵۰ ریال

۹۴ خالقی، صیاءالدین ایه کوشش شعر کوناه امروز، سبب اتفاقی است که می‌افتد تهران لک‌لک ۱۳۷۱ ۹۴ ص ۸۰۰ ریال

مجموعه‌ای است از اسعار کوناه ۴۵ ساعر معاصر ۹۵ دارش، بهرور گاوهای وحشی اروپا با شاخهای بلند بیج در بهج (مجموعه شعر) تهران. بی‌با ۱۳۷۱ ۶۸ ص ۷۰۰ ریال

۹۶ ریاحی، هرمز حافظ حدافط تهران ناشر مؤلف. ۱۳۷۱ ۲۱۵ ص ۵۲۰۰ ریال

۹۷ صالحی، سیدعلی دیرامدی ری را ناد آمد و همه رویاها را نا خود برد! تهران داریوس ۱۳۷۱ ۱۴۴ ص ۱۳۰۰ ریال

۹۸ صفوی، محمد گفتگوی بی‌حضور (مجموعه شعر)، تهران چاپارفرانگان ۱۳۷۱ ۶۳ ص ۵۰۰ ریال

۹۹) عماری، فرامرز [گردآورنده] ۱۰ منظومه تهران البر ۱۳۷۰
ص ۳۰۲ ۲۵۰۰ ریال

مجموعه حاضر شامل ۱۰ منظومه بلندآوازه سوره نهای است با هم به از
همه بوسنج، بریا از احمد شاملو، آرس کمانگر از سیاوس کسرای، حدادی
ای از سهری، ایمان بیاوریم از فروغ فرخزاد، و مباحث از مصطفی
حسینی از جمله آثار این مجموعه است

۱۰۰) مصطفی، ابوالفضل بدرود (مجموعه شعر) [تهران] کوثر
۱۳۷۱ ص ۲۲۴

۱۰۱) وحیدی، شاداب نیک رور دیگر تهران روستگان ۱۳۷۱
ص ۱۳۰ ۱۲۰۰ ریال

● شعر به گویشهای دیگر ایران

۱۰۲) دانشور قشقایی، بودر، همه‌های ایل قشقایی سیار بود
۱۳۷۱ ص ۴۳۱ مصور ۲۵۰۰ ریال

مجموعه‌ای است از اشعار ترکی شعرائ معاصر قشقایی

● داستان ایرانی

۱۰۳) حجاری، خاطره در سب آنلانی عسقی داستان بلند [تهران]
روستگان ۱۳۷۱ ص ۲۴۷ ۲۵۰۰ ریال

۱۰۴) مستغان، حسینعلی عشق مقدس داستان بلند [تهران] روایت
۱۳۷۱ ص ۱۵۳ ۱۳۰۰ ریال

۱۰۵) معروفی، عباس سال نوا داستان بلند [تهران] گردون ۱۳۷۱
ص ۳۴۷ ۲۸۰۰ ریال

● درباره ادبیات خارجی

۱۰۶) پاز، اکتاویو سخن باز ترجمه و تدوین مصطفی رحیمی تهران
گردون ۱۳۷۱ ص ۱۱۰ مصور ۹۰۰ ریال

شامل چند مقاله از پاز و سرجی از مرحوم درباره مقالات است مقاله آوا
ن مجموعه سخنرانی اکتاویو پاز به مناسبت دریافت جایزه ادبی به بل ۱۹۹۰
است

۱۰۷) داوسون، اس دلیو نمایشنامه و برگزیده نمایش ترجمه داود
داسور (و) دیگران تهران نمایش ۱۳۷۰ [تورج ۱۷۱] ۲۷۲ ص
واژه نامه ۱۵۰۰ ریال

۱۰۸) گلدمن، لوسس جامعه‌شناسی ادبیات، دفاع از جامعه‌شناسی و
رمان ترجمه محمدپوینده ویراسته روح بختان تهران هوس و اسکار
۱۳۷۱ ص ۴۱۶ واژه نامه ۵۲۰۰ ریال

نویسنده کتاب از سرسناستریین مستفان ادبی جهان است که به وجود
بودن اساسی میان صورهای هنری و سرباط اجتماعی حلقه می‌بندد. آنها
عقاید دارد به اعتقاد وی مسائل مربوط به جامعه‌شناسی رمان می‌تواند نقش
ساز مهمی در بسپرد جامعه‌شناسی فرهنگ و نقد ادبی داشته باشد. کتاب
حاضر که از جمله آثار کلاسیک جامعه‌شناسی ادبیات است در سال ۱۹۷۵ د.
داوید (اسکات گالمان) منتشر شده است

● داستان، نمایشنامه و فیلمنامه خارجی

۱۰۹) اپایدس، طالب مفتون حاکم ترجمه حمید اوشن اراد تبریز سیر
فرهنگ ۱۳۷۱ ص ۳۳۱ مصور ۱۷۰۰ ریال

داستان بلندی است از نویسنده ترکیه‌ای

۱۱۰) الیو، ادگار داستانهای تنگت‌انگیز با مقدمه‌ای از الفرد
هیچکاک ترجمه محمود سلطانیه تهران رمانه ۱۳۷۱ ص ۱۴۱ ۱۲۰۰
ریال

مجموعه حاضر شامل ۵ داستان کوتاه از آثار الیو (۱۸۰۹-۱۸۴۹)
نویسنده نامدار آمریکایی است این داستانها از روی متن فرانسوی (ترجمه
به نظر) به فارسی برگردانده شده‌اند هیچکاک در مقدمه کتاب از نامرات نویز

آثار خود سخن گفته است

۱۱۱) البده، ایزابل داستانهای اولونا ترجمه علی ادرنگ تهران
ادرنگ ۱۳۷۱ ص ۳۳۵

مجموعه چند داستان کوتاه از ایزابل البده، نویسنده معروف سلطانی است
که پس از این داستان خانه آره، رخ وی به فارسی ترجمه شده بود مصطفی
فعلگری مقدمه مفصلی درباره سبک آثار ایزابل البده بر کتاب نگاشته است
۱۱۲) بل، هاینریش سرپناه امن ترجمه هما احمدی [تهران] روایت
۱۳۷۱ ص ۱۵۴ ۱۲۰۰ ریال

مجموعه ۱۲ داستان کوتاه ا هاینریش بل (۱۹۱۷-۱۹۸۵)، نویسنده
نامدار آلمانی و برنده جایزه ادبی نوبل ۱۹۷۲ است

۱۱۳) سویمین کرانه رود، داستانهای کوتاه از نویسندگان آمریکایی
لاتین ترجمه مراد فرهادپور تهران روستگان ۱۳۷۱ ص ۲۰۱ ۲۰۰۰
ریال

۱۱۴) کلاس باوم، ه. ه. انجمن شاعران مرده ابراساس فیلمنامه‌ای از
تام سولمن ترجمه حمید حادمی (لاهیجی) (و) ماهرخ دبیری تهران سیر
۱۳۷۱ ص ۱۸۹ ۱۴۰۰ ریال

۱۱۵) کوکو، ران ماسن دورچی ترجمه محمود هاتف تهران
نمایش ۱۳۷۰ [تورج ۱۷۱] ص ۱۸۱ ۱۰۰۰ ریال

نمایشنامه‌ای است از ران کوکو (۱۸۹۹-۱۹۶۳)، نمایشنامه‌نویس و
سینماگر صاحب نام فرانسوی

۱۱۶) لائاری، جیوف و داستانهای دیگر ترجمه جعفر مدرس صادقی
تهران مرکز ۱۳۷۱ ص ۱۸۳ ۱۵۵۰ ریال

شامل هفت داستان کوتاه از نویسندگانی چون سربلی حکس، از نایلم،
جان اندالین، یونانی ولف، و، نموند کارور است شات حاضر همجنس شامل
۶ مقاله از نایلم کیرنورث خود او بهنام، سرود اندرس و دیگران
است

۱۱۷) وحشی ترجمه رضا احمدی تهران نمایش ۱۳۷۱ ص ۷۱
مصور ۵۰۰ ریال

وحشی از اسوان حنوف، نفس، ا، ویندا است، بهار و داسرینک از ویندا
سارو، نان، و حقه سن از اده، الهی عوا، جهان، نمایشنامه کوتاه مجموعه
حاضر است

۱۱۸) فاست، هوارد مهاجران ترجمه ناهلان فرجی تهران اساطیر
۱۳۷۱ ص ۵۳۷ ۳۲۵۰ ریال

تاریخ

۱۱۹) ارسلان، سکیت تاریخ موجات مسلمانان در اروپا (فرانسه،
سوئیس، اسپانیا، و فرانک دریای مدیترانه) ترجمه علی دوانی تهران دهر
سفر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۰ [تورج ۱۷۱] ح ۵ با تجدید نظر و اضافات
۴۱۰ ص فهرست راهما ۱۹۰۰ ریال

۱۲۰) بختورباتش، ن. بیان راز امر، گردونه خورشید با گردونه مهر
بی‌خانتر مولف ۱۳۷۰ [تورج ۱۷۱] ص ۳۷۵ مصور فهرست راهما
۳۴۰۰ ریال

به اعتقاد نگارنده کتاب علامت مثبت جنبه نمادی است که به نهاد هر
آرینی و به هر هر آرینی، وجود دارد. با مبراهین فرهنگی پس از تاریخ،
براد ایرانیان، باطرداد بود این کتاب به مطالعه این نماد از اعتاد تاریخی،
ره‌اساحی خصوصیات این برداشته است

۱۲۱) تاریخ معاصر ایران (مجموعه مقالات) کتاب ۳ تهران مؤسسه
پرویش و مطالعات فرهنگی ۱۳۷۰ [تورج ۱۷۱] ص ۳۵۹ مصور نمونه
سید ۲۰۰۰ ریال

«پرس ایرانی» سنهای ۱۸۷۲ و ۱۸۷۵ میلادی، ساختار و بنا، مادی‌های
آرینی، و ال این چونند «آینی»، اخلومیکله بی‌موسسه «نظارت هات
مجهدین بر فوه فاونگد ری» سیر نظور اصل دوم، مهم فانون اساسی از نایان

دوره دوم تا پایان دوره سیم نهمه، محمد برکمان / «حکوبگی تکیوین قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس و ایران»، ویلیام جی الیون / «برونده نظامی رضاخان سردار سینه (۱۲۹۷ تا ۱۳۰۴ هـ.س)»، کاوه بیات / «معرفی نسخه خطی سفرنامه حاج خسروخان سردار طهر بحساری»، عبدالحمید بوابی، عنوان بر جی از مطالب این مجموعه است

۱۲۲) ثوتی، هوتنگ تاریخ ریحان زحان کتابخانه هر ۱۳۷۱ ح ۲
۲۴۵ ص مصور نقشه ۲۰۰۰ ریال

۱۲۳) حلبی، علی اصغر تاریخ بهشتیهای دینی-سیاسی معاصر تهران بهمانی ۱۳۷۱ پانزده + ۳۱۸ ص ۲۱۰۰ ریال

«اصلاح و اصلاحگران»، «نظری احتمالی به وضع مسلمانان از اعجاز اسلام با روال امپراطوری عثمانی»، «علل ضعف و انحلال خلافت عثمانی»، «بهشت در مصر محمد عبده، قاسم امین، سیدرضا، مقطفی عبدالرزاق»، «انصاف عقاید سلف گرانان ابن تیمیه، ابن قیم، محمدرضا رسد»، «بهشت وهابیت عبدالوهاب محدثی، ابن بطه» عنوان برخی از فصلهای کتاب است

۱۲۴) سلسله بهلولی و بیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج ترجمه عباس محیر ویراسته مرتضی اسعدی تهران طرح نو ۱۳۷۱ دو + ۳۷۸ ص فهرست راهما ۴۵۰۰ ریال

این کتاب ترجمه فصلهایی است از جلد هفتم کتاب تاریخ ایران کمبریج که در سال ۱۹۹۱ (انتشارات دانشگاه کمبریج) منتشر شد سه فصل از کتاب حاضر مربوط به سلسله بهلولی و دو فصل مربوط به بیروهای مذهبی ایران در هرهای ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ است

۱۲۵) کارر دابکوس، هلن شوربختی روس ترجمه عبدالحمید بیک گهر تهران البر ۱۳۷۱ ۶۰۶ ص فهرست راهما ۴۸۰۰ ریال

تحلیل صورتهای گوناگون بیروهای سیاسی برای کسب یا حفظ قدرت سیاسی در طول سده هفدهم تاریخ امپراتوری روسیه و هفت دهه تاریخ اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، موضوع کتاب حاضر را تشکیل می دهد نویسنده در تحلیلهای خود به مسائل فرهنگی و تاریخی مردم روسیه، چون میراث فئودالی حکومت، نفس روحانیون کلیسای ارتدکس در حکومت، و نفوذ روسیه گران در تحول جامعه بوجه بسیار داسه است از این نویسنده فلا کتابهای امپراتوری گسترده، به صلح به جنگ، محرمات، و عقب حاکمیت به فارسی ترجمه شده است

۱۲۶) شاملو، ولی قلی بن داود قلی قصص الحاقی تصحیح و باورقی از سیدحسین سادات ناصری تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۱ بیست و یک + ۵۲۴ ص نمونه نسخه ۴۲۵۰ ریال

کتاب حاضر تاریخ محصور صفویه را تا پایان دوره شهرناری ساه صمی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ هـ) و ورورگار ساه عباس نامی در بر دارد نگارش این کتاب در سال ۱۰۷۲ هـ آغاز و در سال ۸۵ هـ به اتمام رسیده مصحح این کتاب را از روی ۷ نسخه خطی معالیه و تصحیح کرده و نسخه بدلهارا در ناوستانها در اختیار گذاشته است

باستان شناسی

۱۲۷) شینجی، فوکائی شیشه ایرانی ترجمه ارمان شیشه گر تهران سازمان میراث فرهنگی کشور ۱۳۷۱ ۲۴۴ ص مصور فهرست راهما واژه نامه ۶۰۰۰ ریال

کتاب حاضر نتیجه کاوشهای علمی هیئت باستان شناسی ایران و عراق دانشگاه توکیو در فاصله سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۳ در گیلان است مؤلف با پرداختن به حرثیات سکی و طرحها و روشهای ساخت، به بررسی سیوه صاحب سینه و خلافت هری در دوره بارت و ساسانی (۲۴۹ ق م - ۶۴۲ م) پرداخته و سیر تحول این هر را نشان داده است

جغرافیا

۱۲۸) بانی، بی بر آب و هواشناسی ترجمه هادی وثیق تهران

انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ ۱۲۰ ص ۸۰۰ ریال
۱۲۹) افشار (سیستانی)، ایرج کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن ح
تهران زرین ۱۳۷۱ ۱۷۶۴ ص مصور فهرست راهما بهای دوره ۲
جلدی ۱۶۰۰۰ ریال
۱۳۰) ایاری، برهان آیین سندج بی حاشیه مؤلف ۱۳۷۱ ۸۸۸ ص
مصور ۶۵۰۰ ریال

زندگینامه، خاطرات، سفرنامه

۱۳۱) الگردر، حان ت کاترین کبیر ترجمه حسن افشار تهران نشر مرکز ۱۳۷۱ ۴۷۵ ص مصور فهرست راهما ۶۲۰۰ ریال
نویسنده کوسیده است با اسناد به اسناد دست اول و ماحد سسار و ناان نامه های مسر سده دانشگاهها، تصویر کاملی از زندگی سیاسی، سخص اجتماعی کاترین کبیر (۱۷۲۹-۱۷۹۶) به دست دهد
۱۳۲) امورگار، محذره چله تهران ناشر مؤلف ۱۳۷۱ ۲۶۲ ص
۱۹۰۰ ریال

۱۳۳) ریاحی، موجهر سراب زندگی - گوشته های مکومی از تاریخ معاصر زندگی نامه موجهر ریاحی تهران انتشارات تهران ۱۳۷۱ ۵۸۴ ص ۵۸۰۰ ریال

۱۳۴) سواک، اشتفن سرد نا اهرمن (تراژدی فردریش بیچه) ترجمه خسرو رضایی، تهران فکر رور، ۱۳۷۱ ۱۷۶ ص ۱۳۰۰ ریال

اشتن سواک (۱۹۲۲-۱۸۸۱)، که در ایران بیسر به عنوان داسان نویسنده اسپهار یافته، از زندگی نامه نویسن صاحب نام اروپایی است او زندگی نامه نویسندگانی چون بالزاک، دیکر، داسابوفسکی، تولسوی و هولدرین را به رسنه تحریر درآورده است کتاب حاضر ترجمه بخشی از بریلوری سرد نا اهرمن است که متن کامل آن علاوه بر زندگی نامه بیچه (من ترجمه سده حاضر) زندگی نامه کلاست و هولدرین را بر شامل می شود سواک این کتاب را در سال ۱۹۲۵ نگاشت و در آن از حرس روحه قدرت طلبی رسمی، برادرستی در اروپا به سبب انتقاد کرد

۱۳۵) کج، هاس ولفگانگ می توان فراموش کرد؟ ترجمه بریچهر معتمد گرچی تهران مروارید ۱۳۷۱ ۲۳۵ ص ۱۸۵۰ ریال

نویسنده کتاب که در ناان جنگ جهانی دوم بوحوانی ۱۳ ساله بوده در این کتاب خاطرات و تحریات خود را از سالهای جنگ نا سانی کودکانه اماروس و واقع سانه بیان کرده است

۱۳۶) گیفورد، هری تولستوی ترجمه علی محمد حق شناس تهران طرح نو [۱۳۷۱] ۲۱۹ ص مصور فهرست راهما ۱۷۰۰ ریال
کتاب حاضر از انتشارات دانشگاه آکسفورد (۱۹۸۲) است نویسنده د این کتاب حبه های گوناگونی از زندگی تولستوی را بررسی کرده و دو فصل از کتاب خود را به نقد و بررسی دوران عمده تولستوی، یعنی جنگ و صلح، آناکارسا اختصاص داده است

نشریه های علمی و فرهنگی

● آینده؛ مجله فرهنگ و پژوهشهای ایرانی (س ۱۸، شماره ۱-۶، فروردین- شهریور ۱۳۷۱).

«کماری از فلر و ریان فارسی»، «گوین سیستانی در ترجمه فران قدس»، «دهقانان در ایران قرن نوزدهم»، «فریدالدوله گلگون»، «موضوع بحسب ویری سید صیاء س از علاء» «اسناد مربوط به

دهجد و لسانمه»

● امید کشاورزی ایران: محله ماشینهایی کشاورزی و مکانیزاسیون ایران (س ۲، ش ۳، مهر ۱۳۷۱)

«کراس علمی به دست معان»، «امورس ماشینهایی کشاورزی عمومی»، «افصحاح نا اسناه»، «تکوسی سستیمی به مکاتراسیون کشاورزی»

● منبع (س ۶، ش ۶۹، آبان ۱۳۷۱)

«سروهای معارض در خلیج فارس، بحولات دریایی و واقعیهایی موجود»، «تربستان اقتصادی بیمار و اندهائی نامعلوم»، «احلافات مرید غرستان- فطر»

● پیام پیروتنیمی: نشریه شرکت ملی صنایع پتروشیمی (س ۴، ش ۲۷، آبان ۱۳۷۱)

«اخرس بحولات در ساحب صابونها و سوندهها در جهان»، «اسیاسی با مفاهیم نازارانی و وظایف مدیریت بازار»، «تررسی صنایع بودهای سیمایی اسرائیلیا»

● حاسار (ش ۳۳، مهر ۱۳۷۰)

«سازمان ملل متحد نمی داند، نمی بیند، نمی شنود»، «ار همسر حاسارم روحیه می گیرم»، «درحسب حاساران و معلولان ایرانی در لیسک نارسلون»

● دانشمند (س ۳۰، صمیمه ۴۱، دی ۱۳۷۱)

این صمیمه دانشمند به الرزی و اسم احتضاس دارد

● رتند: امورش ادب فارسی (س ۷، ش ۲۹-۳۰، تابستان و پاییز ۱۳۷۲)

«معارف ریان و معلم ریان و ادسات»، «مسائل حیدرناگی و امورس نان فارسی رسمی در ایران»، «تررسی سدید از دید علمی و حل یل مشکل املائی»، «در حاسنه تعقد در بعض صوردهی شعر نظامی»

● امورس جغرافیا (س ۸، ش ۳۰، تابستان ۱۳۷۱)

«جغرافیا و جغرافیدانان»، «ژنومورفولوری و حاکاه آن در میان علوم»، «جمعیت و محط ترسب سهری»، «تکوس نظریه حکونکی بداس علوم»، «ناره ترس روس برای سسی رلرله»

● امورس ریاضی (س ۹، ش ۳۵، پاییز ۱۳۷۱)

«تررسی کتب دترسانی»، «حرکت تراوی و نارارت سفید»، «حسیت انعکاسی در مقاطع محروطی»، «تداخل حساب نا هندسه»، «سات هندسی فرمان ماسین»، «حل مسائل سی و دومس المیادریاضی سوند»

● سروس (س ۱۴، ش ۶۳۱، دی ۱۳۷۱)

«سخران سرمانه گذاری در سیمایی اروپایی سرفی»، «ار ادبو نا مهوراد»، «نگاهی به فلم وسوسه مرگبار»، «نقد نثار ناع البالو»، «تر کترس و درسگاه جهان»

● تسعت حمل و نقل (ش ۱۱۳، آبان - آذر ۱۳۷۱)

«ساستگذاری ناره صنعت هواسمایی»، «ار گران سدن بلب در راههای داخلی آسکار سدد»، «حمل رمسی کالا از مسیر روسه و سابعان مفرون به صرفه بیست»، «یک طرحی سدن ارر، انار مست و سسی در اقتصاد ملی»

● تسعتگر: نشریه اتحادیه ماشین ساز و تراشکار (س ۹، ش ۱۰۰، آبان ۱۳۷۱)

«انداره گیری قطعه کار و ابزار»، «افسانه مرد فولادی»، «حیدر بکته

صروری در برنامه نویسی»، «معلومات و مهارتهای تحصیسی در فردکاری»

● علوم و تکنولوژی پلیمیر (س ۵، ش ۳، آبان ۱۳۷۱)

«دونه زدن پلیمرهای رسانای الحبر سسته»، «حگوکی بلوری سدن بک مخلوط امبراج بدیر سیم بلوری»، «الکترون پلیمرسدن سوفس و برحی مسقات ان»

● کتبان علمی رای نوجوانان (س ۴، ش ۸، آبان ۱۳۷۱)

«لباس فضاوردی»، «دحیره سازی صدا»، «روسهای نادرتری»، «برافیک، علانم و مقررات»، «انومیل برقی حیدد»، «حرکت تصفحات بوسه رمس»

● ماهنامه صنعت چاپ، آذر ۱۳۷۱

«ثقیب چاپ»، «حاجی و مسیری، دردو بوی بل کتیب»، «وحدان حرفهائی و فرهنگ نازی»، «ماسینهائی مدرن چاپ»، «موارنه اب و مرکت در افسب»، «سرفه جویی در سرمانه و وب»

● محله مطالعات آسیای مرکزی و فقار: فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی در دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی (س ۱، ش ۲، پاییز ۱۳۷۱)

«رنوبلیک ایران و منطقه در دوران سس از حیک سرد»، «اسیای مرکزی: جغرافیای سیاسی»، «سناست در اسنای مرکزی سس از فروناسی امراطوری»

● نجوم (س ۲، ش ۳، آذر ۱۳۷۱)

«انا اسنان سناست»، «سی سی، منجم دوره حوار سناهان»، «دساله دار و برانحر»، «ماه کرفنگی ۱۸ ادر»، «سورنهای فلکی ناسر»

● سنامه (س ۲، ش ۸، پیاپی ۱۴، آذر ۱۳۷۱)

سامل سنامه موضوعی، سنامه نقد انار، سنامه کفنگ، سنامه بدنداوردگان، سنامه ناسران، و سنامه کتانهائی ماه

■ نشریه های فارسی چاپ خارج

● اوار: فصلنامه فرهنگی-هری، نشریه ورده موسیقی، شماره اول، سال دوم، پارس ۱۳۷۱ (خاب المان)

«سنا، مردی نه به سناهی بک ار سسر بود»، «بحول لارمه موسیقی اسب»، «سنا اردندان تحقیق»، «نای سحبت اسنادرحمت الله بدعی»، «برانهائی محط»، «فردوسی و افسانه موسی، امسگر» برحی از مقاله های این شماره اسب

● فرش ایران: نشریه اتحادیه نازرکانان ایرانی فرش دسناف در المان (ش ۶۷، آبان - آذر ۱۳۷۱)

«کراسی از اورتفا ۹۲»، «حسم انداز بحسین سناسگاه و کفراس فرش دسناف در بهران»، «نارح صدور و نحات فالی ایران» از مقاله های این شماره اسب

● محله ایران تساسی، ورده یروهت در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و ریان و ادبیات فارسی (از انتشارات نیاد کیان - امریک، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۷۱)

«ارادکی و تساهل نظامی کججوی»، «سرنکدست و سروبست سسحه های حطی»، «بدشردالاولنا و بحدد»، «سحی در ناره ادسات معاصر دری در افغانسان»، «درباره داداسنهائی سدرالدس عینی» عنوان برحی از مقاله های این شماره اسب

ار حمله موارد ممنوع صدور یا خروج کتاب، کتابهای قدیمی و نسخه‌های خطی منحصر به فرد ذکر شده است همچنین خروج مطبوعات و کتابهایی که به زبانهای خارجی نوشته شده باشند به احد محور ملی نیاز دارد

از سوی دیگر احمد مسجد حامعی معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد که محور برای صدور کتاب در طرف ۲۴ ساعت صادر می‌شود باید داشت که از ابتدای سال جاری تا اواخر آذرماه بیش از ۲۶۰ هزار جلد کتاب به وسیله ۵۴ صادرکننده بحسب خصوصی به خارج صادر شده است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ایجاد تحرک در امر چاپ و سر کتاب و توسعه کتابخانه‌ها اقداماتی کرده که از آن جمله است حذف دو درصد عوارض، لغو مالیات باسرا و اختصاص درصد معینی از سود باحالی سرکنهای وابسته به دولت برای توسعه کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی

در ایران، در جهان



اصول سیاست فرهنگی کشور

سورای عالی انقلاب فرهنگی پس از نازده جلسه بحث و بررسی، اصول سیاست فرهنگی کشور را تصویب کرد هدف از این امر ایجاد وحدت روتنه در فعالتهای فرهنگی، تعیین اولویتهای اصلی و رسد و اعتلای سطح فرهنگ عمومی در کشور است

دکتر هاشمی گلباگانی، دسر سورای عالی انقلاب فرهنگی، ضمن اعلام این خبر گفت که با تصویب این طرح برای اولس بار سیاست فرهنگی کشور در زمینه‌های مختلف مشخص شده و اصول آن بر اساس اندیشه‌ها و دیدگاهها و فناوری امام خمینی (ره) بنس شده و انچه امام درباره انواع موسیقی، فیلم، سریال، ورزش و امور دیگری از این قبیل فرموده‌اند راهنمای مسؤولان خواهد بود اصول سیاست فرهنگی کشور شامل بحسهای زیر است

- اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی،
- اهداف سیاست فرهنگی،
- اصول سیاست فرهنگی،
- منتهای در سیاست فرهنگی،
- خط‌مسی فرهنگی،
- اولویتهای و سیاستهای کلی،
- امکانات

رفع ممنوعیت صدور کتاب و نشریه

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صدور بحسامه‌ای ارسال با خروج کتاب و سریات فارسی را به خارج اعلام کرد در این بحسامه - به استناد سد ۲۰ ماده ۲ قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵ - اعلام شده است که «ارسال یا خروج کتب و مطبوعات غیر ممنوعه به زبان فارسی به خارج از کشور آزاد است و برای تشخیص این موارد، صادرکنندگان کتب و مطبوعات موظف هستند لیست عناوین مربوطه را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کنند» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است که در طرف دو هفته بظر خود را کتا به در حواسب کسده اعلام کند

اولین نمایشگاه دانشجویان

اولین نمایشگاه آثار هنری دانشجویان سراسر کشور در تالار علامه امینی (کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) برگزار شد و به نفرات اول با سوم هفت رسته جوایزی اهدا کردید در این نمایشگاه ۵۶۲ اثر در رسته‌های خوشنویسی، عکاسی، نقاسی، ندهب، مسابور، طراحی و گرافیک به نمایش گذاشته شده بود

معرفی دانشجویان نمونه

همزمان با گرامیداست روز سابردهم آذر که «روز دانشجو» است دانشجویان نمونه مقطعیهای مختلف تحصیلی معرفی شدند و مورد تسویق قرار گرفتند در این مراسم که برای اولس بار برگزار شده است ۱۶ دانشجو در مقطع کارشناسی، ۱۰ دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد و ۶ دانشجو در مقطع دکترا به عنوان دانشجویان نمونه سراسر کشور (به غیر از رسته‌های ترسکی) معرفی شدند

تأکید بر رعایت حقوق مؤلفان و فیلمسازان

آب الله محمد بردی، رئیس فوه قضائیه در پاسخ به نامه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رعایت حقوق باسرا، مؤلفان، مترجمان و فیلمسازان را مورد تأکید قرار داد و بوجه مراحم قضایی را به رعایت این حقوق جلب کرد متن پاسخ آب الله بردی به این شرح است

وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

حبات دکتر علی لاریجانی دام بوفیه

عطف به نامه شماره ۱۶۷۵۶۰ مورخ ۷۱۹۹۱۹۱ ان حبات به اطلاع می‌رساند همان طور که اشاره شده است تألیف يك کتاب که ماهها و گاهی سالها عمر يك نویسنده، يك دانشمند، يك محقق را به خود اختصاص می‌دهد و همچنین ترجمه يك اثر که باید گفت که اگر مسکتر از تألیف باشد آسانتر نیست چه آنکه نیاز به تسلط کامل به دو زبان اصلی و ترجمه شده دارد بخصوص انار فنی و علمی که اصطلاحات خاص خود را دارد و مترجمین باید از دو زبان بطور علمی و کامل صاحب لارم را داشته باشند

اسلامی در بهران و هم، سازمان اوقاف و افراد علاقمند کمک گرفته است

اولین جشنواره منطقه‌ای هرمزگان

بخشین جشنواره منطقه‌ای سینمای جوان کشور در دو بخش فیلم و عکس با شرکت هنرمندان جوان استانهای کرمان، سیستان و بلوچستان، بروجرد و هرمزگان در اواخر اردماه در بندرعباس برگزار شد. در این مراسم که چهار روز طول کشید ۱۸ فیلم و ۴۶ قطعه عکس به نمایش گذاشته شد و در پایان هشت تن از بهترین عکاسان و ۱۲ تن از بهترین کارگردانان انتخاب شدند و جوایز دریا به آنها اهدا کرد.

چند خبر دانشگاهی

● شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و امور عالی در جلسات اخیر خود ۳۱ برنامه جدید آموزشی را تصویب کرد که عبارت است از - دوره دکترا برای آموزش زبان انگلیسی، علوم و تکنولوژی هسته‌ای.

- دوره کارشناسی ارشد برای زبان و ادبیات انگلیسی، تاریخ

(ایران باستان، عمومی جهان، اسلام، ایران اسلامی) محط‌ریس.

- دوره کارشناسی برای تکنولوژی کشاورزی و منابع طبیعی مربع،

آب‌چیرداری، محط‌ریس، سیلاب، حوض و جنگل، مهندسی معدن،

عمران آب و فاضلات، بهره‌برداری از سد و شبکه‌های آبیاری،

تأسیسات آبی

- دوره کاردانی برای رشته‌های تربیت بدنی و علوم ورزشی، زبان و

ادبیات فارسی، راه‌آهن، سیلاب، مدیریت امور دهری

● آموزشگاه بهداشت سازی به دانشکده تبدیل شد این آموزشگاه

پست سال، نیش تأسیس شده و هم‌اکنون ۳۵۰ دانشجو دارد

● مرکز آموزش عالی علوم و صنایع سلانی گیلان که به نام

«میراکوچك‌جان» نامیده شده است، در رمسی به وسعت پنج هکتار در

رشت گنایش یافت

● يك دوره عالی «مالارنالوری» برای تحقیق درباره بیماری مالاریا در

استانهای جنوب سرفی در بندرعباس تشکیل شد

● مجتمع آموزش عالی ساوه‌رود به دانشگاه تبدیل شد و دانشکده

پرستاری و مامائی آنجا به دانشکده علوم پزشکی مقرر نام داد

نشریه‌های تازه

در خند ماه اخیر عالم مطبوعات فارسی شاهد بدایش خند محله و

رونامه جدید بود که برخی از آنها به دست کرا سگر رسیده و از آن

حمله است

● کار و جامعه، «ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی»

مؤسسه کار و تأمین اجتماعی است که شماره اول آن در اردماه منتشر

شد در سرمقاله این شماره آمده است «کار و موضوعات مختلف

مربوط به آن، چه از لحاظ نظری و چه از نظر عملی، دامنه‌ای وسیع

دارد و هر روز در آن به مسائل و پدیده‌هایی نو و پیچیده مواجه

می‌شویم که هر يك، اندیشه و تدبیری نو را می‌طلبد شناخت جنبه‌های

مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کار، بررسی و تجربه و تحلیل

موضوعات مهم به منظور آگاهی خوانندگان و جهت دست‌یابی به

از این دو مهمتر بهینه‌دسکهای کامپیوتری یا فیلم‌های سینمایی و

ظهور کلی آثار سمعی و بصری است که با رجمت فراوان و بهره‌گیری از

تکنولوژی و برآماده‌ها و سبب افراهای لازم بهینه و آماده می‌شود.

هر يك از این کارها به گونه خود مسأله حق مکتوسی است که صرف و

عقل آن را به روشنی درک نموده و سریع‌انورد و ردع به‌رموده است و از

طرفی ملاحظه می‌فرمایند که کسانی، حتی فرد کم‌سواد و بی‌اطلاع، با

بهینه‌تک نسخه از اصل، با گرفتن ریر اکس، فتو کپی، نوار، عکس، و چاپ

بخش آن حاصل رجمت دانسمند و محقق و نویسنده و هنرمند را به

حما برده و میلیون‌ها تومان از آن استفاده می‌کند و گاهی حتی دیناری هم

به بهینه‌کننده داده نمی‌شود که ظلم روس و مسخچی است

از نظر ما این حق برای مؤلف، مترجم، نویسنده، هنرمند و تهیه‌کننده

سرمعی و بر اساس فصول دوم و سوم قانون حمایت حقوق مؤلفان و

مصحقان و هنرمندان (مواد ۳ الی ۲۲) و قانون ترجمه و تکثیر کتب و

سریات و آثار صوتی دارای منای قانونی است که می‌تواند برای خود

محفوظ بکند و با بر اساس قرارداد قانونی به هر کس که مایل باشد

تأثیر کند و در این قرارداد شرایط مورد نظر خود را منظور دارد که

بجای آن صرف در حق غیر ساخته شده و قابل تعقیب کیفری است.

در پایان توجه جنابعالی را به این نکته مهم جلب می‌کنم که اولاً در

مسائل اخلاقی در مواردی که فقهاء عظام اختلاف فونی داشته باشند،

باید بر اساس نظر ولی امر مسلمین عمل نمود و خوشبختانه نظر سرمعی

لایم‌الرعا نه و لازم‌الاجراء مقام معظم رهبری و ولی امر مسلمین حضرت

ع‌الله‌خامنه‌ای بر همین مطلبی است که توضیح داده شد که من با

استفاده از فرصت به همه همکاران قضائی توجه می‌دهم که طبق قانون و

سرع در پرونده‌های مربوط به حق تألیف، ترجمه، بهینه‌تک ابر، نقل

اجزاء کتب شده و برخورد نموده و احکام حقوقی لازم را بنظم و

صادر نمایند

- آقای دکتر علی لاریجانی در نامه خود نوشته بود که «بائرس و

مؤلفان و مترجمان از افسار فرهنگی جامعه هستند که در شرایط فعلی

می‌تواند مورد حمایت حدی قرار گیرد و تأسیسات بعضی در حاکت،

حقوق بائرسین و مؤلفین را مراعات نمی‌نماید و این در حالی است که

فواص و مهرات مصوب، این حقوق را محترم شمرده است، لکن برخی

از محاکم، بدون توجه به این فواص، با متخلفین برخورد نمی‌نماید و

همین مشکل در مورد رعایت حق نمایش فیلمهای سینمایی و آثار سمعی

و بصری نیز وجود دارد.»

هفته کتاب و توسعه کتابخانه‌ها

به ابتکار اداره کل آموزش و پرورش استان بهران از تاریخ ۲۴ تا ۳۰ دی

«هفته کتاب» اعلام شد و به همین مناسبت مراسمی در شهرهای استان

برگزار گردید

هدف از برگزاری هفته کتاب «تأسیس، توسعه و تجهیز کتابخانه‌های

مدارس» بود و در طی آن ۵۰۰ کتابخانه جدید در مدارس گساست

تأسیس و موجودی کتاب ۱۰۰ کتابخانه دیگر افزایش یافت راه‌اندازی

یک کتابخانه در يك دبیرستان به طور متوسط ۱۵۰ هزار تومان هزینه دارد،

و چون اداره آموزش و پرورش استان تهران به تنهایی قادر به تأمین این

هزینه نبود لذا از مؤسسات دیگر مثل شهرداریها، سازمان تبلیغات

روستاهای مناسب و بهینه کار، و بی‌حویی راه‌حلهای مناسب برای مسائل کلی در این زمینه از اهداف عمده محله خواهد بود»

سماره اول کار و جامعه در ۶۸ صفحه حاوی مقالات گوناگون درباره کار و استعمال و مسائل حقوقی و آموزشی کار و گزارشهای خبری است

● کلمه، ماهنامه‌ای «فرهنگی، هنری، اجتماعی» است که شماره اول آن در ۵۲ صفحه در آبان انتشار یافت و حاوی چند خبر فرهنگی و چند تحلیل اجتماعی است از جمله «درآمدی بر مسئله برنامه‌ریزی برای جوانان» و «گفتاری در اصلاح رفتار کودکان» و چند مقاله تاریخی و نقد و معرفی کتاب

در «سراغار» این محله حس آمده است «مشاهده محله جدید دیگری بر بیس‌خوان روزنامه‌فروشی‌ها هر رهگذر کنج‌کار و علاقه‌مند را با این سؤال مواجه می‌کند که در میان شمار کثیر محلات و مطبوعات جدید انتشار محله‌ای تازه چه ضرورتی داشته است و چه نیازی را رفع می‌کند که دیگر محلات نمی‌توانستند برآورند مضافاً آنکه رسد کمی و چشمگیر محلات و روزنامه‌ها و دیگر سریات گوناگون و مختلف العنصره، ضرورت انتشار محلات جدید را با نوعی تردید و ابهام در آمیخته است تا همه آنها کلمه را در عمل تسخیر کند که حسب و چه می‌گوید و چه می‌خواهد»

● کوثر، هفته‌نامه‌ای است «اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی» که در اولین سرمقاله آن حس آمده است «بی‌تردید در عصر انفجار اطلاعات، مطبوعات به عنوان بازبرس‌بندیده‌ها در رسد و تعالی جامعه می‌بواند نفس‌اندا کند و هفته‌نامه کوثر دست‌کسانی را که به نحوی از انحاء آماده همکاری و همکاری باشند به گرمی می‌فسارد»

● گزارش هفته، سر به‌ای است «سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی» که «مجموعه‌ای خواهد بود از تازه‌ترین رویدادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی ایران و جهان؛ گزارشهای اختصاصی از جهان ورزش، دیبای هنر و حوادث روز، جدول، طبر، سرگرمی، خواندنی‌ها و ... این مجموعه «به قصد حضور در صحنه فراهم آمده است، حضور در صحنه افلاک اسلامی و حضور در صحنه مبارزه اسلام و کفر»

● همشهری، که با حدیدی سن به صورت ماهنامه منتشر می‌شد از اواسط اردماه به روزنامه بومیه تغییر صورت داد، زیرا که «سایه انتشار یک روزنامه و برقراری ارتباط مستقیم با شهر و بدان از جمله بدیهی‌ترین برنامه‌هایی باشد که سپرداری بهران آن را - حتی تا ناخیر زمانی - به مورد اجرا در می‌آورد همشهری گام کوچکی در راه طولانی اقدامات ضروری فرهنگی در مقوله شهر و مقصبات آن به شمار می‌رود هدف کلی همشهری ایجاد زمینه‌های مناسب برای نگرش به بدیده شهر و برخورد عالمانه با ضرورتها و مقتضیات آن و سویق و ترغیب همشهریان جهت بیل به یک شهر سالم است»

همشهری، که هر روز صبح در سائیده صفحه رنگی منتشر می‌شود، سر به‌ای است که با آنکه از همان آغاز انتشار واکنشهای مثبت و معنی‌مند و فراوان برانگیخته است، تاکنون حوس در حسیده است

فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور

فعالیت‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور در ماههای اخیر مخصوصاً

در زمینه نمایش فیلم و سرکت در نمایشگاهها بسیار چشمگیر بود که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

● نخستین حسواره سیمای معاصر ایران که به مدت دوازده روز در نیویورک برگزار شد با موفقیت بایان یافت و در طی آن سائیده فیلم، چهارده کارگردان ایرانی به نمایش گذاشته شد نمایش این فیلمها موجب گردید تا تماشاگران تصور تازه‌ای از ایران و مخصوصاً فعالیت‌های هنری این سرزمین پیدا کنند

● در سی و سومین حسواره فیلم سالوبیکا که در بونان برگزار شد، چند فیلم از عباس کیارستمی به نمایش درآمد و مورد استقبال قرار گرفت

● در حسواره بین‌المللی فیلم کلکته چند فیلم ایرانی مثل هامون، مدرسه‌ای که می‌رفتیم و احاره‌سینها به نمایش گذاشته شد

● فیلم مسند رعفران ساخته ابراهیم مجاری و درجه بندی ساخته احمد صابطنی در حسواره «مطره زمین»، که در توکیو برگزار شد، سرکت کرد

● فیلم نیاز ساخته علیرضا داودنراد برنده جایزه شهر نابت در حسواره بین‌المللی نابت (فراسه) گردید

● در سحاه و سومین نمایشگاه بین‌المللی «اساهی سیمون» راس یکی از عکسهای محمدرضا بهارنار با عنوان «ناده» برنده مدال طلا شد در این نمایشگاه ۳۱۴۴ قطعه عکس از ۵۹ کشور به نمایش گذاشته شده بود

● جایزه ویره چهاردهمین دوره حسواره بین‌المللی کارنکاتور راس به یکی از انار سیدمحسن بوری نجفی تعلق گرفت

● نمایشگاه عکس ریان جمهوری اسلامی ایران به مدت یک هفته در یکی از تالارهای نوسکو در پارس برگزار شد

● بیست و یکمین دوره کلاسهای خوشنویسی خانه فرهنگ ایران در بیساور پاکستان برگزار شد

● عرغه ایران در نمایشگاه فرهنگی وس در اترس مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت و بخش کتاب آن سائیده هزار جلد کتاب فروخت

● محمدرضا مساجی، تاجر مقیم المان، نمایشگاهی از فالیه‌های ایرانی معروف به «گه» در نایتج المان تشکیل داد اس فالیه‌ها در مجموعه یک سوئسی به نام رور بونه قرار دارند

● ایران تا ۲۰۰ عنوان کتاب مربوط به کودکان و نوجوانان در نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودک در دهلی سرکت کرد

● عکس «تدارک سب غروسی» اثر حاملی صیامی بهترین عکس هفدهمین حسواره عکس اسیا و اسیانوسیه ساخته شد

● پاکستان

تشکیل سازمان فرهنگی «اکو»

یک سازمان فرهنگی متشکل از نویسندگان، مورخان و ناسان ساسان کشورهای عضو سازمان «اکو» تشکیل شده است که ایران، ترکیه، پاکستان، تاجیکستان، افغانستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان در آن عضویت دارند

هدف از تشکیل این سازمان تقویت روابط فرهنگی میان کشورهای عضو و ایجاد امکانات برای رونق مبادلات فرهنگی است

● اتریش

انتشار مدارك سمپوزيوم ملتسر

در سال گذشته دانشگاه گراس اتریش به مناسبت صدمین سال اعلامیه های جمعیتانی خود درباره فرهنگ هندو ایرانی اقدام به برگزاری يك «سمپوزيوم ايران ساسی» کرد و اکنون حاصل سخنرانیهای آن که در بردهای ایراد شده به صورت کتابی با عنوان مدارك سمپوزيوم ملتسر انتشار داده است.

این کتاب حاوی مقالات نابرهه بن از پژوهندگان آلمانی زبان است که به زبان فارسی است و موضوع آن بحولات زبان فارسی از زمان باستان تا به امروز و ایرات آن بر دیگر زبانهای کهن است. کتاب به نام ابو فون ملتسر که در صد سال پیش تحقیق درباره زبان فارسی را در دانشگاه گراس نیان گذارد، موشح شده است.

● هند

پنجاهمین سال انجمن ایران

به مناسبت پنجاهمین سالگرد تشکیل انجمن ایران در کلکته مراسمی در این شهر برگزار شد که در آن مقامات فرهنگی ایران و هند سرب داشتند در این مراسم دکتر محمد هاسم، رئیس انجمن، سمعهای از فعالیتهای انجمن را در طی پنجاه سال گذشته بیان کرد. انجمن در طی این مدت ۲۶ جلد کتاب فارسی منتشر کرده و محله روابط فرهنگی ایران و هند را بدون وقفه انتشار داده است.

● ترکیه

بازداشت ناشران مذهبی

پنجاهمین سالگرد بزرگ کتاب در شهر استانبول که در اواخر امان - تزار شد به صحنه يك واقعه ناخوشایند تبدیل کردند، به این معنی که مسئولان امنیتی ترکیه روزی ناگهان به نمایندگانی رسیدند، تعداد فراوانی از نشریات مذهبی را جمع کردند و مسؤولان مؤسسات انتشاراتی آنها را دست کردند البته این بارداشت حدان طول نکشد اما «نارداشت آنها» همچنان ادامه دارد.

در این نمایندگانی ۱۳۰ ناسر از ترکیه سرک کرده بودند.

● المان

تداوم فعالیت «سیمیای ایران»

فصلنامه سیمیای ایران که از پنج سال پیش به همت زاربی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در شمس می شود همچنان، بر باربر و ورین تر، به فعالیت خود ادامه می دهد.

آخرین شماره این فصلنامه حاوی مطالبی است درباره «سرح احوال معمولی هائری کرس» (داریوس ساگان)، «سرا عازروابط ایران و المان» (مهدی روس صمیر)، «عقل و وحی در اسلام و مسیحیت» (علامه رضا اعوانی)، «گریدهای از سخنان ابومصنور اصفهانی» (عصر الله بورحوادی)، «احبار»، «کتاب ساسی» و «واژه نامه سیاسی آلمانی-فارسی» (موجهر امیر نور) که از چند شماره پیش آغاز شده و اکنون به واسطه حرف W رسیده است و امید می رود که بروی یکجا به

● حاب برسد

● هندوستان

لزوم پذیرش زبان فارسی در سازمان ملل

انجمن سراسری استادان زبان فارسی در هند، خواسته است که زبان فارسی به صورت یکی از زبانهای رسمی سازمان ملل درآید. این انجمن در نامه ای خطاب به نطرس عالی، دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام داشته است که «زبان فارسی همیشه یکی از زبانهای فرهنگی جهان بوده و در گذشته نقش زبان رابط را میان کشورها بر عهده داشته است».

در این نامه گفته شده است که در حال حاضر پس زبان رسمی در سازمان ملل و محامع بین المللی به کار می رود که فقط دوتای آنها به ملیتهای اساعلی دارد، و اکنون که اتحاد سوروی متلاسی شده است و زبان فارسی ناحیک به صورت زبان رسمی هند کشور در آسیای میانه درآمده است، ضرورت دارد که زبان فارسی به صورت زبان رسمی سازمان ملل درآید.

این انجمن درخواست مسائلی برای قبول زبان راسی کرده است.

● افغانستان

دشواری انتشار نشریات

در بایر سال گذشته يك سربه نایرده روره به حانواده مطبوعات فارسی نوشت که وفا نام داشت و در بساور به وسیله «انجمن نویسندگان افغانستان» اراد» مسر می شد.

اکنون این سربه در وضعی به سال دوم عمر خود با گذاشته است که با مشکلات مالی دست به کریان است. رئیس انجمن نویسندگان افغانستان اراد، در نامه ای خطاب به سرداس صمن ایران بگرانی از وضع موجود نوشته است: «در سراط فعلی که در نام افغانستان احباری [= رورنامه ای] و محله بی سرب می شود، به سراط سرب مهاسب، حانیه یافتن سرب حربه بی طرف و ارادی حون وفا، که بیانگر ارمانهای اکیرت حاموس مردم افغانستان است، کار دور از انصاف می نماید».

نام و سان این سربه این است:

WUFA (Writers Union of Free Afghanistan)
Peshavar University
Pakistan

● سوییس

افزایش جوایز و کاهش فروش

نویسندگان سویسی ظاهراً بخسارند برآ که بوسه هاسان، هر چند هم کوخک و ناحیر، حواری در پس رودارد. مثلاً در بخش فراسوی زبان سونس در حالی که هر سال در حدود فقط صد عنوان کتاب ناره حاب می شود، جهل حابره ادبی وجود دارد. حسن این وضع این است که هیاتهای داوری ریر فسرهای حور و احور فرار می گیرند و فی الواقع با و حدان آرام فعالیت می کنند.

آنچه در بازار کتاب سوییس تأسف اور است تعداد کم سرحه های

تاریخی رمان فارسی در گسترش دین اسلام و اهمیت آن به عنوان یکی از عی ترین رمانهای ادبی عالم مورد بحث و تأکید قرار گرفت

● فرانسه

چاپ «مرزبان نامه» به وسیله یونسکو

سازمان یونسکو در بایر امسال اقدام به چاپ ترجمه فرانسوی مرزبان نامه در مجموعه «آثار خاوندان ملل» کرد. مرزبان نامه کتابی است مستمل بر حکایات و بمعینات حکمت امیر از رمان خاوندان که به سیوه کلیله و دمنه به وسیله اسفند مرزبان در اواخر قرن چهارم به رمان طبری نوشته شده و در اوایل قرن هفتم به وسیله سعدالدین وراویسی با افزودنهایی به فارسی در آمده است.

یونسکو از ۱۳۵۶ تاکنون دوازده اثر ایرانی را به رمانهای انگلیسی و فرانسوی منسخر کرده که از آن جمله است تاریخ عالم آرای عباسی، صد غزل از حافظ، سیاست نامه، اسکندرنامه، چند داستان کوتاه از صادق هدایت، منسخر شعر فارسی از اعار تا امروز.

● جمهوری آذربایجان

آموزش زبان فارسی

بحسین امورستان رمان فارسی در ناكو آغاره کار کرد اس امورستان بر اساس توافق وزارت فرهنگ و امور عالی جمهوری اسلامی ایران و وزارت علوم جمهوری آذربایجان ایجاد شده است و در حال حاضر ۱۵۰ مورگار در برد استادان ایرانی در انجا تحصیل می کنند تا پس از پایان دوره در مدارس به تعلیم فارسی بپردازند. پس از آن ورر امورس و ترورس جمهوری آذربایجان ضمن سفر به ایران و دیدار با مقامات ایرانی حواسبار بوسعه همکاریهای دو کشور در زمینه چاپ و انتشار کتابهای درسی، مبادله اسناد و دانشجو و تأسیس مدرسه به وسیله ایران در جمهوری آذربایجان شده بود.

● چین

بزرگداشت محمد ابن حکیم

به منظور بزرگداشت محمد ابن حکیم اصفهانی مراسمی در دی ماه امسال در استان «سایدون» چین برگزار شد. محمد ابن حکیم که در رمان حبیبی خانگی می نامیده شده است از مفسران بزرگ قرآن بوده است که در ۱۴ ربیع الاول ۱۰۱۹ (۱۶۱۰ م) در اصفهان متولد شده و در ۵ محرم ۱۰۸۱ (۱۶۷۰ م) در استان «سایدون» درگذشته است. ساکان او اصلاً سمرقندی بودند او در نه سالگی به همراه عمویس برای اهدای يك فلابه سیر از طرف شاه صفوی به قفقوز چین به آن سرزمین رفت و در روستای «لیوسین» از توابع شهر «حی بیتگد» در استان «سایدون» اقامت گرفت و در همان جا وفات یافت.

محمد ابن حکیم علاوه بر تدریس علوم دینی و تعلیم قرآن و کوشش برای ایجاد مسجد، يك کتاب دستور رمان فارسی به رمان حبیبی تألیف کرده که شهرت بسیار یافته است. در مراسم بزرگداشت او سنگ یادبودی از طرف رانری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر روی مراسم نصب گردید.

ع. روح بخشان

است که به فروش می رود در عین حال اگر کتابی برنده حایره ای بشود با استقبال مردم روبه رو می شود و این امر به نویسنده امید خاطر می دهد و موجب تقویت روحیه او می گردد.

بررگترین حایره کتاب در سویس «حایره بزرگ میاد وودوا برای حمایت از فرهنگ» است که مبلغ آن صد هزار فرانک سویس (۱۲ میلیون تومان به ارر اراد) است.

● قزاقستان

نمایشگاه بزرگ فرهنگی

بحسین نمایشگاه بزرگ فرهنگی ایران در المظاظه نایتخت قزاقستان (که معمولاً «آلمانا» تلفظ می شود) تشکیل شد در این نمایشگاه که در نیمه ادر برگزار گردید ۳۰۰ عنوان کتاب به رمان فارسی، تعدادی تصویر، مسانور، بالو نقاشی و صنایع دستی و نمونه های خوشنویسی به نمایش گذاشته شد که مورد استقبال فراوان قرار گرفت. ورر مطوعات و رسانه های جمعی قزاقستان گفت که تاکنون در قزاقستان از هیچ نمایشگاهی این حسن استقبال شده است. در پایان اس نمایشگاه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هزار حلد کتاب به کتابخانه ملی قزاقستان اهدا کرد.

● جمهوری آذربایجان

بزرگداشت نظامی گنجوی

بهسعد و سحاهمس سالرور تولد نظامی گنجوی در ناكو نایتخت جمهوری آذربایجان و چند شهر دیگر حسن گرفته شد. در این مراسم رولاد بلبل اعلو، ورر فرهنگ جمهوری آذربایجان درباره «ایده های خاوندان» نظامی سخن گفت و الدارصلاف، رئیس اکادمی علوم آذربایجان گفت نظامی آثار خود را با بکیه بر دساوردهای فرهنگی سلهای گذشته و برای اسدکان خلق کرده است.

● آلمان

تشکیل موزه ایران در هامبورگ

جمعی از ایرانیان مقیم آلمان و آلمانیهای علاقه مند به ایران با همکاری اعضای سمینار سری ساسی دانشگاه هامبورگ اقدام به تأسیس يك موزه به نام «موزه ایران» کرده اند. برای اس موزه که در بورور اسده رسماً افتتاح خواهد شد تاکنون اسباء فراوان و بر تعداد قابل توجهی کتاب و سر به گردآوری شده است. ریاست انجمن موزه ایران را دکتر گرد گروپ، استاد سمینار سری ساسی برعهده دارد. هدف از تأسیس این موزه اسبا کردن مردم آلمان با فرهنگ و تمدن ایران و بوسعه ارتباطات فرهنگی میان دو کشور اعلام شده است.

● لبنان

نقش زبان فارسی در مبادلات فرهنگی

به اسکار رانری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بیروت سمیناری با عنوان «نقش رمان فارسی در مبادله فرهنگی میان مللهای منطقه» برگزار شد که در آن جمعی از استادان و صاحب نظران ایرانی و خارجی از جمله علی حبتی معاون بین الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شرکت کردند. در این سمینار بیود بر دیک رمانهای فارسی و عربی و نقش

رباعیات خیام

پیردریس محترم

بنس از هر حیر لارم می دادم که از رحمت سما و همکارانتان در اسرار بی وقته محله سرداس فدرانی کم همحین ساسگرام از تو می که در شماره سیم محله (مهر و آبان ۱۳۷۱، صفحه ۶۰) به کتاب رباعیات حکیم عمر خیام منقول داشته اند مخاطب این کتاب، که به کوشش سده به رباعیهای فارسی و آلمانی در کشور آلمان فدرال منتشر شده است، در درجه اول خواننده آلمانی زبان بوده است ولی تصور می کنم که اساره به حد نکته در باره این کتاب برای خوانندگان محله سرداس پیر که تلاطمند آگاهی از انتشار کتابهای حاب خارج از ایران هستند، می تواند سودمند باشد.

بحسب آنکه رباعیات این حاب دوربانه براساس نسخه خطی معروف و بسیار قدیمی که هم اکنون در کتابخانه «بودلن» در شهر آکسفورد انگلستان نگاهداری می شود تنظیم و ترجمه شده است تاریخ ثابت این نسخه خطی سال ۸۶۵ هجری قمری است که با خط سلیق کامل توسط سیح محمود بر بودافی در شهر سترار نوشته شده است و فریدریس رورن محقق آلمانی که بررسیهای ترمایه ای درباره حنام ایحام داده از آن به عنوان یکی از اصل ترین نسخ رباعیات حنام یاد می کند رباعیات این نسخه ۲۴۸ سال بعد از مرگ حنام بحریر شده است و ضبط رباعیها به هیچکدام از ترجمه های مرسوم نیست، به این خاطر در حاب اخیر پیر ترتب رباعیات به گونه ای که در اصل نسخه خطی بود، حفظ شده است.

الته اسکالاتی پیر به این نسخه و اصل بودن رباعیات آن گرفته شده است که من در اینجا به دو مورد از آنها اشاره کوناهی دارم سادروان صادی هدایت در کتاب ترجمه های خیام معتقد است که «رباعیات بگانه پیر درین مجموعه دیده می شود» ولی از آنجا که برای ادعای خود دلیل منطقی و سند معتبری ارائه نمی دهد بطرس را نمی توان و باید حدی تلفی کرد خاورسنااس شهر روسی روکوفسکی در ترجمه های خود برای معیر دادن رباعیات اصل از غیر اصل روس خاصی انداع نمود و از میان ۴۶۴ رباعی منسوب به خیام ۸۲ رباعی که در دیوان دیگر شاعران فارسی زبان پیر آمده است جدا کرد و آنها را «رباعیات گردیده» نامید بعدها خاورسنااس مسهوری چون دسرس انگلسی و ارنور کر سسس دانمارکی بعد از رباعیات گردیده را به ۱۰۲ رباعی رسانید اما به کارگیری روس روکوفسکی بر از اعتبار نسخه ودلس حیری بکاهید، زیرا که روکوفسکی برای مثال دور رباعی شماره ۱۱ و ۷۵ را حرور رباعیات گردیده فرار داد و آنها را به طالب املی سست داد در حالیکه تاریخ وفات طالب املی به سال ۱۰۳۶ هجری قمری ست شده و حنامه بیستر پیر اساره سد نسخه بودلن به سال ۸۶۵ هجری قمری، یعنی ۱۷۱ سال پیش از آن بحریر شده است و نمی تواند طالب املی باشد.

فریدریس رورن در مقدمه کتاب رباعیات حکیم عمر خیام که در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی در برلین منتشر شد، به طور تفصیل به بررسی روس روکوفسکی و نقص آن در تعیین رباعیات خیام پرداخت این مقدمه با وجود ایجاز یکی از تحقیقات معتبر برای تعیین قدمت و اعتبار

سخ محلفه اصالت رباعیات خیام به شمار می آید در سال ۱۹۱۳ میلادی سجده ای موسوم به موس الاحرار می داف لاسعار به خط محمدن بدرحارمی از سرعای بالنسه معروف فارسی زبان در پاریس به دست مرحوم علامه محمد فروبی افتاد که گردیده اسعار دویست بن از سرعای فارسی زبان را در برداست در این حنک که در سال ۷۲۱ هجری قمری کتاب سده ۱۳ رباعی بر از خیام موجود است کسانی که درباره خیام و رباعیات او تحقیق کرده اند متفق القول بر اینست که این ۱۳ رباعی از حنام است و در اصالت آنها تردیدی نیست همیحا اساره کم که ۳ رباعی از ۱۳ رباعی نسخه موس الاحرار در سجده ای که مرحوم ما بوده ضبط شده است که خود نشان از اعتبار آن دارد.

تلاوه بر این رباعیات اتور کر سسس هم رباعیهای از حنام گرد آورد که در میان آنها ۶ رباعی را می توان از حنام دانست بخصوص که یکی از این ۶ رباعی نسخه موس الاحرار با اندکی تفاوت آمده است که بعدا به آن اشاره خواهد شد از این ۶ رباعی هم ۴ رباعی در نسخه بودلن که اساس کار ما بوده موجود است افرون بر آنها بعدا دی دویستی بر در دست است که در کتب قدیمی به حنام منسوب شده است و در رمره دوسنهای اصل حنام منسوب می شوند این رباعیها به قرار بر اینست.

۱- دور رباعی در کتاب مرصاد العباد، تألیف نجم الدین رازی (یکی از این دو در نسخه موس الاحرار بر ضبط شده است)
۲- دو رباعی در کتاب برهه الارواح و روضه الافراح فی بواریح الحکماء المتقدمین، تألیف سمس الدین محمدن محمود شهر روری
۳- یک رباعی در کتاب فردوس البواریح، تألیف ملاحیر و ابروهی که در حدود سال ۸۰۸ هجری قمری بحریر شده است
۴- یک دویستی در کتاب تاریخ جهانگشای حوسی که در شات تاریخ کریده حمدالله مسووفی بر که به سال ۷۳۰ هجری قمری تألیف شده است دیده می شود.

به این ترتیب جمع رباعیات اصل حنام ۲۳ عدد می شود که ما بر د نامان حاب دوربانه خود آنها را آورده ام. سده بر اساس مقیاس این دوسنهای که افکار و فلسفه، یکی حنام در آنها نهفته است و همچنین بر نامه قسمی از مجموعه روضه القلوب که به حنام منسوب است و اس اند سمد ایرانی با حدی افکار فلسفی خود را در آن بصراحت بیان داده است، در مقدمه ای که بر حاب حدید بگاسم از او به عنوان «شاعری غارف» یاد کردم و برای اسبابی بیستر خوانندگان آلمانی زبان با اندسه و اعتقادات حکیم ایرانی، اس بحس از من شات روضه القلوب را بر به آلمانی ترجمه نمودم.

در خاتمه می فایده بدیدم که ۲۳ رباعی اصل حنام را یادکر ما حدید اسحا بر ساورم در اسدا رباعیات سرده گانه نسخه موس الاحرار

(۱) غالم اثر از پیر بو می اراند

مجران بدان غی عافلان بکراشد

سناار جو بو رود بسیار آید

برای نصف حوسن کت برانسد

(۲) حون روری و عمر بیس و کم توان کرد

خود را بکم و بیس درم توان کرد

کار من و تو حناك راى من و تسب
ار موم بدست خویش هم توان کرد

(۳) وفت سحرست حیر ای مایه نار
برمك برمك ناده حور و جنگ بوار
کابها کی بچاید نباید کسی
و آنها کی سدید کس نمی اند نار

(۴) حون سبب مقام ما درس دهر مفیم
سبب بی می و معسوق حطانی است عظیم
نا کی ر قدیم و محدب امیدم و سم
حون من رفتم جهان چه محدب چه قدیم
(مطابق رباعی شماره ۱۱۲ بودلش)

(۵) حون اثر نورور رح لاله سبب
بر حیر و بحام ناده کی عزم درست
کین سره کی امرور تماسا که تسب
فردا همه ار حاك تو بر خواهد رسب

(۶) بر سلك ردم دوس سویی کاسی
سرمسب بدم خو کردم این اواناسی
نا من بران حال میگفت سو
من حون بو بدم تو بیر حون من ناسی
(مطابق رباعی شماره ۱۴۶ بودلش)

(۷) يك فطره آب بود و نا دریا سد
يك دره حاك نا رمین یکتا سد
آمد سدن تو اندرین عالم حبیب
آمد مکسی بدید و ناسدا سد

(۸) انام رماه ار کسی دارد يك
كو در عجم ایام بسید دللك
می حور تو در انکیه و ناله حاك
ران بیس کی انکیه اید بر سلك
(این رباعی در نسخه موسی الاحرار به این صورت آمده است
ولی در نسخه کریستس به جای «انام» در آغاز بیت اول «حیام» بسته
است)

(۹) این بحر وجود آمده بیرون ر بهف
کس بیست که این کوهر تحقیق سبب
هر کس سحی ار سر سودا گفتند
رآن روی کی هست کس نمیداند کف

(۱۰) ای بیر حردمند نکه تر بر حیر
و آن کودک حاك بیررا سکر بیر
سدس ده و کو کی برم برمک می بیر
معر سر کفهاد و جسم برویر

(۱۱) دوری که درو آمدن و رفتن ماسب
اورا به بهایب به ندایت بیداست

کس می برید دمی در این معنی راست
کین آمدن ار کجا و رفتن نکجاست
(این رباعی در کتاب مرصادالعباد بحم الدین راری هم صسط سده
است)

(۱۲) می حور که فلك بهر هلاك من و تو
قصدی دارد بحان ناك من و تو
در سره سبین و می روس میحور
کین سره سبی دمد ر حاك من و تو

(این رباعی در نسخه بودلش هم با تعبیر حرنی صسط سده است)

(۱۳) ای انکه سیحه چهار و هفی
ور هف و چهار دایم اندر تفتی
می حور کی هرا ر ناره بیست گفتم
نار آمدت بیست خو رفتی رفی

(۱۴) حیام ر بهر گه این مام حبیب
ار خوردن عم فایده بیس و کم حبیب
آنرا که گه نکرد غفران بود
عفران ر برای گه آمد عم حبیب
(نسخه کریستس، مطابق رباعی شماره ۲۳ نسخه بودلش)

(۱۵) تا حد ریم بروی دریاها حبیب
بیرار سدم رت برسان کسب
حیام که گفت دورخی خواهد بود
که رفب بدورخ و که آمد ر بهب
(نسخه کریستس، مطابق رباعی شماره ۱۸ بودلش)

(۱۶) حیام اگر ر ناده مسی حوس ناس
نا لاله رخا اگر سسی حوس ناس
حون آخر کار بیست خواهی بود
انگار که بیستی خو هستی حوس ناس
(نسخه کریستس، مطابق رباعی شماره ۱۰۲ بودلش)

(۱۷) تا سوا بی خدمت ربدان میکی
نیاد نماز و روره ویران میکی
سسو سخن راست ر حیام عمر
می میحور و ره میرن و احسان میکی
(نسخه کریستس، مطابق رباعی شماره ۱۲۳ بودا)

(۱۸) نا حد ر مسحد و نماز و روره
در مکنده ها مسب سو ار دریوره
حیام بحور ناده که این حاك ترا
گه حام کید و گه سو که کوره
(نسخه کریستس)

(۱۹) دارنده خو ترکیب طابع آراست
ار بهر چه او فگندس اندر کم و کاست

آقای دکتر محمد دبیرسیاهی به مناسبت سر نامواره دکتر محمود افشار این دو بیت را آورده و معانی «واره» را در آن مدرج ساخته اند تا کسانی را که «نامواره» را نادرست می دانند قانع سازند

«واره» گفتا که بوب است و سیه

«نامواره» خلاف معیارست

گفتن «نامواره» می گوید

بوب یاد دکتر افسارست

با این تفصیل طاهراً نا افزودن بسوید «واره» چهار گونه اراده معنی می شود (۱) بوب و موسم و دور و زمان، (۲) ادین و دنباله، (۳) دارنده (با نه قول آقای دکتر صادقی حامل)، و (۴) همانندی و ساهت

ایرج افشار

آقای سمعی گیلای.

آفرین بر نفست باد که خوش بردی بوی

مقاله بر معر و بر سرور و گذاریان را خواندم هم سوی کردم. هم گریستم و هم حیدیدم سو هم از این بود که صاحب دردی پیدا شد که «اح» یکسد و جوانمردی صاحب سعه صدر و دردسار پیدا شد که «اح» او را در سرداس فریاد رید و سر کید.

مریراد دسی که انگور حید

مر براد نایی که در حم هسرد

گر سسم به خاطر ذکر حسمت و حاه داسگاه و داسگاهیان در دبار کهر و مفایسه سان نا مراکر علمی خودمان و حیدیدم به خاطر وضع اسفار تحقیق و محقق، عالم و متعلم در حوره داسگاه که این کمترین داسجوی گمیده ای است از آن داسگاه بر عرص و طول که البته عرض و طول هندسی ان ریاد است و عرض و طول علمی آن اندک اقبایوسی است نه عمق یک ندانگست

از یکی از دبران دوره دبیرسایم که ساکرد سر یعنی بوده است شنیدم که دکر حال «تحقیقات ایرانی» را حیی گفته بود سالها اروپاییان کوسیدید نا سجه های حطی نفیس ایرانی را که البته دردیده بودند - برای رهایی از نوسیدگی و روال و بیسر نه قصد بهره وری اهل علم به سجه های حایی تبدیل کید و حالا برخی اسانید داسگاه همان کتابهای حایی را بدیل به حطی می کید - البته نه حط دایسحوان و دانشجویان آخر سر وقتی امتحان ان درس حروه ای را بعضاً نا عمرعین (یا عمص عین) اسناد از روی حروه به صفحه کاغد امتحان پوستید، همانجا حروه را در سالی امتحان می گذارید یعنی به زبان علمی نه اسناد می گوید مال بدیج رس صاحبس

همه حرفهای آن گیله مرد دلجو حتمی صمیمی راست بود حر یکی که فرموده اند ورود به داسگاهها مشکل و بیرون آمدن از ان آسان است نه برارحان، حیی نیست نا سراط و صواط و رواط حیدید هم آمدن بو آسان است و هم بیرون آمدن اسار می گویی نه، بیا و بین برارحان، مگر سسیده ای که حد سال است سؤالات امتحانی فوق لیاس را هم چهار حوایی کرده اند؟ کور ناسی ای داوطلب اگر ارمیان چهار گریه پاسخ ردد - سیاه - ای و سفید ندایی که رنگ «ماس» سفید است و البته روی علم سیاه!

از رسته تاریخ می حواسم بگویم که بدیخته در بهمن ماه امسال

از ان رسته فارغ التحصیل می سوم در این رسته ما از وجود استادان میر و کارامدی برخورداریم که اگر يك روز بر حسب سوءتصادف حروه درسی خود را در علندان (سامسوب) بگذارید و در کلاس متوجه این صایعه عظمی سوبد، آن ساعت عسی اسناد گل می کید که نه بجهها «مطالعه اراد» بدهد من در این چهار سالی که در این داسگاهم نه کتابر و سیاه از حمله کتابروسی - سر می ریم بول ندارم کتاب حرم ولی اردول سر مدر کتابروسی که نه سک فسه نار کار می کید، میان فسهها گستی می ریم و کتابی می سیم - لافل وصف العس نصف العیس را از ما بگرفته اند اما آرزو نه دلم ماند يك وقت هم اسنادی از اسنادان داسگاه را آنجا ریارت کم که اگر بولسان را در راههای حیر مصرف می کید و در راه «کتاب» حرام می فرماید حذافل بیاید سسد که در رسته تحصی سان حه کسانی حه تحقیقانی کرده اند

برارحان، کحایی تا سنی استاد محترم تاریخ که سس از ۱۵ سال است در این داسکده تشریف دارد يك سطر یادداشت هم در حایی از اسان حاب سده من حو استادانم را سحت دوست دارم دلم لك رده که نام نامی و اسم گرامی سان را در رورنامه ای نا محله ای بر صد، مقاله ای سیم

اما از حق نباید گذست، در داسکده ما تحقیقات هفتگی و فصلی صورت می گیرد تحقیقات هفتگی، یعنی اینکه افراد محضوسی که فلا سفسان مهر «قول» حورده است محارید سحر بخواند، و این مهر قول را کسی می رید که نه عمرس يك قطعه سحر بو بخواند است ولی او سلیمان زمان است که حاتم نا اوست تحقیقات فصلی، بوحیح آنکه فصل یعنی «مصلحت وقت» نه اس معنی که هر وقت «فصل ارباء» بردید می سود اسنادان محترم محله ای علم می کید و گاه از ریادی علم، يك اسناد دوم مقاله در يك سماره این محله دارد نا «امسار مر بوطه» بود سود آقای سمعی عرب، از احرام و عرب اسناد گفته بودی و کم گفته بودی بیا سسو حذب دردسار اسنا اسناد را نه حرم اینکه نا حذس داسجوی «محضوس» عالمانه و سرافتمدانه رفتار کرده و بمره مقب داده است. نا هو و حمال کسان کسان از بله های طفه دوم نه بر می کسد و نه دست مأمور می دهد استاد را نا موی سفید و ۳۶ سال حو - دل حوردر در معلی نا سعار «مرک بر اسناد آمریکانی» سرون می اندارد و اعلامیه های کدایی - حانکه افتد و دایی - صادر می کید و فی اس اعلامیه ها را می حوایی بعد می فهمی ای داد بیداد استاد نفسر فران کسف الاسرار، مسوی معنوی، دیوان حافظ، مرصاد العباد، منطق الطیر و حه کسره هایی مرکت سده طرف نه تنها آمریکایی، بلکه نا موی سفید و سراه سر فاسد الاخلاق و منحرف هم بوده است از حوره تاریخ سرون افتادیم من به ادبیات علاقه داستم ولی از بد حادیه نه گردونه تاریخ افتادم هرچه ناسد حرفه ما و ادبیاتها در ناب افتاب حسک می سود در گروه تاریخ اسنادی داریم که گاه گاه مرتکت تحقیق می سود و کتب تاریخی منتشره را نقد می کید ناآخره علمی می رید و رحمتی می کسد ایسان حیدی سس از رکود علمی در داسگاه حیری در رورنامه ای بوسب بلایی نه سر او آوردید که اکنون از سانه حود هم رم می کید

استادی از اخله علمای گروه انگلیسی می فرماید من اصطلاح مرحوم دکتر حابری را که فرمود «اسناد بول تایم» عملاً احام می دهه نا قدرتی که دارم ۹۰ (بله بود) ساعت در هفته تدرس می کم!

نارهم نگویم حساب سمیعی؟ دردهایی که سما برسمردید در «داسگاه» بود، ایها را هم در کنار آنها حادهدید کاظم رودسری

دو اشتباه در «التفهیم»

نامه تکریمی سردانسن،

در مروری که به مناسبتی به کتاب التفهیم لاوائل حساب السجیم ابوریحان بیرونی، که با تصحیح و مقدمه و حواشی علامه حلال الدین همایی نار اول در ۱۳۱۸ منتشر شده و بعد هم چاپهای دیگری از آن در سیرس حواسناران فرار گرفته است، داستم در صفحه ۹۳ به دو اسنابه بر حوردم، یکی کوحك از طرف بیرونی، و دومی بررکبر از مصحح برانقدر کتاب، حون التفهیم در حکم دانسانمه ریاضی سده سجم و سسار طرف رجوع است، صلاح در ان دانسم که هر دو سسه را رفع کرده، اصلاح سده ان را در دسترس حواندگانی از سردانسن که به التفهیم دسترسی دارند یا به ان مراجعه می کنند، فرار دهم

در صفحه ۹۳ کتاب ناد سده، در من، از قول ابوریحان آمده است «و اما اراطسن، انك این صورتهای ای فلکی ارا کرده است» و اسناد همایی در حاسیه ۵ همان صفحه حسن فرموده است

مقصود ارانسن Eratosthenes سجم و ریاضی دان معروف یونان است که ۲۷۶ بیس از میلاد مولد سده و ۱۹۴ قبل از میلاد وفات یافت بولدس در یکی از سهرهای افریقا و بحسلسن در اسکندریه و ان بود و همواس که در ۲۵۰ بیس از میلاد میل کلی را ۲۳ درجه و ۴۶ دقیقه اسنحراح نمود و فاصله رمن را از احناب و ابعاد و فوس يك درجه نصف النهار رمن را معسن کرد و ابرحسن (هسارک Hipparque) از علمای معروف سجوم و جعرافیاس که در ۲۰۰ بیس از میلاد یعنی ۷۶ سال بعد از ارانسن مولد سده هم اصول و فواعد سجومی و ریاضی سسار کشف نمود و بظلموس دسانله عفاید انهار را گرتف و محسطنی را بدوین کرد

اما ارانوس - با نا املای ابوریحان «آراطسن» - (۸۶۶-۹۳۶ هـ) با ربوسنس اسکندرای (۸۹۱-۸۱۵ هـ) یکی بیس، ۴۵ سال سن ار مولد سده و ۵۱ سال سن ار اودرگدسب وی، که در سولی از سهرهای نیلکیه متولد سده بود، برسك و ساعری یونانی بود که نكحد در دربارهای آنتیگونوس دوم گونانسن نادسانه مقدونی و اسیوحوس سجم نادسانه سلوکیدی سوریه می ریسب سهرت او به سب دو کتاب سحر موریده است به نامهای Phaenomena (نمودها) و Diogenes (علائم اسمانی) نمودها دارای ۱۱۵۴ سحر سنس وندی است که ۷۵۷ سحر ول ان توضیح ۴۰ صورت فلکی است و بقیه دربارله هواساسی ۷۵۷ سحر اول است که این فکر را در ابوریحان الفا کرده بوده که ارانوس صورتهای را سناخته بوده است حال ان که انداع فکر صورتهای فلکی مربوط به تمدن فرات است که حد فزن خلوتر از ارانوس و ازابوسنس سروع سده بود و ابرحسن نادف ریادی که داسب انهارا گرتف و کامل شرد و بعداً بظلموس انهارا در محسطنی به صورتی منظم آورد نمودهای ابوس سسار موردسند رمان واقع سده و کیکرو (سیسرون) و دو بر دیگر ان را به لاتینی برحمة کردند که سسحههای ان در کتابخانههای بزرگ هسب

بیسهاد من اس است که حاسیه دیل در سسردانسن حاب سده تا دارندگان التفهیم سسحه خود را با توحه به ان اصلاح کنند

اراطسن، یا ارانوس، برسك و ساعری بود از مردم سولی، سهری در کیلیکیه آسیای صغیر وی در ۳۱۵ قبل از میلاد راده سده و در ۲۱۵ قبل از میلاد درگدسب ار اودو کتاب سحر آموریده برحای مانده است که در یکی از انهار به نام Phaenomena (نمودها) سرح و وصف جهل صررت فلکی در ۷۵۷ سطر سحر سنس وندی سروه سده است بقیه کتاب مربوط به هواساسی است کتاب سسار موردسند واقع سده و سه تن از رومیان، که یکی از آنان سیسرون معروف است ان را به لاتینی برحمة کردند و سسحههای ترحمة سیسرون در کتابخانههار بزرگ نامی است

احمد بیرشك

جید نکته در يك مقاله

در مقاله حبات اسناد سمیعی (در سماره ۵، سال ۱۲) حد نكته حرنی به نظر رسد که ذکر انهارا حالی از فاندنمی دانم حون حبات سمیعی فردی دقیق و نكته سن است و ساند، حواهد نكاتی از اس دسب را هم در حبات احنمالی عدنی اس مقاله لحاظ فرماند

ا اص ۲۱، سنون ۱، سطر ۴ و ۵ «دوالاسقام» و «دوالاسقام» هر دو به همن صورت مسط سده، نه الله علامت «ه» در الف در هر دو مورد راید است و ناموات، در ا اس علامت در رسم الحظ عربی محسوس همزههای قطع است و همزه «اسقام» همزه وصل است و باید روی ان علامت وصل، یعنی «ا»، کداسب حنانکه در فران مسند حاب «حار و سساری از سنی که در بلاد عربی حاب می سده اس نكته رعایت سده است الله نهادن علامت وصل روی همزه وصل مسسب است، ولی نهادن علامت همزه قطع روی همزه وصل ناموات

ا اص ۲۱، سنون ۲، سطر ۷ «محاسنه دواعی الفسانه» اسنابه و صسح ان «محاسنه الدواعی الفسانه» است حون «الفسانه» مسف برای دواعی است و حون معرفه است لارم است «دواعی» هم معرفه ساسد الله سرح تعرف در سسرس سده ساسم حوکه مسط کرده است ا اص ۲۱، سنون ۲، سطر ۳ «لحنس - رسن از دوسو» ساند ملاحظه ودف سده، ظاهرانه «رسن» لحنس - به سسه - اطلاق می سده و به رسن يك بر - ولو به لحاظ دوسو - لحنس گفته سده ظاهر ادرسب در اسنبا «لحنس» سسه «لحنس» ساسد به معنای «العطمان اللدان فیهما الأسنان» یا به معنای «سب اللحنه من الاسنان و عره» = حایگاه روبیدن رسن در اسنان و غیر اسنان رك معجم وسط، «لحنس» و «لحنان» یا «لحنس» در لعب استعمال سیده، ولی ظاهرأ «لحنس» استعمال سیده به هر حال ملاحظه ودف سده

ا اص ۲۲، سنون ۱، سطر ۲۱ و ۲۲ «مرووسن ار ترویس» ظاهرأ درسب «مرووسن» ساسد بر وزن «مقول»، اسم مفعول از «راض یروض»، به ارباب مفعول، و نامقام هم مناسبت دارد در لعب آمده است «راض بمسه بالقون» از حضرت امیر علیه السلام هم در نهج البلاغه (صحنی صالح، ص ۴۱۷) مفعول است انما می نفسی اروضها بالقون، «الارووسن نفسی» در لعب هم «مرووسن» استعمال سیده است رضامختاری

«بازآمد» یا «پسخوراند»

سرمدیر گرامی

پس از سلام، آقای علامعلی حداد عادل در شماره چهارم، سال دوازدهم، صفحه ۸۴ سرداس، واژه «نارآمد» را برای feedback پیشنهاد کرده و به بحث گذاشته‌اند. نگارنده که هجده سال گذشته را در کار واژه‌سازی علمی و فنی گذرانده و برابرهای بسیاری برای واژه‌های انگلیسی ساخته است به خود اجازه می‌دهد که در این باره دو نکته را به عرض برساند.

۱) بسیاری از واژه‌های انگلیسی، گذشته از «نام»، «مصدر» نیز هستند؛ از این دو بهتر است برابر فارسی همین واژه‌هایی همان‌ساخته شود که توان مصدر آن را نیز همچون يك واژه فنی به کار گرفت. feedback از این گونه واژه‌هاست. یعنی هم «نام» است و هم «مصدر». اگر «نارآمد» را برای این مصدر هم مصدر آن «نارآمدن» خواهد شد نه از واژه‌های غیر علمی و ساده فارسی است نه در تمکون‌های روزانه به کار می‌رود و نه هیچ‌رویی معنای to feedback نمی‌دهد. از «نارآمد» مصدر مرکب، مثلاً «نارآمد کردن» یا «نارآمد شدن»، نیز نمی‌توان ساخت نه هر دو بی‌معنی است از این گذشته feedback به خلاف آنچه نه آقای حداد عادل نوشته‌اند همیشه «حاصل و نتیجه یک فرایند» نیست «که نه سویی ما را می‌گردد» (این هنگامی درست است که مدار بسته، یعنی خروجی و ورودی بسته‌نخواه یکی باشد)، بلکه بخشی از حاصل یا خروجی است نه با ورودی دستگاه می‌آمرد یا خروجی را کنترل کند همچنان‌که باید باشد. که این بخش از خروجی به سویی ورودی را می‌رساند بلکه بازگردانده می‌شود از این رو «بازگردان» و «بازگرداندن» به معنای feedback است. بر دیگر است با «نارآمد» و «نارآمدن» که به «بازگرداندن» نیز همان اسکالی را دارد که «نارآمدن»، یعنی از واژه‌های روزانه و ساده فارسی است. و اصولاً بازگردان یک معنای علمی بر واژه‌های ساده زبان کار بسیار دسوارتری است.

از اینها که نگذریم نگارنده بر این باور است که همان واژه «پسخوراند»، از ساخته‌های فرهنگستان نیست، و مصدر آن «پسخوراندن» برابرهای بسیار نامعنی و زیبایی برای feedback هستند که گذشته از برحمت لفظی، مفهوم آن را نیز خوبی نمی‌رسانند، بویژه که «پسخوراندن» از واژه‌های ساده رایج در فارسی نیست و تنها در همین مورد به کار رفته است و بیاری به صاحب مصدر مرکب، مثلاً «پسخوراند کردن» ندارد.

۲) سرداس تاکنون به واژه‌های علمی و فنی فارسی پرداخته است (ساند به این علت که این واژه‌ها تخصصی هستند و دامنه بهره‌برداری از آنها بسیار تنگتر از واژه‌های ادبی است) از این رو درج پیشنهاد آقای حداد عادل از کارهای غیرمرسوم سرداس است. ما اینهمه نگارنده این کار را می‌بیند و پیشنهاد می‌کند که سرداس در هر شماره صفحه‌ای را با عنوان «پیشهاد شما چیست» بگشاید و برابرهایی را که دانشوران و فنی‌سازان برای واژه‌های علمی و فنی انگلیسی ساخته‌اند، که در زبان فارسی حائز اهمیت و استفاده‌ای ندارد، چاپ کرده و به بحث بگذارد و پیشنهادهای دریافتی را در شماره بعد چاپ کند. ما این کار بسیاری از واژه‌های زبان را گوسه‌سینی به در می‌آیند و هم کم‌کم گنجینه‌ای از واژه‌های نو و کمیات فراهم می‌شود که می‌تواند مورد بهره‌گیری

کمیته‌های تخصصی مرکز سرداسگاهی و فرهنگستان زبان ایران برساند

دکتر کاظم ابهری

تاریخ زیلوی میبد

در کتاب یادگارهای برد (جلد اول، ص ۴۹۲) عکس زیلوی که در میبد دیده بودم چاپ شده و به علت ناقص بودن عکس و سیاه شدن ارقام هرا و چند، تاریخ آن به جای ۱۱۸۸ در آن کتاب ۸۰۸ آمده است. این اشتباه بعد از مقاله و تحقیق مندرج در دایره المعارف ایرانیکا وارد شده است. شاید در مقاله‌های دیگر

چون اسبانه مدور ممکن است نامسند دیگران قرار گیرد و چون دوست عزیزم دکتر سروش برهادر سرداس (سال دوازدهم، شماره دوم، ص ۱۵۲) بر اساسی به تاریخ ۸۰۸ آورده است، خواهشمندم تاریخ این یادآوری ارجاع دهید تا بعد از این سهواً آگاه فرمائید. خودم ضمن مقاله‌ای که به درخواست خانه استثنایاتی، مطالعه زیلوی ایران، برای تاریخ مجموعه‌ای خاص (مسارهای ایران) به نام «اسناد ایران» تاریخ زیلوی در میان فارسی نوشته‌ام. مندرج در اسبانه از محققان اروپایی شده‌ام. از فضل همسفرم آقای عبدالعظیم یوناسی که به تاریخ عکس، یعنی و کامل از نسخه آن زیلوی موجب قطع ضبط اسبانه امیرم شده است.

ابرج افتا

فهرست راهنمای «سرداس»

سرمدیر مخبر

با سلام و محبت، فهرست راهنمای ده ساله سرداس، به این سرداس تاریخچه‌ای است برای سردیر تاریخی و دیگر بهره‌سازان و همه دست‌انداگران همکار، و همراه است که ده سال تلاش و مساعیر راه طرح و بررسی مسائل تواناگون مربوط به شایسته و کتابخانه‌ای، خدمت تخصصی و تحقیقی را به بنام سرداس است. انتشار همین سبب شماره سرداس به تحقیقی در پس از پنج هزار صفحه بر یک به هم کرده‌ای از صاحب نظران فرهنگی کشور تاری سرک و درجور بحسن است.

به هر حال، دوره ده ساله سرداس کمینه کرات قدری برای علاقه‌مندان آن است و از این رو اهمیت و لزوم تهیه فهرستی جامع برای آن معلوم می‌گردد. ما بوجه به شرب مقالات، بدوس و نگارش این فهرست هم والایی را می‌طلبیده که آقای محمدعلی رومی از عهده آن برآمده و مشکل دستیابی به مطالب را حل نموده‌اند.

بسیار مناسب و بحسب که دیگر سر بات علمی و تحقیقی بر براد بهینه فهرست راهنما اقدام نمایند تا از این طریق هم کارنامه خدمات فرهنگی و علمی خود را ارائه دهند و هم علاقه‌مندان به مطالب آن سر بات را یاری کند.

محمد بدیع

نشر دانش

سال سیزدهم، شماره دوم، بهمن و اسفند ۱۳۷۱
مدیر مسئول و سردبیر نصرالله پورجوادی

مستاد

۲	نصرالله پورجوادی	اخرین دیدار با پروفیسور ایزو تسو
۹	مقصطفی احتشادی	ساختار قدرت در عهد قاجار به
۱۸	کولیسارلی/توفیق سجانی	دیروز و امروز
۲۲	علی اسرف صادقی	تنبیه ها و امکانات واژه سازی در زبان فارسی معاصر (۸)
۳	علام محمد طاهری مارکه	سبکی و شگردهای نویسندگی
۳۲	توفیق هـ سجانی	در باره نسخه ای از «مثنوی»

نقد و معرفی کتاب

۳۶	هوسک اعلم	به کُل آراسته شد!
۳۹	احمد سمیع (گیلانی)	«مکتوبات» مولانا جلال الدین رومی
۴۳	سید علی آل داود	گنجینه ای کم نظیر در شناسایی نسخ خطی فارسی
		نظر احتمالی به چند کتاب
۴۵	ع روح حساس	گنجینه عکسهای ایران
۴۷		شریان بار آمریکای لاتین
۴۸	احمد صادقی	الحاشیه علی کفایة الاصول

گنجینه

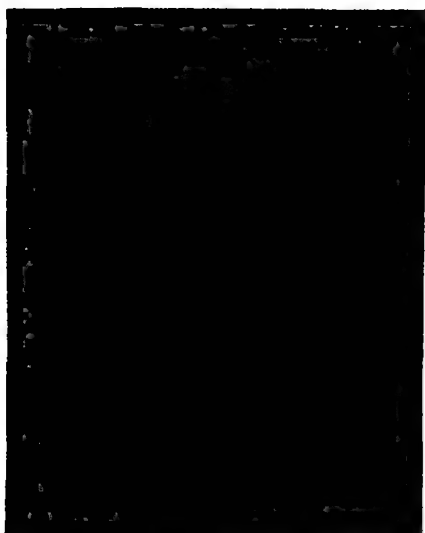
۴۹	احمد حب علی موحابی	نظر احتمالی به چند کتاب چاپ خارج.
۵۱	اراد بروجرودی	راه شاهی، تاریخ عمومی ایران (از ایلین هامفریز)
۵۱	-	رباعیات حیات (ترجمه و تعلیق حسن رصوائیان)
۵۲	-	کوح ششبی در شمال خراسان (از محمد حسین باهلی یردی)
۵۲	-	دهرست کتابهای چاپی فارسی موجود در تویو بونکو (زاهن)
		معایب الرجال

نقد و کتاب

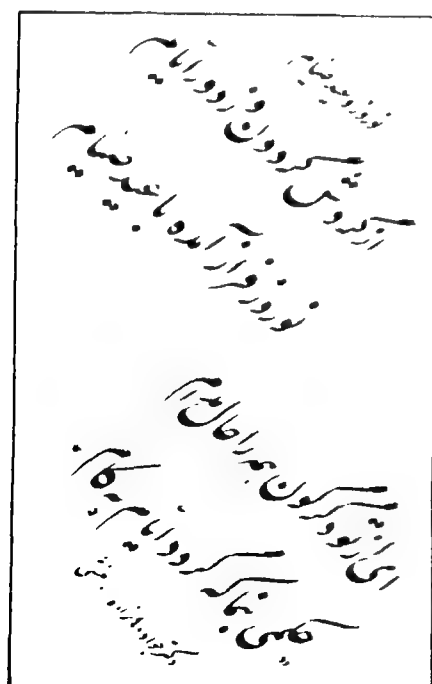
۵۴	امید طیب راده	کتابهای تازه، معرفی، شریه های علمی و فرهنگی
----	---------------	---

خبرها

۶۲	ناصر ایرانی	مرکز نشر دانشگاهی: ناشر سال! کارنامه دو دهه ساله
۶۷-۷۲	-	حرهای علمی و فرهنگی ایران و جهان



روی جلد «گل سرخ»، عباسی مینیاتور، اثر محمد باقر
(اواخر قرن دوازدهم هجری، ایران)



آخرین دیدار با پروفیسور ایزوتسو

نصرالله پورحوادی

او را دیدم مصاحبه‌ای با وی کردم و یادداشتهایی برداشتم در واقع، مصاحبه را برای درج در سرداس بر سب داده بودم ولی کارهای دیگری بیس آمد که مرا از نوشتن و چاپ گراس آن مصاحبه بازداشت. فوب آن سادروان مناسبی بس آورد که من، برای معرفی این محقق بزرگ به خوانندگان سرداس، به یادداشتهای خود رجوع و مقاله زیر را تهیه کم

حدی بیس آقای دکتر مهدی محقق به من خبر داد که اسلام ساس معروف رابی حیات آقای پروفیسور توسی هیکو ایزوتسو در دیماه گذشته (۷ رابو نه) درگذشته است. پروفیسور ایزوتسو سالهای بیس از انقلاب در ایران به سر می برد و فلسفه و عرفان تطبیقی تدریس می کرد و من افتخار ساگردی او را داشتم. با سیدن خبر فوب آن داشتمد عزیز و محترم، به نادم آمد که وقتی به سال بیس، در فروردین ماه ۱۳۶۳، در لندن

اواخر بهار و اوایل تابستان به راس می رفتم و سس بعد از دو ماه به موترال بر می گسب در سال ۵۱ عده ای اردانشجویان که کتاب ایزوتسو را درباره ابن عربی به نام تصوف و تائوئیسم^۱ خوانده بودند، از او درخواست کردند که متن قصوص الحکم ابن عربی را برد او بخواند و به انگلیسی ترجمه و شرح کند. ایزوتسو آن درخواست را احابت کرد. دانشجویایی که در این کلاس سرک می کردند صبح بهر بودند که همه انگلیسی را خوب می دانستند سه بهر ارما (دکتر علامرضا اعوانی، دکتر ویلیام حسیک، و رافم اس سطور) قصوص را قبل از کلاس با کمک سروح عربی و فارسی آن می خواندم و در کلاسی که روزهای جمعه، بعد از ظهر، در خانه ایزوتسو تسکیل می شد متن را می خواندم و ترجمه می کردم و درباره آن به بحث می بردا حتم و اسکالات خود را از ایزوتسو می پرسیدیم این کلاسها چهار سال در منزل ایزوتسو برگزار شد تا اینکه انحص فلسفه تأسیس شد و ایزوتسو رابطه خود را با دانشگاه مک گیل قطع کرد و تمام وقت (به ماه در سال) در بهران می ماند و تدریس می کرد یکی از کلاسهای که در انحص تسکیل می شد همین کلاس قصوص بود که تا سال ۵۶ ادامه یافت تا کتاب تمام شد. رمایی که کلاسها در انحص تسکیل می شد دانشجویان دیگری نیز سرک می کردند که فعالیت از همه دکتر جیمز موریس، داسجوی امریکایی، بود.

از سال ۵۴ به بعد، با آمدن ایزوتسو به تهران به مدت ۹ ماه در

یک هفته بود که از تهران به لندن آمده بودم و در این مدت حدس نار سعی کرده بودم که تلفی با پروفیسور توسی هیکو ایزوتسو تماس بگیرم ولی موفق نشده بودم. در تهران سسیده بودم که ایزوتسو به لندن آمده است و در مؤسسه اسماعیلیه تدریس می کند تلفس مؤسسه را از یکی اردوسان مسترک در تهران گرفته بودم و سه چهار بار در طول روز به آن شماره تلفن کرده بودم ولی پاسخ نمی دادند.

ایزوتسو را سالها بود که می سباحتم. اولس بار که اسم او را دندم در صفحه عنوان شرح منظومه حکمت حاج ملاهادی سیرواری بود. در سال ۴۹ بود که در دوره فوق لساس گروه فلسفه دانشگاه تهران می خواسم شرح منظومه را بخوانم. در آن موقع از فلسفه اسلامی حبری نمی داشتم و مقدمه انگلیسی ایزوتسو بر این کتاب نخستین بوسته ای بود که من درباره فلسفه حاج ملاهادی می خواندم. این مقدمه برای من که فلسفه را به انگلیسی آموخته بودم بسیار سودمند بود و ار همان موقع سفته فلم بو سیده آن شد بعدها سسیدم که ایزوتسو استاد دانشگاه مک گیل در کاناداست و همه ساله حد ماهی را در تهران می گذراند سال بعد او را در تهران دیدم و بعد مناسبی بس آمد که در ماههایی که در تهران احابت داسب لا اقل هفته ای یک بار او را ستم.

ایزوتسو هر سال حدود چهار صبح ماه در تهران بود ترم نایر را در دانشگاه مک گیل بود اواسط زمستان به تهران می آمد و در

سال، تماس و ارتباط من با او بیستر شد. در سال ۵۵ من و دکتر انوائی از او درخواست کردیم که به ما یونانی قدیم درس دهد. من در دورهٔ لیسانس در امریکا يك سال یونانی خوانده بودم. دکتر انوائی نیز مدتی نزد خود مقدمات این زبان را آموخته بود. نه ائروتسو بیسنهاده کردیم که کتاب «یونانی برای دانشجویان فلسفه» (Philosophical Greek) را بخوانیم و او موافقت کرد هفته‌ای يك روز به خانهٔ او می‌رفتیم و در اطاق کار او این کتاب را می‌خواندیم. این کلاس يك سال ادامه داشت. در این کلاس بود که به وسعت معلومات و احاطهٔ ائروتسو به زبان یونانی بی‌بردم در دورهٔ لیسانس، زمانی که یونانی می‌خواندم، هرگز ندیده بودم که اسناد بوخهی به تلفظ صحیح کلمات یونانی داشته باشد ولی ائروتسو در این مورد بسیار دقتی بود و به تلفظ صحیح کلمات اکتفا می‌داد. غالباً برای ما تحوّل را که در این زبان و تلفظ کلمات آن از رمان افلاطون تا افلوطن بدید آمده بود توضیح می‌داد. در این کلاس مکرراً به زبان افلاطون و سربینای او اشاره می‌کرد و می‌گفت خواندن «مکالمات» افلاطون به زبان اصلی برای او بسیار لذت‌بخش است و گاهی سعی می‌کرد حجاب ربایی بر افلاطون را برای ما (تا آنجا که می‌توانستیم بفهمیم) بوضوح دهد.

از سال ۵۵ نه بعد، ائروتسو را هفته‌ای لافل چهار روز می‌دیدم. علاوه بر کلاس «فصوص» و «یونانی»، يك کلاس عمومی هم در فلسفهٔ ادیان آسیایی برای او گذاشته بود که در آن فلسفه‌های ادیان بودائی (بخصوص مذهب دن که مذهب خود ائروتسو بود) و مکاتب فلسفهٔ حسن را تدریس و با عرفان و تصوف اسلامی مقایسه می‌کرد. در این کلاسها گاهی بالغ بر ۵۰ نفر شرکت می‌کردند. روس تدریس ائروتسو در این کلاس فاروس او در کلاس «فصوص» فرق داشت. در کلاس «فصوص» او بسر نه ترجمهٔ دانشجویان گوس می‌داد و استباهات را تصحیح می‌کرد و تآهکاهی توضیحاتی می‌داد. ولی در کلاس ادیان يك ساعت سحرایی می‌کرد. سرس را نه بر می‌افکند و یکنواحت سخن می‌گفت گاهی نه کنار تخته می‌رفت و از آن استفاده می‌کرد درس او نه زبان انگلیسی بود. بدریس او و سحراییس به سوه‌ای خاص بود. آرام و سمرده سخن می‌گفت. معمولاً حدود نیم ساعت صرف مقدمه‌چینی می‌کرد. گاهی، پس از این مقدمه‌چینیها، کلاس نه مرر جستگی می‌رسید و ناگهان سخنس اوح می‌گرفت و در سخ تاده دقیقه مطلب اصلی بیان می‌شد و در همن سخ دقیقه بود که نه سنها احساس خستگی از من دور می‌شد، بلکه از حضور در آن کلاس احساس رضایت می‌کردم و هر بار ارادتم به ائروتسو ریادتر می‌شد.

علاوه بر این دو کلاس عمومی و يك کلاس خصوصی، هفته‌ای

يك بار دیگر نر نه تنهایی به خانه‌اس می‌رفتم و دربارهٔ ترجمهٔ سوانح احمد عرالی نه انگلیسی با او بحث می‌کردم ائروتسو به این کتاب علاقهٔ خاصی داشت و نه تأکید و اصرار او بود که من ترجمهٔ آن را نه انگلیسی شروع کرده بودم. من با این کتاب از سال ۴۷ آشنا شده بودم هرگز روری را که تقریباً نه طور تصادفی نه این کتاب (متن مصتّح هلموت ریر) در کتابخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بر حوردم فراموس نمی‌کم. من از همان بر حورد اول مضمون ربایی و کمال معنوی این کتاب سدم و در کلاس «فصوص» در خانهٔ ائروتسو خندس با را با او در این باره صحبت کرده بودم او با اس کتاب آسیایی داشت و وقتی که علاقهٔ مرا نه آن دید بیسنهاده کرد نه آن را نه انگلیسی ترجمه‌کم. من اول نه دلیل مشکل بودن کار ریر بار نمی‌رفتم ولی نا تأکند و اصرارهای ائروتسو الاخره سلیم سدم مننها به ائروتسو گفتم نه سرطی این کار را حواهم کرد که او ترجمهٔ مرا همحجان که بدریخ انجام می‌گرفت سسد. ائروتسو عول کرد و من از فروردس ۵۴ کار ترجمه را آغاز کردم و وقتی که در بایر ۵۲ نه بهران آمد، بحسی از کتاب را ترجمه کرده بودم و بر فصول آن شرح بوسه بودم ائروتسو ترجمه‌های مرا نه دقت می‌خواند و با من فارسی مقابله می‌کرد و بدکرات بسیار مفیدی می‌داد اس کار چهار سان ادامه یافت و من سعی از سوانح را ترجمه کردم و هر روز ساعتها بر سر این ترجمه و سر و خجی که می‌بوسم وقت صرف می‌کردم و ائروتسو کلمه نه کلمه آن را بارها می‌خواند و وقتی که ترجمهٔ المعانی این کتاب حاب شد، حتی ترجمهٔ مرا نا آن بر مقابله و اختلافات ترجمه را نه من گوسرد می‌کرد اس دوره برای من بسیار اموریده بود من نا خواندن کتابهای ائروتسو فاروس او در بوسس شرح بر کتابهای فلسفه و عرفان آشنا شده بودم و سعی می‌کردم طوری سروح خود را بر فصول سوانح بویسم که او را سسد افتد در طول اس ترجمه بود که من کار کردن ریر برطر مستقیم يك اسناد با سافه را تجربه کردم در مدت چهار سالی که مررب ترجمه و شرح انگلیسی و، همزمان با آن، تصحیح متن سوانح را بی می‌گرفتم، ائروتسو یگانه مسوّق من بود و وقتی که او در زمستان ۵۷ تهران را ترك می‌کرد کار تصحیح را تقریباً تمام کرده بودم و پس از سعی از ترجمهٔ انگلیسی بر صورت نهایی نه خود گرفته بود.

*

باری، روز سه‌شنبه ۲۱ فروردین ۶۳ بالآخره موفق سدم در لندن

حاشیه

(۱) مراد کتاب دبل است

A Comparative Study of the Key Philosophical Concepts in Sufism and Taoism, Part One: The Ontology of Ibn Arabi Tokyo 1966

استقبال کرد. ایزوتسو غالباً در هنگام صحبت دوستانه تبسم می‌کرد. همسرش در را به روی ما گسود و او نیز با خنده و ادب‌رانی به من خوش آمد گفت.

نیم ساعتی دربارهٔ علت مسافرت او به لندن و تدریس در مؤسسهٔ اسماعیلیه و بعد دربارهٔ رورهای قبل از انقلاب و خاطراتمان در تهران صحبت کردیم. گفت برای مدت دو ماه به لندن آمده است و هفته‌ای يك رور در مؤسسه تدریس می‌کند موضوع درس او تحصیلاتی بود که مسلمانان دربارهٔ فلسفه و عرفان هند کرده بودند. برایم اجمالاً توضیح داد که می‌خواهد نشان دهد که چگونه فلسفه هند توسط متفکران اسلامی به رنگ اسلامی درآمده است. مدار بحث او در این درس ابوریحان بیرونی و کتاب ماللهند و ترجمهٔ نوگاسوترا را می‌گفت. گفت نوگاسوترا را تا نحلی را بیرونی به کمک هندوها به عربی ترجمه کرده و خودش زبان سنسکرت نمی‌داسته است او می‌خواست این بیرونی را با منابع اصلی او مقایسه کند.

ایزوتسو سپس دربارهٔ فعالتهای من سؤال کرد. فدری در این باره برای من شرح دادم و محلهٔ سرداس را به او معرفی کردم گفتم من از اینکه به اینجا بیایم فکر کردم با شما مصاحبه‌ای نکنم و آن را در سرداس درج کنم برسد دربارهٔ چه؟ گفتم دربارهٔ خودیان و علت روی آوردن به فلسفه و عرفان اسلامی و علاقه‌ای که به ایران پیدا کردند قبول کرد. گفت از کجا شروع کنیم گفتیم بهر است از اول شروع کنیم. کی و کجا متولد شدید و تحصیلات خود را در کجا و چگونه آغاز کردید و ادامه دادید؟ لیخندی رد و بیس را از گوشهٔ لیس برداشت و گفت.

در چهارم ماه مه ۱۹۱۴ در توکیو متولد شدم. در سال ۱۹۳۷ از دانشگاه کیو (Keio)، که یکی از بهترین دانشگاههای غیردولتی ژاپن است، فارغ التحصیل شدم. در دانشکدهٔ ادبیات در رشتهٔ زبان‌شناسی (Linguistics) درس خوانده بودم و بعد از گرفتن دکترا در همین دانشکده به تدریس زبان‌شناسی و فلسفهٔ زبان پرداختم از همان ابتدا به فلسفه علاقه‌مند بودم، مخصوصاً به فلسفهٔ زبان. علاوه بر فلسفهٔ زبان، فلسفهٔ یونانی قدیم هم به من تدریس می‌کردم.

برسیدم: از کی به اسلام و مطالعات اسلامی علاقه‌مند شدید؟ گفت. وقتی که در دانشگاه کیو تدریس می‌کردم از بنیاد راکفلر پیشنهادی به من شد و دو سال بورس گرفتم و از همان وقت بود که به اسلام و مطالعات اسلامی علاقه‌مند شدم.

گفتم: سیده‌ام که مدتی در مصر و لبنان تحصیل کرده‌اید آیا علاقه شما پس از رفتن به کشورهای عربی ایجاد شد و عربی را در آنجا آموختید؟ گفت: نه. من عربی را در این نزد خود آموختم وقتی بیست ساله بودم، ناگهان به عربی علاقه‌مند شدم و تصمیم

از طریق تلفن با مؤسسهٔ اسماعیلیه، که ایزوتسو در آنجا تدریس می‌کرد، تماس بگیرم. خانمی گوسی را برداشت. گفتم یکی از دانشجویان قدیم بروفسور ایزوتسو هستم و از ایران آمده‌ام. گفت بروفسور اکنون در مؤسسه بیست و شمارهٔ تلفنی به من داد و گفت می‌توانم از طریق این شماره با او تماس بگیرم. ساعت حدود ۶ بعد از ظهر بود و من بلافاصله آن شماره را گرفتم خانمی گوسی را برداشت و با لهجهٔ رانی غلیظ با من صحبت کرد. همسر ایزوتسو بود. همدیگر را از تهران می‌شناختم. تقریباً هر بار که به میزلسان رفته بودم او را دیده بودم پس از سلام خود را معرفی کردم. بگرمی جواب سلام مرا داد. گویا انتظار تلفن مرا داشت. بعداً فهمیدم که از طریق یکی از دوستان ناخبر شده بود که من به لندن خواهم آمد. گفت بروفسور ایزوتسو برای کاری بیرون رفته و حدود پنج دقیقه دیگر بر خواهد گشت. گفتم خیلی ماندم که ایسان را ببینم، آدرس میزلسان را داد و با مهریانی گفت هم او هم سوهرس از دیدن من خوشحال خواهند شد. گفتم سعی خواهم کرد همان روز عصر یا رور بعد بنام ولی قبل از آمدن دوباره تلفن خواهم کرد

من بواسطهٔ پنج دقیقه بعد تلفن کنم تا یکی از محققان ایرانی که سالها انتظار دیدن او را کسیده بودم فرار ملاقات گذاشته بودم و لازم بود بروم و او را ببینم این شخص دکتر احمد طاهری عراقی بود که در آن زمان هنوز در انگلستان به سر می‌برد و من اولین بار از نزدیک با او آشنا می‌شدم. سام را با هم خوردیم و من قبل از سام، ساعت ۸، به خانهٔ ایزوتسو تلفن کردم. خود ایزوتسو گوسی را برداشت و همسکه صدایم را شنید بگرمی پاسخ داد و بدرنگ گفت منتظر من است گفتم ممکن است یکی دو ساعت طول بکشد تا به خانه‌اش برسم و اگر دیر وقت است می‌توانم فرداست بیایم. گفت: «نه، هم امشب خوب است، و بگران دیر بودن هم مباح است. خودت که می‌دانی». ایزوتسو عادت داشت که سیبها کار کند و رورها بخوابد و من این موضوع را می‌دانستم و اشارهٔ او به همین مطلب بود. بعد از ظهرها حدود ساعت ۲ و ۳ از حواب برمی‌خاست و کلاسهایش معمولاً از ساعت ۵ آغاز می‌شد سیبها از ساعت ۱۰ به بعد به مطالعه و تحقیق و نوشتن می‌پرداخت و تا حدود ۷ و ۸ صبح بیدار بود و سپس می‌خوابید

باری، فرار گذاشتیم که همان سب بروم. ساعت ۹ با دکتر طاهری قدم زان به طرف مرل ایزوتسو رفتیم. ساعت ۹:۵۰ آنجا رسیدیم. دکتر طاهری از من جدا شد و رفت مرل ایزوتسو در آپارتمانی نزدیک «مدرسهٔ مطالعات آسیایی و آفریقایی» (School of Oriental & African Studies) بود. وقتی از آسانسور بیرون آمدم، وی در راهرو منتظر بود. بیس از پنج سال بود که همدیگر را ندیده بودیم. بگرمی و مانند همیشه با رویی خوش و خندان از من



رانی داستم و او ایرو تسو بود.

من در کتاب خدا و انسان در فران^۳ دیده بودم که ایرو تسو تاحه حد نه عربی صدر اسلام و اسعار دوره جاهلی توحه دارد از او بر سیدم: این توحه و علاقه از کی نه وجود آمد؟ گفت: در واقع از همان زمان. موسی حارالله نه اسعار دوره جاهلیت علاقه ریادی داست و هم او بود که این علاقه را در من ایجاد کرد

گفتم بعد از رفتن حارالله چه کردید؟ طاهر آسما در دانشگاه ریاساسی می خواندند و نه فلسفه یونان قدم رو آورده بودند. آنا عربی را کنار گذاشتند؟ گفت: نه، من در دانشگاه ریانهای دیگری می اموختم انگلیسی را در سرسان اموخه بودم و بعد فرانس و المانی و لایبی و اسالنایی و اسپانیایی و روسی را در دانشگاه خواندم عربی را هم بعد از یاد گرفتن عربی اموختم در این لحظه همسرش گفت: سوهرم هفده زبان می داند علاوه بر آنها، ریانهای حبسی قدم، حبسی حدید، سسکریب را هم می داند و حد سالی است که ترکی و فارسی می خواند

گفتم: سندهام که رمانی ادبیات روسی تدریس می کرده اند گفت: آری، در دوره خوانی این کار را کردم و کسانی هم نه رانی بوسم با عنوان مفهوم انسان در ادبیات روسی قرن نوزدهم بر سیدم آنا این اولین کتاب سما بود؟ گفت: نه اولین کتابم که در سست و سس سالکی بآلف کردم کتابی بود نه رمان رانی نه نام تاریخ عتکر عربی سس از آن کتابی بوسم درباره فلسفه ای که حبه عرفانی دارد و در آن بر فلسفه بوافلاطونی و عرفان یونانی تأکید کرده بودم سی و چهار ساله بودم که آن را بوستم اولین کتابم درباره مطالعات اسلامی کتاب کوچکی بود نه رانی نه نام محمد (ص)

بر سیدم ترجمه فران را کی شروع کردید و اصلاً چگونه شد که به فران روی آوردید؟ گفت: ترجمه فران را سس از ادبیات روسی آغاز کردم و علت آن این بود که یکی از بهترین باسبران رانی این سسهاد را نه من کرد و حواس است که فران را از عربی نه رانی ترجمه کنم من اول مردد بودم، چون فکر می کردم این کار

خاسته

(۲) موسی حارالله در سال ۱۲۹۵ ق/ ۱۸۷۸ م در روسوف دون روسیه مولد شد رمان عربی را بخوبی فرا گرفت و در علوم اسلامی سحر یافت و نه امامت جامع کبر نظر و گراد رسید سه سال محاور لغه بود و در نازکست نه وطن مطعمه ای در نظر و گراد دایر کرد و اناری نه ریانهای عربی و فارسی و بازاری و ترکی و روسی منتشر کرد سس از افلاطون مورد عصب حکومت سوروی قرار گرفت و مطعمه سس مصادره شد و خود نه بدین افناد در سال ۱۹۱۳ مجبور نه مهاجرت شد و نه ترکستان و حبس و راس سفر کرده بعد نه ایران و عراق و مصر و هند و ترکیه و کشورهای عربی سرانجام در قاهره، بر امر بیماری، در سال ۱۹۴۹ فوت شد (۳) این کتاب نه فلم احمد آرام نه فارسی ترجمه شده است نگارنده این کتاب را در سردانش، سال دوم، شماره سسم، ص ۷۲، نه احتمال معرفی کرده است

کرفتم این رمان را باموزم در آن زمان عربی در راس تدریس می شد و مجبور بودم آن را نزد خود بخوانم با گهان اتفاق عجبی افناد و عالمی تاتاری، نه نام موسی حارالله^۲، نه راس آمد و من در مسخدی با او آشنا شدم. کمی با او عربی حرف زدم و او حوسس آمد و گفت خون از رانیها یگانه کسی هستی که عربی می دانی می توانی ساگرد من باسی. حوسحال شدم، و از آن نه بعد فرما هر روز برد او می رفتم. در آن زمان من در دانشگاه دسیار بودم. اسدا کتاب سیبویه را نزد موسی حارالله خواندم او همه این کتاب را از بر داست وقتی این کتاب تمام شد، صحیح مسلم را شروع کردیم تلمذ من برد موسی حارالله اولین مرحله از مطالعات اسلامی من بود و اولین تجربه ای بود که با سیوه تدریس علمای اسلامی پیدا می کردم.

بر سیدم این مرحله تا کی ادامه یافت؟ گفت: جنگ جهانی دوم شد و موسی حارالله از راس رفت. ناندید شد و من مدتی از او خبری نداستم. بعداً شنیدم که در بغداد است و در آنجا تدریس می کند. رویهمرفته دو سال در راس نه من درس داد بعداً یکی از دبلماتهای رانی از قول موسی حارالله گفته بود که من یک ساگرد

بسیار مشکل است ولی او اصرار کرد و من سرانجام تسلیم شدم. این کار حدود هشت سال طول کشید. در سال ۱۹۵۱ شروع کردم و در سال ۱۹۵۸ آن را تمام کردم.

درباره ترجمه قرآن به راننی سالها پیش در تهران هم مطالبی از زبان ایزوتسو شنیده بودم. قرآن البته قلاً هم به زبان راننی ترجمه شده بود، اما نه از زبان عربی بلکه از روی ترجمه‌هایی به زبانهای دیگر. ایزوتسو اولین مترجمی بود که قرآن را از زبان عربی به راننی ترجمه کرده و در این کار هم موفق بوده است. خود وی به من گفته بود که این ترجمه مرتب حاشیه‌های سود و از این نظر برای او برک داشته است؛ چه درآمدی مستمر، ولو مختصر، برای او به ارمغان آورده است. علاوه بر این، ترجمه قرآن موجب شده بود که ایزوتسو به نکات دقیقی هم درباره بعضی از مفاهیم اصلی یا، به قول خودش، کلیدی قرآن پی ببرد و در این زمینه نیز کتابهایی تألیف کند. یکی از این کتابها خدا و انسان در قرآن است و دیگری ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن^۴. این دو کتاب را ایزوتسو به انگلیسی نوشته است. من، با اشاره به این دو کتاب، از او سؤال کردم چه کتابهایی به زبان انگلیسی تألیف کرده است. در جواب گفت: اولین کتابم درباره تأثیر جادویی زبان بود به نام *Language and Magic* و سپس کتاب خدا و انسان در قرآن. کتاب اخیر حاصل یادداشتهایی بود که من در حین ترجمه قرآن برمی‌داشتم. همین طور کتاب ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن. این کتاب رمایی که من در لبنان به سر می‌بردم منتشر شد. کتاب دیگرم مفهوم ایمان در کلام اسلامی بود. کتاب تصوف و تائوئیسم را هم، که در آن عرفان اس‌عربی را با عقاید لائوتسه و حواکج تسو مقایسه کرده‌ام، می‌شناسید. دو کتاب هم مستمل بر مجموعه مقالات است، یکی درباره فلسفه دن (*Towards a Philosophy of Zen*) و یکی دیگر درباره مفهوم وجود، شامل مقدمه انگلیسی من بر تصحیح شرح منظومه حاشی ملاحادی سبزواری و چند سحرانی دیگر، با نام مفهوم و حقیقت وجود (*The Concept and Reality of Existence*). کتاب اخیر در ژان منتشر شده و به فراسه نیز ترجمه شده است.

گفتم شما به سفرتان به لبنان اشاره کردید. من شنیده بودم که شما در مصر هم مدتی اقامت داشته‌اید. گفت: آری، من در سال ۱۹۵۹ اولین بار از این خارج شدم. شش ماه در لبنان به سر بردم و یک سال در قاهره. در مصر با ابراهیم مدکور آشنا شدم و او در مطالعاتم به من کمک کرد. همچنین با احمد فؤاد اخوانی، استاد فلسفه در دانشگاه قاهره، آشنا شدم. کامل حسین، رمان‌نویس معروف، نیز بیسهاد کرد که من عضو فرهنگستان زبان عربی (مجمع اللغة العربية) شوم و من هم اکنون عضو خارجی این مجمع هستم.

گفتم: شما مدتی هم در مونترآل، در کانادا، بودید. گفت: آری، از سال ۱۹۶۱ به مونترآل رفتم و این در واقع نقطه عطفی بود در سیر مطالعات اسلامی من. اساساً این سیر را در زندگی خودم به سه دوره یا مرحله تقسیم می‌کنم. دوره یا مرحله اول از زمانی شروع شد که با موسی جارالله آشنا شدم. در این مرحله بود که قرآن را ترجمه کردم و به لبنان و مصر سفر کردم. دومین مرحله، رفتن به کانادا در سال ۱۹۶۱ و آشنا شدن با دکتر مهدی محض بود. من با محقق صحبت‌های زیادی کردم و از خلال همین صحبت‌ها بود که متوجه شدم که برای شناخت اسلام و تفکر اسلامی کافی نیست که فقط از دریچه زبانشناسی (فیلولوژی) به فضا یا نگاه کنیم و پس از تأمل به این نتیجه رسیدیم که اسلام را باید با وضع کنونی تفکر مقایسه کرد و اندیشه‌های اسلامی را در بر تو فرهنگ جدید مورد مطالعه قرار داد و الاً مطالب صرفاً تاریخی حیرت خواهد بود مربوط به گذشته که به درد موزه‌ها خواهد خورد محض در این خصوص با من موافقت کرد. در آن موقع او به فکر احیای ارزش میراث اسلام ایرانی بود و وقتی علاقه جدید مرا به این جنبه از مطالعات اسلامی مشاهده کرد خوشحال شد و ما شروع به همکاری کردیم. البته، هر دو قبول داشتیم که تصحیح و ترجمه آثار کلاسیک اسلامی کافی نیست، بلکه باید گامی جلوتر رفت. در اینجا بود که ما «مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل» را دایر کردیم و طبعاً نای من به ایران کشیده شد. تا سال ۱۹۶۹، شش ماه در رانن به سر می‌بردم و شش ماه در مونترآل ولی بعد تصمیم گرفتم به ایران بیایم و به نام و بدین ترتیب رابطه خود را با رانن قطع کنم. در ایران، همان‌طور که می‌دانید، من بیشتر با دکتر محقق کار می‌کردم و سپس با احمن فلسفه همکاری کردم و در آنجا تدریس می‌کردم تا انقلاب. انقلاب اسلامی ایران با پایان مرحله دوم در مطالعات و تحقیقات اسلامی من مقارن بود.

در طول مدتی که ایزوتسو از گذشته خود و فعالیت‌هایش سخن می‌گفت، همسر او هم در کفارس سسته بود و گوش می‌داد و گاهی مطلبی را به یاد او می‌آورد. به من گفتند که در سال ۱۹۵۲ با هم ازدواج کرده‌اند. همسر ایزوتسو به سوهرس عمیقاً افتخار می‌کرد. موضوع عضویت او را در فرهنگستان زبان عربی مصر همسرش یادآوری کرد. همیشطور نام بعضی از آمارس را، آماری را که ایزوتسو در مرحله دوم در «مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل» چاپ کرده بود کم‌وبیس می‌شناختم. یکی تصحیح و مقدمه شرح منظومه حکمت (بخش امور عامه) اثر سبزواری بود که بعداً هم با همکاری دکتر محقق آن را به انگلیسی ترجمه و چاپ کردند. تصحیح کتاب قیاسات میرداماد (با همکاری دکتر محقق و دکتر موسوی بهبهانی و دکتر دیباجی) و چند مقاله و کتاب دیگر، که به همت «مؤسسه مطالعات اسلامی» و انجمن فلسفه

حاجب شد، آثار دیگر او در این دوره بود.

ایزوتسو و همسرش تا اواخر دی ماه سال ۵۷ در تهران بودند و من اغلب روزها، عصرها به دیدن ایسان می رفتم. حوادث جاری برامه‌های آنان را تغییر داده بود و آمادهٔ مسافرت به راس بودند. موضوع صحبت ما طبعاً حوادثی بود که در کشور روزی و پیش می آمد. آمارتمان آنها نزدیک خیابان انقلاب بود و خودسان گاهی به خیابان می رفتند و از نزدیک جمعیت را می دیدند. عصر روز عا سورای سال ۵۷ به دیدن آنها رفتم، دیدم ایزوتسو سخن تحت تأثیر جمعیت کثیر تظاهرکنندگان قرار گرفته است. نسبت به آنچه می گذشت با احتیاط قضاوت می کرد ولی بدین نبود. البته، وقتی بای خارجیان به میان می آمد بدین بود. یک روز رفته بود و خیابانها را دیده بود: ساختمانهای آتش گرفته، معاره‌های مسروپ فروسی ویران شده، سبزه‌های سبکسته، لاستیکهای سم سوخته در کنار خیابانها، و... عصر آن روز وقتی به دیدن رفتم با حوصله‌ای از من استقبال کرد. گویا منتظرم بود. کمی با من درد دل کرد. گفت: این حوادث هنوز هم بد نیست. من نگران از این بدترها هستم. شما نمی‌دانید بر سر مردم چه می‌آورد. و بعد به حوادث سالهای جنگ دوم در ران اشاره کرد و گفت: همه حار را نماران می‌کنند. خانه‌ها را بر سر مردم حرات می‌کشد. به هیچ کس رحم نمی‌کنند. خیلی وحشتناک است! خیلی وحشتناک است! من در توکیو بودم. مادرم مرده بود و می‌خواستم حماره را حمل کنم و در خیابانها همه‌جا آتش و دود بود و بماران بود.

وقتی از بماران سخن می‌گفت، من یاد هیروسیما و ناکاراکی افتادم، ولی سؤالی در این باره از او نکردم چون نمی‌خواستم داع او را تاره کنم من هیچ‌وقت از ایزوتسو دربارهٔ امریکا سخنی نسندم، ولی از دوستان مسرک سیده بودم که از امریکا حوسس می‌آید.

بیس از اینکه ایزوتسو از سومین مرحله از مراحل تحقیقات اسلامی خود سخن بگوید، ناگهان از او پرسیدم: راستی چه شد که شما این همه به اسلام علاقه‌مند شدید، و با توجه به آشنایی شما با فلسفه‌ها و مکاتب عرفانی سرفی از قبیل هندوئیسم و بودائیسم، در مطالعات و تحقیقات خود عمدتاً به افکار فلسفی و عرفانی اسلام رو آوردید؟

در اینجا من به آشنایی ایزوتسو با مکاتب فلسفی و عرفانی سرفی اشاره کردم، ولی باید اضافه کنم که او با فلسفهٔ عربی، نه تنها فلسفهٔ یونانی و نوافلاطونی، بلکه با مکاتب حدید عربی، آشنایی داشت. ملا می‌دانستم که آثار فلاسفهٔ اگزیستانس، خصوصاً هایدگر، را (البته به زبان اصلی) خوانده است. یک بار از دوست مشترکی انتقاد می‌کرد و می‌گفت که او هایدگر را «آنتیست» خوانده است و استباه می‌کند. خیال می‌کند اگر

فلسوفی در نظام فلسفیس مفهوم خدا نبود آنتیست است.

باری، یادم هست که ایزوتسو در جواب سؤال اخیر من نگاهی حدی به من انداخت و گفت: درست نمی‌دانم. دیگران هم این سؤال را از من کرده‌اند و من جواب منطقی (rational) به این سؤال ندارم. علاقهٔ من به اسلام حیر مروری است که نمی‌توانم آن را توضیح دهم. همین قدر می‌توانم بگویم که اسلام مرا مسحور خود کرده است.

ایزوتسو این کلمات را در کمال صداقت بیان می‌کرد و من لرومی ندیدم که دربارهٔ این مطلب باز هم از او سؤال کنم. گفتم: پس برویم بر سر مرحلهٔ سوم.

گفت سومین مرحله با بارگست من به ران آعار شد. وقتی بعد از انقلاب ایران به راس رفتم، فعالیت حدیدی را آغاز کردم. در راس حیز حدیدی شروع شد من سعی کردم با حدیت دربارهٔ اسلام تحقیق کنم و حاصل تحقیقات خود را به حای اینکه به انگلیسی نویسم به رانی نویسم. کوسیدم تا اهمیت فلسفهٔ اسلامی را در من فلسفهٔ سرفی (و به طور کلی فلسفه‌های هندی) نشان دهم و البته آن را از لحاظ فلسفهٔ حدید در نظر بگیرم. سعی من این بود که منشأ تفکر اسلامی را در تصوف و عرفان به عنوان اساس ساختمان فکری (structural source) در اسلام معرفی کنم. سهود وجود نقطه‌ای است که فلسفهٔ اسلامی از آن آعاری سود و بهترین نمونه در این مورد عرفان ابن عربی است. من بعد از انقلاب اسلامی ایران یک سلسله سخنرانی در ران در این تاره ایراد و مجموع آنها را به صورت کتابی حاجب کردم با عنوان منشأ فلسفهٔ اسلامی، و سب هزار سحه از آن به فروش رفت. دومین کتاب من به ران راپنی کتابی بود به نام عمق فرهنگ اسلامی (The Depth Dimension of Islamic Culture) این کتاب سه بخش دارد که در یکی حسهٔ ظاهری اسلام را معرفی کرده‌ام. در بخش دوم سربعت را، و در بخش سوم حسهٔ ناطقی و معنوی اسلام را. این کتاب بریدهٔ حایره شد و این به دلیل بر فروش بودن کتاب و توحه حاص مردم به اسلام بود کتاب سومی که نوشتم تولد اسلام نام داشت. این کتاب عام‌المنفعه (popular) دربارهٔ بیدایس اسلام و حگوگی رسد و گسترش آن است و اینکه چطور به صورت یکی اردیهای جهانی درآمد و بالآخره چهارمین کتابی که منتشر کردم تاریخ تفکر اسلامی بود علاوه بر تألیف کتابهای فوق، مناعار ملاصدرا و فیه‌مافه مولوی را هم به رانی ترجمه و حاجب کرده‌ام.

حاشیه

۴) این کتاب به قلم فریدون بدره‌ای به فارسی ترجمه شده است حسین معصومی همدانی بر نقدی بر آن نوشته است سگریه به سرداشش. سال دوم، شمارهٔ سوم، ص ۲۶-۴۳

يك سلسله كتاب با نام «میراب اسلامی» نیز زیر نظر من منتشر می شود.^۵ ناسراین مجموعه «ایوانامی» (Iwanami) است که خود بزرگترین ناسرانی است. ترجمه کتابهای طوی الحمامه، مقدمه ابن حلدون، و معالم الاصول نیز زیر نظر من چاپ خواهد شد. بر رسیدم: آیا فکر می کنید ترجمه و چاپ کتابهایی چون مشاعر ملاصدرا و فیه مافیه مولوی یا معالم الاصول خواننده زیادی در ران داشته باشد؟ البته این کتابها برای خواص است. اما موضوع اینجاست که هم اکنون اسلام در جهان توجه بسیاری از مردم را به خود جلب و آنها را کجکاو کرده است. لازم است که ما درباره اسلام تحفیفات عمیق باشد و متونی را ترجمه و چاپ کنیم که برای تحفیفات بعدی پایه و اساس باشد، در غیر این صورت رورالیسم میدان را در دست خواهد گرفت.

به او گفتم: ظاهراً فعالیتهای شما در مرحله سوم متأثر از آشنایی شما با ایران است. گفتم: همین طور است. من از ایران خیلی چیزها یاد گرفته ام، و در واقع، در سومین مرحله خود را مدیون ایران و کتابهای ایرانی می دانم. من در سالهای اخیر علاقه زیادی به اصول فقه پیدا کرده ام، به دلیل خدمتی که فلسفه زبان، به صورتی که در اصول فقه مطرح شده است، می تواند به فلسفه جدید بکند. البته من کاری با محتوای اصول فقه ندارم بلکه با روش آن کار دارم. فکر می کنم اصول فقهی که در ایران نضج گرفته است می تواند به فلسفه جدید خیلی کمک کند. در ران امروز علاقه زیادی به نشانه شناسی (Semiotics) پیدا شده است. به هر حال، امیدوارم روزی به ایران برگردم و بتوانم مطالعات خود را در اصول فقه ادامه دهم.

گفتم: من هم امیدوارم که هر چه رودتر شما را در تهران ببینم. ساعت نزدیک دوازده نیمه شب بود. گفتم از مصاحبت شما سیر نمی شوم، ولی می دانم که شما می خواهید به مطالعه بپردازید و لذا رفع رحمت می کنم. با همسرش تادم در آسایشگاه مرا بدرقه کرد و من، در حالی که تکرار می کردم امیدوارم هر چه زودتر شما را در تهران ببینم، با ایشان خدا حافظی کردم. آن شب از اینکه توانسته بودم بالاخره پس از پنج سال مجدداً ایزوتسو را ببینم و با او صحبت کنم و بخشی از خاطرات گذشته را زنده کنم بسیار خوشحال بودم. وقتی به خیابان آدم و به طرف هتل خود راه افتادم، همه اش در این فکر بودم که چطور می توانم از آنها دعوت کنم که به ایران بیایند. هرگز گمان نمی کردم که این آخرین دیدار ما باشد. روحش شاد.

حاشیه:

(۵) این اثر را در همین شماره (سال هفتم، شماره اول، ص ۷۷-۸۰) معرفی کرده ام.

یادداشت

پروفسور ایزوتسو پس از مراجعت به ران نامه ای به تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۳ به من نوشت و در آن پس از اشاره به ملاقاتمان در لندن سه اثر خود را که تازه منتشر کرده بود حسین معرفی کرد

- (۱) فرهنگ اسلامی - آنچه در اعماق آن نهفته است توکیو، ۱۹۸۲ (به عنوان بهترین کتاب سال برنده جایزه مایبی حی سد) [توصیح این همان کتابی است که در مصاحبه به عنوان عمق فرهنگ اسلامی معرفی شده است]
- (۲) آگاهی و ماهیات توکیو، ۱۹۸۳ (برنده جایزه یومیوری به دلیل اسکه بهترین کتاب سال ۱۹۸۴ در حوزه علوم انسانی ساخته شد)
- (۳) تلاوت قرآن توکیو، ۱۹۸۳

عکس نامه مربوط را در اینجا ملاحظه می کنید

12 May 1984
Kumakura

Dear Mr. Pourjavadi

I am extremely happy that I — by an unexpectedly good chance — could see you again — in London and we could renew our friendship that had outwardly long been interrupted. I hope you are well and everything is going well in your country.

As for what I promised to you concerning my recent Japanese works and the dates of their publication, here they are in brief:

- (1) Islamic Culture — that which lies in its depths
Tokyo, 1982 (which got the Mainichi prize for the best book of the year)

- (2) Consciousness and Essence (Meikyo)
Tokyo, 1983 (got the Yomiuri Prize for the best book in the field of humanities 1984)

- (3) Reading the Qur'an Tokyo, 1983

My wife is sending to you her very warmest regards

Yours
C. Pourjavadi

ساختار قدرت در عهد قاجاریه

از آغاز تا انقلاب مشروطه

دکتر مصطفی احتشادی

ساختار قدرت در عهد قاجاریه بسیار کارآمد بود^۱، پس از سیزده سال تلاش حسگی نادر در جنگهای بی‌دری و باراندن سیاسی حسن و بی‌رحمانه در برابر دشمنان، سرانجام بر رفای خود حیره گشت و در سال ۱۲۱۰ هـ.ق در شهر تهران تاجگذاری کرد و با این تاجگذاری دولت مرکزی سلسله قاجاریه در ایران را بنیان نهاد اما این به معنی استقرار بایست و نهادی شدن قدرت دولت مرکزی قاجاریه در شهر تهران نبود. زیرا امامحمدخان، در سالهای پس از تاجگذاری (دو سال و اندی)، هم برای کشورگشایی و هم برای سرکوب مدعیان قدرت در داخل مرزها، همواره در جنگ و ستیز بود و هیچگاه - اگر هم خواسته بوده باشد - مجال آن را نیافت که در مقام پادشاهی بر سرزمین ایران فرمان براند او بنواست

حاشیه

(۱) پس از ۷۶ سال کشمکشهای فزاینده در ایران، نه با سقوط سلسله صفوی و بانتخت (استعفا)، در سال ۱۱۳۵ هـ.ق آغاز می‌گشت (به استثنای دوره کوتاه نادری، ۱۱۶۰-۱۱۳۸ هـ.ق)، - راجعاً به عهد اماممحمدخان قاجار، باز دیگر در ایران يك دولت مرکزی سبک‌ساز نه بنواست همه مناطق ایران (امروزی) را زیر فرمان خود در آورد در این باره، دك

Lambton, A. K. S. "The Tribal Resurgence and the Decline of the Bureaucracy in the Eighteenth Century" in Nafiz and Roger O. (Ed.) - *Studies in Eighteenth Century of Islamic History* 1977 Southern Illinois University Press U.S.A

(۲) درباره نهاد «صدر»، دك

Gottfried Herrmann "Zur Entstehung des Sadr Amtes" in *Die islamische Welt zwischen Mittelalter und Neuzeit* 1979 Beirut, S. 278-295

اماممحمدخان قاجار، به هنگام فتح شهر قم و در بر حوردار روحانیت سعه، متوجه شد که علاوه بر قدرت سبک‌ساز او قدرت با نفوذ دیگری سر در جامعه ایران وجود دارد و کوششهای حائس او، محملسه، برای جلب پشتیبانی روحانیت سبک‌ساز با موفقیت روبرو نگشت

(حاشیه ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ -)

با تاجگذاری اماممحمدخان قاجار و سبک‌ساز دولت مرکزی تهران (۱۲۱۰ هـ.ق)، باز دیگر، نظام سلطنتی پادشاهی بر ایران مسلط شد که بنیاد آن بر استبداد فردی بود^۲ در این نظام، که آن را «سلطنت مستفله» می‌نامیدند، شاه در رأس هرم قدرت قرار داشت و همه قدرت دولتی - چه قانونگذاری و چه اجرایی - در دست او متمرکز می‌یافت و فرمانبردار او بودند و بر دسئاس (درباریان و حکمرانان محلی) «نوکران» فرمانبردار او پادشاه می‌بنواست، با سر دادن فیلدان و عصای مرصع (نمودهای قدرت سلطنت) به صدراعظم، همه یا بخشی از قدرت مطلق خود را به وی واگذار و او را مأمور اجرای فرمانهای خود کند. اما این قدرت دولتی به ار مسروعتی مذهبی (مانند مسروعتی قدرت دولتی در دوره صفویه نه به توسط نهاد «صدر»^۳ تأمین می‌شد) بر حوردار بود و نه از مسروعتی قومی - فرهنگی یا عسره‌ای و با مسروعتی که از توافق عمومی حاصل گشته باشد^۴ از این رو سبک‌ساز سبک‌ساز یا مدبر پادشاه و یا هر دو بود که فرمان او را در این نظام به اجرا در می‌آورد و رعیت و زیردسئاس را به تبعیت و اطاعت و می‌داس در این ساختار قدرت، پادشاه خود مسأ قدرت^۵ و اقتدار او در برابر ریردستان (درباریان و حکمرانان محلی) ساد قدرت دولت بود، همان طور که ضعف وی در برابر آبان نایه‌های قدرت دولت را سبب می‌کرد. ویرگیهای شخصیتی او، از آن حمله اقتدار فردی و تدبیر و نیروی سازماندهی او یگانه عواملی بودند که نه وی در تمرکز دادن و حفظ قدرت دولتی یاری می‌رساندند.

اماممحمدخان، بنیانگذار سلسله قاجاریه در ایران (۱۳۴۴-۱۲۱۰ هـ.ق)، فرمانده نظامی هوسمند و بیباک و در

فدرب نظامی خود را، که از راه لسكركسيه‌های متعدّد و نا حيره‌سدين بر دسمنان به دسب آورده بود، با ايجاد اهرمه‌های اداري-تسكيلائي در سارمانه‌های سياسي و در قالب درباري بر سكه و سرومند به صورت فدرتي نهادهی در آورد و بر كرسی ساند^۶ از اين رو در دوره کوتاه ناده‌های او در تهران درباري بنديدار نگسب ووی تادم مرگ ما كمرين ابرار فدر-يك لسكرنويس، بك مستوفي و در نايان كار يك وربر و گروه كوچكي از ميسيان و بويسدگان-حكومت كرد كه خود سحصا بر كار آنها بطار و مراقب داس^۷ آفامحمدخان برای نهادهی كردن فدرب نظامی خود و انهای ان نهاده‌ها اقدام مهم انجام داد (۱) تعيين محل اسفراار حكومت، يعنی انتخاب شهر تهران به عنوان ناسحب؛ (۲) برگريدن برادر راده‌اس، باباحان، به ولعهدي. اما اين دو اقدام به می توانستند در عياب او حامل و حافظ فدرب نظامی او ناسد و نه اهرمی بودند كه سس از او اس فدرب نظامی را به طور مسروع به فتحعلي مير را انتقال دهد هر چند وی، برای به كرسی ساندن وليعهدي باباحان، حبی از كستن برادران و برادرادگان خود دريع نورريده بود، نار ناح و نخب فتحعليساه در طول سي وهف سال ناده‌هایس از دسمنی و سسز مدعیان فدرب مصون نمائد و او، برای حفظ فدرب و مقام ناده‌های، ناگريز تا دم مرگ با دسمنان خود جنگند. سح سال اول ناده‌های وی (از سال ۱۲۱۲ تا سال ۱۲۱۷ هـ.ق) نماما در مبارزه با سورسان و مدعان ناده‌های سري سد. در بواحي سمالي كسور (حراسان و آدر باباحان) او خود سحصا به سركوبی سورسان برداحت و در بواحي فارس و انالاب عربي فرزنداس را مأمور دفع ياعنان كرد در بی اين سالهای نارام، فدرب مركري تهران از بيرون از مررها آماج نهاحم ساهيان روسيه تراري فرار گرفت. سكسب ايران در دو جنگ بی دربی با روسيه دامنه نفوذ فدرب مركري تهران را در بواحي سمالي كسور با مررهای امروزی ايران محدود ساحب سس از امضای قرارداد تركمانحای (۱۲۴۳ هـ.ق)، نار ديگر مدعیان ناح و نخب سس به سورس نهادهد و فتحعليساه تا نايان كار سرگرم مبارزه با آنان بود

كسورگسايی سلسله فاحاريه با مرگ آفامحمدخان به نايان می رسد و فتحعليساه با نديرفتن سكسبتهای گلستان و تركمانحای، حتي نخسی از خاك ايران را به روسيه تراري واگذار می كند، صمن اينكه وی در مدب سي وهف سال ناده‌های خود نهها با سسياني فرزندان دليري حون عباس ممراسب كه می تواند ناح و نخي را كه به ارب برده بود نگاهيان ناسد و در برابر سورسان داخلي ايستادگی كند^۸. با اينهمه، در دوره ناده‌های او تلاشهایی برای حفظ فدرب نظامی تهران و استفراار دادن و نهادهی كردن آن صورت می گيرد و در همين دوره اسب كه سارمان دربار تهران

بی ريزی می سود. در خندو تهران، ساختمان ارك برای استفراار دسنگاه ناده‌های ساحت می سود، و در كنار آن، «بيوتاب سلطنتي» بر نا می گردد كه شامل ضراخانه، خرايه، ايسيكخانه (اداره تريفاب سلطنتي)، رنوركخانه، اسلحه‌خانه، نفايه‌خانه، ساطرخانه، يساولخانه، فيلخانه، سسرخانه، فاطرخانه، ريندارخانه، سرايدارخانه، علامخانه، آبدارخانه، آسزخانه، فهورخانه، خلوب (اداره نيسخدمتان و فراس) و حرمانه بوده اسب. برای نخستين نار به نام ناده‌ها «صاحفراان» سكه می ريد، و همراه با آن، سعل معيرالممالكی سس به وجود می آيد، خزانه دولی به دو خزانه نقدیه‌ها و حواهراب و خزانه درآمدها و هر سه‌ها تقسم می سود. كليلد خزانه نقدينه در دسب ناده‌ها می ماند و خزانه دوم به مسوفي سسرده می سود؛ با اتحاد تقسيمات كسوری، خاك ايران به سح «ولاب» تقسم و برای هر يك از آنها يك مستوفي بعس می گردد كه حساب هر سه‌ها و درآمدهای ولايات را به خزانه هز سه‌ها و درآمدها گراس دهد. سس بر سب همه مستوفيان سحصی اسب به نام مستوفي الممالك در كنار او منصب ديگری به نام صاحب ديوان بنديد می آند كه صورت اسامي همه حقوق بگيران دولت و ميران حقوق هر يك از آنها را نگه می دارد؛ با افراس تعداد لسكرنوسها منصب وربر لسكر، به عنوان سس بر سب همه آنها، سس به وجود می آيد؛ از مساعل مهم ديگری كه در اين دوره اتحاد می سود منصب مسي الممالكی اسب كه كار «فرمان بويسی» را به عهده دارد و فرمانهای ساه را به رير دسان كتبا اطلاع می كند در رأس همه اين مساعل صدراعظم فرار گرفته اسب كه از حاب ساه اداره همه كارها را در دست دارد^۹.

فتحعليساه، در سالهای آخر سلطنت حويس (سالهای سس از ۱۲۳۹ هـ.ق)، دسنگاه دولت را از نو سارمان داد وی مناصب نامبرده را، سس از تأسيس «ورارب دول خارحه» در سال ۱۲۳۹ هـ.ق، در سه ورارتخانه داخله، ماليه و فوائد عامه ادغام كرد و بندين ترتيب اولن هيئت دولت را با چهار وربر به وجود آورد. اين هيئت، رير نظر و نا سس بر سبی صدراعظم، زمام امور كسور را در دسب گرفت^{۱۰}.

اما اين تسكيلاات اداري گسترده بيز نتوانسب رميه‌های اسفراار بافتن و نهادهی سدين فدرب نظامی فاحاريه را فراهم آورد. ريرا تقليد نافصی از سارمانه‌های اداري در دوره صفويه و، بر وفق سرايط تاريخی دوره فاحاريه، فافد اهرمه‌هایی بود كه نتواند

مسند این مصیّب سنانده بود^{۱۳}
بدین سان. بخشن نادانهاں سلسلہ فاجاریہ تواسند
حاشیه.

در این دوره، تسکيلات ادارى دورهٔ فجعليساھ به بها کسر س
بناف که سستھايى مير در سارمان ان بددار گسب، حماحه حود
محمداھ فانم مقام و مررا اعاسى را، که سعل صدارعظمى
داسند، بدوى اعطاي لهف صدارعظم و به سکل عير رسمى بر

۴) مداحان در باز فاجاریه، بر جد سر و عیسان دادن قدرت و جایگاه ناداده در نظام سلطنت مستغله، از رسوبات فرهنگی ایران باستان بهره می‌گیرند و ساه را «سأء حداد» یا «جلل الله» معرفی می‌کردند اما ما نمی‌دانیم که این رسوبات نامی مانده از فرهنگ اساطیری و کهن ایران یا چه حد در ذهن ایرانیان در دوره نادساهی فاجاریه مؤثر بود. است محضی که در آن تاثير این رسوبات، در ذهن ایرانیان در طول بازیه، چه نه‌شه سنده باشد در دست نیست.

۶) محمد هاشم است در رسم التواضع (بهران، ۱۳۴۸)، ص ۲۵۶. دربارهٔ این
کسور داری افامحمدخان، قاجار، حسن می به سند «ان والا حاه از خوانین نواز نج و
فصل، حکم خان و امیر تیمور گورانی را استدلاله و انتخاب نموده و خود به رسم
راه و انی و قواعد این ده سلطان جهانگیر جهاندار با نمبر هزار رفتار می نمود و
هرموده بود صورت جنگم خان را در مجلس ناساهی بالای سرش ر صورت
امیر تیمور گورانی را در پیش رویش نصب نموده بودند»

۸) سعد نفیسی در تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دهه معاصر، خلد اول، (تهران، ۱۳۶۶)، صص ۲۴-۲۵، اشاره می‌کند که امام‌محمدحاج به دیوانسالاری تعابیلی بیان می‌داده است و می‌افزاید: «در بحر تازهای نظامی به تازهای دیگر توجه می‌شود (حتی) به مردم شهر (تهران) اشاره می‌داد، حجامه سبب از او معمول بود، از او بیستار بند و بر دسو، داد که فحشنامه‌ها و مکاتبات و فرماهای دولتی را به ایشان معلق می‌نمودند، از او سبده به زبان می‌نمودند و همه اشیای در سلطنت به لکچر باس بود به همین جهت، در موقعی که در جنگ بود با ایشان نشست و بر جانب است و با به شکار می‌رفت و همواره با ایشان بر زمین می‌نشست و همجواری می‌کرد و همان حاتم بناد است ایشان از می‌نوسند و نهاده‌ها را به‌های بند حاتم داخل می‌نمودند.»

(۱) مسند میں عبداللہ ہمام، ص ۱۲ و سر رک

(۱۱) سید علی احمد . قصہ . ص ۳۲۶

Rawlinson, Sir Henry *England and Russia in the East* (A Series of Papers on the political and geographical conditions of central Asia) London 1875, p. 49-59

(۱۳) مسووم: عبداللہ، همان ص ۲۵



ناصرالدین شاه

دست گرفت و به رفع نارساییهای نظام سلطنت مطلقه ایران پرداخت. از این رو اصلاحات وی اقداماتی بود برای بحکیم پایه‌های قدرت مرکزی تهران و تثبیت آن در سارمانهای کسوری و لسكری.

نخستین اقدام عاجل میررأتمی خان امیرکبیر برفراری آرامس در کسور بود^{۱۵}. امیرکسور نازده هزار سرناری را که از آذربایجان به تهران آورده بود برای سرکوب کردن سورش سالار ارنو سارمان داد و مسلح کرد. وی، سس ارروانه کردن این سباه به خراسان، به تدارك سباه تازه نفس دیگری برداخت و آن را نیز به جنوب گسیل داشت و در اندك رمائی موفق سد سورشهای خراسان و فارس و بختیاری را همزمان درهم سکند و ار گسترس ناآرامی در کسور جلوگری کند. امیرکبیر با این بیروری نظامی توانست قدرت (نظامی) دولت مرکزی تهران را متمرکز سازد و مهار آن را خود در دست گیرد اما تبیب این بیروزی و حفظ سیرازه قدرت متمرکز حاصل از آن به اهرمهایی نیاز داشت که بتوانند قدرت نظامی حکومت را در چهارحوب روابط سازمانی-اداری بر کرسی سسانند؛ اهرمهایی که نه تنها حافظ که حامل و به هنگام مرگ ناساه نافع این قدرت نظامی به جانشین وی باشند. از این رو امیر اقدامات اصلاحی خود را در چهار بُعد نظامی، مالی، سازمانی-اداری و ارتباطی سامان داد.

امیر تشخیص داده بود که نیروی نظامی دربار تهران بایه قدرت دولت مرکزی است و، به همین دلیل، همه توان خود را صرف کرد تا این نیروی نظامی را متناسب با وسعت خاک ایران

درب نظامی خود را در چهارحوب سارمانهای کسوری و لسكری تبیب کنند و هیب مقام ناساهی و سلطنت مطلقه را در ک سلسله مراتب اداری-تسکیلاتی محسوم و کاربردی تجسد خسد و قدرت سلطنت را در ساحب سیاسی بیرو استوار سازند. با مرگ محمدساه (ساهشاه غاری) در سسم سوال ۱۲۶۲ هـ، و با تاجگذاری ولیعهد او، ناصرالدین میررأ، در ۲۱ ذیقعده حار سال، «عصر ناصری» یا بیم فرن دوم ناساهی سلسله احاریه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ هـ ق) آغاز می شود. در این دوره، به سسای سالهای نخستین آن، مسکل بیادی نم فرن گدسه، هنی مسئله نهادی کردن قدرت دولت مرکزی، همحان بدون اه حل باقی ماند. حی توان مقاومتی که نخستین ناساهان این سلسله در ستنز با مدعیان سلطنت و در برابر سورشهای متعدد ار خود سسان دادند، در این دوره سبباً آرام، رفته رفته رو به نابودی رفت، تا آنجا که سیراره قدرت مرکزی سلطنت مسئله فاحاریه، با مداوم این روند، در دوره مظفری بکلی از هم ناسد و ساه و فب بیرو سلطنت مسروطه را بدیرا سد.

عصر ناصری را می توان به طور کلی به دو دوره قدرت تقسیم کرد

۱) دوره صدارت امیرکبیر با دوره تمرکز قدرت دولتی و اصلاحات کسوری برای تقویت قدرت مرکزی تهران؛ ۲) دوره سس ار عل امیرکبیر از مقام صدارت یا دوره تورم دیوانسالاری در دربار تهران

نخستین دوره قدرت در عصر ناصری بسیار کوتاه بود و فقط سه سال و دو ماه (ار ۲۲ ذیقعده ۱۲۶۴ تا ۲۵ محرم ۱۲۶۸ هـ ق) طول کسید. در این دوره، اعمال کننده اصلی قدرت در دربار تهران میررأتمی خان امیرکبیر بود که، با اتکا به اقتدار فردی خود در برابر ناساه و درباریان، توانست در اندك رمائی سخصه زمام دولت را در دست گیرد و با ایجاد اهرمهای بیو قدرت پایه‌های قدرت مرکزی تهران را محکم سازد. در آغاز، وابستگی ساه جوان و بی تجربه به مربی و آموزگار مجرب خود، میررأتمی خان، و بیرو ناتوانی او در فراهم آوردن مقدمات تاجگذاری و هم در سروسامان دادن به امور آشفته کسوری و لسكری راه گشای کار امیر بود و این همان اهرمی است که امیر را بر مسند قدرت نساند^{۱۶}. امیر نیز با بهره گیری از این اهرم مؤثر بیدرنگ اداره امور کسور را در

تمویت کند و آن را در يك ارتس منظم و مسلح سازمان دهد. ارتسی که در همه احوال آماده دفاع از مرزها و حفظ امنیت داخلی باشد اما امیر بك می دانست که این کار بدون سیه مالی قوی دولت مرکزی ممکن نیست. او در عین حال می دانست که دولت مرکزی اگر از نظر نظامی و مالی ناتوان باشد، هرگز نخواهد توانست در راه آبادانی و توسعه فرهنگی گامی مثبت بردارد. از این رو وی سازمان دولت مرکزی تهران را بر دو ستون نظامی و مالی استوار ساخت و با برقرار کردن قانون «سرباز نیچه» این دو ستون را به یکدیگر پیوند داد.

قانون «سرباز نیچه» تعین می کرد که چه مقدار از مالیات يك منطقه (ایالت، شهر، یا ایل) به ارای تعداد سربازی که آن منطقه به ارس می دهد کاسته شود. به عبارت دیگر، هر منطقه می توانست با دادن سرباز تحفیف مالیاتی بگردد. برحی مناطق، مانند کاسان و برد، که سرباز نمی دادند، می بایست مالیات بیشتری بردارد. از اینجا که همه مناطق «تحت الحمايه دولت» می بایست مالیات بردارد و الا جزو «ممالك محروسه ایران» به شمار نمی آمدند، قانون «سرباز نیچه» در همه مناطق کشور - چه عسره ای و چه غیر عسره ای - قابل اجرا بود. امر کبیر با اجرای این قانون همه مناطق ایالتی، شهری، روستایی، و عسره ای را که زیر حمایت دولت مرکزی قرار داشتند و مالیات می برداشتند هم به دادن سرباز وادار کرد و هم آنها را به مرکز تهران پیوند و پیوست داده و در يك نظام سیاسی واحد وارد کرد. بدین سان، وی برای نخستین بار ارس ملی ایران را پایه گذاری کرد و در مدت کوتاهی نیرویی متسکل از صدها هزار پیاده از دهان و شهرها و سی هزار سواره از ایلات و نیز عده ای توبچی فراهم آورد.^{۱۶}

از سوی دیگر، قانون «سرباز نیچه» موجب گردید که احتساب درآمدها و هزینه ها در دهان، شهرها، ایلات و با در مناطق عسیره ای و تعیین میزان مالیات هر يك از آنها به نظم در آید. امیر، با در نظر گرفتن درآمدها و هزینه های دولت مرکزی و در بارهای محلی، برای هر يك از آنها بودجه سالانه تعیین کرد و موقی سد در مدت کوتاهی وضع آسفته خزانه دولتی را نیز سامان دهد.^{۱۷} وی همچنین، برای تعیین میزان مالیات و سهمیه سرباز هر ده و شهر و ایالت یا ایل، هیئتهایی برگزید. این هیئت ها را، که در پایان دوره نادرشاهی محمدساه به طور ترائنده در کشور به وجود آمده بودند و در دوره صدارت امیر عمومیت یافتند، «هیئت های ممیری» می نامیدند. از مجموعه این هیئت ها در سطح کشور «اداره ممیری» تسکیل می شد. این اداره وظیفه داشت در شهرها و درآمدها، در دهان میزان زمین زیر کسب و ساعت آب آن و در ایلات تعداد احسام را برآورد کند، و با احتساب هزینه ها، میزان مالیات و سهمیه سرباز یا سواره هر يك از آنها را تعیین کند

اما حگو بگی اجرای این قانون نیز ایجاب می کرد که راههای ارتباطی بین این مناطق و مرکز تهران گسترش یابد نه همین دلیل، امر همزمان به گسترش دادن راههای کشور برداشت و برای حفظ امنیت آنها سربلاس سیار کرد. وی، با بهره گیری از سروه های نظامی و با ایجاد فرایحانه در راهها، رف و آمد در سراسر کشور را بی خطر ساخت. از سوی دیگر، وی حانارحانه های دولتی را که نگانه و سله ارتباطی در کشور بودند، از نو سازمان داد. حانارها دیگر تنها بوستحاح سنتی دولت را حمل نمی کردند. آنها وظیفه داشت که نامه های مردم را نیز به مقصد برسانند، ضمن آنکه آنها اجازه مسافركسی هم داشتند

برای حفظ این نظم، امر هیئتهای بطارت و مرافق تعیین کرد که اعضای آنها را مأموران مورد اعتماد وی بودند. این مأموران و بره وظیفه داشتند رفار مسؤولان دولتی، چه در دربار تهران و چه در ایالات، را زیر نظر بگیرند و مرافق باشند که از آنها در اجرای فرمانهای امر تحلفی سربرد

بدین سان، امر کس موقی سد قدرت نظامی تهران را بر محمل قانون «سرباز نیچه»، به عنوان اهرم بنوددهنده مناطق مختلف کشور به مرکز تهران، بنساخت و، با بنود دادن همه مناطق کشور به

حاشیه

۱۶) ناصر الدین شاه به هنگام تاجگذاری ۱۷ سال سن داشت و شدت ربر نفوذ میردانی حان بود. حسین مکی می نویسد که امیر در حضور درباریان به شاه حان تعظیم می کرد که عرب آنان گردد، اما در خلوت شاه را به خاطر سهل انگاریها و استنادهاس سخت سربرس و سمات می کرد. رك امیر کسیر (تهران، ۱۳۶۰)، ص ۲۲۹

۱۵) رك وائس، در کتاب تاریخ ایران - دوره قاجاریه، ترجمه وحید ماریدانی، حات چهارم (تهران، ۱۳۵۶)، ص ۳۴۲-۳۴۰، با اشاره به سوء تدبیرهای میرزا آقاسی صدراعظم، به توصیف اوضاع آسفته دربار تهران، ادارات دولتی و سروه های نظامی در این دوره می بردارد و می نویسد «مأموریتی که امیر در بیش داسب سیار سنگین بود ایالت خراسان بر صد شاه پیام کرده بود اگر اقدامات دولت حدید مؤثر واقع نمی گردید، اغتساح اردسال آن فرا می رسد در این هنگام، اسکارا بنش بیسی می کردند که دوره حکومت قاجار برودی سیری و ایران تحریه خواهد شد»

۱۶) مستوفی، عبدالله، همان، ص ۶۹ و ۷۰. فرهنگ فارسی معین، ۱۳۶۳، جلد سجم، ص ۵۹۶

۱۷) تعیین بودجه سالانه انتکار امیر بود و نخستین بار در تاریخ سلسله قاجاریه انجام می گرفت



امیرکبیر

سان نمی داد^{۲۱}

ناصرالدین شاه، پس از عزل امیرکبیر، همهٔ اختیارات دول را یکجا به میرآقاخان نوری سپرد و خود نزدیک به هشت سال از دحالت در کارهای دولتی غفلت ورزید. میرآقاخان سر، با سستیبانی مهد علیا، فرصت را غنیمت شمرد و بی درنگ حرج و تعدیلی را که امیر در برداشت مقررهای صورت داده بود لغو کرد و در ابلاغیهٔ سوم ربیع الاول ۱۲۶۸ (چهار روز پس از قتل امیرکبیر)، که در روزنامهٔ وقایع اتفاقیه به چاپ رسید، تصریح کرد که «سابقاً نوکر و رعیت ایران بواسطهٔ سوءخلق و بدربانی و بی حرمتی میرزاقی خان در کمال دلسردی راه می رفتند چون به قدر امکان از حق نوکر کم می کرد و به طریق بدعت بر رعیت می افزود و نزدیک به آن سده بود که اهل ایران از دولت خود مأیوس شوند و کار به حای رسیده بود که اگر اعلیحضرت نادشاهی در بارهٔ کسی بدل مرحمت می فرمودید، میرزاقی خان به تدریج برای آن شخص بهانه حویی می کرد و در مقام آزار او برمی آمد اما از روزی که اعلیحضرت قدر فدت نادشاهی، به اقصای مصلحت و حکمت دولت و ملاحظهٔ نوکر و رعیت، حساب حلالمتاب اعتمادالدوله العله صدر اعظم را به انتظام مهام دولت مأمور فرموده، از جمع نوکر و رعیت از حسن سلوک و رفتار انسان راضی و حسود هستند و اعیان و اسراف در خانه و ولایات ایران نر نه نر و دسته دسده در کمال امدواری و حوسحالی به حضور همایون نادشاهی می روند نه هر که بدل مرحمتی از جانب اعلیحضرت ساهشاهی منی سود حساب حلالمتاب صدراعظم ده برابر آن نه آن شخص لطف و مهربانی می کند و مردم را نه خدمت نادشاه ترعبت می کند و خدمت و فایلیت مردم را در سسگاه حضور اقدس همایون نادشاهی تعریف و توصف می نماید»^{۲۲}

در دورهٔ صدارت هشت سالهٔ میرآقاخان نوری، نظمی که امیرکبیر بر پایهٔ قانون «سر بار سحه» ایجاد کرده بود از بین رفت و بی نظمی در همهٔ کارهای لسكری و كسودی حای آن را گرفت میرآقاخان، با سسگر می مهد علیا، همهٔ كسانی را که امیرکبیر در دستگاههای دولتی نه کار گمارده بود از این دستگاهها بیرون راند و اغلب سستگان خود را به حای آنان ساند. در آغاز، ناصرالدین شاه در خود توان آن را نمی دید که در برابر صدراعظم بایستد و از

کر، فرمانهای دولت مرکزی بهران را در سراسر كسور به اجرا آورد، و سراجام، رمسه های نارساری و نوساری دستگاه دولت كزی بهران را فراهم سارد اما دورهٔ كویاه صدارت و اجاره بداد، از سابع اقدامات بلندمدت خود (مانند تأسس مدرسهٔ رالفنون) سر بهره گيرد و در راه بهادی كردن قدر نظامی بران گام بلندبری بردارد

دورهٔ دوم قدر در عصر ناصری با عزل امیرکسر و صدارت رر آقاخان نوری آغاز می شود. قدر دولت مرکزی بهران در ن دوره، مانند دورهٔ نادشاهی فتحعلشاه، نه از جانب مدعیان لمطبت در داخل در خطر بود و نه از جانب همسایگان از خارج صر ناصری- صر فطر از دو حنگ سر حسن و هرات در آغار لمطبت ناصرالدین شاه و حبس ساکو^{۱۸}- از نظر ساسی، ری هم رفته دورهٔ سسی آرامی بود اما، با انهمه، دساوردهای مدارت امیرکسر نه تنها برورده سد، که روز بروز از ناسر آنها ستر کاسه سد

در دورهٔ دوم قدر امیرکسر حاسنی نداشت- جاسنی که واند ضعههای سخصتی شاه حوان را نوساند تا ساند هس نام نادشاهی در نظر ربردسان حفظ سود^{۱۹} حاسنی که نواند، تکه نر اقتدار فردی خود، مهار قدر دولتی را در دست گيردو، حانند امیر، نه حای شاه حوان، که نه گفتهٔ لورس، تنها ك نوراد ساسی^{۲۰} بود، بر سر رمس ایران فرمان براند، صص بکه ناصرالدین شاه خود سر نه رتی و فتی امور دولتی رعنی



میرزا ملکم خان

مرزا ملکم خان ناطم الدوله - از همفکران جعفر خان مسیر الدوله - بود که، پس از دریافت خبر تشکیل هیئت سس نقره دولت، به نگارس دفتر حه عسی یا دفتر تنظیمات خطاب به میرزا جعفر خان در سال ۱۲۷۶ هـ. ق. به داحت^{۲۶}

حاشیه

(۱۸) هر چند حسن سناکو نیز با قدرت دولت مرکزی تهران به مقابله برخاست، اما این مقابله با سوره‌های مدعیان سلطنت علیه قدرت مرکزی تفاوت کیفی داشت. حسن سناکو دولت مرکزی را در مقابل مردمی که تحت حمایت آن دولت بودند قرار داد، نه همین دلیل بر، حامل عنصر ملی و وحدت‌دهنده مردم ایران بود، در حالی که مدعیان سلطنت با شخص سناکو سر قدرت رقابت سیره جویانه داشتند.
(۱۹) یا کوک ۱ بولاک، در سفرنامه خود، ایران و ایرانستان، ترجمه کنکاو س جهانداری، ج۲ دوم (تهران، ۱۳۶۸)، ص ۲۷۲، درباره ناصرالدین شاه حوا می‌نویسد: «این فرمانروای هجده ساله به هیچ وجه نازنی حفظ و سفید انبث مقام سلطنت را نداشت، یا سرمسارانه به رمن حیره می‌شد یا سکلک در می‌آورد و در نحوه مذاکرات مهم و جدی فهمه سر می‌داد وی، که همواره با اطرافیان خود ترکی صحبت کرده بود، به همین دلیل، به فارسی ند و سگسته بسته‌ای سخن می‌گفت، و در مراسم سلام، به سختی و به طوری معلوط منظور خود را بیان می‌داشت»؛ امیر کسر امیدوار بود که بتواند شاه حوا را بر دست خود بر بپ کد و داس کسورداری بیامورد (احسن مکی، امیر کسر، ص ۲۹۹)

(۲۰) «Political Babe» Lorenz John H., Iran's Great Reformer of the Nineteenth Century: An Analysis of Amir Kabir's Reforms in *Iranian Studies* vol. IV, 1971, Boston p. 85-103

(۲۱) Edjehadi, Mostafa. *Zerfall der Staatsmacht Persiens unter Nasir-ud-Din Shah Qajar (1848-1896)* 1992 Berlin s. 56-71

(۲۲) جان ملک ساسانی، سانسگران دوره فاحار، ۱۳۰۸، تهران، ص ۱۲

(۲۳) مستوفی، عبدالله همان، ص ۸۷

(۲۴) فرهاد، محمود سیهالار اعظم، ۱۳۲۵، تهران، ص ۸۵

(۲۵) در کشورهای مسانه مانند مصر و عثمانی و، به طور کلی، همه کشورهای که با تمدن غرب در ارتباط بودند، این نسل نو به وجود آمد که به مرور زمان در همه این کشورهای تا مرکز قس اجتماعی رسد کرد عملکرد این قس و بازتاب اندیشه‌های آن در حوامع سرفی کم و بس یکسان بود گراس مشترک و عمده آن همان نوگرایی مطابق با الگوهای اخذ شده از تمدن صعبی غرب بود

(۲۶) ادست، فریدون فکر آزادی و مقدمه بهشت سروطیب (تهران، ۱۳۴۰)، ص ۵۶

اعمال نمود وی در دستگاههای دولتی جلوگیری کند تنها در سالهای آخر صدارت میرزا آقاخان بود که شاه توانست با سببایی روحانی حون محمدخان فاحار کسیکچی ناسی، بیستر در کارهای دولتی دخالت کند: ابتدا وی به تقسیم کارهای دولتی برداخت و فرماندهی کل فسون را به عزیرخان مگری با لقب سردار کل، و وزارت خارجه را به میرزا سعیدخان با لقب مؤتمن الملك سرد^{۲۳} اما، سرانجام، پس از عقد معاهده ناریس (۱۲۷۳ هـ. ق)، فرمان عزل میرزا آقاخان را بر صادر (۱۲۷۵ هـ. ق) و دلیل آن را خنس اظهار کرد که میرزا تمام کارهای دولتی را تنهایی در دست گرفته بوده و به شخص دیگری اجازه دخالت در اداره امور را نمی‌داده و روس است که وی نمی‌توانسته سببایی انتظارات شاه را بر آورد و استباهات وی موجب گردیده که دولت به دست عربیه‌ها (بستگان میرزا) بفتد^{۲۴}

ناصرالدین شاه، پس از عزل میرزا آقاخان سر، در خود توان آن را ندید که زمام قدرت دولتی را در دست گرد و به تنهایی فرمان براند. از این رو او از رأی میرزا جعفر خان مسیر الدوله استمال کرد و نخستین هیئت دولت را، با سس و بر داخله، خارجه، جنگ، مالیه، عدلیه و وظایف، در سال ۱۲۷۵ هـ. ق تشکیل داد و، اندکی پس از آن، فرح خان امین الملك را برار ناریس احضار کرد و به وزارت حضور (دربار) و مهورداری شاه گماست ریاست این هیئت با میرزا جعفر خان بود. اما وزرا می‌ناست مستقل عمل کنند و گراس کار خود را به شاه بدهد، زیرا که شاه مایل نبود، مانند دوره صدارت میرزا آقاخان، همه احتیارات دولت به دست رئیس هیئت افتد.

میرزا جعفر خان از اعضای گروه سح نفری بود که در زمان عباس میرزا به انگلستان سفر کرد وی و همراهان - و در بین آنها میرزا صالح سیرازی - از نخستین کسانی بودند که با مظاهر تمدن غرب از نزدیک آسنا شده و در بوسته‌های خود به توصیف آن پرداختند. این گروه و گروههای دیگری که به اروپا سفر می‌کردند و همجنس کسانی که در مدرسه دارالفنون با تمدن غرب آسنا می‌شدند، نسل نوی از روسفکران ایران در این دوره را تشکیل می‌دادند^{۲۵}. اینان از سفندگان تمدن غرب بودند که به سرفتهای علمی و فرهنگی و صنعتی اروپا عبطه می‌خوردند و در بی آن بودند تا رمز این سکوفایی را کسف کنند. در بین آنان

امپراطوریهای روسیه و اتریس و عثمانی، تأکید دارد که در ایران نیز، همانند این امپراطوریه‌ها، جدایی دو قوه نامبرده - به رغم قدرت مطلقه ساه - میسر است و وظیفه ساه در نظام نو دوف و مراقب در کار دو قوه خواهد بود.^{۲۷}

این برداشت از نظام سورایی (یا پارلمانی) اروپا و شکل تعدیل یافته‌ای از این نظام که برای دستگاه حکومتی ایران پیشنهاد می‌شد چهارحوب کلی اندیشه‌های سیاسی روستفکران سسل نو ایران و از آن جمله میرزا حسین خان مسیرالدوله بود. این روستفکران - با تفاوت‌های اندک - باور داشتند که ایجاد نظم سورایی در دستگاه حکومتی ایران لاچرم سکوفایی علمی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی را نه بار خواهد آورد. از این رو، آنان در برنامه اصلاحات خود «گسترش صوری دستگاه اداری دول» (Formal Extention of State Bureacracy) را بر حستحوی اهرمی که محمل واقعی قدرت دولت مرکزی در نظام ناسد مقدم می‌دانستند و می‌دانستند که تعدد وزارتخانه‌ها و سور وزرا به خودی خود موجب برفراری نظم در دربارهای تهران و ایالتها و همچنین موجب حاکمیت قانون در کسور خواهد شد.

میرزا حسین خان مسیرالدوله، صدراعظم، اساسنامه هیئت دول خود را بر پایه همین «فلسفه سیاسی» تنظیم کرد و تعداد وزارتخانه‌ها را از سس نه به افزایش داد که عبارت بودند از وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ، وزارت مالیه، وزارت عدلیه، وزارت علوم، وزارت تحارب و رراع، وزارت دربار و وزارت فوائد. حال آنکه وزارتخانه‌هایی چون وظایف و اوفاف، عدلیه و فوائد و یا حتی علوم از تشکیل اولین هیئت دول به ریاسب میرزا جعفر خان مسیرالدوله تا انقلاب مسروطه عملاً وجود خارجی نداشتند. وریر وظایف و اوفاف کسی بود که صورت اسامی علما و ساداتی را که حقوق بکسر دولت بودند نگه می‌داسب، در حالی که مستوفیان، که حقوقها را می‌پرداختند، بر صورت این اسامی را در اختیار داسسد. مهمتر اینکه دول، در دوره ناساهی فاجاریه، در کارهای مربوط به اوفاف هیچ گونه دحالتی نداشت، همان گونه که دول در این دوره تا انقلاب مسروطه در کارهای مربوط به دادگستری نیز ذی نفس نبود رسیدگی به دعاوی مردم عموماً با بزرگان وریش سفیدان محل بود و تنها در برخی موارد حکمرانان در دعاوی عمومی دحالت داشتند. هرگاه موضوع دعوا مسئله‌ای سرعی بود، رسیدگی بدان در محضر سرع انجام می‌گرفت. وظایف وزارت علوم از سال ۱۲۷۵ هـ ق تا زمان صدارت امین الدوله (در دوره مظفری) نیز به اداره کردن مدرسه دارالفنون و رسیدگی به کار فارغ التحصیلان این مدرسه و یا کسانی که از اروپا بازگشته بودند محدود می‌شده است. با تأسیس مدرسه رسدیه و مدارس دیگری

ملکم خان در مقدمه دفترچه غیبی به معضل اصلی کسورداری رور ایران، یعنی مشکل ایجاد نظم و برقرار کردن قانون در ور می‌پردازد و بینش قدرتمندان کهنه‌گرا و بایندی آنان به ول کهنه کسورداری را سخت انتقاد می‌کند. وی می‌افزاید که ن با تمدن غرب کاملاً بیگانه‌اند و از آثار این تمدن تنها برخی آورده‌های صنعتی را می‌سناسد. نویسنده تأکید می‌کند که، با ود پیشرفتهای جسمگیر بسر در علم و صنعت، دیگر نمی‌توان صول کهنه و غیر علمی کسورداری حکومت کرد. از این رو، ریسۀ معضلات کسورداری در ایران را همین بایندی به به‌گرایی و بیگانگی نسبت به دستاوردهای داسهای نو می‌داند ز آن به عنوان «طاعون دولتی» یاد می‌کند که در تار وود نظام اسی ابران رحه کرده و سد راه هر گونه تحرك و دگرگونی سده ب به نظر وی، همین کهنه‌گرایی موجب بی اعتباری دول، ای سهرها و روستاها و هرج و مرج در ادارات دولتی سده ب. وی امدار دولتهای اروپایی را در بایندی آنها به علم و بول بو در کسورداری می‌داند و می‌افزاید که اروپاییان، با ره‌گیری از دستاوردهای داسهای نو، توانسته‌اند در کار رخانه‌های صنعتی، کارخانه‌های اسانی نر اختراع کنند. بصول هر يك از این کارخانه‌ها، که مسعلا به کارهای مالیاتی و ررسی و صنعتی و نظامی و غیره می‌پردازند، ایجاد نظم و برفرار دن قانون اسب. این کارخانه‌ها همگی با هم واحد بزرگتری به دول تشکیل می‌دهند که فوه اجرایی اسب در کنار این فوه، ه دیگری وجود دارد که فواسن کسور را تصویب می‌کند و برای آن را به فوه اجرایی می‌سارد. این دو فوه، که مستقل از دیگریند، دو ستون اصلی حکومت در اروپا را تشکیل می‌دهند و م حامۀ اروپایی بر به دلیل جدایی این دو فوه از یکدیگر اسب. ال اگر وظایف این دو فوه در هم ادغام شود، حنانحه در ایران نیر نین اسب، نظم از بین می‌رود و حای آن را هرج و مرج می‌گیرد. این رو هدف بنیادی اصلاحات در ایران باید حدا کردن این دو ه از یکدیگر و تفکیک وظایف آنها ناسد.

نویسنده دو نوع حکومت سلطنتی مسروطه و مطلقه را از یکدیگر تفکیک می‌کند و می‌افزاید که حکومت نوع اول برای سور ایران مناسب نیست بس در اصلاح امور کسوری قدرت طلعه ساه باید محفوظ بماند. وی، با استناد به قانون اساسی



میراحسین خان مشیرالدوله

دولتی است، ضمن اینکه ساحارهای سسکیلابی آنها نمودار ریشه یا بنیاد نا مذهب قدرت دولتی (قدرت مسمی بر افندار فرعی و یا قدرت مسمی بر تو: حق کروهی) اند از این رو، سسکیلابی که قدرتی را در خود بحسد می بحسد و خود بر اهرم احرایی آن قدرت می گردد نمی تواند سبب به بناد نا مذهب آن قدرت از نظر ساحاری بیگانه ناسد زیرا که خود هم محمل یا سر و هم اهرم احرایی آن قدرت است و قدرت سازمان یافته ای که اهرمهای احرایی خود را نمی یابد، نه مرور زمان ضعف می شود و توان سازماندهی را از دست می دهد.^{۲۸} در این حال، جامعه برای حفظ نظم خود، نه حسنجوی سازمان دهنده دیگری خواهد رفت. بدین ترتیب، قدرت دولت مرکزی سلسله فاحارنه، در طول یک قرن، از ۱۲۱۰ تا ۱۳۲۴ ه. ق، هیچگاه قدرتی نهادی بود و هیچیک از ناساها از این سلسله نواسب از برای نهادی کردن این قدرت گام مسمی بردارد. اصلاحات دوره اول قدرت در عصر ناصری، که رمنه های نهادی کردن قدرت دولت مرکزی را فراهم آورده بود، با آغاز دوره دوم قدرت و نا «اصلاحات» این دوره رفته رفته رنگ ناحب و نابود کسب در این دوره، ساه وف، نا بکیه بر اندیشه های روسفکران دربار، سسکلهای محلف از «سسکلات سورانی» را (با نامهای مجلس و بران، مجلس دربار اعظم، دارالسورای کرا، مجلس سورای دولتی، مجلس و برای نلانه، مجلس و برای خامسه، مجلس احرایکسده احکام دولتی و غیره)، بدون در نظر گرفتن واقعیه های نظام سیاسی آن روز، ارمود^{۲۹}، اما قدرت دولت مرکزی نه سها استقرار سافت و نهادی سس که رورور بر ضعف بر کسب و نفوذ خود را در همه سطوح جامعه از دست داد، نه طوری که، در پایان دهه چهارم از عصر ناصری، دیگر آن سروبی بود که تواند رعیت را نه رعیت و اطاعت وا دارد.

حاشیه

(۲۷) میر املاک، خان ناظم الدوله، مجموع آثار، محمد محیط طباطبایی (تهران، ۱۳۶۶)، تن ۱-۲۴.

(۲۸) نا ناسب آمدن توان سازماندهی قدرت، هرج و مرج و بی نظمی و فساد و دسته بندیها و ردوبندهای گروهی امکان رسد و گسترش می یابد، بویژه اگر این قدرت مشروع بر نبوده ناسد.

Edjtehadi, Mostafa: *Zerfall der Staatsmacht Persiens*, S. 67-71 (29)

ته س از رسدیه افساح سدید و طایف این و راریخانه کمی وسعت یافت، از و راراب فوائد عامه بیر، که از احرایکات میراحسین خان مسراالدوله بود، نا زمان انقلاب مسروطه سها نامی نافی بود و ورر از عملا هیچ کار احرایی نداشت این و راریخانه در دوره ناساهی احمدسناه دوباره ناسس سد و وطایفی حور بطاربر بر راهها و بطاربر بر کساورزی و ضعف برای آن در نظر گرفتند اما این وطایف بر تعریفی بود نه تحمقی؛ و راراب تحارب سر، که همیشه وجود داشت و برای آن ورر تعیین می سد، کاری حر بسدکی نه سکایاب بحار نداشت س از انقلاب مسروطه، این ثار نه و راراب عدلیه سرده سد حوره فعالیت و راریخانه های دیگر، که در واقع ادارات دولتی بودند، تر سسار محدود بود و سها نامی بر طمطراق نا خود ندک می کسندید.

ندس بر سب، اصلاحات دوره دوم قدرت در عصر ناصری ناسد اصلاحات دوره مظفری (در زمان صدارت میرزا علی خان امین الدوله) بر سایی یا، نه عبارت دفسر، ساحاری بود و سها کسترس صوری دستگاه اداری دولت نا نورم دیواسالاری را موجب گردید نا این اصلاحات ساحارهایی ندید نمی آمد که محمل قدرت ناساهی (سلطنت) گردید و در کارهای احرایی بر اهرمهای اعمال آن قدرت ناسد در حصص، سسکلات کسوری مجموعه سازمانهایی است که نا یکدیگر بیوند درویی دارند و هر یک از آنها حسه ای از قدرت را در خود بحسد می بحسد و تر، نه صورت اهرم احرایی آن قدرت، در این یا ان رمنه خاص نفوذ می کسد و اثر می گذارد. همان گونه که قدرت دولتی برای حفظ خود سازماندهی است که در سازمانهای اداری استقرار یابد، نه همان گونه عملکرد و نفوذ این سازمانها سانه انسجام قدرت

يك جورِ خاصی راهنمایی می کردند. راه خانه کسی را به سیوه خاصی نشان می دادند:

«آنجا که رسیدی، بپیچ دست راست. دست چپ مزرعه‌ای می بینی. مستقیم برو. باز دست چپ؛ در گوسه، چنار صدساله‌ای خواهی دید، کنار آن کاخ کوچکی هست با پنجره‌های بیرون زده در سمت راست آن راه باریکی است که کمی سر بالا است. از آن برو بالا. صد قدمی آن ورتر، سمت راست، کلبه‌ای خوبی سیه لانه ترندگان هست که بید محنونی در باغچه‌اش کاسته‌اند شماره ۱۴. روبروی خانه، بقالی کوچکی است. بقالی ابراهیم امدی همان خانه، خانه سرونار خلیفه است»

طور دیگری به دید و بازدید می رفتند. نه سیوه خاصی دوست را ریارب می کردند:

با تبختر درون درسکه تاستانی که هر دو طرفس باز بود و يك با دواس آن را می کسید، می بستید. بوه سما در کناربان و داماد بیس رویتان.

راهی را که می توانستید در يك ساعت پیاده طی کنید، با تماسای مناظر حب و راست و گردس کمان در سم ساعت می رفتید هنگامی که می خواستید سوار درسکه شوید، درسکه حی ناس می آمد و آماده کمک نه سما می ایستاد

حون نه مقصد می رسیدید، به محض آنکه اردهنتان در می آمد «واستا». درسکه حی نار از جای خود نه ناپس می برید، دامن لباسس را جمع می کرد و حاضر برای می ایستاد و، اگر لازم می شد، نه دست خود بلکه بارویس را نه طرف سما دراز می کرد. حون احرب خود را می گرف، تسکر می کرد و دعاتان می کرد. طور خاصی همدیگر را صدا می زدند. مکالمات به سیوه خاصی بود

ربان را سرکار حام خطاب می کردند. مردان را حصر افا می خواندند. نه افراد مس و رس سفید حصر عالی می گفتند بعضیها مردان را ارباب هم خطاب می کردند و البته اینان در اولی بود

کسی که از درسکه پیاده می شد به درسکه حی «خدا هوب» می گفت. درسکه حی هم سرسین را به خدا می سپرد به طور خاصی سوار و ابور (کستی مسافربری شهری) می شدند دوستی نوع خاصی بود.

افرادی که مسیر واحدی را طی می کردند در و ابور همدیگر را می حسند تقریباً حای هر کسی معین بود.

تمناها از دل برآمده بود. عنایتها از درون بر می حاسب احوالرسی و چاق سلامتی... شاید کمی ریاکاری هم در کار بود، اما محبتها خیلی بر معتر بود.

سخن گفتن طور خاصی بود. محبت سیوه دیگری داشت

دیروز و امروز

نوشته عبدالباقی گولپینارلی*



این عده خود را مسؤول ناموس محله می‌دانستند. یاور
سبگردان و مراولان محله بودند. در برتو وجود آنان محله در امان
بود، راحت بود نه برکت وجود اینها انسان در خواب گرفتار
کانوس نمی‌شد هر کس بیدار می‌شد موقع بیدار می‌شد. اینها از
اهل محل زندگی خود را تأمین می‌کردند اگر مرتکب خطایی
می‌شدند، اهل محل در محبس دست یاری به سوی اینها دراز
می‌کردند آن هم با دلی عمگین.

کلمی و خدمتکاری بود اینهایی که از اهل خانه به حساب
می‌آمدند.

آن که به بیری می‌رسید «دده» و «نه‌نه» می‌شد. اگر جواسر
بود، سوهرس می‌دادند و او با سوهر خود خانه‌راد می‌شد.
داروندار همه یکی بود.

زندگی راه و رسم دیگری داشت آرامش و آسایشی بود.
با ادا صبح از خواب بر می‌خاستند، آفتاب بلند شده بود که
می‌رفتند به سر کار هنگام عرب افتاب یا به حراناب سر می‌زد،
یا به خانه نار می‌گسید؛ اما، به هر حال، بعد از نماز حقش همه
می‌خواندند.

حوابی که دیر وقت به خانه بر می‌گشت «نارینه» به اناو خود
می‌رفت هیچکس را بیدار نمی‌کرد نه همه احترام داشت.

سب هنگام به صدای بوی سیده می‌شد به سوب واور بود نه
احبار رادبو و نه جمع و داد آگهیهای سلعانی از بلندگوی ابومسلها
در محله‌ها بلند می‌شد که بچه‌ها را از خواب بر حیراند و معر را
داعان کند نه وسط محله «کافه تریا» بود و نه «کاریوی» با ساز و
آوار.

نوعی دعاگویی بود و نوعی دل به دست آوردن.

هرگاه نه کارگر ساختمانی یا کارگر راه یا هیرم سکن و یا هر
کارگر دیگری که به دور بارو کار می‌کرد بر می‌خوردند می‌گفتند.
«حدا فوب» مخاطب لحظه‌ای کارس را رها می‌کرد و در خواب
می‌گفت «ای واللّه» و با بیروی تازه‌ای کارس را ادامه می‌داد.
دوستی به نوعی دیگر بود برادری به سوه‌ای دیگر.

بر سر راه، کسی که از جانب فله می‌آمد رو می‌کرد و سلام
می‌گفت بقدّم نا او بود بررگر نه کو حکر، سالمند نه کم سن و
سال، سواره نه پیاده سلام می‌گفت کسی که نه او سلام می‌گفتند
مؤدانه‌تر و حوسر سلام را علیک می‌گفت. اس نوع بر خوردن را به
حیر عصر می‌کردند و هردو عابر سادمانه‌تر و سعادت‌مندتر به راه
خود ادامه می‌دادند.

به سفر رفتن طور دیگری بود. مسافرت راه و رسم و بره‌ای
داشت.

سب بر آن کسی که با دسوس و روتوسی از خانه خارج
شده بود آب ناسان می‌کردند. معنایش اس بود که «میل آب برو» و

اگر می‌خواستند از سر مخاطب حال و احوال بپرسد،
«افاراده» می‌گفتند. اگر از سر خود سخن به میان می‌آوردند با
«سده‌راده» یاد می‌کردند. پدر را «ابوی» و مادر را «والده»
می‌خواندند. از دختر خود با عبارت «کنتر سما» نام می‌بردند. از
«ار که می‌گفتند، عبارت «ابوی دعاگوی سما» به کار می‌بردند و
مخاطب هر حمله‌ای را با «خواهس می‌کم، اختیار دارید» ناسح
می‌داد.

به هنگام خروج از خانه دست پدر را می‌نوسیدند، بر دست مادر
نوسه می‌زدند و از آنان طلب دعا می‌کردند بچه‌ها را می‌نوسیدند.
با افراد همسن و سال دست می‌دادند افرادی که در خانه
می‌ماندند دلی حوس داشتند و افرادی که می‌رفتند به مبارکی و
ممنبت روانه می‌شدند.

حس بود که عوان «ناراری» بار کسی نکند، شاید ریاد بیس
می‌آمد اما کاسی نبود که نگوید ما ناراری هستیم، در کار ما
دروع و دغل سب.

صدای فروسندگان دوره‌گرد اهنگس بود و سحناسان لحن
خاصی داشت صدای ترس آور و حانکاه که هفته را سر اسسمه
بدار کند سیده نمی‌شد.

ادان، حتی برای کسانی که نماز نمی‌خواندند، مایه آرامش
روح بود يك درنگ موسیقایی بود يك لحظه حسوع بود صلاي
نسح از «دلکس حاوران» و اداسی از «صنا» بود ادانهای طهر و
معرب و عسا از مقاماتی بود که فیلاً آماده می‌شد. اما ادان معرب
اهنگ دیگری داشت و به سیوه‌ای مخصوص گفته می‌شد.

فهره خانه محل نفس خاصی داشت، باتوق بود. هر روز صبح،
هر کسی که به سر کار می‌رفت به آنجا سری می‌زد هر کسی با
دیگری يك نار دیگر ملاقات می‌کرد برای رن و بچه‌نمار مسمند
و ریان بیوه و بی‌کس در آنجا حاره‌ای می‌جستند و می‌یافتند
براس طیب می‌فرستادند دارو می‌خریدند رغال بهمه
می‌کردند بول جمع می‌کردند وسایل را برایش می‌فرستادند اما
از فرستنده اسمی به میان نمی‌آوردند و از اعانه بودن آن یاد
هی‌کردند می‌گفتند «یکی از بسگان سما فرستاده و اسمس را
نکفت».

داس مسدی‌گری بود. آسایش و امیبت کیفیت خاصی داشت

هر کس که سنگی می دید، می ایستاد و با خود می گفت ممکن است این سنگ ناعب لغزیدن کودکی یا افتادن باسایی شود، حم می سد آن را از سر راه بر می داشت و بر کاره راه می گذاشت. اگر بر سر راه ناره نابی می دید که از دست کسی افتاده بود یا ناره ای نان حسیك مساهده می کرد، حم می سد، آن را بر می داشت و می نویسد یا نه گردیک دهان خود می برد که گویی می خواهد بنویسد، و سپس آن را در سوراخ دیواری یا سکاف درختی می نهاد و می گفت «نعمت الهی است، احترام نعمت واجب است»

اهل محل همدیگر را می شناختند و یکدیگر را دوست داشتند سخن بی معنی و ناهنجار را در محله نمی شنیدند حمر مرگ در تمام محله می بچید نه محض آنکه حناره را می بردند، همسایه حاب فیله اس، گوست و سربسی به حانه موقی می فرستاد رور بعد، همسایه طرف راست و، رور دیگر، همسایه طرف حب. همه همسایه ها نه نوبت در این مراسم شرکت می کردند و یک هفته در حانه صاحب غرا مشکل بحث و برخورد نداشت

صبحها اولس کار در حانه ناك کردن لوله حراع بود سیسه حراع را اول «ها» می کردند، سپس حوب خوح و ناریکی که نارحه بر سر آن سخته شده بود درون آن می سجادند و سیسه ناك و سقا می سد در حاصتی حراع نف می رختند فیله آن را ناك می کردند و مخصوصا سرفتیله را با فیچی می بریدند حراهای ادارات بر اسحسن اماده می سد به برو بود نه قطع برو و نه سمع و سمعدان سکسبه و سیسه امروری

هر دو حاسه معابر شهر درختکاری بود در کناره سجره ها ریحان هر حانه ای ناعجه ای داشت در ناعجه ها گل بود، گل های رنگارنگ فرقل و در کناره راهها برگس

میدانی بود وسیع و ریبا در مانه آن حوصی بزرگ برار اب زلال در مدخل آن، سمب راست، دو فهوه حانه ناکره و ریبا که حنارهای صدساله و در حنان بلوط بر آنها سایه انداخته بود

در منتهالنه فهوه حانه دوم، رستوران نروتمیری، ود مردم با یکدیگر دیدار می کردند، می سیسند و گت می ردند، عدا می خوردند، تفریح می کردند استادان به آجا می آمدند شعر خوانده می سد علاقه مندان، مل «عاسفان دلپاحنه»، نه سیمای امان حیره می سدند ابتداء معلوم سیست حرا آجا را «مریله» نامیده بودند، بعد اسمس را به «گلستان» مندل کردند. صدای نال برنده در حال بروار در آجا سیده می سد صدای نفسی را هم که بالا و پایین می رفت می سد سید

در «سهراده ناسی» بر سر راه «نایرید» قهوه خانه ای بود. آن فهوه حانه «فیصیه» نام داشت هر هفته در آجا سباط موسیقی برپا می سد. از استاد تا «دده بزرگ» از «دده بزرگ» تا «سوقی بیگ»،

حون اب ناز گرد، نه هیچ مانعی بر محور، اگر بر خوردی، مل آب ان مانع را از نشن بردار.»

کالسکه چی، انگاه که برج و ناروی سهر را سب سر می گذاست، نه سر سنان کالسکه می گفت «سفر تان نه حرا» و سر سنان نه اس سخن را می شنیدند می گفتند «حوب و حوس باشی» در طول سفر نه کسی که دحار کسالت می سد کمک می کردند بچه ها را نه ناری می گرفتند نه بر مردها حامی دادند سفر با حرمت و احرام نه نایان می رسد و راه سب سر گذاسه می سد

ادب و احرام در کنار بود اسباب اداب دیگری داشت هنگامی که می حواسند در رسورانی بر سر مری سیسند، حنما از افرادی که فالا بر سر ان میر سیسه بودند احاره می گرفتند، اگر حا حالی بود و می سیسند، هر گز ار گفس «نوس حان» عقلت نمی کردند، محاطب هم سکر می کرد کسی که عداس را رود بر تمام می کرد، ندون گفس «نوس حان» نه کسایی که هور سیسه بودند، رسوران را برک نمی کرد احرام حاصی وجود داشت احرام انسانی

در محامع صحبت درگوسی نمی کردند. میان حرف هیچ کس نمی دویند سخن گفس ناصدای بلند عبت بزرگ سمرده می سد هر کس نه سخن دیگری حرمت می گذاست و برای خود کسب احرام می کرد و کسی که براس احرام ارج نمی نهاد، ملامت می سد و همه از او دوری می کردند و نه او «مجلس برهم رن» می گفتند در میان امان حسن کسایی کمر ندا می سدند بوغی مدارا نه حسم می خورد

مدارا با «اعفاد» ان کسی که حی اعفادی نداشت اگر در ناره اعفاد سحقی در حال حباب سخن می گفتند، از وی با عتاب «حدا هداس کد» ناد می کردند، و، اگر مرده بود، می گفتند «حدا از بقصر اسن نگردد» برد کوران و کران از کوری و کری سخن نمی گفتند پیش کسی که عسی داشت از یاد کردن آن عبت بر هیر داشتند، مدین سان، در هر مجلسی هر کسی در سخن خود مواظب این نکات بود

راهها شسته و تمیر بود. هر کسی صخدم حلو در حانه خود را آب و حارو می کرد اما، نه هر حال، سنگی بر سر راه باقی می ماند

هر کس نغمه‌ای سازی کرد و آهنگی می‌نواخت هر ترانه‌ای را در
دل می‌سندسید. هرگز سحنی دیگر، حتی يك حيك، در آنجا سیده
نمی‌سند. گویی هیچ کس نفس نمی‌کشد.
از دست کسی سکه‌ای به زمین افتاد، فوراً بایش را روی آن
گذاشت تا صدای آن به آهنگ موسیقی لطمه نزند

«نُعار»، «گوك سو»، «حلیح»، «کاغذخانه»...

ویلاهای ساحل

فایفهای بوك تر.

نغمه‌ها، دردها و آوارها.

اینها به نه گفتن در می‌آید به نه بوستن.

دوستی بود و وفا بود؛

حرف بود و معنی بود؛

آرامش بود، آسایش بود، و روح بود؛

جمعیت خاطر بود، قص بود و دوق بود؛

سنه بود، ادب بود و حان بود،

جانان بود، هجران بود عشق بود...

«مریله» با بله‌های کج و کوله و با دیوارهای طبله کرده به
نمایشگاه اتومبیل بدل شده است باران و رور و فرسندگان دوره‌گرد
است. گلیمهای رنگ و رو باخته روی دیوارهای آن بهن شده و
حسم پیسنده را می‌آزارد. کته آسعال و کناف نارامی لعراشد بوی
فلفل و گوس و سار همه‌ها را گرفته است صدای سسور
فرسندگان دوره‌گرد گوس را کر می‌کند و ار «میدان» اس سباط
سر برآورده است، در آن سوی میدان، مرکز علم ما، دانشگاه...
مگر می‌سود از کسی که مسعول کار است حال و احوال
برسد؟

آیا کسی تو را می‌سازد؟

سلام گفتم نوعی عفت ماندگی است مگر حس حبری ممکن
است؟ چه عادت و حسیانه‌ای!

«رور نه حبر» یعنی چه؟ اگر حس سحنی هم بر زبان آند کسی
سست که ناسحی بدهد

کسانی هستند که تعجب می‌کنند کسی که بر سر میرس
می‌نسیسد «بوس حان» به آنها بگوید در دل خود می‌گویید «اس
اها ما را از کجا می‌سازد؟» و البته خوانی هم نمی‌دهند

امروزه اگر نصح هر دور هم جمع سوند هر نصح بهر با صدای
بلند صحبت می‌کنند و احترامد سده است که بریده بریده، اا، او
او او، ای ای ای سحن بگویند

برای دین، اعتقاد و ایمان به بها حرمی فایل بیسند، نه ان
دسام هم می‌دهند

موسیقی حرامزاده سده به سرفی است به عربی، فقط این
مسلم است که مال ما بیست، سست، بیست... و نه کمی بلکه
سرتانا دیوانه است!

و ما دیگر در اس سررمس غریسم

«گاهی غرب وطن می‌سود و گاهی وطن دم از عربی می‌رند»

ترجمه دکتر توفیق هـ سحانی

حاشیه.

* از آخرین مقاله‌های مرحوم گولبیاری، محقق و مولوی سلس بر حسته ترك.
است

اکنون از هیچکس راهی را برسد، چون هیچکس هیچ حارا
نمی‌داند خانه‌ها بی‌هویت است صاف و ساده همه سینه به هم
به طوری که هیچ يك از دیگری فایل تمبر سست

برادر، راننده، کسی را که ریس دارد بدر و با عمو می‌خواند
حواسرها را برادر خطاب می‌کند. دیگر ارباد برده است که باوان
را «حام» صدا کند آنان را حاله، حواهر و با مادر می‌خواند در
«واور» دیگر اسنایی دیده نمی‌سود، دیگر «حای معش» بافی
نماده است.

صدای ادان دیگر مؤمنان را به گفتن «حل حلاله» وا نمی‌دارد،
بلکه اسان را به وحسب می‌اندازد و به گفتن «لا حول ولا » بر
می‌انگردد

صدای فرسندگان دوره‌گرد اسان را از رنگانی سرار
می‌کند

فهره خانه محله دیگر بافی نماده است.

داس مسدی‌ها حراحی بار کرده اند. سب و رور ار هم سباحه
نمی‌سود.

راهها را کناف اساسته است.

آبارتمان سسین‌ها همدیگر را نمی‌سازد هر کسی گرفتار درد
روران تاره‌ای است.

برق اسان را از سمع و حراع نفتی بی‌یار نکرده است
درختان را قطع می‌کند آب‌ابارها سیر ندارد کتیبه‌های به‌جا
مانده و لوحه‌های بیگناه در انتظار سکسته سدن سر به گریبان
نهاده اند

شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۸)

دکتر علی اشرف صادقی

پسوند تحبیب

(۳۵) «-نی» (-i)

این پسوند در دو مورد به کار می‌رود

۱) به صورتهای محفف و کوتاه سده اسمهای خاص می‌جسند و بحسب معنی عطف و گونیده را بسبب به صاحب نام و سر خودمانی بودن و روابط دوسانۀ گونیده و صاحب نام را بیان می‌دهد. اسگوته اسمها اساساً در کفار به کار می‌روند. ماهب دسوری اسمی که این پسوند به آن می‌جسند سن از الحاق پسوند بعبر نمی‌کند. بحفف اسم در الحاق پسوند به آن به سکلهای زیر صورت می‌گردد

الف) در صورتهای هجای اول نام به مضوب حم سده باشد پسوند به هجای اول و صامت اول هجای دوم ملحق می‌شود و به فسمهای اسم حذف می‌شود. فریدون ← فری، فرسه ← فری، بوران ← بوری، فاطمه ← فاطمی، ناریس ← ناری، نایک ← نایی، هوسنگ ← هوسی، یوسف ← یوسی، کنابون ← کنی.

کلمۀ «سوری» سکل بحسی «سرور» است که به حای «سُری» به کار رفته است

ب) در صورتهای هجای اول نام به صامت حم سده باشد، پسوند به هجای اول نام ملحق می‌شود. اسماعیل ← اسی، اسرف ← اسی، ابراهیم ← ابی، کامران ← کامی، عرب ← عری، بروس ← بری

در کلمۀ «زری» که از رها گرفته سده صامت «ه» از آخر هجای اول کلمه حذف سده و در سحه کلمه به سکل نامهایی درآمده که هجای اول آنها به مضوب حم می‌شوند به این سبب سکل محفف آن هجای رهی، بصورت رری درآمده است. رری بعنوان محفف نام درین ناح به کار می‌رود.

ب) در نامهایی که از دو جزء ترکب سده‌اند، در صورتهای جزء اول يك هجایی باشد، پسوند به جزء اول ملحق می‌شود و جزء دوم حذف می‌شود. بدرالزمان ← بدری، سمن الملوك ← سمنی، نورالسرعه ← نوری، فخرالزمان ← فخری، عبدالله ← عندی، روح الله ← روحی، روح انگبر ← روحی، گل نابو ← گلی، مهر نابو ← مهری، ناح الملوك ← ناحی، نصر الله ← نصری، سكر الله ← سگری

ب) در نامهای زیر بانه کلمه ظاهراً محفف سکل طولانیتری بسبب و این نامها به همس سکل بر مسماهای خود نهاده سده‌اند. اسی، قدسی، حوری

بعضی اسمهای محفف نیز صورت اسم سانسامه‌ای سدا کرده و به همس صورت بر مسماهای خود نهاده سده‌اند، مانند گلی، ناری، مهری، سمنی و غیره

۲) به اسم ملحق می‌شود و هیچ گونه بعیری در آن نمی‌دهد و تحبیب را می‌رساند این گونه اسمها دو دسته‌اند:

الف) اسمهای خاص، مانند حسن ← حسنی، عباس ← عباسی در حقیقت این سکلها هجای صورتهای «حسی» و

* «عی» که غیر مستعمل اند به کار می‌روند

ب) اسمهای عام، مانند طفل ← طفلی، حیوان (حوان) ← حیوانی، بابا ← بابائی، مامان ← مامائی، داداس ← داداسی، حور (حان) ← حونی، بز ← بزّی، موس ← موسی (حجّه کوحک نامره)، بورحسم ← بورحسمی.

در دو مثال زیر «نی» به دیال سوید تحسب «-ك» آمده و به اسم ملحق شده است: حیوانکی، طفلکی. در کلمه «تلی» این سوید به «تُل» که صفت است ملحق شده است.

در کلمات بیری (بیر)، کوری (کور)، سُلی (سل، اسان سب و بی دست و نا)، لالی (لال)، «نی» تحسب را بیان می‌دهد و این کلمات صورتهای عامانه و تحقیرآمیز، کور، سل و لال هستند: فلانی سربیه (= سراس) گاهی بر این صفتها به جای اسم معرفه به کار می‌رود: سربیه آمد (- بیره آمد) سربیه سلی در خطاب سربیه به کار می‌روند

پسوندهای تأنیث

(۳۶) «-e/-a»

در میان اسمهای فرضی عربی در فارسی تعدادی اسم و صفت هست که به «-e» ختم می‌شوند اسمهایی که به این سوید ختم می‌شوند عبارتند از: محوطه، مجموعه، مقدمه، محموله، مدرسه، محله، مسعله، محسمه، مهلكه، منظره، منطقه، مررعه، مسره، منطقه، منظومه، محفظه، محکمه و غیره

صفتهایی که با این سوید به کار می‌روند دو دسته‌اند

الف) بك دسته از این صفات بدون سوید نیز به کار می‌روند، اما صورت با سوید آنها مقید به نافتهای معین یعنی همراه آمدن با موضوعهایی است که خود دارای سوید «-e» (نا-)، ناسد یا به صورت جمع به کار رفته ناسد، مانند (قدرت) منطقه، فائمه، آمدنه) موره، (ریاست) عالیّه، (ماده) واحده، اولیه، (هیئت) حاکمه، مصطفی، رئیس، (مکه) معظمه، (قوه) مقصیه، (منطقه) حاره، مصوعه، (رساله) عملیه، (بلاد) کبیره، (مواد) مسخره، (احوال) موضوعه، (صور) فیحه، (حقوق) حقّه، (ارواح) حسیه، (اموال) مسروقه، (امور) خارجه، (اماکن) مترکه، (ظروف) مرتبطه، (احواس) حمسه، (مواد) اولیه، (اسماء) حلاّنه، (نتایج) حاصله، (اعضاء) رنسه، (اماکن) متروکه، (دیون) معوّفه، (اوراق) مسره

این صفتها اساساً با اسمهای مؤنث یا جمع عربی دال بر غیر خاوند و گاه خاوندان به کار می‌روند

ب) دسته دیگر صفاتی‌اند که در فارسی صورت بدون سوید آنها متداول نیست یا در معنی دیگری به کار می‌رود، مانند (راویّه)

منفرجه، (احجار) کریمه، (روابط) حسنه، (کتب) صاله، (اخلاق) رذیله، (موارد) عدیده و غیره.

در برابر صفهای دسته الف، معنی مطلقه، فائمه، منوره، عالیّه، واحده و غیره در فارسی سبکهای مطلق، فائق، مؤر، عالی، واحد و غیره نیز وجود دارد، اما در برابر منفرجه، کریمه، حسنه، صاله و بطایر آنها یا سبک دیگری نیست یا اگر هست به معنی دیگری به کار می‌رود از نظر دستور زبان فارسی بوجه صفهایی مانند عالی - عالیّه، مطلق - مطلقه، مؤر - موره و بطایر آنها چگونه است؟ مسلم است که از نظر فارسی‌زبانانی که با زبان عربی آشنایی ندارند به عالی و مطلق و مؤر صفت مذکر سمرده می‌شود و نه عالیّه و مطلقه و موره صفت مؤنث اسمهای محوطه، مدرسه، مجموعه و بطایر آنها نیز مؤنث تلقی نمی‌گردند و اصولاً مفهوم تأنیث به آن معنی که در دستور زبان عربی هست در فارسی نیست (با آنهمه این مفهوم در موارد محدودی که حداکانه در برابر آن بحث خواهیم کرد وارد زبان فارسی شده است) بنابراین صفایی مانند عالی - عالیّه را باید کلمانی تلقی کرد که دو سبک واژگانی دارند و تفاوت آنها به دستور زبان و مفهوم تأنیث ارساطی ندارد به بیان دیگر این کلمات از آغاز با دو سبک وارد زبان فارسی شده‌اند کاربرد صورتهای محوم به «-e» آنها به نافتهای خاصی اختصاص داشته است، در صورتیکه صورتهای بدون سوید کاربرد ارادتری داشته و دارند تفاوت میان این دو صورت در زبان عربی مربوط به صرف و نحو آن زبان است زیرا مقوله حسن در عربی مقوله‌ای صرفی - نحوی است، اما در فارسی که این مقوله وجود ندارد این صورتهای دوگانه فاعلی و متحجر سمرده و در وارگان صیغ می‌شوند فرهنگ‌نگار زبان فارسی باید تمام این صورتهای دوگانه را در فرهنگ صیغ کند و توضحات لازم مربوط به سرباط کاربرد آنها را - یعنی اینکه هر يك با چه موضوعهایی به کار می‌روند - در برابر آنها قند کند

بك دلیل محکم بر عدم ارساط صفات محوم به «-e» با مفهوم تأنیث در زبان فارسی این است که استعمال این صفات در فارسی به توصیف اسمهای عربی محوم به «-e» یا اسمهای جمع منحصر نموده است این صفات غالباً با اسمهای فارسی الاصل - چه اسمهای مختوم به «-e» و چه غیر آنها، حواه مفرد و حواه جمع - نیز به کار می‌روند، مانند مثالهای زیر
اسم فارسی بدون «-e» درآمد حاصله، دسر مربوطه، اکهی مسره، فرار داد معفده

حاشیه

(۱) «حسی» در کردی به کار می‌رود

اسم فارسی با سبوند «-ه» نامۀ مورچه، وارده؛ آستانۀ مقدسه، دهنۀ مبارکه، سبوءَ مرغیه، بروندۀ محتومه، دورۀ متوسطه، رورنامۀ منطعمه، منتشره

اسم فارسی جمع، سفارسات لارمه، گناهان کسره
اسم عربی مذکر حرب منجله، عنق مکسره (عنق در عربی مذکر است و بدرب مؤنث می‌شود)

در آن دسه از این صفات که صورت بدون سبوند آنها بیر در فارسی کاربرد دارد غالباً میان دو شکل آنها تفاوت معنی و تفاوت نفس دستوری دیده می‌شود، چنانکه در مثالهای زیر
منفجره ~ منفجر (در منفجر شدن، فقط در نفس مسندی به کار می‌رود)

منجله ~ منجل (در منجل شدن، فقط در نفس مسندی به کار می‌رود)

موضوعه ~ موضوع در فارسی به عنوان اسم استعمال می‌شود

حاده (زاویه) ~ حاد در فارسی با حاده تفاوت معنی دارد
فائمه (راویه) ~ فائم در فارسی با فائمه تفاوت معنی دارد.
موسطه (دوره) ~ موسط در فارسی با موسطه تفاوت معنی دارد

حمیده (صفاف) ~ حمید در فارسی به عنوان اسم خاص به کار می‌رود

حسبه (روابط) ~ حس در فارسی به عنوان اسم خاص به کار می‌رود

بها تعداد بسیا کمی از این صفات هستند که شکل‌های با سبوند و بی‌سبوند آنها تفاوت معنایی و نفسی ندارند این صفات همانها هستند که معاصرین استعمال شکل بدون سبوند آنها را با موضوعهای عربی با فارسی محبوم به «-ه» با جمع بر حنج می‌دهند، مانند مطلق (قدرت)، مورج (نامه)، معقد (جلسه)، مرتبط، معمول (اقدامات)، حاصل (سایح) و غیره صورتهای دو با چندگانه برای صفات - و اسمها - در کلمات فارسی الاصل بر دیده می‌شود، مانند سادمان ~ سادمانه، حاودان ~ حاودانه، درین ~ دیرینه (مثال برای اسم اترار ~ افرار، اسان ~ اسانه)

اما در برابر این اسمها و صفهای مورد بحث، در زبان فارسی تعدادی اسم و صفت هست که به «-ه» ختم می‌شوند و در مورد زبان و دحیران به کار می‌روند

اسمهای محتوم به «-ه» که بعضی از آنها نفس صفتی بر دارند عبارتند از ملکه، معسوفه، راهبه، ندیمه، فائله، ساعره، والده، روحه، متعلقه، منکوحه، حده، علیامحدره، سرکارعلیه (هر دو جزء به عنوان يك واحد)، عجوره، صعبه، فاحسه، فحبه،

م

معروفه، لکاته، کمیه، این حاسه، همسیره
صفتهای محتوم به «-ه» عبارتند از حامله، یائسه، مطلقه، محجنه، مرحومه، معفوره، محترمه، بحیه، وحیه، فاسفه، سلطه.
کلیۀ کلمات فوق در مورد اسان به کار می‌روند يك دسته از این کلمات صورت بدون سبوند ندارند و خاص زبان‌اند، مانند فاحسه، فحبه، سلطه، نائسه، مطلقه، علیامحدره، فائله (ماما)، و غیره. اما دسه دیگر مانند والده، ملکه، حده، معسوفه، راهبه و غیره شکل بدون سبوند بر دارند که در مورد مردان استعمال می‌شوند به نظر نگارنده تنها کلمات دسه اخیر، یعنی انهایی را که شکل بدون سبوند دارند می‌توان مؤنث سرد، ربراً عموم فارسی‌زبانانی که دارای سواد متوسط هستند این کلمات را با شکل بدون سبوند خود مرتبط می‌داند و آنها را مؤنث صورتهای مباطر بدون سبوند - مذکر - آنها به شمار می‌آورند. اما کلماتی که معادل بی‌سبوند ندارند و حتی کلمات عمه و حاله که معادل بی‌سبوند آنها در فارسی متداول نیست (غم حیدان رایج نیست و عمو بجای آن به کار می‌رود) و بر صفاتی که خاص زبان است، مانند حامله، محجنه، مخدره تنها از طریق معنی خود بر اسانهای مؤنث دلالت دارند نه از طریق شکل خود، یعنی وجود سبوند «-ه»

بدین ترتیب بر اساس این بحث می‌توان از مقایسۀ کلماتی مانند راهب - راهبه، معسوی - معسوفه، محترم - محترمه و غیره به وجود يك سبوند تأیید با شکل املائی «-ه» و با تلفظ «-ه» در فارسی معاصر فائز شد که خاص اسانهای مؤنث است. این سبوند اساساً با کلمات فرضی عربی به کار می‌رود، اما به کلمۀ فارسی «انحاج» بر سرباست کرده و آن را به صورت «انحاجه» درآورده است کلمات همسیره و کمیه هم که در اصل اختصاص به زبان نداسه و سبوند آنها از منسأ عربی نیست با کلمات مؤنث فوق فیاس شده و امروز در سطحی از زبان برای زبان به کار می‌روند. همسیره در همه سطوح زبان رایج است، اما کمیه، مانند انحاجه، در فارسی بوستاری «سسه و رفته» و در گفتار متداول نیست

از آنجا که استعمال این سبوند در فارسی جنبۀ عام ندارد و کاربرد آن محدود است، نمی‌توان آن را از موهله سبوندهای تصریفی به شمار آورد. بنابراین باید آن را نوعی سبوند استغای

آزاده، آلاله، افسانه، افسانه (به چه معنی؟)، اندیشه، ناده،
نفسه، ندیده، بروانه، بویه، بیرایه، بیراسته، بیروزه، بیمانه، ترانه،
حلوه، ححسته، حوسه، دردانه، رحساره، زمانه، رمرمه، زهره،
رینده، راله، سیده^۲، ستاره، ستوده، سمانه، سایسته، سراره،
سعله، سکوفه، سیفته، سهره، طلعه، عنحه، فتنه، فرحنده، فرانه،
فرورنده، فیروزه، لاله، مستانه، مهکامه، هاله، هگانه، یگانه^۳.

تعدادی از این نامها در گذشته نیز برای نامیدن زنان به کار
می‌رفته‌اند، مانند دردانه، ره‌ره و عره، اما تعدادی دیگر نام یا لقب
مردان بوده‌اند. ححسه نام ساعری از فرهای چهارم و پنجم
است (ححسته سر حسی) سر سید ححسته ماریدرانی مردی است
که نامش در کتبه‌ای از قرن پنجم آمده (رك لعنه‌نامه) (البته
ححسته نام سه زن اصفهانی از روابیان حدیب نیز بوده که در
فرهای پنجم و ششم می‌رسیده‌اند، رك التحیر سمعانی، ج ۲،
ص ۲۰۴). بروانه لقب معین الدین سلیمان دلمی نائب اصفهان
در حکومت روم در قرن هفتم است.^۵ اندسه نیز نام مردان بوده
است سمعانی (التحیر، ج ۱، ص ۵۸۷) از شخصی به نام
أبو الحسن علی بن محمد بن علی بن اندیشه نسائی نام می‌برد
سعله نیز برای نامیدن مردان به کار می‌رفته است این ماکولا
(الاکمال، ج ۵، ص ۶۸) از شخصی با همین نام نام می‌کند

بی سیک بعضی از این نامها از نظر معنایی برای نامیدن مردان
مناسب‌تر است تا زنان و بعضی دیگر برای هر دو جنس از یک
اندازه از مناسب برخوردار است، مانند سفیه، آزاده، سوده،
فرزانه، فرحنده، نگانه، فرحنده یا فرح که از قدیم برای نامیدن
مردان به کار می‌رفته به یک معنی است

در زبان اس‌محب به اس نکهه نیز باید اشاره شود که
سئود^۶ «به» در کفار از تعدادی از نامهای زنان، بویژه نامهای
قدیمی، به منظور سهولت تلفظ و تحفیف و گاهی بحسب حذف

حاشیه

(۲) احتمال دارد نامهای موبت فارسی الاصل مانند بهمنیه، خرم‌ره (مادر فرود)،
روانه، سوده، به (در شا و س)، اچمه، عره به سئود آنها، ایلک، بهلوی
که شاهی برای ساختن نامهای موبت به کار می‌رفته، که همه سئوداند نیز در فرانس
«ایابی» «به» و بدرقه شدن آن به عنوان سئود سارنده نامهای زنان می‌باشد
شود باشد

(۳) به جای سئود که از نظر معنی مناسب‌تر است بسیاری برای به کار رفتن به عنوان نام
زنان دارد پس بلاش Blanchette در فرانسه و بلانکا، Blancha در ایتالیایی

(۴) سئو، بی، نامهای زنان که در اس‌محب نقل شده‌اند از بهنسا، ۱۳۶۹، کرفته
شده‌اند

(۵) بروانه به معنی «بر، بیک حیر، سهساله»، نامش و شخصی که میبای
مروغی را برای امر از معاش در اختیار خواستار آن قرار می‌داد و به محاسبات آنها
رسیدگی می‌کرد به کار می‌رفته است «کد محتوبات مولانا جلال الدین رومی، به
تصحیح بوفیقه سنجابی تهران، مرکز اسناد دانشگاهی، ۱۳۷۱، ص ۶۲، ۱۰۵.

برای ساختن اسمها و صفات مؤنث از اسمها و صفات مذکر
مجنوب داشت

سئود تأیید «به» در فارسی معاصر تنها در یک مورد رایجی
فوق‌العاده یافته و آن اسمهای خاص زنان است.

در زبان عربی تعداد بسیاری از نامهای زنان با الحاق سئود
«به» به شکل مذکر آنها ساخته می‌شود، مانند سعیده، فریده،
معصومه که از سعید، فرید و معصوم مسبق شده است ورود تعداد
بسیاری از اینگونه نامها به زبان فارسی موجب رانائی آن می‌شود و
به کار رفتن آن برای ساختن نامهای زنان شده است طبعاً وجود
تکلمات مؤنثی مانند ملکه، معسوفه، راهبه و نظایر آنها نیز در این
رانائی اثر داشته است^۲

سئود «به» در فارسی معاصر در موارد زیر در نام زنان به کار
می‌رود

الف) به نام مردان ملحق می‌شود و نام مؤنث می‌سازد، مانند
آمده، رامنه، افسینه، فرسنده، کهنانه، سهروره، بویده، سسمه،
مهرانه، امیره (در امیره‌نابو، امیره‌زهره، امیره‌مامک، امیره‌مایدانا)
ب) به نامهای خاص زنان و نامهای مشترک میان مردان و زنان
ملحق می‌شود، ناهنده، بروینه، خورسنده، مرچانه، سادنه، ناریه،
هاله، اقباله، الهامه

ب) به بسیاری از اسمهای عام و صفات ملحق می‌شود و نام
مؤنث می‌سازد: بهسه، بهاره، روسه، احلاله، هلاله، حدانه،
قلسمه، جوانه، آرامه، بدره، عزاله، نازکه، سهده

فرانوسی نامهای محتوم به «به» از یک سو موجب شده است تا
در زمان حاضر بعضی از نامهای قدیمی مردان که به «به» ختم
می‌شوند نیز به زبان اختصاص یابند، مانند «سنده» نام سر
فرانسات و نیز نام ساگرد سیمار معمار که کاج خوری را برای
نیرام کور صاحب از سوی دیگر بعضی نامها که با سئودهای
ذکر به کار می‌رفته‌اند، مانند فرانک که با سئود «به» «ک» ساخته
شده است، سئود خود را از دست داده‌اند و «به» به آنها ملحق
شده است و رانه

تأثیر نامهای مؤنث محتوم به «به» تنها به اسما حتم شده
است در حال حاضر بسیاری از اسمهای عام و صفاتی که به
«به» ختم می‌شوند نیز خواه ناخواست معنایی و خواه بدون آن -
برای نامیدن دختران به کار می‌روند مانند.

می سود، مانند موارد زیر

خدیجه ← حدیج، راصه ← راصی، رانه ← راب، صدیقه
← صدیق، طیب ← طب، معصومه ← معصوم، منصوره ←
منصور، منوره ← منور، مسره ← میسر، نیره ← نیر، عزیره ←
عزیر، منیره ← مسر، افسانه ← افسان.^۶

۴

(۳۷) «-ā»

تعدادی از نامهای ریان در فارسی امروز به «-ā» حتم می شوند این نامها سه دسته اند.

۱) نامهایی که از عربی گرفته شده اند و در آن ریان از نظر ساختمان کلمه مؤنث سمرده می شود، مانند: رهرا، لئلا (للی)، غدرا (در عربی: عذراء)، طوبا (طوبی)، حمرا، کرا (کری)، صعرا (صعری)، سرا (سری)، حورا، سهلا، صفورا، حوا، اقلیما.^۷

۲) نامهایی که از ریانهای عربی گرفته شده اند و در آن ریانها به ریان اختصاص دارند، مانند سینا، رونا، نامارا، گلورنا، یاربارا، ررنا، ویکتورنا، فلورا (و به صورت بعیرناغه فلوریا)، دنا، سوفنا، سونا، امبلیا، هیلدا، لندا و غره.

۳) نامهای ایرانی که بعضی از آنها از قدم به عنوان نام ریان مداول بوده، ولی برخی دیگر از کلمات معمولی ریان است و به ریان اختصاص ندارد، مانند هما، سمرا (نام عمه سربس، معسوفه حسرو)، رنا، فرنا، برسا (افسون کننده بران).

۴) بعضی از نامهای ریان ایران عهد هخامنشی و مادها که در منابع یونانی باقی مانده اند، مانند انوسا، رکسانا، ماندانا.

استفاده فراوان از این چهار دسته نام در دهه های اخیر موجب شده است که از يك سو بعضی اسمها و صفت های فارسی و عربی مداول در فارسی که به «-ā» حتم می شوند ولی هیچگاه در گذشته بعنوان اسم خاص به کار نرفته اند، برای نامگذاری ریان به کار روند، مانند رونا، سها، دنا، ویدا، سنا، مینا، سندا، سوا، کانا و غره، و در آن جهت نامهایی که از ریانهای اوسایی و بهلوی گرفته شده اند و در اصل به «-ā» حتم می شوند به «-ā»، سر به همس عنوان مورد استفاده قرار گیرند، مانند مترا، اناهنتا، سنا، گنا (- گسی) از سوی دیگر، ار همه این نامها يك سود «-ā» (ā) انتراع سود و بعنوان سود سارنده نامهای زنان به اسمهای مردان و اسمهای عام و صفات ملحق سود و نام مؤنث سارد مثالهایی که برای آن ساختمان در دست است عبارتند از سهیلا، سهل، مایا، مایی، نیکا، نیک، سورنا، سورن، نام یکی از سرداران اسکایی که امروز در میان ارامنه مداول است، و سکیلا، طاهرا، اسکیل کلمه یاسمن که خود برای نامیدن دختران به کار می رود بر نا این سود همراه شده و به شکل ناسمینا درآمده

است. همجنس کلمه عالیله در همین راستا به غالبا بدل شده است. بعضی نامهای محتوم به «-ā» که در گذشته برای نامیدن مردان به کار می رفته اند بر در آن تحول به نامیدن ریان اختصاص یافته است. یکی از این نامها «سینا» است. در بوته های تاریخی به حد مردنا نام سینا بر می خوریم یکی از آنها نام بدر ابراهیم از سرداران عباسی در قرن سوم است ابراهیم بن سینا (رك. تاریخ طبری، سلسله سوم، ص ۷-۱۸۴۵، ۹-۱۸۷۷، ۹-۱۸۸۸) بر نام حد نکی از ریان حدت است. ابو محمد عبدالوحدس احمد بن محمد بن سینا حمامی حدی (رك. بحم الدن عمر سقی، القد فی ذکر علماء سمرقند، ص ۲۸۳). دیگر مینا است در الاکمال آن ماکولا (ح ۵، ص ۹۲) به نام شخصی به صورت سب بن حکم بن مساء بر می خوریم

در عصر حاضر بر بعضی نامهای سران که به «-ā» حتم می شوند برای نامیدن دختران به کار می روند بهسا در نمونه برداری خود از نامهای ریان و مردان به سه دختر نا نا «سنا»، ده دختر نا نام «سنا» و سه دختر نا نام «آریا» برخورد کرده است (بهسا، بروهسی، ص ۱۵۲ و ۱۹۲ و ۲۳۳)^۸

(۳۸) «-ā»

این سود بر همراه بعضی از نامهای ریان از عربی وارد فارسی شده، اما در فارسی برای ساختن حد نام جدید مورد استفاده قرار گرفته است این نامها عبارتند از خوریه، اسیه، فوزیه، نوریه، بدریه، فخریه، عهدیه، وحده، حرّه، حریه، ضیائیه

کلمه «عطیه» بر هر حد جزء آخر آن سود بیست اما از نظر تلفظی جزء آن دسته قرار می گیرد کلمه «هدیه» نیز نا آنکه غالب hedye تلفظ می شود احتمالا جزء همس مقوله است.

بعضی از این نامها در فهرست بهیا جزء نامهای اعراب خورستان ذکر شده است

در اینجا بر گاهی سود «-ā» از بعضی از نامها حذف می شود. خوربه ← خوری، اسیه ← آسی

در این قسمت از این سلسله مقالات و قبل از شروع بحث از سوئدهای صفت سار، از حد سود اسم سار که از بحث آنها در حای خود غفلت شده است گفتگو می کنیم.

(۳۹) «-ان» (-ân)

این پسوند در تعدادی از اسمهای امکنه به کار رفته و در مواردی که می توان بایه این اسمها را تفکیک کرد، بایه بر اسماها، حیوانات، درختان، اشیاء و حر آنها دلالت می کند، مانند:

بهرامان (محل مسوب به بهرام، دهی در شهرستان سراب)،
بوران (مطقة مسوب به تور (اسم شخص))، حواناتان (حواناتها،
یا محل مسوب به حوانات (احتمالاً نام خاص))، محلی در نائس)،
حطیان (حطیبها، یا محل مسوب به حطیب، دهی در قوم)،
خورسیدان (محل مسوب به خورسید (احتمالاً نام خاص))، دهی
در سرحد)، دیلمان (دیلمها، یا محل مسوب به دیلم)، ساهان
(السكرها، یا محل مسوب به ساه)، فرامرزان (محل مسوب به
فرامرر، دهستانی در لار)، کرماساهان (محل مسوب به
کرماساه (الف))، گیلان (گیلها، یا محل مسوب به گیل)،
مهاجران (مهاجرها، دهی در همدان)، آهوان (آهوها، یا محل
مسوب به آهو، نام روستاهایی در حرف و سیابور و فردوس)،
ماران (طاهرا مارها، یا محل مسوب به مار، روستاهایی در سهرضا
و حرف)، گرگان (گرگها، یا محل مسوب به گرگ)، حماران
(احبارها، یا محل مسوب به حمار، نام حدیدین محل)، داران
(ادرجان، مرکز شهرستان فریدن)، رران (ررها (تاکها)، یا محل
مسوب به رر، نام روستاهایی در ریحان، تربت حیدریه، بوسهر،
امل و لاهیجان)، کهر بران (محل کهر بر، محل مسوب به کهر بر
(شازر بر)، دهی در مهاباد).

در بستر این نامها این پسوند از نظر تاریخی همان پسوند
جمع است که از شکل anām فارسی ناسان در حالت اضافه
تأخیر شده است (رک. هرن، «ریان فارسی بوسناری»، ص ۱۷۶).
بنی به تدریج معنی مکانی پیدا کرده است در بعضی دیگر از این
نامها an پسوند نام خانوادگی (patronymic) است که به نام پدر یا
جد ملحق می شود، اما در نام اماکن، قلمرو متعلق به اسخاص را
نشان می دهد (رک. آیلرئس، نامگذاریهای جغرافیایی در ایران و
شراف آن، ص ۱۱۲).

این پسوند که تا زمان ما پسوندی مرده بود و فقط در نامهای
قدیمی اماکن دیده می شد، در دهه های اخیر تا حدی زنده شده و
حد کلمه جدید با آن ساخته شده است. مصاحب و همکاران او در
فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی کلمه «تختان» را در برابر terrace

انگلیسی و فراسه، یعنی رمین مسطحی در کنار دریا و رودخانه که
معمولاً از یک طرف رو به بالا و از طرف دیگر رو به پایین است به
کار برده اند در این کتاب کلمه «تدان» بر در برابر cliff، یعنی بدنه
بلند و برسیب یک توده سنگی به کار رفته است بعد از انقلاب
اسلامی نیز کلمه «ناحتران» (= استان یا محل منسوب به ناحتر یا
واقع در ناحتر) به جای کرماساهان وضع و مداول شد

حنانکه دیده می شود در دو کلمه تدان و تختان، «-ان» به
صفات ملحق شده است (تحت در تختان به معنی مسطح است) (۱)

(۴۰) «-ئی» (-i) مصدری

این پسوند چنانکه فعلاً برگشته شد (رک. سرداس، سال ۱۱، ص
۵، ص ۷)، در دستوره های ربان فارسی ناء حاصل مصدر یا یاء
مصدری نامیده شده است ولی ایران ساسان غربی آن را پسوند
اسم معنی (abstract suffix) گفته اند. در آن بخش از مقاله گفته شد
که این پسوند به ترکیباتی که یک جزء آنها ماده یا بن فعل (معمولاً
بن مضارع) است می پیوندد و اسم عمل می سازد در مقاله حاضر
از الحاق این پسوند به اسمها و صفها و معانی که در حران این
فرایند از پسوند به دست می آید گفتگو می کنم

نسر دستور بوسن ایرانی و هندی تنها نفس این پسوند را
ساحس حاصل مصدر (- اسم حالت یا اسم معنی) از اسم و صفت
داشته اند. معنی (اسم مصدر - حاصل مصدر، ص ۱۰۱) کلمات
آهیی، حاکی، سیری، کرگی، سگی، گاوی، ادری، سلیمانی و
غیره را برای این نوع حاصل مصدرها مثال آورده و آنها را معادل

حاشیه

(۶) حذف «-ه» در غیر ا، نامهای خاص برگشته می شود، ثلثه «معجره» از
فرون گذشته یا ثون به صورت «معجر» بر به ناز می، و غضا برگرفتن به معجر
بود (غضاری) امروز بر معجر کردن مداول است همجنس ملار به جای ملاره
مداول است، در فارسی سراسری ملاقه (ملحقه) و اضافه به سخل «ملاف» و «املاف»
بلفظ می شوند

(۷) بوسن بعضی نامها با «-ان» به خلاف املاتی مداول آنها برای نشان دادن
بلفظ جزء آخر آنها است

(۸) بخش این مورد برگشته شده است در فهرست بهما (ص ۹۴)، ۱۷ مورد
«سوا» و ۲ مورد «سلخا» برای نامیدن مردان ست شده است

(۹) ایلرئس معتقد است که پسوند «-ان» به نامهای برگان و اسراف ملحق
می شده و برای این نظر مثالهای کرماساهان، ساهان، بهران را نقل می کند (وی
بهران را صورت دیگری از «چهران» می بیند، کلمه «چهر» به آن را محقق نامهایی
مانند موچهر، ایدچهر، عیره و چن شده دانسته است)، اما خود نام ساهان معانی
در رد ادعای او می بیند - الحاق «-ان» به نام اسراف است وی در جای دیگر (همان،
ص ۲۲) می نویسد «-ان» در بعضی اسمهای اماکن بر ازاسی اطراف مناطق
مسخوبی دلالت دارد که این مطلب را بر ساهانی تأیید می کند

(۱۰) مصاحب و همکاران «-ان» در تدان اسود سست دانسته اند. اما «-ان»
در اینجا همان پسوند مکان است و تدان به معنی قسمتی یا محلی از بوده سنگ است
که بند و برسیب است

آهن بودن، خاک بودن .. و همچون سلیمان بودن داسته است. اما برخلاف تصور این دستور نویسار این حاصل مصدرها حداقل دارای سه معنی است، به این شرح:

۱) ار سوید «-نی» در آنها معنی حالت فهمیده می شود، به این معنی که سوید وجود حالت و صفت و ویژگی اسم نایه را در حیرت یا شخصی سار می دهد سرحی یعنی حالت حیر سرح، سرخ بودن، فرعون یعنی حالت فرعون، و رنگهای فرعون. مثالهای دیگر معمیری، استادی، حویی، بی لیاقتی این معنی را همه دستور نویسار مذکر سده اند. سوید در اس معنی به صفت، اسمهای عام و اسمهای خاص ملحق می شود

۲) سوید تغییر حالت یعنی به وجود آمدن حالت نایه را در حیرت یا شخصی سار می دهد دگرگونی یعنی دگرگون شدن دگرگونی اوصاف ایران در سال ۱۳۵۷ ارادی معنی اراد شدن. ارادی ار رندان، حدانی یعنی حداسدن^{۱۱} «-نی» در این معنی به صفت ملحق می شود اس حاصل مصدرها ظاهرا از فعلهای مرکب دگرگون شدن، اراد شدن و حداسدن گرفته سده اند

۳) ار سوید معنی انجام دادن عمل و سار دادن و ابرارحالی توسط شخص یا حیرت فهمیده می شود و براساری یعنی انجام دادن عمل و براسار، و براس کردن، حدانی، ناساهی و فرعویی معنی سار دادن حالات حداس، ناساه و فرعون، برحانگی معنی ریاد حرف ردن، سار دادن حالات شخص برحانه (وَرّاح)، نابودی معنی به وجود آوردن صفت نابود در حیرت = نابود کردن حیرت؛ دهن کچی معنی سار دادن حالت شخص دهن کج (به معنی محاری)

اس حاصل مصدرها ظاهراً از فعلهای مرکب و براساری کردن، حدانی کردن. و نابود کردن گرفته سده اند

اسمهایی مانند عروسی (اردواج، مجلس برپا سده به مناسب اردواج)، حداحافظی و حای سلامی و نظایر آنها اصطلاح اند، بررامعنی بحاللفظی آنها «به وجود آوردن حالت عروس، حداس حافظ و حای سلام» است که عبرمنطقی است حداحافظی احتمالاً از فعل «حداحافظ گفتن» گرفته سده و در اصل به معنی حالت و عمل «حداحافظ گفتن» بوده است عروسی برطاهرآدر اصل به معنی حالت عروس را به وجود آوردن یا عروس شدن یا عروس کردن بوده است نایه ترکیب حای سلامتی عروس بیست^{۱۲}

کلماتی که از يك صفت فعلی و «-نی» ساخته سده اند برار این دسته اند و دلالت بر عمل و فعل شخصی که نایه بر آن دلالت دارد می کند، مانند حیاطی، بخاری، سمساری، نارچه عروسی و غیره.

«-نی» در این معنی به اسمها (عام و خاص)، صفت و گروه می حسند

بعضی از حاصل مصدرها علاوه بر معانی اصلی خود، برای نامیدن اساء و حیرهای ملموس که ویژگی و حالت نایه این حاصل مصدرها در آنها وجود دارد سر به کار می روند، مانند سیرینی برسی، سیری، به معنی حیرهایی که ویژگی و حالت حیرهاز سیرس، برس و سرنا سیرس و ترس و سر بودن در آنها هست همحس رردی (برفان) معنی حیرت که ررد بودن و حالت حیررر در آن هست کلمات سراسسی، سرازیری، سربالائی، بردیکی (-محاورت در بردیکی)، حویی (عمل خوب)، بدی (عمل بد) و غیره برار همس مقوله اند

حاصل مصدرهایی که از يك صفت مفعولی و «-نی» ساحه سده اند سر غالباً به سخته ملموس و حاصل اس حاصل مصدره اطلاق می گردید، مانند سائندکی (قسمتهای سائنده سده حیرت)، سوختگی، رنجگی، بوسندکی (قسمتهای بوسنده حیرت)، بریدگی، رفتگی، نارکی (حای ناره سده لباس)، حوس مردکی ردگی و غیره

کلمه آگاهی (آگاهی) که در اصل به معنی آگاه بودن، آگاه سد، و آگاه کردن است در دهه های احیر از سوی فرهنگستان اول، حای اعلان، یعنی وره های که حیرت را در ان به آگاهی مرد می رساند، به کار رفته است^{۱۳}

در فارسی معاصر نایه بعضی از اسمهای ساحه سده نا «-نی» به تنهایی به کار نمی رود، مانند حوس حگری، دهن کچی حای سلامتی، سرمویی (در فارسی گفتاری تهران)

آخرین نکته گفتنی در مورد «-نی» اینکه این سوید گاهر اساساً به بعضی مصدرهای فارسی و مصدرهای عربی و اس مصدرهای فارسی ملحق می شود و آنها را در نفس مصدری و اس مصدری خود تقویت می کند، مانند

دست بوس ← دست بوسی

بهبود ← بهبودی

فراخوان ← فراخوانی

تعطیل ← تعطیلی (به سبب تعطیلی بازار خرید ممکن سد

دیدن ← دیدنی (برای دیدنی اورفتم)

نارده ← ناردهی

دربوزه ← دریورگی

گوسمال ← گوسمالی

فول ← فبولی (فبولی خود را اعلام کرد)

دسترس ← دسترسی

نارین ← نارینی

فروگذار ← فروگذاری

ماخذ

○ بهیا، عبدالکریم، ۱۳۶۹، بروهسی در نامهای ایرانیان معاصر، جاب

چهارم، اهوار

○ صادقی، علی اسرف، ۱۳۷۱، «درباره فعلهای جعلی در زبان فارسی»،

مجموعه مقالات دومین سمینار زبان فارسی، زبان علم، تهران،

مرکز سرداسگاهی (ربر حاب)

○ معین، محمد، ۱۳۴۱، اسم مصدر - حاصل مصدر، تهران، ابن سینا

○ ساری (سارعلی بخاری)، ۱۳۸۸، افعری، چهارگلزار، کابور

○ نجم‌العی حان، ۱۹۱۹، بهج‌الادب، لکهنو

○ Eilers, W. 1982, *Geographische Nomenclatur in und um Iran*, München

○ Horn, P. 1898-1901, «Neupersische Schriftsprache» in *Grundriss der iranischen Philologie*, I/2, Strassburg

(۴۱) «-ā»

این سوید در چند کلمه به صفات حسیده و اسم حالت (حاصل مصدر) ساخته است این اسم حالها بستر برای نامیدن حرهای ملموس به کار می‌رود، مانند ررفا، درارا، بهیا، گرما، راسا (جهت و امداد)، ناریکا (به معنی تاریکی در گفتار مردم تهران)

در کلمه «جرا» (حریدن) این سوید به بن مضارع ملحق شده است در «نارا» نیز سوید به بن مضارع فعل «نارسن» که امروز مبروک است حسیده است نارا در فارسی معاصر بهر بنا بسط نمی‌می‌شود.

در دهه‌های اخیر با این سوید کلمات ربر ساخته شده است سترا (صحابت، از ساخته‌های فرهنگستان اول که در قدم ربر به کار رفته است)

فرارا (ارتفاع از سطح دریا، در برابر altitude، رک د بهره‌معارف فارسی مصاحب)

سورا (میران سویدی، altitude، رک دائره‌المعارف فارسی) بلند (ارتفاع، بلندی، جای بلند).

(۴۲) «-n» مصدری (-an)

این سوید به بن ماضی ملحق می‌شود و مصدر می‌سازد و برعکس سویدهای دیگری که از افعال، مشتقات اسمی و صفی می‌سازند و زبانی آنها در درجات مختلف فرار دارد، سوید مصدری کاملاً زانا بوده است، به این معنی که به کمک آن از تمام افعال فارسی مصدر ساخته شده است. از نظر معنایی نیز این سوید کاملاً بهنجار است و انحراف معنایی ندارد.

در دهه‌های اخیر مصاحب و همکاران او در فرهنگ اصطلاحات جغرافیائی و دائره‌المعارف فارسی با این سوید از بعضی اسمهای فارسی و کلمات فرضی ازوبانی مصدرهایی ساخته‌اند که کم و بیش در رسته‌های علمی تداول یافته است، مانند آیدن، فطیدن، اکسیدن، یونیدن و غیره. چنانکه دیده می‌شود در اینجا دیگر این سوید به بن ماضی افعال ملحق شده است (برای بحث بیشتر درباره اینگونه مصدرها، رک ع. ا. صادقی، «درباره فعلهای جعلی در زبان فارسی».)^{۱۲}

حاشیه

(۱۱) نجم‌العی حان (ص ۲-۴۸۱) ظلمانی مانند نارسائی گذاشتی، درویشی و غیره را به معنی نارسا شدن ... ا. سیدن، درویش شدن گرفته که درست نیست «نی» در این ظلمات حالت را نشان می‌دهد

(۱۲) مولفان قدیم مانند ساری (چهار گلزار، ص ۲۶) و نجم‌العی حان (بهج‌الادب، ص ۲۸۲) سوید اندنا، مصدری به «اسم فاعل بر بن» ملحق می‌شود

و معنی «سیدن» و «کردن» می‌دهد، مانند دلجوئی - حبث گویی، فقیح بخشی و رزق بری به معنی دل‌خس، حبث نفس، فقیح بخشیدن و رزق بر بن «نی» در این برکنات بساک به معنی شردن است به سیدن و این برکنات از مقوله اسم عملهایی‌اند که در بخش دوم این سلسله مقالات (ص ۷-۹) مورد بحث قرار گرفتند (۱۳) معنی برای «نی» معانی دیگری همچون بسته، مانند نی، در ظلمانی مانند اسیری، استری، فرغویی، سلیمانی، مویس مردکی و فی و هر و سوید و آیین، در ظلمانی مانند جهانداری، سره، بی، سمیرایی و میره، دیس و مسلک و اس و طریقه، در ظلمانی مانند مسلمانی و قلندری قابل شده است، اما در کلمه ظلمات بالا سوید «نی» معادل افعال بودن (حالت)، سیدن (بسته حالت) و شردن (عمل) است

(۱۴) بعضی از مؤلفان قدیم و جدید سوید مقید را «-ن» یا «-دن» دانسته و بعضی از معاصران مانند خالطری اصل این سوید را «-ن» دانسته‌اند، رک ب. ن. خالطری، «سوید مصدر در زبان فارسی»، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال اول، ص ۳ فروردین ۱۳۳۳، ص ۵۱-۴۸ (برای احوال دسوروبستان) و ص ۵۶ و ۶۱ (برای نظر خود او) اصلی داسس مبروک «-ن» نام، از توجه به اصل تاریخی این سوید است، اما در فارسی معاصر، در هر حال، سوید مصدر «-ن» است به «-ن» یا «-دن» زیرا اکثر از سوچس و جدید «-ن» و «-دن» را برادر نم، «سوچ» و «جدید» نافی می‌ماند که به معادل بن مضارع اند و به بن ماضی

تصحیح مربوط به شماره ۶، سال ۱۲

- ص ۲۰، ستون ۱، سطر ۲۷ و ۲۸، حسن اصلاح سود - غیره

در مقطع کوبی زبان تجربه‌ناپذیر است و در این کلمات به معنی نایه محسوس است

- ص ۲۱، سطور ۱، قبل از سطر ۲ از احرا اضافه سود اندامگان (ارگانیسم)

- ص ۲۱، سطور ۲، سطر ۱۱، یعنی اندامواره (ارگانیسم)، حذف سود

□ از نظر سیر منطقی حوادث و ترتیب و تناسب مطالب و ورود و خروج، همه حواص را رعایت می کند، مثلاً در ابتدای داستان می گوید:

ار این قوم که من سخن خواهم راند يك دوتی رنده اند در گوشه ای افتاده و
حواحه بوسهل زوزنی حد سال است تا گذشته سده است

بدین سان، اولین شخصیتی که وارد داستان می کند بوسهل زوزنی است چون اوست که، به نمایندگی از حناح حلیفه عباسی در دربار عرب، طراح اصلی توطئه قتل حسنک است.

بیاهی در حد حای داستان به این نفس بوسهل اشاره کرده است در مجلسی که برای مصادره اموال حسنک ترتیب داده سده است، بوسهل صریحاً حواحه احمدحس را از طرف سدن با حلیفه بر حدر می دارد

با حبس سگ فرمطی که بر دار خواهند کرد به فرمان امیرالمؤمنین..
بوسهل از تشنه توطئه حدان مطمئن است که هور حکمی صادر سده «بر دار سدن» حسنک را قطعی تلفی می کند.
بوسهل در سراسر جریان تکوین توطئه حضور محسوس دارد و سراحام چون حسنک را به نای دار می آورد

بوسهل بر سسب و آمد تا بر ديك دار و بر نالایی نایسند
بر نالایی می ایستند تا بتواند همه ابعاد صحنه ای را که سالها در انتظار آن بوده است تماشا کند و دلس حنک شود.
بلافاصله پس از وارد کردن بوسهل زوزنی در صحنه به توصیف مس او می بردارد و از همان ابتدا با حد عبارت فسرده و موخر تصویر روسی از سیمای روحی او به دست می دهد

این بوسهل مردی امام راده، محتسم و فاضل و ادب بود اما سرار و رعاری در طبع وی مؤکد سده و همسه حسم نهاده بودی با نادیاهی برگ و حار بر حاکری حسم گرهی و این مردار کرانه بحسی و فرصتی حسی و نصرت کردی انگاه لاف ردی حردمدان داسندی که وی گرافگوی است

بلافاصله پس از او به سراع شخصیت مس داستان می رود، شخصیتی در مقابل با بوسهل و او مردی است عاقبت نگر، امس و درست کردار و با سهامب- بونصر مسکان که مردانه در برابر مسعود می ایستد و حقایق را می گوید و گفته بدر او، محمود، را خطاب به حلیفه یادآوری می کند بونصر در حقیقت همه نفسهای بوسهل را نفس بر آب می کند و از نظر اخلاقی حیری برای مسعود و بوسهل باقی نمی گذارد، او همه راهها را می بندد:

حسنک را من برورده ام و با فریدان و برادران من برابر است و اگر وی فرمطی است من هم فرمطی نامم

بیاهی و شگردهای نویسنده

علام محمد طاهری مبارکه

در زندگی بر فرار و سسب زبان فارسی انار حاودانه ای وجود دارد که گذست روزگاران سر به بها حیری از نارگی و رسایی انها نکاسه است، بلکه بعد امروری ادرس هری انها را نمایانر ساحه است. یکی از اس انار تاریخ بیاهی است که نگارنده می کوسد داستان حسنک زوزنی از آن را، به عنوان نمویه، با بهره گیری از معارها و فنون داستان نویسی تحلیل کند

ا بیاهی، در این داستان، حواسده را به مسری که می خواهد می کساند وی در همس داستان کوناه پس از هفاد بار صفت اساره معرفه سار «اس» را به کار برده است تا حواسده را در جریان حوادث نگه دارد، و دهس را توان گفت به داستان میحکوب کند

فصلی خواهم سسب در ابتدای اس حال بر دار کردن این مرد و حواسندگان اس نصیف گویند، سرم ناد اس بر را اس بوسهل مردی امام راده و اس مرد از کرانه بحسی و فرصتی حسی چه گویی در دین و اعداد این مرد این حواحه که مرا این می گوید

بلافاصله صحنه فرمایشی مصادره اموال و املاك حسك را پیش می‌آورد و آن طبع طمعکار خود را، که متعاقباً در ماحرای بازرس گرفتن اموال صلتی آسکارتر می‌سود، سان می‌دهد دورویی و بردلی او تا بدان حد است که در آخرین صحنه، وقتی حسك را به نای حونه دار می‌آورد، بر زبان احمد حامه‌دار، در سامی به او، چنین وانمود می‌کند که خود او همکاره است.

ما بر تو رحمت خواستیم کرد، اما امیر المؤمنین بسته است که تو فرمطی سده‌ای و به فرمان او بر دار می‌کند حسك البته هیچ پاسخ نداد

بیهی، نا این نأند، بر دورویی و مکر مسعود حکم می‌کند مسعود حدان متزلزل است که بوسهل، نا واسس لحظه، افرادی را که ممکن است برای او نامه بوسسد و سفاعت کند سحظه ار بردیک بر نظر می‌گیرد

بوسهل بردیک بدرم اند مار حص بدرم گفت چرا آمده‌ای؟ گفت بخواهم رف با نگاه که خداوند بحسد که باند (= منادا) رفعتی بوسسد به سلطان در باب حسك به سفاعت

[۱] بیهی دویا حد صحنه را در بی هم می‌خند نا خواننده خود به سحنه مطلوب برسد اس کار علاوه بر آنکه بوسسده را ار درارکوبی نار می‌دارد، خواننده را از نظر سر حوادث موجه نکایی می‌کند که چه سا نصر بح انها به نهایی حان بوسسده تمام سود به اس حد سطر بوجه کنیم با سسم که بیهی چه سامهائی را نا مهارت تمام به خواننده القا می‌کند

ان روز و ان سب بدر بر دار کردن حسك در سس گرفتند و دو مرد بك راست کردند نا حامه بیکان که از بعداد آمده‌اند و نامه حلیفه آورده که حسك فرمطی را بر دار باند کرد حون کارها ساخته آمد، دیگر روز، چهارشنبه، دو روز مانده از صفر، امر مسعود بر سست | = سوار است سدا و قید سکار کرد و سباط سه روزه نا ندیمان و حاجگان، مطر نان، و در سهر حلیفه سهر را فرمود داری ردن بر کران مصلای بلع

بیهی نا سب سرهم جای دادن دو صحنه بر معنی - تدارک بر دار ردن حسك و رف مسعود به سکار - پیامهای خود را به مخاطبان می‌رساند

حسك، نا نوجه به دفاعی که محمود از او می‌کرده است و سهادت بوضر مسكان در باب «ضرورت سندن حلیف مصری»، سیاستمداری است آگاه که می‌خواهد از تضاد دو قدرت بزرگ جهان اسلام آن روز بهره‌جویی کند و حالا بیمانگانی حون بوسهل می‌خواهند که او را فدا سازند تا هم خود از شر بدریان، که حسك قدرتمندترین آنهاست، راحت شوند و هم حلیفه، حون، به هر حال، حکومت ضعیف در حراسان بزرگ همیشه به نفع حلیفه عباسی بوده است.

بوضر مسكان نا نقل این ماحرا که محمود به او گفته:

بدین حلیفه حرف سده باید بشت

می‌خواهد از نظر روانی بپ حلیفه عباسی را بسکند، به مسعود حرأب و سهامت بدهد، و به او بفهماند که قل حسك حیاتب به ارمان بدر و برادر کسی است و فرمطی بودن او هم بهانه‌ای بوس سب تا اینجا بیهی دو شخصیت متضاد داستان خود، هر يك نمائنده یکی از دو جناح حکومت، را معرفی کرده است. در اس میان، شخصیت محافظه‌کاری هم وجود دارد و آن حواجه احمد حص میمندی است. حون مسعود از او حدب حسك را می‌برسد، قضیه بارداسنس در قلع کالجر را سس می‌کند و می‌گوید که قسم حورده است که دیگر در حون کس حق یا ناحق سحن نگوید و مسعود را به بوضر مسكان حواله می‌دهد که

بوضر مسكان حرهای حقیف دارد، از وی نار باند برسید

مسعود در این میان آلت دست و بی تحر به و متزلزل است بیهی قدم به قدم خواننده را نا طبایع او آسا می‌سارد:

بوسهل به بلع در امیر می‌دمید امیر سس حلم و کریم بود، حواب گفتی

این موضعگیری اول مسعود است در مرحله نعدی، مسعود موضع حسنی را ترك می‌کند و برای کس حسك دلیلی می‌خواهد

حختی و عدری باید کسش این مرد را

در مرحله سوم، توان گفت تسلیم بوسهل می‌سود:

نا در این معنی بیدیسیم

و در مرحله چهارم، به برس و خودر مورد واقعه می‌بردارد، اما نها برای حفظ ظاهر است که با دیگران مسورت می‌کند، زیرا سس از برس و جوهای بسیار و تصریح بوضر مسكان بر بی گناهی حسك.

سده آنچه رفته است تمامی نار نمود، [مسعود] گفت بذاستم

□ بیهقی در سه جای داستان حسک را، کمابیش صریح، نهید خوانده است. یکی از ربان خود او در مجلسی که اموالش را مصادره می‌کند و در حقیقت ساهدی برای دفاعیه او نر هست:

اگر امروز اجل رسیده است کس بار نتواند دانش که بر دار کسد یا حر دار، که برگزین از حسین علی سم

که، بدین سان، عربویان را، به دلالت تصم، یریدی می‌خواند. بار دوم، وقتی او را به پای حونه دار می‌برند که صحنه ساز داستان گونا به اس مناسب حال مردانی را توصیف می‌کند که به ملکوت اعلی می‌روند.

فرآن خوانان فرآن می‌خوانند حسک را فرمودند که حامه بیرون کس و بی دست اندر بر کرد و برهنه با ارار نایسند و دستها درهم رده، بی حون سیم سفند و رویی چون صد هزار نگار

و، بار سوم، بر ربان مادر جگر اور حسک که در سوگ فرزند حان سوخته می‌گوید

بررگامردا که اس سیرم بود که ناساهی حون محمود اس جهان بدو داد و ناساهی حون مسعود اس جهان

«اس جهان» یعنی ورارت و بررگی و حاه و مقام و «اس جهان» یعنی بهست که نصیب سهندان می‌سود
۱۱ نهی در کله ماحراهای داستان حضور خود را اعلام می‌دارد و بدین ترتیب خواننده را به واقعی بودن حوادث داستان و سیر وقایع مطمئن می‌سارد

من نه نوالفصلم و فومی بیرون طارم به دکانها بودم سسته در انتظار حسک

همه خلق بدر می‌گر سسد، خودی روی بوس اهی بیاوردند عمداسک و اوار دادند که سگ دهد | = رند | هیچ کس دست به سگ نمی‌برد و همه رارار می‌گر سسد

۱۲ بوسنده حنی از عنوان «سعل» برای رساندن پیام خود بجا بهره حسنه است

حون حسک را از نُسب به هرات آوردند بوسهل رورمی او را به علی رانص خانر حوس سبرد و رسد بدو از انواع اسحقاف انچه رسد

می‌دانیم که «رانص» به معنی رام کننده است است که در قدیم سعل مهمی بوده است و فنی بوسهل حسک را به حاکر حویس، علی رانص، می‌سبارد، معناس اس است که حموسی را به دست کسی می‌سبارد که او را رام کند

۱۳ سرانجام، داستان حسک اعارگاه مسحص [این بوسهل مردی امام راده] او اوح مسحص [حسک را به نای دار آوردند] و پایان مسحص [حسک فریب هفت سال بر دار نماد] دارد

درباره نسخه‌ای از «مثنوی»

دکتر توفیق ه سبجانی

س از گدسب ۷۴۰ سال قمری از در گدسب مولانا حلال الدین محمد، احرا امر کر سب داسگاهی سحه موره مولانا در فونه را به مطلق بر س و حهی به حاب رسانده و در اجنار غلافه میدان مولانا و مسوی فرار داده است. به نظر محققان و مولوی ساسان اس کاملترین نسخه‌ای است که در ان هر سس دفر مسوی س الدقتس آمده است برحی با بوخه به تاریخ کتاب آن، که ۶۷۷ هجری است، نسخه‌های دیگری را عنوان کرده اند که تاریخ کهری دارند بعضی می‌دانند که نسخه‌هایی از دفترهای اول و دوم در دست است که بیس از سال ۶۷۲ هجری، که سال وفات مولانا است، بوسته سده اند. اما نسخه‌ای کامل که هر سس دفر را در برداشته ناسد سس از این سحه فویه سحه دیگری سس فل ار همه در سال ۱۹۲۶، اسوری (C A Storey) به مرحوم بیکلسون اطلاع داده است که در فاهره نسخه‌ای با فلان و بهمان مسحصات موجود است و سکلسون سس از تهیه فیلم و بررسی آن متوخته سده است که سحه جعلی است و این مطلب را وی در سال ۱۹۲۸ متدکر سده است^۱

در سال ۱۹۶۶ آقای نصرالله مسرطرداری، فهرست نگار افعابی الاصل دارالکتب مصر فهرستی به نام فهرس المخطوطات الفارسیه التي تفتیها دارالکتب حتی عام ۱۹۶۳، در دو حلد، در فاهره حاب کرده است و در صفحه ۱۰۶ حلد دوم آن نسخه‌ای از مسوی را با مسخصات زیر - که در مواردی خطا هم دارد - ست کرده است^۲:

«۱۹۹۲- نسخه اخری [مثنوی]، اولها کالسابعه^۳، مخطوطه، محدوله بالمداد الاحمر، بقلم نسخ، بخط محمد بن عسی الحافظ المولوی القونوی، تمت کتابته فی اواخر شهر رمضان سنه ۶۶۸هـ. سته اجزاء فی مجلد، فی ۵۰۱ ص، مسطرتها ۲۷ سطراً^۴، فی ۱۶×۲۳ سم».

در آن هنگام، محققانی چون سادروان محتبی مینوی و مرحوم دبع الزمان فروزانه و دیگران آن فهرست را خوانده و سکوب کرده اند کاری که انجام داده اند این بوده است که فلیمی از آن هته کسید و در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بگه دارند - حداسان بیامراد. فهرست نگارانی چون آقای محمد نوید و مرحوم عبداللہی گولسارلی^۵، که حم و حم کتابخانه های فوبیه در - سسان بود، در فهرستهای خود آن نسخه را بیاورده اند. آقای دتر عبدالحسن زرین کوب، که سس از سالها با دقتی خاص «سیرتی» را کسف کرده و «بحری را در کوزه» ای ریخته اند و «بله بله با ملاقات خدا» رفته اند، در این باره حرفی برده اند؛ چون مطمئن بوده اند که نسخه معقول است

هر چند این سخنان دوباره خرمن به باد دادن و تکرار حرفهایی است که مرحوم سکلسون در ۶۵ سال پس زده است، اما از آنجا که نسخه فاهره را احرا آقای دکتر محمد استعلامی به عنوان نسخه ای اصیل مطرح کرده و ملاک تصحیح قرار داده اند و مکرراً به سس فاطم، نسخه «زمان حیات مولانا» و «من درست مینوی» خوانده اند و از تاریخ دست حورده آن بنایحی نادرست استباط برده اند و با آنکه مولانا خود در اسدای دفتر سسم گفته است «میل می خوتند به قسم سادسی» بوسته اند که «مولانا در هنگام سرودن دفتر سسم همواره میل به خاموسی داسه و سس از بابان س دفتر (۶۶۸هـ یعنی همان تاریخ معقول) چهار سال اخر عمر سسر در خاموسی گذرانده است»، و با این بوسه ها - ملاقه میدان مولانا و داسحویان را در مورد محتوای رنگسامه ها و حدس و گمانهایی که تا کنون در تاریخ ختم مینوی رده سده دحار بردید و دودلی کرده اند، حواسم با حات عکس اخرین صفحه نسخه موزج ۶۶۸هـ (که در واقع در ۷۶۸هـ نوشته سده) اسدا دلیلهای معقول بودن آن را فهرست وار بناورم و بعد در باره هر دلیل بوضیحی محضر به عرض برسام

به دلیلهای زیر نسخه ۶۶۸هـ فاهره معقول است:

- (۱) حاوی تتمه سلطان ولد بر مثنوی است؛
- (۲) سلطان ولد را با لقب «سلطان الاولیا» خوانده است؛
- (۳) بلافاصله بعد از لقب «سلطان الاولیا» عبارت «عظم الله ذکروه» را افزوده است؛
- (۴) «ستمانه» دست حورده است؛
- (۵) رقم «سنه ۶۶۸» در حاسیه راست در پایین صفحه کاملاً

جدید است؛

(۶) مصحح مینوی خود بر در تصحیح مینوی تتمه سلطان ولد را بناورده است

اگر در نسخه ملاک اعتبار فقط تاریخی ناسد که در کتبه کتاب بوسته اند، اولس نسخه مینوی باید نسخه شماره ۱/۳۷۰ کتابخانه آصفیه ناسد که به تاریخ سجم رمضان ۶۰۸هـ - که مولانا چهار سال پس نداشت - کتابتس به خط نسخ عصد بن الحسینی الحسینی به پایان رسیده است^۶ دوس نسخه نسخه کتابخانه مرحوم استاد محسینی مینوی را باید سمرد که به خط نسخ احمد بن حسن الوباری در اواخر سسال ۶۳۶هـ، یعنی تقریباً بیست و یک سال پس از اسده مولانا مینوی را آغار کند، به پایان رسیده است^۷

طاهراً مرحوم بروفسو، صادق عدنان ارری، موزج و نسخه ساس بر دسب برك، به اسناد فهرس المخطوطات...، در یکی از سحرانهای خود قبل از سال ۱۹۸۲، به این نسخه اساره ای کرده که بر اثر آن یکی از فارغ التحصیلان دوره اداسات فارسی از تهران، که استاد دانشگاه انکاراست، در فرصت مطالعانی خود در فاهره به سراع سایی مرحوم عدنان ارری رفته و بوصف این نسخه را موضوع مقاله ای قرار داده است^۸

مناسفانه همن نسخه، که اخرین صفحه اصلی آن صمیمه است، با آنکه نسخه ای اریده است، از سال ۶۶۸ هجری سست، بر ا مینوی در آن تاریخ هور به طور کامل سروده سده بوده است

حاشیه

(۱) مقدمه سکلسون بر دفتر سوم مینوی، بر حتمه دکتر نصرالله بورخوادی، تهران، امر دسر، ۱۳۶۳، صفحه هفت، نسخه شماره ۴

(۲) فهرس المخطوطات الفاهره، مطبعه دارالکتب، ۱۹۶۶، ج ۲، صفحه ۱۰۶، شماره ۱۹۹۲

(۳) این مطلب تصحیح سست... را نسخه فلی، که سس از این نسخه معرفی سده، حسن اعا، می بود سست... بی حون حیات می شد - در حالی که آغار نسخه اخر حسن است سسو این بی حون سخایت می شد - ملک فیلیم شماره ۲۷۰۸ دانشگاه تهران

(۴) این هم دقت سست، بر ادتر سعدالدین فوحانورک سطرهای آن را بین ۲۷ تا ۳ سطر سست کرده است - Armagan 1985 s 365

(۵) Mevlana Bibliografyası Mehmet Onder I II Turkiye Is Bankası, Ankara, 1978

(۶) Mevlana Muzesi Yazmalar Kataloğu, A Golpinarlı I III Ankara

(۷) فهرست اسفقه فهرست دست نبیه فلیمه... میر عثمان علی حان نهاد، ۴ جلد، ۱۳۴۷-۱۳۵۷، ج ۱، ص ۳۷ - علت این خطا را من ندا کرده ام، ان شاء الله در مقاله ای که در فرهنگ ایران، من به وسله استاد ایرج اسار چاپ خواهد سد، علت خطا را خواهد دید

(۸) فهرست نسخه های خطی فارسی، احمد مروی، ج ۴، ص ۳۱۴۴

یکی را می‌گفت و دعایی می‌کرد همانا که چون خدمت سیح صدرالدین (قویوی) رسید، خطاب کرد که بسم الله ملك المحققين، سیح الاسلام می‌العالمین و دعا می‌گفت سیح فرمود سیح الاسلام در عالم یکی بود او بر رفت. بعد از این انتظام امور و نظم جمهور فنور خواهد یافت^{۱۲}

حکایت ریر خواندنیتر است

چون مولانا نقل فرمود، حلی حسام‌الدین به ولد [سلطان ولد خود هم همیشه خود را به این نام خوانده است] گفت که به حای والد سبب و سیحی کن تا من در خدمت ایستاده باشم ولد قبول نکرد و گفت حایکه در زمان مولانا حلیفه بودی، بعد از او هم حلیفه باش که مولانا نگذشته است^{۱۳}

اگر «سلطان الاولیا» بودن سلطان ولد را سبب یم، این لقب ناید بعد از ۶۸۳هـ (سال وفات حسام‌الدین) و حتی بعد از ۶۹۱هـ (سال درگذشت کریم‌الدین بکمر) به کار رفته ناسد در این صورت، این نسخه ناید بعد از ۶۹۱ هجری، که هم حسام‌الدین حلی و هم سیح کریم‌الدین بکمر وفات کرده بوده‌اند، استساح سده ناسد

۳) اسکال دیگری که در مورد این نسخه وجود دارد عبارت «عظم الله ذکره» در عنوان تمه منوی است این عبارت آسکارا سنان می‌دهد که نسخه بعد از سال ۷۱۲ هجری که سلطان ولد هم درگذشته است تحریر یافته است. «عظم الله ذکره» (خداوند ناس را بزرگ گرداناد) عبارتی است که ساید در مورد ریدگان هم به کار رود، اما بیشتر در مورد مردگان به کار رفته است. اگر توحه کید، کاتب نسخه «المولوی القویوی» است، یعنی هم از طرف مولوته است و هم اهل فوسه در میان مولوته «عظم الله ذکره» هرگز در مورد ریدگان به کار نرفته است. سلطان ولد در ولدنامه از این عبارت بارها استفاده کرده است.

۴) راجوع کردن به فقه سیح صلاح‌الدین - عظم الله ذکره^{۱۴}
 راجوع کردن به فقه سمس‌الدین - عظم الله ذکره^{۱۵}

در مناقب العارفين می‌خوانم:

بعضی روایت کردند که [سمس‌الدین] در حب مولانای برکت - عظم الله ذکرها - مدفون است^{۱۶}

روزی ملازم حضرت حلیفه الحق حلی حسام‌الدین - عظم الله ذکره - به ریارت خداوندگار به مدرسه آمده بودیم^{۱۷}

سپهسالار نوشته است.

مولانا سمس‌الدین تبریزی - عظم الله ذکره - سرور ناساها معسوف - در مرتبه احرین بود^{۱۸}

حضرت خداوندگار ما سلطان الاولیا و المکملین قطب الاولین - والآخرین عظم الله ذکره و قدس الله روحه - را به کدام ربان و بیان ستایش توأم کردن؟^{۱۹}

توضیح مختصر درباره اشکالات نسخه

۱) احتوای تمه سلطان ولد با توحه به هیمنه‌ای که مولانا حلال‌الدین داشته است با به حدی که همس فرزند خود، سلطان ولد، را به سبب احلافی که با همسرش فاطمه‌خانم، دحیر صلاح‌الدین ررکوب فوسوی، ندا کرده بود در نامه‌ای مورد خطاب و عتاب فرار می‌دهد و حضوری با او سخن نمی‌گوید^۱. همحس با در نظر گرفتن حرمی که سلطان ولد برای پدر خود فائل بود و با توحه به سلسله‌مراسی که لافل در میان اهل طریف مراعات می‌شد، نمی‌توان ناور کرد که سلطان ولد حرأت کند فیل از وفات مولانا (۶۷۲هـ) تمه خود را بر کتاب پدر سفراست می‌داسم که این تمه حتی در نسخه ۶۷۷ فوسه، یعنی کهترس نسخه کامل مسوی، نیامده است

ملخص روایت ریر از مناقب العارفين افلاکی مؤید این معنی است

در آن روزها از ورهای شماری مولانا که نماب اتمه شهر و سیوح دهر به عنادت مولانا در آمدند یکی از آن جماعت سؤال کرد که به خلافت مولانا مناسب کسب؟ فرمود نه خدمت حلیفه الحق خلد الزمان حلی حسام‌الدین ما تا سه بار این سؤال را مکرر کردند، در یوب چهارم کفید که برای مولانا بهاء‌الدین ولد چه می‌فرمائی؟ فرمود که او بهلوان است، او را محتاج وصیت سبب^{۲۰}

۲) سلطان ولد را با لقب «سلطان الاولیا» می‌خواند مولانا در سال ۶۷۲هـ درگذشته است و سن از او حسام‌الدین حلی بر مسند خلافت مولوته سبب و سن از نازده سال خلافت در روز چهارسبه هجدهم سؤال ۶۸۳هـ درگذشته است اما سلطان ولد بعد از آن تاریخ بر هریب هفت سال مرید سیح کریم‌الدین بکمر و در کف تربت معوی وی بوده است سیح کریم‌الدین در دی‌الحجه سال ۶۹۱هـ درگذشته است آن درویش مولوی که نسخه منوی را نوشته است لاید همه این مراتب را می‌داسه است و مطمئناً لافل با سال ۶۹۱ هجری حین لقی را در مورد سلطان ولد به کار نمی‌برده است

در این مورد، حکایت ریر از مناقب العارفين، که بعد از وفات مولانا روی داده است، خواندنی است

همچان روز رنارب، کمال‌الدین امیر محفل بر سر راه ایستاده، العاف هر

به گل آراسته شد!

دکتر هوشنگ اعلم

محبوبه حاتم‌سار، تیره نخل سرخ / *Rosaceae* (فلور ایران، شماره ۶)، تهران، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع، ۱۳۷۱، ۳۵۴ ص، مقصور، بها ۳۲۰۰ ریال

در شماره سیم سال دهم سرداس (مهر و آبان ۱۳۶۹) ص ۵۲-۵۴ ابری به نام فلور ایران / *Flora of Iran* را، که تهیه و سران به همت گیاه‌شناسان و بروهنگران مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع (تهران) در ۱۳۶۷ سان یافته است و بحسب بحس (هر بحس با دفتر مربوط به يك تیره [= خانواده] گناهی ایران) بدرجیح به حات می‌رسد، همراه با چند راهمایی و اسناد، به احصاء معرفی کردم در آن تاریخ، فقط سه دفتر از این فلور جدید اسرار یافته بود (به اضافه راهمایی طرح فلور ایران به فلم افای مهندس مصطفی اسدی)؛ سپس، در ۱۳۶۹، دو دفتر دیگر از - شماره‌های ۴، تیره نارون / *Ulmaceae*، ۵، تیره کل بنه / *Violaceae*، هر دو تألیف بانو مهندس محبوبه حاتم‌سار- انتشار یافت

به گمان سده، اکنون باید انتشار تیره نخل سرخ را (به دلایل مذکور در زیر) به اس گیاه‌شناس جوان ایرانی^۱، به جامعه علمی کشور، و بویژه، به جامعه بانوان تحصیلکرده ایران صمیمانه تبریک گفت. بانو حاتم‌سار در میان گیاه‌شناسان کشور و در بسیاری از محامع گیاه‌شناسی جهان «چهره» کاملاً ساخته‌سده‌ای ناید ناسد، زیرا، گذشته از سر سه تکنگاری مذکور در مجموعه فلور ایران، سس هفت مقاله متمتع به زبان انگلیسی (با خلاصه‌هایی به لاتینی و فارسی) از ایسان در روزنال گیاه‌شناسی ایران / *The Iranian Journal of Botany*، که انتشار بین‌المللی دارد، منتشر سده است (شماره اول این روزنال در ۱۳۵۵/۱۹۷۶ در آمده است)^۲. موضوع این مقاله‌ها توصیف

گونه‌ها (species) یا زیرگونه‌ها (subspecies) یا «حور»های (varieties) گیاهی نویافته در ایران یا گراس وجود گیاهان ساخته سده‌ای در ایران است که گیاه‌شناسان فیلا اطلاعی از وجود آنها در این حظه نداشتند یا آنها را گراس نکرده بودند. از نظر سده (که گیاه‌شناس بیستم)، اهمیت و ارزش تألیف عظیم احمر بانو حاتم‌سار در حد حیر به سرخ ریر است (ارزیابی حرئیات محتوایی می آن بر عهده گیاه‌شناسان حرفه‌ای خواهد بود).

۱) وسعت موضوع تیره نخل سرخ- که، به عقیده سده، بهتر است آن را [خانواده] تیره [گلسترخیان بنامیم- یکی از ترعصوترس خانواده‌های گناهی جهان است. در تألیف بانو حاتم‌سار، که به حظه حرافمایی سستاً محدود ایران (السه در مقاسه با روبسگاه سی وسعتر اعصای این خانواده در منطقه گیاه حرافمایی [geobotanical] که ایران کنونی حرو آن است) احصاء دارد، ۵ ریر سره (subfamily) حمعا دارای ۳۰ حس (genus)، ۲۰۵ گونه، ۳۵ دورگه (هیبرید / hybrid) و زیرگونه‌های سسار معرفی و وصف سده‌اند (از حیث وسعت، فاس نمرماند مالا با تیره نارون [به سلیقه سده ناروسان] ایران که، سار مندرجات دفتر شماره ۴ مذکور در بالا، فقط ۳ حس با ۸ گونه [= نوع] دارد)

۲) تکنگاری (مونوگرافی) جامع به فارسی مهمترس خدمات گیاه‌شناسان ایرانی به صاحب و وصف گلسترخیان یا برخی از اعصای اس خانواده احمر مقالات مربوطه بانو حاتم‌سار در روزنال مذکور در بالا)، با حایی که سده اطلاع دارم، از اس قرار است ۱) فصل مسفلی که افای دکتر احمد نارسا (تهران، ۱۳۲۷/۱۹۴۸) در ح ۲ (صص ۵۲۵-۶۰۱) *Flore de l'Iran* به زبان فراسه به گلسترخیان اختصاص دادند و، به سب قدمت آن، به گفته برخی از صاحبسطران، از لحاظ ناکسونومی (taxonomy، طبقه‌بندی) و نامگذاری علمی (terminology) و غیره کماسس «نوی نا» گرچه است (در تجدیدطری که افای دکتر نارسا، به یاری اسنادین العاندس ملکی، از تألیف مذکور به زبان انگلیسی، با عنوان *Flora of Iran*، شروع کرده‌اند [تاکنون دو جلد آن بیسر حات سده است]، خانواده گلسترخیان هور به میان نامده است. همحس در سه جلد حات سده رستیه‌های ایران فلور گیاهان آوندی افای دکتر صادی مبین، تهران، ۱۳۵۴، ۱۳۵۸، ۱۳۶۴. (اتعام) ۲) افای دکتر حبیب‌الله نانی در درختان جنگلی ایران (تهران، ۱۳۲۶) و بویژه در تألیف عظیم خود، جنگلها، درختان و درختچه‌های ایران (تهران، ۱۳۵۵)، که در هر دو گیاهان به تربیب القیایی نامهای علمی حسها معرفی سده‌اند، گلسترخیان درختی و درختچه‌ای (یعنی بحر گلسترخیان «علفی») ایران را همراه با

تصاویری دگر و (در دومی) وصف کرده است. ۳) آقای دکتر کریم جوانسر در اطلس گیاهان حویلی ایران (تهران، ۱۳۵۵) نامهای علمی (لاتینی) و فارسی / محلی حدود ۱۳۲ گونه و بسیاری از بر گونه ها و / یا وارته های گلستر حیان «حویلی» (woody) را (عده زیادی از آنها مصور به نگاره های رنگی یا سياه و سفید ريبا) بدون شرح هر يك ولی بر حسب «مناطق رویشی» (floristic regions) ایران دگر کرده است. ۴) آقای دکتر احمد فهردان در یارده حلد باکون منتشر شده فلور رنگی ایران خود (رجوع بفرماید به مقاله شده در معرفی این فلور در نسر داس، سال دهم، شماره دوم، بهمن و اسفند ۱۳۶۸، صص ۴۳-۴۷)، ۳۳ گونه از گلستر حیان را به سبک بدیع خود توصیف و تصویر کرده است.

بنابراین، تألیف اخیر بانو حاتم ساز به زبان نارسا و ناقص فارسی کاهشیاحتی (که دسواری تألیف و نگارش در موضوعات کاهشیاحتی را حد بر این می سارد) بحسب تکنگاری جامع (با، بر بحواهم محتاطانه داوری کنم، بفریاد ما سبها جامع) درباره تلستر حیان ایران با استفاده از آخرین و مهمترین پژوهشهای حاد شده گیاهشناسان غربی (عبر ایرانی) و، لافل از این لحاظ، در حور سی ستاس است

۳) کثرت مآخذ و مواد بوسته های مربوط به اعصای حیوانه تلستر حیان ایران و کسورهای همسایه، که دارای فلورهای ثمانس مشترکی هستند، به زبانهای اروپایی بسیار وسیع و متنوع است (مابق این بوسته ها لافل به فلور حاور رمس^۱ ا بواسته^۲، کاهشیاحت نامدار سوئسی [ح ۲، ۱۸۷۲، صص ۶۳۹-۷۳۵، و جمله آن، ۱۸۸۸، صص ۱۹۷-۲۳۶]، بار می گردد) بانو حاتم ساز طاهر آ همه با لافل با مهمترین آنها آسامی نماید و طاهر^۳ در عمل از آنها برای تشخیص و بوصف گیاهان منظور نظر خود استفاده کرده است در مراجعه سریع و ناقصی که شده به برخی از ماحد سهل الوصول تر ایسان کردم حین به نظرم رسید نه در مورد «کلید» های سیاسی گلستر حیان، بوصفیات بحسب ساختی (مورفولوریک) و گزینش نامهای حسنها و گونه ها و حیره و بیر نامهای مترادف عمدتاً از سه منبع دبل سود حسنه اند ۱) مجموعه عظیم فلورا ایرانیکا («فلور ایران رمس»)، که بر نظر و نه ویراستاری استاد گیاهشناس نامی اتریشی، ک ه ریشکر^۴ درباره فلور منطقه وسیعی شامل ایران، بحسی از شمال عراق، بحسی از عرب باکستان، افغانستان و بحسبایی از جمهوریه های آذربایجان و ترکمنستان، بتدریج انتشار می یابد؛ باکون ۱۶۷ دفتر آن به حاد رسیده است که شماره های ۶۶ [۱۹۶۹] و ۱۵۲ [۱۹۸۳] آن، تألیف ۹ گیاهشناس نامدار اروپایی، به گلستر حیان منطقه مذکور اختصاص دارد) ۵) فلور اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (سابق)، که به

ویراستاری و. ل. کوماروف^۵ حاد شده است (ج ۹ [۱۹۳۹]، صص ۲۱۵-۳۹۶، و حلد ۱۰ [۱۹۴۱]).

۶) بویه، فلور ترکمنه، تألیف ب. ه. دیویس^۶ (ح ۴، ۱۹۷۲، صص ۱-۱۷۰).

اس گمان شده به ان معنی سبب که مؤلف ارجمند مطالب و تفصیلات این ماحد و حیره را طابق العل بالعل ترجمه کرده است (داوری قطعی در اس خصوص از صلاحیت شده بیرون است)؛ ولی معتمد که اگر هم اطلاعات کاهشیاحتی مورد سار کمانس از منابع سگانه ترجمه یا افساس شده باشد، مؤلف مرتکب «گناه» علمی شده است؛ زیرا، در موضوعات بدیهی علمی، تعریف و توصیف ابحه مورد اتفاق نظر داسمندان فلان یا بهمان رسنه باشد تقریباً یکسان است (ملا وصف حواص فیزیکی و سمنایی فلرها در داسنامه های معاصر، توصف اواساحتی ا فوسیک^۷ اصوات راح در زبانها، یا تعریف سکلهای هندسی). مسئله عامص دیگر^۸ که گیاهشناسان در مورد حیوانه های وسیع گاهی با ان روبرو هستند ناسی از کثرت نمونه هایی از فلان با بهمان کاه است که کاهشناسان، کرداورندگان کاهان و دیگر علاقه مندان از نقاط مختلف کسور وسیعی باید ایران به دست آورده و نه «هر بار بوم» های داخلی و خارجی بحویل داده اند بررسی، بحین هویت و ادریانی اس نمونه های کرداوری شده (که وجود بسیاری از آنها فقط از هر بار بومهای خارجی گراس شده است) کار بسیار دسوار، دفعی و وقتگیری است ملا در مورد به به های گراس شده همن کلستر حیان، حنانکه از منبع موثقی اطلاع یافته ام، بانو حاتم ساز در حدود ۱۰۰۰۰ نمونه را طی ۸ سال، حه در هر بار بومهای معبر ایران و حه در مجموعه های معروف اروپا (هر بار بوم ناع گیاهشناسی کو / Kew در لندن، هر بار بومهای ادبورگ^۹ ادر اسکاتلند)، رو [سونس] و وس [اتریس]، واری کرده اند (با سمارس دقیقی که شده در سره گل سرخ ایسان کردم، نام خود اسان، غالباً همراه با نام همکار

حاشیه

۱) اطلاعات «خصوصی» شده درباره مؤلف از طریق برخی از همکاران وی به دست آمده است

۲) بانو حاتم ساز بار دیگر^{۱۰} هم دارد که از میان آنها، ایحاب فعات دبل را دیده ام ۱۱) فلور بی درجیان و درجیه های اتریش بوسهر (۱۹۳۶۲) ۱۲) مستحقات علمی، ک.ا. بردی گونه درجی بومی و بیگانه (۱۳۶۴)، ۳) ک جفری (K. Jeffrey)، اصول بدیدی گیاهان، ترجمه حاتم ساز (۱۳۷۱) - گونا کات اخیر حرو کتابهای درسی داسگاهی (در رسته های مربوطه) قرار گرفته است

3) F Boissier, *Flora orientalis*

4) K H Rechinger, ed., *Flora Iranica*

5) V L Komarov, ed., *Flora of the USSR*

6) P H Davies, *Flora of Turkey*

ماند هر کار علمی و سعی که يك تنه در این کشور انجام می گیرد، این تألیف نابو خاتم سار حالی از برخی نقایص و عیوب بیست. چند نکته ای که در اینجا ذکر می کنم بستر جنبه «ادبی» و ویرایشی دارد (عیوب یا نقایص فنی گیاهشناسی احتمالی آن را گیاهشناسان و متخصصان می بایست به طور خصوصی به مؤلف یا از طریق مجلات علمی به مؤلف و دیگر مؤلفان گیاهشناسی کشور اطلاع دهند تا- ان شاء الله- در حاکم بعدی این کتاب رفع شود)

○ این تألیف مقدمه یا بسکفتاری ندارد آنچه اسباب در این مقاله درباره کم و کف کار، ماحد، رحمت و بروهسهای مؤلف و عیبه ذکر کرده ام و همجنس بوضاحتی درباره همکاران و میران همکاری آنان و دیگر مطالبی که معمولاً در مقدمه ها و بسکفتارها بیان می شود فاقد بامی بایست در حاکم مقدمه یا بسکفتاری باشد ○ وجود برخی غلطها و اسباباهاهایی این خطاها بوبره در ذکر ماحد خارجی به جسم می خورد (مثلاً، اسباباهاهایی در استعمال حروف معمولی و اسالیک و «سباه»، و غلطهایی در «نقطه گذاری» punctuation). غلطهای حدس می ناسب در «غلطنامه» ای، که این تألیف فاقد آن است، تصحیح شده ناسد

○ نارسایی یا نامفهوم بودن برخی از اصطلاحات و عبارات و جمله های بوضعی من فارسی، که برخی از انها ممکن است خوانندگان معمولی و حتی گیاهشناسان را کمراه کند به کمان بده، این نارسائیاها حد علت دارد یکی این که وارکان فنی گیاهشناسی مورد قبول فاطمه گیاهشناسان فارسی زبان (یعنی وارگانی که به تصویب هیاتی صلاحیتدار یا فرهنگستانی رسیده و استعمال آن وارگان از سبوانه رسمی یا بمرسمی بهره مند ناسد) هور در این کشور به وجود نیامده است (و می ترسم که هر کر به وجود نباید) در مورد این تألیف بخصوص، علت دیگر، بی بهره ماندن آن از ویرایش فنی (گیاهشناسی) و ربانی (اسایی) است سواهد و مواردی در این تألیف بده را بفریباً مطمئن می سارد که هجک از «ویراستاران» و «ویراستاران مساور» (جمعاً ۱۴ نفر)، که نام نامیان ربیب بجنس همه دفترهای این فلور است، ویرایشی (نه محتوایی، نه فنی و نه حاکم) در مورد این تألیف انجام نداده اند به همن دلیل است که در بالا گفتم که این کار تر در دسر «يك تنه» انجام گرفته است. به کشورهای دیگر کاری نداریم، ولی در کشور خودمان اندك اندك داسمندان که هم مسلط به فلان رسته علمی ناسند و هم بتواند موضوعهای خود را با واره های رسا و عبارات دقیق و جمله های بی غلط اسبا کنند. علت اصلی رواج ویرایش (خصوصاً ویرایش زبانی و اسایی) در این کشور، که کاری بسیار لازم و در حور ستایش است، همین است.

دیگری، ۱۲۲ بار به عنوان گردآورنده و گراسگر نمونه هایی از فلان جنس یا گونه یا ربیر گونه یا دورگه تره گلسر حیانی ذکر شده است)

۴) تصاویر این بکنگاری ارسته به ۹۲ لوحه بگاره های سباه و سفید (line drawing) دقیق (یعنی با اندازه های بسی دقیق) و ربنا از حد نقاش حیره دست گیاهشناسی (نابو ف اسکندری و افانان ی رصانی، ع مرادی و ی مهران فرد) است ذکر نامهای این هرمدان ساید بگانه بسبهادی از بسبهادهای سابق بده (مذکور در سماره سسم، سال دهم سبرداس) به باسان و ویراستاران فلور ایران ناسد که اسبان بدرقه و احرا کرده اند! ۵) بواوری. دسباوردهای گیاهشناسی عمده نابو حاکم ساررا در این بکنگاری (ابری که ده سالی صرف آن شده است هست سال برای گردآوری و واریسی نمونه ها و بفرسا دو سال برای بظم و بکارس و حاکم «داده» ها) می توان جنس حلاصه کرد کسف با سباسبی سبرده گونه از بیره گلسر حیانی حدید برای فلور همه جهان (سامل هف دورگه حدید)، کسف و کرارس وجود سی و دو گونه قبلا سباحه شده در ایران یعنی گونه هایی که داسمندان و بروهنگان ربیب (عمداً عربی) متوجه وجود انها در ایران سده بودند (این «رکورد (کرارس) های حدید» گلسر حیانی را مؤلف قبلا در مقاله های خود در رورنال گیاهشناسی ایران آورده است) گونه ها و دورگه های حدید را خود مؤلف نامگذاری کرده است گاهی به اصحاب برخی گیاهشناسان ایرانی که با وی همکاری داسه اند، از گونه های حدید، مثلاً

(به نام مصطفی اسدی) *Cotoneaster × assadu Khatamsaz*

و از دورگه های حدید، مثلاً.

(به نام موسی ایراسهر) *Amygdalus × transshahr Khatamsaz*

و

(به نام ولی الله مظفریان) *Amygdalus × mozaaffariani Khatamsaz*

و گاهی مسوب به حاکم که گونه یا دورگه حدید اول بار در آنجا یاف شده است، مثلاً

(مسوب به سیرار) *Potentilla × shirazi Khatamsaz*

(مسوب به یاسوج) *Amygdalus × yasujensis Khatamsaz*

بر این حمله، آراستگی و اسلوب و سلیقه و دومی را باید افزود که در نقل متن و تنظیم حواشی و تعلیقات و فهرس به کار رفته است

نسخه اساس نسخه شماره ۷۹ فو به خط سیوه عصر سلجوقی است که پس از ربیع الآخر ۷۵۳ کتاب سده است و کاتب آن نسخه‌های دسیوس سید برهان الدین محتس برمدی و مولانا و حسام الدین حلی و حتی «مقالات سمس» را که در حساب سمس الدین بربری نوشته سده مود دیده و قسمی از آن را در مجموعه خود، که در فاصله سالهای ۷۵۲ و ۷۵۵ فراهم ساخته، آورده است به نظر بر لیسارلی نسخه از روی اصل یا از روی نسخه برداشته سده از روی اصل استساح سده است

*

مکتوبات عموماً با نوع ادبی حالی است که به مقصای ماهیت خود فوادی استساحی در بردارد سحسب نوشته، مناسب او با طبقات معده، واکسهای او در برابر رویدادهایی که با زندگی خصوصی، اجتماعس نبود بربک دارد، غلافها و گراسها و نفرها، تلفی او از افراد و حوادث و، سراجام، احسانا اسرار ربکی او با صداقت و صفای سسری از لایلی نامه‌ها نمودار می شود و حس کنجکاوی خواننده را بهر ارضا می کند

مکتوبات مولانا بر اس حواش را دارد، و علاوه بر آن، از فواید تاریخی حالی سست و به کشف حقایق در حوزه تاریخ عصر او راه می دهد

مولانا در این نامه‌ها دسری حیره دست حلوه می نماید که به اسلوب برسل و اسبا از هر حب استاسب در عس حفظ مرست والای خود، القاب و عناوس و سان و مقام محاط را رعایت می کند فلمس روان و سسرس و رسا و مؤبر و وافی به مقصود است اگر سفارس کسی را می کند می داند که در کجا باید بلامقدمه وارد مطلب شود و در کجا رسته حس کند، کجا مسنول را در لفاف سجد و کجا عربان عربه بدارد به فاس با مکتوبات سبانی نامه‌ها س از بکلف سراسه بر و هم بوبابر است، در عس انکه اهیک بند و سسب نامه‌های عس الفصا در آن احساس نمی شود به لحاظ محوا بر با نامه‌های عس الفصا فرو ماهوی دارد نامه‌های عس الفصا سسر حواص مسکلات مریدان در مسائل فرانی و باطبی و سان حاصل بحره‌های عرفانی است، در حالی که نامه‌های مولانا غالباً حطاب به دولمردان و قدرمندان است در توصیه مریدان و هم کسانی که مولانا سست به آنان توحه خاص

حاشیه

(۱) مراد بر حمة مقدمه‌هایی است که به ترکی بر حاب فارسی و حاب ترکی مکتوبات نوشته سده است

«مکتوبات» مولانا جلال الدین رومی

احمد سمیع (کلانی)

مکتوبات مولانا جلال الدین رومی، به تصحیح و مقدمه بوفیق ه سحانی، تهران، مرکز سراسگاهی، ۱۳۷۱، ۲۰۸ صفحه

بر اس تازه‌ای از مکتوبات مولانا جلال الدین رومی بتارکی به از شاب امده است حابه‌ای دنگری از آن در برک و ایران سسار بافه بود لیک و بر اس حدید از حب من و حواسی و علفا بر حابه‌ای سس بربری مسلم دارد و مصحح مرانی آن بر سسگسار (ص ۷ و ۸) به این سرح بر سمرده است (۱) بر اساس صحیح سس نسخه سخته مکتوبات فراهم مده است

(۲) بر حمة هر دو مقدمه ترکی و فارسی^۱ حاب ترکیه را در بردارد

(۳) مخاطبان نامه‌ها، با اسفاده از تعلقات مرحوم عبدالنافی، در آن سسسانده سده اند

(۴) سحسبتهای تاریخی مندرج در نامه‌ها، با اسفاده از ماحدو علفا مرحوم عبدالنافی گولبیارلی، در آن معرفتی سده اند

(۵) گویدگان اسعار عربی و فارسی مورد اسسهاد در نامه‌ها سس کاملتر از آنچه در تعلقات ترکیه امده معس سده اند

(۶) فرهنگ لغاتی برای آن تنظیم سده است

(۷) حاوی توضیحاتی است که داسحویان را از مراجعه به مساع گوناگون بی بیار و یا آنان را از ماحد مختلف آگاه می کند

(۸) برای سهولت مراجعه، فهرست اسعار، اناب، احادیث و غلام به آن افروده سده است

بویره در مقامی که بای حرم مردان خدا در میان است بی گدس و بیمدار است. نمونه اس نامه ای که به سلطان ولد در سفارس رعایت حال عروس خود، فاطمه حاتون، دختر صلاح الدین در رکوب - که او را به صف «ساهراده ما و روسانی دل و دیده ما و همه عالم که امروز در حواله و حواله آن فرزند است» وصف می کند - نوشته است

توقع است که اس در سیاد عدرها رند و یک دم و یک نفس، نه قصد و نه سهو، حرکتی نکند و وطنه مراستی را نگرداند که در خاطر ایسان یک دره تسوین بیوفایی و ملالت دراید خود ایسان هیچ نگوید از ناک گوهری خود و عنصر ساهرادگی و صبر موروب بر رسته که نه خط اگر چه دینه بود / آب دریاس با به سیه بود از بهر سیدروبی اندی این بدرواران خود و از آن همه فیله، خاطر ایسان را غریب غریب دارد و هر رور را و هر سب را خون رور اول و سب گردک [= سب رفا] دارد در صند کردن به دام دل و جان؛ و سدارد که صید سده است و محتاج صند سب که آن مذهب ظاهر سان است

و طرفه اسکه برای حفظ حرم و فاصله بدر فرزدی و محمل ساحس صلح و صفای خانواده گی و بهی این توهم که از جانب حاتون گله و شکایی رفته باشد، تأکید می گوید.

و واللّه الّدی لا اله الا هو که هیچ گله ای نکرده اند و بنام نکرده اند، نه به ایما نه به اشارت نه به تعریض الا بی گفب خلق و اشارت ایسان حیدرور است که از صدای عالم جان و ورای عالم صورت، صورت بی صورت نه هوسم می آید و مرا می حلد؛ ندانم که حکایت حال است یا مال؟ (نامه سیم)

والحق که اسنادی و مهارب در اسما و ترسل نه حسن فرصتهایی است که محال برور پیدا می کند

مخاطبان مولانا برای احاله تفاسی مراجعان بیسر امیران، ارکان دولت سلاحه روم و دولمردانی هستند که مریدان برو و فرص اوید، مانند معین الدین بروانه، داماد غیاب الدین کیحسرو دوم (حک ۶۳۴-۶۴۳)، که در مجالس سماع مولانا حاضر می شد و بیوسته به رنارب او می رفت، عزالدین کیکاوس دوم، جانشین غیاب الدین کیحسرو، تاج الدین معتز، فاضی القضاة حلال الدین حوادر مساه که مولانا وی را «فخر خراسان و عراق» خواند؛ است: حلال الدین قره طایی، که در زمان عزالدین کیکاوس دوم به بیات سلطنت رسید و مولانا حرمت بسیار بر او می نهاد و سب مرگس به رنارب ترب او رفت، امیر حلال الدین مستوفی، که در

داسته است اس نامه ها، به قول صلاح الدین ملتطی، مرید مولانا، «برای درد مساکین و اهل حاجات» بوده است - مثلاً برای معافیت از مالیات، رفع تعدی و تجاوز، واگذاری مسحت حانفاه، کمک مالی برای بنای حانفاه و نظائر آن با همه اینها، ارادگی و وارستگی مولانا از هر سطر نامه ساطع است حتی در عموها از حد عرف تجاوز نمی کند اگر خواهشی دارد متب نمی بدر دلتکه نوعی متب می بهد «نایی که به حسن دروس دادی نارمسان، دو سم مکن، که آن دروس نان سسار ناند ولیکی تو حیان دروس سانی» (نامه هفاد و چهارم) در حصص سب متب نهادن حادارد، خون حواحه توفی آن نایه است که سب حیر بود و احرس را صدحیدان از حی بگردد مثل الدین بنفون اموالهم فی سبل الله کمل حبه است سب سابل فی کل سنله مانه حنه والله تصاعف لمن ساء^۲ (نقره، ۲۶۱)

مولانا در نامه هاس سسر لحن تصح بدرانه احسار می کند و گاهی ریان تذکر و سبه عرفانی و بدرت تو سح و سبررس و حتی بهدند مثلاً در نامه ای طاهرا خطاب به فخر الدین علی صاحب عطا، از دولمردان برسانفه و دادوام دولت سلحوفان، درباره اححافی که بر دروسان رفته می نوسد

جماعی، از چهل و بی اعتفادی، دروسان را - که طالب الله اند - می ربحاند، از رندی و ساکی، و به خدمت سما می آید و بارگو نه جهودانه می گردند و سکاات می کند توقع است که نه نوعی دیگر تفحص فرماید و نه ریان و دست دیگر ناری دهد دروسان را و مظلومان را، با آن دود نه اسمان برود و فیه ها به انگرد درویسان را آن ریان نسبت و آن دل سب که با آن ریدان جهود طع مقابله کند در مکر و حله و بارگو نه تسعی رند، سب دیگران سسکند و دسار دیگران برید و سب برهه و سب سبه سس سما اید و منافقان دیگر را نه گواهی اید.

و در نایان نه بهدند می افراند.

اگر می رویم از سهر و رحمت می بریم، نمی گذارند، و اگر می سسیم، اس دو سه درویس از ما نمی سکلند ما ما در فرودیدیم ما را طاف این ظلم نماید باقی رأی سماسب (نامه سجاه و دوم)

گسب و طاف ادا کردن آن نداسب بر حاسب و نا عیال
 خود نه حصرت مولانا آمده نه نای مبارکس افتاده که جسسه
 لله تعالی عنایت و سفاعت نامه‌ای در این باب نه خدمت
 بروانه نویسد تا مگر حبری وایزند و نا مهلی دهد
 فی الحال رفعتی فرساده سفاعت کرد بروانه گفته باشد
 که این قصیه نه دیوان بعلق دارد در جواب او باز فرمود
 نسس که حاسبا حاسبا دیوان نه حکم سلیمان است نه اینکه
 سلیمان نه حکم دیوان و بروانه را نام سلیمان بود، دوفها کرد
 و رفعتی را نویسنده دمب عامل را از آن وام برنی کرد (ح ۱،
 ص ۲۱۷-۲۱۸ ← مکتوبات، ص ۴۷)

دین سان، مولانا نا قصد موفعت و ناری اسنادانه نا الفاظ و
 کار بردن ماهرانه اتهام و حاس و ملمح، ناسر سفاعت خود را
 تضمین می کند

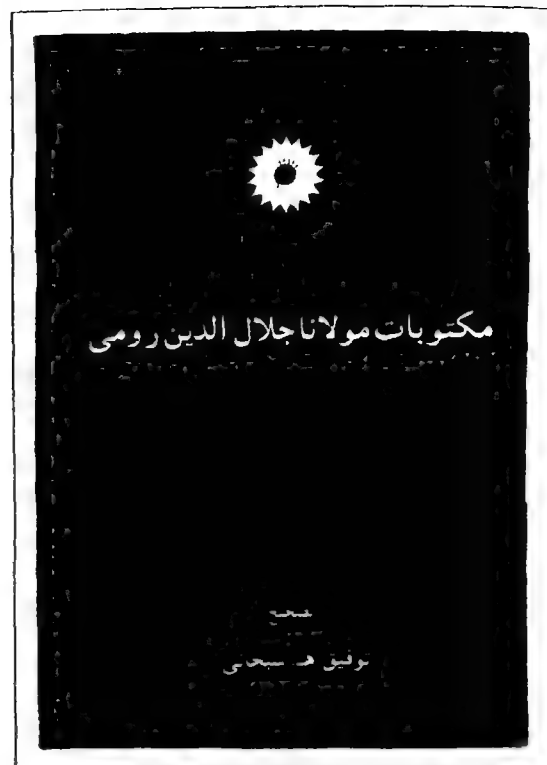
در چندر نامه‌ها، هر چند موارد بر سبیل در ذکر عناوس و الامات
 مخاطبان مناسب نا سنان و موقع و مقام آنان رعایت شده است،
 مولانا، چنانکه از او انتظار می رود، در خارجات فوالت معهود و
 مرسوم محضور نمی ماند از مقدمه نامه‌ها که بدریم، زبان نامه‌ها،
 دست کم از حبس لحن، نه زبان مخاطب بردن می سو و ضرب و
 اهنگ رنده بر و بر حرکت بر کسب می کند

مکتوبات مولانا اثر ادبی تمام عبارتی است و فوائد ربانی و
 بلا می بسیاری در بردارد نامه‌ها حای حای نه ایات و احادیث
 انسهاد و شعر و مثل حاسی کلام شده است اسعار هم از خود
 مولانا است و هم از مرادان طریقی او چون سنائی و عطار نا
 ساعران مورد علاقه او چون مستی که ظاهرا ساعر باب قرن
 یوزره در برد فارسی زبانان بوده و همان جایگاهی را داسه که
 ابن الرومی و اس معیر در دوره نس از او داسه اند

گاهی قوت سان مولانا اعجاب انگیز می شود مولانا را مانی از
 اس قوت سان مدد می گردد که فولادن کاری مهم و معتد مطرح
 یا اوج عواطف و هیجانات او مفصی ان ناسد. مثلا هنگام دلجوی
 و دلداری سخن او حیان نا عطفوف ندرانه عجن می شود که هر
 اسفه دل ارده حانی را آرام و فرار می بخشد شاهد نادر ان
 نامه‌ای (سجاء و نسیم) است که نه فاطمه خاتون نویسه و در آن
 اس عبارات سرسار از مهر و دلگرم کننده و اطمینان بخش را
 گنجاده است

حاشیه

۲) مثل آنان که مالهای خود ادر راه خدا بعه می کند مثل دانه‌ای است نه
 هفت خوسه ره یابد در هر خوسه ان صد دانه و الله می افرازد توی بر تونی او را که
 خواهد و خدای فراح جس فراح دار و داناسب



من عنایت الدین کنخسر و مقام استیفا یافت و از حایت معولان نه
 دست سلطنت برگزیده شد و نه ربارت مولانا رفت، محمد الدین
 ناسد، داماد معین الدین بروانه، که در زمان حکومت رکن الدین
 فیج ارسلان چهارم (۶۵۵-۶۶۶) مقام استیفا داسب، امین الدین
 مدبیل، که در زمان سلطنت عزالدین کیکاوس دوم و نسس
 دست لدین کنخسر و سوم (۶۶۶-۶۸۲) ناسب سلطنت داسب و
 معسر او مولانا را نه مجالس رنانه فرامی خواند و مولانا نا جمع
 سنان نه گفتگو می نسب و این خاتون مولانا را گلزاران
 می نرد

*

مولانا نا احاطه‌ای که بر ایات و معانی فرایی و احادیث و امثال و
 شعار عرب و عجم دارد و نا دهن وفاد و رخار خود، استادانه و
 می نکه تصنی احساس سود از اس دستمایه‌ها برای مؤثر ساحس
 -مه‌های خود نجا و بموقع فایده برمی گردد و گاهی
 سر سکارهایی در این میدان سان می دهد یکی از نمونه‌های
 حایت ان حکایتی است که افلاکی در مناقب العارفین نقل
 می کند

همچنان مفعول است که عاملی از محبان آن حصرت در
 ایفای مال قوی ریابمند شد و قرب دوسه هزار دیار و امدار

آن، ما ذکر همین شاهد، «مهره ردن» معنی سده که اصلاً بیامده است شاید حا می داسد که واره «نلمه» نیز در «واره نامه» بیاند «رحب از تخته برون آوردن» (در «واره نامه»، «برون بردن» نه حای «برون آوردن»، در متن، «برون آرند») که مصحح معنی آن را بیافته است شاید اساره نه «تخته» ای ناسد که نارحه را به دور آن می بیچیده اند (توب نارحه). «دسترد» نیز در شاهد مذکور در «واره نامه» به همان معای «حایکدستی» بردیک است و نا «دردی، غارت» مناسبتی ندارد؛ بسجید با. ب که تنگر کدس دلر بیست/ دلبری دسترد تنگر نیست ب من دل برد که صورت اوسب/ آرری دار و صنع آزر بیست (عنصری). غلطهای کتاب عموماً مطبعی است و حتی خواننده موسط خود به تصحیح آنها قادر است. محض مرید فایده حدنایی از این که ضمن توری به نظر آمد در اسحا فهرست می شود.

صفحه	نادرست	درست
فهرست	۳۹	۳۵
۷	ماحد	ماحد
۸۷	موعظه	موعظه
۱۹۶	سعه	سعه
۱۹۷	افهم	افهم
۳۱۳	هوتک	هوتک
۳۵۸	ساعه	ساعه
۳۶۱	امّه	امّه
۳۷۵	الونه	الونه
۳۸۵	مفصح	مفصح
۳۸۸	الاوامر العلانیه	الاوامر العلانیه
"	الرسوم الرسائل	الرسوم الرسائل

ناری، مکتوبات مولانا به تصحیح توفیق هد سجانی، نه مسلماً چاپ اول و آخر بست (نه حکم هر که سرنی فرسد مسری بر وی نجوسد)، نوبره از حب متن نامه ها ویرایش بهایی به نظر می رسد و در تجدید حاب، صرف نظر از خطاهای انگست شمار عموماً مطبعی که طبعاً اصلاح خواهد شد، چه بسا مصحح توفیق ناند مآحد احادیث و اسعار و امالی را که در حاب اول بتواسته است معلوم سارد به دست دهد و نا این قدم همت فایده تعلیقات و توضیحات را تمام کند ان شاء الله.

حاشیه.

(۳) کم ردن (در فمار)، نفس کم ردن و «نفس» همان داو و سرط ناری برد است. غارت «امرور که مهره به دست نوبست کم مرن و غنیمت دار» ظاهره نه این معنی است که حالا که مهره گسته حریف به دست نوبست سرط و مگر ناری را نالان چون احتمال نرد تو بستر است

نوع من ار آن فرزند آن است که از این بدر هج نوسیده بدارد ار هر که رنجد، تا مت دارم و در ناری نه قدر امکان، ان شاء الله، تفصیر یکم اگر فرزند عزیز، بهاء الدین، در ارار سما کوسد، حقا و تم حقا دل ار او برکم و سلام او را جواب بگویم و نه حباره من ناسد، بخواهم و همحسن عمر او هر که ناسد

*

مکتوبات مولانا حلال الدین رومی، علاوه بر متن نامه ها، مسمل است بر (۱) بسگنار مصحح که در ان حایهای سابق مکتوبات توسف و سحده های مورد استفاده معرفی و مرانی حاب حاضر بر سمرده سده است (۲) ترجمه مقدمه مرحوم عبداللافی گولسارلی بر ترجمه مکتوبات نه برکی که تحفه ای است در صحبت و اعتبار اسباب نامه ها نه مولانا و معرفی سحده های ان و هوب مخاطبان ان و فواید متعدد ناری که از متن نامه ها حاصل می شود. در ان مقدمه نه نکته های ناریکی اساره رفته است (۳) ترجمه مقدمه ذکر فریدون نافد اورلوی (مورّح کانون نایی/ رابو نه ۱۹۳۷) نا عنوان «مولانا و نامه های او و آدرس ان از نظر ناریح سلجوقیان» حاوی توضیحاتی در ناره مخاطبان مولانا (۴) «اسحاحی که در نامه ها از انان نام برده سده است» که دبل ان عنوان مصحح مسروحا نه معرفی رجال مخاطب نامه های مولانا برداخته و اطلاعات حاب و نا آرسی در ان باب به دست داده است (۵) «توضیحات» که به برست نامه ها مرتب کسند و در ان مسکلات من، از جمله دسوار بهای ربانی و عبری، سرح و سعی سده است که مآحد احادیث و اسعار و امال معرفی گردد و طبعاً منضم فواید گوناگونی از این جهات است (۶) فهرس (آباب، احادیث، اسعار عربی، اسعار فارسی، امال و کلمات)؛ (۷) «واره نامه» مسمل بر نوادر لغات و ترکیبات و کاربردهای مهجور و معانی کلمات و عبرات مهجور یا سست مهجور مأخوذ از عربی و سراحام (۸) فهرست راهما که از روی اسلوب و نادف نه همت خام آدرمندحت حلیل بنا نهه سده و مراجعات از جمله مراجعه موضوعی را اسان می سارد

در «واره نامه» حای بعضی از تعیرات، ماسد «کم ردن» («امرور که مهره به دست نوبست کم مرن و غنیمت دار که هر دم تو گنجی است و کمیایی.» - نامه صد و بیست و سوم)، حالی است و نه جای

آن، رور تاکنون سرده مجلد این اثر منتشر شده و، به گفتهٔ مسؤول فعلی مرکز، دورهٔ آن به پایان آمده اما به نظر می‌رسد تا اتمام این طرح عظیم هنوز فاصله‌ای موجود است این مجموعه در پاکستان به حاکم رسیده و از آن رودسیایی به آن بسیار دسوار است و ظاهراً فقط نسخه‌های اندکی از آن برای کتابخانه‌های مهم کشور فرستاده شده است. اینک به معرفی مجلدات سرده‌گانهٔ آن و مندرجات هر جلد می‌پردازیم.

● جلد اول شامل علوم ریاضی، طبیعی، پزشکی، تفسیر و کلیات است. مؤلف، در مقدمهٔ مفصلی که بر آن نوشته، دربارهٔ فکر بدید آمدن این اثر و همکاران خود به طور مسرّوح مطالب بنان داسه و منابع و اختصارات را به تفصیل ارائه کرده است. این مجلد در ۹۵۰ صفحه و با سراری اندک (۵۰۰ نسخه) در سال ۱۳۶۲ به طبع رسیده و در بنان فهرست نام مؤلفان، کتابها و نامهای کسان افزوده شده است.

● جلد دوم حاوی کتب منطقی و فلسفه است و در حدود ۳۰۰ صفحه دارد و یک سال بعد، یعنی در مهر ۱۳۶۳، منتشر گردیده است.

● جلد سوم مفصل است و اختصاص به موضوعات عرفانی دارد و بنان دهندهٔ آن است که ساکنان سه‌حریهٔ هند از دینار دارای کراسهای عرفانی کوناگون بوده و در آن رمنه‌ها علاقی و برده داسه‌اند در آن مجلد، مجموعهٔ ۹۲۴۲ نسخهٔ خطی عرفانی معرفی شده است.

● جلد چهارم دارای سه بخش است و به معرفی کتب حکمت عملی، سندها و ادب سندهوران اختصاص یافته است. فهرست اعلام کتابها و نگارندگان جلدهای دوم و سوم و چهارم سر در انتهای این مجلد به طبع رسیده است.

● جلد پنجم حاوی دو بخش است. بخش اول ادامهٔ مجلدات سس و محقق معرفی مساب و مکتوبات خطی فارسی موجود در پاکستان است که بر حسب تاریخ ردکی مؤلفان برت یافته و در آخر آن مسابی که زمان حیات نگارندگان آن معلوم نیست به برت الفبایی آورده شده است. بخش دوم مجلد سجم موضوع تازه‌ای است که خارج از عنوان کلی کتاب، یعنی فهرست جامع نسخ خطی پاکستان، است. این بخش مسمل بر فهرستواره کتابهای فارسی موجود در سراسر جهان است و حق این بود که در مجموعهٔ دیگری حای می‌یافت. این فهرستواره گوسه‌ای از طرح بسیار بررگی است که مبروی از سالیان سس فکر احرای آن را در سر می‌بروراند و حای حای به آن اساراتی کرده است. فهرستوارهٔ کتابهای فارسی، که اینک بخش کوتاهی از آن شامل محتب نامه‌نگاری و دبیری در اسهای این مجلد به طبع رسیده، حاوی فهرستی از همهٔ آثار موجود در زبان فارسی به صورت

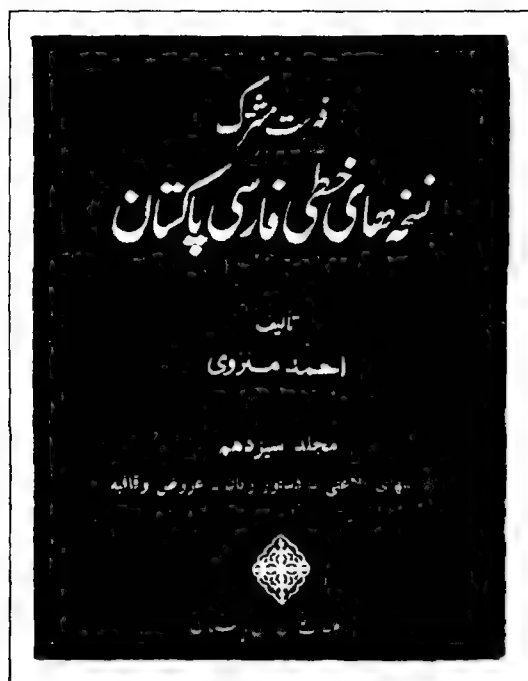
گنجینه‌ای کم‌نظیر در شناسایی نسخ خطی فارسی

سیدعلی ال داود

بهرت مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، احمد مبروی، ۱۳۰۰ جلد، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۰ش

به بر تحقیقات فارسی ایران و پاکستان معاف اعلامیه مشترک ۱۳۴۸ شمسی بن دو دولت ایران و پاکستان تأسیس شد. ساسنامه و موافقت‌نامهٔ مربوط به آن دو سال بعد، در اول آبان ۱۳۵۰، به امضای مسؤولان دو دولت رسید و بلافاصله اعار به کار. براساس بخشین بند اساسنامهٔ مبر مرکز در اسلام‌آباد، محتب پاکستان، بعس شد و هدف آن حفظ و توسعهٔ سس مبراب فرهنگی که در طی قرون آریان و هر فارسی مانه گرفته بنان شده است.

رای رسیدن به این هدف، مرکز تحقیقات اعار تصمیم به تهیهٔ فهرست کاملی از نسخه‌های خطی موجود در پاکستان و سس فهرستی از کتب حایی سه‌حریهٔ هند گرفت. در اعار فعالیت مرکز، بخش تهیهٔ فهرستی از کتب حرنداری شده برای کتابخانهٔ مرکز، که نام «گنج بخش» بر آن نهاده شده بود، در دستور قرار گرفت و سه جلد فهرست تفصیلی، به فلم محمدحسین سجی، فراهم آمد و به حاکم سرده شد این طرح، بن ار دعوت شدن احمد مبروی در سال ۱۳۵۵ به کار در مرکز، موقوف شد و، از آن سس، با برنامه‌ای حدید اعار یافت مبروی، با همکاری از تحریرات ممد در امر فهرست‌نگاری کتب خطی، بر مرکز تحقیقات به کار حدی برداشت و بخش کار تهیهٔ فهرست سه نسخ خطی کتابخانهٔ گنج بخش را در چهار مجلد به انجام ساند. از آن سس، با یاری حد محقق جوان ایرانی و افغانی و - نستانی، کار عظیم نگارس و بدوین فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی در سراسر پاکستان را شروع و حد بن سال متوالی روی این طرح کار کرد و حاکم این فهرست را از سال ۱۳۶۲ شمسی، با همکاری مسؤولان وقت مرکز تحقیقات، اعار نهاد. از



خطی و حاشی است که مؤلف بنا دارد با استعانت از همهٔ چهارس موجود و منابع همانند تدوین آن را نه انجام برساند. در بخش حاضر، مبروی، ضمن معرفی کتاب و بوسه‌های گوناگون و تعیین زمان قطعی یا سسی نگارش آنها، به معرفی نسخ موجود آن پرداخته و البته در آن به شرح نسخ خطی موجود در پاکستان اکتفا نکرده است. به نظر می‌رسد که در صورت تکمیل و اسرار کامل آن اثر، محققان رسته‌های گوناگون تاریخ و فرهنگ ایران دیگر نیازی به مراجعه به فهرستهای متعدد که عمدتاً نایاب است نداشته باشند. نگارش آن اثر غیر از تحقیقات مداوم و طولانی و سحر زیاد - که همه در وجود مبروی گرد آمده - دسوار بهای دیگر هم در بیس دارد، برای نمونه، در همس بخش سیاری از کتابها نام مشخص ندارند و بحث عنوان مکتوب با مکاتبات با رفعات در فهرستهای گوناگون از آنها یاد شده است. مؤلف برای حل این مشکل بسیر نام اسهر را بس حسم داسه و بعضاً باکریر نك کتاب با بوسه را با دو عنوان ذکر کرده که مراجعان به گمراهی بنفید. این بخش فهرستواره براساس نام کتابها و مکتوبات مرتب شده و البته بهر بود که سال نگارش هر اثر حتی المقدور یاد می‌شد با برای حواسدگان بسیر قابل استفاده می‌بود.

● جلد ششم در اسفند ۱۳۶۵ منتشر شده و حاوی دو بخش است. بخش اول فهرست داسانهای فارسی موجود در پاکستان و بخش دوم ادامهٔ فهرستوارهٔ کتابهای فارسی آن یاز فهرستواره حاوی نامهای کتب داسانی زبان فارسی با معرفی کلیهٔ نسخ موجود آنها در همهٔ کسورهای مبروی در اعار این بخش فهرستواره مقدمه‌ای نگاشته و در باب روس خود توضیحاتی کامل داده است. وی با تواضع از خود را فهرست راهما خوانده و به فهرسی تحقیقی، بدیهی است، با اینکه در نگارش آن اثر اصلی بر احتصار نهاده شده، به حرأب باید گفت که باکون برای ساساندن آثار بوسه شده به زبان فارسی نالهی حسن محققانه و با این گستردگی بدید نامده بوده است و برددی بسب که نویسندگان کتابهای تاریخ، ادسات و سایر رسته‌های فرهنگ ایرانی با انتشار کامل این مجموعه به منع بی‌بطیری دست خواهند یافت و با استفاده و استمداد از آن قادر خواهند بود تحقیق خود را با استقصای تمام به منابع مستند سازند. بخش داسانهای بیرون به صورت الفبایی مرتب شده و خون نام سیاری از این آثار دقیقاً مشخص بسب مؤلف ناگریر گشته است خود به سماری از بوسه‌ها نام بدهد و البته با مراجعه به فهرست نامهای کسان این بخش از فهرستواره بسیر قابل استفاده خواهد بود.

● مجلدات هفتم و هشتم و نهم به معرفی نسخه‌های خطی منظومه‌های فارسی اختصاص دارد. منظومه‌ها براساس تاریخ سرودن آنها و تعلق هر يك به سده‌های مختلف هجری مرتب

شده‌اند. جلد هفتم و هشتم محض معرفی منظومه‌های موجود در کتابخانه‌های پاکستان است و جلد نهم مسمل بر دو بخش است. بخش اول حاوی ابیات سر اغار منظومه‌ها به ترتب الفبایی است که بدوس آن برای معرفی منظومه‌ها و تفکیک آنها از همدیگر بسیار مفید است و راهمای خوبی است برای حویدگانی که اصل منظومه را فعلاً در دست ندارند. بخش دوم آن جلد فهرستوارهٔ دیوانهای اسعار زبان فارسی است. به تصریح مؤلف، در این بخش از فهرستواره فقط به کتابهای عمدهٔ موجود اساره شده و به همهٔ کتابها در این بخش از دیوانهایی یاد شده است که نسخه‌ای از آنها وجود دارد و با وجود آن را دیگران تأیید کرده‌اند. بخشی از سحان مؤلف را در این باره می‌آوریم: «حواس ما این بوده که این فهرست کتابهای موجود ناسد ولی همیشه این گونه بوده است و گاهی کتابهایی را بیردر برگرفته که تنها نامی از آن در تذکره‌ای به حای مانده است و هور سواستهام میان کتابهای موجود و کتابهایی که تنها نام آنها بر حای مانده است حطر روسی میابم. .. حه بسیر کتابهایی که تا همس دیور تنها نامی از آنها در تذکره‌ها برده می‌شد، اکنون به دست آمده و به تفصیل ساساده شده است.» (ج ۹، ص ۱۹۶۳ - ۱۹۶۴).

● جلد دهم مختص معرفی کتب تاریخ، جغرافیا و سفرنامه‌هاست. این جلد دارای یارده بخش است و هر بخش به یکی از ساحه‌های دانش تاریخ اختصاص یافته است.

● جلد یازدهم دارای دوبخش است: در بخش اول، مؤلف به زندگینامه‌های شعرا و بزرگان دیگر پرداخته است؛ بخش دوم ادامه

فهرستواره در زمینه کتب جغرافیا، تاریخ و تذکره است.
● جلد دوازدهم ادامه بخش دوم جلد یارده و حاوی بقیه
فهرستواره در زمینه‌های یاد شده است.

● جلد سیزدهم آخرین مجلد این مجموعه است که احراز و،
س از بازگست استاد مروی به ایران، منتشر گردیده است اس
مجلد حاوی مشخصات کتب بلاعی، دستور زبان، عروض و قافیه
و فهرستواره مربوط به ساخنه‌های محفل علوم ادبی است به
تخته مدیر مرکز، با انتشار این مجلد دوره این فهرست باای
می بدرد؛ اما ناگفته بیداست که حسن کار عظمی را می توان در
اس مرحله حاشیه یافته تلفی کرد

احمد مروی این مجموعه عظیم و بیماند را با یاری جمع
سری از جوانان داس بروه ایرانی و افغانی و ناکسانی فراهم
آورده و در مقدمه مجلدات گوناگون آن، اسامی همکاران را یاد
کرده است بدیهی است مجموعه مفصل فوق، همانند هر کار
بزرگ دیگر، حالی از نقصهای حرنی بسبب و طبعاً محققان در
حسن استفاده از آن به مواردی برخورد، اما این موارد
حربی از ادرس این کار سرگ نخواهد کاست در مورد
فهرستواره، که فعلاً بخشهای کوتاهی از آن به ضمیمه مجلدات
اس فهرست مسر شده، نکته‌ای گفنی وجود دارد و آن اینکه
سایسته است مؤلف گرامی، بیس از برسمردن سنج خطی هر اس،
حسب حد سطری درباره مؤلف و محتوای هر کتاب ساورد و
انگاه سخته‌ها را معرفی کند؛ و اس روسی است که اسوری در اس
برافدر خود از آن سروی کرده است. استوری هنگام تألف اس
درسمند خود البته به بسیاری از کتب و منابعی که اکون در اختیار
سروی است بسبب بیافیه بود، ولی با روس اساسی که اتحاد کرد
موقع گردید با بایان حیات بحسی بزرگ از اس حویس را مدون
سارد از آن س، حاورسناسان روسی با ترجمه اس روی به زبان
می، تعلیقات ریاد به آن افروید و همین اس است که به سبب
دوس از مترحمان ایرانی به فارسی ترجمه شده و مؤلف مجموعه
حاضر تعلیقات تازه‌ای بر آن افزوده و تاکنون دومجلد آن به طبع
رسیده است

احمد مروی برای سناسادن آثار حاسی و خطی فارسی
طرحی دارد که امیدوار است با یاری مؤسسات فرهنگی داخل
ایران آن را به سرانجام برساند و اگر در این کار توفیق یابد
می‌تواند آری که بدید خواهد آمد یکی از مهمترین تألیفات
فارسی در سده حاضر خواهد بود

دستاورد مزوی فرآورده تحر و عس کم نظیر او به فرهنگ
اسلامی و ایرانی است و حا داسته و دارد که، علاوه بر حمایت
مالی و معنوی، به وجه شایسته از این مرد باهمت فدرانی سود و
دست کم جایزه کتاب سال به تألیف برمایه او تعلق گیرد.

نظر اجمالی به

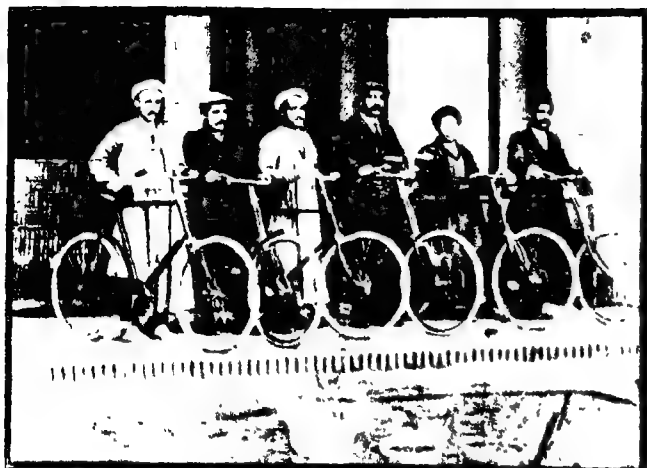
چند کتاب

گنجینه‌ای واقعی و دیدنی و ماندنی

گنجینه عکسهای ایران، همراه تاریخچه ورود عکاسی به ایران، به
کوشش ارج افشار، تهران، نشر فرهنگ ایران، ۱۳۷۱، صد و چهار + ۲۰۰
+ پانزده ص، رحلی

یکی از صنایع حدیده متعلق و مسعت از علوم طبیعی که در
زمان سلطنت ساهسناه [ناصرالدین ساه] رواج گرفته و
برقی حاصل کرده، عکاسی است در اواخر عهد
ساهسناه مزور، محمدسناه غاری، مسیو رسارخان،
سرتب معلم، که اکون زبان انگلیسی و عبره مدرسه
دارالفنون را معلم است، با رحمت ریاد بر روی صفحه
نقره عکس می‌انداحب، و در اوایل سلطنت روحافدها،
که بای مدرسه دارالفنون سد، مسیو کرسس مساوی،
معلم، تو بخانه، فدری در روی کاغذ امتحانات نمود. مسو
فیکتی، معلم طبعی، اول کسی است که در مدرسه طهران،
کلدیون (collodion) استعمال نمود و مسیو کارلیان - که
برای اسسار علم و عمل عکاسی با فرح حان امین الدوله
از ناریس به طهران آمد - عکس کلدیون را شایع کرد
(محمدحسن حان اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان باصری،
طهران، ۱۲۹۵ هـ. ق، ص ۲۰ تا ۲۲).

آنچه اعتمادالسلطنه در باب تاریخچه عکاسی نوشته است از
ابتدای ورود این فن تا سال ۱۲۸۰ هـ. ق را در بر می‌گیرد، و تاریخ
سالهای بعد از آن س مفصل تر است.



چهار تن بزرگ آن زمان در روزگار پهلوی
در گروه از کتاب گنجینه عکسهای ایران، ص ۲۳۱

بوساک و سیر مرآت و در حجاب اسخاض را ست می کند، و آنچه را که در منابع مکتوب آن عصر، عمداً یا سهواً، از قلم افتاده است، عنان می سازد و در مجموع تنگ عمده‌ای به روس سدن روانای تاریخ آن دوره می کند. نه این برست کتاب نفس گنجینه عکسهای ایران، اثر دهنمی است که قلم در توصیف فواید و محاسن آن درمی ماند

اسناد ابرج افشار که همب بر گردآوری و حاب این مجموعه کمارده است يك دباحه و يك مقدمه بر آن نگاشته است در دباحه هدف از این کار و ملاحظاتی فی ناظر بر آن را بیان داسه و در مقدمه که نه «تاریخچه ورود عکاسی به ایران اختصاص دارد» تاریخ بسیار کامل اوایل صنعت عکاسی در ایران و عکاسان معروف و مجموعه‌های مشهور را بیان و معرفی کرده است بوسه سدابوالقاسم کریمی اردی که «سخ سال در کار اصلاح عکسها و ردودن بر کنها و مرمت بار کنها و دفعهای هری دیگر حرف و ف کرده است» و بر رحه انگلسی مقدمه، که در مؤخره کتاب حاب سده است بر سودمندی آن می افراید و کار استفاده از کتاب را برای خواننده عبر فارسی زبان آسان می کند این مقدمه‌ها به خط حوسوس هنرمند افای عباس مسووفی الممالکی نگارس بافته اند و طبعاً سن جسم نوار و ار رسمند

گنجینه عکسهای ایران شامل ناصد و هجده عکس از دوره فاجار است و اکثر آنها نسخه‌های اصل است که گردآورده از افراد و منابع مختلف به دست آورده و نام و نشان همه را به دوت حوصله صسط کرده است و درباره هر يك سرحی مختصر بیر به فله آورده است. این تصاویر در دوارده فصل محرا دسته بندی سده اند (۱) نادساها (فاجار، ۲) دیوایان و درباریان، (۳) مستوفیان، (۴) ماراران دوره مسروطه، (۵) داسمندان، (۶) عسایر و طوایف، (۷)

صفت عکاسی بر روی کاغذ حساس در سال ۱۸۳۹ (۱۲۵۵ هـ ق) به وجود آمد و در سال ۱۸۴۱ نلاک سسبه برای عکاسی اختراع سد و یکی دو سال بعد به ایران رسید و به دربار راه یافت رول ریسار که در سال ۱۸۴۴ (۱۲۶۰ هـ ق) برای گردس به ایران آمد و با نایان عمر (۱۸۹۱/۱۳۰۹) در این کسور ماند، صن خاطرات خود (در مقالات کونا کون، بهران، ۱۳۲۲ س، صن ۱۱۳) بوسه است. «نجم دسامر به بوسط مادام عباس [همسر حاجی عباس گلزار که بعدا عکاس حرم شاه سدا سن ولعهد رسم با عکس او را در روی صفحه نقره سدارم. دودسگاه اسباب عکاسی در روی صفحات فلزی برای شاه آوردند یکی ملکه انگلسان هدیه فرساده بود و دیگری را امرا طور روس اما با آنکه سرح اعمال عکاسی در کتابچه‌های منقسمه فرساده سده است، با کنون احدی از فرنگی و ایرانی بواسه است اینها را به کار انداخته عکس بردارند و حون داسند که این کار از عهد من ساحه است، نه من رجوع نموده، اول مرا برای برداسن عکس ولعهد و حواهر ولعهد احضار نمودند»

نه این برست حبابکه اعتماد السلطنه در حای دیگر بوسه است «این فن که از سبب علوم طبیعی است در این عهد حاوند مهد رواج گرفت و اسرار یافت اگر چه، بویه آن در اواخر سلطنت شاهسناه مرحوم شاه غاری به دست مسو رسارحان سربست، معلم زبان فراسه و انگلسی و غیره ارانه سدا، اما اصل سناع و رواج و تکمیل صنعت و اسرار عمل عکس که فتو کراهی می نامند، از حصائص بررک این دولت است و اینك سماره اسانید عکاسن و مواقع عکاسحانه‌ها در دارالخلافه طهران و سایر بلاد معظمه ایران صعود و اسکالی (۱) نکمال دارد» (الماسر و الانار، نه کوسن ابرج افشار، بهران، اساطیر، ۱۳۶۲، صن ۱۳۰)

البه میان آنچه رسارحان عکس برداری نامیده و همان «داگره نوتب» بوده است، با عکاسی با فتو کراهی به معنای واقعی کلمه که در ۱۸۴۹ (۱۲۶۵ هـ ق) اختراع سده است، ناند فری نهاد و همس سوه دوم است که در عصر ناصر الدین شاه روق یافت و حنی به صورت یکی از سر کرمهای او درآمد و سن از آن به يك حرفه مردمی تبدیل سدا و امروزه یکی از رسته‌های هری عمده نه حساب می اند

بررسی تاریخ ورود صنعت عکاسی به ایران و تحولات بعدی آن از جهات بسیار ضروری و سودمند است و مهمتر از همه این است که برده از اسرار زندگی درباری و اسراف می دارد، سوه‌های زندگی مردم و مخصوصاً طبقه اسراف را که بسیار از دیگران با عکاسی اسنا سدید و سستر از دیگران با آن حو گر فنده سنان می دهد، سوه‌های سسب و بر حاسب و حوراک و

ریان، ۸) رندگی ایرانی، ۹) بخار و سسه‌وران، ۱۰) مدارس، ۱۱) عمارات و دروازه‌ها، ۱۲) عکاسان و سجع مهرهای آنان همه تصاویرها را توضیحات مختصر و مفید همراهند و حد فهرست در پایان کتاب آمده است.

اینکه بر مقدمه این مجموعه دیدنی و ماندنی می‌توان افزود این است که مقاله حاتم دونا استن «در تاریخ عکاسی ایران و معرفی قدیم‌ترین عکسهای مربوط به ایران» که در صفحات هشتاد و نه و هشتاد معرفی شده است، به وسیله آقای ابراهیم هاشمی، عکاس هنرمند و برکار خرمسهری به فارسی درآمده و همراه با توضیحات مفصل با عنوان «سراغار عکاسی در ایران (بهران، اسراراب استرک، ۱۳۶۸) حاتم و منسیر شده است»

حدیث درد و ویرانی آمریکای لاتین

ریبانه‌های ناز آمریکای لاتین، نوشته ادواردو گالنانو، ترجمه محمد حسینی عرب، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱، ۲۸۴ ص

به قسم نندیه‌های حفرافایی، فاره آمریکارا که سابقا ینگه دنیا با دیبای حدید نامیده می‌شد به سه بخش تقسیم می‌کند آمریکای شمالی (شامل کانادا و ایالات متحده)، آمریکای مرکزی (امسکل از مکزیک، گواتمالا، هائیتی، السالوادور، کوبا، جمهوری دومینیک، سکاراگوئه، کوساریکا، بلیز، پاناما) و آمریکای جنوبی (مستمل بر ورونلا، کلمبیا، اکوادور، پرو، بلی، اراستن، پاراگوئه، بولیوی، اوروگوئه، گویان و برزیل) مجموع دو بخش آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی را «آمریکای لاتین» می‌نامند زیرا که زبانهای رسمی و ملی آنها که برعکس (برزیل) و اسپانیایی (بقیه کشورهای) هستند، رسته لاس درید

مردم جهان از زمانهای بسیار دور به آمریکا رفت و آمد می‌کرده‌اند بی آنکه نامی خاص بر آنها نگذارند مردم آسیا ارا راه باب برنگ و اقیانوس آرام، نوریه‌ها از طریق شمال، آفریقایها با گذشتن از اقیانوس اطلس، و تاریخ سان می‌دهد که هرگز «مسأله» ای ندید آمده ناسد. «مسأله» از زمانی ندا شد که تریسلف کلمت و به دنبال او کاسفان اروپایی دیگر با به آن سررمس گذاشتند و کردند اینچه کردند

اطلاع ما فارسی‌زبانان درباره آن سررمس و حوادثی که در طی سح قرن بر آن گذشته بسیار باحیر است زیرا که آسانی ما با سررمین تازه است و عمدتاً از بعد از جنگ جهانی دوم آغاز می‌شود علت این امر این است که اولاً سیاست دولت ایران تادو سه دهه پیش بر نادیده گرفتن آن بخش از عالم- که کانون سورس به شمار می‌رفت- استوار بود و ثانیاً تقریباً همه کشورهای آن

بخش از کره رمن مسعمره و دست ساندۀ کشورهای قدرتمند آن زمان بودند و اتحاد ارتباط و تماس میان آن کشورها با دیگر کشورهای عالم دسوار بود در واقع آمریکا از همان لحظه که کشف گردید به صورت «امپراتوری وسیع سلطان» درآمد (ص ۱۳) و «تب طلا اروپائیان را فرا گرفت» (همان جا) «فانجان حریص به کمک سمسیر و بوت و بیماریهای مهلك- که از کاراترین منجذبان نیروهای مهاجم بودند- بیس می‌رفت» (ص ۱۸) «سل برت به اروپا روان شد» (ص ۲۲) «در واقع آمریکا برای اروپا به میرله يك معدن بزرگ بود» (ص ۲۳) بومان به عنوان «ملحدان و سانی که مسكوك به الحاد بودند» سوارنده می‌شدند (ص ۲۶) «دفاع راس کاتوليك نقابی بود برای جنگ با تاریخ» (همانجا) «کشورهای اروپا بواسطه عمدتاً با بهره‌حسین از عادت بومان آمریکا ناهای سرمایه‌داری جدید را بربرد استعمار منظم بومان، که ناچار به سکاری در معادن بودند، و بردگان سیاه، که بخار برده آنان را از افریقا می‌آوردند، جانگرس ناراح گنجه‌ها کردند» (ص ۳۰) و «این وضع همچنان ادامه دارد، چونکه حتی در حال حاضر هم کشورهای فقر و بخت اقتصاد حرة مکمل و لازم مراکز بروتتمد سرمایه‌داری اند» (ص ۳۱)، و البته این امر با حرص و وحش افریسی و نابودی بومان همراه بوده است (ص ۴۱) چنانکه «به هنگام ظهور فاجان، در امپراتوری آرته‌ها و اسکاها و ماناها روی هم رفته سن ۷۰ تا ۹۰ میلیون نفر رندگی می‌کردند اما يك قرن بعد این جمعیت به سه میلیون و ستم نفر تقلیل یافت» (ص ۴۲) و امروزه برسان به هیچ رسیده است در هیکامی که اسپانیاسها به حاك آمریکا گام نهادند حد معدن کهن در آنجا وجود داشت که فتح آمریکایسان آنها را ویران کرد (ص ۴۷) و بسیار بلانا و مصائب دیگر که اطلاع از آنها با خواندن کتاب فراهم می‌شود

درباره آمریکای لاس کتاب و مقاله بسیار به زبانهای مختلف نوشته شده است، اما مرتب کتاب حاضر بر دیگر نوشته‌ها در این است که نوشته آن اهل آمریکای لاس است و از بزرگ شاهد «فقر، افرایس فوق‌العاده جمعیت، سلطه سرکنهای حد ملی، سسواد، فقر فرهنگی و فکری و دیگر مظاهر دردآور و اندوهرای رندگی در آنجا» (مقدمه ناسر) بوده است، در واقع گراس اوروات حدیث درد است و حدان غمی و در عین حال افساگر است که اسرار آن در رادگاه مؤلف و حد کشور دیگر که بر سطره دیکتاتوری نظامی به سر می‌برد، ممنوع بوده است (همانجا). اما به دلیل همین صراحت در بیان مطالب و حفظ حایب انصاف و افساگری است که کتاب به محض انتشار از اصل اسپانیایی به زبانهای دیگر ترجمه شده و در دانشگاههای مهم جهان به صورت کتاب درسی در آمده است

بروچردی در بروچرد و هم بوده و نیز در سه دوره درس خارج اصول ایسان سرکت کرده و مورد توجه و عنایت وافر استاد خود بوده است

ناید بوحه داسب که این کتاب را، هرحد آراء ایه الله العظمی بروچردی- ره- در آن بیان سده است، نمی توان- به اصطلاح امروز- تقریرات درس ایسان داسب و هرچه در این کتاب هست نمی توان به ایسان بسب داد، مگر اینکه قول ایسان با عبارت صریح «سندیاالاسناد» نقل سده باشد

کتاب مقصدّر است به مقدمه ای مقصد با عباراتی سوا در ۵۰ صفحه به فلم محمدحواد غلوی که در آن دبل چهار عنوان به شرح زیر بحث سده است

(۱) المدرج الکاملی لعلم اصول الفقه عبدالسعه، که در دبل آن سرکدست علم اصول و دوره ها و خصوصیات هر دوره به احتمال بیان سده است

(۲) علی اغاث حناه سندیا البروچردی- فده-، که شرح حائل و انار علمی ایسان دبل این عنوان آمده است

(۳) المقرر فی سطور، که بر حمه و رندگسامه ایه الله بهاء الدین حتی بروچردی است

(۴) سن بدی الکتاب که در دبل آن کتاب معرفی سده است الحاسه از اندای علم اصول با اواسط بحث معادل و تراجم را در بردارد در بالای هر صفحه من کامل کفایه الاصول به تصحیح مؤسسه الالب (ع) آورده سده و از ص ۴۷۵ جلد دوم، اینجا که بوسه های مقرر با نان نافه، با ص ۵۰۹ طبعاً بها عبارات من کفایه الاصول درج سده است

مؤلف اشاره کرده (ص ۵۷ مقدمه) که ایه الله بروچردی کتاب را ملاحظه و آن را بناید فرموده بوده است

با انهمه، کتاب همه منایی و آراء ایه الله بروچردی را در بر ندارد به عنوان نمونه، در ۷۰ صفحه اول کتاب تنها دو بار کلمه «سندیاالاسناد» به کار رفته است در حالی که، با مراجعه به بهایه الاصول، منایی متعددی از ایسان می توان به دست آورد که از آنها در الحاسه یاد سده است در عوض، بهایه الاصول مباحث امارات و اصول عملیه را ندارد در حالی که الحاسه تقریباً یک دوره کامل اصول است

مصحح کتاب هرحد برای جمع اوری بوسه های «مقرر» (آیه الله حتی) و تحریر و تصحیح آنها و تعلیق بر آنها ریخ فراوان کسیده است، با نارسائی هایی در کار او به حسم می خورد ملاگاهی سانی آیات و روایات را نداده است (ح ۱، ص ۳۳، ۵۳۶، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۸۲) و گاهی عبارات مصحح به جای آنکه در بنوست بیاید در متن کتاب آمده است (ح ۱، ص ۵۴۰)

احمد عابدی

نشریه های نار آمریکائی لاس در دو بحس و نك بوسب (در باب تب طلا و نقره: روی کسب بیکر و چند محصول دیگر که سرانجام به «نك محصولی» شدن نسورهای مختلف منطقه و وابستگی هرچه سسر آنها احامد: اسخراج بی رونه منابع زیرزمینی، روی برده داری، رفاهی های کسورهای اسمارکر و بهره کس، ساحار کوبی ناراج، حاسه ای شدن ادمان، و داده های امارتی) بدوین سده است به تصویر نارنجی و اقتصادتی سسار دهقی از آمریکائی لاس- از قدیم با امروز- به دست می دهد و خواننده را از مراجعه به منابع دیگر بی نار می سارد بر حمه فارسی با دف احام کرفه است و اسماه در آن (میل رورونه دکاسره و نه حای حوره با حورونه دکاسره در صفحه ۲) سسار نادر است آنچه می توانست بر سودمندی ثابت بفراند وجود نك با چند نفسه از آن منطقه است نه امید می رود در حایهای بعد بر کتاب افزوده شود

ع روح بحسان

حاشیه ای دیگر بر «کفایه الاصول»

الحاشیه علی کفایه الاصول، بهاء الدین حتی بروچردی، با مقدمه محمدحواد غلوی طباطبائی و تصحیح و تعلیقات علامه رضا بروچردی، ۲ ح (فم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۲)، ۵۲۷، ۶۲۱ ص، وری

با کون در علم سربف اصول فقه کبانی به دف و نظم و سوانی بیان کفایه الاصول ایه الله اخوند محمدکاظم حراسانی- فدهس سره- تألیف سده است و به همن جهت امروزه این اثر محور همه درسهای خارج «اصول» قرار گرفته است و بر آن سرچها و حواسی ربادی بوسه اند و هر کبانی که سن از آن در آن علم بوسه سده متأثر از سیه و روس آن و بر تب و نظم مباحث آن است.

الحاسه علی کفایه الاصول از حدیدتر سن کبانی است که در این رمبه بوسه سده است بحس آن در آن است که منایی و آراء ایه الله العظمی حاح افاحسین طباطبائی بروچردی (۱۲۹۲ تا ۱۳۸۰)- رضوان الله علیه- در آن مطرح سده است ایسان از ساگردان بر حسه و مبرر حوره درس مرحوم اخوند بوده اند و با حضور ده ساله خود در درس صاحب کفایه به عمی آراء اسناد و فوف کامل یافته اند، مصافاً اینکه خود دارای مکتب حاصی در اصول و خصوصاً در فقه و رجال بودند و نظام حدید فقهی ایسان امروزه بهتر سن نمونه تلفی می سود.

مؤلف الحاسه علی کفایه الاصول، آیه الله بهاء الدین حتی بروچردی (۱۳۰۹ تا ۱۳۸۹)، از حواص ساگردان آیه الله

گداسند که برای نابلیان و دیگر ملت‌های اسیر نادس‌هاان آسوری و کلدانی به مراتب تحمل بدیرتر بود رهبار ایان با جماعت بعدی یهودی که به اسارت کلداسان درآمده بودند سنان دهنده قر و سکوه و تسامح آنان بود مؤلف تأکید کرده است که ایران در زمانی به تمدن سرفره دست یافته بود که بحس اعظم اروپای شمالی دوران مدوی حنکل سسی را می گذراند و بر ساسانها در اواخر عصر مفرع بودند، و هیچ دولت سارمان ناهیه‌ای نداسند و به صورت جماعات ابتدایی کوحك در دهکده‌ها می رسند و حتی در کار سفالگری سر از حرج بهره نمی گرفتند

کتاب به دو بحس «دوران ساسان» و «دوران اسلامی» تقسیم شده و هر بحس دارای پنج فصل است فصل اول با عنوان «راه ساسانه» دوران نادس‌های اسوریان (۸۳۴ تا ۷۰۰ ق م) را در بر می گیرد در این فصل به سوه حکومتی نادس‌هاان اسورو به سیمکری و دور خوبی آنان بر اقوام و ملل ربرد سسان اشاره شده است فصل دوم به عنوان «تسائس راه» است از سال ۷۰۰ تا ۳۳۰ ق م را شامل می شود در این فصل سقوط دولت سوا و ساسانگذاری حکومت هخامنسی شرح داده شده است در اسحار همچون مقدمه شات وصف سانس امری شده است از تمدن ایران در ده ران هخامنسی و قدرت حکومتی ساهان هخامنسی که با بر نامه ربری و بحس اداره امور و کراسنهای اساندوسانه نوأم بوده است فصل سوم با عنوان «سلطه یوان» از سال ۳۳۰ تا ۲۵۰ ق م را در بر می گیرد و در شرح فو حجاب اسکندر و استلاتی او بر ایران و مصر و سوریه و اسنای صغر است در این فصل به حاسسان اسکندر و سوه اداره مسعمرات یوان سن از او بر اشاره شده است فصل چهارم که عنوان «مضاف با رومان» را دارد و از سال ۲۵۰ ق م تا ۲۲۴ میلادی را در بر می گیرد، شرح ساسانگذاری سلسله اسکانیان و حکومت ۴۰۰ ساله نادس‌هاان ناری است در این فصل به سوه سورداری ساهان ناری و ررم اوری و سوار کاری سرداران ناری و شسهای کونا کون راجح در این دوره به صورت مختصر و مفید اشاره شده است فصل پنجم «مضاف با سراس (روم سرفی)» از ۲۲۴ تا ۶۵۱ ق م را در بر می گیرد در این فصل اشاره شده است که ظهور سلسله ساسانان در قرن سوم میلادی همزمان است با سکوفانی تمدنها و امپراتوریهای عظمی که از افانوس اطلس تا دریای بحس را در بر می گرفته اند

بحس دوم شات یعنی «دوران اسلامی» با فصل سشم «آمدن اسلام» آغاز می شود در این فصل ابتدا درباره ظهور اسلام و بعثت حضرت محمد (ص) شرحی آمده و سپس به حکومتهای خلفای بنی امیه و عباسان و حکومتهای محلی در ایران و بعضی از حکومتهای مستقل اشاره شده است در فصل هفتم با عنوان «نابارهای شمال» و عنوان فرعی «حمله به تمدن» از ناحب و تار

نظر اجمالی به

چند کتاب چاپ خارج

کلیات تاریخ ایران

Eileen Humphreys, *The Royal Road (A Popular History of Iran)* London, Scorpion Publishing Ltd 1991
xvi + 279p, illustrations, maps

ایلیان هامفریز، راه ساهی (تاریخ عمومی ایران)، لندن، انتشارات سکورسئون، ۱۹۹۱، نقشه، مقصوره، نابزده + ۲۷۹ صفحه

کتاب راه ساهی به واقع مرور کلی تاریخ ایران است از زمان مادها - سقوط سلسله بهلولی مؤلف بی اینکه ادعای انجام کاری - هسکراه و در حور محافل علمی را داسه ناسد امیدوار بوده است نه خواننده با مطالعه این کتاب به بحس سسر درباره وجود تمدن ایران برانگحه سود

نویسنده معتقد است که ایران در طول فرها هم هویت خود را به عنوان يك ملت حفظ کرده است و هم (با سال ۱۳۵۷) دریم سفسی را و سها دو کشور را از این لحاظ با ایران در حور مقاسه می دند بحس و مصر نویسنده از ایران دوران ساسان با سانس و یوان ید می کند و می گوید در قرن سشم سن از میلاد نادس‌هاان بر می بر فلمروی حکومت می کردند که از مصر با مرهای هندو سنانی صغیر با مر کر آسیا را در بر می گرفت معماران اصلی این مرانوری، یعنی کورس و داریوس، نظام حکومتی را سنان

قبایل بیابانگرد و وحشی مرکز آسیا به جهان متعین سخن به میان آمده است. نویسنده تأکید کرده است که در این یورسها بررگترس حسران بر کسورهای اسلامی وارد آمد، ولی ایران، که آماج مستقیم تاحب و تار معولان بود و مصیبت بارترین بلایا بر آن بارل شد، سر انجام توانست معولان را نر مفهور فرهنگ و تمدن خود کند و حناکه نویسنده هم گفته است این بحسین بار نمود که ایراسان بر فاتحان خود سرور می شنید. فصل هشتم که عنوان آن با عنوان کتاب همسان است و عنوان فرعی «جهان دگرگون سویده قرن سابردهم» را دارد شامل دوره ای از تاریخ ایران می شود که مضادف است با دوران رسانیس در اروپا و ایران که با این زمان یکتارحگی خود را در مقابل هجوم همه دسمنان از حاب سرق و عرب حفظ کرده بود، از سوی حلیح فارس بر نا حملۀ بر تعالها روبرو شد، ولی با به قدرت رسیدن ساه عباس صفوی وارد دوران طلایی اما کوتاه دولتی ملی و یکتارحه شد. فصل نهم «ار فروس وسطی نه دوران حدید» نام دارد و عنوان فرعی آن «عصر انقلابها و اصلاحات» است. نویسنده گفته است که در این دوره سلسله ای بر ایران حکومت می کرده که گرچه قدرت اداره امور را داسه، اما ساهان آن به اسنای اعامحمدجان همگی بی کفایت بوده اند. فصل دهم «بابان راه» نام دارد و تارمان سقوط سلسله بهلوی را در بر می گیرد. این فصل شرح باحکداری رضاساه، هدف وی برای مدرسه کردن ایران به سوۀ کسورهای اروپایی، اقدامات او در مورد تحصیل احساری برای دختران و سران، تأسیس دانسگاه تهران، کسف حجاب تحمیلی ریان و سریدن امور حقوی به دادگاههای مدنی و حلع ید امر اراع مذهبی است به عقده نویسنده بر خلاف تصور همگانی حکومت بر بنا بنا مل به سر بگون کردن رضاساه بوده، ولی خود رضاساه تحمل اسعال ایران را به دست فوای بیگانه نداسب و وفقی سسد که فوای روسه از فروس به سوی بهران می اسد، بها راهی را که براس مانده بود اسخاب کرد و به نفع سرس محمدرضا اسعفا داد البته داورهای نویسنده را در این مورد و در بعضی موارد دیگر باید در شمار خوش ناورهای او محسوب داسب و انها را حدان حدی نگرف

ار حمله مباحب دیگر این فصل شرح درگیری محمدرضاساه با دکتر محمد مصدق است. نویسنده مصدق را بخسب وربر هفتاد ساله ای می داند که «سحبص متلوی داسه و "سومنی" بوده که در سر خود مصاحبه های مطبوعاتی ترتب می داده و از روی ایوان خانه اس، ریر حامه به نا، سحرانیهای بر سور می کرده و در مقام ریاست حناح حب حنه ملی موفی سده با بهره گیری از احساسات صد خارحی که در آن زمان نارار گرمی داسب، محبوبیت کسب کند». نویسنده در حای دیگر می گوید «مصدق به

بحو کین تورانه ای با بهلویها دسمنی می وررید و این ساید به دلیل روانطی بود که با فاحاربان داسب. او در سال ۱۳۳۲ ساه را محبور کرد که مادر و حواهر دوفلوی خود را به تعدد بفرسند» نویسنده با انکه معترف است که با وجود او حگیری کسمکس میان ساه و مصدق و نلاس ساه برای برکناری مصدق، مصدق حاضر به کناره گیری سد و این ساه بود که از کسور گریح، اما معتقد است که در اسحا مصدق ریاده روی کرد و همس موجب شد که افکار عمومی علیه او برانگخته شود و مردم به حمایت از ساه به حبانها بررید. البته نویسنده به این مسئله بر اعتراف کرده که این به اصطلاح "مردم" حه کسان بودید «ساه با کمل سلطبت طلبان و حمایت بهاں سارمان "سا" طرف حد رور موفی سد برورمندانه به وطن نارگردد». با این حال نویسنده معتقد است که تا سال ۱۳۵۵ که کسور با نورم سدید دست به گریبان بود، با نسکل حرب رستاخرو گفته ها و اعترافات صریح ساه دیگر سکی باقی نمانده بود که ساه دکتاتور است بقیه این فصل شرح سر بگونی ساه از برک انقلاب اسلامی به رهبری امام حمنی (ره) و سرک همه اسسار ملت از فقر و غنی ورن و مرد و کو حک و بررگ در انقلاب است

کتاب دارای سوسهانی، ار حمله بیوستی با عنوان «حانگاه رن در حوامع اسلامی»، و کتاب سیاسی گریده و فهرست راهماسب اس بیوست که حجم آن به رحمت به دو صفحه می رسد از ربانی ستابرده ای است از وضعیت رن از اواخر دوره فاحار تارمان بهلوی و سس از آن در دوره جمهوری اسلامی که در آن سس سی سده است با "حادری سدن" رنان در ایران عنوان ایسان از این سس همسر وظیفه سناس و مادر فداکار خواهد بود کتاب سری روان دارد و برای حواننده ای که می خواهد اطلاعاتی کلی درباره تاریخ ایران کسب کند مناسب و مفید است، اما کاستیها و نقصهایی هم دارد. از رباییها و فصاوتهای مؤلف در مواردی ستانزده و نادرسب است و در مواردی تأکید و تفصیلهایی دارد که با ساحب کتاب نامتناسب است، ذکر مباحی درباره آسوریان، که تا حدودی به تفصیل است، و نیابردن هیچ مطلبی درباره ایلامیان، که دورانی بسیار طولانی در ایران حکومت کردند، از جمله این موارد است. اما از آنجا که این گونه کتابها

خواهد درباره حیاّم تحقیق کند و در رباعیات او اَصیل و صحیح را از بی‌اَصیل و سقیم یار سازد، بسیار دسوار خواهد بود. مؤلف کتاب حاضر با توجه به این مشکلات به گردآوری و بررسی آن دسته از اطلاعات درباره حیاّم پرداخته است که در کتب معبر مثل چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی و تاریخ نهی ابوالحسن علی نهی و انار و محسری که با حیاّم هم‌عصر بوده و با او مکانه داشته است، و حریده‌المعصر عمادالدین کاتب اصفهانی و مانند ایشان یافت می‌شود.

مؤلف همچنین توضیح علمی مسوطی درباره «رباعی» و بحر و وزن آن داده، و پس از آن تاریخچه اسبابی اروپائیان با حیاّم و رباعیات او را بیان کرده و سپس به مسئله اصالت بعضی از رباعیات و عدم اصالت برخی دیگر که تعداد آنها با ۱۲۰۰ رباعی می‌رسد پرداخته است. معرفی چند نسخه خطی قدیمی حاوی تعدادی از رباعیات که از سال ۱۳۲۸ به بعد پیدا شده است،

آخرین منجی است که در مقدمه آمده است. کتاب حاضر حاوی ترجمه ۶۳۷ رباعی به زبان فرانسوی است یعنی تقریباً نیمی از رباعیاتی که به حیاّم نسبت داده شده ترجمه رباعیاتی که در مجموعه‌های محمدعلی فروسی، صادق هدایت و آرنور ازبیری آمده و جمع آنها به ۳۴۰ رباعی می‌رسد، در ابتدای کتاب آمده است و نسخه رباعیها از حات حلال همایی برترفته شده که مجموعه دارای ۵۵۹ رباعی است.

من فارسی برخی از رباعیها (به خط نستعلیق) در حاتی حای کتاب ضبط شده است که موجب دلپذیری و چشم‌نوازی کتاب می‌شود. در پایان کتاب در فصل جداگانه‌ای به توضیح اصطلاحات مذکور در رباعیها و نیز توضیح برخی از عبارات و تعسرات حیاّم پرداخته شده است. کتاب در مجموع خوب و منفع‌حاجت شده است، اما مناسفانه فاقد کلاسبسی است.

چادرنشینی در شمال خراسان

Mohammad-Hossein Papoli-Yazdi, *Le nomadisme dans le nord du Khorassan (Iran)*, Paris-Tehran: Institut Français de Recherche en Iran (Ifri), 1991, 434 p., cartes, tableaux, illustr., bibliog.

محمدحسین پاپولی‌یزدی کوچ‌نشینی در شمال خراسان، پاریس-تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۷۰/۱۹۹۱ (پخش ۱۳۷۱)، ۴۳۴ ص. نقشه، جدول، تصویر، کتابشناسی

کوچ‌نشینی در شمال خراسان از معدود تحقیقات ارزنده‌ای است که احوال کوچ‌نشینان شمال خراسان را که به استثنای چند جانور-همگی کرد هستند، گماهو حقه‌ست و ضبط کرده است.

مرور بهیه و اسرار کتابهای عمومی غیرتحصیلی برای طیف وسیعی از خوانندگان پاسخ می‌دهد و از آنجا که ایران به عنوان یکی از بزرگترین تمدنهای قدیم و یکی از مهمترین کشورهای خاورمیانه همواره برای اروپاییها و امریکاییها مطرح بوده معتمد و حای ناسف است که مورخان ایرانی و اساتید رسته تاریخ در دانشگاههای مختلف کشور به این بیار مساله فارسی‌زبانان باغیا ناسد واقعاً حای چند نوع کلیات تاریخ ایران در زبان فارسی حای است. کلیاتی برای دانشجویان رسته تاریخ، کلیاتی برای دانشجویان رسته‌های متعدد دانشگاهها به طور اعم و کلیاتی برای علاقه‌مندان و طالبانی که می‌خواهند کانی موخر و روان و حه سخوان در این رسته مطالعه کنند و از تاریخ کشور خود آگاه شوند.

احمدحید علی موحانی

رباعیات خیام و پیروانش

Omar Khayyâm, *Robâ'iyât*, Présentation, traduction et notes par Hassan Rezvanian, Paris, Imprimerie Nationale, 1992, 200 p.

عمرحیاّم، رباعیات، معرفی، ترجمه و تعلیق به وسیله حسن رضوانیان، پاریس، چاپخانه ملی، ۱۹۹۲ (۱۳۷۱)، ۲۰۰ ص.

در تاریخ ادبیات جهان یکی که رباعیات و سراننده آنها حکیم عمرحیاّم دانسته است، امری استثنایی و تقریباً بی‌ظیر به شمار می‌آید. در واقع در سراسر جهان کمتر کبابی یافت می‌شود که هم‌گون رباعیات حیاّم هم موضوع تعریف واقع شده باشد و هم جذب. شاید علت این امر این است که علی‌رغم حس و حوها و حقیقات فراوان بروندگان ایرانی و خارجی، هنوز هم اصالت سعاری که از حیاّم است یا نه او سست داده می‌شود، مورد تردید است. زیرا که صرف نظر از اندکی اطلاعات پراکنده، هیچ آگاهی دقیق و مسعی درباره مردی که داسمید، منجم، حکیم و ساعر دسته شده است در دست نیست و آنچه هم که درباره او می‌دانیم در برده‌ای از افسانه نبوده شده است. بنابراین کار کسی که

به دفتر سرداس رسیده است

مردم راس از دیر باز ایران را می ساختند و با نام و فرهنگ
ان کماسن آسا بوده اند، اما رفت و آمد میان راس و ایران در
اوایل قرن گذشته هجری یعنی در اواخر عهد فاجار آغار سد و
ملا میرزا علی اصغر امین السلطان - که مدتی صدراعظم
ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه بود- در مرده اولی رحال ایرانی
است که به راس سفر کرده و از اینجا از راه دریای به ربارت حج رفته
است در عین حال آسانی مردم راس با ایران و زبان فارسی از
زمانی روبرو گرفت و کسریس یافت که آثار آسانی ایران در حد
دهه نین در موره سوسونی (تاسیس شده در سال ۷۵۶ م) به
تاسیس گذاشته شد و از آن پس توجه به ایران و فرهنگ آن
رو به رور افراس یافت با ندانجا که امروزه ایران سیاسی حای
عمده ای در بحقیقات داسمندان راسی یافته است و زبان فارسی
در حدس دانشگاه و مؤسسه تدریس می شود

در سالهای اخیر، در کتابخانه سرفی راس فعالیتهای وسیعی در
رمنه سیاسی و معرفی زبان و آثار فرهنگی غرب آسا انجام
گرفته و جایگاهی کسریده به ایران اختصاص یافته است به
کردآوری کتابهای حای فارسی و سرباب فارسی به دلیل ساده
تاریخی و اهمیت امروزی آن زبان- جایگاه در مقدمه این
فهرست آمده است- و بر کردآوری آثاری که به زبانهای مختلف
مخصوصاً راسی درباره ایران نوشته شده است (وما فهرست آ-
راسی مربوط به ایران را در شماره چهارم سال دوازدهم
سرداس معرفی کردیم) از آن جمله است

کتابخانه سرفی تاکنون چند فهرست از موجودی کتابهای
فارسی خود را (در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲) منتشر کرده است.
فهرست اخیر کاملترین آنهاست که کاری فی الواقع سرب-
است شامل موضوعات زیر کتاب، تاریخ، تذکره ها و برخی
احوال، جغرافیا و سفرنامه، هنر و صنعت، ادبیات و زبان، دین،
فلسفه، علوم اجتماعی، علوم خالص، سرباب ادواری (حمد
تالع بر ۲۲۰۰ عنوان کتاب و فهرست ۱۰۰ سرب) کوئیس سرب-
کتابخانه سرفی در امر کردآوری آثار مربوط به ایران -
فارسی در حور نقدیر است.

درنگویش مردان زن ستیز

بی بی خاتم استرآبادی. معایب الرجال، ویرایش و مقدمه از
نجم آبادی، شیکاگو، انتشارات «نگرش و نگارش زن»
۲۲۰+۲۹ صفحه (به انگلیسی).

جامعه ایران- و قطعاً جامعه جهان سرب- در طول تاریخ به
جامعه اسلام

عین است که کردها دفعاً در حه تاریخی به خراسان رفته اند دسوار
است، اما می توان گفت که قدمت آن حداقل به اوایل قرن چهارم
هجری می رسد زیرا که اصطخری (موفی در ۳۴۶ هـ ق) در
المسالک و الممالک به وجود کردها در سه نقطه خراسان اشاره
کرده است

تعداد کردها در خراسان در رورکاران محلی در کاهش و
افراس بوده است رفیم آنان را در دوره صفو به نزدیک ۵۰ هزار
خانووار و کل جمعیت را ۱۹۱۱ میلیون نفر ذکر کرده اند اما امروزه
آن همه خانوار و جمعیت (بر اساس آمار ۱۳۵۵) فقط ۱۱۲۸
خانوار شامل ۵۲۲۳ نفر باقی مانده است که در فلیم و وسیعی از
سرخس با تریس صحرا، یعنی در محدوده ای نزدیک به سجاه هزار
کیلومر مربع در حال تلالی و فسلای هستند آن ارقام با انداردی
سناکر دسوارنی «مندان» تار و دینی است که باید رعایت شود،
بو بره که در آن بحقی فقط به وضع موجود آسانی اکتفا شده
است و علاوه بر دشر سابقه تاریخی، خصوصیات افلمی و
جغرافیایی منطقه، امکانات دامروزی- که عمده ترین سعل
توخ سندان است-، روابط اجتماعی، سبوه های توح سینی،
عوامل حمل و نقل، فعالیتهای اقتصادی و مانند آنها به دفت و
تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است

فهرستهای مختلف منابع فارسی و فریکی و راهنمای آسانی
مذکور در نقشه ها و تصاویر و - موجب سودمندی هر حه سسر
کتاب است بها عینی که می توان بر آن کتاب سکن- که قطعاً
به صورت مرجع در حواهد آمد- گرفت آن است که اطلاعات
مدرج در آن به سال ۱۳۵۶ محدود می شود و به اصطلاح
«رورآمد» سست

سرداس آن کتاب به وسیله اصغر کریمی به فارسی در آمده
و با عنوان توح سینی در شمال خراسان به وسیله مؤسسه حات و
انستاراب آسان قدس رضوی (مسهد، ۱۳۷۱، ۶۳۸ ص) حات و
مسیر شده است

کارستری دیگری از ژان

فهرست کتابهای حای فارسی موجود در توپونیمیکو، توکسو، توپونیمیکو.
۱۹۹۱ (۱۳۷۰)، ۵۱۹، ۸۰ ص، رحلی

توپونیمیکو (Tovo Bonko) یعنی «کتابخانه سرفی» راس، که در
توکسو قرار دارد، به بها در امر تهیه و خرید کتابهای مربوط به
مسیری رمن و خاورمیانه اهتمام حدی دارد، بلکه برای انستار و
ارائه موجودی خود سرب فعالانه کوئیس می کند و سلا هر حد و ف
نک تار فهرست تازه ای از موجودی مجارن خود ارائه می دهد که

فهرست کتابهای حای فارسی از آن جمله تاریخی،
۱۰۱

نکیرن، برخلاف اعتقادات اسلام و سفارشیهای سامرا (ص) و
 سده (ع) به تنها تعدیل ساق که حدی تر و عمیق تر گردید علت
 سده این امر آن بوده است که سواد و تحصیل و علم تقریباً به
 خود در دست مردان بوده و زنان کمتر امکان اجراء
 پرداختن به اینها را یافته اند در واقع در آنجه که در فرهنگ ایران به
 سواد مربوط می شود فلم همیشه در دست دسمن بوده است از
 سلف و مورخ کلیل و دمنه گرفته تا فردوسی و نظامی و سعدی و تا
 امروز

اما کسبکس میان زن و مرد، که به جرگی این و سرکوبی آن
 حتمی، در دوره فاحار شکل و تربیت و انعام ناره یافت حاشیگاه
 سبانی حیوانه فاحار، نظام مردسالاری، گسرس دامنه دربار و
 بارزادگان، افراس بی حساب تعداد زنان حرمسرا، رفتار
 سنجار ساهان و ساهرادگان با همسران، رواج رف و آمد
 در میان به ایران و نفوذ ایشان به عنوان بر سبک و معلم و بدمنه به
 سواد، تداوم اختصاص سواد و تحصیل به مردان، بی کار ماندن
 سواد و عوامل دیگر از این قبیل اختلاف نظر میان زن و مرد
 سراسر داد و از فرهنگ سبانی تجاوز کرد و به مکتوبات راه
 رفت البته با آن زمان حاشیگاه اشاره شد، در مین فارسی حسیه و
 سبانی سبادهایی از زن مشاهده می شد و حتی گاه سبادهایی
 سواد می کردند اما کمتر کتاب مستقلی در این زمینه پرداخته شده
 سواد در اوایل عصر ناصر الدین شاه کنایی به نام نادی السوان در
 سبانی به حاشیگاه رسید که سراسر آن در سبادهای زنان بود این کتاب
 همان زمان به سبانهایی فراسوی و انگلیسی و روسی و ترکی
 حسیه و مسر شد و حسیه بانوان ایرانی را بر آنکسب یکی از
 سبانی به نام بی بی حاتم اسرانی که از طرف پدر به حواس
 سبانی و مادران و از طرف مادر به آخوند ملاکاطم محمید
 سبانی - که به سبانه روحه الصنائی ناصر و المامر والا نار
 سبانه سبانه و جامع کمالات طاهری و سبانی بود - می رسید،
 سبانه سبانی سبانی و حسیه به قول خود سبانی «این کسبه خود
 قابل نادی کردن رجال سبانه یعنی روس به آنان
 می رسیده لهدا حواب کتاب نادی السوان را کسبه و
 سبانی سبانی تا معانیان عیان بود، سبانی دست از
 سبانی سبانی بردارد و در بی نادی و تربیت خود برآید»
 (ص ۴۸) حسیه ملاحظه می شود مؤلف از معدود زنان آن روزگار
 سبانی به سواد سبانه و از حظ و ربطی برخوردار بوده است
 معانی الرجال دارای یک دیباچه است در سبانی به
 سبانه سبانی (ص ۴۹) و حسیه سبانی «در مدح اعلی حضرت
 سبانی گردون نارگاه» و «مدح حضرت اقدس اسراف ارفع
 سبانی والا مظفر الدین والدین» و حواب به نادی السوان
 سبانی حسیه از آن و سبانی آنها که در آن، نویسنده سبانی

کتاب را به سبانی مورد نکوهش قرار داده و از حسیه سبانی است
 «مصفی گفیه اگر مردی دست زن خود را بگردد و حواب در
 آتش اندارد، آن سبانی باید مطبوعه سبانی و حاشیگاه سبانی، اما
 و امساع سبانی به سبانی سبانی و دکا اگر کنایی بی سبانی
 حسیه می شد؟ تازه، سبانی سبانی، سبانی سبانی سبانی، زنان را
 سبانی گردیده، دور سبانی که یکی از آن سبانی سبانی.
 سبانی سبانی این نادان خود را سبانی سبانی، به اصطلاح
 سبانی سبانی، سبانی می داند و خود را مقلد سبانی
 سبانی می انگارد معلوم شد که سبانی سبانی و سبانی سبانی سبانی سبانی
 سبانی سبانی سبانی سبانی سبانی، مانند کتاب سبانی و سبانی
 سبانی سبانی، سبانی سبانی و کردارهای خود می سبانی سبانی
 آن النساء (سبانی)، حسیه لکم

و کلهم سبانی سبانی سبانی (ص ۵۶ و ۵۷)
 سبانی از آن حسیه کتاب سبانی سبانی که شامل چهار مجلس
 است در احوال مردان سبانی سبانی، کردار اهل سبانی، اهل حسیه و
 سبانی، و سبانی سبانی - سبانی و احامره و الواط که
 در ضمن آنها سبانی سبانی از رفتار و گفتار مردان به دست می دهد و
 سبانی از زنان دفاع می سبانی و سبانی سبانی که «تمام معانی از
 فقر و چهل سبانی و سبانی، و الا هر سبانی سبانی در حسیه فرق کند و
 سبانی از سبانی سبانی سبانی سبانی به این همه روده درازی
 سبانی (ص ۶۳) در واقع، نویسنده در حد درک و عقل خود،
 حساب مردان را کف سبانی سبانی است

از این کتاب چهار سبانی سبانی در ایران موجود بوده
 است (کتابخانه مجلس سورا، کتابخانه حافظ فرمانفرمانان،
 کتابخانه ملک و کتابخانه کلسان) و براساس برای تصحیح و حاشیگاه
 سبانی اردو سبانی اول و دوم استفاده کرده است سبانی کتاب در حدود
 ۵۰ صفحه است که براساس مقدمه ای در ۴۴ صفحه و سبانی و
 سبانی و فهرستی سبانی به ۱۰۰ صفحه بر آن افزوده است
 سبانی که برای سبانی و سبانی این کتاب و سبانی و فهرستی
 آن کسبه سبانی در حسیه سبانی، اما سبانی که و براساس در
 سبانی مقدمه و سبانی سبانی خود به کار برده است با انداره ای
 نامأنوس و سبانی می سبانی و سبانی آن انداع اصطلاحها و
 سبانی سبانی سبانی سبانی، یعنی سبانی، سبانی، یعنی سبانی
 سبانی با سبانی سبانی (۴) سبانی سبانی (۴) سبانی سبانی (۴) سبانی سبانی (۴)
 سبانی سبانی سبانی، یعنی سبانی و سبانی سبانی، سبانی سبانی
 یعنی سبانی سبانی سبانی و با احوال سبانی در سبانی سبانی سبانی
 کلامی (۴) سبانی (۴) سبانی سبانی (۴) سبانی سبانی (۴) سبانی سبانی (۴)
 سبانی سبانی سبانی سبانی سبانی سبانی سبانی سبانی سبانی سبانی
 همراه است و در سبانی با انداره ای سبانی سبانی است

آزاد بروجردی

کلیات

● فهرست، کتابشناسی

(۱) دل پسند مقدم، پروین فهرست مقالات مطبوعات پیرامون شعر در نخستین دهه انقلاب اسلامی ایران تهران سازمان مدارك فرهنگي انقلاب اسلامی ۱۳۷۱ نازده + ۳۴۱ ص ۲۰۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل مسجعات کتابشناسی ۱۹۷۸ مقاله از ۹۰ سريه ای است که از بهار ۱۳۵۸ تا بهار ۱۳۶۸ در ایران منتشر شده است تقسيم بندي موضوعی و تنظيم مدخلهای هر بخش وضع اسفندی دارد، و گاهی حتی فهرست راهنمای کتاب هم نمی تواند در یافتن بعضی مدخلها سودمند باشد (۲) طالی، فرامرر نام اوران ادبیات معاصر گیلان زمین تهران گروه همگام با کودکان و نوجوانان (و فرهنگان) ۱۳۷۱ ۲۰ ص ۲۵۰ ریال

فهرست حاضر شامل آثار آن دسته از شخصهای ادبی گیلان است که دارای تألیف یا تالیفات مسعلی بوده اند (۳) مولوی، فرشته کتابشناسی داستان کوتاه (ایران و جهان) تهران بیلوفر ۱۳۷۱ ۵۲۳ ص فهرست راهنما ۸۵۰۰ ریال

کتابشناسی حاضر شامل مسجعات کتابشناسی ۶۷۷۳ داستان کوتاه است که تاکنون در سريه های ادبی و کتابهای فارسی در ایران منتشر شده است بخش نخست کتابشناسی شامل مسجعات داستانهای ایرانی و خارجی است نه بر نام نویسنده آن نه بر سبب القابی فهرست شده است بخش دوم و بره فهرستهای راهنمای عنوان داستانها، نام مترجمان، نام نویسندگان فرنگی به لاتین، و عنوان داستانهای فرنگی به لاتین است توضیح آنکه مراد از داستان کوتاه در این کتابشناسی اناری است نه سمار صفحات آنها حداسر ما صد صفحه (حرف نظر از قطع محله یا کتابی که داستان در آن چاپ شده) است

● مجموعه ها

(۴) تقی راده، صدر ابنه کوشش | کتاب سخن مجموعه مقالات تهران علمی ۱۳۷۱ ۵۳۲ ص مصور ۳۸۰۰ ریال

جلد نخست این مجموعه در سال ۱۳۶۶ و جلد دوم در سال ۱۳۶۸ توسط همن ناصر مسسر سد این مجموعه شامل مقالات نویسندگان ایرانی و خارجی، شعر و داستان ایرانی و خارجی و نقد و بررسی شات است عنوان برخی از مطالب این مجلد: امی اورم «مرد دو هزار و ناصد ساله | درباره دکتر جالبی، عباس رزبات / «ار حواسی دیوان حافظ»، فتح الله محسنی / «درباره استخبرنامه نظامی کجوی»، عبدالحمس ررس کوب / «رمان و داستان در دهه ۱۳۶»، حسن عاندنی / «حالی حالی سلوح به العالی»، محمود حسینی راد / «سری تحول مطبوعات در ایران»، محمود نفسی / «برگوا»، احمد فصلی / «جرا ارا»، مصطفی مفری / «سک کتابشناسی ریاساسی»، محمدرضا ناطی، اسعاری از سمن بهیانی، فریدون مسیری، ه ۱ سانه، محمد حموی، سناء موح و داستانهای از فرجده افانی، مسرو روانی بور، اصغر الهی، اصغر عبدالهی، سهرار مندی بور، عباس معروفی، حولیو کورماراز، گراهام کری، کرس نالی، هانس بل

(۵) گادویس، جان دیبای معماها ترجمه فرام حبیبی اصفهانی تهران هرم بی تا ۲۲۲ ص مصور ۱۸۵۰ ریال

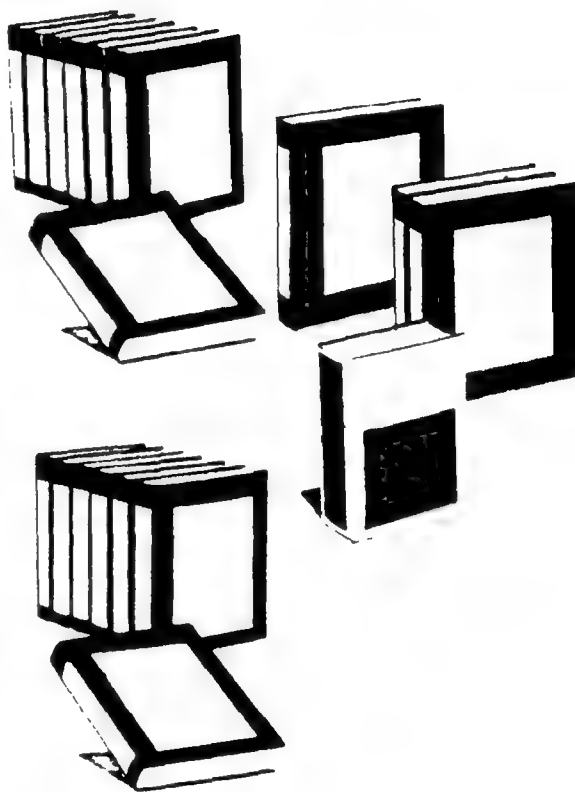
نویسنده در این کتاب به مسائلی پرداخته است که همواره به صورت معما مطرح بوده اند و هیچگاه حوات فاطع و روشنی نداشته اند معمای آدم برقی ها و ماحرای کاسارهاورر العالی از جمله مطالب کتاب است

● اسناد

(۶) نامه های امیرکبیر، به انضمام رساله نوادر الامیر تصحیح و تدوین سیدعلی ال داود تهران ستر تاریخ ایران ۱۳۷۱ ۴۱۰ ص فهرست راهنما ۳۵۰۰ ریال

کتاب حاضر مجموعه نامه های روزانه امیرکبیر به ناصرالدین شاه و دیگران است این نامه ها از نظر سناحت دستگاه صدارت امیرکبیر، روابط وی با شاه و با بزرگان و ساهرادگان و درباریان، و بر سناحت بعضی از حوادث سیاسی آن روزگار، خصوصاً فتنه سالار، مهم و مفید است بخش دیگری از کتاب بر سامل

کتابهای تازه



امید طیب راده

رساله نوادرالامیر، نوشته حاج سیح اسماعیل امیرمعری است این رساله منقسم حکایات و افسانه‌هایی است که برآمده از شخصیت امیر سن از فلس دید آمده است مصحح این رساله را بر اساس نسخه منحصر به فردی که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است تصحیح کرده توضیح دیگری که مصحح در بخش توضیحات کتاب به گزارش احوال و زندگی‌نامه مختصر بعضی افراد برداشته که نامشان در متن نامه‌های امیر آمده است

دین، عرفان و فلسفه

● اسلام

۷) ستایی، محمود پژوهشی در جلوه‌های هبری داستانهای قرآن ترجمه محمدحسین جعفرزاده مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۵۳۲ ص ۲۴۰۰ ریال

این کتاب به بررسی قرآن از جنبه هر داسان نویسی اختصاص دارد نویسنده اکثر داستانهای قرآن را از عهد هر داسان نویسی مورد بررسی قرآن به است و اصول و فنون داسان برداری را در آنها نشان داده است ۸) قرین، بهمن درباره قطع دست و عتده، بی‌جا ناشر مؤلف ۱۳۷۰ اتوریج ۱۷۱ ص ۶۰۰ ریال

۹) محمدی آشتیاردی، محمد ایرانیان مسلمان در صدر اسلام، و سیر سیر در ایران تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۱ ۲۸۵ ص ۱۵۰۰ ریال

۱۰) مددای اصفهانی، علی نشان اری‌شاهها تهران روار ۱۳۷۱ ۵۴۲ ص ۵۰۰۰ ریال

۱۱) مهدوی کی، محمدرضا نقطه‌های اعجاز در اخلاق علمی تهران نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۱ ۷۱۵ ص ۹۰۰ ریال

۱۲) واحدی ستانوری (و) حلال الدین سیوطی نشان برول آیات ترجمه محمدجعفر اسلامی تهران ناشر مترجم ایحش از حامی ۱۳۷۱ ج ۲ ۵۹۲ ص بهای دو جلد ۳۵۰۰ ریال

کتاب حاضر ترجمه دو کتاب اسباب البرول واحدی (موفی ۴۶۸ هـ) و کتاب لعمول سیوطی است

● فلسفه عرب

۱۳) کوربرهوی، دیوید حلقه انتقادی، ادبیات تاریخ و هرمنوتیک فلسفی تهران گیل (و) روشنگران ۱۳۷۱ ۳۶۸ ص ۳۰۰۰ ریال

کتاب حاضر به بررسی ماهیت و وضعیت بحث و جدلهای معاصر در باب فلسفه هرمنوتیکی از لحاظ تفسیر فنون ادبی و مباحث کلی معرفت‌شناسی معاصر اختصاص دارد محور اصلی کار نویسنده کتاب شرح موضوع هاس- سورگ کادامر، فیلسوف معاصر آلمانی است و دفاع انتقادی از آرای وی در برابر مسلمانان و مخالفان دیگر اینکه در این کتاب با بسازی از مفاهیم و مباحث جدید در نظریه نقد ادبی که در فنون فلسفی هرمنوتیکی کادامر بحث شده، یعنی نظرات کسانی چون یاکوبسون، ریفاور، دومن، اسانلی فیس و هردل بلوم- اسانلی سویم

۱۴) نصری، عبدالله سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب تهران دانشگاه علامه طباطبائی ۱۳۷۱ ج ۳ یا اضافات دوازده + ۵۱۹ ص ۳۸۰۰ ریال

نویسنده ابتدا درباره نظرات و آرای فیلسوف یا مکتب فلسفی خاصی به حضار توضیح داده است و سپس به معرفی و نقد و بررسی دیدگاههای آن مکتب درباره انسان نمونه پرداخته است ررنست، اوانیساندا، بودا، سفسوس، ارسطو، اپیکور، رواقیون، افلوطین، ابن عربی، مولوی، بیجه، مارتین، کی‌یر که گور و ران بل سارتر از جمله مدحلهای این کتاب است

سیاست

۱۵) حاری، جلیل اتحاد شوروی از ظهور تا فروپاشی تهران نشر زامین ۱۳۷۱ ۲۲۴ ص مصور ۱۵۰۰ ریال

۱۶) شیخ نوری، محمدامیر پژوهشی درباره بهتشیهای رهایی بخش تهران فکر رور ۱۳۷۱ ۳۵۲ ص نقشه، جدول ۲۳۵۰ ریال این کتاب به بررسی حسشیهای رهایی بخش در آفریقا، آمریکای لاین و فلسطین پرداخته است

۱۷) لاول، جان چالشهای سیاست خارجی آمریکا ترجمه حسن بورانی بیدخت نا مقدمه محمود سریع القلم تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (و) سمیر ۱۳۷۱ ۴۰۱ ص ۲۳۵۰ ریال

۱۸) [مدرسی، سید محمدتقی] استراتژی انقلاب اسلامی ایت‌الله سید محمدتقی مدرسی ترجمه محمدصادق پارسا بی‌جا انتشارات مدرسی ۱۳۷۱ ۳۱۹ ص ۱۲۰۰ ریال

مجموعه ۲۶ سخنرانی است که در ایام مادرمضان با عنوان «استراتژی اصلاح در امت محمد (ص)» از منبای جمهوری اسلامی ایران محسن سد کتاب حاضر به زبان عربی، با عنوان العرب الاسلامی در لندن، مصر و ایران منتشر شده و ترجمه حاضر بحسن ترجمه فارسی آن است

۱۹) شاه‌روی نا تصکیهای بدون فشنگ، مباحثه کیهان هوایی و «عمو سن الملل» درباره عملکرد آرماتمان تهران کیهان هوایی بی‌جا اتوریج ۱۳۷۱ ۸۴ ص ۹۰۰ ریال

سامل متن شامل نامه رنکار دناک (در ۵ صفحه)، رنسن درباره مطوعات و اسرار سازمان عمو سن الملل، به سردر سر نه کیهان هوایی، و بر ماسح کیهان هوایی به آن نامه (در ۷ صفحه) می‌باشد متن هر ده نامه به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی در کتاب آمده است طاهرا نامه سازمان عمو سن الملل سومین نامه آن سازمان به کیهان فرهنگی است که در سال ۱۳۶۶ در ماسح به مقاله‌ای که در تاریخ ۱۸/۱۲/۶۶ در کیهان فرهنگی، نشر شده بود نگاشته شده است

۲۰) وود وارد، باب فرماندهان ترجمه فریدون دولشاهی تهران اطلاعات ۱۳۷۱ ۲۴۳ ص ۹۵۰ ریال

کتاب حاضر بر نامه مضاحه‌های نویسنده آن با افرادی که مسقیماً در تصمیم‌گیریهای مربوط به اعازحک حلیج فارس (در ۲۶ دی ۱۳۶۹) شرکت داشته‌اند نگاشته شده است نویسنده این کتاب یکی از دو رورنامه‌نگار مسهوری است که ماحرائ «واریگت» را در کتاب مقام مردان، سن جمهوری فارس کرد

۲۱) گاربوروسکی، مارک ج به ست خارجی آمریکا و شاه، ایجاد ناک حکومت سلطه‌پذیر در ایران ترجمه حمشد ریگه نا مقدمه توضیحی غلامرضا نجاتی تهران مؤسسه خدمات فرهنگی رسا ۱۳۷۱ ۴۷۲ ص جدول فهرست راهما ۳۵۰۰ ریال

مؤلف در این کتاب سناست‌گذارهای سیاسی- اقتصادی، دگرگوهای آنها را در دوره حکومت بهلوی بررسی می‌کند، با اسناد به اسناد و مدارکی از ارسو وزارت خارجه آمریکا و موسسات دولتی دیگر، سوه تولید در ایران و روند دموتراسی و فعالتهای احزاب و گروههای مخالف و الاخره رمنه روی کار آمدن و سقوط دکتور مقیدی و ادامه آن با رور انقلاب را بی‌گیری می‌کند ۲۲) هاتف، محمود روابط ایران و عراق تهران بازنگ ۱۳۷۱ ۱۹۲ ص ۱۸۰۰ ریال

مؤلف کوسیده است سانه اخلاقات ایران و عمامی و سپس ایران و عراق و بر حشهای حقوقی اس اخلاقات را، خصوصاً در رمنه اروندرود، بررسی کند

جامعه‌شناسی

۲۳) اصیل، حجت‌الله ارماشهر، در اندیشه ایرانی تهران نشر بی ۱۳۷۱ ۱۵۹ ص فهرست راهما

مؤلف کوسیده است اندسه ارماشهر در ایران را در طی تاریخ این سرزمین و در فلروهای گوناگون اندسه بررسی کند به اعماذ وی بحث درباره ارماشهر بحسی از تاریخ اندسه است و از همین رو بر مطالعه آن ضروری است

مالکیت و در سازمانها و سبک‌های کتابخوانی و ابزار اعمال قدرت را کشف کند.

(۳۴) مورگان، لوئیس هری، *جامعه‌شناسان ترجمه محسن بلاتی تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) ۱۳۷۱ ۸۱۱ ص* جدول ۴۰۰۰ رنال

کتاب حاضر از آثار تئوریکال و جامعه‌شناسی و از مباحث عمده تاریخ جامعه‌شناسی است. با این‌که به برخی از جامعه‌شناسان این کتاب را، که بحسب کتاب در سال ۱۸۷۷ م. منتشر شده است، مبتنی بر اکتشافات در کتاب خانواده مالکیت خصوصی و دولت می‌داند به استفاده از کتاب‌های اصلی سری در بخش نهاد شرفه است. در بریتانیا تحول یافته و در بعد به بلوغ رسیده است. وی در این کتاب خطوط عمده سودای را به انسان به شک آن خود را از راه اختراعات بی‌دری سودهای بهر بولد از بخش به بریت. سرانجام به بعد فرا گشته است شرح می‌دهد ترجمه حاضر از روی کتاب ویرایش شده آن در سال ۱۹۶۳ صورت گرفته است.

روان‌شناسی و آموزش و پرورش

(۳۵) بوران، بونی بهرس نحوه استفاده از فکر ترجمه عبدالله مصطفی تهران انس ۱۳۷۱ ۱۵۰ ص مقصور ۱۰۵۰ رنال

(۳۶) بوسکالیا، لئو سترنی همرا با شادی و عشق، انو بوس شماره ۹ به مقصد بهر ترجمه ناهید ایران براد تهران روشنگران ۱۳۷۱ ۳۴۰ ص ۱۷۵۰ رنال

(۳۷) جیمز بک، هریوت (و) سیلونا اوپر رمد عقلا می‌کودک اردن‌کاه، سازه ترجمه فریدون حقیقی (و) فریده سرفقی ویراسته نفی براهی (و) ابرج جهان‌شاهی تهران فاطمی ۱۳۷۱ ۳۶۸ ص مقصور جدول سودار واره‌نامه ۳۰۰۰ رنال

این کتاب حاضر می‌توان به عنوان آشنایی بسیار، روش و ذهنی برای بی‌پردگی به افکار و آراء ساده استفاده کرد مؤلفان در این کتاب به سبک‌های تاریخی ساده و نو به بحث به و تحلیل فضا بنا به بردارنده به سبک‌های تاریخی و دوره‌های تاریخی، احوال سبک علاوه بر این مؤلفان کتاب به سبک‌های عصر آریایی تا به موضوع وی است. به آشنایی معاصر جهان برای خواننده به سبک‌های دیگر کتاب به سبک‌های معاصر برای به نام از نظر به‌های بنا به است به خواننده را در دل بهر مسائل اجتماعی به می‌رساند.

(۳۸) دلاکاو، کارل سمحس و در زمان دسوارهای گفتاری و خواندن ترجمه سماح ررس فله تهران سرینات «ما» ۱۳۷۱ ۲۸۸ ص ۲۰۰۰ رنال

(۳۹) ساس، بومان اس کناه دوه ترجمه حسن بیر تهران ساس مترجم ۱۳۷۰ ۱۵۰ ص رنال

(۴۰) هرگهان، سی از مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری ترجمه علی‌اکبر سیف ح ۱ تهران فرهنگ معاصر ۱۳۷۱ ۱۳۷ ص مقصور ۳۲۵۰ رنال

معرفی و معرفت یادگیری، معرفی نظریه یادگیری در چهارچوب محور تاریخی آن معرفی به روش‌های مهم نظریه‌های اصلی یادگیری، بررسی برخی روابط بین نظریه‌های یادگیری و معانی آموزشی از جمله مطالب است.

(۴۱) ربیعی، فرانیه راهمای اولیا، دیکته سب برای دانش‌آموزان کلاس اول دستار تهران ستیری ۱۳۷۱ ۴۷ ص ۴۵۰ رنال

حقوق و قوانین

(۴۲) سودرمن، هاری (و) جان اوگال بلیس علمی، کشف علمی حرا به ترجمه نجی اصحارزاده تهران روار ۱۳۷۱ ح ۲، سبک‌ده ۵۴۸+ ص ۴۲۰۰ رنال

(۲۴) پرسا، رولان جمعیت‌شناسی آماری ترجمه محمد سید میرابی مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۱۸۴ ص جدول نمودار ۱۲۵۰ رنال «آمارهای جمعیت‌شناسی»، «توزیع جمعیت بر حسب جنس و سن»، «بحر به و تحلیل ساحتهای جمعیت»، «مرکز و مرکز»، «جدول مرکز و مرکز»، «ولادت»، «مطالعه دیگر بدیده‌های جمعیتی»، عم این فصلهایی از کتاب است.

(۲۵) پژوهشنامه زبان و خانواده تهران کمیسیون ملی یونسکو در ایران ۱۳۷۱ ۱۵۲ ص نامه موضوعی ۱۲۰۰ رنال هدف از این مجموعه معرفی به روش‌های مربوط به زبان و خانواده در ایران است. این کتاب ۱۳۷ فصل است. در این کتاب ۱۲۸ طرح پژوهشی و اجرایی و ۳۳۶ ناآشنا به نام، نا، سیاسی، نا، سیاسی ارسده و تشریح در مورد زبان معرفی شده است.

(۲۶) جراط ربردست، اسفندیار (و) بروس معزالدین اگرود تهیه کننده سنجش توسعه صنعتی مناطق کشور سربست گروه مصورمعی تهران مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران- بخش مطالعات اقتصادی ۱۳۷۰ (توزیع ۱۷۱ شش + ۷۴ ص جدول نمودار ۸۰۰ رنال در این پژوهش مناطق فعال و غیر فعال کشور، از دیدگاه صنعت، با توجه به محاسبات آماری معرفی شده است. با این کتاب، طرجهای ملی، منطقه‌ای به تری سود.

(۲۷) راهمای مددکاران اجتماعی ترجمه عرب‌الله سام آرام (و) علی پروانه تهران رسد ۱۳۷۱ ۱۲۲ ص ۱۲۵۰ رنال کتاب حاضر، که از استازات انجمن ملی تربست مددکاران اجتماعی در انگلستان است، حاوی بحثهای نظری و مطالب تاریخی و مبتنی بر دانش است.

(۲۸) درر، سرحان نایر ترجمه فروزان خراسی مشهد سکا ۱۳۷۰ (توزیع ۱۷۱ ۱۲۹ ص نسخه جدول ۹۰۰ رنال

«کشورهای صنعتی»، «فقر»، «آنا سنجی»، «توزیع باره‌ای از بهر بهر، است»، «عم این فصلهای کتاب است این کتاب مجموعه «جه می‌داند» است.

(۲۹) سائگان، داریوش اسناد برابری تهران باغ اسنه ۱۳۷۱ ح ۲ ۳۰۰ ص ۲۹۵۰ رنال

کتاب حاضر شامل ده بخش است با عنوان «سبک‌شناسی» نام ایران بهر بهر تاریخی معندهای اجتماعی»، «موقف معندهای اجتماعی در برابر سبک‌شناسی» بهر بهر»، «کتاب بهر است این کتاب در سال ۱۳۵۶ (تهران، امیر سبک- بهر بهر ایرانی مطالعه فرهنگها) بوده است.

(۳۰) صادقی، محمدرضا بهانه اجتماعی اخلاق تهران اساره ۱۳۷۱ ۲۳۸ ص ۱۵۰۰ رنال

(۳۱) عثمان، محمد طیب راهمای گردآوری سبکهای شفاهی ترجمه عطاءالله رهبر تهران اناها (و) سازمان میراث فرهنگی کشور ۱۳۷۱ ۱۴۳ ص ۱۴۰۰ رنال

یونسفده کتاب یونسفده است جمع بردآوری سبکهای شفاهی مازانی بهر بهر مطالعه و گردآوری این سبکها را هم امیر سبک دهد منظور از سبکهای شفاهی سبکهای از فرهنگ است که سبکها از سبکی به سبک دیگر منتقل می‌شود و مداوم می‌باشد.

(۳۲) کلسو، فورسو حداد امریکا، تحقیقی پیرامون دس و سبکها در ایالات متحده ترجمه محمد تقایی (ماکان) تهران حکمت ۱۳۷۱ ۲۸۴ ص واژه‌نامه فهرست راهمای ۲۵۰۰ رنال

در این کتاب رابطه میان دس و سبک در امریکا بررسی شده و حقوق مدنی از دیدگاه مذهب مطالعه شده است. یونسفده کتاب جامعه‌شناسی و سبکها در ویرامه معروف آلمان La Stampa است.

(۳۳) گالراب، جان کتب انانومی قدرت ترجمه محبوبه مهاجر تهران سروش ۱۳۷۱ ۱۸۲ ص فهرست راهمای ۹۹۰ رنال یونسفده کتاب از مباحث طراوم علوم اجتماعی است. وی در این کتاب به عوامل رفتاری قدرت پرداخته و یونسفده است مدیج قدرت را در سبکها.

کتاب حاضر تاکنون به حدیث زبان ترجمه شده است و به عنوان کتاب «همای نلیس جهانی در بسیاری از دانشگاه‌های نلیس جهان تدریس می‌شود» (۴۳) عبادی، شیرین حقوق حرفه و فن، حقوق معماری تهران روشنگران ۱۳۷۱ ۳۷۴ ص ۳۵۰۰ ریال

کتاب حاضر سومین جلد از مجموعه «حقوق حرفه و فن» است نه برای مدرس در رشته‌های مختلف شهرسازی، معماری، راه و ساختمان و تأسیسات و مری نظم شده است «نیمانی‌کاری»، «نیمه احباری کارگران ساختمانی»، «مناجبت»، «حق انفاع»، «حق ارفاق»، «دوار فاضل»، «مقاوم‌سازی ساختمان در برابر زلزله»، «صوابط و مقررات معماری برای عبور و مرور معلولین» و «مهندسن مساور» عنوان فصلهایی از کتاب است

(۴۴) مجموعه قوانین و مقررات مربوط به وزارت کشور تهیه و تنظیم ر موجهر یوردی تهران حوره معاونت سیاسی و اجتماعی دفتر استخبارات وزارت کشور ۱۳۷۰ [توریع ۱۷۱] ۸۵۱ ص فهرست راهما

بر این مجموعه کله قوانین، آیین نامه‌ها، تصویب نامه‌ها و اساسنامه‌هایی که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان سال ۱۳۶۹ در شورای انقلاب، مجلس شورای اسلامی و هیئت وزیران به تصویب رسیده است و به وزارت کشور و سازمانهای تابع آن مربوط می‌شود نکجا در دسترس قرار دارد تنظیم و پس و مقررات این مجموعه به ترتیب تاریخ تصویب آنهاست نه این ترتیب که ابتدا کله قوانین و سپس آیین نامه‌ها و در پایان تصویب نامه‌ها، اساسنامه‌ها و تصویب نامه‌ها تصویب آنها آمده است

زبان و زبانشناسی

(۴۵) بحفی، ابوالحسن مانی زبان‌شناسی، و کاربرد آن در زبان رسمی تهران سلور ۱۳۷۱ ج ۲ ۱۷۱ ص فهرست راهما ۱۷۰۰ ریال

کتاب حاضر ضمن شرح کله مفاهیم و مباحث اساسی زبان‌شناسی امروزی به بیان ساده و روشنی به کاربرد آن اصول در زبان فارسی می‌پردازد مولف در این کتاب به بررسی اصول زبان‌شناسی که مودصول اثر مذکور است توجه داشته است در پایان کتاب بررسیهای متعددی آمده است که خوانندگان را در بهر مطالب کتاب یاری می‌رساند توضیح اینکه مولف پاسخ این بررسیها را در اجمار کداسه است کتاب بحفی این کتاب در سال ۱۳۵۸ توسط ان دانشگاه آزاد ایران) منتشر شد و کتاب حاضر با بعضی اصلاحات و تصحیحات منتشر شده است

علوم

(۴۶) نالکاسکی، ام (و) س سن موج و پدیده‌های اربعانی ترجمه تنیا ظاهری (و) هوسنگ پاکراد تهران فاطمی ۱۳۷۱ ج ۳ ۴۰۴ ص مصور ۳۰۰۰ ریال

(۴۷) سمدی، مهرداد فرهنگ احترتسانی ویراسته سیاوش صلح‌جو تهران کمانگیر ۱۳۷۱ س + ۲۸۶ ص مصور وازدنامه ۲۸۰۰ ریال

فرهنگ حاضر بر اساس حروف زبان فارسی تنظیم شده است و هر خطی علاوه بر معادل انگلیسی، دارای شرح مختصری بر حسب ضبط معادل یا معادلهای رایج اروپائی هر اصطلاح از دیگر ویرانهای این فرهنگ است

(۴۸) مارکس، ریگفرید (و) ویرهاو انتابیی با رصدخانه‌های دنیا ترجمه ملک عبدالی مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۲۲۳ ص مصور غشه فهرست راهما ۲۱۰۰ ریال

در این کتاب ۴۰ رصدخانه‌ای که نقش مهمی در تحقیقات ساره‌ساختی در سراسر دنیا داشته‌اند معرفی شده است

(۴۹) بردگردی، امیرحسین حواصل و نوتیمار به کوشش اصغر دادنه تهران دانشگاه تهران ۱۳۷۱ د + چهل و دو + ۵۱۲ ص مصور اندون صفحه‌شمار ۳۰۰۰ ریال

در این کتاب حواصل که گونه‌ای از بردگان حابواده مرغ سفایلیکان

است، و نوتیمار که برنده‌ای از راسته لك لك سانیان و از حابواده نوتیمار می‌باشد به تفصیل معرفی شده است حواسی بحسهای مختلف کتاب شش از متر کتاب است بها تصحیحات و استذراکات و اصافات و فهرس و مراجع آن ۱۸۴ صفحه می‌باشد بحسهای از کتاب نیز به بررسی حواصل و نوتیمار در ادب فارسی اختصاص دارد

(۵۰) نوشین، علی‌اکبر شاحب و کاربرد انواع انرژی، پیشنهادی نو برای تأمین انرژی اسانها تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۱ ۳۹۰ ص جدول نمودار ۲۸۰ ریال

(۵۱) یعقوبی فر، محمد حل‌گرفته‌ای از معادلات دیفرانسیل معمولی از کتاب سیمور با مقدمه‌ای از حیدر دانشمند تهران رایون ۱۳۷۱ ۱۱۶ ص ۱۲۰۰ ریال

نرسکی و بهداشت

(۵۲) حبیبی‌تهرابی، سید مهدی اگر داورنده عدسی و سمانهای ان؛ مجموعه مقالات ارائه شده در ششمین سمینار سالیانه چشم پزشکی بیمارستان فارابی زیر نظر اکبر حدادخواه [تهران] دفتر علمی شرکت بحش البرر ۱۳۷۱ ۲۰۵ ص ۱۲۰۰ ریال

(۵۳) عربی، فریدون روشهای نادگیری و تحقیق در علوم پزشکی ان تهران نشر جوان ۱۳۷۱ ۲۲۲ ص ۳۵۰۰ ریال

(۵۴) موزلی، دیوید (و) هرمون لاول نام من امروز است، بحثی برامون سلامت کودک، احصاع و فقر در کشورهای کمتر توسعه یافته ترجمه سعید پارسی با تهران اطلاعات ۱۳۷۱ ۲۷۹ ص مصور نمودار ۱۳۰۰ ریال

کتاب حاضر مفاسه‌ای است بی وسعت، بهداسی، نود ثان و کشورهای در حال توسعه «خوب» و «سو» های توسعه یافته «سمال». مطالب کتاب با تصویر و باخا، و نمودار بیان داده شده است

کشاورزی

(۵۵) نامپ کیر، پسر (و) کرسفور برد گیاه، کودک دانشمند ترجمه ج کلرور تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۱ ۲۷۲ ص ۲۹۰۰ ریال

نویسنده به ایات این کله برداچه است نه کلاه موجودی بی احساس و بی حرکت و نا تعدی نیست، بلکه دارای شعور و احساس و توان است و فاع و غلامند به ارتباط با موجودات کوناکن منجمله اسان است بحفی از کتاب نیز به حکونکی اتحاد حسن ارتباطی با کلاه احصااص دارد

(۵۶) بریکار، ژان (و) پل پلسیه مسائل توسعه روستایی، چشم‌اندازها، فضاهای روستایی و نظامهای دراعی معرف- آفرینای سیاه- ملابری (مجموعه مقالات) ترجمه ابوالحسن سرفود مقدم مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۵۲۲ ص ۳۵۰۰ ریال

(۵۷) گوللو، هاری کتاب فسی برای دسسانی به اب ترجمه ابوالحسن سرفود مقدم (و) محمدحسین بابلی پردی مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۳۷۲ ص مصور ۲۲۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب اهمیت فاب و نفس ایرانیان و تمدن اسلامی را در کسرس این بیان داده است و نه سنده است حکونکی کشف فاب و سر حکم کنی حفر ان را شرح دهد

فن و صنعت

(۵۸) اقا نانی، غلامعلی ابرحما رعایت اصول ایمنی در معادن روناو تهران مجتمع سگ آهن گل گهر ۱۳۷۱ ۱۶۰ ص مصور ۷۵۰ ریال

(۵۹) تو معماری را ترسیم می‌کنی ولی من ان را می‌سازم، مجموعه مقاله‌های معماری و شهرسازی ویراسته حمید حادمی تهران نشر سمر ۱۳۷۱ ۳۵۰ ص مصور ۳۵۰۰ ریال

۶۰. کرمی، محمدحسین. *زلزله و ساختمان تهران* بی‌نا چاپخانه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی | ۱۳۷۱ ۸۶ ص مصور جدول ۱۰۰۰ ریال

هنر و معماری

● کلیات

۶۱. احمدی، بابک. *از شاهانه‌های تصویری به سوی شاهانه‌شناسی ارتباط دیداری* تألیف تهران نشر مرکز | ۱۳۷۱ ۳۲۷ ص فهرست راهما ۳۱۰۰ ریال

موسوع کتاب حاضر بحث دربارهٔ صاحب دلالت سانه‌های دیداری، و سانه‌شناسی ارتباط دیداری است. صاحب این کتاب محدود است به سه رسته عکاسی، عکاسی و سیمای

● سیمای

۶۲. فوکاسیان، راون. *ابه کوشش | دربارهٔ مسافران، ساخته بهرام نصیانی* تهران روشنگران | ۱۳۷۱ ۱۹۱ ص مصور ۲۰۰۰ ریال

مسافران هفتمین فیلم بلند سیمانی بهرام نصیانی است که کار آن در سال ۱۳۷۱ به پایان رسید. کتاب حاضر شامل مقالاتی از نویسندگان گوناگون دربارهٔ این اثر و نیز مصاحبه‌ای با نصیانی (در ۸۰ صفحه) دربارهٔ این فیلم است. «مسافران، گسایش بداحل»، محمد ارحمد / رازهای «اسطوره» در «مسافران»، راله امورگار / «حضور و غیبت»، عبدالعلی عطیمی / «تررسی عطیمی» مسافران - هایدو، دن و نایر بو - «علیرضا بوانا / «مسافران از دیدگاهی دیگر»، سهیلا نجم، عنوان مقالات کتاب است.

۶۳. فیلدینگ، رموند. *تکنیک فیلمبرداری جلوه‌های ویژه* ترجمه حمیداحمد لاری تهران سروش | ۱۳۷۰ [تورج ۱۷۱] ۵۲۷ ص مصور جدول ۳۲۰۰ ریال

«تکنیکهای موجود»، «دوربین، احراء و تجهیزات آن»، «نمای سیمای»، «نمای آینه‌ای»، «حالت دولانه محاور عکاسی»، «حالت استیکی»، «نمای محرک»، «حالت تصویر محاری»، «نمایش سیمای از سب»، «نمایش سیمای از جلو»، «ماکت»، «سیمایهای الکتریک و کامپوزی»، عنوان فصلهای کتاب است.

● عکاسی

۶۴. شارف، اروین. *هنر عکاسی ترجمه حسن راهدی ویراسته قاسم روبین* تهران انجمن سیمای جوان ایران | ۱۳۷۱ ۳۴۹ ص مصور ۳۰۰۰ ریال

مؤلف در این کتاب تاریخ عکاسی در انگلستان و فرانسه را در سواد تاریخ سایر هنرهای تصویری شرح می‌دهد.

۶۵. کسرانیان، نصرالله. *اصفهان با مقدمه احمد میرعلایی* تهران نشر باشران | ۱۳۷۱ ۱۶۰ ص مصور ۲۵۰۰۰ ریال

● رادیو

۶۶. برحوردار، ایرج. *تهیه‌کنندگی برای رادیو* تهران صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران | ۱۳۷۱ ۱۸۰ ص مصور ۱۵۰۰ ریال

کتابی است موزر شامل اطلاعات مختلف در زمینه مسائل مربوط به تهیه‌کنندگان برنامه‌های رادیو «نارینه رادیو در ایران»، «امواج و کار بردهای آن»، «تجهیزات و امکانات»، «اصول تهیه برنامه رادیویی»، «مفسر عوامل آسانی در برنامه‌سازی»، «نگارش رادیویی»، «موسیقی در رادیو»، «موسیقی ایرانی»، عنوان برخی از فصلهای کتاب است.

● گلدوزی

۶۷. مقدم، سیمیدخت. *گلدوزی تهران* کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان | ۱۳۷۰ [توزیع ۱۷۱] ۶۴ ص مصور ۴۵۰ ریال

در این کتاب شیوه‌های مختلف گلدوزی با رانای ساده و همراه با طرح‌ها و تصویرهای متعدد آموزش داده شده است.

ادبیات

● نظم و نثر کهن ایرانی

۶۸. [فتحعلی شاه قاجار] دیوان کامل اشعار فتحعلی شاه قاجار «حاقان» به تحقیق و اهتمام حسن گل محمدی تهران انتشارات اطلس | ۱۳۷۰ [توزیع ۱۷۱] ۵۳۴ ص جدول مصور فهرست راهما ۴۸۰۰ ریال

حسن اول کتاب به تحقیق دربارهٔ احوال، افکار و آثار فتحعلی شاه قاجار اختصاص دارد و حسن دوم آن شامل دیوان کامل اوست.

۶۹. [فردوسی] *گزیده شاهنامه فردوسی (به نظم و نثر)* به اهتمام و نگارش حسن گل محمدی تهران اطلس، | ۱۳۷۱ ۲۰۷ ص مصور ۱۶۰۰ ریال

۷۰. وامن، محمدعلی. *تذکره میبکده به کوشش حسین مسرت* تهران فرهنگ ایران زمین (و) نشریات «ما» | ۱۳۷۱ ۳۵۱ ص ۳۰۰۰ ریال

تذکره حاضر طاهرا نخستین تذکرهٔ ساخته شدهٔ شعری برداشت و نگارش آن به سال ۱۲۶۲ هـ ق بوده است. کتاب همچنین شامل شرحی است دربارهٔ احوال و آثار محمدعلی وامن بردی (۱۲۶۲-۱۲۰۰ هـ ق) و نیز خصوصیت تذکرهٔ حاضر و نسخ گوناگون آن. کتاب از روی ۵ نسخه تصحیح شده است که نسخهٔ اساس آن منطبق به سال ۱۲۶۲ است.

۷۱. [هاتف اصفهانی] *دیوان هاتف اصفهانی* تصحیح محمود شاهرخی (و) محمد علی دوست تهران بهادران (و) مشکوة | ۳۰۷ ص فهرست راهما ۲۲۵۰ ریال

دیوان حاضر با مقالهٔ سه نسخهٔ خطی زمان ساعر و نیز نسخهٔ حاتی مرحوم وحید دسگردی تصحیح شده است.

● دربارهٔ ادبیات فارسی

۷۲. آذری، ارنور خان. *ادبیات کلاسیک فارسی ترجمهٔ اسدالله اراد* مشهد استان قدس رضوی | ۱۳۷۱ ۴۸۰ ص ۲۹۰۰ ریال

کتاب با سرگدسنامهٔ ارنور خان آذری (مولد ۱۹۰۵) به فلم خود وی اعزام می‌شود. سپس تاریخ ادبیات فارسی را، از زمان سروده شدن نخستین اشعار فارسی تا زمان عبدالرحمن جامی در قرن ۹ هـ ق، در برمی‌گیرد.

۷۳. نایوردی، چنگیز. *علامهٔ رندگی و آثار براری ترجمهٔ مهیار صدری* به اهتمام و بقیهٔ محمود رفیعی تهران انتشارات علمی | ۱۳۷۰ [توزیع ۱۷۱] ۲۹۰ ص مصور فهرست راهما ۳۲۰۰ ریال

تحقیقی است در آثار مفکر و ساعر ایرانی حکیم سعدالدین براری و سیمای مؤلف کوشیده است حوادث و رویدادهای مرتبط با اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی عصر براری را بررسی کند و از این طریق تصویری از افکار و آثار این ساعر به دست دهد. شرح تحقیقاتی که با کتب در زمینهٔ آثار و زندگی این ساعر صورت گرفته، معرفی نسخه‌های خطی آثار براری، زندگی و حادان براری، از سواد وی تا فرقهٔ اسماعیلیه و نکانی دربارهٔ اسماعیلیان دوران براری، و بالاخره ویژگیهای شعر براری از جمله مطالب کتاب است.

۷۴. یهودی، هدایت‌الله. *ادبیات در حاکمهای ایران و روس* تهران سازمان تبلیغات اسلامی | ۱۳۷۱ ۱۰۱ ص نمونه سند فهرست راهما ۳۳۰ ریال

۷۵. حسینی، حمید. *موسیقی شعر نیما: تحقیق در اوران و قالبهای شعری نیما یوشیج* با مقدمه‌ای از خسرو فرشیدورد تهران زمان | ۱۳۷۱ فهرست راهما ۱۵۰۰ ریال

۷۶. دامادی، سیدمحمد. *مصامین مشترک در ادب فارسی و عربی* تهران دانشگاه تهران | ۱۳۷۱ بیست و شش + ۴۲۲ ص. فهرست راهما ۳۷۰۰ ریال.

مؤلف اندک یا چند بیت عربی و ترجمهٔ فارسی آن را به عنوان مدخل عرضه کرده و سپس ابیات فارسی را که با مصمون ابیات عربی تناسب دارند، دست داده است. کتاب حاضر شامل ۵۴۲ مدخل است.

۷۷. رحیمی، مصطفی. *سیاوش بر آتش* تهران. شرکت سهامی انتشار. | ۱۳۷۱ ۲۵۴ ص. ۱۷۵۰ ریال.

تحلیلی است از داستانهای فریدون، کاووس، ساووس، و کجسرو به
عماد نویسنده کتاب این چهار داستان را به هم مرتبط می‌گرداند. مسئله
فهرست است

(۷۸) عبدالله، سید محمد. ادبیات فارسی در میان هندوان ترجمه محمد
اسلم خان تهران بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار ۱۳۷۱ ۲۸۲ ص
فهرست راهما ۲۶۰۰ ریال

نویسنده معتقد است که حکومت مغولها در هند حکومتی مرفی و ده که
بیت رشد علمی هندیها شده است همچنین معتقد است که پدر فرهنگ
مسیحیت هندو و مسلمان در عصر مغول (گورکانی) کاسه شده و رجعت به آن
و هک می‌تواند در رفع اختلافات امروزی میان هندوها و مسلمانان سودمند
باشد دوران قبل از مغول، وضع عهد اکبر شاه، از عهد جهانگیر تا جلوس
فرخ سیر، انحطاط گورکانیان، از جمله مباحث این کتاب است

(۷۹) گویاجی، جهانگیر کوورچی پژوهشهایی در ساهنامه گزارش و
براستن حلیل دوسجواه [اصهان] رنده رود ۱۳۷۱ نسبت به + ۲۴۸
+ ۱۳ ص (لاتین) وازه نامه فهرست راهما ۳۵۰۰ ریال

پروپسی است در افسانه‌ها و اساطیر ایرانی و غیر ایرانی که رمنه ساهنامه
استحیل داده است مؤلف کتاب استاد و رئیس سسی داسکده ایالتی کلکته
است پس از این کتاب دیگری از او با عنوان اسنهای افسانه‌های ایران و حسن
استان (ترجمه حلیل دوسجواه، بهران، حسنی، ۱۳۶۲) در ایران منتشر شده
است

● شعر معاصر فارسی

(۸۰) حقوقی، محمد شهرت سپهری: از مجموعه شعر رمان ما (۳)
بهران نگاه ۱۳۷۱ ۳۱۵ ص ۲۴۰۰ ریال

مؤلف نویسنده است سر تحول اسعار سپهری را از آغار تا انتها سنا دهد و
و بی‌ایا او را از نظر زبان، محبوی، جهان‌بینی، ساختمان و غیره و پس شد
چسب منحصری از کتاب بر به سرح و نقد برخی از اسعار سپهری اختصاص
د

(۸۱) رمانی‌نیا، مصطفی: رمان عاشق ماه بود تهران ناشر مؤلف
احتش از بیلوفر ۱۳۷۱ ۱۴۰ ص ۸۵۰ ریال

(۸۲) شهریار، سید محمد حسین دنوان شهریار بهران کنگره
بررکذات سید محمد حسین شهریار- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۳۷۱ ۱۹۵۸ ص ۴ جلد

کتاب حاضر به مناسب کنگره بررکذات شهریار که در ۱۰ تا ۱۳ ادر
۱۳۷۱ در بهران برقرار شد انتشار یافته است یک جلد از چهار جلد این
مجموعه به به اسعار آدری شهریار اختصاص دارد

(۸۳) کوستان، منصور قدیسان آتش و خوانهای رمان تهران ارست
۱۳۷۱ ۱۰۱ ص ۱۰۰۰ ریال

(۸۴) کل محمدی، حسن (فریاد) فصل پرواز: مجموعه شعر تهران سسل
داس ۱۳۷۰ [توزیع ۷۱] ۱۱۲ ص ۱۰۰۰ ریال

(۸۵) یغمائی، افسانه (گردآورنده) شعرترین شعرها شیراز بوید
۱۳۷۱ ۲۴۱ ص ۲۵۰۰ ریال

● شعر به گویشهای دیگر ایران

(۸۶) شهریار، سید محمد حسین: کلیات ترکی شهریار گردآوری و
صحیح از اصغر فردی تهران الهندی ۱۳۷۱ دوارده + ۲۳۸ ص ۱۵۰۰
ریال

● داستان ایرانی

(۸۷) احمدی، حسن داستان هفتم (مجموعه داستان) تهران سروش
۱۳۷۱ ۸۰ ص منصور ۶۰۰ ریال

(۸۸) خانه، احمد رن، جنگ، امید بی‌جا ناشر مؤلف ۱۳۷۰ [توزیع
۷۱] ۲۷۲ ص ۱۲۰۰ ریال

(۸۹) رصی‌زاده، اکبر برسانه ناد (مجموعه داستان) اصفهان مانی
۱۳۷۱ ۱۲۳ ص ۸۰۰ ریال

(۹۰) رفیعی پیشداد، حمید موح شکن، مجموعه داستان [تهران]:
ناشر نویسنده سی تا ۱۱۲ ص

(۹۱) ررین، محمد است در پارکیگ اداستان برای کودکان تهران
ناشر مؤلف ۱۳۷۱ ۴۶ ص منصور ۵۵۰ ریال

(۹۲) علیراده، عواله خانه ادرسیها تهران تیراژه ۱۳۷۰ [توزیع ۷۱]
ح ۲ ۷۰۷ ص بهای دوره دو جلدی ۸۰۰۰ ریال

(۹۳) محابی، حواد اردل به کاعد تهران قطره ۱۳۶۹ [توزیع ۷۱]
۶۶۰ ص ۶۶۰۰ ریال

(۹۴) مسکوب، شاهرح گفت و گو در باغ تهران باغ اسه ۹۳ ص
۱۳۰۰ ریال

(۹۵) بردانی، موجهر مسافرت [اماشنامه] تهران بیلوفر ۱۳۷۱ ج ۳
۶۹ ص ۷۵۰ ریال

● درباره ادبیات خارجی

(۹۶) انجندان، امرالله تاریخ ادبیات انگلنس شیراز دانشگاه شیراز
۱۳۷۱ ح ۲ ک ۷۹۹ ص فهرست راهما بهای دوره دو جلدی ۳۷۹۰
ریال

این مجموعه مرار است در ۲ جلد منتشر شود عنوان جلد نخست مجموعه
خاطر ادبیات انگلنسی قدیم، و عنوان جلد دوم آن ادبیات انگلنسی مانه است

● داستان خارجی

(۹۷) البوب، جورج، سلاش ماربر ترجمه سرویس بوندان تهران
دبیای بو ۱۳۷۱ ۳۴۱ ص ۲۵۰۰ ریال

رمانی است از حام جوج البوب، نویسنده صاحب نام خود و نکتورنای
انگلنس (۱۸۸۸-۱۸۱۹) و از سنان نذاران سوه بحره و تحلیل، واهی در رمان
(۹۸) نکری، ویلیام بارار خودفروشی ترجمه موجهر بدیعی بهران
بیلوفر ۱۳۷۱ ح ۲ ۸۶۶ ص ۶۸۰۰ ریال

(۹۹) داسانهای چینی و داسانهای امثال چینی گردآوری و ترجمه از
جان جون سن (و) لیونانورس به اهتمام سید محمد دسر ساقی تهران ارا
۱۳۷۱ نسبت ۲۷۷ ص ۲۲۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل ۱۱۳ داستان و ۵۲ میل حسنی است که دوس از
فارسندان حسنی اصحاب و به فارسی ترجمه کرده‌اند

(۱۰۰) رنچر، کراد نوری در جنگل ترجمه علامعلی سرمد بی‌جا
اشعارات اقا سگ ۱۳۷۱ ۱۹۹ ص ۱۶۵۰ ریال

(۱۰۱) کرسسی، اکاتا زار حام ماربل ترجمه پروین عطیمی تهران
دسای بو ۱۳۷۱ ۲۲۴ ص ۱۶۰۰ ریال

(۱۰۲) کسل، ژورف شیر ترجمه والیا امر معری بهران فاحه ۱۳۷۱
۲۶۵ ص ۲۲۰۰ ریال

(۱۰۳) گاسکین، کاربن لسمارا، عشق و اررو ترجمه ابراهیم بوسی
تهران البر ۱۳۷۱ ۶۴۳ ص ۵۹۰۰ ریال

(۱۰۴) گرس، گراهام خراکاران ترجمه سعید سعیدپور بهران خانه
اصاب ۱۳۷۱ ۴۳ ص ۱۱۰۰ ریال

یکی از داسانهای سار توناه گراهام گرس است که ناشر فارسی آن، اما
حرف سار بررک و حواسی راند و با جلد نالسمک ۱۰۰ و شس و با فمسی گراف
مسر کرده است

(۱۰۵) کافکا، فرانسس محاکمه ترجمه امیر حلال الدین اعلم بهران
بیلوفر ۱۳۷۱ ۳۴۲ ص ۲۵۰۰ ریال

این کتاب را فلامنر دیگری با جلد نالسمک و دره شس و با فمسی بریاد و
برابر فمب حات فعلی منتشر شده به د ناشر خدند سس از حریدن کتاب از
ناشر فلی آن را با جلدی معمولی و فمسی از ناشر منتشر ساخته است

تاریخ

(۱۰۶) برشتین، سوز او) بی بر میلرا تاریخ قرن بیستم ح ۲ رشد و
بحران ۱۹۵۳-۱۹۸۴ ترجمه امان‌الله ترحمان مشهد استان قدس رضوی

۱۳۷۱ ۵۷۸ص فهرست راهما ۳۶۰۰ ریال
 ۱۰۷) بلیتسکی، آ. خراسان و ماوراءالنهر (اسیای میانه) ترجمه پرویز ورجاوند تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) ۱۳۷۱ ج ۲ یارده + ۳۲۰ص مقصور فهرست راهما ۲۲۰۰ ریال
 ۱۰۸) سورث، کلیفورد ادومید سلسله‌های اسلامی ترجمه فریدون بدره‌ای تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) ۱۳۷۱ ۳۵۸ص فهرست راهما ۲۵۰۰ ریال
 از این کتاب می‌توان به عمده این کتاب مرجع کوچکی در زمینه تاریخ اسلام استفاده نمود «حلفاء»، «اساسا و شمال افریقا»، «سده‌خیزه غرسان»، «ایران رمی و معمارین از سلجوقیان»، «سلجوقیان و ایلخان»، «اسیای صغیر و ترکان»، «مغولان یا حکمرانان»، «ایران بعد از مغول»، «افغانستان و هند»، عنوان فصلهایی از کتاب حاضر است
 ۱۰۹) پوران، حسان (و) شایوشون حسن (و) هواخواه تاریخ مختصر چین ترجمه حان حو سن تصحیح و ویرایش از سیدمحمد ترابی تهران و بسمن ۱۳۷۱ ۲۰۸ص ۱۶۵۰ ریال
 کتاب حاضر بحث سرچشمی و نظارت احسن تاریخدانان حسن نگارن نامه و هدف از بیان خطوط کلی رید و شامل خامنه حسن است این کتاب تاریخ حسن را به سه قسمت کلی تقسیم کرده است حسن قدیم حسن جدید و حسن معاصر از ویژگیهای کتاب نگارن ماز ششمی - لیسینی نویسنده کتابان این و حاسداریان از دیکتاتوری دموکراسی خلق است
 ۱۱۰) تطبیق گاهنامه‌ها بهران و رارت کشور ۱۳۷۰ [توریع ۱۷۱] ۲۱۹ص
 حداقل این کتاب سن می‌دهد که اول هر ماه شمسی با چه روزهایی از ماه قمری و میلادی مقارن است این حداقل شامل دوره‌ای است که اعمار این بهشت مسر و طیب (۱۲۸۵ شمسی) و پایان این سال بر وری اعلات (۱۳۵۷) می‌باشد گروه تحقیقات و مطالعات دفتر اسبابات و رارت کشور، کتاب دیگری بر در این زمینه با عنوان گاهنامه تطبیقی مسر کرده است
 ۱۱۱) فلور، ویلم اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران (۱۹۴۱-۱۹۰۰)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران (۶) ترجمه ابوالقاسم سری بهران بوس ۱۳۷۱ شش ۲۰۷ص جدول فهرست راهما ۱۹۰۰ ریال
 به اعتقاد نویسنده کتاب بحسن حسبهان تاریخی در شکل ضعف آن در فاصله سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۲ (یعنی همگام با اعلات مسروطه) در ایران رخ داد که سن از جنگ جهانی اول سرکوت شد، در پایان جنگ در ۱۹۱۸ این حسبهان بحث نبود حرب کمونیست مسکو در ایران از سر گرفته شد با اینکه محدود در ۱۹۲۳ با ظهور حکومت مسند رضاحانی سرکوت شد سومین مرحله حسن تاریخی، به اعتقاد نویسنده کتاب، در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۱ بود کتاب حاضر به شرح حرنات و مسائل مربوط به این حسبهان اختصاص دارد بد بود اگر در کنار تاریخ‌های ملادی، معادلهای شمسی آنها بر دکر می‌شد
 ۱۱۲) — صفتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی (۱۹۲۵-۱۹۰۰)، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران (۸) ترجمه ابوالقاسم سری تهران بوس ۱۳۷۱ ۲۴۸ص فهرست راهما ۲۲۰۰ ریال
 هسمن حلد از سلسله بروهه‌های دکتر ویلم فور، دانسمند ایراسناس هلندی است بحسن از کتاب به تاریخ صغی سدن ایران اختصاص دارد به اعتقاد نویسنده، ایران با زمان روی کار آمدن رضاساه به هج وجه کسوری صغتی محسوب نمی‌شد اما از آن سن به تدریج رمنه برای این کار فراهم آمد بحسن دیگری از کتاب بر در باره مآخرای سورس سح احمد مدنی در لارسان و گرمسر است
 ۱۱۳) نحانی، غلامرضا تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب) بهران رسا ۱۳۷۱ ۱۲۰۶ص مقصور فهرست راهما بهای دوره دوخلدی ۱۴۰۰ ریال
 نویسنده کتاب که در دادگاه نظامی ۱۳۴۳-۱۳۴۲ وکیل مدافع مرحوم

ابن الله طالقانی بوده است، در این کتاب کوسنده است با توصیف مسندی ا یک دوره ۲۵ ساله تاریخ ایران، یعنی از ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ تا اسفند ۱۳۵۷ د اختیار نگذارد بحسن اعظم کتاب تا کنه بر مصاحبه نویسنده آن با رهبران فعالان گروههای آموزشی آن دوران بهیه شده است از این نویسنده کتاب دیگری بر با عنوان حسن ملی سدن صنعت نفت ایران و کودتا منتشر شده است
 ۱۱۴) واندنبرگ، فیلیپ نرین فراعنه ترجمه هوتنگ حافظی بور تهران ایراشهر ۱۳۷۰ [توریع ۱۷۱] ۲۸۰ص مقصور ۱۴۵۰ ریال

جغرافیا

۱۱۵) سدیدالسلطنه سدرعاسی، محمدعلی حان سرزمین‌های شمالی بیرامون خلیج فارس و دریای عمان در صد سال پیش استخراج و تنظیم و تحشیه و تعلیقات از احمد اقداری تهران جهان معاصر ۱۳۷۱ ۴۲۳ص ۳۰۰۰ ریال
 محمدعلی حان سدیدالسلطنه کتابی مناسی سدرعاسی این کتاب را د سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۲ هج نگاشته است و در آن در فصلهای جداگانه، از سواحل شمالی خلیج فارس و دریای عمان سخن گفته است بوسهر، خورسان، سسکو، بندر لکه، بندر حمیر، سسل، لارستان، سدرعاس، مناب، حاه بهار، قسم، عنوانهایی از حسبهان این کتاب است
 ۱۱۶) صفری، بابا اردبیل در گذرگاه تاریخ اردبیل، دانشگاه اراد اسلامی - واحد اردبیل ۱۳۷۰ [توریع ۱۷۱] ج ۳، ح ۲، ۱۴۷۹ص. بهای دوره سه‌خلدی ۱۶۰۰۰ ریال
 ۱۱۷) صفری، سیدرحیم کلیات فاردها تهران سر فومس ۱۳۷۱ ۳۸۳ص مقصور نقته ۳۵۰۰ ریال
 جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی فاردهای اسنا، ارونا، افریقا، امریک و اواسونه موضوع کتاب حاضر است

زندگینامه، خاطرات، سفرنامه

۱۱۸) اربا، داربوش شکوفه حویس سرار لطعلی حان رید تهران نشر محمد ۱۳۷۱ ۵۲۴ص مقصور ۵۰۰۰ ریال
 داستان زندگی لطعلی حان رید است با ربانی روایت کوه
 ۱۱۹) بوبول، لویس نا احرین نفسهام: خاطرات بوبول ترجمه علی امینی بحفی بهران هوش و اشتکار ۱۳۷۱ ۴۳۲ص مقصور ۲۹۵۰ ریال
 لویس بوبول (۱۸۸۳-۱۹۰۰) فلمساز بزرگ آسایانی در این کتابان را نکشال سن از مرگش به اعنام رساند، از خاطرات سن می‌گوید بوبول که برحسبه ترس معانده مکتب سورربالسم در عرصه هر سسما به سمار می‌رود در این کتاب خاطرات حالی از روابط با ناسان سورربالسم در فراسه و برکابی حو لورنا دانی، سحاسو و دیگران بازگو می‌کند و اطلاعات حواندی سساری را در باره فلمهاس در اختیار می‌گذارد فیلمنامه بریسنا از بوبول سن از این به فارسی ترجمه شده است (ترجمه کامران فابی)
 ۱۲۰) پلیکو، سیلیو ریدانهای من ترجمه عبدالله توکل بابل آویش (و) گوهر راد ۱۳۷۱ ۴۱۹ص ۳۵۰۰ ریال
 سیلیو پلیکو (۱۸۵۴-۱۷۸۹)، ساعر اعلانی ایتالیایی در این کتاب سرگذشت خود را در ریدان استعمارگران اتریش بازگو می‌کند این کتاب - کون به ۲۲ ریان ترجمه شده است و در خود ایتالیا از زمان اشتناس با کون سالی سن بار حات شده است کتاب همحین دارای مقدمه و دو مؤخر حواندی در باره نویسنده کتاب و این امر اوست
 ۱۲۱) رومل، حک زندگینامه محمدعلی کلی ترجمه مسعود شیوا تهران ناشر مترجم ۱۳۷۱ ۱۲۶ص مقصور ۲۰۰۰ ریال
 ۱۲۲) سفرنامه مشی زاده به کوشش محمدناقر مشی زاده با مقدمه

ایرج افشار بی‌جا بی‌تا [خدمات چاپ مؤسسه انتشارات یرد] ۱۳۷۱
چهل و چهار + ۳۶۶ ص مصور نقشه نمودار سند فهرست راهما ۲۸۰۰
ریال

این کتاب شامل خاطرات مسافرت محمدحسین مسی‌زاده است از بردن
مدت معظمه، غنای عالیات، هندوستان، و شهرهای اصفهان، کاشان، قم،
تهران، مشهد و بالاخره رحمت نه یرد در سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۱ هجری
شمسی

۱۲۳) شایر، ویلیام ال. سالهای کابوس (۱۹۳۰-۱۹۴۰) ترجمه
جهانبخش ارفع رنگه تهران علمی ۱۳۷۱ ۸۶۹ ص مصور ۸۵۰۰
ریال

وینا سائر از حمله تاریخ نگاری است که خود در مقام خبرنگار در بط
سایری از مآثرهای تاریخی معاصر بوده و شاهد عینی بسیاری از وقایعی بوده
است نه در کتابهایش بازگو می‌کند کتاب حاضر جلد دوم از خاطرات این
نویسنده است که حکایتی ظهور و سقوط تاریخ را در المان به روشی توصیف
می‌کند

۱۲۴) فرح یار، شهاب الدین سرزمین دره‌ها، یادداشت‌های سفر به
ایرانستان تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۱ هشت + ۳۲۸ ص
نقشه مصور ۱۵۰۰ ریال

۱۲۵) کالدول، تیلور ستون اهلی، زندگی‌نامه سیمرون ترجمه
علی اصغر بهرام‌نگی تهران مروارید ۱۳۷۱ ۲ ح ۱۰۸۳ ص نه‌ای دوره
دو جلدی ۷۰۰۰ ریال

۱۲۶) والتین، اتونیا رجب‌های الرب ایستتین (یک زندگی‌نامه)
ترجمه هوتنک کرمان تهران نشر دانش امروز (واسته به امیرکبیر)
۱۳۷۱ ح ۲ و تراش ۲ ۲۴۸ ص ۳۷۰۰ ریال

۱۲۷) باحقی، محمدجعفر آن سالها (یاد‌های کودکی و یو‌خواسی) ح ۱
مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۳۲۸ ص ۱۷۰۰ ریال

یادنامه

۱۲۸) یادنامه ایرج جهانشاهی قاجار تهران شورای کتاب کودک
۱۳۷۱ ۶۶ ص

کتاب حاضر به مناسبت سالگرد درگذشت سادروان ایرج جهانشاهی قاجار
(۱۳۰۵-۱۳۷۱)، معلم، نویسنده، مترجم ویراستار ادبیات کودکان و جوانان
و سرسده است بنا به دعوت شورای کتاب کودک، جوانان و همکاران آن
در محفل یادبودی که در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۷۱ در محل مجمع
فرهنگی هنری ثامن بزرگس فکری کودکان و جوانان برگزار شد، به یاد
این شخص گمنام مجموعه حاضر شامل مقالاتی است که در آن جلسه ارائه
شد. «به یاد ایرج جهانشاهی»، احمد بیرسک/ «ایرج جهانشاهی، ویراستار
سازمان»، کریم امامی/ «همکاری با انتشارات فاطمی»، ایرج میرحاج/ «
معلم، راهما»، فریدون جهانشاهی/ «فهرست آثار» و «زندگی‌نامه»،
سوان برخی از مطالب این یادنامه است

نشریه‌های علمی و فرهنگی

● آگاهی‌نامه، سرک ساختمانی نام رود (س ۱۰، دی ۱۳۷۱)
«مهندسان معمار شهرسار و عمران»، «فرهنگ و تاریخ معماری
تران (۲)»، «لیست قیمت ماشین آلات ساختمانی»

● بهکام (س ۳، ۲۶ دی و بهمن ۱۳۷۱)
«مصرف کننده، بی‌پناه و تنها»، «گردهم‌ایی نمایندگان محلات علمی
ایران»، «تعذیه و سوء‌تعذیه در ایران»، «عادات غذایی مردم روستاهای

سیرحان»، «عادات غذایی مردم ایران شهر»، «آیا ترکیبات ترکنده
دندنها به سلامت اسنان صدمه می‌زند؟»

● پژوهشنامه، نشریه معاونت پژوهشی دانشگاه تهران (س ۱۶،
۱۳۷۱)

شامل حکیده طرح‌های تحقیقاتی، مقالات، و رساله‌های
فوق‌لیسانس و دکتری گروه‌های متفاوت دانشگاه تهران است

● جامعه سالم (س ۲، ۷ دی ۱۳۷۱)

«روسیاری ملی همراه با دموکراسی کارسار است»، «فلات ایران در
دندگاه بوس نس‌المللی»، «بررسی منابع تاریخی و حقوقی حرایر
ایرانی است و ابوموسی»، «در اقتصاد ایران قرار است چه اتفاقی
بافتد»، «مروزی بر و سعی و نره»، «بی‌امر شدن آسی‌یوسیکها»

● جاسار (س ۳۵، آذر ۱۳۷۱)

«فاطمه (س) بحسین خاسار در راه دفاع از سنون ولایت»، «نگاهی
به رویدادهای تاریخی»، «حرا سیکل کمیسیون جانوده و امور ریان در
محلس ضروری است»، «نوسه، خاوروی سگفت‌انگیز و خطرناک»

● دانشمند (س ۳۰، ۳۵۲ بهمن ۱۳۷۱)

«حرامی حدیث»، «ناوی سمندان و رارکوی بلورس»، «واکسها و
اص‌ساری»، «معادلات، بی‌نظمی و تضاد و کامسورری»، «تحدید نظر در
تاری سست سؤالی»، «حجالت بر سر نامگذاری عناصر سگس»

● رشد تکنولوژی آموزشی (س ۸، دی‌ماه ۱۳۷۱)

«مراحل احیام دادن تحقیق»، «ماهیت تکنولوژی آموزشی»،
«تکنولوژی آموزشی و امحانات محلی»، «روشها و تکنیکهای آموزشی»

● صفحه اول (س ۲، ۱۳ آذر ۱۳۷۱)

«زندگی در سرزمین صمدام»، «واکس کنسورهای عرب منطقه در
مسئله ابوموسی»، «اصلاحات با بحکم سلطنت»، «معامله تجاری ۴۰
مذاذ نویدی عربستان در خطر است» عنوان برخی از مقالاتی است
که از سرسده‌های گوناگون جهان اصحاب و در این سرسده چاپ شده
است

● صنعت حمل و نقل (س ۱۱۲، دی و بهمن ۱۳۷۱)

«تجارت هواپیمایی، ساسانی نقشها شن از وقوع سوانح»،
«افراس حریمه کیس برقی»، «ارکتور در سرنوشت گادارتز»،
«حرهای گونا به از صنعت حمل و نقل در جهان و ایران»

● کتاب ناژ (س ۶، ناسر ۱۳۷۱)

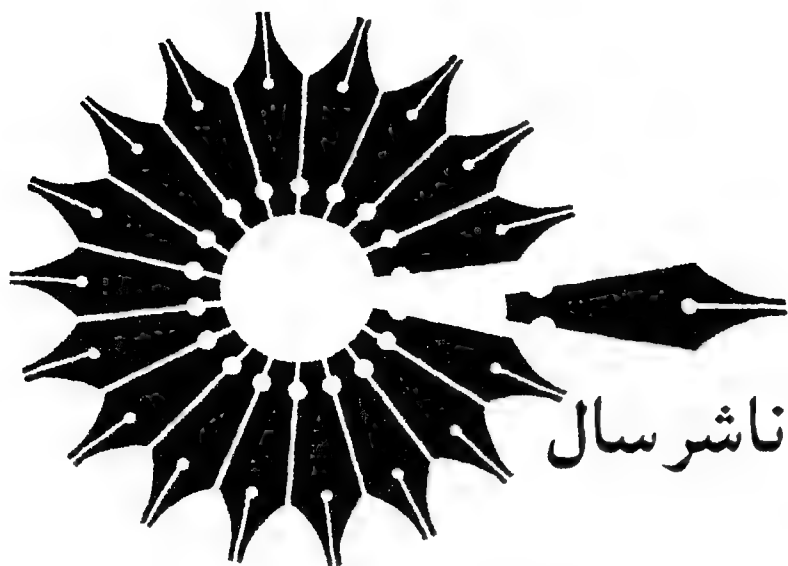
«تدخی و آثار سیکری ام‌س»، «هتر حسبت و سخی در نا، ه‌هیر
حلاق»، «ارخ ممر و مسهلر حرفه‌اس»، «مضاحنه با حکمر
اسماو»، «سادحاری در ساهنامه»

● مجله تحقیقات تاریخی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
(بروهسگاه)، (س ۶ و ۷، ۱۳۷۱)

عنوان برخی این شماره «مرونامه» است «مروکس و مرو تاریخی»،
«جعرفانی تاریخی مرعاب»، «مرو در عهد سی‌امیه»، «نگاهی به مرو از
حمله مغول تا پایان دولت نادری»، «اسیای میانه در عصر تاری قدرتها»،
«ایران سرفی و اسنای مرکزی»

● نمایه (س ۲، ۹، نیایی ۱۵، دی ۱۳۷۱)

شامل نمایه موضوعی، نقد آثار، گفتگو، و معرفی کتابهایی است که
در دی‌ماه ۱۳۷۱ منتشر شده است



مرکز نشر دانشگاهی: ناشر سال

کارنامه دو دهه ساله

ناصر ایرانی

رعایت کنیم که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اعلام ضوابط و معیارها پس گرفته است
(۱) تعداد عناوین، سراز، و مجموع صفحات کتابهای منتشر شده
حاجت اول توسط مرکز نشر از ابتدای فعالیت انتشاراتی تا کنون به فراز
ر بر بوده است

(جدول ۱)
کتابهای چاپ اول

سال	عنوان	مجموع صفحات	سراز
۱۳۶۶	۲	۲۲۲۹	۱۱۰۰
۱۳۶۷	۲۷	۹۷۵۹	۱۰۹۸۵
۱۳۶۸	۶۶	۱۹۴۱۶	۲۲۵۹۰۰
۱۳۶۹	۴۹	۱۴۱۳۲	۲۹۷۶۰۰
۱۳۷۰	۶۵	۲۳۹۰۲	۳۰۱۶۰۰
۱۳۷۱	۵۵	۱۷۲۲۲	۲۲۳۵۰۰
۱۳۷۲	۷۳	۲۱۹۴۶	۳۵۵۵۰۰
۱۳۷۳	۹۰	۲۵۰۰۰	۲۹۰۵۰۰
۱۳۷۴	۷۲	۲۱۳۰۲	۲۹۵۸۰۰
۱۳۷۵	۵۰	۱۶۱۰۴	۲۱۲۰۰۰
۱۳۷۶	۵۳	۲۱۰۳۴	۳۱۷۰۰۰
۱۳۷۷	۵۶ ^(۱)	۲۵۵۹۰	۳۵۱۵۰۰

مرکز نشر دانشگاهی در نخستین دورهٔ اسباب «ناشر سال جمهوری اسلامی ایران» به عنوان اولین ناشر برگزیدهٔ سال ۱۳۷۱ اسباب سند ضوابط و معیارهای گزینش ناشر سال، حیاتی که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرده، عبارت بوده است از

(۱) تعداد عناوین، سراز، و مجموع صفحات کتابهای منتشر شده
(۲) نوع و محتوای آثار منتشر شده با توجه به ضرورتها و نیازهای علمی و فرهنگی جامعه و اولویت دادن به تألیف

(۳) کیفیت ارائهٔ آثار از حیث ویراستاری، حرفه‌پیشی، صفحه‌آرایی، مس، طراحی جلد، چاپ و صحافی

(۴) سابقهٔ کار و حسن شهرت در میان مؤلفان و ناشران و جامعهٔ فرهنگی کشور

(۵) مواضع مناسب با هوایین و مقررات مصوب کشور در امر سرکتاب

(۶) میزان سرمایه‌گذاری اولیه و سرمایه در گردش ناشر در فیس با حجم انتشارات آن

(۷) تعداد کتابهای برگزیدهٔ ناشر به عنوان «کتاب سال جمهوری اسلامی ایران» و تعداد دفعات اسباب ناشر در نمایشگاههای داخلی کتاب به عنوان ناشر نمونه

اسباب مرکز نشر دانشگاهی به عنوان اولین ناشر برگزیدهٔ نخستین دورهٔ اسباب ناشر سال این فرصت را بیس آورد تا نگاهی بیندازیم به دستاوردهای انتشاراتی و فرهنگی مرکز در مدت کوتاه ۱۲ ساله‌ای که از عمر آن می‌گذرد بی‌فایده نیست حتی الامکان همان ترتیبی را

(۱) ۲۷ عنوان از این کتابها تا آخر بهمن ۱۳۷۱ انتشار یافته و به غیر، احتمالاً خبر عنوان، تا آخر سال انتشار می‌یابد

حدول (۱) نحسی از فعالیت‌های انتشاراتی مرکز سر را سان می دهد حدول (۲) که شامل تعداد عناوین و تیرار کل کتابهای منتشر شده، اعم از حات اول و حایهای بعدی، در هر سال است تصویر نامتری از فعالیت‌های مرکز به دست می دهد

(حدول ۲)

کل کتابهای منتشر شده

سال	عنوان	تیراژ
۱۳۶	۴	۱۱۰۰۰
۱۳۶	۲۹	۱۲۳۸۵۰
۱۳۶۲	۷۶	۵۳۱۹
۱۳۶۳	۷۳	۵۷۴۶۰۰
۱۳۶۴	۸۲	۵۹۳۶۰۰
۱۳۶۵	۷۵	۳۹۲۵۰۰
۱۳۶۶	۸۶	۵۸۴۵
۱۳۶۷	۱۰۰	۴۱۴۵۰۰
۱۳۶۸	۸۹	۲۴۹۸۰
۱۳۶۹	۱۳	۹۷۴۰۰۰
۱۳۷۰	۱۱۴	۸۸۱۰۰
۱۳۷۱	۷۳۱۱	۵۵۱۵۰

۴۳۱ عنوان از این کتابها تا آخر بهمن ۱۳۷۱ انتشار یافته و بقیه سر، احتمالاً آخر ۴ بهمن تا آخر سال انتشار می یابد

ولی فعالیت انتشاراتی مرکز محدود به انتشار کتاب بوده است مرکز سردانسانگی در طرف ۱۲ سال گذشته محله‌های زیر را سر مسر کرده است (حدول ۳)

(حدول ۳)

نشریه‌های مرکز نشر دانشگاهی

مجله	مدت انتشار تاکنون	شماره‌های منتشر شده تاکنون
س	۱۳ سال	۷۳ شماره
مجله فرهنگ	" ۱۱	" ۳۲
مجله ادب	" ۱۰	" ۲۸
مجله نامه‌های فرانسه	" ۸	" ۱۶
مجله فلسفی	" ۸	" ۱۵
مجله ادبیات جهان	" ۸	" ۲۲
مجله فلسفی و تاریخی	" ۶	" ۱۲
مجله علمی	" ۵	" ۱۳
مجله ریاضی	" ۴	" ۱۲

(۲) مرکز سر موطف است به بیارهای علمی و فرهنگی جامعه دانشگاهی ایران در زمینه کتاب، به‌ویژه کتابهای درسی، پاسخ دهد حدول (۴) تعداد عناوین، تیرار، و مجموع صفحاتی را که مرکز سر تا

کنون در رشته‌های مختلف علمی و ادبی و فلسفی مسر کرده است سان می دهد

(حدول ۴)

کتابهای مرکز نشر در برخی از رشته‌های مهم

رشته	عنوان	مجموع صفحات	تیراژ
فریک	۶۲	۲۵۳۰۶	۷۵۹۵۰
سمی و مهندسی سمی	۷۵	۲۶۵۴۲	۷۷۱۸۰
ریاضی	۸۸	۲۹۵۷۲	۱۱۲۷۶۰۰
بری	۷۴	۱۴۵۴۴	۲۲۷۷۰
برسکی، ریست سیاسی، بهداشت	۸۳	۲۵۷۴۴	۵۲۰۵۰۰
نساوری	۳۹	۱۱۱۴	۱۲۳۲
فلسفه، عرفان، معارف و علوم اسلامی	۲۹	۱۸۸۶	۴۳۳۰۰
ریاضی، فلسفه و فرهنگ	۲۱	۵۵۷	۱۳۶
مکانیک، صنایع، و ساجی	۲	۷۴۰۲	۱۶
علوم برسی و ریاضی	۲۵	۷۰۸۰	۱۲۴
عمران	۱۶	۶۴۶۴	۱۶۴۰
ادبیات	۱۸	۳۹۷۸	۵۹۲۴۰۰
تاریخ و جغرافیا	۲	۶۸۲	۳۹۵
مالوری	۱۱	۵۴۶۲	۳۷۰
اقتصاد	۱۱	۱۷۸۴	۵۳۵

و اما به زبان امار، و سر به احتصار که سوه این بوسه کو به است، نمی توان این سرس را به طور کامل پاسخ داد که مرکز سر دانشگاهی تا چه حد به سرورنها و بیارهای علمی و فرهنگی جامعه توجه داشته و حتی المقدور کوسیده تا مهمربس سارهارا برآورده سارد ناگر بر تنها به يك حبه از فعالیت‌های مرکز سر اشاره می کنیم و ان بوجهی است که به بدوین و انساوار واره نامه‌ها یا وارکان علمی و تحصیسی مدول داسه است راند است که در اهمیت فارسی کردن اصطلاحات علمی و فلسفی و ادبی حبری نگویم مرکز سر دانشگاهی در غیاب نهادهای فعالیت از فیل فرهنگسان که بهر زبان به اصطلاحات علمی و تحصیسی حدید و طمفه انهاست، از جندس سال بیس بی و فقه کوسیده است هر حا که لازم بوده در برابر اصطلاحات علمی و تحصیسی خارجی اصطلاحات فارسی وضع کند، و اصطلاحات فارسی موجود را یکدست سارد و رواج عام دهد تا از يك سو طرفیب زبان فارسی در بیان اندیشه‌ها و مفاهیم علمی و تحصیسی حدید افراش باید و از سوی دیگر مکالمه علمی و فلسفی در میان متفکران و داسمندان ایرانی آسانتر، و بی بیار از زبانهای بگانه، صورت بدیرد حدول (۵) دستاوردهای مرکز را در این زمینه سان می دهد

(احدول ۵)

واژه‌نامه‌ها و واژگان مرکز نشر

نوع	تعداد اصطلاح	شماره ویرایش
واژگان برین	۸۰۰۰	اول
واژگان فیریک	۱۰	"
واژه‌نامه‌های سیاسی و معن	۱۲۰	"
واژگان سیاسی و مهندسی سیاسی	۱۵۰۰۰	"
واژگان مهندسی معن	۵۳۰	"
واژه‌نامه‌های است	۳۰	"
واژه‌نامه‌های تاریخی	۲۰۰۰	"
واژه‌نامه‌های فیریک (سر معنایی)	۳۶	"
واژه‌نامه‌های محیط‌زیست	۱۴۳۳	"
واژه‌نامه‌های سیاسی و اما	۱۶۰۰	"
واژه‌نامه‌های تاریخی	۲۰۰	"
واژه‌نامه‌های الحری و است	۱۱۸۴	"
واژه‌نامه‌های فیریک و اما سیاسی	۲۰	"
واژگان فیریک	۱۰۰	دوم
واژه‌نامه‌های فیریک	۷۰	م
واژه‌نامه‌های سیاسی	۵۱	سوم

(احدول ۶)

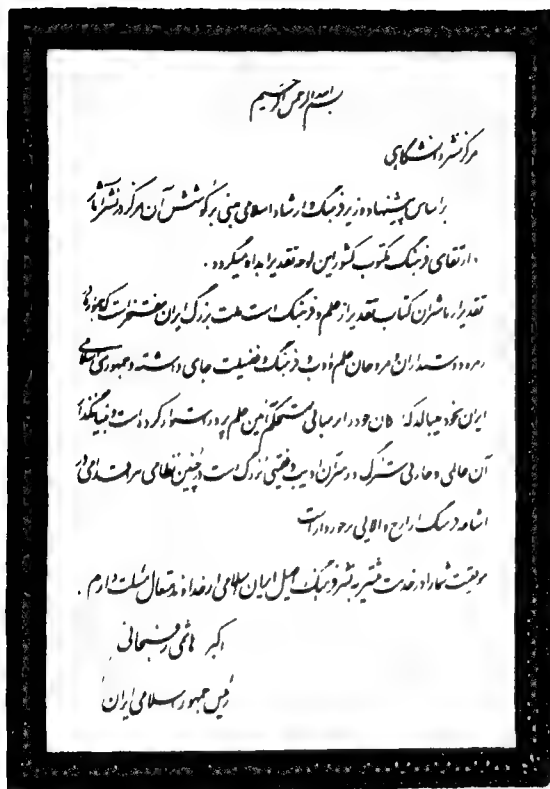
کتابهای مرکز نشر که به عنوان کتاب سال شناخته شده‌اند

شماره	عنوان	سال	دوره
(۱)	تحلیل ساه‌ها	۱۳۶۲	اول
(۲)	فیریک عمومی (جلد اول)	"	"
(۳)	تسریع سر و گردن و اعصاب معن	۱۳۶۳	دوم
(۴)	مقاومت مصالح (جلد اول)	"	"
(۵)	معادلی (سه جلد)	"	"
(۶)	فیریک (جلد اول)	۱۳۶۴	سوم
(۷)	مبانی سیاسی معن	"	"
(۸)	اموال اندم لوری	"	"
(۹)	ایستای، اه	۱۳۶۵	چهارم
(۱۰)	محضر روانه سکی	"	"
(۱۱)	الکتریک سیاسی، الحری و است	"	"
(۱۲)	سیاسی الی ارما سگاهی (جلد اول)	۱۳۶۶	پنجم
(۱۳)	رشدگی خرحانه‌ای	"	"
(۱۴)	مهندسی ارتباطات دور	"	"
(۱۵)	اموال انالرحقیقی	۱۳۶۷	ششم
(۱۶)	سمازی سل	"	"
(۱۷)	سیستمهای شمزل بوی	"	"
(۱۸)	رگرسیون چندمعنری در بره‌های رفتاری	"	"
(۱۹)	مدخل تاریخ سری اسلامی	"	"
(۲۰)	محسن درس در حیر محرد (جلد اول)	۱۳۶۸	هفتم
(۲۱)	نظره‌ای اما (جلد اول)	"	"
(۲۲)	اموال بحر نه‌دسگاهی (جلد اول)	"	"
(۲۳)	خطوط، امواج و استها	"	"
(۲۴)	برنامه‌ریزی سکی‌ای	"	"
(۲۵)	مهدیات	"	"
(۲۶)	فیات ساری و فیات داری	"	"
(۲۷)	حره و کل	۱۳۶۹	هشتم
(۲۸)	ترومانیسی و بیمارهای دریجه‌ای فلت	"	"
(۲۹)	مورهای درون سور	"	"
(۳۰)	سعه و احتراق	"	"
(۳۱)	متالورژی مکانیکی	۱۳۷۰	نهم

(۳) مرکز نشر دانشگاهی از بدو فعالیت در زمینه ویراستاری و آماده‌سازی و تولید فنی کتاب دو سیاست همزمان پس گرفت سیاست اول جلب همکاری بهرین و با بحر بهرین ویراستاران و متخصصان هری و فنی تولید کتاب بود، و سیاست دوم برست تسل حدیدی از ویراستاران و متخصصان از طریق تشکیل دوره‌های آموزشی و، مهمتر از این، اشغال مسهم مهارتها و تجربیات تسل قدیم به تسل حدید مرکز نشر به دلیل محیط مناسبی که ایجاد کرده و احترامی که همواره نسبت به استادان مندول داسه موفی سد همکاری بهرین استادان فون ویراستاری و آماده‌سازی و حات کتاب را جلب کند، و هم اکنون حدود ۱۰۱ ویراستار و متخصص جوان در همکاری مسهم با ان استادان و بهره‌گیری از فصل و بحر نه‌ایسان راه دراز و مشکل ویراستاری و تولید فنی کتاب را می‌سماند

نار به گفنی نسبت که برست ویراستار کاردان کاری است پس مشکل و برست متخصص هری و فنی تولید کتاب هم حدان اسان نسبت و حون نهادهای آموزشی عالی و حرفه‌ای کشور از برست ویراستار و متخصص فنی تولید کتاب عقب ورزیده‌اند و این مساعل در صعب حدید سر کتاب نفسی اساسی به عهده دارند، هم مرکز نشر در ترست کادریهای مربوط خدمت بررگی است که کل صعب سر کشور از مراث ان بهره می‌برد

(۴) بی‌بردد یکی از ساحصهایی که معلوم می‌دارد مرکز نشر در نتیجه سیاستهای اندیسده سده‌ای احاب کتاب و همجنس توحه حدی به امر ویرایش و تولید فنی کتاب چه تحولی در رسته سر کتاب برای جامعه دانشگاهی کشور ایجاد کرده است موفقیتهای مرکز در تمام



۱۳۱	ابن عربی و سب	"	"
۱۳۲	نهاده الحکمه	۱۳۷۱	دهم
۱۳۳	دانشنامه‌ای مقاله‌ای و تحریریه و تحلیل خطاها	"	"
۱۳۴	حساب دیفرانسیل و انتگرال و هندسه تحلیلی	"	"
۱۳۵	فیزیک برای رشته‌های فنی	"	"
۱۳۶	مسابی سیمی تحریریه	"	"
۱۳۷	الفصلیه فی الطب	"	"
۱۳۸	اصلاح نباتات زراعی	"	"

۱. این سال شاه‌های زیر بر مورد سووی هب داوران قرار گرفت
 ۲. منحنی ریان عربی (جلد اول و دوم)

۳. سیمی حالک
 ۴. طرح لکتر

۱. این سال کتاب اصول هدیه گناه بر مورد سووی قرار گرفت
 ۲. این سال شاه‌های زیر بر مورد سووی هب داوران قرار گرفت

۱. آمدن به روانشناسی
 ۲. نهادهای اقتصادی
 ۳. موقعیت‌های ایران
 ۴. به‌کارگیری گناهان زراعی

محل دائمی نمایشگاه‌های ایران در این نمایشگاه نزدیک به سجاه باسر
 معبر خارجی شرکت نمودند و پس از ۵۰۰۰ عنوان کتاب، عمدتاً به
 زبان انگلیسی، عرضه کردند.

چهار) نمایشگاه کتابهای نظامی در اردیبهشت ۱۳۶۳.

پنج) نمایشگاه بین‌المللی کتاب در رسته فربك در شهر نور ۱۳۶۴
 در دانشگاه صنعتی اصفهان، همزمان با کنفرانس فربك ایران در این
 نمایشگاه پس از ۱۲۰۰ عنوان کتاب خارجی عرضه کردند.

شش) نمایشگاه بین‌المللی کتابهای فنی و مهندسی در مهر ۱۳۶۴
 در این نمایشگاه، ده در محل دائمی نمایشگاههای ایران تشکیل شد،
 ۷۵ باسر معبر خارجی پس از ۵۲۰۰ عنوان کتاب عرضه کردند.

هفت) نمایشگاه بین‌المللی کتابهای دانشگاهی در اردیبهشت
 ۱۳۶۶ در محل دائمی نمایشگاههای ایران در این نمایشگاه ۳۵ باسر
 معبر بین‌المللی نزدیک به ۷۰۰۰ عنوان کتاب عرضه نمودند، و نزدیک

به ۴۵۰ سریه علمی خارجی نیز به نمایش گذاشته شد
 از این سال به بعد تشکیل چنین نمایشگاههایی رسماً به عهده
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گذاشته شد و مرکز سردارگاهی در
 تمام نمایشگاههای مسانه و نیز نمایشگاههای داخلی کتاب فعالانه
 شرکت حسته است.

مرکز سردارگاهی همواره طبق مقصود هفت دولت جمهوری اسلامی ایران با
 همکاری اساتدان و هیئتهای علمی دانشگاهها و صاحب‌طران دیگر
 اقدام به اسباب و خرید کتابهای علمی خارجی مورد نیاز دانشگاهها و
 مراکز علمی و پژوهشی نموده است و تاکنون بالغ بر ۳۷۲۳۸۲ جلد

۱۵) مرکز سردارگاهی علاوه بر سر کتاب و محله همواره کوشیده است
 اعادکرد و بانی فعالتهای فرهنگی دیگری باشد که جامعه دانشگاهی
 ایران به آنها نیاز مبرمی داشته است از جمله پس از انقلاب اسلامی
 ایران که چند سالی ورود کتابهای علمی و تحصیسی دانشگاهی به ایران
 متوقف شده بود و این توقف باعث گردیده بود که اساتدان دانشگاهها و
 به‌طور کلی اندلسمندان و محققان کشور از جریان دانما بوسونده
 پژوهشهای علمی جهان تا حد زیادی دور و بی‌خبر بمانند،
 مرکز سردارگاهی همت به طرح داد و به ابتکار خود از یک سو به
 تشکیل نمایشگاههای کتابهای علمی و فنی خارجی منادرب و ورید با
 سگاهیان و دانشمندان کشور از تازه‌ترین کتابهایی که در کشورهای
 دیگر اسباب یافته است باخبر شوند، و از سوی دیگر با وارد کردن
 سریه‌تری‌ترین کتابها حتی الامکان به بیاره‌های ایسان باسج کف
 نمایشگاههای کتاب که مرکز سردارگاهی برتب داده است
 عارتند از

یک) نمایشگاه کتابهای علمی و فنی خارجی در خرداد ۱۳۶۲
 دو) نمایشگاه کتابهای ریاضی و علوم کامپیوری در فروردین
 ۱۳۶۳، همزمان با کنفرانس ریاضی در دانشگاه سیرا
 سه) نمایشگاه بین‌المللی کتابهای برسی در اردیبهشت ۱۳۶۳ در

خود را آغار کرد و طی ۱۲ سال گذشته در فیس با حجم انتشارات و سایر فعالیتهای فرهنگی اس، و همچنین در فیس با نهادهای فرهنگی مسانه، مبلغ باحیری از حراة دولت دریافت نمود جدول (۷) و حوه را که مرکز سرداسگاهی اردول دریافت کرده است سان می دهد

جدول (۷)
حوه دریافتی از دولت

سال	مبلغ دریافتی (میرال)	سال	مبلغ دریافتی (میرال)
۱۳۶۱	۶۲۰۰۰۰	۱۳۶۶	۱۳۴۰۰۰۰۰
۱۳۶۱	۱۸۵۰۰۰۰۰	۱۳۶۷	۳۲۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۲	۲۵۰۰۰۰۰۰	۱۳۶۸	۸۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۳	۲۸۵۱۴۷۷۰	۱۳۶۹	۲۵۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۴	۲۱۵۳۸۴۶۱۵	۱۳۷۰	۴۰۰۰۰۰۰۰
۱۳۶۵	۲۰۷۷۵۰۰۰	۱۳۷۱	۲۳۰۰۰۰۰۰

مرکز با این بودجه باحیر، یعنی کلامبلغ ۱،۷۴۶،۲۸۲،۳۱۵ رنال که طی ۱۲ سال از حراة دولت دریافت کرده است، علاوه بر آنکه ۶۶۰ عنوان کتاب با مجموع ۲۱۷۶۳۳ صفحه و برار ۶۰۸۲۷۵۰ سجه و بر کلا ۲۲۳ شماره از ۹ محله علمی و تحصی میار منتشر کرده است و ان خدمات فرهنگی لارمی که دکر سد انجام داده و حدود ۳۰۰ نفر را به کار مسعود داسه است، هم اکنون تقریاً صاحب ۴،۹۱۵،۵۰۰،۰۰۰ ریال دارایی به صورت کتاب و ساحمان و وسایط نقلیه و کاغد و ماسس حروفحسی و اموال و ابرارهای دیگر و حدود ۵،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال دارایی به صورت امیای کتابهای باکون انتشار یافته است بدس بریب، مرکز سرداسگاهی طی ۱۲ سال عمر خود علاوه بر خدمات غیر قابل احسان فرهنگی تقریباً هسب میلارد ریال سود داسه است و اس دیدان می توان گفت که مرکز سر ار اس لحاظ در میان نهادهای انتشاراتی و فرهنگی کشور بی نظیر بوده است.

کلام آخر اگر نه یادآورم که وضع تولید کتابهای داسگاهی در سالهای بیس از انقلاب اسلامی ایران بر حه موال بود و با سران داسگاهی عمدتاً کارگزارانی بودند که فاقد هرگونه سیاست اسارایی بودند و در انتخاب موضوع جهت تألیف نمودن کتاب یا انتخاب کتاب خارجی برای ترجمه کردن آن کمتر نفسی داشتند و منتظر می ماندند تا استادان و محققان کتابی را که خود مقصد و ضروری سحیص داده اند به آنها تحویل دهند، و آن گاه بدون ویراستاری و آماده سازی مس عالبار بارلترس سطحی حروفحسی و صفحه آرایی و حاب و صحافی می کردند، می توان گفت که مرکز سرداسگاهی در تمام مراحل فرایدهای تولید کتاب برای حامة داسگاهی ایران، از انتخاب موضوع جهت تألیف نمودن کتاب گرفته تا ارزیابی کارسسانة کتابهای پیشنهاد شده از سوی استادان و محققان تا ویراستاری و آماده سازی متن و تولید فنی کتاب تحولی اساسی صورت داده است. تحولی که نه یقین فرهنگ ایران از آن بهره فراوان خواهد برد (امار این مقاله به وسیله روابط عمومی مرکز سر تهیه شده است)

کتاب به زبانهای مختلف، و بس از همه به زبان انگلیسی، وارد و توزیع کرده است

۶) فعالیت فرهنگی دیگری که مرکز سر متکر و بانی آن است سکیل سمیایرهای زبان فارسی به منظور کنکاس در مسائل بر فارسی و ویرگیهای زبان علم است

اولین سمیایر نگارس فارسی در امان ۱۳۶۱ سکیل سد و در ان ۱۰ صاحبطر ایرانی حسه های محلی از مسائل بر علمی فارسی را مورد بحث فرار دادند

دومین سمیایر نگارس فارسی، تحت عنوان «زبان فارسی، زبان علم»، در شهر یور ۱۳۶۳ سکیل سد و در ان ۲۴ صاحبطر ایرانی و حبیبی و رانی و هندی و ناکسانی نظر بات خود را ارائه نمودند

سومین سمیایر زبان فارسی، تحت عنوان «مسائل زبان فارسی در هند، ناکسان، و سگلاس» در حرداد ۱۳۶۵ سکیل سد و در آن ۲۵ صاحبطر از ایران و کشورهای سه حریه هند به بررسی مسائل زبان فارسی در ان سه حریه پرداختند

چارمین سمیایر زبان فارسی، تحت عنوان «زبان فارسی و زبان علم»، در اردیبهس ۱۳۷۰ سکیل سد در این سمیایر ۲۸ صاحبطر ایرانی و خارجی سحرایی کردند

علاوه بر سمیایرهای فوق، مرکز سر بر گزار کسده کنفراس فربك ایران در شهر یور ۱۳۶۳ بوده است، و در بر گزار ی کنفراس فربك ایران که در شهر یور ۱۳۶۴ در داسگاه صنعتی اصمهان سکیل سد همکاری فعال داسه است

هنور می توان فهرست فعالیتها و خدمات فرهنگی مرکز سر را ادامه داد و، به عنوان مثال، همکاریهای مرکز سر با داسگاهها و نهادهای بروهسی را بر سرمد بر حی از این همکاریها عارند از کمک به تأسس احمن فربك ایران، و همکاری با اسارات داسگاههای کشور در بررسی و از رسانی بر حمه ها و تألیفهای استادان ان داسگاهها در اوایل انقلاب فرهنگی همچنین مرکز سر در سال ۱۳۶۷ يك ناك اطلاعاتی اتحاد کرد تا نام و سایر مسحصات کتابهای را که در داسگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور در دب تألیف یا بر حمه اند گردآوری کند و اس اطلاعات را در احیار استادان و محققانی فرار دهد که قصد تألیف یا بر حمه کتاب دارند هدف این بودو هسب که از دوباره کاری در امر تألیف و ترجمه کتابهای داسگاهی جلوگیری سود داسگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور با این ناك اطلاعاتی همکاری نمودند و توفیقی که ناك مرور به دب آورد مرکز سرداسگاهی را بر انگخت که ان را در سال گذشته کامیو بری کند

۷) مرکز سر با چند همکار که فقط دو اتاق در اختیار داشتند فعالیت

۱۰) فیریک برای رسته‌های فی / فردریک بیوکی، ترجمه محمد ابراهیم ابوکاظمی؛

۱۱) مانی سیمی بحریه / اسکوک وست، ترجمه هوسنگ حلیلی، عبدالرضا سلاحه، او انعام بحقی؛

۱۲) کتاب الصدیه فی الطب / اوریحان بیرونی، تصحیح، مقدمه و بحسیه از عباس زریاب؛

۱۳) اصلاح نباتات زراعی / بهمن بردی صمدی، سیروس عدم‌مسابی

در مورد کتابهای برگزیده چند نکته را باید متذکر شد. اول اینکه رده‌های ۷ تا ۱۳ یعنی جمعاً هفت عنوان از بیست و هفت کتاب از انتشارات مرکز سردا سنگاهی است. دوم اینکه کتاب ریاضیاتی مقاله‌ای و بحریه و تحلیل خطاها تألیف محمد فلاحی به زبان انگلیسی است و امسال اول بار بود که یک کتاب انگلیسی زبان چاپ ایران به عنوان کتاب سال انتخاب شد. سوم اینکه مولف کتاب تاریخ محلات کودکان، دو سالم است که رجب از میان ما بر سبب است. او یکی از روزنامه‌نگاران برکت و فعال و از محققان در امر انتشارات مربوط به کودکان بود. چهارم اینکه بیست و هفت عنوان کتاب سال امسال از ۲۹۵۲ عنوان، (۱۷۹۵ تألیف و ۱۰۶۵ ترجمه و ۹۴ تصحیح) و به سبب بیست و یک عنوان از اسناد انتخاب شده بود. همچنین برای اول بار چهار ناسر - که مرکز سردا سنگاهی در صدر آنها قرار دارد - به عنوان «ناسر سال» انتخاب و معرفی شدند.

حاشیه در محلی که سخن از برنامه انتخاب کتاب سال و ناسر می‌رود، صحبت از اسرار روزافزون سربازان گوناگون و رنگارنگ به میان آمد. صاحب‌دردی می‌گفت: انتشارات همه سربازان به نفع جامعه و اهل کتاب نیست. نه موجب سبب سروهای سازنده و بددآورنده (از مدیریت و تألیف و ترجمه گرفته تا کارهای اجرایی و چاپ و کاغذ و توزیع و غیره) و نه درگمی خواننده می‌شود و در نتیجه مطبوعات از اتفای رسالت خود که همانا اطلاع‌رسانی سالم و سازنده است، باز می‌ماند.

می‌گفتند البته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ناگزیر است که به موجب قانون به کسانی که دارای صلاحیت‌های مندرج در قانون هستند محور بدهد، و حوضه نظارت دقیق، و از فردریک، بر شقیب ناز همه سربازان بفرمایند غیرممکن است چه خوب می‌شد اگر هر سال برنامه‌ای هم برای انتخاب سربازان سال به اجرا درمی‌آمد تا سربازان به ظاهر و باطن، یعنی سبک و محتوا و شقیب نا، خود، توجیه سبک‌شان دهند از جمله معیارهایی که می‌توان برای انتخاب سربازان سال یا سربازان نمونه، در نظر گرفت موارد زیر است: ناسدی به اصول مندرج در اساسنامه، حفظ شقیب ناز از لحاظ سبک و محتوا و تعالی آن، دقت و سلامت اطلاع‌رسانی، سوانی و سانسکی زبان، میزان مسترکان، نظم اسرار

جشنواره فیلم فجر

ناردهمین جشنواره فیلم فجر که همزمان با دهه فجر در تهران آغاز شده بود، در روز بیست و یکم بهمن در بالار وحدت خانه نافت و بهترن‌های بحسهای مختلف (کارگردانی، فیلمنامه، فیلم، بازیگران و مرد، موسیقی

در ایران، در جهان

جشنهای فرهنگی دهه فجر

ساکرد دهه فجر انقلاب اسلامی ایران همیشه فرصت مناسبی برای فعالیتهای فرهنگی به معنای عام کلمه فراهم می‌آورد. مهرسین فعالیتهای عبارتند از مراسم معرفی کتابهای سال، برگزاری جشنواره فیلم، برگزاری جشنواره سائر، جشنواره علمی حوادمی و غیره.

کتابهای سال

در مراسم معرفی کتابهای سال جمهوری اسلامی ایران که در بالار وحدت و با حضور انبوهی از اسنادان، نویسندگان، محققان و خلاقه‌مندان برگزار شد، بیست و هفت عنوان کتاب در موضوعهای نبات، فلسفه، دین، علوم اجتماعی، زبان، علوم حاکص، علوم عملی، هنر، ادبیات، تاریخ و جغرافیا به عنوان بهترین کتابهای سال معرفی شدند که از آن جمله است:

- ۱) فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران / محمدناظر بحقی؛
- ۲) تاریخ محلات کودکان / منصور حسین‌زاده؛
- ۳) سناح ساسی در قرآن / عبدالله حوادی املی؛
- ۴) قاموس الرجال / محمدتهی تستری؛
- ۵) تاریخ مختصر ریاضیاتی / ترجمه علی محمد حق سناح؛
- ۶) نبات الاس من حصرات القدس / عبدالرحمان حامی، تصحیح محمود عاندی؛

- ۷) نهایه الحکمه / محمدحسین طباطبائی، ترجمه مهدی بدس؛
- ۸) ریاضیاتی مقاله‌ای و بحریه و تحلیل خطاها / محمد فلاحی؛
- ۹) حساب دیفراسیل و انتگرال و هندسه تحلیلی / جورج توماس، اس فیسی، ترجمه مهدی بهراد، سیامک کاظمی، علی کامی؛

متن، فیلمبرداری، چهره برداری، صحنه آرایی) معرفی شدند و حوایر خود را از آقای دکتر علی لاریجانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کردند

واقعۀ حالیه که در حاسیۀ حسواره اتفاق افتاد انتخاب بهترین کارگردان، فیلمنامه نویس و بازیگر به وسیلۀ محله کل افا بود گل افا به هر يك از سه مسجحت خود طی مراسمی ده سكه بهار ارادی اهدا کرد

جشنواره تناتر فجر

یازدهمین جشنواره تناتر فجر از هفدهم تا سب و سوم بهمن در جنبه های زیر برگزار شد نمایشهای وبرۀ کودکان و بوجوانان، نمایشهای کمیدی، نمایشهای وبرۀ بزرگسالان، سمینار بروهسی عبره و بازی نمایشی محلی در پایان این مراسم برندگان رسنه های محلف معرفی شدند و حوایری گرفتند

در برنامه نامانی این مراسم که در تالار وحدت برگزار شد گروه هنرمندان تربت حام به سر برستی علی اکبر قدیمی و کارگردانی اسناد فاروق کیانی نمایشهای محلی خود را در سه بخش ناری ایبی، ناری رومی-پهلوانی، و سنکر گرداری به درگاه خداوند اجرا کردند که مورد استقبال و تحسین فراوان قرار گرفت

جشنواره علمی خوارزمی

در سیمین حسواره خوارزمی، که به معرفی برگردگان علم و صنعت ایران اختصاص دارد، آقای هاسمی رفسنجایی رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، خاطرسان کرد که «اهمیت و ضرورت تحففات در جامعه اسلامی امروز ایران بدر فنه سده است و همه قبول دارند که فقط از راه تحففات می توان به عظمت و اسفلال و سرف دست یافت» در این مراسم نمرات برگزیده در رسنه های تحففات، ابتکار و اجرا، و نیز خندین از داس اموران بجه و سنکر و همجنس سه بی از محففات حارحی (دو ناکستانی و يك نکلادسی) معرفی شدند و حوایری دریافت کردند

زنان محقق نمونه

داسگاه الزهرا در ادامه اسکار خود مبی بر ساسانی و معرفی زبان بوسنده و محقق ایرانی، امسال بیرسی و يك بی را به عنوان محقق نمونه معرفی کرد

همۀ ربانی که معرفی شدند فارغ التحصل داسگاه هستند و تحففاتی در زمینه علوم محلف، از روانساسی کودک گرفته تا طرح احای گارحانگی، انجام داده اند در مراسمی که به همن مناسب برگزار شد وزیر فرهنگ و امورس عالی حوایری به برگردگان اهدا کرد

فعالیت های دیگر

● مجموعه فرهنگی-هنری کودکان و بوجوانان سومین مجموعه فرهنگی-هنری کودکان و بوجوانان در محل دایمی نمایشگاههای بهران تشکیل شد در این مجموعه برنامه هایی از فیل ناتر، نمایش فیلم، نمایش حضوری، کاردستی، سرگرمی و فعالیت علمی و نیز نمایشگاه کتاب ترتیب یافته بود

● نمایشگاه تسحص و مرلب رن در موره هره های معاصر برگزار شد و در پایان آن حوایری به برگدان ایرانی و حارحی اهدا گردید

● نمایشگاه فرس در موره دهبه واسه به ساد مستصعان و حاساران برگزار گردید در این نمایشگاه بود قطعه فرس محفصر به فرد قدیمی به نمایش گذاشته شده بود

● اولین نمایشگاه کتابهای تحفصی نمایش در «تناتر سهر» برگزار شد گفتنی است که فوکی کتابهای نابات هم به نمایش درآمده بود ● يك نمایشگاه کتاب، فیلم و عکس و بوسر و بیرفاسی کودکان در محل بهاد ریاست جمهوری تشکیل شد

● گروه سرود اعرامی بوسی و هره رگوین مسکل از بوجوانان دختر و سر در خند محل، از حمله در بوسنه کهان، سرود اجرا کردند ● سرباب محلف، از حمله محله تنهان فرهنگی يك «سماره وبرۀ اندسه، ادسات و هیر انقلاب» مسر کردند

● در ساری يك نمایشگاه کتاب با سرکت سس از ۲۰۰ ناسر برگزار شد

● نابلوی امر کسر، اثر صبع الملک عفراری، که در رمان خود امر بهبه سده است، در موره باع فس کاسان به نمایش گذاشته شد ● مرکز تحففات حافظ ساسی در حوار آرامگاه حواجه حافظ در سرار افتتاح شد

● سارمان ممرات فرهنگی کسور خند نمایشگاه در موره های محلف بریب داد

- نمایش هیراموران و بوجوانان در موره رضا عاسی،
- سسبه های معاصر ایران در موره آنگینه و سفالیه،
- انار ندهب و سمبر در موره هره های ملی،
- انار مینا بوز ایرانی در موره هره های بریبی،
- ناهنه های عساری-روسایی در موره فرس ایران،
- وسامل روسایی دوران اسلامی در موره ملی ایران،
- هیر معرق و حرم در نگارخانه سعداناد،
- نمایشگاه کتاب در محل دایمی نمایشگاهها،
- نمایشگاه کتاب و هره های سستی مربوط به آن در هیل لاله،
- نمایشگاه امکانات علمی ارمایشگاه در کتابخانه مرکزی داسگاه

● سحمین نمایشگاه دساوردهای تحففاتی داسگاههای کسور در تالار علامه امینی در داسگاه بهران برگزار شد که در آن انار مسکران و متحصصان ۲۵ داسگاه به نمایش گذاشته شده بود

● طی مراسمی که در اصفهان برگزار شد اسامی ۹ تن از داس اموران برگزیده المیاد ریاضی و ۷ تن از برگردگان المساد کامسوتر اعلام گردید این افراد از سرکت در کککور معاف هستند

فعالیت های فرهنگی در خارج از کشور

فرارسیدن دهۀ فجر فرصتی برای گسترش دامنه فعالیت های فرهنگی در خارج از کشور ایجاد کرد که به برخی از آنها اشاره می شود

● نکلادس در داکا، نایتحت نکلادس، يك «سمینار هیر معماری ایران در فیل و بعد از انقلاب» برگزار شد ● ناکستان، نمایشگاهی از آثار نقاسی، خطاطی، میناتور و ندهب

تجلیل ناشر از مؤلف

در مراحمی که در چهارشنبه بیست و یکم بهمن در محل «سر تاریخ ایران» برگزار شد از سیدعلی آل داود، گردآورنده و مصحح کتاب نامه‌های امیرکبیر تحلیل به عمل آمد

میراثی‌خان امیرکبیر در مدت تقریباً سه سالی که صدارت ناصرالدین شاه را بر عهده داشت، کمابیش هر روز نامه‌ای در گزارش اوضاع و احوال برای شاه قاجار می‌فرستاد از این نامه‌ها در حدود ۲۱۰ عدد در اختیار دکتر فریدون آدمیت است که هر خودس کسی از محتوای اینها آگاهی ندارد. تعداد ۳۱۷ نامه هم به طور برانگیزه در اینجا (از جمله ۲۶۰ نامه در کتابخانه مجلس) موجود بوده است که سیدعلی آل داود اینها را گردآوری و همراه با خلاصه ۴۴ نامه امیر خطاب به شخصتهای محلی و سر رساله‌ای به نام نوادرالامر، تألیف سیح المسامح امیرمعری، با مقدمه و توضیحات به حیات رسانده است. سر تاریخ ایران که تاکنون این کتاب است به مناسب انتشار آن مراسمی با حضور گروهی از استادان و نویسندگان برای معرفی مصحح کتاب و تحلیل آن برگزار کرد.

کنفرانس آموزش، پژوهش و کاربرد کامپیوتر

به منظور تبادل افکار، اطلاعات و تجربیات کارشناسان و صاحب نظران ایرانی در زمینه کامپیوتر، شهرآورد «آموزش، پژوهش و کاربرد کامپیوتر در ایران» در دانشگاه ملی تهران به مدت سه روز برگزار شد. در این کنفرانس شرکت‌کنندگان در زمینه‌های مختلف، از جمله مسائل مفاهیم علمی، تحقیقی، کمک کامپیوتر، سیستم تحلیل کننده، رایفیک، بررسی آموزش دانشگاهی علوم کامپیوتر در ایران، آموزش دسپای کامپیوتر، بررسی زبانها و برنامه‌ریزی آنها، کاربرد کامپیوتر در کنترل الودگی هوا، کاربرد کامپیوتر در برنامه‌ریزی ترویجی، نقش کامپیوتر در بررسی و مانند اینها ابراز شد.

همزمان با برگزاری کنفرانس نمایشگاهی از تازه‌ترین نمونه‌های سرفه تکنولوژیکی کامپیوتر در محل کنفرانس تشکیل شده بود.

مجلس یادبود استاد ابروسو

به مناسب درگذشت عالم و فیلسوف و اسلام‌شناس حلیل‌القدر راسی، بروفسور نوسیهیکو ابروسو مراسم یادبودی در بروهسکده حکمت و ادیان برگزار شد که جمعی از استادان، دانشجویان و علاقه‌مندان در آن شرکت کردند.

بروفسور ابروسو در سال ۱۳۴۴ در کانادا با دکتر مهدی محقق آشنا شد، دو سال بعد از آن به ایران آمد و با سال ۱۳۵۷ که از ایران رفت به در خانه محقر خود و به در محل احسن حکمت و فلسفه به تدریس و تالیف پرداخت.

در مجلس یادبود آن بزرگ مرد دانی افایان دکتر نصرالله بورحدادی، دکتر غلامرضا اعوانی و استاد عبداللہ بورانی درباره دانی و سنجایی اخلاقی آن رواساد سخن گفتند و خاطرات حوسی را که از او داشتند بیان کردند.

درگذشت بروفسور ابروسو تقریباً از جسم و نظر اهل علم ایران و مطبوعات فارسی بوسیده ماند الا آنکه رورنامه همسپری همت کرده

هرمندان ایرانی و نیز نمایشگاه عکس مقام و منزلت آن در نظام جمهوری اسلامی ایران در لاهور تشکیل شد. علاوه بر این در این شهر یک هفته نمایش فیلمهای ایرانی برگزار گردید.

● سوریه نمایشگاهی از ۴۵ نقاشی و مساتور دو نابوی هرمند برای - سودانه بهارلو و سعیده سلماسیان - به مدت یک هفته در دمشق برگزار شد. همجنس یک نمایشگاه حاوی هزار عنوان کتاب به زبان عربی از نویسندگان ایرانی و عرب تشکیل شد.

● بلژیک در نمایشگاه بین‌المللی هر عکاسی که با شرکت ۴۰ کشور در بلژیک برگزار شد، سس قطعه عکس از سس عکاس ایرانی به نمایش گذاشته شد.

● بلغارستان هفته فیلم ایران در سینما ادنون صوفیه، پایتخت بلغارستان، با حضور چندین از هرمندان ایرانی - از جمله دارنوس مهرجوی و اکبر عدتی - برگزار شد.

● آلمان فیلم «ار کرچه تاراس» ساخته ابراهیم حاتمی کیا در مونیخ، چند شهر دیگر به نمایش درآمد. همجنس چند قطعه فرس ایرانی در نمایشگاه بین‌المللی فرس هاوور به نمایش گذاشته شد که از میان آنها فرس «بوستان» توجه بازدیدکنندگان را جلب کرد. این فالیجه کل برجسته دارای دو میلیون و ۹۴۰ هزار گره و در قطع ۱۵۰×۲۳۰ نمایشگر است و سس سال و سس صرف ناف آن شده است.

علاوه بر اینها اولین مدرسه منعلی به دولت جمهوری اسلامی ایران در ۶ هزار مارك خریداری شده است، در آن افتتاح شد.

● یونان هفته فیلم ایران با همکاری مرکز فرهنگی ایران در یونان و وزارت فرهنگ آن کشور، در آتن برگزار شد.

● اوکراین اولین نمایشگاه انار تصویرگران کتاب نود و یک افک ایران در شهر کی‌یف برگزار شد و مورد استقبال فراوان قرار گرفت.

چند خبر دانشگاهی

● دومین کارگاه علمی بین‌المللی هندسه و جبر وابسته به مرکز فزیک نظری و ریاضیات سازمان انرژی ایران، با شرکت گروهی استادان و دانشجویان ایرانی و چند کشور دیگر در تهران تشکیل شد.

● آزمایشگاهها، آمفی تئاتر و سلف سروس دانشگاه ترستاری و ممایی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در تهران افتتاح شد.

● طرح تأسیس نخستین هرستان تصویری و نمایشی ایران به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید.

● در «کارنامه بروهسی دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی وابسته در سال ۱۳۷۰» که به وسیله دفتر امور پرورشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی انتشار یافت، ذکر شده است که در سال فوق‌الذکر ۴۸۱۰ طرح و پایان نامه تحقیقاتی در دانشگاهها تصویب و اجرا شده است. ● نخستین دانشگاه کار کشور در حرمدره افتتاح شد. این دانشگاه مرتب از سح دانشکده است.

● مجتمع دانشگاهی بیرجند به دانشگاه تبدیل شد. این دانشگاه که در سال ۱۳۵۴ تأسیس شده است اکنون دارای ۲۵۰۰ دانشجو در ۱۴ رشته فو دیلم و لیسانس است.

● نخستین دوره کاردانی و کارشناسی مرکز آموزش عالی کتابداری کتابخانه ملی ایران به وسیله دکتر محمد حاتمی افتتاح شد.

بود و در تاریخ ۲۸ بهمن يك صفحه به شرح احوال و آثار آن مرحوم اختصاص داد

سپس کتاب اول این مجموعه (اثر اسکاوت هیتس حرالد. کوبدرا، لوکاج، الیوب، مل ویل، استدال) در بهار ۱۳۷۲ منتشر می‌شود

نمایشگاه اسناد وزارت امور خارجه

وزارت امور خارجه همزمان با مولود امام دوازدهم (عج) و چهاردهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی نمایشگاهی در محل «دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی» در بیاوران تشکیل داد و ضمن آن اسنادی را در موضوعات زیر به نمایش گذاشت

- اسناد مرکزی و قفقاز،
- مستخدمین خارجی در ایران دوره قاجار،
- حمایت از اقلیت‌های مذهبی،
- تسلیم اسوارنامه‌های سفران و ورزای محار،
- عکسهای از نقشه‌های قدیمی خلیج فارس،
- عکسهای از سباه و مدالهای قدیمی

دفتر مطالعات وزارت امور خارجه تا شون ۱۵ خرداد اسناد بایگانی خود را منتشر کرده است

سمینار بررسی ادبیات کودکان و نوجوانان

دومین سمینار بررسی ادبیات کودکان و نوجوانان در محل موزه فرس ایران در بهران برگزار شد و ضمن آن مباحثی مانند بحث در زمینه ادبیات داستانی، فابری و محققان آن، فلسفه حواص در ادبیات کودکان، بیوهای ادبیات داستانی و فیلم کودک و مورد بحث قرار گرفت. در این سمینار گفته شد که «وضع سر کتاب در سالی که گذشت بسیار نامطلوب بود و وقتی که وضع سر خوب نسبتاً نوسندگی برای کودکان و نوجوانان در جامعه ما نمی‌تواند مطرح باشد»

بازار در فرهنگ و تمدن جهان اسلام

بازار، در جهان اسلام، غرضه زندگی و نمونه کامل و گویای رفتار 'جامعه ریسی'، انسان و جایگاه منادلات اقتصادی، نقل و اسفال فرهنگی و تماسهای انسانی و به طور کلی قلب بنده شهر است به همین دلیل در دربار نوحه نوسندگان و ساحان و بروندگان مسلمان و غیرمسلمان را به خود جلب کرده و موضوع دهها و صدها کتاب و رساله و مقاله شده است

در عین حال هنوز هم مطالعه جامع و مانعی در این زمینه انجام نگرفته است به همین دلیل 'سناد دایره المعارف اسلامی' به فکر انباده است با در اوایل مهرماه آینده يك سمینار بین‌المللی در مورد «بازار در فرهنگ و تمدن جهان اسلام» در دانشگاه تبریز برگزار کند و در این زمینه از همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور و دانشگاه تبریز برخوردار خواهد بود علاوه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با سانی رر تماس بگیرند تهران ۱۴۱۶۶، صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۸۸۵

ترجمه دایره‌المعارف ادبیات جهان

دایره‌المعارف ادبیات جهان که در سی جلد به وسیله انتشارات اسکرپریر به زبان انگلیسی منتشر شده است، به وسیله گروهی از مترجمان با سانه ایرانی به فارسی در آمده است و از سال آینده به وسیله نشر سمر به بازار می‌آید

آثار برگزیده کتاب کودک در سال ۱۳۷۰

گروههای بررسی شورای کتاب کودک سن از بررسی ۲۵۷ اثر، ۱۰۹ اثر را قابل طرح در مجموعه آثار برگزیده کتاب کودک در سال ۱۳۷۰ تشخیص دادند و از میان آنها دست‌نویس‌ها و کتابهای زیر را به عنوان آثار برگزیده سبب مختلف معرفی کردند

- برزغال من (ترجمه)، در بهار خرگوش سفیدم را یافتیم، معدن
رغال سنگ کجاست؟ امرا توری سبب رمیی چهارم، افای هساو عریر
(ترجمه)، گردش اسرار امیر در بدن انسان (ترجمه)

● ایتالیا

کنفرانس «شرق و جهت تاریخ»

دانشگاه لاسانی برای زم در روزهای اول ادر امسال، کنفرانسی برای بررسی وضع 'مشرق و جهت تاریخ' برگزار کرد که در آن استادان و محققان هند کشور، از جمله ایران، ایتالیا، اندونزی، المان، امریکا، ترکیه، حبس، لبنان و هندوستان شرکت کرده بودند.

در این کنفرانس از ایران افای ارجح افسار مقاله‌ای با عنوان «مارتیکاری فارسی» ارائه داد، و بروفسور بیولی (moli) درباره «هوب ایرانی همچون يك مسأله تاریخی سرا عار آگاهی ملی در عصر هجامانسان» سخن راند بیولی فلا کانی با عنوان ایران / Iran به زبان انگلیسی نوشته است

● هندوستان

ترجمه «الغدير» به زبان اردو

کتاب حجم و نفیس و کم نظیر العدر، تألف علامه امینی به زبان اردو ترجمه و چاپ شده است

ترجمه اس ابر عظیم به وسیله مولانا سیدمحمد ناصر موسوی، داسمند کسمیری، و از روی ترجمه انگلیسی العدر انجام گرفته است ترجمه انگلیسی العدر در دو جلد به دست دکتر علاءالدین بازارگادی صورت گرفته بود

هدف از ترجمه و انتشار العدر به زبان اردو اسناد کردن داسمندان و محققان اردو زبان با این اثر عظیم است

● ترکیه

دانشجویان ایرانی مقیم ترکیه

از گزارشی که «مرکز سجن و گریس داسجو در ترکیه» اخیراً اسناد داده است حبس برمی‌آید که در حال حاضر ۱۱۵۹ دانشجو ایرانی در ترکیه به سر می‌برند که عمدتاً در رشته پزشکی تحصیل می‌کنند در سراسر ترکیه بالغ بر ۱۷ هزار داسجو از ۸۰ کشور جهان به تحصیل اشتغال دارند که بیست‌ترین رقم آنها را دانشجویان قبرسی (۲۵۲۵ نفر) تشکیل می‌دهند سن از فرس، دانشجویان ایرانی،

یونانی، بلغاری، سوربایی و سودانی به ترتیب دارای بیشترین ارقام هستند

● هندوستان

تأثیر فارسی و عربی بر گجراتی

نأیر رانهای فارسی و عربی بر زبان گجراتی عنوان کنایی است که استاد فقید، سی آر نایک، استاد دانشگاه احمدآباد به زبان انگلیسی بآلف کرده بوده و ترجمه فارسی خلاصه آن حلدی بیس باهمین عنوان به وسیله خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در بمبئی، حاب و منتشر شده است

این کتاب دو حلدی حاوی مباحث زیر است خلاصه‌ای از تاریخ ایران، معرفی زبان و خط و ادبیات ایران، ورود ایرانیان و عربها به گجرات (در شمال غربی هند)، کلمات عربی و فارسی در گجراتی، نأیر زبان فارسی بر زبان گجراتی، مذاکرات پارسیان با حاکم گجرات، موبه‌هایی از فصاید، عربیات و رباعیات فارسی، اسامی جغرافیایی

● لهستان

مطبوعات ۴۵۰ ساله

مطبوعات لهستان از کهنسال‌ترین مطبوعات جهان به شمار می‌رود برا که تاریخ انتشار آنها به مانه قرن شانزدهم میلادی می‌رسد قدمی‌ترین سریه‌ای که در لهستان منتشر شده اخبار اسانول نام دانه که در سال ۱۵۵۰ (۹۵۷ هـ.ق)، در عهد شاه طهماسب اول شروع به انتشار کرده و با مانه قرن هجدهم ادامه یافته است اما قدمی‌ترین سریه لهستانی که هنوز هم منتشر می‌شود مرکوری‌پور بولسکی (عطارد لهستان) نام دارد که در رابونه ۱۶۶۱ (حمادی‌الاول ۱۰۷۲ هـ.ق) آغاز به انتشار کرده است

در اوایل قرن حاضر (یعنی در سال ۱۹۰۵ و مقارن با انقلاب مسروطه در ایران) ۵۰۰ عنوان سریه در لهستان منتشر می‌شده است، در ۱۹۳۷ س.رقم به ۲۶۰۰ عنوان رسید اما اسعال لهستانی به وسیله ارس سرح موجب محدودیت عوانها و برار سریات شد و همه مطبوعات در سانسور حزب کمونیست قرار گرفتند

بر سرار برین سریه لهستان گارتاویوررا نام دارد که در رانه ۵۷۰ هزار نسخه از آن به فروش می‌رسد

● ترکمنستان

امضای تفاهم نامه همکاریهای فرهنگی

در پایان سفر آقای دکتر علی‌اکبر ولایتی به جمهوری ترکمنستان یک تفاهم نامه همکاری حد خانه در ۲۱ ماده میان دو کشور به امضای رسید که در آن بر همکاریهای فرهنگی تأکید خاص شده است

به موجب این تفاهم نامه ایران و جمهوری ترکمنستان به منظور گسترش مساسات فرهنگی و حبری دو خانه با تأسیس مراکر فرهنگی و دفاتر حررگراری در باینتهای یکدیگر موافقت کردند همچنین با توجه به مشترکات فرهنگی، تاریخی و دینی دو کشور، بر لزوم همکاری میان

کتابخانه‌های ملی دو کشور و مراکر تدوین تاریخ جمهوری ترکمنستان تأکید شد علاوه بر این دو کشور در مورد مبادلۀ استاد و دانشجو به تعداد ۵۰ نفر در سال و اعزام استادان ایرانی برای آموزش رانهای فارسی و ترکمن به توافق رسیدند

ع. روح‌بخشان

درگذشت آلبرت حبیب حورانی

البرت حبیب حورانی، مورخ و محقق نامدار مسیحی مطالعات حاورمیانهای (که گاهی مطبوعات استنها نام او را حورانی می‌نویسند) در روز ۲۴ رابونه ۱۹۹۳ / ۲ هجری ۱۳۷۱ در سن ۷۷ سالگی در شهر اکسفورد انگلستان جسم ار جهان فرو بست مدرس در سال ۱۸۹۱ ار مرعبیون، در حبوت لبنان، به محستر کوچده بود، و او در ۳۱ مارس ۱۹۱۵ در هجری شهر از بدر و مادری لبنانی راده شد وی س.ار محصل در مگدال کالج دانشگاه اکسفورد، در حلال حبک جهایی دوم در دفابر وزارت خارجه انگلیس خدمت کرد ار ۱۹۲۸ تا ۱۹۵۸ عضو هیئت علمی مگدال کالج بود، و ار سال ۱۹۵۸ به بعد در حالی که عضو هیئت علمی کالج سب انوبی اکسفورد بود، مدیریت مرکز مطالعات حاورمیانهای دانشگاه اکسفورد را بر عهده داشت وی ار ۱۹۵۱ تا ۱۹۷۹ در رسه «تاریخ حدید حاورمیان» (که در عس حال عوان یکی از احرس کتابهای او س.ر هست)، در دانشگاه اکسفورد، و بر به مقاریق در دانشگاه امریکایی سروب، دانشگاه هاروارد، دانشگاه سیکاگو و برخی دیگر ار دانشگاههای معسر اروپایی مدرس کرده بود مرحوم حمید عنایت در کالج سب انوبی حد صناعی عهده‌دار بقصدی همان کرسی‌ای بود که البرت حورانی در احسار داشت حورانی در طول حادین کتب و مقالات متعددی مسسر ثرد که برخی ار آنها همچنان مزار و قابل بوجه است قفیه شده است نه مانه انتشار و برحسگی او در جهان عرب همانا کتاب *The Arabic Thought in the Liberal Age* (۱۹۶۲) بوده که تحت عوان *الفکر العربی فی مرحله البهقه* به زبان عربی ترجمه شده است احرس اثر او که ظاهر اندکی سس از وفاس ار تآلیف آن فراغت یافته، کسب *A History of The Arab Peoples* (۱۹۹۱) است که بعد از سعه‌ور شدن حبک امریکا با عراق بر سر کوبت در لسب بر فروش برین کتابهای امریکا جای گرفت (این کتاب در حال حاضر در دست ترجمه به زبان فارسی است) سایر آثار او ار حمله عارند ار *Minorities in the Arab World* (افلتها در جهان عرب، ۱۹۲۷)، *A Vision of History* (تأملی در باب تاریخ، ۱۹۶۱)، *Europe and the Middle East* (اروپا و حاورمیان، ۱۹۸۰)، و *The Emergence of the Modern Middle East* (طهور حاورمیان حدید، ۱۹۸۱) یکی از احرس کتابهای او مجموعه مقالات سیار قابل توجهی است که تحت عوان *Islam in European Thought* (اسلام - اندیشه اروپایی) در سال ۱۹۹۱ فراهم آورده بوده است این کتاب توسط نگارنده همین سطور در دست ترجمه به فارسی است و یک مقاله از آن تحت عوان «دایره المعارف سستانی» در شماره بیس س.ر دانش به نظر خوانندگان رسید

مرتضی اسعدی

مثنوی مشهور

مولانا جلال الدین محمد بلخی
مشهور به رومی

چاپ عکسی از روی نسخه خطی قونییه (موزه مولانا)

تایخ کتابت: ۶۷۷ هجری قمری

این نسخه مثنوی شریف که مرکز نشر دانشگاهی برای اولین بار توفیق طبع و نشر آن را به صورت عکسی پیدا کرده است، قدیم‌ترین متن کامل مثنوی است که اصل آن در قونییه، در بریتانیا، نگه‌داری می‌شود. ریتر، خاورشناس بزرگ آلمانی، این نسخه را «یک نسخه با عظمت» خوانده و نیکلسون، مصحح معتبرترین متن چاپی مثنوی، پس از دستیابی به آن در تصحیح بقیه مثنوی یکسره بر آن اعتماد کرده است. این نسخه از روی پیش‌نویس‌هایی که در محضر مولانا قرائت شده، پس از تصحیح و تنقیح سلطان ولد فرزند مولانا و حسام‌الدین چلبی حلیفه او به دست کاتبی دقیق و با سواد به نام محمد بن عبدالله قونوی نوشته شده و استتساخ آن که دو سال پس از رحلت مولانا آغاز شده در سال ۶۷۷ هجری به پایان رسیده است. در اهمیت این نسخه همین بس که در طول قرون گذشته حانشینان و مریدان مولانا برای آن احترامی در حد تقدس قابل بوده‌اند و به همین سبب از آسیب‌هایی که معمولاً بر اثر گذشت زمان بر نسخه‌های خطی وارد می‌آید تا اندازه زیادی در امان مانده است. مرکز نشر دانشگاهی مفتخر است که با این کار توانسته است نسخه‌ای را که تاکنون تنها معدودی از اهل تحقیق سعادت زیارت آن را داشته‌اند زینت بخش کتابخانه‌ها و خانه‌های همه دوستداران زبان فارسی و عاشقان مولانا سارد



روی جلد محراب کاسی (معلق به دوره انحای)

نشر دانش

سال سیزدهم، شماره سوم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲

مدیر مسئول و سردبیر نصرالله پورجوادی

سرد

فرهنگستان و مسئله واژه‌های بیگانه نصرالله پورجوادی/احمد سمعی ۲

مقتار

بهار بیگان
شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۹) علی اسرف صادقی ۹
دوران ترجمه و اقتباس ادبی در ایران حولی میمنی/مجید ملک‌ان ۱۶
نکته‌ای چند درباره اصطلاحات معماری حبیب معروف ۲۶

نقد و معرفی کتاب

یکانی درباره تاریخ عکاسی ایران
اهتمامی در محور ستایش
شرح استدلالی بر «عروة الوثقی»
سرور سار ۲۸
محمد ملک‌ان ۳۶
احمد خاندی ۳۹

کتاب‌های برگزیده

زبان «ده کوه»
دو اثر جدید ایرانشناسی
برحمة، تاریخ، فرهنگ
دیوها و کلیساهای حلقای اصفهان
فرهنگ فشرده رمبشناسی روسی به فارسی
نظر احتمالی به چند کتاب چاپ خارج
سعدی فرهنگ سامدی و واژگانی هراریت
سیاحت‌های شرقی
گروگانهای آمریکایی در تهران
حسرو ناهد ۲
احمد بقعی ۲۲
علی صلحجو ۲۶
حبیب معروف ۲۸
علی کافی ۵۰
۵۲

نشر کتاب

کتابهای تازه، معرفی ستاره‌های علمی و فرهنگی امید طبیب‌زاده ۵۲

خبر

در ایران، در جهان ۶۷

نام

۷۶

پیشینه پژوهش

فرهنگستان و مسئله
واژه‌های بیگانه

لوازم و ابزارهای جدید وارد زندگی ما ساخته و از طرف دیگر ما را با اندیشه‌ها و عقاید و روحیات نو آشنا کرده است حتی مساببات و رفتارهای اجتماعی و سازمانها و نهادهای اجتماعی ما در حال دگرگونی است این دگرگونیها در زبان ما، که وسیلهٔ تفکر ما و ارتباط ما با یکدیگر است، عمیقاً اثر گذاشته است. زبان فارسی، مانند همهٔ زبانهای اصل و برسانه، در اصل متعلق به تمدنی دیگر بوده و برای بیان اندیشه‌ها و عقاید و حالات و رفتارهای دیگری شکل گرفته است توقعات تازه اقتصاد دارد که جان تازه‌ای در این زبان دمیده شود تا بتواند در عصر حاضر وظایف زبانی رده و برتحرک را ادا کند

فکر ایجاد دگرگونی در زبان فارسی نزدیک به يك قرن پیش در میان اندسمندان ما پیدا شده است کسانی که تعبیر خط را بسپهاد می‌کردند در واقع در پی ایجاد دگرگونی در زبان بودند حوسختانه بیسپهاد آنان مفهول سفتاد، حه مسکل اصلی زبان فارسی مسکل خط بود و با تعبیر خط به تنها مسکلی حل نمی‌شد بلکه مسکلات فرهنگی بررگی بدید می‌امد

اکنون بر عده‌ای آگاهانه به آن جهت گرایش دارند که تازه‌ای از الگوهای ساختی زبان فارسی را تغییر دهند به اس امید که در این زبان تحرك لازم ایجاد کنند متأسفانه عملاً بر صاحب زبان فارسی امروری به تأثیر ناحوس ترجمه‌های نابه‌چار بیس از بیس از صاحب زبان فارسی کلاسیک فاصله می‌گردد

در حقیقت، آن تحرك سالم و بر بخشی که در زبان فارسی باید بدید آید بیستر مر بوط می‌شود به اختیار معادلهای فارسی برای واره‌های فرنگی. این بیار، بخصوص از هفتاد هشتاد سال پس احساس شده و برای ناسجگویی به آن بوده است که «فرهنگستان ایران» در خرداد ماه ۱۳۱۴ تأسیس شد فرهنگستان زبان و ادب فارسی بیر ما همین مسائل زبانی و فرهنگی روبروست که از میان آنها حادثترین مسئله ساند مر بوط ناسد به واره‌های بیگانه که هجوم آنها به زبان فارسی در سالهای اخیر سبات بی سابعه و فوق العاده‌ای پیدا کرده است

فرهنگستان از ابتدا مسئلهٔ معادل‌یابی برای واره‌های بیگانه را یکی از مسائل اساسی خود تلقی کرده است به همین دلیل، پس از ایجاد تسکیلات اداری و تسکیل گروههای تحقیقی، در جلسات سورا به این مسئله پرداخته است. ابوه واره‌های علمی تازه و افرایس رورافرون آنها طبعاً ایجاب می‌کرد که بخشی از فعالیت واره‌یابی به این دسته از

حدود سه سال از تأسیس «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» می‌گذرد و در این مدت سورای آن پس از چهل جلسه تسکیل داده است جلسات اولیه، که گاه با فاصله‌هایی سسناً طولانی معقد می‌شد، به بررسی مسائل مفدماتی و تعریف حد و حدود وظایف گذشت پس از اسحاب اعضای جدید و تعین رئیس، جلسه‌های سورای فرهنگستان مر ساهر دوهفته يك بار تسکیل شده است بررسی و اصلاح اساسنامه، تهیه و تصویب این نامهٔ داخلی، تصویب تسکیل گروههای کار و تعین اعضای آنها از جمله کارهایی بوده است که حدیدین جلسهٔ سورا به آنها اختصاص یافته است از جمله گروههایی که مفدمات تسکیل آنها کم و سس فراهم گشته باید از گروههای فرهنگ نویسی، واره‌گرسی، دستور و سنوهٔ املایی زبان فارسی، تحقیقات ادبی، زبانهای اترایی، گوس ساسی و ستر مبون فارسی نام برد نارسال ساحتمایی در حمانان بحارست به مقر فرهنگستان اختصاص یافت که هم‌اکنون، در آن، کتابخانه و وسائل تحقیق برای محققان با حدودی آماده گشته و بعضی از گروهها نواسته‌اند فعالیت خود را اعار کنند

مسائل امروری زبان فارسی متعدد و بیحیده است. توقعاتی که ما از این زبان داریم درحدی است که فارسی زبانان در گذشته تصور آن را هم نمی‌توانستند نکند ما امروز با تمدنی محهر به فرهنگ و تفکر و علوم و تکنولوری قدرتمند مواحیم که داعهٔ سلطهٔ بلامارح بر جهان اساسی دارد در حقیقت، ما حواه و ناحواه به فرهنگ و تمدنی جهایی پیوسته‌ایم و همهٔ سنون زندگی ما کم و بیش تحت تأثیر این فرهنگ و تمدن فرار گرفته است. تمدن حدید از يك طرف

اصطلاحات اختصاص یابد ولی این کار بدون همکاری حدی منخصصان و مساوره با آنان عملی نیست در عین حال، کار برد سماری از واژه‌های علمی و فنی از حیطه داسگاهها و مؤسسات بروهسی و کتابها و مقالات و اسناد و مدارك علمی فرار می‌رود و نه عرصه زبان رایج عامه مردم و مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی وارد می‌شود و استعمال سایع پیدا می‌کند و همین کاربرد وسیع و بردامه و برسامد است که مشکل آفرین می‌گردد از این‌رو فرهنگستان در صدد برآمده است که، با بررسی حراند و مجلات و برنامه‌های صدا و سما، فهرست حامعی از این گونه واژه‌ها تهیه کند و اس کار را آغار کرده است

در احرای این برنامه مرم نکته‌هایی وجود دارد که سایسه است مورد توجه فرهنگستان فرار گردد:

روند عملیاتی که فرهنگستان برای حل مسئله واژه‌های بگانه اختار کرده کند است و برای حران اس کندی استعاب از اهل ران ضرورت دارد فارسی‌رانیان، ماند سحنکونان هر ران دیگری، از سم رانی سالم بر حوردارند؛ حناحه با نه امور سر عامه مردم و ارباب حرف و صناع با همین سم سالم برای ساری از اصطلاحات بگانه معادل‌های مناسب و مقول ساحه‌اند که نه طور طبیعی و بدون هحنگو نه تحمل اداری و بهادی رواج بافه است فرهنگستان در وهله اول سایسه است از معادل‌هایی که اهل ران ساحه‌اند و بدرفته‌اند و با طبع ران فارسی بر سارگاری دارد اکاهی حاصل کند، اگر بقاعده یافت، بر انها صحنه گدارد در مورد اس دسه از واژه‌های فرنگی بر که هور معادل فارسی مطلوب ندا نکرده‌اند می‌توان بار از اهل ران و اهل فن در رسه‌های کوناگون دعوب کرد با سسهادهای خود را برای فرهنگستان فرسند تا امکان انتحاب از میان انها حاصل گردد و فرهنگستان حتی المقدور خود از واژه‌ساری معاف شود

هم اکون در سارمانهای حدمانی و بولندی بررگ و کوحک کسور ما، ماند راه‌آهن، سرک نفت، مجمع فولاد، محاراب، صدا و سما هرازان هراز ارار و کالا و مواد و مصالح و عملیات و حریان عملیاتی و وظایف و عملکردها و واحدهای سارمانی وجود دارد که عموماً بر آنها نامهایی فارسی بهاده سده است گردآوری این نامها در اختیار و تسب با اصلاح ساری از معادلها نه فرهنگستان کمک مؤثر و حدی خواهد کرد

نکته دیگر اینکه ران فارسی تنها از جهت هجوم واژه‌های بگانه در معرض خطر نیست در حصف، حدیتر بی بهدید از ناحیه دیگری متوجه ران ماسب و آن از ناحیه مترحمان

نااهلی است که ساحب صرفی و بویه ساحب نحوی ران فارسی را با سایه بعیر می‌دهد و ساختهای غیردستوری وارد ران معیار ما می‌سارند همن حریان است که سلامت سم رانی سسل حوان ما را سحت تهید می‌کند، اگر ادامه یاند، رفته‌رفته این سسل را با مراب ادبی و فرهگی خود بگانه می‌سارد. فرهنگستان برای مقابله با اس آف عظیم باید داسری سدسد اس سماری سستر از راه مطبوعات و رسانه‌های گروهی دیگر نه صورت همه‌گر در می‌آند حوسحنانه در سارمان صدا و سمای جمهوری اسلامی ایران نه این مسئله توجه سایسته مدول سده است لکن دامنه تحاور نه حریم ران فارسی وسیعتر از ان است که تنها با اقدامات آن سارمان توان حلوی ان را سد کرد نه نظر می‌رسد که اقدامات سسگرانه اصلی باید از ناحیه سارمانهای آمورسی بویه در سطح راهممانی و دبستان صورت بدیرد. نفس اساسی فرهنگستان ران و ادب فارسی در کله اس سئون آن است که، ر محط رانی و در سارمانها و بهادهایی که در تحول ران فارسی سهم عمده دارند حساسیت لارم سست نه حفظ سلامت و بقوب سیه ران ما ایحاد کند، اس سارمانها را نه اقدامات مؤثر در جهت مطلوب تسوبی نماید و، بخصوص، با سارمان دادن سادل بحارب، نه آنها در اس راه کمک رساند

نکته مهم دیگری که بدگر ان ضروری می‌نماید نه فسارهایی مربوط می‌شود که از خارج، از ناحیه افراد یا سارمانها و بهادها، نه فرهنگستان در اس رمنه وارد می‌شود اس فسارها، حواه از سر دلسوری سست نه ران فارسی ناسد حواه از سر سار و حواه نه اعراضی دیگر، از سالم و ناسالم، ساند فرهنگستان را وادار سارد که دست نه اقدامات عحولانه برید و بدون طی مقدمات و رعایت اسلوب و روس در سست نه صادر کردن مقنناتی سادرب وردد حوسحنانه با کون سورای فرهنگستان فارغ از تأنر اس فسارهای روانی، که احنا با در مطبوعات بر انعکاس بافه، روس مقول خود رانی گرفته و کنب را فدای سرعب نکرده است. نه نظر مادر همن سوه ناند مداومت سان داده شود بهاب اسکه برای حوانگوبی نه بوقعات و سارهای رانی حامعه می‌توان از بروهای دحیره فرهگی موحود کمک گرفت نفس اصلی فرهنگستان باید این ناسد که این بیروهارا نه حرک در آورد و آنها را نه محاری سالمی هذاب کند نامه فرهنگستان، که امید می‌رود برودی انتشار یابد، در اس رمنه نفس اساسی حواهد داسب

نصرالله پورجوادی / احمد سمعی

علامه محمود بن عمر زمخسری ملفف به «حارالله» (۴۶۷-۵۳۸ هـ) از دانشمندان بزرگ دینی و ادیبان نامدار ایرانی است که با تفسیرش، کساف، شهرت جهانی دارد. تصنیف مهم و برجسته او، که بعد از کساف (یعنی بعد از ۵۲۸ هـ) نوشته، ربیع‌الابرار است که از جمله خنک‌های مشهور ادبی است و بویژه از سه جهت اهمیت دارد

□ ناکره بودن آن از هرزه‌نگاری و همجنس‌حرافات و عجایب

□ استعمال بر یکانی از تاریخ و آداب ایران قدیم و لغات فارسی

□ احوای آن بر احادیثی در فضایل اهل بیت که از دیدگاه معتزله و اهل سبب نیز قابل استناد است.

سایده سبب وجود همین احادیث (مخصوصاً آنچه در فصح دستان اهل بیت بوده) در ربیع‌الابرار، بعضی زمخسری را سعه انگاشته‌اند ما در جای دیگر به تحقیق رسانده‌ایم^۱ که احتمال قوی هست زمخسری در اواخر عمر به سیع‌ریدی گرایش یافته باشد که با اعتقاد معتزلی او بر سارگار است و همجنس‌نمایی به عرب و نارسایی و نوعی عرفان معتدل پیدا کرده که نقل احوال رها در ربیع‌الابرار حلوه‌ای از این تمایل می‌تواند باشد. در این گفتار برگزیده‌ای از بعضی نکات و لطایف ربیع‌الابرار، بر آورده و برگزیده‌ای از بعضی نکات و لطایف ربیع‌الابرار، بر نظر خوانندگان می‌گذرد^۲

□ سلمان فارسی گوید من برای جواب خود را به محاسنه می‌کشم همچنانکه برای بیداری (۳۹/۱)
□ نکر بن عبدالله مری گفته آن که با دیباطلی می‌سازد
خوید همچون کسی است که با حاساک اتس خاموس کند (۴۵/۱)

□ یحیی بن معاد گفته دیبا دکان سلطان است، حیری اردکان
او بر مگیر و گره از بیت می‌ستاند و گرفتار می‌سازد (۵۳/۱)
□ جمعی از راهبان و فقیهان برد راعه بودند و دنیا را می‌نکوهیدند و او خاموس بود، خون سخن تمام کردند راعه گفت. هر کس هرچه را دوست دارد به نکوهش یا ستایش نهد می‌کند، اگر دنیا در دلهای شما ناحیر است، چرا از آن ناه می‌برید (۵۵/۱)

□ سفیان بوری گوید: اگر نخواهی ادرس دنیا را سبانی
ببین در دست چه کسانی است؟ (۵۷/۱)

□ نعمبر (ص) فرموده است: هرگاه امت من دنیا را بزرگ
ندارند، هیبت اسلام از ایشان گرفته شود. (۶۰/۱)

□ حسن (بصری؟) گوید: دنیا را هر قدر حواری ندارد به حد
اندازه گواراتر می‌شود. (۶۴/۱)

بهارِ نیکان

گردشی در «ربیع‌الابرار» زمخسری

علیرضا دكاوتی فراگزولو



□ از بیغمیر (ص) نقل است که هرگاه کسی دنیا را لعب کند، دنیا می گوید لعنت بر تو که نه خاطر من نافرمانی خدا می کنی (۶۷/۱)

□ حکمی بر سر تابوت اسکندر گفت: بگریه نه این رویا که چگونه از میان رفت و این اثر تابستانی که چگونه نابود شد. (۱۳۹/۱)

□ عسی - علیه السلام - در سایه حادر بیربنی سسته بود، بر رن گفت آن کیست که در سایه خیمه ما سسته؟ ای سده خدا بر حیرا عیسی بر حاسب و در آفتاب ایساد و گفت تو مرا بر حیراندی بلکه آن کسی مرا بر خیراند که نمی خواهد از نعم دنیا بهره مند باشم. (۱۶۶/۱)

□ احمد بن یوسف کاتب گوید مأمون نه من دستور داد که نه شهرها نویسم حراج مساحد را افرون کند و روس بگه دارد، می دانستم چگونه نویسم در حواب دیدم که گوینده ای گفت در روسایی حراج مساحد بوری است برای سب حیران^۲ و آرامسی است برای راهگدران و رفع سهه ای است از نهانکاری در خانه خدا (۱۷۴/۱)

□ هارون الرشید نه ابن سَمَک گفت مرا سدی بده، ابن سَمَک گفت ترس از اینکه نه بهست که بهای آسمان و زمین دارد برسی اما نه انداره يك قدم جا در آن ندانسته باشی. (۲۹۳/۱)

□ حدیقه و سلمان درباره دنیا صحبت می کردند، از عجایب آنجه می گفتند این بود که اعرائی حد برعاله را می خراید و سب گله خود را روی تخت مرمی که بر روی بر آن می سسته می خوانید! (۳۲۵/۱)

□ حسن نصری بر کاج یکی از آل مهلب گذشت، گفت گل را بر فراسه و دین را فرو داسه. (۳۳۸/۱)

□ دو مرد بر سر قصری اختلاف داشتند، خدا هستی از آن خانه را نه گفمار آورد که گفت بدانید که من اسبابی چون سما بودم و سپس هزار سال حاکم بوسیده بودم، سپس سیصدسال کوره، دوباره سکهسته و حاکم شدم و اکنون سیصدسال است که آن حاکم حسب شده و در گوشه این خانه است، پس سرم کنید از این که نه هم سسرید (۳۶۸/۱)

□ کسی در زمان کسری گفت کسب که از من سه سخن نه هرا، دینار بخر، کسری فرستاد او را آوردند و مال حاضر کردند گفت بگو مرد گفت همه مردم يك هستند. کسری گفت ره مردم گفت و مردم از همدیگر ناگیرید کسری گفت. ره مردم گفت پس هر کس را سب به ارس آن مقام بده و با هر کس نه همین ترسب معاسرت کن کسری گفت. ره مال را بگیر، مرد ار گرفت و بولش زد، کسری گفت پس چرا آن را طلبیدی؟ گفت خواستم سب کسی حکم را به مال می خرد؟ (۳۹۴/۱)

□ از صحابه بیغمیر (ص) نقل است که می گفتند: سیاطین بر قلب گرد می آیند آنجا که مگسها بر رحم، اگر رانده شود زخم حراکین می سود. (۴۰۳/۱)

□ از علی (ع) نقل است که فرمود. از جمله کفاره گناهان به داد مظلوم رسیدن است و اندوه عمرده را ردودن. (۴۰۴/۱)

□ با دوستت همچون محبوه اب مکاتبه کن که عزل دوستی از عزل عس لطیفتر است (۴۴۶/۱)

□ از دوست سه گونه ستم محسوده می سود حسم و خطا و ستم طریقی (۴۵۵/۱)

□ معاسرت نوعی محامله است، عوررسی و برده داری را برمی تاند و حساسگری و سرفه خوئی را در آن روی سبب (۴۶۱/۱)

□ از کلام صوفیه است که با خدا ننس و اگر نیوایی با کسی ننسین که با خدا می سببند تا از برکات او نه بو هم برسند. (۴۹۴/۱)

□ عمر بن عبدالعزیز نه مدرس گفت که بو نه وقت خطبه گفتی نك روان سخن می رانی اما چون سخن از علی (ع) نه میان می آید تنب می لورد و رنگ می برد و کلامت نه بده نه بده می سود مدرس حواب داد حال که نه این نکه بی برده ای، بدان که از این حرا، اگر آنجه ما درباره علی (ع) می دانم بدانند، دو تن بروی ما نمی کند. (۴۹۹/۱)

□ نه یحیی بن خالد گفتند که بو حرا علامات را نادیب نمی کنی؟ گفت اینها امین حان ما هستند، اگر آنها را ترسایم چگونه بر حان خود امن ناسیم؟ (۵۱۴/۱)

□ محمد بن سَمَک گوید ای فرزند ادم، تو با بوده ای محسوس بوده ای. در صلب پدر و رحم مادر، در گهواره و فداق، در مکسحانه و آنگاه، در بند کسب معاسر خانواده پس از مرگ سردر فر حسن می سود، نکوس با در آن جهان رندانی (جهمی) ناسی. (۵۲۰/۱)

□ بذری نه معلم فرزند اس می گفت. تا علمی را در سبب پیاموخته اند نه علم دیگرسان منفک که در هم آمیختن مطالب حه

حاشیه

۱) رجوع کنید نه مقاله «رمحسری و ربع الارار»، بوسه علیرضا دکانی فراگرو. در مجله انه بروهس، شماره ۶، مهر و امان ۱۳۷۰ (هم) حوابده در مقاله مذکور بخت باره و با اهمی درباره رمحسری حواهد یافت

۲) سابی در سواهد مربوط است نه ربع الارار و بصوس الاحار، تألیف ابی القاسم محمود بن عمر رمحسری (هم) استعارات السریف الرضی، ۱۴۱۰ هـ (ق)، ج ۴، ص ۳۰۷۶ - نهائس ربع الارار، اعداد سیدعلی عدنان غریبی، قم، ۱۴۱۱، ۲۵۶ ص

۳) «للمنهدين» در من عربی نه استاه «للمنهدين» است

در گوس و حه در نندار گمراه کینه فهم است. (۵۲۴/۱)

□ فیلسوفی گفته است. عقل ریاد بهره‌مندی و توفیق را ریان

دارد (۵۳۴/۱)

□ مادر اسکندر او را دعا کرد و گفت برات بحی می‌خواهم

تا حردمندان خدمت کند، و نه عقلی که نویکنجان را خدمت

کمی (۵۳۷/۱)

□ حجاج بر منبر کوفه می‌گفت ای گروه حمراء ابرایان!

ار سرکت در جنگ نارماندید و بر کرسیها نشستند و ار سانه لدت

بردید و ار هر اسده و رونده‌ای برسیدید «حه هر - حیر؟ حه

هر؟» با سمسر يك هیری نه سما بدهم که همه هرها را فراموس

کند! (۶۲۳/۱)

□ ادم حل وضعی برد جعفر بن سلمان غسانی علیه کسی

سهادت می‌داد که فاضلی، رافعی، قدری، حیری است و

حجاج بن ریر را، که ویران کینه کعبه بر سر ابوسفیان است،

دسام گوید جعفر گفت نمی‌دام بر ست سیاسی و رسک برم با

بر داس تو در ملل و محل؟ ان مرد باسح داد خدا امر را سلامت

دارد، اس حمله را بس از انکه از مکب درام تکمیل کردم

(۶۲۴/۱)

□ سعیر بر شخصی گذشت، گفت دیوانه است فرمود اس

ادم بلا رسده و گرفتاری است، اما دیوانه ان کس است که بر

معصبت بافساری می‌کند (۶۵۳۱/۱)

□ گفته‌اند همسبی با احمق خطر است و از برد او بر حاسن

ظفر. (۶۵۷/۱)

□ اسفان بن عیسه می‌گرسب بحی بن اکثم^۳، که در ان موقع

بوحوایی بود، پرسد چرا می‌گربی؟ گفت بعد از همسبی با

صحابه دحار مصعب مصاحبت با سما سده ام بحی گفت مصعب

صحابه در همسبی تو بررگر بوده است! سفیان گفت ای سر،

گمان می‌کم تو نه درد سلطان بحوری (۶۶۹/۱)

□ عربی بمار سبک می‌خواند علی (ع) با نارانه بهدندس

کرد عرب بمار بقاعده‌ای اعاده نمود حضرت پرسد این خوب

بود یا اولی؟ عرب گفت اولی، چون ان از برای خدا بود و اس از

برس نارانه! (۱۰۶/۲)

□ از ضوفیی پرسیدید چگونه‌ای؟ گفت بر دبرور درع

می‌خورم، از امرور برارم و نه فردا بگران (۹۴/۲)

□ ولدس برید کس بی هم فاری فرستاد- و این هم اول

کسی است که فرانت را با لحن طرب انگر خواند- و از او

خواست که فران بخواند خواند، ولید گفت اکنون او را بخوان

گفت او را خواندن نمی‌دام ولید گفت مگر انکه خواندی در

فلان مایه و اهنگ بود! (۵۸۶/۲)

□ جمعی اسیران از لسكر اس اسعب را برای گردن زدن برد

حجاج آوردید یکی از انان گفت ایها الامیر مرا بر تو حق است

گفت ان حسب؟ گفت این اسعب بدر و مادر را دسام می‌داد،

معس کردم حجاج پرسد ساهدی هم داری؟ گفت اری، و

کسی را سان داد و او تصدیق کرد حجاج از ساهد پرسد تو چرا

این اسعب را اردسام کفس نه بدر و مادر من نار نداستی؟ گفت نه

دلیل کینه قدمم که با تو دارم! حجاج هر دورا عفو کرد- اولی راه

حاضر حقس دومی را نه خاطر راستگونس (۵۹۲/۲)

□ گفته‌اند که اگر کسی را دندی صبح از خانه بیرون آمده و

می‌گوید: «ما عبدالله حیر و ابفی» (قصص، ۶۰)، بدان که در

همسانگس مهمانی بوده و او را دعوت نکرده‌اند، و اگر جمعی را

سینی که از برد فاضی بیرون می‌اند و می‌گویند «ما سهدا الا بنا

علما» [یوسف، ۸۱]، بدان که فاضی سهادسان را بدر فته است

و اگر بسی مردی فردای رفا می‌گوید «الصلاح حیر من کل

سی»، بدان که عروسس رسب است، و اگر کسی را سینی از برد

والی بیرون آمده و می‌گوید: «بدا لله فوق ایدهم» (فتح، ۱۰)،

بدان که سلی حورده است (۸۰۸/۲)

□ از ابومسلم نقل است که گفت من سعه بی امه را خاموس

کردم و اسهای بی عباس را افر و حتم، برس جهم مرا بسیر

است تا آمد بهسب (۸۲۸/۲)

□ از منصور بن معتمر در حواستند که فاضی سود، بدر ف و

از اس مسعود زوات کرد که دور فامب بدا کند کحاند

ستمگران و یاوران ستمکاران و ماندگان ستمکاران، همه را در

صندوقی اهیس کند و نه اتسی در اندازد، حتی کسی را که برای

طالمان فلمی ترا سده با لقه‌ای در دواب انان نهاده است

(۸۳۴/۲)

□ عبدالله بن طاهر گفته است هر کس اخلاق خودس خوب

ناسد حواه با حواه اخلاق خدمتکار اس بد می‌سود و اگر خودس

حس ناسد خدمتکاران نه برمی می‌گرایند (۱۹/۳)

□ از سافعی نقل است که گفت در یمن دو کور دندم با هم

می‌جنگیدند و يك گنگ می‌کوسد تا انان را آستی دهد

(۱۱۷/۳)

□ از بحی بن معاد نقل است که گفت اگر خدا مرا مأمور

تقسیم عذاب کند، عاسقان را عذاب نمی‌کم (۱۲۰/۳)

معلم گفت: تو هم برای فضاوت حقوق می گیری فاضی گفت مرا
برور فاضی کرده اند معلم جواب داد اما بزور که به تو بول
نمی دهند! فاضی شهادت او را بدیوب (۶۱۰/۳)

□ اراس بن مالک روایت است که ارفاضان نلها سازند و رور
ضامت مردم از روی انها گذرید (۶۲۹/۳)

□ اراس مسعود نقل است که گفت بعضی کسان در مردن هم
ریاکاری برسدند چگونه گفت حوس دارد که دور حماره سان
بر جمعیت ناسد (۶۵۵/۳)

□ دیوانه ای بوسن وارونه می بوسند و می گفت اگر احیان
که سما می بوسید خوب بود، خدا سم را داخل بوس فرار
می داد از دیگری نقل است که سرهن را سب و رو می کرد و
می بوسند و می گفت سما طرف بررس را به بن می کند و طرف
برمس را حلو جسم مردم فرار می دهد! (۱۲/۴)

□ نه غاندی گفتند، چه می شد اگر سرهن بهری
می بوسیدی؟ گفت کاس دل من در میان دلها میل اس سرهن بود
در میان سرهنها (۱۹/۴)

□ مردی به فیلسوفی گفت تو چه قدر فقیری! جواب داد اگر
معنی فقر می داستی غصه خود را می خوردی! (۱۳۹/۴)

□ از کسی پرسیدند سوهو حواهرت مُرد، نه حواهرت چه
رسید؟ گفت چهار ماه و ده رور عده. (۱۸۳/۴)

□ دربان مأمون روری به مراجعان گفت، چه قدر اسحا بوف
می کنید، یکی از این سه کار را نکنید مادر نك طرف در ناسسد، یا
در مسجد جمع شوید گفتند سوّم؟ نداسست چه نکوند، گفت
سما هم که سجن رناده را بار می کوند! حتر به مأمون رسد،
حدید و هرا درهم حایره بدو داد و گفت اگر از سر چهل نگفه
بود، حایره اس بس از اس بود (۲۴۵/۴)

□ عمر، رنادر اعرل کرد رنادر رسد انا حناسی با نقصری
از من سر رده؟ عمر گفت هحکدام، بلکه نمی خواهم فروبی
عقل تو بر مردم بحمل سود (۲۲۷/۲)

□ علی (ع) فرمود رنادر درنده ای است که اگر رها ناسد نه
دیدان می کرد (۲۵۲/۴)

□ عمر گفته است هر که بُر نکوند سسار خطا می کند و هر که
سسار خطا کند دلش فساوت می کرد و هر که دلش فساوت کرد
برهرس کم می سود (۲۶۲/۲)

□ یکی از بررکان گفته است حوس ندارم کسی رناس بر
علمس بحرید با علمس بر عقلس فروبی داسه ناسد (۲۶۴/۲)

حاشیه

۴) بحی بن اکنه بعدها فاضی الفضاوت دورده مأمون سد

□ از ابو حنیفه نقل است که گفت هرچه خدا و رسول
فرموده اند بر سر جسم می گذاریم و هرچه صحابه گفته اند
بهترین را برمی گیریم و از گفته صحابه بخلف نمی کشم؛ اما
باز آنکه از نابعان به ما رسیده می گوئیم انها مردانی بودند، ما
هم مردانی هستیم (۱۹۸/۳)

□ از وهب بن منبه نقل است که گفت، علم بر همچون مال
نفعان می آورد (۲۱۱/۳)

□ گفت الاحبار از ابن عباس پرسید چه گوئی درباره طهره
قال رد! ابن عباس گفت، لا طیر الا طیر الله ولا حیر الا حیر الله
ولا اله الا الله ولا حول ولا قوة الا بالله (۲۶۸/۳)

□ کسی از رن خود نزد ابوالعباس شکایت می کرد ابوالعباس
پرسید دوست داری که رت نمرد؟ گفت نه، نه خدا ابوالعباس
گفت مگر نه اینکه از دست او عذاب می کسی؟ مرد گفت اری،
اما می ترسم اگر او نمرد من هم از سادی بمیرم (۵۱۴/۳)

□ عمر جمعی بنکاره از اهل بن را دید و پرسید سما
حکاره اند؟ گفتند موکلاسم عمر گفت سما ما کلاسد! = مفت
خویرد! موکل کسی است که با توکل نه خدا دانه در حاک
می ناسد (۵۹۱/۳)

□ اعیسی علیه السلام برای بنی اسرائیل موعظه می کرد، حامه
نزدیدند فرمود حامه ها را چه گناه؟ دلها بیان را سررس کند
(۵۹۳/۳)

□ سلیمان بن حرب گفت از امور اسمانی حر حدیث و
فضاوت نماده بود که اس دو را هم با رسوه حرات کردید
(۶۰۷/۳)

□ نه یکی از محدثان بعهده فضاوت اصفهان شهادت کردند،
گفت اگر احبار است، ناری مرا بر حراح نگمارند که بر من
ترس دارایی اعیان آسانتر است از تصرف مال بسمان (۶۰۸/۳)
□ برد اس سمرمه فاضی راجع به مجلسانی شهادت دادند.
پرسند حدیث دارد؟ نداستند شهادت سهود را رد کرد یکی از
سهود گفت خود تو که سی سال است در این مسجد فضاوت
می کنی بگو حدیث ستون دارد؟ نداسست! (۶۱۰/۳)

□ معلمی برد سوّار فاضی برای شهادت رفت فاضی
بدیوب، نه این بهانه که تو برای تعلیم قران احرب می گیری.

□ عاتکه^۵، دختر زید بن عمرو بن نفیل، زن عبدالله بن ابی بکر بود و عبدالله شیفته آن زن بود و از جهاد با می ماند ابو بکر به سرش امر کرد که آن زن را طلاق دهد. عبدالله طلاق داد ولی تاب دوری نیاورد و ابو بکر امر کرد که بدو رجوع نماید تا در جنگ طائف سگی بر سر عبدالله فرود آمد و شهید شد عاتکه عبدالله را چنین مرثیه گفته بود «سوگند می خورم که برای تو همواره حنم از اشک سوران و بوستم عمار آلوده باشد».

سپس عمر او را خواستگاری کرد و برای عروسی و لیمه داد. عبدالرحمن بن ابی بکر از عمر اجازه خواست که سر در اطاق عاتکه کند و آن شعر مرثیه را حسین خواند: «سوگند می خورم که جسمم بعد از تو همواره روشن و بوستم بیوسته حیایی باشد»^۶ پس از عمر ربیر عاتکه را خواستگاری کرد و عاتکه سبها به مسجد می رفت و زیر را حوش نمی آمد، اما می خواست معش کند. سبی ناشناس بر سر راهش ایستاد و باروس را فشرده. از آن پس عاتکه دیگر به مسجد رفت ربیر برسد دیگر به مسجد نمی روی؟! عاتکه گفت می رفتم وقتی مردمان مردمی داستند، اکنون که مردمان تباه شده اند خانه مرا بهتر است. (۲۹۷/۴)

[۱] کسی بود که نفر را کشته بود، برد راهی رفت و برسد می توانم بوبه کم؟ راهب گفت نه. آن مرد گفت حال که حسین است برا هم می کشم تا صد نفر تمام شود. (۳۵۰/۴)

[۲] یکی از علامان علی (ع) هدیه برای حسن و حسن علیهما السلام آورد و برای محمد بن حنفیه بیاورد، علی (ع) این سفر عمر و سکنوم را خواند:

و ما سائر الثلاثة ام عمرو

صاحبك الذي لا يصبحيا

ان علام هدیه ای هم برای محمد بن حنفیه آورد. (۳۵۸/۴)

[۳] عثمان هدیه ای برای عایشه آورد. پیغمبر (ص) فرمود. از این هدیه برای دیگر ربا هم بفرست. عثمان گفت. نظیر این را برای هر يك از آنها فرستاده ام. پیغمبر دعا کرد که «حدابا، این سکی عثمان فراموش مناد!» (۳۶۷/۴)

[۴] عبدالله بن مروی از ندیمان مهدی خلیفه عباسی بود، روزی در خواب مستی نماز را او فوب شد، کسرس آتش بر پای او حسابد، از خواب برید، کبیر گفت. آتش دبیایی را تاب نمی آری، بر اس حدابی چگونه تاب خواهی آورد! عبدالله بر حاست و به نماز استاد و هر چه داس صدقه داد و سزی فروش شد. گوید روزی فصل بن عباس و سفیان بن عیینه به دیدن او رفتند، دیدند روی رمن حسك حواشیده و حس زبر سر دارد برسدید: خداوند در عوض این گذشت به تو چه داده؟ گفت رضا به همین حالی که دارم (۳۷۲/۴)

[۵] عمر بن عبدالعزیز دو دانگ انگور می خرید و با رنش

فاطمه، دختر عبدالملك بن مروان، می خورد و می گفت. بدان که برای حانواده تو (یعنی حانواده عبدالملك) حدس باز اسر از این انگور می رود، اما آنچه به من و تو می رسد همین است که به دو دانگ خریده ایم. (۳۷۶/۴)

□ خرگاه در بد حالی صرب المل اسب حون هم به هنگام تسگی آب می خورد و هم به هنگام گرسگی (۴۰۲/۴)

□ سفیان نوری گوید. حکومتیان حتی اگر ترا فرا حواسد که برایشان «فل هو الله احد» تلاوت کنی، مرو؛ و اگر بر خانه هاسان بگذری، بدان مگر که ان خانه ها را برای همس تماسا ساخته اند (۲۲۱/۴)

□ سعید بن مسیب از يك سام برسد. خلیفه و درباریان را در چه حال گداستی؟ گفت نه حیر گفت می دادم آنان را در حالی گداستی که سگان خود سیر می دارند و مردمان را گرسه می گذارد (۲۲۲/۴)

□ محمد بن سماء گوید. مگسی بر بلندی به که فاری بر در ملوک. (۲۲۳/۴)

□ یعقوب بن داود، وزیر مهدی، نامه به عاندی بوست و او را به درگاه فرا خواند آن عاند با محمد بن نصر مسورت می کرد و می گفت. اگر بروم شاید خدا ساخته تا فرصم ادا شود محمد بن نصر گفت اگر بصری و دین بر گردت باشد، به ار آن که دیت برود. (۲۲۳/۴)

□ یکی از امیران بلخ را کفاره سوگندی بر گردن افتاد از فیهی برسد چه کم؟ فیهی گفت: روره بگیر (مطورس این بود که مالت حرام است و از آن نمی توانی کفاره بردازی) (۲۲۶/۴)

□ عمر وقتی به معاویه می نگرست می گفت. این کسرای عرب است (۲۲۹/۴)

□ ابراهیم بن ابی عبله گوید برد هسام رفتن، هسام گفت ای علام، حکومت مصر را به نام او بویس گفتم امیر المؤمنین مرا معاف می فرماید! هسام حدان حسمگین شد که رنگس بگردید و گفت: وقتی بیکانتان را به همکاری می خواهم اینحین جواب می دهد گفتم. یا امیر المؤمنین، خدا هم از آسمان و زمین به حکم نخواست که امامت بپذیرند! (۲۳۶/۴)

حاشیه.

(۵) حکایت عاتکه بن زید بن عمرو بن نفیل به روایت دیگری در کتاب الطرف والطرف و ساء (ص ۱۷۳) و نیز در رسالة الفیاض حاخط آمده است (رك ثلاث رسائل لابی عثمان عمرو بن بحر الحافظ، یوسع فكل، قاهره، ۱۳۵۸ ق، ص ۵۸) و بوسته است که علی (ع) بعد از سر از عاتکه خواستگاری کرد، اما عاتکه را سر آمد که بپذیرد و گفت دربع دارم که بو بر کشته سوی (رك مقالة «سیری در كتاب الطرف والطرف»، علیرضا دکاوتی فراگرو، محله معارف، مرداد ۱۳۷۰، ص ۷۶) درباره عاتکه می گفتند که هر کس طالب سهادت فوری است - عاتکه اردواج کد!

شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر

(۹)

دکتر علی اشرف صادقی

پسوندهای صفت‌ساز

فیل از آنکه به حب از سوندهای صفت‌ساز سرداریم، لارم است
و احتمال نر نمی از صفت به دست دهیم صفت در دستورهای
بان فارسی به دو معنی به کار رفته است (۱) یکی از بخشهای کلام
در ردیف اسم، فعل و غیره که نفس آن توصیف اسم است و معمولاً
به واسطه کسره اضافه (مضوب -۲) بعد از اسم قرار می‌گیرد، مانند
حبوب، سرح، ربا، (۲) کلمه واسطه‌های بنسب اسم از فیل این،
خر، حید، کدام، چهار و غیره آنچه در اینجا مراد ما است معنی
اول صفت است به معنی دوم نکته‌ای که در اینجا باید یادآوری
گردد این است که در زبان فارسی اکثر صفات در نفس اسمی و
فدنی سر به کار می‌روند. بنابراین برای تعیین این نکته که کلمه‌ای
اسم، صفت یا فید است باید به ملاکهای صوری متوسل شد
ملاکهای تشخیص صفت از سایر کلمات عبارتند از
۱. استعمال شدن کلمه به عنوان نعت و صفت برای اسم در
فارسی معاصر صفت در این نفس معمولاً با واسطه کسره اضافه
بعد از اسم قرار می‌گیرد: آب سرد.

۲. استعمال شدن عنوان مسند برای اسم. صفت در اینجا فیل
فعل «بودن» و بعضی فعلهای دیگر قرار می‌گیرد آب سرد
سب، او را عاقل می‌نمایم.

۳. تفضیل‌پذیری، یعنی به کار رفتن علامت صفت تفضیلی
«تر» و علامت صفت عالی «ترین» با کلمه. سردتر، سردترین
۴. به کار رفتن قیود نشان‌دهنده درجه و سبب مانند. بسیار،

کمی، خیلی و غیره با کلمه. بسیار سرد، کمی سرد
هر کلمه‌ای که با تمام یا بیشتر این معیارها مطابقت داشته باشد
صفت سمرده می‌شود.

این نکته نیز باید در اینجا فید شود که بنسب کلماتی که با
وندهای صفت‌ساز ساخته می‌شوند، مانند صفات حامد میان
اسمها و صفتها میان صفتها و فدها مسترک اند و گاهی به سببی
می‌توان حالت و وضع اسمی یا صفتی یا فیدی آنها را اصلی و وضع
دیگر آنها را ثانوی سمرد. بنابراین باید وندهایی را که در
ساختار این دسته از کلمات به کار می‌روند وندهای اسم-
صفت‌ساز و وندهای صفت-فیدساز سمرد ما در اینجا فعلاً از
نامگذاری اینگونه وندها به این شکل خودداری کرده‌ایم.

سوندهای صفت‌ساز را از نظر معنایی به چند دسته تقسیم
می‌کنیم سوندهای دارندگی و اتصاف، سوندهای فاعلی و
مفعولی، سوندهای بسبب، سوندهای شباهت، سوندهای
حالت

الف) پسوندهای دارندگی و اتصاف

(۴۳) «-مند»

این سوید به معنی دارنده است و اساساً به اسمهای معنی
می‌پیوندد. کلمات ساخته شده با -مند به صورت اسم نیز به کار
می‌روند. مثالها: آبرومند، آبرومند، ارادتمند، ارجمند، بهره‌مند،
بروتمند، خردمند، حاجت‌مند، خواهشمند، دانشمند، دردمند،

دولمند، رورمند، ریانمند، سالمند، سخاوبمند، سعادتمند، سودمند، شرافتمند، سکوهمند، عائلهمند، عقیده‌مند، علاقه‌مند، غرب‌مند، فرهنگمند، قدرتمند، کلف‌مند (= عیالوار)، گله‌مند، مستمند، نیازمند، بیرومند، هنرمند، هوسمند، هنکلمند

این سوید بسیار رایج است و در سالهای اخیر حد کلمه با آن ساخته شده و در برابر مفاهیم جدید به کار رفته است. مانند کارمند، فاعده‌مند (در برابر regular یا rule-governed)، قانونمند، روسمند، (در برابر مندیگ)، نظام‌مند (در برابر سیستماتیک)، ابرارمند (افرارمند)، توانمند، رست‌مند (موخود رنده)

- مند در دو کلمه نو‌مند و برومند به شکل «-اومند» (umand-) و در کلمه سر‌مند بصورت «-نده» به کار رفته است^۱ در کلمه اخیر یکی از دو «م» بر حذف شده است سرم‌نده ← سر‌مند در کلمه برومند، - مند به صفت ملحق شده است^۲ کلمه اند‌سمند مرکب از اند‌سه و - مند است که سوید «-سه» از پایان جزء اول آن حذف شده است

(۴۴) - سور (- var)

این سوید سر به معنی دارنده است و به اسم (اساساً اسمهای معنی و گاهی اسمهای ذات) می‌چسبد و صفت می‌سازد اسکونه صفات به عنوان اسم سر به کار می‌رود. ناورور، بهره‌ور، بسه‌ور، به‌ناور، داسور، دیده‌ور، سحور، سغله‌ور، نامور، هرور در کلمه جانور میان ناه و سوید، مقبوض مناجی، به کار رفته است این کلمه فقط به صورت اسم به کار می‌رود در کلمه سرور از «-ور» دیگر معنی دارد کی فهمیده می‌شود و این کلمه در فارسی معاصر بسط سمرده می‌شود

کلمه‌ای که در دهه‌های اخیر با این سوید ساخته شده‌اند عبارت‌اند از ناور، مرکب از ناه + ور یا حذف مقبوض نانایی جزء اول، که فرهنگستان اول آن را به معنی صاحب منصب شهرنایی و کشوری وضع کرده است ناور به عنوان یکی از درج‌های ساهنگی سر به کار می‌رفت رک معنی، فرهنگ فارسی گو سور را به معنی کسی که به نك کوس محلی تکلم می‌کند به کار برده‌اند دامه‌ور سر در معنی دامه‌دار بدربار در نوسه‌ها به کار می‌رود

در دو کلمه حمله‌ور و ساور که ناه آنها اسم مصدر است، «-ور» به معنی کنده است کلمه سحور سرانگی تحول معنی پیدا کرده و در معنی کسی که قضیح سخن می‌گوید به کار می‌رود به در معنی دارنده سخن

این سوید سه صورت دیگر سر دارد

الف) حناکه در کلمات مردور، ربحور، کهور و ناور احتمالاً کلمه سرور برابر سر+ور ساخته شده است، چون در

عربی در این معنی سریر و سرتر مداول است^۳

مردور از نظر معنایی با سایر کلمات ساخته شده با «هماهنگی ندارد و این سوید در این کلمه دیگر داردگی را نمی‌رساند^۴

ب) در کلمات ناماور، حناور و دلاور این سوید به شکل «-اور» به کار می‌رود بحم‌العنی جان سرانط ظهور-اور به حای-اور را حس می‌داند «هرگاه کلمه دو حرفی را با کلمه -اور ترکیب دهند الف در میان راند کنند، حناکه در نامور و دلاور، تدور -اماله کداور» (ص ۵۸۲) اما این مطلب درست نیست، مثالهای ناماور، حناور و ناور ناقص آن هستند

در اسحا سر در کلمه حناور که ناه ترکیب، اسم مصدر است

سوید به معنی «کننده» است، منها همراه با معنی کرب کلمه ناور در فارسی قدیم به معنی دوده و روده، حضور است و سر به کار می‌رفته است، اما امرور در آریس آن را در برابر target انگلیسی، به معنی سر بار یا درجه‌داری که او را برای حکم پس به پس بر می‌داده و ورزیده کرده ناسند مستعمل است در این ترکیب «نك» را به معنی حمله گرفته‌اند (پس ناك به معنی حمله) و سایر آن از «-ور» سر معنی کنندگی فهمیده می‌شود ب) «-وان» در سه کلمه امندوار، سوگوار و عیالوار، وار صورتی از ور به معنی دارنده است در سراوار بر ظاهرا -وار به همین معنی است و سراوار یعنی دارای سرا (ساستگی، فس سرا)

(۴۵) «-ناك»

این سوید به اسم ملحق می‌شود و صفت می‌سازد صفاتی که به این طریق ساخته می‌شوند ظاهراً هیچگاه به صورت اسم به کار نمی‌روند، بعضی از معاصران (عبدالعظم فرب و موجه مرتضوی) تصور کرده‌اند که «-ناك» با اسمهای که بیان‌دهند: خصوصیات باحوساند، مانند برس، سم، عم، درد و غیره است به کار می‌رود، اما این مطلب حناکه از مثالهای زیر به دست می‌آید نادرست است طرناك، حسناك، ناسناك

- ناك را به دو معنی دانسته‌اند

۱) به معنی دارنده (دارنده معنی ناه)، مانند اندوهنا-

عمناك، حسناك، حطناك، ناسناك، سورناك، طرنا-

حاشیه

(۱) «-مده» در فارسی قدیم در کلمه «سوی مده» بر به کار رفته است. رک. معسر سفسی ص ۱۰۷

(۲) در زبان تاریخی (پهلوی اسکائی) بر یوز parvaz که صورت دیگری از برور است به معنی بروری به کار رفته است. سایر این بعد نیست که در زبان پهلوی (فارسی میانه) بر برور زمانی به معنی بروری به کار می رفته است. چنانکه دو ترکیب «برورگر» و «بروراور» در این زبان برای آن است مولوی برور را حد بار به معنی بروری به کار برده است
همه کس بر عدو برور خواهد
جمال آن عدو برور را

(تکلیات شمس، ج ۱، ص ۱۲۰۵)
باید که امر به افعال و به برور
جو عسای بوام بر آن بازگردم (همان، ج ۳، ص ۱۵۵۴)
رک. تکلیات شمس، ج ۷ فرهنگ بوادر لغات، ص ۲۳۰ برای سواهد دیگر، رک
کوهس، فرهنگ لغات و تعبیات منوی، ذیل «برور»، و لغت نامه
در فارسی قدیم یارمند به معنی یار) بر به کار رفته است

همان دسی با کسی کی بلند
که باشد به سخنی برا یارمند
(سأهانه فردوسی)
یارمند در پهلوی به شکل ayaromand (یارومند) به کار رفته است در متنی
پهلوی دیگر دو کلمه ayarbarisub (یار بر سیه یاری بردن) و ایار دسیه =
یاری دادن بر به کار رفته است که نشان می دهد در این زبان ایار (یار) به معنی
یاری بوده است (دو شاهد اخیر از آقای دکتر احمد نقیصی)

(۳) در زبان مردم مغان، از دوساها ای ارک، درده، dardur به معنی دردمند و
ریحور بر ما - به ناز می رود، رک. فرهنگ ایران زمین، ج ۲۶، ۱۳۶۵، ص ۹۳
در ماری، ای. عبور (evbur) بر به معنی عبور دار مداخل است رک. کدله سن،
ص ۲۲۲

(۴) نجم العلی خان در مورد سرائط ظهور III به حای ۶۱۲ می نویسد «و بعضی
گویند که چون ملحق شود یعنی شود ۶۱۱ به کلمه ای که حرف ماقبل آن ساکن
باشد و ماقبل آن مده بود یعنی مقبولهای بلند ۱، ۱۰، ۱۰۰، ۱۰۰۰، ۱۰۰۰۰، ۱۰۰۰۰۰، عمل
مدکور صحیح است یعنی III تلفظ کردن «و» و «و» چون ریحور و گیحور و دسور
سن با حه را از این عالم مقوله باشد لیکن حقیقی آن است که استعمال و -
III موقوف است بر سماع (صحیح الادب، ص ۵۸۱-۲) ملحق نظر نجم العلی خان
این است که هرگاه کلمه نایه به دو ضامت حتم شود «و» به شکل III - تلفظ
می شود دکتر موحهر مرقصی («حدس سوید»، ص ۵۲) بر معنی است که III
فقط با کلمانی به ناز می رود که به دو ضامت حتم شده باشد، مانند ریحور، مردور،
دسور، دیحور، گیحور، وی بها استسا در این مورد را کلمه «سک ور»
می داند، اما باید به این استسا کلمه «مور» را بر اضافه کرد

علت اینکه ۶۱۱، در این کلمات به شکل III در آمده است این است که این
سوید در فارسی قدیم و پهلوی به شکل ۸، II تلفظ می شده است و در ترکیاتی که
بانه آنها به دو ضامت حتم می شود مجموع این دو ضامت و نیم ضامت ۸ یک گروه سه
ضامتی به وجود می آورد که تلفظ آن برای فارسی زبانان دشوار است در اینگونه
موارد برای تفکیک این سه ضامت از هم معمولاً یک مقبوض کوتاه (۱، ۱۰، ۱۰۰، ۱۰۰۰) میان
ضامت دوم و سوم افزوده می شود مانند کلمات ارخمند، مهریان و حسکار مقبوضی
که در کلمات ریحور، مردور و غیره بعد از ضامت دوم افزوده شده II، یعنی نیمه یا
تلفظ قدیم آن بوده است و این کلمات ابتدا به شکل ranjuwar و muzduwar تلفظ
می شده اند، سپس تحت تاثیر ۸ مقبوض بعد از آن یعنی II به بدل شده و مجموع سه
اولی ۱۱۱۱ به صورت II در آمده و کلمات فوق به شکل ranjur و muzdur تلفظ
شده اند

این نکته بر قبسی است که کلمه دیحور (= ست باز، تاریکی) عربی است و
جمع آن دیاخر است تنها آدی سر از متأخران (در الالفاظ الفارسیه المعرفه
بروب، ۸، ۱۹، ص ۶) آن را معرب از داج و «ور» (= -ur) فارسی دانسته است
داج در اسفا قدما و از جمله دقیقی به معنی ست باز به کار رفته، اما این کلمه اسم
فاعل عربی از ریشه «دحو» به معنی باز کردن است و در زبانهای ایرانی ریشه
ندارد

(حاشیه ۵-)

حسناك، بيمناك، هراسناك، حدسه ناك

(۲) به معنی به وجود آورنده (به وجود آورنده معنی نایه)، مانند
خوفناك (مخوف، بر سر آور)، دردناك (دردآور، موجب درد)،
وحسناك (وحسب آور)، ترسناك (رک مرتضوی، «حدس سوید»،
ص ۱۱۷-۱۱۵)

قبسی است که در این کلمات نیز - ناك به معنی دارنده و همراه
یا متصرف به است. مثلا عمل وحسناك یعنی عمل همراه با
وحسب، عملی که حالت وحسب را به همراه دارد، اما وحسب در
سجا از خود عمل به کسی که ناظر آن است یا آن را می سود
سرایب می کند.

کلمه اسفناك بر از همین مقوله است این کلمه ظاهراً در
مانهای اخیر ساخته شده است

(۴۶) «-ه»

این سوید به اسم و وابسته های بسس آن مانند وابسته های اساره،
عداد، وابسته های برسی و غیره ملحق می شود و
(۱) صفت های دال بر دارندگی و انصاف و معیت می سازد،
موصوفهائی که این کلمات به عنوان صفت برای آنها به کار
می رود دارنده معنی بانه این صفت اند سر دو کوهانه یعنی
سری که دارای دو کوهان است.

ساختاری که این سوید به آنها می حسد عبارت اند از
اسم کاره فلانی کاره ای نسبت ۵

اسم یا وابسته های اساره این کاره

اسم یا وابسته های برسی چه کاره؟ حد ربه؟

اسم یا وابسته های عددی يك سه، ده ماهه، دو طرفه، دوله (با

سوید صفر) چهار موتور، حد سگاه

اسم یا وابسته های مهم: هر کاره، فلان کاره، همه کاره،

صح کاره

اسم یا صفت مقدم: نیمه کاره.

اسم یا واژه هم: همسیره (مسرک در سر خوردن)، همخوانه

مسرک در حوا) این دو کلمه بسیر به صورت اسم به کار

می روند، رک. بحس بسیم این مقالات

(۲) هدف و منظور را نشان می دهد در این صورت بانه ترکیب

هدف موصوف است دو بهره = برای دو بهره، ملا تحب حوا.

۳) به صفت ملحق می‌شود و صفتی با معنی جدید می‌سازد.
سر ← سره (دارای پوست اندکی تیره)

۴) در بعضی موارد دیگر به صفت ملحق می‌شود و هیچ معنی خاصی را به آنها اضافه نمی‌کند. چنانکه در کلمات زیر بدکار ← بدکاره، سر حوار ← سر حواره (در گفتار سر حوره)، حاودان ← حاودانه، دیرین ← دیرینه، حب ← حبه (واریگون شده، صفت اتوموبیل)^۲

الحاق این‌ها می‌شود به اسم یا واژه‌های بررسی و مهم و عددی به‌رسانه‌های اسمی است محمد فروسی (نادر/اسنها، ج ۵، ص ۱۸۰) در عبارت زیر، کلمات «چه‌کاره، چه‌دنه و چه‌مده» را به کار برده است «طبری و ابن‌الاسیر هیچ نمی‌گویند اسناد حسن | چه‌کاره و چه‌مده و چه‌دنه بوده است»

«-یه» در الحاق به کلماتی که خود به معنوی، ا. حتم می‌شود به صورت صفر در می‌آید، دوساخه، چهاربانه بعضی از ترکیباتی که به شکل فوق ساخته شده‌اند امروز در معنی محاربی به کار می‌روند، مانند چهاراسه (با سرعت زیاد، در اصل به معنی با چهار اسب (ارابه))، دوسره (بلیط = برای رفت و برگشت)

در کلمات نائره و بهاره، «-یه» نسبت را بیان می‌دهد

ب) پسوندهای فاعلی و مفعولی

در اسامی بعضی از صورتهای اسمی (- اسمی و صفتی) افعال مورد بحث قرار می‌گیرند که علاوه بر معنای ویژه خود حسه و آراکایی بر صدا کرده‌اند، به این معنی که مانند سایر اسمها و صفتها به نام وندها ساخته می‌شود و در محبت واره‌سازی از آنها گفتگو می‌شود در حملات زبان به عنوان اسم و صفت به کار می‌روند و تمام ویژگیهای آنها را دارند اما این نیز هست که از آنجا که این گونه ترکیبات از فعل مشتق شده‌اند، در عین اسم یا صفت بودن، بازه‌ای خصایص فعلی را برادر خود حفظ کرده‌اند ما در بحث از هر یک از پسوندهایی که در ساختمان این کلمات به کار می‌روند به این خصایص بر اشاره خواهیم کرد

پسوندهایی که در ساختن این ترکیبات به کار می‌روند عبارتند از «-نه»، «-ان»، «-ا»، «-ار»، «-گار»، «-ند»، «-یه» و «-نی»

۴۷) «-نه»

این پسوند به تن مضارع افعال ملحق می‌شود و صفت فاعلی می‌سازد اینگونه صفت با صفت اصلی و مشتق غیرفعلی هیچگونه تفاوتی ندارد و می‌تواند مانند آنها اسم را توصیف کند، مسد حمله واقع شوند، فید سبد بگیرند، به صورت صفت

تفضیلی و عالی در نباید و بالاخره مانند سایر صفات اسم می‌شود و وابسته‌های اسمی بگیرند. مانند امورنده، برنده، نویسنده، فیلم امورنده، این فیلم امورنده است، سباز امورنده، امورنده بر از تعدادی از افعال فارسی صفت فاعلی محسوب به «-نده» به کار برده است، مانند افعال گسستن، سسستن، حردن، رسدن و غیره، برعکس، از تعدادی از افعال «مرکب»، صفت فاعلی ساخته شده است، مانند امضاءکننده، صادرکننده و غیره

در دهه‌های اخیر تعدادی از صفات فاعلی مداول را به صورت اسم و به معنای جدید در برابر اسم فاعلهای زبانهای انگلیسی و فرانسه به کار برده‌اند، مانند راننده (سوفر)، خواننده (اوارخوان، معنی، حسابگر)، بنده (بماساگر بلو برتون)، سوخته (مسموم رادیو)، فرستنده (مستقل‌کننده امواج رادیو و بلو برتون، غیره)، گیرنده (دریافت‌کننده امواج)، کوبنده (کسی که در رادیو و بلو برتون احبار و بعضی برنامه‌های دیگر را بحث می‌کند)، نویسنده (کسی که حرفه او نویسندگی است و رمان و نوبه‌های نوع دیگر است)، بنامنده (وکیل مجلس و بر عامل سرکها و غیره)

این صفت در صورتیکه از افعال متعدی گرفته شده باشد می‌تواند مضاف واقع شود و مضاف‌الیه آنها از نظر معنایی مفعول آنها محسوب می‌گردد. دایره راز

نصیره - بعضی از این صفات فاعلی را که هنوز مورد استفاده قرار نگرفته‌اند می‌توان برای بیان بعضی مفاهیم جدید به کار برد مثلا می‌توان «نویسنده» را به جای ماسس یا بودر لباس سویی و «رونده» را به جای خاروی برقی به کار برد
این صفتها معمولا به صورت فند به کار نمی‌روند

۴۸) «-ان»

این پسوند به تن مضارع افعال می‌جسد و صفت فاعلی بیان‌دهنده حالت موف می‌سازد حندان = با حالت حنده، در حال حندیدن، لرزان = در حالت لرزه، جهرة حندان، صدای لرزان

به همین سبب صفاتی که به این شکل ساخته می‌شوند به عنوان فند حالت به کار می‌روند این فندها حالت یا عملی را نشان می‌دهند که همزمان با فعل اصلی جمله در حال اتفاق افتادن است حندان وارد شد، گریه‌کنان از اطاق بیرون رفت

این صفت می‌تواند مضاف‌الیه داشته باشد، ولی می‌تواند متممهایی داشته باشد که با یک حرف اضافه به آنها مرتبط می‌شود مثلا از درد > نالیدن از درد. (مقایسه شود با صفت فاعلی محتوم به «-ان» که می‌تواند مضاف‌الیه (در نفس مفعول) داشته باشد: جویای نام، دانای راز).

صفات محتوم به «-ان» که در فارسی معاصر به کار می‌رود از این فراراند آویران، ارران، تران، تانان، برسان، برسان، حبان، حرحان، حسان، حرامان، حروسان، حندان، حواهان، درحسان، دمان، دوان، رفصان، روان، سوران، سایان، سانان، غران، غلتان، گداران، گردان، گربران، گربان، لران، لعران، لنگان، بالان، مانان، نگران، وران، هراسان (مجموعاً ۳۵ کلمه)

از این تعداد، کلمات آویران، ارران، روان و نگران دیگر با افعال خود رابطه معنایی محکمی ندارند و تقریباً بسط سمرده می‌شوند. کلمات تران، تانان، حسان، درحسان، سوران، سانان و سانید بعضی کلمات دیگر بر حالت گذرا را می‌رسانند و می‌توان به جای آنها صفات فاعلی محتوم به «-ان» به کار برد (به استثنای «سانان»). بنه ۲۵ صفت همه از افعالی گرفته شده‌اند که با کسی هستند یعنی برای بیان عمل به کار می‌روند و یا حالی هستند، مبهی از افعالی که بیان‌دهندهٔ حالایی هستند که به شخص یا چیزی دست می‌دهند و بعد قطع می‌شوند و از این نظر به فعال کسی شباهت پیدا می‌کند.

از بعضی از افعال صفات فاعلی محتوم به «-ان» به کار برده است و فقط وقتی این افعال در ساختمان فعل‌های «مرکب» به کار روند از آنها صفت فاعلی ساخته می‌شود، مانند *کیان ← حیده کیان، *ریان ← فریادریان. در بعضی موارد بر این صفات با مفعول خود که از جمله گرفته شده است به کار می‌رود یکسر گویان، دامن کیان

بعضی از این صفات بر منحصرأ به شکل فرد و به صورت مکرر به کار می‌روند، مانند لنگان لنگان، کسان کسان در دهه‌های اخیر بعضی از این صفات فاعلی را در برابر مفاهیم جدید به کار برده‌اند. افتان (در برابر falling، صفت آهنگ حمله)، حیران (در برابر rising، صفت آهنگ حمله)، روان (در برابر liquid، در آواشناسی).

صفات فاعلی محتوم به «-ان» معمولاً به عنوان اسم به کار می‌روند

بر کسندگی موقی و گذرنده می‌کنند، در حالیکه صفات محتوم به «-ان» دال بر حالات ثابت‌اند. به این جهت این صفات از نظر معنایی با صفات غیرمستق، مانند گرم، رست، نرم و غیره نزدیک‌ترند تا با صفات فاعلی محتوم به «-ان» بده. سوا صفت کسی یا چیزی (گوس) است که همیشه می‌شود، اما شونده کسی است که هر بار که چیزی گفته می‌شود حالت و عمل سندن او را ظاهر می‌شود تا اینکه بعضی از صفات محتوم به «-ان» به معنی صفات محتوم به «-ان» بده» به کار می‌روند، مانند بدرا = بدرنده او را بدرا سندن، حونا = حونده او حال او حونا سندن کلمهٔ گذرا بر به معنی در حال گذر است

کلمات روا، ربا و رها بر معنی پیدا کرده‌اند و ارتباط آنها با فعلهای خود سست شده است احتمالاً کلمهٔ سکنا بر حسن باشد، زیرا فعل سکسندن (سکسن) دیگر در فارسی معاصر مداول نیست

در کلمهٔ حوانا (قابل خواندن) از شوند معنی ساستگی فهمیده می‌شود این کلمه در فارسی قدیم به کار برده است

بعضی مالهای دیگر این صاحب فقط در ترکیب با شوند حاصل مصدر «-بی» به کار می‌روند، مانند کلمات حسانی و ساوانی که فرهنگستان اول در برابر دانه و لامسه به کار برده است

در دهه‌های اخیر با این شوند از بعضی از افعال که تاکنون صفت فاعلی محتوم به «-ان» از آنها ساخته شده بوده و با اگر ساخته شده بوده استعمال آنها موقوف بوده است مسافت جدید ساخته شده و در برابر معادل‌های عربی به کار رفته است، مانند «ریا» در برابر tanna (مجموعهٔ جانوران يك منطقه یا يك دورهٔ زمین‌شناسی، به فاس با «کنا» که در برابر flora، مجموعهٔ گیاهان يك منطقه یا يك دوره به کار برده‌اند) (ارام-مضاح و دیگران)، استا در برابر static، بونا در برابر dynamic، سارا در برابر constituent (هر يك از اجزاء سازندهٔ يك چیز) (ارام-مضاح و دیگران) که امروز بسیر به جای آن ساره به کار می‌رود

حاشیه

۱) اصطلاح «سیره سیره کردن»، یعنی دادن فردی در حالیکه فردی ملی هم‌در حال سیر خوردن است، احتمالاً از اصطلاح «ار سیری به سیری کردن» گرفته شده و «-ان» (در ان محقق) (با نکره) است

۲) تلمهٔ حوان بر در فارسی قدیم (سازمانه، متوجهی، نظامی) به صورت حوانه به کار رفته است این صورت در فارسی گفتاری تهران و قم و بعضی شهرهای دیگر در ترکیب حوانه مرگ > حوانه مرگ، باقی مانده است حوانه مرگ در عربی از کمال جدیدی که در اندراج و به نقل از آن در لغت‌نامه آمده بر دیده می‌شود صورت حوانه (= حوانه) در مازندرانی در حویکا (= گاو بر حجمی) و در همی در حونه رن (= زن حوان) بر دیده می‌شود

۲۹) «-ان» (a-n)

بر شوند به این مضارع ملحق می‌شود و صفات فاعلی سندن‌دهندهٔ حالت ثابت می‌سازد بویا، نیبا، نانا، بدیرا، بونا، حوان، حویا، دارا، دانا، رایا، ربا، سکینا، سوا، فربا، کوسا، توب، گرا، گذرا، گوارا، میرا

اکثر این مالها به جای «-ان» با شوند «-ان» بده» نر به کار می‌روند نیبا، بیسنده، دانا، دانده، سوا، شونده و غیره، اما تفاوت این دودسته مال در این است که صفات محتوم به «-ان» بده» دلالت

کلمات امورگار، آفریدگار، بروردگار و کردگار اسم سده‌اند، ما بینه کلمات ساخته سده با -گار به صورت صفت به کار می‌روند این صفات معمولاً استعمال فیدی ندارند

(۵۳) - and - بد

این سوید به بن مضارع می‌حسبد و صفت فاعلی می‌سازد و فقط در چند کلمه «مانند»، از «ماستن»، «خورند» به معنی درخور و مناسب، از «خوردن» به معنی مناسب و سبب بوده، «روند» به معنی سببی، متصل (در اصل به معنی (بیانی) روده)، از «رفتن» (يك) روید حرف می‌رند، و «خوسایند» از «خوس آمدن» به کار رفته است، اما ارتباط این مسافت بحر «خوسایند» با فعلهای آنها برای سرب پاطع فارسی ربابان قابل درک نیست.^۸

در دهه‌های اخیر با این سوید کلمه توفند به معنی حربه (باد) بر دامنه و معمولاً همراه با رعد و برق در برابر hurricane ساخته شده است (مضاحب و همکاران)

(-) بد در روید به معنی روس و در ترکیب عظمی آید و روید به معنی آمد و رفت، و در خوسایند در حملاتی مانند: برای خوسایند او این کار را کردم، برای ساحس اسم مصدر به کار رفته است. دو ترکیب «برایند» به معنی نتیجه و حاصل و «فرآید» در برابر process در سالهای اخیر به فیاس با این معنی ساخته شده است و مضاحب و همکاران به فیاس با آن اصطلاحات ریر را ساخته‌اند. خورند، ظرفیت (در سیمی)،

سایند، سایش فسر زمین در برابر عوامل حوی، کسند، حرر و مد (و بر مبنای آن ترکیبات کسداد، کسندان و کسندی) (رك دائره المعارف فارسی))

(۵۴) -a/-e=

این سوید به بن ماضی افعال می‌حسبد و صفت‌های مفعولی می‌سازد که در ساختمان ماضیهای نفلی و ماضی بعید و فعل‌های به اصطلاح مجهول به کار می‌روند، اما علاوه بر این نفس، این صفات مفعولی به عنوان صفات توصیفی در نقش مع و مسند بر به کار می‌روند. صفاتی که از افعال متعدی گرفته شده‌اند معنی مفعولی مربوط به گذشته و صفاتی که از افعال لازم گرفته شده‌اند معنی فاعلی مربوط به گذشته دارند: غذای خفته، گوست کوبیده، حیوان مرده، آب رفته.

صفت‌هایی که از افعال متعدی گرفته شده‌اند گاهی با صفت مفعولی فعل شدن که در دنبال آنها می‌آید همراه می‌گردند. بریده شده، حورده شده، کنده شده صفت‌های مفعولی می‌توانند فاعل، مفعول (بی واسطه و با واسطه)، قید، متمم‌های مختلف و مسند به همراه داشته باشند.

بعضی از افعالی که این صفات از آنها گرفته شده‌اند افعال «مرکب»، بعضی دیگر اصطلاح و برخی دیگر افعال ساده با انواع وابسته‌های خود هستند صفاتی که با این کلمات همراه معمولاً به عنوان يك واحد و همچون صفات بسیط عمل می‌کنند: کفش رنگ‌ورو رفته، آدم روار در رفته، کارمند دوره دیده، آدم کتاب خوانده، سکم بالا آمده، مهمانان دیر رسیده، بچه عقب مانده، سیرازه از هم ناسیده، مرغ سرخ کرده، آدمهای دسب از حان سسته، استاد خون‌دل حورده، ماسین رنگ‌رده و غیره.

در تمام این صفات يك تکیه بیستر وجود ندارد و آن هم بر روی هجای آخر آخرین کلمه فرار می‌گردد

بیستر این صفات کاربرد اسمی و فیدی بزر دارند کاربرد اسمی نوشته‌ها (ی رورنامه‌ها)، گفیه‌ها (ی بررگان)، رفتگان، مرده‌ها (مردگان)، کسته‌ها و غیره کاربرد فیدی: سحیده حرف ردن، اساده کار کردن، خوابیده نارس کردن، و غیره

(۵۵) «-i=» «نی»

در بخش دوم این مقالات (سرداس، سال ۱۱، ص ۵، مرداد-سهریور ۱۳۷۰، ص ۶) از نفس مفعولی سوید «-نی» گفتگو شد (مانند مالهای ارسالی = ارسال شده، تألیفی = تألیف شده و غیره)

در اینجا فقط به این نکته اشاره می‌شود که در بعضی از مال‌هایی که معنی مفعولی دارند، این معنی مربوط به آینده است، مانند اعدامی. به معنی کسی که در آینده اعدام خواهد شد (اعدامی به معنی کسی که اعدام شده است نیز به کار می‌رود).

مآخذ

- قریب، عبدالعظیم، «پسودهای انصاف و مالکیت»، نامه فرهنگستان، سال دوم، ش ۲، ۱۳۲۳، ص ۸-۴۴
- مرتضوی، موحهر، «چند پسود»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۷، ش ۱، ۱۳۳۴، ص ۶۰-۴۵ (سوید «-ور»)، سال ۷، ش ۲، ص ۱۷۴-۱۵۹ (پسودهای «-ور» و «-وار»)، سال ۸، ش ۲، ۱۳۳۵، ص ۱۲۰-۱۱۰ (پسود «-ناک»)
- نجم‌العینی حان، بهج‌الادب، لکهنو، ۱۹۱۹
- Lambton, A K S, Persian Grammar Cambridge, 1961

حاشیه

- (۷) مرحوم محتسبی مسوی در بعما، سال ۱۷، شماره ۲، ص ۹۳، آرکارا را با آرادوار مرتبط دانسته که درست نیست
- (۸) همین سوید است که با سوید «-ه» -a/-e= ترکیب شده و به شکل -e= آمده است

دوران ترجمه و اقتباس ادبی در ایران*

(۱۲۹۳-۱۲۲۹)

حولی اسکات مسمی
ترجمه محمد ملکان

ترجمه‌ها و میراث و نحوه تدبیر این مخاطبان با ارزیابی اثر آنها در توسعه ادبی معاصر صورت گرفته است. حیران این نمود فراتر از حد این مقاله است، اما این مقاله تلاشی است برای دست دادن طرحی از ابعاد کلی این موضوع و پیشنهاد راهنمایی‌هایی برای پژوهشهای آینده.

دوران ترجمه و اقتباس ادبی و به همراه آن تجدید ادبی به تاریخ مهم محدود می‌شود ۱۲۳۳ هـ. ش تاریخ مرت فانی آخرین شاعر نوکلاسیک دوران قاجار، و ۱۳۰۰ تاریخ استانی بود یکی بود حمالزاده و افسانه بهمنوشیح هر چند بعضی حدود مذکور برای این دوران از نظر تاهسبازی دقیق است. نیکدار است، به نظر من امر موجهی است زیرا این دو نویسنده به خارج کتبی کاری آنها در شکل‌گیری این دوران دخیل بوده‌اند. نمایندگان عصر دانه‌ها و سراط ادبی هستند که طی این قرن هفتاد سال صورت گرفت. تعمیری که با حدود زیادی محرک آن تماس با غرب بود و وسیله این تماس ترجمه بود.

این دو نویسنده خود نارگوکننده شکل‌گیری تاریخی و فکری این تماس هستند. فانی حنا که یان ریکا می‌گوید «اولین کس در میان معاصران خود بود که با رنایهای اروپایی، خاصه رنای فرانسوی (که یک کتاب درسی گاه‌سبازی از آن ترجمه کرد) و تا حد کمتری انگلیسی است» (رینکا، ۱۹۶۸: ۳۳۰). اما این استایی اندک با غرب که اساساً حبه عملی داشت اثر محسوسی در سبک این شاعر درباری نداشت، ساعری که شاید بهترین نماینده دانه‌های ادبی دوران قاجار بود. این دانه‌ها بعدها رنگ

سبک نیکوس اولیه ادبای جدید ایران در برخی آثار مهم بررسی شده است، این آثار با توسعه‌های آگ بر او در مورد گراسبهای ادبی معاصر اعظمی بود و حد کار اربیده دیگر در باب حبه‌های عام و خاص این موضوع را در بر می‌گرفت. حاسبه در باب روزنامه‌نگاری و ظهور سبک روزنامه‌ای، بحار اولیه در مورد داستانهای منور و نلاس برای معرفی بهاسنامه به سبک اروپایی در ریدگی فرهنگی ایرانی بسیار اموحته‌ام با وجود این، بر سبهای مهمی درباره این دوران بدون ناسخ مانده است. بر سبهای مربوط به نفس خاص ترجمه ادبی و بنیده مرتبط با آن یعنی اقتباس ادبی در روند نیکوس ادبای جدید ایران این حسن به حه میراث الگوهای جدیدی افرد که نویسندگان نوایند توسعه‌های خود را بر آن بنا کنند و به حه میراث مخاطبان جدیدی برورد که بنوده و حبی متقاضی حس توسعه‌هایی ناسند؟ این مقاله به حبه‌هایی از این بر سبهای می‌پردازد و به مسئله عامر بولد ادبی در این دوره.

تاریخ ترجمه ادبی در ایران هنوز توسعه شده است^۱ هر چند سبک نویسندگان تاریخ ادبای جدید می‌تواند که ترجمه در بولد این ادبای نفس حباتی داشته است و الگوهای ادبی و عمومی برای نویسندگانی که در طلب بدلهایی برای سبکهای سبی بودند به دست داده است، با آنجا که من می‌دام هیچ یک از این نویسندگان حرگراسی ستانده از این موضوع نداده‌اند. به علاوه هیچ نلاس اسلوب‌بندی برای بررسی ورده‌بندی آثار ترجمه شده، ارزیابی کیفیت این ترجمه‌ها، سباسبیدن مخاطبان این

ح و سلفه‌های ادبی دیگر (و شاید «عربی سده بر») جای آنها گرفت، نحوی که به تنها در بوسته‌های حمالزاده بلکه در شخص وی (که سسر عمر خود را در خارج از کشور گذراند) ریت ناف حمالزاده که اولس کناس در برلی حاب سد، برحد سسر محتوای کتابهای خود را از فرهنگ بومی گرفته، از جهت سنک ادبی ملهم از الگوهای عربی بود و نمونه‌ای است از سرب عرب در بوستدگان ایرانی و سرب تلاس برای بازگست به حد - مهن از مسرهای عربی

درجهای مرنور به دلایل دیگری سر اهمیت دارد در «نقون» که برحمة‌ها و مترحمان فراوان بدید آورد در ۱۲۳۱، به سال قبل از مرگ قانی ناسس سد، کودنای رضاحان، که قصد سب صاحب سیاسی و اجماعی موحود را به نحوی اساسی عسر دهد، در اسفند ۱۲۹۹ رح داد از نظر رسکا عصر قانی مدی بود «که کهنه محض بود و بوهور راده سنده بود» (مبع سس) رسیاس ادبی دوران مسروطب را حینه مهمی از بدیل برای از دوران مانه به عصر حدید می داند (ملا ورا کو سحکوا ۳۶۲) در سحه این بارحها سنان دهنده قطبهای سیاسی از بدی ادبی است که در فاصله سن آنها هم بوستدگان و هم محدثان در این مسر حرکت کردند دوره‌ای که شاهد اسفرار درجی ادبیات درباری و سسکهای مقسوع، بکراری و سربسار از سبب عربی به جای ادبایی بود که می توانست با محاطان سسرده به ریان خودسان سحن بکود

برحمة‌ها و افسانه‌های ادبی بدید آمده در این دوره را می توان به سه منوله کلی تقسیم کرد سرب (هم داسایی و هم عیرداسایی، به مثل نارنج، رمان، بولا [رمان کوناه] و داسان کوناه)، حد سنامه (به نظم و سرب) و سسر هر مقوله از نظر محاطان و مدرس سنک مسائل خاص خود دارد اولس کتابهایی که از نهای اروپایی به فارسی برحمة سد (همان طور که نمونه قانی سس می دهد) کتابهای درسی بود که عمدتا به علوم بظامی و سایر علوم برای داسخونان «دارالفنون» و دیگر مدارس مربوط می سد به بدریح به این کتابها برحمة‌های انار بارجی و بعدا مهن اضافه سد. سروع رمانها با رمانهای بارجی بظر انار حساندردوما [بدر] (که برجی از آنها را محمد ظاهر میرزا، موفی ۱۲۶۶، مترحم ریل تلاس ابر لسان برحمة کرد) رمانهای برسی بظر تلماک از فلون، راسسون کرورو از دابیل دفو و سسرهای گالیور از سویت و سرباحام کتابهای سرگرم کننده تر بضر رمانهای علمی - تحلیلی رول ورن و داستانهای سربلوه هولمر ر کانون دوپل بود ترحمة حاجی بابا ابر حنمر موریه بوسط میرزا حبیب اصفهانی (موفی ۱۲۷۶) سهرت خاصی داسب و سربون آن را «ار حمله کتابهای مؤثر در اتحاد بیداری ملی»

می سمارد (براون ۱۹۸۳: ۲۲) میرزا حبیب میرا سروب مولیر را سرب برحمة کرد از حمله مترحمان بریت یافته «دارالفنون» محمدحسن حان صبع الدوله اعتمادالسلطنه (موفی ۱۲۷۵) بود که دارای انار سسار است و صاحب حدید ابر تاریجی از حمله برحمة‌های سرگدست مادام دوموب ناسسه، زندگی کرسیف کلمب، حایواده سوئسی راسسون و طبس احباری مولیر است این مترحمان اولنه، حنانکه از عنوان برحمة‌های آنها برمی اید، اگر به اسرافعی سار، باری وابسته به دربار با از سسرهای بالای طبقات مذهبی بودند، در سحه هر حد نمایلات مرفهانه داسسد، سنک ادبی آنها بوهور باریات تأیر دانقه‌های درباری بود و سوما برحمة آنها برای گروه وسعی از محاطان عام بود نحی آرس نور دربارۀ این برحمة‌ها حس می گوید

مناسفانه برحمة کنندگان این انار در رعایت مرایای ادبی مون اصلی دوت کافی به حرح نمی دادید و گاهی آنها را به سرب قصه بوسان ایرانی با اسعار فارسی می اراسسد و سرب در حص برحمة ساهکارها و نمونه‌های خوب ادبیات کلاسیک، انار سس با افاده‌ای از قبل سرگدست مادام دوموب ناسسه نألف سس دوبرای، رمان بوس فراسوی را هم به فارسی برحمة می کردند و عسیر انکه برای کتابهای سنیایی باراری مسدل، دباحه‌ها و مقدمایی می بوسسد و در این مقدمات از لروم سربداس و کسب فرهنگ و هر گفتگو به میان می آوردید و از الطاف و عانات داب مقدس ساهانه که معطوف حس منظورهای بلند و ارحمد است، ستایسها می کردند اما ناهمه این بفضها برحمة کنندگان ناگرب بودند که از سوبه نگارس من اصلی سعب کسد و با می بواند مطالب را ساده و طبعی بوسسد و از آوردن عبارات مسجع و مقصع که سانباف سربابط و مرایای سرب ادبی سمرده می سد، احراز حوبند حنانکه اگر این برحمة‌ها بود ساند اسای ادبی امرور که به ریان محاورۀ غامه بربدک و در همان حال از رسانی سرب ادبی بر حوردار است، هر کر به وجود نمی آمد (آرس نور، ۱۳۵۰: ۲۶۰)

حاشیه

* این مقاله فصلی است از کتابی نامشعبات

Modern Literature in the near and middle east (1850-1970) ed Robin Ostle, 1991, Routledge pub

بو سنده مقاله مدرس ریان قاسبی در داسگاه اشعور است کتاب د باریه سسر داس قاسبی اوی فلا در سربداس (سال بهم، سمارۀ سوم) معرف سده است

(۱) به انار در سده در اینجا باید بار علون (۱۹۶۴) را اضافه کرد برای شاساسها به کامساز (۱۹۶۶) سکا (۱۹۶۸) رحو حسد (۲) مقاسه سسد با انا، مورد اسارۀ برفسور سرب کاسا در فصل ۳ کتابی که این مقاله از آن برگرفته سده است

صرف نظر از توافقی که در این سخن وجود دارد (ملا جگوه مترجمانی که «ناگزیر بودند از سیوه نگارش متن اصلی تبعیت کنند» در عین حال «در رعایت مزایای ادبی متون اصلی دقت کافی به خرج نمی دادند»^۲). به نظر من اربن بور در این ارزیابی برخی مسائل اساسی در این تلاشهای اولیه را نادیده می گیرد. او تمام آثار مذکور را یکپارچه می داند و بوجهی به تفاوت سبک مترجمان و درواقع سبک هر یک از این آثار قائل نیست. او آن «ادبیات کلاسیک» فرضاً ساینه ترجمه را مسح می کند و در عین حال از بررسی ترجمه آثار «مبتدل» و درواقع ارزیابی تأثیر این ترجمه ها امتناع می ورزد و مسئله مهم بدین را نادیده می گیرد. درواقع چه کسانی این ترجمه ها را خواندند و این کتابها برای چه ترجمه شده بود؟ من ابتدا به این پرسش می پردازم.

به تنها بعد از حسن مسروطی در ۱۲۸۵ بلکه حلی بیسر، بسیاری از ترجمه های اولیه در سرباب دوره ای ظاهر شدند، یا حسین یار در این سرباب ظاهر شدند در ۱۲۵۰ ترجمه ماحراهای کاتبان هاراس رول ورن در چند بخش در روزنامه ایران منتشر شد. روزنامه ای که ارگان رسمی دولت بود و به احبار دربار و گزارش کارهای شخصی شاه اختصاص داشت (تراون ۱۹۸۳: ۵۰). چنانکه تراون می گوید کتاب سرباب بدافعال سرگذشت مادام دومونت ناسه «ترجمه شد و به عنوان ضمیمه به سالنامه سال ۱۳۱۳ قمری افزوده شد و انتشار آن موجب حسم سدید ناصرالدین شاه شد که دستور داد تمام نسخه های آن توفیق و نابود شود» (مسع مذکور ۲۲). برست که در ۱۲۷۵ به هم میرا محمد حسین دکاء الملك فروغی اصفهانی منتشر شد، روزنامه ای بود که به گفته تراون «به لحاظ سبک، اسما، و فصاحت اهمیت ادبی خاص داشت». و هر چند تملق و مذاحی آن از ارزش ادبی آن بسیار می کاست، اعتبار فراوانی داشت. این روزنامه ترجمه هایی را به صورت ناوهری چاپ می کرد که حاوی آثاری از براردن دوس ویر و ساتو بران بود (مسع مذکور ۲-۶۱). روزنامه فرهنگ که در دهه ۱۲۶۰ منتشر می شد و گنجینه فنون که در اوایل دهه ۱۲۸۰ منتشر می شد نیز به سبب چاپ ترجمه ها سایان اهمیت بود. درواقع حسین به نظر می رسد که ترجمه ها مسحبه کم اهمیت تر مطبوعات بعد از مسروطی بودند که ساختن اصلی آنها مقاله های روزنامه ای، طنز سیاسی و اجتماعی و مقالات تألمی در باب شعر بود. از این امر می توان نتیجه گرفت که خوانندگان مخاطب این ترجمه ها هر چند از حوزه های وسیعتری سبک به محافل درباری برگزیده شده بودند، هنوز محدود به طبقات تحصیل کرده بودند و با وجود افزایش باسوادان در آن دوره و اینکه ادبیات دیگر محدود به محافل درباری نبود، نمی توان گفت که خوانندگان این ترجمه ها از عامه مدد بهره

نگاهی به فهرستی که محمدعلی تربیب از کتابهای بدید آمده (چه ترجمه و چه تألیف) در فاصله بین آمدن چاپ به ایران و حبیب مسروطی گردآوری کرده، دانته خوانندگان را سبب به تألیف و ترجمه و اقتباس سان می دهد (مسع مذکور ۶۶-۱۵۷). در این فهرست گرایشهای مختلفی دیده می شود. نخست آنکه در هر دو مقوله آثار مسور غلبه دارند. اصلی ترین تألیف سعری سالارنامه میرزا آقاجان کرمانی (متوفی ۱۲۷۵) است که از ساهنامه فردوسی الگو گرفته. دوم آنکه در هر دو مقوله (حداد آثار علمی و فنی) ربه های برتر از آن آثار دارای اهمیت تاریخی است. هم تاریخی واقعی و هم رمانهای تاریخی: البته رمانهای علمی-تحلیلی سرور هم رمانی هستند. سوم آنکه رمان اصلی ترجمه ها و افسانه ها فرانسوی است. عجیب آنکه دگری از ترجمه رمانهای عربی حرجی ریدان به فلم عبدالحسن میرافاچار که مربوط به این دوران است، شده است ولی ترجمه نمایشنامه های آخوندزاده از رمان ترکی آدری و تعدادی ترجمه از روسی به فلم عبدالرحیم طالوف در این فهرست هست. چهارم آنکه کتابهای تألمی تأثر باحری از ترجمه ها گرفته اند (اگر اصلاً تألمی گرفته باشند) و مستی بر الگوهای سستی هستند اما این آثار توجه مشترکی به مضامین تاریخی و اخلاقی (که از مسفله های دهی مسلم سستی ایران است) و نیز به دستاوردهای علمی و گزارش سفر به سرزمینهای بیگانه، سان می دهند. از این مطالب می توان نتیجه گرفت که مترجمان این دوره تلاشهای خود را سسر موجه خواندگانی کرده بودند که به آنها هر چند به آهستگی، ولی بیوسه افزایش می یافت و در سبب به ادبیات اروپایی خندان علاقه ای نداشتند و علاقه سار به «ساکارها» یا «آثار کلاسیک» بسیار کمتر بود و در عوض، اطلاعاتی که این ادبیات درباره گذشته تاریخی ایران و سرارد (گرایش همزمانی نیز به ادبیات عرب دیده می شود که در رمانها تاریخی جرجی زیدان بازتاب می یابد) و درباره سسر عف اروپا عرضه می کرد، علاقه داشتند (موضوعی که اهمیت علمی نیز فکری روزافزونی می یافت). این مترجمان می بایست غف این خوانندگان رو به رشد را سیراب کنند که به تنها به نقل

مقدمان ار لروم سرداس و کسب فرهنگ و هر گفتگو به میان می‌آوردند» و سر حامیان سلطنتی خود را می‌سودید، نیز سان‌دهنده هدف دوگانه آنها در امورش و سرگرمی است مدح حامیان بدون سک ناسی از ضرورت اقتصادی و سیاسی بود؛ اما اینکه این مقدمه‌ها بحثهای حدیثی برداشتند به این معناست که مترجم که محاطی، ساند توان گفت، مسحور پیدا کرده که به کتاب به سبب حاصیب سرگرم کندگی ان حلت سده، از فرصت استفاده می‌کند و بنامی ترسی به او می‌دهد در هر صورت اندیشه تعلیم به هیچ روی در سبب ادبی فارسی سگانه نیست.

عامل دیگری که در انتخاب آثار ترجمه سده ناسر داسب این بود که ترجمه‌ها یا اقتباسها با چه میزان با مقتضات و سراط احتماعی و سیاسی خاص ایران سازگار است، سالی از این امر ترجمه حاجی بابای موره است که اسناد ۱۲۷۴ در کلکه حاب سد، حناکه ح کامساد سان داده است، نسخه فارسی این اثر بیسر افساس است با ترجمه وی می‌گوید «مترجم هر حا که مجلس می‌کشد با در اکثر موارد هر جا بعیر با مقاصد وی همخوانی دارد، ناکی از بعیر یا افرودن به اسان به خود راه نمی‌دهد در مقاسه با مس انگلسی، نسخه فارسی بدر بنا در هر صفحه بعیراب حرنی کرده است» (کامساد، ۱۹۶۶: ۲۴) حتی به دلخواه قطعاتی اضافه یا حذف سده است به نظر می‌رسد که وجود حسن بعیراب ریادی مترجم حاجی بابا را در معرس اسفاد ارین نور فرار می‌دهد که مترجمان اولیه بوحی به دنبال کردن متون اصلی نمی‌کردند با حانی که حسی به رسم قدم «انها را با اسعار فارسی می‌آراسد» صرف نظر از مسئله ترجمه ضعیف که در هر عصری وجود دارد، حای این سؤال وجود دارد که انا حسن «اقتاسهایی» با محاطب ایرانی خود بلاواسطه ر سخن می‌گفتند یا ترجمه ادبی‌تری که درک ان مسکلر ناسد این امر وفی حیلی محمل می‌سود که توجه کسم سساری از این بعیراب به منظور اسفاد کردن از اوضاع ایران بوده است حناکه کامساد می‌گوید

مترجم با بوصف رفتار درباریان، افساگری غلبه ملاها، دروسها و غمره و سر اصافات خود درواقع متن فارسی را حیلی طریف بر و نا مره بر از مس اصلی کرده است اختلاف بررک دیگر متن فارسی با مس اصلی عای ان از اسعار مسهور و صرب‌الملی است که در حاهای مناسب فرار گرفته‌اند این امر به علاوه ابوهی از گفتار رورمره و آشنا و آیات نقل سده از فرآن و سبب سان‌دهنده تسلط مترجم بر ادبیات، رندگی، ریان فارسی و سرداس وی در مورد نهادهای اسلامی است. (منع مذکور ۲۶)

سرگرمی به تنها به داستانهای منظوم عسفی سسی و مجموعه داستانهای بلکه به منابع جدیدتر و بیگانه‌تر سر روی می‌آوردند و بدون سک کنحکاو بودند که نداسد ادبیات اروپایی چه سرمسهایی برای دستیابی به هدف دوگانه آنها یعنی امورش و لذت ارائه می‌کند

در اسحا نك نکته به روسی طاهر می‌سود علاوه به عرب در عس اینکه متوحه اقتناس مواد و مصالحی بود که مناسب و فائده این داسب، در کنحکاوی خود سبب به فرهنگی ناآسا، حاوی عصری قوی از بیگانه‌گرایی نیز بود در برنو این امر می‌بینیم که اعراض ارین نور به اینکه مترجمان اولیه به انداره‌ای که مایل به ترجمه آثار کلاسیک بودند (اگر به بیسر) به ترجمه آثار مبتدل سر مایل بودند، با حدودی محتاج تحدیدبظر است طاهرا رسوایی حاصل از انتشار این بارایی نظیر سرگدسب مادام دوموب ناسه بائف سس دورای سان می‌دهد که ترجمه ان بدون دوراندسی صورت نگره است. این اثر هر چند از جهت محتوای «تاریخی» طاهری آن حالب توجه بود ولی احتمالا در مورد عراست سوده‌های عربی نیز به انداره کافی افساگر بوده تا هم علعلکی ناسد به کسانی که در جستجوی سرگرمیهای مربوط به راه ورسم مردم سرمسهای دوردست بودند و هم تکانی به کسانی که تعالاب راسب اسی و حرم اندیسی داستند روس است که در سحا به حای اررسهای «ادبی» احتماعی این آثار، حسن ملاحظاتی در کانون علاوه فرار می‌گرد. (این موضوع را می‌وان تراسهای مسابه در ادبیات اروپایی مقاسه کرد که در ان سر «سگانه»، اگر به صورت واقعی بل رنده، به صورت سرمس منهای حسمی و حوسهای سهوایی تصویر می‌سد که دور از دسترس اروپائینی است که هر چند کسم حساس‌اند اما بسفکربرند) به علاوه در آن زمان نیز ماسد اکون می‌توان کراس صریح و قابل درکی برای ترجمه کتابهای برروس معروف و مهیج (نظیر رمانهای سس دوترای) به حای ترجمه آثار کلاسیک یاف، یعنی آناری که در دوران مورد بحث در میان نویسندگان بومی خود محبوبت حدانی نداسته‌اند.

اعتراض دوم ارین نور به اینکه مترجمان «برای کتابهای بی‌بازاری مبتدل، دیباچه‌ها و مقدماتی می‌نوستند و در این

صورت می‌گیرد. بی‌شک، رساله‌الفرعان معرفی مثال روستی از این مطلب است اما سبب ایرانی بر به داسن سناری آثار ترتیبی که همراه با کارکرد تعلیم و تربیتی خود اقتصاد اجتماعی بر دارد. مفسر است در واقع به نظر کامسداد علی «ضعف» این لهر، عدول از سبب اسلامی است (کامسداد، ۱۹۶۶: ۱۹ و ۲۰) «سناری حمالی» ابراهیم بیک، که در جلد دوم به آن می‌پردازد، و با انتقال به محیط غیر درباری معامله می‌شود. موضوع تاریخ نویسی ایرانی (ساز که از دست بهکارایی نه فلور و اورا مورد بحاور قرار داده‌اند بر سناری می‌شود و از عقبه دو می‌کند)، و مجموعه بندها، اسعار، ضرب‌المثلها و حرایرها (نه انرا حالت دیگری در توسعه‌های تاریخی و اخلاقی ایران است) در جلد سوم این کتاب آمده است این مسخه‌ها سناری می‌دهد که مؤلف علاوه بر الگوهای اروپایی مریهون سبب بومی خود بر بوده است و به سبب نوع زیاد عناصر ارائه شده در این کار خانی یعنی سبب که مؤلف بواسطه ناسد بر کتب قابل قبولی از این عناصر به دست دهد

مثال ملموس دیگری از تأثیر ترجمه‌ها را می‌توان در سداسن رمان تاریخی دید که اولس نلاسه‌ها در جهت آن در دوران بحران سیاسی سن مسروطه و کودتای رحاساه صورت گرفت و نمونه دیگری است از امیرس غلافه ناره برانگنحه سده (و حسرت، سبب به تدسینه تاریخی با به کارگیری الگوهای اروپایی برای ناسخگویی به این غلافه به گفته ازین یورد در این نلاسه‌های اولیه چون مؤلفاس «سها از طریق حوادن رمانهای خارجی به هوس رمان نویسی افاده بودند» و خودسان داسن حامعی^۱ نکیکهای رمان نویسی نداسند «اکثر رمانهایی که به وجود می‌آمد تقلید و اقتباس و نظره‌ساری از رمانهای خارجی و آن‌ها سبب و سمانه بود که به رحمت حوادن سن می‌ارزید» (ازین یورد، ۱۳۵۰: ۱۱، ۲۳۸) اما اولس ایر از این نوع، یعنی سمن و طعر توسعه محمدنادر حسروی، رمانی در سه جلد که در ۱۲۸۸ در کرمانساه اسنار یافت و براساس زندگی در قرن سیزدهم میلادی در فارس تحت حکومت ایلخانیان بود، از نظر حمالراده «در مثال انار ادبی هرون احتر بی‌همنا و بدون سیک سها کنایی بود که به عنوان الگوی ادبیات معاصر فارسی ارسن ترجمه به رمانهای خارجی را داسن» (کامسداد، ۱۹۶۶: ۴۵)

هر چند این ساسن مالمعه امر به نظر می‌رسد، سمن و طعر نقطه عطف ادبیات معاصر ایران است مسخه مهم این ایرد ف حرایات تاریخی در توصف شخصها، سنها و محلها رمان و فوع است و بنا به نظر کامسداد کرارسهای آن

متمنی بر داده‌های تاریخی است که غالباً کلمه به کلمه توسعه

سناری محتمل است که همن حینه این کتاب سبب سد در سداری فرهنگ ایرانیان نفس مؤبری داسه ناسد، و سیک آن حناکه سناری از ادنا گفته‌اند، ایر نانداری بر بحوال بر معاصر ایران داسه ناسد (سمن مذکور ۲۷، بهار ۱۳۳۷: ۳۶۶)

اما انا حسین ترجمه‌های منوری به راسنی نوسندگان را برمی‌انگنح با ناسونهایی که این ترجمه‌ها در این دوران اولیه عرضه می‌کردند، رفانت کند، واقعت این است که حر در موارد استثنایی معدود تأثیر واقعی این «عصر ترجمه و اقتباس» نادران بعدی حسن سد استسهاها بر مریوط به حوزه‌ای است که رودتر این تأثیر را درک کرد حوزه بیداسن رمان نویسی

اولس نلاس اصل در رمان ایرانی سناحت نامه ابراهیم بیک ایر حاج‌رین العادس مراغه‌ای (۱۲۱۵ تا ۱۲۸۹) بود که جلد اول آن در قاهره و از فرار معلوم سنس از حات آن در ۱۲۶۵ در استانبول منتشر سد این ایر عموماً اولس رمانی داسه می‌شود که با الگوی اروپایی تحریر شده^۲ و این بیکه که ناسد سناری از رمانهای اروپایی قرن نوزدهم، این ایر در سه جلد ارائه شده این نظر را تقویت می‌کند اما با اینکه به نظر می‌رسد این ایر نلاسی برای تقلید از رمانهای تعلیم و تربیتی اروپایی بطر نلماک فلون ناسد (و سناید از ترجمه غربی این ایر الگو برداری شده ناسد)^۳، سنادهنده شکل‌گیری مجدد الگوهای خارجی در فالبهای سرفی بر هسب، یعنی «سرفی مات کردن» سیک و محتوی برای کدسینه خودی که از مسخه‌های رایج سسر محصولات ادبی این دوره است این ایر واسنکهای بردیکی با حدیب عسی سن هسام ایر محمد مولنجی [ادب مفسری] دارد که یک دهه بعد شروع به حات حد کتاب کرد و در واقع اگر بر مسترک بودن منابع دلالت نکند، دال بر مسعله‌های دهی مسترک است (در این مورد ناند در نظر داسن که ابراهیم بیک، بر خلاف حوساوند روحی خود در «فارسی سکر است» حمالراده در دو دهه بعد، از مصر به ایران برمی‌گردد و به از اروپا، تنها برای اینکه در کمال ناسف آن «هسب» موعود، آن سرفی را که «بهترین دیبای ممکن است» معوب سد)

سبب ادبی اسلامی در این گونه اقتاد اجتماعی که در خارجون یک سفر حمالی در عین حال جسمی، روحی، اموری

مؤلف نقل سده و در کتابتاسی ذکر سده است حسروی به دلیل اهمیت فانیل شدن برای دقت تاریخی از ادبانت کهنتر ایران به کلی جدا شد او در اثر خود کاری کرد که می توان آن را رهناف عربی نامند، یعنی درگیر بروهسهای وسع شدن قبل از فلم بردن بر روی کاغد (منبع مذکور. ۴۴)

دیس لحاظ روس حسروی ناداور رمانهای تاریخی و نیز اسکاات با الکساندر دوما (ندر و بسر) بود (که اسسار بر حمه های فارسی نویسنده دوم ار دهه ۱۲۷۰ شروع سده بود) پس امر به موارات بلاسهای مسانه حراحی ریدان در عربی بود و ممکن است که نمونه ریدان در مؤلف سمس و طعرا اثر گداسه باشد، خصوصاً به اس دلیل که رمان حسروی (بر خلاف سروان او بر دهه های بعد) مربوط به ایران دوران مسانه بود و به ایران پس از سلاه و خود او سر رمان ریدان به نام عدرء فرس را به فارسی بر حمه کرد ظاهراً هدف او مانند ریدان اساساً آمورسی بوده است ارائه تاریخ به کمک داستان سرگرم کننده به نظر اریں نور اس سیک که متعلق به قصه گویان ایرانی است و «به صورت نقل و حجاب نگارس یافته و ماحراها به برست و فوع کلمه به کلمه و سب سرهم می آند» و سسار با نقل قولهای سعری و عربی اسه سده است «کتاب را از دسرس اکربت خواسندگان برای حارح می کند» (آریں نور، ۱۳۵۰، ۲۵۱) و اس بحث را ثوب می کند که هدف تولید ادبی در این مرحله «بوده ها» ببودند، سانه امیره ای از عناصر بومی و حارحی است که در آن عناصر دی سسی هور به نحو مؤثری خود را سنان می دهند

دهه های بعد ساهد انتسار رمانهای تاریخی سسری بود. عسی ساطلب از سیح موسی نصری در باره فتوحات کورس کسر در ۱۲۹۸، داستان باستان از حسن بدیع که عمدتاً از ساهنامه اقتباس شده بود در ۱۳۰۰ و دام گسسران یا انتقام خواهان مردک از صنعتی اده کرمانی در مورد رورهای آخر امراطوری ساسانیان در همان سال تمام اس انار به سب الهام گرفتن از دوران پس از اسلام از نمونه سمس و طعرا فاصله می گیرند، در حالی که رمان عسی و ساطلب به سب به دست دادن تلفظ نامهای قدیم ایرانی به رمان عسی، بکنه خود بر منابع اروپایی را علاوه بر بهره گرفتن بخواهان اروپایی فاس می کند تمام این آثار نمونه هایی هستند از سبیل به فرار از محدودیتهای رندگی سیاسی و اجتماعی معاصر خود و بدین سبب خود از یک سو در گذشته ناسکوه، که در تصاد با حن بارداریده و فهرایی آنها بود و منابع خود را از آن می گرفتند، و از سوی دیگر در غرب «بسر و»، که الگوهای عام و ادبی خود را از آن می گرفتند

نه گذاری داستان کوتاه بر تا حدود زیادی مدیون الگوهای

عربی است، هر چند همانرا ده این راه را در ۱۳۰۰ گسود، نامدتها بعد که صادق هدایت آن را شروع کرد، هموار نسند و تنها بعد از جنگ دوم جهانی واقعاً رواج یافت در دوره اولنه تعداد اندکی داستان کوتاه بر حمه با بوسنه سده دیده می شود (به استثنای طرهای سیاسی که نوع ادبی متفاوتی هستند) و حداقل قبل از ۱۳۰۰ تعداد رمانهای بوسنه سده و بر حمه سده پس از داستانهای کوتاه بود هر چند بحث درباره دستاوردهای همانرا ده فرار از حدود مفر را اس مقاله است، لارم است اساره سود که کارهای وی اولس بلاس بر نامه ریری سده برای فرار دادن ادبانت در دسرس خواسندگان و سسیری بود ادبانی که کارکرد تعلیم و ترسی حیاتی آن برای سسرف اجتماعی و فرهنگی از نظر او کمتر از انچه اسلاف وی می بنداسند بود. برای اس کار وی مطالب مورد علاقه این خواسندگان را از طریق موضوعات و ربان کاملاً اسنا برای آنها عرضه کرد او در اس کار توانست به امره سودمندی از عناصر بومی و حارحی دست یابد. هر چند قصه گوئی یک هر قدیمی ایرانی است، سکلای سنتی آن نمی توانست تأسرات هجان بخشی ایجاد کند که با داستانهای کوتاه فرن بورد هم اروپا (که در آنها به طرح، سحسب و حرناب واقعگرایانه توجه بیستری می شد) قابل مقاسه باشد. همانرا ده توانست مسحصه های ادبی داستان کوتاه اروپایی را با مصالح برگرفته از رندگی ایرانی ترکیب کند و سکلای واقعاً ایرانی خلق کند که برای خواسندگان سساری حاده داسب اسکه کار او اثر آبی ناحیری داسب عمدتاً به دلیل حو سیاسی دسمن حوی آن رمان بود اما تلاشهای او نمایانگر اواح اس دوره اولیه تحدید حیات ادبی بود و راه را برای انچه پس از آن رخ داد، هموار کرد

حاشیه.

۳) عازرت کامساد اس است «اولس بلاس برای بوسن رمانی ایرانی با الگوی اروپایی» (۱۶۶۰ ۱۶۷۰) از این بوز آن را «اولس رمان اجتماعی اصل به رمان فارسی به سیک اروپایی» می خواند و آن را با اثر اواح مردگان گوگول مقایسه می دند ۱۳۵۱ ۳۱۵۱ د. مورد مسکلات موحود بر سر تعیین تاریخ سسبف و انتسار این کتاب به خاس ۱۹۷۸ ۳۵۹ شماره ۲) سر رجوع کند ۴) این ترجمه بوسط رفاعة رافع الطهطاوی قبل از ترجمه فارسی علی جان نظام الملك مسسر سده به سال ۱۲۶۵، اسسار ناف

در این دوران دو مقوله دیگر ترجمه و اقتباس ادبی، یعنی نمایشنامه و شعر، اهمیت به مراتب کمتری دارند و به همین سبب خلاصه‌تر به آنها خواهیم پرداخت. علاوه به نمایشنامه تا حدود زیادی با تأسیس «دارالفنون» شروع شد که در گوشه‌ای از حیطه آن تئاتر کوچکی به سبک اروپایی ساخته شد^۵. فهرست تریب شامل ترجمه چند نمایشنامه مولیر از فرانسه به فارسی است و بر ترجمه فارسی هفت نمایشنامه ترکی توسط آخوندزاده، این مبالغه توجه ما را به سوی يك مسئله اساسی در این مرحله ابتدایی جلب می‌کند: این واقعیت که ایران هیچ نمایشنامه‌ای از نوع اروپایی نداشت و (بر خلاف مورد نثر) الگوهای بومی مفیدی نداشت که کار را بر آن اساس شروع کند. شکلهای نمایشنامه‌ای بومی شامل انواع مختلف روحوضی و نیز نمایشنامه مذهبی تعزیه بود که متکی بر حوادث مربوط به شهادت امام حسین (ع) است ولی موضوعات دیگر را نیز در بر می‌گرفت. آشنایی با فرهنگ اروپایی سبب افزایش آگاهی نسبت به توانهای بالقوه نمایشنامه هم برای سرگرمی و هم به عنوان وسیله‌ای برای انتقاد اجتماعی و سیاسی شد. ولی بسیاری از الگوهای رایج در اروپا نتوانستند در ایران احساسی برانگیزد، خاصه در میان مخاطبان که به قراردادهای آنها عادت نکرده بودند. شاید با مثال ترجمه‌های آثار مولیر نتوان این وضع را بهتر توصیف کرد.

ترجمه‌های اولیه از آثار مولیر در واقع اقتباس بودند و نه ترجمه و برای جذاب کردن و قابل فهم تر کردن آنها برای مخاطبان ایرانی، تغییراتی در آنها داده بودند. آری بورمی گوید که «به‌تنها در دوره ناصری بلکه بعدها هم سلیقه مرحمت ایرانی آن بود که مضمون کمیدیهای مولیر و دیگران را اقتباس و آراءانه تحریر کنند تا با مذاق خوانندگان و تماشاگران ایرانی سازگار افتد.» (آریس پور، ۱۳۵۰، ۳۴۲) اما به نظر براون ترجمه میزانتروپ مسلوب به میرزا حبیب اصفهانی که در ۱۲۰۸ در قسطنطنیه با عنوان گراس مردم‌گریز چاپ شد، علی‌رغم ایرانی کردن شخصیت‌های آن و فرار دادن اصطلاحات و صرب‌المللهای فارسی به جای فراسوی و تأثیر اسکار ترجمه‌های هم عصر ترکی از مولیر، کاملاً به دقت از اصل تبعیت کرده است (براون، ۱۹۲۸، ۴۵۹: ۱۷). اما با خواندن این نمایشنامه، علی‌رغم تلاش مترجم برای مفهوم کردن آن برای مخاطب ایرانی، احساس ساختگی بودن شدید و فقدان ارتباط با زندگی ایرانی، به اسان دست می‌دهد.

یکی از علتهای اسکال جنس ترجمه‌هایی، حداقل در بعضی موارد، شاید استفاده از نظم باشد که به گفتگو حالتی منطقی می‌داد و به علاوه تداعی احتیاج ناپذیری از يك طرف با شعر درباری و از طرف دیگر با شعر عامانه داشت که مانع از به

۵

کارگیری حلاق شعر در این نوع بااساس می‌شد اما ترجمه‌های مولیر وضع خیلی بهتری نداشتند و ساند دلیل آن بود که حالت حده‌دار رفتار قرن هفدهم فرانسه به دسوارتی به ایران قرن نوزدهم قابل انتقال بود. به هر دلیل نمایشنامه‌های مولیر حادته باحری برای مخاطبان داشتند، مخاطبانی که مسلماً آمادگی اندکی برای ندرس نمایشنامه از هر نوع داشتند.

ترجمه‌های میرزا جعفر فرجه‌داعی از نمایشنامه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده از زبان ترکی ادبی به زبان فارسی که در ۱۲۵۳ در تهران انتشار یافت، نسبتاً موفق تر بودند^۶. بوستن و احرائی نمایشنامه در برکنه رودتر از ایران شروع شده بود و الگویی برای بسیاری از نویسندگان ایرانی شد، خصوصاً نویسندگانی که کاه و نگاه در برکنه ساکن بودند. این موفقیت خاصه به اس دلیل بود که سراط برکنه قرن نوزدهم از رفتار اسراف قرن هفدهم فرانسه به سراط ایران بسیار نزدیکتر بود. نمایشنامه‌های آخوندزاده اولس نمایشنامه‌هایی است که به تقلید از سبکهای اروپایی نوسه شد. مقدمه مترجم- که با قطعه‌ای مدح ملال اور و مقدم شده به ناصرالدین شاه اعاز می‌شود- بازتاب مسفله‌های دهی برستی است که به طور سنی از مسخسه‌های ادبیات ایران بوده است.

هدف این گردآوری و ترجمه ارائه تعلیم اخلاقی موجود در گفتگویی حده‌دار به سبکی عامیانه و ساده با الگوی تئاتر اروپایی است و شکل ارائه آن عملی است یعنی صاحب خوب و بد در داب سر به کمک مسانده احتلافا و مساهتها و سیدن گفتار طبعی، اغراق شده رنده. (آخوندزاده، ۱۳۴۹، ۶۴)

واقعیت‌گرایی به طور نسبی بیستر این نمایشنامه‌ها در مقایسه با اقتباسهای آثار مولیر دلالت بر تمایل به ترسیم صافانه وضع موجود دارد؛ همچنین بازتاب آسایی مؤلف با ادبیات معاصر روسیه و نیز تجربه او در دیدن احراهای نمایشنامه‌های روسی؛ اروپایی هنگام اقامت در تفلیس است که منبع الهام کارهای نمایشنامه‌نویسی وی شد. این آگاهی تکمیلی به علاوه ملروم- ادبی و تعلیمی نمایشنامه، بدون سبک در موقعیت نمایشنامه‌های

مسوری مانند زمان است، زیرا مترجم شعر سه راه بیس روی دارد که هیچ يك رصا تشخیص نیستند. ترجمه شعر اصلی به سر ساده ترین ولی ناکارآمدترین و نه لحاظ ریباساسی نامطو عترین روس) برگرداندن آن به شکل نظم سنتی (که در این صورت بیشتر احتمال دارد اقتباس از کار در باید تا ترجمه)؛ یا بی ربری اسلوبهای شعری جدید با تعمیر اسلوبهای موجود به نحوی که مطابق بردیکری با مسحوصه های شعر اصلی داشته باشد این کار از همه سهوی دیگر مسکلتتر است و مستلزم آن است که ترجمه شعر و امروری کردن ساعرا نه نوأما صورت گیرد

حناکه همه می داند در حاو رمانه شعر با ستهای دیرنای خود سر سجت ترس و طولاسرین مقاومت را در برابر تأثیرات مدرنیزه کردن سال داد نلاسهای اولیه در جهت مدرنیزه کردن عمدتاً محدود به محوای شعر بوده و به صورت آن هر چند در حدود ۱۲۴۹ شمسی ملا بجهانی در سرباب دوره ای درباره «شعر مسور»^۵ مطرح می شد، اس بجهان ابر ناخبری در تصنف واقعی شعر یا بر ترجمه داسب این احساس که سکلهای سسی شعر بیاری به تعمیر ندارند ولی محوای سسی انها عرقا بل قول است و باید به سدت تغییر کند، صربا توسط مررا افاحا کرمانی (۱۲۳۲-۷۵) در مقدمه سالارامه وی اعلام شده است او نا اساره به فصل احتماله ابر خود «با نانابی حماسی مانند سوه و روس ساعران ارونا» شعر سسی ایران را به اسفاد می گرد و این اسفاد نه بر مسای فرارادهای ادبی یا صوری است- که وی نلاس ریادی برای ستاس فصاحت و ربابی ان می کند- بلکه سست به تأثیرات روحی محتوای آن است.

آچه مباله و اعراق گفته اند، سبجه ان مرکور ساحس دروع در طبایع ساده مردم بوده است آچه مدح و مذهب کرده اند، سبجه ان سوبق وررا و ملوک به انواع ردائل و سفاهت شده است آچه عرفان و تصوف سروده اند، صری حر تسلی و

حاشیه

(۵) رجوع شد به اربن بور (۱۳۵۰، ۷-۳۳۶) ناصر الدس شاه در ۱۲۴۸ «تکيه دولت» را بر مسای الگوی نالار البرت در لندن با نهاد عناصر محافظه دار به سدت با تناظر مخالفت می کرده، سسر شاره ها محصور به عطل سدت با مضارف دیگری یافتند

(۶) اصل ان در بلس در ۱۲۳۸ مسسر شد، ترجمه روسی این نمایشنامه ها توسط خود مولف حی قبل از انتشار انها به زبان ترکی، در ۱۲۳۱ در بک سربنه روسی حاب شد (اربن بور ۱۳۵۰، ۶-۳۵۳)

(۷) برای دیدن مطالبی در مورد ملکم جان رجوع شد به اربن بور (۱۳۵۰، ۱-۳۵۸-۶۱)، همحس رجوع شد به بران IV، ۴۶۳ و کامساد ۱۲، ۱۳۴۵

(۸) ره نامه علمه دولت علیه ایران در تاریخ ۵ مهر ۱۲۴۹ حاوی بخشی از شماره های سسر رو نامه ملت بود (براون ۱۳۶۲، ۶-۹۵ را سید)

احو بدرا ده سهم بودند، خاصه به این دلیل که در آنها اولس نار با ارائه گفشار مستقیم و طبیعی بر روی صحنه رونه رو سد نمایشنامه های آحو بدرا ده که از حاب مخاطبان ایرانی حلی بهر از کارهای مولر بدیر فیه سد، منجر به تقلدهایی سد، ملا از حاب مررا آفا سربری، مؤلف حید نمایشنامه که اولس نار در ۱۲۸۸ حاب سد (هر حید در حوالی ۱۲۴۹ بصف سده بود) و سسر مسوب به مررا ملکم جان بود^۶ در این نمایشنامه ها به ملرومات فسی نمایشنامه، که از نقاط قوت کار احو بدرا ده بود، بوجهی نمی سد و سابر ان احرای آنها دسوار بود. اما باید توجه نرد که هدف حسین تألیفاتی واقعاً احر کردن بود، در واقع سرباط ساسی و اجتماعی اغلب مسعد احرای این نمایشنامه ها بود و سساری از نمایشنامه های این دوره که به نظر براون «اساساً حروه های سیاسی بودند و به نمایشنامه» (براون، ۱۹۲۸، ۱۷، ۲۳) به تنها به بذب احر می سدید بلکه اساساً برای حواده سدن و به دیده سدن بوسته شده بودند. به هر طریق نمایشنامه سواسب در این دوره در ایران به صورت اساسی مسسر سود و سنها مدت ها بعد بود که نلاسهای تاره بیرو و محوسب سستری برای این نوع ادبی به همراه آورد.

مقوله سوم و آخر ترجمه ادبی که شاید محدودترین میدان را در این دوره دارد شعر است علاقه به ترجمه شعر در اواخر قرن نوزدهم و خاصه بعد از سروع فرن بیستم آعار سد حو تسحص ترجمه های شعر و یافتن آنها در متون مسکل است (ریرا در ابار مختلف از جمله در خنگها، مجموعه آثار نویسندگان مختلف، سرباب دوره ای و مانند آنها براکنده است) به همس سربن به دست دادن ارزیابی دقیقی از آنها یا از سهم انها در امروری کردن شعر طی این دوران، مسکل است. اما بر مبنای سواهد محدود موجود به نظر می رسد که این سهم سسار کم باشد ظاهراً روی سجن ترجمه های شعر با مخاطبانی بود که حتی از مخاطبان ترجمه های سر محدودتر بودند. این ترجمه ها هور هم فضای فکری بجه گرایی را حفظ می کنند که متأسفانه مسخصه سساری از اشعار آن دوره ای است که حتی بخشی از آن وقف اصلاحات سیاسی و اجتماعی شده بود البته مسکلات ترجمه شعر خیلی بیشتر از ترجمه بوسته های

کنالبت حیوانی و تولید گدا و فلندرن داده است. آنچه تعزل گل و بلبل ساخته‌اند، نتیجه‌ای حر فساد اخلاق حیوانان و سوز ایشان به ساده و ساده نهجسوده است. آنچه هرل و مطایبه برداخته‌اند، فایده‌ای حر سوع فسق و فجور و رواج فحشا و منکر نکرده است

در مقابل | شعرای فرنگسان حنان شعر و ساعری را در تحت تربیات صحیحه آورده‌اند و حنان اسعار خود را مطابق منطق ساخته‌اند که حر سو بر افکار و رفع خرافات و نصیر ساحس حواطر و سنه عافلس و برست سفها و نادب جاهلس و سوبق نفوس به فضائل وردع و زجر قلوب اردرائل و عرب و غرب وطن و ملت باسری دیگر بر اسعار انسان مرتب است. بها کسی، ا که ادبانی فریخت می‌سازند همان فردوسی طوسی است نه اسعار ساهنامه او کرچه بعضی حاها حالی از مطالعه نیست، ولی حب ملیت و حبست و سهامت و سخاعت را با نك درچه در طبایع مردم ایران القا می‌کند و بازه‌ای حاها به اصلاح اخلاق نزمی کوسد (براون، ۱۹۲۸، ۱۷ تا ۳۴ مقدمه)^۱

سناری از برحه‌ها و افسانه‌های اولیه، مانند سناری از نصیفهای اصل، وقتی که به مسائل اجتماعی و سیاسی معاصر می‌پرداختند، برای تحقق این کارکرد شعر بود اما به دلیل غالب بودن سکلهای کلاسیک، سناری از این اسعار (که اسعار سروده شده برای انتشار در سرباب دوره‌ای، مورد استنباطی آن است) از دسرس مخاطبانی که فاقد امورش سطح بالای لارم برای درك آن بودند، خارج بود. کمابسی سسی برحه‌های شعر در این دوره همجنس نشان‌دهنده این امر است که میران اندکی از اسعار فون نورد هم اروپا به کار توصیف وضعیت ایران می‌اند و حس اسعاری، به صورتی که برحه می‌شدند، عموما حنان «نه قالب فارسی درمی‌آمدند» که تمام خصوصیات اصل خود را از دست می‌دادند

بعضی از شعرا که نمایندگانی گراسه‌های سعری مختلف این دوره بودند، به مرحمان و افتناس کنندگان اسعار اروپایی تبدیل شدند از جمله ادیب الممالك امری (۲۴۵ تا ۱۲۹۶)، که سیک سعری‌اس، با بداجا محب تأثیر شعر اروپایی بود که کلمات، موسفها و اسمارهای برگرفته از ادبای اروپایی را وارد شعر خود می‌کرد؛ بحی دولت‌امادی (۱۲۴۳ تا ۱۳۱۹)، که الگوهای فافه‌ای اروپایی و سرعروض هجایی را تجربه کرد و برحه‌های او از فراسه حرو اولین برحه‌های ریان فارسی 'ست' و ابوالقاسم لاهوتی که از سعرای مهم سیاسی بود 'نمونه ارجح میرا (۱۲۵۳ تا ۱۳۰۳) وضعیت این دوره اولیه برحه شعر را روس می‌کند.

ایرج میرزا ساعر معتبری که به سکلهای سسی شعر می‌سرود، با چند ریان سرفی و اروپایی آسانی داس و یکی از مترحمان اصلی ادبای اروپایی سد ف ماحالسکی می‌گوید که از حمله تلاسهای او این بود که «آثار سسلر و لافوس را برحه کرد و ترجمه‌های وی هر چند آزاد بود، گنجینه ادبای فارسی را از ارسهای تازه و باگذاری عسی ساحب، (ماحالسکی، ۱۹۵۶، ۱۲۹) درواقع برحه‌های ایرج حنان آزاد است و حنان به لحاظ سیک و محتوی آزادانه به قالب فارسی درآمده است که نمی‌توان آنها را به عنوان نمونه‌های شعر اروپایی بازساخت. استفاده‌ای او از قالب مسوی ساند در مورد برحه اسعار لافوس بوجه دیگر ناسد بر اساسی با اصل آن می‌باشد، اما خود برحه‌ها حسری مسحفه‌های من اصلی را حفظ نکرده‌اند و درواقع سسی به آن سس آنها و مسحفه داستانه‌های نمیلی سست مسوی در دوران مبادعاری قائل شد به طور خلاصه هر چند این اسعار از اسعار موفق فارسی هستند، اما به عنوان ترجمه ارسسی ندارند همس مطلب د مورد داستان عسفی منظوم با تمام زهره و موحنر صادق است به اقتباس ازادی اروپوس و ادوسس سکسسر است این اثر با السج در جهت وفایع، توصیفها و غیره از اصل خود بعبت می‌شد. افسانه اسطوره‌ای اصلی را به داستان منظوم عاسفانه‌ای از این گونه که در فارسی مداول است، تبدیل می‌کند و السه بدون بحر ف سیک با بانگاه اخلاقی، نمایندگانی آن نوع ادبی در فرون وسطی و سراسر افتناس نوراسی سکسسر از اسطوره یونانی (ارس نور، ۱۳۵۰، ۱۱ تا ۱۳-۲۰۱)

برحه‌های ایرج و سروده‌های اصلی او سانه ناسدی به اسکال سسی شعر و مفاهیم سسی فقه‌گویی به قصد سحه‌گری امورنده فقه است نهوده نیست که در یکی از «قطعه‌های حو- بقاخر می‌کند که «من حو بر است سحرایی سوارا ام بود هم رکامه فرحی و هم عنامه عسری» و سحه می‌شرد که «حکم بر من گسه شعر و ساعری حو با که شد بر محمد خاتم بعمران بیعمری» (میرزا، بی‌تا، ۱۷۴) تلاسهای خود او در انداع سعری فرار از وارد کردن کلمه‌ها و عبارتهای سگانه در اسعار فارسی، بحر نه‌های اجدید با فافه بود که هر چند «بانه‌گذاری سید سعری حدید» نامیده شده- بنا به ادعان خود س بو عی از محس است که درواقع سناری به هج الهام از کار اروپائیان داس (منبع، سسی ۹)

بنابراین درواقع نمی‌توان سحه گرفت که در این دوره ترجمه‌های شعر نفس مهمی در احباء ادبی ایفا کردند؛ نه علاوه تأثیر نفود اروپا در شعر ایران در آن زمان باحیر است و عموما به تلاسهایی برای اقتباس از الگوهای فافه‌ای اروپایی (و عمد- فراسوی) به حای سکل نك فافه‌ای و سسی شعر فارسی محدوده

می‌سود کوسسه‌های برخوردار از واقعیت‌گرایی بیشتر، که غالباً را با وارد کردن کلمه‌ها و عبارتهایی در شعر سنتی فارسی ستاه می‌گرفتند، کاری بود که مسلماً خارج از دسترس نحس و سعی از مردم بود تنها در مرحله بعدی، یعنی مرحله‌ای که عمدتاً با تلاشهای شما آغاز شد، کوسسه‌های درخور اعتنایی برای مدبره کردن شعر دیده می‌سود.

این مرور مسلماً خلاصه و کلی‌سان می‌دهد که نفس ترجمه و فسان در معرفی انواع ادبی جدید و آفرینش سبکهای ادبی جدید باید بر مبنای استواری از نوآوری باشد. به نفس حسودی از سبک مصنوعی توسعه‌های درباری که نویسندگانی چون قانع، مقام، فراهانی و امیرکیم از نمونه‌های آن بودند، با سبک‌های نادرستی خارج (و به آنها اروپا) و سربرابر سازه‌های چندهای اموری و بعدها سازه‌های سرباز دوره‌ای^{۱۹}، رو به فساد می‌شدند بدون سبک این عوامل در اتحاد علاقه بیشتر سبک به ناهنجاریهای ادبی و عمومی برای برآوردن سازه‌های جدید و اتحاد بدین سبک الگوهای خارجی از غرب «سرو» جیل بوده است.

ما با تحلیل کاملی از مطالب ترجمه شده و اقتباس شده انجام دادیم، نمی‌توان ادبیاتی دینی از سهم دینی حسن ترجمه و فسان در احیاء ادبی به عمل آورد چند مشکل در این امر وجود دارد. نخست و بس از همه آنکه عمدتاً به سبک شرایط استواران ترجمه‌ها، دسترسی به خود ترجمه‌ها بسیار محدود است. بسیاری از این آثار در خارج از کشور، مصر، ترکیه، هند و اروپا، چاپ شدند و باید در جاهای مختلف به جستجوی آنها برآمد بسیاری از آنها به شکل بی‌دوامی، در سرباز دوره‌ای یا به صورت «دوربین» یا به صورت محفایه چاپ می‌شدند و بنا بر این در منابع دست‌نویسی بسیار کمیاب شده‌اند. در مورد ترجمه‌های شعر، این نمونه‌ها - دیوانهای مترجمانسان (مانند ابرح مرزا) آمده‌اند و اغلب بدون تاریخ، اسناد یا مشخص شدن زبان اصلی هستند (و گاهی تنها ترجمه بودن آنها ذکر شده است).

اما قبل از مبادرت به تحلیل محتوا و سبک آنها، یا مقایسه آنها با اصل، باید این ترجمه‌ها و اقتباسها بررسی و طبقه‌بندی شود از لحاظ باید توجه خاصی به ترجمه از زبانهای سود که تاکنون عمدتاً نادیده گرفته شده‌اند مثل عربی (که زمینه‌ای بسیار غنی برای مطالعات تطبیقی است) و روسی مسئله دیگری که عبرت‌بخش برداشته شده این است که ترجمه‌های فارسی بعضی از آنها به حد خود متکی به ترجمه‌های دیگر بودند و این امر به مرور در درک و نحوه برخورد آنها تأثیر گذاشت.

آخرین نکته مهم مسئله بدین است خوانندگانی که محض ترجمه‌ها و اقتباسها فرصت می‌شدند، نفس‌کننده اشباح

این ترجمه‌ها بودند کاملاً روس است که مخاطبان این آثار یکبارچه بودند ولی فرصت بر این بود که از سطح معنی اسواد برخوردارند و انتخاب آنها سان‌دهنده اعتبار و بنا بر این محتوایت نوع ادبی خاصی در برابر انواع دیگر است این امر با چه حدی در درک عمومی از ادبیات اروپایی و سر آداب و رسوم آنها تأثیر گذاشت؟ قبل از پاسخ به این سؤال و سؤال دیگر مرتبط با آن یعنی اینکه نویسندگان ایرانی چه از طریق ترجمه و چه از طریق مطالعه مستقیم با چه آثاری آشنا بودند، باید بررسی دینی از اسناد موجود و عمدتاً بی‌دوام صورت گیرد. داداستهای روزانه، روزنامه‌ها، نامه‌ها و سر بررسیهای انجام شده درباره کتابها و مقدمه ترجمه‌ها و آثار اصلی. چه امری سبب شده است که افغان کرمانی سبب نگردد شعر اروپایی بسیار اخلاقی است و شعر کلاسیک فارسی بیست و این امر را بوجه تقلید خودس، به از آثار اروپایی، که از ساهنامه فراردهد؟ چه عاملی سبب شده که نویسندگان ایرانی بعضی آثار اروپایی را به لحاظ اخلاقی ساریده ندانند، حال آنکه به فکر اسفادی اروپایی این آثار را فاقد حسن کفایت می‌دانند؟ آیا بسرف فنی اروپا بود که سبب شد آخوندزاده به اسامی اروپایی را ابرار آموزش دهد که مستقماً به حسن بسرفتی می‌انجامد یا سبب شد که جمالزاده زمر این بسرف را در اختصاص یافتن کار به داستان‌روایی سبب در واقع آیا تأثیر ادبیات اروپایی با تصورات اساسی این نویسندگان (عمدتاً برخاسته از سبب ادبی نومی خودسان) بود که آنها را به این نظر رساند که هر ادبیات ارزشمندی باید تعلیمی باشد؟ (علی‌رغم سواهد فراوانی که در خود ادبیات اروپایی و حداقل در همین آثار که در ایران بسربین محسوب را یافتند خلاف این امر را سان می‌دهد) بسرب این بررسیها با کون مطرح شده‌اند و تلاش برای پاسخ به آنها خیلی کمتر بوده است اما تنها هنگامی که حسین مواردی مطرح سوید و تحلیل مفصلی از کل حوزه ترجمه و اقتباس ادبی در این دوران صورت گیرد، می‌توان ادبیاتی معبری از تأثیر آن چه در دوران خودس و چه در سلهای اسده به عمل آورد.

حاشیه

۱۹. این مطلب از سلا نامه سافه، جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران (به ترجمه بهرام مقدادی) سر حسن مقدمه‌ای ندانست اما یعنی از سبور در جلد اول از سلا نامه ان، تاریخ ندانی ایران را نقل کرده است - مرجم

۱. ج. ح. کینه به ماسالنجی (۱۹۶۵: ۱) در مورد امیری (۶۲-۶۳) در مورد دل‌اندی (۱۱۴: ۵)، مو دلاهی

۱۱. به نظر شمس‌الدین کسربین فون جاب به سها حبه‌های برینی «تولید کتاب بلده سان ادبی، رو به راه گذاشت» یا لئو تراسی هیر برینی بوسته‌ها رو به افول گذاشت و حسنی رای ساده بر خوردن و مستقیم بر خوردن از سراط آغاز شد. (۱۹۶۱: ۱۱۱)

مسکلتترین معجب مقررات ملی ساختمان، معجب اصطلاحات ساختمانی و معماری و هنرهای وابسته و استاندارد کردن و تعریف آنهاست این اصطلاحات به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند گروه اول اصطلاحات مربوط به علوم و فنون حدید ساختمانی است که ما برخی از آنها را عیناً به صورت فرنگی قبول کرده‌ایم و به کار می‌بریم به عنوان نمونه، در حوزه اصطلاحات بتن، بر مبنای واژه‌نامه بتن سازمان برنامه و بودجه، کمابیس ۶۲ اصطلاح از این گونه است

آرماتور، البار، انالتر، انوکسی، اتوکلاد، استاتیک، اسلامت، الاستیسیت، امولسیون، ماکتری، بتن، بریکت، بلوک، بول، ناح، نابل، ندسبال، بریکلار، بلاستیک، بلی اسر، بلیسه، بودر، بومس، باندون، ترمی، حک، حاموت (ط روسی)، دال، دنافرانک، دناگرام، دسامیک، رنولوری، ررس، رل، ساندویچ، سرامیک، سابلون، سبلک، فول، کابل، کامون، کلونید، کلینگر، کسول، کویلر، گار، لاتکس، لوب (حلقه، حنر)، ماتریس، ماسس، ماکروسکوبی، مدول، مکاسک، مگر، معان، مورائیک، موبومر، میکروسکوبی، واتراستات، ویسکوریت، هیدراته، هیدرولیک، یونیر، ویراتور، یخسگ بلات

برخی از این اصطلاحات فراسوی، باره‌ای انگلیسی و بعداً اندکی روسی است

برخی دیگر از اصطلاحات علوم و فنون را به فارسی برگردانده‌ایم البته از این اصطلاحات فارسی سده به طور یکجواب استفاده نمی‌کنیم، بلکه گاهی آنها را به همان صورت فرنگی به کار می‌بریم دلیل این موضوع تست آراء و وجود موافق و مخالف در کاربرد اصل فرنگی اصطلاحات و برحمت‌های گوناگون آنهاست به عنوان نمونه، من یکبار به سروی «دائرة المعارف فارسی مصاحب به حای واژه «Marl»»، «آهکرس» را در بوسه خود به کار بردم در سب ۲۴ ساعت بعد از انتشار بوسه مربوط مسئول لعاب علمی لعسانه دهخدا تلفن کردند و فرمودند شما به چه حای به مارل «آهکرس» گفته‌اید دورور بعد یکی از فارغ التحصلان رسته راه و ساختمان داسکده فی ساگردان حیات مهندس احمد حامی تلفن کردند و گفتند استحامی، مارل را معادل گلاهاک گرفته‌اند

در باره‌ای موارد معادلهای فارسی بعضی واژه‌های فرنگی رده و باهماهنگ است و در حد مورد این تست آراء بسیار رده است نمونه بارز آن دو اصطلاح «الاستیسیت» و «ویسکوریت» است که برخه‌دی، جهمدی، کسبایی، کسوارتی، ارتحای، بوابی و فیری معادل الاستیسیت، و دوساکی، لروحت، باروایی، کندروایی، دوسگتی، لرچی، حسایی، سره‌داری، گران‌روی، دوسدگی، درجه غلظتی، فوام، برابر نهاده‌های ویسکوریت است

نکته‌ای چند درباره

اصطلاحات معماری

حسب معروف

تا اینجا تست موجود در اصطلاحات مربوط به علوم پایه و مبنای جدید ساختمانی نشان داده شد، که انشاءالله با زحمات مسئولان محترم مقررات ملی ساختمانی این وضع سر و سامان پیدا خواهد کرد.

گروه دوم اصطلاحات مربوط به ساختمان و معماری است که موضوع اصلی این گفتار است. این اصطلاحات در زبان معماران و زبان سنتی و در بعضی مدارک کتبی موجود است، هر چند برخی از آنها در دسترس ما نیست.

در مقاله «معرفی طرح گردآوری و تعریف اصطلاحات معماری و ساختمان و هرهای وابسته در زبان فارسی»، بوسته سبحان، که در شماره اول مجله آبادی، تابستان ۱۳۷۰ چاپ شده است، منابع کتبی و شفاهی این اصطلاحات به اختصار آمده است.

در اینجا به این منابع این طرح گرایش می شود. برای این که سرنجی در دست داشته باشیم و مطلب را از نقطه ای شروع کنیم، بخشی از این اصطلاحات را که به صورت شفاهی دو به دو در زبان فارسی به کار می روند برمی شماریم. فهرستی نوعی پس رو در رو و سب به سب در کاسی کاری و اجرکاری سر و گشته نوعی اجر حسی، سب و سب کنه و راسته نوعی اجر حسی کنه و قدی نوعی اجر حسی حقه و راسته نوعی اجر حسی حقه و زفته نوعی اجر حسی

عشق و معشوق اصطلاح نقاشی برای رنگهای مهم دکوراتیو و مستور اصطلاح معماری برای ساختمانیه که مستور در چهار دیواری و برعکس باشد محفی و اشکار اصطلاح اجر حسی برای دو نوع هست کیر حسی و روحی. دو نوع آبرنگ در نقاشی سب کدر و خان گذر اصطلاح معماری در محاسنه نظری ساختمانها به و سمان اصطلاح معماری در ناذگیرها کست و افروود. معادل فارسی ابود در معماری رد و خورد معادل دیگر فارسی اتود در معماری برو ماده در هر نوع اتصال برو لاس در هر نوع اتصال

حب و راست طرر حیدن و سب نفسها و معانی دیگر سبه و کاس فرو رفتگی و برآمدگی نیروی و نیروی اصطلاح فضاهای داخلی منازل مسکونی ضوق و تربی ترب حفره برآمده در گوشه زمینه مربع برای ددن کسد نل و سفت اصطلاح گره سازی به و کسد اصطلاح گره سازی کشد و لبوبی اصطلاح لعاب در کاسی کاری سرو شکر اصطلاح کجبری خفت و خور اصطلاح بخاری خفت و سبت اصطلاح بخاری ضوق و توبره از اصطلاحات بوسس

طاق و چشمه. از اصطلاحات بوسس سایه و روشن اصطلاح معماری فاق و زبانه از اصطلاحات بخاری کام و زبانه از اصطلاحات بخاری بند و گشاد از اصطلاحات بخاری دور و نزدیک بر سکتیو در زبان فارسی قفل و سبت معادل Bond انگلیسی در اجر کاری. که در بر حمه های حدید به غلط نبود گفته می شود

در یکی از کتابها ملاحظه شد که در بر حمه حمله ای فرنگی بوسه شده «نوبد معند عمر از نوبد بوده ای است» به حای ان به سادگی می توان گفت «فقل و سبت در هر رح عمر از فقل و سبت درهم است» یعنی اگر بعد از انعام سبت کاری ساختمانیه آمدید نمای ان را با اخر سه سانی نمایی کردید، در اجر حسی سه سانی فقل و سبت در هر رح است، ولی در سبت کاری فقل و سبت درهم است، البته چون به من فرنگی اصلی دسرسی نداستم به فر سه و حدس به ان ترجمه سبت رده ام

اکنون به موضوع دیگری می پردازم. تقریباً همه معماران می دانند که «سبت» حسی و محیی ان و فرمول ریاضی ان را می سانسند سبت به زبان ساده، ربحر مسانه سنگس قابل اعطافی است که اردو اسهاس اراد او ححه شده باشد در حالت تعادل به صورت فوسی فرار می کبرد و از فوسهانی است که در معماری و بل سازی کاربرد بسیار زیادی دارد. این برداست در زبانهای فرنگی از محیی سبت در زبان فارسی به صورت دیگری است

اصطلاحات بسیار معمولی فوسها و طافهای ایرانی که در زبان معماران وجود دارد بر و کاره و هلو حس نا هلا حس است در گویش بردی بر معادل ناب و ناب باری است، در کوس کلکی هلو حس معادل ناب و ناب باری است، کاره بر در همه فرهنگهای فارسی به معنی تاب آمده است و ظاهر ا در کوس کرمان و نم به ان کارو گفته می شود سب همان طوری که معمار فراسوی از لفظ سبت محیی فوس ان را مراد می کند و به معنی ان که رنجیر وار است، توحهی ندارد. به عبارت دیگر این لفظ را از زبان عمومی عاره گرفته و در زبان تخصصی به کار می برد. معماران ایرانی بر در مورد بر و هلو حس و کاره همین عمل را انجام داده اند اگر همین اصطلاحات را از اسناد محمد کریم بر سا نا هر معمار دیگری در برد با کرمان با سبت سبتدم معنی ان را در می یابیم و می دانیم که همه آنها حالت تعادل طمانی است که اردو اسهانیس به در حسی نامیده ای او ححه شده باشد شکل ان به سهمی و احیاناً به هدلولی بر دیک است و بره هم ندارد یعنی «آریو» سبت

این رسه بر دزار دارد و در اینجا به همین مختصر اکتفا می شود

گنجینه عکسهای ایران، به کوشش ایرج افشار، صد و چهار + ۴۰۰.
پانزده ص، نشر فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۷۱

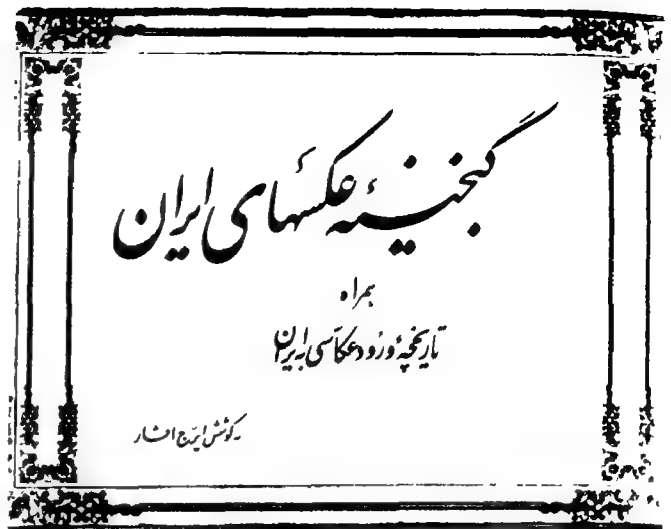
کتاب گنجینه عکسهای ایران از رمره نخستین آثاری است که در آن، اریک ستو، به شرح تاریخچه عکاسی ایران و، از سوی دیگر به گردآوری عکسهای قدیمی این سرزمین پرداخته شده است. سایرین، کتاب از دو جنبه درجور معرفی و ارزیابی است. عکسهای آن، که تقریباً به تمامی به تاریخ دوره قاجاریه مربوط می‌شوند، سندهای تصویری گویایی هستند که به مورخان مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان، هنرمندان و سایر پژوهشگانی که این دوره از تاریخ ایران سر و کار دارند خدمات ساینده‌ای را می‌کنند و دیدگاه گردآورنده آنها، که اگرگدسه به ادرس عکس به عنوان سند تحمفی و تاریخی واقع بوده، درجور تقدیر است. مؤلف کتاب، همان‌طور که در بخشی از مقدمه یادآورده شده است، طی سالها در گردآوری عکسهای قدیمی ایران اهتمام ورزیده و، جستجو در خاندانهای سرشناس و مراجعه به دارندگان مجموعه‌های ارزشمند عکس و خریداری کارت‌سئالهای قدیمی و حتی کاوس در برد عسقه‌فرونها و سمساران، موفق شده است که در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران مجموعه منحصر به فردی به وجود بیاورد که ادرس آن از نظر پژوهشگران فعلی نوسیده است و برای سئلهای بعدی بهر و بیستر آسکار خواهد شد و من به سهم خود برای این اهتمام به اسان درود می‌فرستم ادرس عکس، به عنوان سند تاریخی-تصویری، در دیبای امروز به حدی است که چهار سال پس مرکز بانگانهای اسناد فراسه مراسم برگرداست بکصد و سجاهمسن سالکر. سداس عکاسی را برگزار کرد

مؤلف، در مقدمه کتاب، علاوه بر شرح کفب گردآوری عکسهای تاریخی این مجموعه، به مطالب زیر پرداخته است: تاریخچه ورود عکاسی به ایران، سئسئ کلمات «عکس» «عکاس» و «عکاسی» در ادب فارسی، جایگاه عکاسی در دین ناصرالدين ساه و علاقه وی به این هنر، رساله‌های قدیمی عکاسی، عکاسان معروف در زمانهای گذشته، مجموعه عکسهای موجود در بیوناب سلطسی و در برد خاندانهای سرشناس، کفب گردآوری بانگانی عکس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران پژوهشها و نوشته‌های محققان ایرانی و خارجی درباره تاریخچه عکاسی ایران در زمان کتاب میر، بیوستی به شرح سرباط فی عکاسی در زمان گرفته شدن عکسهای کتاب اختصاص یافته است

در فصل نخستین کتاب، تحت عنوان «تاریخچه ورود عکاسی به ایران»، مؤلف با استفاده از منابع قدیم و جدید فارسی و فرنگی

نکاتی درباره تاریخ عکاسی ایران

پیروز سار



امریکایی، در سال ۱۸۸۰، صفحه رلاتسو برومور حشک و، در ۱۸۸۴، نخستین فیلم حلقه‌ای بر روی محمل کاغدی و، در ۱۸۸۹، اولین فیلم حلقه‌ای سلولوئیدی را به بازار عرضه کند، رایجترین و کارآمدترین سیوه عکاسی همین کلودیون مرطوب بود

در خصوص عکسهایی که با استفاده از روش داگرنوتیپی (daguerreotype) گرفته شده‌اند، یگانه سبب موجود چاپ عکسی از تکچهره ساهراده ملک فاسم میراسب که محققانی، از جمله سهریار عدل، مدعی‌اند که سبب اصلی آن داگرنوتیپ بوده و خود ملک فاسم میرا اس عکس را از چهره اش انداخته است. البته این دعوی تا حدودی محل تأمل است و ما بعداً به آن خواهیم پرداخت اما آنچه، به استناد متشاه تاریخی، مسلم می‌نماید این است که مسیوریسارخان نخستین عکاس داگرنوتیپ در ایران بوده و دست کم از ۱۸۴۴ به بعد داگرنوتیپ می‌گرفته است

در خصوص عکسهایی که به سیوه کالونایت گرفته شده باشد، نگارنده این سطور در هیچ حا اساره‌ای بیافته و حا دارد مورخانی که به مدارك قدیمی عکاسی در ایران دسترسی دارند به روس ساختن این مسئله همب گمارند کالونایت، که بعداً به تشریح آن خواهیم پرداخت، نخستین سیوه منفی / مثبت عکاسی است که در آن تصویر منفی بر روی وره‌ای کاغدی (ورقه پتراب نقره) شکل پیدا می‌کند و، به دلیل ناف و الیاف کاغذ، تصویر به دست آمده نمودی آنجان می‌یابد که گویی بر روی محمل حاب سده است و، به رعم این جانب، اعتمادالسلطه در این عبار به ان اساره دارد:

و در اوایل سلطنت روحافاده [ناصرالدین شاه] که سای مدرسه دارالفنون سد مسیورکیشین (Kizil) بمسای [اتریشی] معلم توپخانه قدری در روی کاغذ امتحانات عکاسی نمود

س از این مقدمه به سرح نکاتی درباره مطالب کتاب می‌پردازیم مؤلف محترم در صفحه هجده آورده‌اند

صفت عکاسی بر روی کاغذ حساس در سال ۱۸۳۹ به وجود آمد و در سال ۱۸۴۱ بلاکهای سبب‌های برای عکاسی اختراع شد

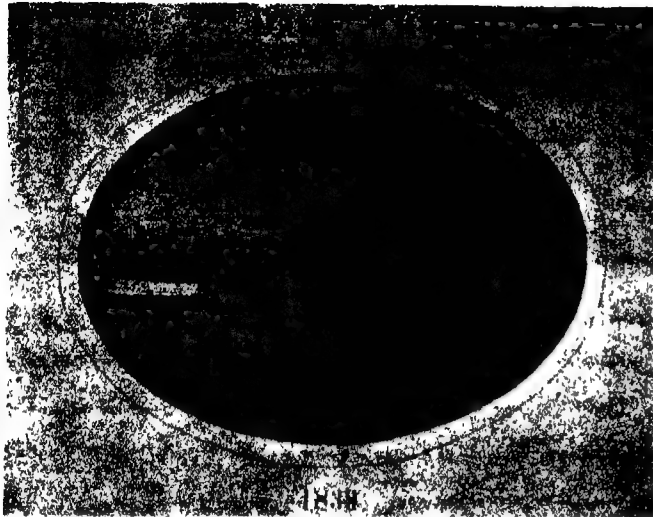
احه در ۱۸۳۹ اختراع آن به جهایان اعلام شد عکاسی بر روی کاغذ حساس بود بلکه عکاسی بر روی صفحه نقره یا صفحه مسی نقره‌اندود بود که به اسم «داگرنوتیپی» معروف است و عکس حاصل از آن را «داگرنوتیپ» می‌نامند. داگرنوتیپی سیوه‌ای است که به عنوان کشف هرمد فرانسوی لویی زاک

به سرح تاریخچه ورود عکاسی به ایران و نخستین سیوه‌های رایج عکاسی در کشور ما می‌پردازد. در این خصوص ملاحظاتی حد وجود دارد که ممکن است در توضیح مطالب این فصل از کتاب و به طور کلی آگاهی بروهندگانی که درباره تاریخ عکاسی ایران کار می‌کنند مفید باشد سس از ورود در حرئیات محب، یادآور می‌شویم که سیر عکاسی در ایران تابع و وابسته به تحول عکاسی در اروپا و سس امریکا بوده است در آغار بیدایس عکاسی در اروپا (فراسه و انگلستان)، سیوه‌هایی که یکی سس از دیگری و با فواصل زمانی به حدان ریاد در آنجا رایج می‌شده، از طریق خارجیه یا ایراسانی که به اروپا رفت و آمد داشتند، به ایران می‌آمد ساراس، تحلیل تاریخ عکاسی ایران بدون نظر داسنی به تحول کلی عکاسی در دسا ممکن است منحرف به نعرسهایی شود

دامنه بحث مطالب کتاب سه دوره از این تحول را در بر می‌گیرد نه به ترتیب زمانی عبارتند از: داگرنوتیپ (daguerreotype)، کالونایت (calotype)، کلودیون مرطوب (collodion humide) حال است که در گران‌سی که اعتمادالسلطه از وضعیت عکاسی در ایران طی دوران سلطنت ناصرالدین شاه در کتاب مراب‌الملدان ناصری داده، این توالی به صورت دقیق رعایب سده است. یعنی به ترتیب از سه دوره عکاسی بر روی صفحه نقره (داگرنوتیپ)، عکاسی بر روی کاغذ (به احتمال فریب به فس مقصود وی تصویر منفی کاغدی بوده که متعلق به سیوه کالونایت است)، و روس کلودیون مرطوب یاد می‌شود از سیوه کلودیون مرطوب باید نمونه‌های بسیاری در دست باشد و سمار سزاری از عکسهای زمان فاحاریه باید با اس سیوه گرفته شده باشد. ریرا بیس از آن که مادوکس (Maddox) در ۱۸۷۱ رلانی را جایگزین کلودیون کند و عکاسی با استفاده از صفحه حشک را به وجود آورد، و سس از آن جورج ایسمن (George Eastman)



لویی ژاک ماند داکر (۱۷۸۷ تا ۱۸۵۱)



عکس عکسی که داکر با شیوه خود گرفت (۱۸۳۹)

فیریکی اسپیدر بود

اس کشف، که متعلق به داکر سمرده می‌شود، در اصل حاصل مسارک و همکاری وی با مخترع فرانسوی رورف- نیسپور نیس (Joseph-Nicéphore Niepce) است. وی، پس از آن که با نگری و مداومت زیاد توانست در ۱۴ دسامبر ۱۸۲۹ با نیس برای تکمیل شیوه «هلیوگرافی» (heliographie) وی قرارداد همکاری منعقد کند، نفاس و طراح دکور برای ناریس بود و هیچ بیسیه‌ای در این کار ندانست درواقع، باید ریشه‌های کار داکر را در یافته‌های نیس و سر حسمه ندایس داگرنوتیسی را در هلیوگرافی حس متأسفانه نیس پس سال پیش از اعلام اختراع داگرنوتیسی، در ۱۸۳۳، درگذشت سهم وی در اختراع عکاسی تا سالها بوسیده مانده بود و بعدها مورخان با دستیابی به مدارک همکاری این دو به دستاوردهای نیس پی بردند.

درواقع داگرنوتیسی شکل تکامل یافته هلیوگرافی نیس است هلیوگرافی سیوه‌ای بود که در آن لایه‌ای از مومیای حل شده در روغن لاواند (استوفدوس) را، که سطح حساس را تشکیل می‌داد، بر روی وره‌ای از حنس قلع می‌سازیدند. پس کاغذی که طرحی بر روی آن ترسیم و مدتی در روغن حیسانده شده بود تا حالتی سفاف یابد بر روی قشر حساس می‌نهادند و صفحه را طی چند ساعت در معرض تاس نور خورشید قرار می‌دادند. مومیای

مانده داکر (Louis Jacques Mande Daguerre) سناحه سده است و داسمید فرانسوی، لویی اراگو (Louis Arago)، در ۷ رابونه ۱۸۳۹ احراع آن را در فرهنگستان علوم فرانسه اعلام کرد و ساربت داد که فرانسه جهان را ارادانه از مرانای آن برخوردار خواهد کرد

داگرنوتیسی بحسن روس بت تصویر با استفاده مسهم از ابرهای فیریکی و شمیایی نور است که اصطلاحاً به آن photographie می‌گویند در اس سیوه، سطح حساس صفحه‌ای از حنس بهره یا مس بهره اندود است که روبه آن کاملاً صیقل داده شده است. بهره سطح اس صفحه تحت تأثیر بخار یث به یدور بهره تبدیل می‌شود پس از نور دادن صفحه حساس در دورس عکاسی (که در گذشته به آن «انای باریک» [chambre noire] می‌گفتند)، آن را در «حتمه حبه» قرار می‌دادند و، در اثر بخار حبه موجود در حبه که دمای آن تا گرم کردن به ۵۰-۶۰ درجه سانتیگراد رسانده می‌شد، تصویر ظاهر می‌گردید حبه بر روی ناحیه‌های نور دیده صفحه می‌سبب و تصویر مثبتی را بدید می‌آورد. برای تاس ساحس تصویر لازم بود که یدور بهره نور بدیده از سطح صفحه ردوده شود برای این کار داکر در اسدا از محلول غلیظ نمک طعام استفاده کرد اما، پس از جندی، این ماده را کنار گذاشت و هیوسولفید سدیم را به کار گرفت، که ویژگیهای آن را به عنوان ماده حل‌کننده هالوزنورهای بهره پیش از آن هرسل (Herschel) در ۱۸۱۹ کشف کرده بود. داگرنوتیبت دارای سطحی با درحسندگی فلزگونه بود و جلوه‌اش برحسب زاویه تابش نور بر روی آن تغییر می‌کرد. سطح داگرنوتیبت از لحاظ شمیایی و



ژورف - نیسپور نیپس (۱۷۶۵ تا ۱۸۲۳)

تالپوت (William Henry Fox Talbot) بود به نظر می‌رسد که در پوسته مؤلف این دورونداد با یکدیگر خلط شده‌اند. استفاده از صفحه سسهای، نه عنوان سطح حامل لایه حساس به نور، دارای ناراحتی‌های ندس سرح است داگرنوسی سیوهای بود که در آن تصویری از قابلیت تکثیر برخوردار بود مفهوم منفی/ مثبت را بحسب نار تالپوت در سیوه خود موسوم به کالوئایت ارائه کرد در این روس، تصویر منفی بر روی کاغذی اعسبه به سرات بره شکل می‌گرفت این تصویرهای منفی کاغذی حاصل بحسب نلاس در راه دستیابی به سیوهای برای تکثیر تصاویر عکاسی بودند آنها را، پس از ظهور، بر روی کاغذ حساس دیگری منطبق می‌کردند و در فیدی فرار می‌دادند، به آنها نور می‌تابانیدند و بدین طریق تصویر مثبت را به دست می‌آوردند تصویرهای به دست آمده به دلیل ناف و الیاف کاغذ هیچ‌گاه دارای خطوط واضح و روشن نبودند و به اصطلاح نمودی محمل‌گونه داشتند البته، در سالهای بعد، بلائکار - اورار (Blanquart-Evrard) فراسوی بیسرفتهایی در این سیوه بدید آورد و در ۱۸۴۷ کاغذ المومیه را ساخت

سانراس، فکر استفاده از حاملی سفاف برای لایه حساس که نمود و وضوح تصویر را دگرگون سازد از همان دوران وجود داشت بحسب موفقیات نسبی در این رمیه مرهون پژوهشهای آبل نیپس دو سن - ویکتور (Abel Niepce de Saint-Victor)، سرعموی نیسپور نیپس، بود. وی، در ۱۸۴۷، در فرهنگستان

بر قسمهای سفاف طرح تحت تأثیر نور سحت می‌شد و مومهای بر خطوط بیر طرح، که تحت تأثیر نور فرار نگرفته بود، بر م قابل حل باقی می‌ماند سطح صفحه را ناروعن لاواند می‌سستند و ندس طریق مومهای نرم را ار روی آن می‌زدودند. سس، درون خطوط خورده شده را، نارسندن به سطح فلغ می‌نر اسدند و در مرحله بعد، نار یحس اسد درون سارها، طرح نفس گرفته بر روی مومایی را به صورت نفس گود بر سطح فلغ منقل می‌کردند این نفس گود، در حران حاب، مرکب را در خود نگاه می‌داشت و بر روی سطح کاغذ منقل می‌شد. این همان روسی است که سس آن را هلیوگرافی نامد که در ران فارسی می‌توان معادل «خورسیدنگاری» نار ترسم نار استفاده از نور خورسند را برای آن به کار برد (helios در ران یونانی به معنی خورسند است) این روس نایه کسف عکاسی است و سس بحسب عکس تاریخ را نار استفاده از آن در ۲۷-۱۸۲۶ گرفت ندس صورت که یک صفحه حساس را در داخل دوربینی گذاست، دورس را ار سحره اتاق خود رو به حباط خانه اس فرار داد و طی حدود ۸ ساعت به صفحه نورداد این بحسب عکس تاریخ بود پس ار آن سس کوسند این سیوه را نکامل بخشد و در احرس مرحله‌های بروهس خود (که نقطه شروع کار داگر است) از صفحه مسی بهره‌آندود بر استفاده کرد، اما به نتیجه‌های مطلوبی دست نیاف اصولاً آنچه داگر به دستاوردهای نیپس آفروده به سرح ریر است

- کاربرد یو و بی بردن به حساسیت یدور بهره؛
- کسف تصویر مخفی که در ظاهر نابیداست اما ار لحاط سمیایی انگاره بسته است؛
- کاربرد بحار حیوه برای ظاهر کردن تصویر؛

مؤلف محترم در قسمت دوم حمله خود در صفحه هجده کتاب آورده‌اند

در سال ۱۸۴۱ نلاکهای سیسه‌ای برای عکاسی اختراع شد

بحسب نار در ۱۸۵۱ از صفحه‌های سیسه‌ای، به طور مؤثر، در سیوه کلودیون مرطوب استفاده شد و آنچه در سال ۱۸۴۱ اتفاق افتاد اعلام ابداع روس کالوئایت به دست ویلیام هری فوکس



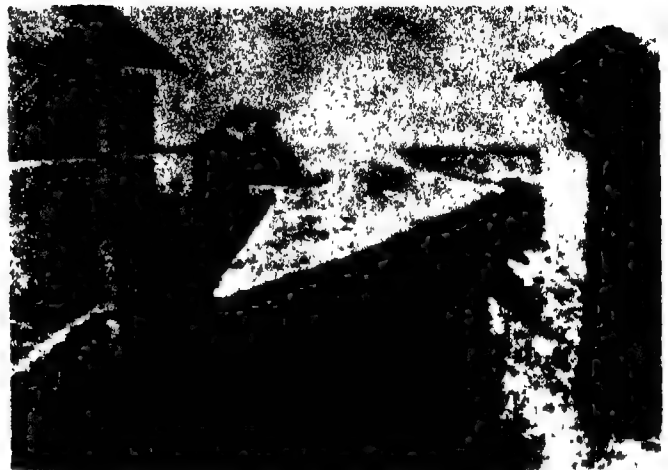
ویلیام هنری فوکس تالوت (۱۸۰۱ تا ۱۸۷۷)

سخت می گفت، اما سیوه استفاده از کلودیون مرطوب اینجا نه در نارنج عکاسی معروف است به دست اسکات ارجر تنظیم شد در آن روس، کلودیون تا دور بناسم و دور اموسم حل شده در الکل ۳۸ درجه حساس می شد کار برد آن کلودیون مسلرم دف فوق العاده بود، زیرا اکثر ریاده رفی می بود بحسی از حساسیت خود را از دست می داد و اگر خیلی غلط می بود گسردن بکواحب آن بر روی صفحه سیسه ای دسوار می شد علاوه بر آن، صفحه حساس می ناست تا پایان بوردهی مرطوب نماید ظهور تصویر بلاقاضله پس از نور دادن صفحه تا استفاده از اسد سروگالیک صورت می پذیرد برای سوب تصویر ا هسو سولفت شود تا سناور سفید بناسم استفاده می شد

مؤلف در صفحه آورده آورده اند

آنچه را به طور اساره راجع به نمونه عکس از محمدساده گفته اند باید تا صعب عکاسی مرسوم امروز یکی داست، زیرا صعب عکاسی «فتوگرافی» در سال ۱۲۶۵ قمری (۱۸۴۹) اختراع شده است یعنی يك سال پس از فوت ال ناساه، و آنچه در عهد محمدساده وجود داست و ریسه اریسار[احا] عمل می کرد دستگاه «داگروتیب» [صفت صحیح آن به فارسی «داگرنویب» است] بود که در سال ۱۸۳۹ به وجود آمده بود

بحسب باید بوجه داست که «داگرنویب» حری حدای «فتوگرافی» نیست و در تمامی کتاها ی نارنج هنر به عنوان



حسین بخش باغ که پس در ۲۷-۱۸۴۶ گرفت فتوگرافی بر روی صفحه فلغ

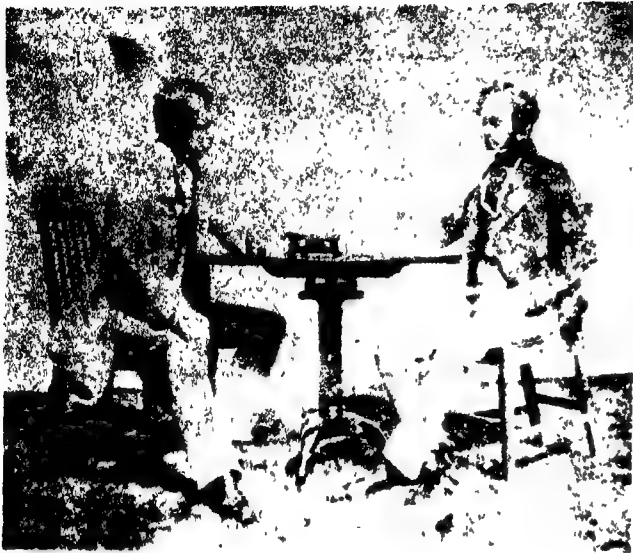
علوم فرانسه نطفی برای معرفی روس جدید خود ابراد کرد در آن روس از صفحه ای سیسه ای استفاده می شد که بر روی آن لایه ای از برکسی از الومیس (سفیده نجم مرع) و دور بناسم ساسده می شد این لایه را، پس از حسل شدن، در محلولی از سرات نقره و اسد استیک فرو می بردند و، بدین طریق، آن را حساس می کردند پس از آن، کسانی به مرتب کار برد صفحه سیسه ای برای سب تصویر اندسیده بودند، اما قبل از پس دو پس- و بکسور هیچ کس نمی داست چگونه می توان ماده حساس را بر روی سیسه ثابت ساخت البته در آن سیوه لایه حساس است بدیر بود و کیفیت آن به نارنجی سفیده نجم مرع بستگی داست این سیوه در کل از خصوصیات مطلوب برخوردار بود و حندان رواج یافت

بحسب روسی که استفاده از صفحه های سیسه ای را به درجه مطلوبی از کارایی رساند روس کلودیون مرطوب بود که در ۱۸۵۱ به اسکات اسکات ارجر (Scott Archer) انداع شد مقدمات بناس این سیوه حس بود که در ۱۸۴۶ لویی مار (Louis Menard)، سمندان فرانسوی، کشف کرد که با حل کردن سروسلولر در امجنه ای از الکل و اتر می توان ماده ای سبار حسینک به دست آورد که پس از حسل شدن تبدیل به لایه ای سخت و شفاف می شود مار بر این ماده نام کلودیون نهاد گوستاو لوگره (Gustave Le Gray) از ۱۸۴۹ از کلودیون مرطوب

حسین سیوه عکاسی یا فتوگرافی سمرده سده است. اگر در نظر بگیریم که عکاسی به صورت کلی مسمل بر مجموعه‌ای از سیوه‌هاست که در آنها تصویر صرفاً با اثر مستقیم نور و نه سب و رنگهای فیزیکی و شیمیایی تاسهای نوری سب می‌سود، باند - کرونوسی را بحسین این سیوه‌ها به حساب آوریم در آغاز بدین عکاسی در توصیف عکس می‌گفتند: تصویری است که بدون فلم موی بقاسی ساخته سده است. اگر مقصود مؤلف از «صنعت عکاسی فتوگرافی» که در سال ۱۲۶۵ قمری (۱۸۴۹ میلادی) اختراع شد، سیوه کلودیون مرطوب است (که البته تاریخ دفعی اختراع آن ۱۸۵۱ است)، این سیوه از سال ۱۸۸۰، یعنی یکصد و سیزده سال پیش، کنار گذاشته شد و اکنون پیش از بد فرس است که دیگر برای عکاسی از صفحه‌های سبهای استفاده نمی‌سود. فلم حلقه‌ای سلولونیدی را جورج ایسمن در ۱۸۸۶ به بازار عرضه کرد حتی سیوه منفی / مثبت در روزگار ما با بدین عکس فوری که سده است و آن روس اختر، در تحول فنی عکاسی، فصل تازه‌ای گسوده است.

اگر کسی که بدان اشاره شد در صفحه نسبت بیکرار سده

سب



تصویر کالوناب اثر تالوت که از روی تصویر منفی کاندن چاپ شد (۱۸۴۲)

[ناخبری] است و اساس عکس را نه مسور ساردها آورده بر روی صفحه نقره می‌انداختند اسمس را دانشرست می‌گفتند نه اسم سحقی که محرر آن است «

مؤلف محترم در صفحه نسبت و سه کتاب آورده‌اند

به مونسه در مقاله خود موضوع ورود و شروع فنی عکاسی در ایران را فراموش نکرده و با توجه به بوسه مرات البلدان به وجود بحس عکاسی در مدرسه دارالفنون اشاره کرده است و می‌بوسد که ایرانیان علم عکاسی عملی را از معلمان اروپایی دارالفنون می‌اموختند بعد گفته است که رول رسارد (میرزا رضاخان) بحسین فردی است نه تصاویر اسخاص را بر روی ورقه ستراب نقره منعکس کرده است

معلوم نسبت انخلو به مونسه حکونه از مطالب کتاب مرات البلدان ناخبری بحس برداشت کرده که مسور ساردها بر روی «ورقه ستراب نقره» عکس می‌گرفته است زیرا در این کتاب بقریحا بوسه سده نه «مسور ساردها» [ا] بر روی صفحه نقره عکس می‌انداخت «از ورقه ستراب نقره در سیوه کالونات استفاده می‌سده و آن به کلی با صفحه نقره که در داگرنوتی به کار می‌رفته فرق داشته است افای افسار، که در سراسر کتابان مسور ساردها را به عنوان داگرنوتیست

فنی عکاسی، که يك سال پس از نه سلطنت رسیدن ناصرالدین شاه [۱۸۴۸/۱۲۶۴] در اروپا اختراع شد، چند سال بعد در ایران مرسوم شد

همان گونه که گفته شد، وجه اشتراك تمامی سیوه‌های عکاسی - این است که تصویر حاصل از آنها با اثر مستقیم نور ساخته می‌سود و آن کیفیتی است که عکاسی را از تمامی سیوه‌های غیرساری پس از آن جدا می‌کند در این خصوص نقل حاربی می‌بواند روسگر ناسد تالوت محرر سیوه کالوناب، به نام تالوناب (talbotype) بر ساخته می‌سود، کانی در چند حد - آثار عکاسی خود منتشر کرد که عنوان آن فلم طبع (Pencil of Nature) است ناصر کتاب، برای آگاهی حرداران، - به ی‌را نه حلد کتاب الصاق کرد که بر روی آن بوسه سده بود «داوری به حواسدگان، لوحه‌های تصویر بر این کتاب بها با اثر - ساخته سده است، بدون هیچ گونه دخالت فلم هرمد آنها بحس تصاویر حورسیدی است و نه آن گونه که برخی کمان - نه‌اند تصاویر حاصل از حکاکی «

حی اعتمادالسلطنه بیر در الماروا لمار داگرنوت را سب عکس» [فتوگرافی] می‌خواند

اما اصل سماع و رواج و تکمیل صنعت و اسرار عمل بحس که فتوگرافی می‌نامند از حضانن بررگ این دولت

(daguerreotypiste) معرفی کرده‌اند. چگونه از این لعرض به‌موته‌سه بدون اظهارنظر و توضیح گذشته‌اند

این عبارت نیز که از به‌موته‌سه نقل شده حاوی مطلبی است که به نظر نادرست می‌آید و ما سایر مطالب کتاب نمی‌خواند

به‌موته‌سه در بابان بحث خود به این نتیجه می‌رسد که مشکل است تاریخ عکسبرداری در ایران را به قبل از ۱۸۶۱ رسانید. وی اشاره کرده است که نخستین عکسهای مناظر ایران را سیاحان و عکاسان اروپایی انداخته‌اند.

از این گفته برمی‌آید که به‌موته‌سه بوجهی به ماحد رمان ناصری و بوسه‌هایی که صراحتاً از گریفین داگرنوتت، حتی در رمان محمدساز، حکایت می‌کند، نکرده است به نقل قولهای زیر بوجه کند

در اواخر عهد ساهساز میرور محمدساز غاری اوفات ۶ سوال ۱۲۶۴ / ۵ ستمبر ۱۸۴۸ مسورساردهان | . | ما رحمان ریاد بر روی صفحه بهره عکس می‌انداخت (مراب اللدان نامری، ج ۳، ص ۲۰)

اگرچه نمونه آن | عمل عکس | در اواخر سلطنت ساهساز میرور ساه غاری به دست مسورساردهان سرست معلم ریان فراسه و انگلیسی و عبره ارائه شد، اما اصل سیاح و رواج و تکمیل صنعت و انتشار عمل عکس از حصائص بزرگ این دولت است و اسباب عکس را که مسورساردهان آورده بر روی صفحه بهره می‌انداختند اسمس را داختروست می‌گفتند به اسم شخصی که مخبرع آن بود (المابر و الانار، ص ۹۴) و از نادرستهای مسورساردهان:

سجم دسامبر ۱۸۴۴ به توسط مادام عباس سن ولعهد رهم | در سربر | با عکس او را روی صفحه بهره بیدارم (مفالات گوناگون، تحلیل بعضی، ص ۱۱۳)

۲۳ فوریه ۱۸۴۷ ساه من را برای برداشتن عکس خود و اهالی اندرون و ساهرادگان حواسه همه روره محبور بودم که به درخانه رهنه عقلت از انجام خدمات نداسه باسم (همان کتاب، ص ۴۷)

بعد از آن که چندین مرتبه عکس محمدساز و حاجی میرزااعاسی را برداشتم مرا حراء مستخدمین دولتی مندرج کرده فرمانی برای من صادر فرمودند (همان کتاب، ص ۴۴)

این نقل آخر به روسی می‌رساید که، سن ار مرگ محمدساز

در ۱۸۴۸، در ایران داگرنوتت گرفته می‌سده است متأسفانه امروزه نمونه‌های این داگرنوتت‌ها، به دلیل آن که در دست حفاظت سده‌اند، از میان رفته است ببا براین، سن از ۱۸۶۰ و، به گواهی نقل قولهای بالا، دست کم از ۱۸۴۴ در ایران عکاسی انجام می‌سده و سهریار عدل، در کتابی که با همکاری یحیی دکاء در فرانسه مسر ساخته و در صفحه هساز و يك كتاب آفای اسرار معرفی سده، دو تن از عکاسان این دوره را معرفی کرده است در اثر تحفمی سهریار عدل، که ترجمه عنوان آن نادرست‌ها، سدهایی درباره عکاسی در ایران و تاریخه آن* است، مؤلف ورود داگرنوتتی در ایران را شرح می‌دهد و مسورساردهان، ساهراده ملك فاسم‌میر را به عنوان نخستین داگرنوتت‌سنهای ایران معرفی می‌کند عمده ترس منابع این تحقیق در معرفی کا، عکاسی مسورساردهان، از يك سو، بوسه‌های اعتمادالسلطه، در دو کتاب مراب اللدان ناصری و المابر و الانار و، از سوی دیگر، ترجمه‌ای است که حلیل بعضی از بخشهایی از نادرستهای مسورساردهان به دست داده و در کتاب مفالات گوناگون (ج ۱۳۲۲ سمسی، تهران) منتشر ساخته است این منابع برای معرفی کارهای هری مسورساردهان از اعشار کافی برخوردارند

درباره ملك فاسم‌میر را بر مؤلف، برای اثبات این که وی نخستین داگرنوتت‌سنست ایرانی بوده، دلایلی آورده است نگارنده این سطور ملاحظاتی حد درباره این دلایل دارد که در زیر به شرح آنها می‌پردازد

۱) ملك فاسم‌میر را با آن که بیست و چهارمین سر فتحعلی‌ساز بوده، مدنی والی ارومیه بوده، از طرف فتحعلی‌ساز برای حکم حکومت عباس میرزا به خراسان اعزام سده، و ماصت مهم دیگری هم داشته و بر شخصی فاضل و ریان‌دان و هردوست، و در مجموع از چهره‌های سرساز فاحاری بوده ولی، در بوسه‌های اعتمادالسلطه، هیچ‌جا به عنوان عکاس معرفی سده است، و حال آن‌که اعتمادالسلطه به سها از اسخاص وابسته به دربار بلکه از همه معلمان دارالقصون که عکاسی می‌کردند در کتاب خود یاد کرده و به معرفی آنها پرداخته است.

۲) در صفحه ۲۸۱ کتاب سهریار عدل، عکسی از چهره ملك فاسم‌میر را ارائه و گفته می‌سود که نسخه اصلی این داگرنوتت بوده و آن را خود ملك فاسم‌میر را از چهره‌اس انداخته است اولاً چگونه مسخص سده که نسخه اصلی این عکس داگرنوتت بوده، بایا، به فرض آنکه این قول را بپذیریم، حر احتمال بدهیم که این عکس را عکاس دیگری، مثلاً مسورساردهان، از ملك فاسم‌میر را انداخته است

داگرتوتیپست ایرانی نیز بوده است. تاریخ یا «اگر» و «مگر» ساخته و نوشته نمی‌شود.

ملاحظیات خود را درباره کتاب شهریار عدل به پایان می‌بریم و آخرین مورد مربوط به بررسی کتاب آقای افسار را ذکر می‌کنیم. در صفحه ۸۸ و ۸۹ کتاب آورده‌اند

کلمه عکس در زبان و ادبیات فارسی استعمال دراز دارد و معانی مختلف و ارجاع در معنی افتادن تصویر اسباب در آن و آب و نظائر آنها به کار رفته است.

نکته اصلی که در این تعریف از فیلم افتاده و به اعتقاد من به سبب آن از میان مرادفهای زیادی که در زبان فارسی معنی تصویر را می‌رساند واره عکس در برابر اصطلاح photographique برگزیده شده این است که عکس در ادب ما به تصویر افتاده در آب یا آینه و نظائر آنها اطلاق می‌شود که حالت وارگونی دارد. در دورس عکاسی نیز تصویر پس از عبور از عدسی به دلیل خصوصیات نورساختی آن به صورت وارگونی (سرویه) درمی‌آید و چه سینه کلمه عکس در اینجا باید به معنی باشد و انتخاب این معادل کرسی طریف و بنا بوده است.

✱

مطالبی که گفته شد به هیچ وجه از ادرس تحقیقی این ابرج افسار نمی‌کاهد. تمامی کسانی که در راه جمع‌آوری مدارک و پژوهش در زمینه‌های مهم تاریخ هنر ایران اهتمام ورزیده‌اند به خوبی با دسوارهای این کار آشنا هستند و می‌دانند که تکلیف مطالب و عکسهای این کتاب با تحمل چه مسافتی بهمه و رده‌بندی شده است. تکلیفی که بکارنده این سطور در این مقاله یادآور شد در حیطه پژوهش کسانی است که احصایا در زمینه تاریخ تحول عکاسی تحقیق کرده‌اند و کار آقای افسار در این کتاب فراتر از آن است که از اسباب و ادبیات فارسی به معنی کلی تصویر، و به مفهوم نفاسی نیز، به کار رفته و عکس فلمی به معنی تصویر بر سیم سده یا فلم یا فلم‌مو و به زبان ساده‌تر خود نفاسی است. آنگاه مؤلف سبجه می‌گردد که «بی‌تردید خود ملک فاسم‌میرا بانی گریف این عکس بوده، ولو آن که سبجه سینه کار اندر دورس را افسار بداده باشد» (ص ۲۷۳). اتفاقاً بعد می‌باید که این نفاسی از روی عکس کشیده شده باشد، زیرا در آن حالت برآمده‌دن، صاف بودن حمام و فقدان حس خوردگی در آن، حسدگی تصنعی بارو و ساعد سمب حب و برداشت حمام و سبایی دودست به نمود و اعتنای تصویر عکاسی سباهتی ندارد و در نهایت، صرف ادعای شهریار عدل مبنی بر این که ملک فاسم‌میرا فردی فاضل و هردوست و مطلع از حرایات روز بوده کافی است تا ثابت کند که وی لزوماً بحسن

(۳) سند این گفته صفحه ۲۶۷ کتاب که ملک فاسم‌میرا در باستان ۱۲۶۵/۱۸۴۹ در بیلاق جاجرود همراه ناصرالدین شاه بوده و از او و اطرافش عکس انداخته چیست؟ این سرح از کدام مأخذ تاریخی نقل شده است؟

(۴) تقدیم يك اليوم عکس از سوی ملک فاسم‌میرا به ناصرالدین شاه، که اکنون در آلبوم خانه کاخ گلستان محفوظ و قدیمی‌ترین آلبوم این مجموعه است، لزوماً به این معنی نیست که این آلبوم مرین به عکسهای بوده که ملک فاسم‌میرا از شاه و اطرافیان او در سفر جاجرود که خود موضوعی روس سده است - گرفته، خصوصاً که ابری ارجح کدام از این عکسها نیست و طبیعتاً نوشته شهریار عدل این آلبوم حالی با مرین به تعداد محدودی عکس بوده و بعدها عکسهای دیگری در آن بهاده شده است.

(۵) در صفحه ۲۸۳ کتاب عکسی ارائه می‌شود که از روی بلوی جهره ملک فاسم‌میرا برداشته شده و در سبب آن این عبارت نوشته شده است:

عکس مرحوم معفور ساهراده ملک فاسم‌میرا طاب براه نه از روی عکس فلمی برداشته شده به جهت فرماس و یادگاری برادر عزیزم علیقلی میرا تقدیم نمود ۲۵ فروردین ۱۳۱۷

شهریار عدل در تفسیر این نوشته دچار لغزشی می‌شود و به سبب آن نتیجه‌گیری نادرستی بر می‌کند. وی در ترجمه فراسه به نوشته اصطلاح «عکس فلمی» را به معنی نفاسی کشیده شده و روی عکس می‌گردد (خون نفاسان زمان فاحاری جهره سبازی از رجال آن دوره را از روی عکسهای آنها می‌کشیدند)، و تصور می‌کند که کلمه عکس در ادبیات و زبان فارسی به معنی کلی تصویر، و به مفهوم نفاسی نیز، به کار رفته و عکس فلمی به معنی تصویر بر سیم سده یا فلم یا فلم‌مو و به زبان ساده‌تر خود نفاسی است. آنگاه مؤلف سبجه می‌گردد که «بی‌تردید خود ملک فاسم‌میرا بانی گریف این عکس بوده، ولو آن که سبجه سینه کار اندر دورس را افسار بداده باشد» (ص ۲۷۳). اتفاقاً بعد می‌باید که این نفاسی از روی عکس کشیده شده باشد، زیرا در آن حالت برآمده‌دن، صاف بودن حمام و فقدان حس خوردگی در آن، حسدگی تصنعی بارو و ساعد سمب حب و برداشت حمام و سبایی دودست به نمود و اعتنای تصویر عکاسی سباهتی ندارد و در نهایت، صرف ادعای شهریار عدل مبنی بر این که ملک فاسم‌میرا فردی فاضل و هردوست و مطلع از حرایات روز بوده کافی است تا ثابت کند که وی لزوماً بحسن

*Chahryar Adle, avec la collaboration de Yahya Zoka. Notes et documents sur la photographie iranienne et son histoire. Les premiers daguerreotypes 1844-1854-1260-1270. Andia Iranica. Tome 12-1983- fascicule 2.

اهتمامی، درخور ستایش

در گردآوری وارگان اقتصاد

محمد ملک‌ان

وارگان اقتصاد و رمیسه‌های واسسه، گردآوری و تدوین کاظم فرهادی، تهران، مؤسسه کتاب پشیرد، ۱۳۷۱، ۴۸، ۱۲۵۸+۴۸، صفحه، ۱۲۰۰ تومان

اگر ناورداسه باسم که می‌توان و باید برای بیان مفاهیم علمی از زبان فارسی استفاده کرد، نه اهمیت وجود واره‌نامه‌های تحقیقی بستر می‌توانیم صاحب و اسحاب واره طبعاً کار یک فرد نیست بلکه دستگاه مسؤولی می‌خواهد مرکب از اهل فن نه با توجه به همه ابعاد واره‌گرایی کند اما با فراهم آمدن حبان دستگاه مسؤولی برای تهیه واره‌نامه‌ها کام بحسب و ضروری تهیه وارگانهای موضوعی است یعنی مجموعه برابر نهاده‌هایی که افراد مختلف برای واره‌ها وضع کرده‌اند

وارگان اقتصاد و رمیسه‌های واسسه کتابی است که نه حویی نه این ضرورت پاسخ می‌دهد مؤلفی سحیکوس با همی سرک و در بی رحمی ده ساله وارگانی فراهم آورده است که امهات واره‌های اقتصادی را دربردارد. اما محسبات اس وارگان

اقتصاد بود جانب بودن چند کتاب از اس نوع در منابع بر جامعیت تألیف ربانی نمی‌رساند زیرا وقتی شمار ماحد از ج معنی (سسه به رسنه مورد نظر) بخاور شد، افزوده شدن آن فقط فهرست ساسنهانی مرجع را طویلتر می‌سازد و در محتوای وارگان و معادلهای غیر حدانی نمی‌دهد بدن سان، می‌توان قول مؤلف بآید کرد که «کناس تمام منابع اقتصاد و رمیسه‌های واسسه در زبان فارسی ساسانی و تاریخی سده است»

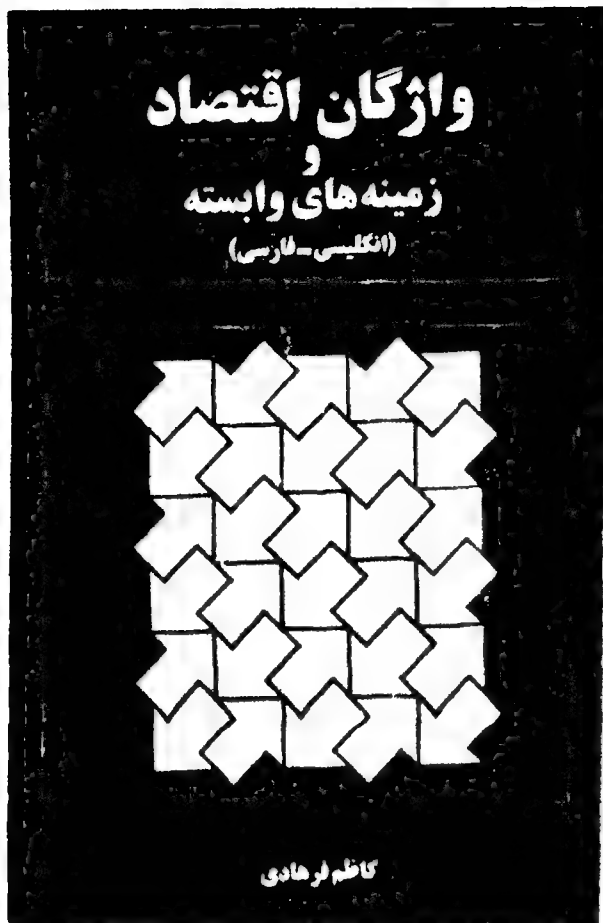
برای تدوین اس وارگان، علاوه بر کتابها، از فرهنگها و واره‌نامه‌ها و بر مقاله‌های معتبری که در سرباب ادواری اسبار نافع استفاده شده و از اس طریق سس از ۳۰۰۰۰ مدخل و احساب شمار معادلهای ۱۲۰۰۰۰ واره فمی کرد آمده است فهرست منابع، کناساسی سسا حامعی در رمیسه اقتصاد به دست می‌دهد که می‌تواند سبای تنظیم فهرست موضوعی حالی از نوع چهارسی که مرکز اسناد و مدارك ملی ایران بانی تهیه این سده است فرار گردد

۱) گستردگی کار

تدوین‌کننده با مراجعه به سس از باصید منبع مسسر سده طی سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۶۵ به اسفصای کم‌بطری دست رده و وارگانی جامع بنید آورده است برای وارسی اس جامعیت، بی‌آنکه اسحابی در کار باشد، از حد تن اهل فن در رسنه اقتصاد خواستار سدم که تألیفات مربوط به این موضوع و اس دوره را معرفی کنند: سستر کتابهایی که نام می‌بردند حرو منابع وارگان

۲) رعایت اسلوب و ضوابط در کار تدوین

در تألیفاتی از نوع وارگان، حون مؤلف خود معادلهای را بیسبب نمی‌کند، حداکثر بلاس وی باید صرف ارائه دفعی و از روی اسلوب معادلهای سود و در وارگان اقتصاد این نظم و دفع نه که رفته است و اس معنی را در موارد متعددی می‌توان مساهده کرده اهم آنها را دنلا یاد می‌کنم الف) تطبیق واره‌ها با فرهنگهای معتبر برای اطمینان



رعایت سبب سده و این معنی تعادل واژگان را محیل ساخته است

درج اصطلاحات زمینه‌های وابسته کتاب را بر حجم و در سبب کراسر ساخته، ضمن آنکه در آنها از جامعیت دور مانده است بکه حالت گنجاندن واژه‌های کمتری است در این واژگان به دلیل استفاده فراوان کمترین در زمینه‌های اقتصادی. لکن این بوحیه حدان فایده‌کننده به نظر نمی‌رسد، زیرا در این صورت می‌توان واژه‌های کمیوبری را در واژگان همه رشته‌های علوم و فنون وارد ساخت، چون کمترین در همه آنها از رواساسی گرفته تا برسیکی و مهندسی کاربردی رورافرون دارد طرفه اینکه در تدوین همن کتاب از کمترین استفاده نشده و مؤلف با اشاره به

این معنی از توانمندی کار نالیده است (۲) در کدگذاری منابع از روس درستی بیروی سده است منابع بر حسب اسم مؤلف یا مرجم القایی سده‌اند و به هر منبع یک کد القایی و یک شماره داده شده است، حال آنکه اگر به هر منبع تنها یک شماره اختصاص می‌یافت کار کدگذاری راحت‌تر می‌شد. در مورد شماره‌گذاری منابع هم رسم بر این سده است که منابع را به ترتیب سال انتشار مرتب می‌کنند تا هم گرایشهای قدیم

سی آنها.
(۱) رعایت کدگذاری برای منابع و برهبر از آوردن اسم کامل منبع و مؤلف.
(۲) مشخص کردن بداول واژه در انگلستان با آمریکا.
(۳) معرفی (به حدان سکرانه) رسته‌هایی که واژه در آنها به کار می‌رود.
(۴) معیار ساحت واژه‌های عبرانگلیسی با حروفی عبری از حداب من.
(۵) حفظ رسم الخط مؤلفان، بخصوص آنها که در این رسته

را دشر همه منابعی که از معادلهها استفاده کرده‌اند برحی از نویسندگان این کار را سهوده می‌داند و بها به معرفی منبع می‌شد که مؤلف آن، معادل را ساخته با بحسن باران را به داده است اما روس حدید ذکر همه منبعها در سبب به نظر نمی‌رسد، زیرا اولاً مشخص کردن سارنده بعضی معادلهها بسیار دشوار است، ثانیا، حناکه دارنوس اسوری در مقدمه وارگان زمینه و علوم اجتماعی آورده است، «مسئله مهم این است که عمل ریان است و اکثر کسی کمکی به کسرس ریان کرده پس درد نگیرد، دهس بر بار و رناسی کو با و فلمس روان باد، اما بد مالکیت برای واژه‌ها ساریم مکر این حدس هرا ر واژه‌ای که ر سده به مار سده سبب هر یکی بوسه است که وضع کنده آن سبب»، ثالثاً با ذکر همه منابعی که از معادلی استفاده کرده‌اند، سمد کار برد و در نتیجه مران مقبول آن برد اهل ریان روس می‌شود و این امر برای فرهنگسنان یا هر دستگاهی که بخواهد واژه تربی کند راهنمای خوبی است

اما ملاحظاتی در باب وارگان اقتصاد وجود دارد که اظهار آنها حالی از فایده نیست

(۱) اسحات عنوان اقتصاد و زمینه‌های وابسته کار مؤلف را - سوار کرده است، چون «زمینه‌های وابسته» عبر کسرداری است - سه‌های معدد علوم حنان درهم سده‌اند که حدا کردن آنها نیز با ممتنع می‌نماید. در وارگان اقتصاد، رسته‌های حسانداری، حقوق، برنامه‌ریزی، ریاضیات، کمینوتر، مدیریت، دفتر داری و تصعب نف از زمینه‌های وابسته به حساب آمده‌اند هر چند، در موارد سساری، علم اقتصاد با این رسته‌ها در اصطلاحات استراک پیدا می‌کند، ولی بهتر بود که بر ساحت‌های گوناگون خود علم اقتصاد، مثل اقتصاد سیاسی، تأکید بیستری می‌شد

از سویی، سساری از واژه‌های مدیریت، ریاضیات یا کمینوتر در س وارگان وارد سده است در واقع، در وارگان اقتصاد جای این واژه‌ها نیست، ولی در وارگان زمینه‌های وابسته حطور؟ از سوی دیگر، در سمار اصطلاحات مربوط به رسته‌های وابسته

و جدید در واره گریسی مشخص سود و هم تقدم و تاخر در اختيار معادلها معلوم گردد.

۳) معادلها به ترتیب معینی مرتب شده اند. برای این کار ترتیبهای متعددی معمول است که رایجترین آنها ترتیب سامدی- تاریخی است. معادلها به ترتیب سامد کاربردسان مرتب می شوند و منابع هر يك از آنها بر مطابق شماره ای که مشخص کننده ترتیب سال انتشار است به دنبال هم می آیند. ترتیبهای رایج دیگر ترتیب الفبایی، تاریخی و ترحیحی است. متأسفانه در وارگان اقتصاد هیچ يك از این ترتیبها رعایت شده است و منبعهای هر يك از معادلها تنها به ترتیب الفبایی مرتب شده اند.

۴) نوع حرج و تعدیلهایی که در اطلاعات اسخراج شده از منابع صورت گرفته و فرایند انتخاب مشخص شده است. حادث است که در مقدمه وارگان در این مورد توضیحی داده می شود. با مراجعه کننده فرصت قضاوت و ارزش گذاری پیدا کند. معلوم نیست که آیا مؤلف معادللهایی را که صد درصد غلط تشخیص داده کنار نهاده است یا نه؟

۵) بایکدستهایی در نحوه ارائه مدخلها دیده می شود که بی دلیل به نظر می رسد. مثلاً بر حسب رسته ای گاه هست و گاه نیست. جمع بعضی از واره ها به طور اتفاقی افزوده شده است. هویت دسوری واره ها گاهی ذکر شده و گاه دیگر شده است. بسیر واره ها حتی که باید به صورت مفرد ست شده ولی در بعضی موارد بدون دلیل به صورت جمع آمده است. برای معادللهای بعضی واره ها توضیح اضافی داده شده است که در موارد دیگر وجود ندارد.

۶) مؤلف در مقدمه می گوید «در حد امکان تلاشی شده تا از آوردن مستطاب يك واره در مجموعه وارگان برهر سود، بحر مواردی که مستطاب يك واره در ترکیب با واره های دیگر معانی متفاوتی به وجود آورده باشد»، اما ضمن واریسی معلوم می گردد این معنی به درسی رعایت شده است، مثلاً به مدخلهای زیر توجه کنید

Other Accounts	سایر حسابها
Other Adjustments	سایر اصطلاحات
Other Assets	سایر دارائنها
Other Current Items	سایر اقلام جاری
Other Deductions	سایر کسورات
Other Deposits	سایر سررده ها

و این در حالی است که واره های جزء دوم مدخلهای فوق حد اگاه در وارگان آمده اند.

۷) با اینکه مؤلف کوشیده است «از نفوذ واره های عمومی به

این مجموعه» جلوگیری کند و انصافاً نیز در این راه تا حد زیادی موفق بوده است، باز تعدادی واره های عمومی به وارگان راه یافته اند که گاه به عنوان مدخل مستقل آمده اند و گاه به عنوان معیایی عمومی در حسب معنای تخصصی مدخل از حمله سواست. این امحتنگی اند فرد انقلابی، نویسندگی، انقلاب فرهنگی، صفحه فرمان، حسن شهرت، مرکز نقل، گراسگاه، مسد، مسداله، فرصت طلایی و

همچنین در مقدمه گفته شده است که «علامت بیره در مقابل تعدادی از برابر نهادها ستان می دهد که آن برابر نهاد فرهنگهای عمومی به این وارگان راه یافته است» که درست است، همین دلیل بسیاری از آنها نمی باشد در این وارگان آمده باشد از این موله اند

Operational	عملی، عملیاتی
Historical	تاریخی
Creatively	خلاقانه
Human right	حقوق بشر

۸) معلوم نیست به چه دلیل احصایات رایج در علم اقتصاد، رمیه های واسنه) کلاً به دست فراموشی سپرده شده است و احصای دگری از آنها به میان نیامده است.

۹) در کتابهای وارگان رسم این است که همه مدخلهای لاسی با حرف کو حك آغاز شوند، مگر اسامی خاص برای آنکه معما باشد در وارگان اقتصاد متأسفانه همه واره ها با حروف بزرگ لاتسی آغاز می شوند.

۱۰) وارگان اقتصاد تقریباً ۱۳۰۰ صفحه است، و با توجه امکانات موجود صحافی، قطع مناسب برای حسن کتابهای فظ و بر مراجعه ای، قطع رحلی است که طاهر آهای تمام شده را باید می آورد. اما قطع وریری این کتاب با صحافی به حدان برد، ان، استفاده از کتاب را دشوار می سازد، علاوه بر این، در قد رحلی با دو سویی حیده شدن مطلب و کوتاه شدن اسن، قطع حالی و سقد به حد اقل می رسد که در نتیجه شمار صفحات کم کتاب ار را تر می شود.

با اینهمه، باید گفت که در تعیین بهای ست حلد، ناتود حجم کتاب، رعایت انصاف شده است.

شرح استدلالی بر «عروة الوثقی»

شرح المفید فی الاجتهاد والاحتیاط والتقلید، محمدحسن مرتضوی
مکتبہ قدوسی، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۱۴، وریری

مقدمه: این کتاب العروة الوثقی فیما تعم به البلوی بوسیله فقه و
حقیق بررگ، آنکه الله سید محمد کاظم طباطبائی یردی
۱۳۳۷-۱۲۴۷ هـ ق)، از رمان تألیف با کون همواره مورد توحه
نمایان بوده و شرح و حاشیه‌های فراوانی بر آن نگاشته شده است
این مقال و علاقه را اظهار نظر محدث بررگ، مرحوم حاج سید
محمد قاسمی - قدس سره - در مقدمه غایب الفصولی در ترجمه
مقدمه لویسی (ص ۲)، در باره این کتاب توحه می‌کند وی، پس از
بیان کثرت رساله‌های عملیه و در عین حال نامدن بسیاری از
مسائل مهم در آنها، می‌نویسد: «در این ایام بر حوردم به رساله
عروة الوثقی فیما تعم به البلوی - دینم الحق همان کتاب
است که همیشه دیندار آن را مضمی و طالب و رباتر میل آن را
سعی و راعت نمودم چه آن رساله‌ای است سهل السؤل و
مربوط، در بهایب خودت تألیف و حسن اسلوب، جامع جمع
مسائل و حاوی کافه مسائل و کافل انواع فروع فقهیه بل باسح
مسائله‌های عملیه» (غایب الفصولی در ترجمه عروة الوثقی، ص ۲)
نویسنده از حدیث بررس سرچهای استدلالی بر عروة الوثقی کتاب
است - بحث ماست که مؤلف آن در سال ۱۳۹۵ هـ ق به تدریس
در ح احوال اسعالم داشته، اما بحث «اجتهاد و تقلید» را - که هم
در علم اصول به عنوان بانیان و هم در علم فقه به عنوان اعمار مطرح
می‌شود - بر اساس و محور کتاب عروة الوثقی قرار داده و سپس
پس خود را بنظم و به صورت فعلی به عنوان قسمی از شرح
مبسوط خود بر عروة میسر کرده است مؤلف کتاب از ساگردان
علاء العظمی برخوردار و حضرت امام خمینی - اعلی الله
مقامها - بوده است و در حلال بحثهای خود از آراء آنان استفاده و
- حتی به تفرات امام خمینی که، با استفاده از یادداشتهای خود،
- عنوان حواهر الاصول مدون ساخته اشاره می‌کند (ص ۱۲۶،
۱۲۷)

مؤلف در ابتدای هر مبحثی يك يا چند مسأله مربوط به آن را از
عروة الوثقی نقل می‌کند و نظر خود را به عنوان تعلیفه در بایوسب
می‌نویسد و نگاه به بحث و استدلال در آن می‌برد و جمع حد
مسائله مربوط به همدیگر در يك حا و بحث در آنها به تهرار
تحریر نمک می‌کند ضمن اینکه مراجعه کننده به آسانی می‌تواند
نظر نهایی نویسنده را به دست آورد

پس مؤلف، همچون بسیاری دیگر از مجتهدان، متأثر از
روش شیخ انصاری - رضوان الله تعالی علیه - در مکاتب است،
نویسنده در ابتدای هر مسأله با بحث حدید، پس از ذکر عنوان بحث،

به سراع حکم آن می‌رود و، پس از بحث و استدلال در آن و روس
سدن حکم، به سراع موضوع آن حکم و گفتگو از آن می‌سازد
از محاسبات کتاب وجود عنوان و سر فصلهای زیاد و مناسب با
بحث است که برای مطالعه کننده راهگشا و مفید است ضمناً
مؤلف به حواص و نکته‌های تاریخی در اطراف روایات کاملاً توحه
داشته که خود در فهم روایت و آسانی با سر تاریخی آن دحل و
مؤثر است (مثلاً - ص ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۴، ۲۶۸)

در نقل اقوال بیا به ارجه اصل و مهم است اکفا و اردکر
اقوال ساد و نادر و اسکال و حواص مربوط به آنها که موجب
اردحام مطالب می‌شود احصای شده است روایات و ترازها
عموماً (از در موارد آسانی، مثلاً - ص ۲۶۲ و ۲۹۸) از منابع
دست اول یا ذکر مستحبات واحد و منع آنها نقل شده است در
بایان کتاب غلطایه مقصلی در ۹ صفحه طبع شده است بایان
همه، وجود غلطایه فراوان از ارس این کتاب تحقیقی که نمونه
روس و نادر يك اثر علمی و بر محو است نمی‌گاهد

در اسحایه تصحیح را از کتاب نقل می‌کنم که برای همه
طلاب علوم دینی مفید است

۱) ساند یکی از علل کم یوفقی امر و راحصات مادر بردا ح
به امور عرصه‌وری است و باید به اموری که اصلاً مورد استلاء
نیستند و با فائده آنها محصر در تهرس علمی و سجددهش است
همچون مقدمات اسداد و نتائج آن - در حالی که باب العلم
بمصر اعهه مفوح - و مباحث مسی و معانی حروف کمر بردا ح
سود (ص ۱۷۸)

۲) طلاب با اطلاعات لازم را به دست نیاورده اند بنادا بر اثر
اعجاب به نفس مسند به رأی شده و سب خطا و استباه به بررگان
دهند، بر این سانه عباد و لحاح و سوء ادب است (ص ۲۷۶)
۳) مجتهد باید حوس فکر و با سلفه سکو ناسد و روس و آراء
مستهور را ساسد و از آن تعذی نکند و تصور نکند که همیشه
ایات و اظهار اجتهاد به آن است که بطرات حدید و بر حلاف
مستهور اظهار نماید (ص ۴۷۷)

در بایان دو بکه را تذکر می‌دهم

در ص ۲۱۰ کتاب عنوان بحث به قدری مفصل است که در دو
سطر فرار گرفته در حالیکه باید عنوان هر بحثی در عین اختصار
کو ای مقصود بر ناسد

در ص ۳۱۸ کلامی از محقق اصفهای، مرحوم افاسح
محمدحسن، نقل و سپس در بایورفی نام منع التعلیفه ذکر شده
است که حواصده را به استباه می‌اندازد تهرمی بود که نام صحیح
و کامل تعلیفه اسان بر کفایه، نهاده الدرانه فی شرح الکفایه، ذکر
می‌شد

احمد عاندی

«ده‌کوه» نامی حثالی برای روسایی است در میان بردنک به ۴۰۰۰۰ روستا در ایران که هر يك به سان واحدهای سرسبز و ساط‌انگیز در گوسه و کنار این فلات بهاور برانگنده سده‌اند. من خود رورگاری چند در یکی از این دهکده‌ها، در منطقه کهنکلو به یویراحمد، مهمان ناخوانده لره‌های سرزیده و غیربمند آن دنا بودم و يك سال و اندی در کنارسان رورگار گذراندم و در عین سادی و عین و عرایسان سر يك بودم.

این رورها که خاطرات آن ایام رودگذر دوباره در یادم باز می‌سود، افسوس می‌خورم که چرا در مدت زمانی که با مردمان آن روستای سناه چاه‌واری بسست و بر حاسب و معاسرت داسم، فرصت را غنیمت سمرده و آنچه از زندگی و آداب و رسوم اهل د سیدم و دیدم و تجربه کردم، در دفتری ساوردم تا امروز که از حاده فرسنگها از آن سرزمین دور افتاده و اردندار و کفت و سبو با مردم سوح طبع و حوسجوی آن خطه محروم مانده‌ام، «دفر خاطراتی» ناسد و موس و همدمی برای لحظه‌های سناهم.

اما آنچه هنوز در خاطرم زنده مانده است و از همان رورهای بحسب ورود به ده باعث سکنی و حیرت من کست، اعتماده نفس، کسادرحی و سروهوسی زبان روسایی و نفس بر حسته‌ای بود که آنان در زندگی اجتماعی و اقتصادی روسا به عهد داسند و این همه برای کسی که از شهری بربک می‌آمد، تصور بزی از بس ساحه از مردمان ده در دهن خود داسم، غرب و حالت می‌سود من کهنکاه که در رادگاهم سبرار گذارم به بار بر حب و حوس شهر می‌افتاد، در هوای غبارالود و انکده از بوی حوس ادویه و انار بر، و در مال سبوهای بوری که از سکنر سب بار و ربه‌های طاق بلند بارار کسیده سده بودند، زبانی را می‌دیده به با دامنه‌های بلند تر حب و فراح و فناه‌های رنگارنگسان، کود حردسانی بر بست و بوزادی در اغوس، در بی مرداسان به فالحه‌ای بر دوس و حورحبی در دست داسند، به راه بودند این «زبان دهانی» برای برحبی از ما «شهری‌ها» که لباس و اسبی بردی تا زندگی روسایی داسم، نمونه اسانه‌های محرومی بودند به زندگی محبت بار و حسته‌کننده‌ای را در دهی دور افتاده در گوشه کله‌ای سبک و نازك سیری می‌کند و از آنچه به طم به برای زندگی مرفه لازم، ضروری است بی نصبت‌اند.

غحب بر از این تصور، تصور بزی است که اغلب عربان سسر از طریق گزارشهای حثالی و بی‌مانه‌ای با آن حیرت عربی به طور کلی از «زبان جهان سوه» برای خود محس کرده‌اند. ایان رن سرفی را سبج در حادر سجنده و مظهر کمال بر سرتوب سده و فریبی جامعه مردسالار و موجودی حوار و دس محتاج بر حه می‌ندارد بی سبک اسبار و فروس حند مندول کتاب برهناهای بدون دحیره هرگز، و در بی آن نهفته فصمی

زنانِ «ده‌کوه»

حسرو ناقد





حامد اریکا فریدل

جها سببی ساده و عملی ریان ده، نانو فریدل را به سبب تحب تأثیر فرار می دهد و حرفه و سر ازاری می سود برای کار مطالعاتی وی که تا به امروز ادامه دارد. سسکار و دل سسگی به برو هس درباره حگو سگی ریدگی ریان روسایی و سلط به ریان فارسی و فراگری گوس محلی مردم ده، ناعب می سود که حلی رود در ریدگی اجتماعی ریان ده سرک کد و امکان گف و سود و سبب و بر حاسب با امان را داسه ناسد ندرس داوطلبانه و فول مسافانه ریدگی در دهی بدون برق و آب لوله کسی و بدون بر سک و دیگر وسایلی که صرف نظر کردن از انها برای سهر سسان عرقابل تصور اسب، و از همه مهمتر وجود همسر و دحبران حرد سالس در کنار او سبب جلب اعتماد روسایان سده و حضور س رفته رفته برای اهالی ده عادی می سود بدون بریدد مهمان دوسی و غریب نواری مردم روساهای ایران که ریانرد خاص و عام اسب، تحمل بار مسکلات ریدگی در غرب را اسات می کد نا گفته نگذارم که نانو فریدل به خاطر فول ریدگی و تحقیق تحب حبان سراطی از سوی خانواده خود و همسر س مورد سدرس و تمسخر فرار می کرد؛ که البته ناسری در بصمیم وی برای ماندن در ده و ادامه کار نمی کدارد

نانو اریکا فریدل اطر سسی تار اسب و متولد سهر وس وی تحصیلات داسگاهی خود را در وین و سهر ماسر المان به پایان رسانده اسب و در حال حاضر در امریکا ریدگی و ندرس می کد. در مدب اقامت س در ایران و در کنار کار علمی و تحقیقاتی اس، هر انچه از ریدگی ریان ده می سد و بحره می کد، بی طرفانه و بدون سسداوریهای معمول، بر روی کاغد می آورد و از اس طریق گراسی مسسد از سوه ریدگی مردم ده و فرهنگ و آداب و رسوم آنها به دسب می دهد که به صورت کتابی با عنوان ریان ده کوه تحب در امریکا و سس به حد ریان اروایی بر حمه و اسنار ناعب. ناسر المانی کتاب ضمن گف سگوی با من می گف که استعمال قابل توجهی از کتاب سده و در سرباب معددی مورد

نقد و بررسی فرار گرفته اسب. «ده کوه»، حبانکه در اعار این بوسته اساره سد، نامی است حمالی که نانو فریدل برای دهکده ای که در بیست سال گذشته روی هم رفته ۵ سال ساکن آن بوده برگزیده و به عللی بهتر دیده که نام واقعی ده را به میان بیاورد و حتی بعضی از اسامی مردم روستا را بیر تغییر داده اسب، بدون آنکه در معرفی و توصف شخصیت آنان، که اغلب با نامهایسان همانندی و هماهنگی دارد، خللی ایجاد سود ولی با بررسی دقیق کتاب و با مطالعه برو هسهای داسگاهی و مقاله ها و رساله هایی که نانو فریدل در سالهای اخیر اسنار داده است، می توان حدس زد که «ده کوه» در حوب غربی ایران و به احتمال فریب به یقین در منطقه کهکیلویه و بویر احمد قرار دارد. مشخصاتی که نویسنده در بیسگفتار کتاب

بر ساس گزار سهای اس کتاب، ناعب تقویت حس بقوری در ریان رودناور سده اسب اس واقعب که ریان و مادران ایرانی سون به خاطر باره ای سس نویسنده و روال نذر از بعضی حقوق مرانیای اجتماعی محروم مانده اند، به اس معنا سبب که آنان سببب و جایگاه ساسیسه ای در جامعه و در میان خانواده ندارند، سببب آنکه به طرق گوناگون برای احقاق حقوق خود تلاش می سد به گمان من علت روا ساحتی استعمال از اس کتاب در غرب و حای گرس آن با دو سه سال بیس در صدر فهرست برو هس س برس کتابهای سال، تأیید سسداوری و بوهمی بود که حرد سدان سسایس و قبل از مطالعه حس کتابهای از وضعیب نانو در ایران در دهی خود ساحه بودند ما از راه بحره موحه ام که هر انچه ناعب تقویت و تأیید سسداوریها و تو همام ساس سود، احساس رضایت و آرامش کادی در او ایجاد می کد به سسبب کسانی که برای حفظ حیس احساسی از بحس و عمل سسر دوری می جوید نامنادا با سارگاری واقعیه با سورات ده سسان موحب سر حور دگی و سرددگ سسان سود از سویی دیگر، آگاهی آدمی از ناهمساری واقعته با تصورهای هی اس، می تواند سبب کساکس درویی سود و او را به اندسه و حسجوی بسیری وادارد. البته نا گفته بیداسب که کساکس و برو هس (حتی در حد مساهدات دقیق و آگاهانه رور مره) با سسبب و ناملانماتی سهر همراه اسب، ولی امتیاز گرس حیس سسی، آسایی و آگاهی عمیق از بدیده ها و درک بهتر مسائل جماعی اسب که می تواند به تفاهم و تسامح و تسالم بیانجامد. نانو اریکا فریدل، استاد رسته مردم ساسی داسگاه کالامارو در انست مسسگان امریکا، روس احبر را برگزیده و برای بررسی و تحقیق درباره ریدگی ریان روستایی ایران در مجموع ۵ سال در سس انان ریدگی کرده اسب وی در اواخر دهه ۶۰ میلادی برای بحسبب بار به ایران سفر می کد و به طور اتفاقی گذارش به دهکده ای با دوهزار جمعیت می افتد و از طریق سرک در مراسم عروسی به دسای ریان ده راه می ناند سور و سعب ریدگی و

حاجوادگی و روابط همسانگی در ده را به صورت مجموعه‌ای در هم پیچیده به تصویر می‌کشد. او نشان می‌دهد که ریان ده نا حه سیوه‌هایی مشکلات زندگی روستایی را حل و فصل می‌کند اما نه طور عملی آموخته‌اند که نه حه سان از آداب و رسوم، روابط شخصی و موقعیتهای زندگی ده‌نسینی سودجوید و نستی و بلندیهای زندگی را برای خود و همدیهمی‌هایسان هموار سازند باو فریدل کوسیده است که از خودمحور بینی اروپایی نه دور ناسد و در بیسگفتار کتاب به تأکید می‌نویسد که قصد همصدایی با جنس ریان نه اصطلاح فمینیسم را، که زندگی ریان جوامع دیگر را با معیارهای از نس تعین سده‌ای می‌سپند، ندارد اند خاطر نشان می‌سارد که علی‌رغم افامب نسبتاً طولانی در ده و مسافرت و یاردیدهای بعدی، نه «رئی ارده کوه» تبدیل سده است و اگر حراین سز می‌نود از نظر او و مردم ده ادعای بیهوده‌ای بیس نود

نه ناوړ او ریان و مردان ده را نمی‌نوان نه دو گروه «سرکوب سده» و «سرکوب کننده» تقسیم کرد. زندگی مردان ده سز نه دلیل نلاس سگیر برای ادامه حیات و امرار معاش در سراط سحت اقتصادی، آسایس از زندگی ریان نسب در نظر اول حس می‌نماید که مردان قدرت مطلق را در دست دارند؛ اما در واقع مردان و ریان در دودنای متفاوت زندگی می‌کند، هر حید که ار هم تأسز بدیراند مردان ده اولوتها را نفس می‌کند و مسزولب حرج و دخل حاجواده را نه عهده دارند، نا این همه برای ریان نه انداره کافی آزادی عمل نافی می‌گذراند ولی هرگاه ریان محدوده آزادی عمل خود را ترک کند، برمس و اعطاف مردان نر نه نایان می‌رسد و نه طور فاطع اعمال قدرت کرده، حرف احر را می‌رند از سوی دیگر، مردان در زندگی روزمره ده دخل و تصرف نمی‌کند و اس ریان ده هستند که خود برای بکنگر حد و مررها را نفس می‌کند از این دو نفس اصلی در زندگی اجتماعی و مسائل مربوط نه تربیب فرزدان، اردواج، سسهای سخته ارب بری، تنظیم روابط نس افراد نه عهده ریان است آنان نا ترسی، ررکی و حاضر حوایی خاص خودسان، مواط همه حیر هستند، هر کجا مسأله‌ای بیس نیاید، همیشه راه حلی برای آن دارند

فهرمانان کتاب رنایی هستند مثل سزیم که بعد از مرک سوهرس تن به اردواج محدب می‌دهد و راه زندگی مجردی اس با صووری ادامه می‌دهد یا گل گل که سوهرس را ترک می‌کند؛ دوباره بیس او برمی‌گردد و بحت داعی در ناره مساجرات این ده درده در می‌گیرد و مسأله حاجوادگی يك روح حوان بیمی ارده را خود مسغول می‌دارد و هر کس بر اساس وابستگی حاجوادگی رن یا سوهر و یا بر نایه شخصیت فردی اس، در این بحت و حه سرکب می‌کند و نظر می‌دهد. و یا آمه معلم ده که توضیح می‌دهد

از آب و هوا و وضعیت رمنهای رراعی و بیروصمی که از لباسهای محلی ریان و حراینها نه دست می‌دهد، حدس مرا که «ده کوه» در بخش سز سز سز مطقه، یعنی بو بر احمد فرار دارد نه نفس بردک بر کرد؛ مطقه‌ای نا رمنسایهای سز و تر بر و تانسایهای معدل؛ اینجا که من سز رو رها و هسه‌ها و ماههای حوسی را کدر اندم البته کجکاوی در مورد نام واقعی «ده کوه» سسر برای حواسده اترایی کتاب می‌نواند حالت و حداب ناسد ربرا که از تفاوت زندگی و آداب و رسوم و فرهنگ نومی مناطق مختلف ایران آگاه است و در حس مطالعه کتاب حس کجکاوس بحر يك می‌سود و می‌کوسد نا از هر اساره‌ای سودجوید و نه هویت واقعی ده بی برد و نا حدافل حدود ابرا حدس رند اس معما و حستان نه کتاب کرایبی و حداسب حاجبی داده است

تصویر روی حلد کتاب دحبر روستایی حوان و سادایی را نشان می‌دهد که لباس محلی گلدار و حوس رنگی بر تن دارد و دست نس مسب کرده اس را حامل صورت نگاه داسه و لنجندی سز مگس بر لب دارد این تصویر هیچ نقطه مسرکی نا آنچه در سرت نه طور کلی و نه بره در سالهای اخیر از رن اترایی تصور کرده‌اند ندارد نویسنده در اعار کتاب از آب و هوای حوب و معدل و رمنهای خاص دحبر ده سخن نه میان می‌آورد و اینکه مردم ده روی هم رنه از زندگی در «ده کوه» راضی اند ولی در عس حال مذکر می‌سود که زندگی در دهاب ابران و بخصوص برای ریان سحت دسوار است و اساره می‌کند که اگر در داسان زندگی ریان ده اندوه و غمی بهفه ناف سوز، سسر از اس دسوارها و مسکلات سز حسمه می‌گیرد هدف نویسنده کتاب از بررسی زندگی ریان ده در درجه اول ناسح نه اس برسس است که ریان روستایی در ابران خود وضعیتسان را حکونه می‌سچند؛ از اس رو نه طور مکرر تأکید دارد که کتاب از دید و ریان ریان ده نوشته سده است او می‌خواهد نا کتاس ریان گونا و سرح حال اسوه ریان ده سس ابران باسد؛ اکریب حاموسی که کمتر کسی نه انا اعسا می‌کند و اگر گهگاه بو حه محقق علوم اجتماعی یا هر مند نفاس، ساعر، داستاسرا و یا فلمساری را حلت کرده‌اند و الهام بحس اناز آنان بوده‌اند، حالتی گذرا داسه و کسی نای صحبتسان سسسته و نه درد دل و آمال و آروها و نس و امدهایسان گوس فرا نداده است اهلب کوحك ریان روسفکر سهرسس سز نا احساسی امیخته از برحم و تکر نه ریان ده سسین می‌نگرند و انا را موحوداب عفت مانده، سرکوب سده، کسف و حرافی می‌ندارند که هر حه رودتر ناید روس و آگاهسان کرد؛ ریان ده سسین، و از حمله ریان «ده کوه»، نه حویی می‌داسد که دیگران در ناره آنان جگونه می‌اندیسند و این موضوع برایسان اهمیت دارد؛ ولی هیچ امکایی در اختیار ندارند تا حلاف آرا نانت کسد نویسنده در ناره فصل نه گونه‌ای دلنیر و گیرا، زندگی

گروه آوار دسته جمعی (کُر) تشکیل می‌دهد که در آن هر ربی با صدا و شخصیت و بره‌اس حایی دارد. نویسنده با ترکیب هرمندانه‌ای چون «صدای طپش دار مهری» و «آوار تهدیدکننده تالای بیر» و با «حده مهرسندی آینه»، در فضایی که کودکان خود را در میان دام‌های بلند و ترس مادرانسان نهان می‌کنند، به صورتی رنده ارتباط ریان را با هم و با محیط اجتماعشان برای خواننده محسوس می‌کند.

در فصلی از کتاب باران و فایع مربوط به دوران انقلاب در ده و نایرات و هجانات ناسی از آن اردن ریان سرخ سده و معلوم می‌کند که نویسنده در این دوران حساس سر در میان روس‌ها و رندگی کرده است. مساهدات، ترسها و گراسهای نابو فریدل از وضعیت ریان ده‌کوه، قبل و بعد از انقلاب و تغییراتی که در سالهای اخیر در زندگی اجتماعی و اقتصادی ده به وجود آمده، به اهمیت کتاب افزوده است. وی در این مورد مبالغه‌های حالی سر به دست می‌دهد؛ از جمله آنکه درصد مرک و میر در میان بوراوان کمتر سده و حد سالی است که ده دارای آب لوله‌کشی و برق سده است و حواس و زمین‌داران بزرگ از سان رفته‌اند و از بطارت مدام بلس محفی ساه (ساواک) حبری سبب ولی بعد از گذشت سالها از انقلاب و حسم‌اندازهای امیدحس، هور انتظارانی که از انقلاب می‌رفت محقق سده است. دحیران کمر به مدرسه فرساده می‌سود و سران حوان کمر به رسته امورسی و کار مورد علاقه خود دسرسی بندامی‌کند؛ اما نویسنده ناکفه نمی‌گذارد که در میان حوانان «ده‌کوه» دو ترسک و حد امورکار و عدائی داسجو وجود دارند که لسه همه ده را ترک کفه و در شهرها رندگی می‌کنند. دحیران و سران حوان ده همچون کدسه و با همان ادب و رسوم اردواح می‌کنند ولی وسلیها انقدر بی‌سروصدا صورت می‌گیرند که کوئی محفی و سرتی هسند و دیگر از رفیق و ناکوسهای دسته‌جمعی و حسهای حد سانه‌روزی و دسمال بازی ریان حبری سبب

در دوده کدسه دکر کوسهای حواسه و ناحواسه سبازی در ده به وجود آمده نه سسر برای کسی که به منظور مساهده دفی و تررسی علمی رندگی مردم ده به میان آنان رفته محسوس و قابل تراریس است. این تازی است نه نابو، نکا فریدل انحام داده و حای دزدایی و ساسکرازی دارد. «حر اس» رندگی در «ده‌کوه» همچنان ادامه دارد.

● سیرایش این مقاله مدتی است بر شات مان ده‌ده نویسنده این فریدل، بر اساس ترجمه‌های این دندگی بر این شات سس از این سیرایش حای سده است. علی‌لغو شاسی، «مان ده‌کوه»، سیرایش سال دهم، سده دوم، سن ۵۹-۶۲. کسه افانی نافد (مقیم المان) از او به دگری به این شات بکرسه. سترایش می‌تواند این دو نقد و معرفی را محمل دندگی داس



حجوه وفی که نقاضای اسخدام در اداره آموزش و ترورس برده، محبور سده است همراه مدرس سس رور نام از کردنه‌های سر به فلت کسیده با است به سهر برود تا در آنجا برای تفاحس دس بکشد، ربرادر ده کوحک آنها امکان عکس کرس وجود به سده است. نویسنده در فصلی از کتاب به کم و کف داسس به ده در ده می‌برد و شرح می‌دهد که در «ده‌کوه» حد روح بدین فرزند وجود دارند، ولی کار هیچ کدام به این خاطر به طلاق سسیده است. کدسه از این ناکون سس نامده است که مردی به دلیل نازا بودن همسرش رن دومی اختیار کند اما آگاهی از سرور بودن برای رن و مرد دردآور و برترکین فاحفه رندگی به سسر می‌اند و با ناملاعات و دسوارهای سسار همراه است. سس رندگی یوسف و طلا نمونه روح بی‌فرندی است که بعد از دعو و مراغه‌های اولیه و تحمل رحم ریانها و سررسها در بی حد دحوی می‌افند و به طلسم و دعا متوسل می‌سود و حوان می‌سند که ابر نمی‌کند به ترسک و دارو ساه می‌بردند و سراسحام نه رهمه مانیوس می‌سود تا سر یوسف محسوم خود می‌سارند. برای سان دادن بکرك و طراف اسکال کوناگون روابط اجتماع ریان ده سس، نویسنده در کناس از ادبای روستایی سر سود می‌جوید. او با هرمندی، «مامالوس»، قسه‌گوی بیر ده را به تصویر می‌کشد که با سوبدگان قسه‌ها سس که همه ریان ده هسند

(۱)

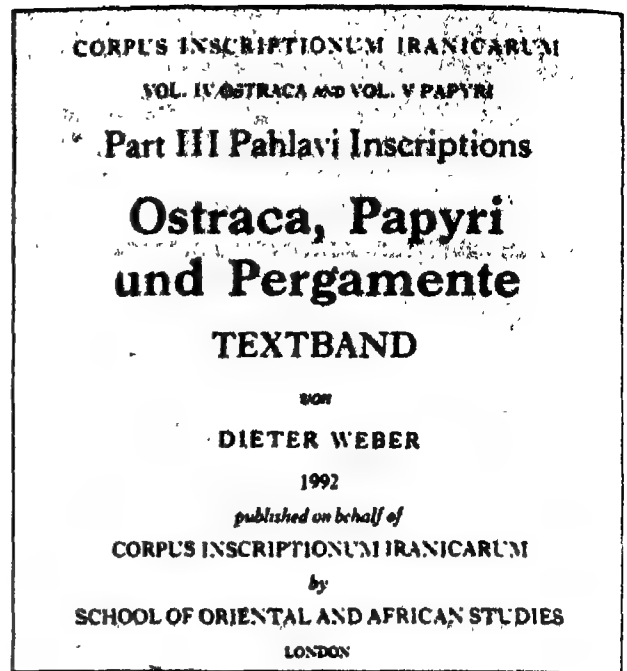
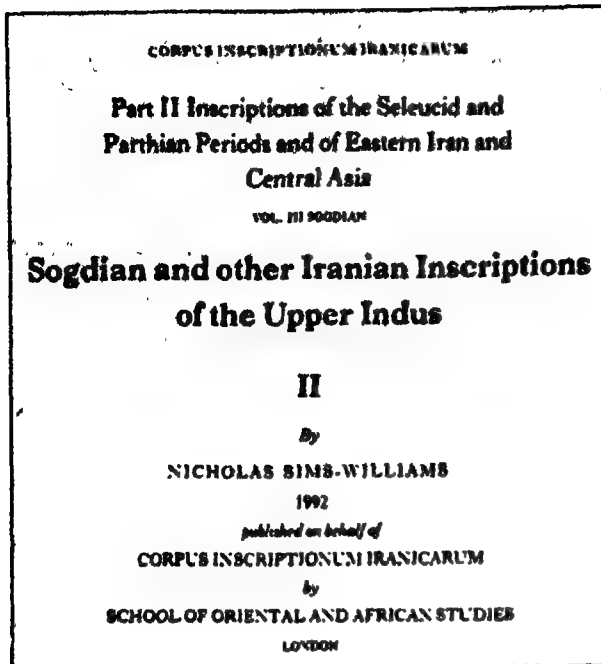
Dieter Weber, *Ostraca, Papyri und Pergamente*, Textband, Corpus Inscriptionum Iranicarum, Part III Pahlavi Inscriptions, Vol. IV. Ostraca and Vol. V Papyri, School of Oriental and African Studies, X + 265 pp + XLII Tafeln, ISBN 07286 01982, London, 1992

در این کتاب نوشته‌های بهلوی (فارسی میانه) مجموعه‌ای از سفالها و نایروسها و نوسها خوانده و ترجمه و درباره آنها بحث شده است. بیشتر سفال نوشته‌های این کتاب مجموعه‌ای است که آن را هر تسفلد در کاوشهای باستان‌شناسی در ناحیه ورامش به دست آورده بود و اکنون در موزه بریتانیا در لندن محفوظ است. حد فطعه دیگری نیز که بعداً در کاوشهای مشترک ایران و آمریکا در قصر ابونصر بر دیک سرار به دست آمد و اکنون در موزه متروپولتن نیویورک و موزه ایران باستان تهران نگاهداری می‌شود، به این مجموعه اضافه شده است. همه این قطعات پس از این سادروان دومانس به صورت عکسی در یکی از مجلدات بیستین مجموعه کتیبه‌های ایرانی در سال ۱۹۵۷ منتشر کرده بود. تکه سفالهای منتشر شده بازمانده ظروف سفالی غلاب و سراب و نان و غیره هستند و نوشته‌های آنها به خط بهلوی سبکته است از این رو، و نیز به سبب تکه‌تکه بودن، آسب دیدگی، خواندن و ترجمه آنها بسیار دشوار است. نوشته‌ها بر طرف خارجی (محدب) طرف است و لی در مواردی علاوه بر آن، قسمت داخل طرف نیز نوشته دارد. کسبه‌ها مربوط به تحویل غلاب و سراب و غیره است و معمولاً یادکر تاریخ آمد می‌شود (فلان ماه، فلان روز) و پس از آن نام تحویل گیرنده در می‌گردد. اهمیت سفال نوشته‌ها خصوصاً از جهت دربر داس نامهای خاص و القاب و گاهی نام خانها و واره‌های مربوط به غلاب و نوسیدنیهاست. این نوشته‌ها به سبب دوم قرن سبب میلادی و بعضی از آنها به قرن اول هجری تعلق دارند. بخش دیگر کتاب به فرائب و ترجمه و تفسیر نوشته‌های بهلوی روی نایروسها و نوشته‌ها اختصاص دارد که بیشتر خارج ایران کشف شده و مربوط به دورانی است که در آغاز قرن هفتم میلادی در زمان خسرو پرویز ساهبان ایران حاکم مصر متصرف شدند. مجموعه مهمی از این آثار را که متعلق به موزه برلین بود، داسمند آلمانی هرن (O. Hansen) در سال ۱۹۳۸ به صورت عکسی همراه با فرائب و ترجمه آنها منتشر کرده بود. پس از آن نیز قطعات دیگری که متعلق به موزه‌های گوناگون اروپا و آمریکاست، این جا و آن جا، منتشر شده است. دومانس پس از

دو اثر جدید ایران‌شناسی

دکتر احمد تفصلی





(۲)

Nicholas Sims-Williams, *Sogdian and other Iranian Inscriptions of the Upper Indus*, II, Corpus Inscriptionum Iranicarum, Part II Inscriptions of the Seleucid and Parthian Periods and of Eastern Iran and Central Asia, Vol. III Sogdian, School of Oriental and African Studies, 94 pp. + Plates 171-265 + 3 Maps, ISBN 07286 0194 X, London, 1992

در کاوشهای مسرتک المانی-ناکسانی میان سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸ در دره‌های بخشهای غلجای سند، علاوه بر کتبه‌هایی به پراهوری و حروسی و حبشی و عبره، تعداد بس از ۶۰۰ کتیبه کوچک به زبانهای ایرانی میانه بر کسف گردید از میان آنها دو کتبه به پارسی (پهلوی اسکایی)، دو کتبه به فارسی میانه (پهلوی)، ده کتبه به بلخی و یقه کتبه‌ها به سعدی است، همه این کتبه‌ها بر سنگ نگاشته شده است. بحسین نار داسمید اراساس المانی هومناح (Humbach) در سال ۱۹۸۱ در مقاله‌ای این کتبه‌ها را معرفی کرد و سپس سیمس ویلیامز (Sims-Williams) اراساس نام انگلیسی با مسافرتی بدان بواحی بواسطه از بردن این آثار را سید و بخواهد اکنون عکس همه این کتبه‌ها را به همراه فرائد و ترجمه و تفسیر آنها در دو جلد منتشر کرده است جلد نخست کتاب در سال ۱۹۸۹ منتشر شد اهمیت این آثار خصوصاً از این جهت است که بسیاری از نامهای خاص سعدی را در بر دارد فهرست کاملی از همه واژه‌ها در پایان این مجلد آمده است

اسناد ایرانی بر جای مانده از دوران پیش از اسلام چنان کم است که پیدا شدن و انتشار هر قطعه کوچک را باید عظیم شمرد.

ن عکس ۵۹ قطعه با سروس و پوست پوسته موره‌های کوناگون در مجموعه ذکر شده در بالا منتشر کرده بود اکنون و بر (Weber) قطعات بسیاری را در پایان کتاب به صورت عکسی چاپ کرده و همه را همراه با قطعات منتشر شده قبلی خواننده و ترجمه و تفسیر کرده است

این آثار نیز به خط پهلوی سگسکه پوسته شده است و خواندن آنها بسیار دشوار و وقت گیر است و جای حوسوفتی است که دسمندی بر حوصله و دقیق همت به این کار بسته است سیمس آنها نامه‌های اداری هستند که از سوی صاحب مناصب ایرانی نوشته شده‌اند و از جهت بی بردن به سوه نامه نگاری دوران ساسانی اهمیت بسیاری دارند همجنس فرائد آنها بر گنجینه میانی خاص ایرانی دوره ساسانی می افزاید در آنها بعضی متفصها و نام حایها نیز ذکر شده است طبعاً در فرائد و معانی بعضی کلمات جای تردید هست و دفع دیگر محققان در این باره کسف آثار دیگر می تواند به حل مشکلات کمک کند مثلاً در صفحه ۷۵ و ۷۶ (قطعه ۵۷۵) نگارنده این سطور برای کلمه «*murwāk*» معنی «آنحو» را بیسهاد می کند که در متون پهلوی هم آمده است در همن سفال نوشته‌ها کلمات می و هرگ (نوعی مسروب لیلی) به کار رفته است همچنین برای کلمه «*murwāk*» (P 94) فرائد *murwag* را به معنی «مروا، فال بیک» بیسهاد می کند در P 250 به جای MII باید MN باشد.

علاقات کتاب (Anhang) که درباره خط، زبان، تاریخگذاری و نام حایهاست و بر فهرست آخر کتاب بر آدرس این ابرماندی فروده است مؤلف با انتشار این کتاب خدمت بزرگی به پژوهشهای ایرانی کرده است.

ترجمه، تاریخ، فرهنگ

علی صلحجو

تمام منابع مربوط به این زمینه را از گذشته‌های دور تا زمان حاضر و همچنین نظریه‌های جدید ناظر به این بحث را در بررسی کنعانده است از طرف دیگر، ماهیت تطبیقی این گونه تحقیقات است شده که هم منابع غربی و هم منابع غیر غربی در نظر گرفته شود یکی از جنبه‌های مهم این بحث که مجموعه مذکور بر آن بسیار تأکید دارد، جنبه سبک دهنده‌ی ترجمه به ادبیات و فرهنگ ملت گیرنده است.

کتاب ترجمه، تاریخ، فرهنگ یکی از کتابهای این مجموعه است که در آن از خطاهای سبک‌زبان، خطب و سانسداد، مترجم رومی قرن دوازده میلادی تا ترجمه‌های اولر سون و بنامووس - موندورف، ادب و مترجم المانی (در گذشته - سال ۱۹۳۱)، علی‌انار متعلق به سبک قرن، به صورت قطعات استجایی آمده است که در هر یک از آنها به مسئله‌ای از مسائل نوپاکون ترجمه پرداخته شده است. نویسنده نویسنده است به مطالب مهم تمام کسانی را که در این مقطع زمانی درباره ترجمه حرفی داشته‌اند در این کتاب گرد آورده (مطالب مربوط به ترجمه از ۱۹۳۰ به بعد قرار است در کتابی دیگر از مجموعه منتشر شود) برخی از موبی که در این کتاب مطرح شده است، ترجمه در کتب بسیار زیاد به آنها ارجاع و اشاره شده، مثلاً به انگلیسی ترجمه شده بوده است. نویسنده با مشاهده طریف به این امر پی برده است که در بسیاری از کتابهای مربوط به مباحث ترجمه مطالبی آمده که ربطی به ترجمه ندارند و به همین سبب منتهایی که خود منابع ترجمه نقل کرده مستقیماً با مسائل ترجمه سروکار دارند.

Translation/History/Culture Edited by Andre Lefevere, Routledge, 1992

بحث و بررسی درباره مسائل ترجمه به میراث رسته‌ای مستقل در دهه ۱۹۸۰ رواج نام‌ناف این جریان که به نظر می‌رسد همچنان ادامه پیدا کند، با رسته‌هایی همچون زبان‌شناسی، بررسی‌های ادبی، روان‌شناسی و مردم‌شناسی سروکار دارد. مجموعه «ترجمه ترجمه» (Translation Studies) یکی از این فعالیتهاست که توسط مؤسسه اسرارانی رالند در انگلستان دنبال شده است. از این مجموعه تاکنون سه کتاب منتشر شده است.

Translation, Rewriting, and the Manipulation of Literary Fame Andre Lefevere

Translation, Poetics and the Stage Romy Helen

Translation, History, Culture Andre Lefevere

در نوشته زیر ابتدا شرح مختصری درباره مجموعه می‌آوریم و آنگاه یکی از کتابهای این مجموعه یعنی ترجمه، تاریخ، فرهنگ را معرفی می‌کنیم.

هدف مجموعه «ترجمه ترجمه» که زیر نظر سوزن سبک (S. Bassnett) و اندره لفرور منتشر می‌شود این است که دامنه وسیع مطالعات مربوط به حوزه ترجمه را باز نماید و خوانندگان را از تحولات جدید این مباحث آگاه کند.

از آنجا که این مجموعه اولین در نوع خود است، ناگزیر همه حوزه کار و همچنین سبک آن را حرو برنامه قرار داده و در نتیجه

ترجمه ناربوسی و انتقال متنی است از ربانی به ربان دیگر این جریان، بخصوص در حوزه ادبیات، دهییب و بوطفایی با خود به همراه می آورد که ادبیات ربان گیرنده از تأثیر آن نمی تواند برکنار بماند. ورود مفاهیم و ساختارهای ادبی به ربان گیرنده سبب های سانی و سکل های ادبی بو به دنبال می آورد و در حقیقت همچون نیرویی سکل دهنده به فرهنگ، ادبیات و ربان عمل می کند از سوی دیگر، به موارد این بواوری، ترجمه از خلافت طبعی ربان و فرهنگ گیرنده تا حدودی جلوگیری می کند و دست کم مسیر آن را تغییر می دهد و درست به سبب همین دو ویژگی مهم ترجمه است که هر نوع مطالعه درباره هر ادبیاتی بدون توجه به تأثرانی که از آن فرآیند حاصل می شود، کامل، ناموفق و کم اعشار است. اهمیت مطالعات مربوط به ترجمه بر آن همساخت است.

کتاب ترجمه، تاریخ، فرهنگ از یک مقدمه و هشت فصل سکل شده است. فصل اول به نفس اندولوری در ترجمه اختصاص دارد. هر ترجمه در دوره ای انجام می شود که دارای اندولوری و فرهنگ خودش است و ترجمه نمی تواند بیرون از حوزه تأثیر آن باشد. نفس حامیان مالی و معنوی در حسن دوره هایی بسیار مهم است. در این فصل مارتین لوبر، میکلم و مترجم آلمانی در قرن ساردهم، نقل می کند که دشمنان حقیقت به خاطر عقاید مذهبی اس او را متهم می کنند که در ترجمه عهد جدید به آلمانی تعبیر داده و می گوید که به دستور یکی از ساهرادگان ترجمه او را دردیده و به نام دیگری حارده اند. «تخورهوگو» نیز از دیدگاه فرهنگی به ترجمه نگاه می کند و می گوید وقتی شما بوسه ای را از ربانی به ربان دیگر منتقل می کنید در حقیقت به حریم فرهنگ گیرنده تجاوز می کنید و ساختارهای سانی جدیدی را وارد آن می کنید که اهل آن ربان محالی به پذیرش آن ندارند، درست مثل آنکه مواد بدن دیگران را داخل بدن خودمان کرده باشیم.

فصل دوم درباره قدرت حامی است. مترجمان در برخورد با ساختار کار آرادی ریادی ندارند و بدون حمایت آنها قادر به سسار از خود نیستند. حمایت کلی جامعه در جریان ترجمه نفس مهمی دارد. در این فصل قطعه ای از گونه نقل شده که در آن می گوید اینکه ما قادریم گذشته های دور را جلو خود داشته باشیم، سخته می توانیم از رنگ و بوی گوسه و کنار جهان مطلع شویم بدون اینکه ربان آجارا ندانیم، اینکه به تمام ادبیات دنیاسترسی داریم بدون آنکه زحمت تحقیق به خود داده باشیم، به خاطر ریحی است که مترجمان در این راه کسده اند. مترجم واسطه این نقل و انتقال است. هر قدر هم که در این کار بیایمی باشد، ترجمه همچنان مهمترین و سأن دارترین دادوستد در بدهستان کلی جهان

است. گونه حسن ادامه می دهد. در قرآن آمده است «حداوند به هر قوم بمعبری از ربان همان قوم داده است» مترجم بی ریامری است در میان قوم خود (گونه، بوسه هایی درباره ادبیات، ۱۸۲۴)

در فصل سوم بوطفایی ترجمه مطرح می شود. اتس دوله، ساعر و مترجم فرانسوی در قرن ساردهم، به مترجم، بوضه می کند که «واره ها را حیان برم و طرف در کنار هم بحسد که روح راحت شود و گوس لدب سرد» در این فصل قطعی ارونر، دوله، سلگل، فسر حرالذ و دیگران نقل شده که درباره ساختار طبعی ربان در ترجمه بر سانی ساختار و فرهنگ کمرده و حرح و بعدلهای لازم بحث شده است. هیکامی که دو نظام ادبی، دو بوطفای، در مقابل یکدیگر قرار می گیرند، فرآیند سارس سسار مسکل و طرف است و بلاس مترجم برای اتحاد سانی نالت نمونه

کوحک معناسی است از جریان کلی فرهنگ بدتری حوامع. فصل چهارم به کفمان (discourse) پرداخته است. مترجم مجبور است که میان دنیای کفمان ربان و فرهنگ بوسسده، مجموعه مفاهیم، انونولورنها، اسخاص و اسانی معقل به یک فرهنگ، و دنیای کفمان خودش اتحاد بوارن کند و از همساخت که گاه مترجمانی به آن سخته رسده اند که «حترهای خوب» آن را بگیرند و «مطالب سفاکده» را کنار بگذارند و به همین دلیل است که عده ای «وفاداری» در سطح ربان را در ترجمه درست نمی دانند و معتقدند که مترجم در جریان کار مجبور است که بر اساس ادغام نظام کفمانی دو ربان و فرهنگ حرح و بعدلهایی در ترجمه نکند. قطعی که در آن فصل آمده است، از حمله قطعه ای از راک دولیل، ساعر فرانسوی اوائل قرن ساردهم، مربوط به همین موضوع است.

موضوع قطعات نقل شده در فصل سشم طر فسهای ترجمه در به وجود آوردن ربانی جدید است. سسرون به مترجمان بند می دهد که به هیکام ترجمه عناصری از ربان و فرهنگ سکا به که دنیای کفمان ربان و فرهنگ خودی فاقد آن است «سورنهای سانی جدید سسارند» و از همین راه بوده که مترجمان طی فرنها به سها با ساحتی وارد بلکه به قول بلسی با اتحاد سسکهای سانی، ابزارهای سانی جدیدی وارد ربان خود کرده و آن را غنی ساخته اند.

عنوان فصل سشم «فی ترجمه» است. در این فصل از دریدر بوس اراسموس، ادب و مترجم هلندی در قرن ساردهم، نقل می شود که «من بر حیح می دهم با رغابت سس از حد دوف مر بکت کناه سوم تا با استقاده سس از حد از ارادی» و در مقابل حرح حصن، ساعر و نماسنامه بویس انگلیسی در قرن هفدهم، ترجمه «واره به واره» را سسکی «ملاعطی و بوح» می نامد. دادن

فواعدی برای بر حمة هر گر ارساکنده و مسکور بوده و بخواهد بود، بر ا مسئله سبار سخته تر ار باقی بهرین معادل است به قول ماتیو آر بولد همکان قبول دارند که «اولین و طیفه مرحم رعایت امانت است اما مسئله مهم این است که امانت چیست» سایر این هر نوع فرمول بندی فواعد برای تر حمة رو نکردی کاهسگرانه به این ندیده سخته است و راه به جانی بخواهد برد فصل هفتم، با عنوان «منهای سادی و فرهنگهای سادی»، به نفس و اهمیت برخی منون در فرهنگی خاص و نفس و اهمیت فرهنگی خاص در کل فرهنگ جهانی اختصاص دارد مرحم من محار (کتاب مقدسی که در زمان حمر اول، ساه انگلستان، بر حمة سد) در دساحه کتاب اخطار می کند که کسی که در مذهب مردم، به هر صورت، دحالت می کند مالکیت آنها را مورد تجاوز قرار داده است منون مذهبی به دلیل نفس مهم و سادی سان از این رمره اند سرنامس مور از سدل، مترحم کتاب مقدس، استفاد می کند که «واره های معمولی را در بر حمة طوری بعبر داده که ایمان مردم را بعبر می دهد» سایر این بر حمة منهای سادی همواره با حساسیتی همراه بوده که در نظر بکرفس ان مسئله را بوده است از سوی دیگر، فرهنگهای اصلی و «فرادسب» همواره این حق را به خود داده اند که منون فرهنگهای «فرو دسب» را به مدای خود تبدیل کنند و از همس روست که ادوارد فیر حرالد، مترحم اسعار حنام، می بوسد، «برای من سبار لذت بحس است که هر قدر که دلم بخواهد می توانم در بر حمة اسعار این سعراى فارسی زبان به خودم ارادی بدهم»

و سراجام در فصل هشتم قطعات بلندتری آمده که هر یک گوسه ای از مسائل بر حمة، بخصوص مسائل مربوط به بر حمة ادبی، را در دوره های مختلف مطرح می کند «راه درست بر حمة» ار لنو باردو بروبی، «اسارایی به هر بر حمة» ار دالامیر، «رساله ای در باب اتمول بر حمة» ار الکساندر بائیلر، و «در باره روستهای کوناگون بر حمة»، ار فیردیس سلا برماحر ار حمله مناعی است که قطعات بلندی از آنها در این فصل آمده است

کتاب در مجموع سبار خوب تنظیم شده و قطعات انتخاب شده سبار اردف و طراف و تأمل طولانی و براسار ان در این حوره سخته دارد اسبابی مترحمان با حس مناحی سبار سارنده است و مسلما در حکونکی حران بر حمة بائر بخواهد نداسب هیکامی نه خواننده موجه می شود که فرهنگستانی در ندسبه های دور با مسائل بر حمة رو بر و بوده و هر یک کوسده اند تا راه حلی برای ان نبابد مسعوف و معجب می شود، بی اطلاعی از این مناح حه سبار سب شود که سالها وف و انزری مترحمان تلف شود و بر حمة در بحسی بزرگ از جامعه در حرانهای نه حندان سائمی سر کند

دیرها و کلیساهای جلفای اصفهان

حبیب معروف

Documents of Armenian Architecture (No 21 NOR DJULEA), Faculty of Architecture of the Milan Polytechnic-Accademy of Sciences of the Armenian, S S R, 1992

داسکده معماری ملی تکیک میلان در ایتالیا و فرهنگستان علوم جمهوری ارمنستان مشترکا دسب به اسبار دفرهایی در باره معماری ارامنه رده اند عنوان اصلی این دفرها، «اسناد معماری ارامنه»، و عنوان فرعی هر کدام از آنها سبار دهنده سبار با اسبه خاصی است که در ان دفر نسخه ها و عکسها و سرحهای آن آمد. اسب دفر سماره ۴ با عنوان فرعی «دیر نادنوس مقدس»، دفر سماره ۱۰ با عنوان فرعی «دیر سورت اسفابوس» و دفر سماره ۲۰ با عنوان فرعی «سورهل» مربوط به دیرها و کلیساهای ارامن ایران است این دفر در مقاله انتخاب با عنوان «کلیسای برسانان در سیرمنهای ایران اسلامی» در سیرداس (سال دهم سماره ۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۸) معرفی شده اند. در این نادنوس جلد ۲۱ این مجموعه که در باره دیرها و کلیساهای جلفای اصفهان

است و در رونه ۱۹۹۲ مسرر شده است معرفی می شود سنگ بنای جلفای اصفهان دهفا ۴۰۰ سال پس به دسب ارمنان کوحانده شده ار جلفای کنار ارس، ولایت بجزوان، سده است

ولاناب حور سعد (ارمنستان) و سروان ار سال ۹۸۶ ۷۸ در زمان نادساهی ساه محمد خدا بنده، بدر سادعاس، مترحمان و بار ساهان برك سد و این ولاناب با سال ۱۰۱۲ ۲ همحمان در بصرف بركان عثمانی بود در این سال سده بسمم گرفت که به ادر با بجان لسکر کسی کند و ولاناب سده را بارس گرد. حور در این تاریخ موجه سده

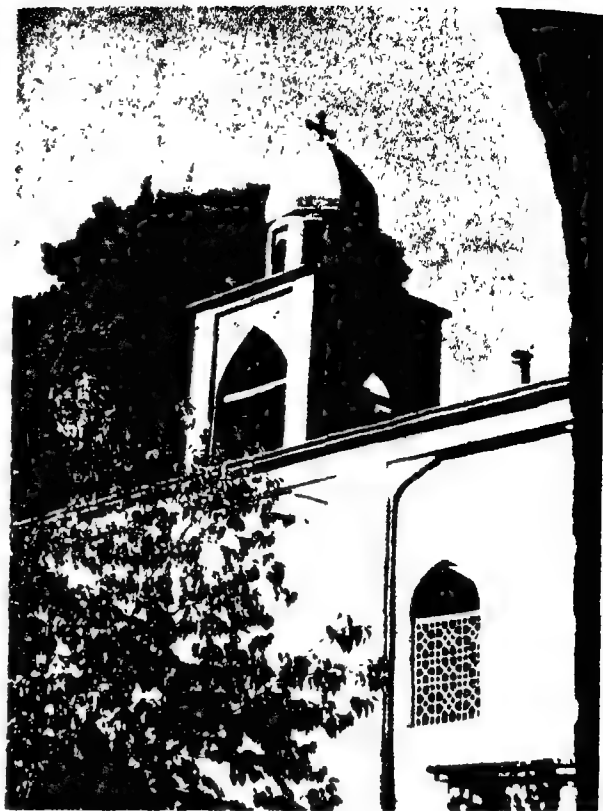
برمی‌اند که از آن تاریخ تاکنون در طول این چهارصد سال دست کم ۲۵ دبر و کلیسای حلقا ساخته شده است برخی از آنها در حمله افغانان و دیگر حوادث تاریخی ویران شده و از بین رفته است

کلیساهای و دبرهای موجود در حلقا به قرار زیر است
 ۱ و ۲ و ۳) در میدان بزرگ دبر نجابت دهیده (وانگ امان کج)
 و کلیسای مریم و کلیسای باب‌الرحم (۲) کلیسای سورک در
 حیابان حکم نظامی (۵) کلیسای کریم‌گور مقدس در محله میدان
 کوچک (۶) کلیسای اسفهان در محله هاکوب خان (۷) کلیسای
 سرکس در محله ابر و انبها (۸) کلیسای مناس در محله سر برها
 (۹) کلیسای سکو غابوس در محله فاراگل (۱۰) کلیسای برسیس
 در محله سنگتراسان (۱۱ و ۱۲) کلیسای هواس و دبر کابریه در
 محله چهار سو (۱۳) کلیسای بروسایها در محله سنگتراسان
 (۱۴) کلیسای کابولک در محله سر برها (۱۵) کلیسای سیون در
 حیابان نظر

فرمانی به تاریخ ۱۶۱۶/۱۰۲۳ از شاه عباس در دست است که بنا بر آن شاه برای جلب خاطر آرامنه حلقا، عیسویان، دیگری که در اصفهان بوده‌اند، در حلقا اقدام به ساختن کلیسای دومی به نام کلیسای کنورک یا کلیسای عرب کرده است چون این فرمان از لحاظ تاریخ روابط ایران با مسیحیان اروپا و با توجه به معماری در حوض اغناس است، آن را در اینجا نقل می‌کنیم

فرمان همانان

اینکه کسینان و رهنایان و ملخان و دین سفندان، تخدامان و رعایای آرامنه ساکنین دار السلطنه اصفهان به عنایت بی‌غایت ساهانه و سقفت و مرحمت بی‌بهاست ناساها، مقبره و سرافراز و مستطهر و امیدوار بوده باشند که چون میانه با آب کامیاب همانان ما و حفرات سلاطین رفیع‌السلطان مسیحیه خصوصاً سلطنت سولت ساهی فده السلاطین العسویا حضرت بابا (یعنی باب ۱۰) ناسا، اماسه، شمال محبت و دوستی است و در میانه ما و طوائف مسیحیه یکاکی است و املا خدایی است و وجه خاطر ما و بدین معنی است که همیشه طوائف مسیحیه از اطراف و حواصط بدین دیار آمده و آمده‌اند و چون دار السلطنه اصفهان با محبت است و از همه طبقه مردم هر ملت در اینجا هستند می‌خواهیم که به جهت مردم مسیحیه در دار السلطنه اصفهان تناسلی عالی در کمال رفعت و رست و رست برست دهیم که معین انسان بوده باشد و جمیع مردم مسیحیه در اینجا به تنس و انس عبادت نمایند و کسی نزد حضرت بابا نخواهیم فرستاد که یکی از کسینان و رهنایان ملت مسیحیه در دار السلطنه مذکور فرستد



کلیسای کریم‌گور (حلقای اصفهان)

معماری برای مقابله با او نشان ناسا معروف به فعال‌اعلی را با ... بسیار روانه کرده است به تقلید حدس، ساه‌طهماسب اول، ... دگرگشته شهرهای آباد از مسلمانان را ویران کند و تمام مردم آن ... حلی اشرافه حاک ایران کوچ دهند حلال‌الدین محمد بردی، ... سبی ساه‌عباس، درباره این فرمان می‌گوید «در غرض رحمت ... بر روی بواب کلت اسبان علی به بحجوان واقع شد و امر به ... حلی شهر و دهات و صحرا کردند در سوّم رحمت حکم شد به ... حلقا، بازن و اسباب و غنور آن جمع از آب ارس، ... به مدد ترکتان واقع شد» روضه‌الصغریه حسن ادامه می‌دهد ... حلی به جمعی از غلامان خود سر فرمان داد که رعایای ... کوچ دهند و به اصفهان رسانند به وزیر اصفهان، ... حلی ساساوری به دستور فرستاد که اراضی بردیان حیابان ... در کنار رانده رود را میان آرامنه تقسیم کند با موافق ... حلی مبارک و کلیساهای بسازند و احجارا حلقا نام دهند و به ... حلی سفندان بنا، اسبان را باری دهند» در دست یکسال بعد در ... حلی ۱۶۰۶-۷ آرامنه بحسین کلیسای خود را در حلقا بنا ... حلی کلیسای نام کلیسای یعقوب مقدس با کتیبه‌ای هاکوب ... حلی سب و در گوشه شمال غربی صحن فعلی کلیسای ... حلی قرار دارد و کتیبه آن تاریخ بنای کلیسا را سال ... حلی ۱۶۰۶/۱۰۶۶ نشان می‌دهد از مدارک و اسناد تاریخی حسن

فرهنگ فشرده زمین شناسی روسی به فارسی

علی کافی

فرهنگ فشرده زمین شناسی روسی به فارسی، تألیف. طلک حسکت اف، صولت شاه میرگی اف، ویراستاران رحیم داد خدایف، طهران، سرویات عرفان، دوشنبه تاجیکستان، ۱۹۸۸

متخصصان اتحاد جماهیر شوروی سابق از سالهای بیس انقلاب اسلامی برای تحقیقات زمین شناسی به ایران می آمدند، در کوسه و کنار این کشور از شمال گرفته تا جنوب و از شرق غرب به کار اکتشاف و بی حویی معادن می برداشتند، نمونه ای کار آبان معدن آهن حادرملو است که اکنون عملیات ساختمانی، تأسیساتی آن برای بهره برداری آغاز شده است

در بنامیگاه کتاب امسال (۱۴) تا ۲۴ اردیبهشت ماه (۱۳۷۲) د عرفه تاجیکستان کتابی عرضه شده است به نام فرهنگ فشرده زمین شناسی روسی به فارسی این کتاب ۴۸۶ صفحه دارد و قطع جیبی به چاپ رسیده است طلک حسکت اف یکی از مؤلف کتاب مقدمه ای در پنج صفحه بر کتاب نوشته است او که ناخذ است و تحصیلات دکترای ریاضیاتی دارد طی سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۸ به عنوان مریح همرا با هیأت های زمین شناسی در ایران حضور داشته است.

متخصصان شوروی در غالب موارد با خود مترجم می آورند مترجمان اکثراً از تاجیکستان اند و تحصیلات این مترجمان معمولاً در سطح عالی است این مترجمان علاوه بر کار ترجمه گاه به تحقیقات ریاضیاتی دست می زنند طلک حسکت اف این دسته مترجمان و محققان است.

تدوین واژه نامه های تخصصی روسی به فارسی با فارسی روسی در شوروی سابق سابقه دارد فهرست برخی از واژه نامه ها را می توان در دو منبع زیر یافت - فرهنگ روسی به فارسی، زیر نظر علی اسدالله اف، - مسکو، ۱۹۶۳، صص ۵ تا ۸

که در آن کلیسا به آداب عبادت مقام نموده و طوایف مسیحی را به طاعت و عبادت ترغیب نماید و ما نیز از ثواب آن عبادت بهره مند باشیم و چون حد عدد سبک برگ در اوج کلیسای ایروان بود و عمارت آن کلیسا مهتم گسه حرابی تمام به آن راه یافته بود که دیگر ساسنگی معمر نداس و کسینس آنجا استخوانهای بیعمران را که در آن مکان مدفون بود از آنجا بیرون آورده به جماعت ترسا و نصارافروخته آن مقام را از غرب و سرف انداخته بود سایر اسان سبکهای مذکور را از آنجا بیرون آورده روانه دارالسلطه اصفهان فرمودم که در کلیسای عالی که در آنجا ترست می دهم نصب فرمایم می باند که چون سبکهای مذکور را بدانجا آورند همگی طوایف مسیحی را جمع نموده از روی تعظیم و احترام تمام اسفمال کرده سبکها را آورده به اتفاق سیادت شاه و وزارت و اهل دستگاه سمن الوارده علنا وزیر دارالسلطه مذکور و رفعت شاه محبت علی بیک الله در حایبی که مناسب داند بگذارند و به اتفاق یکدیگر معماران حایبه سرفه را همراه برید و در سبک ناع ررسک در رمبی که به جهت کلیسا قرار داده بودم کلیسای عالی طرح نماید که کسینس و بادران عظام فرار دهند و طرح ایراد رخته و کاعد کسیده به خدمت اسرف فرساده که ملاحظه نمایم و بعد از ملاحظه امر فرمایم که اسادان شروع در کار کرده به اتمام رسانند و در اس بات اهتمام لازم داسنه به همه جهی به سقف بیدرع خسروانه امیدوار باشند شهر سمن سنه ۱۰۲۳

از اس فرمان حسن برمی آید که در زمان صفویان طرح ساختمانها را در تحنه و کاعد کسیده به تصویب شاه عباس می رسانده اند. از سوی دیگر معماران و بنایان کلیساها بر مسلمان بوده اند، و مسجد امام (شاه) اصفهان و کلیسای غریب هر دو به مباشرت محبت علی بیک الله، به اصطلاح امروز وزیر مسکن و شهرسازی شاه عباس، ساخته شده است فرق معماری کلیساهای ترسانان در حلقا با مساجد عهد صفویان فقط در دو جز است برج نافوس، و صلیبی بر کاکل گند حتی آدس بندی داخلی کلیساها از کاسکاری و گچ بری و نقاشی و سبکهای اراره بر کاملاً اسلامی است و فرقی با مساجد آن زمان ندارد جهره سمایل فرسدهایی هم که حای حای بر در و دیوار دیرها و کلیساهای آن زمان نقش شده است همان صورت گرد حورسد حاتم نقاشیهای ایرانی است به هر حال اگر در معماری کلیساها و دیرهای ادربایجان اندک آبروی از دیرها و کلیساهای ترسایان بی راسی دیده می شود، این تأثیر محض در معماری کلیساها و دیرهای صاحب دست معماران و اسادکاران مسلمان حلقا کاملاً از بین رفته است

۱۹۷۴. ۱۰

طنك حسكس اف مؤلف كتاب فرهنگ فسردهٔ رميں ساسى
وسى به فارسى در مقدمه مى نوسد «گسترش علوم و فنون در
چهار معاصر و ورود كمولورى حديد به ايران ضرورت تدوين
نامه‌ها و فرهنگهاى مختلف مى و حرفه‌اى را احاط مى كند»
در حاي ديگرى از مقدمه مى نوسد «واژه‌نامه‌هاى موجود
سجكونى بار امر و رى سب»

حسکس اف در طی افامس در انرا ن گر داوری واره های
مسی ساسی بر دا حه اسب و مس ار بسب هرا ر فیس بهه کرده
سب که همس فسها و فرهنگ دیگر ی که در سال ۱۹۷۲ در
مسکو حاب سده اسب و در ان واره های مهم کار بردی
مسی ساسی امده اسب اساس کار بدوس فرهنگ او بوده اسب.
اسار دای که مؤلف به مسکلاب بدوس ان فرهنگ دارد در حور
مل اسب او دسوار نهای کار را حسن طفه بندی می کند

(۱) متنوع بودن معادل‌های فارسی اصطلاحات فسی سگانه.

۱۲) سودن معادل برای برخی از واژه‌های فنی سگانه.

۳) گوناگونی رسم الخط و تنوع تلفظ واژه‌های فارسی
تحلیل اودر این مورد سنان اربضرب اودارد و هر سه عسی که
و در مورد اصطلاحات علمی فارسی برسمرده است بحاسب
محققان و واژه‌نگاران ایرانی سربنه این عیوب اساره کرده‌اند دو
عسب اول را تهیه‌کنندگان وارگان فرینک، وارگان برو، وارگان
سمی، وارگان معدن (هر چهار کتاب از اسسازاب مرکز
سرداسگاهی) در مقدمهٔ کتابهاسان با ذکر نمویه‌های محلف
- - ده‌داید

حسکس اف در مورد عیب اول، یعنی متنوع بودن معادلهای
روسی اصطلاحات بنگانه، نمونه ای می آورد در مقابل اوبارکا
(УВЯЗКА) که واژه ای روسی است معادلهای فارسی ربط دادن،
تضییق کردن، تطبیق کردن، مطابق کردن، همانند کردن،
نویسنسون، موافق کردن، کورلیس وجود دارد

و در مورد سود معادل برای برحی از واره‌های سگانه،

синонимика пластов, зона предупреждения. دهانی روسی

колювий, синклина и антиклина

در مورد گوناگونی رسم الخط و تنوع تلفظ واژه‌های فارسی.

(۱) تفاوت کاربرد اصطلاحات در مباحث جمع افکار محلی

ایران، و منال می آورد که آنجه در شمال ایران «سکو» و «گروه بی حونی» می نامند در جنوب به ترتیب «میدانچه» و «گروه سطحی» می گویند.

۲) تفاوت محل تحصیل معتمدان حسکس اف معتمد است که حوں اربان در کسورهای مختلف و با زبانهای گوناگون تحصیل می کنند، چه در کاربرد اصل واژه ها و چه در معادل گری برای اس واژه ها با یکدیگر، اختلاف نظر دارند

(۳) کراس و سلیقه‌های مختلف مؤلف می‌نویسد برخی بر حیح می‌دهند اصطلاحات را به صورت لاس آن به کار برند و برخی معادل فارسی آنها را استفاده می‌کنند و مثال می‌آورد که برخی واژه‌های لاس اسبی کلسال، سیککسال، و مامور فرم را به همین صورت استفاده می‌کنند و برخی دیگر بر حیح می‌دهند معادل‌های فارسی «ناقدس»، «ناودس» و «دگر کوسی» را به کار

ناری، آنچه حسکس اف و همکاران بنه کرده اند بسره
نک و ارگان می ماند تا نک واره نامۀ دورانه، بر او در مقابل برخی
از اصطلاحات فی روسی حد معادل فارسی راجع را ذکر کرده
است البته این امر هم طبعی است بر اصطلاحات فی فارسی
استاندارد (معار) سده است و هر فرهنگ نویسی ناگزیر از
آوردن همه معادلهای مرادف است مناسبانه در زبان فارسی
همین حد اصطلاح فرهنگ نگاری «فرهنگ»، «واره نامۀ»، و
«وارکان» بر استاندارد سده است غرض نگارندۀ این سطور از
«وارکان» مجموعه های از لعب سه وازگان، فربک و وازگان بری

مسیر سده از سونى مرکز سردا سگاهی است

فرهنگ فسرده زمین سیاسی روسی به فارسی از نظر حجم و صحت معادل‌های فارسی درخور تأمل است. این فرهنگ حدود ۱۵۰۰ اصطلاح دارد و منابع آن چنانکه مولف ذکر کرده است هم منابع کتبی بوده است و هم منابع شفاهی نگارنده توضیح می‌کند برای آنکه این فرهنگ به کار فارسی زبانان باید با استفاده از زبان فرهنگ روسی به انگلیسی معادل‌های انگلیسی به دست آید و این کارگان زمین سیاسی انگلیسی به فارسی نهفته شود.

در بابان نگارندهٔ اس سطور می خواهد تأثیر خود را نادیدن اس

تداول و تکرار آنها حیست سس ار انکه مواد لازم به اداره کافه فراهم سد به بررسیهای محلف فقه اللعوی، زباسباسی، تاریخی ادبی و ماسد اینها می بردارد. میلادر مورد سعدي حین عمل سد است.

انتدا کلمات سعدنی (تصحیح محمد علی فروغی، ج ۸، بهار ۱۳۶۹) را گرفته‌اند و ۱۰۱ غزل از آن را با توجه به غزل‌های سعدنی (حاج حبیب یغمایی، تهران، ۱۳۶۱) انتخاب کرده‌اند. این غزلها به حوزہ کمیوبر داده شده و حاصل کار به اس صورت در آمده است.

- فهرست عزلها که حاوی مضراع اول مطلع است،
- متن آوازی سده عزلهای نه خط لاس البته خطی که نه
می رود، علی الخصوص در مورد ضبط مضمونها، کاملاً اندکی
است مثلاً «الف» (همزه، ا) به صورتهای زیر ضبط شده است

ا، آ، ای، او، و «هـ» به صورت ه، هـ

- فرهنگ ناوارکان سامدی کلمات و اصطلاحات در حلوه
کلمه شماره‌هایی دیده می‌شود. شماره اول رقم بکرار کلمه
شان می‌دهد و شماره‌های بعد، هر دو رقم، سانه یک بار بکرار
است (عدد اول شماره عزل است و عدد دوم شماره است) و به این
ترتیب به اسامی می‌توان دریافت که در آن هزار سه مورد از
کلمه «الود» یک بار و کلمه «اگر» ۲۳۹ بار و «ه» ۴۹۱ بار به
رفته است و پس علیهذا:

- فهرست سامندی واره‌ها و ترکیبات که در آن حرف «ه»
 «ه» تا ۱۶۵۲ بار تکرار در حذر جدول قرار دارد، بعد از آن «ه»
 (۶۶۹ بار)، «ه» (۲۹۴ بار) جای دارد تا به کلمایی می‌رسد -
 فقط يك بار در ابواب ضبط شده‌اند؛

- فهرست الفبائی کلمات و ترکیبات بر حسب حرف اول
- فهرست الفبائی کلمات و ترکیبات بر حسب حرف آخر
و چند فهرست دیگر همراه با جدول، نمودار و فرمول،
بالآخره فهرست وارکائی حدائقه هر يك از عرلها

در واقع، کار گروه ریکاردو ریولی یک تحقیق علمی سودمند -
آمورده و راهگساست و امید می رود که در مورد همهٔ ساعیان -
نویسندگان معمول عام نابد و سایش نهایی آن هر چه رود در دسترس -
میسر گردد اما در عین حال از سان یک نکته می توان غفلت -
و آن این است که ضبط بعضی از کلمات و ترکیبها - که نه -
تعدادشان اندک است - بادرست می نماید. مثلا در حالی که در -
دوم با مطلع «ای زح حو آبه افر وحده/ الحذر از ا -
سوخته»، کلمات «حو آبه» به هم پیوسته آوازیسی شده -
(cunayena)، کلمه «الحذر» جدا از هم (al hazar) به ضبط -
است، و در غزل شماره ۱۵ «نیست» به صورت (mst) آوازی -
شده است!

فرهنگ اردو جنبه ابرار دارد. اول آنکه آنچه مؤلفان را واداسته است که این فرهنگ را تدوین کند فراهم آوردن کتابی است برای متخصصان روسی که می خواهند در ایران کارهای تحقیقی زمین سیاسی بکنند و بعد است تعداد آنان زیاد باشد. در حالی که شمار زمین‌سازان ایرانی به مراتب سیر است و انتظار می‌رود که در این زمینه در فاس با فرهنگ فوق کارهای بس عظیم بر سده باشد. و تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تاکنون يك وارگان ناقص، يك فرهنگ كم حجم و يك واره نامه (با حدود هزار واره) سها كاری است که در این زمینه سده است.

دیگر آنکه آنچه حسکس اف در مورد ناسامانی اصطلاحات علمی و فنی فارسی گفته است هنوز هم صادق است و اسبازد کردن واژه‌ها قاعدا بر عهده فرهنگستانهای زبان و ادب ماست. برنده دو فرهنگستان اول و دوم بسته شده است اما می‌توان امید داشت فرهنگستان سوم، یعنی فرهنگستان زبان و ادب ایران، به این مهم برآید؟

نظر اجمالی به

چند کتاب چاپ خارج

فرهنگ بسامدی و واژگانی سعدی

Setrag Manoukian - Riccardo Zipoli *Sa'di's Concordance and repertories of 1000 lines*, Venezia, Poligrafo, 1992, 347 p

سراگ مانوکیان - ریکاردو ریبولی سعدی فرهنگ سامندی و
واژگامی هزار بیت، و سر، پولیگرافو، ۱۹۹۲ (۱۳۷۱)، ص ۳۴۷

گروه ریکاردو ریولی تاکنون فرهنگ سامدی و وارگانی سس
ساعر نامدار و صاحب سبک ایرانی را تهیه کرده است. حافظ.
فعابی، طالب آملی، نظری بیسابوری، فرحی سیستانی و سعدی
که آخرین آنهاست و تارگی حاب و منتشر شده است.

روس کار این گروه چنین است که هر اربیت را اسعار و عمدتاً عرلاب - ساعر را از روی معبرترین نسخه حاشی انتخاب می کند و به کمک کمپیوتر حساب می کند که چه کلمات و اصطلاحات و ترکیباتی در آن ایجاب به کار رفته است و میزان

ضیافت در مشرق زمین

Rika Gyselen (sous la dir) *Banquets d'Orient*, Paris GECCMO (Cahiers Res Orientales n° IV), 1992, 150 p gravures

ضیافتهای ترمیمی (زیر نظر ریکا گیزلن)، پاریس، گروه تحقیق در تمدن خاورمیانه، ۱۳۷۱/۱۹۹۲، ۱۵۰ ص، رحلی، مصور

مطبعة خاورمیانه در طول زمان حاستگاه مذهبهای گوناگون بوده است و در تمام مذد «صاف» و «حوان» و «سفره»، چه به عنوان مدد و چه به صورت واقعی، حانگاه حاص در این مذهبها داسه است صاف، گاه سانه افروبی نعمت و گساده دسی ساهانه بوده است و گاه تحلی تصویری که ارمانده های اسمانی و بهسی - دهن سر وجود داسه است و به همین سب است که در خیرهای مسری رمس - ار گفهار تا بحسم - نفسی عمده ایفا کرده و - بی وسیع یافته است با وجود این باکون در این رمنه تحفصی - سسه و ناسسه که ناظر بر همه سؤون و حوانت باشد، انحام - در فیه است و مجموعه ای که به بارگی با عنوان صیافتهای سرفی - حان سده است ساند اولس کار حدی و دفعی است که در ان سزاری از حبه های صاف مورد بررسی قرار گرفته است

س مجموعه حاوی بارده تحفصی به زبانهای انگلیسی، فراسوی و آلمانی به شرح زیر است

- ضیافتهای صاف در ادیان حدلی س الیهرس (انگلیسی) / ج ال فاسسیوت (هلند)
- صیاف در هیر خاورمیانه ناسان (انگلیسی) / دومسک (انگلیسی)

- صیاف «کالج» که اسور قصر نال دوم، بادشاه اسور (فرس) / م داد (فراسوی) / آندره فیه (نلریک)

- صیاف آسوحوس اول در کوماحسا افرس بکم و م / حسی / هلموب والدما (آلمان)

- حسواره های بودایی رب النوع سرات و حمالبرداری سدهاری (انگلیسی) / ماربا کاریر (امریکا)

- نالار عداحوری در جیره فرمان در کناره بحرالمب - سونی / بولس دوسسل - ووب (فراسه)

- صیافتهای اعراب در ادیان و وارگان و در عمل - سسی / گرب یان فان گلدنر (هلند)

- «رم» ایرانی در منابع کهن فارسی (انگلیسی) / ملکنان سیری (فراسه)

- مانده های رمسی و مانده های عرفانی (فراسوی) / س سس تایلر (فراسه)

- موضوع صیاف در کاسکاری اسلامی (فراسوی) / م مونی براك (فراسه)

- صیاف در سر رمن «نوروسو» [هندوکس] (فراسوی)

آب فیه مون (فراسه)

عرض ار ذکر عنوان مقاله ها و رادگاه و زبان نویسندگان آنها سان دادن نمونه ای ار محتوای عی و مسوع کتاب است در واقع این کتاب حاصل کار کسانی است که در نقاط مختلف در مورد حگو بگی مهمانی دادن، برم بر ما کردن و حوان گسردن و گردهم آمدن در منطقه خاورمیانه تحفصی می کسد و طبعاً سسه های مختلف علوم را ار ناسان سیاسی و زبان سیاسی و تاریخ گرفته با بحوم و هشت و مردم سیاسی، برای تنس موضوعات مورد مطالعه به کار می کسرد

روایت مستند و مصور «انقلاب دوم»

Nouchine Yavari - d'Hellencourt *Levolages americains a Teheran*, Paris, La documentation Française, 1992, 128 p, illustr

نوشین یاور - دلکور گروگانهای امریکایی در بهران، پاریس، انتشارات اساد فراسون، ۱۹۹۲ (۱۳۷۱)، ۱۲۸ ص مصور

در زبان ظاهری ته داسحوان «سرو خط امام» در روز سردهم انان ۱۳۵۸ غلبه امریکا بر ما کردند، به سفارت این کسور در بهران ریحسد و انچارا به قصر در آوردند اسعال سفارت در سب ۲۲۴ روز طول کسند و سراحام با سلیم دولت کاریر زبان یافت و ویده ان ظاهرا ناکانی سد اما حه حرموحت بروراس حاذبه - که در تاریخ نظر ندارد - سد؟ حگو به شکل کرف؟ در طول مدت يك سال و حند ماه ته ۵۲ امریکایی در گروگان داسحوان بودند حه بحولایی روی داد دولت کاریر و مردم امریکا حه واکسی سست به ان فیه سان دادند؟ و رفهار مردم ایران حگو به بود و دهها سوال دیگر

کتاب حاصر ته بر نانه بررسی احبار مطبوعات فارسی، فراسوی و امریکایی ان زمان فراهم آمده است برحی از اس سزالها را مطرح می کسد تاریخچه روابط امریکا با ایران ار کودنای ۱۳۳۲ به بعد، واسکی روزافرون دولت ساه به امریکا، سرتوب مردم و حفر سمردن احساسات مذهبی انان، او حگری احساسات مذهبی و فعالسهای دسی، واقعاً قصر سفارت و انار ناسی از ان، حمله نظامی عراق به ایران و روس سدن اس حک منان دو سسور، سودحو سهای سلعایی و نظامی و اقتصادی امریکا ار گروگان گیری، و کسوده سدن کره

مطالب کتاب همراه با تصویرهای فراوان است، اسات با نفی حیری سست، بلکه يك واقعاً عمده تاریخ معاصر جهان را به گونه ای مسسد و مقصور روایت می کسد و در واقع يك تذکر تاریخی احتمالی است که هیچ کتابخانه ای بی بیار از ان سست اراد بر وحردی

کلیات

● فهرست، کتابشناسی

۱) باره‌های کتاب ش ۱ ادر ۷۱ تهران کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران- می‌کر خدمات عمومی ۱۳۷۱ ۱۲۵ ص فهرست راهما مرکز خدمات عمومی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران قصد دارد از این سن فهرست کتابهای جدیدی را که به محزون کتابهای عربی و فارسی این ارسال می‌شود هر ماه منتشر نماید گفتی است که تمام باسراان ایرانی موظفند حدیث سحه از کتابهای خود را به وزارت ارصاد بفرستند که از آن بعداد دو سحه به کتابخانه ملی ارسال می‌شود از این رو اسرار فهرست حاضر گام اساسی و معینی در جهت اطلاع‌رسانی و روشن ساختن وضع حاب و سر در ایران می‌باشد در این فهرست کتابها بر حسب الفبای عنوان کتاب تنظیم شده و شماره زده‌های کنگره و دیوبی و شماره سفارس بر که غالب کتابها ذکر شده است فهرست همجنس دارای نمائۀ موضوع، اسخاص، موسسات، و باسراان است شماره دوم این فهرست بر امر بوط به کتابهای دی ماه ۱۳۷۱) مسسر سده است امیدواریم اسرار فهرست حاضر بی‌هج اقطاعی بداوم یابد

۲) جهان‌پناه، سمین دخت فهرست تحلیلی کتابها و اسناد امورتی بوسکو و موسسات بین‌المللی وابسته در دهه ۱۸۰ (۱۹۸۱-۱۹۹۰) تهران کمیسیون ملی بوسکو در ایران ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] بورده + ۴۲۰ ص ۳۰۰ ریال

سامل مسحصات کانساحی و حکنده موضوعی ۲۴۰ عنوان کتاب و سند از اسرار بوسکو و سازمانهای وابسته آن (مانند «موسسه امورتی بوسکو» (U.I.P)، «موسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی امورتی» (I.P.I)، «دفتر بین‌المللی امورتی» (I.B.I)، و غیره) است

۳) رادفر، ابوالقاسم کتابشناسی نظامی گنجوی تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (بزهشگاه) ۱۳۷۱ چهارده + ۶۰۷ ص فهرست راهما ۳۰۰ ریال

این کتابشناسی در بردارنده مسحصات بسیاری از نسخ خطی و حابی از نظامی گنجوی و سر مقالات و کتابها و باان نامه‌هایی است که درباره نظامی نگاشته شده است بخشی از کتاب سر به مسحصات اناری به زبانهای المانی، انگلیسی، اسپانیایی، باحکی، برکی، روسی و فرانسه اخصاص دارد که درباره این مسحصات نگاشته شده است

۴) سلطانی، بوری (و) رضا اقتدار راهمان محله‌های ایران، ۱۳۷۰ تهران کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۱ بیست و دو + ۲۴۷ ص فهرست راهما ۲۲۰۰ ریال

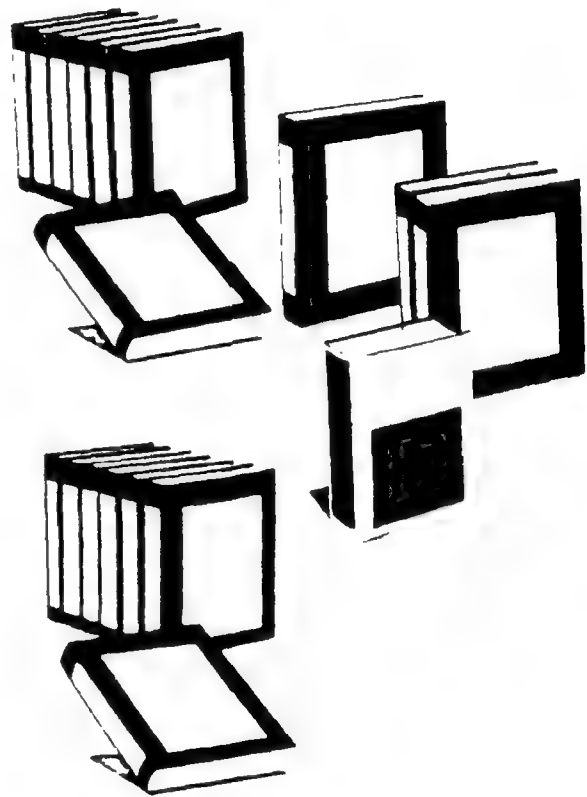
سامل مسحصات ۴۲۲ عنوان محله‌ان است که به زبان فارسی با زبانهای دیگر در سال ۱۳۷ در ایران مسسر سده است در مورد هر محله مسحصات از قبل بوع محله، تاریخ اسرار اولین شماره، فاصله اسرار، صاحب اسرار، سر دسر یا مدیر مسوؤل، بهای استراک، زبان، واسگی، سابی، بلق، سرار و شماره استاندارد بین‌المللی سریات ادواری (ISN) ذکر شده است گفتی است که کتابشناسی حاضر بیس از بیست سال است که بهرینا به طور مرتب مسسر می‌شود

۵) فاضل، محمود فهرست سحه‌های خطی کتابخانه جامع گوه‌رصاد مشهد ح ۴ مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۴۳۲ ص [از ص ۱۸۴۳ تا ۱۲۲۷۵] نمونۀ سحه فهرست راهما

سامل مسحصات ۳۹۹ سحه خطی از نسخ موجود در کتابخانه گوه‌رصاد مشهد است علاوه بر مسحصات سحه‌سابی، توضیحاتی بر درباره محتوای هر کتاب ذکر شده است گفتی است که سه جلد بیس این مجموعه به هب اولیای اداره کل حج و اوقاف و امور حربه مشهد مسسر سده است کتابخانه گوه‌رصاد در سال ۱۳۳۲ هـ س به هب مرحوم حاج سید سعد طباطبائی نانی تأسیس شده است

۶) فهرست اسناد قدیمی وزارت امور خارجه دوران قاجاریه

کتابهای تازه



امید طبیب‌زاده

فرار است از این پس از چهار شماره فرهنگ که در سال اسرار می‌باشد
شماره نه یکی از چهار موضوع ادبیات، ریاضیاتی، علوم اجتماعی و فلسفه
حقیقتی باید این نخستین شماره فرهنگ فلسفی است که نه مکتب
مدرسه‌ریزی اختصاص دارد تربیت مقاله‌های کتاب نه گونه‌ای است که
خود را بنام فلسفه و ادبیات و علوم و ریاضیات و مکتب‌ها بنماید؛ و هر چه

کتاب حاضر به بحث دربارهٔ نهج البلاغه اختصاص دارد
(۲۰) حرم دل، مصطفیٰ [مترجم] تفسیر نور تهران اشواری نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم] بی تا [توریع ۱۷۱ | ۷۵۳ ص ۱۲۰۰۰ ریال
کتاب حاضر ترجمه‌ای است از تفسیری با عنوان المنهج (مقرر، انجمن قرآن و سنت)، به اضافهٔ تفسیر دیگری که مترجم خود از مآخذ دیگر به متن افزوده است. معنی هر آیه، معنی واژه‌های مشکل، و توضیح معنی از نکات تفسیری و نحوی آن از جمله و ترکیبهای شتاب است. گفتمانی است که عکس متن هر صفحهٔ قرآن در بالای صفحات کتاب حاضر آمده و معنی آیات آن در زیر صفحه به سینه شده است.

(۲۱) دوانی، علی، علما و مردان نامی موسیقی و هنرگوین، نا اشاره به سابقهٔ اسلام در آن سرزمین اسلامی قم انصاریان [۱۳۷۱] ۷۲ ص ۵۰۰ ریال

(۲۲) عطاوان، حسن، مرقه‌های اسلامی در سرزمین شام در عصر اموی ترجمهٔ حمیدرضا شیحی مشهد استان قدس رضوی [۱۳۷۱] ۲۳۲ ص فهرست راهما ۲۴۰۰ ریال

تجسمی است تلامی، تاریخی دربارهٔ اراء و مواضع سیاسی مرقه‌های اسلامی که در ورکار امویان در شام می، سینه‌اند مرقهٔ قدریه، اراء، عقاید این مرقه، نظریات، هنر آن علای دمیسی، مرقهٔ حیریه، بحث، نارهٔ ارای رهبران حدیث درهم و شرح مبارزات آنها با امامان، شرح صحابه و تابعین و امویانی که در شام می‌رسیده‌اند و در سلاک عتاد، نهاد بوده‌اند و بالاخره شرح نظرات امویان دربارهٔ خلافت و لایعهدهی از جمله موصوعات شتاب حاضر است.

(۲۳) مهم کرمانی، مرتضی رن و پیام‌آوری تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی [۱۳۷۱] ۲۴۳ ص ۱۵۰۰ ریال

«رن و سامری» نظر ثبت اسمانی (نوراب و انجیل) «رن و سامری» از نظر قرآن، «استدلال مخالفین به روایت»، «استفاده از دلیل قوی»، «احماج قعها»، و «اصل عدم حواره»، عنوان بخشهایی از شتاب است.

(۲۴) فویوی، صدرالدین کتاب الفکوک با کلیل اسرار مقصوص الحکم مقدمه و تصحیح و ترجمهٔ محمد جوادوی تهران مولی [۱۳۷۱] همداد و دو ۳۳۰ ص فهرست راهما ۶۵۰۰ ریال

کتاب فکوک بحسین شابی است به صدرالدین فویوی (۶۷۳) در حل مشکلات و مهم اسرار، شتاب مقصوص الحکم شرح اثر بائف ثروده است این شتاب را فلک الحیوم می‌نامند.

(۲۵) کمونهٔ حسینی، عبدالرزاق ارامگاههای حادان پاک پیامبر(ص) و بزرگان صحابه و تابعین ترجمهٔ عبدالعلی صاحبی مشهد استان قدس رضوی [۱۳۷۱] ۳۶۶ ص ۲۲۰۰ ریال

شتاب حاضر شامل شرح اوار نههای سعاد و محل سهادت حادان سامبر و بر محل دفن و ارامگاههای فرزندان و صحابهٔ سامبر است. مطالب شتاب به برست القای نام سهرها و روشها تنظیم شده است.

(۲۶) محدث سوشیری، علی اکبر سوارهٔ درختان سوسر قم قناب [۱۳۷۱] ۱۳۰ ص ۱۸۰۰ ریال

کتاب حاضر به شرح احوال و اثار و افکار علامه حاج سح محمدتقی سوسری، صاحب قاموس الرجال و نهج القاصه اختصاص دارد.

(۲۷) مصطفوی، حسن تفسیر روشن بانیان فاطع در تفسیر، لغاب، و حقایق ح ۱ سورهٔ فاتحهٔ الکتاب و سورهٔ نقره تا آیه ۸۸ تهران سروش [۱۳۷۱] [توریع ۱۷۲] بیست و دو ۴۰۲ ص ۲۶۰۰ ریال

(۲۸) حبیبی بن عدی بن حمید بن رکرنا بهدب الاخلاق با مقدمه و تصحیح و ترجمه و تعلیق سیدمحمد دامادی تهران مؤسسهٔ مطالعات و تحمیفات فرهنگی (پژوهشگاه) [۱۳۷۱] [توریع ۱۷۲] ج ۲ تا تحدید نظر بیست و هشت ۱۰۶ ص فهرست راهما ۸۰۰ ریال

● ادیان دیگر و اسطوره‌ها

(۲۹) ایمن بودا و سنت بیچی رن سوشو ترجمهٔ فومیکو یاماناکا [تهران] ناشر مترجم [۱۳۷۱] ۲۶۷ ص ۱۵۰۰ ریال

هدف کتاب حاضر شرح ایمن بودا بر اساس اهر رسهای بودایی سحی دن دانشویس است و طاهرا بحسین کتاب حامعی است که در آن رمنه به فارسی ترجمه شده است. مترجم کتاب رایی است و ترجمهٔ خوبی از کتاب به دست داده است، با این حال لازم بود ویراستاری بر کتاب را ویراست می‌کرد.

(۳۰) دانو راهی برای تفکر، دانوده‌جینگ ترجمهٔ ع یاشانی تهران چشمه [۱۳۷۱] ۶۳۸ ص فهرست راهما ۶۰۰۰ ریال

من کهسبال و معروف دانوئی دانوده‌جینگ، اثری فلسفی و ادبی است به دست کم به ۲۳ سال پس مربوط می‌شود. کتاب حاضر دارای مقدمه، دیباچهٔ مفصلی در معرفی منای فرهنگی، تاریخی این اثر است. من دانوده جینگ فلا نیز به فارسی ترجمه شده است (ترجمهٔ هر مرزراحی (و) هراد برکت، تهران سر نو، ۱۳۶۳).

(۳۱) کوبری، سوران اناهشتا در اسطوره‌های ایرانی تهران جمال الحق [۱۳۷۲] ۱۴۲ ص مقصور ۱۵۰۰ ریال

ماهبت اسطوره، ماه‌های استان بحسین، دربارهٔ مادر، حادان، حور، گسرس این ماهندی در سده‌های توانون، ناورهای سن، سسی، برستگاههای ماهدا حملهٔ موموعات شتاب حاضر است.

● فلسفهٔ عرب

(۳۲) استنسن، وت، کرده‌ای از مقالات استنسن ترجمهٔ عبدالحسن ادریک تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی [۱۳۷۱] [توریع ۱۷۲] ۱۷۷ ص ۹۵۰ ریال

شامل ۱ مقاله از ۱۶ مقالهٔ شتاب استان بر حدیث است. اثر استنسن فیلسوف صاحب‌نام و معاصر انگلیسی (مولد ۱۸۸۶) است. راس فیلسوف سن از این شتاب فلسفهٔ فکلی (ترجمهٔ ساد، وان حمید عنایت تهران، حبیبی، ۱۳۲۷)، حرفان، فلسفه (ترجمهٔ نهاده‌الدین حرمساهی، تهران مرزراحی، مطالعهٔ فرهنگها، سروس، ۱۳۵۸) منتشر شده است.

(۳۳) دکارت، رنه اصول فلسفه ترجمهٔ مویهر صناعی تهران انتشارات سن الملی (الهدی) [۱۳۷۱] ۴۶ ص وازه‌نامه ۹۰۰ ریال

(۳۴) رایسنساح، هانس سدادس فلسفهٔ علمی ترجمهٔ موسی اکرمی تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی [۱۳۷۱] ۳۸۰ ص فهرست راهما ۲۷۰۰ ریال

کتاب حاضر یکی از آثار ترجمهٔ هانس رایسنساح، فیلسوف معاصر آلمانی (۱۹۵۳-۱۸۹۱)، بر یکی از آثار کلاسیک فلسفه علم است. رایسنساح این شتاب را دو سال پس از مرگش به ابناء رسانید و از این رو عده‌ای آن را رنده رندگاهها و اندیشه‌های وی دربارهٔ فلسفهٔ نظری سسی و فلسفهٔ علمی موس می‌دانند. کتاب حاضر از روی حات باردهم آن (۱۹۶۴) ترجمه شده است. به اعتقاد رایسنساح فلسفهٔ سسی با طرح مسائل ثابت نه از نظر علوم حدید باسحی برای آنها وجود ندارد، نه پس سبب رسیده است و لذا فلسفه حدیدی باید بر منای دست‌آوردهای علمی بدون کردد.

(۳۵) سیکلر، ویلیام ا درامدی بر فلسفه ترجمهٔ گل ناسعیدی تهران هیرمد [۱۳۷۱] ۱۵۳ ص ۱۲۵۰ ریال

کتاب حاضر برای کسانی نگاشته شده است که خواهان به دست آوردن اطلاعاتی مقدمانی دربارهٔ فلسفه و دیدگاههای فلسفی توانون هستند.

سیاست

(۳۶) بهلوی، محمدرضا پاسخ به تاریخ ترجمهٔ حسین انوریان تهران ناشر مترجم [۱۳۷۱] ۴۶۰ ص ۴۰۰۰ ریال

این کتاب ابتدا در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به زبان فرانسه در پاریس منتشر شد و سپس در سال ۱۹۸۰ ترجمهٔ انگلیسی آن به اضافهٔ فصلی ترجمه‌ای د انگلیسیان و امریکا منتشر شد. حات اخیر خاطرات شاه را تا اردیبهشت ۱۳۵۹ (سفرش به امریکا و با ناما و مقصر) یعنی تا سه ماه پس از مرگ وی در بر دارد. کتاب حاضر از روی حات انگلیسی آن به فارسی ترجمه شده است. شاه در این کتاب قدرتهای خارجی، مخصوصاً امریکا و انگلیس، را مسؤول سرنگوی حکومتش قلمداد کرده است. از کتاب حاضر فلا ترجمهٔ دیگری به فارسی

نیو یورک گرفته که در امریکا منتشر شد و سحجه‌هایی از آن نیز به ایران آمد
مرحله در مقدمه‌ای که به کتاب افزوده است به نکات بسیاری درباره ترجمه
کتاب امریکا، مجمله بحریف و سانسور بعضی از مطالب کتاب، اشاره کرده

۳۷) بیل، جیمز عقاب و شیر: تراژدی روابط ایران و امریکا ترجمه
مهوس غلامی ج ۱ تهران کونه (و) شهر آشوب ۱۳۷۱ ۴۱۶ص
«این ترجمه روابط امریکا و ایران»، «ایران و امریکا: سانسور واکس امریکا و
سبب نفی و مداخله امریکا در سال ۱۹۵۳»، «سانسور واکس امریکا و
سبب محالفت از سوی بهلولی»، «میان برده اصلاحات خان اف کندی و
برای ۱۹۶۱-۶۳»، «ایران، امریکا، و سروری روس سرکوب
۱۹۷۷-۱۹۷۹»، «ایران و انقلاب ایران، ۱۹۷۷-۱۹۷۹»، «جمهوری اسلامی
ایران، قطع روابط و اقدام برای تجدید آن»، عنوان فصلهایی از کتاب است
که حاضر ترجمه دیگری بر روی یک مجلد منتشر شده است که مسجعیات
می‌آورند. سرور عقاب، روابط بدفرحام ایران و امریکا، ترجمه فروزنده
برای ۱۳۷۱، ۶۲۴ص، مقصور، فهرست راهما، ۵۰۰ ریال

۳۸) راسلاوسکایا، تاتینا دژمین انقلاب سوسیالیستی: استراتژی
به ترجمه مصطفی دلشاد تهرانی تهران سازمان چاپ و انتشارات
بازار فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۱ ۳۴۳ص ۱۶۰۰ریال
سیده، که این کتاب را پیش از ۱۹۹۰ به اتمام رسانده، بر روی امریکا
۱۹۸۰ در سروری را دژمین و فاطمین تلاش برای بازگرداندن جامعه
سروری به حاده توسعه سوسیالیستی می‌داند و با این دید بر روی و چهارار
جبهه‌های گوناگون بررسی کرده است کتاب با مجموعه‌ای درباره مسائل
۱۹۸۹ پایان یافته است.

۳۹) سمعی، احمد، طلوع و غروب دولت موقت تهران تشاویر ۱۳۷۱
۲۶۲ص فهرست راهما، ۱۷۰۰ ریال

۴۰) حاضر را می‌توان رورسمار وفاپی دانست که از رور شروع کار
دولت موقت مهندس مهدی بارزگان (در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷) با پایان کار این
دولت (در ۱۴ آبان ۱۳۵۸) در ایران اتفاق افتاد مولف ابتدا اخبار رورانه خرابد
و رادیوهارا نقل کرده است و سپس در مواردی به مفصل و شرح اخبار پرداخته

۴۱) سیدی، مهدی بیمی ر ترکستان، بیمی ر فرغانه، گامی در
سیاسی ترکستان، تاحکسان واریکستان مشهد کتابستان مشهد-
همکاری نشر صمیم ۱۳۷۱ ۲۹۹ص نقشه

۴۲) حاضر تلاسی است برای بررسی سبیه و مسرکات تاریخی و
و هنکی به جمهوری ترکمنستان، تاحکسان واریکسان با ایران مخصوصاً
بعد اسلام

۴۳) طرسان، نفی جنگ در بالکان: تسویه حساب عرب با اسلام: احداث
مظلومیت مسلمانان یوسی و هرزگوین) با مقدمه علی اکبر ولایتی تهران
اطلاعات ۱۳۷۱ (تورج ۷۲) ۱۴۷ص مقصور (دو صفحه شمارا
۲۴۰ ریال

۴۴) علم، مصطفی نفت، قدرت و اصول، ملی شدن نفت ایران و
پیامدهای آن ترجمه علامحسین صالحیار تهران اطلاعات ۱۳۷۱
۲۰۰ ریال ۷۲ص مقصور فهرست راهما ۳۵۰۰ ریال

۴۵) سیده کتاب معقد است که کودنای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در درآمدت به
ایران تمام شد زیرا انقلاب اسلامی ایران، حکم تحمیلی ۸ ساله با
و وحی تصرف کویت توسط عراق، همه و همه به نوعی از پیامدهای این
دولت امریکایی-انگلیسی می‌باشد ناصر ایرانی این کتاب را مفصلاً در
سرور (س ۱۲، س ۶، مهر و آبان ۱۳۷۱، ص ۳۷-۲۴) بعد معرفی کرده

۴۶) کاتم، ریچارد ناسیونالیسم در ایران ترجمه احمد تدین با مقدمه
حاته قادری تهران کویر ۱۳۷۱، چهل و دو + ۴۵۷ص ۳۸۰۰ ریال
مولف در این کتاب رویدادهای تاریخی معاصر ایران را بر اساس

گرایشهای ناسیونالیستی ایرانیان مطالعه کرده و به روابط علی مسائل
پرداخته مؤلف کتاب حاضر در سالهای ۵۸-۱۹۵۶ به عنوان کارمند ارتش
سفارت ایالات متحده امریکا در ایران کار می‌کرد و این کتاب را در سال
۱۹۶۴ نگاشت و در سال ۱۹۷۹ بر فصل جدیدی با عنوان «نابرده سال بعد»
بدان افزود در این کتاب ترجمه دیگری بر روی همان با ترجمه فوی به
ناراز آمده است ترجمه فرسسه سرلک، تهران، نشر گنگار، ۱۳۷۱ (تورج ۷۲)،
۵۱۸ص، فهرست راهما، ۴۱۰۰ ریال گفسی است که ترجمه اخیر دارای
گفتاری از ریچارد کاتم (مؤلف کتاب) است که درباره ترجمه فارسی آن می‌باشد
(۴۴) کندی، پال طهور و سقوط قدرتهای بزرگ ترجمه محمد
قاندشرقی (و) ناصر موفقیان (و) اکبر تبریزی ویراسته میرحسین برشار
تهران انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۷۱ ۱۰۶۸ص جدول
فهرست راهما ۷۰۰۰ ریال

کتابی بروهنی است در زمینه تاریخ امور بین المللی و نظامی که در سال
۱۹۸۸ در امریکا منتشر شد و با اسفند بسیاری در سراسر جهان، در دست
و پیسته به این مسائل پرداخته است که موقعیت نظامی و سیاسی ملیتهای
سراحد چه در ورکار انقلاب و چه در زمان اف، با چه حد به تا این اقتصادی
اینها وابسته است. دکتر ۱ به سرورست نهایی احداثهای بزرگ جنگی در
تدیس از برد هاسورک-والوا گرفته با جنگ جهانی دوم، با چه اندازه به
منابع مولدی که هر طرف وابسته است به ترجمه مایه وارد کند سبکی دانسه
است؟ ظاهراً این کتاب فلاد در سه مجلد مجرا بر در ایران و توسط همس باسر
منتشر شده است

۴۵) لاینگ، مارگارت مصاحبه با شهاده ترجمه اردشیر روسگر تهران
البر ۱۳۷۱ ج ۲ سی و یک + ۳۲۶ص مقصور ۳۵۰۰ ریال

اقتصاد، مدیریت، بازرگانی

۴۶) بهرگی (برجی)، محمدرضا مدیریت امورش و امورشگاهی:
کاربرد نظریه‌های مدیریت در برنامه‌ریزی و نظارت بی‌جا ناشر مؤلف
۱۳۷۱ ۳۲۷ص مقصور جدول نمودار ۲۵۰۰ ریال

۴۷) حورشیدی، علامحسین اقتصاد سحی به زبان ساده و ریاضی
تهران مرکز تحقیقات و مطالعات راه و برابری ج ۱ ۱۳۱ص نمودار
۴۸) عادلی، سید محمدحسین شرح ارز و اصلاحات اقتصادی تهران
مؤسسه تحقیقات بولی و بانکی وابسته به بانک مرکزی جمهوری اسلامی
ایران ۱۳۷۱ ۱۶۴ص جدول نمودار

۴۹) فرانکل، حورف نظریه معاصر روابط بین الملل ترجمه وحید
بررگی تهران اطلاعات ۱۳۷۱ ۱۷۹ص ۱۳۰۰ ریال
۵۰) فرحادی، علامعلی درآمدی بر نظریه‌های رشد و توسعه اقتصادی
تهران البر ۱۳۷۰ (تورج ۷۱) ۱۶۴ص جدول نمودار واژه‌نامه ۱۵۰۰
ریال

۵۱) گران، ل حسابداری بازرگانی ترجمه محمدعلی یردان بخش
تهران گوترگ ۱۳۷۱ (تورج ۷۲) ۲۳۷ص ۳۸۰۰ ریال
۵۲) اصبحاری، عبدالرضا رک الدین (و) دیگران اقتصاد ایران تهران
مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی- از سری انتشارات بررسی
مسائل کشورها- شماره (۹) ۱۳۷۱ ۹۶۷ص جدول نمودار ۷۵۰۰
ریال

جامعه‌شناسی

۵۳) اتسلدر، پتر روشهای تحری تحقیق اجتماعی ترجمه نیژ
کاتمراده مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۳۶۰ص ۲۲۰۰ ریال
۵۴) اسدی، علی افکار عمومی و ارتباطات تهران سروش ۱۳۷۱
۲۴۴ص ۱۳۰۰ ریال

۵۵) به‌دیکت، روت زاپها دارد می‌اید (الگوهای فرهنگ زاپی)
ترجمه حسین افشین‌مش تهران امیرکبیر ۱۳۷۱ (تورج ۷۲) ۳۱۵ص
۱۸۰۰ ریال

مؤلف کتاب (۱۹۲۹-۱۸۸۷) از مردمناسان برجسته آمریکایی است که مطالعات گسترده‌ای دربارهٔ راس در اسای جنگ جهانی دوم دارد. کتاب حاضر نیز در اسای جنگ آمریکا با راس به رشته تحریر درآمده و حاوی ملاحظات وی و نیز مضامین هایش با سربازان اسیر و محروم راسی و راسان معیم آمریکاست. مؤلف در این کتاب، که ظاهراً آن را به سفارت ادارهٔ اطلاعات جنگ آمریکا نگاشته است، کوشیده است ریشهٔ بسیاری از ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی راسها را استخراج سازد. عنوان اصلی کتاب گل داوودی و سمسیر - الگوهای فرهنگ راسی است.

۵۶) پاپلی پردی، محمدحسین کوچ شیبی در شمال خراسان ترجمهٔ اصغر کریمی مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۶۳۸ص. مصور جدول نمودار نقشه فهرست راهما ۲۶۰۰ ریال

کتاب حاضر رسالهٔ دکترای مؤلف آن است برای دورهٔ دکترای دولتی فرانسه در رشتهٔ جغرافیا «محیط طبیعی»، «اسانها و مکانهای اقامتستان»، «مسحقات محله‌های کوح سیان»، «کوح سیمی، بیه کوح سیمی، وسایل حمل و نقل»، «فعالتهای اقتصادی»، «اسکان»، عنوان بخشهایی از کتاب است. کتاب حاضر از معبر برین و کاملترس اناری است که با کون در این زمینه مسر سده است.

۵۷) شریعت‌زاده، سیدعلی اصغر فرهنگ مردم شاهرود بی‌جا ناشر مؤلف ۱۳۷۱ ۵۶۲ص مصور ۷۳۰۰ ریال

۵۸) شیرازی، حبیب‌الله ابوالحسن ملیتهای آسیای میانه بهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۷۰ [توزیع ۱۷۲] هشت + ۳۶۰ص ۱۵۰۰ ریال

۵۹) عدلی کلوری، علی نظری به جامعهٔ عشایری نالش تهران اطلاعات ۱۳۷۱ ۱۷۵ص جدول نقشه مصور واژه‌نامه ۱۳۰۰ ریال «هوب اوله»، «ربان»، «مذهب»، «هوب ابلی»، «مسحقات قومی»، «ساحار اجتماعی»، «نام ایل، بیره و طایفه‌ها»، «سازگاری اقلیمی»، «رندگی اقتصادی»، «مسکن»، «خانواده»، «فرهنگ»، «حید همسری»، «خوراک»، «بوساک»، «صنایع»، عنوان بخشهایی از کتاب است.

۶۰) همانوی، صادق فرهنگ مردم سروسنان مشهد شرکت به بشر- انتشارات اسنان قدس رضوی ۱۳۷۱ ج ۲ با تجدید نظر و اصلاحات ۶۳۸ص مصور جدول واژه‌نامه فهرست راهما ۳۴۵۰ ریال

سروسنان بخشی است در ۹۲ کیلومتری مسرق سمرقند و کتاب حاضر شرح کامل آن منطقه است. وضع جغرافیایی، تاریخ، مساعل اهالی و ادب و رسوم و صنایع محلی و امور اقتصادی و روستاهای کشاورزی، عقاید و خرافات، و اسعار و برانه‌ها و افسانه‌ها، از موضوعات کتاب حاضر است.

۶۱) یاما موتو چوبه تومو رسم و راه سامورایی- آیین نامهٔ سلحشوران ژاپن (هاگا کوره) ترجمهٔ هاشم رحب‌زاده مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۱۹۲ص ۱۱۰۰ ریال

روانشناسی

۶۲) اریان‌فر، اعظم آموزش کودکان عقب‌ماندهٔ ذهنی (طرحی برای دورهٔ قبل از دبستان) تهران اطلاعات ۱۳۷۲ ۱۱۰ص + تصاویر ابدون صفحه‌شمار ۱۱۰۰ ریال

۶۳) البورت، گوردن دلیو (و) ادوارد ای خوبر روانشناسی اجتماعی از اغارتا کون ترجمهٔ محمدتقی مشتی طوسی مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۳۲۴ص فهرست راهما. واژه‌نامه ۲۳۰۰ ریال

۶۴) ساراسون، ایروین جی (و) باربارا آر ساراسون روانشناسی مرضی، ترجمهٔ بهمن بجاریان (و) محمدعلی اصغری مقدم (و) محسن دهقانی تهران رشد ۶۳۰ص مصور. نمودار جدول ۵۵۰۰ ریال

۶۵) ساویج، آر دی (و) ال ایوان (و) جی اف ساویج روانشناسی و ارتباط در کودکان ناشنوا ترجمهٔ شرمین خرائلی مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۳۹۴ص مصور جدول نمودار ۲۸۰۰ ریال

۶۶) قشلاقی، محمد روانشناسی رشد در دورهٔ نوجوانی اصفهان

مولانا، ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۱۳۹ص. ۱۲۰۰ ریال

۶۷) کارسن، بل ما بچه‌های شیطان و بی‌قرار چه کار کنیم؟ ترجمهٔ هنگامهٔ شهریار تهران مینا ۱۳۷۱ ۱۷۶ص جدول ۱۳۰۰ ریال

۶۸) کرم، ل. نقاشی کودکان، کاربرد تست ترسیم خانواده در کلیسک ترجمهٔ دادستان (و) مصور. [تهران] [آزرف] ۱۳۷۱ ز + ۳۴۷ص مصور ۲۶۰۰ ریال

۶۹) کورد، مایکل قدرت: چگونه آن را به دست آوریم و چگونه از آن استفاده کنیم ترجمهٔ قاسم کبیری تهران ققنوس ۱۳۷۲ ۳۸۱ص ۲۸۰۰ ریال

۷۰) موروا، آندره هر رندگی کردن ترجمهٔ اسماعیل اسعدی تهران اقبال ۲۶۸ص ۱۴۰۰ ریال

آموزش و پرورش

۷۱) دوست محمدی، علامرضا کار دبستان تهران صفی‌علیشاه ۱۳۷۱ ۱۸۷ص ۱۲۵۰ ریال

۷۲) شعبانی، حسن مهارتهای آموزشی و پرورشی (روتنها و فنون تدریس) تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۱ شماره ۴۳۲ + ۲۲۰۰ ریال

در این کتاب ابتدا مفاهیم یادگیری، ارباط و تدریس، معرف و تحلیل سده است، و سپس مهارتهای آموزشی در سه بخش زیر به دنبال آمده است «مهارتهای آموزشی پیش از تدریس»، «مهارتهای آموزشی ضمن تدریس» «مهارتهای آموزشی بعد از تدریس»

۷۳) گینات، هایم روابط معلم و دانش‌آموز ترجمهٔ سیاوش سربیی تهران فاحته ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ۳۲۱ص

مؤلف سیوه‌های گوناگون بر خورد با مسائل روانی و مشکلات روانی-مرتبط به مدرسه را به معلمها و نیز والدین بیان داده است.

۷۴) مازروت، گیسلی راهمای تربیت رفتاری بالینی ترجمهٔ پرچهره به‌کش مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۳۱۴ص نمودار واژه‌نامه ۱۵۰۰ ریال

نویسنده کوشیده است که با نیکه به الگوهای رفتاری و بالینی به سوالاتی چون سوالات زیر پاسخ دهد چگونه هدفهای تربیتی را اسباب کنیم؟ برای دستیابی به این هدفها چه روشی باید به کار گیریم؟ چگونه فرد را قبل از مداخله رفتاری و در طی آن ارزیابی کنیم؟ چگونه می‌توانیم بسترهایی به دست آمده را پس از اتمام روش به محیطهای دیگری که فرد در آن زندگی می‌کند تعمیم دهیم. حفظ سیم

۷۵) هلك، ژاك سرمایه‌گذاری برای آیندهٔ آموزش و پرورش ترجمهٔ عبدالحسین نمینی تهران وزارت آموزش و پرورش-سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی مدرسه ۱۳۷۱ ۴۰۰ص جدول نمودار واژه‌نامه ۱۶۰۰ ریال

کتاب حاضر خطبات به سیاستمداران کشورهای در حال توسعه، نویره و برای اقتصاد و دارایی و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش، دست‌اندرکاران مسئول ادارهٔ آموزش و پرورش، و جامعهٔ کمک‌دهندگان به آموزش و پرورش نگاشته شده است. در این کتاب دربارهٔ عوامل کلیدی آموزش و توسعه در کشورهای در حال توسعه بحث شده است.

زبان و زبان‌شناسی

۷۶) احدی‌بیا، ناصر روش نوین خودآموز ترکی استانبولی تریب اشیا ۱۳۷۱ ۹۷ص ۸۰۰ ریال

۷۷) ادیب سلطانی، میرشمس‌الدین درآمدی بر چگونگی شیوهٔ خط فارسی تهران امیرکبیر ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۳۹۹ص ویراستهٔ دوم واژه‌نامه فهرست راهما ۲۸۰۰ ریال

۷۸) آیواریان، ماریا (ترتزیان) وام‌واژه‌های ایرانی میانهٔ غربی در زبان

پوررضا. احوار دانشگاه شهید چمران ۲۰۱ ص نمودار مصور ۱۴۰۰ ریال.

پریشکی

- ۱۰۱) بوروالد، ژارگن قرن حراخان ترجمه علی رضا میناگر تهران دانش پژوه ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ۳۹۸ ص مصور
- ۱۰۲) حکاک، بیره مروری بر میکروسیولوژی تهران مرکز خدمات علمی رزمندگان اسلام ۱۳۷۱ ۲۷۵ ص
- ۱۰۳) حلم سرشت، پریش (و) اسماعیل دل پیشه توانجشی و بهداشت معلولین تهران چهر ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ۳۹۲ ص جدول مصور واژه نامه ۳۲۵۰ ریال
- ۱۰۴) دابیلر، ویکتور ایدز ترجمه سیاوش آگاه تبریز آدریاخان ۱۳۷۱ ۲۲۰ ص ۱۳۰۰ ریال
- ۱۰۵) رافت، جهانگیر شبی درمائی و شما تهران چشمه (و) اوش ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ۴۵ ص ۳۰۰ ریال
- ۱۰۶) روست، انوان (و) حاجاتان بروستوف (و) دیویدمیل امبولوژی ترجمه بهرام ملک گودرزی (و) شهرام بردانی تهران معاونت پژوهشی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی ۱۳۷۱ ۲۴۵ ص مصور ۴۵۰۰ ریال
- ۱۰۷) شاهین، ماشاءالله اشانی با فیروترابی با مقدمه محسن هاشمی اصفهان جهاد دانشگاهی اصفهان ۱۳۷۱ ۲۳۷ ص مصور ۱۷۰۰ ریال
- ۱۰۸) طباطبائی، ادرمیدخت مروری بر قارح شاسی تهران مرکز خدمات علمی رزمندگان اسلام ۱۳۷۱ ۱۰۰ ص مصور
- ۱۰۹) فارماکولوژی پریشکی گات ترجمه بهرام فاضلی جهانی (و) موجهر شیریان (و) بیژن جهانگیری تهران اشارت ۱۳۷۱ ج ۲ ح به + ۸۶۴ ص مصور نمودار جدول بهای دو جلد ۸۵۰۰ ریال
- ۱۱۰) قمری، محمدرضا اشانی با بیماری سگهای کلیه و محاری ادارای (راههای پیشگیری- روشهای بوس درمائی) تهران چکامه ۱۳۷۲ ۲۲۰ ص مصور ۳۸۰۰ ریال

کشاورزی

- ۱۱۱) ارشاد، جعفر گربه های فیتوترا در ایران (حداسازی- حالص سازی- شاسایی) تهران وزارت کشاورزی- سازمان تحقیقات کشاورزی ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ۲۱۷ ص مصور ۲۵۰۰ ریال
- ۱۱۲) کوچکی، غوص (و) حمید حیابانی ماسی اکولوژی کشاورزی مشهد جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد ۱۳۷۱ ۲۸۸ ص مصور نقشه جدول نمودار ۲۲۰۰ ریال
- ۱۱۳) میعی، عاسعلی سیب و پرورش آن تهران. ناشر مؤلف ۱۳۷۱ ۳۷۶ ص مصور ۳۰۰۰ ریال
- ۱۱۴) وایس، ای. ا. دایه های روغنی ترجمه فرشته ناصری مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۷۰ [توزیع ۱۷۱] ۸۲۳ ص مصور نمودار جدول نقشه فهرست راهما ۵۰۰۰ ریال

فن و صنعت

- ۱۱۵) ارریایی ماشینهای خاکبرداری و هزینه عملیات حاکی ترجمه محمدتقی بابکی تهران صنعت فولاد ۱۳۷۱ ۱۰۳ ص مصور جدول نمودار. واژه نامه ۷۰۰ ریال
- ۱۱۶) آبتی، اسماعیل تصادفات جاده ای ایران (تحریر و تحلیل، مقایسه و محاسبه هزینه) مشهد دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۷۱ بیست و سه + ۲۸۶ ص. مصور جدول نمودار ۲۷۰۰ ریال
- ۱۱۷) توپسراکائی، حسین اصول علم مواد (خواص مهندسی مواد) اصفهان دانشگاه صنعتی اصفهان ۱۳۷۱ هفده + ۶۷۰ ص مصور

۴

جدول نمودار ۳۸۰۰ ریال

- ۱۱۸) حسینی، سیدامین (و) هادی کریمی برنامه نویسی به زبان اسمبلی، به انصام عملکرد وقعه های سیستم و برنامه های کاربردی مشهد جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد. ۱۳۷۱ ۴۸۰ ص فهرست راهما ۳۵۰۰ ریال
- ۱۱۹) راف، گری ف (و) جان داد قطعات ریختگی چدنی (خواص مکانیکی) ترجمه محمدرضا افصلی تهران شرکت ملی فولاد ایران ۱۳۷۱ شش + ۲۹۰ ص مصور نمودار جدول. واژه نامه فهرست راهما ۲۴۰۰ ریال
- ۱۲۰) قره بژاد، حسن مقدمه ای بر جغرافیای صنعتی اصفهان ۱۳۷۱ ج ۲ ۱۷۲ ص مصور نمودار فهرست راهما ۱۳۰۰ ریال
- ۱۲۱) مکانیسی و معیارهای استقرار صنایع، راهنمای منطقه بندی صنایع شهری (تحریر هندوستان) تهران مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی معماری ایران ۱۳۷۱ ده + ۱۸۰ ص جدول ۲۰۰۰ ریال
- ۱۲۲) ملکی، مجید (و) علی آندون بطورسیاس (و) فریدون بوجی اصول و مانی حریان ساره ها (پیس میکرها) تهران مرکز آموزشی، تحقیقاتی و درمان قلب و عروق شهید رحانی ۱۳۷۱ ۱۷۱ ص مصور جدول. نمودار ۳۰۰۰ ریال
- ۱۲۳) موجد، بهرام مانی چاه پیمایی تهران دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۱ ۳۳۱ ص مصور نمودار جدول ۲۰۰۰ ریال
- ۱۲۴) هاسن، وانای (و) اورسون دلیو ایررانلیسن (و) کلای استریگهام اصول و عملیات آبیاری ترجمه سید محمدحسین ابریشمی مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ مصور. جدول. واژه نامه ۴۹۵ ص ۳۳۰۰ ریال

تربیت بدنی

- ۱۲۵) سوتنن، الکسی تنوری مدرن گشایش شطرنج ترجمه حسن مرتضوی با مقدمه رضا رضایی تهران ژرف ۱۳۷۲ ۲۷۵ ص مصور ۲۸۵۰ ریال
- ۱۲۶) فتحی، هوشنگ تاریخچه و مقررات ورزشها تهران مدرسه ۱۳۷۱ ۳۰۴ ص مصور واژه نامه ۲۲۰۰ ریال
- هدف کتاب معرفی رشته های مختلف ورزشی به جوانان است و فصل عمده ای آن به بررسی ورزش ها و معرفی فرهنگ و آداب آن اختصاص دارد

هنر و معماری

● نقاشی و طراحی و کلاژ

- ۱۲۷) ابراهیمی، نادر الف با: تحلیل فلسفی پنجاه طرح از علی اکبر صادقی نقاش تهران فرهنگان ۱۳۷۱. بیست + ۱۵۸ ص مصور ۵۰۰۰ ریال
- ۱۲۸) بلیاوی، آموزش نقاشی و طراحی برای همه ترجمه نازلی اصغرراده تهران. دبای نو ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ج ۲. ۱۷۶ ص مصور ۱۰۰۰ ریال
- ۱۲۹) دوشیر، هلیری. کلاژ. ترجمه عادل ارشقی. تهران. شکوه

● سینما و تئاتر

۱۳۸) امید، جمال فرهنگ فیلمهای سینمای ایران (۱۳۷۱-۱۳۵۸) تهران تصویر. ۱۳۷۱ ج ۳ ۲۵۷ ص. مصور فهرست راهنما ۳۵۰۰ ریال
سامل مسحبات ۳۹۸ فیلم بلند بعد از انقلاب است فقط از فیلمهایی نام برده شده است که به معایس عمومی - حتی يك مرتبه - در آمده باشد علاوه بر منحصبات فیلمساحی. خلاصه داسان هر فیلم بیردکر سده است
۱۳۹) پروت، فیلیپ گریم (برای صحنه) ترجمه فرشیده سربین تهران کتابسرا ۱۳۷۱ ۱۱۲ ص مصور ۱۹۵۰ ریال
مولف کوسیده است انواع مختلف گرم را برای صحنه نمایشهای متفاوت تشریح کند، و خوانندگان را با سائل اوله گرم و نحوه به کارگیری آنها اسناد

۱۴۰) عرب پور، بهرور نمایش غروسکی، گام به گام تهران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ۲۸۰ ص مصو. ۱۶۰۰ ریال

کتاب حاضر به شرح مسائل فنی و تکنیکی ساختن نمایشهای غروسکی و سیوه های گوناگون آن اختصاص دارد «غروسک دسکسی»، «ساحمان غروسک دسکسی»، «نمایش ساحس سر»، «طرح - ساحس صورت غروسک»، «موی غروسک و روس ساحس آن»، «ساحمان غروسک منله ای»، «غروسک غول اس»، «غروسک بچی»، «غروسکهای بچی در ایران»، «غروسک منله ای - بچی حگوبه ساحه می شود»، «طراحی غروسک» و «انواع صحنه های غروسکی»، عنوان برخی از فصلهای کتاب است

۱۴۱) فراستی، مسعود [به کوشش] هیچکاک، همیشه استاد مجموعه مقالات تهران سوره سینما - برگ ۱۳۷۱ ۷۰۳ ص مصور ۸۸۰۰ ریال

سامل صدمقاله است از نویسندگان ایرانی و خارجی در باره هیچکاک و آثار وی این مقالات در ۵ بخش «مقدمات»، «دیدگاهها»، «مدها»، «کتاب و گوها» و «فیلمسای، مقاله ساسی» نظم شده است

● موسیقی

۱۴۲) دوالیون، حلال موسیقی سنتی ایران، آموزش سه تار به کوشش مهرداد ترامی کتاب دوم تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ۹۷ ص خط موسیقی ۱۶۰۰ ریال

سامل آوارهای بیات ترک، آهسازی، اصمهان، و - سگاه همانون است
۱۴۳) کیانی، مجید هفت دستگاه موسیقی ایرانی بهران ناشر مؤلف با همکاری مؤسسه سار بورور ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ج ۲ با تجدید نظر ۳۲۷ ص جدول خط نت و آژه نامه ۲ ریال
موسمی دستگاهی (ردیف) سیوه های آجراحی موسیمی کوبی ایران و نمکک آنها، و شرح محورهای اساسی موسیمی سسی از جمله مطالب کتاب حاضر است

● قالی

۱۴۴) حصوری، علی نقشهای قالی ترکمن و اقوام همسایه تهران فرهنگان ۱۳۷۱ ۲۶۲ ص مصور فهرست راهنما ۸۰۰۰ ریال
بخش عمده کتاب حاضر به معرفی نقشهای قالی برده های مختلف ترکمن و اقوام همسایه آنان (ازبک، قزاق و قزاق) اختصاص دارد در این کتاب ۷۸۳ نقش معرفی و شرح شده است

● خط

۱۴۵) اثباتی، محمدحسن آموزش نویسن خط ریز، تحریری از ستعلیق تاشکسته دفتر اول [تهران] جهاد دانشگاهی دانشگاه مهر ۱۳۷۱ ۵۴ ص ۱۵۰۰ ریال

ادبیات

● ادبیات کودکان

۱۴۶) آبادی، محمد دختر و گل برگس نقاشی از آرن بابایش تهران

۱۳۷۱ ۴۷ ص مصور ۱۰۰۰ ریال

۱۳۰) ژیران، روبر ورو شیوه طراحی ترجمه قاسم روبین تهران چکامه ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ۹۶ ص ۲۵۰۰ ریال
مؤلف با ریایی ساده به معرفی مانی طراحی پرداخته است کتاب سامل ۵۴ درس است و هر درس با طرحهایی توضیحی و نمونه هایی از آثار کلاسیک هری همراه است

۱۳۱) سیار، پیرو نقشیها و طرحهای سهراب سهری تهران سروش ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ۲۵۰ ص مصور

سامل مجموعه ای است از کلیه آثار فارسی و طراحی سهراب سهری که پس از درگذشت وی در برد خانواده اس نگاهداری می شود هر اثر تحت شماره جداگانه ای آورده شده و اطلاعات مختصری بر در باره بعضی از آنها در سده است آثار این مجموعه در دو بخش آثار رنگی و آثار سیاه و سفید عرضه شده است کتاب دارای حلد کالینگور و کاغذ گلاسه است

۱۳۲) صدری، حسن لحظه ای به من ببینیش بی جا احسن خدمات فرهنگی ایرانیان خارج از کشور ۱۳۷۲ بدون صفحه شمار مصور

مجموعه ای است از طرحها و کاریکاتورهای حسین صدری
۱۳۳) قانع، عباس سی نقش با الهام از شاهنامه فردوسی به خط محمدعلی گرختانی تهران کمیسیون ملی یونسکو در ایران ۱۳۷۰ [توزیع ۱۷۱] ۶۰ ص مصور

سامل تصاویری است از نقشهای برجسته شده بر ورقهای مس نقشهای این مجموعه تماماً ملهم از داستانهای شاهنامه است

● عکاسی

۱۳۴) افشار، ایرج [به کوشش] گنجینه عکسهای ایران، همراه تاریخچه ورود عکاسی به ایران تهران نشر فرهنگ ایران ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] صد و چهار + ۴۰۰ + ۱۶ ص مصور فهرست راهنما ۳۵۰۰۰ ریال
کتاب با مقدمه ای خواندنی و مفصل در باره تاریخچه عکاسی در ایران و سکنسرداری اروپائیان از مناظر و جهره رجال ایران آغاز شده است سپس عکسهای متعددی در بخشهایی جداگانه عرضه شده است عنوان برخی از این بخشها را می آوریم «نمایشگاه فاحار»، «دیواییان و درباریان»، «مستوفیان»، «مبارزان دوره مسروطه»، «دانشمندان»، «عسایر و طوایف»، «رئان»، «رندگی ایرانی»، «نحار و بیسه و ران»، «مدارس»، «عمارات و دروازه ها»

۱۳۵) ایردپناه، نتول [به کوشش] کرمان: مجموعه ای از عکسهای آثار تاریخی، مراکز صنعتی، کشاورزی و نقاط دیدنی استان کرمان کرمان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمان. ۱۳۷۲ ۱۵۰ ص. مصور
۱۳۶) بهروزی، سعید (و) هرمز ریاحی بیست و یک درنگ ایرانی تهران ناشر مؤلف ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] بدون صفحه شمار مصور
مجموعه ای است از عکسهای سعید بهروزی همراه با اسعار هر مریاحی در باره هر عکس. عکسهای کتاب رنگی است و بر کاغذ گلاسه حاب شده است

۱۳۷) فرحی، حسین (و) علی فتح الله راده عکاسی تئاتر تهران نمایش ۱۳۷۱. [توزیع ۱۷۲] ۳۰۷ + ۳۷ ص. مصور ۵۵۰۰ ریال
سامل حدود ۱۳۰ عکس از عکسهای برگزیده در اولین مسامعه سراسری عکاسی تئاتر است که به همت محله نمایش در سال گذشته برگزار گردید

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] بدون صفحه شمار ۳۲۰ ریال

۱۴۷) ربهوا، وانگ کی بریده شد؛ ترجمه شهلا نار فروش تهران. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۰ [توریع ۱۷۱] مصور بدون صفحه شمار ۱۶۰۰ ریال

۱۴۸) پوریا، سرور چطور آسمان به زمین افتاد تهران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۳۲۲ ص مصور ۲۲۰ ریال ۱۴۹) بوژون، کلود اتسی و دوسی ترجمه اللهوردی ادبی نجف آبادی مشهد جهان اندیشه کودکان ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۴۰ ص مصور ۵۰۰ ریال

۱۵۰) حمزه راد، محمد پرتقال خوبی بهران کتابهای نقشه-انتشارات فدایی ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۶۰۰ ریال

۱۵۱) حمشیدی، مصطفی اگر سارداران نقاشی از برگس علوی بهران نقشه-قدایی ۳۶ ص مصور ۲۰۰ ریال

۱۵۲) ماسویانی، مسکو موموچان کوچولو ترجمه نوس موسوی تهران ادب کودکان و نوجوانان نشری ۱۳۷۱ ۱۰۳ ص مصور ۸۵۰ ریال

۱۵۳) مریانی، محمد کاظم دریای گمشده (سفرنامه) بهران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۱ ۱۱۳ ص مصور ۲۸۰۰ ریال ۱۵۴) هوب، ابراهیم بره کوچولو ترجمه اللهوردی ادبی نجف آبادی مشهد جهان اندیشه کودکان ۱۹ ص مصور ۲۰۰ ریال

● شعر کهن فارسی

۱۵۵) خلاصه مشوی به اسحاب و انصام تعلقات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر بهران کتاب مرعج ۱۳۷۲ ج ۲ بح ۳۰۱ ص ۱۵۶) غزلهای سعدی و تراش مرحللال الدین کراری بهران نشر مرکز ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۳۳۶ ص ۳۹۵ ریال

● شعر معاصر فارسی

۱۵۷) بدایعی، علی انبیه پرواز غایت اعجاز بهران نشر دارپوس ۱۳۷۲ ۱۲۸ ص ۱۲۰۰ ریال ۱۵۸) پژوم، جعفر نامی و نامه‌ای از مهدی احوال نالت «م امید» با مقدمه سید محمد راسکو [م] نشر سانه ۱۳۷۰ [توریع ۱۷۱] ۱۱۱ ص ۵۵۰ ریال

سامل شعر مسر سیده‌ای است از مهدی احوال نالت با عنوان «با علی موسی الرضا (ع)» طاهر آس شعر را احوال همراه با نامه‌ای در سال ۱۳۶۴. برای مولف کتاب حاضر فرستاده است

۱۵۹) حقیقت، عبدالرؤف (رؤف) از غیور حقیقت، مجموعه شعر حظ از حسن سخاوت بهران کوش ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۲۲۴ ص ۱۶۰) حاوری، بی در دایره صبح مشهد درخشش امرکز بخش در تهران کتاب چشمه ۱۳۷۱ ۱۲۶ ص

۱۶۱) ساحلی، صیاد دیوان حسته‌بی در راه تحلیل موسیقی اره‌های حرم بهران بی با چاپ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (ورارت فرهنگ و آموزش عالی) ۱۳۷۱ ۱۰۹۳ ص ۸۷۵۰ ریال ۱۶۲) شکیبانی، محمد علی لحنهای غامبی ناد بی حا فوستر ۱۳۷۱ ۸۶ ص ۸۰۰ ریال

۱۶۳) صالحی، سید علی نادت بحیر، شادمانی بی سب تهران باسارگاد ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۲۲۴ ص

۱۶۴) کاشیگر، مدیا درد و دود تهران ارست ۱۳۷۱ ۱۰۱ ص ۱۰۰۰ ریال

۱۶۵) مقربین، شهاب کلمات چون دقیقه‌ها تهران ناشر مؤلف ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۱۴۳ ص ۱۵۰۰ ریال

۱۶۶) هومان‌فر، فریب (معالی) انبیه تهران ناشر مؤلف [مرکز بخش چشمه] ۱۳۷۱ ۱۵۰۰ ریال

● داستان ایرانی

۱۶۷) چهلتن، امیرحسین دیگر کسی صدالم برد (مجموعه داستان) تهران حویا ۱۳۷۱ ۱۲۵ ص ۱۲۰۰ ریال

۱۶۸) حمزوی، خسرو وقتی سموم بر تن یک ساق می‌وزید تهران روشنگران ۱۳۷۱ ۳۳۰ ص ۳۰۰۰ ریال

۱۶۹) حوایی، محمود عصر دلگی (مجموعه داستان) مشهد تراه ۱۳۷۱ ۱۴۲ ص ۱۰۰۰ ریال

۱۷۰) حمام، مسعود قفس تطریح تهران روشنگران ۱۳۷۱ هشت + ۱۳۶ ص ۱۸۰۰ ریال

۱۷۱) زرهانی، احمد قهرمان دبیرسان امیرکبیر تهران تربیت ۱۳۷۱ ۱۵۰ ص ۸۵۰ ریال

۱۷۲) علیحاجی، موسی هفت کوه و هفت دریا نظرفتر (مجموعه داستان) بی حا ناشر مؤلف [حروفحیی مؤسسه گیل] ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۱۷۱ ص ۱۵۰۰ ریال

۱۷۳) گیبی، مرتضی در جستجوی هویت کم‌سده تهران ناشر مولف امرکز بخش انتشارات فردوس ۱۳۷۰ [توریع ۱۷۱] ۳۴۶ ص ۷۰۰ ریال

۱۷۴) مجلسی، فریدون کارنامه من: تانور اورمرد تهران البر ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۴۱۴ ص نقشه نمودار ۲۸۰۰ ریال داستان تاریخی: مسندی است در باره زندگی سائور دوه (دولاساف)، شاهشاه ساسانی نویسنده این کتاب را بر اساس ماحد معددی نگاشته است و نویسنده است با دفاع و اوصاف این منطقی با واقعات تاریخی باشد

● شعرهای خارجی

۱۷۵) باورده، حراره کریمه شعرها ترجمه کاظم فرهادی (و) فرهاد حردمند بهران چشمه ۱۳۷۱ ۱۲۶ ص ۱۲۰۰ ریال

اسفا مجموعه حاضر: سه مجموعه شعرهای بی‌ساق (۱۹۳۲-۳۸)، مس. و مریت (۱۹۴۵-۴۶) و نا، حسته می‌کند اسحاب سده است

۱۷۶) مصاح، پرواگردآوری و ترجمه امرکز نشرنگر بهران فکر رور ۱۳۷۱ ۲۶۳ ص ۱۸۰۰ ریال

ترجمه کرده‌ای است از اسفار انگلیسی از آثار بیس از دوران رساس با چهل سال اخیر نامه اسفار این مجموعه موضوع مسرتی دارد و آن حاده د دناک از دست دادن فرید است

● داستان و سانسنامه خارجی

۱۷۷) استوریاس، میگل انجل چنتمان دمن تندگان ترجمه م سجودی تهران نشر فطره ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۸۲۴ ص

از این کتاب ترجمه دیگری بر با عنوان حسمان حفته در کور به بار آمده است

۱۷۸) تورگف، ایوان دود ترجمه پری مصوری مشهد نشر نما ۱۳۷۰ [توریع ۱۷۱] ۲۷۲ ص

۱۷۹) رحیمی، مصطفی هملت، بر اساس نمایشنامه ویلیام شکسپیر بهران روشنگران ۱۳۷۱ ۱۴۰ ص ۱۸۰۰ ریال

نارسانی هملت شکسپیر است با تغییراتی در برخی از گفت‌وسوها و حصها

۱۸۰) روووری، ژان بررخ ترجمه احمد شاملو ویراسته م ر مهران تهران صفار ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۳۲۹ ص ۲۰۰۰ ریال

داسانی بی برده از سبوه زندگی اجتماعی اهالی یکی از حرایر بولی بری است حرایر بولی بری حادیه بسیاری برای محققان مردمساس دانسته است این امر در سال ۱۹۵۵ بریده حایره «تغیوف راس بود» گردید

۱۸۱) رولفو، حواں پدرو پارامو ترجمه احمد گلشیری اصفهان فردا ۱۳۷۱ ج ۲ با تجدید نظر ۳۲۵۰ ریال

۱۸۲) سوران، ژاکلین دره غروسکها ترجمه ادرمیدحت بهرادی

۱۸۳) سولرسس، الکساندر بنه اول دورح ترجمه عباس رهبر
چون فومس ۱۳۷۱ ۷۳۵ ص ۵۹۰۰ ریال
سولرسس (اسولند ۱۹۱۸) اس ایر ادر سال ۱۹۶۵ نکاس، اما اسناز
- برور و فاع برور و نکا در سوروی سابق مجموع بود
۱۸۴) نکسیر، ویلیام مکب ترجمه داریوش اسوری بهراں آگاه
۱۳۷۱ ۱۰۰ ص ۱۰۰۰ ریال

سنایی است از نایب زماں نویسنده (۱۹۴-۱۸۵۸) که در سال ۱۹۰۰ بریده حائره ادبی بول (برای همس دانسان) شد قصد نوشتن بریده از سنایی است اما نکردن داس امور آن مدارس ابتدایی نوشتن با حیرانها و در آن دوران بود این کتاب تاکنون به سنایی ۳ زبان ترجمه شده است مبرج مقدمه مفصلی درباره نوشتن و دانسان وی به کتاب حاضر

فره داس

۱۹۸۹، وستر، جس وقعی یسی به دانشکده می رفت ترجمه سوس
ا. کاسی (شاهین) بهرام مهتاب (۱۳۷۱، آوریل ۷۲) ج ۲، ۲۲۰ ص
۱۸۵، مال

● درباره ادبیات فارسی

مؤلف آثار هذاب را از نظر مابری که نویسندگان دیگر احوال او،
حجرب، فاکر و دیگران) بر آنها داشته بررسی کرده و مفاهیم متعددی چون
حس و اسدال، «حمام از حیوانات»، «حمام»، «طسب»، «رن» و غیره را در
- ۵۰ ن مطالعه کرده است

ثبت حاضر شامل مصاحبه‌هایی است که احوان طی سالها با مجله‌های گوناگون کرده است. مصاحبه‌های این مجموعه به ترتب تاریخ آنها تنظیم شده است. نخستین مصاحبه در امان ۱۳۴۴ و آخرین آنها در سال ۱۳۶۹ بوده است. مجموعه حاضر دارای فهرست راهنمای بسیار سودمندی است که کار خوانندگان را در یافتن مطالب گوناگون ساده می‌کند.

● درباره ادبیات خارجی

من از آنکه برات کتاب فلسفای قهقهه‌های بران (ترجمه فردوس
به‌دانه‌ای، تهران، ۱۳۶۷)، کتاب، تودون- استراوس بعد مفصلی بر
آن نوشت تا عنوان «ساخت و نمو» و «روشی» قهقهه‌های «بعد بر-
کتاب حاضر شامل ترجمه تودون- استراوس بر کتاب برات و «ساخت
برات به آن بعد است» این کتاب، تودون- استراوس در «بعد خدمت‌دهی فردوس بر-
برای» در «ترجمه قهقهه» ترجمه، «روشی قهقهه‌های بران» و «تخلی قهقهه
خدمت‌دهی» می‌دهد، «نویسنده» بر «ترجمه» می‌نویسد، «ترجمه» می‌نویسد، «ترجمه»
مقدمه مفصلی بر کتاب فردوس بران، «ساخت و نمو» فلسفای «نظر» به‌دانه‌ای
موجود در این زمینه، بر «روشی» در «ساخت و نمو» به‌دانه‌ای، «ساخت و نمو»
این نظرات و تحقیقات پس از «ترجمه» داده است.

[illegible]

متون کهن

صاحب نام مجموعہ کی اس سیرۃ النبویہ میں اس سیرۃ کے بارے میں ایک نیا اور دلچسپ انداز میں بیان کیا گیا ہے۔ اس میں اس سیرۃ کے بارے میں ایک نیا اور دلچسپ انداز میں بیان کیا گیا ہے۔ اس میں اس سیرۃ کے بارے میں ایک نیا اور دلچسپ انداز میں بیان کیا گیا ہے۔

[illegible]

تار مخ

● ایران

53

گنجینه مجلس سوم و نقش احزاب سیاسی در آن دوره را تا انحلال آن مجلس بررسی کند. مسائل سیاسی دوره سوم مجلس از قبل از هم ناسیدن تمرکز قدرت، ضعف مالی دولت، بروز اعتصابات گسترده، سطوح دولت‌های روس و انگلیس در ایران، پیدایش احزاب سیاسی، آزادی مطبوعات و نفس افکار عمومی، و تحلیل درگیری‌های ایدئولوژیکی احزاب و نتایج آن در رویدادهای سیاسی و بالآخره غرب‌گرایی و رشد سوسیالیسم و جدوجوایی در آن زمان از جمله مطالب مورد بحث در این کتاب است. این کتاب در واقع منعم کتاب دیگری از همین نویسنده است با عنوان پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت در دوره اول و دوم مجلس شورای ملی (۱۳۶۱).

۲۰۱) سومر، فاروق. نقش ترکان آناطولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی ترجمه احسان اشراقی (و) محمدتقی امامی تهران گستره ۱۳۷۱ توزیع ۱۷۲ بیست و یک + ۳۰۷ ص فهرست راهما ۲۸۰۰ ریال مؤلف کوشیده است ضمن بررسی تاریخ اجتماعی ایلات و عشایر ترک آناطولی، که در استان سکندر دولت صفوی و پس از آن به ایران مهاجرت کردند، نفس این عشایر را در آغاز قرن ۱۶ م (۱۰ هـ ق) در تشکیل و توسعه دولت صفوی بیان دهد. کتاب به چهار بخش تقسیم شده است دوران شاه اسماعیل اول، دوران شاه طهماسب، دوران شاه اسماعیل دوم و محمد حدادیه و دوران شاه عباس اول. مؤلف در هر یک از این بخشها پس از ذکر مقدمه‌ای درباره تاریخ سیاسی و رویدادهای زمان، به نام و نشان و محل سکونت و محدوده جغرافیایی و ساختار اجتماعی هر یک از ایلات و عشایر پرداخته و اطلاعات مفصلی را درباره مسجحات اجتماعی آنان به دست داده است.

۲۰۲) کلیما، اوتاگر. تاریخچه مکتب مردم ترجمه جهانگیر فکری ارشاد تهران توس ۱۳۷۱ توزیع ۱۷۲ بیست و سه + ۱۹۷ ص فهرست راهما ۲۰۰۰ ریال

نویسنده کوشیده است تاریخچه مکتب مردم را شرح و تفسیر کند. او این کتاب را در سال ۱۹۷۷ در براگ منتشر ساخت. از این مؤلف کتاب دیگری نیز در این زمینه با عنوان تاریخ نخستین مردکان، به ترجمه همس مرحوم و توسط همس نامر (۱۳۵۹)، منتشر شده است.

۲۰۳) گیلک، محمدعلی. تاریخ انقلاب جنگل (به روایت شاهدان عینی) رشت نشر گیلکان ۱۳۷۱ چهارده + ۵۵۸ ص مصور نمونه‌ساز بدون صفحه شمار ۶۴۰۰ ریال

مؤلف کتاب یکی از رهبران بهشت جنگل و از یاران بزرگ میرا کوک حاکم بود وی در کاسته میرزا، با نام محمدعلی حمامی، سمت کمیسری با وزارت فوائد عامه را داشت. ظاهراً سالها پس از شکست بهشت جنگل، عده‌ای از سران بهشت تصمیم به نگارش تاریخ جنگل گرفتند و این عمل تحت سرپرستی و نظارت مؤلف کتاب صورت گرفت. نگارش کتاب در سال ۱۳۲۱ شمسی آغاز شد و مؤلف در سال ۱۳۴۵ درگذشت.

۲۰۴) لاهیجی، شهلا (و) مهراگیرکار شاخت. هویت زن ایرانی در گستره پیش تاریخ و تاریخ تهران. روشنگران ۱۳۷۱ توزیع ۱۷۲ سیزده + ۳۴۲ ص مصور ۱۲۰۰۰ ریال.

«نفس زن در تکامل انسان هوشمند»، «آغاز مذهبهای ساخته شده در منطقه ایران فرهنگی»، «قدرت زنانه و نمودهای آن»، «سکرهای زنانه مظهر حادثی حوس حیم»، «بیوند اساطیر با اصل مادیه هستی»، «وجه تقدس زن در اساطیر حاورمیان»، «موقف زن در تمدنهای مابروان»، «حقوق زن در قوانین ایلام»، «اسطوره‌های افریسی ایرانی»، عنوان برخی از فصلهای کتاب است.

۲۰۵) مورگان، دیوید. معولها ترجمه عباس مجیر تهران نشر مرکز ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ۲۸۰ ص. مصور نمودار فهرست راهما ۳۵۰۰ ریال کتاب حاضر با استناد به منابع حبیب و فارسی و بهره‌گیری از بررسیهای غربی، گزارش جامعی از فتوحات و اقدامات معول در ایران و حاور بزرگ و حبیب و روسیه و اروپا به دست داده است. بررسی ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه معول، پیش از فتوحات آنها و پس از استیلا یافتنشان، از جمله مطالب کتاب حاضر است.

۱۲) برشتین، سرژ (و) بی. یو. میلرا. تاریخ قرن بیستم، ج ۱: جنگ و نارسازی ۱۹۲۹-۱۹۵۳ ترجمه امان‌الله ترجمان مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۷۰ [توزیع ۱۷۱] ۲۸۴ ص نقشه نمودار ۲۶۰۰ ریال «مسأله غل و جنگ دوم جهانی»، «فتوحات هیتلر»، «جهانی شدن جنگ و نیروی متغین»، «فراسه در طول جنگ دوم جهانی»، «گسترش جهان کمونیست در اروپا»، «نیروی کمونیسم در چین»، «فرهنگهای بعد از جنگ»، از جمله فصلهای کتاب است.

۲۰۷) ساماران، شارل (زیر نظر). روشهای پژوهش در تاریخ. گروه مترجمان ج ۳ مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۴۷۱ ص شامل مقالات گوناگونی است از صاحب‌بطران هر رشته درباره روشهای پژوهشی در تاریخ. عنوان برخی از این مقالات را می‌آوریم: «عکاسی و سینما»، «میکرو فیلمها»، «زبان سیاسی و تاریخ»، «داده‌های علم جمعیت و آمار در تاریخ جدید و معاصر»، «حفاظت از آثار تاریخی، کاوشهای باستان‌شناسی و محوطه‌های باستان‌شناسی تاریخی»، «کتابخانه‌ها».

۲۰۸) صدیق فرهنگ، میرمحمد افغانستان در پنج قرن اخیر ج ۱ مشهد درخشش ۱۳۷۱ ۶۱۲ ص مصور ۵۰۰۰ ریال ۲۰۹) کار، ای. اچ. تاریخ روسیه شوروی، انقلاب بلشویکی (۱۹۱۷-۱۹۲۳) ترجمه نجف دریابندری تهران زنده رود [۱۲] ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ج ۳ ۷۴ + ۱۷۱۹ ص فهرست راهما نهاده‌های دوره سه جلدی ۲۲۰۰۰ ریال

کتاب حاضر شرح و تحلیل مفصلی است از انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه و جنگی که قدرت رسیدن حزب بلشویک و تأسیس و تحکیم دولتی که بعدها اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نامیده شد. مؤلف (۱۸۹۳-۱۸۹۲) کوشیده است ساختار جامعه شوروی را پس از بیرون رفتن لنین از صحنه، در بهار ۱۹۲۳، تحلیل کند. مرخم در مقدمه مفصل خود بر این کتاب ابتدا خوانندگان را با نویسنده کتاب و دیدگاه اجتماعی و تاریخی وی آشنا ساخته و سپس به بررسی روند فروپاشی رژیم شوروی پرداخته است. از این مؤلف کتاب دیگری نیز با عنوان تاریخ حسنه (ترجمه حسن کامنادر، تهران، خوارزمی) در ایران منتشر شده است.

۲۱۰) مایر، هانس ابرهارد. حکمهای صلیبی ترجمه عبدالحسین شاهکار شیراز دانشگاه شیراز ۱۳۷۱ ۵۴۷ ص فهرست راهما ۲۶۰۰ ریال

کتاب حاضر به بررسی نیکارهای دویست ساله مسلمانان و اروپائیان در سده‌های میانه اختصاص دارد. این اثر در سال ۱۹۶۵ به زبان آلمانی نگاشته شد و سپس به انگلیسی ترجمه شد. کتاب حاضر از روی متن انگلیسی آن ترجمه شده است.

زندگینامه، خاطرات و سفرنامه

۲۱۱) جانزاده، علی. خاطرات سیاسی رجال ایران از مشروطیت تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. بی. ح. خاراده ۲۰۱۳۷۱ ج ۲. ۱۰۸۴ ص. مصور نهاده‌های دوره دو جلدی ۱۱۰۰ ریال

۲۱۲) داشور، سیمین. غروب حلال قم. نشر خرم، ۱۳۷۱ ج ۴ ۴۰ ص ۳۵۰ ریال.

۲۱۳) زندمقدم، محمود. حکایت بلوچ: کردها، انگلیس‌ها، بلوچ‌ها ج ۲ [تهران]. ناشر. مؤلف [با همکاری شرکت سینه (مشاوران صنعت چاپ)]. ۱۳۷۱ ۵۵۵ ص. ۴۷۵ ریال.

● تدبیر: ماهنامه ویژه مدیران (س ۳، ش ۳۰، بهمن ۱۳۷۱)
«تک برخی کردن ارز» کوه بح باساخته‌ها»، «ارزیابی محیط مناسب برای سرمایه‌گذاری»، «امیر اطوران صومعه‌سب و ساسمندان بیر»، «حکومه سلسلای را بهتر اداره کنیم؟»، «ویرگیهای «فتا»، «قطب تازه اقتصاد جهانی»

● جامعه سالم (س ۲، ش ۸، اسفند ۱۳۷۱)
«فانون، سعید از فانون»، «در مع دست‌سستی از ارادگی»، «برخی از جنبه‌های عینی بحران جمعیت در ایران»، «اقتصاد ایران، قبل و بعد از انقلاب»، «بررسی علل فرار نوجوانان از خانه»، «نوسک، بعلند افریس»، «تفاوتهای کا که د معر در رن و مرد»

● جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور (ش ۲، پائیز ۱۳۷۱)
«مرگ کمتر تولد کمتر»، «گامی نو در بروه‌های جمعیتی»، «برامون رسد جمعیت»

● دانشمند (س ۳۱، ش ۳۵۴، فروردین ۱۳۷۲)
«سرکسی مالایا، نا»، «احتیاط، لازمه زندگی است»، «سنگارهایی که سنگار می‌کشد»، «کشف کره کرس طبیعی در روسیه»، «بحرهای سن از کودتا»، «انحاح حسن حسن فراندی معنایسی»، «ایا حروف نه بیماری می‌انجامد؟»، «حکومه معاهم هیرک را درک کنیم؟»

● رسانه، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی (س ۳، ش ۱، پائیز ۱۳۷۱)
«حقوق قانونی مطبوعات در ایران»، «حرکت‌گرایی و امر بالسم فرهنگی»، «نظم نوس اطلاعات و ارتباطات و حالتهای موجود»، «اقتصاد سیاسی رسانه‌های گروهی»، «رسانه‌های گروهی راس»

● رشد آموزش ریاضی (س ۹، ش ۳۶، زمستان ۱۳۷۱)
«ساحار اعداد»، «بحی در تازه حد و نوسکی»، «برکبات»، «نواع بیوسه‌ای که هیچ خامس ندارد»، «سوالات بحر و ابالتر هفدهم دوره مسابقات ریاضی»، «اسات دیگری نظیر اسانهای اولر»

● آموزش ریست‌شناسی (س ۷، ش ۲۸، تابستان ۱۳۷۱)
«دوک در بقسم منور»، «انراب رستی اسرین»، «ساحارهای انصافی»

● آموزش علوم اجتماعی (س ۴، ش ۱۳-۴، پائیز و زمستان ۱۳۷۱)
«تحلیل هدفهای درس داس اجتماعی مسرک در کله سته‌ها»، «بررسی مهاجرهای دحلی در ایران»، «سورنهای مهم د، ساحب اجتماعی- محیطی شهرها»، «راطه بانکاه اجتماعی ناهوس و سسرف تحصیلی»، «عیسب در جامعه‌سایسی»، «ادواج در جامعه سستی اغراب حورسان»

● آموزش فزیک (س ۸، ش ۳۰ و ۳۱، پائیز و زمستان ۱۳۷۱)
«نظور، زبان فایسی در اموس فزیک»، «ماجرهای فایسی»، «اراستکی در سسمهای سحده حانر۲ نول ۱۹۹۱ در فزیک»
● ریخته‌گری، نشریه جامعه ریخته‌گران ایران (س ۱۳، ش ۳، پائیز ۱۳۷۱)

«روسی نو جهت افرودن سسرم به مذات حدن در تولد قطعات ریخته سده در قالب فلزی»، «ریخته‌گری کامورنهای الومیسیم- کاربید سیلیسیم»، «سابع الودگی و روسهای تهونه در دوره‌های القایی»

(۲۱۴) ریگه قاسم آبادی، ابراهیم تاریخ و رحال شرق حراسان ح ۱ ولایت حواب، از قرن اول تا بهم هجری مشهد حاطر ۱۳۷۱ ۷۹۷ ص (۲۱۵) قاضی، محمد حاطرات یک مترجم اصهان ریده‌رود (و) چشم و چراغ ۱۳۷۱ ۴۵۰ ص، ۴۹۰۰ ریال

(۲۱۶) هشت، ورنو زندگی برتولت برشت ترحمه حاهد حهانشاهی بهران نمایش ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۳۳۲ ص مصور ۴۰۰۰ ریال
النوم مصوری اسب از زندگی برتولت برشت، نمایشنامه نویس سهر انبایی کتاب دارای مقدمه‌ای اسب به فلم ماکس فریس این کتاب از متس لدایی (۱۹۸۸) ترجمه سده اسب

(۲۱۷) یاحقی، محمدجعفر حریره بی‌اقتاب، گزارش سفر یکساله به انگلستان و اروپای عربی مشهد بی‌نا بی‌تا [توزیع ۱۷۱] ۴۱۳ ص ۲۲۰۰ ریال

سرخ حاطرات مؤلف کتاب اسب از سفر یکساله‌اس به اروپا (از سهر نور ۱۳۶۲ تا مرداد ۱۳۶۵)

(۲۱۸) ناداتشتهای علم، متن کامل دست نوشته امیراسدالله علم ح ۱ از ۱۳۴۷/۱۱/۲۴ تا ۱۳۴۸/۱۲/۲۹ ویرایش و مقدمه از علیقلی عالیحانی تهران کتاب‌سرا ۱۳۷۱ ۴۳۱ ص نمونه سند ۴۵۰۰ ریال
ناداتسهای علم کلا به سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۶ مربوط می‌سود کتاب حاصر بحسین محلد از ان یادداشت‌سب که فرار اسب در ۴ تا ۵ حلد و به بدرخ مسرر سود

جغرافیا

(۲۱۹) آیتی، محمدحسین بهارستان، در تاریخ و تراحم رحال قایبات و نهستان مشهد دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۷۱ ح ۲ چهارده + ۴۱۷ ص مصور فهرست راهنما ۳۰۰۰ ریال
(۲۲۰) طوبلی، عزیز تاریخ جامع بدرابری ح ۲ بی‌نا ناشر مؤلف ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۱۱۹۴ ص مصور

نشریه‌های علمی و فرهنگی

● بهداشت جهان، از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی (س ۷، ش ۳)
«موقعیت کنونی بیماری مالاریا در ایران»، «مالاریا قابل کنترل است»، «حطرات مالاریا در دوران حاملگی»، «چه کسی کس را به جهان عرضه کرد؟»، «تالاسمی»
● پیام یونسکو: دریچه‌ای گشوده بر جهان (س ۲۳، ش ۲۶۲، تاریخ انتشار بهمن ۷۱)

عنوان کلی این شماره «رمان و محیط‌ریست» است «رمان و طبیعت، سوبدی برای ما»، «اعلام حطر»، «حس کمرسد سرکنا»، «فراتر از جامعه مصری»، «رمان ساحل نا سسروی کویر منارده می‌کشد» «چه نسی واقعاً به حل مشکل محیط‌ریست علاقه دارد؟» در این شماره نا حانم‌اندا نا سسوا، فزیکدان و منارر قمییبس هندی، گفتگو سده است

«تحقیق و توسعه در ریخته‌گری حدن و رویارویی با دهه آخر قرن بیستم»، «بیرمهای ریخته‌گری»

● ریزپردارنده (س ۲، ش ۱۹ و ۲۰، فروردین ۱۳۷۲)

«حرا مردم فکر می‌کند کامیور می‌تواند فکر کند؟»، «حرا میسکی فکر می‌کند کامیور می‌تواند فکر کند؟»، «تفاوت هوس اسان و هوس ماسین»، «تحیلات هالیودی»، «لعرسهای فاحس میسکی»، «تعریف هوس مقسوعی»

● زمینه (س ۲، ش ۲۰، اسفند ۱۳۷۱)

«کارایی نگرش سسیمی در مدیریت»، «خصوصی‌سازی و تعدیل اقتصادی»، «اساسی با مفاهیم ادرس کالا در بازار»، «نگاهی به مانی ادرسی و فکری برنامه تعدیل ساحار اقتصادی»، «رسد اقتصادی جهان در سال ۱۹۹۲»

● سروش (س ۱۴، ش ۶۳۸)

«گذری به دسای درناف و بحس حیر»، «ایحه مردم در مورد برنامه‌های وره دهه فجر قعه‌اند»، «ماهواره و دسای برهیاوی رسانه‌ها»، «مخاطب چگونه حدب می‌سود»، «کار با چهارصد بارنگر، نگاهی به چگونه بهنه نك سرنال بلویربوی»

● سوره (دوره ۴، ش ۱۰، دی ۱۳۷۱)

«داسنام را حات کید اهای سردیر»، «گراس وره ویدنو و بعدهم ماهواره»، «مد حصوری ماسین»، «بادگار سالهای سن»، «کلام آخر در سسما کارگردان است»

● شفا (ش ۹، بهمن ۱۳۷۱)

«کاهش حارس و خلط بلاسمایی هسسامین در امر درمان با ادر وویس در سماران اورمک»، «اهراس فسارحون سرنایی علائم مسحص ندارد»، «بررسی حران خون سرنایی»، «بوزسنا و ارماس کامل ادرار»

● صایع: نشریه دانشجوان و فارغ التحصیلان دانشکده مهندسی صایع دانشگاه صنعتی شریف (س ۱، ش ۲، زمستان ۱۳۷۱)

«اساسی با مفاهیم TOM، TQC»، «فراند به ثارکیری بحمی در عملیات»، «انواع مسائل معادل‌سازی خطوط موبار»، «ملاحظات فاکورهای اساسی در طراحی سسسمهای صنعتی»، «تولید درسب و به موقع»، «سهای مختلف مردم در سارمانهای ایران»

● صنعت چاپ (ش ۱۲۲، اسفند ۱۳۷۱)

«گست و گذاری در عرفه»، «ار نگاه چهره‌های اسان»، «مماسگاههای سن المللی ۱۹۹۳»، «کسی می‌تواند استاد سود که همسه ساگردی کند»، «سنه‌سندی و سیوه‌های حاب»، «حاب و دگرگوهای بکولوریک»، «من با آمد به آینده حاب می‌نگرم»

● عکس (س ۷، ش ۱، پیاپی ۷۱، فروردین ۱۳۷۲)

«نگاهی به مقاله‌های کامرا ورك»، «کسف در عکاسی»، «عکس رنگی- عکاسی رنگی»، «فرهنگ عکاسی»، «عکاسی با دوربین قطع بررگ»، «معرفی عکاسان حوان»

● فصلنامه تحقیقات جغرافیایی: مجله علمی- پژوهشی گروه جغرافیای سیاد پژوهشهای اسلامی استان قدس رضوی (س ۷، ش ۴، زمستان ۱۳۷۱)

«رمه جغرافیایی حران لبنان»، «جهانگردان العالی در ایران (۱۹۵۰-۱۸۰۰)»، «بوسعه روسایی و الگوی مطالعات ناحیه‌ای (نمونه

موردی حت آباد)، «بررسی آرمایسگاهی واکسین بیحیده درهماهنگی رودخانه در بایین دسب محارن»، «براکدگی رمیههای کشاورری»

● کیهان فرهنگی (س ۹، ش ۱۱، بهمن ۱۳۷۱)

«آغار اسلام در اسپانیا»، «نطریه دینی دورکهایم»، «دوران گرفتگی»، «ساحارگرایی و نقد ادبی»، «کتاب سیاسی حهای ترجمه‌های قرآن کریم»

● گزارش کامپیوتر: ماهنامه انجمن انفورماتیک ایران (س ۱۴، ش ۶، نوروز ۱۳۷۲)

● مجله زبان‌شناسی: از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی (س ۸، ش ۱ و ۲، زمستان ۱۳۷۱)

«سحی ار تفاوتی فارسی ایران و تاحیکی»، «واره‌های فریکار در فارسی تاحیکی»، «برحی ملاحظات معنایی در دستور زبان رایا»، «رمان فارسی در عصر حافظ»، «طه‌سندی رده‌ساحتی فرهنگها»، «رناماسایی و رناماسایی کاربرد»

● مترجم (س ۲، ش ۴، زمستان ۱۳۷۱)

«ساحب گتمنایی و متنی رنامعات حیام»، «سه‌گونه ترجمه»، «معرفی ترجمه‌های برگزیده خند خاطرات»، «لعرسگاههای ترجمه ار عربی به فارسی و بالعکس»، «تکیکهای امورس ترجمه آمورس حسه‌های مختلف فعل»

● مجله سیاست خارجی: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (س ۶، ش ۴، زمستان ۱۳۷۱)

«معنای امیبت نظریه‌پردازی و ایحاد قواعد در رمیه امسب سن المللی»، «نطری بر انتخابات ریاست جمهوری ایالات منحه آمریکا»، «اراب فرومایی سوروی بر جهان سوم»، «نارباب بر وسترویکا و گلاسوسب در ارسن سوروی»، «ایران سسایی در راس»، «نگاهی به مسائل حرار اوموسی و سب کوچك و بررگ»

● مجله مطالعات آسیای مرکزی قفقاز: فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (س ۱، ش ۳، زمستان ۱۳۷۱)

«سحرایی دکترو لانی به مناسب بررگداسب استاد سهرنار»، «ناملی نطری سب به تأسر توسعه‌یافتگی سسایی بر فرومایی سوروی»، «کوسان‌ها»، «تاررححه حضور ایرانیان مهاجر در آسیای مرکزی در بیه دوم سده ۱۹ و اغار سده ۲۰ میلادی»

● ماهنامه فرهنگی و هنری کلك (ش ۳۶-۳۵، بهمن و اسفند ۱۳۷۱)

«ممدوح نظامی کیسب»، «احلاق در وراس و سر»، «هداب مانه‌گذار اسان سسایی»، «طرنامه‌های آدرنایحان»، «حسین‌خان دره سوری و انگیره امورس عساری»، «معامی کبیره مقصد السلطه»، «بورور و بهار در سحر قدیم راس»

● مسجد (س ۱، ش ۶، آبان- آذر ۱۳۷۱)

«روحانیت و رسالتهای امرور»، «نارهم چگونه تأثیر رمان و مکان در احتیاد»، «در سایه بهج اللاعه»، «مسر و حطانه در صدر اسلام»، «بروهسهای قرآنی در آلمان»

● نجوم (س ۲، ش ۱۷، فروردین ۱۳۷۲)

«تولهایی در دل رمان»، «معنای عبیر رنگ سحرای یمایی»، «تقو به عمومی سال ۱۳۷۲»، «تکوبراهه و بو احتر ۱۵۷۲»، «همسایگان ما در کهکسان»

بکته قابل ذکر در مورد مؤسسات اطلاع رسانی این است که دو گروه «بانکهای اطلاعاتی» در نمایشگاه وجود داشت گروه بانکهای اطلاعاتی علوم اسلامی (میل بانک اطلاعاتی بحارالانوار، وسائل السیعه، کتب سیح مفید، فرهنگ موضوعی قرآن، تفسیر المیزان) و گروه بانکهای اطلاعاتی عمومی و اطلاعات علمی و فنی

در حاشیه نمایشگاه

● حضرت ایت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در هفتمین روز از برگزاری نمایشگاه از این محل دیدن کردند در ضمن اس دیدار که قرب هشت ساعت طول کشید، رهبر معظم انقلاب بر لزوم توسعه و ترویج فرهنگ کتابخوانی تأکید کردند و مخصوصاً خاطر نشان ساختند که کتابخوانی باید برای جوانان و کودکان به صورت عادت در آمد این دیدار موجب دلگرمی فراوان جامعه ناسران شده است

● آقای مسیح حامی معاون، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که ریاست نمایشگاه را بر عهده داشت، اعلام کرد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور حمایت از ناسران داخلی مبلغ یکصد میلیون تومان کتاب ارشاد خریداری می کند و در اختیار کتابخانه های عمومی کشور قرار می دهد

● دکتر حسن حبیبی، معاون اول رئیس جمهوری، ضمن دیدار از نمایشگاه اعلام کرد که «دولت يك ميلنارد و دوست مليون تومان برای كلك نه سر كتابهای داسگاهی و امورسی و كتابهای مربوط به زبان و ادب فارسی اختصاص داده است و برای سر كتابهای فرهنگی و اجتماعي هم كمك مناسبی به ناسران داده می شود»

معاون اول رئیس جمهوری همجنس گفت که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوجه ای را برای كمك به مطوعات اختصاص داده است

● عرفة سلمان رُسدي که به ابتكار محله تهران داركائور سكيل شده بود، مورد توجه ناسراگران نمایشگاه قرار گرفت هر روز دهها كاریكاتور و طرح از طرف علاقه مندان به این عرفة ارائه می شد که در پایان به بهترین كاریكاتور روز يك سكه طلای بهار ارادی اهدا می گردید

● سمیاء «ترسی مسائل مطوعات»، که امسال برای دومین بار سكيل گردید، مورد استقبال مدح و ستایش و مخصوصاً اهل فلم قرار گرفت در طی سمیاء چندین از صاحب نظران از جمله دکتر گودرر افشار جهرمی ناسنده مدبران مسؤول مطوعات و كنومرت صابری مدبر كل افاسجرائی كردند صابری ضمن مطرح كردن كتاب مختلف گفت «فلم را حواهم سكيل اگر در راه نوحك سمردن ایران به كار رود»

تجلیل از استادان

در مراسم دومین دوره معرفی اساتید ممتاز مراکز امورش عالی که در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد، آقای هاشمی رفسنجانی گفت دانشگاه باید محیطی آزاد برای طرح نظرات و افكار ناسند تاراه درست انتخاب شود تنگ نظری در بحس علم به ضرر کشور است و ما باید بگران برخورد اندیشه ها در دانشگاههای کشور ناسیم

رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت راه ترفی کشور قطعاً از

در ایران، در جهان

نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

در سیمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران که در روز سیردهم اردیبهشت در محل دائمی نمایشگاههای بین المللی افتتاح شد و تا روز بیست و چهارم اردیبهشت ادامه داشت، بیست و یک هزار مؤسسه انتشاراتی، مطوعاتی، خدمات نشر و اطلاع رسانی داخلی و خارجی بالغ بر ۶۰ هزار عنوان کتاب را به نمایش گذاشتند

آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری، در مراسم افتتاح نمایشگاه که در حضور شخصیتهای فرهنگی و علمی ایرانی و خارجی انجام گرفت، «حامی» این دوره از نمایشگاه را مورد تأکید قرار داد و گفت بحسهایی که به جوانان و نوجوانان اختصاص داده شده است حرکت بسیار مهمی است و باید بیست و یک سال گذشته در این زمینه ها سرمایه گذاری کنیم و امیدوارم که همین حرکت نمایشگاه باعث شود تا اندیسمندان و هرمدان با تلاش بیستری در این زمینه در سالهای آینده تار کنند

رئیس جمهوری همچنین توحی را که در این نمایشگاه به اطلاع رسانی شده است مطلوب سمرد و مورد تقدیر قرار داد و گفت امیدوارم که این حرکت تار هم توسعه پیدا کند و همه حیر را در اختیار مردم قرار دهد

سانه گراس آقای احمد مسیح حامی، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در نمایشگاه امسال ۷۰۰ ناسر خارجی، ۵۲۶ ناسر داخلی، ۷۰ ناسر كتاب كودك، ۵۰ مركز خدمات سر افمی و حابی، ۳۹ مركز اطلاع رسانی، ۱۲۰ سریه داخلی و ۵۰۰ سریه خارجی سر كك داستند همچنین ۷۰۰ كتاب به صورت «دسك» عرضه شده بود

از امكانات تازه ای که در نمایشگاه امسال سس سبی شده بود، خرید كتاب خارجی تا مبلغ بیست هزار تومان و با ارز دلاری ۶۰ تومان بود همچنین سهرداری تهران حروه ای با عنوان كتاب و كتابخانه تهیه کرده بود که میان علاقه مندان توریع گردید

تکبره چهارم هر ارمس سال وفات سبع مئده که تا ساء هير معظه انقلاب
اسلامی در قم کسایس نابع به سرتک کیدتای در تکبره خصوصاً به
حامعه اسلامی عموماً فرصت داد تا نا حیه های مختلف سحسب اس
فقه و دانشمند بررک جهان سبع اسلامی سسر سدا شند
در ساء حضرت اب اللله حامه ای سحسب علمی و دینتاهای
فقهی، کلامی و فلسفی سبع مئده و نفس ای بررکوار در سب هوس

در پیام رهبر معظم انقلاب همچنین آمده بود که «هر که رنگی جدا از سرگذشت آن بزرگ را خوانده باشد نیک می‌داند که در رزمهٔ کسانی چون او - عرس سیر و خاک نشین - کمتر کسانی چون او در دوران زندگی ساخته شده‌اند. او را در ردی گیش حلقی بیسماری ساخته و بدودل سپرده و بر وار سکوهمندس را از مفسد تنگ حشم مادی دیده‌اند و اررمان اوتا مرور هزاران صفحه دربارهٔ او و فلسفه‌اش و کتابهایش فلم رده شده است. بارساسی نام آوری چون این بلندآواره مرد حکو به و به چه معنی است؟ در این باب سه دیدگاه با هم و در کنار هم سراوار زوف نگری است. بحسب نگاهی تازه به حکمت او - دوم نظری از سر عبرت به تأثیر این معرفت فلسفی در بنای شخصیت خود فیلسوف و سوم ردودن این گمان غلط که فلسفهٔ اسلامی از فرهنگهای میانهٔ هجری به حاموسی و افول و تکرار گراییده است.»

در بابان این کنگره سه روره، سرک کشندگان بر لزوم ایجاد مؤسسهٔ تحقیقاتی حکیم سزوازی با هدف تبیین بهتر آثار و تألیفات او تأکید کردند. در حاشیهٔ کنگره حدسب شعر و یک نمایشگاه کتاب برگزار شد و محسسهٔ او در میدان شهر برده برداسه شد.

برگزاری مراسم بزرگداشت شخصیت‌های بومی در شهرستانها از تارهای جویی است که در سالهای اخیر رواج یافته است و امید است به صورت سنتی مستمر در آید. این امر هم از ممرکز شدن امور در تهران می‌کاهد و هم موجب آسایش اهل علم و فرهنگ و بیر مقامات دیرط با شهرهای دور و نزدیک می‌شود و هم حب و حوسی در آن شهرها ندید می‌آورد که به هر حال سودمند است.

نام زبان فارسی در زبانهای فرنگی: Persian یا Farsi

نام فارسی را در زبان انگلیسی Persian (فراسه persan) گفته‌اند و س لفظ پیر کاملاً حسنهٔ بین المللی پیدا کرده است ولی اخیراً بعضی از برابیان کم اطلاع گاهی به جای Persian سعی دارند از تعبیر Farsi استفاده کنند و بعضی از خارجیهای کم اطلاع تر پیر از ایسان بیروی برده‌اند. به طوری که برای عده‌ای این سؤال مطرح شده است که آیا زبان فارسی را در زبان انگلیسی باید Persian نامند یا Farsi. این پرسش د طی نامه‌ای که از طرف وزارت امور خارجه، دفتر تجارت استرالیا، به فرهنگستان زبان و ادب فارسی بوسه شده بود مطرح گردید، و فرهنگستان در سی و چهارمین جلسهٔ خود که در تاریخ ۷۱/۹/۱۶ تشکیل داد به اتفاق آراء تصویب کرد که نام زبان فارسی در همهٔ مکاتبات رسمی در زبانهای فرنگی به همان صورت سابق، یعنی در انگلیسی Persian، در فراسه persan و هکذا در آلمانی و زبانهای دیگر اروپایی - شرقی شود. از جمله دلایل فرهنگستان در این مورد این بود که

(۱) کلمهٔ Persian فرهاست در آثار و اسناد و مدارك علمی و فرهنگی و ساسی به همین صورت به کار رفته است و از این طریق بار معنایی و فرهنگی و تاریخی سنگینی پیدا کرده و تعبیر آن به Farsi در حکم نفی و -دیده گرفتن این سابقهٔ دیرینه است.

(۲) تبدیل Persian به Farsi این توهم را ممکن است بدید آورد که سخن بر سر زبان تازه‌ای است غیر از آنچه عربیان به این نام می‌ساخته‌اند، و چه بسا بیاب اصلی بعضی از اسخاصی که به جای Persian لفظ Farsi را به کار می‌برند ایجاد همین توهم باشد.

(۳) حرکتی که برای نشان دادن عنوان تازهٔ Farsi به جای عنوان حا افتاده و شناخته شدهٔ کنونی (Persian) صورت می‌گیرد چه بسا ناظر به افای این معنی باطل باشد که زبان مورد نظر زبان ناحیهٔ معینی است به زبان فراگیر کنسوری.

(۴) حوسختانه تعبیر Farsi (به جای Persian) در هیچ يك از بوسه‌های تحقیقی و اسناد دانشگاهی در زبانهای خارجی راه نیافته و بیشهاد کاربرد آن احتمالاً به قصد ایجاد تشتت و ابهام در مورد آن زبان رسمی کنسور ماسب.

چند خبر دانشگاهی

● شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه‌ای به ریاست آقای هاسمی رفسحایی، رئیس جمهوری، قسمهایی از حط مشی بحس آموزش عالی را در برنامهٔ محسالهٔ دوم تصویب کرد که اهم آنها عبارتند از «اعطای محورهای قانونی ایجاد تسکیلات مناسب برای ادارهٔ سروهای انسانی، سازماندهی امور مالی دانشگاهها، اتحاد روسهای مناسب تأمین منابع مالی و امکان هزینه کردن آنها توسط دانشگاهها برای روی فعالیت‌های بروهسی، سهم هر دانشگاه از منابع دولتی به ساسب کیفیت، تعداد دانشجو، موقعیت و سراط اسفرار دانشگاه، اختیاران دانشگاهها برای تأمین کادر علمی از جمله انعقاد فرار داد با مراکر معسر علمی جهان و اعطای بورس تحصیلی و همحیی اسحاب دانشجوی کارسباسی ارشد و دکترا، اتحاد سیاسهای لازم برای گسترس کمی و تعمیم و ارهای کمی بروهسی و بهادی کردن آن در دانشگاهها، افراس مسارک مردم در بوسهٔ امورس عالی با توسعهٔ غیردولتی و امکان سرمایه‌گذاری بحس غیردولتی و افراد حیر خواه ایجاد و بهره‌برداری از حوانگاههای دانشجویی، احارهٔ احد بخشی از هزینه‌های سرائهٔ تحصیلی از دانشجویان در بحس امورس عالی دولتی به گونه‌ای که مانع با محدودیتی برای ادامهٔ تحصیل افراد مستعد و کم‌درآمد ایجاد نکند. بازنگری در برنامه‌های درسی و شیوه‌های متداول تدریس در دانشگاهها، بقوبت امورس بیس دانشگاهی، اصلاح نظام گریس دانشجو، تداوم بوسهٔ دوره‌های تحصیلات تکمیلی، توسعهٔ دوره‌های کاربردی و برنامه‌های امورس اراد، اصلاح مقررات حد و تأمین استخدام اعضای هئاب علمی و برگزاری دوره‌های کارگاهی امورسی، سمسارهای علمی برای انکه اسنادان و محققان به یافته‌های حدید علمی و تکنولوریک دست یابند»

● در سسب مسترك مسوولان وزارت امور خارجه و رؤسای داسکده‌های حقوق دانشگاههای تهران و شهید بهسینی، این دو داسگاه آمادگی خود را برای تأمین سروی محصص مورد نیاز وزارت امور خارجه اعلام کردند. در بابان این دندار دکتر علی‌اکبر ولایتی ۲۵۰ حلد کتاب تحصصی به کتابخانهٔ داسکدهٔ حقوق دانشگاه تهران اهدا کرد.

● در گردهمایی مسوولان دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کنسور که در داسگاه فردوسی مشهد برگزار شد، دکتر مصطفی معین اعلام کرد که در سال ۱۳۷۰ تعداد بابان نامه‌های تحصیلی به ۲۲۵۲ مورد رسیده است و ۷۰۰ رستهٔ حدید مورد تصویب فرار گرفته است و ی افرو که بودهٔ داسگاهها که در سال ۱۳۶۸ در حدود ۷۳/۱ میلیارد ریال بود، در سال ۱۳۷۲ به ۳۵۳/۴ میلیارد ریال افراش یافته است.

● شورای عالی برنامه‌ریزی در جلسه دوسب و سجا و سجم خود به ریاست آقای دکتر مقصودی معین، وزیر فرهنگ و امور عالی، برنامه‌های آموزشی دکترای فیزیک، زمین‌شناسی و فیزیولوژی گیاهی، و نیز دوره‌های کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته‌های امار، ریاضی (محض، کاربردی، دبیری) تصویب کرد

همچنین به موجب برنامه‌های آموزشی جدید در رشته‌های ریاضی تعداد ساحت‌های ریاضی از سب ساحت به سه ساحت تقطیل یافت و تعداد واحدها که فلا سب ۱۴۲ تا ۱۴۶ واحد بود به ۱۳۲ تا ۱۳۵ واحد کاهش داده شد

● داسکدهٔ ترسکی فاطمهٔ قم (ورقهٔ خامها) همزمان با میلاد امام حسن محبی (ع) گسایش یافت در اولین دورهٔ این داسکده ۱۱۰ داسحو سرکت دارند

نشریه‌های تازه

بارار انتشار سربیه‌های تازه همچنان داغ است و هر خندگاه بکارشربیهٔ جدیدی به صورت رورنامه یا هفته‌نامه یا ماهنامه و یا فصلنامه بر سباط رورنامه‌روسیها یا در ففصهٔ کتابروسیها ظاهر می‌سود آنچه در خندماه اخیر به دسب گراسرگر رسیده به شرح ریر است

● پژوهشگران، شربیهٔ حبری داخلی مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگي (پروهشگاه) است که سمارهٔ اول آن در امان ۱۳۷۱ منتشر شد و فرار بود به صورت ماهنامه در آید اما عملا به فصلنامه تبدیل شد در «سلام اول» سمارهٔ اول، که حای «سرمقاله» را گرفته است، تأکید شده است که «در سب کشور ما از دیربار تمام احترام مردم متوجه به متفکرانی بوده است که برای دین و دسا و آرامس معنوی یا رفاه مادی مردم می‌کوشیده‌اند و از حجم کتابهایی که دربارهٔ هر یک از متفکران علوم گوناگون در ایران نوشته شده در می‌یابیم که نوشته‌های مربوط به اندیشهٔ متفکران و محققان ایرانی بارها بیش از آناری است که در موارد صرفاً تاریخی یا دربارهٔ جهره‌های سیاسی و نظامی به تحریر در آمده است () ما با سستی که در تحقیق فرهنگی و علمی، شایستگی اتحاد برای پیشرفت در پژوهش را داریم، آنچه کم داریم ارتباط مسجم و در طرفه همراه با تواضع علمی است که شرط اول کاری حدی است و اولین سمارهٔ پژوهشگران به تبٔ ایجاد ارتباط بین پژوهشگران ایرانی در زمینهٔ علوم اساسی» منتشر می‌شود

این سماره حاوی اطلاعاتی دربارهٔ فعالیتهای «پژوهشگاه» و شعبه‌های آن، گفت‌وگوهایی با وریر فرهنگ تاحیکستان و رئیس بخش ایران‌شناسی دانشگاه «هن کوك» کره، و گزارش‌ی دربارهٔ «کتابخانهٔ استاد میوی» است

● دنیای تصویر، شربیهٔ فرهنگی و هبری است که سمارهٔ اول آن در بهمن ۱۳۷۱ منتشر شد تا جابکه در «سحی در آغار» آن آمده است، این سزال را مطرح کند که: «با توجه به محدودیت در کمیت ساحت‌های تصویری کشور ما چند شربیهٔ سینمایی و هبری می‌تواند با سحگوی کثات آن پدیده‌ای باشد که در جامعهٔ تصویر و ایمازهای تصویری ساخته می‌شود؟» بویژه که «بخش امواج ماهواره‌ای امروز از فصای آبی آسمان کشور ما هم عور می‌کند و با درج تمام می‌بیم [که] سیاری از «نوشتر اندیشان» را نیز درک درستی از وسعت «حضور نامارک» آن بیست ..» در دنیای امروز که «سینما یک ندیدهٔ جهانی

● است و تلویزیون برای حضور در دورافتاده‌ترین حابه‌های کوه و دسب از ماوراء حو و الحسفر زمین می‌گذرد سربیهٔ هبری، خود یک هویت مستقل از منابع ساحت و برداحت تصویر دارد و انگیرهٔ وجودی آن به وجود سینما و هر وابسته است و دنیای تصویر خود را برآوردهٔ آن بخش از بار دوستداران و علاقه‌مندان هبری می‌داند که به «نفس هبر، سوی هبر و به عسق تعالی و نکوین هر آنچه در کادرهای رایج «تصویر» رح می‌نماید، می‌اندیشد»

● زمان، ماهنامه‌ای علمی-بروهی است که بیس سمارهٔ اسفندماه آن در اواخر فروردین مسر شد و «حارجوب آن برداحت به موضوعهای بروهی و آموزشی است و در برنامهٔ ساحتاری آن، اصل را بر آموزش به معنای اعم گذاشته‌اند هدف این سربیه آموزش دادن با تسویق به آموختن موضوعی معین بیس هدف گردآوری و ارائهٔ اطلاعاتی دربارهٔ این نکته است که هفی کسانی اراده کرده‌اند با ناچار سده‌اند حیری یا حیرهایی را بیامورید یا بیاموراند چگونه و با [چه] روشهایی عمل کرده‌اند»

این سماره حاوی مقالات و گزارشهایی دربارهٔ داسگاه بیرجند، داسگاه آزاد، اررسیایی مدارک تحصیلی، آموزش عالی در جهان [اتارویی و کانادا]، آموزش زبان خارجی، آموزش موسیقی و است سکل ظاهر این شربیه-مخصوصاً فهرسب دو صفحه‌ای مدرحات و ذکر شرح سبسا مفصل عواها در این دو صفحه- حکایت از تحریر کم‌گرداسدگان آن می‌کند و اگر از همکاری افراد با تحریر برحوردار نشود می‌تواند به صورت شربیه‌ای مطلوب در آید

● فصلنامهٔ زنده‌رود، «فصلنامهٔ فرهنگ، ادب و تاریخ» است که در اصصهان و طعنا به انتکار اصصهایی حوس دوی و مضمون آفرین مسر می‌شود که حواستشان «هراثر رفتن، آموختن و هراگرفتن است» و لذا تلاسشان مصروف «طرح هر چه بیشتر دیدگاههای بعد امروز و گسودن دریچهٔ محب و نقد است، به بویژه بیرامون امار هبرمندان کشورمان» البته بعد شعر و داستان، و نقل «داستان یا داستانهایی از نویسندگان خارجی با ترجمه‌ای درحور» و نیز «محب و بررسی در ادبیات کهس فارسی با موازین نقد امروز و همچنین برداحت به فرهنگ و تاریخ و سینما و تئاتر و هرهای تحسیمی» هم فراموس می‌سود این سمارهٔ فصلنامه در قطع مناسب و حروفچینی جسم بوار و همراه با تعداد قابل توجهی تصویر حاب سده است

● فصلنامهٔ نور، ارگان دانشگاه پیام نور است که در سمارهٔ اول از مطالبی درباب متون درسی زبان تحصصی ادبیات، گزارش فعالیت چهارسالهٔ گروه ادبیات فارسی، تاریخچهٔ سرفی فارسی، گزارش سکل گرفتن دانشگاه پیام نور، راههای تربیت بهتر دانش‌آوران و بعد و بررسی کتاب آمده است

● مالیات، محله‌ای است «مالیاتی، اقتصادی، اجتماعی» که سمارهٔ اول آن در فروردین مسر شد و حاوی مطالبی است دربارهٔ «تسجیح

● در نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودکان که با شرکت ۱۳۸۰ ماسر
ار ۶۱ کشور جهان در بولونیا (ایتالیا) برپا شد، ایران با ۴۰۰ عنوان
کتاب از هفت ماسر شرکت کرد در این نمایشگاه همچنین هفت هزار اثر
از تصویرگران کتابهای کودکان به نمایش گذاشته شده بود.

● ایران با ۱۱۷ عنوان کتاب در کنار یازده کشور دیگر در نمایشگاه
بین‌المللی کتابهای کودکان و نوجوانان در انکارا شرکت کرد.

● در سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ابوظبی ایران با بیش از
هزار عنوان کتاب شرکت کرد.

● نمایشگاه فرهنگی-هنری جمهوری اسلامی ایران در عسقلاناد،
باینتب ترکمنستان گسایش یافت. این نمایشگاه شامل صنایع دستی و
اناری از فعالیتهای فرهنگی و مطبوعاتی ایران بود.

● در دانشگاه کراکف در ورسو، باینتب لهستان، یک نمایشگاه ادبی
و هنری ایران تشکیل شد که در آن چند کتاب خطی از نمونه‌های قدیمی
ساحنامه و گلستان و نمونه‌هایی از کاسی، فالیحه، نارجه‌های ررناف و
صنایع دستی ایران به نمایش گذاشته شده بود.

● در سحاه و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی صنایع دستی شهر
فلورانس در ایتالیا نمونه‌هایی از فرش، گلیم، نارجه‌های فلمکار، صنایع
خرمی، تولدات سیسه‌ای، مصنوعات نره‌ای و مسی، حاتم کاری به
نمایش گذاشته شد.

● در نمایشگاه بین‌المللی ناعانی و گلکاری که در اوایل اردیبهشت
در اسونگار (آلمان) با شرکت چهل کشور تشکیل شده است و تا
اواخر مهر ادامه دارد، «نار ایران» به مساحت ۶۰۰ متر مربع با عرضه
انواع درختها و گلهای محتص ایران، نظر تماشاگران را به خود جلب
کرده است. طرح نار از روی نار هس کاسان تهیه شده است.

● گروهی از هنرمندان دسه‌های موسیقی و هنرهای بحسمی ایران
به دعوت سفارت ایران در لندن به انگلنس رفتند و برنامه‌هایی در چند
شهر اجرا کردند.

● مدال طلا و لوح هدیه نمایشگاه بین‌المللی نقاشی کودکان در
راس نصیب هیمه اختری داس امور ایرانی شد.

● در مسابقات بین‌المللی نقاشی کودکان که در محارسان برپا شد
چهار داس امور سمنانی برنده جایزه شدند.

● در نمایشگاه جهانی آثار تصویرگران کتابهای کودکان که در
بولونیا ایتالیا برگزار شد، اکثر بکان نور برنده جایزه نمایشگاه
گردید.

● در هفدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم هنگ کنگ چندین
فیلم از ایران به نمایش درآمد که از آن جمله است حانه دوست
کحاسب، مسی سب، زندگی ادامه دارد.

● فیلم «نار»، ساحنه علیرضا داوودرادی در هفدهمین جشنواره فیلم
دلیولد امریکا شرکت کرد.

● در سی و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلمهای کوتاه در اوپرهاورن
(آلمان) دو فیلم «تیدن» و «ریسه‌ها» از ایران به نمایش گذاشته شد.

● فیلم «دوستی در بلندیها» ساحنه حسینعلی فلاح حهکو در
ناردهمین جشنواره بین‌المللی فیلمهای کوتاه مونرنال کانادا شرکت
کرد.

● هفته فیلم ایران در شهر دوسه برگزار شد و چند فیلم ایرانی از
حمله افی، کابی مانگا، طلسم، ناسو عربنه کو حک نمایش داده شد.

مالیات بر درآمد فعالیتهای بیمابکاری، «حرفه مساوره مالیاتی»،
«بیمه‌های انکابی»، «گریده‌های تاریخی»، «سیاستهای مالی برای
کنترل آلودگی»، «سیاستگذاری و اصلاح نظام مالیاتی»، «اصطلاحات
مالیاتی»، «خبرها، معرفی کتاب، مفراب، آرا و بحثنامه‌های مالیاتی»
مجله مالیات که به همت داسکده امور اقتصادی منتشر می‌شود یک
مجله تخصصی است و می‌تواند برای اهل فن سودمند باشد بهای اینکه
کسف رمر اسم آن فی الواقع دسوار است و بالای مجله گسوده سود
درک صورت آن تقریباً ناممکن می‌ماند.

● مجلس و پژوهش، نشریه‌ای است که به مدیریت دکتر
محمدحواد لاریجانی به وسیله «مرکز پژوهشهای مجلس شورای
اسلامی» منتشر شده است و حکم ارگان پژوهشی مجلس را دارد. این
سماره با مقاله‌ای با عنوان «پروهنس و مجلس» آغاز شده است و در آن
هدیه‌های سربه نیبب گرده است مصاحبه با حجب الاسلام ناطق
پوری رئیس مجلس در مورد نفس و حانگاه «مرکز پژوهشها» در نظام
نارنمای ایران، «سبکه ملی اطلاع‌رسانی»، «برنامه‌ریزی و توسعه
سعی در راس»، «نفس مدیریت در انتقال تکنولوری و توسعه صنعتی»،
«مدرس، مجلس و ناریح» مطالب اصلی مجله را تشکیل می‌دهد.

● نمای تربیت، فصلنامه تربیتی یوسکو است که سماره اول دوره
جدید آن نارگی منتشر شده است و شامل عناوین زیر است رویدادهای
برحسته، قوم مداری در تعلیم و تربیت، ایده برنامه‌ریزی و آموزش،
سراط آموزش و یادگیری در کشورهای در حال توسعه، حسب و حوی
الگوهای جدید برای برنامه‌ریزی آموزش و پرورس، آموزش و پرورس
و نار و استعمال در کشورهای پیشرفته و بعد و معرفی کتاب.

● هستی، فصلنامه‌ای است در زمینه تاریخ و فرهنگ و مدن، به
مدیریت آقای دکتر محمدعلی اسلامی بدوس، که تاکنون دو سماره از
آن مسسر شده است هدف از انتشار این فصلنامه، حنانکه در مقدمه آن
آمده این است که «روزی از بیارزمان را بر کند ریرا که ایران بیر نار
به این دیدو دارد قدری در حهاس را نار کیم؛ تراکم حواد، اسوه
بدیسه‌ها، سحها و کردارهای صواب و خطا فضای تاریخی را اساسه و
بحار آلود کرده [الله] الآن همه کسورها با مسئله روه‌روهنسند، ریرا
دیا در حال حرحسی سگرف فرار گرفته [در این نار] تکلیف
شورهای ضعیف اول از همه آن است که در درون خود مسیب بهند
نارمایی که این کار شده، مررهای مملکت به روی هر بوع فسار بیرونی
نا، حواد ماند و هستی قدم به حلو نهاده برای آنکه در حد و سع و
مکان خود به این «ساحب» کمک کند»

فعالیتهای فرهنگی در خارج

فعالیتهای فرهنگی ایران در خارج از کشور به صورت شرکت در
نمایشگاههای فرهنگی-هنری، کتاب، عکس و نمایش فیلم
سیار بردامنه و متنوع است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود.

تحصیل اشتغال دارند و این امر شایه توحه دولت ایران به گسترش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی است

● مالزی

استاد ممتاز مؤسسه اندیشه و تمدن اسلامی در مراسمی که در کوالالامپور پایتخت مالزی برگزار شد، اعلام کردید که دکتر مهدی محقق به عنوان استاد ممتاز مؤسسه بین المللی اندیشه و تمدن اسلامی شناخته شده است

سید محمد نقیب الطاس رئیس این مؤسسه ضمن قدردانی از رحمت دکتر مهدی محقق و تشکر از همکاری وی با آن مؤسسه، سابقه علمی دکتر محقق را بر شمرد و از خدمات او به عالم اسلام تشکر کرد

هدف این مؤسسه که از نظر علمی و اداری استقلال دارد، به حریان انداختن مطالعه و تحقیق و تحلیل و توضیح مفاهیم کلیدی اسلامی است

دکتر مهدی محقق تاکنون دو دوره در سطح فوق لیسانس و دکترا در این مؤسسه تدریس کرده است

● سریلانکا

آمادگی برای تأسیس کرسی زبان فارسی

وریر امور عالی سریلانکا، در دیدار با سفیر جمهوری اسلامی ایران در آن کشور آمادگی کشور خود را برای تأسیس کرسی زبان فارسی در دانشگاه کلمبو اعلام کرد و گفت جنانچه ایران يك استاد و دو استادیار به آن کشور اعزام کند، این امر تحقق خواهد یافت در این دیدار همچنین موضوع تأسیس يك مدرسه ابتدایی ایرانی برای مسلمانان سریلانکایی مطرح شد و مورد تأیید قرار گرفت

علاوه بر این در دیدار سفیر ایران با وریر فرهنگ و اطلاعات سریلانکا موضوع گسترش روابط فرهنگی دو کشور از جمله ترجمه و چاپ آثار بررگان علم و ادب دو کشور به زبانهای فارسی و سیهالی مورد بحث قرار گرفت

● تاجیکستان

تدارك بزرگداشت فردوسی

چند مؤسسه فرهنگی تاجیکستان، از جمله وزارت فرهنگ، آکادمی علوم، پژوهشگاه تاریخ و باستان شناسی و مردم شناسی، سیاد بین المللی دارند، انجمن بین المللی فرهنگی تاجیکان و فارسی زبانان (بیود) و نیاد بین المللی زبان فارسی با همکاری چند مؤسسه ایرانی از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز ایران شناسی (در وزارت امور خارجه) در نظر دارند در دهه اول شهریور آینده يك «سمپوزیوم» بین المللی شاهنامه فردوسی، پدیده بزرگ فرهنگی در تمدن جهانی برگزار کنند.

در این گردهمایی که جنبه بین المللی دارد، درباره چهار موضوع عمده بحث می شود:

- ۱) زمان حکیم فردوسی و نقش تاریخی آن در رشد ستهای کلاسیک
- ۲) زمینه های کلاسیک ابداعات مردم ایران و نقش آنها در رشد جهانی؛

ترجمه و چاپ چند کتاب

در طی ماههای اخیر چند اثر فارسی در کشورهای دیگر ترجمه و منتشر شد که از آن جمله است.

- ماده عشق، نوشته حضرت امام خمینی (رض) که به همت هراپر موسیان به زبان ارمنی ترجمه شده و استیتوی حاورشناسی و بخش ادبیات ملل اسلامی دانشگاه ایروان آن را چاپ کرده است
- کتاب نظام حقوق زن در اسلام اثر استاد شهید مرتضی مطهری به بلغاری ترجمه شده و در بلغارستان انتشار یافته است
- سفرنامه ناصر خسرو که در بیش از نیم قرن پیش به وسیله ملنسر، حاورشناس نامدار اتریشی به آلمانی ترجمه شده بود، به وسیله دانشگاه گراتس اتریش چاپ و منتشر شد
- سر کسولگری جمهوری اسلامی ایران در استانبول دو جلد فرهنگ فارسی-ترکی استانبولی، و ترکی استانبولی-فارسی، اثر دکتر محمد کانار استاد دانشگاه استانبول را منتشر کرد.

● ازبکستان

اهدای کتاب

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیش از ۴۰۰ جلد کتاب به مؤسسه حاورشناسی اوریحان بیرومی در تاشکند اهدا کرد

اهدای این کتابها در جریان برگزاری نمایشگاه فرهنگی-هری جمهوری اسلامی ایران در پایتخت تاجیکستان و سفر يك هیأت ایرانی به آن کشور انجام گرفت در ضمن برگزاری نمایشگاه چند برنامه موسیقی ایرانی به وسیله هنرمندان ایران اجرا شد

● قرقیزستان

گسترش همکاریهای فرهنگی

در جریان دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران از قرقیزستان، دو کشور برای گسترش همکاریهای فرهنگی و ایجاد زمینه های مناسب برای فعالیتهای جهانگردی به توافق رسیدند

ایجاد دفاتر خبرگزاری، نمایشگاه کتاب، مبادله نشریه و کتاب، برگزاری هفته های فرهنگی، برگزاری سمینارهای مشترك اسلام شناسی و شرق شناسی از جمله مواردی است که مورد موافقت دو طرف قرار گرفته است ایران همچنین در زمینه مرمت آثار تاریخی قرقیزستان همکاری خواهد کرد

● آلمان

تجدید فعالیت انجمن دوستی

انجمن دوستی ایران و آلمان پس از سیزده سال وقفه بار دیگر فعالیت خود را در س و مرلی آغاز کرد

در مراسمی که به همین مناسبت در پایتخت آلمان برگزار شد، آقای کای اووه مون هاسل، رئیس انجمن، گفت: رابطه ایران و آلمان از اهمیت خاصی برخوردار است و باید برای تقویت آن کوشید و لذا ضمن احترام به حقوق بشر، احترام به اسلام هم مورد تأکید مردم آلمان قرار دارد.

در این مراسم چند شخصیت ایرانی و آلمانی از جمله برگ علوی و برت فراگنر صحبت کردند. فراگنر که رئیس انجمن ایرانشناسان اروپاست، گفت که هم اکنون به دانشجوی آلمانی در دانشگاه تهران به

۳ تمدن موسیقایی مردم ایران و آسیای مرکزی؛

۴ ساهنامه فردوسی و امروز.

کمیته تدارکات سمپوزیوم از علاقه‌مندان دعوت کرده است در این
گردهمایی شرکت کند. ساسی آن این است
ناحیکستان،

دوشنبه، حیابان رودکی، شماره ۳۳،

پروهنشگاه تاریخ و باستان ساسی،

دکتر عسکر علی رحب‌راده

● چین

چاپ دو مجموعه از ادبیات فارسی

دو مجموعه از ادبیات فارسی که به زبان حبیبی ترجمه و انتشار یافته،
اخراً به لطف آقای دکتر مظفر بحیار به دفتر نشر داس رسیده است.
مجموعه اول گزیده آثار ادبیات ایران نام دارد و مشتمل است بر
گزیده‌ای از بهترین اسعار ایرانی از روزگار قدیم (اوستا) تا امروز و به
دهجدا پایان می‌یابد و با شرح مختصر احوال ساعران و نویسندگان و
بوصیحات لازم همراه است. این مجموعه که با همکاری دانشگاه تهران
و دانشگاه پکن و به کوشش آقای خه‌نا- نیس فراهم شده به صورت متن
درسی دانشگاهی در آمده است. عنوان روی جلد آن اثر حی‌گون،
بررگزترین حوسویس امروز چین است.

مجموعه دوم برگزیده‌ای است از رباعیات فارسی با عنوان
براه‌های مهر که آقای جانگ‌هوی به حبیبی ترجمه کرده است.
جانگ‌هوی تاکنون چند متن قدیم فارسی را ترجمه و منتشر کرده است.

● فرانسه

“ترین”های عالم کتاب

مجله فراسوی لیر / *Lire* که به معرفی و نقد کتاب اختصاص دارد، در
شماره فوریه (بهم) گزارش مفصلی درباره “رکودداران” عالم کتاب و
بوسندگی چاپ کرده است که خلاصه آن در اینجا نقل می‌شود. ناگفته
نماند که این گزارش فقط ربانهای اروپایی و مخصوصاً فراسوی را
در بر می‌گیرد و در آن استثنائاً به یکی دو مورد عبراروبایی اشاره شده
است.

این گزارش شامل دو بخش است. نویسندگان و کتابها از بخش
بوسندگان چنین بر می‌آید که

○ گراثرین بویسنده، استعان کیگ، آمریکایی ۴۵ ساله و
محصص در زمان دلهره، است که در سال ۱۹۸۹ بیست و شش میلیون
دلار برای چهار رمان نانوسته دریافت کرد. آثار او از برهوش‌ترین
کتابها هستند و فروش هر یک از آنها از مرز یک میلیون سخته در زمان
اصلی در می‌گذرد.

○ برترجمه‌ترین نویسنده، آگاتا کریستی است که بر حسب آماری
که بوسکو در سال پیش منتشر کرد، کتابهایش در ۲۳ کشور و ۲۶۹ بار
ترجمه شده است. آثار ژول ورن نیز ۱۸۵ بار در ۲۴ کشور جهان ترجمه
شده است.

○ سیمایی‌ترین قهرمان، شرلوک هولمز، آفریده کاش دوپل است که
در طی سی سال از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ نزدیک به ۲۰۰ فیلم از روی آن ساخته
شده و ۷۲ نفر نقش شرلوک هولمز را بازی کرده‌اند.

○ شاغل‌ترین نویسنده، روبیر ساباتی به فرانسوی است که دست

کم عضو بیست هیأت داوری ادبی است از جایزه گنکور و فرهنگستان
ملازمه و جایزه آنولیر گرفته تا جایزه بررگ رمان فراسوی

○ مفس‌ترین برنده گنکور، مارگرت دوراست که در هفتاد سالگی
برنده شاخته شد.

○ برخواستنده‌ترین بویسنده، راکلین سوران آمریکایی (۱۹۲۱ تا
۱۹۷۴) بود که امزش به نام دره اسباب‌ناریها در ۱۹۶۶ منتشر شد و
تاکنون ۲۸،۷۱۲،۰۰۰ سخته از آن فروخته شده است.
و آثا در بخش کتابها، وصیب به طور خلاصه چنین گزارش شده
است.

○ بررگزترین کتاب، *Super Book* است که در ۱۹۷۶ در کلرادو
ساخته شد و فی که آن را نامی کند ۲/۷۵ متر در ۳/۰۷ متر طول و
عرض دارد، دارای ۳۰۰ صفحه ر ۲۵۰ کیلوگرم وزن است.
○ کوحتکترین کتاب، *Old King Cole* نام دارد و در ۱۹۸۵ در انگلیس
حاج شده است. یک قصه برای کودکان است با طول و عرض یک
میلیمتر در یک میلیمتر.

○ طولانی‌ترین خاطرات، اثر سرهنگ ارسب لغتوس است که
تحریر خاطرات خود را در دوازده سالگی در سال ۱۸۹۶ آغاز کرد و در
صدوسه سالگی در سال ۱۹۸۷ به پایان برد. این مجموعه بالغ بر
۱۶،۹۰۰ صفحه است.

○ طولانی‌ترین شعر، «مانا» نام دارد و یک حماسه سردمی فرهیر است
بالغ بر ۵۰۰ هزار بیت که در ۱۹۵۸ حاج شده است.

○ طولانی‌ترین رمان، راسو، (۱) منظور از «راسو» در اینجا کلمه
یا حمله‌ای است که از آخر میل اول خوانده شود مثلاً «گرگ»، «داماد».

○ طولانی‌ترین رمانی که دارای این خصوصیت است *Dr Awkward and Olson in Oslo* نام دارد که به وسیله لارس لویس آمریکایی در ۱۹۸۶
چاپ شده و دارای ۳۱۵۹۴ کلمه است.

○ اولین کتاب حاجی، *احیل گوب‌رگ* است که در ۱۴۵۴ در مایس
حاج شد.

○ قدیمی‌ترین متن فراسوی که شاخته شده است سوگند
استراسورگ نام دارد که در سال ۸۴۲ کتاب شده است و شرح
هم‌بیمایی دو تن از سیران سارلمایی علیه پسر سوم اوست.

○ اولین کتاب فراسوی که به چاپ رسید، وفایع فراسه است که در
۱۴۷۶ چاپ شده است.

○ برکارترین دایره‌المعارف بویس، روزه کاراتینی فراسوی است
که در ۱۹۲۴ متولد شد و در فاصله ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۵ به تنهایی
دایره‌المعارف بورداس را در ۲۳ جلد تألیف کرد.

○ برکارترین بویسنده، لوبد وگای اسپانیایی است (۱۵۶۲ تا
۱۶۳۵) که محمله ۱۸۰۰ نمایشنامه کمدی و ۴۰۰ درام مذهبی نوشته
است. سن‌راو یورف ایگناس کراشوسکی لهستانی حای دارد که بیش
از ۶۰۰ جلد کتاب نوشته است و سن‌راو از رزرسیمون نام می‌برد با
۱۹۰ رمان با نام مستعار، ۱۹۳ رمان با نام اصلی، ۲۵ رندگینامه و در حدود
هزار قصه.

○ سیمایی‌ترین بویسنده، ویلیام شکسپیر است که بیش از ۳۰۰
فیلم از آثار او به روایت‌های مختلف تهیه شده است.

○ درارترین رندگینامه، شرح حال سروینستون چرچیل اثر مارتین
حبیرت است در ۱۶۷۴۵ صفحه (۸ جلد و ۸ میلیون کلمه، منهای

مجلدات صمیمه و نامه‌ها و بایگانیها)

○ پرفروش‌ترین کتاب در جهان، *انجیل* و پس از آن کتاب *سرخ حبیبی* مانوتسهدون است.

○ قدیمی‌ترین ناسر فراسوی، برره - لهورو نام دارد که در ۱۶۷۶ تأسیس شده است

○ بزرگترین کتابخانه جهان، کتابخانه کنگره آمریکا در واشینگتن است با بیش از ۸۸ میلیون نسخه مطبوعه (مجموعه ۲۶ میلیون جلد کتاب چاپی) در ۸۵۶ کیلومتر قفسه و ۲۶ هکتار محوطه

○ درازترین کلمه، یک کلمه سوئدی است دارای ۱۳۱ حرف که ترجمه آن معادل یک عبارت چند سطری است درازترین کلمه فراسوی *anticonstitutionnellement* است که ۲۵ حرف دارد

○ برترجمه‌ترین کتاب، *انجیل* است که به دوهزار زبان (از جمله ۵۰۰ زبان آفریقایی) ترجمه شده است.

○ برکارترین نویسنده امروز، خوره کارلوس ریوکی انوئه بریلی است که اخیراً هزار و چهارمین زبان خود را به حیات رسانده است

○ نویسندگان فراسوی، بیست‌ترین برندگان نوبل ادبی از سال ۱۹۰۱ که جایزه نوبل تأسیس شده است تا به امروز دوازده نویسنده فراسوی برنده آن جایزه بوده‌اند تعداد نویسندگان آمریکایی ۹ نفر است
○ نخستین ربی که برنده جایزه گنکور شد، الساتری بوله نام دارد
○ رومن گاری، تنها نویسنده‌ای است که دوبار برنده جایزه گنکور شده است

○ سریع‌ترین نویسنده، ازل اسائلی گاردنر (۱۸۸۹ تا ۱۹۷۰) آمریکایی بود که می‌توانست در روز بروی هفت داستان کار کند و هر روز در حدود ده‌هزار کلمه دیکته می‌کرد

○ طولانی‌ترین اثر ادبی، مردان خوش‌بخت اثر رول رومن است در ۲۷ جلد که در طی سیزده سال نگارش یافت و چهارده سال صرف حیات آن شد

○ پرفروش‌ترین کتاب مجموعه «چه می‌دانم؟»، تاریخ مارکسسم اثر هارری لوهر است که در طی دو سال ۲۱ بار چاپ شد و تیراژ آن به ۳۲۰۰۰۰ نسخه رسید

○ پرفروش‌ترین کتاب در قطع وریری کوچک (پالتویی)، کتاب *بیگانه* آلر کامو است که از ۱۹۷۲ تاکنون بیش از ۴ میلیون نسخه آن به زبان اصلی به فروش رفته است

در حاشیه این گزارش حدیثی دیگر وجود دارد
○ در سال ۱۶۶۷ یک سرهنگ انگلیسی کتابی به زبان آلمانی از کتابخانه کیمبرج به امامت گرفت اما فراموش کرد آن را پس بدهد این کتاب پس از ۲۸۸ سال در یک کتابخانه خصوصی یافته شد و به کتابخانه اصلی عودت یافت

○ *Road Less Travelled*، اثر اسکات یک ۲۵۸ هفته در صدر کتابهای پرفروش در آمریکا قرار داشت

○ تصور عمومی این است که «کارتی به لاتن» در پاریس از لحاظ تعداد کتابفروشیها و سطح زیرنای کتابفروشی سبب به جمعیت، در صدر همه نقاط قرار دارد. اما این تصور نادرست است زیرا که در فاصله ردو (در بلژیک) در قبال هر ۳۰۰ نفر ۲۴ کتابفروشی یافت می‌شود.

○ پرشمارترین نقطه عالم از لحاظ نویسندگان دهکده پره دلکینو در ۱۵ کیلومتری مسکو بود که در ۱۹۳۵ ایجاد شد و هنوز هم در حدود صد

نویسنده در آنجا زندگی می‌کنند در میسولای آمریکا هم به طور مداوم در حدود سی نویسنده زندگی می‌کند

● یونسکو

تذکار بر تاریخ آسیای مرکزی

«می‌توان فرهنگ مردمان آسیای مرکزی را فقط یک فرهنگ حادرسیبی دانست زیرا که سهرهایی همچون سمرقند، بخارا و جیه در فزون وسطی بهترین مراکز اندیسمدی و خلافت هنری بوده‌اند، چنانکه مثلا آثار اسینا فیلسوف و داسمد بخارایی هر با مرجع داسمدان پس از وی بوده است تمدن آسیای مرکزی در خلا ظهور نیافته است بلکه در کلیه ابعاد، بسیار متأثر از اسلام است تمدنهای بزرگ پیرامون بر بر این خطه تأثیر سراسر داشته‌اند زیرا که این سرزمین حسک و دور از دریاها و کره رص در طی بیس از ۱۵۰۰ سال راه اصلی عبور کالا و بره ابرسم و سر راه انتقال افکار میان چین، هند، ایران و اروپا بوده است تأثیر تمدن ایرانی، علی‌رغم آنکه از تمدنهای آسیای جنوبی محسوب می‌شود، به قدری بر آسیای مرکزی عمیق است که گاه به سختی می‌توان میان تمدن ایران و تمدن آسیای مرکزی مرزی قائل شد»

این حرنی ارتدکار مندرج در مقدمه‌ای است که پس از چاپ مجموعه سس جلدی تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی به وسیله یونسکو، بر آن افزوده شده است این مجموعه در زمانی تألف شد که سوری در هایت بحریرنه آن دارای اکثریت بود و بر همه حیر اعمال نظر می‌کرد، مؤلفان روسی با انداع اصطلاح محمول «آسیای مرکزی» و القای نظریه تمدن حادرسیبی کوشیده بودند تا آن منطقه را فاقد تمدن کهن و ناآسا به اسلام سان دهند و تمدن ایران را هم بخشی از آن بدانند. وزارت فرهنگ و امور عالی ایران که موقع متوجه این نکته گردید کوششهایی را برای اصلاح آن اعاز کرد که آن کوششها به صورت الصاق مقدمه مدیرکل یونسکو به مجلدات آن تاریخ به نتیجه رسیده است

● آمریکا

دروغ بزرگ روشنفکران!

ایمان به انچه می‌گویند عمل نمی‌کنند. این خلاصه و حکیده کتابی است که بل جاسون آمریکایی درباره روشنفکران جهان تهیه کرده و دهها نویسنده روسفکر نامدار را به محاکمه کشانده است بل جاسون برای تدوین کتاب خود که صورت ادعای نامه دارد حلی دور برفته است بلکه در بوسته‌های متهمان عور کرده و محنشان را در خود آن بوسته‌ها گرفته است می‌گوید مارکس مدعی است که آنارس حنه علمی دارند اما در اعداد، امار و متوسی که ارائه کرده تقلب کرده است توستوی خواستار العای برده‌داری و «رعیت‌داری» است اما وفنی که نظام رعیتی لعو می‌شود آن را یک «اقدام ظالمانه و خودسرانه» می‌خواند...

بل جاسون هیچکس را از قلم نینداخته است ران راژروو، هریک ایس، برتولد برست، ران بل سارتر... و در محاکمه آنان گفته و بوسته‌های خود ایشان را به صورت مهمترین شاهد ارائه کرده است این کتاب چندی پیش به زبان فراسوی ترجمه و منتشر شده است ع روح بخشا

آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی

حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم آملی، زور جمعه هفتم اسفند ۱۳۷۱ دارفانی را وداع گفت

آن مرحوم در سال ۱۳۲۲ هـ. ق در آمل متولد شد. پس از پایان تحصیلات مقدماتی به تهران آمد و در محضر مرحومان سید محمد سکاسی و میرزابدالله نظر باک به ادامه تحصیل پرداخت. پس از آن به قم رفت و به مدت پنج سال در محضر مرحومان آیت الله حائری و آیت الله حجت به کسب علوم دینی ادامه داد و از ایشان درجه اجتهاد گرفت. سپس به نجف اسیر رفت و در خدمت آیات عظام حاج میرزا حسین نائینی و حاج سیح صیاء الدین عراقی و حاج سید ابوالحسن اصفهانی به بلمد پرداخت و در ۱۳۸۱ هـ. ق (۱۳۴۰ س) به قم مراجعت کرد و به افتخار در علوم فقه و اصول مشغول شد.

مرحوم آیت الله آملی صاحب تألیفات متعدد است که تعدادی از آنها منسب شده است مانند کشف الحقایق، المعالم المأبوره، مجمع الافکار، منتهی الافکار، بدایع الافکار.

سرداس درگذشت آن مرحوم را به فرزندان، بخصوص آقای دکتر علی لاریجانی (وزیر ارشاد) و آقای فاضل لاریجانی (ار بحسین همکاران مرکز سر دانشگاه) تسلیت می گوید.

دکتر عباسقلی خواجه نوری

دکتر عباسقلی خواجه نوری استاد علم آمار و سانگذار روس نمونه گیری آماری در ایران، در اوایل اردیبهشت امسال در هفتاد و هشت سالگی در تهران درگذشت.

عباسقلی خواجه نوری در سال ۱۲۹۴ در تهران متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی وارد دانشگاه گردید و در ۱۳۱۶ از دانشکده کشاورزی فارغ التحصیل شد. در ۱۳۳۲ از دانشگاه ایالت کارولینای شمالی در رشته آمار تجربی فوق لیسانس گرفت و در ۱۳۳۵ به دریافت دکترا از دانشکده علوم باریس بایل آمد.

دکتر خواجه نوری همزمان با برعهده داشتن مساعیل مختلف در وزارت کشاورزی به تدریس در دانشگاه پرداخت و در ۱۳۴۵ مؤسسه امور عالی آمار را تأسیس کرد و «روش نمونه گیری متنی بر نظریه احتمال و استنباط آماری» را پایه ریزی نمود. از او تألیفات مختلف از جمله روش تحقیق، آمار ریاضی، آمار ریاضی حد متغیری، آمار بیسرفته، بیومتری، منطق ریاضی بر حاکمانده است.

حسینعلی هروی

دکتر حسینعلی هروی در زور سسم اردیبهشت بر اثر بیماری ربوی در تهران درگذشت.

استاد هروی پس از اتمام تحصیلات دستانی و دبیرستانی وارد دانشگاه تهران شد و پس از اتمام تحصیل به تدریس و تألیف و ترجمه پرداخت. او که به زبان فرانسوی تسلط داشت حد کتاب از آن زبان به فارسی برگرداند و منتشر کرد. آخرین اثر او کتاب چهار حلدی حافظ بیرومی است که سه سال پیش منتشر شد.

علیرضا افصلی پور

مهندس علیرضا افصلی پور سیانگذار دانشگاه کرمان در زور هجدهم فروردین پس از یک بیماری طولانی در هفتاد و هشت سالگی درگذشت. مهندس افصلی پور در سال ۱۲۹۴ در تفرش متولد شد و پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و دانشگاهی به فرانسه رفت و از دانشگاه سورس در رشته مهندسی شیمی درجه دکتري گرفت.

به مناسبت درگذشت مهندس افصلی پور، که عمر خود را وقف خدمت به دانشگاه کرد، در دانشگاه کرمان سه زور عرای عمومی اعلام شد و دانشکده ترسکی و بیر ارسکی کرمان به نام او نامگذاری گردید.

اسفندیار غضنفری

استاد اسفندیار عصمری آمراس، شاعر، محقق و ادب لرستانی در اواخر فروردین امسال در هفتاد و پنج سالگی در حرم آباد درگذشت. اسفندیار عصمری در سال ۱۲۹۷ در خانواده ای متدین و اهل علم در کوهسب متولد شد و پس از تحصیل در حرم آباد رحل اقامت افکند اما به دلیل مباررات سیاسی، ر ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ عالماً در تبعید به سر برد. از استاد اسفندیار عصمری تحقیقات گوناگون درباره شعر و ادب فارسی و لری بر حاکمانده است.

هلن جی. کنتور

هلن کنتور (Helen G. Contour) باسان ساس نامدار و ایران ساس گرامایه در سیردهم راویه ۱۹۹۳ در هفتاد و چهار سالگی درگذشت. هلن کنتور در ۱۵ روثیه ۱۹۱۹ در شهر سیکاگو چشم به جهان گشود. در کودکی همراه خانواده به شهر بلومینگتون در ایالت ایندیانا، که پدرش برای تدریس در دانشگاه آنجا دعوت شده بود، رفت. پس از اتمام تحصیلات دستانی و دبیرسانی، به سب علاقه ای که به ترسکی داشت در کالج شهر به تحصیل در رشته ریست ساسی- حاور ساسی پرداخت اما پس از آنکه لیسانس گرفت او را از ادامه تحصیل در این رشته باز داشتند. لذا به تحصیل در علوم اسانی پرداخت و در ۱۹۴۵ رساله دکتري خود را با عنوان تربیات گیاهی حاسگاه و گسترش آن در حاور بردیک، گرداند و در همان سال در مؤسسه سروس ساسی دانشگاه سیکاگو به کار مشغول شد. در ۱۹۶۳ به مقام اسنادی رسید و در ۱۹۸۹ بازنشسته شد.

بر سوز هلن کنتور در رمیه های گوناگون از حمله باستان ساسی و هر ایران و بین النهرین، هر و معماری مصر و حرایر از تدریس کرد و با راهمایی در تألیف رساله های مختلف به بشرف حاور ساسی کمک بسیار کرد و می توان گفت که در توسعه رشته های هر و باستان ساسی حاور بردیک سهم خاص و انکارناپذیر دارد که تألیفات متعدد او به صورت دهها مقاله و کتاب علمی دقیق و مستند گواه آن است.

حام کنتور به ایران علاقه مخصوص داشت و سالیان دراز از عمر خود را از حمله از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ در ایران به کاوش مخصوصاً در حمایین گذراند و درگذشت او مایه تأسف همه کسانی شد که با او آشنا بودند و کار کرده بودند.

محله باستان ساسی و تاریخ برای برگردانست آن باوی دانشمند، که ایران را «وطن واقعی» خود می داشت، شماره آینده خود را به نام و یاد او منتشر خواهد کرد.

حلول روح مولوی در مصحح «مثنوی»

چند سال پیش در يك شماره از کیهان فرهنگی در يك مصاحبه مفصل آقای دکتر محمد استعلامی فرموده بودند که هیچکدام ارسح مثنوی که تا حالا چاپ شده صحیح نیست و ایشان صحیح ترین متن مثنوی را منتشر کرده اند سده که تا آن روز مثنوی را خوانده بودم و مانند بسیاری از کتابخوانهای حرفه ای که جمع می کنند و نمی خوانند ما خود گفتم ما که می خواهیم مثنوی بخوانیم نگهدار صحیح ترین حاس را بخوانیم، و رفتیم و آن دو دفتر حاب شده را خریدیم و کنار گذاشتیم تا دوره اس کامل شود و در يك فرصت مناسب یکجا بخوانم سالها گذشت تا اینکه سال گذشته چهار دفتر بقیه هم از حاب در آمد و آنوقت، بعد از هفتادسالگی، برای اولین بار بنسبتم به خواندن مثنوی اما مقدمه کتاب مرا رد و ناراحت کرد چونکه مصحح محترم فرموده بودند که روح مولوی در ایشان حلول کرده و خطاط به خوانندگان پوسته بودند «حای سما حالی» بنده تعجب کردم چون حای حسین حرفها در کتاب مناقب العارفین بوده ولی در اوایل قرن نازدهم هجری دیگر حسن کرامت تراسیها حاکی از نوعی عوام فریبی یا ساده لوحی است که از يك استاد دانشگاه عجب می نماید این موضوع را با یکی از دوستان گفتم گفت پس خبر بداری که این تصحیح يك تصحیح تقلبی و ممتنی بر سبجه ای است با تاریخ محمول، و دهها عتب دیگر هم دارد و تذکر داد که مقدمه های سیکلسون بر مثنوی را بخوان و پس خواندم و دیدم و بقیه را شما بهتر می دابید تا اسحا خودم را از خرید آن کتاب ۶ جلدی به قیمت ۱۸۰۰ تومان معون و بادم باقم در این اوان يك کتاب گریده مثنوی هم از انار دکتر استعلامی مسسر سد که در دو حای مقدمه بار آقای دکتر تأکید کرده بودند که اسان صحیح ترین حاب مثنوی را حلق کرده اند

بساط ضعف کارهای دکتر استعلامی منحصر به معبر سمردن سبجه مصر بود که حالا آقای دکتر توفیق سبحانی هم در محله سبرداس (در شماره ۱۱) با لحنی فوسر و مسسدر ابرامدکر سبده اند، بلکه آقای استعلامی علاوه بر اینکه تعلقاتسان را سمه خوانده و ناهاهاگ اردوسه کتاب معن نقل کرده اند، اصلا در رسم الحط کتاب هم که امروری کرده اند تراوسان نارسنگ برمی دارد برای مثال سب ۳۱۸۲ دفتر چهارم در مس افسب سیکلسون حسن است

گسب سبوس و بر و اندر فناد

تا سه روز از جسم وی گم سد فواد

معلوم است که کاتب سبجه مأخذ ترك ربان بوده و چون تركها «ب» اضافه را با فتحه تلفظ می کند، روی «ب» (ترو) فتحه گذاشته آنوقت آقای دکتر استعلامی که رسم الحط را به گمان خودشان امروری کرده اند این کلمه را تبدیل کرده اند به «بر او» که مفهومش این است که داماد بیهوش شده و بر روی عروس افتاده در حالی که بایستی «نهرو» میویسد یعنی بیهوش سده و به روی زمین افتاده - یعنی «دمرو»؛ و از این

شدرساها در تصحیح متن و تعلیقات ایشان فراوان است مایه تعجب بود که در این مدب دوسه سال هیچک از کسانی که با بعد کتاب سروکار دارند و برای مطوعات کتابشناسی فلم می رسد این کتاب محمول معلوط بر ادعا را به محك بعد بردند تا حالا که آقای دکتر سبحانی موضوع تاریخ حطی سبجه مصر را یادآور سدید (سگرید به سبرداس، سال سیردهم، شماره دوم) اما بارهم موضوع بی اعتبار بودن سبجه مولوی عبداللطیف و رسوخی که خود سیکلسون هر دورا گفته و آقای دکتر استعلامی این دو سبجه را بهترین می داند مسکوت مانده است و نتیجه اینکه فی الواقع دکتر استعلامی هم مانند رسوخی، بقول گلشیارلی، کتابهای لازم را خوانده حتی مقدمه های سیکلسون را و به محقق ددن آن سبجه محدوس، تصور کرده صحیح ترین سبجه مثنوی را به حلق الله عرضه کرده است

مهدی اذربیدی

قدیمترین دستور زبان فارسی

در شماره ادر ودی ۱۳۷۱ سبرداس (ص ۷۰)، بر عنوان «برگرداس محمدس حکیم» آمده بود که «محمدس حکیم، علاوه بر تدریس علوم دیبی و علم فرائ و کوسس برای اتحاد مسحد، يك دستور ربان فارسی به ربان حسنی تألف کرده که سهرت سیار یافته است» در این قول خطایی رفته است و ان اینکه کتاب دستور ربان فارسی محمدس حکیم، صهاح الطلب، به ربان فارسی است به ربان حسینی ورافم این سطور آن را با معانله سه سبجه حطی در سال ۱۳۶۰ به بقیه نگاه مطوعانی مسعل اصفهان به حاب رسانده و مسسر کرده است

محمدجواد شریعت

مجله زبانشناسی

(از انتشارات مرکز سبرداسگاهی)

سال هشتم، شماره اول

منتشر شد

عنوان برخی از مقاله ها

- سحسی از معاوبهای فارسی ایران و ناحکستان
- واره های فریبکار در فارسی تاجیکی
- مهدی بر مقاله «سرامون را» در ربان فارسی»
- برخی ملاحظات معنایی در دستور ربان زایا
- ربان فارسی در عصر حافظ
- ربانسناسی و ربانسناسی کاربردی



روی جلد باره‌ای از سیمای برسات مدالی و نفس
سیرهای شامل معلق به دوره‌ای به محفوظ در
موره‌ای و اسکان

نشر دانش

سال سیزدهم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۷۲

مدیر مسئول و سردبیر نصرالله پورجوادی

مقاله

- | | | |
|----|----------------|---|
| ۲ | احمد سمعی | ۱- شعر در زبان صدا و سیما |
| ۶ | علی اسرف صادقی | ۲- باره‌ای رودکی |
| ۱۵ | علی اسرف صادقی | ۳- سوره و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر |
| ۲۲ | محمد ملکان | ۴- عامیانه در ترجمه‌ای فاجر |

شماره منتخب

- | | | |
|----|--------------------|--|
| ۲۵ | ناصر ایرانی | ۱- دهمی دیگر به از کاخ شاه تا ریدان اوین |
| ۲۸ | سیدعلی ال‌داده | ۲- فرهنگ شهرها و روستاهای ایران |
| ۳۲ | علی پورصفر | ۳- دودست صغوی و طوایف ترک ایران |
| ۳۷ | صادق ملک سهمیرادی | ۴- بحسین دولت فدرال جهان |
| ۴۲ | علیرضا دناوی هرازی | ۵- سادب حامی |

نخبره‌ها

- | | | |
|----|-----------------|--------------------------------------|
| ۴۴ | احمد سمعی | ۱- بحث دخیل محتوم به تاء مربوطه |
| ۵۱ | سوران وکیل‌زاده | ۲- بیس مایر به‌جاه سال تحقیق بی‌وقعه |
| | | ۳- بحر احتمالی به چند کتاب چاپ خارج |
| | | ۴- حقیقات ایرانی در چین |
| | | ۵- زیارت تصویری بخارا و سمرقند |
| | | ۶- فرات از تیموریان تا صفویان |
| ۵۵ | اراد مروحدی | ۷- نهوه در حاورمیان |

نشریه‌ها

- | | | |
|----|----------------|-------------------------------|
| ۵۸ | امید طبیب‌زاده | ۱- نشریه تازه، معرفی نشریه‌ها |
|----|----------------|-------------------------------|

خبرها

- | | | |
|----|---------------|--------------------------------------|
| ۷۱ | ع. روح‌نحسبان | ۱- خبرهای علمی و فرهنگی ایران و جهان |
|----|---------------|--------------------------------------|

پیشینه پژوهش

موضوع سخن این حائب تأثیر شعر در زبان صدا و سیما است. آن سستر بررسی زبانی است که در برخی از برنامه‌ها رادیونی و تلویزیونی به کار می‌رود. ولی این زبان منحصر این برنامه‌ها نیست در دیگر رسانه‌های گروهی، در روزنامه و مطبوعات، نیز به وفور و در مکاتبات اداری و در سهیل دانشگاهی و حتی حوزوی، چنانکه نمونه‌هایش را بس حواهم داد، دیده می‌شود اختصاصی هم به سالهای پس انقلاب اسلامی ندارد، سابقه‌اش بیستر است و شاید از به فلرم و حفرا فیایی نوعاً از مرهای کشور سی فواتر رود زبان مورد بحث ما، اگر این تعریفی ملاحظه تلفی سی نه نوعی، ادای زبان ساعرا نه است از این زبان هم در به سماری از برنامه‌ها استفاده می‌شود هم در تعارفات و اصطلاح حاو سلامتی گاه ریاده طولانی و نه هر حال مکر گویدگان با سوندگان و بینندگان فرصی و گاه بر فرصهایی که ناند حای حالی نایان برنامه را به بر فندی کرد. موارد منفرد آن را بر جسسه گریحه در برنامه‌ها می‌توان سراع گرف که انتظار آن نمی‌رود، مثلاً در مدح برنامه‌ای صرفاً حری که بی گمان نایان اسکار آن نازر حیر ریده است

در اس گفتار، در صدد ام که ضمن ارائه حد ساهد رید، انحا که مجلس افضا دارد به بررسی سابقه و مسأ این زبان با حادی انگره‌های اخبار آن سردارم سواهد فراوان است، آن هم فرین موقعیهایی پس مسو حتی در موضعی که هیچ کس انتظار بر حورد با آن را ندار مثلاً نه این عبارت بوجه فرماید

به امید روری که ساهد سکوه و سظم فرایده ایرانی ناسیم نه
ان حلهراج علم و معرف، اوبحه ار گند بلند تلاس و کوس
کلسان فرهنگ و هر را بیاراید و تالو ستاره‌های یقین و هد
فلوب اهل دل را در سراسر گسی مور گرداند

آما می‌توان حدس رد که تصویری به اصطلاح ساعرا نه از نوع که در این عبارت به کار رفته است در يك نامه ساد اداری درج شده باشد که طی آن مؤسسه‌ای استازی فهرست انتشارات خود را برای یکی از هم‌صنفان خود می‌فرستد اصماً «حلهراج آویخته از گند» فاعدا نه تبستان را مور گرداند به گلستان را).

سواهد دیگر از این نوع عباراتی است که از مقاله‌ای به فلم مراد فرهادپور با عنوان «یادداشتی بر گفتار روسفکر» کارکردهای ایدئولوژیک»، در شماره ۱۳ نگاه نو (فروردین اردیبهشت ۱۳۷۲) استخراج کرده‌ام. سب در یکی اردیو سالانه با خط خد ...

تأثیر شعر در زبان صدا و سیما*

احمد سمعی (کلانی)

سوء خطابی طبعی است زیرا وظیفه تهسج عواطف و افهام مخاطبان را برعهده دارد؛ بصاویر ساعرا نه هم لازمۀ شعر است، هر بوسندۀ ای هم به مقتضای شخصیت خود سبکی دارد

الته در سالهای پس از انقلاب بر نمونه‌های باسالم و ناهنجار و حتی حده‌آور و بوسه‌های به اصطلاح روسفکر مآنانۀ بریکلف سراع داریم یکی از طریف طعنان، طی نقد طرامیری که در یکی از شماره‌های کتاب امروز امورج رمستان (۱۳۵۳) مسسر شد، از نمونه‌های اس فصل بوسه‌ها مرقع و وصله‌دوری حائلی ساخته است که احاره می‌خواهم گوشه‌ای از آن را به این جمع ارائه کنم

داسان «هرم» را- تد به بهار نامی و طولی خاص خود بر خوردار است بلکه انعام فلسفی آن در مذهب داسان (خرا نه داسان ماند در تعامبت خود سجده اند) اردنگاهی گسره دهب مسائل داغ زمان مارا، که سحوقایی به ع مغاوت بسک رسه در آن دارد، به نحوی حسگر سانه می‌رند- بر رورنه داوری ناند گسرد و به گونه‌ای راسین برامون آن به گفتگو بسبب، خرا نه اصولا ندیده‌ای از اس دست را اثر توان با آن و برگهای خاص خود بر رورنه داوری ساند، بسک نانه آن ماند از رندگاهی اسوار بر خوردارای داسه ناسد نه هر حد از گونه‌ای ررف گوگی یا، نه سحی دیگر، از دهب خاص زمان مار رسه بواند گرفت نا خواهد گرفت، اما درع است که آن را در اس محدوده خاص رندانی دهب رانیده خوین سارم خرا نه ناند دند مار اس مسئول را چه کسی بر عهده می‌گیرد؟ انا ثانی است نه رندان را اردندی و رندانی را از رندان مار ساسم و تلفی خود را بسبب نه اس مقوله در یک روند نکدست همچون امری ناان ناهیه به حساب اورم، نه اس خود به تنها نأسف اور بلکه بر بوره اسف انگیر است خرا نه اگر فرار ناسد بر همس راه و روال دسمانه داسان سجده اند و نا، به سحی دیگر، دسمانه داسان بر همس راه و روال به سحس اند، نه چه دلیل ناند مسئله مسئول را نه حواه نا حواه همسه مطرح بوده است و مطرح خواهد بود همچون حری نه در برابر افات رنگ می‌نارد و روسگر، برگهایی نه از اس دست نه از دست دیگر و مار دیگر دست می‌شود نه خاطر یک موضوع بی‌عمی و دوریه و دارای سطح مطلق، حای نه نکدست- و اس را ناره نه بحث کسیده‌ام- نا داریم؟ اصولا سطح مطلق خرا ناند در عمی نفود داسه ناسد؟ می‌تواند نه، هر اس کمی نا واقعیت سحت دست و سجه برم کشد خواهد دند نه تمام اس مسائل رسه در «هرم» دارد

دکتر محمدرضا باطنی بر در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به اموری فارسی در دوره‌های عمومی دانشگاهها، ریان ناب معاصر برای اهل بکولوجی» قطعاتی از جزوه یکی از استادان دانشگاه صنعتی سریف با عنوان «حد مسئله در نگارس و نظم فارسی» را شاهد آورده اند که بی‌مناسبت نیست پاره‌هایی از

سراع می‌اگر آبی برم و اهسته بیا منادا که ترك بردارد حیسی بهایی من

ملاحظه می‌فرمایید که در آن يك تفاضای ساده چگونه به برعی «نارودی» تبدیل شده است. یا به این عبارات ابانسته از بصویر ساعرانه عنایب فرمایند که در يك رورتار (گراس حیری) تلویزیونی درج شده است

۱- سرود دریا بر حخره حاك،
۲- انا حدت نارس و ناران، ترك اسمان بر سفره حاك،
۳- انا صادگویی از فص عظم بر می‌گردد، سرود حوان و دلخوس حسگی را برون از خانه می‌گذارد نا خورورسی را نه خانه ناورد
۴- انا اول بجلها نه بیسوارمان می‌اند،
۵- انا مهاجرت گرد ملال بر دیوار دهکده ناسید،
۶- انا قصیده نگاه مرد بر حالی خانه‌ها،
۷- انا بحر نه احداثی و آموح را حرمت بهد،
۸- انا کوه و بحل و دریا ساسانه دهکده است،
۹- انا تاتن حسه‌سان را در سرود ایمان فراموس کند،
۱۰- انا کار و نلاس سیرهای دریانان است،
۱۱- انا زمان هرگر توفنگاه آدمی بسبب ناید همچون موج بوفنده و نادر نا بود کسی را سکاری و تسلی در کار بسبب و فاعب که انها در این همه گستردگی بحب دریا کرده است

مسئله این سیوه بیان را در بعضی از بوسه‌های روسفکرانه س اس سهریور ۱۳۲۰ ناید حسب که از حمله نمونه‌های نارس سکنجه و امید طبری و آثار علمی ساهرخ مسکوب را می‌توان نام برد، اینها را بیستر از آن جهت نمونه نارس سمردیم نه هر يك نه نوبۀ خود تأسر سگرفی در سوو سسل حوان نه رد کردن عناصر سعری مفرط در نر داسه‌اند اما نلرهای جوان امروز بیستر از سسك سحرابیهای سادروان سعری و بوسه‌های محمدرضا حکیمی و اسعار سهراب سهری و ساملو متأثر به نظر می‌رسند.

بوسه‌ها و سروده‌های این چهره‌های سیاسی و ادبی و نیری در زمان خود ذی نفس بوده و صمنا مخاطبان محدودتری ناسته که بیستر دانشجویان و روسفکران بوده‌اند نه عامۀ مردم آثار این نویسنده‌گان و ساعران به هر حال اصل بود نه غلندی آن هم تقلید نابجا و ناموفق. وانگهی در سحرانی

آن را در اینجا نقل کنم:

بوسن عرص است و جوهر ان امات است. امایی است که
اسماها و رمس تحمّل آن را تاب نتوانستند آورد و فرعی فال به
نام نامی اسان. اس خلقی بر حق، این حاسین خدا در رمین.
این بر آمده از لحن و نور. این دیوانه که دسی در خاک و سری در
افلاک دارد. ردد

نمونه‌ای دیگر به فلم همس استاد

بوسن گوته‌ای از «ارادی» حواس است و بوفی دس به فلم
می‌بری ارادی را فریاد کرده‌ای و به حقیقت با سلاح کلام به
منارده با فاسطس و باکس و مارفن سافه‌ای

مار نمونه‌ای دیگر

بوسن جسم است. جسمی سرح از روحی سر

(طردا للبات ناند بگویم که اس رورها از رنگ سبر رناده

بنگاری گرفته می‌سود)

ناری اس است مسی از حرور درس اس نگارس آن هم
برای داسحویان نك داسگاه می که ناند ناد بگرد چگونه
گزارس می‌نوسند

اس تقسغ گاهی در طرر خواندن و سوۀ ادای کلمات و
عباراب سر جلوه‌گر می‌سود و ان را هم در برنامه‌های صدا و
سما می‌توان سراع کرف هم در سرون از ان اسنادان ادب
معمولا سحر را با اب و تاب می‌خواند در قدم سر ساعران
در یاری داوانی داسند که سحرسان را به اصطلاح امروری
«دکلامه» می‌کردند خوانان ما هم این طرر سحر خواندن
متکلفانه را از اسنادان و معلمان خود ناد گرفته‌اند ولی وفی
این طرر را با سوۀ بی‌تکلف و بی‌ادعا و لحن محجونه‌ای که
ملا فروغ فرحراد در خواندن اسعارس احسار می‌کرد
می‌سبحم بی‌می‌ریم که برای ناسر در سونده به دوری
جس از سادگی و لحن طسعی خندان هم نار سب

اما محضاب اساسی اس سوۀ سان حسب؟ من تنها
فرصت ان را دارم که عده‌ای از این ویرگیها را بر سمارم.

○ به کار بردن کلمات و تعبیرات مهجور و باستانی به حای

مانوس وریده مثل چکاد به حای «فله»، چوان به حای «حون»

○ سره‌گرایی و اسفاده از تعبیرهای فالی مثل ژرفا، بلند،

برهه‌ای از زمان، بُعد، حضور محرومیت در درون

بوده» به حای «محرومیت توده‌ها»، فاجعه، خداگونه،

پیامرگونه، دین‌گرا (به حای متدین)، اسلام‌گرا (به حای

مسلمان)

○ ساختهای کهن مثل «ادا تواند کرد»، «نگهان دین

تواند بود»

○ فعل کمکی آمدن به حای «سندن» در مجهول ساری:

○ مبالغه، از حمله ملرم بودن به افزودن فدهایی حو

بسیار، سخت، عظیم، به صفا:

○ صفتهای نامناسب مثل «اصل توحیدی سترگ»:

○ عوض کردن مقولۀ دستوری کلمات فرداهای همس

(به معنی همه فرداها، نا اند)، خالی خانه‌ها (به حای خانه‌های

حالی یا حلول خانه‌ها)

○ آوردن مرادفها و همجس تکرار (خصوص تکرار

عذاب‌دهندۀ «سلام» با دنباله‌های گاه عجب و غریب،

مضحك)؛

○ حمله‌های مرکب و سح در سح و بر معرصه:

○ استهزام انکاری و برسهای خطانی «س کحاس

مدعان بوحد و حداساسی و تفواگرایی با اصرار بر بخر،

○ کاربرد سحا و بیحا و به هر حال مفرط علامت معج

سانه تعلیق:

○ کلی‌گویی و ابهام و ریان رمروراز (esotene) «مقاله،

محاحسه با تطوّر حضور است به حفظ اصول»:

○ اردحام صور خیال که معنی و مقصود بویسده در آن به

می‌سود:

○ تعمیم در تفسیر و تعبیر: «رعاب حقو مالی و معسر

حلی خدا (اوفوا الککل والممران)».

ساند توان گفت که ناره‌ای از این تکلفات سانه انحطاط

ادبی است. آدمی وقتی دحار فقر فکری ناسد و حرف ناره‌ای

هم نداسه ناسد، اگر نخواهد حیر بویسد به ناحار سح

دیگران را بیخ و تاب می‌دهد یا می‌کوسد اندیسه‌ای را که از

خود او نیست به عبارتی در آورد که بو جلوه نماید و همه

تلاس تعبیر را بر گره می‌سارد. از فضا برنامه‌های رادیو به

وف بر مطلب است ریان ساده دارد و هر وف میان تهی است

تر تکلف می‌سود (ملا برنامه مافیا سر سار بود از اطلاات

حالب و به زبان بسیار ساده و سالمی هم تهیه سده بود،

می‌دانیم که زبان، علاوه بر نفس اصلی خود به

پیام‌رسانی، نفسهای دیگری هم دارد و یکی از آنها نفس

هسته

حو فروس است ظاهر را در قسمت اخیر مطلب، فرض افای بر این است که بوسیله اصولا هر چه سخت تر باشد بهتر است و لذا اثر سعی نه دروغ بوسیله خود را سخت جلوه داد کدیم نمای حو فروس است (یا نه قول است) ادای کدیم نمای حو فروس را در آورده است) در هر حال، عرصه کردن شرایط سهل مطلق است بلکه همان عرصه کردن شرایط سهل است، و آن هم که سعی می کند تا سخت تر نبوسد البته مطلق است، اما میل او میل کدیم نمای حو فروس است

ناردر همس خصوص افای در یادداشت خود نوشته اند: «کلام راستین، میل مادری نه استین فرزند خودش است بازدار مفهوم و معنای خاص خود است، (یا بعد از خود افای) (حال می کم که مقصود انسان را می فهمم اما نه به شک مثال انسان چون که مثال است کسی بر این فرض است که مدر ممکن است یا استین فرزند خودش باشد یا استین فرزند دیگری و حال آنکه ظاهرا استینی یک صورت بسیار دارد سایرین «استین فرزند خودش» مالی است نه معنی روسی داشته باشد و اما لفظ «استین» البته سحر از «راست» است ولیکن نه آن راستی است من از کلام «استین» این طور می فهمم نه خبر مورد بحث کلام باشد و غیر از کلام باشد، چنان نه وقتی می گویم «مرد راستین» منظور زمان مردی است نه مرد باشد و نامرد باشد ولی، اثر استاده حکم، مطلق افای از «کلام راستین» این است منظور انسان ظاهر، تلاشی است نه جایی یا حامل حقیقت باشد یا نه، عبارت نموده، مطلق است همان کلام است است این نامه بومی نه به احد «است» حسیده همان بولک و منحوی است، من حکمت دیگری برای این نمی توانم تصور کنم (نه نقل بقدری نه اقصای مسعار «مهر داد بهسار» در کتاب آمده و در مورخ بهار، ۱۳۵۲)

تحلیل کراس نه زبان ساعرا نه به بررسی و مذاقه بسیار دارد ولی نه طور کلی می توان گفت نه این یک نمایل روسفکر مانانه است در تلاش برای نوعی امتیاز این کراسین بها در رفتار، بانی هم معنیش نمی شود، مظاهر گوناگونی دارد

طرح این بحث تنها بهانه ای می تواند باشد برای تحقیق علمی جامع الاطرافی درباره این بدیده اجتماعی که گونا هم اکنون آغاز شده و امید است نتایج حاصله به نسل جوان ما ان آگاهی را بدهد نه بتواند موانع خوبی خود را دست کم ببیند و اگر انکساده ای ناف نه اصلاح ان منادرت کند و السلام

* سحرانی: برادر سده در «سومین سمینار زبان فارسی در صدا و سیما» (بهران، ۲۲-۲۴ خرداد ۱۳۷۲)

۱. ربا آفرینی است که بستر در شعر مجال عمل پیدا می کند. زبان فارسی نیز تاکنون شعر تفوق داشته است ابار ادبی مسور ما بیر و ام دار سعرد ار فر بهای سسم- هفتم نا دوران هفت مسر و طیب، سری که عامه مردم مخاطبان آن باشند و سده و فارغ از تکلفات ساعرا نه باشد کمر سراع دارم بر بریل بها در ابار علمی به کار می رفته است حتی مکونات و حوانات از صعب و تصعب آزاد بوده اند سایرین، تأثیر این است و سانه را در زبان رسانه ها نباند ناده گرفت فلم سسهای جوان ما بیر طبعاً، چه از راه امورش در سلوج تحصیلی و چه از طریق حو و فضای زبانی، از این سنت بسیارید

البته استفاده از صور خیال در سر بحر هم سده است منها بد جای آن و ضرورت ان را سحش داد و همحش حد و حدود آن را رعایت کرد هر موضوعی زبانی را اقصا دارد، میلا نمی توان در زبان خبر، در آنجا که صرفا اطلاع سامی و ظلاعی منظور و مقصود است، زبان ساعرا نه به کار برد یا در برنامه های علمی حتی المقدور نباند از آوردن بعبرهای مجری و کنایی خودداری نمود حسن بعبرهانی بها نه ضرورت می تواند گاهی حاسی برنامه خبری و علمی باشد ما نوسه ای که نه بوسندگان برنامه های صدا و سیما حاضر سود این است که ملارم ساده بویسی باشند و نکوسند نا مضات خود را مستقیم و به ساده ترین و طبعی ترین وجهی بیان سده در این مورد بد نیست ملاحظات یک بوسنده صاحب است، ا در این باره نقل کنم. وی در نقد سوده مکلفانه و در سده نا بوسنده ای که از ساده بوسی اظهار بیاری نموده من طهار بظر می کند.

۲. می بوسد «بوسنده ای که سعی می کند تا سایر بوسند سبخاری است که حسس را با شرایط سهلتر به مسری عرصه می کند متغای آن که هم سعی می کند تا سخت تر بوسند ادای کند. حو حو فروس را در می آورد نه هر حال هر دو مطلق بد سندها از خود [افای] « من بهمدم چرا کاسخاری نه حسس را با شرایط سهلتر به مسری عرصه می کند مطلق است به بهمدم ان که سعی می کند تا سخت تر بوسد چرا سده نمای

ساید رودکی از نظر مقدار شعری که سروده بوده است در ردیف اول شعرای فارسی زبان فرار داشته باشد. رسیدی سمرقندی در قرن سیم هجری شمارهٔ اشعار او را یک میلیون و سیصد هزار سر داشته است:

سعی او را بر سمر دم سیرده ره صد هزار
هم فروں آید اگر خوانکه ناند سمری.

عوفی در لباب الالباب اشعار او را صد دفتر ذکر کرده. حمدالله مسوفی این تعداد را هفتصد هزار و حامی یک میلیون. سیصد بیت (ظاهراً نه حای سیصد هزار) داشته است. محدث متأخر شماره‌های دیگری را نیز ذکر کرده‌اند. مرحوم سعد غسی در صفحات ۴۲۴-۴۲۰ محیط ردگی و احوال و اشعار رودکی در این احوال را نقل کرده است. اسدی در مآظرهٔ عجم و غر در نارهٔ رهم اسباب او قول دیگری دارد که معقول‌تر به نظر می‌رسد. ولی تا کنون مورد توجه واقع نشده است. نه گفتهٔ او اسباب رودکی پس از صد و هشتاد هزار بیت بوده است.

ساعر خو گرین رودکی آن کس بود ایباب
بیس از صد و هشتاد هزار از در دیوان

مناسفانه از این تعداد کثیر امروز تنها حد فصد و قطعه رباعی و تعداد اندکی ایباب برانگیده باقی مانده است. مرحابقیسی با فحص بلع در منابع حانی و خطی مختلف با حدود ۱۳۱۹ سمسى تنها ۸۳۲ بیت از اشعار این ساعر را یافته بوده. در جلد سوم احوال و اشعار .. رودکی سمرقندی (نهر) کتابفروسی ادب، ۱۳۱۹) به حاب رسانده است. این تعداد حاب دوم این کتاب که در ۱۳۴۱ با نام محیط ردگی و احوال اشعار رودکی به حاب رسیده به ۱۰۴۷ بیت رسیده است. (۱- صفحات ۴۹۱-۵۴۸ این کتاب) پس از حاب این کتاب مرحاب داسمندان فارسی زبان و فارسی دان همسایهٔ ما در کتاب مجموعه‌های خطی به تعداد دیگری از ایباب رودکی برخورد کردیم و اینها را به طبع رسانده‌اند. در ایران نیز محققان بعضی ایباب او را یافته و حاب کرده‌اند.

از آنجا که بیشتر این اشعار تازه یافته در خارج از ایران، بوسه‌های غیر قابل دسترس منتشر شده است و اکثر محققان ما از آنها بی اطلاع اند و اشعاری که در ایران یافته شد، منابع مختلف برانگیده است، نگارنده بر آن شد تا همهٔ این اشعار با آنچه خود در بعضی نسخ خطی یافته است با تصحیح اشعار آسکار و افتادگیهای آنها و با ناره‌ای ملاحظات دیگر در این در دسترس طالبان فرار دهد. تعداد این اشعار به ۵۲ و به حد دیگری به ۵۳ بیت می‌رسد.

در سال ۱۹۴۷ دکتر محمد اقبال دانشمند هندی (پاکستانی) و مصحح راجه‌الصدر مقاله‌ای به زبان اردو با عنوان

اشعار تازهٔ رودکی

دکتر علی اشرف صادقی

آن که يك بارم نه دیدن مرده حانان دهد
این تن بیجان و بیدل را دل و (هم) ۲۰ حان دهد
هسب بیجان از فراق او تن و حانم مگر
وصلس آرامی بدین حان و تن بیجان دهد
حان و دل کردم اسیر دلیری کو حلق را
دل نه دو برگس رناید، حان نه دو مرخان دهد
مؤمنان را رلف سیرنگس سوی کهران کسد
کافران را روی روراهرون او ایمان دهد
عسیرین خوگان و سیمس گوی او هر ساعتی
حان و تن را گردس گوی و حم خوگان دهد.

سیرنگون مانده اسب حانم ران دو رلف سیرنگون
لاله گون گسه اسب حسمم ران لنان لاله گون
با ساگوسس بدندم مه بدندم ماروار ۲۱
با ریحنداس بدندم حور بدندم سیرنگون
از دهانش حنف (۲) ماندم من که حون گوید سحن
ورمناس حیره ماندم من که حون آند برون (۲)
رورگار از حسمم بد او را نگه دارد که هسب
گرد رحسارس نه حظ حادوی امد فسون ۲۲

در این جنگ از رودکی کلا ۱۵۱ سب آمده که بجز ایبات
مدکور، نعبه اسعار همانها است که در سایر مآخذ پیر آمده است،
اما روایتی که در جنگ مورد بحث از بعضی از این اسعار آمده با
روایت مشهور و مشول در محیط زندگی، رودکی و مآخذ آن
متفاوت است ما در رساله این مقاله بعضی از این تفاوتها را پیر نظر
خواهیم کرد

دوآرده سب زیر سز در تذکره حیر البیان از شاه حسین بن ملک
غیاث الدین محمود بهاری سبسانی، که آن را در ۱۰۱۶ ق تألیف
کرده آمده است. این شخص همان مؤلف احیاء الملوك در تاریخ
سیستان است. این اسعار را سعدان سا عمرانف داسسار ادبیات
دانشگاه دولتی باحکستان از روی يك فوتو کومی از اس تذکره که
از نسخه موره برنگانان تهیه شده و در استیووی سرو سبانی
شهر دوسببه نگاهداری می شود استخراج کرده و در هفته نامه
ادبیات و صنعت (= هر)، شماره ۳ (۵۸۰) مورخ ۱۹ رابویه
۱۹۸۹، مطبوعه دوسنبه (تاجیکستان) به چاپ رسانده است. ۲۳
سگف است که مرحوم نفسی يك نار در ص ۲۹۵ محیط
زندگی، رودکی نه این تذکره اساره کرده و نام رودکی را از آن
نقل کرده (از کدام نسخه آن؟)، اما اسعار مورد بحث را در کتاب
خود نقل نکرده است این ایبات بدین فراراند:

فغان من همه ران رلف تاندار سیاه
که گاه برده لالا است، گاه معجر ماه

نه وفت خفتنس از مسك سوده ناسد حای
به گاه رفتنس از سیم ساده ناسد راه
هرار توبه صد ساله را نه باد دهد
هرار راهد صد ساله را برد از راه
اگر سعادت حویی بحر رصاس محوی
وگر سلامت حواهی بحر هواس محواه
اگر نه کوه رسد ناد حسمم او يك نار
وگر نه کاه رسد ناد ۲۴ مهر او ناگاه
نه ساعت اندر مانند کاه گردد کوه
به لحظه اندر مانند کوه گردد کاه

نه حانم که بیس از این بودم
یارکی داسم نه بر هر دم
دلم از هر سحن نه یاد آرد
راسب گویی که کودکی خردم ۲۵

هر که را ما تو کار درگیرد
بهره از روزگاه برگرد
نه سخن لب رهم خو نگسانی
همه روی رمس سکر گیرد.

از هجر مه رخ تو ای مایه حان
بر در کردند ۲۶ حون دهان تو جهان
از ناحس دست حسسته کردم دل و حان
هریاد رس غمت نه این بود و نه آن.

آقای محمدتقی دانش بروه در دلائل الاعجاز جرجانی (س)
کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه شماره ۸۳۸۰ دو -
زیر را یافته است که بیت اول آن در جای دیگری نیامده و
بیت دوم با ضبط سایر منابع مختصر تفاوتی دارد:

هر که را ایزدس لحتی هوس داد
روزگار او را بسنده اوستاد
هر که نامخب ۲۷ از گذشته روزگار
نیر ناموزد ز هیچ آموزگار ۲۸.

آقای ایرج افسار در رساله ای مربوط به داستان ناسد

در نسخه‌ای از لعب عرس اسدی که در داسگاه سحاب نگهداری می‌شود و در سال ۱۳۶۵ به کوشش فتح‌الله محتسانی و علی‌اسرف صادقی در شرکت سهامی انتشارات حواری می‌به حاب رسیده، نه سب ربر از رودکی آمده که در منابع دیگر ضبط شده است

در ص ۸۷، دبل لعب «نود» اس دو سب آمده است
 کدام بحس برآمد کم از تو عابت کرد
 کدام باد بلا بوادا کر برام بر بود
 یکیم خلعت نوسید داع حرف تو
 [که] با [را] اوست سحابی و غم دل بود
 اس دو سب ظاهر امعلو به قطعه‌ای است که در ص ۴۹۸ محیط ردگی رودکی آمده است

در ص ۱۰۵، دبل لعب «نکار» اس دو سب آمده است
 گرد کی گرد کی درم سسار
 کج حابه ساکی^{۳۳} از دسار
 خاسب از حان بو فغان و حروس
 و آمد از بهر حواسه سکار
 در ص ۱۱۸، دبل لعب «ار» سب ربر آمده است
 فراخی آمد کر رر و سم سر سدی
 نه حوب روی تو هر رور سسم اند از
 این سب ظاهر امعلو به قطعه‌ای است که سه سب اس در ص ۵۰۳ محیط ردگی رودکی آمده است در همین صفحه دبل لعب

حاشیه

- (۲۰) در اصل «هم» در میان بر اینر نوشته شده و ظاهر ادب نسخه خطی بوده است
- (۲۱) شاید مارداد
- (۲۲) شاید به خط حاده بی سحر و فسون یا خط حاده بی و سحر (یا مخر) و فسون
- (۲۳) برای اطلاع از این بدتره، نسخه‌های آن را که احمد گلچین معانی، تاریخ بدتره‌های فارسی، ج ۱، تهران، ۱۳۴۸، ص ۹-۵۶
- (۲۴) ظاهر ا بوی
- (۲۵) اس دو سب همان است که در جنگ حیدر آباد هم آمده و فلا فل سدرک حاسه شماره ۱۳
- (۲۶) ظاهر ا دردم
- (۲۷) در اصل ناموحت
- (۲۸) راک محله آمده، سال نادردهم، ص ۱۳-۱۰۰، فردوس-خرداد ۱۳۶۴، ص ۱۵۴
- (۲۹) در اصل سگ و تنهایی
- (۳۰) راک محله آمده، سال نادردهم، ص ۳-۵، ۱۳۶۸، ص ۴۰۶
- (۳۱) راک نجم الدین ا بوی میرصادق‌العناد، به اهتمام محمد امین ریاحی، ج دوم، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۵۷۶-۷، ۶-۶۹۵، م ۱ ریاحی، گلگست د سمر و اندیشه حافظ، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸، ص ۳۶۴
- (۳۲) راک تعلقات میرصادق‌العناد، ص ۵۷۶-۷ و ص ۶۹۵-۶، گلگست د سمر، ص ۳۶۵-۷
- (۳۳) اصل ساس

نوی نه نسخه آن در تو بیگن است دو بیت ربر را از رودکی یافته

د همه حوس خوریم و حوس حسسم
 و در ان گور تنگی^{۳۱} تنهایی
 به حبان حفته‌ای که بر حیری
 به حبان رفته‌ای که باز آبی^{۳۲}

د سب ربر را بر که مربوط به قطعه «بوی حوی مولیان آمد دبی» است آقای دکتر محمد امین ریاحی در جامع‌السنن = سسر سورة يوسف (حاب محمد روس، تهران، ۱۳۴۵، ص ۲۳۲) یافته است:

سب، ما را را آروری روی او
 بران حولان کنان آید همی
 که [یا، حه] جویم وصل او کر هر سوی
 می بقیر عاسفان آمد همی.^{۳۱}

به نوشته دکتر ریاحی بیت اول اس قطعه در کسب‌الاسرار (ج ۱ حکمت، ج ۱۰، ص ۵۷۴)، تاریخ‌گردیده (حاب فونی، ص ۳۷۹ و حاب عکسی براون ص ۱۳۸۲) و تاریخ وصف و به صورت تضمین شده در دیوان سسانی (حاب مدرس و صوی، ۱۳۲۰، ص ۷۵۷) حاب ۱۳۴۱، ص ۱۰۳۷ و هست سسر (حاب حیان، ج ۲، ص ۳۶۰) به صورت ربر آمده که

د حوی مولیان آید همی
 بوی نار مهران آید همی.

حوی مولیان به نوشته تاریخ بحارا (حاب مدرس رضوی، ص ۳۳-۵) نام محلی و ناحیه‌ای در بحارا بوده به نام و طبعاً ساعر گفته است ناد آن محله می‌آید و بوی یار را

حمان البلاغه (حاب ع. فویم، تهران ۱۳۳۹، ص ۸۸) در «فی الکلام الجامع الموعظه (= للموعظه) و الحکمه نو» بیت زیر از رودکی آمده که در سایر منابع ضبط شده «بوصیح آنکه این قسمت از کتاب در ترجمان البلاغه، حاب فزاده است»:

د هرمد مکن عرض هنرها بر سر
 س تاری فرسان هرزه خر لنگ متاز

«طرار» بيب رير آمده است:

ايا بگار طرار ار تان تركستان

بيايد اندر^{۳۴} خو تو ب ار بهار طرار

در همين صفحه دليل لغت «رورار» بيب رير آمده است.

به جهان رادمرد سيار است

عسقي بر من همي كند رورار.

اين بيب ظاهراً متعلق به قطعه‌اي است كه در ص ۵۰۳ محيط

رودكي رودكي آمده است

در ص ۱۳۷، دليل لغت «ماع» بيب رير آمده است.

همجو هندو كه او بود عواص

ماع در اب در حوي^{۳۵} سده است

در ص ۱۳۹، دليل لغت «كاع» بيب رير آمده است

بر سر سناح حيار اساده راع^{۳۶}

بانگ بر برده رهر سو كاع كاع

اسات رير بر در نسخه‌اي از لغت فرس^{۳۷} اسدي كه در ديبال

نسخه‌اي از شاهنامه كتاب سده و به شماره ۱۱۸۵۱۰ (= ۱۱ خرنه)

در طو نفاوسراي بگهداري مي‌سود، آمده است اين نسخه در

سال ۹۰۳ به دست منصور بن محمد سمرقندي براي

سلطان حسن مررا كوركاني بوسه سده است.

دليل لغت «بحجر»

اري مرا بدان^{۳۸} كه بر حرم

ور زلف عسريست دراو برم

واري مرا بدانكه فرار ام

رير دو رلفكاتب سحجرم

بب اول اس دو سبي در سناح الفرس بحجوايي، دليل لغت

«بحجر» به معني سجدن بر آمده و در آنجا به حاي «واري»،

«داري» ضبط سده است ساير اس فقط بيب اول از اس دو سب

ناره است

دليل لغت «تلنگ» به معني گدائي كردن

يكی تلنگ بخواهم ردن به شعر كنون

كه طرفه ناسد از ساعراي خاص تلنگ

اين شعر در لغت فرس، حاب اقبال، ص ۳۰۸، به نقل از نسخه

بحجوايي بير آمده، اما نام گوينده آن روربه ضبط سده است.

روربه در اينجا به احتمال قوي مصحف رودكي است، چنانكه در

مورد رير بير بايد حنين ناسد.

در نسخه‌اي از لغت فرس كه در واتكان محفوظ است و مبناي

حاب ناول هرن فرار گرفته، دليل لغت «ساسه» به معني شاس و

بول شعر زير از «روزبه نكتي» به عنوان شاهد نقل سده كه هرن

(ص ۴۹ حاب خود) نام گوينده را به صورت «روزبه نكتي»

تصحیح کرده و اقبال (ص ۲۱۹ و ۴۷۹ حاب خود) احتمال در

كه اين نام تصحيف رودكي ناسد:

باگاه بر آرند ر كنح تو خروسي

كردند (= گردند) همه جمله و بر ريس تو ساشه

اين بيب در نسخه بخجواني از لغت فرس بر آمده، اما نام قابل

ذكر سده است. مصراع دوم در نسخه بخجواني حسن است

كردند (= گردند) همه جمله كي (= كه) بر رس تو ساسه

بدا است كه كلمه آخر مصراع به همين صورت صحيح است

به صورتي كه در نسخه هرن آمده، و يعني كه بايد مدخل فرار

«ساس» است نه «ساسه» (در لغت فرس مصدرها معمولاً دليل

مضارع با ماضي خود آمده‌اند. رك. دليل لغت الفصح، حسن، ط

سجود و غيره) اقبال اس لغت و شاهد آن را در دو حاي، يكي در

۲۱۹، در حرف «س»، دليل «ساس و ساسه» و حاي ديگر در

۴۷۹، در حرف «ه»، دليل «ساسه» آورده است، در حالكه

نسخه بخجواني و هرن لغت و شاهد آن در حرف «ه» آمده ا

در نسخه طو نفاوسراي دليل لغت «لنبه» به معني فر به

رير كه در ساير نسخ (رك. حاب اقبال، ص ۴۴۹) به نام

آمده، به رودكي نسبت داده سده است:

حرا كه حواحه بخيل و رس حوانمرد است

ري حگونه زني سم ساعد و لنبه.

از آنجا كه كاتب يا مدون اين نسخه غالباً اسعار گوسدا

را به همدیگر نسبت مي‌دهد احتمالاً در اسحا بير سعه

رودكي نسبت داده است.

چنانكه در بالا اساره سد در مجموعه اسعار سعه

اسعار ديگري نيز از رودكي آمده كه ضبط ناره‌اي از ا

ساير منابع متفاوت است. ما در زير آن سطحي را

ضبط منقول در محيط زندگي... رودكي ترجيح دارد

است نقل مي‌كنيم:

در ص ۴۹۲ محيط فصيده‌اي با اين مطلع ا

آمد بهار خرم با رنگ و بوي طب

با صد هزار نزهت و آرايس عجب

مصراع دوم در مجموعه چنين است:

با صد هزار زينت و...

- هفتم این قصیده در محیط چنین است:
 بن حد رورگار جهان دردمند بود
 به سد که یافت بوی سمن باد را طیب.
 - مصرع دوم این بیت در مجموعه چنین است:
 به سد که یافت بوی سمن را دوا طیب.
 - بعدی این شعر در محیط چنین است:
 باران مسکوی ببارید نو به نو
 و بر برگ برکسید یکی حلهٔ فص.
 - مصرع دوم در مجموعه چنین است:
 در ترش برکسید...
 - در ص ۴۹۶ محیط این دو بیت آمده است:
 رلف را حتم که کرد؟ آنکه او
 حال را نقطهٔ آن جیم کرد
 و آن دهن تنگ تو گویی کسی
 رنگی نار به دو بیم کرد
 - مصرع اول بیت دوم در مجموعه چنین است:
 و آن دهن سنگ تو گویی خدای
 - در ص ۴۹۹ محیط در قصیدهٔ معروف «مرا سود و فرو ریخت
 بوجه دندان بود» بیت نهم چنین است:
 همی چه دانی؟ ای ماهروی مشکین موی
 که حال بنده از این پیش برچه سامان بود
 - بیت در مجموعه چنین است:
 همی چه دانی ای ماهروی غالیه موی
 که حال خادم تو (اصل: تو) بیس از این به [چه] سان بود
 - درهم قصیده در محیط چنین است:
 و زمانه که او ساد بود و حرم بود
 و او به فزون بود و بیم نقصان بود.
 - دوم بیت در مجموعه چنین است:
 نشاط او به فزون بود و غم به نقصان بود.
 - در محیط چنین است:
 خرید و همی سخت بیشمار درم
 هرکه یکی ترک نارستان بود.
 - مجموعه چنین است:
 دید و همی ریخت بیشمار درم
 چه یکی ترک نارستان بود.

بیت بعد همین قصیده در محیط چنین است:
 سا کیرک سکو که میل داسد بدو
 به سب ریاری او برد حملهٔ نهان بود
 - مصرع دوم بیت در مجموعه چنین است:
 به سب ریاری او پیش او به نهان بود
 - مصرع دوم بیت سی ام در محیط چنین است:
 و را بررگی و نعمت را ال سامان بود
 و در مجموعه چنین است:
 مرا بررگی
 که این صورت نرسد. - مصرع دوم بیت قبل درست تر است
 در ص ۵۰۸ محیط قطعه‌ای آمده که بیت سوم و چهارم آن
 چنین است:
 نا کام حسک را نا جگر تیره در گذر
 ایدون که در سراسر این سرگلستان
 کافور همچو گل حکد از دوس ساحسار
 ربی خو اب تر حکد از ناف اندان
 - مصرع اول بیت دوم در مجموعه چنین آمده
 کافور همچو ظل حکد
 در ص ۵۱۰ محیط قطعه‌ای به مقطع زیر آمده
 سماع و ناده گلگون و لعبتان خو ماه
 اثر فرسته سبد در او فتد در چاه
 این بیت در مجموعه چنین ضبط شده
 سماع و ناده رنگین و سافیان خو ماه
 اگر فرسته سبد همی رود از راه
 در بیت سوم بیره حای «حایان» در مجموعه «حویان» آمده است
 در ص ۵۱۱ محیط، بیت هفتم قطعهٔ «ای آنکه عمگی و
 سراواری» چنین است:
 آزار بس رس گردون بیبی
 گر تو به هر بهانه سازاری
 - مصرع اول این بیت در مجموعه چنین است:
 آزار بس بیبی از گردون
 - بیت نهم همین قطعه در محیط چنین

حاشیه

- (۳۴) اصل اندر
 (۳۵) اصل درجوحوی
 (۳۶) اصل ایستاده راع
 (۳۷) برای اطلاع بیشتر از این نسخه، رک لف فرس، به تصحیح مجتبائی و
 صادقی، مقدمه، ص ۱۳
 (۳۸) هجای دوم کلمهٔ «دندان» باید کسیده تلفظ شود

در ص ۵۳۹ محیط بیت زیر آمده

گفت. ای من، مرد خام کل درای

بیس آن فرتوت بیر رار حای.

و مآخذ آن کتابهای لغت فرس، حاب دبیر سیاهی، آثار ابو عبد الله رودکی، حاب استالین آباد (= دوسنیه)، ۱۹۵۸ و داسسه فدرحان دکر سده است به گفته خود نفیسی در ص ۴۹۰ محیط ایحه وی از دانشنامه نقل کرده با واسطه آثار ابو عبد الله رودکی است. در لغت فرس، حاب دبیر سیاهی که صورت دست نای سده حاب بسیار دقیق و عالمانه هرن است این بیت در ص ۳۰۳ دبل کلمه «لك» به معنی سحان یهوده و هرره و هدیان آمده. لسی نسبت داده سده است صورتی از است که در این کتاب است

گفت ریم مرد حام لك درای

بیس آن فرتوت بیر رار حای

در این حاب لغت فرس عنوان و تعریف لغت و نام ساعر در مد فلات حاب سده است مراجعه به حاب هرن (ص ۶۴) می دهد که در نسخه خطی مسای حاب وی عنوان و تعریف لغت نام ساعر بوده و وی آن را از فرهنگ فولرس براساس فرهنگ جهانگیری و سعوری به متن افزوده و به همین جهت را در میان فلات گذاشته است

بنا بر این نفیسی شعر را از آثار ابو عبد الله رودکی به نام رباع نقل کرده است به از لغت فرس این شعر به بحر رمل است کلیل و دمه و سیدادنامه رودکی به آن وزن بوده است علامه فروسی در حاشیه نسخه حاب هرن خود (محفوظ کتابخانه داسکده ادبیات داسگاه تهران) در مقابل کلمه نوسه است. «این رباعه خطاست و ظاهراً بیت بعد از رودکی و از کلیل و دمه است و بهمان وزن و روس است و نمیدانم بحر رمل مسوی دارد، اگر دیده شد اینجا الحاق شود حدس مرحوم فروسی کاملاً درست است، زیرا در نسخه، از لغت فرس که به شماره ۲۴۵۵ در کتابخانه دیوان هد افس) نگهداری می شود و کاملاً شبیه نسخه هرن است و بی تردید به يك اصل برمی گردند^{۳۹}، قسمت افتاده نسخه شکل زیر آمده است «لك مردم احمو رعناي يافه گوی رودکی گوید: ...» بدین ترتیب تعداد مأخذی که این بیت رودکی نقل کرده اند به دو عدد می رسد. لغت فرس، نسخه افس و دانشنامه فدرحان.

صورتی از شعر که نفیسی در کتاب خود آورده مسلماً است. «ای من» در آنجا تصحیف «ریمن» است که در لغت (حاب هرن و نسخه ایدیا آفیس) آمده است. «کل در تحریف «لك درای» است که در این دو نسخه آمده

ابری بدید بی و کسومی به

بگرفت ماه و گشت جهان باری

و در مجموعه حسن است.

ابری بدید بی و خسومی بی .

و همین درست است.

در ص ۵۱۲ محیط قطعه ای آمده که بیت آخر آن حسن است.

صدر جهان جهان همه تار يك ست سده

ار بهر ما سده صادق همی دمی

این بیت در مجموعه با عنوان «در مدح بلعمی گوید» آمده و

مصرع دوم آن حسن است

ار بهر ما سده صادق تومی دمی

در ص ۵۱۳ محیط قطعه ای با مطلع زیر آمده

دل بك مدار ای ملك از كار حدایی

ارام و طرب را مده از طمع حدایی

مصرع دوم در مجموعه حسن ضبط شده

و آرام و.

مصرع دوم بیت سوم یعنی

ان کس که ترا دید و ترا بند در جنگ

داند که تو با شیر به سمسر درایی

در مجموعه چنین است.

داند که تو با دهر به سمسر برایی

در اسحا نسخه دلهای بعضی اسعار ساعر را که در سایر منابع

آمده است بر نقل می کنم

در ص ۵۳۶ محیط سبی به این صورت آمده

حوں گل سرح از میان بیلگوس

یا حو ررس گوسوار از حوب گوس

مصرع اول در لغت فرس، نسخه طوباقوسرای حسن است.

چون گل ررد...

بیر در ص ۵۳۸ محیط، به نقل از لغت فرس، حاب هرن، بیت زیر

آمده

گر درم داری گزند ارد بدن

نفسگ او را گرم و دروینی گرین.

که مصرع اول آن در لغت فرس طوباقوسرای چنین است:

گر درم داری گزند تو از این

بر نقل سده نتیجه بی دفتی مرحوم نفیسی در نقل و روایی
 باید همان صورتی باشد که در دانشنامه آمده است نفیسی
 نامه آخر کتاب خود نیز لك درای را به شکل كل درای به
 می رود گوی و باوه درای آورده است! اقبال در حات خود ر لعب
 پس لعب و معنی و شاهد آن را از حات هرن نقل کرده اما
 است «هروت بیر» را به دلیل نامعلومی نه «هروت مرد» بعیر

کمان ارفنداق سد راله بر
 گل عنجه برک و رره انگیر

اما نه طوریکه هرن بوسه اس کلمه در نسخه خطی در عنوان لعب
 نه صورت ارفنداق و نه شاهد به شکل ارفنداق آمده است و
 طاهر امضیح صورت ارفنداق را از تلفظ ارفنداق و ارفنداك كه
 در فرهنگها آمده در من فرا. داده است در نسخه دیگری از لعب
 فرس که معنی نه محمد بحوایی بوده و اکنون در کتابخانه ملی
 بر سر است، در جزء لعب مذکور در حاشیه، اس کلمه به شکل
 ارفنداك (- ارفنداك) و ارفنداك (احتمالا - ارفنداك) آمده و همان
 شعر اسدی بری آن نقل شده، با اس تفاوت که در مصراع دوم به
 حاتی «برك و»، «سكان» ضبط شده است چهارگویی و برهان اس
 کلمه را به شکل «ارفنداك» بر ضبط کرده اند

علی بن محمد کرمی، اهل کرمینه بخارا در فرهنگ عربی نه
 فارسی تکمله الاحصاف (از فرس سیم) در صفحات ۳۵۱، ۳۵۸،
 ۳۶۰ و ۲۷۰ کتاب خود فوس فرح، فسطان و فسطانه، فسطالنه و
 بده را نه ارفنده بر حمله کرده است در فرهنگ عربی نه فارسی
 المقاصد فی اللغه که قبل از سده فرس بهم و طاهر در ماوراء النهر
 بوسه شده^۱، فوس فرح به ارفنداك بر حمله شده است بنابر اس
 اس کلمه در منابع به هفت صورت ضبط شده است، یعنی ارفنده،
 ارفنداك، ارفنداق (احتمالا - ارفنداق)، ارفنداك، ارفنداك،
 ارفنداك، و ارفنداك (احتمالا - ارفنداك) سه صورت ارفنده،
 ارفنداق (ارفنداق) و ارفنداك دارای شاهد است، اما چهار
 صورت دیگر شاهد ندارد از آنجا که دو صورت ارفنداق و
 ارفنداك در لعب فرس آمده و شعر اسدی را نه شاهد دارد فاقدتا
 باشد در اصالت آنها برسد است صورتی که در شعر رودکی آمده
 بر علاوه بر آن که در فرهنگ معتبری مانند چهارگویی آمده،
 باشد اصاح و منتهی الارب را بر نه دنبال دارد و بنابر اس نه مقدار

حاشیه

۱۳۹۱، بی‌نشر، ج ۱، ص ۱۰۰، ک لعب فرس، نه تصحیح محاسبی،
 تصحیف ص ۹۰-۹۱
 ۲۰) مؤلف اس کتاب معروف است اما نسخه طاهر امضیح نه فرد اس نه نه
 شماره ۱۱۲۲ ع در کتابخانه ملی تهران نگهداری می شود در سال ۸۵۹ به دست
 شاهی نه به نام سید محمد نفیسی بوسه شده است رت سید عبدالله ابوار، مهریست نسخ
 خطی نسخه خطی ج ۱، تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۳۵

بر صحاح الفرس دلیل کلمه حله به معنی بار و پوست ریر از
 بی آمده است:

سسی بر آب و کستی باس باد
 پس اندر وادی یکسان بهاد
 نه حله ناندس و نه انگیختن
 نه ر کستی بیم و نه ز آویختن

سسی در ص ۵۳۳ محیط این دو بیت را نقل کرده و تنها مآخذ او
 سس صحاح است، اما معلوم نیست چرا مصراع سوم را نه
 «بر آب» نه حله ناید نه ناد انگیختن» نقل کرده است اس دو بیت
 نه مآخذ دیگر بر آمده است و آن نسخه ای از لعب فرس است
 نه شماره ۲۲۹۸ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری
 می شود در اس نسخه صورتی که از مصراعهای دوم و چهارم آمده
 پس است

رفس اندر وای یکسان بك بهاد

نه ر کستن بیم و نه آویختن

اس مقاله را با نحی درباره يك کلمه که رودکی در سسی نه کار
 کرده است نه پایان می بریم.

مؤلف فرهنگ چهارگویی دلیل کلمه «آرفنده» نه معنی
 فرح سس ریر را از رودکی نه عنوان شاهد آورده است
 غله نیز و تندر بود کوس او
 پس آرفنده سود راله تیر.

سسی و احسن آرا بر این شاهد را به همن شکل نقل کرده اند و
 همین سه مآخذ به آثار ابو عبد الله رودکی (حات اسالین
 ۱۹۵۸) و آثار منظوم رودکی (حات مسکو، ۱۹۶۴) راد ماهه

سسه «آرفنده» نه همین شکل در فرهنگ عربی نه فارسی
 ح به تألیف جمال فرسی ماوراء النهری (فرس همن) که
 نه صحاح جوهری است و منتهی الارب تألف عبدالرحمن
 نه هندی (فرس سیردهم) نیز آمده است و مآخذ کتاب
 نه احتمال بسیار قوی همان صراح اللغه است در لعب فرس
 نه حات هرن، ص ۷۲) این کلمه به شکل ارفنداق آمده و
 بر از اسدی شاهد آن آورده شده است

کافی از اعتبار برخوردار است.

شعر اسدی از گرساسنامه است. هرن در حاسیه نسخه خود نقل می کند که در دو نسخه گرساسنامه که در آکسفورد نگهداری می شود این شعر به صورت زیر آمده است.

کماش ابر گریده سد راله تر
گل (گلی) عنجه ترك و رره انگر

در نسخه حای گرساسنامه (ص ۱۵۵) صورتی که در متن فرار داده شده از لعب هرس گرفته شده، اما به نوشته مصحح در حاسیه ضبط اصلی سه نسخه کتاب حسن است.

نسخه سه سالار: کماش بد از برو و راله بر
نسخه موره برتانا. کماں آوریده سد و راله بر
نسخه آسان قدس. کماش ابر گریده و راله تر.

بنابراین در هیچ يك از نسخ نسخه فوق کلمه آرهداك یا آدهدای به کار برفته است ضبطی که در نسخه موره برتانا آمده یعنی «کماں آوریده سد». نشان می دهد که در نسخه اصل این نسخه به جای «آوریده»، «آدنده» یا «آدنده» نوشته شده بوده و کاتب به سبب ناآشنایی با این کلمه آن را به آوریده بدل کرده است. کماں سایر نسخ بر به همن دلیل، این کلمه و به دنبال آن بقیه کلمات مصراع را عوض کرده اند. بنابراین به حدس فریب به نفس اصل مصراع اول این شعر حسن بوده است.

کماں آدیده (یا آدهده) سد و راله بر

با این صورت این مصراع بسیار سببه به مصراع دوم شب رودکی می شود به نظر می رسد که اسدی هنگام سرودن بیت مربوط به این شعر رودکی توجه داشته با ناخودآگاه آن را با مصراع دیگری که خود ساخته از آن خود دانسته است. صورت آدهدای یا آرهداك را که در لعب هرس آمده بی شك یکی از ساگردان اسدی به حای آدیده یا آدهده وارد شعر او کرده و از گفته اسدی نیست این صورتهای مسلماً در بعضی از لهجه های ایران رایج بوده که در دو نسخه متفاوت لعب هرس که بی شك به دو تن از ساگردان اسدی برمی گردد ضبط شده است. شکل آدهداك در المعاصد نیز مؤید وجود این دو صورت است. از دو صورت آدهدای یا «دال» و آرهداك یا «ر» بی تردید صورت ما دال قدیمتر و اصلی است و صورت با «ر» صورت جدیدتر و مستق از صورت ما دال است. در تعدادی از کلمات فارسی دالهای بعد از مصوب بعدها به «ر» بدل شده است، مانند کلمات حد و بادیه که بعدها به حرو و باریه بدل شده است. در تعدادی دیگر از کلمات نیز این تبدیل در تلفظ صورت گرفته اما املاي کلمه عوض نشده است، مانند آذر، گدستن، بدیرفتن و غیره. ما از این تبدیل در مقاله دیگری بحث خواهیم کرد. آدهداك نیز از صورت قدیمتر آدهداك تحول یافته است. آدهدای نیز با آدهداك یکی است: استعمال «ق» به جای

«ك»، در بعضی از مناطق ایران در کلمات دیگر نیز دیده شده است. دو شکل آدینه و آدهده نیز اصلی و قدیمتر بودن آدهدای دال و آدهداك را تأیید می کند. چهار بار تکرار شدن آدهده فرهنگ بسیار معتبر و مضبوط تکمله الاصناف هیچ گونه حای برای تردید کردن در اصالت آن باقی نمی گذارد. «و» که مؤلف قدیم آن را فاء اعجمی نامیده اند در اصل يك صامت سایشی دو تنی واکدار (آوایی) بوده است که در کتابهای آوایی آن (تا) نشان می دهد این تلفظ بعدها به «و» (۷) یا همین تلفظ کنونی آن و گاهی به «ف» بدل شده است، مانند فام که بعدها به و بدل شده است یا فروبی که به فروبی بدل شده است.^{۴۱} اما در مورد شکل آدینه یا همان قطعیتی که در مورد آدهده وجود دارد نمی توان داوری کرد. اگر این صورت محلی نداشته باشد احتمال دارد که تصحیف آدینه شکل دیگر آدهده باشد. تفاوت آدهده با آدهداك و آدهداك، صرف نظر از تفاوت دال و دال به در حره آخر (ساید سوبد) آنها است. آدهده به «=» (=a) می شود که خود از «ك یا «گ (= -ak/-ag) قدیمتر گرفته شده اما آدهدای یا آدهداك به «k» حتم می شود.

آدهداك تلفظ دیگری از آدهداك است اما آدهداك احمد، تصحیف آدهداك باشد.

با افزودن این ۵۳ بیت به ۱۰۴۷ بیتی که نفیسی از رودکی آورده، مجموعه اشعار موجود او به ۱۱۰۰ بیت می رسد. (ك) را که در لغت هرس به نام روره بکی آمده و ما آن را از رودکی داشتیم نیز نفیسی در کتاب خود گنجانده است. بنابراین حسب تعداد ابیات گردآورده ما ۵۲ بیت می شود. اما از مقدار ۰۲۷ بیت گردآورده نفیسی بعضی به دیگران نیز نسبت داده شده است که مرحوم نفیسی متعرض ذکر آنها نشده است. دو بیت آنها سروده خود نفیسی است حای آن دارد که صاحب همتی مح تمام اشعار ساعر را براساس کلیه مأخذ موجود و با سیوه اش و به دست دادن کلیه ضبطها از نو جمع آوری کند: اشعار را که دیگران نسبت داده شده است در فصلی جداگانه گرد آورده و آن را که وزن و قافیه و سبك آنها یکی است، اما در مأخذ مختلف تراکنده است همه را از هم تفکیک و متمایز کند، به آنحنانکه متداول محققان ما است آنها را به دسال هم و به صورت قطعه، سوسته بیاورد، تا از این ساعر بزرگ که الحق باید او را بدر فارسی نامید مجموعه ای قابل استناد که برآورنده نیاز تحقیقی این زمان باشد در دسترس قرار گیرد.

حاشیه:

(۴۱) برای اطلاع بیشتر از این آوا. رك علی انشرف صادقی. «خصوصیات تفسیر قرآن باك»، محله دانشكده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران هجدهم، ش ۳، اسفند ۱۳۵۰، ص ۴۴-۴۴.

شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی

در زبان فارسی معاصر

(۱۰)

د. دکتر علی اشرف صادقی

سروده‌های نسبت

(۵۶) «نی» (=i-)

نمی‌توانند که در دستورهای آن را «باء نسبت» می‌نامند، را با تریه
بعضی از سروده‌های فارسی است و به نایه‌های مختلف می‌جستند
معنی متفاوت گوناگونی را می‌رساند این نایه‌ها می‌تواند از
صفات فارسی، عربی، متداول در فارسی، کلمات فارسی غربی، و
تلمیحاتی باشد که جدیداً وضع شده‌اند معانی را که این سروده
نمی‌دهد می‌توان تحت عنوان نسبت و استسکی یا نسبت و
نسبت خلاصه کرد، زیرا صفاتی که به این طریق ساخته می‌شوند
در پی ارتباط و وابستگی با نایه خود را نشان می‌دهند نوع این
نسبت در بیشتر موارد از باب کلام روشن می‌شود، زیرا حالت
این صفات بالقوه دارای چند معنی هستند و تنها بافت است که
یکی را آنها را بالفعل می‌سازد. مثلاً کلمه «نی» حداقل چهار
معنی دارد (۱) وابسته و مربوط به نسبت (استساک، کاربها
و...) (۲) الوده به نسبت (۳) کسی که نسبت می‌فرستد (۴) کسی که
نسبت کار می‌کند، و تنها بافت کلام است که در هر مورد
مسئله می‌کند کدام یک از این معانی مراد است در بعضی موارد
نسبت به عالم خارج تعیین کننده معنی است مثلاً کلمه «ترقی»
معمولاً به معانی دیگر دارای دو معنی ریز است (۱) کسی که معارف
نسبت را در بر می‌دارد و ضمناً به سیم کسی برقی در منازل و جاهای
نسبت می‌برد (۲) هر کسی که در اداره برقی کار می‌کند و از
جمله کسانی که مأمور فرانت کنترل برقی منازل و غیره است حال
نسبت ریز «اف اف» منزل شما را برید و بگوید ترقی هستم.
نسبت می‌داید کدامیک از دو معنی فوق را باید برای کلمه «ترقی»
نسبت بگیرید، و تنها به فریته اینکه مدتی است کشور جوان اداره
نسبت برای فرانت کنترل شما نیامده می‌تواند حدس برند که

مستطور از «ترقی» مأمور اداره برقی است برعکس اکثر سیم‌سی
منزل شما دچار استکالی شده باشد و برای رفع آن به معارف ترقی
محل خود رجوع کرده و از آن کمک خواسته باشد، یا بسیدن کلمه
«ترقی» از نسبت «اف اف» معنی تعمیر کار را بر آن درمی‌یابند

ما در مستطور ریز نسبت می‌شم مفهوم کلی نسبت و وابستگی
را به چند مفهوم فارسی بر نفسیم، ششم، نگاه این چند مفهوم را به
مفاهیم ریز ریز نسبت و مثالهای موجود را در اینها طبقه‌بندی
کنیم قبل از پرداختن به تفصیل معانی «نی» یادآوری این
نکته لازم است که بعضی از معانی این سروده فاسی است و
می‌توان به فاس با آن تلمیحات جدیدی ساخت، اما از بعضی معانی
دیگر آن تنها مثالهای معدودی در دست است ما در ریز در حد
امکان به این نایه‌ها اشاره خواهیم کرد

معانی مختلف «نی» را در این تقسیم‌بندی کلی می‌توان به
هفت مفهوم ریز تقسیم کرد (۱) مفهوم نسبت و شکل (۲) مفهوم
ماهیت (۳) مفهوم انصاف و داد و ستد (۴) مفهوم وابستگی (۵)
مفهوم طریقه (۶) مفاهیم منطقی استسکی، الزام و احتمال (۷)
مفاهیم فاعلی و مفعولی

(۱) مفهوم نسبت و شکل

الف) «نی» در الحاق به نایه مفهوم شکل و هیئت در ابعاد
هندسی و نشان می‌دهد در اینجا موضوع نسبت به نایه نسبت
است مثلاً، سیم‌های، مجری‌های، تروی، تقوی، حرطومی
الوله، سمعی (لامت)، فنی (نسبی)، حجم مرعی، فلهی، کنای
باطری، نادانی (حسم)، خلوص
بعضی مثالهایی که می‌تواند دلیل این بردار گردد نشان‌دهنده
هم‌اندازه بودن موضوع و نایه نسبت است، مانند خسی و رحلی

(در مورد کتاب) که به معنی هم اندازۀ حشت و رحل است. باره ای از مثالهای این بند در معنی مجاری و توسعی به کار می رود، مانند نقلی به معنی کوچک، کله گنجسکی، به همان معنی. (ب) شهادت موصوف به نایه را نشان می دهد. این سیاهب ممکن است از نظر ظاهری ناسد، مانند جسم بللی (لویا)، اطلسی (گل)، شطرنجی و آبلنگی، و یا ممکن است از نظر عمل و نفس ناسد، مانند زنبوری (حراج) که در اصل به معنی حراعی است که مانند ربور صدا می کند، و بوسالی که به معنی سست و فاقد استواری همچون بوسال است در آبلنگی نایه صفت مستعلا وجود ندارد. در مورد کلمۀ مهتابی (صفت نوعی چراغ که نور آن سیاه مهتاب است) کمی حذف وجود دارد، زیرا «حراج مهتابی» به معنی حراج سبیه به مهتاب نیست، بلکه به معنی چراغی است که [نور آن] سیاه مهتاب است. بری (ریس)، بر همین حالت را دارد و به معنی «سبیه [ریس] بر» است. (ب) از مفهوم شکل ظاهری، مفهوم رنگ مستق سده است و بسیاری از صفات مختوم به «دنی» دلالت بر رنگ می کنند. در اینجا موصوف همراه نایه صفت است. لمویی، مارنجی، عنانی، فیهوای، گندمی، حاکی، دودی، آبی، بلی، لاجوردی، ارغوانی، طلائی، نمره ای، سیری و عره.

صفت حو گندمی به معنی محاری به کار می رود. نایه غالب صفاتی که بر رنگ دلالت می کنند از کلمانی گرفته سده اند که لافل در ادوار گذشته از رایج ترین کلمات زبان بوده اند.

(ب) صفت مفهوم الودگی سطحی به حیری را نشان می دهد. گلی، حاکی، آردی، بقی، روغنی، سری، گچی، رنگی، حویی (همه در مورد لباس یا بدن و عره، در صورتیکه آلوده به مصداق نایه این کلمات سده ناسد).

استعمال صفات بسی در چهار مورد فوق فیاسی است.

۲) مفهوم ماهیت

نایه صفت، حسی را که مصداق موصوف از آن ساخته سده نشان می دهد. آخری، سگی، آهنی، سینه ای، فلزی، مسی، پوستی، مونی، آلومینیومی، حویی، برنجی (نان) و غیره چنانکه دیده می شود «دنی» در این معنی به نام مواد ملحق می شود. استعمال «دنی» در اس مورد فیاسی است.

۳) اتصاف و دارندگی

بسیود دارندگی و اتصاف را نشان می دهد. اتصاف و دارندگی را می توان به انواع زیر تقسیم کرد: الف) دارندگی به معنی دربرداشتن چیزی. در این حالت

موصوف دربردارندۀ نایه صفت است و نایه از مسد، تمایزدهندۀ موصوف به شمار می آید: پنج دری (اطاق)، د، (ماسین)، فیری (صندلی)، سمی (گیاه)، گوستی (صورت)، سکری، فیدی، روغنی (هر سه، صفت انواعی از ن سپی پی).

(ب) دارندگی به معنی همراه بودن یا عارضه ای مانند جسمی یا روانی یا برخی ویژگیهای صوری و اخلاقی در اسان یا حیوانات و درتا اسیا: حصه ای، تراجمی، جسم د تنگ نفسی، وسواسی، کرمکی، ححالتی، کک مکی، حط - حال خالی، بارباری.

(ب) دارندگی به معنی همراه داشتن چیزی به عنوان بوس ریب و یا مرکب و نظایر آنها که علامت مشخصه تلفی کلاهی، حادری، کروات، عینکی، عمامه ای، عصایی، موتو حرحی، واتنی.

(ب) دربرداشتن همان مقدار واحد که نایه بر آن دلالت بیست لیتری (گال)، ده تایی (بسته)، سه واحدی (میرل)، د، (سر)، سح تومانی.

(ب) مضمن بودن، دربرداشتن و همراه بودن با هر چیز: ار ملموس یا انتزاعی: اری، نارانی، آفابی (هوا)، ط (دریا)، قیمتی، حرکی (رحم)، نمکی (دارای نمک به محاری)، تفصیلی (طرح، نقشه)، الزامی (دارای لزوم، اجرانی (کار) بسیاری از اینگونه صفات معادل صفات دیگر همین ریشه ها، اما بدون «دنی» هستند. ملا استکباری با مستکر، نمکی به معنی بانمک، تفصیلی به معنی مفصل ا کلمۀ حیاتی نیز از همین مقوله است، اما در آن حذف دارد، زیرا به معنی «دارای [اهمیتی مانند اهمیت] حیات» استعمال «دنی» در کلیۀ این معانی فیاسی است. عا صفات به عنوان اسم نیز به کار می روند.

۴) وابستگی

دیل این عنوان کلی مفاهیم دپیتری مانند تعلق به مکار و به اعتقادات، اختصاص به چیزی داشتن، دلالت بر منف و مقصد، دلالت بر سفل و غیره قرار می گیرند. به این الف) نایه نام یک مکان به عنوان یک واحد جغراف سیاسی است و موصوف انسان است. در این حال پا؛ منشأ جغرافیایی موصوف را نشان می دهد. این منشأ ممک وطن ناسد، مانند ایرانی، عراقی، پاکستانی، تهرانی، روستایی؛ یا مبدأ حرکت ناسد، مانند مکه ای، کر بلانی، (کسانی که از مکه، کر بلا یا مشهد آمده اند)، و یا مقصد - نشان بدهد، مانند سیرازیها، اصفهانیها و غیره، یعنی که

در يك به سوی سیراز و اصفهان هستند یا برای اقامت به شهرها می‌روند: سیرازها از در دوم خارج شوند (در يك مسافر بری)، من اهوازی سدم (= مسافر اهواز سدم یا به سفل سدم).

صفات به عنوان اسم نیز به کار می‌روند.

نایه نام يك مکان به عنوان واحد جغرافیایی-سیاسی یا نام یک است و صفت ساخته شده با آن، زبان آن منطقه را نشان می‌دهد. آلمانی، ایتالیایی، انگلیسی (انگلیس = انگلستان)، ترکی، کردی، بلوچی، روسی (روس نام قوم و نیز نام کشور است).

صفات به صورت اسم نیز به کار می‌روند.

نایه یکی از اسمهای مشترك با خود مکان و یا هر نامی که می‌تواند مکان چیزی باشد و محل قرار دادن موضوع را نشان می‌دهد. بالایی، نائسی، ربری، رویی، بعلی، وسطی، بدستی، دست‌راستی، سفلی (سکه)، محی، بعلی، حبسی (ماعت)، کمری (اسلحه)، کوحه‌بائی (آوار).

نایه نام محل یا مکان یا هر اسم دیگری است و موصوف يك ماده یا کالا یا مسائل انتزاعی مانند حل و جو و آداب و عادات و رسوم و غیره. در این صورت نایه مسأله محل نگهداری آن ماده و محل و منشأ آن مسائل را نشان می‌دهد. وطنی (کالا)، بعلی (آب، ماده)، حیوانی (روغن)، سمیرانی (سب)، مسهدی (بربره)، صنعتی (محصولات)، فربرری، سردخانه‌ای، کجاده‌ای (درخت یا گل)، درختی، رمینی (میوه)، بومی، محلی، آریایی (عدا)، فرهنگی (کستی)، آمریکائی (عادت، فرهنگ)، بعلی (احصوصیات)، قبیله‌ای (سب).

اسم به نند الف بسیار برديك است.

نایه بر مفهوم زمان دلالت می‌کند و سوئد تعلق و اختصاص موصوف به نایه یا وقوع موصوف را در نایه نشان می‌دهد.

۱. تعلق موصوف به نایه. فرو و وسطایی (عادات)، امروری (حس)، کنونی (وضع)، همیسیگی.

۲. اختصاص موصوف به نایه. تاسسانی، رستائی (لباس، کفش و غیره).

۳. وقوع موصوف در نایه: تابستانی (کلاس، درس).

نایه نام يك شخص را نشان می‌دهد و سوئد وابستگی او را با خواندگی موصوف را به نایه نشان می‌دهد رضایی، ربی، عبداللهی.

۴. موصوف اختصاص به نایه صفت دارد: حبگی (هوابما)، بدنی (تفنگ)، ورزشی (مجله)، سفری (کیف)، کوهستانی (ملی، دولتی (کارخانه)، آریایی (رمین).

سوئد در بعضی از مثالهای این دسته هدف را نشان می‌دهد. توحیهی (سحرایی) = که هدف از آن توحیه مسئله‌ای است، خوردنی، بردنی (در مورد میوه‌هایی که در ظرفی حیده‌اند: این میوه‌ها خوردنی است یا بردنی؟)، انداختنی (حس)، حادری، بیراهنی (بارحه‌هایی که به منظور بهینه حادر و بیراهن بافته‌اند)،

فروسی، صادراتی، کادونی، مصرفی.

بعضی از مثالهایی که موصوف آنها اختصاص به نایه ندارد در حقیقت برگردان يك مضاف و مضاف‌الیه است و صفت نسبی در اینجا همان معنایی را افاده می‌کند که کسرۀ میان مضاف و مضاف‌الیه، از جمله در مثالهای زیر

علوم سبری = علوم سر

عناصر ربائی = عناصر زبان

ترسب بدنی - ترسب بدن

بانك اطلاعاتی = بانك اطلاعات

مؤسسه تحقیقاتی = مؤسسه تحقیقات

سب فسله‌ای = سب فابل

انگونه صفها معمولاً ترجمۀ صفت‌های معادل آنها در زبانهای عربی هستند. روس معمول در زبان فارسی در اینگونه موارد به کار بردن مضاف و مضاف‌الیه است. بعضی از این الگوهای ترجمه‌ای به گونه‌ای در زبان معاصر جا افتاده‌اند که معادلی از صاحب مضاف + مضاف‌الیه ندارند، مانند فرصت مطالعاتی.

ح) در صورتیکه نایه دلالت بر يك دین، مسلک، شخص صاحب عقیده یا اعتقاد علمی و روش علمی و سیاسی نکند، یا يك کشور صاحب نفوذ یا يك نهاد مورد توجه را نشان دهد، سوئد وابستگی موصوف، سرو، طرفدار و معتقد بودن او را به نایه نشان می‌دهد. اسلامی، رددسی، محمدی، حرب‌اللهی، امام‌حسینی، مقصدی، آمریکائی (طرفدار امریکا)، انگلیسی، روسی، درباری، برسولسی (طرفدار سم برسولس)، توده‌ای، مانویی، استندادی.

بعضی از اینگونه صفات حسۀ اصطلاحی دارند. دسب‌چینی، دسب‌راسی.

ح) سوئد وابستگی موصوف را به نایه به صورت اعتقاد، علاقه، سدید، عادت، و غیره نشان می‌دهد: برناکی، منفلی، هروئینی، سیگاری، دودی، الکلی، تلوربونی، آنگوشتی، بلونی (علاقمند به آنگوست و بلو)، مذهبی، ارادی، عارفی (اهل تعارف)، ددزی، دعوائی (کسی که عادت به دعوا کردن دارد)، و غیره.

د) سوئد، هماهنگی و همسویی و وابستگی به نایه را نشان می‌دهد: قانونی، واقعی، اصولی، اعلایی، کمونیستی (منطبق بر کمونیسم). در اینجا يك صفت فرضی اروپائی یا «دنی» همراه شده

وجود دارد، زیرا این کلمه صفت درس خواندن است. دانشگاه. بنابراین دانشگاه مکانی‌ای یعنی «دانشگاهی اینجا به صورت [مکانی‌ای] [درس می‌خواند]»

اینگونه صفات از آنجا که وسیله را نشان می‌دهند می‌آسانی به صورت فیدیر به کار روند، اما استعمال اسمی آن سده است.

ب) پایه صفت طرف موصوف است یا نحوه‌ای از موصوف تا آن ورن تا عرصه یا فروجه، استخدام یا احاره می‌شود. حبه‌ای (برتقال)، بسته‌ای، دانه‌ای، سسه‌ای کیلونی، فالی، کسیمی، کلیدی. معاره را به صورت خرید، درسی (ماسین)، رسمی، فرادادی، سمایی، حر (خرید)، اسماهی، غلطی، برقی (به سرعت)، بوسی، ساسی، حکمی (به صورت نکحا و بدون شمارش یا ورن کردن احاد یک مجموعه)، مدادی (خط) (= که با مداد نوشته است)، تغلیبی (= که از راه قلب فراهم شده است).

دو صفت حکمی و کسیمی غیر قابل تخریه اند این صفات بیشتر به صورت فیدیر به کار می‌روند. اسمی آنها بر کم سبب بیماهی (= کارمندان سمایی)، (= بر فعالهای حبه‌ای)

صفایی که عمدتاً از الحاق «نی» به یک اسم حاضر سده اند و دلالت بر موصوف به سبب شخصی که تانه بر او دارد می‌کند بر او همس مفوله اند افلاطونی (عس)، (تفکر) و غیره. این صفات فبایی اند.

۶) تباستگی، الزام و احتمال

صفایی که تانه آنها مصدر، اسم مصدر، مصادر عربی اسمی افعال مرکب است اساساً با صفایی که تانه آنها حامد (عبر مسوق از فعل) است تفاوت دارند و هنگام الحاق آنها غالباً به معانی از نوع تباستگی، الزام و احتمال بر فاعل و مفعول به کار می‌روند

الف) تباستگی (لغات) سبب «نی» در الحاق مصدرهای فارسی و (اسم) مصدرهای عربی مصد تباستگی و لیاقت موصوف برای عمل پایه است: اسامیدی، بوسیدی، گفیدی، دیدیدی، سیدیدی، خواندیدی تماسانی

کلمه «کلگی» نیز احتمالاً متعلق به این گروه است «سایسته و مناسب کلگی [ردن]» است.

ب) الزام سبب الزام احكام گرفتن پایه را می‌رسد اینجا همیشه مصدر است. در مصادر متعدی، موصو منطقی و در مصادر لازم موصوف فاعل مصدر سمر

است و روی هم رفته به معنی مسوب به کموبیس است)، مفر رانی، توحیدی (جهان بینی)، موردی (منطقی بر هر مورد)، عربی (روس)، امریکائی (شخصی که به سبک آمریکاییها لباس می‌پوشد تا به سبب آنها رنگی یا عمل می‌کند)

د) سبب فعل موصوف را در ارساط تا پایه نشان می‌دهد نفی، بحی، نمکی، لونی، سیری، کاسه سفایی، کت سلواری، کولری، آب حوضی، اسعالی، برقی، سحری (سحرگر)، تانکی، اداری، فرهنگی، ارسبی، کسه‌ای

این صفات غالباً به صورت اسم به کار می‌روند، رک سیدانی، سال ۱۲، س ۴، حرداد- بیر ۱۳۷۱، ص ۴۴-۴۳ (تا پایه صفت بر روی محرکه تا وسیله‌ای را نشان می‌دهد که موصوف تا آن کار می‌کند تا به وسیله آن تولید می‌شود. برقی (دستگاه)، امی (سروگاه)، گاری (حرا)، نفی، بارونی (قاب)، هرمی، رغالی، دسی (هر وسیله تا دستگاهی که با دست کار می‌کند، مانند برمر و غیره)، بوسیدی، بادی، موبوری، بوسیدی، کارونیلی.

ر) سبب تباستگی موصوف را برای تانه نشان می‌دهد سلطنتی (بدرایی، عدا، و غیره) = ساهانه

ر) سبب هر نوع تباستگی به تانه را نشان می‌دهد مردمی (وربر) - واسه به مردم، طرفدار مردم و غیره، لسنکری (مقام)، کرمانی، سربانی (کسی که به کرمان و سربا حساست دارد و از آنها است می‌شد)، عداپی (مواد)، حودی، خودمایی، ملاقطی (واسه به نقطه‌ها)، کمتری (کمتری سدن = دارای ناراحتی کم سدن)، دهی (لمه) = به دهی رده سده، راهی (در برکت «راهی جایی سدن»)

بعضی صفات بسی بر اصطلاح سده اند، مانند سکنی (به معنی بدون تفکر و منطقی، سسجنده)

بعضی دیگر بر حامد و غیر قابل تخریه سمرده می‌شوند، مانند فلانی

استعمال «نی» در اکثر موارد بالا (غیر از سدر و ر) فبایی است اکثر این صفات به صورت اسم بر به کار می‌روند

۵) طریقه

الف) تانه، وسیله و طریقه‌ای را نشان می‌دهد که موصوف فعل حمله را تا آن انجام می‌دهد تا فعل به آن طریقه بر آن واقع می‌شود. رسمی (ارتباط)، تلفی (گفتگو)، سفاهی، کبی، ربایی، بولی، کوسی، فسطی، بقدی، بلطی، کارتی، دعوب نامهای، مکانهای، دسته جمعی (ملاقات)

دو برکت کتی و سفاهی در فارسی امروز غیر قابل تخریه اند، زیرا پایه آنها به سبب به کار می‌رود در «مکانی‌ای» بر حذف

اه) = که باید آن را رفت، کردنی (کار) = که باید آن را
 آوردنی، آوردنی، بردنی (بار)

هی الزام از نوع الزامهای منطقی است، یعنی شرایط حاکم
 بر صیغ و اجسام گرفتن و واقع شدن بانه صفت را منطقی لازم
 است. مثلاً «مردنی» صفت کسی است که نه دلائل بیماری یا
 و حران لروما و منطقاً خواهد مرد (این کلمه محاراً نه
 هم آدم بسیار لاغر، که گویی عفریت خواهد مرد بر به کار
 رفت)

بعضی از مثالهای این بند، مانند افروودنی، دلیل بند الف بر
 بند ب قرار نگیرد.

۱۷) فاعلیت و مفعولیت

الف) بسوید به جزء غیر فعلی افعال مرکب می‌جست و معنی
 می‌دهد. این فاعلیت ممکن است بالقوه باشد که عملاً نه
 حال حال و آینده مربوط می‌شود، مانند بولندی (کار) =
 بلندکننده، احرائی (عوامل) = احراکننده، بحرایی (سرو) =
 بحریت‌کننده (برای تفصیل، رک سرداس، سال ۱۳، ص ۳،
 ۱۲) و با صرفاً مربوط به زمان آینده باشد، مانند سفری =
 کسی که عفریت سفر خواهد کرد، سفرکننده در آینده، و با
 مربوط به زمان گذشته، مانند فراری = کسی که فرار کرده است
 (ما در زمان گذشته)، ورودی = کسی که وارد شده است
 در دههای سال ۱۳۷۰ (در مورد اسجونان دانشگاه) کلمه احبر
 افعال مرکب گرفته نشده است در فیس فسی (کسی که فیس فیس
 شد)، بانه اسم صوب است.

ب) بسوید به مصادر و جزء غیر فعلی افعال مرکب می‌جست و
 معنی می‌دهد. این صفت معمولاً به زمان گذشته مربوط
 است، مانند بختنی (غذا) = بخته شده، حاضری = حاضر
 در مورد بحس، در مورد غذا و حاضر شده بدون سفارش قبلی،
 مورد لباس. گاهی نیز این صفت مربوط به آینده هستند
 می = کسی که در آینده اعدام خواهد شد (برای توضیح
 رک سرداس، سال ۱۱، ص ۵، مرداد - شهریور ۱۳۷۰،
 و سال ۱۳، ص ۳، فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۲، ص ۱۵)
 کلمه بافتنی به معنی چیزی است که آن را می‌بافند (بدون

مفهوم زمان) یا چیزی که بافته شده است. بلور بافتی
 اینگونه صفات غالباً به صورت اسم به کار می‌روند، رک
 سرداس، سال ۱۲، ص ۶، مهر - آبان ۱۳۷۱، ص ۲۰، بند ۷

در اینجا دسته‌بندی معنایی بسوید «نی» به ناان رسید در این
 دسته‌بندی، معنایی عمده و مهم این بسوید به دست داده شد، اما
 ممکن است بعضی معنای فرعی دیگر بر وجود داشته باشد که
 به نظر نگارنده برسیده است. همچنین ممکن است بعضی از
 تقسیم‌بندیهای فرعی به دست داده شده مورد قبول دیگران نباشد
 یا عده‌ای بعضی از تقسیم‌بندیهای ما را به دسته‌های بارهم‌ربرتری
 تقسیم کند. اینگونه اختلافات در تقسیم‌بندیهای معنایی، بعلم
 بی‌شکل بودن معنی طبیعی است اما بحث بسوید «نی» هنوز به
 ناان برسیده و به مطلب مهم دیگر در باره آن ناکفته مانده است
 یکی از این سه مطلب مسئله «نی» های فاعلی معنی است دیگری
 عبرات صورتی که هنگام الحاق بسوید به بانه عارض بسوید
 و بایه می‌شود سوم مسئله بسوید «نی» و علامت جمع انك
 بحث این سه مسئله

● «نی» های فاعلی معنی

در فارسی معاصر تعدادی مثال هست که با بسوید «نی» به کار
 می‌روند، اما از نظر معنایی در هیچ‌یک از تقسیم‌بندیهای ذکر شده
 نمی‌گنجد. این مثالها همه صفاتی هستند که با از غریبی گرفته
 شده‌اند و با از رایج‌های غریبی بعضی مثالهای محدود از کلمات
 فارسی الاصل بر وجود دارد. مثالهای غریبی همه کلماتی هستند
 که در زبان غریبی صفت محسوب می‌شوند، اما در فارسی غالباً با
 «نی» به کار رفته‌اند. مهم‌ترین آنها از این فرارند

معارف ← معارفی	موف ← موفی
موروث ← موروثی	مورور ← موروری
مستکون ← مستکونی	حدید ← حدیدی
مردوع ← مردوعی	تصمیم ← تصمیمی
مرحوم ← مرحومی	مجان ← مجانی
مضوع ← مضوعی	قدیم ← قدیمی
معمول ← معمولی	

حالت افروودنی «نی» به این صفات طاهراً این است که این
 کلمات در آغاز در نظر ایرانیان صفت سرده نمی‌شده‌اند یا صفت
 بودن آنها ضعیف بوده است. از این نظر با بسوید «نی» که
 فعالترین بسوید صفت ساز فارسی است ترکیب شده و در ردیف
 سایر صفات فارسی در آمده‌اند. تعدادی از آنها نیز با بسوید و
 بدون بسوید به دو معنی به کار رفته‌اند، مانند کلمات دائم/ دائمی،
 قدیم/ قدیمی، معمول/ معمولی. کلمه قدیم در فارسی هم به

صورت اسم به کار رفته است و هم به صورت صفت. بنابراین الحاق «-نی» به آن به عنوان اسم مطابق مواردین دستور زبان فارسی است و قدیمی از نظر معنایی در ردیف صفاتی فرار می‌گردد که شوند در آنها وابستگی موصوف به پایه را سنان می‌دهد. مثالهای صفاتی که از ربانهای عربی گرفته شده و با «-نی» به کار رفته‌اند از این فراراند.

ایدنولوریک ← ایدنولوریکی

الکرنیک ← الکرنیکی

اسرارنیک ← اسرارنیکی

کموبیس ← کموبستی

ترورسب ← ترورستی

سووسسب ← سووسستی

امهریالیست ← امهریالیتی، و تعداد دیگری از کلمات مختوم به «-نسب»

لاتنس ← لاتنی

اسانول ← اسانولی

نکته‌ای که در مورد صفات عربی مذکور در بالا گفته شد در مورد این صفات بر صادق است این کلمات بر از نظر عامه فارسی‌زبانان با صفت سمرده سده‌اند و با حینه صفتی آنها ضعیف محسوب می‌شده و با «-نی» صفت ساز همراه سده‌اند در مورد صفات اروپایی محبوم به «-نیک» این نکته گفشی است که کلماتی که با «-نی» همراه سده‌اند منحصر به همان چند مثال مذکور در فوق و احتمالاً یکی دو کلمه دیگر است، اما بسیر کلمات عربی محبوم به «-نیک» در فارسی به هم صورت به کار می‌روند، مانند کلمات انومانیک، سسسمانیک، دیلمانیک، اکادمیک، دموکراتیک، سمبولیک و غیره در مورد کلمات محبوم به «-نسب» وضع به گونه‌ای دیگر است این کلمات اساساً در زبان فارسی در مورد اسبابها و گاه حکومتها به کار می‌روند، اما پس از الحاق پسوند به آنها به غیر اسباب- مفاهیم و نهادها- اختصاص می‌یابند. عقاید، سوده‌های کمونستی؛ گروهک ترورستی و غیره در حقیقت این صفات به حای صفات عر موخود * کمونستی، * ترورستی و غیره به کار رفته‌اند

گفتم که بعضی کلمات فارسی بر هسب که در عین صفت بودن با «-نی» صفت ساز بر به کار رفته‌اند این کلمات از این فراراند

جاودان ← جاودانی

ناسان ← ناسانی

ساخته ← ساختگی

بروار ← برواری

اکبر ← اکبری

خط خط ← خط خطی

حال حال ← خال خالی

تل ← تیلی

بی سیک الحاق «-نی» به این کلمات بر به فاس صفت مختوم به «-نی» صورت گرفته است^۲

● تعبیرات صوری شوند و پایه

«-نی» در الحاق به بعضی پایه‌ها دچار بعضی تعبیرات می‌گردد؛ پایه بر در بعضی موارد محصور در گروگون می‌این سرح

(۱) «-نی» هنگام الحاق به بعضی کلمات مخوم، (= -i: -i) به «-گی» (= -i: -i) تبدیل می‌شود. خانوادگی، خانگی، همسگی و غیره

(۲) در الحاق به کلمات بر به شکل «-وی» = می‌شود

الف) در تعدادی از کلمات عربی و فارسی محبوم به این حالت اگر مصوب نامانی کلمه «-ن» باشد، به «-ن» بدل می‌شود. کروی، حلقه ← حلقوی، کله ← کلوی، ربه ← عربه ← عربوی، کنجه ← کنجوی، فراسه ← فرا (ب) در تعدادی از کلمات محبوم به «-نی» در ای مصوب نامانی پایه به «-ن» بدل می‌شود. بعضی ← بعضوی، مانوی، مبی ← موی؛ دهلی ← دهلوی، ساری ← مایی ← مانوی

ب) در تعدادی از کلمات محبوم به «-سا» (= -i: -i) در «-ی» (بوسه می‌شود) در این حالت «-ن» نامانی پایه به بدل می‌شود. دنیا ← دنیوی، آخری ← آخروی (این فارسی مسوب به آخر بر می‌توان گرفت)، ع عسوی، مصطفی ← مصطفوی، رضا ← رضوی مصوب، هجای اعاری به «-ن» در نتیجه همگونی با مصو (دوم).

ب) در الحاق به بعضی کلمات مختوم به «-سو» (= -i: -i) حالت مصوب «-ن» به «-ن» بدل می‌شود. حواجو ← خواح ← میتوی (در این کلمه «-ن» گاهی بر به «-ن» بدل می‌شود. میوسس از الحاق «-نی» به آن بدون تغییر «-ن» نیز به کا میونی)

کلیه موارد فوق سماعی و منحصر به تعداد خاصی هستند و صفات بسی جدید با آنها فاس نمی‌شود.

گرایس عامه مردم به مافی گذاشتن آن است کلمات تجاری،
 رراعی و بطائر آنها در عرض بحاری، رراعی و عبره در فارسی
 امرور مداول اند و حسی روحسان بستر از تجاری و رراعی
 است. مامه کم سواد، ملی را سر (به فاس یا دولی) به صورت
 ملی به کار می برند

۳. در الحاق به سبستر کلمات محتوم به «-ه»، «-ا»، «-و» و «-ی» «-ئی» به صورت «-یی» یا «-ئی» (با همزه) (= ۱-۱-۱) تلفظ می‌شود. کراه ای (مسوب به کسور کراه)، رورنامه‌ای، اداره‌ای، سرخانه‌ای، گسجه‌ای، توده‌ای، رصانه‌ای، دسائی، بالائی، دسی، سائی، رادوئی، بلوئی، حلوئی، عمونی، روئی، موئی.

بدیل «نی» به «نائی» نتیجه فاسی است ملا در سبب نه
سخنی می توان همسکانی گفت بدون آنکه عراسی داسه

۷. مصوب نایابی بعضی کلمات عربی و فارسی محمود به
«ا-ب-ج» در الحاق به «د-ه» حذف می شود اداره -
از، مکه - مکی، بصره - بصری، مراغه - مراغی.
د - فرغانی، خارجه - خارچی (این کلمه ثبت مسلوب
ح - بر می تواند باشد)

۱. در تعدادی از کلمات عربی که به «-ب» (ا، ح) جمع
ند، این حرف می‌سود عبادت ← عبادتی، تحارب
محاربتی، ملت ← ملی، رراع ← رراعی، عمره
حذف ا، منحصر به تعداد خاصی از کلمات است به علاوه

۱) در فارسی قدیم لغات ایرانی و پارسی با «ی» به «ای» در تازی و هندی،
 حتماً در اسماء، بر اثر دخیلی
 جرد باید اسماء خود را بجا
 طلب می‌داشتند و در فارسی
 نه طلب می‌کنند، نه اسم تازی را
 حفظ کرده اند و نه تازی

[illegible]

تحملات، مکاتبات، مسابقات، مطالعات تشکیل شده اند که آنها با جمع آنها اختلاف معنی ندارد.

دسته سوم از کلماتی تشکیل شده اند که بیشتر به مجموعه ای از خبرها یا مفاهیم اند به جمع احاد آنها، مهرات (مجموعه فوانس و آئین نامه های مربوط به موضوع)، مبارزات (مجموعه کارهایی که مبارزه نامیده می شود) اصول و غیره.

در بیسبر مالهای این سه دسته از نظر فارسی زبانان، جمع، به ویریه محترمین معنی آن یعنی تعدد، صغیر و گاهی است. در حصص بیشتر این کلمات در زبان فارسی در مفهوم حسن به کار می رود و نه حای بسیاری از آنها می توان مفرد عربی آنها را که بر مفهوم حسن دلالت می کند با فارسی آنها را به کار برد مثلا به حای تعلیمات، تحاد تعلعات، تدارکات می توان آموزش، تحمل، تبلیغ و تدارک برد به حای «مؤسسه مطالعات و تحقیقات» می توان «مطالعه و تحقیق» گفت. به حای «اداره خدمات» می توان ارائه خدمات» به کار برد به حای «افساطی» می توان «فسطی» استفاده کرد و غیره، بدون اینکه تفاوت معنی محسوس باشد به حای بعضی دیگر معادل فارسی مفرد هستند است مثلا به حای سکیلات، سازمان وضع شده است است آنها بر ترجمه معادلهای فرهنگی هستند که در زبان اصاصورت مفرد به کار می رود و با به صورت جمع، اما به خاصی که بعد از آن فهمیده نمی شود مثلا مطبوعات (معادل law در انگلیسی)، تظاهرات ترجمه manifestation (معادل election فراسه، انتخابات ترجمه election فراسه البته در فراسه به صورت جمع نیز به کار می رود، اما دوفتی که گفته می شود مردم امروز تظاهرات کردند یا مجلس برگزار شد معنی چند بار تظاهرات کردن یا انتخاب کردن از آنها اراده نمی شود، بلکه حضور در حای دیگری با دادن شعار و مجموعه کارها و فعالیتها انتخاب نمایندگان مجلس منتهی می شود از آنها خواسته ادبیات معادل literature (انگلیسی) یا ettres به حای آن ادب هم مستعمل است و معنی جمع ندارد رسته ای است که در آن از ارسال پیام ار راه دور بحث اداره ای است که به طریق تلفن و تلگراف و فکس یا می شود. انتشارات اداره یا مؤسسه نشر است؛ به مجموعه آثار منتشر شده نیز اطلاق می شود و دانتشاراتی معادل «مربوط به نشر» است و معنی اطلاعات نام اداره ای است که اطلاعات مختلف سبب

صفات بسی ریر کاملاً سماعی هستند هروی → هرات، راری → ری، مروزی → مرو، مدنی → مدینه (مدینه ای سر رانج است)، ماهوی → ماهب، بخاری → بخارا، سوری → سوریه (سوریه ای نیز رانج است)، ارموی → ارمنه، ارومیه، لغوی → لغت، اموی → امه.

۱۰ اسمهایی که به «سیاسی» حتم می شود در الحاق «نی» به آنها این جزء به «سیاحی» بدل می شود: جامعه سیاسی → جامعه سیاحی، روان سیاسی → روان سیاحتی و غیره. گاهی بر «سیاسی» به «سیاسانه» بدل می شود جامعه سیاسی، روان سیاسی.

۱۱ کلماتی که به «نگاری» حتم می شود، در الحاق «نی» این جزء به «نگاسی» بدل می شود فرهنگ نگاری → فرهنگ نگاستی

۱۲ بعضی صفات بسی ناهای از ریشه خود ندارند. در فارسی معاصر سمعی و سیداری صفت بسی مسوب به گوس اند. بقری و دیداری صفت بسی مسوب به حسم اند. دسه جمعی، درون گروهی، برون مرزی، بین المللی، می - عندی، نوگوسی، درگوسی، تودلی (بره) نیز فاقد ناه مسفل اند ناه این صفات با مضاف و مضاف الیه اند با حرف اضافه و اسم

● سوید «نی» و علامت جمع

تفریاد در تمام صفاتی که از آنها بحث شد سوید به کلمه مفرد حسیده است، اما تعدادی مثال در دست است که «نی» به صورت جمع آنها ملحق شده است این کلمات در اکثرت فریب به اتفاق موارد از جمعهای عربی محوم به «-سات» و در حد مورد از جمعهای مکسر و جمعهای فارسی محتوم به «-ان» هستند، از این فرار اسجابانی، اطلاعاتی، انتشاراتی، احساساتی، ادبیاتی، تبلیغاتی، تعلیماتی، تسکیناتی، تدارکاتی، تسلیحاتی، تحقیقاتی، حملاتی، بحلایی، تظاهراتی، خدماتی، حیالاتی، صادراتی، طبقاتی، عملیاتی، مطبوعاتی، مهررانی، مطالعاتی، مبارراتی، محارباتی، وارداتی، ادواری، اسراف، اصولی، افساطی، حقوقی، عقلانی

دوب در جمعهای مذکور سان می دهد که آنها را در سه دسته متفاوت باید طبقه بندی کرد يك دسته کلماتی هستند که صورت مفرد ندارند یا مفرد و جمع آنها به دو معنی به کار می رود و بنا بر این معیایی که در جمع از آنها اراده می شود، معیایی مستقل است. کلمات انتخابات، احساسات، ادبیات، انتشارات، اسراف، تظاهرات، تسکینات، تدارکات، تسلیحات، حقوق، صادرات، عملیات، مطبوعات، مخابرات، واردات دسته دیگر از کلماتی مانند تبلیغات، تعلیمات، تحقیقات،

بجا گردآوری می‌شود و نیز هر ناحه‌ای در بعضی اماکن می‌ماند ادارات دولتی که اطلاعات مربوط به آن مکان یا رمان در آنجا ارائه می‌شود، اما اطلاعاتی یا صفت مسوب به وزارت اطلاعات است و مفرد و یا مربوط به اطلاع در مفهوم حسن، معادل «مربوط به اطلاع» و در هر حال مفهوم جمع ضعیف است. ادواری به معنی دوره‌ای است و معنی جمع در مورد سرنات این کلمه ترجمه periodical انگلیسی است احساساتی به معنی «دچار هیجان احساسی» است و معنی جمع از آن اراده نمی‌شود صادراتی به معنی «به منظور صدور» و بی به معنی «وارد شده» است ساند تنها مواردی که نانه صفت سنی، کلمات جمع است مثالهای زیر باشد جملاتی، حدیثی، طبقاتی (مربوط به طبقات مختلف جامعه)، اسرافیه (مربوط به اسراف، طغنه اسراف)، عقلانی و سلیحانی و احتمالاتی به حای تحلیلی بر کفه می‌شود و بنابر این معنی جمع در آن حداد قوی نیست از تحولات سسر مفهوم انواع تحلیل فهمیده می‌شود حدیثی یعنی کسی که حداد می‌شد سلیحات به معنی سلاحها است و مفرد ندارد و اسم جمع است، بنابر این سلیحانی به معنی «مسوب به نوع سلاح» است اسرافیه و عقلانی نیز به معنی «مسوب به طغنه اسراف و تروید حداد» است عملیاتی بر معنایی از همین دست دارد و به معنی «مسوب به مجموعه یا انواع اعمال» حکمی است بنابر این بی‌یون گفت که هیچ يك از جمعهای مسوب عربی دلالت بر احد ملومین و عینی ندارد

مفاد سنی فارسی که نانه آنها جمع است عبارت‌اند از سنی، حسروانی و کنایی، همکایی مسوب به همگان است به شهر جمع همه است، اما در معنی با آن تفاوتی ندارد. تنها حسروانی و کنایی به حسروان و کنان که مضادین مستحق دارند مسوب است حسروانی امروز به معنی لغوی خود کاربرد اندکی در زبان براسم خاص سلسله پادشاهان اساطیری است که بعد از سسدادیان بوده‌اند بنابر این می‌توان گفت که در فارسی امروز به حسب هیچ موردی وجود ندارد که «نی» نسبت به تلمه جمع معنی واقعی آن ملحق شده باشد

ماخذ

- سادقی، علی اسرف «در ناره بعضی سوبدهای سنی فارسی» در «حسن نامه محمد پروین گمانادی، تهران، ۱۳۵۴، ص ۲۶-۲۴۶
- سادقی، علی اسرف، دستور (برای سال چهارم فرهنگ است) ۱۳۵۷
- سنایی، حسرو، استغفار سوبندی در زبان فارسی، تهران، مرکز اد سگاهی، ۱۳۷۱

تعبیر عامیانه در

ترجمه‌ای فاخر

محمد ملکان

افای صالح حسنی در مقاله «لرزم اسن با ادب فارسی در بر حمه»، در شماره چهارم سال دهم سوبداسن، در ناره بهره برداری سانسبه و ناره ر حایوده سبو از ادبیات عینی و وارکان وسع زبان فارسی به تفصیل سخن گفته‌اند و نمونه‌های بهره برداری از موب قدیمی از فصل «معاسر باحسن»، «شاهر کس»، «رک رحساره»، «همب طلبدن»، «سبم موح و کرداب»، «وب سحر»، «لولیان»، «حلوت اسن»، «رلف اسفنه»، رادش شرده‌اند اما برای سسانی که حس خواندن بر حمه‌ها (چه بد و چه خوب) به سگردهای اسن فن سربوچه دارند، حایوده سبو فایده اموری دیگرین هم دارد که در مقاسبه با اسارات افای صالح حسنی، مرتب دیگرین از حادیل ناز مر حم را سسان می‌دهد، آن ناز بر د تعبیر عامیانه در بر حمه است

بهره‌جویی از تعبیر ادبی سنی در بر حمه به گونه‌ای که حوانکوی سب فاخر مولف باشد به اسن با ادب فارسی نیاز دارد، اما استفاده از تعبیر عامیانه در حسب تعبیر ادبی، علاوه بر اسسانی وسع با فرهنگ عامیانه حسازب می‌خواهد در حالیکه سساری از مر حمان از «دادن» داده‌های عامیانه به سب خود، حمی در موارد منقصی، انا دارند، مر حم حانه «ده سبو» با طراف تمام حمان اسن واره‌ها را در ناز خود حوس سبایده است که حوانیده اصلا احساس ناهمواری حمی شده اسن می‌رساید که سسلط بر زبان با حه اندازد می‌تواند واره‌ها، ام شد

اوردن سبواهدنی از اسن تعبیر با برابر نهاده‌های آنها و حوده کاز، سسان در سس به ره سسر سدن اسن بکنه کماک می‌دند*

[۱] حلیم در مقابل Hush shu

منظر بوده به سسب ناظم دسب سسان برای اسن سسرك حلیمز عینی فو سسان حه سسفرنی معس می‌شد

[۲] چارقد در مدیل mantille

دسب سسری حارقد سسمدنی که به موهاسن سسبه بود سسکید [۳] پیل در مقابل potde

- آب خنک خوردن [= به زندان افتادن] در مقابل *mis à l'ombre*
ترسم از این نبود که مدتی بروم آب خنک بخورم.
- زرشک! در مقابل *ourche*
با خودم گفتم که لابد خانه رفقا حایبی برای جوابیدن ر
می‌چکم. در شک!
- خپله در مقابل *trapu*
اکنون حتی سر نسبتاً حله‌ای بود.
- فلنگ را بستن در مقابل *décamper*
همه برادرها فلنگ را بسته بودند
- سر کسی را شیره مالیدن در مقابل *avoir qqn*
سر همه‌سان را يك به يك سره مالیده است.
- کپیدن در مقابل *roupiller*
حون وهی که بیدار بود نمی‌خواست کسی کسده باشد
- ای زکی! در مقابل *Ah, putain!*
آی رکی! سادیهای حاوادگی من!
- رُس کسی را کشیدن در مقابل *en faire baver a qqn*
رُستان را کسده‌اند
- هوا پس است در مقابل *ça va barder*
به هر حال، هوا پس است، حواسان باشد، بچه‌ها!
- سر و گوش آب دادن در مقابل *prendre le vent*
يك دفيقه می‌روم بالا سر و گوش آب بدهم.
- شُرور به هم بافتن در مقابل *se dire des sottises*
حقدر سُرور به هم باهه‌اند!
- راست و ریس کردن در مقابل *replâtrer les choses*
با مذاکرات سیاسی کارها را راست و ریس کند.
- توی هچل افتادن در مقابل *être dans un foutu pétrin*
ما بوی بد هحلی افتاده‌ایم.
- پا توی کفش کسی کردن در مقابل *asticoter qqn*
بی‌جهت با توی کفشنس می‌کند.
- سنگ قلاب کردن در مقابل *debarquer*
تا حالا مرا سنگ قلاب کرده بودند.
- درز گرفتن (مطلبی) در مقابل *couper court*
مطلب را درز گرفت و به گفته خود افزود

اینها همه مستی بود از حرور و حوس نستین آنها
تعابیر فاجر و حافظانه، سبب می‌شود که علاوه بر لذر
آموختن از محتوای زمان، از ترجمه آن نیز نکته‌ها بیا.

* از آقای ابوالحسن یحیی‌ناب در احیاء فرار دادن معادل فراسو:
سباسگرام

- آسوان موجه مهارب دستهای کوحك زرد و تُل او سد.
- توسری خور در مقابل *martyr*
آنتوان باحار سد اصف دهد که بوسری حور هم نیستند.
- نازنایها در مقابل *ces amours*
نارنایها از حالا جسمهایسان را نار کرده‌اند
- ارا در مقابل *parce que*
حرا؟ ارا!
- سُرُغ در مقابل *bute*
اخر سب این بیسای سریع چه می‌گذرد؟
- جرت و قوز در مقابل *faraud*
ان حوانك حرب و فور را که نامس وبل بود نسان داد
- این پسرۀ حعلق در مقابل *Ce petit imbecile*
چه حماقی کردم! آنهم برای این سسرۀ حعلق.
- بدگل نیست در مقابل *elle est assez belle*
ماری- رورف است بدگل سب
- شلنگ برداشتن در مقابل *marcher a grandes enjambées*
دایبل حد سلیگ برداست
- به عقل حق هم نمی‌رسد! در مقابل *on n'inventerait pas ces choses-là!*
انها حبرهایی سست که به عقل حم هم برسد!
- خدۀ بعمووار در مقابل *me de tourterelle*
با حندۀ بعمووارس خندیده بود
- کلتره در مقابل *des sottises*
به رور مسعول کلتره گفس بود.
- بدیدیدها در مقابل *des retards*
بدیدیدها! جسمم به سسل حوان روس!
- داشی در مقابل *trerot*
حسابی به دردسر افتادیم، مگر نه، داسی؟
- ترگل و رگل در مقابل *de carnation lumineuse*
هر دو مو نور و ناریک اندام و ترگل و رگل بودند
- خیط کاشتنی در مقابل *Tu fais un bide*
باز هم خیط کاسی!
- چُنُن در مقابل *godiche*
يك كلف حلمن اهل برتانی
- شکمش مالش می‌رفت در مقابل *son estomac lui causant des tiraillements*
از رور بیس هیج بخورده بود و سکمش مالش می‌رفت.
- دور و کلک حور کردن در مقابل *manigancer son coup*
امرور داریم می‌بینیم که آلمایها چه دور و کلکی جور کرده
بودند!

نگاهی دیگر به

از کاخ شاه تا زندان اوین

ناصر ایرانی

ناصر ایرانی، از کاخ شاه تا زندان اوین، ترجمه سعید آذری، تهران، بنیاد خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۲.

انقلاب اسلامی سدید... هر دو شاه پهلوی قانون اساسی را تا حد زیادی روبرو گذاشتند ولی این دستاورد مهم انقلاب مشروطه حنان عزت و احترامی در دل و ذهن ایرانیان داشت که هیچ یک از آن دو حرف نکرده حاکمیت آن را رسماً نفی کند. قانون اساسی با وجود تمام لطمه‌هایی که خورد رنده ماند و تاروژی که سلسله پهلوی سلطنت می‌کرد الهام‌بخش مردم در مبارزه بر ضد آن سلسله بود.

سکسب طاهری حبش ملی شدن صنعت نفت محسوس‌تر بود زیرا که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به صورت حسی بر آن نقطه پایان گذاشت و دولتی را که این حبس بر سر کار آورده بود تا به اهداف آن حاکم عمل به‌سازد سرنگون کرد و رهبر حبش، دکتر محمد مصدق، را دستگیر و محاکمه و زندانی نمود و دولتی دست‌نشانده را به حکومت رساند نه آماده هر نوع خدمت ممکن به دشمنان حبس بود. با وجود این، برگشت دستاورد حبش که قانون ملی شدن صنعت نفت بود رسماً محترم سمرده شد و نه واقع رنده ماند چون این قانون هم، مثل قانون اساسی، بلافاصله در دل و ذهن مردم ایران عرب و احترام یافت.

کودتای ۲۸ مرداد، که حبس ملی شدن صنعت نفت را به ظاهر سکسب داد، سامد تاریخی عرب آموری داشت. دست دولت انگلیس را تا حدی از ایران کوتاه نمود و بای دولت ایالات متحده را به ایران باز کرد. و در نتیجه روابط خاصی که بین شاه و آمریکا به وجود آمد، شاه امکان یافت شوه‌ای از حکومت را پیش گیرد و برنامه‌هایی را در بوساری کشور تدوین و اجرا کند که به همین مهمترین دلیل ناگیری و بی‌روزی انقلاب اسلامی بود.

اگر چنین نگاهی به سرانجام انقلاب مشروطه و حبش ملی شدن صنعت نفت، درست باشد، این بیردست است که بگوییم آن انقلاب و حبس گرچه به تمام هدفهای اعلام‌شده خود دست نیافتند اولاً بدون پیروزیهای برگ هم نبودند و ثانیاً حسابهایی را باز کردند که بعداً در انقلاب اسلامی تسویه شد.

دسته حیرس سیاسی - اجتماعی برگ که در تاریخ معاصر ایران زنی داده، انقلاب اسلامی بنیادی ترین دگرگونها را در زندگی اجتماعی و فردی مردم ایران موجب شده است. دو خیزش اول، یعنی انقلاب مشروطه و حبش ملی شدن صنعت نفت، با آنکه به هر حسی سدید یا سکسب خوردند دستاوردهایی داشتند و توطئه‌های را در روابط ملی و بین‌المللی ایرانیان بدید آوردند که می‌توان گفت جامعه ما در نتیجه هر یک از این دو حیرس از جهات بسیار مهمی دیگر همان جامعه بیس از آن خیرس نبود.

دستاورد انقلاب مشروطه قانون اساسی بود و مهمترین پیامد آن افراض سلسله فاحاریه که به شوه استبداد سرفی حکومت می‌کرد و منافع نخبگان آزمند و واسگرای حاکم و قدرتهای شاه‌جوی بیگانه دست و پایش را طوری سسته بود که قادر بود خود را با زمان هماهنگ سازد. رجال خردمند و کاردان و دول‌ساز را هم که می‌توانستند در جامعه سنتی ایران دگرگونیهای بنیادی به وجود آورند حفه کرد یا رگ رد و سرتربیب گور خود را نیز کند.

با افراض سلسله فاحاریه تاریخ ایران کهس پایان می‌یابد و بوساری جامعه و توسعه همه جانبه آن به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌شود، ولی متأسفانه به دلیل غفلت رهبران مردم و دحالت حاکم بر بانیای سلسله پهلوی جای سلسله فاحاریه را گرفت که به‌های بوسازی اش، با وجود دستاوردهای کم و بیش مبتنی که داشت، به سبب تعارضهای عمدتاً نالازمسان با ارزشهای پایدار مکتبی و دینی ایرانیان و نیز پدیدآوردن نارضاییهای عمیق که از توزیع نامتعادل ثروت جامعه و رفاه اقتصادی بود (و به‌سبب تهیدستان شهری را به وجود آورد) و محرومیت از بکت در اداره امور سیاسی کشور (که خواست فشرهای مطلق و بالای جدید بود) شاید مهمترین دلیل ناگیری و بی‌روزی

منتهی، تا حایی که به ترکیب طبقاتی نخبگان حاکم و امتیازهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی افراد آن و همچنین به موقعیت اجتماعی و رفاه اقتصادی قشرهای متوسط و پایین جامعه مربوط می‌شود، انقلاب مسروطه و حبس ملی شدن صنعت نفت دگرگونی رسه‌ای مهمی بنید بیاوردند. افراد جدیدی، انقلابی و غیرانقلابی، افتخار عضویت در باسگاه اختصاصی نخبگان حاکم را یافتند و از مرایای آن برخوردار شدند ولی ترکیب طبقاتی نخبگان حاکم و امتیازهای ایشان در اساس همان بود که سابقاً بود و در زندگی قشرهای اجتماعی دیگر نردگرگونی محسوسی رخ داد. به عنوان مثال، در فهرست نام رئیس‌الوزراها و وزیران ۹ کابینه دوره اول مجلس سورا، ۶ کابینه دوره قترت س از آن، ۱۳ کابینه دوره دوم مجلس، ۳ کابینه دوره قترت س از آن، ۴ کابینه دوره سوم مجلس، ۱۹ کابینه دوره قترت س از آن، ۶ کابینه دوره چهارم مجلس، و حتی در ۴ کابینه رضاحان سردار سبه که س از انقلاب مسروطه تا به سلطنت رسیدن رضاساه بر کسور حکومت کردند به ندرت نامی حز السلطنه‌ها و الدوله‌ها و الملک‌های عضو باسگاه نخبگان عهد قاحار به به جسم می‌خورد (← دولهای عصر مشروطیت، به کوسس حمسید صرعام بروحی، از اسسازاد اداره کل فواس مجلس سورا ی ملی، بی‌تا).

اما انقلاب اسلامی به سوه‌ای انقلابی دگرگوئیهای ببادی در زندگی سیاسی و اجتماعی ایرانان به وجود آورد و بیس از همه نخبگان حاکم رژیم بهلوی را اماح حمله فرار داد. آنان را از تمام امتیازهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادیشان محروم ساحب، اموالی را که در ایران داسد مصادره کرد، و کسانای از ایشان را که فرصت یا میل فرار از کسور نداستند به ریدان انداح و برخی از آنان را در برابر حوچه اعدام فرار داد به عبارت دیگر، نخبگان حاکم بحسب بار بود که در تاریخ معاصر ایران، و نمی‌دانم ساید در تمام طول تاریخ ایران، یکحا به دست مردم سکس خورددند و به نفرین‌سندگان زمین بیوستند سیاری از روسفکرا و روزنامه‌نگاران و مدیران تا باین ترس سطوح مدیریت هم که حواه و ناحواه، به میل آزاد خویش یا سار ضرورت سعلی، به آن نخبگان خدمت می‌کردند به درحاح مختلف تنبیه سدید و به خیل سکس خورددگان بیوستند خلاصه، کمتر کسی از ایرانیان بود که یا در ردف سکس خورددگان حای نگیرد یا در صف پیرورسدگان. البته سطوط از اوج پیرورمندی به حضیض سکس خوردگی هم بود و فراوان هم بود. به ویره در بحسب سالیهای انقلاب.

دامنه نفوذ و تأثیرات تکان‌دهنده انقلاب اسلامی از مرزهای ایران فرار رفت و تا دورترین نقاط جهان گسترش یافت و یا الها بحس عمل انقلابی سندا یا مایه وحست دولتهای محافظه‌کار. لذا طبیعی بود که اندیسمدان و روزنامه‌نگاران و سیاستمداران

ایرانی و خارجی در بی آن بر آیند که ریشه‌های انقلاب اسلا دلایل پیروزی آن و سکس رژیم ساه و دولت ایالات متحد حامی آن رژیم بود بجویند و توضیح دهند. به عقیده من هر روز پیروزی انقلاب فاصله بیستری می‌گیریم و احساسا، موافق و مخالف بیستر فروکس می‌کند کتابهایی که خارج باب انقلاب اسلامی می‌ویسند در مجموع از لحاظ علمی می‌سوند و اندیشه‌های بوتری را بیان می‌کند ولی خودا که در کانون این انفجار انقلابی بوده‌اند و پیامدهای ریرور، آن را با تمام وجود حس کرده‌اند و طبعاً می‌بایسد در سب تری از علل و نتایح آن داسه باسد، حز بروهندگان کسورهای عربی به تحصیل و تحقیق مسغولند و بروهسهای بخشی اسب از تحقیقات دانسگاهی عرب، به عنوان ماما مهران کامروا نویسنده انقلاب در ایران، ریشه‌های آسور سردانس، سال ۱۱، سماره ۶، مقاله «انقلابی که ماگوران فلم ناصر ایرانی)، کار حدانی صورت داده‌اند که در سهای تاریخی این بجر نه بی نظیر را به درستی استخرا در حافظه ملی ایرانیان به گونه‌ای بیت نماید که فراموس کتاب از کاخ شاه تا ریدان اوین بوسته آفای احسان توجه به این کمبود ابری است ارزسمد و خوانندی حو مربوط به هنگام انتشار متن فراسه آن در سردانس معرف سده است (← نشر دانش، سال ۱۲، سماره ۲، مقاله «، باریس به کاح نیاوران و رندان اوین» به فلم آزاد بر حواسدگان ساید بدانند که نویسنده در بخش اول کتاب هسب دیدار و گفتگوی خود ما شاه برداخته که بخستیر اول مهر و احرین آن روز ۲۴ دی ۱۳۵۷ صورت گرفته بخش دوم خاطرات سه بار زندان را بار گفته که در اولیر انقلاب تجربه کرده بود

نویسنده در هسب دیداری که با ساه داسه در حد، محدوده ترسهای او حقایق تلخی را که ساه هیچ‌گاه سنیدسان نداسته یا او در میان می‌گذارد. در عین حال موسکافانه‌ای به وجنا و حرکات ساه می‌نگرد و ضم کوتاه و براکنده‌ای وضع روانی ساه را در احرین سلطنتش تشریح می‌کند (کتاب از این لحاظ سند موبه

ستند و او را نه جایی رساندند که روری، تنها و گنج و افسرده و بیمار، حویسان فاسد و آرمندس همه نه خارجه گریخته، سسد انقلابیون برق سراسر بایتخ و حتی کاحس را قطع کرده اند و همه جا را در تاریکی مطلق فرو برده اند.

احسان براف می نویسد س از آنکه برق اضطراری کاح به کار افتاد، ساه سست سحره های دفترس رف و «با حالی بر سان» طوری بایتخ کسورس را نظاره کرد که «گویی با جسم به دسال سهرس» می گردد و «با صدایی حاکی از اضطراب و تسلیم» گفت «تاریکی بر تمام سهر سایه افکنده است» (ص ۹-۱۷۸)

یا رور دیگری س از جسم مضاحه با حرنگار فیکارو، او را کنار سحره دفترس برد و صدای بظاهر کندگان را که گو با «مرگ بر ساه» فریاد می زدند سسد، ان گاه رو به حرنگار کرد و از او پرسید: «اگر سما نه حای من بودید حکار می کردید؟»

و حواب سسد «حرنگاری، اعلحضرت» (ص ۴-۲۳۳) ایا این برای نادساهی که با حندی سس درس حکومت به سران جهان می داد نانایی براردی- کمنک سست؟

بخس دوم کتاب که نه خاطرات رندان احضاص دارد حاکی از آن است که نویسنده، برای آنکه انام محس را نه مطالب، بگذراند، از يك سو نه فعالسهای احضاعی از قبل سسکل انواع کلاسهای درس مسعول می شود و از سوی دیگر نه مساهده حال رندایان که وانسه نه گرایسهای سسای از منهای راست با منهای حب بودند می بردارد و توصفهای مقصافه و هوسمدانه ای نه دست می دهد که بخس دوم کتاب را به معادلرس و مومرس سسندی که تاکنون از رندایان بعد از انقلاب ایران اسسار نافع بدل می کند. البته او در این بخس خود را محدود نه نارگویی احه در رندان دیده و سسده نمی کند بلکه خانه ها از حره نه کل می رود و ملاء صمن بر خورد با فلان رندانی ساواکی تار ححه ساواک و رندگسامه سسار محضری از بیمور بخسار بخسرس رئیس ان و بر خاطراتی را که از حس نا کروان دومس رسس ساواک دارد نار می گوید، با مساهده احوال فلان رندانی حوان مجاهد را بهانه فرار می دهد و نه تسریع غناجر سسکیل دهده اندتولوری سارمان مجاهدس می بردارد و سسایسهای خطرناک و از همان ابتدا محکوم به سسکتی را بعد می کند که ان سارمان سس از بیروری انقلاب پیش گرفت و باعث سد نه حسوب سسوه رایجی در ایران انقلابی سود

غم انگیزترین مساهده احسان براف در رندان مربوط نه برسکی است که در سال ۱۳۲۲ در سس چهارده سالگی نه لطف رابطه خانوادگی با یکی از رهبران حزب توده نه شوروی سابق فرستاده می شود تا نه تحصیل علم طب مسعول سود و خواه و ناخواه بیست سال در آن کشور می ماند. در این مدت شرایط

بر س که از ساه ارائه می دهد بی سباهت به تصور فهرمانان، از دهای یوان نیست که در سسانسنان عاقت سومی رقم زده است که از آن گریزی نیست. نه حب پروند با همان عاقت رومرو می سوند نه راست پروند با همان. کتاب احسان براف سس می دهد که ساه بیردیفاً دحار همس موقعیت تراریک شده بود حه گوس به راه حلهای مساوران معقولترس، و از حمله سهرس، می سردد و دست دوسی نه سوی ملت درار می کرد و در حله حیران مافات بر می آمد و حه بند مساوران رورمدارس را از سوس می نمود و سست آهیس نه کار می برد سسراحام نه همان حلی می رسید که باید می رسید. فرار تحضر امیر از کشور و مرگ و در سرزمین بیگانه

در براردیهای یوان خدایان سسروسب فهرمانان را رقم می زدند و خود ایسان را اختتاری و طبعاً گناهی سست در سسروسب ساه هم دست قدرتهای برتر در کار بود افای براف از قبل مارویس رونیس نویسنده کتاب سقوط ساه می نویسد.

دحالت عمیق ایالات متحده در زندگی اترایها، عملا در تمام مراحل رژیم شاه و همجنس وقوع انقلاب ملت ایران که سسراحا رژیم را مردود می داسب، مؤثر بود امریکا مسنول ان جیری است که در ایران پدید آمد، زیرا نه سسب خود را نه سلسله بهلوی مربوط ساخته بود. حه سسا اگر ایالات متحده در مراحل مختلف رژیم ساه به طرق متفاوتی عمل می کرد، سسروست دیگری برای او رقم زده می شد (ص ۷-۲۴۶، تأکدها را نویسنده مقاله افزوده است).

بر س همه، گر حه ایالات متحده به واقع مسنول آن چیری است بر ایران پدید آمد، ساه نیز اختتار آن را داسب که با هنوز فرست سسب حقوق و آزادیهای سسایس ملت را محترم بسمارد و دست مطلق العنان بردارد که حواه و ناخواه فساد بروراست، مساوران کارشناس و دلسور و صدیق که می سسواند طبیب حاذق به موقع درد را تسخیص دهد و درمان کند، و چاپلوسان نوکر صفت که در حکومت نه راستی سسروست سومند. چنین چاپلوسان نوکر صفی با فضایی که دور و بر ساه ساختند جسمهای او را بر واقعتهای تلح

فرهنگ شهرها و روستاهای ایرا

سیدعلی ال

فرهنگ جغرافیایی آبادیهای ایران. تهران، سازمان جغرافیایی نیر
مسلح، ۱۳۵۶ تاکنون، ۱۳۹ جلد [فعلا ۹۹ جلد در ۷۱ مجلد منتشر
است].

غیر از تحقیقات و تبعاتی که در کتب جغرافیایی قدیم د
ساسایی روستاها و شهرهای ایران رمین انجام سده، به
کوششهایی که در عصر جدید در این باره صورت پذیرفد،
محمدهاسه فاجار بود. در دوره ناساهی وی اول ناز
برسنامهای ارسالی به گوسه و کنار کسور از امیران و
دولتی درخواست سد که اطلاعات جغرافیایی مورد نیاز را
سهرها و مناطق فلمرو خود فراهم آورید و به مرکز ارسال
این برسنامهها متضمن سؤالاتی درباره اوصاع اجتماع
اقتصادی هر ناحیه نیر بود. معلوم نیست که این اطلاعات
بساط کسور گردآوری و یا در مجموعه‌ای جغرافیایی
استفاده سده باشد پس از آن، نخستین تلاشهای منظم د
ناصرالدین ساه انجام گرفت. این ناساه، که خود سیفته د
مسوق داسمندان و پژوهسگران بود، از طریق اداره انط
حدیدین ناز کوسس کرد تا موجبات تدوین فرهنگ جعر
کاملی برای سناسایی همه ناط ایران فراهم آورد. ا
داسمندان این عصر محمد حسن خان اعتمادالسلطنه
اداره اطباء (برای تألیف کتاب معروف مرآت البلد
اولین فرهنگ جغرافیایی منظم ولی ناتمام درباره ایران
می سود برسنامه‌ای تهیه و از فرمانروایان ولایات در
کرد که جغرافیای منطقه خود را بنویسند و برای او بر
به این ترتیب اطلاعات مفصلی درباره بسیاری ا
کسور فراهم آمد. اما اعتمادالسلطنه توفیق اجرای کا
خود را نیافت و چهار جلد موجود مرآت البلد تنها
چهارم طرح کلی کتاب او را شامل است. شاید

لیسی حاکم بر آن کسور که یادآور فضای اجتماعی توصیف سده
در رمان ۱۹۸۴ اثر جرج ارول بود از او موجود چنان مطیع و
ترسویی می سارد که آماده هم‌رنگی با هر جماعتی است. خود او
تعریف می کند که در سوروی همواره «سعی می کرد نه کار
سک برانگیزی احام دهد و نه حرفی سوءظن آمیز بگوید...
خلاصه، او می دانسته که برای گذراندن یک زندگی بدون مشکل در
سوروی باید همیشه مشغول باشد... به همین دلیل داوطلب سده
بود تا علاوه بر حسب ساعت کار عادی روزانه‌اس، حسب ساعت
هم سبانه در بیمارستان ساند. او به عنوان جراح متخصص رمان
بیستر وفتش را در اتاق عمل که خود را امن تر احساس می کرد
می گذرانیده است؛ خون در این محل نه تنها خود را کسی
می دانسته، بلکه دکترهای بیهوشی و رستاران، به خاطر رعایت
بهداشت، دهان خود را می بستند و بیمار هم که بیهوش بود؛ در
نتیجه، هیچ کس حرفی نمی رد تا برایش خطرناک باشد.»

غم انگیز اسکه فردای روری که بزسک مربور این حرفها را به
نویسنده می گوید، وقتی او باز درباره تسکیلا بیمارستانها در
سوروی حزهایی می برسد، برسک می گوید: «دیروز خیلی حرف
زدم. به خاطر خدا دیگر سؤالی نکنید. دچار کابوس می سوم.
حاصریم یک بار دیگر جواب را بدهم، اما نه سرط آنکه آخرین بار
باشد. به هر حال، وقتی در بیمارستان بلندگو صدایمان می کرد
درسب مثل همین جا [منظور رندان اوین است] بود. یعنی هیچ
وقت نمی داستیم برای حه ما را حواسته‌اند، ملاقاتی ساده در
بیش داستیم و یا اینکه می حواسند تسویق یا تبیهی را اعمال
کنند؛ بدین معنی که به سهری مورد علاقه یا برعکس، سهری
بامطلوب منملمان نمایند. همیشه امکان همه‌حیر بود و هیچ کس نه
فردایش اطمینانی نداسب.» (ص ۳-۴۷۲)

نویسنده پس از توصف حالات این نرسک بگونیبخ از حرب
توده سخن می گوید و سیاستهای آن حرب را س ار بیروزی
انقلاب اسلامی تشریح می کند.

کتاب از کاح شاه تا ریدان اوین حواندی است گرچه ترجمه
ستابرده، مجادله‌های عمدتاً نالارم ناسر با نویسنده در بانوسن
بسیاری از صفحات (به نظر می رسد ناسر برخی از بانوستها را به
این قصد نوشته که کتاب آسانتر اجازه انتشار بگیرد ولی هر جا هم
که نویسنده درباره گروهها و اشخاص مورد علاقه ناسر نظری
ابراز کرده یا حتی صفتی به کار برده که ناسر نمی بستند، در
بانوسن «نادرست» را «درسب» کرده است. این کار بیش از آنکه
بی لطفی ناسر به نویسنده باشد نشانه بی اعتمادی او به سهور
حواننده است)، و دسب و دلبازی فراوان در به کار بردن
ویرگولهای بیجا و حمله خراب کن لدت خواندن کتاب را
مخدوش می کند.

سامه‌های او از همه ایالات کشور فراهم نشده باشد. سردالسلطنه چهار جلد کتاب مذکور را در زمان حیات، میان سالهای ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۶ ق، به طبع رسانید. اخیراً نیز طبع منقحی از روانه بارار شده است. در کتابخانه وزارت دارایی هس دفتر حقی موجود است که، به نقل ایرح افسار، حاوی بخشهایی از کتب رسنهای حکام و دانشمندان ولایات ایران درباره منطقه مورد رسن است. این مجموعه، در حقیقت، گراسنهایی است همدانی که برای تألیف مرآت البلدان تهیه شده بوده و شامل اطلاعاتی است درباره تاریخ و جغرافیا و جغرافیای تاریخی سهرهای هم، کاسان، خوزستان، دره لار و سمیران، اصفهان، فارس، گیلان، مروین، جیرم، کرمان و ناره‌ای از مناطق مرکزی ایران، و گوشه‌هایی از آن تاکنون حداگانه حاب شده است.^۲ پس از آن، در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، دیگر باره همه جغرافیایان ولایات دستور داده شد که رساله‌ای درباره حکومتی و خصوصیات سهرستانهایی که در آن سکونت دارند تنظیم کنند و به مرکز فرستند این رسالات، پس از اینکه به مرکز رسیده، در ساجده‌های منظمی صحافی شده و هم‌اکنون حدود ۱۴ مجلد آن در کتابخانه سلطنتی سابق نگهداری می‌شود.^۳

در سال ۱۳۲۳ ش، اداره کل آمار و س احوال وزارت کشور کتاب اسامی دهات کشور را تدوین و منتشر کرد. این کتاب، که جدولهایی مفصل از استانها و سهرستانها و دهستانهای کشور در آن درج شده، مجموعاً حاوی نام ۴۱۵۲۱ آبادی است که همراه با سهرل جمعیت آنها ذیل اسامی دهستانها و سهرستانها مرتب شده است. پس سال بعد، اداره مذکور کتاب دیگری با نام جغرافیا و ساسی دهات کشور در سه جلد منتشر ساحت که سبب به کتاب اول مفصلتر و اطلاعات آن کاملتر و تازه‌تر بود و در مقدمه شرح ماملی درباره بیسینه سرسماری در ایران و واحدهای سحل احوال مملکتی و هوانین و آیین نامه‌های مربوط به آن آمده که همه سند و اررسمند است. افزون بر آن، قبل از شرح امار سهر استان، سحنانی به ذکر سراط جغرافیایی و اسه باستانی و تاریخی آن سخصاص یافته و در پایان هر بخش نقشه استان با مقیاس يك بلوسم آمده است. در همین زمان، مفصلترین و مهمترین اثر وجود در این زمینه، یعنی فرهنگ جغرافیایی ایران، به تصدی سرب سسعلی رزم‌آرا، میان سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲، به همت سهر جغرافیایی ستاد ارتش بنید آمد. این فرهنگ ده جلد است و جلد آن به یکی از استانهای کشور تعلق دارد و حون ایران در زمان به یازده استان منقسم می‌شد جلد چهارم محتس به دو استان آذربایجان شرقی و غربی گردید. اطلاعات مندرج در این سگ ده جلدی را دهها افسر و درجه‌دار اداره جغرافیایی ارتش هم آورده‌اند که منظم و الفبایی شده است. در مقدمه جلد اول

توضیحاتی درباره سیوه گردآوری اطلاعات مربوط به موقع جغرافیایی، آب و هوا، مذهب، محصولات، جمعیت، صنایع و آثار قدیمه به دست داده شده است براساس این نوشته، ماموران نظامی حدود سجاه هزار بار به مناطق مختلف کشور سفر کرده‌اند. فرهنگ جغرافیایی ایران مجموعه بسیار مفید و براررسی است که تا سالها یگانه مأخذ و مسع محققان جغرافیای ایران بود و اکنون نیز، با اینکه حدود چهل و اند سال از تألیف آن می‌گذرد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. اطلاعات مندرج در آن شامل نام فعلی محل، نام دهستان، بحس و سهرستانی که آبادی در آن قرار گرفته، موقع طبیعی، فاصله تا مرکز بحس، فاصله تا راه سوسه، جمعیت، مذهب، زبان، عادات و عرفهای اجتماعی، سفل و کار، آب و هوا، امراض بومی، انواع محصولات، اسه و سوابق تاریخی، صنایع دستی، معادن، تسکلات اداری و اجتماعی، مدارس و دهها مطلب دیگر است در آخر هر جلد نقشه‌هایی به مقیاس ۱:۵۰۰٬۰۰۰ از آن استان فراهم آمده است از مزایای دیگر این فرهنگ این است که تلفظ دقیق اعلام جغرافیایی را با الفبای لاتین به دست می‌دهد و، در نتیجه، مسکلات ناسی از تلفظهای نادرست در آن کمر دنده می‌شود.^۴ البته کاری با این دامنه وسع حالی از نقص بود اما دایره جغرافیایی توفیق حاب ویرایس دوم آن را ساف و سها به حاب افسان بر داحت معارن با کوسسهایی که در ایران صورت می‌گرفت، اداره جغرافیایی وزارت کشور امریکا فرهنگی به انگلیسی با نام *Gazetteer of Iran* منتشر ساحت که در آن ۴۰۰۰۰ نام جغرافیایی ایران بوسع داده شده بود. این فرهنگ، با استفاده از کتب جغرافیایی قدیم و حدید فارسی و انگلیسی تألف گردیده و، با توجه به محدودیت منابع، با اررس سمرده می‌شود.

در سال ۱۳۳۹ ش، جغرافیدان ایرانی، دکتر لطف الله مفخم نایان، فرهنگ انادیهای ایران را، که حاوی بوسحی درباره ۲۴۱۵۹ نام جغرافیایی بود، تدوس و منتشر کرد و، چون مؤلف در تدوین آن از روش الفبایی بهره سسته، استفاده از آن برای عموم در فاس با فرهنگ جغرافیایی اررس آسانتر است. جندین نقشه اررسمند نیز در لائای صفحات آن به حاب رسیده است مؤلف مذکور جلد سال بعد، فرهنگ کوههای ایران و فرهنگ رودهای

حاشیه

- (۱) رك مقدمه مرآت البلدان (ج ۱)، به دوستن دکتر عبدالعسین بوابی و میرهاسم محبت، تهران، دانشگاه، ۱۳۶۷، ص ۳۵ و ۳۶
- (۲) «فهرست سسجه‌های حقی کتابخانه وزارت دارائی»، ایرح افشار، فرهنگ ایران زمین، ج ۶، ۱۳۳۷
- (۳) «ار یادداسنهای يك اساده»، محله معا، سال ۳۱، ص ۶۰۷ و ۶۰۸
- (۴) محله سسهر، درره اول، سماره اول (سال ۱۳۶۹ ش)، ص ۳۵ و ۳۶

ایران را، با استفاده از فرهنگ جغرافیایی رزم آرا، در دو جلد استخراج و تدوین کرده و به چاپ رسانده است که از آثار مفید و تقریباً منحصر به شمار می آید. کتاب برارزش دیگر اسامی شهرهای ایران در چهار مجلد است که آن را سازمان برنامه در سال ۱۳۴۴ بر اساس آمار به دست آمده از سرشماری سال ۱۳۳۵ و نیز با استفاده از بایگانیها و اطلاعات موجود در وزارتخانه های دولتی تنظیم و منتشر کرده است.

همچنین مرکز آمار ایران، پس از سرشماری سال ۱۳۴۵ و بر اساس آن، نخستین بار فرهنگ آبادیهای کشور را در چندین مجلد تهیه و چاپ کرد. آگاهیهای مندرج در این فرهنگ شامل اطلاعات مختلف در مورد راهها، منابع آب، مطالب مربوط به کشاورزی و دامداری و شرح تأسیسات دولتی هر محل است. از آن پس، مرکز آمار، پس از سرشماری سال ۱۳۵۵، به تجدیدحاج این کتاب بر اساس آمار جدید مبادرت کرد.^۵

نام «اداره جغرافیایی ارتش»، در سال ۱۳۴۷، به «سازمان جغرافیایی کشور» تبدیل شد و یکی دو سال بعد در آن واحدی به نام «سورای جغرافیایی» به وجود آمد. از تصمیمات نخستین این شورا، که از جمله اعضای بابت و فعال آن دکتر محمدحسن گنجی استاد برجسته جغرافیا بود، تهیه و تدوین فرهنگ جغرافیایی کامل و مبسوطی برای ایران را باید یاد کرد. بدین ترتیب، اداره علمی اطلاعات جغرافیایی در درون سازمان به وجود آمد و مهمترین وظیفه آن تدوین فرهنگ جغرافیایی مورد نظر بر اساس نقشه های ۱:۲۵۰'۰۰۰ بود. سازمان جغرافیایی مصمم بود که وسیعترین و کاملترین مجموعه اطلاعات جغرافیایی را در مورد همه آبادیهای مسکون و غیرمسکون ایران به صورت منظم فراهم آورد. اساس این طرح چنین بود که سازمان جغرافیایی کشور، با استفاده از عکسهای هوایی خود، که طی بارده سال با تلاش و کوشش فراوان به دست آورده بود و نیز با تکیه بر نقشه های ۱:۲۵۰'۰۰۰ (۱۳۹ نقشه) جمعاً ۱۳۹ جلد فرهنگ تهیه کند. انتخاب این نقشه ها بدین علت بود که در صورت تغییرات اداری در تقسیم بندی استانهای کشور از اهمیت تحقیقات انجام شده کم نشود. بر این اساس، مرکز سد که سورا و سایر افراد سایسته مطالعات کاملی انجام دهند اجرای طرحی که متعاقب این تصمیمات تهیه و تصویب شد در حدود بازده سال طول کشید.

پس از آن، حدود چهل تن از فارغ التحصیلان رشته جغرافیا آموزش دیدند. سازمان جغرافیایی برای اجرای طرح مهم خود بر سشنامه ای به عنوان سشنامه آبادیها در ۲۰ صفحه تنظیم کرد که حدود یکصد سؤال در آن مطرح شده بود. برای اجرای طرحهای مصوب گروههایی مرکب از چند جغرافی دان، ربا شناس و لهجه شناس، همراه با فیلم بردار و عکاس، در

منطقه ای که وسعت آن با هر يك برگ نقشه مطابقت می کرد، تحقیق برداختند. اطلاعاتی که بدین ترتیب طی سالها به دست در سازمان جغرافیایی کشور تجزیه و تحلیل و طبقه بندی همچنین مقرر گردید برای ۱۲۰ شهر بزرگ کشور مونوگراف (تک نگاری) و برای هر استان يك کتاب فراهم شود. گروه تحقیق کار خود را از اردیبهست ۱۳۵۳ آغاز کردند. پس از سال، اولین جلد آزمایشی مربوط به شهرستان آباده، که عمد میدانی آن زیر نظر فرهنگ نابامقدم انجام شده بود، از بیرون آمد و برای نظرخواهی نزد صاحب نظران فرستاده بدین سان، طرح فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور به عمل در آمد. پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و به حگ، چند سالی بی گیری این طرح عظیم در نوبه اجمال ولی، پس از پنج سال، دیگر بار ادامه آن کار در دستور فعال سازمان جغرافیایی قرار گرفت.^۶

از فرهنگ جغرافیایی آبادیهای ایران تاکنون ۹۹ جلد، مجلد منتشر شده است. هر جلد، حناکه اساره سد، ت اسامی يك برگ نقشه در مقیاس ۱:۲۵۰'۰۰۰ است و سراسر ایران شامل ۱۳۹ برگ نقشه و ۱۳۹ جلد کتاب بود. چون جلدها نامرتب به چاپ می رسد، هم اکنون آخریر یعنی جلد ۱۳۹، که به شرح شهرستان گوادر در بلو برداخته، به طبع رسیده است. در مقدمه باره ای از جلدها نقشه ها ۱۳۸ برگ ذکر شده، اما در جلدهای چاپ اح استباه تصحیح شده است. ظاهراً وجه استباه این بوده مجلدات اولیه برای ناحیه کلاب در جوار بندر لنگه شمار نظر گرفته نشده بوده، در حالی که در مجلدات اخیر این د جای مستعملی در نقشه پیدا کرده است.

در مقدمه هر جلد، گفتار کوتاهی در معرفی کتاب آمد استفاده از آن شرح داده شده است. همچنین جدولی تلفظ صحیح حروف فارسی و الفبای لاتینی در آن آمده است. این فرهنگ، شرح همه شهرها و آبادیهای بزرگ و کوحه مزارع به اختصار آورده شده است. توضیحاتی نیز درباره آبادیهای غیرمسکون، ذیل روستای مربوط، داده شده است. مشخصات رودها و دشتهای و کوهها و دیگر عوارض ط

وی نقشه نشان داده شده، در شرح آبادیهایی که به آنها بر دیک هستند آمده و همچنین شرحی در باب ابنیه باستانی و تاریخی هر محل به آن افزوده شده است.

برای تدوین این فرهنگ، غیر از تحقیقات میدانی پژوهشگران سازمان جغرافیایی کشور، از مطالعات و تحقیقاتی که در سه منطقه مختلف ایران انجام یافته نیز استفاده شده است. محاسبات در مورد هر محل البته طی سالهای متمادی، یعنی از ۱۳۵۳ تاکنون، انجام شده؛ اما، در مقدمه هر جلد تصریح شده که اطلاعات مربوط به آن در سه سالی گردآوری شده است. اطلاعات و آگاهیهای مندرج در مجلدات مختلف این کتاب کاملاً یکپارچه و یکدست نیست، چون کار گردآوری طی مدتی طولانی انجام گرفته و هنوز هم ادامه دارد. بدیهی است که سرعت تغییرات و تحولات هر محل، به ویژه ساختار جمعیتی و مهاجرت و اصولاً تراکم جمعیت در جاهای مختلف، انعکاس آنها را مشکل نمی سازد. با اینهمه، طبعاً جاهای بعدی این فرهنگ باید بر اساس آخرین داده های آماری باشد.

در آخر هر جلد نقشه مربوط به آن عموماً چاپ شده که مقصد است و علاقه مندان می توانند مطالب کتاب را در مقایسه با نقشه شهر دریاوند البته سازمان جغرافیایی کشور همواره دقت در نقشه های ایران را تدارک دیده، اما نبوده از عرصه آن به مؤسسه امور و علاقه مندان جغرافیا، بر پایه تفکر سنتی، آنکه بر آن، خودداری ورزیده است. بدیهی است در حال حاضر، که می توان به یاری ماهواره ها دقت ترین نقشه ها را فراهم کرد،

دیگر جنبه سری سنتی نقشه مطرح نیست.

استفاده از این فرهنگ در حال حاضر سه دسوار و وقتگیر است. باید جای احتمالی هر آبادی را در نقشه معین و آنگاه به جلدی که مختص شرح آبادیهای آن نقشه است مراجعه کرد و احیاناً برای سدا کردن يك محل حدیث جلد کتاب را بررسی کرد. لذا چاپ يك جلد فهرست راهنمای آبادیهای معین بلکه ضروری است در مرحله بعد چاپ دیگری از کل فرهنگ به صورت الفبایی لازم به نظر می رسد که طبعاً موکول به بدو و انتشار دوره کامل این کتاب است. ترس الفبایی امکان خواهد داد که حواساران، فارغ از تقسیم بندی فنی کنونی، به راحتی بتوانند عنوان مورد نظر خود را سدا کنند.

قطع کتاب رحلی متوسط، جلدان سمرو نه های کنونی آن البته گران است. سابقاً دستیابی به این فرهنگ به رحمت امکان بدر بود؛ اما اکنون که نه های آن افراس ناهیه، در کنایه روستی شهر، وابسته به سازمان جغرافیایی (پس حایان معلم)، در معرض فروش گذاشته شده است انتظار است که سازمان جغرافیایی توفیق اجرای کامل این طرح بزرگ و ارزمند را سدا کند.

حاشیه

(۵) گنجی، محمد حسن، جغرافیا در ایران، دا الفنون با الاعلام اسلامی، مشهد، استان قدس، ص ۱۳۶۷، ص ۲۷۱ تا ۲۷۶
(۶) همان ص ۲۵ تا ۲۵۳

● برگزیده مقاله های نشر دانش (۴)

بحران دموکراسی در ایران

نویسنده ناصر ایرانی

● مشتمل بر ۳ بخش و ۱۳ مقاله

- بخش اول: درباره تاریخ معاصر ایران (حاوی ۶ مقاله که در هر يك رویدادی مهم یا دوره ای از تاریخ معاصر ایران تحلیل شده است)
- بخش دوم: درباره جامعه آمریکا (حاوی ۳ مقاله که به مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه آمریکا پرداخته است)
- بخش سوم: چند مسئله فرهنگی و سیاسی (حاوی ۲ مقاله که به بررسی و تحلیل چند مسئله سیاسی و فرهنگی می پردازد)

حکومت صفوی و

طوایف ترك ايران

علی پور صفر

نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی. نوشته فاروق سومر، ترجمه دکتر احسان اشراقی و دکتر محمدتقی امامی، تهران، گستره، ۱۳۷۱.

پیدایش دولت صفوی و تاریخ آن، بنا به دلایلی چند، مورد علاقه پژوهشگران معاصر ترك است. این دولت، که به لطف خاورشناسانی همچون ادوارد براون و والتر هیتس عنوان «نخستین دولت ایرانی» یافته است، نه به دست مردم سهرها و روستاهای ایران بلکه به همب گروهی از طوایف ترك و ترکمن، که پیش از آن در آذربایجان و ارمنستان و آناتولی و سام می زیستند، تأسیس شد. به همین سبب، ترك شناسایی همچون فاروق سومر، نویسنده همین کتاب، پیدایش دولت صفویه را حلقه ای از زنجیره هویت تاریخی ترکان و بازتاب قابلیت‌ها و لیاقت‌های اجتماعی و مدنی افوام ترك می داند.

بی تردید پایه های دولت صفوی را افوام ترك بنا کردند و بار هم ایان بودند که توسعه آن را ممکن ساختند و با مدافعات خود، حملات دیگر افوام ترك و ترکمن را برای سقوط دولت سیعی صفوی و تصرف سرزمینهای ایرانی نشین عقیم گذاشتند و این البته تنها يك روی سکه تاریخ این مردم است.

در میان هواداران و اتباع اولیه شاه اسمعیل، تنها اندکی از مردم غیر ترك حضور داشتند. دوسه تن از اینان مردانی از قوم تالش بودند که یا با ترکان می زیستند و یا در همسایگی ترکان بسر می بردند. ده سته تن دیگر، همچون احمد، محمد، الداد، ...

رستی و جانشین بعدی او، یار احمد خوزانی اصفهانی، که بعد لقب «نجم نانی» گرفت، نه از پایه گذاران دولت صفوی بلکه وکلای سلطنت و مدیران دولت صفوی بودند و اتفاقاً یگانه کسی که بعضی گرایشهای ایران خواهی از خود نشان داده بودید هم چنهم تن بودند. یار احمد خوزانی (نجم نانی)، پس از اینکه به قرشی- نسف و نخسب معروف - را به تصرف درآورد، به کلیه موجودات زنده سهر، اعم از انسان و حیوان، فرمان داد. از اجرای دستور هولناك او، خطاب به سرداران و زلیاس، كشتار سادات سنی مذهب سهر معترض بودند، گفت: «حال ا دلم تسلی شد، عوض قتل عام جنگیر و تیمور را کردم.»^۱ از دیگر، همزمان با خروج اسمعیل و ناگیری دولت صفوی، دولت محلی در چند گوشه ایران حکومت داشتند که تقریباً آنان به دسمنی و ستیزه با دولت صفوی برخاسته بودند. اسح گیلان و جلاویان مارندران و حکام کردستان اردلان و لرستان و مشعسعیان خوزستان از آن جمله بودند.

به غیر از دولتهای محلی یاد شده، دسته ای دیگر از رؤ عسائیری و شهری که تضعیف و سقوط تدریجی آو فویونلو را فرصت مناسبی یافته بودند، همزمان اسمعیل، به خیال حکومت مستقل و تصرف بعضی نواحی افتاده بودند. ایان نیز از دسمنان صفویه و سلطنت قزلبا، شمار می آمدند و سرانجام جان خود را در جنگ و محاسلات سلطان صفوی از دست دادند. سلطان حسین بارانی، از جهاساه فراهو یونلو، و رئیس محمد کره ای، حاکم آهارستم روزافرون، وزیر مارندران، از آن جمله بودند. این دولت، در آغاز بیش از هر چیز بر عنصر مذهب آن گونه که خود می پنداشتند - و قومیت ترك اتکا داشت که دو تنها معرف بخشی از جامعه ایران در آن روزگار بود طوایف ترك و تأثیر آنان در شکل حکومت صفویان آنچنان مینورسکی دوران اولیه سلطنت صفویه را سومین حکمرمایی ترکمانان می داند.^۲

پس از اینکه دولت صفوی بخشهایی از سرزمین ایر دست آورد، چند خاندان دولتمدار قدیمی، که یا سیه مذهب و یا به دوستی با آل علی شهرت داشتند، به دولت صفوی، عهده دار امور دفتری و دیوانی شدند. خاندانهای دیالمة کججیان آذربایجان و جابری انصاری فارس و اصفها جمله بودند.^۳ با ملاحظه این واقعیتها، تردید در «هویت ملی» دولت صفوی تا حدودی جایز به نظر می رسد. صر انگیزه های فاروق سومر، که در سطور پیشین گفته شد، تحلیلهای شتابزده وی درباره منشأ ارضی واحد کلیه دولت صفوی را بر ما کردند و نیز ستایشهای غیر اخلا

رحم نظامی سلطان سلیمان قانونی و ارتس خو بخوار او به ایران (۷۹ و ۸۰)، کتاب او حاوی مزایایی است که در بروهسهای دیگر به جسم نمی خورد. فهرست نسبتاً جامع طوایف ترك نسی و سبیه تاریخی و سیاسی آنان و معرفی سران طوایف و سی که در تشکیل و توسعه دولت صفوی داسته اند از جمله ای این کتاب است. بعضی مطالب این کتاب در برخی بروهسهای دیگر نیز به جسم می خورد، لکن به تفصیل بلکه به هم منابع متعددی که مورد استفاده فاروق سومر قرار گرفته است. اعم از کتابهای تاریخی و اسناد دولتی، به نوبه خود نویسنده مورد استفاده دیگران قرار گیرد و میدان وسعتی برای نه نظریات جدید فراهم آورد.

حد از مرتبهایی که گفته شد، بعضی اخبار نادرست در ضمن قالب کتاب به جسم می خورد که یقیناً باریات ترك پرستی و مآثر دیدگاهی نامعقول در ارزیابی تاریخ مردم ترك است از جمله حار نادرست انتساب کلیه طوایف ترك ایران به آتاتولی و

در صفحه ۹ این کتاب آمده است: «... فراهو یولوها سب احادن ساحه ای از قبیله آعاج ازیلر (همان آفاحری) ساکی احی ماراس والستان گردیدند که این قبیله موجودیت خود را با مرور حفظ کرده است» (یعنی در ایران) حال آنکه يك گروه از قبیله آفاحری بیس از قرن هشتم در خلخال ادریاخان پرست و حکومت آن ولایت با سران آن طایفه بود^۲ و اما طایفه معروف آفاحری که کیلویه و خورستان جر این می توان گفت که اینان نیز، همچون طوایف افسار، از فزون سسم نه در که کیلویه و خورستان به سر می بردند. آنچه این گمان را یب می کند حضور تیره ای به نام افسار در میان این طایفه

فاروق سومر در صفحات ۵۶ تا ۵۸ کتاب خود مطالبی درباره «استاخلو» آورده است که بیشتر نارگویی عقاید عامیانه سندگان قدیم است. یکی از معدود موارد انتساب ترکان قدیم به نای فارسی انتساب آنان به مکابهایی است که از گذشته در آن رسید، همچون طایفه بکشلو که احتمالاً به ناحیه قومی بکس یلو به مسوب است یا طایفه ترك ارسلو که به ناحیه «ارش» و انتساب دارد یا طایفه ترکمان موصول که به شهر موصول مسوب است. از این رو بسیار بعید می نماید که يك بر جمعیت و معتبر ترك تبار خود را به نام فارسی «استادجان» امیانه آن «اوستاجان» نسبت داده باشد و «اوستاخالو» بود. یگانه طایفه ایرانی که مستخصاً با نام «اوستاخالو» ده است یکی از طوایف کرد عمارلوست که در روستای ر بخش عمارلوی رودبار گیلان، سکونت دارد^۵

مرحوم علامه فروبی در یکی از یادداشتهای خود متذکر شده است که اس نام احتمالاً صورت تغییر یافته «استاخلو» است این نظر مرحوم فروبی با مندرجات کتاب گلستان ارم، که در تاریخ سیروان و داغستان آمده است مطابقت دارد. ناگنخاف، نویسنده این کتاب، حد بار از اس طایفه به صورت «اوستاخللو» و «استاخللو» یاد کرده است^۶ جمعی از طایفه استاخلو در سلطنت ساه عباس اول به طوایف افسار پیوستند و به همراه آنان در ناحیه ارومیه اسفرار یافتند. بررگان این طایفه در فزون بعد مأموران دیوانی سنگلر سگی گری افسار و ارومیه بودند. از جمله آنان مرراحواد ررس فلم جو سنوس و میرراکبیر و میرراظهر استاخلو و میررامضطفی حان استاخلو نایب مرزا سعیدخان و برحارحه ناصری، را می توان نام برد^۷

یکی دیگر از طوایف معتبر فرلباس که در شکل گیری دولت صفوی نقش برجسته ای داشته است طایفه ساملو بود. از بوسته های فاروق سومر جس بر می آید که این طایفه با فرلباسان این طایفه از حاك سام و آتاتولی برخاسه بودند (ص ۵۹). گروههایی از اس طایفه دهها سال پس از بدایس دولت صفوی در ایران به سر می بردند یکی از اس گروهها طایفه «اوچی» بود که، به بوسته مرطهرالدین مرغسی، موطن و مسکن امرای ان مردم فریه لوسان طارم بود عبارتی که مرغسی به کار برده است سانه قدمت حضور این مردم در حاك طارم است^۸. سایر این

حاشیه

- (۱) عالم ارای صفوی، به کوسس بدالله سگری، بهران، سناد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰، ص ۳۷۲
- (۲) میورسکی، ولادیسیر سا، مان ادلی حکومت صفوی با حصصات و تعلقات استاد میورسکی، ترجمه سعید رحمت ساه، بهران، روار، ۱۳۲۲، ص ۲۹ و ۵
- (۳) سام مرراصفوی بغه سامی، تصحیح وحید دستگردی، بهران، فروغی، ۱۳۵۲، ص ۵۶ تا ۵۹، عدی سگ سیرای، بکمله الاخبار، مقدمه و تصحیحات و تعلقات عبدالجس بوانی، بهران، بی، ۱۳۴۹، ص ۳۹، کربلانی نریزی، حافظ جس، صحاب النعان و حباب النعان، ج ۲، تصحیح جعفر سلطان العرامی، بهران، سگاه ترجمه و سر کتاب، ۱۳۴۹، ص ۶۱ و ۶۲، جس سسانی، حاج میرراחס فارسانه ناصری، تصحیح منصور دستگا، سسانی، بهران، امیرکسر، ۱۳۴۷، ص ۶۴ و ۱۰۶۵
- (۴) مسومی فروبی، حمدالله برهه العلوب، تصحیح لسریج و سکلسون، لندن، ۱۹۱۳، ص ۸۱ و ۸۲
- (۵) راسبو، هدال ولایت دالخر، ایران گیلان، ترجمه جعفر حمامی راده، بهران، سناد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰، ص ۳۶
- (۶) باکیخاف ساسلی گلستان ارم، به سعی و اهتمام عبدالکریم علی راده و دیگران ناکو، عدل، ۱۹۷، ص ۱۶ و ۹۷ و ۱۲۹
- (۷) ملاعبدالرسید محمودلوا فسا، تاریخ افسار، تصحیح برور سهریاری افسار و محمود رامان، رمانه، ۱۳۴۶، ص ۹۲ و ۱۵۹ و ۴۵۱ تا ۴۵۳
- (۸) مرغسی مرطهرالدین تاریخ گیلان و دلمستان، تصحیح موحهر سنوده، بهران، اطلاعات، ۱۳۴۴، ص ۲۶۰ و ۲۶۱

می توان گمان کرد که گروهی از فرلباسان شاملو، به ویره فرلباسان طایفه اوجی، احتمالاً از ترکان ساکی ایران بودند. یکی دیگر از طوایف شاملو، که در تاریخ ایران شهرت بسیاری دارد، طایفه بیگدلی است. طبق فرمان مورخ سال ۱۰۳۶ قمری شاه عباس، تأیید شده است که ییلاق این طایفه از قدیم الایام در کوهستان حرقان قرار داشته است اصطلاح «قدم الایام» می تواند نشانه ای از قدمت حضور این مردم در ایران حسی پس از پیدایش سلطنت صفویه باشد.^۹ از این طایفه، رسل خان بیگدلی به هنگام مرگ شاه عباس حاکم ری بود.^{۱۰}

طایفه دوالقدر نیز، برخلاف تصور نویسنده کتاب، با ایران چندین بنگانه بود (ص ۶۰) در سال ۹۰۹، سلطان مراد آق قویونلو، که از برابر شاه اسمعیل گریخته بود، خود را به فارس رساند و بر آن بود که، به کمک حاکم فارس، یعقوب خان بیگ برادر شاه سلطان بابندر و کسبده سلطان علی، برادر بزرگتر شاه اسمعیل، از میان طوایف مخلف فارس سپاه گرد آورد و به جنگ اسمعیل برود از حمله نیروهای که برای این لشکر کسی در نظر گرفته شده بود طایفه دوالقدر بود.^{۱۱} سلطان مراد، پس از باامدی از همراهی مردم فارس، به اتفاق یعقوب خان بیگ، به خورسان گریخت شاه اسمعیل پس از فرار او به فارس آمد و بالنسبت دوالقدر، ملقب به کحل سنگ، را به حکومت فارس و ریاست سپاه دوالقدر گماشت.^{۱۲}

درباره طوایف بورخلو و بیاب سر اطلاعات فاروق سومر مسند بیست (ص ۶۶ و ۲۳۰) طایفه بیاب از قرن سیم در بخشی از سرزمین لرستان به سر می برد و صاحب حکومت خاص خود بود.^{۱۳} حضور این طایفه در میان ساسانیان حکومت آنان همچنان در بخشی از سرزمین لرستان و خورسان ادامه یافته است.^{۱۴} دستهای عراقی عجم، از ری تا همدان، از هرون هفتم و هشتم مسکی عده ای از طوایف ترك و معول بود و طهیرالدین مرعسی و سپاهکارهای اسامی تعدادی از این طوایف را در آمار خود ذکر کرده اند و بعد می نماید که طوایف بیاب و بورخلو، که اتفاقاً در همن دستها به سر می بردند، از جمله آنان بوده و پس از بدانش سلطنت شاه اسمعیل به او نوشته باشد. وانگهی هیچ يك از منابع تاریخی آن عصر از مهاجرت و سب طوایف بیاب به حدود عراق عجم خبری نمی دهند. به نوشته گلستان ارم، شاه اسمعیل، پس از تصرف ناحیه سیروان و نابودی دولت سیرواساها، جمعی از ترکان بیاب را از عراق عجم به حدود دربند و سابران تبعید کرد.^{۱۵} طایفه بورخلو نیز در اوایل سلطنت اسمعیل به او پیوسته بود و عریز آقا بورخلو، معروف به «آدی بهادر»، در آخرین جنگ میان شاه اسمعیل و سبك خان اريك سرک داس و همو بود که پس از دسیاسی به نفس سبك خان سرس را به حضور

اسمعيل آورد.^{۱۶}

در بعضی منابع تاریخی نام طوایف بیاب و بورخلو یکدیگر آمده است.^{۱۷} از این رو بسیار محتمل است که بیاب و بورخلو با یکدیگر می زیسته و در مکان واحدی می برده اند. آنچه این احتمال را تقویت می کند تبعی بورخلو از عراق عجم به مرزهای گرجستان در شاه عباس اول است.^{۱۸}

نظر فاروق سومر درباره طوایف افسار کهکیلو به و ح سر از بیخ و بن نادرست است (ص ۱۵۹ و ۲۲۵). برو متعددی که در این باره صورت گرفته همگی حاکی از دیرینه این مردم در حدود خورستان و کهکیلو به است سلسله ای قویونلو، همان گونه که از کوح طوایف بیاب عجم خبری نمی دهد، از کوح طوایف افسار به خور کهکیلو به نیز پیخیر است. بنگانه وجه مسرکی که میان افسار کهکیلو به و آتاتولی دیده می شود حکومت مد افسار است که، به رغم فاروق سومر، همان منصور بیگ نام آور اوون حسن است. وی در اوایل سلطنت او آق قویونلو از سرداران او بود و طهرانی در کتاب دیار نامه بار او نام برده است. فاصله زمانی میان آن روزگار تا که در آن منصور بیگ افسار حاکم کهکیلو به به حکومت رسید، فریب نجاه سال است و این معنی، احتمال یکی دوتن را ضعیف می سازد، اما، خون فرینه دیگری برای این امر به دست بیست. ناچار با قید احتیاط می پذیر همان منصور بیگ افسار سردار معروف اوزون حسن معلوم بیست در حه زمانی به حکومت سولستان و کهکیلو بوده است. با این فرض هم حکومت منصور بیگ نمی توان سانه مهاجرت وسیع طوایف افسار به منطقه داسب. شاید به همراه او، عده ای از اتباع وی نیز آمده بودند و پس از پیدایش سلطنت صفویه همچنان ماندند؛ اما ایمان معرف هویت قومی افساریان حوزستان نبوده اند. اخباری که نویسنده درباره بعض ترك ارانه داده است متأسفانه ناقص یا کمتر از آن است که بُرد موضوعی کتاب ایشان وعده می دهد. ملا

که بر بنیاد اداری و نظامی جدیدی که ساه عباس به کار بست، حیات دولت صفویه را تصمیم گرفت و رسید آن را موجب سد فزون اول حکومت صفویه حصفتاً يك فزون حکومت سران طوائف فرلیاس بود رسید ملوك الطوائفی و اوجگیری جنگهای طایفه‌ای از ویژگیهای سرتاسر سالهای سلطنت ساه تهماسب اول و ساه محمد خدائنده بود آنچه از گسترش روند فوق حاصل شد، تضعیف نیروهای مولده اقتصادی، سقوط بدریجی دولت مرکزی، کاهش تواناییهای عمومی برای مقابله با تحاورات دولتهای همسایه، افزایش سمگری در حق مردم شهری و روستایی، فرار دسته‌جمعی گروههای بسیاری از مردم ایران به کسورهای همسایه و سقوط اخلاقی جامعه بود سعیی که سران فرلیاس در ستیر با بکدنگر و در سرکوبی بوده‌های مردم سنان می‌دادند کم نظر و نادآور محارنهای معولان و نازارهای سموری بود قطعه‌قطعه کردن، سوزاندن و حوساسندن مخالفان، قتل عام و برده‌سازی ریان و دختران و سران حوان از حمله اعمال متداول سران فرلیاس سمرده می‌شد کاهش نفوذ سران فرلیاس و لزوم اطاعت آنان از دولت مرکزی به طور طبیعی به افزایش نفس دیگر بررگان ایرانی، اعم از رؤسای حادرسسان عبرترك و حکومتهای محلی و خاندانهای قدیمی شهری، منجر شد نیروهای تازه‌ای که

بالوتنها به حضور احتمالی این طایفه در اطراف بده سده است (ص ۲۲۸). طبق مندرجات تاریخ ماب ارومیه در آغاز قرن نهم هجری با حدس بر اوصالو بود. گرگین بنگ اوصالو به سال ۸۰۲ از رلنگ به حکومت ارومیه آمد و، پس از مرگ وی، لامه سلطان اوصالو، حاسین وی گردید لامه سلطان حاکم ارومیه بود. پس از وی، یکی دیگر از برادران، سلطان اوصالو، به حکومت سست. وی سرتا نایان رومیه بود^{۱۹} سیروان بیر از سکونتگاههای اس طایفه مرین افراد این طایفه، آن گونه که از منابع موجود ر قرن دوازدهم ساکن ولایت حمسه (ریحان کنوی) ما اقامحمدخان قاجار جمعی از ایان را به حوالی رسار کوح داد تا حلوی حملات ترکمها را بگیرند

سسته کتاب درباره طایفه ایمالو سرتندان در سب (ص ۲۲۹). منابع عصر صفوی از مهاجرت طایفه اناتولی به ایران خبری نمی‌دهند و، به خلاف نظر بر که اولن امیر ساخته سده اس طایفه را فاسم سلطان س از وی بدرس، طهماسب سلطان ایمالو سر کرده بود.^{۲۱}

طایفه ابرلو (ص ۲۲۸) بیر انهاماتی وجود دارد. به رامهدی خان استرآبادی، یکی از فانیان نادر ساه، ایرلوی افسار خلجالی نام داشت اعتمادالسلطه وی یگ ایرلوی افسار طارمی نوشته است. به نظر می‌رسد ایرلو همان طایفه ایرلوسب و فاروق سومر یا از این نام بوده یا به مسامحه از آن گذشته است^{۲۲}

سومر معتقد است که تدابیری که ساه عباس در مورد به کار برد موجب ضعف آنها و در عوض باعث اردیاد ها و کردها و افغانها در سیاست دولت شد و در نتیجه ولت را فراهم ساخت (ص ۱۸۱). این نظر از لحاظ نیج اعتباری ندارد و تنها از حسرت نویسنده در حال سس ترکان در دولت صفوی حکایت می‌کند که خود یک پرستی نامعقول اوست. تقریباً کلیه بروهنگرایی که تاریخ صفویه پرداخته‌اند در این مورد اتعای نظر دارند

حاشیه

- ۱۹) بنگالی، علامه حسن تاریخ بنگالی مدارك و اسناد، تهران، بو علی، ۱۳۶۷، ص ۶۲۱
- ۱) اسکندربیک برهان عالم‌الای عباسی، تصحیح ساهرودی، تهران، طلوع و سروس، ۱۳۶۲، ص ۷۹۳
- ۱۱) عالم‌الای صفوی، ص ۸۹
- ۱۲) فاسم سلطان ناصر، ص ۳۷، عالم‌الای صفوی، ص ۸۸، گلستان ابرم، ص ۹۳
- ۱۳) مسعودی فروسی، حمدالله تاریخ گردید، تصحیح عبدالحسن بوانی، تهران، امرکتر، ۱۳۶۲، ص ۵۵۳
- ۱۴) مسرالدوله، میرزا سیدجعفر خان، ساله جمعفات به حدیه، به اهتمام محمد مسری، تهران، بناد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷، ص ۱۰۲
- ۱۵) گلستان ابرم، ص ۹۳
- ۱۶) جهانگشیای حافظان ناتا، بیع ساه اسماعیل (تالیف در ۹۲۸-۹۵۵ هـ)، مقدمه و فهرس دخیر الله دبا مضطر، اسلام آباد، مرکز جمعفات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۲، ص ۳۸۰
- ۱۷) تاریخ فرلیاس، به اهتمام میرزا سید محمد، تهران، بهنام، ۱۳۶۱، ص ۲۴
- ۱۸) گلستان ابرم، ص ۱۷۳
- ۱۹) تاریخ افسان، ص ۱۱ و ۱۲
- ۲) گلستان ابرم، ص ۱۳
- ۲۱) تاریخ افسان، ص ۱
- ۲۲) استرآبادی میرزا مهدی خان جهانگشیای نادری، به اهتمام عبدالله ابوار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۱، ص ۴۲۵، اعتمادالسلطه، محمدحسن خان، مطلع السمن، به اهتمام تیمور برهان لمودمی، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۲، ص ۱۶۸

در مورد حمایت کامل علمای باغیرت از سلیم در دست به معلوم نیست منظور از «علمای باغیرت» چیست... علمای مورد نظر است و یارو حایان بزرگ و معروف. همچنین در ۵۱ آمده است: «یاوزسلم در سال ۱۵۲۰م وفات یافت. اس رأس امپراطوران باارزس عنمانی ذکر می شود». معلوم به عنوان «امپراطوران باارزس» ترجمه حه اصطلاحی است صفحه ۹۳ آمده است: «اجرای این عمل بیشتر به حسم رحم بود» که معنای خندانی ندارد و ظاهراً چنین می باشد مورد نظر نویسنده «گرفتن رهبر حسم» بوده است. در صفحه آمده است: «در میان قبایلی که در خدمت صفویها بودند، تر از دو قبیله مهم موصول و برناک که تکیه گاه اصلی دولت آق و بودند به میدان آمدند»، که ظاهراً منظور نویسنده کتاب، آن طوایف به دولت صفویه بوده است در صفحه ۲۲۰ آمده «در زمان ساه عباس بعضی از امرای بایندر یعنی آق فویولو اعلام موجودیت کردند»، که منظور از موجودیت «چندان روشن نیست... آیا به مخالفت با برخاستند یا اینکه صاحب نام و آواره شدند. می دانیم که اربایندریان، پس از سقوط دولت آق فویولو، به پید آمده و شهر مقیم شده بودند این خاندان در سلطنت ساه هانسسانس از حمله بزرگان آن سامان بودند و شهر هندوسان نیز کسیده شده بود. مستوفی بافقی در جامع شرح مفصلی درباره این خاندان آورده است.

در صفحه ۲۳۰ آمده است که «اکریب جمعیت بیهرباب ها قبل از ساه عباس در اطراف کرار و کره رود واقع دسرفی همدان سکونت داشتند». ظاهراً منظور نویسنده جمعیت انبوه طوایف بنات است که متأسفانه به صور ترجمه شده است.

ترجمه این کتاب خدمت فرهنگی باارزسی است تحقیق در تاریخ فزلیاسان ایران کمک فراوانی خواهد این رو سعی مترجمان و ویراستار و ناسر درخور تقدیر است.

حاشیه:

۲۳) نورگستال، یورف و هافر تاریخ امپراطوری عنمانی، ترکی علی آبادی، به اهتمام حمید کیا مهر، تهران، درین، ۱۳۶۷، ج ۱۰، ۳۱۱، شامی، نظام الدین طفرانه شامی، تصحیح فلیکس ناور، به سمانی، تهران، نامداد، ۱۳۶۳، ص ۲۷۵ و ۲۷۶

۲۴) بیرزاده راهدی، سیح حسین بن نییح اندال، سلسله السب ایراسهر، ۱۳۴۳، ق، ص ۴۸

۲۵) مرعشی، میر تیمور تاریخ خاندان مرعشی مازندران، ستوده، تهران، سیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶، ص ۶.

به عرصه حکومت رسیده بودند به توان آن برافزودند؛ اما اینان نیز، همچون اسلاف فزلیاس خود، به سبب فساد و انحطاط عمیقی که در نهاد تاریخی آنان نهفته بود، پس از مدتی، همان وضعی را دید آوردند که سران فزلیاس در قرن دهم هجری به وجود آورده بودند اگر ملوک الطوائفی سران فزلیاس مانع از رسد جامعه ایرانی شده بود، اقدامات ساه عباس و جاسسانس در خاصه ساری ولایات متعدد ایران و احتضاص آن به شخص سلطان، رسد بیروهای مولده جامعه را به سد محتل کرد و اقتصاد و سیاست ایران را پس از مدتی به نابودی سوق داد. در این میان، یکی از معدود مردمی که نفس مختصری در سیاست و اقتصاد ایران داشتند افعایها بودند که همواره اتباع درجه دوم دولت صفوی محسوب می شدند و همسکه فرصت یافتند دودمان صفوی را بر باد دادند

در ترجمه این کتاب سر بعضی نادرستیا به حسم می خورد که بارمایی آن ضروری است و این اظهار نظر به هیچ رو به معای انکار رحمان ارزنده مترجمان محترم کتاب نیست.

مترجمان محترم معلوم نیست به چه دلیلی نام طایفه «فراتاتار» را، که از حمله طوایف مسهور اتاتولی بود، به صورت «تاتارهای سیاه» ضبط کرده اند (ص ۲۸). ترجمه اسامی خاص تا امروز معمول بوده و هرگاه نویسنده یا مترجمی به این عمل مبادرت کرده تنها برای دسب یانی به وجه تسمیه اسامی مورد نظر بوده است طایفه فراتاتار مسهورتر از آن است که نویسنده یا مترجمی در صد تعریف و ترجمه نام آن برآید. این طایفه از جمله اتباع سلطان ایلدرم بایرید عنمانی بود. اینان در جنگهای سلطان عنمانی و تیمور لنگ به سلطان عنمانی بست و سکست و اسارت او را تسهیل کردند. تیمور، به خواهس ایلدرم بایرید که اسیر او بود، فرمان داد که همگی آنان را به ماوراءالنهر بارگرداند.^{۲۳}

معروف است که جمعی از این مردم، پس از رسیدن تیمور به اردبیل، بنا به خواهس سلطان حواجه علی صفوی، از فید اسارت آزاد شدند و در همان ناحیه باقی ماندند. اینان را بعدها صوفیان روملو خواندند^{۲۴} جمعی دیگر در طول راه به بواخی اطراف و از حمله به مازندران گریختند و با سادات مرعشی مازندران پیوند یافتند.^{۲۵} مترجمان در صفحه ۴۷ آورده اند که «متأسفانه اطلاعاتی

ایلام، نخستین دولت فدرال جهان

دکتر صادق ملک شه میرزادی

تألیف و تندن ایلام، تألیف یوسف مجیدزاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۰، ۲۱۹ ص.

علاء اسبابی من با «عیلام» و «عیلامها» برمی گردد به زمانی که در بیرستان سال محرم را می گذراندم. در آن زمان دسر تاریخ ما، محرم علی اکبر رحالی، به نقل از تاریخ ایران باستان بیرسا، کتاب عیلامها افرومی بودند که در کوهها ریذگی می کردند و در بیرستان سراریر شدند و دولت مقتدر عیلام را در همسایگی دولت بابل تشکیل دادند. از آن پس، دیگر در این ناره حبری نتواندم تا در دوره لیسانس (سال ۱۳۴۱) در دانشکده درسی محرم با مرحوم دکتر محسن مقدم درباره تاریخ هیر ایران باستان بین الهیری و در این درس یکی دو صفحه هم درباره هیر عیلام، از جمله درباره معبد حجازبیل، املا سند در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷، دانشجوی مدرسه باستان سیاسی مؤسسه سری سیاسی دانشگاه سیکاگو بودم، استادانم شادروان دکتر هلی کنور و دکتر بریکم و برفسور هانس گوتراک به پرس دربارۀ سیاسی، تاریخ و دین عیلامها جلسات درسی اختصاص دادند و منبع اصلی و شاید یگانه منبع اصلی آنها حروهایی برفسور والتر هینتس برای تاریخ قدیم کمبریج بوسه بود. مراعاتم به ایران در سال ۱۳۴۷، به مدت چهار سال، به معاون سرپرست هیئت حفاری که ریاست آن با آقای دکتر

عرب الله نگهان بود، در حفاریهای هفت تنه حورستان سرک کردم. هفت تنه از امکنه باستانی دوره ایلام است که، با پیدا شدن سنگ بنسخته و قصنامه «آرامگاه» و «معبد» آن، معلوم شد یکی از نادسهاان ایلام، به نام سی- اهر، موفقاتی برای معبد و آرامگاه فرار داده بوده است. زمان حکومت سی- اهر نیز، به سهادت ابر مهری که از همان محل به دست آمد و حامل نام یکی از نادسهاان بین الهیری، به نام کدسمن- ابلل از سلسله کاسی بود، می باشد حدود ۱۲۵۰ ق م بوده باشد با این دو سند، تاریخ ساهای تاریخی هفت تنه، از جمله ریگورات آن، بعین می شد این ساهاسن از مبروک شدن معبد حجازبیل، که در حدود ۱۳۵۰ ق م به دست یکی از نادسهاان ایلام به نام اوسن گل ساخته شده بود، احداث شده بودند

در پایان چهار فصل حفاری در هفت تنه، اطلاعاتم درباره ایلام کمی ستر شد و توانستم نموداری از انواع سفال ایلامی هفت تنه را برای تحصیلات بعدی تهیه کنم که هنوز بر آن را دارم پس از گذشت چند فصلی از حفاری در هفت تنه، دکتر نگهان، در یکی از جلسات سال ۱۳۵۲ شورای آموزشی گروه باستان شناسی، که معمولاً هر دو هفته یک بار تشکیل می شد، پیشنهاد کرد که درسی به نام «ایلام» در برنامه دروس گروه درج شود و فرار شد که خود اسان تدریس آن را بر عهده گیرند ولی هیچگاه این درس تدریس نشد و فقط نام درس و کد آن در برنامه دروس گروه باقی ماند از سال ۱۳۵۱ نیز فرار شد دانشجویان دوره فوق لیسانس پس واحد درس الرامی «حفاری در محل» را در حفاریات هفت تنه بگذرانید یگانه دانشجوی فوق لیسانس که رساله خود را درباره دوره ایلام در حورستان بوسه آقای اسماعیل نعمایی بود که هم اینک کارشناس ارشد باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور است

پس از بویگسایی و بازگسایی دانشگاهها، اولیای دانشگاه تهران برای رسته باستان شناسی اهمیت خاصی قابل شدند درجه این توجه بدان حد بود که دکتر محمد فرهادی، رئیس وقت دانشگاه تهران، ساعتی قبل از حضور در مجلس شورای اسلامی برای دریافت رأی اعتماد و تدریس مقام وزارت فرهنگ و امور عالی، در اول آبان ماه ۱۳۶۲ در دفتر رئیس دانشکده ادبیات حاضر شد و یکی از باستان شناسان نارسسسته وزارت فرهنگ و هیر سابق را سخصاً برای مدیریت گروه باستان شناسی برگزید و این در تاریخ ترفعات و انتصابات دانشگاه تهران سابقه بدست اهمیت موضوع با توجه به این سابقه روشن می گردد که، از آغاز تشکیل گروههای آموزشی در دانشگاه تهران و در دانشکده ادبیات در سال ۱۳۴۲، همواره مدیر گروه از بین مدرسان رسمی گروهها انتخاب می شد و انتخاب با طی سلسله مراتب به تأیید

نامه دیگری دریافت کرد که ابلاغ بازنستگی او بود. ار دلایلی که برای بازنستگی ایسان در آن ابلاغ ذکر شده فقدان صلاحیت علمی و فقدان باردهی علمی بود. پس ار در ابلاغ بازنستگی بود که وی فرصت بیشتری پیدا کرد تا به تربیته و حاب مقاله‌هایی در محلات علمی تخصصی داخلی، چندین کتاب نیز تألیف کند که اولین آنها کتاب «نهرنسی در ایران» بود که به همب مرکز سر دانهگاهی حاش منتشر شد. تألیف دیگر همین تاریخ و تمدن ایلام است که همب همین ناسر حاب و منتشر شده است. دو تألیف دیگر در باره تاریخ و فرهنگ و باستان ساسی بین النهرین، در مرکز، یکی در مرحله حروف حینی و دیگری در مرحله ویرانه است.

ار تمدن ایلام، با همه سابعه دیرینه‌اس، سواهد و مدارک محدودی در دست است. هنگامی که فرار سد دانشگاه که انگلسان «تاریخ ایران» را در سج حلد تدوین کند، نگارس ایلام به سادروان بر فوسر والتر هینتس واگذار شد که تخصصی او تاریخ صفویه بود و آن را در دانشگاههای تدریس می کرد. والتر هینتس در اوفات فراغ به مطالعه تاریخ و فرهنگ ایلام می برداخت و دو حلد «فرهنگ ایلامی» او ار آثاری است که ماندگار خواهد بود در تاریخ و تمدن ایلامها تا به آن درجه بی اعتنایی شده بود. حسهای کدایی ۲۵۰۰ ساله را تأسیس ساهنسهایی هم سمرده بودند و ایلامیهارا، که دیر زمانی بین از آن بر بهه از ایران حکمر وایی داستند و نخستین دول مقدر فدرات کتار دولتهایی حون سومر و آگد و بابل و آسور بیان نهاده بکلی نادیده گرفته بودند. نخستین ایرانی که همب کرد ربان ایلامی را فرا گرفت و یکی ار انگسب سمار ایلامی جهان سد دکتر عبدالمجید ارفعی بود که او را هم، به نا، نیاز از کار بر کتار و خانه‌نسنین کردند. در دانشگاهها هم توجهی به ایلام و تاریخ ایلام نمی شد. هنوز هم در گروهها دانشگاههای ایران حتی دو ساعت درس مستقل تار تدریس نمی سود.

کسور ایلام در کجا و تاریخ و سیاست و نوع حکومه بوده است؟ در این باره اطلاعات نگارنده تا قبل از انت تاریخ و تمدن ایلام از حد نوشته‌های شادروان پرف هینتس، که در دوره تحصیلی من در مؤسسه سری سناسی شیکاگو کتاب درسی اصلی در این باب بود، تجاوز نه موجب اطلاعات موجود، ایلامیها سرزمین خود را به ایلامی «هَل تَمْتی» (Haltamti) یا «هَتَمْتی» (Hatamti) «سرزمین خدا»، می نوشتند. ولی ار نظر همسایگان ا

نهایی می رسید.

در فاصله بین دو بیمسال تحصیلی سال ۱۳۶۴، سر بر سب جدید گروه نوحه بیستری به برنامه درسی سان داد و طی نامه‌ای تدریس درس «باستان ساسی عیلام»* را به دکتر یوسف مجیدزاده تکلیف کرد.

سابعه آسنایی من با مؤلف تاریخ و تمدن ایلام به سال ۱۳۴۰ بار می گردد که در آن هر دوی ما در کنکور داسگاه برای رسته باستان ساسی پذیرفته و همکلاس سدیم بعدها نر در مؤسسه سری سناسی داسگاه سیکاگو همدرس بودیم و رساله دوره فوق لساسس خود را بر زیر نظر استاد واحدی گذراندیم. پس ار مراحمب به ایران با هم در داسگاه استخدام سدیم و در حفریات داسگاه بهران در دست فزویس سرکت کردیم. بعداً مجیدزاده دوره دکتری را در همان مؤسسه سری سناسی گذراند و قسمت من چنین شد که این دوره را در داسگاه سسیلواپیا در رسته انسان سناسی با گرایس سس ار تاریخ بگدرام. گرایسهای تحصیلی و تخصصی و تحریات عملی هر دوی ما متوحه ادوار مختلف بین از تاریخ فلات مرکزی ایران بود با این فرق مختصر که دکتر مجیدزاده بسسر هم خود را صرف تحقیق در دوره آغاز سهرنسنینی کرد و من به دوره نویسگی برداختم. اطلاعات هر دوی ما در باره «ایلام» و «ایلامیها» تقریباً در یک حد بود: من چهار سال معاون هینت حفاری هفت تبه بودم و او، در حلد فصل (یک فصل کامل حفاری و حلد فصل کوتاه‌مدت) با استادان ما، سادروانان بر فوسر بپیردلوگار و هلن کنتور، در حقامس حورستان حفاری می کرد و ساهد حفریات قبلی آنان در بهایای دوره ایلامی در آن محل بود.

دکتر مجیدزاده، ما دریافت نامه‌ای که طی آن تدریس درس «باستان سناسی عیلام» به او واگذار شده بود، بسدت احساس بگرانی کرد. با ایهمه، توانست در اواسط بیمسال تحصیلی جزوه‌ای حدود یکصد صفحه شامل تاریخ، باستان سناسی، مذهب و هنر ایلامیها تهیه کند و در اختیار دانشجویان فرار دهد. این حروه درسی، به اعتراف تنی حلد از همکاران دانشگاهی، هنوز یکی ار منابع اصلی تدریس است. دکتر مجیدزاده در سال ۱۳۶۶



توره مغربی ملکه پیر-اسو، همسر او تنش-گل، قرن سیزدهم ق.م. محفوظ در موزه
دار بایسن المندی ۱/۲۹ سانتیمتر، عرض ۷۳ سانتیمتر، وزن ۱۷۵۰ کیلوگرم.

شمال غرب حاکم سس اوآن محلی بوده نزدیک سوسر کنونی و
سوس شهر عمده این حاکم سس بوده است سوس به اوآن
سسی مسانه سست بر بردر رمان فاجاره به ایران، اداسته است
اسان، نه سابقا محل آن منطقه بحساری و حاکم سس آن،
خوخور (khukhnu)، در نقطه‌ای نزدیک ابره و مالمیر کنونی
نصور می‌سده، با حفریایی که در ملتان فارس احجام گرفت معلوم
شد که در فارس واقع بوده است حصا، به حکایت قطعه‌ای از یک
کسه که از معدنی واقع در یکی از حرابر خلیج فارس به نام لیلان
(Livan) به دست آمده، به نظر می‌رسد که دولت ایلام
بابت السلطه سسی در دریای فارس (خلیج فارس) و سواحلی آن
داسته است بدین سان، ایلام سرزمینهای پهناوری از ایران
کنونی، از خورسان و لرستان تا فارس، را شامل می‌سده است از
سبب شمال بر فلمر و ایلام با سمساس، نزدیک حرم آباد امروزی
در لرستان، کسده می‌سده است در شمال غرب ایلام بر ورخسه
و راکار مناطقی بوده‌اند که با ایلام بنودهای دائمی سیاسی و
اقتصادی و فرهنگی داشته‌اند علاوه بر این، در ارتفاعات راکرس
قوم سو (su) بر حکومت داشتند که سارگون (Sargon) اکدی
انها را در یکی از لشکرکشیهای خود به حاکم سس بر کوب و
معلوب کرد شاید سرزمین اقوام سو شمال غربی برین منطقه
حایل بر ایلام و برین النهر بر بوده است بدین سان، دولت ایلام
دولتی فدرال و به موجب اسناد و مدارک تاریخی قدیمترین دولت
فدرالی جهان بوده است بنودهای حوسی بر برین دولت فدرال
با اداره کنندگان ایالات اساسی مناسبات فدرالی بوده است، مقرر
ناتساد در مرکز اوآن و مقرر حاکمی که می‌توانست حاکم او گردد
در شهر سوس بود حاکم ایلامی بر برین بابت السلطه ایلام
حکمرانی می‌کردند

قدیمترین سدی که در آن از ایلام نام برده شده به قرن هفتم
از هزاره سوم پس از میلاد معلق دارد در فهرست پادشاهان
سومری، از پادشاهی افسانه‌ای به نام انباراگسی
(Enmebaragisi) با عنوان پادشاه سلسله اول کس (kish) نام برده
سده است که به عنوان حجاج «دست سرزمین ایلام را قطع کرد و
با خود برد»، منظور این است که این پادشاه بین النهرینی بر منابع

مریها و اکدیها، نام سرزمین ایلام با مفهوم «سرزمین مرتفع»
تد داشت.

ایلام شامل دست خورسان و ارتفاعات همجوار آن می‌سده
که روابط کسورهای برین النهر بر با ایلام، هر چند اکرا
سده، همسره برقرار بوده است منابع سرسار مواد معدنی و
سبب سسار ریاد کشاورزی ایلام سبب سداس ویرگنهای
ایلامی- سیاسی خاص منطقه و برانگیخته شدن طمع
سبب، مخصوصاً سومریها به منابع ایلام بوده است

ایلام از چند بخش تشکیل می‌شد شامل اوآن، اسان و
سبب، در درجه اول، ورخسه و راکار، همسایگان آن در

طبیعی ایلام تسلط یافت.

با قدرت یافتن سارگون در اکد (۲۲۷۹-۲۳۳۴ ق م)، اطلاعات ما نیز درباره ایلام بیستر می شود. براساس اسنادی که از لشکر کسپهای سارگون به جالب مسرو (سرزمین بزرگ ایلام) در دست است، معلوم شده است که اولاً سارگون توانست قوم سورا، که ساکن ارتفاعات زاگرس بوده اند، سرکوب کند و خود او نیز در یک نوبت وارد سوس سدر و غنایم زیادی از این شهر به اکد برد. در زمان پادشاهی ریموش (Rimush) (۲۲۷۰-۲۲۷۸ ق م)، سر و جانشین سارگون، اتحادیه ای از کسورهای فدرال ایلام تشکیل شد که در جنگ با ریموش سکست خوردید و در نتیجه ۱۷۰۰۰ ایلامی کشته و ۴۰۰۰ نفر دیگر اسیر شدند. ریموش ۳۰ نوند طلا و ۳۶۰۰ پوند مس و سس کسر و غلام از ایلام به اکد برد و به معبد انلیل (Enlil) اهدا کرد. ریموش به دست برادر خود منیستوسو (Manishtusu) برکنار شد. در ۲۲۵۴ ق م نرام سین حانشین منیستوسو شد که تا سال ۲۲۱۸ ق م در اکد حکومت کرد. یکی از مهمترین اسناد دوره ایلام عهدنامه ای است بین نرام سین و پادشاه ایلام به نام خیت (Khita)، که در سال ۲۲۲۳ ق م در ایلام حکومت می کرد. از حمله ویرگهای این سند این است که (۱) در شوس به دست آمده؛ (۲) برخلاف سبب مرسوم تا آن زمان که کلیه اسناد به خط اکدی نوشته می شده، نخستین بار از خط ایلامی برای تنظیم سند استفاده شده است؛ (۳) در سوس سوم پادشاه ایلام تأکید می کند که «دسمن نرام سین دسمن من و دوست او دوست من است» و می افزاید که «حون گروگانی در کار است، برای سالم ماندن او رعایای من باید دسمنان نرام سین را دفع کنند». و این اشاره به این امر خطیر است که سر پادشاه ایلام به عنوان گروگان در دربار نرام سین در اکد به سر می برده است و شاید، با پیدا شدن سندی قدیم، بتوان آن را نخستین مورد مستند گروگانگیری در تاریخ سیاسی مکتوب تلقی کرد.

تاریخ سیاسی ایلام، همچون تاریخ نظامی و اقتصادی آن، از این گونه اطلاعات بسیار دارد، و قصد اصلی از آوردن نمونه های مذکور اشاره ای است به تاریخ بیحیده ایلام. برای اطلاع از جزئیات بیستر خواننده باید به بخش اول تاریخ و تمدن ایلام مراجعه کند. اگر بخواهم فهرستی از اهمیت این بخش از کتاب عرضه دارم، موارد زیر را باید در صدر حای دهم.

(۱) اسامی پادشاهان و امکنه جغرافیایی باربینی و ویراستاری شده است.

(۲) نام پادشاهان ایلام به عنوان ضمیمه بخش اول، در چند فهرست به دو صورت آمده است: یکی به صورت کلاسیک و مرسوم در کتابهای تاریخ ملل باستان؛ دیگری به صورتی کاملاً جدید و ابتکاری و ابداعی. در این فهرست جدید آراء همه

دانشمندان موجه و موبق درباره تاریخ سیاسی ایلام، که با ارائه شده، در یک جدول و بارنگهای مختلف، هر رنگی معر یکی از دانشمندان، آمده است و آن از مغایرت شدید ایر حکایت می کند که خود از کمبود اسناد و ناخوانده ماندن عظیمی از اسناد مکتوب به خط ایلامی مقدم (Elamite) - مایه گرفته است.

(۳) سرانجام، تقریباً کلیه منابع موجود درباره تاریخ بررسی و صحت و سقم آنها با روشهای فیزی و استمرانی، شده و آنچه بیستر با واقعیت مبتنی بر اسناد کتبی وفق داسا فصل مستعمل آمده است. حناحه مورد خاصی در مدنظر نر، ماسد، خواننده می تواند براحتی و بی تقبل زحمت به اصل که سانی آنها به دقت و کمال داده شده است، هدایت فصل دوم کتاب (صص ۶۳-۵۰) به مذهب ایلام ادا یافته است. در این بخش نیز نویسنده کتاب، با مراجعه موبق و ار جمله با استفاده از متون اقتصادی (ص ۵۵ دوم، سطر ۳۱ به بعد)، تصویری گیرا و خواندنی از اعتقادات ایلامیان ارائه داده است. از حمله موارد بسیار. درباره مذهب ایلام توجه نویسنده به این نکته است که مذهب ایلامیها نویسندگان همان روزگار را نیز دحا می کرده است: «انسان ایلامی مجاز به توصیف و تبیین د [خدایان] نبوده است. شاید به همین دلیل بوده که کاتبان سناسایی خدایان ملی ایلامی با مسکلات آسکاری روبه (ص ۵۷، ستون دوم).

با اینهمه، نویسنده در ارائه تصویری از ساختار تمدن ایلامیها نیز کاملاً موفق است. اسناد و مآخذ مهمی نیز باره به دست داده شده کار را بر علاقه مندان به مطالعه د بسیار آسان ساخته است.

فصل سوم کتاب به هنر ایلام اختصاص یافته است فصل نه تنها به آثار هنری بلکه به علوم و فنون نیز بر است. در حقیقت، این فصل از کتاب به فرهنگ و تمدن تاریخ سیاسی و اندیشه های دینی ایلام، اختصاص دا چگونه پیدایش ارقام و خط و گاهشماری آغاز

اکثری بوده است، انداعات ایلامیها در آن سوره به این هیر
 خصوصیتی بخشیده است و این ویژگی در مهر متعلق به اسدیم،
 نادیسا، ایلام، بررسی شده است (ص ۷۰، ستون ۲ و ص ۷۱،
 ستون ۱)

چهارمین و آخرین فصل کتاب دارای عنوان عم‌انگتر «عروب
 تمدن ایلام» است این تمدن که در اواسط سده دوم هزاره دوم
 پس از میلاد، در عهد سلطنت این-سوسینک، فرمانروائی تمامی
 سرزمینهای امپراطوری ایلام، به اوج شکوفایی خود رسیده بود
 به طوری که سوس در این زمان به صورت یکی از بزرگوارترین
 شهرهای جهان باستان در مده بود. اما حمله ساهان اسوری
 به سرکردگی اسور باسال بردید و «ساهان اسوری، برای
 انقاص محوئی از ایلامیها، اسبخوانها و خاکسپار این نادیساها
 نادیساها ایلامی، بدون درمیان محلل سوس را در چهار جهت
 به نادر دادند» (ص ۱۰۲، ستون ۲ و ص ۱۰۳، ستون ۱)

امروزه از آن همه سکه و عظم و پراکنده‌های پس باقی
 مانده است در نایاب سجن، برای اسبابی با حکوبگی عروب
 تمدن ایلام، قسمی از کینه اسور باسال را با تأمل بسیر
 می‌خوانیم.

من سوس، شهر بزرگ مقدس، خائگاه خدایان و محل اسرار
 آنها را به حواست اسور و اسنار فتح کردم به کاهنهای آن
 کام بهاد و با سوری سادی در اینجا اقامت کردم در گنجهای
 را، که در آن اها در و سیم و مال فراوان بود، گسودم آنچه را
 ساهان بیسن ایلام با به امروز گرد آورده بودند و با به امروز
 هیچ قسمی حر من بر آن دست نبرده بود، به عصب
 کرفم معاند ایلام را با خاک نیکسان کردم الاغهای
 وحشی، غزالها، و تمامی جانوران وحشی از ترک و خود من
 (در حرابه‌های آن) با اسودگی خواهند، سب اوای اسان،
 (صدای) سم چهارپایان بزرگ و کرحک، فرماندهای سادی
 به دست من از اینجا رخت بر سب (ص ۱۰۳، ستونهای ۱ و
 ۲)

حاشیه

* در نامه دینی که به ناسیان سیاسی و تاریخ در دانشگاه تهران ایلام به
 صورت «خلا» نوشته می‌شود در مقاله‌ای که دکتر عبدالحمید از قعی درباره نام
 ایلام نوشت آن را تصحیح کرد نگاه شده به «سپیده‌دمی که به روستایی می‌گردد»،
 مجله باستان سنجی و تاریخ ستان سوز - سفارة نول، پارس و، مسکن ۱۳۶۷، صفحه
 ۷۸-۷۷

ی ساخته‌های متعدد هیرهای تحسیمی می‌رسد شرح هیرهای
 بی ایلامی مانند نفوس برجسته، بیکر ساری، مهرهای
 به بی، معماری و نظایر آنها در ادوار سه‌گانه ایلام قدیم و
 جدید در این فصل بررسی شده است از آنجا که نویسنده
 باستان‌شناسی پس از نهرس را در گروه باستان‌شناسی
 سده ادیان و علوم انسانی دانشگاه تهران درس می‌داده و
 تحصیل در مؤسسه شرقی باستان‌شناسی دانشگاه سیکاگو بر
 د ساروان دکتر هلن ج کینور یکی از برجسته‌ترین
 باستان‌شناسان متخصص در هیر ایران و پس از نهرس بوده است،
 پس این فصل از کتاب از معلومات و اموجنه‌های خود بسیار
 گرفته است و شاید بتوان گفت که در این زمینه، به عنوان
 صاحب نظران، غرض وجود کرده است

این مورد، ظاهراً نویسنده تنها به ارتباط هیری پس ایلام و
 نهرس توجه نموده و به اناری که در سایر بخشهای آسای
 به دست آمده است و ساهنهای سزار بزرگی با انار هیری
 دارد پرداخته است. من باب مثال، بر سکه‌های سسینه‌ای
 شمال افغانستان و آسای مرکزی به دست آمده، سبه سکه
 الهه ترویدی (تصویر ۴ کتاب) است
 کتاب مهم در مطالب مربوط به این فصل بیسن از آن است که
 به همه آنها اشاره کرد و برای برهبر از اطالة کلام فقط به
 به نك مورد از موارد عذیده اکتفا می‌کنم

بررسی نفوس مهرهای دوره ایلامی، نویسنده موفی به ارائه
 قعی از مساعل و حرفه‌های رایج در ایلام شده است که در
 سارمان اجتماعی ایلام می‌توان از آن بهره برد از جمله
 های رایج در ایلام از کشاورزی، کارگری، ماهیگیری،
 قصابی، گاری، فلزگری، نجاری، سفالگری،
 قبی، نویسندگی و مهمتر از همه سردفتری اسناد رسمی و
 باید نام برد (ص ۶۶، ستون ۲) در مورد مهرهای
 ایلامی نویسنده نمونه‌ای را برای توضیح بیسر
 است که متعلق به حدود ۲۴۰۰ بیسن از میلاد است و از
 زن در مذهب ایلام حکایت می‌کند (ص ۷۰، ستون ۱)
 هر چند سوره مهر ساری در ایلام تحت تأثیر هیر حکاکتی

محافظه کارانه به خود می گرفته که «ار کجا می داند ما وجود
هستیم؟» ما بر سر سخن آن قوم کرده ایم» (ص ۱۵۹) و این
حالی است که ساهرادگان و امیران تیموری، خود از سفیر
اس غریبی بوده اند

او فواید تاریخی این کتاب نشان دادن جو حکومتی حدس می
در عصر تیموری است، چرا که رسد طریقه صوفی- سنی
نفسندی عکس العملی در برابر سدابای رهبران مقصوف مسر
به سجع و سب علوی بوده است (ارک تسع و مقصوف، برخی
غلبرضا دکاوی فراکرلو، امیرکسر، ۱۳۵۹، ص ۱۵۹ و ۳۳۰،
براه سبب که حامی به سباد بعضی مدعیان، بعضی دارد اس
۲۳۸) و بر بعض «سند بی سند» (ص ۱۰۱)

به هر حال سجع میان مردم ایران سس می رفته است نظوری -
یوان کف اگر هم سمسیر ساه اسماعیل بود، تسع خود به جا
نقاطی از ایران را فرا می گرفت در آن عصر، صوفیه بر سر
کراس طرفدار حکومت و غاربان عبررسی تقسیم شده بود
(ص ۱۹) و حکومتیان و علما و مقصوف طرفدار دولت (ار حب
عبدالرحمن حامی) می کوسیدند سعبان و صوفیان سعی -
(نوربخسه) را بکوند ولی مبلغان سجع و بر دروسان -
سندمحمد نوربخس رسته مردمی داسند سدابوالحم
کر بلانی می کوسند نام دوارده امام را وارد خطبه جمعه کند
۱۲۹) و سندعلی واحدالعس (ص ۱۴۹) و بر سعی مفرط، بعد
حدری، از مرو حان سعه گری در آن زمان بودند (ص ۱۷۱)،
سروان فاسم نوربخس، «فدانی» لقب نافند (ص ۲۳)،
سعبان داع و بر سور پس از سابعه دروغس سدا سدن مد
حضرت علی (ع) در بلخ، غوغا کردند به حدی که حکو،
مجنور به دحالت و سرکوب گردید (ص ۱۹۰ و ۲۳۱)

سندمحمد نوربخس کسس و حادوی خود را حفظ کرده بود
می کفند به سوه مفع ماه مقصوعی ساحنه (ص ۱۹۳) و -
دغاوی خود بونه کرده است (ص ۱۹۲) حاسس وی، و
نوربخس را هم مسدع و مقسد می نامیدند (ص ۱۸)

حامی در این حرایات فعال بود و به عنوان یک اندیس
ساحسظر طرفدار نظام سموریان و مسفع از سوی آنان نایس
هر گونه اندسه مخالف طرفت سدامی کرد سموریان املاک
ار مالیات معاف داسند (ص ۱۶۱) و به بروت هنگفتی دست -
حناکه سبب هرا سکه در راه حج خرج کرد.

حامی با همه ازادمسی که از او انتظار می رود فسریرگر
حامی نموده فی الملل در صحاب/الاس از عوام مسر
نفسندی نام می برد در حالیکه اردکر سیح صفی الدس واولا،

مقامات حامی

مقامات حامی، عبدالواسع نظامی ناجرری، مقدمه و تصحیح و تعلقات
از رحمت مانل هروی، ستر بی، ۱۳۷۱

در باره زندگی و آثار صوفی مسهور نفسندی و ساغر معروف
عبدالرحمن حامی (موفی ۸۹۸ و) بوسه های فارسی فراوان از
قدم و حدید در دست است که از همه معروفتر کتاب علی اصغر
حلمت می ناسد ایحه در کتاب حاضر مهم است نکات بر و
دفعی است از اوصاف و احوال زمان حامی (فرون بهم هجری) به
فلم نکی از ساگرداس، که با فاصله ۱۱ سال سس از مرک اسباد
تألف کرده، و البته از ریک و بره رندکنامه مقصوفه و اسباب
کرامات بدسان و ایزاد بعضی خاص سبب به اسان حالی
سبب

در این کتاب، حامی در فافه یک غلامه بی نظیر و بر مدعا ظاهر
می گردد که به روز هوس سد خود سسرفت کرده و هیچ کس حق
اسبادی بر او نداسنه است (ص ۵۰-۶۳) و مهمبر اسکه بهادر
این کتاب حامی را از «مجددان رأس مانه» به شمار آورده اند (ص
۳۸) و بر عبت کوبی و امور حارق عادت بدو سسباند که مسلما او
از این افسانه ها بحاسی داسنه بلکه با طمع سوج و رندانه اس
اسکوبه دغاوی را مسخره می کرده است (برای مثال رک ص
۱۳۷)

اسکه حامی ادبی کامل عیار و بر محض در عرفان نظری
بوده، سکی سبب و اس را در عصر صفوی بر که با سنی کری
حامی بد بودند، قبول داسند و از حامی با لقب «ملا»، که در آن
زمان بار معنایی والانی داسنه و بر امثال دواپی و فوسجی و
صدرا المعالیس اطلاق می شده، ناد کرده اند اما تعجب از
کوبه سنی داسمندی حوون حامی است که در نفر ابوطالب بحر
و عداد می وررد و از آن سو به طرفداری محبی الدس اس غریبی،
اصرار بر انمان فرعون دارد (ص ۹۷)

با اسکه هراب در زمان سموریان فی الواقع یک مرکز هری و
علمی و ادبی با اهمیت است اما بعضات کور فرو و سطلانی بر
انجا محال ظهور و برور داسنه، حناکه حامی در دفاع از همس
منایی عرفان اس غریبی هم گاه دحار مسکل می شده و حنه

فهرست‌هایی برای «بحارالانوار»

المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۲، دو جلد، ۷۷۵+۷۷۶ ص، رحلی

بحارالانوار با قریب ۴۱ میلیون حرف در واقع به دریا، که اما بوسی بی تراه است که حوص و غور در آن از عهده هر کسی بر نمی آید، زیرا که جامع تقریباً تمامی فرهنگ اسلامی را ابتدا با روزگار مؤلف آن است اما استفاده از این کتاب عظیم به علت فقدان فهرس مناسب، ایان بوده است و جای خوشحالی است که «مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی» در قم همت به تهیه این فهرس کماسه و اولس آنها را که فهرس کلمات مندرج در احادیث است به سوه علمی فراهم آورده و تاکنون دو جلد از آنها را (از حرف هیره تا سمة حرف ح) به چاپ رسانده است

جلد اول این مجموعه ۱۰ جلدی حاوی مقدمه‌ای است در ۱۲۵ صفحه به عربی و ۱۰ صفحه به فارسی، که خود کتابی مستقل است حاوی تاریخ حدیث و محدثان بررک و «کتاب اریعه» و سرچ مختصر احوال ملا محمدباقر مجلسی و سر دستورالعملی برای انجام کارهایی بررک از این دست. امید می رود که فهرس موضوعی بحارالانوار هم تهیه و منتشر گردد علاوه بر این برای تهیه این فهرس می توانست با تلفن ۲۱۶۰۰ (قم) تماس بگیرند

ا ب

عبدالله و اولادس، شاه فاسم انوار، سندحدر املی، سندعلی همدانی و صائیل الدس علی ترکه .. خودداری ده است، حامی شخصاً جمال سند بوده (ص ۱۳۸) اما حمالی را از این باب دست انداخته (ص ۱۸۰) طاهراً از ریکه سرحمالی متسع بوده است. این است انعکاس مناسب در افکار و آثار مرد فاضل و آگاهی همجون حامی

در این کتاب واژه‌ها و تعبیرات اصل و سیوانی هست که سند سده فسارس (ص ۱۰۰)، ریلوچه (ص ۲۴۶)، ویکانه (ص ۱۶۲)، رسد (ص ۱۶۱)، سکسه ریخته (ص ۱)، حمتا، حمتا (ص ۷۲)، طریق ندلانی و خودمانی (ص ۱) تعبیر اخیر را در کتب متأخرس به صورت دروس ندلا

در کتاب بعضی غلطهای حانی به چشم می خورد مانند اسخوا (۱۷۷) که «اسخوا» صحیح است و بدری (ص ۲۳۴) که «ی» صحیح است

در توضیح «سم طریفان» نوشته اند «کروهی که در برده افت ستم می کرده اند» (ص ۳۶۸) این درست است، اما اسککه سده سده که «سم طریفان» گروه اجتماعی خاصی بوده اند که عصر سموری شهرت داشته اند، محل تأمل است

توفیق ناسر و مصحح را آرزو مندیم

علیرضا دکاوتی قراکولو

معارف

دوره نهم، شماره ۳

عنوان مقاله‌ها:

۱) يك منظومه فقهي قديم گمنام: «کتاب کفایت الاسلام»

نا مقدمه و تصحیح فراسیس ریسار

۲) اداب المتصوفة و حقائقها و اشاراتها

نوسه اومنصور اصفهانی / تصحیح نصرالله بورحوادی

۳) این بقطوبان از نظرگاه فلسفی

علیرضا دکاوتی قراکولو

۴) نتری همدانی

برویر ادکانی

۵) نوربخشیان

نوسه مولونی محمدسقیع / برحه سند محمدمهدی

کلمات دخیل مختوم به تاء مربوطه

احمد سمیعی (گیلانی)

صورت و معنی در واژگان فارسی - نشانه پایانی تاء/ة در عربی،
خان ر بری، دانشگاه شیکاگو، ۱۹۹۱

John R. Perry, *Form and Meaning in Persian Vocabulary: The Arabic Feminine Ending*, University of Chicago, 1991

موضوع این مقاله بررسی کنایی است که به سال ۱۹۹۱ در مجموعه مطالعات فارسی^۱ (شماره ۱۲) به نفع استعارات مرد^۲ حاب و منتشر شده است. محقق در این کتاب واژه‌های فرضی زبان فارسی (از جمله دری افغانی و ناحیکی) را که اصل آنها کلمات عربی محض به «ه» (تاء مربوطه) است و، در حاشیه آن، همس گویه واژه‌ها را در رباعی‌های ترکی (از جمله ترکی عثمانی و ترکی جدید ترکیه) و اردو/ هندی و مالایانی/ اندونزیایی و تاتاری و ارمنی، با اشاره‌هایی به سواحلی و موسایی، با استقصای تمام بررسی کرده است.

سکرة بروهس در مورد زبان فارسی عمدتاً از فرهنگ فارسی - انگلیسی کوخک حنم^۳، با حذف و اضافه مختصر احد شده است. افزوده‌ها از حنم دو جلدی^۴ و فرهنگ فارسی - آلمانی یونگر و بررگ علوی^۵ و فرهنگ فارسی - روسی منلر^۶ استخراج شده است. این سکرة مجموعاً ۱۴۵۲ واژه را («روح»ها، یعنی واژه‌های فرضی دارای صورتهای دوگانه *ati-eh* [ب/ه]، مثل مساعده/ مساعدت یا اشاره/ اشارت دو واژه حساب شده‌اند) در برمی‌گیرد که خود سبانه نسبتاً کاملی از این قبیل واژه‌ها را که سنجگویان تحصیلکرده به کار می‌برند و سبلیسیس به کار می‌برده‌اند ندید می‌آورد.

در این میان، ناره‌ای از لغات «سبیه فرضی» اند، یعنی صورت واژه‌های فرضی دارند ولی از اصل عربی نیستند بلکه معیاس از

ریسه عربی و سدرت غیرعربی ساخته شده‌اند و، به هر حال، هنب لفظی آنها بعین در واژگان عربی دیده نمی‌شود.^۷

از بیکره در زبان کتاب سبانه‌ای ارائه شده است که تصور جامعی از مواد بررسی شده به دست می‌دهد و، علاوه بر این، بویژه از این جنب نا اریس است که واژه‌ها در آن به گروه‌هایی اواران نسیم شده‌اند که حواص هر گروه، با ارجاعاتی که شماره‌های رمز (کد) متن داده شده، به آسانی معلوم می‌گردد. ضمناً مشخصات استنباطی بعضی از افلام (سبیه فرضی بودن) تحول صوری از کهن به نو) با علامت رمزی نشان داده شده است. در این سبانه ۸۱۰ واژه مختوم اند به *-eh* («ه») و ۶۴۲ واژه به «ب») که جمع آنها می‌شود همان ۱۴۵۲، که از این میان ۲۰ را، (۸۰ واژه) دارای صورت پایانی دوگانه *ati-eh* (ب/ه) اند. سبیه واژه‌های سبیه فرضی ۵۹ و سمار واژه‌هایی که صورت پایانی آنها گونه‌ای به گونه دیگر (از *-eh-ati*) در آمده ۲۰۲ است.

محقق در مدخل کتاب^۸ فهرست شماری از واژه‌نامه‌ها فرهنگها را که در این بررسی از آنها استفاده کرده به دست داد. علاوه بر آن، در صفحات پایانی^۹ از مآخذ خود فهرست حاء، عربیه داشته است. همچنین سبانی کامل منابع و مراجعی ر طرداً للبات از آنها بهره گرفته در اننای متن آورده است. مؤلف همچنین در ذکر سابقه تحقیق در موضوع بروهس امساك نموده^{۱۰} هر چند این سبانه، به فیا س با حجم و عمق کا حدان در حور توجه بوده است. حابحه محقق اشاره کرده، زبان در اختیار یکی از صورتهای دوگانه پایانی *ati-eh* (ب/ه) واژه‌های مورد بحث طبعاً به مقتضای سبم ربانی خود عمل کرده ولی بیس از او کسی در صدد بررسی جدی حید و حون کارکر سبم ربانی و استخراج انگیره‌ها و دلایل آن بر نیامده بوده است. فرسیدورد^{۱۱} (۱۹۶۹) به این قول اکتفا می‌کند که تاء

صفت صعب است) و «گر ايس» به *eh* - «ه» و تفوق آن را در اوران
تفعیه (تحریره، تسمیه) و مقابله (مداکره) خاطر نشان می‌سازد.
همچنین از صور دوگانه اراده/اراد و امیه/امب یاد
می‌کند.^۲ فیلوف به فرق معنایی گونه‌های دوگانه با ذکر شاهد، از
جمله صحت (= اعتبار و درستی) و صحه (= امضا و تأیید)، اساره
می‌کند ولی این دوگو یکی اوایی را با دوگوگی صرفاً نوشتاری در

حاشیه:

1) *Persian Studies Series*, Number 1^۳

2) Mazda Publishers

3) *Shorter Persian-English Dictionary* (1954)

4) *New Persian-English Dictionary* (1934, 1962)

۵) *Persisch-Deutsch Wörterbuch* (Junker and Bozorg Alawi 1965)

6) *Persidsko-russkii Slovar* (B. V. Miller 1960)

۷) از این گروه بدست‌آمده، سکوت، سرنه امیه/امب، سهره، اکتان،
مامب، رحولت، عواره، ابلاغه، احرايه، احلاسه، احضاره، احطاره،
اعلامه، ارسدب، اراسب، خالفب، عاملب، محدودب، مسموب، مسرلب،
موجودب، محررب، مظرب، مقصدب، موبق، مجرب، موفقب، ملعب،
ناکره، حامله، بیاه «انه» سوید هندی است و شاهد از مقوله وارده‌های مخوم به
ه/ب خارج است) روته، حفاظت دحالت، رسادت، رصابت، رفاقت، ساهب،
فراعت (در سناه سه فرعی فلهداد شده است)، فلاقت، فقاوت، فهاقت، هلاقت،
حقانه (از مقوله خارج است)، حراسه (ایضا)، ثراه (ایضا)، اسجاره، ححالت،
سافه *eh* سوید تسمیه است و از مقوله خارج است)، مرفه، خره، کسه (از مقوله
خارج است)

8) I Introduction (page 7)

9) pp 227-234

۱۰) فرسدورد، حسرو ۱۳۴۸/۱۹۶۹ عربی در فارسی، ج۱ دوم، تهران،

ص ۱۸۳

11) Rubincik, Iu. A. 1965. O xaraktere foneticeskix izmenii arabskix
zamstvovani v persidskom iazyke. *Semitskie iazyki. Materialy pervoi
konferencii po semitskim iazykam* Moscow 2/2 585-597

12) Bitner, Maximilian 1900. Der Einfluss des Arabischen und
Persischen auf das Türkische. Eine philologische Studie. *Sitzungs-
berichte der Kaiserlichen Akademie der Wissenschaften, philosophisch-
historische Classe* 142 3 Vienna, 47-8

Belgorodskii, N. A. 1936. *Sovremennaja persidskaja leksika*. Mos-
cow/Leningrad 61 and notes 2,5

۱۳) برای بحث کتاساحتی، نک

Windtühr, Gernot E. 1979. *Persian Grammar: History and State of its
Study*. Trends in Linguistics, State-of-the-Art Reports 12. The Hague:
Mouton 155-8

14) Koppe, Reinert, 1959-60. Statistik und Semantik der arabischen
Lehnwörter in der Sprache Aawis. *Wissenschaftliche Zeitschrift der
Humboldt-Universität zu Berlin* 9 585-619

15) Morinfar, Mohammad Djalal. 1970. *Le vocabulaire arabe dans le
livre des Rois de Ertanast*. Wiesbaden: Harrassowitz

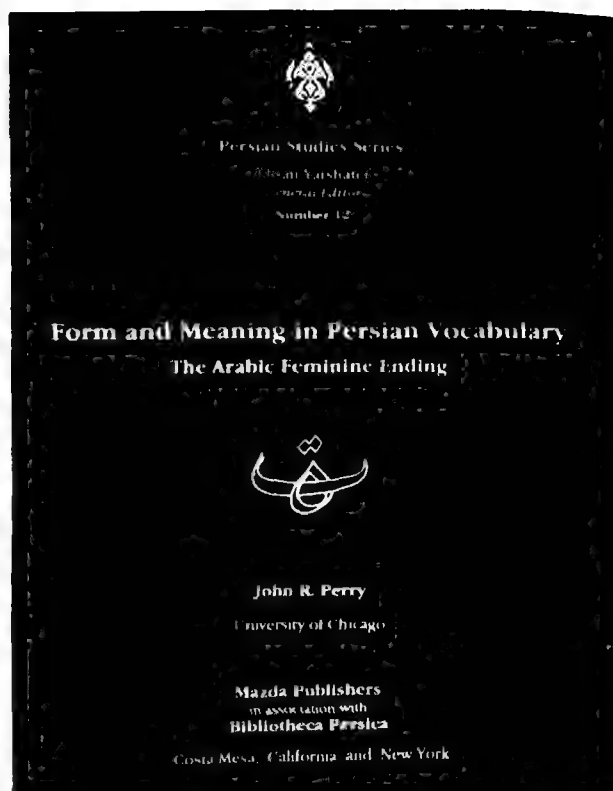
16) Utas, Bo. 1977. *A Persian Suft Poem: Vocabulary and
Feminology*. Scandinavian Institute of Asian Studies, Monograph
Series, No. 76. London and Malmö: Curzon Press

17) In Geiger, W., and E. Kuhn, ed. 1895-1901. *Grundriss der
iranischen Philologie*. 2 vols. Strassburg. Vol. I, Part 2, 12

18) *Persian-English Dictionary* (1892, 1957), 1484b

19) quality noun

20) Lambton, A. K. S. 1960. *Persian Grammar*. Cambridge: Universi-
ty Press 186



دری را، که در فارسی معمولاً *ti* تلفظ می‌شود، به «ب» (باء
محدوده) می‌نویسند. بوری روسحیک^{۱۱} (۱۹۶۵)، ایران‌سپاس
سوروی، در مقاله خود، راجع به تغییرات آوایی در واژه‌های
رُصی فارسی از عربی، از «تاء مربوطه» یاد می‌کند. در موارد
ندری از تحقیقات اروپائیان در ربابهای فارسی و ترکی، به
سورهای دوگانه *at-eh* - «ه/ب» و همچنین فرق معنایی آنها
سورا اساره شده است^{۱۲}

مطالعات آماری و معناساحتی حدی در زبان فارسی به همت
مرسان و بروهسگران ایرانی صورت گرفته ولی در هیچیک از آنها
به این گروه از واژه‌ها اساره شده است^{۱۳} راپرکونه
۶-۱۹۵۹^{۱۴} و معین‌فر (۱۹۷۰) و اوتاس (۱۹۷۷)^{۱۵} در
حذفیات خود به صورتهای رُصی مختوم به «تاء مربوطه» سر
بردند.

ساید ناول‌هوس (۱۸۹۵) نخستین محققى ناسد که به
سورتهای دوگانه *at-eh* - «ه/ب» این واژه‌های رُصی بوخه نموده
ست^{۱۶}. استنگاس (۱۸۹۲) نیز در مقدمه فرهنگ خود^{۱۷} درباره
این گونه واژه‌های رُصی فارسی از عربی می‌گوید که صورت
ربابی *eh* - «ه» در صفات مؤنث و اسمهای غیرمعنی می‌آید^{۱۸}.
لنس، نا فید احتیاط، «گرایس به *at* - «ب» را در اوران فعوله
احدومب، فعاله/فعاله (برائت، امامت)، فعالیه (کراهت) و به
طور کلی در اسمهای صفات^{۱۹} (مانند صعوبت که اسم برای

فصیح / فصیح (qimchu qimat) یا حقیق / حقیق (jehich jehat) حلق می‌کند.^{۲۱} بعضی از ترک‌سازان یا بدتر این نکته که احسار صورت‌های دوگانه *-at* و *-eh* در گویشها یا در ترکی عثمانی، از سویی، و در زبان فارسی، از سوی دیگر، همواره مطابقت ندارد، بیان داده‌اند که متوجه اصل مطلب هستند، هر چند به آن پرداخته و از آن گفتگو نکرده‌اند.^{۲۲}

در بررسی عالمانه محقق، دوگونگی صورتهای واژه‌های فرضی، هم در تحول تاریخی و هم در بیان ریشه‌آمیزی از جهات متعدد توجیه و تعلیل شده است. وی ابتدا این نکته را یادآور می‌سود که در فارسی میانه، از حدود سده پنجم میلادی، *'r* نایابی پس از مصوب حضور ندارد و این واضح در اس‌یافت به *ḍ* («د») بدل شده است (مثل *magōpat* - *mobaḍ*) و همچنین *'rt* نایابی به صورت *rd* در آمده است (مثل *ḥard* - *ḥart*) ولی در لغات دخیل فارسی این اندال روی داده است (مثل *لاب*، *ماب*، *سب*، *ترب*، *خرب*) بدین سان، در واژه‌های فارسی سره متناظر با واژه‌های فارسی میانه کلمه‌ای که به *at* ختم شده باشد نداریم اما، در میان واژه‌های دخیل، کلمات محسوم به «باء مر بوطه» (به صورت *-at*) در میان معاف ماندگان از تحول *'rt* یا *'rd* به *ḍ* دارای تسریع سامند این را بر اضافه می‌کند که به هنگام هجوم لغات عربی به *'at* نایابی فارسی میانه به *-eh* تبدیل شده بوده و صورتهای کلمات فرضی عربی از فارسی (دانی / دایج = دانه، نارخ = ناره) را برای این قول دلیل می‌آورد از سوی دیگر، مارا به دوگونگی تلفظ «باء مر بوطه» در عربی در دو حالت وصل و وقف (دوله الفرس، امین الدوله) و همچنین به این نکته که صورت بوساری عربی بر اثر قدم دستخوش تحول شده و مسیر «ه» - «ب» - «ه» را پیموده است توجیه می‌دهد.

با توجه به این حقایق، بنده شدن صورتهای دوگانه برای واژه‌های محسوم به «باء مر بوطه» طبیعی جلوه می‌کند، چون، از سویی، در عربی صورت بوساری «ب» در میان این کلمات وجود داشته و صورت گفاری *-at* در حالت وصل و *-ah* در حالت وقف وجود دارد و، از سوی دیگر، تحول *at* به *-eh* در فارسی، با توجه به حضور بنادس *-at* نایابی در واژه‌های فارسی سره، موافق است. آنچه می‌ماند بررسی هم‌زمانی و در زمانی (تاریخی) و جوه این دوگانگی و گروه‌بندی مواد و توضیح و بیان انگیزه‌ها و عوامل تعین کننده یکی از صورتهای دوگانه یا حضور هم‌زمان آنهاست. در گروه‌بندی مواد، محقق پس از هر حیرت به احکامی که درباره آنها جاری است نظر دارد و همچنین به جهات و عوامل و انگیزه‌ها و دلایلی که در تعیین صورت آنها دخیل اند بر این مبنا، محقق مواد بیکره را در گروههایی هر یک شامل یک یا چند وزن جای می‌دهد و عمدتاً با توجه به هویت دستوری مشترک و

مسابهت وزنی آنها احکام جاری درباره آنها را بیان می‌کند. بدین سان، گروهها بر سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند الف) صورت نایابی منحصر *-eh* (ب) یا صورت نایابی محصور *-at* (ج) مخموم به *-iyat* و گروههای دارای صورتهای نایابی *-at* - *-eh* و سببهای سامندی گوناگون

● دسته الف (یا صورت نایابی محصور *-eh*) مسمل بر سه گروه (مجموعاً شامل هفت وزن) به شرح زیر است.
(۱) *mef'aleh*، مانند محفظه، مسعله، ملحه (ملافه)، ملعنه (ملافه).

(۲) *fa'aleh*، مانند حمازه، رحاله، عراده، علامه، نظاره، سماطه (سه فرضی).

(۳) *maff'uleh*، مانند مجموعه، مقوله، محسمه، محوطه، محیله، مقدمه، ملحه، مسعمره

● دسته ب (یا صورت نایابی محصور *-at*) مسمل بر یک گروه (شامل دو وزن) *fa'ulat fo'ulat*، مانند آت، برود، سکوت (سه فرضی)، ضرورت، مؤت، سوت

● دسته ج (از جمله گروههای محسوم به *-iyat* و گروههای دارای صورتهای نایابی *-at* - *-eh* مسمل بر نازده گروه (هر یک شامل یک یا چند وزن) به شرح زیر:

[۱] *fa'lyat*، مانند اندب، اهلب، حسمب، صدب، عضوب، معب، هویب
fa'lyeh، مانند بلدی، دره، سحره، صحیه، عدلیه، نظره، سربه (سه فرضی)

fa'lyat-eh، مانند امه / امب (سه فرضی)، سهره / سهرت (سه فرضی)، عاریه / عارب، کله / کلیب

[۲] *fa'alyat*، مانند الوهت، تعامیت (سه فرضی)، خلاف / رحولیت (سه فرضی)، فعالیت، فدوسیت (سه فرضی) کراحت، یهودیت.

fa'alyeh، مانند انابه، علانیه، عواریه (سه فرضی) حلیدیه، چهیره؛ ورودیه.
fo'alyat-eh، مانند زحاحیه / زحاحیت.

[*af'aliveh*] مانند اطلاع (سه فرضی)، احرائه (سه فرضی)، احلاسه (سه فرضی)، احصانه، احصانه (سه فرضی)، احتطاره (سه فرضی)، اطفایه، اعلامه (سه فرضی) اتحادیه *afu'ālvch* تذکاره *tef'aliveh*

[*fa'lativat*] مانند حروب، جمهوریت، مانوب *af'aliva'* مانند ارسدب (سه فرضی)، افضلب، اولب، ترب، اولوب، اھمب

fa'kūmvat مانند اسباب، اتراب (سه فرضی)، حرات، رھاسب، سھوانب

fa'elivat مانند ادمب، خالقب (سه فرضی)، غاملب (سه فرضی)، مأمورب، محدوب (سه فرضی)، مسموب (سه فرضی)، مسروطب (سه فرضی)، موحودب (سه فرضی)، محرمب (سه فرضی)، مدرب، مطرب (سه فرضی)، معافب، مقذب (سه فرضی)، موبب (سه فرضی)، موفتب (سه فرضی)

maf'alivat مانند محرمب (سه فرضی)، مرکب، معوب، موفتب

[*maf'alat*] مانند محب، مدلب، مرحب، مساحب، مسافب، ملعب (سه فرضی).

maf'alch مانند مباحه، محله، مرحله، معاره، مقاله، مفره *maf'alat-ch* مانند مخافه/ محاف، مره/ مراب، مرله/ مرئب، ممه/ میعب

[*fa'elut*] عافب، عافب *fa'elch* مانند اته، جاده، حاسه، حامله (سه فرضی)، فائمه، و.ه. مادّه

[*mo'elut*] مقصیب، *mo'elch* مانند محرفه، مطفه، معجره، ممکه

[*fa'latat*] مانند سلطب، سحوح، سلطب، سموب *fa'elch* مانند بدره، حرره، فهمه، هندسه، نحوچه، فاروره، فلوله، عربله، احدونه، اعجونه، نغانه | خارج از متونه | طمانیه، فسعر بره

[*fa'dat*] مانند ادیب، بصیر، رعب، هریمب *fa'der* مانند ارنکه، بدیهه، بقه، بهمه، حدقه، هده *fa'dat-ch* مانند رویه/ روب (سه فرضی)، طریقه

[*fa'alat*] مانند اصالب، برائب، تراب، حفاظب (سه فرضی)

فرضی)، دحالب (سه فرضی)، رسادتب (سه فرضی)، رصائب (سه فرضی)، رفاقت (سه فرضی)، ساهب (سه فرضی)، فلاکت (سه فرضی)، فضاوب (سه فرضی)، فھاب (سه فرضی)، هلاکت (سه فرضی)

fa'alch مانند انا، براده، حقانہ | خارج از مقوله |، حرابه، حراسه (سه فرضی)، خلاصه، عمامه، فافه، کرانہ (سه فرضی)، بحالہ

fa'alat-ch مانا حماسه/ حماسب، حواله/ حوالب، حطانه/ حطاب، رساله/ رسالب، رناده/ رنابد، سراره/ سرارب، کفاره/ کفاب، مراره/ مرارب

[*ta'elut*] مانند حبب، ترب، سلتب، نقوب، نمسب، نولتب، نهسب *ta'elch* مانند نأده، نمه، نکه، تھه *ta'elut-ch* نغریه/ نغرب

[*mo'elut*] مانند مادرب، محاورب، مخالفب، مداوب، مراحمب، مسافرب، مساعب، مطاوعب، معاسرب، معارب، مهاحرب، مقاوب، ملاطفب، ممارسب، منافقب، مواطب، موافقب، مؤاسب، مهاحرب

mo'elch (بستر بحول نافه از صورت *at*)، مانند مباحه، متارکه، محادله، محاحه، محاطره، مداخله، مذاکره، مراجه، مرانده، مسامحه، مساهده، مصالحه، مطالعه، معالجه، معارله، مقاضیه، مقالله، مکانه، ملاحظه، مبارعه، موارنه

mo'elut-ch مانند محافظه/ محافظب، مراجه/ مراجمب، مراجه/ مراجمب، مساعده/ مساعدب، مسارکه/ مسارکب، مصاحنه/ مصاحب، مطافه/ مطافب

[*efalat*] مانند احاب، اصائب، اطاعب، اناب، اھاب *efalch* مانند احاره، اخاله، اداره، ارانہ، ارالہ، اساعه، اصافه، اعاده، افافه، افالہ، امالہ

efalat-ch مانند اراده/ ارادب، اساره/ اسارب، اعانہ/ اعانب، افاده/ افادب، افامه/ افامب

[*estefalat*] مانند اسحاب، استراحب، اسطاعب، اسعاب، اسقامب، اسمالب

estefalch مانند اسحاره (سه فرضی)، استجاره، استخاله، اسحاره، استساره، اسطاله، استعاره، استغانه، اسفاده

حاشیه

□ *ja'lat*, مانند آف، آلب، ایهن، احرب، الفت، أمب.

بدعب، برک، بیع، تهم، حبل، حب، خجلت (سہ
 فرضی)، حرک، حد، ساح، سم، صنف، عفت، مد.

fa'leh, مانند اصله، الهه، سره، بیه، توبه، حبه، بره، صفه.

عرسمه / عریخت

عده، غوطه، ففسه، نسیه، بیره، واحه، هاله، هه.

fa'lat'-ch, آیه / آیت، حبره / حبر، سهره / سهر،

طریقہ / طریقہ

صحہ / صحب، ضرہ / ضرب، ہوہ / هوہ، ہوہ / ہوہ، ہوہ / ہوہ، وصلہ / وصل

اصافه / اصاف

صورت‌های دوگانه زوچها حالات متعدد بدامی کنند. گاهی هر

دو صورت به يك معنى اند و تفاوت آنها سببى است يعنى يکى از

صورتها کہیں (ارکائیٹک) و مسوح و تصور دیگر ہوورندہ اسب

این حالت در مواردی دیده می شود که صورت مختوم به III- در

حطايه / حطام

تحويل تاریخی به صورت محتوم به ۱/۱۰۰ بدل گشته در عین آنکه

معنی لفظ حفظ سده است. این ندیده مخصوص در مورد

مصدرهای باب مفاعله سبوع دارد؛ مثل مسامح، مساهدت.

مضایف، معاشف، معاملت، مافسف که صورهای کهن و مرده

dalangha, alala, asul, asul, asul, asul, asul, asul

گاهی سزهر دو صورت در ریا رنده امروری با فرق معیایی

حدول روحها

مالایاں	اردو	تاتی	ترکی	دری	تاجیکی	ماوسی	مارسی کھی
ت	ت	-	ت	ت	ت	ت	ت
-	•	-	•	•	•	•	•
-	ت	-	ن	-	-	ن	ن
-	•	-	•	-	•	•	•
ن	ن	-	ن	ن	ن	ن	ت
ن	•	•	•	•	•	•	~
-	ن	-	ن	ن	-	ن	ن
~	•	-	•	•	~	•	ن
-	ن	-	ن	~	~	ن	ن
(ن)	(ن)	-	•	•	~	•	ن
•	•	-	(ن)	(ن)	-	ن	ن
•	ن	ن	ن	~	ن	•	ن
-	-	-	ن	-	-	ن	ن
-	-	-	•	-	-	•	•
ن	ن	-	ن	ن	ن	ن	ن
ن	ن	-	•	•	ن	ن	ن

شراره / شرارت

میچہ / میچیت

رسالة / رسالت

اداره / ادارت

اقامه / اقامى

مراجعة / مراجعت

مرادہ / مراد

حرکت / حرکت

عذۃ / عذت

عرصہ / عریضت

اصافه / اصاف

کتاب / کتاب

حطايه / حطام

آلہ کائنات

نوعه / تقریب

معادله / معادلت

مصارف / مصارف

اعماله/اعماله

مه/صت

آه/آیت

الموت

۹۹/۹۹

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۱/۰۵

 $\frac{1}{2} \frac{d}{dt} \left(\frac{1}{2} \frac{d}{dt} \right)$

وهنت صوری (مورفولوری) و گاه تنها هیئت صوری عربی است

در این بررسیها، علاوه بر سبب سامدها، میران ناروری و رایایی صورتها و طیف معیایی آنها در هر گروه ارائه شده است

در عین حال، محقق، ضمن بحث درباره خواص هر گروه به نکته‌هایی ظریف دست یافته که چند فهره از آنها را نمونه‌وار نقل می‌کیم.

□ در تعلیل وجود صورت دوگانه میمه / میمت و افامه / افامت می‌گویند که هر چند هر دو صورت از یک ریشه (حروف صامت اصلی) اند ولی در اصل عربی برار نظر لفظی و معیایی دو ساحتی شده‌اند مثلاً میمه از ساحت «نم» (سمت راست؛ خوب) و میمت از ساحت «یم» (سمت راست؛ فرحندگی) آمده است همچنین افامه از «فام» و «افام» از «فامه / فامت» مستعد شده است

□ صورتهای فالتی به همان هیئت اصلی خود باقی مانده‌اند، مثل الساعه، حفظ الصحه، فوق العاده، تذکره الاولیا، امین الله و حال آنکه، با ترو و آمدن از قالب، دارم ساحت، صحت، عادت، تذکره، ملک همچنین در القاب صورت اصلی گفتاری حفظ شده است، مانند آنه الله / ایب الله، نصره الدوله / نصر الدوله

□ در ترکیب عربی- فارسی بر صورت دوگانه دید، می‌سود؛ مانند خوش صورت، بی فایده، علاقه مند، دبییم، دیعلاقه

□ نامهای کسان و حایها هموماً به صورت *-eh* در می‌آید. حدیحه، فاطمه، نصره

□ در صفات متعلق به موضوعهای مؤنث و بیستر طغاب و اقسام اسامی دال بر اسوه و حماعت صورت *-eh* احتیار شده است، مانند رفاسه، خارجه، صغیفه، عاتمه؛ همچنین در جمعهای مکسر عمل، طلحه، ائمه، علوفه، صحابه، افاعه، فلاسفه، صحابه.

[۱] وقتی صورت محتوم به *-eh* از زبان ادبی وارد زبان رایج شد، فرق آن با واژه‌های اصیل محتوم به *-eh* (در فارسی میانه، *-ak/-ag*) از میان رفت با آنجا که گاهی فرضی مانندن بهان ماند، زیرا، به لحاظ قواعد تکواری- واحی (مورفوفونمیک)، این دو گروه حکم واحد پیدا کردند، لذا داریم. بیعلاقه / بیعلاقگی به فیاس مثلاً بچه / بچگی: تحارة ← تحارت / تحارتی، فهوه / فهوه‌ای.

□ به موارد دوگونگی در تلفظ، دوگونگی نوشتاری واژه‌های مورد بحث بر در فارسی سابقه دیرینه دارد. در ساهنامه هر دو صورت «ب» و «ه» دیده می‌سود که هر کدام دارای ارس عروزی

-	ت	(ت)	ت	ت	ت	ت	ت
-	•	•	-	-	•	•	(ت)
-	~	ت	ت	ت	ت	ت	ت
-	(ا)	-	•	-	-	•	•
-	ت	ت	ت	ت	ت	ت	(ت)
ت	ت	•	•	•	•	•	ت
ت	-	ت	(ت)	ت	•	-	ت
-	ت	-	•	•	•	•	ت
ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت
-	-	-	-	-	-	-	~
۲۳	۳۰	۱۳	۳۳۰	۲۹	۳۱	۲۳۰	۲۳۰
۴	۲۷	۱۹	۵۶	۲۰	۲۹	۵۸	۲۶

• هر یک از ردیفهای ۱ تا ۳ (شماره/شمارت، میمه/میمت، رساله/رسالت) دو واحد حساب شده است چون صورتهای دوگانه آنها در عربی، هر چند از یک ریشه (حروف صامت اصلی) اند، از نظر لفظی و معیایی دو شاخه شده‌اند مثلاً «میمه» از ساحت «یم» (سمت راست؛ خوب) و «میمت» از ساحت «یم» (سمت راست؛ فرحندگی) آمده است

وجود دارد؛ مانند مراجعه / مراجعت، مساعده / مساعدت، مناسحه / مضاحبت، اراده / ارادت، افاده / افادت، افامه / افامت، رسنه / رسالت، سهره / سهرت، نوبه (تب نوبه) / نوبت، وصله / وصلب

در مورد واژه‌های سه‌فرضی که در بالا به آنها اشاره شد، محقق تمایزهای سه‌گانه‌ای قایل می‌سود.

(۱) واژه‌هایی که صورت لفظی آنها به معیایی دیگر در عربی وجود دارد، مانند سکونت (در فارسی به معنی ساکن بودن و ساکن شدن؛ در عربی: سکونه به معنی ضعف و فقر) یا حوصله (در فارسی معاصر به معنی صبر و سکیبایی؛ در عربی به معنی چسبیدن) (۲) کلماتی که در وارگان عربی وجود ندارند ولی صورت لفظی آنها به فیاس اوزان عربی ساخته شده است، مانند شماغه (ساعت زنگ‌دار)، مأجود از «شماغه» ترکی به معنی هاهو یا از *sumet* روسی به معنی قیل و قال به‌ما کردن که یادآور «شمط» (= سحرگاه) عربی نیز هست؛ (۳) از لفظ فارسی به قس وزن عربی ساخته شده و ریشه عربی ندارد، مانند تراکت (از «تارک») یا بسیاری کلمات محتوم به *-ayt* مثل فهلویه (هلویات)، ایرانیت، زنیّت، دوئیّت، منیّت، خریّت که اکنون غالباً به‌شدن «-گری» به جای *-ayt* از صورت عربی خارج شده‌اند (برایگری، بهانگیری، مسیحیگری).

در حقیقت، آنچه در «شبه‌قرضی»ها عاریتی است گاه ریشه

سیاهه نایانی، آنها را با نسانه M مشخص ساخته است. سرانجام، محقق برای نسان دادن صورتهای هر واژه زبانهای فارسی کلاسیک، فارسی، تاجیکی، دری، ترکی، تاتاری اردو، مالایانی حدودلهای تطبیقی متعددی در اسر خود درج کرده است.

ناری، در کارِ بری، دست کم از نظر روس و الگوها و ساحر کلی تحقیق، نقص محسوسی مشاهده نمی شود و اگر در موارد مسامحه ای به جسم می خورد خندان جدی و در کل دی نسان نسبت^{۲۵} می توان گفت که هر تحقیق دیگری در این زمینه می تواند مواد نیکره و در نتیجه سواهد برای دعو یهای مطروحه افزایش دهد یا موارد تفصیلی وارد کند، به هر حال، کمتر احتما می رود بتواند از حارحوب و عماوین اصلی بروهس او فراتر ر،

خودید. در المعجم سمس فیس راری، *ai*- هجای بلند و *eh*- (های سان حرکت)، خواه در واژه اصیل خواه در واژه دحیل، هجای کوتاه به حساب آمده است در مورد بعضی از واژه های فرضی مدب سستا دراری لازم آمد تا یکی از دو صورت تنبیب سود و ساعران بی میل بودید که از این امر بهره برداری کند، حناحه مولانا دو صورت نحب و نحه را، به مقتضای وزن، بردیک به یکدیگر آورده است با معروفی بلخی حیل و حیل را^{۲۳}

از فواید حسی اس بررسی حاصل شدن صانطه و معیار ناره ای برای تسحیص کهنگی و تارگی ریان متون است. مثلا مضادر باب مفاعله که در زبان متون کهن به صورت *ai*- در آمده بعداً به صورت *eh*- تحول یافته است. محقق الفاطی را که با این تحول از صورتی به صورتی دیگر در آمده اند به صفت «مهاحر»^{۲۴} متصف و، در

طیف نگار معنایی تبدیل صورت تاء مربوطه

اسم صفت	اسم مصدر		مصدر مزه	اسم شی و حران		اسامی دواب		
	فعل	اسم		معنی	دات	شمار پذیر	شمار ناپذیر	
ت {ه}			•					سوئه/سویت
ت			•					معاغه/معاغت
ت		ت	•					عاطفه/عاطفت
	ت	ت	•	•				حیله/حیل
	ت	ت	•	•	•			کنایه/کنایت
	ت	ت	•	•	•			وقایه/قایت
	ت	ت	•	•	•			حطانه/حطالت
ت	ت	ت	•	•	•			مقاله/مقالت
		ت	•	•	•			موعظه/موعطت
		ت	•	•	•		•	صیغه/صیغت
		ت	•	•	•			حریمه/حریمت
		ت	•	•	•			مفسده/مفسدت
		ت	•	•	•			دیه/دیت
		ت	•	•	•			حاته/حاتمت
		ت	•	•	•			ردیله/ردیلت
				ت	ت	•	•	بقیه/بقیت
					ت	•	•	شیعه/شعنت
					ت	•	•	قدوه/قدورت
							ت	محلّه/محلّت
					[ه]		ت	جبهه/جهت

حاشیه

(۲۳) حادوکی بد کرد و حیل بر ما ندس بر ما برفت و حله روا

1. Gilbert 1964 *Les premiers poètes persans aš'ar-e eh-ye qadimtarin to'arū-ye fārsi-zaban* 2 vols Paris/Tehran 32)

rant

(۲۵) مثل بیارندن صورتهای دوگانه ای چون مسئله/ مسئلت که

معنایی ریده اند

Fritz Meier, *Bausteine. Ausgewählte Aufsätze zur Islamwissenschaft*. Stuttgart/ Istanbul, 1992. 2 vols. 1195p. + indices (166p)

فریتس مایر: پنج‌جاه سال تحقیق بی وقفه

سوران وکل‌راده

استاد فریتس مایر، حاورسئاس نامدار سوئسی، در سال گذشته هشتاد ساله شد. به همین مناسبت جمعی از دوستان و ساگرداس مراسمی در بررگداس او بر پا کردند و فرصتی نافید با بر محاور از پنجاه سال رندکی اندسمدانه و بر بار استاد مروری کسد در واقع بس از پنجاه سال اسب که فریتس مایر بی وقفه و مستمر آدر کار تحقیق و بدرسه. تألف در رمنه‌های مختلف علوم اسلامی اسب و اناری که در این رمنه بدید آورده اسب، منا و سر حسمه بحفصات دنگران و کسف نکاب تازه بوده اسب

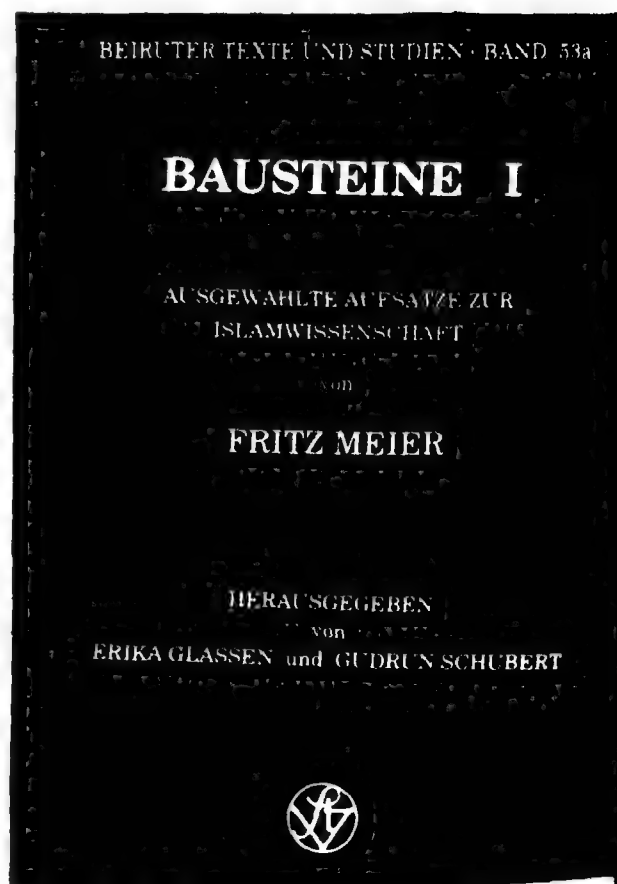
فریتس مایر از برکارترین داسمدان اروپایی در رسنه اسلام سئاسی اسب و به واسطه تحفصات عمیق و دهقی که انجام داده اسب در میان محافل حاورسئاسی جهان شهرت نام دارد. او عضو افتحاری حید مؤسسه بروهسی عمده اسب میل مؤسسه حاورسئاسی آلمان و اکادمی هاندلرک، و از حید دانشگاه دکترای افتحاری دریاف کرده اسب (بهران و فراسورک، که قدیمی ترین دانشگاه سوئس اسب) بس تحلیل از حسن کسی که خدمات عمده و ارزنده به بسرف علم کرده اسب حقی اسب به کردن همه دوستاران داس در واقع رندکی علمی فریتس مایر سرمسقی اسب سائسه برای همه کسانی که به کار بررحمت بحقی استعمال دارند برای انکه ادرس کار استاد و دامنه مطالعاس داسنه سود کافی اسب که نکاهی به فهرست انارس سداریم و مؤسسه حاورسئاسی آلمان کارمان را اسان کرده اسب زیرا که بحسی از مقاله‌های فریتس مایر را که فیلادر طی سالها در بسریات مختلف چاپ سده‌اند، کرد آورده و نکجا در دو مجلد فطور (۱۱۹۵ ص) مسسر نموده اسب ادرس این مجموعه مخصوصا در این اسب که اولاسحاب مقالات و حک و اصلاح آنها بربرطر خود مایر انجام گرفته اسب، و بایا جلد سوومی به صورت مجموعه حید فهرست بر دو مجلد من افروده سده اسب اما این مجموعه، حبانکه حواهم دد، فقط حاوی بحسی از بحفصات اوسب، حه در واقع فهرست انارس سساز مقفل اسب و صرف نظر از مجموعه حاضر شامل فرت ۱۲۰ مقاله و ۹ کتاب معتبر می سود از جمله کتابهای او که مستقما به اسلام و ایران مربوط می سود می توان از کتابهای زیر نام برد

(۱) حوهر تصوف اسلامی، بارل ۱۹۴۳.

(۲) رندکایی سسح انواسحاب کارروسی، ۱۹۴۸.

(۳) فواح الحمال و فواح الحلال بحم الدس کبری، و سسادن،

۱۹۵۷:





فریتس مایر

(۴) مهستی ریا، درآمدی بر تاریخ رباعیهای فارسی، ویرساده، ۱۹۶۳:

(۵) ابوسعید ابوالخیر حقیق و افسانه (اکنایرانیکا) ۱۹۶۷،

(۶) بهاء الدین ولد، (اکنایرانیکا)، ۱۹۸۹،

(۷) دورساله دربارهٔ یسیدیه (ریرحاب).

شاگردی چودی و همکاری با ریتز

فریتس مایر که در بارل سوئیس مولد شده، در دوران جوانی و تحصیل و پس از آن به غالب کشورهای جهان اسلام، از جمله ایران، ترکیه، لبنان و مصر، سفر کرده و مدت‌ها در استانبول در رودلف خودی (Rudolf Ischudi) و در مقام همکار هلموب ریتز در ساسانیات امار حطی مسری و من و طیفه‌بندی آنها و بهینه فهرست برای آنها، به سر برده است. اولین اثر مکتوب او ویر بعضی دیگر از آثار بعدی حاصل مطالعات او در کتابخانهٔ مسجد استانبول بوده است.

فریتس مایر از سالهای اقامت در استانبول و شاگردی در نزد رودلف خودی و همکاری با هلموب ریتز خاطرات حوسی دارد و در مرگ آن دو نادرست‌های عالمانه‌ای بوسه است که در حکم مرثیه است. رودلف خودی در ۱۱ اکتبر ۱۹۶۰ (مهر ۱۳۴۹) و هلموب ریتز در ۱۹ مه ۱۹۷۱ (خرداد ۱۳۵۰) درگذشتند. نادرست‌های مایر در ربای آن دو استاد بزرگ معروف شخصیت علمی و گسترده‌ی دامنهٔ دیدگاه‌های اسانی و معنوی اوست.

مایر دربارهٔ رودلف خودی بوسه است. سمانی معنوی او به وضوح متأثر از دو شخصیت سری سانس یعنی کنورک یاکوب و سی اح بکر بود که برد ایسان شاگردی کرده بود. خودی ربایهای فارسی و عربی را برد آدام میرا گرفت، در ۱۹۱۰ با کنورک یاکوب اسنا شد و رسالهٔ دکترای خود را که ترجمهٔ آصفنامهٔ لطفی یاسا از ترکی است، برد یاکوب گذراند. یاکوب که از اسادان مسلم دوران باسان و فرهنگ کهن عرب بود، خودی را به راهی هدایت کرد که سرانجام سب یابی به حقایق علمی بزرگ بود، در واقع یاکوب سب اسانی خودی با ترکها و در او پس گردید. مقاله‌ها و تحقیقات خودی دربارهٔ بکتاسها و ولایت نامهٔ هاسم سلطان در همین دوره نگارش یافته است. خودی در آن ایام سفری به ترکیه کرد و در مارگست تعداد قابل توجهی از سحنه‌های حطی نفیس فارسی و عربی را با خود به سوئیس برد. این سحنه‌ها منبع اولیهٔ مجموعهٔ ترجمه‌ها و بعضی سده که خودی در طول عمر خود گرد آورد و در زمان عمر به دانشگاه بازل هدیه کرد.

یاکوب از فرهنگ کلاسیک انتقاد می‌کرد و معتقد بود که به گناه، يك بُعدی، از فرهنگ به بار، بحسن، مر کند. اما خودی، با

آنکه می‌داند که این امر دور از واقع نیست، آن را نمی‌پذیرد. خودی پس از آن با بکر اسنا شد و بعدها حایس را در داس هامبورگ گرفت. بکر يك تاریخ دان بود و می‌گفت تأثیر دو قدیم بر فرهنگ اسلامی ادامه دارد و حال آنکه باید يك ته عمیق رنسانس مانند در فرهنگ اسلامی روی دهد.

اسنایی با بکر موجب شد که مایر از تحقیق دربارهٔ دراود تاریخ روی بیاورد و به تحقیق دربارهٔ اسلام بردارد، و بهترین آموخته‌ها را در مورد ترکیه در مکتب یاکوب دیده بود. بررسی تاریخ ترکهای عثمانی برداخت و نظرات تازه‌ای کرد. روس تحقیق او در تاریخ مستی بر تفکر بود و معتقد، محقق باید با مسائل ارتباط معنوی برقرار کند تا به معرفت برسد. او به فلسفهٔ تاریخ توجهی نداشت بلکه معتقد به درک نفس سروه‌ها بود. خودی هر اندازه که در سخنوری حیره‌ده در نوشتن کند بود. سخنرانیهای هیجان انگیز و زنده و بر بود.

چودی داسمندی گوسه گیر بود اما هرگز دچار خزن نه در قضاوت بسیار خوددار بود و دیر رأی صادر می‌کرد. ب جنبه‌های خوب و مثبت اسانها می‌اندیشید و همیشه آمادهٔ دیگران بود. او کاملاً عاری از جاه طلبی بود و با وجود گوسه برای دفاع از مظلومان همیشه و در همه‌جا آماده بود. او توانست به بینبرد علم خدمت کرد و چند سمینار و کتابخانه آورد. خانه‌ها، نیز محفل، ساگردان و علاقه‌مندان بود.

فریتس مایر درباره هلموب ریتز - که در ۱۹۷۱ درگذشت -
حس نوشته است: هلموب ریزر، استاد سرّی سیاسی در دانشگاه
فرانکفورت، از خانواده‌ای روس‌فکر بود. تنی حدّی از احداث‌ها و
- سندان بنام آلمان بوده‌اند و چند تن از ناکان، بدربرگها و
بردراس کسپس بودند. برادر بزرگس، گرهارد ریزر، مورخی
- مدراس.

هلموب ریتز در ۲۷ فوریه ۱۸۹۲ متولد شد. پس از تحصیلات
مدرّسی در کاسل، در دانشگاه هاله در نزد خاورشناسان بزرگی
حاصل بولدکه، لیلمان، لندائر و فرانک به تحصیل پرداخت. در
۱۹۱۳ در سمینار تاریخ مسرّی رمس در دانشگاه هامبورگ نام
گرفت و در ۱۹۱۴ به دانشگاه بُن رفت. در این میان سفری به
استانبول کرد و به بین‌النهرین و فلسطین سفر کرد. رساله
- براسس با عنوان راهنمای علوم بازرگانی اعراب در سال ۱۹۱۷
منتشر گردید، در ۱۹۱۹ استاد سرّی سیاسی دانشگاه هامبورگ
شد و از ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸ استاد زبانهای فارسی و عربی در
دانشگاه استانبول بود. در ۱۹۴۹ به آلمان بازگشت و به تدریس در
دانشگاه فرانکفورت پرداخت. در ۱۹۵۶ از طرف یونسکو به
استانبول رفت تا به تهیه فهرست نسخه‌های خطی فارسی آنجا
بپردازد. او در آنجا با هربرت دودا و احمد آتس آسا و همکاران
در همان احوال در دانشگاه استانبول به تدریس پرداخت. در
۱۹۶۹ به سبب بیماری به آلمان بازگشت و دو سال بعد درگذشت.
هلموب ریزر داسمندی مروهده و برکار بود. فهرست
تائلفاس بسیار طولانی است. از او ۲۴ جلد کتاب، ۶۳ مقاله و
تعدادی بسیاری نوشته‌های دیگر در لغتنامه‌ها و دایره‌المعارفها و
مجموعه‌های نقد ادبی برجا مانده است که اساره‌ای گذرا بر آنها
مربوط دارد. او در ۱۹۲۳ در کنار دیگر آثارش مقاله‌ای درباره
مختصر محمد (ص) منتشر کرد و در ۱۹۲۴ تحقیقی درباره «از
پایان رفین خلافت»، در ۱۹۲۳ بخشهایی از نسخ خطی عربی و
فارسی کیمای سعادت را با شرح احوال امام محمد غزالی اسرار
داد اما یکی از کارهای بی‌ظن او که خود یک ساهکار به حساب
می‌آید «معرفی زبان تصویری نظامی» است که درک عمیق ریتز را
از شعر فارسی نشان می‌دهد و در عین حال بیاگر اسادی بی‌ظن
در بحسب افکار هنرمند از دید خود هنرمند است. ادرس این
نسخه مخصوصاً در این است که ریتز آن را در دوران بدبختی
نویسه است.

میراث علمی ریتز از عینی‌ترین و عجیب‌ترین گنجینه‌هایی
است که تاریخ خاورشناسی به خود دیده است و دامنه آن زبانهای
عربی، فارسی، ترکی، کردی و ارمنی را دربرمی‌گیرد و از لحاظ
موضوعی نیز بسیار وسیع و بردامه است. ملل. دستور زبانهای
عربی، هنر سخنوری، تاریخ، تاریخ اقتصاد، تاریخ علوم طبیعی،

فون، کیمناگری، تاریخ ادبیات، خط‌شناسی، فلسفه، دین،
تصوف، مردم‌شناسی، شعر، تئاتر، موسیقی و البته در سطح
بسیار بالا از لحاظ دفع در بروهنس، علی‌الحصول که بر
زبانهای یونانی و روسی نیز مسلط بوده است.

عمده‌ترین قسمت کارهای هلموب ریتز به علمای عرب و
ایرانی و تاریخ ادبیات ایران مربوط می‌شود و با اسرار تحقیقات
خود - بر مبنای نسخ خطی - خدمت بزرگی به عالم خاورشناسی
کرده است. ریزر داسمندی گوسه‌گر و محقق سفته
سرزمینهای دور بود. خود را یک واقع‌نگر می‌سپرد، به بحث معتقد
بود و بر مشاهدات خود اعتماد می‌کرد. از ابرار نظر درباره
مسائل بزرگی چون اسلام و ظهور آن - خودداری می‌کرد و تحقیق و
تأکید بر یک مورد خاص را بر حیح می‌داد و یک نگاری را بهر س و
تنها راه تحقیق در رسته مورد علاقه خود - علوم انسانی -
می‌دانست. ادر اسحا این نکته را بهر اسام که خود فریس‌ما بهر هم
از این لحاظ با حدودی مانند اساد و همکار خود بوده است. ریتز
به تنهایی و با سخاقت به سحت برین کارهای تحقیقی دست
می‌زد و برای مشکل برین گره‌های علمی رادحل می‌یافت، و به
همین دلیل در میان دوسناس به نام «عبار» معروف بود و این نام به
او می‌آمد. همجون عباران قدیم، نسخه‌های قدیمی را کشف
می‌کرد، از آنها فیلم می‌گرفت، آنها را اسسناح می‌کرد و بصحیح
می‌مود، و با برای استفاده به دیگران وامی‌گذاشت. به ملامت
دیگران وقتی نمی‌بهاد و آنچه را که وظیفه خود می‌دانست انجام
می‌داد او به راسی عبار بود.

نمونه‌ای از آثار مایر

فریس‌ما بهر سالان دراز در سروب - که در آن زمان سهری آبادان
و برروبی بود و عروس مسرّی رمس و ناریس اسنا به شمار
می‌رفت - به تحقیق و مطالعه پرداخته است. مؤسسه خاورشناسی
آلمان که برای برگذاست اساد مایر اقدام به تجدید حیات برحی
از نوشته‌های او کرده است، در این مجموعه فقط آن دسته از
مقالات را فراهم آورده است که حاصل تحقیقات فریتس‌ما بهر در
سروب بوده است.

صرف نظر از فهرست مندرجات و شرح مختصر احوال و آثار
فریس‌ما بهر که در صفحه‌های به تا سبب و سس حیات سده است،
مجموعه دارای نسخ بحس محراس

- ۱) درباره رودلف خودی و هلموب ریتز مأسوف علیهما (۳) تا
- ۱۹):
- ۲) تصوف (۲۳ تا ۴۹۳).
- ۳) ملل و محل [= امروزه. مردم‌شناسی] (۴۹۷ تا ۶۳۱):
- ۴) ادیان و فرقه‌ها (۶۳۵ تا ۹۶۸).

(۵) ریان و ادبیات (۹۷۱ تا ۱۱۹۵).

ار آنجا که گفت و گوی مفصل از محتوای مقاله‌ها مقدور و مسر نیست، در اینجا فقط به ترجمه عنوان آنها و تاریخ و محل چاپ آنها اکتفا می‌سود تا به مقصدی «مُسَبَّح نمونۀ خروار»، بحسی از عظمت کار آن بروهنده بر کار بزرگوار داشته‌سود:
- دراویس، یك آرمایش عسی (سماع)، مطالعات آسیایی، ۱۹۵۴.

- رساله‌ای در واحبات و آداب سلوك صوفیه، محلۀ ایتالیایی مطالعات سرفی، ۱۹۵۷.
- بصوف و سقوط فرهنگی، کلاسیسم و سقوط فرهنگی، ۱۹۶۰.

- حراسان و ناان دورۀ بصوف مقدم، ایران در قرون میانه (به ایتالیایی)، ۱۹۷۱:
- درباره احوال احمد حام و منابع تصحاح الانس حامی، ZDMG، ۱۹۴۳.

- انار مکتوب غریب سبھی، W/AM، ۱۹۵۳.
- تربت السلوك فیسری، اریس، ۱۹۶۳ (من عربی همراه با تعلیقات و مقدمه به آلمانی).
- یك کتاب خطی مهم درباره صوفیه، اریس، ۱۹۶۷.
- مکانۀ سرف الدس بلخی با محدالدس بغدادی، ناموارۀ هابری کرس، ۱۹۷۷ (همراه من فارسی نامۀ بلخی و ناسح بغدادی به ان).
- تسماده، فرقه‌ای از قادریه دمشق، بوسه‌ها و تصنیفات بیروبی، ۱۹۷۹.
- کنایی از طاهر الصدقی درباره عللای مغرب عربی که مفقود سده است، اسلام، ۱۹۸۴.
- موفی الحاصی، بوسیده‌ای ناساحه، اسلام، ۱۹۸۹.

- سه من جدید درباره «مناظره» و «رحر» در فارسی، ZDMG، ۱۹۶۴ (همراه با چند من فارسی به سیر و سر).
- قوم سمنه بوس (دوالبانان)، ناموارۀ ویلهلم ائلس، ۱۹۶۷.
- منابع و اسناد سرفی در رمنه «فقط یك بار بیس» [حن].
- مجموعه اسلام سیاسی در بررگداسب ازمان ایل، ۱۹۷۴.
- یك «دعا»ی عربی، در مورد حن در سورۀ همداد دوم، مطالعات آسیایی، ۱۹۸۱.

- درباره نام بریدنها، ناموارۀ رودلف جودی، ۱۹۵۴.
- حدب بامیر (ص) در بهی مرینه حوایی، اسلام، ۱۹۷۳.
- تاریخچۀ سحرانی امو عظه ابر مسر، تصنیفات درباره تاریخ و فرهنگ اسنای میانه، در بررگداسب بر تولد اسولر، ۱۹۸۱.
- ناب بر یه سحر، درباره مقدم، قطعه‌ای از ان سمنه، که لده

(عصر)، ۱۹۸۱ (معرفی رسالۀ مراتب الاراده).

- المرادون و مربوط [مُراطون] [از مکه تا مغرب]، حنی اسلام، ۱۹۸۳:

- نعت محمد (ص) به روایت سیوطی، اسلام، ۱۹۸۵.
- صلوات بر محمد (ص) در بیمار و بیایس، ZDMG، ۱۹۸۶.
- تقدم اعتقاد به خوب اندسیدن بر راستگویی در میان مسلمانان، اریس، ۱۹۹۰.

- حوسامی، ذکر خیر و عیب در میان مسلمانان و مسیحیان نادامۀ الساندرو بوزانی، ۱۹۹۱.
- درباره وظایف مسلمانان در سرزمینهای غیر اسلامی و لره مهاجر، اسلام، ۱۹۹۱:

- دوداسان آموزشی اسلامی از تولستوی، مطالعات آسیای ۱۹۵۸:

- حد نمونه از القانات سیاطین در تاریخ اسلام، حوای حوامع اسایی، ۱۹۶۶.

- نظامی گنجۀای و اسطوره حروس، کنگرۀ نظامی افسانه‌های ایرانی در ایتالیا، ۱۹۷۷.

- تلفظ کلمات و صداهای قدیمی در فارسی امروز و مس مربوط به ان، اریس، ۱۹۸۱.

- دومس «رهانی کاردانوس» [داسمند لاتن، ۱۵۰۱ تا ۱۶ که درباره اسلام و رنانهای سامی تحقیق کرده است]، مطالعات بررگداسب فرانچسکو گابری یلی، ۱۹۸۴:

- سر آغار رنان سیاسی در رنان عربی، نادامۀ هاس-ره رسگر، ۱۹۹۱.

فهرستها

حسانکه گفته سد اس مجموعه عظم و نفس دارای جلد است در ۱۶۶ صفحه که شامل فهرستهای مختلف اسد فهرستها که ناسران مجموعه فراهم آورده اند بر ار کارآمدی مجموعه می افراید برای مرید اطلاع عنوان آر می سود.

- اسامی خاص کسان و مؤلفانی که در من یا حاسنۀ نامسان ذکر سده است.

- اسامی جغرافیایی.

- کلمات و مفاهیم.

- سوره‌ها و آیات قرآن.

- اسامی مؤلفان، کتابها و نامهای خاص مندرج در حد

و ادبیات:

- اصطلاحات و مفاهیم بحث «زبان و ادبیات»

چند کتاب چاپ خارج

روایت تصویری بخارا و سمرقند

Samarkand, introd. by Sabir Kurbanov, London, Garnet, 1992, 192p

Bukhara, introd. by Dmitry Arapov, London, Garnet, 1992, 208p

انتشارات گارنِت انگلستان که در حاکم کتبهای علمی و تحفمی
مصور تخصص دارد، اخیراً دو کتاب نفیس دربارهٔ دو شهر عمدهٔ
ماوراءالنهر منتشر کرده است: سمرقند و بخارا

○ سمرقند از قدیمی‌ترین شهرهای منطقه است و در قرن
سوم و نه قوی در قرن هفتم بیس از میلاد مسکون و آبادان بوده
است و از آن‌س دوره‌های اوج و حضض بیانی بر آن گذشته
است گاه کابون هر و گاهوارهٔ تمدن و مرکز دولت و حکومت بوده
است و گاه در زیر شُم ستوران طواف ترک‌تارارک و تاتار و فریر
و معول لگدکوب سده است اس شهر در ورورگار بیمورلنگ تبدیل
به بایتح سد و به نهایت عظمت و رفی رسید و از آن‌س به
صورت یکی از مراکز فرهنگ اسلامی درآمد و انواع هررها
علی‌الحصوص مسیاتور و معماری در آنجا به اوج خود رسید، اما
س از رحنهٔ روسهای تراری به ماوراءالنهر اندک‌اندک اهمیت
خود را اردست داد و حوون کمویستها در روسیه قدرت یافتند و بر
سمرقند دست انداختند غالب آثار اسلامی آنجا را ویران کردند و
یا تعبیرسکل دادند، که اکنون فقط تصویرهایسان بر جا مانده
است

کتابی که با مقدمهٔ صابر فریاف حاکم سده است مجموعه‌ای
است از عکسهایی که در فاصلهٔ سالهای ۱۸۷۱ تا ۱۸۹۰ (۱۲۸۸)
تا ۱۳۰۹ هـ.ق = چهار سال بینش از قتل ناصرالدین شاه گرفته
سده است و اصل آنها در بایگانی احمن سرفی دانشگاه مسکو و

تحقیقات ایرانی در چین

Ye Yiliang (ed.), *Collection of Papers on Iranian Studies in China*, Peking, Peking University Press, 1993, 101p

برو هس دربارهٔ ایران و آثار فرهنگ ایرانی در حیس، در سالهای
احر روی گرفته است. ایحاد کرسی زبان و ادبیات فارسی در
دسگاه بکن و حد مرکز دانشگاهی دیگر، همکاری داسگاه
تهران با داسگاه بکن، رف و آمد استادان ایرانی و حینی به دو
گسور، برگراری حلساب سخترانی و بحث، تسکیل سمینارهای
علمی و انتشار ترجمهٔ حینی آثار فرهنگی ایرانی موجب تنوع و
گسترش این برو هسها سده است و کتاب حاضر - که به لطف آقای
اکتر مطفر بحتیار، استاد اعرامی دانشگاه تهران به بکن، برای
هر درس داسگاهی فرستاده سده است - نمونهٔ آن است.

سافه حضور ایرانان در حیس به زمانهای بس قدیم می‌رسد و
احضاص به منطقه‌ای خاص ندارد، حناکه حیس داسن در مقاله‌ای
ان انگلیسی به بررسی استقرار اولین دسته از ایرانیان
سلطان در فزون اول و دوم هجری در سواحل حویبی حیس
داحه است. مطالب دیگر کتاب عبارتند از:

یک قطعه به ربان ختنی که در مورهٔ لوسون یافت می‌سود؛
العه تطبیقی ررتشتی‌گری، یهودیت و مسیحیت ایرانی، بررسی
مالی سفالگری ایرانی در عهد سلسلهٔ یان‌رو و تأثیر آن در

مقام نایب السلطنه در آنجا گماست هرات ار آن س تا اوایل عهد فاجار حراء حاك ایران بود.

از دوره سلطنت ساه اسماعیل و فریدس ساه طهماسب در کتاب عمده بر حای مانده است که آنها را دو تن از مورخان همعصر آنان نوشته اند یعنی که "ساهد عینی" فضایا بوده اند یکی میرخواند معروف که کتاب حبیب السیر را نوشته است و دیگری فرید او، امیر محمود خواند امیر صاحب تاریخ ساه اسماعیل اول و ساه طهماسب، که در سالهای اخیر دوباره به حاکم رسیده است: يك نار به نام ایران در ورورگار ساه اسماعیل، ساه طهماسب صفوی، به کوسس علامرضا طباطبایی (تهران ۱۳۷۰) و بار دیگر با عنوان تاریخ ساه اسماعیل اول، ساه طهماسب، به کوسس دکتر محمدعلی جراحی (تهران، سر گستره، ۱۳۷۰، چهل و پنج + ۳۰۱ ص)، که هیچ يك مورد استناد مؤلف فرار نگرفته است.

از این کتاب که تا حدی بیس ناساخته و گمنام بوده، نسخه های خطی متعدد، از جمله چهار نسخه در کتابخانه های انگلستان و خود دارد. کتاب به وسیله نویسنده ای که در يك خانواده مورخ و اهل فلم و ادب متولد و بزرگ شده، به نگارش درآمده است، و این یکی از امتیازهای مهم آن است. اما امتیاز مهم تر این است که مؤلف ساهد عینی وقایع بوده است و تألیف مسند، مساهدات خود اوست. اهمیت دیگر کتاب در این است که مؤلف فارغ از مساعیل دیوانی بوده و هر چند که کتاب را به سفارش امیر هرات نوشته اما آرادی عمل خود را حفظ کرده و آرمداحی خاص فلمزبان درباری بوده اقرار حسته است این کتاب صرف نظر از بررسی که برای بررسی دوره سلطنت ساه اسماعیل و نیمه آر دوره سلطنت ساه طهماسب دارد حاوی اطلاعات بسیار دقیق و بیس درباره زندگی اجتماعی و اداری در هرات است. خود نمونه ای از زندگی کل جامعه بوده است. نا توجه به همه اهمیت، ماریارونه برای «بررسی مسائل مربوط به تاریخ ساه و اجتماعی هرات در نیمه اول قرن شانزدهم» نسخه های مخد این کتاب را گرد آورده و ضمن تهیه يك متن انتقادی منقح، از مباحث تحقیق خود درباره اوضاع سیاسی، اجتماعی و اداری هرات در آن دوره معین فرار داده است.

کتاب در حیر تیموریان، اریکها و صفویه که در اصل به دکترای مؤلف ریر نظر استاد ران اوئن بوده است، تحقیقی دو مستند و رهگسا و بسیار آموزنده است و می تواند راهنمای برای سهرهای دیگر ایران و مسر و زمین در زمانهای مح باشد.

چند بایگانی عکاسی در سن تررورگ فرار دارد. این عکسها صرف نظر از آنکه از اولین نمونه های سهر عکاسی به شمار می روند اطلاعات دیقیمی درباره ماوراءالنهر در يك قرن بیس به دست می دهند و ساه می دهند که حضور "رفعا" در آن سرزمین چه آثار ویرانگری داشته است.

○ بخارا نیز از سهرهای بسیار قدیمی منطقه است که در اصل کابون این بودایی بوده و در سال ۷۰۹ م / ۹۱ هـ.ق به اسلام گروید و به صورت یکی از مراکز مهم علمی و دینی درآمد و به بایتحت سامانیان تبدیل شد هجوم جنگر حاکم ناعب و برای آنجا گردید و مدتها از نام و شان افتاد ارس سرخ در سال ۱۹۲۰ (۱۲۹۹ هـ.س) آنجا را گرفت و حظه بخارا را به حد استان و جمهوری بفسم کرد.

نصو برهای کتاب بخارا در سال ۱۸۹۰ گرفته شده و اصل آنها در مسکو و سن تررورگ محفوظ است. در زمانی که این عکسها برداشته می شده است مردم منطقه به رور روسهای تراری حادرسی را رها کرده و یکحانشین شده بودند و اقوام مختلف تاحک، هندو، یهود و برک در کنار هم می رستند.

هرات از تیموریان تا صفویان

Maria Szuppe, *Entre Timourides, Uzbeks et Safavides*, Paris, APADFI (diff. Peeters Press, Leuven), 1992, 180p

ماریا ژوپه، در حیر تیموریان، اریکها و صفویه، پاریس، انتشارات استودیو بالریکا، دفتر ۱۲ (بورج بترربرس، لوون)، ۱۹۹۲، ۱۸۰ ص

سهر هرات از مهم ترین سهرهای حراسان بزرگ، همواره در طول تاریخ مورد توجه فابل سرامون و کسورگسایان گوناگون بوده است. اما از اوایل عهد سموریان به سب فرار گرفتن بر سراه ایران به ترکستان و حن و بر دیکی به مسهد از يك طرف و کابل از طرف دیگر و داسس هوای مناسب، آب فراوان و چراگاههای مرغوب اهمیت و اعتبار خاص پیدا کرد و به صورت بایتحت دوم تیموریان درآمد.

ضعیف شدن سموریان و فوب گرفتن اریکان در هیچ جا به اندازه هرات اری نگداشته است اریکها مدتها این سهر را در تصرف داشتند و از آنجا همچون بایگاهی برای دست اندازی به قسمتهای شرقی ایران و علی الخصوص مسهد استفاده می کردند. ساه اسماعیل صفوی بیس از آنکه قدرت را در دست گرفت، هرات را هم از تصرف اریکها درآورد و فرید خود را در

قهوه در خاورمیانه

Helène Desmet-Grégoire (sous la direction de) *Contributions au thème du et des cafés dans les sociétés du Proche-Orient*, Paris, Institut de Recherches et d'Études sur le Monde arabe et musulman (CNRS), 1991, 112 p.

مقدمه - گره‌گوار (زیر نظر) تحقیقاتی درباره قهوه و قهوه‌خانه در خاورمیانه، پاریس، انجمن پژوهش‌ها و بررسی‌های مربوط به جهان عرب و مسلمانان، ۱۹۹۱، ۱۱۲ ص، رحلی

بخش پژوهش‌ها و بررسی‌های مربوط به جهان عرب و مسلمانان به "مرکز ملی تحقیقات علمی" فرانسه، اولس دفتر خود را به تحقیق درباره یکی از موضوعات اجتماعی مهم حوامع مسلمان خاورمیانه و برر این در فزون بسین اختصاص داده است. مصروف «قهوه» است

قهوه (qahwa) یک لعب عربی است که از راه ریان اسلانی به نهایی اروپایی رسیده و مصروف آن، مراسم مربوط به تهیه و نوشیدن آن و محلهایی که قهوه در آنجاها مصروف می‌شد فصل جدیدی در تمدن فزون جدید و معاصر اروپا گشوده است. مصروف قهوه در کشورهای مسلمان و خاصه در خاورمیانه سر سابقه قدیم دارد، اما اوج رونق آن، همچون در اروپا، به اوایل فزون جدید یعنی دوران حکومت صفویان و خلفای عثمانی می‌رسد ولی به سبب تحقیق مفصل و همه‌جانبه‌ای درباره آن امر، که مدینه‌ای در باب رفتار اجتماعی همه‌گیر بوده، انجام نگرفته است اکنون کتاب حاضر که از چهار مقاله تشکیل شده است می‌توان به یک دید کلی اما روست درباره آن نوسیدی مُسکّن، که مصروف زیاده آن در عین حال ریان آور است، دست یافت

مقاله نخست تحقیقی است درباره سابقه قهوه در برکه و حیوانی حاسس شدن آن به وسیله حای و سرانجام مفاسد مربوط به حای دم کردن و حای نوسیدن در ترکیه و راس آن مقاله با طرحی از مراسم حای در دو کشور همراه است

مقاله دوم، یک تحقیق روست ساحتی در مورد قهوه‌خانه‌های حوامع مسلمان خاورمیانه است که در آن عمدتاً به حیوانی

گذران اوقات فراغت در آن حوامع از فزون نارد هم هجری به بعد پرداخته شده است

در مقاله سوم، با عنوان «قهوه و قهوه‌خانه در مصر عثمانی (قرنهای دهم تا دوازدهم هجری)»، خصوصیات زندگی فردی و اجتماعی مردم مصر مورد بررسی قرار گرفته است

در مقاله چهارم، غلاء الدس کوسه‌گیر به تحقیق درباره «قهوه و قهوه‌خانه در ایران در روزگار صفوی و عهد قاجار با عصر حاضر» پرداخته و سبب از معرفی منابع موجود ایرانی و ترکی به تفصیل درباره اهمیت وجود قهوه‌خانه‌ها در حرکت‌های فرهنگی، اجتماعی، دینی و سیاسی گذشته بحث کرده است او، هم‌چنین به حوی بی‌ساز داده است که حکایت حای وارد ایران شد و مصروف آن بدریج حای قهوه را گرفت

کتابی تازه درباره تمدن اسلام

Joseph Burlet, *La civilisation islamique*, Paris, Hachette, 1990, 288 p

ژوزف بورلو، تمدن اسلامی، پاریس، اسب، ۱۹۹۰، ۲۸۸ ص

در این کتاب سبب از تاریخ وحی و بعث پیامبر اسلام، تاریخ سلسله‌ها و خلفا و امرای مسلمان و سبب از آن تاریخ هر کشور جداگانه ذکر شده است انگاه عصر خلفای عثمانی، دوره استعمار و سرانجام تاریخ خنسهای سیاسی معاصر مورد بررسی قرار گرفته است کتاب در مجموع از فصل‌بندی حوی برحوردار است و محتوای آن تقریباً کامل و امورنده است و نفعه‌هایی که در آن حاب شده کوناسب سالتسار و فاع، فهرست اسامی خاص، وارکان، یعنی مجموعه اصطلاحات اسلامی که در مس به کار رفته است، و کناساسی کامل و منظم از حمله محاس این کتاب است که برای خواننده اروپایی بسیار آگاهی‌دهنده و سودمند است

اراد بروهردی

اراساراب مرکز سرداسگاهی

مجله شیمی

تسم، شماره اول، فروردین - تیر ۱۳۷۲

- روشها و امکانات در سبب‌های بلورس مایع
- تجربه رنگدانه‌های انی در لعابهای سرامیکی قدیمی اصفهان
- مقالات کوتاه
- نارد های سیمی
- ایمنی در آرمایشگاه
- نقد و معرفی کتاب

برخی از مقاله‌ها
آگوست ویلهلم هوفمان
چرا ترکیبات آروماتیک باید دارند
فرایند تولید شکر

کلیات

● فهرست، کتابشناسی

(۱) بررگی، اشرف السادات (و) صدیقه سلطانیفر. فهرست نقشه‌های فارسی موجود در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تهران کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۱ ج ۱۰۳ ص فهرست راهما ۱۵۰۰ ریال

(۲) قاسمی، سیدفرید راهمای مطبوعات ایران، عصر فاجار (۱۲۵۳ و ۱۲۱۵ ش-۱۳۰۴ ش) تهران مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها ۱۳۷۲ ۳۰۴ ص فهرستهای راهما ۲۵۰۰ ریال

در این کتاب کلیه سریاتی که در ایران به طور منظم با نام ناست و سما، ردیف معین در رسته‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی و علمی و عمره از ۱۲۱۵ تا ۱۳۰۴ س منتشر شده فهرست شده است. نام، نوع، نام صاحب امبار و مدیر مسئول و سردسیر، تاریخ انتشار، فاصله استار و زبان هر سریه از جمله اطلاعاتی است که در این فهرست آمده است. علاوه بر این شماره مدخل هر سریه در فهرستهای رایینو (صورت حراند ایران و خرائیدی که در خارج از ایران به زبان فارسی طبع شده است)، محمدعلی برییب و ادوارد براون (تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران)، و محمد صدر هاشمی (تاریخ حراند و محلات ایران)، و نام و شماره نسخه‌های موجود در برخی از کتابخانه‌ها، در دبل‌یاد، به سر به قد گردیده است. مولف در مقدمه کتاب نیز محصوراً به بررسی ۹۰۰ کتاب مطبوعات ایران در دوره فاجار به پرداخته است.

(۳) — راهمای مطبوعات ایران (۱۳۵۷-۱۳۷۱) تهران مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها ۱۳۷۲ ۵۰۲ ص فهرست راهما. ۲۵۰۰ ریال

حاجی نام، نوع، روس، نام صاحب امبار و مدیرمسئول و سردسیر و تاریخ انتشار، فاصله انتشار، زبان و وابستگی حزبی و اداری سرنات و حرنامه‌ها است که در ایران در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱ به طور منظم و با شماره ردیف ناست و معین در رسته‌های گوناگون منتشر شده است. در راهما ۲۲۵۳ عنوان سرنه به ترتیب حروف الفبای عنوان سرنات معرفی شده است.

● اطلاع‌رسانی

(۴) سروان شرانس، ژان لویی بیرونی پیام ترجمه سروش حبیبی بهار، سروش ۱۳۷۱ ج ۲ تا تجدیدنظر ۲۵۲ ص جدول نمودار ۳۰۰۰ ریال «ایا مطبوعات باهی خواهد ماند»، «قدرت از بول قلم خود بوس ح است»، «وهور اطلاعات»، «بوساری نوعی ارادی»، عنوان فصلهای است

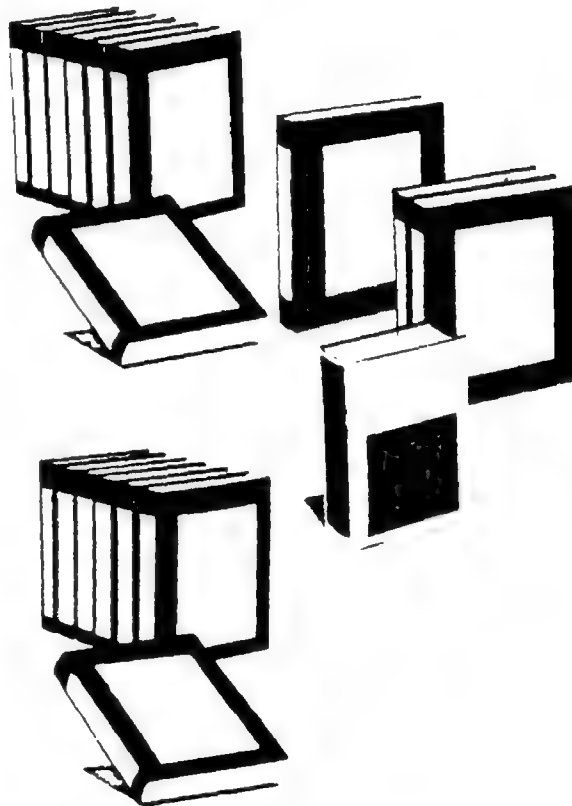
(۵) کمل، اح سی توسعه نظامها و خدمات کتابخانه‌های عموم ترجمه علی شکویی تهران دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عموم کشور ۱۳۷۱ |توریع ۱۷۲| ۲۰۷ ص ۱۶۵۰ ریال کتاب حاضر برای افرادی که برای اولین بار مسئولیت سازماندهی و بوسند به خدمات کتابخانه‌ای و اطلاعاتی را به عهده گرفته‌اند تهیه است. سارهای کتابخانه‌های عمومی براساس آنچه که در سطوح ح مطرح است، ناآند در به کارگیری روشهای عملی مورد نیاز، و نمونه‌های حرسات شورهای بوناگون موضوع کتاب حاضر را سکیل می‌دهد.

● مجموعه‌ها

(۶) افشار، ایرح انگارش و گردآوری بردنامه تهران سلسله مت تحقیقات فرهنگ ایران رمین- انتشارات خداگاه ۱۳۷۱ ۶۰۰۰۰ (مصور) ۶۹۰۰ ریال

بردنامه مجموعه‌ای است از مقالات مهم و مراجع تراکنده‌ای درباره برد که برای استفاده پژوهشگران و علاقه‌مندان چاپ شده است. مطالب مجموعه در بخشهای زیر تنظیم شده است: «بردما (برد در شعر فارسی

کتابهای تازه



امید طبیب‌زاده

۱۳۷۲ ۲۶۴ ص فهرست راهما ۲۴۰۰ ریال

موقوفات دکنتر محمود افشار یردی۔ مجموعۂ انتشارات ادبی و تاریخی۔
شماره ۳۴ ۱۳۷۱ ۵۳۱ ص ۳۷۰۰ ریال

مؤلف کتاب است. فی‌رمان برحسب قرن سیم هجری است و کتاب حا
بر امر معروف و نهی منکر است. این علمی در زمینه امطولات و شماره سیم و
حکام نحوه (استاد هندی) می‌باشد. فسی است که طریقی است کتاب را در
بحر بر سرده است. باز بحسب آن را در سبب فقیل به صورت بر سبب و با
ظاهر آن به درخواست ساگردان خود و نه عنوان کتاب در سبب نگاشته است.
دوم خلاصه آن را به نام «تعلیل و الالفاظ فی معرفه الامطولات» برای بعد
نیکو از بررسان رمان بحر برترده است. تاریخ تحریر نسخه‌های مورد است
مضمون ۵۵۸ هجری (بحر بر اول) و ۵۷۲ هجری (بحر بر دوم) بوده است. در

سیاست

(۳۵) ملک‌نول، حیمیر صاعقه در صحرا ترجمهٔ حمد فروزادی (یا)
هوشمند نامور بهرانی تهران اطلاعات ۱۳۷۲ - ۳۸۰ ص ۱۳۵۰ ریال
این کتاب نه در سال ۱۹۹۱ در امریکا انتشار یافت، صرفاً و یک‌زودی نظامی
به حکم حلیخ فارس داده بودند، این کتاب حربی بین مسائل نظامی را بر
تحلیل و بررسی بد نوشتهٔ کتاب برید بازبینی بروی رسمی ارس
امریکا و به‌جای حل مسائل نظامی، سبزهٔ بلور بود. (N۷)

۳۶) چه کوارا (او) فیدل کاسرو امان و سوسالسم در که ما ترجمه
شهره اردی بهران ناشر مترجم (۱۳۷۱ ۸۸) من مصور ۸۰۰ رمال
حسن اولی سبب مقاله ای است که خواسته اند آن خط میسی هریو بنا
در سالهای اول انقلاب در حل مسائل مربوط به سیرف اقتصاد گذار از
سرمایه داری به سوسیالیسم شرح شده است (۱۹۶۵) و حسن دوم شامل
سجراتی فیدل کاسرو است که به سبب ناظر به ثواران در آن الزام
احیای عقاید اقتصادی که خواسته اند رجوع به در ثواران شده است سخن
می گویند

(۲۷) رحمانی، سمن الدین لولای سہ قارہ پھران سارمان تلعلات
اسلامی ۱۳۷۱ (تورخ ۱۷۲) ۱۷۵ حصہ ہفتہ نمودار ۸۸۰ رمال
مجموعاً مقدس اسٹ دربارہ مسائل تالوون نا پچی، اجماعی و
سیاسی مربوطہ حارمانہ

(۳۸) بجای، علامتوں سے باہر ان کے ۱۳۷۲ ۱۶۰ سے گھٹتے
راہوں ۱۷۵۰ رہا

مؤلف در این کتاب به نقد کتاب تاریخ و جغرافیه، یا همان تاریخ و جغرافیه حسین انور بریلان، تهران، بنابر مؤلفه (۱۳۷۱) پرداخته و ادعای تکرار، ترجمه آن کتاب کرده است. کتاب تاریخ و جغرافیه، به این نام بنابر (رسانه) در نقد، یا همان تاریخ و جغرافیه، یا همان تاریخ و جغرافیه

اقتصاد، مدیریت، بازرگانی

۳۹) دُرداری، ممدت تراسی بهراں رسا ۱۳۷۱ ۲۳۳ مس جدول
بمقدار ۲۰۰۰ ریال

۴۰) رضایی می‌رساند، محسن بنوری از ریس، محمد بهرام امیر کمر
۱۳۷۱ ۲۴۳ ص ۱۷۰۰ رمال

(۲۱) روزی بر جمع اهل باغی (بورج باغی) بروت و امکانات در
کسورهای سسرفه و در حال رشد) بر حرمه مهدی بهرام بهران استوار
و امورش انقلاب اسلامی ۱۳۷۱ (تورج ۱۷۲ | ۱۱۵ ص حدول بقسه
۹۰۰ ربال

(۴۲) سنو، ر. نظریه تعارض حس الحلی رحمه مهدی نقوی بهران
استشارات و امورش اهلل اسلامی ۱۳۷۱ ۱۳۶ ص و اژه نامه ۱۲۰۰
نیل

۴۳) قاسمی، حسن ازوبای واحد از دیدگاه رازرسانی بهران علامه طباطبائی ۱۳۷۲ ۱۸۶ صص نمودار ۲۰۰۰ رمال

جامعه‌شناسی

۱۴۴ بوتول، کاسون جامعہ سیاسی سیاسی برحمہ ہوشنگ
مرحمہ تہران تقیمہ ۱۳۷۱ ۱۴۶ ص ۱۴۰۰ رمال

۴۵ — جامعه‌شناسی صلح ترجمه هوتنگ فرحسته تهران
سپه‌تہ ۱۳۷۱ ۱۵۷ ص ۱۵۰۰ ریال

۴۶) ترب. جاناان اح (و) ال بیگلی پیدایش نظریه جامعه‌شناسی
ترحمه عبدالعلی لهاسی رادد شیرار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه تیرار
۱۳۷۱ ۲ بهای دوره دو دولتی ۳۷۰۰ ریال

درآمدنی است به اصول نظری جامعه‌شناسی معاصر مؤلفان کوشیده‌اند
 بداند و توسعه نظریه جامعه‌شناسی را، خصوصاً در سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۹۳۰
 سرچشمه دهد

.. غردہ بحریرہ دسال هم آمده است

٣٠) هونك سمندي ماهميرنگ (گريند) خاطرات سياسي، برحمه حتمتدا
سمازي نهران انتشارات و امورش انقلاب اسلامي ١٣٧١ ٢٥٠ ص
سبب راهما تسمير ١٨٠٠ / درکوب ٢٧٠٠ ريال

۱. کتاب (۱۹۸۸-۱۹۹۲) از فلاسفه آمریکایی و آ. ساینکدران «تئیه
دبی بران ارادی فرهنگی» است او به از همکاران و دهستان
سینمایی حول برراند راسل، ادوارد برنستاین، اس. سینکدر، و برول
و ده است در این کتاب به شرح زندگی اجتماعی خود پرداخته است
و کتاب ۹ اصل بسیار بسیار از بر حمله فارسی آن است، اما مرحوم
مظالمی ارائه برای آن است ده، ده، و نهاده بوده بر حمله بخرد

۳۱) وسکسٹاس، لودویگ رسالہ منطقی۔ فلسفی ترجمہ
میرس الدین ادیب سلطان تہران امرکسر ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲
۱۱۱۱/۲۰۵ ص فہرست راہما واردنامہ ۱۵۰۰ سال

۱- دکتر یوسف یوهان ویکسلیاس (۱۸۸۹-۱۹۵۱)، فیلسوف اتریشی،
دکتر یانگ را در سال ۱۹۱۸ به زبان فرانسه این کتاب را به حسین یاد داد.
۲- ۱۹۲۱، نام مجله آلمانی انتشار یافت، سپس ترجمه انگلیسی آن، در سال
۱۹۶۰، عنوان لاتین *Lectures Logico-philosophicus*، و نام مقدمه
دکتر یانگ منتشر شد. چنانکه در مقدمه مترجم می خوانیم: ترجمه حاضر بر
پس از آلمانی، بر ترجمه های انگلیسی و فرانسوی و عربی می آید. اما
این کتاب کمپنی است که از این کتاب ترجمه دیگری بر نا هین عنوان
۳- ۱۹۵۰، بغداد، تهران، جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹) تصویر
۴- کتاب من، رساله و ویکسلیاس در ترجمه حاضر حدود ۱۱۰ صفحه است و
۵- کتاب من ترجمه مترجم در ترجمه مقدمه بر برادر اسل و ملحقات و تصامی که
۶- کتاب افروخته است کتاب دارای یک واژه نامه چهار زبانه آلمانی-
فرانسوی-فارسی بر حسب

● اداس ديگر و اسطوره‌ها

۳۲ رسی، ہاتھم ایس مہر، میتراسسم نہراں بھت ۱۳۷۱ نورع
۷۲ مایر دد ۴۷۲ ص منصور نقشہ سومر ۷۰۰/ کالیگور ۹۰۰ مال

۱- «سنان میرا در عهد نهی»، «میرا در اوسنا و ددا»، «حسن مهر تان»،
۲- «نیل نهی» کتابی میرا، میرا در دهان هخامنشان، و اوانا مورخان قدیم
۳- «سنان میرا»، «سارگان و سارده سنانی، اسطوره های پیدگی میرا،
۴- «انتهای سلوک، فرجام سنانی میرا»، «انتهای وراس و اردو مرزهای
۵- «جداان خاسن در دین میرا در دیوان و زوم، مواردی سنان
۶- «ای و یوانی - رومی، سراجام و مرک مهر» عنوان فصلهایی از کتاب

۳۳. سهرادی، رستم رزشت و امورسهای او تهران. فروهر ۱۳۷۱
 ۱۵۰ ص ۱۳۰۰ ریال

«تخلی زرستان»، «محسن ناسخ» یا زهر اراها، «دس اراها»،
«سو زرب»، «زند اوسا»، «اوسا من اوریس تاربان»، «نبد و سیاد
ستی»، «حوشن داری یا تسلط بر نفس»، «کوسن در رسیدن به کمال
معنی»، «هست و دور»، عنوان فصلهای این کتاب درسی و آموزشی

۳۲) کلانتري، هم (و) علي رضا لطيف اساطير اسڪاندياوي ونگاهي
۽ مشهور اسطوره، جا ناشر مولان ۱۳۷۲ ۸۷ ص

تربیتی هر باری از اطلاعاتی است که در مورد باریهای گردآوری شده در این کتاب آمده است

روانشناسی

- (۵۳) بردشاو، جان بازگشت به خانه، روانشناسی تأثیر کودک در بررگهائی ترجمه رؤیا منجم تهران چاپ و نشر بیداد ۱۳۷۲ ۳۲۲ ص
مصور نمودار ۲۹۸۰ ریال
- (۵۴) پتر، ژاکلین اتمیت مقدمه‌ای بر موسیقی درمانی ترجمه علی‌راده محمدی تهران ناشر مترجم [مرکز بخش شاهنگ] ۲۶۴ ص
واژه‌نامه ۲۵۰۰ ریال
- (۵۵) پک، اسکات هر عاشقی، بحثی در روانشناسی عشق، ارشدهای سنتی و تعالی روحی ترجمه رها ادهمی تهران روشنگران ۱۳۷۲ ۴۵۸ ص
۳۵۰۰ ریال

آموزش و پرورش

- (۵۶) دکاوتی قراگلو، علی آموزش و پرورش، مبانی و نظریه‌ها تهران احیای کتاب ۱۳۷۱. دوازده + ۱۴۴ ص واژه‌نامه ۱۳۵۰ ریال
- مؤلف برخی از مهمترین ارا و نظریات برستی، ویر برخی از آرای دینی، فلسفی و اجتماعی را که به مهم مبانی آموزش و پرورش مدد می‌رساند از منابع معتبر گردآوری و ترجمه و تلمیح کرده است وی برخی از نظریه‌های را به ایران کمتر بدانها پرداخته شده با سرخ و سبط بیسری عرضه کرده است
- (۵۷) تحصیلی، عباس [گردآورنده] کودکان، امیدهای آینده تهران فکر روز ۱۳۷۲ ۳۵۴ ص ۳۳۰۰ ریال
- کتاب مجموعه‌ای است از مقالات آموزشی و تربیتی که مخاطب اصلی آن والدین و آموزگاران و مربیان کودکان هستند، و از این مطالب آنها به روش ساده و غیر تخصصی نگاشته شده است عنوان و نام نویسنده برخی از مقالات را می‌آوریم: «روانشناس، روانکار، و»، «عباس تحصیلی»، «مساوره رشتک»، «عزت‌الله سلحوی»، «مراهب از نوراد»، «سیدمهد ارعدی»، «بیماری صرع»، «سیداحمد حلیلی»، «کودک آزاری»، «محمود درنا»، «موسیقی و کودک»، «ناصر نظر»، «گفتار درمانی برای کودکان»، «سیمین سلیمان»، «احتلالات رشد در کودکان»، «علی‌اصغر میرسعید فاضلی»، «بی‌احساناری د نگهداری ادرار»، «مریسی لسانی»
- (۵۸) گوردون، میخائیل (و) دیویدریان (و) تامار شیلو کمک به رت گفتار و زبان کودکان عقب‌مانده دهی تربیت‌پذیر ترجمه احمد نه پژو تهران روش ۱۳۷۲ ۱۶۷ ص ۱۲۵۰ ریال
- هدف کتاب حاضر آشنا ساختن والدین و معلمان و دانشویان مجموعه‌ای از مهارت‌های مورد نیاز برای کمک به رشد گفتار و زبان برد کودک - عقب‌مانده دهی تربیت‌پذیر است این مهارت‌ها به شکل فعالیت‌های آموزشی باریها و تمرین‌های گوناگون و همراه با سرخ و راهماییهای لازم طرح - است

حقوق و قوانین

- (۵۹) عدی، عباس مباحثی در جامعه‌شناسی حقوقی در ایران همکاری سمیرا کلهر تهران. انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۷۱ ۱۵۲ ص ۱۱۰۰ ریال
- (۶۰) قربانی، فرح‌الله. مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عدالت اداری، به انضمام قانون دیوان عدالت اداری تهران. فردوسی ۱۳۷۱. ۶۹۲ ۶۵۰۰ ریال

زبان و زبان‌شناسی

- (۶۱) احمدی‌پور، طاهره. فرهنگ اصطلاحات دستوری زبان انگلیسی تهران. فرهنگ معاصر. ۱۳۷۱ ۱۴۰ ص فهرست راهنما. ۱۲۵۰ ریال

(۶۲) حی، مارتین تاریخچه مکتب فرانکفورت ترجمه چنگیز بهلولان تهران کویر ۱۳۷۲ ۷۷ ص ۷۵۰ ریال

«مؤسسه بروهسهای اجتماعی» در سال ۱۹۲۲ در شهر فرانکفورت آلمان به همت جمعی از مارکسیست‌های مستقل آلمانی تأسیس شد و به عنوان یک اکادمی بروهسی با سال‌های به قدرت رسیدن هتلر و حزب سوسیال ناسیونالیست در آلمان به فعالیت خود ادامه داد و پس از آن به امریکا منتقل شد کتاب حاضر که فصلی بحسب از کتاب مفصلی در باره مکتب فرانکفورت است، به معرفی بار بجه این مکتب اختصاص دارد

(۶۸) جوشرو، علامعلی شایخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن‌خلدون تهران اطلاعات ۱۳۷۲ ۱۶۳ ص جدول ۱۴۰۰ ریال

طیقه‌بندی بنده‌های اجتماعی و تقسیم و تفکیک آنها بر اساس ویژگیهای عام مشترک و بر بررسی خصوصیات انواع حوامع از دیدگاه فارابی و ابن‌خلدون موضوع کتاب حاضر است

(۶۹) مددپور، محمد محمد و دین‌رایی در فرهنگ و هر مورالفکری ایران ای جا سالکان ۱۳۷۲ ۳۷۸ ص ۳۲۰۰ ریال

نگارنده در این کتاب به بررسی وجوه غر بردگی مفکران ایرانی تا پایان عصر فاجار پرداخته است به اعتمادوی تأسری که روسفکران ایرانی در این دوره از غرب گرفته‌اند عالماً سطحی بوده و تنها حاصل این تفکرات «سبب انگارانه» برای ایران بوده است

(۵۰) عربی‌نی طرف، یوسف. قبایل و عشایر غرب خورستان، مانگهای به انین فصل، شعر، هر و تاریخ تهران ناشر مؤلف [مرکز بخش کتاب راهما] ۱۳۷۲ ۲۰۸ ص مصور ۲۲۰۰ ریال

مؤلف نویسنده است از دیدگاه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی به مسائل گوناگون عشایر و قبایل غرب ایرانی، یعنی بومیان خورستان سر دارد در این بروهس نام قبایل و عشایر به ترتیب حرف الفبا سامان یافته است مؤلف حدود ۱۶۰ قبیل و عشیره غرب خورستان را معرفی کرده است

(۵۱) عسکری حلقه، اصغر پژوهشی در مردم‌شناسی روستای قاسم/نادر گیلان شیراز انتشارات بوید شیراز ۱۳۷۲ ۱۷۵ ص مصور جدول ۱۷۵۰ ریال

قاسم/نادر منطقه‌ای است در ساحل دریای خزر و به فاصله ده کیلومتری جنوب شرقی شهرستان رودسر و در معرفت خاکسیر و کلاهای و دریای دامنه شمالی سلسله حمال‌الرر قرار دارد کتاب حاضر به بررسی بخشی از آن منطقه به نام روستای بالا محله قاسم/نادر عالماً اختصاص دارد این کتاب حاصل یک رسه تحقیقات مردم‌شناسی است که توسط گروهی از بروهسگران فراسوی و ایرانی، از خرداد تا مرداد ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) در گیلان انجام گرفته و حرفی از برنامه مربوط به تهیه «نقشه مردم‌نگاری ایران» بوده است در این کتاب اطلاعات بسیاری در باره این روستا گردآوری شده است موقعیت جغرافیایی و وضع اقلیمی، محصولات تجاری و دامداری، وسایل سجم، مسکن، بهیه‌الیاف و تبدیل آن به سوج بافنی (سه یا بسم)، انواع دستگاههای بافندگی و روشهای کار، کشت جای و تربیت کرم ابرسم و غیره از جمله مباحث کتاب است

(۵۲) هادی‌پور بروحی، مزگان نازیهای بومی محلی چهارمحال و بختیاری اصفهان عزلی. ۱۳۷۱ [توریع ۷۲] ۲۲۴ ص مصور نقشه جدول. ۱۹۰۰ ریال

نام و سرخ باری، تعداد باریکان، حسن و گروه سنی و اهداف جسمانی و

مجموعه حاضر شامل ۲۷۷ اصطلاح دستوری انگلیسی، معادلهای فارسی و سرج و مالی برای هر اصطلاح است مستندات نگارنده کتاب عالیا و ماخذ دستور نویسی معتبر زبان انگلیسی بوده است و هر اصطلاح بر، درج از حسته تطبیقی فقط در چهارحوت زبان انگلیسی سرج سده است از بر نهایی این کتاب سکه مسجهم و دقیق از حاعات ان است که هر مدخل را به مدخلهای مرسط دیگر بیوند می دهد

۶۲) ایچیسون، حین، مبانی زبانشناسی. ترجمه محمدفانص بهران یکه ۱۳۷۱ ۳۳۸ ص مصور واژه نامه. ۲۸۰۰ ریال

درآمدی است بر زبانشناسی برای کسانی که برای نخستین بار به این رشته آمده اند. حدید بودن کتاب و در برداشتن احرین و حدیدترین نظریه های ساسی در ریمیه های اواساسی، نحو و صرف و معناساسی از حمله سهای کتاب است

۶۳) پاکدامن، مستانه. آموزش زبان انگلیسی برای کودکان تهران واژه انتشارات فاطمی ۱۳۷۲ ۳ ج ۲۲۷ ص مصور نهایی دوره سه دبئی همراه با دو بوار ۸۵۰۰ ریال

کتاب حاضر دوره ای سه جلدی است همراه با دو بوار برای امورش زبان سبسی به عنوان زبان دوم به کودکان ۷ تا ۹ ساله مؤلف کوسیده است با ساریک سیه خاص تدریس زبان انگلیسی، چهار مهارت گفت و سوده و ساند و بوسش را در حد مقدمانی و با حدود ۲۰ لعب آموزش دهد کتاب س راهمائی تدریس سوده مدی است که برای معلمها با والدین کودکان که بر آموزش را به عهده دارند بسیار سوده مند است

۶۴) رادمنش، سیدمحمد معانی حروف با شواهد از قران و حدین بهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۱ بوزع ۱۷۲ ۲۷۰ ص ۱۷۵۰ ریال

۶۵) رهنائی، محدثقی علم معانی (الکسیکولوژی) ترکیب لغوی زبان ادبی ادبی معاصر ترمیر انلدار ۱۳۷۱ ۱۷۹ ص ۱۵۰۰ ریال مؤلف بررسی واحدهای قاموسی زبان ترکی را از سسین واحد آن در حینه، یعنی «کلمه»، اعار کرده و تا بررسی ترکیبات بلندتری چون «مخلجات» ادامه داده است سیوه های واره ساری در زبان برکی، سکی بهای وارگانی از زبان فارسی و زبانهای دیگر، بررسی معانی کلمات و سترات آنها، و مطالعه ترکیب لغوی زبان ترکی ادبی معاصر از حمله صاحب کتاب است

۶۶) عماد افشار، حسین دستور و ساختمان زبان فارسی تهران دانشگاه علامه طباطبائی ۱۳۷۲ ج ۲ بیست + ۲۶۴ ص ۲۵۰۰ ریال

واژه نامه و فرهنگ

۶۷) ارشقی، عادل فرهنگ کیهان شناسی، شامل ۷۰۰۰ واژه سب شناسی و نجوم تهران نشر نی ۱۳۷۲ شماره + ۲۷۲ ص ۳۰۰۰ ریال

۶۸) داد، سیما فرهنگ اصطلاحات ادبی، واژه نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپائی به شیوه تطبیقی و توضیحی تهران سرواژید ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] واژه نامه ۳۹۴ ص ۳۴۰۰ ریال

د فرهنگ حاضر شامل اصطلاحات ضاعات ادبی، مکات و بهفسا و حهای ادبی فارسی و انگلیسی است که به سیوه تطبیقی و توضیحی عرسه سده است

۶۹) حیم، سلیمان فرهنگ کوچک انگلیسی- فارسی ویراسته محمدرضا طاطی تهران فرهنگ معاصر ۱۳۷۲ بیست + ۸۰۸ ص

کتاب حاضر ویرایش حدید فرهنگ کوچک انگلیسی- فارسی حیم است به سسین بار در سال ۱۳۳۵ منتشر شد و از ان زمان تاکنون ویرایش اساسی و آمد سده بود در این ویرایش برای کلیه مدخلهای انگلیسی تلفظ داده سده معادلهای معهور و معضا نادرست حذف و حهای آنها معادلهای امروزی دده سده، و غلطهای املائی و جایی تصحیح و رسم الحظ آن یک دسب شده است

۷۰) شاملو، احمد کتاب کوچه، فرهنگ لغات، اصطلاحات، تعبیرات، صرب المثل های فارسی (حرف الف، دفتر سوم) تهران ۱۳۶۱ [توزیع ۷۲] ۳۱۹ ص [از ص ۶۴۱ تا ۹۶۰] مصور طاهر آطلیعه انتشاراتی مجلدات اس فرهنگ معقل و حدین و حد جلدی است

۷۱) صدی طباطبائی نائینی، سیدمحمد فرهنگ اصطلاحات ثبتی مشهد جهان معاصر ۱۳۷۱ ۱۵۲ ص ۱۰۰۰ ریال

سرج مختصر اصطلاحات سبی است حون آیین نامه، آگهی الصافی، آگهی سب سمد اجزات المل، ارزباب، سرفتر، سید دمهائی، عده طلائی، متروئات، ودیعه اسناد و غیره

۷۲) فرهنگ، موجهر فرهنگ بررگ علوم اقتصادی [انگلیسی- فارسی] تهران الرر ۱۳۷۱ ۲ ج ۲۴۴۵ ص

۷۳) منیری، مهشید فرهنگ فشرده زبان فارسی، الفبائی- فیاسی تهران الرر ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] بوده + ۱۰۵۶ ص ۶۳۰۰ ریال

۷۴) فرهنگ واژه های اروپائی در فارسی بهران الرر ۱۳۷۱ بیست و پنج، ۴۴۳ ص ۵۰۰۰ ریال

مؤلف کوسیده است مقصوری از واره های فرسی از بابی (انگلیسی، فراسه، المائی، ایبالبائی، اسپاسائی و روسی) در فارسی گفماری و بوساری را کردآوری کند اس فرهنگ شامل حدود ۳۰۰۰ مدخل است

علوم

۷۵) اسیموف، ایراک نگاهی به تاریخ علم برای بوجوانان ترجمه هیت مترحمان تهران انتشارات فاطمی- بخش واژه ۱۳۷۲ ۱۸ ج [از حلد ۱۶ تا ۱۳۳] مصور فهرست راهما نهایی دوره ۱۱۰۰۰ ریال

نحس دوم این مجموعه ارسمند است که به سرج بار سبی اسشافات علمی با زمان حال و به ربائی ساده احصااص دارد از دیگر و برکیهای اس مجموعه، که از مجلدیک با ۱۵ ان فلا بوسط همین ساسر مسسر سده است، این است که مطالب هر کتاب مسسل از کتابهای دیگر است هر کتاب تا کفتماری دربارۀ بار بحه باورها و اعتقادات و بحیلات و اساهها اعار می سود و به بدریخ به دیدگاه علمی می رسد و سراحام با سرج آرماسها و سحه گیریهای که با زمان حال به عمل آمده بایان می بدیرد عنوان، نام مترجم و سماره صفحه برحی از این آثار را می آورم لیها، ترجمه احمد حواجه نصیر طوسی، ۶۲ ص، فوتوستر، ترجمه رضا فرزان بی، ۶۳ ص، معر ادبی، ترجمه هیده سربیی، ۶۸ ص، سربع بود، ترجمه هروع هرجود، ۵۲ ص، بدایس ریذگی، ترجمه حسین داسفر، ۵۹ ص، ریذگی در آفانوس، ترجمه مهرا احباریفر، ۶۰ ص

۷۶) درویش راده، علی رمین شناسی ایران تهران سشرداش امرو- واسته به امیرکبیر ۱۳۷۱ ۹۰۰ ص مصور نقشه فهرست راهما ۲۸۰۰ ریال

۷۷) ساکسون، جان درسها و مسائلی از ریاضیات دوره راهمائی تهران رسا ۱۳۷۱ ۱۶۴ ص ۱۵۰۰ ریال

۷۸) علیحائی، نهلول (و) محمدرضا کاویائی منائی آب و هوا شناسی تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۱ بایرده + ۵۷۶ ص مصور نقشه واژه نامه ۲۵۰۰ ریال

۷۹) فلتول، حان حابوران و جایی که ریذگی می کند ترجمه فرانۀ کریمی تهران چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۳

صن مصور ۱۰۰۰ ریال

۸۰) بوریهشت، ایرج مقدمه‌ای بر فلورسای (هندسی) اصفهان
دانشگاه اصفهان ۱۳۷۱ ۱۸۶ ص مصور وازه‌نامه ۹۵۰ ریال
۸۱) ویکلر، هلموت گ ف پتروبر سنگهای دگرگونه ترجمه
عبدالرحیم هوتمندزاده سنار دانشگاه سنار ۱۳۷۱ | بورع ۱۷۲ | ۴۰۸
ص مصور نمودار ۳۴۰۰ ریال

یزشکی و روانیزشکی

۸۲) اسال، ا د (و) ج پ لف از رنسانسی نالسی در روانیزشکی
ترجمه احمد محیط (و) علامحسین کاوانی تهران ۱۳۷۱ ۲۳۵ ص
مصور وازه‌نامه ۲۰۰۰ ریال
۸۳) ایسل، البر (و) گری وکولا سولر هیوکلسمی در نورادان
و کودکان ترجمه اکبر احمدی مشهد اسال قدس رضوی ۱۳۷۱ ۱۹۲
ص مصور نمودار جدول ۱۹۰۰ ریال
۸۴) چگونیه نا سیرطان ریدکی کیم ترجمه کوتسار کریمی طاری (و)
زاله سربعی تهران بی‌نا احاب کومرگ | ۱۳۷۱ ۱۰۵ ص مصور
۱۰۰۰ ریال

۸۵) سیف‌نهاد، فرح | ترجمه و افسان | اناتومی بدن مرد (کار
گروهی پرسکان سمارسان مانت سانی امریکا) بی‌نا کل ۱۳۷۱
۶۲۷ ص مصور ۴۰۰۰ ریال

۸۶) کارن، رمی (و) دیگران بانه اسپسای سماریه ترجمه
همس رفعی ربیر مسلم نهادری تهران چهار ۱۳۷۱ ج ۴ ۶۳۵ ص
مصور ۶۸۰۰ ریال

۸۷) مور، کتال نکامل حسنی اسال ترجمه علیرضا فاضل (و) هاله
حسینی (و) مهوس فروغی مشهد اسالار اسفد (و) کانسال مشهد
۱۳۷۱ ۵۳۹ ص مصور ۱۳۷۱

۸۸) نراهی، محمدعلی مروری بر اناتومی تهران مرکز خدمات علمی
ررمیدگان اسلام ۱۳۷۱ ۱۱۸ ص مصور

۸۹) هیکنلی، بی سی (و) جی ای ررب (و) سی ال بولدر درمان
سماران بی‌دندان با پروبر دندانی ترجمه محمد درهمی (و) مهرداد رادور
به سربرسی و ویرایش اسماعیل سربعی مشهد اسال قدس رضوی
۱۳۷۱ چهارده + ۸۳۶ ص مصور ۳۶۰۰ ریال

کتاورزی

۹۰) کریمی، هادی گندم تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۱ | بورع
۱۷۲ ده + ۵۹۹ ص مصور وازه‌نامه، فهرست راهما ۴۸۰۰ ریال
۹۱) نارویی، نادر (و) کورش هابل مقدم نگهداری گیاهان اپارتمانی
تهران سارمان بارکها و فصای سر شهر تهران ۱۳۷۲ ۳۵ ص مصور
۹۲) هاشمی، مسعود فرهنگ جامع کتاورزی و منابع طبیعی
(انگلیسی-فارسی) ج ۱ A-B تهران انتشارات فرهنگ جامع ۱۳۷۲
۶۰۳ ص مصور

فن و صنعت

۹۳) حكاك، محمد (و) نصرت‌الله گرابایه تکنولوژی موحرها تهران
به نشر (استان قدس رضوی) ۱۳۷۱ ۲۶۶ ص مصور ۳۸۵۰ ریال
۹۴) سلطانی، کامیر بهرام مجموعه صاحب و رونهای شهرسازی ۶
محط ریست تهران مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری
ایران ۱۳۷۱ | بورع ۱۷۲ | ده + ۲۴۰ ص نقشه جدول ۲۳۰۰ ریال
۹۵) سیدصدر، ابوالقاسم معماری و اصول طراحی ساختمان تهران
ناشر مؤلف ۱۳۷۱ | بورع ۱۷۲ | ده + ۱۷۸ ص مصور ۲۰۰۰ ریال
۹۶) ساوی انداره‌گیری الکتریکی ترجمه محمود دیانی (و) مجید

ملکان تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۱ | بورع ۱۷۲ | دهده + ۷۸۹ ص
واژه‌نامه ۶۴۰۰ ریال

۹۷) شادبظری، محمدرضا | ترجمه و تدوین | دستورالعمل‌های
ارمایشگاه تن تهران انتشارات علم و صنعت ۱۹۰ ص مصور جدول
۲۵۰۰ ریال

۹۸) مریام، جیمزل (و) ال ج کرنگ دیاسک ترجمه مجیدملکان (و)
دیگران تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۱ چهار + ۴۸۴ ص مصور
۵۸۰۰ ریال

هنر و معماری

● کلیات

۹۹) بیترو (و) لیداموری فرهنگ هنر و هنرمندان ترجمه سوس افتد
تهران ۱۳۷۲ ج ۲ روتسگران ۱۰۷۰ ص مصور فهرست راهما نهایی
دوره دو جلدی ۹۵۰۰ ریال

● نقاشی و طراحی

۱۰۰) بارامون، حوره نقاشی نا پاسل، گواش، آبرنگ، مداد تسمعی،
کلاژ، کاردل ترجمه فاسم روس تهران هرم ۱۳۷۱ | بورع ۱۷۲ | ۱۲۷
ص مصور ۳۲۰۰ ریال

مولف نا بوجیحاتی درباره سیوه‌های توانکون سان هنری و معرفی اثر
وسایل نقاشی، نویسنده است مراحل مختلف افرنس هنری و جنبه‌های
اخرایی آن را قدم به قدم شرح دهد کتاب شامل تصاویر متعددی است به
دقایق و توضیحات فی در مراحل کار نقاشی را برای خوانندگان است
می‌سازد

۱۰۱) رسولی، محمد مهدی انارسان تهران شمع ۱۳۷۱ | بورع ۱۷۲،
۱۶۳ ص مصور

مجموعه طرحها و نقاشی‌هایی است از رسولی به بر شاعده دلاسه، به
رنگی مسر سده است

۱۰۲) سف، هادی نقاشی پشت تپیشه تهران سروش ۱۳۷۱ | بورع
۱۷۲ | ۲۷۵ ص مصور ۲۵۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل شرح مفصل سبب نگاری و بار ترجمه آن در ایران است
کتاب همجنس شامل ۷۶ نقاشی است که نا اطلاعاتی درباره اداره، نا
نگار، و نوع نفس آن همراه است تصاویر کتاب رنگی و کاغذ آن
است

● موسیقی

۱۰۳) ادرسا، مهدی موسیقی ایرانی، شیوه‌نامه‌های نواری تهران
سروش ۱۳۷۱ | توزع ۱۷۲ | ۲۱۶ ص مصور، خط موسیقی ۷۳۵۰ ریال
«نگاهی مختصر به موسیقی و روشهای آموزشی آن»، «درباره کماجه»
«نحی سرامون فاضله و رسم در موسیقی ایرانی»، «امکانات نواری»
کماجه»، «مجموعه سور، ماهور، همانون»، عنوان فصلهای کتاب است
۱۰۴) ردیف جامع آواری موسیقی سسی ایران به روایت جانه
عسکری فراهانی همراه ناسه تار داریوش صفوت تهران سروش ۱۳۷۱
| بورع ۱۷۲ | ۳۱ ص

توسسی است برای شرح و معرفی دقیق هفت دستگاه موسیقی امر
ایران، و بررسی رابطه دستگاه نوا با سایر دستگاهها این کتاب همراه با ۶۰
که خاص دستگاه نوا هستند بورع سده است کفشی است که عسکری
دستگاه نوا را در ۱۱۶ گوسه خوانده است بعداد کوسه‌هایی که دیگران
حمله مرحوم کریمی، در این دستگاه خوانده‌اند، حدود ۱۵ گوسه است
۱۰۵) لست، جون پیانو کلاسیک ترجمه روبینا حجریان (مرادبان)
تهران بارت ۱۳۷۱ | بورع ۱۷۲ | ۱۵۶ ص مصور خط موسیقی ۸۰۰
ریال

۱۰۶) نریمان، مصور شیوه‌نامه برنط نوازی (عود) تهران سروش

۱. مل دو دورہ: مقدمائی و عالی در بواحق بر خط (عود) اسب کتاب همراه
۲. توزیع شدہ اسب

۱۰۷) خزایی، رهرا تساخت گلیم. تهران سروش ۱۳۷۰ [توریع ۷۲]

۱۰۸) حصوری، علی فرس سیستان تهران فرهنگ ۱۳۷۱ بارده +
۱۷ تص. مقصور

۱۰۹. صور اسرافیل، شیرس طراحان سرک فرش ایران، سمی در
احل حول طراحی فرش تهران سروش ۱۳۷۱ (تورج ۷۲) ۴۷۱ ص
صور ۲۵۰۰۰ ریال.

• عکس

۱۱۱) نوربختیار، رضا اصمهان، مورد همسته ریده بی‌حاشی
شماره ۱۳۷۲، ۱۲۰ ص ۲۵۰۰۰ ریال

۱۱۲) ساوولی، حماد ایران، سرزمین افسانه‌ای با مقدمه‌ای از حاتم مسائری تهران فرهنگسرا ۱۳۷۲ ح ۲۳۲ ص ۳۵۰۰۰ ریال

سید

جسی اس، روانساختی و فلسفی درباره تأثیر سینما بر ذهن انسان و شرح
 مدعی مرگسایه های آن توسط سیدگان موسکافی و ناولهای گوناگون
 ... کتاب اس

ادبیات

۱۱۴) ابراهیمی، نادر. مثل فولاد تاش بستم، مثل فولاد تصویرگر حمیدرضا محسنی تهران گروه همگام با کودکان و نوجوانان (و) شرکت ملی فولاد ایران ۱۳۷۱ [تورج ۱۷۲ ۳۵ ص مقصور ۱۴۰۰ ریال

۱۱۵) احمدی، ژیلما. ماحراهای خاله گلدونه و حوجه ناردونه تصویرگر سیاوش دوالفقاریان بهران فرهنگ و هنر ۱۳۷۲ ۲۱ ص مقصور

۱۱۶) بیوز، بستر (نویسنده و تصویرگر) وارونه‌ها ترجمه حسن نصیربا ناربوس حمید گروگان تهران کانو پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۲ ۶۰ ص مقصور ۳۰۰ ریال

کتاب دارای مجموعه تصاویری است نه اگر هر یک از آنها را وارونه شیم تصویر دیگری به چشم می‌آید

۱۱۱۸) وابلند، اسکار، عول، حود، حواد، ترجمہ ناصر ابراہی، تھراں دفتر سر فرہنگ اسلام، بدون صفحہ شمار، مصور ۸۵۰، ریال

۱۱۹) اصفهانی، میرزا قاسم‌الدین مشهور به حواری نامقدمه میراحمد طباطبائی تهران سروش ۱۳۷۱ ص ۱۰۵ و ۱۴۰۰ ریال

(۱۲۰) حاکمی، اسماعیل سرگردانده اشعار رودکی و صوچهری تهران
اساطیر ۱۳۷۱ | بورع ۱۷۲ | ۱۵۸ حص ۱۶۰۰ رمال

کریده‌انی است از اسفار رودکی و میوه‌ری تا همراه محفصی در باره
احوال و امار و بیان سفری آنان، علاوه نوحه‌ای در باره لغات و ابیات مشکل
است که دیده

(۱۲۱) احیام / رباغیات حیام و برایش مرحلال الدس کرازی بهراں
مرکز ۱۳۷۱ ۷۱ حص ۸۵۰ ربال

(۱۲۲) دهلوی، سیدل از چیدن ریک، گریزه عربیات سیدل به کوئش
محمد کاظم کاظمی (و) محمد نظام بردی (و) مصطفی محدثی خراسانی
با مقدمه‌ای از شمس لیکرودی سی‌ها ناصر کرداوردگان ۱۳۷۱
۲۰۵ ص ۱۴۰۰ ریال

بندل از ساغر ان برک سنک هندی بود که مدتی از عمر جودا سر در هندوستان گذرانده بود در آن مجموعه نوسن سده اسعاری از بندل اسحاب بود که کمر به فارسی هند و ناکسان، نه مرغی حالت اسعار بندل اسباب، ر دنگ ناسد

۱۲۳) دہلوی، غالب میخانہ اردو بہ کوئٹہ محمد حسن خانری
تہران شہر مرکز ۱۳۷۱/ اوربع ۱۷۲/ ۱۸۳/ ص ۲۷۵۰ رمال

میر عبداللہ خان غالب دہلوی (۱۲۸۵-۱۳۱۲ هـ ق)، از سرعری برجستہ
سبک ہندی و از فارسی میراثی سہ ماہیہ ہند است کہ بہ اردو سرعاری دارد
ثبت حاضر کردہای است از سر و دہدہای وی در ہالہای کوٹاگون سرعری
کتاب دارای مقدمہای مفصل است در بارہٴ بدل و ابار وی

(۱۲۴) رابع اصفہانی، ابوالقاسم حسن بن محمد نوادر، ترجمہ کتاب
محاضرات الادباء و محاورات الشعراء و النفاہ و تالیف محمد

صالح بن محمد باقر قزوینی به اہتمام احمد محاهد تہران سرورش ۱۳۷۱
 (مربع ۱۷۲) سم، دو + ح + ۱۶۶ کس فہرست راہما ۷۵۰۰ ریال

مخاطرات یکی از آثار معروف راجع استفساری (موقوفی بین ۳۹۶ تا ۴۰۶ هـ) و گنجینه‌ای است از اعمال و حکم و ادب و تاریخ و نکته‌های اجتماعی و

ترتیبی از ویژگیهای این اثر واقعی بودن حکایات و داستانهای است که با اسم و رسم و تاریخ و وقوع آنها ذکر شده است. هریب به ۹۰۰۰ بیت شعر در این دایره المعارف آمده و نزدیک به ۲۰۰۰ نفر نامشان در آن ذکر شده است. محمد صالح فروبی (متوفای بعد از ۱۱۱۷ هـ.ق) کتاب محاسرات را ترجمه کرده است و به دوی و سلفه خود منتحی از آن را فراهم آورده و مطالبی بر آن خود و دیگران بدان افزوده است. نوادر نام ترجمه فروبی از این اثر است. کتاب حاضر دارای مقدمه نسبتاً مفصلی است که در آن دربارهٔ جانهای گوناگون محاسرات و نوادر و مسح خطی آنها در ایران، تاریخ دهی و فایده راعب و آرا و عقاید محمد صالح فروبی بحث شده است.

۱۲۵) [ساوخی، سلمان] دیوان سلمان ساوخی به کوشش احمد کرمی با مقدمه و تصحیح ابوالقاسم حالت. تهران انتشارات ما ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۸۵۵ ص و ازه نامه ۷۰۰۰ ریال

دیوان اسرار شاعر بزرگ سدهٔ هشتم هجری است با مقدمهٔ مفصل دربارهٔ سبک و همعصران و اوصاف تاریخی رمان و...

۱۲۶) [سعیدی] گزیده گلستان سعدی انتخاب و شرح حسن ابوری تهران قطره ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۱۴۰ ص ۱۵۰۰ ریال

۱۲۷) [فاضل حمی]، مشآت فاضل حمی مقدمه و توضیحات و تعلیقات از هب الله مالکی خط از سید علی موسوی نژاد تهران. کویر. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] بیست و هفت + ۳۷۴ ص ۳۴۰۰ ریال

کتاب حاضر از آثار ادبی عهد ناصری است و نویسندهٔ آن (موفی ۱۳۱۹ هـ.ق) از مجتهدان نام آن روزگار بوده است. طاهر آ کتاب حاضر بحسب کتابی است که از آثار فاضل حمی منتشر شده است. این کتاب شامل مساجات، مکتوبات، سفرنامه‌ها، عرب نامه‌ها، نامه‌های بی‌نقطه و بالآخره برخی از قصائد و غزلیات و مثنویها و قطعات و ماده تاریخها است. مقدمهٔ مفصلی دربارهٔ افکار و آثار و زندگی فاضل حمی به کتاب افزوده است. ۱۲۸) صیاء نحشی طوطی نامه. به تصحیح و تعلیقات فتح الله مجتسانی (و) علامه علی اریا تهران موجهری. ۱۳۷۲. بیست و سه + ۴۹۱ ص فهرست راهما ۵۰۰۰ ریال

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از داستانهای معروفی که از آنها با عنوان چهل طوطی و حواهر الاسرار هم یاد شده است. این مجموعه اصل هندی دارد و به زبان سانسکریت آن را سوناسنی (یعنی همداد داستان طوطی) می‌نامند. بحسب ترجمه و تحریر کتاب حاضر را در سال ۷۳ هـ.ق به احرار رسانده است. این کتاب بر اساس پنج نسخهٔ تصحیح شده و سه نسخهٔ قدیمی‌تر (که تاریخ تحریر قدم بر آن ۹۵۵ هـ.ق است) تصحیح شده است. سبک السلوک، کلمات و حرکات (یا چهل ناموس یا ناموس اکثر)، فصدیه ربوبه، عسره مسره و لذت البسا از دیگر آثار این نویسندهٔ قرن هشتم است.

۱۲۹) [مهستی دبیرا رباعیات جمع و تدوین احمد سهیلی حواساری] [تهران] انتشارات ایران ۱۳۷۱ ۱۸۷ ص ۲۰۰۰ ریال
۱۳۰) [واله اصفهانی] دیوان والّه اصفهانی با مقدمه و مقابله و تصحیح رضا عبداللّهی تهران برگ ۱۳۷۱ ۶۸۰ ص مصور ۱۲۰۰۰ ریال

محمد کاظم والّه اصفهانی (موفی ۱۲۲۹ هـ.ق) از شعرا و حوسوسان اصفهانی است. مصحح در مقدمهٔ خود دربارهٔ احوال و سبک ساعری و خصوصیات ادبی زمانهٔ والّه مسائلی را مطرح ساخته است.

● شعر معاصر فارسی

۱۳۱) اتحاد، محمد دیوان حقیر سعادی [تهران] محتجم تبلیغات و انتشارات هر ۱۳۷۲ ۲۰۴ ص ۲۰۰۰ ریال

۱۳۲) خالقی، صیاء الدین ربوبی به رنگ آتش و آب تهران ناشر. شاعر [مرکز بخش چشمه] ۱۱۲ ص ۱۱۰۰ ریال

۱۳۳) رحیمی، حمیدرضا فانوسی در باد (گزیده اشعار ۶۹-۱۳۶۵) تهران گردون ۱۳۷۱ ۶۸ ص ۶۰۰ ریال

۵

۱۳۴) زمانی شهیررادی، علی شعرای مازندران و گرگان بی ح. ناشر مؤلف ۱۳۷۱ ۳۶۶ ص ۴۰۰۰ ریال

مجموعه‌ای است از نمونه‌ای از اشعار شعرای کهن و معاصر مازندران (۱۳۵) سهراب، ترانه. صدف تنهایی با مقدمهٔ سیمین بهبهانی تهران

روشنگران ۱۳۷۱ ۱۳۹ ص ۱۰۰۰ ریال
۱۳۶) شعاعی، شهراد هجرانی. بی ح بی تا ۱۳۷۲ ۶۰ ص ۷۰۰ ریال

۱۳۷) کاشیگر، مدیا دُرود و دود تهران ارست ۱۳۷۱ ۱۰۱ ص ۱۰۰۰ ریال

۱۳۸) مشیری، فریدون اردیبار آشتی تهران چشمه ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۱۴۹ ص ۱۴۰۰ ریال

۱۳۹) ملکی، غلامرضا از میان دو لحظهٔ آنی. بی ح. ناشر. شاعر. ۱۳۷۲ ۹۶ ص ۹۰۰ ریال

۱۴۰) بوری پارسا (شاهحسینی)، ابوطالب، آلام قلب من اهران ناشر شاعر ۱۳۷۱ ۲۳۲ ص ۱۷۰۰ ریال

● داستان ایرانی

۱۴۱) آقانی، احمد. شب گرگ تهران به نگار ۱۳۷۲ ۱۹۰ ص ۱۰۰۰ ریال

۱۴۲) بدر طالعی، محمود نماران تهران ناشر مؤلف [چشمه] ۱۳۷۱ ۶۸ ص ۷۰۰ ریال

۱۴۳) پاکرادی، محمود. کفشهای اررو. تهران ناشر مؤلف. [چشمه] ۱۳۷۱ ۸۰ ص ۷۰۰ ریال

۱۴۴) ————— یادداشت‌های یک پرشک تهران کوهسار ۱۳۷۱ ۱۷۶ ص ۱۵۰۰ ریال

۱۴۵) حائری، عبدالهادی آن چه گذشت نقشی از نیم قرره تهران معین ۱۳۷۲ ۵۵۲ ص ۴۵۰۰ ریال

۱۴۶) داکر، محمدرضا دیار من همیشه حزان است مشهد کتاب ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۲۴۰ ص و ازه نامه ۹۵۰۰ ریال

۱۴۷) روحانی، مریم. خانهٔ محبوب من تهران. رهای فرهنگی ۱ [توزیع ۷۲] ۷۰ ص مصور ۶۵۰ ریال

۱۴۸) ساعدی، علامحسین. غزاداران بیل تهران قطره ۱۳۷۰ [توزیع ۷۲] ۱۳ ص ۲۵۹ ص ۳۱۰۰ ریال

۱۴۹) شیععی، شهرام دیروز مهتاب عروسی کرد تهران فرهنگی ۱۳۷۱ ۴۷ ص ۵۰۰ ریال

۱۵۰) علوی، بررگ موریانه تهران توس ۱۳۶۸ [توزیع ۲۴۶ ص

رمان حدیدی است از خالق آناری حور جسمهایس. میرزا. ح. غیره

۱۵۱) کلهر، مزگان کلاعه می‌پزند! طراحی. نیلوفر میرم تهران شرگل ۱۳۷۲ ۶۱ ص ۵۵۰ ریال

۱۵۲) محمود، احمد از مسافرت تا تب‌حال تهران معین ۴۲۵ ص ۳۲۰۰ ریال

(۱۶۳) کاس دوپل، ارتور، ماجراهای شرلوک هولمز، کارآگاه خصوصی
ج ۱، رسوائی در کشور نوهم و پنج داستان دیگر، ترجمه کریم امامی
تهران، طرح نو ۱۳۷۲ شش + ۲۴۰ ص ۲۷۰۰ ریال
نخستین ترجمه حدی از آثار کاس دوپل (متولد ۱۸۵۹)، نویسنده انگلیسی
و حلقه شرلوک هولمز است که هزار است به تدریج و در ۴ جلد منتشر شود
بریت ارائه داستانها، براساس ترتیب اسرار من اصلی آنها است
(۱۶۴) گوردیمر، نادین خانواده حولای ترجمه لیلی مصطفوی کاشانی
تهران همراه ۱۳۷۱ به ۲۷۵ ص ۲۵۰۰ ریال
گوردیمر، برنده جایزه ادبی نوبل ۱۹۹۱، از نویسندگان سده بیست
اخریای جنوبی است که آثارش را با تعیض برادی، مضمون اصلی غالب آثار
وی است این داستان بر حسن مضمونی دارد
(۱۶۵) لیجانوف، آلبرت ژنرال من ترجمه حسن اکریان طبری تهران
میا ۱۳۷۱ ۱۲۱ ص ۱۷۵۰ ریال
(۱۶۶) هاول، واسلاو و سوسه/ گزارش اداری ترجمه شهزاده شعیبی
سیرا شیدا ۱۳۷۰ [تورج ۷۲] ۲۰۴ ص ۱۲۰۰ ریال
دو داستان از نامشاه موس و سیاستمدار سرساز معاصر حکسلو اکی
(متولد ۱۹۳۶) است

● درباره ادبیات

(۱۶۷) اندرس، یاروسلاف سیلان کوئندرا [از مجموعه «سبلم» (۳)]،
ترجمه حشمت کامرانی تهران سمر ۱۳۷۲، ۱۲۰ ص فهرست راهما
۱۲۰۰ ریال
مجموعه‌ای که تحت عنوان «سبلم» عرضه می‌شود در واقع ترجمه
مقاله‌ای از درباره‌المعارف ادبیات جهان است کتاب حاضر از مجموعه
European writers آن درباره‌المعارف انتخاب و ترجمه شده است این اثر به
نقد و تفسیر آثار میلان کوئندرا (متولد ۱۹۲۱)، نویسنده معاصر حک احصا
دارد که می‌است که هزار است از این مجموعه هر ماه حداقل دو کتاب منتشر
شود مستحبات دو کتاب دیگر از این مجموعه را نیز که هم امسال منتشر شده
است به دست می‌دهم لئون هاوارد، هرمان ملویل (۱)، ترجمه حسام
دیهیمی، ۱۰۲ ص، ۲۰۰ ریال و امری جورج، جورج لوئیس (۲)، ترجمه
عرب‌الله فولادوند، ۱۲۲ ص، ۱۵۰ ریال ریزر کردن حرف من و اعدام دو
یا سه جلد آن در یک مجلد، از جمله راهمایی است که می‌تواند در بایس آوردن
قیمت بسیار زیاد این مجموعه ارزشمند مؤثر باشد
(۱۶۸) راهمی، رضا طلا در من (در شعر و شاعری) تهران ناشر
مؤلف ۱۳۷۱ [تورج ۷۲] ۳ ح ۲۱۰۵ ص فهرست راهما بهای دوره
سه جلدی ۲۰۰۰ ریال
کتاب حاضر حاوی مقالات و مصدات مولف درباره شعر و شاعری در
فاصله سالهای ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۷ است
(۱۶۹) پورحالی چترودی، مهدخت فرهنگ قصه‌های پیامبران اتحلی
شاعرانه اشعارات داستانی در مثنوی مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱
۴۶۴ ص فهرست راهما ۲۶۰۰ ریال
مؤلف با رجوع به کتب فقهی و تاریخ و تفسیر کوشیده است مضامین
تاریخی و فرآین و داسانی گوناگونی را که مولانا در حکایات و مننلاب مثنوی
به کار برده است بار نماید
(۱۷۰) کریمی، لطف‌الله بررسی تطبیقی اصطلاحات ادبی
(انگلیسی-فارسی) تهران مجمع علمی و فرهنگی محد ۱۳۷۲ ۱۵۶ ص
۱۳۰۰ ریال
مؤلف کوشیده است رایجترین اصطلاحات ادبی انگلیسی و فارسی را با هم
مقایسه کند کتاب به گونه‌ای تدوین شده است که خواننده آن باید هم به زبان
فارسی و هم به زبان انگلیسی تسلط داشته باشد
(۱۷۱) گمت و گونا احمد شاملو، محمود دولت‌آبادی، مهدی احوان ثالث،
به اهتمام محمد محمدعلی تهران قطره ۱۳۷۲ ۲۸۲ ص فهرست راهما
۲۸۰۰ ریال

سالهای این مجموعه در بین سالهای ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۲ در سرباب و
مجموعه‌های متفاوت منتشر شده است
(۱۵۳) مدار صفر درجه، تهران، معین ۱۳۷۲ ۳ ح ۱۷۸۲ ص
بای دوره سه جلدی ۱۴۰۰ ریال
(۱۵۴) یوسی، ابراهیم، گورستان عریان تهران نگاه ۱۳۷۲ ۶۴۸ ص
۶۵۰ ریال

۹ داستان و فیلمنامه خارجی

(۱۵۵) برگم، اینگمار پرسونا [فیلمنامه] ترجمه بهرور تورانی
پران میا ۱۳۷۲ ۹۴ ص مصور ۱۰۰۰ ریال
(۱۵۶) سونات پاییری [فیلمنامه] ترجمه بهرور تورانی تهران
پا ۱۳۷۲ ۱۰۴ ص مصور ۱۰۰۰ ریال
(۱۵۷) پایبول، مارسل ژان دو فلوورت (و) دختر چشمه، ترجمه سروش
سی تهران چشمه ۱۳۷۱ [تورج ۷۲] ۶۰۲ ص
(۱۵۸) پروست، مارسل در جستجوی رمان از دست رفته ح ۳ طرف
برتاب (۱) ترجمه مهدی سخانی تهران نشر مرکز ۱۳۷۲ ۳۷۲ ص
۵۸۰ ریال
نقد و گرامر سومین کتاب در جستجوی رمان، اردو حسن سبکل نافه که
سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۲۱ اسرار یافت ناسر ایرانی سر به بیع غالب ناسران
حی این اثر، دو حسن فطور کتاب طرف گرامر را به صورت دو مجلد
با ارائه منس می‌کند مرحم در این مجلد بر مایند دو مجلد بیسی، مقدمه
میل و یادداشت‌های سودمندی دارد که خواننده را در درک بهتر این اثر بررگی
ای می‌رساند این اثر در کل ۸ جلد می‌باشد
(۱۵۹) رولان، رومن سفر درونی ترجمه م ا نادین تهران حامی
۱۳۷ [تورج ۷۲]، ۳۵۲ ص، ۳۰۰۰ ریال
این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۴۲ منتشر شد، اما حاک من کامل آن، با
تصویر خود رولان، پس از مرگ وی منتشر گردید ترجمه حاضر از روی
من شامل کتاب حاک شده است کتاب حاضر حاصل آمالاب درونی رولان
آثار و دیدگاههای هنری و اجتماعی خود است
(۱۶۰) ستایسک، جان (و) دیگران سکوت و پنج داستان برگزیده دیگر
ترجمه علیمحمدی تهران سروش ۱۳۷۱ ۱۰۴ ص ۱۰۰۰ ریال
«سکوت»، لنوید آرندریف/ «هزار»، جان ستایسک/ «در جستجوی فیبی»،
سورور-رایسر/ «مرگ در جنگل»، سروود آندرسن/ «خانواده گریلف»،
آی اوکاکر/ «زور مغرور»، جویس کاردی، عنوان داستانها و نام نویسندگان
مجموعه است
(۱۶۱) فری من، سینتیا لی لی و آروهاش ترجمه مریم بیات تهران
نشر ۱۳۷۱ [تورج ۷۲]، ۵۵۶ ص ۶۶۰۰ ریال
چوب بود مترجم همتی می‌کرد و مختصری در شرح حال نویسنده به کتاب
افزود
(۱۶۲) فلیسی، فدریکو روشنائیهای وارسته (و) شیخ سفید ترجمه
نوشنگ گلیمکانی، تهران اوجا ۱۳۷۰ [تورج ۷۱]، ۲۲۱ ص ۱۴۰۰ ریال
د فیلمنامه است از فیلمساز معروف ایتالیایی، فدریکو فلیسی (متولد
۱۹۲۰)، که از پایه‌گذاران نهضت نئورئالیسم محسوب می‌شود

گفتگوهای این مجموعه در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ صورت گرفته و ظاهراً غالب مطالب این کتاب فلا در سریه‌های گوناگون منتشر شده است
 (۱۷۲) مدنی، ارزنگ عشق در ادب فارسی از آغاز تا قرن ششم
 تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی پژوهشگاه ۱۳۷۱ هجده
 + ۲۹۶ ص فهرست راهما ۲۰۰۰ ریال

(۱۷۳) معدن‌کن، معصومه بزم دیرینه عروس، شرح پابنده قصیده از دیوان حقایق ویراسته احمد سمعی (گیلانی) تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۲ ۵۷۴ ص فهرست راهما ۴۹۰۰ ریال
 در این کتاب قصاید بلند حافظی (۵۲۰-۵۹۵ هـ) که در سبک سرودگار و رسول اکرم (ص) و وصف مناسک حج و احوال روحانی ساعر و مواعظ است با بهره‌گیری از منابع دست‌اول شرح شده است مؤلف ابتدا اسفار مورد شرح خود را آورده است و سپس در بخش دوم کتاب به شرح عبارات و اصطلاحات مشکل هر سب پرداخته است مؤلف همچنین مقدمه مفصلی نگاشته است و در آن به نکاتی چون بردن‌های حافظ، مذهب و اعتقادات وی، اوصاف تاریخی، حوادث زندگی و سبک و ویژگی‌های اسفار وی پرداخته است
 (۱۷۴) هاشمی‌سب، صدیقه کودکان وادیات رسمی ایران تهران سروش ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] هجده + ۳۵۱ ص نمودار جدول ۲۰۰۰ ریال

کتاب حاضر به بررسی جنبه‌های مختلف باروبوسی آثار کلاسیک ادبیات فارسی برای کودکان و نوجوانان ایرانی اختصاص دارد مؤلف کوشیده است ثلثه باروبوسه‌ها را از آغاز تا سال ۱۳۶۶ مدنظر داشته باشد و حکونگی کار باروبوسان را با مبنای ادب رسمی مقایسه و نقد کند

تاریخ

(۱۷۵) حاماجی، بهروز اش بر فرار تیر بر سر ایران و بیخ ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۲۷۵ ص ۲۲۰۰ ریال

مؤلف کوشیده است وسیع‌ترین مباحث ایران را در حلال سالهای ۱۸۲۷ تا با مبنای جنگ دوم جهانی، در مدنی بردن به ۱۲۵ سال، بررسی کند مطالب کتاب عمدتاً حول بحاورهای نظامی ثنائون به ادر مباحث در طی این دوره و واکنس مردم آن خطه به آن بحاورات است

(۱۷۶) زرگر، علی‌اصغر تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه ترجمه کاوه بیات تهران پروس (و) ممس ۱۳۷۲ ۴۸۴ ص مصور فهرست راهما ۴۸۰۰ ریال

هدف از تحقیق حاضر بررسی روابط ایران و انگلیس در حلال دوره ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۱ م (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هـ) است و مطالعه تأثیر اسفار دیپلماتیک در ایجاد سوووی و رند باسواولسم ایرانی در سالهای پس از جنگ جهانی اول بر روابط دو کشور کتاب حاضر رساله دکتری مؤلف آن در دانشگاه رواس (۱۷۷) قاضی (شکیب)، نعمت‌الله علل سقوط حکومت رضاشاه تهران آثار ۱۳۷۲ هشت + ۲۴۰ ص فهرست راهما ۴۸۰۰ ریال

(۱۷۸) فلور، ویلم هلندیان در حریره حارک (خلیج فارس) در عصر کریمخان رند ترجمه ابوالقاسم سری تهران توس ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۳۱۰ ص فهرست راهما

شرح زندگی و کار و کوشس ۱۲ ساله هلندیان در حریره حارک در عصر کریمخان رند است از این مؤلف ویراستاس هلندی تا کنون چند کتاب دیگر نیز به ترجمه همس مترجم و توسط همس مترجم به فارسی ترجمه و منتشر شده است، از جمله اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران (۱۹۴۱-۱۹۰۰) (در سال ۱۳۷۱)، صمعی سدن ایران و سورس سیح احمد مدنی (۱۹۲۵-۱۹۰۰) (در سال ۱۳۷۱)

(۱۷۹) مشکور، محمدحواد جغرافیای تاریخی ایران باستان تهران دیبای کتاب ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۱۱۵۴ ص نقشه ۹۸۰۰ ریال
 کتاب حاضر شامل مطالب تاریخی درباره ایران قدیم اردوره بیس از مادها تا اوایل اسلام است

(۱۸۰) میرعاندینی، سیدابوطالب بلخ در تاریخ و ادب فارسی [تهران] نشر صدوق ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۳۷۶ ص نقشه فهرست راهما ۲۲۵۰ ریال

مؤلف کوشیده است تاریخ و جغرافیا و فرهنگ بلخ را در طی اعصار، روایای گوناگون بررسی کند بقود همامسیان و آمدن اسکندر، بلخ در دوره اسکانی و ساسانی، باینتج فرار دادن بلخ به دست اسدس عبدالله قسری سوسی همام بن عبدالملک، تلالس سسیان و سعوسه و قیام ابومسلم، سحر عربونان و ناعهای بلخ تا زمانی که به مرار سرف تغییر نام می‌دهد، جغرافیای باستانی بلخ بعد از اسلام، و بالآخره منابع طبیعی و محصولات بلخ همه و همه، جمله موضوعات کتاب حاضر است

(۱۸۱) نجفی، موسی متون، مناسی و نکوس اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۱ ۱۷۷ ص ۱۱۵۰ ریال
 (۱۸۲) نظامی باحرری، عبدالواسع مقامات جامی، گوشه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی خراسان در عصر تیموریان مقدمه، تصحیح و تعلیقات ارجیب مایل هروی تهران نشری ۱۳۷۱ چهارده + ۴۰۰ ص فهرست راهما ۴۲۰۰ ریال

از مهمترین و مفصلترین مقاماتی است که در زمینه سرگردس و اندسه، اسعار و انار حامی و رویدادهای عصر او پرداخته شده و گوشه‌هایی از تاریخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هرات و برخی دیگر از شهرهای خراسان روس ساخته است عبدالواسع نظامی ادراسمداد سده بهم هجری است مصحح در مقدمه خود بر این کتاب شرح مفصلی درباره حامی، مقامات بوسی علل اهمیت ثبات حاضر و نیز دیگر آثار نظامی باحرری و سحدهای جنبی موجود از این کتاب آورده است

(۱۸۳) هیستس، والتر شاه اسماعیل دوم صفوی ترجمه ککاوین جهانداری تهران انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۱۶۲ ص فهرست راهما ۱۴۰۰ ریال

زندگینامه، خاطرات و سفرنامه

● ایران

(۱۸۴) آرامش، احمد پیکار من با اهریمن، یادداشت‌های رندان به کوشش خسرو آرامش تهران فردوس (و) مجید بی تا [توریع ۱۷۲] ۲۷۷ ص ۲۵۰۰ ریال

احمد آرامش از وررای دوره سلطنت شاه سابق بود که در مجلس سورای ملی به مخالف علی با سیاسهای شاه پرداخت آرامش در سال ۱۳۳۹ به سمت وزیر مشاور و سر تربست سازمان برنامه منصوب گردید اما به علت مخالفهاس با سیاسهای شاه به هفت سال رندان محکوم گردید حانته کتاب می‌خوانم وی پس از آزادی از رندان در بایبر ۱۳۵۲ در نازک لاله به دست مأموران ساواک کسه سد و ریم وف اعلام کرد که حرکهای مسلح وی برور کرده‌اند کتاب حاضر شامل خاطراتی است که آرامش در طی دوره رنداس به رسنه بحر برد آورده است این کتاب در سال ۱۳۵۸ با عنوان هفت سال در رندان اریامهر، به کوشس اسماعیل رائین و توسط نگاه ترجمه و سر کتاب حات و مسر سد ظاهرا نسخه رائین افادگیهایی داشته و حات حاضر صورت کامل خاطرات آرامش است

(۱۸۵) نقانی، اسدالله شیخ بهانی در آینه عشق اصفهان امور فرهنگی شهرداری اصفهان (و) انتشارات گلها ۱۳۷۱ دوازده + ۳۵۸ ص مصور نمونه نسخه فهرست راهما

کتاب حاضر به شرح امار و احوال و زندگی شیخ بهاءالدین محمد عاملی معروف به سح بهانی، اختصاص دارد

(۱۸۶) سمعی، احمد معماران تمدن بزرگ تهران روایت ۱۳۷۲ ۲۰۰ ص. مصور فهرست راهما. ۱۹۰۰ ریال.

«تمدن بزرگ» از اصطلاحاتی است که شاه در سالهای پس از ۱۳۴۲ وضع کرده بود کتاب حاضر زندگینامه تعدادی از رجال دوره سلطنت شاه است که به

عبد مؤلف از معماران معدن بررگ ساه بوده اند. موحهر ارمون، هوسنگ
ساری، هادی هدایتی، و امیر عباس هویدا

۱۸۷) کیانوری، نورالدین. *حاطرات نورالدین کیانوری تهران دیدگاه*
اطلاعات ۱۳۷۱ ۶۸۷ص. مصور فهرست راهما ۷۰۰۰ ریال

۱۸۸) کیانوری (مولد ۱۲۹۴) آخرین دبیر اول کمنه مرکزی حرب بوده بود وی
کتاب حاطرات خود را از دوره های گوناگون فعالیتش در حرب بوده
ترجیه است این کتاب به روش مضاحبه بهیه و بدویں سده و مطالب ان در
۲۶ خرداد ۱۳۷۰ تا ۷ اردیبهست ۱۳۷۱ تهیه سده است از ورکهای
کتاب است این است که کیانوری همچنان گرایش مارکسستی خود را
سده و ده و نگاه از بلتینس به عنوان عامل امر بالسم نام برده است
کتابی است که بخشی از این حاطرات فلا در صمیمه اطلاعات منتشر سده

۱۸۸) گفتگوهای من با شاه (حاطرات محرمانه امیر اسدالله علم) زیر
ظیر عبدالرضا هوتنگ مهدوی. تهران طرح بو ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲ ح ۲
نخست ۹۶۲ص

کتاب حاضر شامل حاطرات روزانه امیر اسدالله علم، وزیر دربار ساه سابق
حاطرات علم از سال ۱۳۴۷ آغاز می سود و با وقعه های مکرر با
دبیری از سمت وزارت دربار در باستان ۱۳۵۶ (۱۹۷۷م) ادامه دارد
کتاب ترجمه کرده و لب حاطرات ۵۰۰ صفحه ای علم است که برای
مندان انگلیسی در سال ۱۹۹۱ در لندن منتشر سده حناکه در مقدمه کتاب
می خوانیم نسخه فارسی و کامل حاطرات علم هور اسرار یافته است، اما
نسخه دیگری نه دست به اسرار حاطرات علم رد ادعای دیگری دارد
نسخه ای علم من کامل دست نوشته امیر اسدالله علم ح ۱ از
۱۳۴۷/۱۱ تا ۱۳۴۸/۱۲/۲۹، و برایں و مقدمه از علی غایی عالنجانی،
چ ۱. باستان، ۱۳۷۱، ۲۳۱ص حناکه در مقدمه کتاب اخیر می خوانیم، این
جلد نخست از مجموعه ای ۴ یا ۵ جلدی است

۱۸۹) علامه، صمصام الدین سسامة دودمان ایت الله میرزا محمد
نخست علامه تنکاسی، به انضمام شرح احوال خاندانهای وابسته تهران
تا ۱۳۷۱ ۲۸۰ص مصور نمونه نسخه

۱۹۰) مصطفوی، علی اصغر رمان و ردگی استاد پورداد بی جا
مؤلف ۱۳۷۲ ۴۶۳ص نقشه ۴۵۰۰ ریال

مؤلف کتاب که خود از ساگردان مرحوم پورداد (۱۳۴۷-۱۳۶۴س) بوده
نویسنده است ردگی پورداد را از حبه های گوناگون بررسی کند
۱۹۱) براف، احسان از کاح شاه تا زندان اوین. ترجمه سعید ادبی
تهران رسا ۱۳۷۲ ۵۱۸ص ۵۵۰۰ ریال

کتاب حاضر به بررسی برخی از رویدادهای سالهای آغازین انقلاب
اسلام ایران و بی حویی علل و ریشه های نکوس ان اختصاص دارد این
کتاب سال ۱۹۹۱ در نارس (اسرار Balland) و به رمان فراسوی،
مستند برای اطلاعات بیشتر درباره این کتاب به نقدی که ع روح بحسان
مخبره سرداس (سال دوازدهم، شماره دوم) بر این کتاب نوشته رجوع
سده ترجمه فارسی ان بر بخش «نقد و معرفی کتاب» همین شماره
نویسده است

● جهان

۱۹۲) استون، ابروینگ ژرفای افتخار ترجمه پرتو اشراق تهران
نشر ۱۳۷۲ ۶۷۱ص ۵۵۰۰ ریال

کتاب در این کتاب به سرح ردگی کامیل بیسارو، عباس امیر سیو بیست
حبه است

۱۹۳) نادی، وسان ولتر، نامه ناشاخته ترجمه غلامرضا سمیعی
تهران بردان ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۲] ۲۹۲ص ۱۴۰۰ ریال

۱۹۴) بیک بونگ ستاره صبح کره (ردگینامه کیم ایل سونگ) ح ۱
مولد تا نارگشت پیروزمندانه به میهن ترجمه سیدخلیل شاهرودی
نگرودی تهران، امیر کبیر. ۱۳۷۲ ۶۴۰ص مصور نقشه نمونه سده
۷۰۰۰ ریال

کتاب حاضر سرح ردگی، ارا، و فعالیت های سیاسی، برال کیم ایل سونگ
(متولد ۱۹۱۲) رهبر کمونسب کسور کره، و ارسنگامان مبارزه مسلحانه مله
استعمارگران راسی است نویسنده، که طاهرا از نظر برداران و نویسندگان
رسمی حرب کمونسب ترده است، از شم ایل سونگ به عنوان یکی از
برحسته ترین رهبران حسن انقلابی طقه کارگر دنیا یاد کرده است کتاب
حاضر شامل وقایع دوران کودکی و فعالیت های انقلابی اعارس کیم ایل سونگ و
رهبری مبارزه مسلحانه علیه راسی است کفشی است ک من اصلی کتاب
حاضر در سال ۱۹۶۸ منتشر سده است

۱۹۵) رولان، رومن ردگی بهوون ترجمه محمد مجلسی، ویراسته
مصطفی پورتزات تهران دبای بو ۱۳۷۲ ۴۸۰ص مصور

رومن رولان (۱۸۶۶-۱۹۴۴)، برنده حاره ادبی نوبل در مجموع ردگی
سه همرمند بررک را به نگاش درآوده است بهوون (۱۹۰۳)، میکال ابر
(۱۹۰۶)، و تولستوی (۱۹۱۱) اما علاقه وی به بهوون سب سده نه اوتع بی
درباره وی را ادامه دهد و آن را به شکل سانی در چهار جلد، که در فاصله
سالهای ۱۹۲۸ تا ۱۹۲۳ به بدریخ اسرار یافت، به امام رساند طاهرا کتاب
حاضر ترجمه جلد نخست از ان محمه غه چهارگانه است

۱۹۶) سفرنامه یارون فودور کوروف ترجمه اسکندر دیبجیان تهران
فکر روز ۱۳۷۲ ۲۷۰ص

مؤلف کتاب جهانگردی روسی است که در طی سالهای ۱۸۳۴ و ۱۸۳۵
(یعنی در زمان قوت محلی ساه و به سلطت رسیدن محمد میرزا و سقوط
فانم مقام) از ایران یاردید کرده بود کتاب حاضر سرح مساهذات و حاطرات او
از این سفر به ایران است از جمله مطالب خواندنی کتاب، برخی است که
مؤلف درباره میرزا فانم مقام، وزیر محمد میرزا، آورده ۵۰۰ را سحشی طماخ،
نوبل برست و خرافاتی معرفی کرده است

۱۹۷) فرانک، ان حاطرات یک دختر جوان ترجمه شوارو ونگران
تهران میلاد ۱۳۷۲ ح ۲ ۳۱۷ص ۱۸۰۰ ریال

ان فرانک دختری جوان و بهودی بود که در طی حثت های دوم، برای
فرار از دست بلیسهای ضد بهود المانی به مدت دو سال همراه خانواده اس در
محیطگاهی در هلند ردگی کرد کتاب حاضر سرح حاطرات این دو، ان است
۱۹۸) یانگ، هوگو یکی از ما، ردگی نامه مارکارت تاجر ترجمه
مهیمن قهرمان ویراسته مه گونه قهرمان تهران خاودان ۱۳۷۱ ۵۶۰ص
مصور ۵۵۰۰ ریال

کتاب حاضر که من اصلی ان در سال ۱۹۹۰ در انگلستان اسرار نامه
است، به سرح ردگی مارکارت تاجر، نخست وزیر سنس انگلستان اختصاص
دارد هدف مؤلف از نوشتن این کتاب، حناکه خود در مقدمه آورده است، این
بوده که ثابت کند تاجر رهبری موفی بوده که در جهت مصالح بریتانیا خدمات
سیاسی انجام داده است مؤلف همچنین نویسنده است سرح روسی از وقایع
دوره صدارت تاجر در احتشار نگدارد

جغرافیا

۱۹۹) اسعدپور بهرادی، رهرا کیمیای باسوت تهران ناشر مؤلف
۱۳۷۲ ۳۳۶ص مصور نقشه نمونه سده ۳۰۰۰ ریال

تحقیقی است درباره جغرافیای تاریخی شهر بم، مؤلف تاکید بسیاری در
بررسی مسائل گوناگون مربوط به آرگ بم داشته است

۲۰۰) بهرامی احمدی، حمید شهرهای گمشده پژوهشی در جغرافیای
تاریخی رفسنجان تهران اطلاعات ۱۳۷۱ ۷۵ص مصور ۶۰۰۰ ریال

من سحرابی نویسنده کتاب است در دومین سمینار کرمان ساسی
(۲۰۲۲-۲۰۲۱ مهر ۱۳۷۱)

۲۰۱) پویا، سید عبدالعظیم سیمای باستانی شهرمید، بررسی تاریخی
سارواره وساحت یک شهر کویری یرد، دانشگاه اراد اسلامی واحد مید
۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۲۰۲ص. مصور نقشه واره نامه فهرست راهما
«نگاهی به موقعیت جغرافیایی منطقه و بدیده های ده سیمی در مید».

«سدایس شهر»، «سهرساری مند»، «سیمای شهر قدیم مند»، «ساحب و سارمان قضایی در محدوده و گستره‌ی شهر قدیم»، «نفس اب، کاربرها، اب انبار و اساری در ریخت‌سازسی شهر»، «سر دگرگونی و گسترش شهر»، عنوان بخشهایی از کتاب است

۲۰۲) حیات، میرسیدعلی الاصفهانی به اهتمام عباس نصر اصفهان امور فرهنگی شهرداری اصفهان- انتشارات گلها ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲ ح ۲ سیرده + ۳۵۳ ص نمونه نسخه جدول فهرست راهما
حیات بخش این کتاب به سال ۱۳۳۳ در مطبعه فرهنگ و توسط اداره معارف (آموزش و پرورش وقت) صورت گرفت تاریخ، جغرافیا، آب و هوا، و مذهب در اصفهان، فهرست مساجد و معابد و حمامها و کاروانسراها و مدارس قدیمه و حدیده و مکتب خانه‌های اصفهان و نیز روزنامه‌ها و تصادرات و واردات اصفهان در این زمان (اوایل حکومت رضاشاه) از جمله اطلاعاتی است که این کتاب در احصای می‌گذارد

۲۰۳) ریاضی، نرمان حوریه رودخانه ناهوکلان، منطقه‌ای با ویژگیهای منحصر به فرد تهران سازمان حفاظت محیط زیست ۱۳۷۱ ح ۲ ۸۸ ص مضمون ۴۰۰ ریال

حوریه رودخانه ناهوکلان در مسافته جنوب شرقی بلوچستان قرار دارد کتاب حاضر به بررسی گونه‌های گیاهی و جانوری خاص این منطقه اختصاص دارد

۲۰۴) ناوری، فرامرز، شناسایی کشورها آسیا تهران سازمان جغرافیایی و کاروبوگرافی گیتاسازی ۱۳۷۲ ۳۲۰ ص مضمون نقشه ۳۹۰۰ ریال

در این فرهنگ کشورهای آسیایی بر اساس حروف الفبای نامسا نظم و درباره هر کشور اطلاعاتی عرضه شده است

نشریه‌های علمی و فرهنگی

● اطلاعات سیاسی- اقتصادی (فروردین و اردیبهست ۱۳۷۲)
«دموکراسی، دیکتاتوری و مسئولیت ملت»، «نگاهی دیگر به مسئله جرایم خلیج فارس»، «مارکسیسم فلسفی و اندالستهای هگل گرا»، «درسهای از قرن بیستم»، «سکنت سوسالسیها در فرانسه»

● جنگ ریاضی دبستان الر (س ۱، ۱-۷۲-۱۳۷۱)
«خلاصه الحساب سبع نهایی»، «ناارکها استی کشم»، «میرگردی در مورد ریاضیات گنسیه نا دوس از ریاضی دانان برجسته ایرانی ادکتر علامرضا برادران خسروسازی و دکر عبدالله محمودیان»، «انا امورس نا کامیو تر مفسر است؟»، «معرفی یک فارغ التحصل برجسته الر»

● جنگل و مربع (س ۱۷، بهار ۱۳۷۲)
«تحقیق درباره ارباب نحوه حمل نهال کاج»، «نگرشی بر مشارکت مردمی و مکانیسمهای اجرایی آن»، «اجرداری، راه و سراه»، «سمنور بوم سن المللی کوارتر در ایران»
● جاسار (س ۴۰، اردیبهست ۱۳۷۲).

«امواج انقلاب در پیام رهبر»، «ناکسان، برکناری دولت و آینده‌ای نامعلوم»، «سلطه محدث کمونیستها و سدید بحران در ناکسان»، «بیماری افاری حیست»

● دانشمند (س ۳۱، س ۳۵۷، تیر ۱۳۷۲)

«آینده علم در جهان اسلام»، «نظری حدید درباره گسل و لرزه»، «ملک‌رایی از آب دریا»، «برودی سیمای در اتاق سیمین»، «در حورسند چه می‌گذرد»، «ماهی ۴۰۰ میلیون ساله».

● رسد، امورسی ریاضی (س ۱۰، س ۳۷، بهار ۱۳۷۲)

«انگاره‌ای به حل مسأله و تحقیق»، «تابع و مدار اکریب در جبر توان»، «اتحاد و معادله در مجموعه‌ها»، «نهی در باب کسره‌های مسلسل»، «حاصل جمع توانهای اعداد طبعی»

● ~ امورس سیمی (س ۹، س ۳۴، زمسان ۱۳۷۱)

«کانالروهای حامد اسندی»، «فراندهای فتوسیمایی در سیمای»
«بولید سفال سف»، «سینس ارسیک در محلول ارسین سدیم»

● سفا (س ۱۳، خرداد و تیر ۱۳۷۲)

«سندرم مویجهاون، بیماری سمارحایی»، «گفتگو نا دکر فامیل»
«نفس موسیقی در درمان معلومین»، «الکتر و کاروبوگرافی، یک نا»
بیس»

● تسعت حاب (س ۱۲۵، خرداد ۱۳۷۲)

«انثین نامه و اسده حاب در گفتگو نا مدیرکل حاب و س»، «ماسین‌های برس، دروز و امروز»، «مسایل فی سر»، «یک نا»
کوباه از کارخانه‌ای برک در حومه فرانکفور»

● کلمه (س ۳، بهمن و اسفند ۱۳۷۱)

«ناربحه زمان»، «فرانسی میفاوت در واره‌سازی»، «فطار اسند»، «دیوب»، «حامعه تکنولوری برر»، «سارره طللی سادگر امانه»، «بر ساجل سکه»

● کثلک، ماهنامه فرهنگی- هری (س ۳۹، خرداد ۱۳۷۲)

«موضوع و روح ساهامه»، «احمد محمود و این همه دنیا»، «برک اول (نقدی است از کریم امامی بر فرهنگ انگلیسی- فامیل معاصر، ناآلف محمدرضا ناظمی)»، «نملی در مطبوعات»، «صد نا داستان بویسی ایران»، «موسیقی اسیل ایرانی»، «گفتگو نا دو نفا»
● کبان (س ۳، خرداد ۱۳۷۲)

«الگوی اندیسه دسی در حاکمیت سودان»، «دیداری و خردورس»
«همگرایی مسیحیت و علوم حدید در فرن بیستم»، «نفس اس خلدون حول اندیسه اسلامی»، «مطهری و نظریه فطرب»

● کیهان فرهنگی (س ۱۰، س ۳، خرداد ۱۳۷۲)

«عقل و وحی»، «بیس درآمدی بر مفهوم اقتصاد اسلامی»، «نفس رسامه‌ها»، «سجی در موسیقی عتایی»، «فرهنگنامه عاسو»
«نگاهی به کتابهای تازه»

● معیار (س ۴، فرودین ۱۳۷۲)

«مصاحبه نا سفیر کره»، «تصویری تاریخی از روند توسعه اقتصاد اجتماعی ایران»، «کفیت نا کمب، کدام یک را برگزینیم»، «شونارس»
«نگاهی به ۵ نماسگاه بین المللی کتاب»

● میراب خاویدان، فصلنامه فرهنگی، تحقیقی، تاریخی (س ۱، س ۱)

«نظامهنگ در قرآن»، «واره‌سازسی قرآن»، «نهضت‌های علوم»
«کتاب و کتابخانه در آسیای مانه»، «هر وقف و وقف هر»، «نا»
بیرامون کتاب طرح بعد از سد»، «خلد آرایان و صحافان»

فیلمخانه ملی ایران از همه فیلمنامه‌نویسان حواسه است که برای حفظ حدود مادی و معنوی خود آثار خویش را در این مرکز به ثبت برسانند.

کلاس آزاد عکاسی

انجمن سینمای جوانان ایران به منظور ارتقای سطح هنری علاقه‌مندان به رشته عکاسی از حدودی بیست و نهمین سال برای آموزش عکاسی تشکیل می‌دهد. نه نهمین دوره آن در اواخر بهار ماه آغاز گردید. مدت هر دوره آموزشی سه ماه است و در پایان آن به هنرجویانی که موفقیت کسب می‌کنند کواهینامه داده می‌شود. شرکت در کلاسها به درستی ۱۹ جوانان کاندیدی تشکیل می‌شود. محدودیت سنی ندارد.

جایزه دکتر محمود افسار

در مراسمی که در روز سه شنبه ۲۹ خرداد در محل تالار موقوفه دکتر محمود افسار در تهران برگزار شد، دو جایزه ادبی و تاریخی به دو تن از دانشمندان داخلی و خارجی که خدماتی به زبان و ادب فارسی کرده‌اند اهدا کردند.

در این مراسم که با حضور گروهی از اهل علم و ادب ایران برگزار شد، به دکتر طهورالدین احمد اسناد تاریخی، ستاره‌خور و دکتر محمد دیرسافلی اسناد داسکاه تهران جوایزی شامل مسوور و حکم نقدی داده شد.

طهورالدین احمد که اسناد زبان و ادبیات فارسی در داسکاه خاورشناسی داسکاه نجات بوده است صاحب تالیفات در زمینه مسوور زبان فارسی و تاریخ آن، معرفی ساعران و نویسندگان ایرانی به زبانهای فارسی و اردو است. دکتر محمد دیرسافلی هم مسووری از توفیق است. همس اداره نقشه بود که تاکنون ۷۹ عنوان کتاب از تحقیقات و تالیفات او چاپ و منتشر شده است.

فعالتهای فرهنگی در خارج از کشور

- آلمان - در نهمین جشنواره فیلم موسی ده فیلم ایرانی نمایش داده شد. «سار» ساخته علیرضا داوودنژاد، و «حکمه» اثر علی طالبی.
- آلمان - فیلمهای کوتاه «لاله» ساخته نورمحمد بخاری و «به خاطر نار» به خاطر مریم» اثر مهرداد تو در روز در اولین جشنواره بین‌المللی فیلمهای کوتاه و تریه کودکان در آن به نمایش درآمد.
- بلژیک - در جشنواره ارسینو سلطی فیلم بلژیک، در وکیل فیلم «برکس» به کارگردانی رحسان بی‌اسماء نمایش داده شد.
- آلمان - بلو برتون آلمان فیلم «طلعت» ساخته ابراهیم فرورس (محصول کانون فرورس هجری کودکان و جوانان) را نمایش داد.
- ترکیه - در سیزدهمین مسابقه بین‌المللی کاریکاتور ملاعصرالدین که در استانبول برگزار شد جایزه دست به ابراهیم محمدی بعلی گرفت. و در نهمین مسابقه بین‌المللی کاریکاتور «سنداد سماوی» جایزه افتخاری جشنواره به یارده بهار از جمله دو هنرمندان ایرانی (مصطفی رمضانی، نوکا سسائی) بعلی گرفت. سنداد سماوی سازگذار و برنامه‌ریز بوده است.

در ایران، در جهان

«سازمان میراث فرهنگی» در وزارت ارشاد

به پیشنهاد میراث فرهنگی کشور، از وزارت فرهنگ و به سالی و الحاق آن به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد تأیید شد.

هدف از این تغییر و تبدیل ایجاد هماهنگی بین امور فرهنگی و بخشی سازمان میراث فرهنگی و به سالی و امور فرهنگی و به سالی و الحاق آن به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد تأیید شد.

بزرگداشت عبدالرزاق لاهیجی

در بزرگداشت حکیم ملا عبدالرزاق فاضل لاهیجی در سینه دوم به سالی و لاهیجان برگزار شد.

ملا عبدالرزاق در سالهای آخر قرن دهم هجری در لاهیجان متولد شد و از به سالی و لاهیجان کسب فیض کرد و به دامادی او تایل آمد. او در سال ۱۲۷۳ هجری در قم اردیبهشت از حکیم لاهیجی آثار فلسفی و عرفانی به سالی و حامیده است که معروفترین آنها توه مراد است به فارسی در به سالی و لاهیجان.

مرکز حمایت از مؤلفان و مصنفان فیلمنامه

فیلمخانه ملی ایران به منظور ارتقای کیفی و محتوایی فیلمهای سینمایی به سالی و وجود فیلمنامه خوب است، اقدام به تأسیس «مرکز حمایت از مصنفان فیلمنامه» کرده است.

به اعتقاد مسؤولان «فیلمخانه ملی ایران»، فیلمنامه در سینمای جمهوری اسلامی ایران جایگاهی خاص دارد و از مهمترین عناصر مؤثر در کسب و محتوایی سینما به سالی و رود ریرا که «محل تلاقی به سالی و ادبیات اسلامی و ادبیات این سرزمین با مجموعه فیلمسازی به سالی و لاهیجان».

نشریه‌های تازه

در دوسه ماه اخیر در چند شهر و مؤسسه نشریه‌های تازه‌ای به شرح زیر منتشر شده است

● آتیه، نشریه «سازمان تأمین اجتماعی» است که فعلاً هر ۱۵ روز یک بار منتشر می‌شود و حاوی اخبار و گزارش‌هایی در مورد مسائل مربوط به بهداشت، بیمه، تأمین اجتماعی و حفاظت محیط زیست و محیط کار است

در سرمقالهٔ اولی شمارهٔ آن تحت عنوان «راهی به سوی عدالت اجتماعی» گفته شده است که «محقق عدالت اجتماعی يك ارزوی دیرینهٔ بشر است اما این که عدالت واقعی چیست و چگونه محقق می‌شود بررسی است که به آن باسجهای متفاوت داده‌اند»
انگاه پس از نقل اصولی از قانون اساسی که مرتبط با موضوع هستند، تأکید شده است که آنه امدوار است «به عنوان يك وسیلهٔ ارتباطی- فرهنگی» نفسی را که برای خود ترسیم کرده است به حوی آنها کند

اینه در شکل و شمایل مطلوب و صفحه‌آرایی مناسب و به صورتی حرفه‌ای چاپ شده است و امید می‌رود که خوش آیه باشد
● امید ریحان، که در قطع بزرگ و برنامه‌ای و در ۱۲ صفحه در ریحان منتشر می‌شود يك نشریهٔ دوهفگی است که عمدتاً برای انعکاس خبرها و فعالیتهای استان ریحان تأسیس شده است

ریحان تا پس از این دارای نشریاتی بوده است مثل انقلاب ریحان، نام ریحان، و دانشگاه ریحان که به طور منظمه منتشر شده‌اند و امید می‌رود که با امد ریحان صاحب يك نشریهٔ خبری مرتبط شود

● رنی، عنوان نشریه‌ای است که روزه‌های دوسه در شهر ری منتشر می‌شود و نشریه‌ای است «سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ورزشی»
● فرهنگ آفرین، نشریه‌ای است «فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ادبی و ورزشی» که به طور هفتگی در ۱۶ صفحه رنگی به وسیلهٔ دانشگاه اراد اسلامی انتشار می‌یابد

● فصلنامهٔ بروهس و برنامه‌ریزی، عنوان نشریه‌ای است که به وسیلهٔ وزارت فرهنگ و امور عالی منتشر شده است

● کتاب قصه، فصلنامهٔ تخصصی ادبیات داستانی است و اولی شمارهٔ آن (بهار ۱۳۷۲) حاوی چند قصه، گزارش و تحقی دربارهٔ داستان کوتاه است

● میراث حاویدان «فصلنامهٔ فرهنگی، تحقیقی، اجتماعی، تاریخی» سازمان اوقاف و امور خیریه است که اولی شمارهٔ آن در بهار ۱۳۷۲ در قطع رحلی و به صورتی نفیس منتشر شده است

در سرمقالهٔ این شماره با عنوان «ن و القلم»، گفته شده است که این فصلنامه «مجال است تا صاحبان اندیشه و قلم نمرهٔ مطالعات و پژوهشهای خویش را در عرصهٔ معارف دینی، ادبیات و هنر، بروهشهای تاریخی، مباحث اجتماعی، بررسی و نقد متون و علوم فرای در اختیار اهل معرفت قرار دهند»

این شماره حاوی مقالات و تحقیقاتی است دربارهٔ قرآن، کتاب، کتابخانه، وقف، ادب و هنر و خلاصهٔ مقالات به زبان انگلیسی نکته‌ای که به نظر گزارشگر می‌رسد این است که سازمان اوقاف و امور خیریه تعداد معینیهی سند در اختیار دارد که غالب آنها منحصر به فرد است اما هنوز هیچ مطالعهٔ حدی و علمی و منطقی دربارهٔ آنها انجام

نگرفته است انتشار میراث حاویدان می‌بواند حای مطلوبی برای ا و حاب بدرجی آن اسناد باشد

«سالنامهٔ گل آفا» در سال ۱۳۷۱

سالنامهٔ سال ۱۳۷۱ گل آفا در ۱۶۲ صفحه به قطع رحلی تا اینکه در اسد ماه همان سال بدوین سده بوده است بالاخره در اواخر اردیبهست در ۷۲ «با هزار ضرب و زور از مطبعه خارج اسد» و روانهٔ بازار گردید»
اوایل برماه به دست گزارشگر رسید

این سالنامه که دومین شماره از مجموعهٔ سالنامه‌های سلسلهٔ مطبوعهٔ انتشارات هفگی، ماهانه، فصلانه (۱) و کتابهای کل آفایی است حای بخشهای زیر است مقدمه، نقد و حواسی و بررسی، چند کف و حط مسی کل آفا، در احوال علامه دهخدا، ناد ابوالقاسم حائ حاربه‌های سیمایی گل آفا، داستان، صلح از دنگاه کاریکاتوریسها سم اقتصادی، کنگرهٔ طبر ایران، دست بوسته‌های گل آفا، ست دفاع تاریخی در کاریکاتور همراه با تعداد قابل توجهی طرح و کاریکاتور، فهرست توصیفی «مطبوعات طبر در ایران از اغار تا کنون» با معرفی نااسمل

سالنامهٔ گل آفا مجموعه‌ای ددنی و حواندنی است که به دست کومرت صابری و با همکاری گروهی از طبر برداران (از جمله حلا رفیع افاحمال، غلامعلی لطیمی، مرتضی فرحیان، دکتر مسعو کمیگر، عمران صلاحی) فراهم آمده است و مطالعهٔ آن حوانده در حال و هوایی دور از سیاری از کسمکشهای ریدگی و تقلبات حه قرار می‌دهد به قول محمدفاصی، مترحم خیره‌دست و نامدار، «کل در عصر ما یکی از ضروریات فرهنگی لارم برای مردم باسواد ماست می‌توان آن را به چند خیر تسبیه کرد. رنگ بفریح بین دروس مسکل بغیل مدرسه، سحره‌ای رو به ناع که از آن هم روسایی به درون است، می‌تاند و هم بوی گلها به مسام می‌رسد» استراحتگاهی آرام و دلجو برای مسافر حسته و مانده و گرسنه و تنه، خبری حوس که در او باملایمات ریدگی و ریانه‌های کسب و کار به آدم می‌رسد، دارو سفابحس که برسک حادق تحویر می‌کند و ملا تنگی نفس را دره می‌کند و در واقع گل آفا آن برسک و محله‌اس آن فرص است و هر ده نفسهای تنگ را می‌گساید» استاد محمدفاصی در ایضا می‌الواقع اینکه تنها به فاصی نرفه بلکه حق فضاوت را حانکه باید ادا کرده است اما فقط صفتی را که خود گل آفا گاهی من باب طبر به خودس می‌دهد قلم اداخته است و آن «سوبات اطعمیان» است

ترجمه‌ها که به وسیله محققان انجام می‌گیرند به گونه‌ای هستند که برای غیر اهل فن هم مفید باشد
 از این مجموعه تاکنون دو کتاب ترجمه و منتشر شده است
 احسن التماسیم فی معرفه الافالیم، اثر سمس الدین مقدسی که در حدود ۳۸۰ هـ ق فوت کرده است و نداده المحجد و نهاده المصنف، تألیف ابن رشد فیلسوف نامدار اندلسی
 کتابهای دیگر این مجموعه که ترجمه آنها پایان یافته و در زیر چاپ رفته‌اند عبارتند از
 - الانبان فی علوم الفرائ / حلال الدین سوطی (ترجمه حامد الگار)،
 - السیره النبویه / ابن کثیر،
 - الاحکام السلطانیه / ابوالحسن علی ماوردی،
 - الابراف فی اصول الاعقاد / عبدالملک عبداللّه ابن حویی،
 - النحلاء / ابوعثمان حنظل،
 - الاموال / ابن سلام،
 - کتاب التفسیر فی المداوایه والندیر / ابن زهر ابن ابی العلاء اندلسی

● ژاپن

حمام در ادبیات فارسی

ادبیات فارسی و حمام نام کتاب تازه‌ای است که اسناد کیمبوری ناگامورا، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه زانهای خارجی توکیو، اخیراً منتشر کرده است

یکی از مقاله‌های خواندنی این کتاب «آداب حمام رهن در سرزمین اسلامی» نام دارد که مقاله‌ای تحقیقی و مسند است درباره معنای حمام، سبب حمام رهن، جایگاه حمام در جامعه و حکونگی استفاده از حمام نوشته برای تألیف این مقاله از چهار دسته از مآخذ استفاده کرده است

(۱) متون کهن فارسی مثل چهار مقاله نظامی عروضی و فایوسامه فایوس و سمنگر

(۲) داستانهای فارسی معاصر مثل بکی بود بکی نبود و سرتو به تک کرمان (محمدعلی جمالزاده)، نرس رس (حلال ال احمد)، حاجی آقا (صادق هدایت)، سهری خون بهشت (سیمین داسور)

(۳) آثار دوره قاجار مثل سیاحنامه ابراهیم بگ (رین العاندین مراغه‌ای)

(۴) تحقیقات فرنگیان درباره آداب و رسوم ایرانی مثل *Persian Life and Customs* (سامونل گراهام ویلسون)

تعدادی تصویر از حمامهای قدیم و سوه‌های استفاده از حمام در کتاب چاپ شده است

● آمریکا

ترجمه انگلیسی «تاریخ طبری»

ترجمه تاریخ طبری به زبان انگلیسی که از سال ۱۳۵۵ در «مرکز تحقیقات ایرانی» در دانشگاه کلمبیای نیویورک آغاز شده است، روبه اتمام دارد

● نایلد

کنفرانس کتابداران

چهار نفر از کتابداران آسیای جنوب شرقی با شرکت نمایندگان سوئد، هند، ایران، عربی، نایلد، سیکانور، فیلیپین و مالزی از ۱۰ به ۱۴ بهمن ماه در نایلد در نایلد (نایلد) برگزار شد
 هدفهای این کنفرانس که هر سه سال یک بار تشکیل می‌شود، عبارت است از بحث و تبادل نظر بین کتابداران و توسعه آنها در منطقه، ایجاد شبکه‌های اطلاعات و استفاده از بانکهای اطلاعاتی، تبادل افکار و آراء و تجربیات، حکونگی استفاده از فوون جدید در امر اطلاعات و ارتباطات، تبادل با بی سواد، معرفی مراکز مهم تحقیق و امورش در منطقه
 - کنفرانس امسال از ایران آقای علی رادناوه از معاونت امورش و تحقیقات وزارت جهاد سازندگی شرکت کرده بود

● آمریکا

دعوت تازه «سیرا»

امروز تحلیل و بررسی مسایل ایران (سیرا) که در اوهاو قرار دارد، ده ردهم کنفرانس سالانه خود را در روزهای بهمن تا یازدهم اردیبهشت بهمد در دانشگاه ویلاووا (در حومه فیلا دلنیا) برگزار می‌کند
 این مرکز از پژوهندگان مختلف دانشگاهی و غیردانشگاهی ایرانی دعوت کرده است با حاصل «کلیه بررسیهای علمی و تحقیقی راجع به بعد نوآگون جامعه، فرهنگ و تاریخ ایران» را در آن کنفرانس ارائه کند
 سید سانی مرکز این است

CIRA, c/o Akbar Mahdi
 Dept. of Sociology & Anthropology
 Ohio Wesleyan University
 Delaware OH 43015, USA

● انگلیس

مجموعه‌ای تازه درباره تمدن اسلامی

انتشارات گارنپ انگلستان با همکاری کالج سب آنتونی اکسفورد بحث مجموعه تازه‌ای از آثار مربوط به تمدن اسلامی را آغاز کرده است
 - متون چند کتاب درباره هنر، معماری و علوم اسلامی انتشار داده است

انتشارات گارنپ علاوه بر این اقدام به ترجمه و چاپ چند اثر عمده متون کهن اسلامی کرده است که «مجموعه کتابهای بزرگ تمدن اسلامی» نام دارد این مؤسسه یک برنامه ده ساله برای ترجمه متون کهن اسلامی در رشته‌های علوم، پزشکی، فلسفه و هنر تدارک دیده است



المرتب خوزانی (النسبی الفاضل) از نامداران اسلامه سنیان، امر
جهان است نه بالکمال همراهان در زمینه تاریخ اسلام و مخصوصا امر
شویی جهان اسلام دارد رسیدن شخصی به شخصیت از تاریخ حاد،
است او با سقا مدر «مرور حاوره» در سالج سبب انوی است -
بوده در حدیث پس از سبب سده حیدر از، فانی را و تاریخ -
احترای برای برده است استاد المرتب خوزانی سده نه نام است
حاضرانه امره در حسودا، نه، بجهی در سال ساریا بعد امره
خوزانی معادلی است در د معناری حقوقی زن، ملی بر
فره بر ای، حقوق در نایه مسئول تاریخی دیگر تألیف نویسنده
محیط نامداران مانند نظرس مایه، هارو ندران، لایا فور، مایه
ریسین، رسید خالیدی، حای شکت، اندره رمون و حای اسانوله

نمایش آثار هنری ایرانی - اسلامی

مجموعه‌ای از آثار هنری ایران که به دوره ساسانیان اشاره دارد.
موزه صنایع دستی شهر هامبورگ به نمایش گذاشته شد
'نوع فالتهای نقش، ظروف لعابی، بلور منقش، اسباب فلزی
سجده حبه دریا که در برنجی دوم با سرده هم تافته شده است و
عدایی - اسباب نعلین مربوط به دوره صفویه در میان این آثار دیده
می شود - دست برآورد به موزه های شهرهای مختلف آلمان تعلیق دارند.

نمایندگان کتابهای قرن ۱۲ و ۱۳ هجری

يك ناسر هندی به نام «نول کسور» که به ادبیات فارسی غلامحمد بن -
اسب در دو قرن گذشته بیش از ۴۰۰ جلد کتاب فارسی و عربی و -
حاج رسالده است که مجمعاً آنها در بماسکاه که در دهلی -

جاء رستائیان اروپایی ا سال ۱۸۷ تا اعمت با، حج طبرستان
 مرده ده جده، داسمده ش افند هندی، د سالهای ۱۸۷۹ تا ۱۹
 تاکن میں ابتدائی ا ای نه جات، سانه سانی، ا داسمده نه فک
 بر حه ان نه، سالهای ا، مانا، افاند افاند، اس مانا، فقط بودو بود نه
 موقع سند نه جس مربوط نه ماسائیا، ا بر حه شده همدان
 باداسمدهای بودمده جات سانه، هورهم، ارماع مهه برای تحقیق
 د باه ای، د نه سده، می، ده ده سال ۱۹۶۹ (۱۳۴۸) جمده
 ابو الفیل اراشد اسم ممبر جات ابتدائی نادای بر م
 سیمه های خطی سارچان باورجانی (برنده) سماناد

هر چند که در حدیث اربعه از رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است که هر که در راه خدا کشته شود، او را شهادت داده اند و هر که در راه خدا کشته شود، او را شهادت داده اند و هر که در راه خدا کشته شود، او را شهادت داده اند.

کرسی زبان و ادب فارسی در دانشگاه ویر

اسمیتو متاعی و ده و اسمیتو ده - سال ۱۹۸۵ در دهستان دیر
داده های من بعد از سال تحصیلی جای من رسیده است و اقای ابرار بر سر
خود افزوده و اسمیتو ده را آن حمله است. همه را به اوقات های من به
سر برستی اسمیتو ده و ابرار و بعد از یک معاهده و با یک مذهبی
اگر آن

سپاسگزاران: ارب فارسی، ساجده و ساجده بنت ساجده سبزواری.
 نشر معاصر فارسی، ۱۳۸۰ خ. چاپ و بحال در هر ساجده چهار سال.
 می رسد، رسدهای دیگر، رسد از ر و ادات نامی، افعان، ارمی
 شدن، رسد، ازده و حذر، رسد از رسو، رسد رسد از رسو

سبع مائوں سسہ حطی اسلامی

عبدالعزیز قادری، مدیرِ اعلیٰ «سازمان علمی، فرهنگی و امورِ اسلامی» در تبریکِ راجد (امریکائی) اعلامِ کرد کہ تبریکِ بہِ مسیحِ مصلوب
مسجدِ نبیِ حنفیِ اسلامی بہِ رانہائے عربی، فارسی و برسیِ عثمانی بہ
نمازخانہا، ماسجِدِ عمومی و مجموعہ ہائے خصوصی جہاں یافت
می شود بہ ہر داری و حاکمِ سیدہ است

عبدالعزیز باکری، جس سحر می در سیمار المدیراں مرا تر نسج
حظی اسلامی، بہ در ناظر بر تراز سد همجنس کہ کہ منلو ہا سخہ
حظی اسلامی، بہ دلائل محفل میل اسس سورى، عرب، سرعب،
طوب، عدا، ما، شہ اسب باعداس، کہ د ط دوس سنا

در میان، تعداد کتابهای فارسی که در قرن گذشته در هند چاپ شده
بسیار از تعداد کتابهایی است که در حدود ایران به چاپ رسیده بود.

اهدای کتاب

● فراحمه

جسمین مذکور قطع کوه است که در هفت «کتابت» یا «کتابت»
در کشورهای مختلف به صورت حجمی و عینی درآمده است.
۱۹۵۳ (۱۶ بهمن ۱۳۳۱) به سه ساله در قرن فلسطینی و سه دهه است که این
استاد بازرسی جسمین مذکور
در آن هفتاد و هشت سالگی و جسمی مؤلفان این کتاب را خوانده
تفاتی نمی بردند که این است که جسمین در دست آمده و در آن زمان که این
مؤلفان، مانند این جوان هم که در آن زمان در این قطع کتابت به و به
دستهای مازدانی مثل کتابهای علمی، تاریخی و غیره است که بافت
و برخی از عناوین در سراسر کتابت و در دستهای این کتابت
«گرمی» (Grand Meubus) است که این هم که در دستهای این کتابت
تألیف است از این کتابت، مجموعه ای از این کتابت و در دستهای
سجده در دستهای هفتاد و هشت سالگی و در این کتابت و در دستهای
(مورخان) مؤلفان است که این کتابت و در دستهای این کتابت

4-10-53

گسترش روابط و همکاری‌های فرهنگی

۲۰۰

مسیوز سوم بن المللی دیروز و امروز سعه



اطلاعیه مرکز نشر دانشگاهی
برگزاری دوره مقدماتی ویرایش

مرکز نشر دانشگاهی در نظر دارد دوره‌های آموزشی تربیت و پرستار برگزار کند این دوره‌ها از مهرماه ۱۳۷۲ آغاز می‌شود و در آن مطالبی چون مباحث نظری ترجمه، ترجمه عملی، مانی زیست‌شناسی، اصول و پرورش، و پرورش می، وزن شعر و تدریس می‌شود

داوطلبان برای آگاهی بیشتر در مورد اس دوره و ثبت نام برای آزمون ورودی آن می‌توانند از تاریخ درج این آگهی تا پایان مردادماه سال جاری از ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر به مرکز نشر دانشگاهی، حیابان شهید بهشتی، حیابان بارك، شماره ۸۵، بخش آمورس مراجعه کنند



دکتر عبدالهادی حانری

دکتر عبدالهادی حانری، مورخ نامدار و اسناد داسگاه مشهد در هفته آخر ترمه در مشهد درگذشت

عبدالهادی حانری در سال ۱۳۱۴ در هم مولد شد او بوه دخترى اب الله میرا عبدالکریم حانری نیانگذار حوره علمیه هم و بوه سیری حاج میرا عبدالله حانری، از محققان برجسته و عارف سینه کر بلا بود

مرحوم حانری از کودکی برد بدر و برادر به تحصیل برداحت و در اوایل حوایی به جرگه روزنامه نگاران پیوست و سن از تحفیلات دبیرسانی در دوره سنامه در ۱۳۳۶ وارد داسگاه شد در ۱۳۲۳ تا استفاده از يك بورس تحصیلی به کانادارفت و به سال در اینجا به تحصیل و تحقیق و تدریس برداحت آنگاه به امریکا رفت و چهار سال در داسگاه برکلی کالفرنا تدریس کرد در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و در داسگاه فردوسی مشهد به تدریس تاریخ ایران در دو قرن اخیر برداحت

دکتر عبدالهادی حانری ضمن مطالعات و تحقیقات خود دریافته بود که معرفت رمن تصور درست و دقیقی از سنع و علی الخصوص بحولات ایران در قرون اخیر ندارد، لذا بر آن شد که بررسهای خود را به يك دوره زمانی معین یعنی دو قرن اخیر تاریخ ایران محدود کند و رابطه و نفس دس را در بحولات اجتماعی جامعه بیان دهد اما اسنار حاصل این تحقیقات به زبان فارسی رسانی به مقصود نبود، به همین دلیل قسمت عمده تحقیقات خود را به انگلیسی تألیف و منسیر کرد رساله سنع و مسر و طب در ایران و نفس ایرانیان مهم عراق که رساله دکتری او بود در سال ۱۳۵۶ به انگلیسی منسیر شد که البته اولین کار او به زبان انگلیسی نبود اولین مقاله او با عنوان «نصیرالدین طوسی و ادعای دحالت او در سقوط بغداد» در ۱۳۵۰ در بروکسل منسیر شده است از آن زمان تاکنون هرت جهل مقاله از او به زبان انگلیسی اسنار یافته است که غالب آنها در دایره المعارف اسلام و دایره المعارف ایرانی حات شده و مرعیت و سندیت پیدا کرده اند

اما کار عمده و ماندگار آن مرحوم تألیف کتاب تحسین رواروینهای اندیشه گران ایران با دو رونه تمدن بوررواری غرب است که در سال

۱۳۶۷ اسنار یافت و یکی از کتابهای سال ساخته شد (برای اطلاع سسر درباره آن سکرید به محمدحسین رحبی، «دو روی سکه تمدن غرب»، سسر داس، سال بهم، سماره سوم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۸)

دکتر عبدالهادی حانری در اواخر عمر سمار شد و مدتی بری اسر ااحت و درمان به اریس رفت، اما در همان حال هم دسب از تحسین، نکازس برداسب کتاب آن چه گذشت نفسی از سسر قرون تکا به اخیرا منسیر شده است، حاصل آن سسر است و رواب تأملات و تألمات کسی است که تاریخس جامعه فرهنگی ایران از یکی از بهترین محقق خود محروم شده است

دکتر عبدالهادی حانری از معدود داسمندان ایرانی است که در ا در زمان حیات کمانس سنامه شد و اهل علم و فضل وجودس را عسب سمر دد داسکده ادبیات و علوم اسایی داسگاه مشهد بیسیر و بهر دیگران قدر استاد خود را می سناحت و به همین جهت در سال گذشته مجموعه ای به نام یادگارنامه اسناد دکتر عبدالهادی حانری (سب د مخصوص محله داسکده ادبیات، ۶۰۰ ص) اسنار داد که حاوی سح محضر احوال و آثار اسناد و مقالاتی از همکاران اوست رواسب ساد

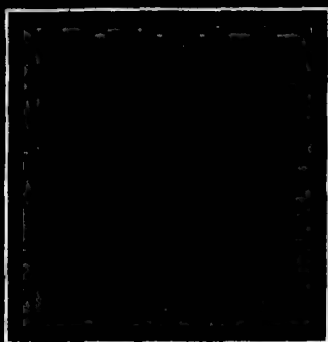
مرکز سسر داسگاهی منتشر کرده است

سیر فلسفه در جهان اسلام

تألیف ماجد فحری

متر حمان: مرتضی اسعدی، کاظم برگ بیسی، نصر الله نورجوادی، علامعلی حداد عادل، محمد سعید حنایی کاسایی، بهاء الدین حرمساهی، اسماعیل سعادت، موحهر صانعی دره بیدی، سید مصطفی محم داماد.

نشر دانش



روی جلد طرف شمالی لعاندار ممس - بیسپور،
فرن چهارم هجری قمری (محموط در موره ملی
ایران)

نشر دانش

سال سیردهم، شماره پنجم، مرداد و شهریور ۱۳۷۲

مقاله

- | | | |
|----|----------------|--|
| ۲ | ناصر ایرانی | ریشه یابی يك فقر: شش مشکل اجتماعی و فرهنگی |
| ۷ | حواد حدیدی | پرواز به سوی سیمیرغ (ساعران فراسوی درمکتب عارفان ایرانی) |
| ۱۶ | هاشم حاوید | يك نقطه سیاهی (در توضیح بیتی از حافظ) |
| ۲۱ | علی اسرف صادقی | شیوه ها و امکانات واژه سازی در زبان فارسی معاصر (۱۱) |

یگانه در یک مقده

- | | | |
|----|----------|----------------------|
| ۲۶ | علی صلحو | بر حمه، عملی اجتماعی |
|----|----------|----------------------|

نقد و معرفی کتاب

- | | | |
|----|-----------------|--|
| ۳۵ | رضا ایرانی براد | برم دیرینه عروس |
| ۴۳ | علی بلو کما سی | نقش و نگارهای سردر خانه های قدیم تهران |
| ۴۷ | حمفراده حویبی | ترجمه یا تألیف؟ |
| ۵ | محمید ملکان | اغاری حوش |

کتابخانه بر

- | | | |
|----|---------------|----------------------------------|
| ۵۲ | سیروس برهام | هر ایران در عرصه تاریخ |
| ۵۵ | کامیار عددی | کتابی نو درباره هخامنشیان |
| ۵۷ | علی موسوی | نظر احتمالی به چند کتاب چاپ خارج |
| ۵۸ | آراد بروجر دی | شکوه ساسانیان |
| ۵۹ | " | طبقه بندی علوم از نظر فارابی |
| | | خلاصه درسهای هانری کریبن |

نشر کتاب

- | | | |
|----|---------------|------------------------------|
| ۶۰ | امید طیب راده | کتابهای تازه، معرفی نشریه ها |
|----|---------------|------------------------------|

خبر

- | | | |
|----|--|-----------------------------------|
| ۷۳ | | حبرهای علمی و فرهنگی ایران و جهان |
|----|--|-----------------------------------|

نام

- | | |
|----|---|
| ۸۰ | کاتلم انهری ○ علی اشرف صادقی ○ کیومرث صاری (گل آقا) ○ سیروس برهام |
|----|---|

ریشه‌یابی يك فقر: شش مشکل اجتماعی و فرهنگی*

ناصر ایروان

می‌سمردند و از این منبع بزرگ موضوعهای بزرگ فراوان برداشت می‌کردند و رمان‌های بزرگ فراوان می‌نوشتند. متأسفانه رمان‌حدانی نوشته نشده است تا چه برسد به رمان‌ها. بزرگ فراوان

به نظر من شش مشکل اجتماعی و فرهنگی عمده باعث فقر شده است، ولی لازم می‌دانم تصریح کنم که چه بسا ممکن است مشکلاتی عمده دیگری نیز در کار باشد یا برخی از مشکلاتی که به نظر من رسیده است درست نباشد. با وجود این طرح آنها را در محضر شما صاحب‌نظران بی‌فایده نمی‌دانم و امیدوارم عرایض مبنای بحث قرار گیرد و تصحیح و تکمیل شود.

۱) کمکاری

مشکل اول مشکل اجتماعی کمکاری است. این مشکل می‌سد مشکل تنبلی هم خواند ولی چون واژه اخیر خشن‌تر و حایرندانستم آن را به کار ببرم.

کمکاری در بیستر نزدیک به تمام فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ما وجود دارد. آسکارتر از هر جای دیگر سازمان‌های دولتی مشاهده می‌شود، گویا در این بخش متوسط کار واقعی روزانه کمتر از يك ساعت است، ولی بخش‌های صنعتی و کشاورزی و حتی مشاغل خصوصی کمکاری فراوان به چشم می‌خورد، و نیز در فعالیت‌های فرهنگی. سطح باروری در تمام این زمینه‌ها نسبت به ظرفیت بالقوه تولیدی ما بسیار نازل است.

در فلمرو کاررمان نویسی، کمکاری از دو لحاظ خسران:

حنگ برای داستان‌نویسان همواره منبع بر بار و معنمی از موضوعهای بزرگ بوده است چون، گرچه بنفسه سری است عظیم، یکی از آن موقعیتهایی است که درون معمولاً بوسیده انسانهایی را که درگیر آند، امکانات و محدودیتهای بالفعل و بالقوه آنان را در سحابت ورریدن و ترسیدن، در فداکاری نمودن و خودخواهی سسان دادن، در ابرار محبت و کینه؛ و نیز ظرفیتهای آنان را در درد کسیدن و ریج بردن و تسه و گرسنه ماندن خوب آشکار می‌کند. جنگ ساروکار ادرسهایی بطیر ایمان و وطن‌دوستی و سرف و افتخار و ارادگی را به روسترین صورتی نشان می‌دهد، و داستان نویس که موضوع هرس انسان است به بدرت ممکن است موقعیتی بهتر از جنگ بیاید تا شخصیت‌هایس را در آن قرار دهد و رمان‌های بزرگ خلق کند.

جنگ هست ساله‌ای که بر کشور ما تحمیل شد و اجد يك ویژگی مهم بود که امکانات بیستری جهت خلق داستانهای بزرگ در اختیار داستان‌نویسان ایرانی می‌گذاشت. آن ویژگی این بود: طرف عراقی جنگ مجهز به بیسرفته‌ترین و مرگبارترین سلاحهایی بود که در ررادخانه جهان یافت می‌شد، و دسمان ایران که عراق جبهه مقدمشان بود تمام رورسان را به کار بردند تا کشور ما به سلاحهای بیسرفته دست بیاید. به ناچار رزمندگان ما بیشتر با تن خود به جنگ دشمن مجهز به بیسرفته‌ترین و مرگبارترین سلاحهای جهان رفتند و به همین دلیل می‌توان گفت که جنگ ما بیشتر يك جنگ انسانی بود و مردم ما را، چه در جبهه و چه در پشت جبهه، در موقعیتهای و آزموبه‌های نادرتری قرار می‌داد. پس طبیعی می‌بود اگر داستان‌نویسان ایرانی موقعیت را مغتم

می آورد. یکی اینکه کار و پشتکار فراوان می باید تا شخص غلامه مند و مستعد رمان نویس حتی متوسطی شود. در میان ملتی که از فضیلت سازنده کار تا حد زیادی روی گردانده است رمان نویس متوسط چندان ظهور پیدا نمی کند. رمان نویس بزرگ که جای خود دارد؛ دیگر اینکه آفرینش رمان خوب کار زیاد می طلبد. دست اندرکاران نیک می دانند که سنان دادن عمل به وسیله کلمه مکتوب تا چه حد دشوار است و حقدر نوشتن و باز نوشتن و باز نوشتن می طلبد تا به صورتی تصویر گردد که خواننده حس کند خود در صحنه آن عمل حاضر است. از قول گراهام گرین خواندم که ارنست همینگوی رمان حورسید همچنان می درخشید را بنجاه بار بازنویسی کرده تا به پایه فعلی اس رسیده است و نمی دانم در کجا خوانده ام که همو مرد بیر و دریا را دویست بار بازنویسی کرده تا مرد بیر و دریا سده است اعراف باید کرد که چنین همت و پشتکاری در میان نویسندگان ایرانی خیلی دیده نمی شود و لذا طبیعی است که قلم ایسان رمان بزرگ هم حلی خلق نمی کند.

۲) فقیر بودن سنت ایرانی روایت داستان

مسئله دوم مشکل فرهنگی فقیر بودن سنت ایرانی روایت داستان است. فرهنگ ایرانی از لحاظ سبب سفاکی روایت داستان غنی است و از حیث سنت کتبی روایت داستان مظلوم هم فقیر نیست ولی هر داستان نویسی در ایران بستر از تفریبات سال سابقه ندارد و در این مدب به نسبت اندک نیز به دلیل کمکاری ملی فرهنگی اولاً داستان خوب و عالی زیاد بوسته نشده است، ثانیاً ابار نظری مهم و معتبر در زمینه هر داستان نویسی از زبانهای دیگر جز یکی دو کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است؛ ثالثاً سیوه های سنتی روایت سفاکی داستان و روایت کتبی داستان مظلوم، که از بن دندان می توان گفت عناصر ریده و به درد بخوری در آنها هست، کشف و تحلیل شده اند، و رابعاً اسلوبهای بیان هری عام ایرانی، که ممکن است در خلق داستان بیر به کار گرفته شود، مورد مطالعه قرار نگرفته اند و سناسایی شده اند. در نتیجه فرهنگ ایرانی ما فاقد يك سنت زنده و پویا و غنی روایت داستان است که هم دارای بهترین عناصر جهانی روایت داستان باشد، هم فصلهای ویژه ایرانی داشته باشد، و هم مل سنت شعر فارسی در شعور ملی ایرانیان، دست کم در شعور باسوادان ما، ریشه دوانده باشد.

سنت غنی شعر فارسی باعث شده است که از يك سو عامه باسوادان ما درك درستی از این که شعر خوب چیست داشته باشند نه طوری که شاید نتوان شعر بد را به عنوان شعر خوب به آنان قالب کرد؛ و از سوی دیگر شاعران ما، چه سنت گرا و چه نوگرا،

خواه و ناخواه در دریای این سنت غوطه ورنند و بهنگهای آن را به جسم دیده اند و با گوس سیده اند و می دانند در این دریای نهنگ پرور ماهی كوچك و نحیفی بودن اگر تحفیر آمیز نباشد افتخار آمیز هم نیست. این است که با فریحه تران و مستعتران و بلند پروازان ایسان سخت می کوسند که بهنگی بیامورید و نهنگی کنند و به همین دلیل شعر معاصر فارسی هم به سهم خود نهنگ پروری کرده است. به حشم من مهدی احوال نال یکبار این نهنگان است، و بیاموسیج یکی دیگر. ماهیان بزرگ دیگر هم هستند

اما در داستان فارسی وضع درست بر عکس است. داستان ایرانی ممتاز کم داریم، و بیستر ساهکارهای داستانی جهان را ترجمه نکرده ام، و در میان آن داستانهای ممتازی هم که به فارسی برگردانده ایم ترجمه خلاص که کمفیهای هنری داستان را اتمال دهد فراوان نیست. در تنحه هور عامه باسوادان ما درك درستی از اینکه داستان ممتاز حسب ندارند و اگر در شعر از فلل رفیعی همچون حافظ و مولوی و سعدی و فردوسی و نظامی به بدرب بایین تر می آید در داستان معمولاً دوی و فهم متوسطی از خود سنان می دهند. بقصیر هم ندارند تا فلل رفیع هر داستان نویسی محسور بوده اند که دوفسان رفیع نابد

برخی از داستان نویسان ما خود جهد کرده اند و هر داستان نویسی را حنان که ساید و ناید در سر حسمه عربی اس سباحه اند سرآمد ایسان صادق هدایت است که فرهنگ ایرانی را بر خوب می سناحت و بوف کور او، که می توان آن را محصول ترکیب حلاق دو فرهنگ ایرانی و عربی داسب، ساید ممتازترین رمایی ناسند که فرهنگ معاصر ایرانی به گنجینه رمانهای جهان افروده است. حر این داستان نویسان خود آموخته هر سانس، نویسندگان ما از نعم غوطه وری در يك دریای ست ملی روایت داستان، و از نعم ساکردن در کنار بهنگان و مقایسه سدن با نهنگان محرومند و لذا کمتر به حداکر بلوغی می رسند که استعداد و ساییستگی آن را دارند.

۳) پذیرفته نشدن نقش ویژه رمان

مشکل سوم مشکل فرهنگی پذیرفته سدن نفس ویره رمان در جامعه ماسب وجود این مشکل فویرین دلیلی است که ناسب می کند مشکل دوم تا حه اندازه واقعی است جامعه ما هنوز بهدیرفته است که رمان آداب و آیین خاص خود را دارد و اگر رمان

حاشیه:

* این مقاله در اصل برای فرانت در «سمیاسر بر رسی رمان حگ در ایران و جهان» بوسته شده بود که از ۱۶ تا ۱۸ سهریور ماه ۱۳۷۲ در کرمانشاه برگرا کردید، ولی متأسفانه بوسته نه دلیل بیماری توانست در آن سرک کند

می خواهی آن آداب و آیین خاص را هم ناگزیری که بخواهی. رمان نوعی کالبدشکافی است، منتهی کالبدشکافی درونی فرد و خون فرد در جامعه زندگی می کند، طبعاً کالبدشکافی درونی جامعه.

رمان علاوه بر آنکه زندگی فرد را در بُعد بیرونی اس توصیف می کند، یعنی اعمال و رفتار و احساسات و عواطفی که می توان آنها را دید و از این رو فرد غالباً می کوسد جلوه مصبولی به آنها ببخشد، زندگی او را در بُعد درونی اس هم ررفکاو می کند. رمان به قلب و به معرف فرد نفوذ می کند و بیتها و سورها و سهوات و سوسه ها و تردیدهای او را در سر حسمه اس می بیند و فاس می کند، و جامعه ما که خود را عادت داده است سورها و سهوات و سوسه ها و دودلیهای انسان را نبیند و حتی سعی در کتمان آنها کند و به ویره از آنها سخن نگوید تا کون با رمان کنار نیامده است. رمان ضمناً زندگی اجتماعی را به طور کامل نشان می دهد؛ یعنی هم از آرمانها و فضیله های سخن می گوید و هم واقعتهای تلخ و گاه سرم اورس را فاس می کند، و جامعه ما که خود را عادت داده است واقعتهای تلخ و سرم آور را نبیند تا بتواند سب سر راحت بر مالین بگذارد این فاسکاری رمان را می بسدد و به وسایل مختلف می کوسد آن را خاموس کند.

اگر می سد به کالبدشکاف گفت نباید به سراع قسمتهایی از کالبد بروی و اصلاً محار بیستی دل و روده آن را بیرون بریری خون بوی بد می دهد. و کالبدشکافی همچنان مفهومش را حفظ می کرد و نفس ویره اس را انجام می داد، می توانستم به رمان نویس هم بگویم باید به سراغ سورها و سهوات و سوسه ها و تردیدهای اسان بروی و اصلاً محاز نیستی واقعتهای تلخ و سرم آور اجتماعی را فاش ساری. بدون آنکه رمان مفهومس را از دست بدهد و ارا انجام دادن نفس ویره اش بار بماند. گفتن ندارد که حرف بر سر رمان های مبتدلی بیست که به تمایلهای سب خوانندگان توسل می جویند تا بیستر به فروش برسد، بلکه سخن از این ضرورت است که اگر می خواهیم هنر رمان نویسی در جامعه ما رسد کد باید آداب و آیین خاص آن را سذیریم.

لطمه ای که بدیرفته شدن نفس ویره رمان به رسد و اعتلای این هنر در ایران رده است بیش از هر حای دیگری در موضوعهای حساس مساهده می سود، مثلاً در موضوع جنگ. من چون با نویسندگان جوان سل انقلاب کرده و به جنگ رفته تماس داشته ام بارها شاهد این بگرایی در برحی ارا اسان بوده ام که اگر در داستانن ضمن ترسیم حهره قهرمانی رزمندگان و توصیف فضایلشان اشاره ای هم به نقصها و ترسها و دردها و گله ها و لغزشها و سکستهایشان بکنند ساید نه تنها به خود ایشان بلکه به مکتبی هم

که آنان را در دامنش برورس داده جفا ورزند. از سوی دیگر، می دانند که اگر فقط به توصیف فضایل بردارند تصویر داستانی درستی از رزمندگان و جنگ ارا نه بداده اند. این است که گاه ترجیح می دهند به موضوعهای دیگر بردازند تا از قید این معد خلاص سوند.

۴) دوقطبی شدن جامعه

مشکل چهارم هم يك مشکل اجتماعی است و آن دوقطبی سدر جامعه ماست که در تنحه انقلاب اسلامی ایران بس آمد. در جامعه دوقطبی سده همه حیز رنگ سیاسی به خود می گرد و موضوع تضاد و ستیر سیاسی می سود، حتی حیزهایی که اساس سیاسی بسسد، ملل ادیبان و هنر، که نفس ویره آنها ار لحاظ اجتماعی یککارحگی بخشید به ملت از طریق سنان دادن آرمانها و آرزوها و علایق و نقصها و دردها و ررحهای مسترک و تاکد بر رسته های مرئی و نامرئی محکمی است که سرنوسب و خوشحی تمام افراد ملت را به هم بیود رده است به طوری که ملا هیه فردی یا گروهی نمی تواند بخشی از يك ملت مستقل آرا، خوشبخت باسد بدون آنکه سایر افراد یا گروهها هم بخشهای دیگرس باسد.

تا حایی که به موضوع رمان جنگ مربوط است، دوقطبی سدر جامعه ما از دو لحاظ زیان بخش بوده است اولاً در نهایت سرمساری باید گفت یکی اردو قطب جامعه به جنگ وحشیانه و ظالمانه ای که عراق با سنتیانی دسمار بین المللی و منطقه ای ایران بر ضد کسورمان به راه انداختارها و ویرانیهای زیادی را باعث شد و اگر غیرت و همب جانفشانی رزمندگان ما، اعم از سیجی و باسدار و ارتسی دیگران، نبود چه بسا نه از ایران نشانی به جا می ماند و نه ارا رانی، از دریحه خصومت سیاسی نگرست، و جز آن تیره دلام که به دسمن بیوستند یا حتی در کنار او بر ضد وطن و با هموط خود جنگیدند و بداندیشانی که این امید باطل را در سر جتند جنگ جمهوری اسلامی ایران را دحار خونریزی زیاد کد و ار بیندازد، عمدتاً بیطرفی پیشه کرد. و چون بیشتر نویسندگان سیش از انقلاب از همین گروه بیطرف بودند این کشس را در س یافتند که خطر کنند و به جبهه های جنگ بروند تا موضوع بزرگی که در آنجا فراوان بود یقه آنان را بچسبد و وادار سار

با توجه به فمیر بودن ست کنبی روایت داستان در ایران و کمبود فاحش کتابهای نظری معتبر در این زمینه و غفلت توجیه‌ناپذیر نهادهای آموزش عالی کشورمان در تعلیم و ترویج هنر داستان‌نویسی، ببینید حفره مفید و رسددهنده می‌بود اگر نویسندگان جوان سسل پس از انقلاب نخستین داستانهایشان را نزد بهترین داستان‌نویسان نسل پیش از خود می‌بردند و از نقد آنان سود می‌جستند. در حانه دوی و فریحه و استعداد این سسل که کس فراوان بود چه بسا که يك حرف بس بود، مثلا این حرف که در توصیف حسین مشاهده کن و چنین انتخاب کن و حسین بیان کن. ار قبیل همان حرف که در میل گوستاو فلو بر به گی دومو باسان زد، با این حرف که در ساختن این تکه مهم و تعیین کننده داستان از اررار صحنه استفاده کن به ار اررار بلخصه، با اصلا توجه کن به ظرفیتها و امکانات فن روایت و به کارسان بگیر، و نظیر این راهنمایی‌ها که گاه ممکن بود جسم نویسنده جوان را متوجه کل راه هنر داستان‌نویسی کند و این بنادر را در او ارس ببرد که راه کوتاه است و بیمودن ان آسان و راه‌سببسی می‌خواهد و نای رهبرد می‌طلبد. ولی به دلیل جداییهای ماسی اردوقطبی شدن جامعه، نویسندگان سسل پس از انقلاب تا حدی ار سر این غیرت که ما را به شما نویسندگان نسلهای پس از انقلاب و کتابایتان و راه‌شناسیهایتان نیسب در صدد بر آمدند سها به اتکای ذوق و هوس و درک نسل خود داستان‌نویسی کنند که تخته‌برش بسنده‌ای نیسب و می‌توان تنها بر این تخته‌برش با کوبید و بلند بر وار کرد. به گمان من دلیل عمده این واقعیت که نویسندگان نسل پس از انقلاب هنوز رمان‌های بزرگی در زمینه جنگ ننوشته‌اند که بتوان آنها را در درجه نخست به خود رزمندگان عزیز و بزرگوارمان عرضه نمود و مهر قبول دریافت کرد، و نیز به سایر مردم ایران و تمام مردم جهان و آنان را تحت تأثیر قرار داد، همین است که عرض کردم.

۵) سیاستهای فرهنگی مربوط به رمان

مشکل بجم مشکل فرهنگی سیاستهای فرهنگی مربوط به رمان است که دست‌اندرکاران فرهنگی دیربط، اعم از مسؤولان فرهنگی و رسانه‌های گروهی و ناشران، دنبال کرده‌اند. این سیاستهای فرهنگی نقصهای بسیار داشته است، از جمله دامن ردن به مشکلهای دوم و سوم و چهارم به حای رفع آنها. بدون آنکه سوئییتی در کار باشد خود این دست‌اندرکاران در درون این مشکلهای بوده‌اند و لذا آنها را نمی‌دیدند تا به فکر رفع آنها بیفتند. ولی شاید یکی ار مهم‌ترین نقصهای سیاستهای فرهنگی مربوط به رمان ظلمی باشد که ار سر مهربانی در حق نویسندگان جوان انقلابی مرتکب شده است.

که نویسند. این يك زیان.

نایباً دوقطبی شدن جامعه نویسندگان جوان سسل پس از انقلاب را از نویسندگان مسن تر نسل پیش از انقلاب به کلی جدا صاحب

باید توجه داشت که داستان نویس و خودی است دوگانه. او ار يك سو انسان نویسنده است و در يك خانواده ملی و جهانی هنر داستان‌نویسی زیست می‌کند، میراث حوار تمام بروتهای این خانواده است، و در فضای این خانواده، و بده و بسان با اعضای این خانواده و حتی با گلاویز شدن با آنان است که به حداکثر رسد هری بالقوه خود می‌رسد؛ و از سوی دیگر انسان اجتماعی است و در يك جامعه سیاسی زیست می‌کند که در آن منافع مختلف اعضای جامعه را به مواضع سیاسی مختلف و گاه معارض می‌کساند. داستان نویس ممکن است آسکارا به يك موضع سیاسی خاص تعلق داشته باشد یا نداشته باشد، ولی به دلیل آنکه او انسان اجتماعی سرشناسی است و کم‌وبیش نفسی در رهبری فکری جامعه ایفا می‌کند حتی دوری جستن او از زندگی سیاسی جامعه حواه و ناخواه معنا و وزن سیاسی پیدا می‌کند

بهتر آن است که داستان نویس اس دو جنبه از هستی خود را حی الامکان از هم جدا کند. به عنوان نویسنده با سایر اعضای خانواده هری خود بجوسد و با آنان داد و ستد حرفه‌ای برقرار کند و ار اس داد و ستد سود بجوید، و نیز بکوشد تا احترامات خانواده محفوظ بماند و جایگاه اجتماعی آن تعالی یابد؛ و به مواریب این ردگی هنری ولی جدا از آن، به عنوان عضوی ار جامعه سیاسی هر وظیفه‌ای را که برای خود قائل است انجام دهد. یں لازمه‌ای که عرض کردم البته هیچ کسب یا حرف تازه‌ای بسب سایر صنفهای اجتماعی هم همین کار را می‌کنند. آنها ار يك سو در اتحادیه صنفی خود عضوند و منافع کل صنف را پاس می‌دارند، و از سوی دیگر به مواضع سیاسی مختلف تعلق دارند. نویسندگان بیستر یا بیستر نزدیک به تمام کسورهای دیگر هم اتحادیه خاص خود را دارند ولی ما نویسندگان ایرانی شاید ی انصافی نباشد اگر بگویم که اصلا مبانی گرد آمدن و متحد شدن در اتحادیه صنفی را نمی‌دانیم چون هر وقت هم که آمده‌ایم اتحادیه صنفی تشکیل بدیم یا گروه سیاسی تشکیل داده‌ایم یا عسادهای کینه‌های سیاسی را به اتحادیه صنفی کشانده‌ایم و آن را هم پاشانده‌ایم.

این گفته شاید عجیب بنماید، پس اجازه دهید که توضیحی عرض کنم: رمان نویس شدن کاری است دشوار و مجاهده فراوان می طلبد. مهمترین و سازنده ترین مجاهده رمان نویس تا هنگامی صورت می گیرد که هنوز نخستین رمان او منتشر نشده است و او می بایست به ناشر بقبولاند که می تواند درمانی بنویسد که خواننده پیدا کند و بر حیثیت ناشر بیفزاید یا دست کم آبروی حرفه ای او را محفوظ بدارد. این مجاهده رمان نویس تا روزی که شهرت او به عنوان رمان نویس تثبیت گردد کم و بیش ادامه می یابد، ولی باید دانست که نوشتن هر رمان خاص هم کاری است بر زحم و از هر رمان که رمان نویس، با تکیه بر شهرت خود یا به هر دلیل دیگری، این کار پر زحم را سرسری بگیرد افول هری او آغاز شده است.

نویسندگان سلهای پیشین ما عمدتاً، س از مجاهدتهای اولیه و کسب شهرت، کمکاری پیسه کرده اند و از این رو در سالهای بلوغ هنری به ندرب داستانی خلق کرده اند که از داستانهای روزهای جوانی سان يك سروگردن بلندتر باشد، حتی هستند نویسندگانی که در سالهای بلوغ کوتاه مدتتر از روزهای جوانی سان بوده اند.

نویسندگان نسل پس از انقلاب، به دلیل حمایت غیرتمندانه مسؤولان فرهنگی و رسانه های گروهی و باشران انقلابی، هم از آن مجاهده اولیه معاف بوده اند و هم از این شرط لازم که س از کسب شهرت در خلق هر داستان بهایب سعی ممکن را به کار ببرند.

ریشه مشکل در این بوده است که خود مسؤولان فرهنگی و رسانه های گروهی و باشران انقلابی رمان خوب را از رمان حام تشخیص نمی داده اند و نمی دانسته اند که بلوغ هری داستان نویس تنها در نتیجه چالش خستگی ناپذیر فردی برای دست یافتن به حداکثر استعداد خویش صورت می گیرد، و نیز رساندن سطح هری آثار خود به مایه ای که ناسر معتبر داستان شناس راضی به انتشار آنها گردد، و صید خواننده واقعی در بازار کتاب. از این رو با انتشار سیاه مشمهای نویسندگان جوان و به شهرت رساندن ایشان از طریق رسانه های گروهی و باسرداری غیرتمندانه از شهرت آنان در واقع به آنان ظلم کرده اند.

آنچه گفتم به معنای آن نیست که در میان نویسندگان این نسل هیچ کسی رشد نکرده است، بلکه به این معناست که مهر بانی بیجا نگذاشته است که نویسندگان این نسل تا این لحظه به حد اکثر بلوغی که شایسته آند دست یابند.

۶) مشکل تربیتی- مالی

مشکل ششم دو جنبه دارد. يك جنبه اش به روح نویسنده مربوط

می شود و جنبه دیگرش به جیبش.

موضوعهای بزرگ، که هر يك خمیرمایه داستانی بزرگ است، معمولاً در کام شیر است خطرناك. این سیر همانا لحظه های طوفانی زندگی است، لحظه هایی که نبض زندگی تندتر می ریزد و فرد و جامعه در معرض آزمایش قرار می گیرند. جنگ سایه خطرناکترین این لحظه های طوفانی زندگی باشد.

نویسنده باید روح خطرطلب و شجاعی داشته باشد و با استیاق خود را به درون لحظه های طوفانی زندگی بیفکند تا موضوعهای بزرگ صید کند. برخی از نویسندگان بزرگ حتی منتظر نمی مانند که جامعه خودسان طوفانی شود. در هر جایی از دنیا که جنگ به پا شود حضور می یابند. ملا ارنست همینگوی به ایتالیای طوفانی می رود و موضوع وداع با اسلحه را کشف می کند و در اسانیای طوفانی موضوع زنگها برای که می ریزد را گراهام گرین مال بهتری است. او تقریباً در هر جایی از دنیا که جنگ در می گرفت یا وضع بحرانی دیگری بیس می آمد حضور می یاف و موضوعهای بزرگ کشف می کرد.

اما ما نویسندگان ایرانی حوری تربیت می سویم که وقتی طوفان در می گیرد ترحیح می دهیم به کج عافیت ناه ببریم و به همین دلیل نه تنها به سوی جنگهایی که در کسورهای دیگر در می گیرد نمی رویم بلکه از جنگ وحشیانه و ظالمانه ای هم که بر ملت عزیزمان تحمیل شد بهر یأ گریختیم و حتی برفتم حالی از رزمندگان حماسه سارمان ببرسیم که دست خالی با دشمن سفاک جنگیدند و او را از سرزمین پدریمان بیرون راندند.

و اما آن بخشی از مشکل که به جیب نویسندگان ما مربوط است. بیستر نویسندگان آدمهای فقیری هستند و از س هزینه های مسافرت به جاهای طوفانی دنیا بر نمی آید. در کشورهای دیگر معمولاً مطبوعات نویسندگان حاده حو و خطرطلب را به درون طوفانهای جهانی می فرستند و بدین تربیت هم خود به گزارشهای عالی از رویدادهای مهم جهان به فلم نویسندگان هنرمند و ررف بگر دست می بایند و هم به نویسندگان امکان می دهند که به قلب طوفانهای جهان سفر کنند و تجربه بیندوزند و موضوعهای بزرگ برای داستانهای خود بیابند. ولی متأسفانه همت مطبوعات ما تا بدان حد نیست که به فکر چنین کارهایی بیفتند.

تا جایی که به عقل بنده می رسد این شش عامل عمده دسب دست هم داده اند و باعث شده اند که جنگ هشت ساله عراق علیا ایران به صورت معدن غنی بهره برداری نشده ای از موضوعهای بزرگ در آید و نشانه تأسف انگیز دیگری از غفلت و کمکاری ملو ما باشد.

در نیمه دوم قرن نوزدهم، کشفیات دانشمندانی مانند پاستور و کلود برنار^۱، و نیز استفاده از نیروی بخار برای به حرکت درآوردن قطارها و کشتیها تحولی عظیم در همهٔ شؤون اجتماعی فرانسویان پدید آورد و اعتماد آنان را به علوم تجربی افزایش داد و این عقیده را در میان آنان راسخ کرد که علم به زودی بر همهٔ اسرار هستی دست خواهد یافت. این اعتقاد رفته رفته چهرهٔ ادبیات و شعر و هنر را نیز دگرگون ساخت. از آن پس شاعران و نویسندگان می خواستند دوشادوش دانشمندان پیش روند و اصول و ضوابط علوم تجربی را در شعر و هنر سز به کار گیرند. داستان نویسان در کوچه و بارار و سهر و روستا راه می افتادند تا حوادثی را که در گوشه ای از کشور روی داده بود برای درج در رمانهای خود عیناً ضبط کنند. پیروان مکتب ناتورالیسم ادبی از این نیز با هراتر گذاستند و بر آن سدید که در پروردن موضوع داستان از تجربهات زیست سناسان یاری بگیری و نشان دهند که چگونه نقصها و صغفهای جسمانی و کمبودهای دوران کودکی در ساختن شخصیت افراد کارگر می افتد و آنان را، در سراسر زندگی، به مسیرهایی معین - بر طبق قوانین ریست ساسی - سوق می دهد. نویسندگان خندان در این راه پیش رفتند که ادعا کردند «رمان تجربی»^۲ می نویسد. در رأس ایان امیل رولا قرار داشت.

در رمیه شعر نیز وضع به همین گونه بود. شاعران منابع الهام پیشین را رها کردند و بر آن شدند که از علوم می مانند تاریخ، باستان ساسی و اسطوره ساسی، که بعدها علوم انسانی نامیده شد، یاری بگیری و یا صرفاً به وصف آثار هنری و صحنه ها و مرایا بپردازد. ملا دربارۀ تاریخ ایران باستان سخن گویند و یا مجسمه ای ریبا و برده ای هنرمندانه را وصف کنند، آن هم به گونه ای که مطلقاً احساس خود را در آن بدمند و تنها تصویر پرردار و عکاس باشد. در تاریخ ادبیات فرانسه، این طرز تفکر را «سیانتیسم»^۳، یعنی علم گرایی نامیده اند.

علم گرایی چندی بر آثار شاعران و نویسندگان سایه افکند و شاهکارهایی نیز پدید آورد که در آن دوره خوانندگان بسیار داشت، زیرا با ذوق مردم و با تحولات اجتماعی هماهنگ بود. اما علم گرایی در ادبیات رفته رفته به وقایع نگاری و رورنامه نگاری می انجامید. «رمان تجربی» هم ادعایی بیش نبود، زیرا هرگر نمی توان تجربه ای را که در آزمایشگاه و در شرایطی

حاشیه:

۱) Claude Bernard (۱۸۱۳ تا ۱۸۷۸)، استاد فیزیولوژی در دانشگاه سرس و

واص طب تجربی

2) Roman expérimental

3) Scientisme

پرواز به سوی سیمرغ

(شاعران فرانسوی در مکتب عارفان ایرانی)

دکتر جواد حدیدی

دهان تبدیل می‌گردد که هر يك با او به گونه‌ای دیگر سخن می‌گویند؛ صدای نخستین از آن فیلسوفان است:

هیرم شکنان سخت کوش ار پیشه گذشته‌اند،
اگر نمی‌بسی، انکار کن و اگر می‌بسی، شك..^{۱۲}

صدای دوم:

ما بارتان هستیم و شما بزواك،
و او همه چیز است و
یکی بیش نیست^{۱۳}

صدای سوم:

هر که هستی بهوش باش، امواج بر حروش عرفای که تو در آن
غوطه‌ور شده‌ای رهگذران یاوه‌گوی را در اعوش می‌گیرند^{۱۴}

صدای چهارم:

بدا نه حال رهرو بی‌توسه‌ای که در حسب و حوی مطلق برآید!
ریرا که از گلیم حوش پا فرار نهاده است^{۱۵}

صدای پنجم:

تاریکی محض است، چشمه‌ای زرف است!
همه در این راه درمانده‌اند، حدیثی گفته و خاموش شده‌اند!^{۱۶}

صدای ششم:

کدامین است حدایی که تو در حسب و حوی اویی؟
نگو! حدای تلّهای اس است؟
حدای غاسمان بیدل است؟
حدای مصلح‌اندیشان است؟ کدامین است؟

شاعر:

من نام حدای راسبین را می‌خواهم
با آن را برای رمیسان پریشان حال نارگویم^{۱۷}

این صداها، همراه با صداها، بسیار دیگر، همچنان با شاعر سخن می‌گویند ولی هیچ يك مشکل او را نمی‌کشاید به فرحام، دسته‌ای از برندگان به بروارد می‌آید. آنان نیز در حسب و جوی او هستند و هر يك راهی پر خوف برای دیدارنش پشت سر نهاده‌اند:

برندگان، برندگان، نار هم برندگان،
همه ما هم می‌خواهید و می‌خندید، عشق می‌ورزید و
در نور و سرور عری می‌گردید!^{۱۸}
[حدایا] تو در ما میر آتشی بره‌روغ برافروخته‌ای،
آنستی که حوش می‌سوزد
و از فرار آسمانها می‌خوشد
عقاب در هوا
برنوی از توست
و گنجشگ باره‌ای

ما همه به سوی نور رواییم
و در نور عرقه می‌شویم...^{۱۹}

از اینجا به بعد تأثیر عطار آشکارتر است: مرغان هوگو نیز همه در وادی طلب ره می‌سپارند ولی برخی از آنان وا بهانه‌هایی است که - بسان مرغان عطار - آنان را از ادامه راه باز می‌دارد و یا یکسره به راه انکار می‌کشاند:
حقد [مظهر سك]

من شبح بدهیتی هستم که در اشتیاق بر وار به سوی آسمان بیلگون
می‌سورم
من حشمان درحشان شب هستم و در کمین حدا شسته‌ام
او را نمی‌بینم، اما گمان دارم که آن حاسب.^{۲۰}

حقّاش [مظهر بی‌دینی]:

من زرفای این تاریکی را بیمودم و هیچ کس را ندیدم..^{۲۱}

زاع [مظهر دوگرایی]:

دو تن هستید، دو مبارز و هم‌آورد،
روسی و تاریکی، حوی و بدی،
تاوب و بستر رفا.^{۲۲}

کرکس [مظهر بت پرستی]:

خدایان بی‌شمار بر سر نوشت جهان فرمان می‌رانند^{۲۳}

عقاب [مظهر یهودی‌گری]:

چه کسی می‌گوید حدا دوتا یا بیشتر است؟
یکی بیش نیست، او هم حدای حشم است و انتقام.^{۲۴}

هما [مظهر مسیحیت]:

به! حدا حسود و انتقام‌گیرنده نیست، همه بخشایش و رحمت است

فرسته‌ای نا بالهای سپید و سیاه [مظهر عقل‌گرایی]:

حدا عادل است، نه می‌میرد، نه رشك می‌ورزد و نه می‌خواهد

بایان داستان هوگو نیز همان پایان منطق الطیر است: شاعر، پس از گفت و گوهای بسیار با راغ و کرکس و عقاب و هما، ناگهان می‌بیند که نقطه سیاه بر فراز سرش محو می‌گردد و آن موجود عظیم [= حاجب لطف در منطق الطیر، که هوگو نامی برای آن یافته است]، به او می‌گوید:

حدا را چهره‌ای بیش نیست، و آن نور است.
نامش نیز یکی است، و آن عشق است []

و پیوستن به معشوق است که درمان درد اوست. در اینجا است که از همه حیز و همه کس دست می‌شوید و روانه میدان کارزار می‌گردد.^{۲۰} در صحرا «گل‌های خونین» بسیار رویده‌اند که از

حاشیه-

(۱۲) همان، ۴۲/۱۰

(۱۳) همان، ۵۴/۱۰ قس مطلق الطیر، ۲۳۵

چون بگه کردند آن سی مرغ رود
بی سگ این سی مرغ آن سیم مرغ بود
در تحیر حمله سرگردان شدند
مار از نوعی دگر حیران شدند

چون شما سی مرغ این حا آمدید
سی در این ایینه پیدا آمدید
گر حل و سحاه و سصب آید نار
برده‌ای از خویش نگساید نار
(همان، ۲۳۶)

(۱۴) همان، ۴۷/۱۰

(۱۵) همان، ۴۸/۱۰ قس مطلق الطیر، ۴

هیچ دانایی کمال او ندید
هیچ بیایی حمال او ندید
صد هزاران سر جو گوی آن حا بود
های های و های و هو آن حا بود
شیرمردی باید اس ره را سگرف
ران که ره دورست و دریا ررف ررف

(۱۶) همان، ۵۱/۱۰ و ۵۲

(۱۷) همان، ۵۷/۱۰ تا ۵۹

(۱۸) همان، ۱۱/۱۷۲۲

(۱۹) همان، ۱۱/۱۷۲۴

20) Victor Hugo, *Oeuvres complètes*, Imprimerie Nationale, poésie.

t. XI, *La fin de Satan*, Dieu, 1911, p. 30

(۲۱) همان، ۱۱/۳۸۶

(۲۲) همان، ۱۱/۴۱۰

(۲۳) همان، ۱۱/۴۱۶ تا ۴۱۷

(۲۴) همان، ۱۱/۴۳۴ و ۴۳۵

(۲۵) همان، ۱۱/۵۰۷ و ۵۱۴ قس مطلق الطیر، ۲۳۳

حاجب لطف آمد و در بر گساده
هر نفس صد برده دیگر گساده
شد جهان بی حجابی اسکار
پس ر نورالور در سوس کار
حمله را در مسد هرب ساند
بر سر بر عزت و هبت شناید

26) Armand Renaud

27) *Les mair persanes* Paris, 1865

این کتاب در ۱۸۹۶ با اضافاتی تجدید حیات شد. نگارنده از حیات دوم استفاده کرده است

(۲۸) «ریبای نادیده»، یا «ریبای نه‌ها»، نام بخش نهم از سبهای ایرانی است. در صفحات آینده نیز آنچه به هنگام سخن از ارمان رنو میان حکاک آمده عنوان بخشها و یا چکامه‌های سبهای ایرانی است. موارد استثنایی مشخص شده است

(۲۹) همان، ۷۵-۹۰

(۳۰) همان، قطعه «سردی سکمت»

می‌خواهی نادیدی و ناشیدی و

مطلق را شناسی؟

- آری!

آن گاه زمین و آسمان به لرزه درمی‌آیند و نور همه جا را
وشاند. آن موجود عظیم دوباره با نوك انگشت پیشانی شاعر
مس می‌کند و شاعر، محو آن همه عظمت، جان می‌سپارد.^{۲۵} به
ر کل «باز می‌گردد و نیست می‌سود و در این نیستی هستی
ی باز می‌یابد.

و این راهی بود که ارمان رنو^{۲۶}، سراینده سبهای ایرانی^{۲۷}
د. البته وی در ساختن بخشهایی از کتاب خود از غزلیات
نظ نیز بهره گرفته است. اما حافظ تنها مأخذ او نبوده است و
برخی از حکامه‌های سبهای ایرانی، همچنین طرح کلی آن را
عطار و جامی و دیگر عارفان بزرگ ایرانی مدیون است.

شاعر نخست جوان است و سوری در سر دارد و به ریباریان
مار عشق می‌ورزد ولی دیری نمی‌گذرد که از این گونه عشق
بی می‌گرداند و در بی عشقی برتر می‌رود و آن را در وجود
بای نادیده^{۲۸} باز می‌یابد. دلدار او لیلایی دیگر است که در
قی مجنوبی دیگر گرفتار آمده است، و خود نیز عاشقان
شده‌دل بسیار دارد... شاعران در وصف نغمه می‌سرایند،
بانان بر سر راهس گل می‌افسانند و گوهر فروسان سرانایس
ه گوهر می‌آرایند. اما گل و گوهر و موا و نغمه را چه سود؟ او در
«صیاد مغروری» است که سوار بر اسبی سپید از راه خواهد
ید و او را، همچون غزالی که به کمند افکنده باشد، همراه
اهد برد. تا آن روز او در میان جمع تنها خواهد بود، به گوشه‌ای
اهد خرید و با دل شیدای خویش دمساز خواهد شد.^{۲۹}

بس دل داده و دلدار هر دو در جست و جوی یکدیگرند. یکی
ه عفاف بر کشیده و رخ از اغیار پوشیده و دیگری، مجنون وار،
در بیابان نهاده و با دد و دام همراه گردیده است تا در کوه و
مرا و در و دشت، همه جا، نشانی از یار باز یابد.

سر انجام دو دل داده به هم می‌رسد و لب بر لب یکدیگر نهاده
بد عشق می‌نوسند. ولی افسوس! هیچ چیز را در این جهان
کی بقایی نیست. شبی دلبر ماه پیکر سر بر بستر می‌بهد و به
ابی خوش فرو می‌رود و دیگر بر نمی‌خیزد... آن گاه غمی چون
ه بر سینه شاعر می‌نشیند و جهان در دیده‌اش تیره و تار
گردد. دیگر نه امیدی در دل دارد و نه شوری در سر و تنها مرگ

خون دل عاشقان سیراب شده‌اند؛ باشد که از خون دل او نیز لاله‌ای برمد و بر پهنه دست و چمن جلوه نماید. پس به «گل‌های شراب» پناه می‌برد و در «مستی فروزان» به استقبال از مولوی برمی‌خیزد که در دیوان سمس چنین آورده است:

گر سمس و قمر خواهی بك سمس و قمر ناری
گر صبح و سحر خواهی بك صبح و سحر ناری.

ممکن است چنین بپردازیم که ربو این غزل را نمی‌شناخته است. ولی توضیحی که در حاشیه مربوط به صفحه ۱۶۵ از جاب دوم شب‌های ایرانی آمده هرگونه شبهه‌ای را از میان می‌برد. در آنجا شاعر آشکارا می‌گوید که «مستی فروزان» را از روی همان غزل مولوی ساخته است و حال آن که هیچ رابطه‌ای میان مضامین این غزل و مضامین «مستی فروزان»، که با افکار خیام سازگارتر است، مسهود نیست بجز رابطه ورن و آهنگ. ترجمه «مستی فروزان»، در قالب اصلی آن و تا آنجا که می‌توان دو زبان را از لحاظ قواعد دستوری هماهنگ کرد، چنین است:

نارهم حراعه‌ای! نارهم بواي حگ! سعله بر اهرورا
نارهم در حام، برقصان و برقسان، ستارگانی ریا!
نارهم حراعه‌ای، به رنگ گلگون، از یاقوت فروزان!
نارهم حراعه‌ای، که از گرد و عیار برداید، رنگ حقیقت!
نارهم می‌باب، تا سوسیم و سوسیم، نور و ریایی!
نارهم می‌باب، نارهم می‌باب، تا بر جهان
هرچه روان است، در کهکشانها، از سو و سهوب^{۳۱}

متن فراسوی «مستی فروزان» که مانند دیگر اشعار ربان فرانسه و برخلاف شعر فارسی تابع اوران هجایی است نه اوزان عروضی، از نظر آهنگ به غزل مولوی بسیار نزدیک است و می‌توان گفت که ربو، هنگام مطالعه و یا شنیدن غزلیات مولوی، نارعه‌ای از سور و سوز او را در خود احساس کرده است. اما در چکامه بعد از آن، به نام «بال‌های سکسته»، که هم از نظر آهنگ و هم از نظر مضمون بسیار ریباس، شاعر فرانسوی، با آن که مأخذ یا مأخذ خود را ذکر نکرده، پیدا است که به خصوص از عطار الهام گرفته است.

«بال‌های سکسته» در واقع پیوندی است میان بخش‌های بیسین کتاب و چهار بخش آخر آن؛ چندان که می‌توان مراحل تحول افکار شاعر را، به موارد دوره‌های مختلف زندگیش، چنین دانست:

در سه بخش نخست، «گل و لبل»، «عزلیات» و «آهنگها»، شاعر از عشق جهانی و سور و عوغایی که همه کاینات را دربر گرفته است سخن می‌گوید؛ سپس در بخش‌های «شوق و سهوب»، «زیبای تنها» و «وصال»، موردی خاص از این سور و

عوغا را، که شاید تجربه شخصی او بوده است، وصف می‌کند؛ در بخش «گل‌های خونین» و «گل‌های شراب» آن مرحله از زندگی او را شرح می‌دهد که شاعر عشقی بزرگ را از دست داده و به کوتاهی عمر و گیوفایی دنیایی برده است و می‌خواهد خاطره آن عشق و تلخی این تجربه را در میدان نبرد و جام باده فراموش کند؛ اما رفته‌رفته دوره ضعف و پیری فرا می‌رسد و شاعر را به سرایی دیگر می‌خواند. در این مرحله از زندگی، انسان معمولاً به آینه‌های جغرافیایی روی می‌آورد و راه کنتش و کلیسا پیش می‌گیرد. ربو چنین نمی‌خواهد. او بر آن است که همان راهی را بپیماید که پس از او شاعرانی مانند عطار و مولوی، شاید در تمام دوره حیات، پیموده‌اند. «بال‌های سکسته» ملی است که او را از این سو به آن سو می‌رساند.

سبی شاعر در خواب می‌بید که بیاله‌اس به وسعت آسمانهاست و باده‌اس به فروردگی ستاره‌ها و خود مسب باده السب، جندان که «برده» را بردریده و «عین عیان» را آشکارا دیده است؛ پس بر آن می‌سود که «بامست ماه و جورشید را خرد کند» و نادمی که از سینه برمی‌آورد آتش در برده افق افکند^{۳۲}:

دست در دام حان خواهم رد
بای بر فری جهان خواهم رد
اسب بر حسم و جهت خواهم تاحت
بانگ بر کون و مکان خواهم رد
از دلم مشعله‌ای خواهم صاحب
بفس سعله‌فسان خواهم رد
خود مرا گشت عیان آنچه مبرس
لاف از عین عیان خواهم رد^{۳۳}

ولی ناگهان از خواب بیدار می‌سود و درمی‌یابد که آنچه دیده رویایی بیس بوده است و او را آن سوی حادثات راهی نیست. پس دوباره به می و مستی روی آورده قذح باده به دست می‌گیرد و می‌خواهد آن را بر لب گذارد که ستاره‌ای درخشان در جام رح می‌نماید؛ آسمان هم‌چنان نگران اوست. آن گاه شاعر «یادس از کسته خویش» می‌آید و هنگام درو، به گذشته‌های درو و نزدیک می‌اندیشد و همه را بوج و بر باد رفته می‌یابد:

گاه در ستایش ماه تراه سرودم،
گاه از نعه لبل سرمست شدم،
گاه در حام باده بی‌حری جست و جو کردم،
عشق وریدم، جامه ردم پوشیدم

معشوق و مستی و پیروزی و رؤیا،
از این همه چه بر جای مانده است؟
آن گاه که خیمه برافراشته‌ای را فرو می‌کشند،

ار دیرک و ریسمان و پرده‌های آن چه می‌ماند؟

—

امروز شعر و شور و شوق، همه چیز را
در عشق به پروردگار می‌جویم
ناده عشق او سراب ناب می‌است
و لطف بیکرانش سمشیر برآم ۳۴.

س اسماں پیر و زمی سود و ساعر روانه «خانه خدا» می‌گردد
او بر «فر از قله‌ها» ایستاده است و آسکارا می‌بیند که «همه جا
به عشق است چه مسجد چه کنسب» و در سراسر کاینات آنچه
ب تسبیح گویان است. از این رو، خطاب به زایران خانه خدا
گوید. ۳۵

ای حابه برستان چه برستند گل و سنگ؟
آن حابه برستند که ناکان طلبیدند ۳۶

و آن خانه خانه دل است. در بیسگاه پروردگار آنچه را ازرسی
ب عشق نه او و آخرندگان اوست، همان عشقی که آدم خاکی را
ملک برتر می‌دارد و او را بر عرس کبریایی می‌ساند.

در اینجا ارمان ربو برای آن که نشان دهد چگونه عشق به
اوید بزرگ‌ترین حماسه‌ها را بنید می‌آورد و انسان را از همه
بر و همه کس بی‌نیاز می‌گرداند، فسیده‌ای در ربای امام
سین(ع) و یاراس می‌سازد در این تاریخ، تعدادی از تعریه‌های
بوط به وفایع کر بلا به کوسس سودرکو به زبان فرانسه درآمده
۳۷. سس از او نیز، گوینو دردین و فلسفه در آسیای مرکزی، از
وۀ عزاداری ایرانیان در ایام عاسورا سخن گفته و حکیده
حی از تعریه‌ها را در کتاب خود آورده بود. انتشار ترجمه
دردکو، نافد معروف فراسوی، ارنسب رنان را در ۱۸۸۴
انگیخت تا سرحی مبسوط درباره مساجد و تکیه‌ها و تعریه‌های
ان نویسد و این گونه نمایشها را با نمایشهای فرانسویان در
ون وسطی درباره مصائب عیسی(ع) مقایسه کند و حسین
و بد

من هیچ نمایشنامه مذهبی نمی‌سازم که مطالعه آن آموزنده تر از
تغزیه‌های ایران باشد ۳۸

در هر حال، ارمان رنو، به یاد آنچه در کتاب گوینو و در ترجمه
دردکو خوانده بود و برای نشان دادن نقش عشق و ایمان به خدا
زندگی انسانها، فسیده‌ای بلند در ربای حضرت امام حسین(ع)
نارانش ساخته که بخشی از آن در زیر می‌آید:

حسین(ع)، پس از پدر و برادر
که آن دو نیز در راه خدا شهید شدند،
به زیر چکمه استبداد
حان داد.

یاران او هفتاد و دو تن بودند
و دسمناس ده هرا.

و او همسر و فرزندان را
در سن تبه‌ای شاه داده بود.
از آسمان اس می‌نارید و زمین سوران بود
مردان تنه افتخار بودند
و کودکان تنه آب
و این صحنه ده روز تمام ادامه داشت
سراجام، حسن(ع)، که همه ناران و فرزندان را از دست
داده بود،

خود نیز با بیکری حویین و خاک خاک بر زمین افتاد
از آن سن، هر سامگاه اسماں حون می‌گردد
و وحوس کوه و صحرا نالاند
من اما نمی‌گیرم بلکه بر آن رادردانی که
ان روز، در صحرائی کر بلا،
و در راه عشق بی‌پایان به خدا،
زندگی و هستی خود را از دست دادند،
رسک می‌برم ۳۹

سس عشق را معجزه‌هایی بسیار است، خداان که ساعر، که
ایک از گذشته نارگسه و از عشق الهی سرمست است، همه سب
را در راز و نیاز با پروردگار به سر می‌برد و نامدادان، مدهوس و
ناتوان، بر زمین می‌افتد. بیکرس حنان ربحور و رحسارس حنان
رنگ بریده است که فرستگان سیه‌بال، نگاهبان مرگ، او را مرده
می‌نمایند ولی نارای بردیک سدن به حریم او را ندارند. روز به
نابان می‌رسد و سب بر همه حیر حیره می‌گردد در دوست
می‌گساید و دیگر درها فرو می‌سند ان گاه، مرد خدا ساس سر

حاشیه:

(۳۱) همان، ۱۶۵.

(۳۲) همان، ۱۶۷.

(۳۳) دیوان عربیات و معانی عطار، به کوسس بی مفصلی، ۱۶۳ - ارمان ربو به
حای «عین عیان»، که یافس معادلی برای آن در ربان فرانسه دسوار است، کلمه
«immatériel» یعنی «غیرمادی» را به کار برده است

(۳۴) سسهای ایرانی، ۱۸۵ «میراث مردی سالخورده»

(۳۵) همان، قطعه «بر فر از قله‌ها» نیز حاسیه مربوط به این قطعه که در ص ۲۹۷
از حات دوم سسهای ایرانی آمده است

(۳۶) همه بحس «خانه خدا»، بهمین بحس سسهای ایرانی. تفسیری بر این سب از
مولوی است البته ساعر فراسوی، به سوه عطار در مطلق الطیر، و یا مولانا در
مسنوی، بحس اصل موضوع را وصف کرده، سس داستانهای برای توحه و تفسیر
آن آورده است

37) Alexandre Chodzko, *Theatre persan, choix de Teazies ou drames*,
trad par , Paris, 1878

38) Ernest Renan, *Nouvelles etudes d'histoire religieuses* «Les
Teazies de la Perse», Paris, 1884, p 188

(۳۹) سسهای ایرانی، قطعه «سالگرد»

از خاک برمی دارد تا دوباره با معشوق به راز و نیاز پردازد.
فرشتگان مرگ، که او را زنده می یابند، هراسان، راه گریز در پیش
می گیرند...^{۴۰}

شاعر اینک از دست خود رسته و به معشوق پیوسته و مست باده
الست است. هر چه می نوشد می است و هر چه می خورد اقیون:^{۴۱}

ما را مبین چو مستان، هر چه حورم می است آن
امیون شود مرا نان مخموری دو دیده.^{۴۲}

دیگر همه چیز در او وجد و شور می آفریند و او را از خود برون
می برد و به پایکوبی و دسب افسانی می دارد:

می رقصم و می رقصم و می رقصم
در حنگل ابوه می رقصم
در میان دد و دام می رقصم،
بر فله کوه می رقصم
می رقصم و می رقصم و می رقصم،
بر اوج کهکشانش می رقصم،
همراه ستارگان می رقصم،
شب می رقصم و روز می رقصم
می رقصم و می رقصم و می رقصم^{۴۳}

با این همه، گاه شاعر چنان دستخوش حیرت می گردد که حتی
در شناختن ماهیت عشق خود نیز فرو می ماند: آیا به راستی عاشق
است؟ یا عاشق نیست؟ معشوق او کیست؟ اصولاً معشوقی در
میان هست؟ اگر هست، چگونه است؟^{۴۴}

گر بدو گوید مستی یا نبی
بستی گویی که هستی یا نبی
در میایی یا بروی ار میان
برکاری یا نهایی یا عیان
گوید اصلاً می بدام چیر می
ان بدام هم بدام بیر می
عاشقم اما بدام برکیم
به مسلمام به کاهر پس چیم؟
لیکن ار عشقم بدارم آگهی
هم دلی بر عشی دارم هم نهی.^{۴۵}

از این رو، در برخی از اشعار، معشوق او هم زیبایی زنان را
داراست و هم نیروی مردان را؛ و در برخی دیگر، نه زن است و نه
مرد بلکه زیبایی مطلق است.

شاعر همچنان در وادی طلب سرگشته و حیران است تا آن که
معشوق نقاب ار رح برگرفته او را به سوی خویش می خواند و از
شراب عشق سیراب می کند؛ اما، انگشت بر لب و خاموش
گویان، تا مبادا عاشق بیدل اسرار مگو را بازگوید^{۴۶}، زیرا این
وادی

عین وادی فراموشی بود
لگی و کزّی و بیهوشی بود^{۴۷}

و آنجا دیگر سخن گفتن روا نیست. آنجا وادیی است «بیرون از
زندگی»^{۴۸}. وادی مرگ نیست، زیرا در مرگ نیز زندگی بهفته
است و در زندگی درد ورنج. آنجا وادی فناست، فنا در هستی مطلق
و گم شدن در «بحر کل». سس ساعر، همچون سایه ای که در
خورشید محو شود و یا فطره ای که به اقیانوس بی کران بیوندد،
به اصل خویش بازمی گردد: نیست می سود ولی در این بیستی
هستی ابدی بارمی یابد:^{۴۹}

هر دو عالم نفس آن دریاست سس
هر که گوید نیست، این سوداست سس
هر که در دریای کل گم بوده شد
دایماً گم بوده آسوده شد
دل در این دریای برآسودگی
می بیابد هیچ حز گم بودگی^{۵۰}

اما این «دریای پرآسودگی» و «بیرون از زندگی» حس است
چیزی که در وهم نگنجد، خرد از درکش فایده حاصل است و کلمات در
وصفش نارسا:

نه آب، نه آتش، نه هوا،
نه غلب، نه معلول،
حلولت، شب، هیچ و همه چیر، خدا^{۵۱}

بدین گونه، ساعر هراسوی سرگذشت خود را، از جوانی
بیری، در قالب کتابی ریخته که طرح و محتوای آن، از بسیاری
جهات، منطق الطیر عطار را به یاد می آورد: نخست وصف سوز
غوغایی که همه عالم را فرا گرفته است؛ سپس طی مراحل سیر،
سلوک که در شبهای ایرانی از گذشته شاعر مایه می گیرد: آنگاه
شک و تردید و حیرت و پشت سر نهادن این مرحله دشوار که ممکن
است به کفر و شطح بینجامد؛ و در پایان، رسیدن به سر منزل عمارت
نیست شدن در «بحر کل» و، از این راه، به هستی ابدی دست
یافتن.

اما بازتاب عرفان ایرانی در آثار موریس بارس به گونه ای
دیگر است؛ زیرا که وی عقاید مذهبی استواری داشت، نه آیین
کاتولیک سخت پایبند بود و به وطن خود، فرانسه، عشق
می ورزید. در سال ۱۹۱۴ نیز از سوی دولت فرانسه مأمور شد

کشورهای غرب آسیا رفته و از مدارس و مؤسسات کاتولیک در این کشورها بازدید کند و ببیند چرا مسیحیت در آسیا پیشرفت نکرده است و راههایی برای اشاعه مسیحیت و رفع نواقص مسیحونهای مذهبی فرانسه ارائه دهد. با اینهمه، او نیز، که نویسنده همدردی بر احساس بود، نمی توانست نسبت به عرفان ایرانی و شعر برگزینی مانند مولوی و عطار بی تفاوت بماند. از این رو، سخن سفر به غرب آسیا، در قونییه به زیارت مقبره مولوی ستافت، در محالین رقص و سماع مولویه شرکت جست و نا حلیی، پیر و مرشد آنان، به گفت و گو نشست و، در بارگشت، دیده ها و سینه های خود را در سفرنامه ای، که آن را پژوهشی در کشورهای سرو^{۵۲} نامید، بازگفت.

در همین سفرنامه است که بارس از استیای فراوان خود به دیدن ایران و از آنجه استادان مدرسه رباعیهای شرقی باریس درباره مولوی و دیگر شاعران ایرانی به او آموخته بودند یاد می کند و درباره منطق الطیر عطار می گوید.

من شعر عارفانه ای نمی شناسم که از منطق الطیر ریاضی تر باشد و این چنین خواننده را به سوی کهکشانیها نه پرواز درآورد آری^۱ به راستی منطق الطیر شعری است که همچون دسته ای از مرغان اسرارآمیز فصای لایتنای را درمی خورد و آدم حاکی را به عرش کربایی می رساند^{۵۳} اما مینوی چگونه است؟

کتابی است سراسر شور و سوق، با صحنه های خیال انگیز^{۵۴} [و مولوی] شاعری که عطر و نور و موسیقی را با هم درآمیخته است. سعیر از همان آغاز چنان هیجانی در خواننده برمی انگیزد که او را بر سهر خیال می نشاند و به سوی آسمانها می کشاند. نه! مولوی، این شاعر دلغریب، کتاب خود را «رقصیده» است^۱ چه حوسحت هسم که امروز به دیدارش می روم^{۵۵}!

آنگاه بارس سر آغاز مثنوی و برخی دیگر از اشعار مولوی را، از روی ترجمه های برانکنده و نیز از روی آنچه در مناقب العارفین خوانده بوده است، به زبان فرانسوی در می آورد و می اهراید که مساهداتس در قوییه او را به تأملاتی درباره عرفان - در همه ادیان - برانگیخته و اندیشه های بیسین او را دگرگون کرده است، بدین فرار

(۱) عرفان، از لحاظ ماهیت، در همه جا و در همه ادیان یکی است.

(۲) کسی که يك بار دستخوش هیجان عارفانه شده ناسد دوباره بدان روی می آورد.

(۳) رقص و پایکوبی یکی از راههای نیل به حالت وجد و سوو عارفانه است.

(۴) می توان این حالت وجد و شوق را تداوم بخشید.

(۵) خوانندگان کتاب بیابد او را (= بارس را) در ستایش از عرفان شرقی (= ایرانی) بکوهش کنند.

(۶) از دیدگاه او، به عنوان نماینده نویسندگان و شاعران دیبای غرب، سرگدست هیچ يك از «مردان آسمانی» با سرگدست مولوی برابر نیست.^{۵۶}

سینس بارس مولوی را با برگزین شاعران اروپایی سنجیده و چنین نتیجه گرفته است:

من سرگدست هوگوها و دانته ها و سکسیرها و گونه ها را در برابر سرگدست مولوی ناتمام می نامم^{۵۷}

اما بارس شاعر نبود و نمی توانست این همه احساس را در اشعاری برگرفته از مولوی و عطار و حامی بدمد. این کاری بود که شاعران قرن نسیم کردند.

حاشیه

(۴۰) همان، قطعه «فرسگان هرب خورده» - شاید ربو، هنگام ماحت این قطعه، به حکایت «نارید و بکیر و مکر» در منطق الطیر، نظر داشته است

(۴۱) بحث «ربوهای افیون»، دهمین بخش سهای ایرانی، سراسر در شرح حالت وحد و سوهی است که به شاعر عارف دست می دهد در اشعار مولوی حده های استعاری کلماتی مانند می و افیون بر حده های صوری آن فروبی دارد و در اشعار ربو بر عکس

(۴۲) کلیات شمس، به کوشش بدیع الزمان هروانفر، ۱۶۴/۵

(۴۳) سهای ایرانی، بخش دهم، قطعه «نابکوبی»، ببرك حاشیه ص ۲۹۸ از همان کتاب

(۴۴) همان، بخش یازدهم «دلدار»

(۴۵) منطق الطیر، ۲۱۲ اشعار مذکور در وصف «وادی حیرت» آمده است

(۴۶) در صفحه ۲۴۲ از سهای ایرانی عربی آمده است نا فافیه وردیف «انگشت بر لب» شاعر نه حام ناده پناه می برد، دلی معنوی «انگشت بر لب» بر او اشکار می گردد، حامس را می سکند و او را به سوی خود می خواند ناده عشق او را س است و به ناده ای دیگر بیاری نیست تحلیص شاعر در این غزل همان «نعمه گر حیا لدار» است که در بخش «غزلیات»، دومین بخش کتاب برگزیده است منانه مصون غزل مورد بحث را در اشعار بسیاری از شاعران ایرانی می توان یافت

(۴۷) منطق الطیر، ۲۱۹، «وادی فقر»

(۴۸) «بیرون از زندگی» نام دوازدهمین و آخرین بخش از سهای ایرانی است

(۴۹) همان، ۲۴۸

(۵۰) منطق الطیر، ۲۲۰

(۵۱) سهای ایرانی، همانجا

52) Une enquête aux pays du Levant

(۵۳) همان، ۸۳/۲

(۵۴) همان، ۱۰۵/۲

(۵۵) همان، ۷۴/۲

(۵۶) بارس در پایان جلد دوم از کتاب خود می گوید که مشاهداتش در شرق او را در نیست مورد نه تأمل واداسته است، ولی چنان که ملاحظه می شود، تنها ۶ مورد از این موارد بیست گانه را برشمرده است علت آن است که اجل مهلتش بداد تا سفرنامه خود را به پایان برد. کتاب در ۱۹۲۳ هنگامی منتشر شد که بارس اندکی پیش در گذشته بود

(۵۷) همان، ۱۵۶/۲

يك نقطه سیاهی (در توضیح بیتی از حافظ)

هاشم جاوید

خواجہ ہم هست درست اسب و ہمین دستکاری و تبدیل «نقطه» به «قطره» باعث ابهام و سرگردانی بیشتر شده است.

محمد بن محمد دارابی بیت را اینگونه شرح کرده است «مقصود از این قطعه مدح یحیی بن مظفر است به فرینہ مظلا غزل تا آخر. به هر حال می‌فرماید آن سیاهی که در روی می‌نماید که آنرا کلف گویند و حکما در این مسئله که آیا حه باد حیرانند. بعضی می‌گویند نبهاست بر روی ماه و ضوء ماه بر آ نمی‌تاند از این جهت سیاه می‌نماید، یا ستاره‌ای چند است بر روی ماه افتاده، یا عکس دریاهاست حناحہ مذهب حکما هند است. لسان الغیب می‌گوید این قطره سیاهی است که از یحیی بن مظفر بر روی ماه افتاده در این صورت حل مسائل حو بر هر يك از این وجوه بحث و اعتراض لازم می‌آید خفا بر وجوه باقی است و هر گاه ظاهر سد که قطره سیاهی از کلک یحی است که بر روی ماه افتاده حل مسائل شده...» (لطیفه عیہ کتابخانہ احمدی سیراز، ص ۲۳ و ۲۴)

در شرح دیگری حسین آمده است:

«در ازل از قلم تو يك قطره سیاهی بر روی ماه افتاد که حل مسائل سد. روی ماه روی ساه یحیی و قطره سیاهی چهره اوست و به ممدوح می‌گوید خالی که در روز ازل از قلم بر روی چهره مثل ماهت افتاد موجب حل مشکلات گرد. توضیح این نکات که چگونه روز ازل از قلم ساه یحیی قطره چهره او افتاد و این قطره سبب حل مسائل سد برای بنده نگردید. مشکل را با بعضی فضلی حافظ سناس در میان بها توضیحات و تعبیرات ایشان نیز مطلقاً بنده را قانع نساخت، مرمان در شرح بیت به نقل از لطیفه غیبیه آورده است که یعنی قطره مرکب از نوک قلم تو بر روی ماه چکید و گفت و گوها که درباره کلف و علت آن میان دانشمندان بود بر طرف ساخه این شرح هم بر نگارنده چیزی روشن نشد. از شرح حافظ موجود نیز چیزی به دست نیامد.» (شرح اشعار حافظ، حسینعلی هروی)

استاد دکتر زرین کوب مرقوم فرموده‌اند:

«مبالغه‌ای ناروا که نفی آن از ساحت قول شاعر هم نیست... و با مناعت طبع خواجہ خالی از غرابتی به نظر نمی‌قطره سیاهی که از کلک ممدوح بر روی ماه می‌افتد تعبیری است نفاذ حکم او بر عالم و همین معنی را گاه‌گاه شعرا به عبارتی «بر روی ماه رقوم نوشتن» نیز تعبیر می‌کرده‌اند. از این جمله قول مولانا که در باب رسول خدا و به استناد روایت مرید انشقاق قمر گوید: کسی که بر روی ماه رقوم نویسد و او خط نبشتن و در عالم چه باشد که او نداند (قیه مافیه، ص ۱۴۲). به کلک ممدوح و قطره سیاهی که از آن می‌چکد در ابیات

رور ازل از کلک تو يك نقطه سیاهی

بر روی ماه افتاد که سد حل مسائل

خورسید جوآن حال سیه دید به دل گفت

ای کاش که من بودمی آن هندوی مقبل

بیت اول این دو بیت از آن سرهاست که بحث بسیار برانگیخته و مایه تعبیرهای گوناگون شده است. برای اینکه هم سیر این شرح و تفسیرها را یکجا ببینیم و کار خواننده را آسان کنیم و هم تفاوت برداشتها و دریافتهای مختلف را بسنجیم خلاصه‌ای از آنها را می‌آوریم:

سودی گفته است «روز ازل از قلمت يك قطره مرکب سیاه بر روی ماه افتاد که سبب حل مسائل شد یا آن قطره مسائل را حل کرد. این کلام بر طریق اسناد مجازی مبین آن است که پادشاه ممدوح شاعر، کاتب بوده، الحاصل مقصودش بیان لکه روی ماه است.»

پیدا است که کلمه «کلک» باعث تداعی «مرکب» شده و به تغییر «نقطه» به «قطره» انجامیده است. به شرحی که در آخر خواهیم دید «يك نقطه سیاهی» که در قدیمترین نسخه‌های خطی دیوان

خواه سر هسب...

سبس با ذکر ساهدی از تاریخ و صاف و بیتی از ابو العلاء
معرّی در رباع:

و ما کلفه البدر المنیر قدیمه
و لکنها فی وجهه انرا للطم

«نه هر تقدیر اسناد سیاهی کلف در روی ماه آسمان به کلک
ممدوح که بطور ضمنی حاکی از تقدم روستایی رای سلطان بر
روستایی ماه و خورشید هم هست شامل این دعوی است که آنچه
در عالم تصرف می کند و حل مسائل بدان وابسته است کلک فصا
حریان ممدوح است نه تأثیر خورشید و ماه که خود آنها محکوم
حکم و هندوی در گاه او بشمارند.

طرفه آن است که این مبالغه شاعرانه با حُسن طلبی که در آن
هسب و از همت عالی و طبع منیع رند شیراز بعید و تا حدی قبیح به
نظر می رسد در شأن بصرت الدین ساه یحیی است که حَسَن و
صَنَت او هم مشهور است و به نظر می آید ساعر را سابق حاجتی
فوق العاده به این امید واهی دل خوش کرده باشد. « (نفس بر
اب، ص ۸-۳۹۷)

استاد دکتر زریاب خوئی نوشته اند:

«غزل مستمل بر مدح اغرای آمیز و حالی از محتوای معمول در
مدح یکی از امرای آل مظفر است... نکته اینجاست که هم ساه و
هم ساعر، هم مادم و هم ممدوح به بوح بودن و دروغ بودن این
مدایح آگاه بودند... آنچه در این میان حاصل می شود این است که
ساعری که راههای معیشت در اجتماع بر روی او بسته است از
امیر و شاه وقت وجه معاش دریافت می کند و می تواند در سایه آن
زندگی کند و به آفرینش هنری بپردازد... سس اگر در اجتماع
دروغی سایع و رایج شود که همه بر دروغ بودن آن متفق باشند
حبس دروغی بی ضرر است، زیرا هیچکس به فحواي آن عمل
نمی کند. همه می دانند که این مدایح بی محتواس ولی همه به
جهت ریبایی اشعار و هنری که در پروراندن این مدایح دروغ بر
از مبالغه به کار رفته است آنها را می خوانند و حفظ می کنند. و نه
قول خود حافظ: از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه باك.

اکنون بر سر معنی دو بیت مذکور بیاویم. آنجا که می گوید «ار
کلک تو يك قطره سیاهی بر روی ماه افتاد» ممدوح را عطار در فرض
کرده... در احکام نجوم قدیم این ستاره را دبیر فلک می خواندند و
به همین جهت غالباً از کلک عطار سخن نه میان آمده است. اگر
عطار دبیر فلک باشد و کلکی به دست داشته باشد، صفحه کاغذی
که باید بر آن بنویسد و بنگارد کدام است؟ حافظ این صفحه کاغذ
را روی سفید ماه که زیر فلک عطار است دانسته است؛ سس در
این تصویر حافظ، عطار دبیری است که کلکی به دست دارد و
صفحه ماه در زیر او قرار دارد. از این کلک عطار قطره مرکبی

بر روی ماه افتاد که حل مسائل سد یعنی چه؟ ریرا در نجوم عطار
را ساره فلسفه و دانش و هندسه و سر و بلاغ و مناظره
می دانستند و از او در حل مسائل کمک می خواستند...
استاد با ذکر ساهدی از عیون الاناء این ای اصیبه
افزوده اند:

«سس در کشف معضلات علوم از عطار مدد می خواستند و این
اسب معنی آنچه حافظ می گوید: قطره سیاهی از کلک تو در روی
ماه افتاد و سبب حل مسائل گردید

سس از آن حافظ عطار و ماه را در وجود شخص بصرت الدین
یحیی جمع می کند بی آنکه به آن تصریح کند. آن عطار و آن کلک
خود ساه یحیی است و آن صفحه قمر و ماه رحسار خود ساه یحیی
و آن قطره سیاهی حالی است که بر روی او بوده است... حال
سیاه است و نه همین جهت آن را حال هندو گفته اند و هندو به معنی
بنده و غلام. خورشید چون آن حال ساه را بر روی ساه یحیی دید
گفت کاس من نا همه در حسدگی و عظم ان هندوی حوسبحت
یعنی آن خال ساه که بر روی او افتاده است بودم...» (ایه جام،
ص ۱۵-۳۱۱)

آخرین سرخی که تاکنون دیده ام این است

«... در نظر اول حس در بافت می سود که این دو بیت نر حون
ایات دیگر آن عزل خطاب به ممدوح و بیان بررگی شأن اوسب
در رورارل و آغاز آفریس جهان، قطره ای از فلم ممدوح بر روی
ماه حکیده و لکه ساهی را که اکنون بر روی آن دیده می شود بدید
آورده و موجب حل مسائل شده است (معلوم نیست کدام
مسائل)

اما در دو بیتی که از حافظ نقل شده از سب معنای طاهر و از
لایه لای تعبیرانی که به کار رفته است معنای دیگری بیر به خاطر
القاء می شود. کلام حافظ غالباً دارای دو و گاهی حد وحه است و
در دو عالم متفاوت و در عن حال متشابه. سیر می کند

«... در اینگونه اسعار حافظ، در بسیاری از موارد وجه مضمیر
که وحه اصلی است و بنای بیت شعر بر آن است در زیر وحه ظاهر
پوسیده می ماند و حواسده ای که از موضوع آن بی خبر و صافی
ضمیر باشد حز وحه طاهر حیری نمی بیند...

«دو بیتی که در بالا آورده شد نیز از اسعار دو وحهی حافظ
است و ظاهر آن همان است که گفته شد اما وحه مضمیر آن ناظر بر
نکته ای است که در ادبیات عرفانی سابه دارد... رورارل، آغاز
آفرینس و آغاز تاریخ عالم است. کلک کنایه از فلم صنع است
«خال سیه» که در صبح ارل از فلم صنع بر روی ماه افتاده است
اشاره به لکه ای است که از عصیان آدم بر رحسار عصمت او
نسسته و ناکی صفای اولیه او را تیره کرده است...
«از این نظرگاه در ایحما ماه و لکه سیاهی که بر روی آن است

ایمانی است به آمیزش نور و ظلمت در سرشت آدمی و به جامعیت و تمامیت وجود او، از آن روی که مظهر و مجلای جمیع اسماء و صفات مهر و جلال و لطف و جمال الهی است... اسان به حکم همین مظهریت جامع و جامعیت، ساینستگی خلافت یافته و بار امام را بر دوش گرفته و از همین روس که مسجود ملایک سده و مصیمان عالم قدس را که همگی خون «خورسید» نور و صفای محض به رسک و حسرت افکنده است که ای کاس ما را از جامعیت او بهره‌ای بود.

«اما مسائلی که در مصراع دوم از بیت اول به حل آن اساده رفته است مسائل مربوط به چگونگی عارض شدن ظلمت بر نور و وجود کیفیات ظلمانی در سرشت اسان است که از دیر بار مورد بحث و محل نظر بوده...»

«سایر آنچه گذشت، نور و ظلمت هر دو از آثار علم صبح و حیر و سر و طاعت و معصیت همگی متعلق به حکمت و منسبت خداوند است... و ملروم و مفتضای اسما و صفات مقدس او...» (دکتر فتح الله محتسانی، فافله سالار سخن خابری، ص ۲۴۹-۲۴۶)

*

این بود خلاصه شرح و تفسیرهای مختلف از این دو بیت شعر حافظ در چهار قرن گذشته از سودی تاکنون و نمونه‌ای از برداسها و نظریات گوناگون صاحب نظران. اینک حاصل جستجوی این حویده.

گمان می‌رود که آن نکته نهفته در بیت و معنی نهان در برده الفاظ شعر، سودی یا مضامین فراسی و مایه الهامی از تفسیر آیه ۱۲ سوره نسی اسرائیل دارد. در تاریخ محمد بن جریر طبری خوانده‌ام.

«ان عباس گفت: می‌خواهید آنچه را درباره خورسید و ماه و آغار حلفت و احام آن از پیامبر (ص) سیده‌ام برایتان بگویم... پیامبر فرمود خدای تبارک و تعالی وقتی همه مخلوق را بیافرید و جز آدم باقی نماند دو خورسید از نور عرس بیافرید و آن را که می‌داسست خورسید خواهد ماند به بررگی دنیا... و آن را که می‌داسست تاریک می‌کند و ماه می‌سود کو حکمت آفرید...»

«اگر دو خورسید را جناب که در ازل حلفت فرمود و می‌گذاشت، سب از روز و روز از سب ساحت نمی‌سد. مردور نمی‌دانس تا کی کار کند و کی مزد بگیرد و روزه دار نمی‌دانس تا کی روزه بگیرد... و مسلمانان نمی‌دانستند وقت حج کی یاسد و فرض دار نمی‌دانست فرض را کی باید بردازد و مردم نمی‌دانستند کی به کار معاس بردازند و کی به راحب تن خویش...»

«خدای عزوجل دلسوز و مهربان نندگان خویش بود و حبرنیل علیه السلام را بهرستاد که مال خویش را سه بار بر روی

ماه کشید (که در آن وقت خورسید بود) تا نور آن محو سد و روسی نماند و این معنی گفتار خدای عزوجل است که فرمود سب و روز را دو سان کردیم و نسانه سب را سیاه کردیم و نسانه روز را روشن کردیم. (سوره ۱۷، آیه ۱۲)، و این سیاهی که ماند خط‌ها بر ماه می‌بینید نسان نماند است...»

«و فتاده درباره گفتار خدای که سب و روز را دو آیت کردیم گوید: ما همیشه می‌گفتیم که محو آیت سب لکه‌هایی است که در ماه است و آسکاری آیت روز و این خورسید نورانی تر و بررکتر از ماه است...»

«... و ابو جعفر گوید... به یقین می‌دانم که خدای عزوجل به صلاح بندگان که از آن خبر داسست نورسان را مختلف کرد. یکی را بر نور و روشن و دیگری را کم نور کرد...» (ترجمه تاریخ طبری، باینده، ص ۴۰ و ۴۱، ۴۸ و ۴۹)

«وجعلنا الليل والنهار آيتين - سب و روز را دو نسانه کردیم و نسانه سب را سیاه و نسانه روز را روشن کردیم تا از بروردگار خویش فرونی جوئید و سماره سالها و حساب اوفات بدانید و جیس کرد تا به سب و روز ماه‌ها و سال‌ها و وقت نماز و حج و روزه و فرائض دیگر بدانند و وقت دین و تکلیف خویش را بسناسد (همان، ص ۴)»

«و یستلونك عن الالهة فل هما موافیت للناس والحج. یعنی تو را از راه‌های نو برسند بگو وقت هاست برای مردم و حج...» «و فرمود هوالدی جعل الشمس ضیاء والقمر نورا... لتعلموا عدد السنین والحساب ما خلق الله ذلك الا بالحق. یعنی اوست که خورسید را برتوی و ماه را تابشی کرده تا شماره سال‌ها و حساب کردن را بیاموزند. و این همه نعمت و تفضل بود که خلق را داد و بسیار کس از خلق سکر نعمت وی بدانستند...» (همان، ص ۴ و ۵)

بلعنی، حنانکه سیوه اوست، همین مطلب را روشن تر، یکد می‌آورد:

«... ماه را نور کمتر است و آفتاب را روشنایی بیشتر از هر آن گفتیم که خدای عزوجل روشنایی ماه را محو کرد چنانکه گفت: قمحونا آیه اللیل. پس جبرنیل را علیه السلام فرمود تا بر روی ماه مالید تا روز از شب پدید آید و سال و ماه پدید آید و این

بالها بر جهره ماه سایده تا نور ماه اراو گرفته شود. این اسب که فرمود سب و رور را بر دو سان کردیم و سان سب محو کردیم. پس آن سیاهی که در فمر می بسد اثر خطوط محوی اسب که بر روی ماه کسیده شده» (این قسمت از تفسیر مبینی به عربی است که ترجمه کردیم)

ماز همین مضمون را در تفسیر مسندی از آیه ۱۸۹ سوره بقره می توان دید:

«... از توای بیامر می ترسد که این ماه نو حسب که می افراید و می کاهد .. ایسان را جواب ده که حکمت در ریادت و نقصان ماه نو ان اسب که تا هنگام ها و وقت ها بر مردم روس سود و راه برند نه مزد مردوران و عده ریان و مدب ناروران و سر رسیدن وام ها و تحقق سرط ها و بیر ماه رمضان و فطر و رورگار حج و تربیت آن روس می سود و بر خلق آسان ..» (تفسیر مسندی، جلد ۵، ص ۵۱۴)

پس آن مسائل مشکل، مسئله گرفتاری و سرگردانی مردم در تسحیص ساعات عبادت و استراحت و اوقات کار و کسب و روره داری و روره خواری و خواب و بیداری و وامگزاری و تکالیف دنیا و دین و معاش و معاد بود که در صورت يك سان ماندن نور ماه و خورسید و هماغسیدی اوقات و سودن سب و رور همچنان حل ناسده می ماند.

پس به فرمان خدای رحمان بر جبرئیل فلم ترسیم آن رفم سیاه بر روی ماه سد و ارسودن بر او نقطه سیاهی بر جهره ماه افتاد و این مسور بوسه با کلک صبع، مسائل مردم را حل و چنانکه مبینی تصریح کرده اسب کارها را بر حلی روس و آسان کرد حورسید هم ار آن رو با همه ناکی و تاساکی بر آن «حال هندو» و «علام سیاه» رسک می برد که می سد آن «حال سیاه» به لطف خداوند، سرف حل مسائل حلی را یاف و آن نقطه نه یمن آن عرب که یافته و با حسان فلمی که نفس سده بود با همه سیاهی گره ار کار فرو بسنه مردم وا کرد.

*

دیدم که هیچ حا سخن از مرکب و «فطره» نیست بلکه صریح ترجمه و تفسیرها حاکی از خط و سان و نقطه سیاه اسب و پس، جز این مراجع، سیوه سخن حواحه هم همه حا این نکته را که «نقطه» است تأیید می کند. حافظ بی کم و بیس هر حا سخن ار «حال» اسب به فریه آن «نقطه» می آورد

در حم رلف تو آن خال سیه دای حیست
نقطه دوده که در حلقه حیم افتاده اسب

مدار نقطه پس رخال تسب مرا
که قدر گوهر یکدانه گوهری داند

سیاهی بر روی ماه اثر بر جبرئیل است» (تاریخ بلعمی، تصحیح بهار، ص ۴۵) و نیز:

«عبدالله بن عباس گفت من سما را حدیب آفتاب و ماه می کم چنانکه از پیغمبر علیه السلام شنیدم که گفت خدای عزوجل آفتاب و ماه را از نور عرس آفرید و هر دو به روسنائی یکی بودید...

«... اگر خدای عزوجل ماه را همچنانکه بود بگذاستی مردم رور از سب باز ندانستی و وقت آسودن ندانستی و وقت کار کردن ندانستی. پس خدای عزوجل از لطف خویش جبرئیل را فرمود تا بر بر روی ماه مالید، سه بار تا نور او کمتر سد و آن سیاهی که بر روی ماه بیداست اثر بر جبرئیل اسب.» (همان، ص ۵۰ تا ۵۲) اما در تفسیر مبینی:

«و جعلنا الليل والنهار آيتين - سب و روز را دو نشان کردیم» ار قدرت خویش و دلیل بر علم خویش». فمحو نا آیه الليل - سان سب ستردیم «و سیاه کردیم». و جعلنا آیه النهار مصره - و سان رور روشن کردیم. لتبتقوا فضلا من ربکم - تا فصل خدای را بحوثید «و روزی خویش». ولتعلموا عدد السنين و الحساب - تا نداید شمار روز و شب و شمار سال ها و راست داستن هنگام ها...» (تفسیر مبینی، ج ۵، ص ۵۰۶، به اهتمام علی اصغر حکمت). مبینی پس از ترجمه آیه در تفسیر آن به نقل از سلمان فارسی و اس کبر مطالبی به تفصیل آورده و سپس گفته است که:

«ابن عباس گفت رب العزه نور آفتاب هفتاد جزء آفرید و نور ماه هفتاد جزء. پس از نور ماه شصت و نه جزء محو کرد و این شصت و نه جزء بر نور آفتاب افزود...» و سرانجام:

«اگر خداوند خورشید و ماه را به همان حال که خلق کرده بود وامی گذاشت نه شب از روز شناخته می شد نه روز از سب. مردور می دانست کی کار کند و کی مزد بگیرد. روزه دار نمی دانست کی روزه بگیرد و کی افطار کند. زن آگاه نبود چگونه عده نگاه دارد. مسلمانان نمی دانستند کی وقت نماز است و کی وقت حج و مردم نمی دانستند کی کشت و زرع کنند و کی بیاسایند. پس خداوند سبحان بر آنان رحمت آورد و جبرئیل را فرستاد و به او فرمود تا

اما در همین تنگناها اگر در شعر باریک سویم می بینیم حافظ
 چنانکه سیوه اوست گاه در غرلی س از رفع تکلیف و ادای وطنه
 ناگهان رندانه از ممدوح به معسوق و در این غزل از ممدوح به
 معبود می گیرد این است که در اولین فرصت، روی از رمی به
 آسمان می کند و خطاب را از ساه به خدا می گرداند تا اگر مست
 این غزل بر ساه یحیی است، روی هم او با خدا باشد
 همچنانکه در مطلع غزل اگر مخاطب شعر، خداوندگار روی رمی
 است، در آن بیتها، خداوند عالمین است

در این ترنم، با آن حافظه حرب انگیز که فرآن را به چهارد.
 روایت از بردارد، موج بداعی، حواه و ناحواه برای رهایی از سر.
 مدح، او را به سوی آیه های دیگر سوره ننی اسرائیل می کشد.
 اگر با دسمانه تفسیر آیه ۱۲ مضمون «رور ارل از کلک تو»
 می سارد، برای این که از اقلیم «مدح» همچنان به فلمرو «وخی»
 بگریزد بی درنگ آیه دیگری از همین سوره را به یاری می گیرد
 مضمون «لا یرید الظالمین الاحسار» (آیه ۸۸، سوره
 ننی اسرائیل) را به مصراع «حوس ناس که طالم نرد راه به مرل»
 ترجمه می کند. هیچ دلیلی نیست که روی این سخن با ساه یحیی
 باشد و با خود حافظ باشد ساه یحیی سستگرم به قدریمیمو
 فرد مظلوم و بگرانی نیست که از طالمی بترسد و بار به دلدار
 حافظ داشته باشد خود حافظ است که باید خاطر خود را به
 بدر حامی طالم حوس دارد

بیت آخر غزل هم بی گمان بیتی در حور تأمل است.

حافظ فلم ساه جهان مقسم ررق است
 از بهر معیست مکن اندیشه باطل

با آن سلسله تداعی و باریک بینی و پیوستگی اندیشه و سحر
 حواحه، گمان نمی رود که حافظ فرآن ما، دو آیه دیگر از همین
 سوره پی اسرائیل را بیاد نیاورده باشد:
 «ان ربك یسطر الرق لمن یشاء» - خدای تومی گستراند،
 می گساید روزی آنکه را خواهد» و «لقد کرمتنا بنی آدم.. ورر فیه
 من الطیباب.. - گرامی کردیم فرزندان آدم را و روزی دادیم ایسان
 را...

س، روری رسان حداست و اگر به یاد داشته باشیم که رو
 ارل کلک صنع الهی نقطه سیاهی را برای آسانی روری مرد
 بر روی ماه گذاشت و فلم خدای جهان قسمت کننده ررق بود،
 این دو آیه دیگر، که خداوند را فاسم الارزای می خواند حگو
 خطاب «سah جهان» متوجه ساه یحیی است؟ آیا حافظ خود طله
 ررق و تأمین معیست را از هر کس حز خدای جهان اندیشه،
 باطل می داند و همین نکته را رندانه با افسون سخن و طنز خاه
 خود در این بیت نمی گنجاند؟... والله اعلم.

این نقطه سیاه که آمد مدار نو

عکسی است از حدیفه بیس رخال تو

و حور این سیاهی را در بیت بعد «حال» می خواند س کلمه
 «نقطه» درست است به «قطره» آن کلک هم که نقطه سیاهی از آن
 بر روی ماه افتاد کلک ساه یحیی سست آخر رور ارل ساه یحیی
 کجا بوده تا کلکی داشته باشد؟ نقطه هم بر روی ماه افتاده به روی
 ساه س کلک کلک خدایی و فلم فلم صنع است و نقطه ساه ابر
 بر حرنیل و حافظ هم «کان فی الرمس الاول» مفسران را، «رور
 ارل» ترجمه کرده است.

*

سحر مصفا به و دلسوران اسنادان دانشمند از ان همه گراف و
 مبالعه درباره نادساهی حسان بی عدل و انصاف سخنی بسیار
 سخته و بحاسبت براسی حس شعری از حسان اراد مردی بعد
 و حرب اور است

حسب آن است که ساند وضع حافظ و اوضاع ان رورگار
 عذر حواه حواحه سرار باشد ساه یحیی به فرمان یمور سس ماه
 در سیرار نادساهی کرد (سال ۷۸۹ هـ ق) و این سه سالی بیس از
 نایان عمر حواحه است. حافظ مردی است حسه و سکسه از
 بیری و سسی. در مذب چهل سجاه سال ساعری خود کمر روی
 اسایس و امست دیده و بارها از نبودن «امی عس» نالنده دوران
 سلطت ساه ابواسحاق، دوست و دوستدار او «دولت مستعجل»
 بوده سستبان دیگر او در میان ساهان ال مظفر، یعنی ساه سجاج،
 بیریك حید هوادارس سده اما به او وفادار نمانده باهی عمر او با
 فرار و سست سلطت ساهان پیمان سکی حویساوند کس ریاکار و
 هنرمند آزار، در سم و امید، گذشته و به قول سعدی با «امید نان و
 بیم حان» شعری که در تنگنایی بی گیرگاه، به احبار و اضطرار و
 نه از سر سو و احسار سروده سود حر این چه حواهد بود؟ حبیب
 شعری سان از طبع سحر افرین و بیان دلنشین و لحن استین آن
 ساعر ساجر نخواهد داشت می بینیم که این به آن حافظ است که
 می ساسیم و می حواهم، و این غزل به غرلی بر آمده اردل و حان
 اوست

*

شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی

در زبان فارسی معاصر

(۱۱)

دکتر علی اشرف صادقی

(۵۷) «-in» «نین»

اس سوید در موارد زیر به کار می‌رود:

الف) به اسمهای مواد می‌حسید و صفاتی می‌سازد که بر جس
ماده‌ای که مصداق موصوف از آن ساحه سده دلالت می‌کند
هس، ررین، سیمین، حوبین، گلین، سفالین
استعمال «-نین» در این مورد خاص زبان ادبی است و در زبان
معمولی، چه بوستاری و چه گفتاری، به جای آن اس سوید «-نی»
(۱-۱) اسفاده می‌شود. آهنی، حوبی، گلی، سفالی (به جای ررین
و سیمین، طلا و نقره یا نقره‌ای به کار می‌رود).

اهین در زبان نوشتاری ادبی و غیر ادبی در معنی مجازی
محکم (اراده، مرد، بارو) به کار می‌رود آتسین سر در بوستار و
کنار در معنی مجاری بر سر و حرارت (بطی) استعمال می‌شود
مولادین (مولادین) در معنی مجاری محکم به کار می‌رود اعصاب
مولادین؛ بلورین در معنی بسیار سفید، مسکین به معنی سیاه یا
خوسو و نمکین به معنی ملیح و مطبوع (اسان) سر همه دارای
معانی مجازی اند. سه کلمه سنگین، سیرین و بوسین امروز سیطره
شمرده می‌شوند.

ب) به اسم می‌حسید و وجود یا کثرت وجود بایه را در مصداق
موصوف سان می‌دهد: رنگین (دارای رنگ زیاد (بوساری) و
محار (بوساری و گفتاری))، حوبین (در مورد جنگ، که
مردن زیاد در آن ریخته سده است)، حرکین (محاراً به معنی مکرر
متوال در مورد لباس، بدن و غیره، حرک و در مورد رحم حرکی به
کار می‌رود)، آهنگین (دارای آهنگ)، نیادین (دارای نیاد،
سایس)، سنگین (دارای تنگ، موجب تنگ)

ب) به کلمات ریر، پیس، پس، امروز، دیروز، آغار، دروع، دیر

می‌حسید و نسبت صرف را می‌رساند ریرس، پیس، سسین،
امرویر، دیرویر، آغارس، دروعس، دیرین سسر این کلمات
خاص بوسار ادبی اند و بعضی مانند پیسین، سسین و ریرس در
بوستار معمولی سر به کار می‌روند دیرس به معنای قدیمی است و
سارین با دیر تفاوت معنی دارد

کلمات ریر، سس و سس اسم-فید، امروز و دیروز و دروع
اسم است تنها کلمه‌ای که در آن سوید به صفت حسیده است
راستین است^۱ این برکت ظاهراً به فاس با کلمه دروعس ساحه
سده است راستین به معنی «واقعی و غیر محمول» و دارای تمام
سراطی^۲ به کار می‌رود و با راست تفاوت معنی دارد

«-نس» در کلمه حدین معنی خاصی را به ناه اضافه نمی‌کند
در سالیهای اخیر با سوید «-نس» کلمه نمادین ساخته سده و در

حاشیه

۱) کلمه دیگری که ردههای اخیر رائج سده و در آن سوید به صفت ملحق سده
است «بوسین» است مرحوم فره‌بی در یادداشتها (ج ۷، ص ۳۳۳) این کلمه را که در
انام احتمالاً حدود ۶ تا ۷ سال پس در حوال یکی از کتابهای حاج سریر به
کار رفته بوده به احتمال ماحود از ترکی دانسته است در ترکی اسانولی ادبی
nevin (- بوس) به معنی ساهراده (prince) و حوبین از هر چیزی است (رک
فرهنگ ترکی - انگلیسی، دهانوس که ان را کلمه‌ای عالمانه (learned) دانسته
است) استیگاس، باطم الاطمایا بر این کلمه را با صفت بوسین به معنی دو
معنی صفت کرده اند بوس در فارسی امروز به معنی بوسیدن است و با معانی آن در
ترکی به ظاهر ارتباطی ندارد، دیو فارسی برشت بوانس به معنی خیر دلخست و
مرعوب و رسا و آسته، بوناود و نه بنید آمده به کار رفته، فرهنگها بران، اصسط
کرده اند (رک برهان، بها، محم، و غیره) به نظر می‌رسد که بوسین ترکی به معنی
خویش از هر چیزی محقق بوانس فارسی باشد، اما پس از آنکه از ترکی وارد
فارسی سده (احتمالاً در قرن اخیر یا اندکی جلوتر) آن را با «نو» ارتباط داده و به
همان معنی به کار برده اند استعمال این کلمه در برابر کلمه مدرن فرنگی که به همان
معنی بوانس است کاملاً مناسب است اما بوسین به معنی ساهراده از کلمه بوسین و
بویان معمولی گرفته سده و با نو و بوانس ارتباطی ندارد

برابر سمبوليك به كار رفته است. كلمه بنيادين نيز در دهه‌های اخير رايج شده است.

(۵۸) «-ينه» (= -ine/a)

اين پسوند نيز در چند مورد به اسم ملحق شده و صفت نسبي ساخته است كه جنس و نوع موصوف را نشان مي‌دهد: نرينه، مادينه، انينه (عنينه).
در كلمه ديرينه (= قديمي) پسوند به دير كه قيد و صفت است ملحق شده است.

(۵۹) «-گان»

از ميان كلمات قديمي اين پسوند در كلمات خدايگان (منسوب به خدا = پادشاه) و گروگان ديده مي‌شود، اما در دهه‌های اخير در ساختمان بعضي اصطلاحات علمي به كار رفته است، مانند يگان (= يك + گان)، دهگان، صدگان (اعداد منسوب به يك، ده و صد)، جنوبگان (= منسوب به قطب جنوب: مدار جنوبگان)، شمالگان (منسوب به قطب شمال: مدار شمالگان، دريای شمالگان)، چهلگان (بادهای ~، در ترجمه roaring forties يعني «بادهای غرب وزان غالب كه در سراسر سال بر افيانوسهای نيمكره جنوبی بين عرضهای ۴۰ و ۶۰ درجه جنوبی مي‌وزند» (آرام، مصاحب و ديگران، فرهنگ اصطلاحات جغرافيايي)). آرامگان (آرامگان جدی در ترجمه Calms of Capricorn يعني «باحیه‌ای آرام واقع در داخل منطقه فشار زياد، نزديك مدار رأس الجدی» (همان))، هرمزگان، منسوب به هرمز، نام استانی در جنوب سرفی ايران.

چنانكه ديده مي‌شود در اين تركيبات «-گان» به اسم، صفت و عدد ملحق شده است.

(۶۰) «-گانه»

اين پسوند نيز نسبت را مي‌رساند و معمولاً از اعداد اصلي صفت مي‌سازد. صفاتی كه به اين طريق ساخته مي‌شوند تعداد عددی را كه پايه بر آن دلالت دارد نشان مي‌دهند: پنجگانه يعني پنج‌تایی، دارای پنج واحد: نمازهای پنجگانه؛ يگانه يعني دارای يك واحد، تنها، منحصر، واحد؛ چندگانه يعني دارای چند عضو، چندتایی. «-گانه» در جداگانه صورتی از «-سانه» است.

(۶۱) «-وند»

اين پسوند در كلمه خداوند به كار رفته و معنی آن معلوم نيست، اما در دنباله بعضي نامهای قبایل لر و لك نسبت را مي‌رساند، مانند فولادوند، كاكاوند، سگوند و غيره.

در دهه‌های اخير چهار كلمه زیر با اين پسوند ساخته شده است:

پیشوند	در برابر	prefix
میان‌وند	"	infix
پسوند	"	suffix
شهروند	"	citoyen و citizen

در كليۀ اين كلمات «-وند» ظاهراً نسبت را مي‌رساند و اير كلمات به ترتيب به معنی منسوب به پيش، ميان، س و سهر هستند بعدها از سه كلمه ميشوند، ميانوند، و پسوند كلمه وند را جدا کرده و آن را در برابر affix غربي به كار برده‌اند. دو كلمه ميشوند و سوند گاهی به صورت پيشاوند و بساوند نيز به كار مي‌روند كه در اين صورت بايد «-آوند» را صورتی از «-وند» به شمار آورد

(۶۲) «-نيه» (= -iyye/a)

اين پسوند اساساً به كلمات عربي مي‌چسبد و صفات سمي مي‌سازد. نسبت در اين كلمات روابط گوناگونی را نشان مي‌دهد، ماسد:

الف) رابطه فاعلي: تحريريه (هيئت) = تحرير كننده، نقله (وسيله، وسائط) = نقل كننده. در كلمات بيوته و سليبه (صفات) كه بر حالت دلالت مي‌كنند از بسوند، معنی وجود يعني وجود حالت فهميده مي‌شود: صفات بيوته يعني صفاتی كه وجود دارند؛ صفات سليبه يعني صفاتی كه وجود ندارند.

ب) هدف. خيريه (امور)، يعني اموری كه هدف از آنها نيكي، خير است؛ عمليه (رساله) = كه به منظور عمل كردن به مطالب آن تهيه شده.

پ) صرف وابستگي و ارتباط: اوليه (مراحل) = مربوط به آغاز [كار]، يوميه (مخارج) = منسوب به يوم (روز)، شرعيه، عقيقي، غيره.

كاربرد «-نيه» با كلمات عربي كم نيست.

(۶۳) «-و» (= -u)

اين پسوند كه به زبان گفتاری تعلق دارد اصلاً نسبت را مي‌رساند؛ بر معانی زیر دلالت مي‌كند:

الف) به اسم مي‌چسبد و صفاتی مي‌سازد كه دارندگی همراه، كثرت و مبالغه و اتصاف موصوف به پايه پسوند را مي‌رساند. بيشتر كلمات اين دسته دارای بار عاطفي و القائي شديد است: ريسو سيپلو (دارای ريش و سبيل انبوه و بزرگ)، شكمو (پرخور)، دارای لپهای بزرگ)، دماغو (كسی كه آب بينی او هميشه حار است)، شپشو (دارای شپش زياد)، زيگيلو.

از كلمه كرمو ظاهراً معنی كثرت فهميده نمی‌شود و اين كه

صرفاً به معنی دارای کرم است: سیب کرمو.

(۶۶) «-فام»

این وند خاص زبان ادبی است و تنها با معدودی از صفات دال بر رنگ و اسمها به کار می‌رود و به معنی رنگ تقریبی است: زردفام، سرخ فام، رمردفام (= تقریباً به رنگ زرد، سرخ ...)

(۶۷) «-آسا»

این سووند در چند کلمه مانند عول آسا، برو آسا و معجزه آسا به کار می‌رود و شباهت به نایه را می‌رساند. این کلمات به شکل فید نیز به کار می‌روند.

● «-سان»

این کلمه را معمولاً سووند به شمار می‌آورند (رك. فرب و دیگران، ج ۲، ص ۱۳۲؛ نهج الادب، ص ۵۹۹؛ فیلات، ص ۴۱۹)، اما در زبان ادبی معاصر هنوز در عبارتهایی مانند این سان، چه سان؟، همسان، یکسان، بسان و غیره به صورت مستقل و به معنی شکل و طریقه و مانند به کار می‌رود. سایرین در کلماتی مانند دوسان و بطایر آن اسم و به معنی شکل و مانند است در سالهای اخیر از این کلمه برای ساختن بعضی اصطلاحات علمی جانورشناسی مانند گربه‌سانان (در برابر Felides)، مارسانان (در برابر Ophiurides یا Ophiuridés) و مرغ‌سانان (در برابر Monotrèmes) استفاده کرده‌اند.

(۶۸) «-وار»

این سووند نیز به اسم ملحق می‌شود و شباهت را می‌رساند. آدم‌وار، برادروار، پدروار، روانه‌وار، دیوانه‌وار، طوطی‌وار، فهرست‌وار و غیره این کلمات به صورت فید نیز به کار می‌روند گاهی در ترکیبات ساخته شده با «-وار» حذف وجود دارد مثلاً غرلر رودکی‌وار به معنی غرلر مانند [غرلرهای] رودکی است. «-وار» در بزرگوارد در فارسی امروز معنی خود را از دست داده است.

این سووند زایاو کاربرد آن فیاسی است.

(۶۹) «-وَش»

این سووند نیز شباهت را می‌رساند و فقط در زبان ادبی در معدودی از کلمات به کار می‌رود که از آن میان تنها دو کلمه پریوش و مهوس (= ماه‌وش) در تداول به عنوان اسم خاص رایج‌اند.

(۷۰) «-سَانه»

دستورنویسان این سووند را مفید معنی شباهت و نسبت (نهج الادب، ص ۶۱۰)، شباهت (فیلات، ص ۴۱۵؛ به معنی like «شبیه») و لیاقت و شباهت دانسته‌اند (قریب و دیگران، ج ۲، ص

ب) در ترکیباتی که پایه آنها بن فعلی یا اسم مصدر یا اسم صوب است پسوند فاعلیت را می‌رساند. در اینجا نیز مفهوم کرب و ماله توأم با بار عاطفی وجود دارد: غرغو، فیسو (تکبرکننده)، حیح حیحو، نق نقو، عر عرو، قدقدو، فس فسو، هف هفو، هاف هافو (کسی که زیاد صدای هف هف می‌کند، مجازاً بیر و فرتوب)، حیر حیرو، گریه‌او، ترسو (کسی که ترس صف ذاتی او است)، احمو، حرو (کسی که زیاد جر می‌زند)، بازو، قمیزو. در کلمه زانو پسوند فاعلیت صرف (بدون مبالغه) را می‌رساند و این کلمه به معنی کسی است که رایمان کرده یا عنریب خواهد کرد

بعضی از ترکیبات ساخته شده با «سو» در سهرستانها با «-ئی» به کار می‌روند: در اصفهان کلمات فس فسو، فددو و حیر حیر و به صورت فس فسی، فوب فوتی و حیر حیری تلفظ می‌شوند. در کلمات ساسو و ریغو و دوسه کلمه دیگر، با آنکه نایه اسم است و معنی فعلی ندارد سووند معنی کنندگی دارد. برای بحث بیشتر درباره این سووند، رك. صادقی، «درباره بعضی سووندهای سب»، ص ۲۵۳-۲۴۶.

(۶۴) «-گین»

اس سووند به اسم می‌چسبد و دارندگی را می‌رساند. موصوف در اینجا دارنده نایه است. کلماتی که «-گین» به آنها ملحق شده معمولاً حالات و عوارض روحی و اخلاقی را می‌رسانند: غمگین، اندوهگین، سرمگین، حسمگین. کلمه آبگین ظاهراً در این میان استثنا است و دلالت بر داشتن يك سیء طبعی می‌کند. در کلمه میانگین که فرهنگستان اول آن را در برابر معدل عربی و moyenne فرانسه وضع کرده ظاهراً سووند معنی نسبت فهمیده می‌شود و میانگین یعنی منسوب به میان و وسط.

پسوندهای شباهت

(۶۵) «-گون»

این سووند به اسم می‌چسبد و برای توصیف اسمهایی به کار می‌رود که همرنگ پایه هستند: گندمگون (صورت)، لاله‌گون (محاراً به معنی فرمز)، گلگون (سرخ‌رنگ). کلمه وازگون امروز بسیط شمرده می‌شود و از نظر تاریخی نیز جزء دوم آن با پسوند مورد بحث ارتباطی ندارد. در «دیگرگون» گون به معنی شکل و نوع و گونه است و باید آن را صورتی از گونه تلقی کرد. بنابراین، این ترکیب از مقوله کلمات مستق نیست. این سووند خاص زبان نوشتاری است و فقط با معدودی از کلمات به کار می‌رود.

(۱۳۲). بعضی دیگر از دستورنویسان اصل این پسوند را «-ه» یعنی h/e و آن را مفید معنی لیافت و نسبت (شمس فیس، المعجم، ص ۲۴۵) یا نسبت (فرهنگ رشیدی، ج ۱، مقدمه، ص ۲۴ و ۳۲) و جزء اول آن را علامت جمع و متعلق به کلمه نایه دانسته‌اند. نجم الغنی خان نیز یکجا (نهج/ادب، ص ۴۸۰) اصل پسوند را «-ه» دانسته است. بعضی از معاصران نیز از همین نظر پیروی کرده‌اند (رك. همایون فرح، ص ۳۶۳؛ ابوالحسن نجفی، غلط - تنویسیم، چاپ سوم، ذیل «بدیختانه»)^۲. آنان که اصل پسوند را «-انه» تلفی کرده‌اند پایه را صفت یا اسم شمرده‌اند (فیلات، ص ۴۱۵؛ لارار، ص ۲۶۸) نفس سوید از نظر بعضی ساختن صفت - فید (لازار، همانجا) یا اسم و صفت و قید (آنور، ص ۱۰۷) و فید - صفت (همو، ص ۱۰۹) یا صفات دال بر حالت و چگونگی (modal) است (یرمه، ص ۴۱۰).

تعیین شکل صرفی و نفس دستوری و معنایی این پسوند در زبان معاصر چندان ساده نیست و شاید بدون استمداد از سابقه تاریخی آن امکان‌پذیر باشد. نقل احوال دستورنویسان نیز به منظور نشان دادن همین پیچیدگی است. نخستین نکته‌ای که باید در مورد این سوید رومن سود این است که آیا در فارسی معاصر این پسوند «-انه» است یا «-ه». نکته دوم تعیین این نکته است که آیا این پسوند به اسمها و صفات ملحق می‌شود یا تنها به اسامی می‌پیوندد. سرانجام باید به روس کردن نفس معنایی سوید و ماهیت دستوری کلماتی که با آن ساخته می‌شود پرداخت.

بی‌تردید در زبان فارسی معاصر این سوید را باید «-انه» تلفی کرد نه «-ه». زیرا در زبان معاصر کلمانی وجود دارد که س از حذف «-ه» از آنها نایه آنها به تنهایی به کار نمی‌رود. از این قبیل است کلمات مخفیانه و کورکورانه که س از حذف «-ه» از آنها به صورت *مخفیان و *کورکوران درمی‌آیند که نه تنها در فارسی امروز به کار نمی‌رود، بلکه ظاهراً در هیچ یک از ادوار و در هیچ یک از گونه‌های فارسی به کار نرفته و نمی‌رود. اما تعداد زیادی از کلمات مختوم به «-انه» با دو کلمه فوق متفاوتند. مثلاً کلمات کودکان، خردمندان، دلیران، غریبان و غیره به معنی مانند کودکان، خردمندان، دلیران، و غریبان است که در آنها هنوز معنی جمع مشهود است. حتی در کلماتی مانند جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و نظایر آنها که در زمان ما ساخته شده است این معنی کاملاً محسوس است.

نکته دوم یعنی اینکه آیا این پسوند به اسمها ملحق می‌شود یا به اسمها و صفات هر دو، نیز با توجه به مطلبی که در بالا درباره ارتباط مفهوم جمع با کلمات مختوم به «-انه» گفته شد ظاهراً پاسخ‌گفتنی است. اگر از «-ان» در این پسوند هنوز مفهوم جمع فهمیده می‌شود باید پذیرفت که لااقل از نظر تاریخی «-ه» فقط

به اسمهای و تنها به اسمهای که جمع بسته می‌شده‌اند ملحق می‌شده است و هر صفتی که «-ه» به آن ملحق می‌شده ابتداءً اسم تبدیل می‌شده و به شکل جمع درمی‌آمده، آنگاه پسوند به آن ملحق می‌شده است.

به نظر ما این پسوند در حال حاضر وضعی بینابین دارد در تعداد فراوانی از مثالها به ویژه آنهایی که در دهه‌های اخیر ساخته شده، مانند خوشبختانه، متأسفانه و غیره، پسوند را باید «-انه» به شمار آورد، اما در تعدادی دیگر، به خصوص کلماتی که در زبان ادبی امروز با «-ان» جمع بسته می‌شوند، مانند کلمات استادانه، کودکان و غیره، هنوز علامت و معنی جمع مشهود است. ما در بحث زیر برای سهولت توصیف این سوید را در همه جا «-انه» به شمار می‌آوریم و کوسس می‌کنیم سالهایی را که هنوز معنی جمع در آنها محسوس است از دیدگاه همزمانی توجیه کنیم

«-انه» در فارسی معاصر دارای معانی و نفسهای زیر است الف) به صفاتی که ویژگیهای انسان را نشان می‌دهد و به اسمهایی که در مورد انسان به کار می‌روند ملحق می‌شود و صفاتی می‌سازد که برای توصیف اسم عملها و اسمهای حالتی که دلال بر حالات و اعمال و رفتار و روس انسان می‌کنند به کار می‌روند کلیه این صفات به صورت فید نیز به کار می‌روند و می‌توان آنها را صفات - فیدو حالت و کیفیت نامید.

بیحرد - بیحردانه، ایله - ایلها، ادیب - ادیبانه، متکلف - مصفا، بدر - بدرانه، کودک - کودکانه، متکلف - متکلفانه، مسلح - مسلحانه، سرسخت - سرسختانه.

سوید در کلیه این کلمات در استعمال فیدی خود معادل «ن» حالت، نه سبک، نه صورت، نه شکل، مانند» است. ایلها، عمل کردن = مانند ایلها، مانند شخص ایله عمل کردن؛ بیسرمانه = مانند شخص یا اسخاص بیسرم، با بیسرمی؛ سرسختانه = نه سبک اسخاص سرسخت، با (حالت) سرسختی، و غیره. در استعمال صفتی ترکیبی مانند «کار ایلها» معادل «کاری مانند [کارهای اسخاص ایله] است و در آن نوعی حذف وجود دارد. در صورتی که نخواهیم «ان» را در اینجا علامت جمع تلفی کنیم باید نام را اسم جنس به شمار آوریم که سوید «-انه» به آن ملحق شده است. کاربرد «-انه» در این مورد در حد بالایی زیاده است و می‌توان آن را به بسیاری از اسمهایی که جدیداً ساخته شده‌اند الحاق کرد. مثلاً صورت «فضاوردانه» که از الحاق این سوید به کلمه فضاورد که کلمه‌ای نو است ساخته شده هیچ‌گونه غرابی ندارد. ترکیبات سرکوبگرانه و مسلحانه نیز مسلماً در دهه‌های اخیر ساخته شده‌اند. البته زایایی را نباید با مفهوم قیاسی بودن یکی دانست. قیاسی بودن در این مورد به این معنی است که به هر اسم یا صفتی که در مورد انسان به کار رود بتوان پسوند «-انه» را

و کرد که البته واقعیت چنین نیست. مثلاً از کلمه آدم هیچگاه
ب*آدمانه ساخته نشده است. به احتمال زیاد در اینجا وجود
ب «آدم‌وار» مانع از ساختن *آدمانه شده است. وجود
باتی مانند آدم‌وار را که مانع ساخته شدن ترکیبی مانند
مانه سده است در زبان‌شناسی با مفهوم blocking که لفظاً به
مانع شدن، بستن، مسدود کردن (راه) است و در اصطلاح به
وجود ترکیبی از قبل که مانع بیدایش ترکیب جدیدی با
ب دیگری می‌شود، توجیه می‌کنند. بی سگ بسوند «وار» در
دی رفیب بسوند «-انه» است.

ب بعضی مالها «-انه» به نام جانوران ملحق سده است، مانند
به، سگانه و سبانه. ترکیباتی که با نام جانوران ساخته
اند ظاهراً محدود به همین سه کلمه است و در موارد دیگری که
از این بسوند استفاده شود، از بسوندهای دیگری مانند
سا، استفاده می‌شود، مانند ترکیب سیر آسا به حای* نیبرانه.
ب موارد دیگر «-انه» به صفت یا اسمی که الراماً برای
بف انسان به کار نمی‌رود ملحق سده است، مانند جداگانه (به
ل حدا)، عمیقانه (به صورت عمیق و عمقی)، حداسدانه (به
ب حداسد)، مخفیانه (به شکل مخفی)، محقرانه، محرمانه،
به (تصادفی). در این مالها بسوند صرفاً سازنده صفت و فید
ب است و بیشتر این کلمات به عنوان فید به کار می‌روند.
ب به اسمها و صفات دال بر انسان و نیز سایر اسمها ملحق
شود و نسبت صرف را می‌رساند: مردانه، زنانه، بهگانه (لیاس
مرد)، مالکانه (بهره)، شاهانه (موکب ساهانه)، ملوکانه
مان ملوکانه)، ماهانه (عادت ماهانه) سراه (درآمد)، روزانه
(سبانه (کار، کسب) و غیره. بی سگ عدم امکان کاربرد
ب نسبت در ناره‌ای از این مالها مانند *مردی، *زنی،
به‌ای موجب کاربرد «-انه» در معنی نسبت سده است.
بوس نباید کرد که کلمات مردانه، زنانه، بهگانه، ساهانه،
کانه و مالکانه به صورت صفت - فید حالت نیز به کار می‌روند.
ب سالهای اخیر بعضی از اهل قلم به دلیل مع آوایی از
همایی که با «شناسی» ساخته شده و به مصوب ۱- حتم
شوند، صفت‌های نسبی‌ای مانند جامعه‌شناسانه، زبان‌شناسانه و
ه را ساخته و به کار برده‌اند.

کلمات رورانه، شبانه، ماهانه و سالانه که بایه آنها بر مفهوم
ب دلالت می‌کند به صورت قید زمان نیز به کار می‌روند: سبانه
کت کرد. در کلمات ماهانه و سالانه بسوند به صورت «-یانه»
به کار می‌رود: ماهیانه، سالیانه.

فیب بک از چهار ترکیب فوق به صورت اسم به کار می‌رود.
ب به اسم ملحق می‌شود و اسم منسوب به پایه می‌سازد این
ها معمولاً یا بر نوعی غذا و خوراکی و یا بر نوعی بول که باید

بر داحب سود دلالت می‌کنند.

مالهای معنی اول. صبحانه، عصرانه، برهیزانه (غذاهایی که
بیمار برهیزدار می‌تواند بخورد)، هوسانه، و نازانه، نورانه
مالهای معنی دوم. بیعانه، ساگردانه، ماهانه
کلمه سکرانه با هیج يك از دو معنی فوق سازگاری ندارد.
کلمات ریر در فارسی امروز سبیط سمرده می‌شوند. دیوانه،
جانانه، هندوانه.

سه کلمه بدبختانه، خوشبختانه و متأسفانه محصوراً به صورت
فید به کار می‌روند و حالات روحی گوینده حمله را نشان می‌دهند
نه حالت و کیفیتی را که فعل حمله با آن انجام می‌شود. متأسفانه او
دیر آمد = من متأسفم که او دیر آمد. این فید ترجمه فید فرنگی
malheureusement و heureusement (unfortunately و luckily)
است

ماخذ

- بروین گنابادی، محمد، «سر، وار، واره»، دانش، سال ۲، س ۲، ۱۳۲۹،
ص ۷۶-۶۸.
- رازی، سمس الدین محمد بن سمس، المعجم فی معایر اسعار العجم، به
کوسس محمدتقی مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- صادقی، علی اسرف، «در باره بعضی بسوندهای نسبت در فارسی
معاصر»، حسن نامه محمد بروین گنابادی، تهران، ۱۳۵۴، ص ۲۶۰-۲۴۶.
- فریب، عبدالعظیم و دیگران، دستور زبان فارسی، ج ۲، برای سال سوم
و چهارم دبیرستانها، تهران، علمی، بدون تاریخ.
- مرتضوی، موخر، «حد بسوند»، سرنه دانشکده ادبیات تبریز، سال
۷، س ۲، ۱۳۳۴، ص ۱۷۴-۱۵۹، سال ۷، س ۳، ص ۲۸۷-۲۷۴.
- نجم العسی حان، نهج الادب، لکهنو، ۱۹۱۹.
- همایون فرح، عبدالرحیم، دستور جامع زبان فارسی، تهران، علمی،
۱۳۳۷.

○ Apor, E., «About the Modern Persian Suffix -ane», *Acta Orient
Hung*, vol. XXIII, fasc. 1, 1970, 107-113.

○ D'Erme, G., «Il suffisso neo-persiano -ane, quale produttore di
aggettivi modal», *Annali dell' Istituto Orientale di Napoli* vol. 31 (N. S.
XXI), 1971, pp. 408-413.

○ Lazard, G., *Grammaire du persan contemporain*, Paris Klincksieck, 1957.

○ Phillet, D. C., *Higher Persian Grammar*, Calcutta, 1919.

یادداشت مربوط به شماره قبل (ص ۱۹، ستون ۲، سطر ۱۳ از آخر)
کلمه ضروری (ما «بی») منسوب به «ضرورت» است و در عربی به همین
صورت به کار می‌رود و «ضرور» تصرف‌ایر ایان در «ضروری» عربی است
بنابر این این کلمه باید از فهرست صفات عربی که در فارسی «-نی» به آنها
ملحق سده است حذف شود

حاشیه

- (۲) برای اطلاع از احوال سایر دستوری‌نویسان، رک سیدمحمد صمصامی،
کاملترین دستور زبان فارسی درباره بسوندها و بسوندهای زبان فارسی، اصفهان،
مشعل، ۱۳۴۶، ص ۲۲۶-۲۱۸.

داشته باشد، آرام به سیر خود ادامه دهد. از آن همه بحث و جدل نظری دربارهٔ میسر بودن یا نبودن ترجمه که در غرب جریان داشت تا دو سه دهه بعد از جنگ جهانی دوم مطالعات مربوط به ترجمه را تقریباً فلج کرد، در شوروی و اروپای شرقی حداد خبری نبود. بنابراین در پژوهشهای ترجمه‌شناسان روس و بلغار، که از لحاظ تاریخی با یکدیگر پیوند دارند، از آن دسته از ترندها و شیرینکاریهای نظری که می‌خواهد دو ندیده آستی باندیر- امکان ناندیر بودن ترجمه از یک سو و ترجمه‌های فراوانی که عملاً صورت گرفته و خواهد گرفت از سوی دیگر- را با هم آستی دهد خبری نیست. تحقیقات ترجمه در شوروی سابق و بلغارستان بیشتر بر خود ترجمه‌ها متمرکز بوده تا بر بحثهای نظری مربوط به ترجمه و به همین دلیل اصطلاحات مربوط به نقد ترجمه و ترجمه‌شناسی در اینجا جا افتاده‌تر و ملموس‌تر از نوع خود در غرب است.

با ایهمه، بارزترین تفاوت ترجمه در روسیه و اروپای شرقی با غرب در این است که ترجمه در روسیه و اروپای شرقی کاری مأحور و سطح بالا و به قول آنالیلوا، نویسندهٔ یکی از مقالات این مجموعه، «عملی اجتماعی، فرهنگی و حلاق» است، در حالی که در غرب کار دست خدمت‌رسان و نویسندگان به حساب می‌آید، به طوری که تا همین اواخر حتی لازم نمی‌دیدند نام مترجم را در کنار نویسنده اضافه کنند و این احتمالاً برخاسته از همان نظر تقریباً همگانی بود که ترجمه واقعی را امکان‌بندیر و تلاش در آن راه را عبث می‌داند. از آنجایی که ترجمه در سنت روسی کاری خلاق و معنی‌دار تلقی می‌شود، بحثهای مربوط به آن از مباحثات صرف زبانی فراتر می‌رود و در این بحثها زبان در خارجوب تاریخی و فرهنگی خود بررسی می‌شود.

در سنت ترجمه در روسیه و اروپای شرقی، همچنین توارن معقولی بین نظریه و عمل برقرار شده است. این سنت، که جنبه‌های گوناگون آن در مقالات این مجموعه گرد آمده‌اند، بر سر آن نیست که قواعدی جهانشمول برای ترجمه وضع کند؛ اما آن‌ها هم دور نمی‌رود که بگوید بحثهای نظری هیچ فایده‌ای در عمل برای مترجمان ندارد- مترجمانی که، در سایهٔ پیسرفت بحثهای نظری مربوط به ترجمه در اروپا و امریکا، هرچه بیشتر دستشان رو و اشکال کارشان معلوم می‌شود. محققان ترجمه در این سنت، همان گونه که زبان‌شناسان در تدوین دستورهای توصیفی عمل می‌کنند، «هنجار»های پذیرفته شدهٔ ترجمه در گردآوری می‌کنند، اما می‌گذارند که خود مترجم نیز انتخاب خود را داشته باشد. هرچند احکام نظری مارکسیسم- لنینیسم گاه برای برخی از نویسندگان این مجموعه دست‌وپاگیر است و گاه دفت بیش از حد و مکانیکی روح مطلب را می‌کشد، با ایهمه،

ترجمه، عملی اجتماعی

دیدگاه ترجمه‌شناسان روس و بلغار دربارهٔ ترجمه

علی صلحجو

Translation as Social Action: Russian and Bulgarian Perspectives, Edited and Translated by Palma Zlateva, Routledge, 1993

ترجمه در برد مترجمان و نویسندگان اروپای شرقی تنها انتقال معنی از ربانی به زبان دیگر نیست بلکه دیدارگاه دو فرهنگ متفاوت است که در آن چگونگی و نوع تصمیم مترجم در برخورد با فرهنگ مبدأ در مسیر و چگونگی ورود آن فرهنگ به فرهنگ مقصد و گیرودار برخاسته از این رویارویی تأثیر می‌گذارد. از همین جاست که ترجمه را عملی اجتماعی می‌انگارند، نگرسی که در غرب کمتر وجود دارد. در غرب بیشتر در این باره بحث می‌شود که آیا ترجمه واقعی و کامل امکان دارد یا نه. از زمان بطرکبیر به بعد آثار بسیاری از ادبیات و علوم اروپا به زبان روسی ترجمه شد. این جریان در دوران حکومت شوروی سابق نیز ادامه یافت. اغلب نویسندگان و روشنفکران روسی بارنگه داستن این «بنجره» روبه غرب را از وظایف اصلی خود می‌دانستند و برای آن قدر و اهمیت زیادی قایل بودند در حقیقت ماکسیم گورکی با دایرکردن و انتشار «مجموعهٔ ادبیات جهان» در سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۷ هستهٔ اصلی ورود ادبیات جهان به روسیه را بنید آورد.

سنت ترجمه در روسیه، در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی، جوانتر است. این امر به اضافهٔ احترامی که این کار در آن دیار داشته سبب شده که ترجمه، بی‌آنکه نیاز به ابیات حقانیت خود

نارحوب مفهومی بحث مبتنی بر مشاهدات تجربی و در مجموع نوس ساخت است.

س از این مقدمه، اینک به معرفی فصلهای سیزده گانه کتاب، به هر کدام به قلم یکی از زبان شناسان روس یا بلغار نوشته شده، می پردازیم.

● فصل اول: مقولات مورد مطالعه در ترجمه، نوشته آنالیلوا
مقولات لازم برای مطالعه ترجمه که در این مقاله مطرح شده اند، به سبب برای خواننده اغراق آمیز و حتی باور نکردنی جلوه کند، اما حقیقت این است که چنین واکنشی خود نسانه وجود مسئله ای در پژوهشهای ترجمه در غرب و تا حدی نیز در شرق است. باللوا ترجمه را محصول تاریخ می داند نه محصول علم. به سبب دیگر، ترجمه پاسخ به نازی اجتماعی، تاریخی و فرهنگی سبب فرهای متمادی ترجمه در کشورهای اروپایی انجام شده، ما از آنجا که موقعیت اجتماعی والا یی برای آن فایده نبوده اند، مطالعه این بدیده و گنجاندن آن در برنامه های آموزشی رواج ندایی یافته است نه فرایند و نه محصول نهایی ترجمه آن گونه به باید مطالعه شده و اغلب در حاشیه بحثهای دیگر مطرح شده سبب اغلب دانشگاههای اروپای غربی و شرقی و امریکا پژوهشهای زبان سیاسی و ادبیات دارند اما گروه ترجمه کمتر وجود دارد

بحث ترجمه، هر چند در دهه نازده سال گذشته رونق گرفته، هادی شده است. تأکید بر اهمیت پژوهشهای ترجمه در این مقاله و مقالات برخی دیگر از ترجمه شناسان شرق و غرب ناسی ر همین کم توجهی تاریخی به این بدیده است. در این مقاله، قولاتی حد- تاریخی، فرهنگی، نفسی، ساختی، محتوایی، و ان ساختی، آفرینشی و زبانی- برای مطالعه درباره ترجمه طرح می شود. نویسنده مقوله زبانی را مهمتر و اساسیتر می داند، زیرا در برگیرنده طبیعت خاص زبانهاست و ماده ساری ترجمه و س اصلی است.

● فصل دوم: مشخصه های اصلی و نشانه های خاص فاصله اریخی میان مترجم و متن اصلی، نوشته ایلینا ولادوا. ترجمه تنها بعد مکان صورت نمی گیرد. زبان در بعد زمان نیز که می شود و میر می کند و به همین دلیل چه بسا لازم باشد متنی در زبان خودش نیز ترجمه شود تا مثلاً از هزار سال بیس به زمان ما باز گردد. علاوه بر این، خود نویسنده به زبان اصلی نیز ممکن است در زبان دورانه های متفاوت سیر کند و از چیزهایی سخن بگوید که بگر وجود ندارند و درکشان مشکل است. در چنین وضعی مترجم چه باید بکند؟ اگر سخن متعلق به اعصار کهن را به زبان کوبی در درد، رنگ و بوی کهن نمای آن را گرفته است و اگر نخواهد

چنین استباهی بکند زبان کدام دوره یا عصر را باید «معادل» بگیرد تا همان تأثیر حاصل شود؟ اینها مسائلی است که نظریه پردازان ترجمه، بخصوص آبهایی که مترجم را دستگاهی سبب ماسین می انگارند، در آن گرفتار می شوند این صاحب، صرف نظر از تلاش و میران موفقیت مترجم، همواره مسئله انگیز است. نویسنده در این مقاله چهار نوع «فاصله تاریخی» را توضیح می دهد و راه حلهایی برای آنها در ترجمه عرصه می کند

● فصل سوم: نظریه ترجمه و ترجمه در عمل، نوشته یاکوب رتسکر در این فصل نویسنده بحث می کند که انتقال سبک و محتوا مستلزم وجود نظریه ترجمه است. تحلیل مقایسه ای دوربان با یکدیگر برای دسیایی به این نظریه لازم است اما کافی نیست مقایسه دو زبان صرفاً مقایسه دو دستور است، ساختار کلی منطقی- معنایی دو زبان بر باید با هم مقایسه شود تا نظریه حاصل کارآمد باشد علاوه بر این، همه مسائل ترجمه از طریق نظریه ترجمه حل نمی شود در بسیاری موارد مترجم باید از سبب زبانی خود کمک بگیرد تا بتواند مشکل را از سر راه خود بردارد نویسنده معتقد است که برای ترجمه باید یک بار متن اصلی را فقط به این منظور خواند که زبان ترجمه آن را بسازد کرد در جریان این مطالعه اولیه باید درباره نوع اثرهای زبانی و همچنین واحد ترجمه- کلمه، عبارت، جمله- اندسند و تصمیم گرفت درباره معادل صوری و معادل نفسی، نویسنده معتقد است تا جایی که نای ارتباط در میان است نفس اهمیت بسیاری دارد نویسنده اشاره می کند که چه بسا مواردی در ترجمه بیش نیاید که اطلاعات مترجم درباره مطلبی بیس از اطلاعات نویسنده باشد در چنین مواردی مترجم باید از این اطلاعات تنها در جهت استحکام ترجمه استفاده کند نه بیس از آن در بحث مربوط به معادل، نویسنده نشان می دهد که معادلها معمولاً معادل کامل نیستند و حوره معنایی آنها معمولاً متفاوت است در مورد کلمات جدید و معادل گذاری برای آنها نویسنده کلمه سوپرمارکت

حاشیه:

● این دومین کتاب از مجموعه Translation Studies (بررسی ترجمه) است که به معرفی آن می پردازیم کتاب اول، ترجمه، تاریخ، فرهنگ، از همین مجموعه قضا معرفی شده است (سرداشتن، سال سیزدهم، شماره سوم) برای کسب اطلاع درباره خود مجموعه به همان مقاله رجوع شود از این مجموعه که انتشارات راتلج آن را به ویراساری سورن سبب (S. Bassnett) و اندره لفرور (A. Lefevere) منتشر می کند، تاکنون چهار عنوان منتشر شده است سه عنوان دیگر اینها هستند

- Translation, Rewriting, and Manipulation of Literary Fame
- Translation, Poetics and the Stage
- Translation/ History/ Culture

کند تا متن برای خواننده معنی دار شود.

● **فصل چهارم:** عدم تناظر زبانها با یکدیگر و پیش نشانه‌های جرح و تعدیل در ترجمه، نوشته ولادیمیر گاک. این مقاله به آموزش ترجمه اختصاص دارد. آندره لفویر، دبیر این مجموعه، معتقد است که سطح کلاسهای ترجمه در غرب بسیار پایینتر از سطح این کلاسها در روسیه و بلغارستان است. می‌گوید آموزش ترجمه در غرب تا همین اواخر در کارگاههای بسته‌ای صورت می‌گرفت که بیشتر به نیارهای نویسندگان خلاق که نتوانسته بودند کاری انجام دهند باسح می‌داد تا به آموزش اصول و روس ترجمه این سطح از کار مدتهاست که در روسیه و بلغارستان سست سرگداسه شده است، زیرا اصطلاحات مربوط به نقد این رشته کاملاً ح افتاده و سطح تحلیل بالاتر است؛ نظر بردازیهایی بی‌نایه کمتر است و به «احساس» مترجمان آینده توجه بیس از حد می‌شود در واقع می‌توان گفت که آموزش ترجمه در سطحی میان «کارگاه» و «درس نظری» در غرب قرار دارد. در چنین وضعی طبیعی است که معلمان ترجمه به «بیس سانه»‌های تعدیل در ترجمه بپردازند اگر بتوان طرحی ریعب که بتواند از بیس نسان دهد که داسحوی ترجمه در چه نفاطی از زبان ممکن است دچار مشکل شود، مدرس ترجمه می‌تواند آموزش ترجمه را در سری مسختر بیس ببرد داسحویان نیز اگر از قبل با این عدم ساطر آسا ناسد، برای مواجهه با آنها آماده‌تر خواهند بود. این روس سبب می‌شود که آنها با اعتماد بیستری به این راه ادامه دهند. در این کار تطبیقی برخی از ساحت‌های زبان روسی و فراسوی مقایسه شده و هموشی‌ها و خلاهای آنها نسان داده شده است. ملا نسان داده شده که زبان روسی که فاقد حرف تعریف معین است در برخورد با ربانهای انگلیسی و فراسوی چگونه عمل می‌کند.

● **فصل پنجم:** مسئله واحد ترجمه، نوشته لئونید بارخوداری درباره واحد ترجمه مطالب ریادی نوشته شده است، زیرا این مسئله اهمیت آموزشی دارد. اگر واحد ترجمه مسخس شود مشکل اساسی مترجمان آسان و کارتدریس ترجمه روشن خواهد شد. آرووی دیرین بشر برای دستیابی به ماشین ترجمه در حقیقت وجه دیگری از دستیابی به واحد ترجمه بوده است، زیرا ماشین تنها در صورتی می‌تواند ترجمه کند که واحد ترجمه از قبل معین باشد. به هر حال، علم تا کنون نتوانسته این بدیده قرار دهد چند وجهی را مهار کند و هنوز هم در این مورد مهارت و خلاص مترجم، همراه با رعایت همیشگی اصل ارتباط، راهگشاست بحث درباره واحد ترجمه چنان اهمیت داشته که برخی از ترجمه‌شناسان از روی الگوی phoneme (واج): کوچکترین واحد

انگلیسی را مثال می‌آورد و می‌گوید در زبان روسی دوسه معادل به جای آن نهادند تا عاقبت یکی از آنها تبیت شد. گاه دفت در ترجمه سبب می‌شود که اصل ایحاز در ربان کنار گداسته شود و این زمانی است که مترجم مجبور می‌شود برای رسایی معنا و مفهوم، يك كلمه از متن مبدأ را به حد كلمه در متن مقصد برگرداند. گاه برای ممولاتی اصولاً معادل وجود ندارد. ملا در ربانهای اندورایی ۹ ضمیر سخصی وجود دارد که با همتای آن در انگلیسی (۷ تا) حور در می‌آید. یا ملا «سونا»ی فنلاندی و «اسپوتنیک» روسی در انگلیسی معادل ندارد. كلمه soldier انگلیسی در ربان روسی چهار معادل دارد که هر يك نوع خاصی از سرباز است. البته این امر دلیل آن بیس که نگویم ربان روسی از ربان انگلیسی دقفتر است و ممولات کلی را به ممولات ریرتر تقسیم می‌کند، حون مبالا سیاری از صفتهای روسی در زبان انگلیسی دو معادل دارد.

نکته دیگری که بو بسده در مقاله خود مطرح می‌کند موضوع کاربرد معمولی و ناآگاهانه يك واژه یا ترکیب در مقاسه با کاربرد عمدی آن است. گاه بو بسده كلمه‌ای را نه از روی قصد بلکه از روی تصادف انتخاب می‌کند و هیچ منظور خاصی نیز از آوردن آن ندارد. اما، بر عکس، گاه بو بسده از روی قصد این کار را می‌کند. مترجم باید این دو وضعی را از هم تمز دهد و ظفمه مترجم حوب آن است که هم متوجه این امر شود و هم دلیل و حکمت آن را دریابد و سپس از طریق معادلی مناسب آن را به زبان مقصد منتقل کند. دلایلی که بو بسده را به انتخاب واژه‌ها و ترکیبات غیر معمول و می‌دارد متنوع اند بداعی ناگهانی اندیسه، غلیان لحظه‌ای عاطفه و احساس، میل سدید به ایحاد ترکیبات بدیع، ایحاد موقعیتهای حیده‌آور و صرف حلت توجه خواننده. در نظر گرفتن معادلهای در معنای مسی خودسان بحث دیگری است که بو بسده مقاله به آن اساره می‌کند. وی می‌گوید فرهنگهای لغت انگلیسی- روسی برای معادل abolitionist تنها يك معادل لفظی گذاشته‌اند اما این مترجم است که از روی متن باید تسخیص دهد که این اصطلاح در دهه ۱۹۲۰ در امریکا يك معنی داشته و در دهه ۱۹۶۰ در انگلستان معنی دیگری. در بحث از موقعیت کلام در بافت و اصولاً در نظر گرفتن ربان در حارحوب ارتباطی، نویسنده به جمله‌ای از رمان گتسبی بزرگ، بوسته اسکات فیرحرالد، اشاره می‌کند که در آن شخصیت داستان می‌گوید «در ۱۹۱۵ از نیوهیون فارغ التحصیل شدم.» در ترجمه این جمله، نیوهیون بدرستی به دانشگاه بیل تبدیل شده است. نویسنده می‌گوید اطلاعات خواننده امریکایی طوری است که موقعیت نیوهیون را درک می‌کند، اما ترجمه این جمله به همین صورت برای خواننده روسی معنی ندارد. بنابراین، در مواردی مترجم باید در متن دحالب

وایی تمایزدهنده معنایی در زبان) و morpheme (تکوار: کوچکترین واحد معنایی در زبان) اصطلاح transleme (کوچکترین واحد ترجمه) را ساخته‌اند. نویسنده، ضمن اشاره به سنجیدگی مسئله و اینکه اصولاً عده‌ای وجود واحد ترجمه را قبول ندارند، آن را چنین تعریف می‌کند: «کوچکترین واحد ربانی در زبان مبدأ که بتوان معادلی برای آن در زبان مقصد پیدا کرد این واحد را اجرای کوچکتری تشکیل شده که برای آنها دیگر نمی‌توان معادلی در زبان مقصد یافت.» زبان‌شناسی کوچکترین واحد معنی‌دار زبان را تکوار می‌داند اما این امر در مورد ترجمه صادق نیست. واحد ترجمه به هر حال چیزی بالاتر از تکوار است. واحدهای زبان عبارتند از واح، تکوار، واره، ترکیب ورده‌ای، جمله و متن. اگرچه متن هنوز به عنوان واحد ترجمه قبول جهانی نیافته، اما در تحلیل ترجمه باید آن را در نظر گرفت. بر این ترجمه به هر حال با گفتار (parole) و صورت نوشتاری آن یعنی متن سروکار دارد نه با زبان (language) به عنوان یک نظام. در آواپوسی (transcription) «ترجمه» در سطح واح صورت می‌گیرد. مثلاً روسها اصطلاحات brain drain (فرار معرها)، speaker (سخنگوی مجلس) و lady (لیدی) را عموماً از انگلیسی گرفته و تنها تلفظ آنها را تعدیل کرده و در واقع برخی از واحهای آنها را تغییر داده‌اند. روسها از واحد تکوار نیز در ترجمه استفاده کرده‌اند مثلاً واره backbencher را به zadneskameechnik ترجمه کرده‌اند که ترجمه تکوار به تکوار back و bench و سوید er است. (امراد از این کلمه در انگلیسی نمایدگانی هستند که در پارلمان انگلستان در ردیفهای عقب می‌نشینند و جزء نمایندگان رسمی محسوب نمی‌شوند). از واحد کلمه در ترکیب نیز برای ترجمه بسیار استفاده می‌شود که در حقیقت همان گزیده‌برداری است. مثلاً روسها House of Common (مجلس عوام) را به palata obshchi ترجمه کرده‌اند که ترجمه کلمه به کلمه است به نظر می‌رسد که در بحبهای نظری وازه رایجترین واحد در ترجمه است البته باید توجه داشت که در بحث از واحد ترجمه منظور واحد ترجمه در زبان مبدأ است نه زبان مقصد. مثلاً هنگامی که ما جمله The shots straddled the target را به «تیرها از کنار هدف می‌شدند» ترجمه می‌کنیم، هر چند در برابر کلمه straddled چند ترجمه به کار برده‌ایم، همچنان واحد کلمه را رعایت کرده‌ایم. زیرا در حد کلمه در برابر يك کلمه آمده‌اند.

البته در عمل قسمت کمی از ترجمه در سطح واره صورت می‌گیرد و در اغلب جمله‌ها مجبوریم از واحدهای بزرگتر استفاده کنیم. گاه حد وازه به يك و گاه يك واره به حد واره ترجمه می‌شود. گاه واحد ترجمه جمله است و این زمانی است که معنی جمله حاصل جمع ریاضی کلمات آن جمله نباشد. جمله‌های

کلیسه‌ای نظیر 'wet paint از این زمره است. این جمله در فارسی معمولاً به «رنگی نسویدا» ترجمه می‌شود. گاه حتی واحد جمله نیز برای ترجمه کم است مواردی هست که مجموعه‌ای از جمله‌ها حنان در کنار یکدیگر قرار گرفته و واحدی بزرگتر تشکیل داده‌اند که نمی‌توان آنها را جمله به جمله ترجمه کرد. مانند يك قطعه شعر

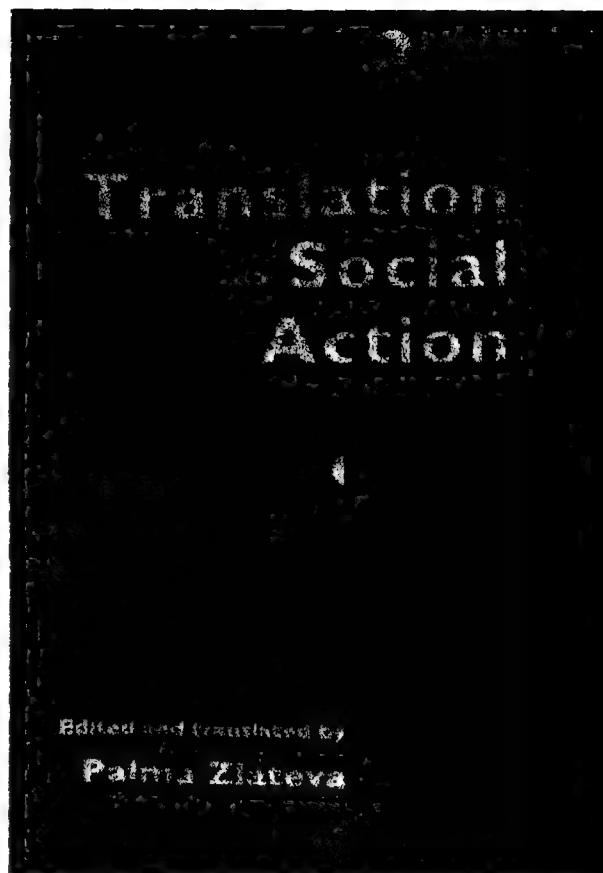
بسا بر این، مفهوم «واحد ترجمه» را شاید بتوان با مفهوم «معادل» بهتر روس کرد، و معادل، اگر مناسب و طبیعی انتخاب شود، خود می‌تواند سنان دهنده این مأثور باشد: يك واره در برابر حد واره و برعکس، يك واره در برابر يك جمله و برعکس، جمله مسبب در برابر جمله مفعلی و برعکس، جمله سؤالی در برابر جمله خبری و برعکس، و غیره. حناچه در این معادل‌گذاری هنجارهای زبان گیرنده درهم برید، واحدهای طبعی ترجمه به طور سنآور از تکوار گرفته تا جمله رعایت شده‌اند

ترجمه‌ای که در آن واحد ترجمه کوچکتر از آن انتخاب شود که زبان مبدأ خود به کار گرفته ترجمه تحت‌اللفظی از کار در خواهد آمد. ترجمه تحت‌اللفظی بسدیده نیست، زیرا یا محتوای اطلاعات موجود در زبان مبدأ را تحریف می‌کند یا صورت زبان مقصد و یا هر دو را ترجمه‌ای که در آن واحد ترجمه بزرگتر از واحد زبان مبدأ باشد ترجمه آراده نام دارد. ترجمه آراده در مجموع مقولتر از ترجمه تحت‌اللفظی است، زیرا محتوای زبان مبدأ را حفظ می‌کند و هنجارهای زبان مقصد را سر در هم نمی‌ریزد. حسه منفی آن این است که آرادی غیر لازم و سس از حدی که مترجم در این کار به خود می‌دهد گاه سب تغییر در محتوای مطلب می‌شود مسلماً ترجمه آراده برای هر متن و هر حواسده‌ای مناسب نیست. به هر حال، مترجم باید نکوسد ترجمه‌ای «معادل» عرضه کند، گرچه به نظر می‌رسد بهتر است مفهوم «معادل» را مفهومی ازمایی و دست‌نیافتنی بلی کنیم که در عالم عمل گاه از آن دور و گاه به آن نزدیک می‌شویم

● فصل ششم: همسنگی و رسایی، نوشته الکساندر شویتر در این مقاله نویسنده مفهوم equivalence (همسنگی) و adequacy (رسایی و کفایت) را از دیدگاه حد صاحب نظر بررسی می‌کند این مفاهیم تقریباً معادل مفاهیم «ترجمه معنایی» و «ترجمه بیامی» است در ترجمه مبتنی بر همسنگی باید حداکثر توارن و معادله در واحدهای وارگانی وجود داشته باشد و بیستر بطری است تا عملی. برعکس، ترجمه مبتنی بر مفهوم رسایی بیستر به عمل ترجمه مربوط می‌شود تا به بحبهای بطری و مستلزم تصمیم‌گیری داریم مترجم در هر لحظه و بده‌بستانهای ضروری و کاهشها و افزایشهایی است که انسجام ارتباطی متن را تقویت می‌کند.

● فصل هفتم: نکته‌ای دربارهٔ گرده‌برداری زبانی، نو آندری دانچف. همه قبول دارند که وظیفهٔ اصلی مترجم از کامل اطلاعات موجود در متن همراه با تأثیرات سبکی و عا آن است. اما همین گفتهٔ آسان مسکلهای زیادی در عمل پیدا می‌کند یکی از مسکلهایی که این مسئله در عمل به خود می‌چیند است: مترجم در جریان ترجمه تا کجا می‌تواند خودش را دست نخورده و بی تأثیر از فشار زبان خارجی نگه‌داری؟ حقیقت این است که تمام رمانهای اروپایی، حتی اگر فقط ترجمهٔ کتاب مقدس را در نظر بگیریم، به تأثیر ترجمه‌پذیرفته‌اند و به تنها واره‌هایی را از یکدیگر وام گرفته‌اند. ترکیبات و عباراتی را جزء به جزء گرده‌برداری کرده‌اند. آن‌ها از زبان‌ها که در تبادلات زبانی معمولاً تأثیر می‌پذیرد بحس وار نحو است، بحس آوایی رمان سحر خان بر است. به همین دلیل اغلب تعسرات در دو بحس اول صورت می‌گیرد. چه وقت می‌تواند که مترجم تعسر یا تسبیهی بجا و زیبا را وارد زبان کرده‌د؟ چه وقت می‌توان او را به سادگی و کج سلفگی آسکار منهیم سا. مترجمان در طول تاریخ همواره در معرض دو نوع اسباب داستانه‌اند گاه عیب‌کنندگان و گاه براه‌کنندگان زبان نام گرفته‌د همین جا می‌توان گفت که هیچ معیار مشخص و حزم و جفتی و حراج راهم‌ای اماده‌ای که بتوان به مترجم عرضه داشت، ندارد و مترجمان همواره بر سبب زبانی خود تکیه داستانه‌اند و اس بر خواهند داشت

دانچف در اینجا مبالغه‌هایی می‌آورد که عیباً به صورت ترکیب‌های دیگر اروپایی به بلغاری و روسی وارد شده‌اند. اصطلاحی storm in a teacup (طوفان در فنجان = هیاهوی برای هیچ) اصلاً فرانسوی بود که به بلغاری، روسی، آلمانی و غیره عیباً با همان معنی منتقل شد. برخی از عیب‌ها از لاتینی وارد زبانهای اروپایی شده‌اند: عباراتی از کتاب مقدس حنان گسترش یافته که جزء گنجینه بین‌المللی سر در آمده است، نظیر «دست سستن از چیری» با اینهمه، دانچف خود در این مقاله اشاره می‌کند که ترکیبات و عبارات نحسی از طریق گرده‌برداری وارد بلغاری شده‌اند که اجزای آنها به زعم او - سفاقت لاره رساندن معنی را ندارند. مثلا عبارت he cat out of the bag (رها کردن گربه از داخل کیسه) به معنای فاش کردن راز و غیرارادی عیباً با همین ساخت و ترکیب وارد زبان بلغاری است. البته این ساختها هنوز جا نیفتاده‌اند و در نتیجه‌ها آنها را به بی‌تجربگی مترجمان نسبت داد، اما بسیاراً اکنون در زبانهای بلغاری جا افتاده‌اند و به قول «نادرست» امروز می‌تواند درست فردا باشد». مبالغه‌هایی



نویسنده در اینجا به فیلم بانوی زیبای من که بر اساس نمایشنامهٔ سگمالیون برناردسا ساخته شده اشاره می‌کند. در این فیلم، پروفیسور هیگنسی می‌کوشد که به خانم الیزا یاد دهد که ترانهٔ «The rain in Spain stays mainly in the plain» را بخواند. در اینجا این خانم به دلیل داشتن لهجهٔ کاکسی (انگلیسی عامانه) و مسلط بودن به لهجهٔ انگلیسی معیار، مصوب مرکب ei را ei تلفظ می‌کند که سبب خنده می‌شود. در نسخهٔ روسی فیلم مترجم نتوانسته «همسنگی مطلق» ایجاد کند و بجای به سگرد دیگری متوسل شده و کلمهٔ دشواری در دهان او گذاشته که تلفظش برای او سخت و در نتیجه موجب خنده می‌شده است و در واقع کاری کرده که برای موقعیت موجود کفایت می‌کرده است. معمولاً اسامی آثار ادبی (مایشنامه، داستان و فیلم) در ترجمه گاه بسیار تغییر می‌کند تا با شرایط فرهنگی مطبوع گردد و جدابیت داشته باشد. گاه عنوانها را تغییر می‌دهند تا اشارهٔ ضمنی آن را نشان دهند، اشاره‌ای که اگر عیباً با همان بافت کلامی زبان مبدأ ترجمه شود بی‌معناست. از همین جاست که رمان The Sun Also Rises اثر معروف همینگوی که تلمیحی به سفر جامعه دارد هم در انگلیسی و هم در روسی به Fiesta (نام یکی از تعطیلات مسیحی) ترجمه شده است.

متوجه حضورشان نمی‌شود

● فصل هشتم: هنجارهای ترجمه، نوشته ویلن کومیساروف.
حاجنه هنجارهای ترجمه روس و مسخض ناسد کار مترجم بسیار آسانتر و مسخضر خواهد سد. اما دسب یافتن به این هنجارها در حران عمل سسار مسکل اسب. از طرفی می‌گویند «محتوای متن اصلی بدون دره‌ای کم و کاسب باید مسفل سود» و از طرفی دیگر می‌گویند حاجنه لارم ناسد مترجم می‌تواند بحسهای کم اهمیت بری را «فریابی» کد با بتوان بحسهای مهمتر دیگری را خوب مسفل کرد: می‌گویند «اندسه» و «سام» مهم اسب به «لفظ»، اما اس را هم می‌خواهد که «طریفری» هاله‌های سبکی» متسل سود مترجم چگونه این اسداد را با هم جمع کند؟ هور تعریف جامع و فاع کسده‌ای برای هنجار در ترجمه داده سده اسب اصطلاحات ترجمه «تحب اللفظی» و «آراد» نر، هرحد در تحب مربوط به هنجار ترجمه مطرح می‌سود، فطعیب لارم را ندارد در ترجمه تحب اللفظی، که معمولاً معنای مفعی دارد، مترجم هنجارهای وارگابی و دستوری و سبکی ریان مقصد را در بر فسار هنجارهای ریان خارجی تعییر می‌دهد در ترجمه آراد، برعکس، هنجار هنجارهای ریان مقصد تعییر می‌کند اما متن ترجمه با متن اصلی همسنگ سبب. ترجمه آراد به قول کتفورد ترجمه‌ای اسب «مناسب برای سراط خاص». نارخودارف در متون ادبی ترجمه تحب اللفظی را رد می‌کند و ترجمه آراد را قابل فولر می‌داند، اما در ترجمه موب حووی و دیلماسی مقصد اسب که ترجمه تحب اللفظی بر ترجمه آراد ترجیح دارد

هنگامی که عده‌ای از ریانسانسان و ترجمه‌سانسان هنجارهایی برای ازربابی ترجمه سسهاد کردید برخی از مترجمان و بحصوص مترجمان موب ادبی موضع دفاعی سحتی گرفتند و خود هر نوع ساسب ساسب برای ترجمه را سدی در برابر آراد می‌لارم برای حلاقیب خود داشتند. حاصل کار این سب که نظریه‌های ترجمه و فواعد و هنجارهای مربوط به آن را صرفاً به عنوان «راهمای عمل» در نظر بگیرد و اطلاق این قواعد به موارد خاص را به دسب خود هر مند یا داسمند سسارند. درواقع، عده‌ای نظر دادند که همان گونه که کار ریانسانسان این سیست که بگوید ریان حگونه باید به کار رود بلکه صرفاً باید جگوبگی کاربرد آن را بار نماید، نظریه‌پرداز ترجمه بیر باید وضع موجود را توصیف کد به اسکه هنجارهای ندید نیامده را حاکم سارد. نکته مهمی که نویسنده می‌خواهد در این مقاله بگوید این اسب که وضع هنجارهایی برای ترجمه الراماً باید بر پایه یک نظریه زبان‌شناختی از ترجمه باشد. هنجارگذاریهای موضعی بدون اینکه بر پایه‌ای نظری استوار باشد راه به جایی نخواهند برد. از

می‌آورد همه از کتابهایی هستند که مترجمان حرفه‌ای حا افتاده بها را ترجمه و ناشران معتبر آنها را منتشر کرده‌اند. نویسنده می‌گوید بسیار مسکل بتوان گفت که این ترکیبات حدید ازروی بی‌توجهی مترجمان وارد زبان سده‌اند یا ازروی عمد و به منظور سفل طرافتهای سبکی ریان اصلی. قضاوت بر اساس وضع موجود در بلغارستان نشان می‌دهد که آن دسته از عبارات ترجمه‌پردازی سده بیستر مقبول واقع سده‌اند که عناصرسان سفاقیب بیستری داشته‌اند، مانند «to be in the same boat» یا «to be on thin ice». بعضی از ترکیبات و عبارات بلغاری نیز تحت تأثیر ترجمه معنای دیگری به خود گرفته‌اند، یعنی معنای موجود در سباز انگلسی در عبارت بلغاری رفته اسب که نوعی ترجمه‌پردازی معنایی اسب. نوع دیگر از ترجمه‌پردازی از طریق معلمان ریان انگلسی یا سخنرانهای دو ریان وارد می‌سود. اینها نه برخی از ترکیبات و عبارات خارجی را «پان کسده‌تر» از معادل آن در ریان مادری می‌دانند و به همس دلیل در گفتار خود از بها اسفاده می‌کنند این افراد در حصف همان کاری را می‌کنند که ساگرداسان در حریان ترجمه به استناه و به سبب ضعف در ریان مادری انجام می‌دهند، منتها از روی عمد. نویسنده به درسی اساره می‌کند که البته این گونه استفاده از تاره‌ها فقط تا جایی روا اسب که ارتباط مختل نسود و حو ارتباط با رحاسب تاریکی حلوه می‌کند به هر حال، عده‌ای بیر معقدند که از حمله نگارهایی که با ریان می‌سود کرد یکی هم بازی با آن اسب.

نویسنده نتیجه می‌گیرد که ترجمه‌پردازی، چه از نوع باسانه و چه از نوع استادانه، همچنان در حریان ترجمه روی خواهد داد و مسلماً تعدادی از آنها نیز جا می‌افتد. نکته حالی که در بحهای مربوط به ترجمه در متون روسی و بلغاری وجود دارد استفاده از کلمه phraseeme اسب که بیستر خود آنها به کار می‌برد تا عربیها با آنها این کلمه را مطابق الگوی phoneme و morpheme و غیره ساخته‌اند و منظورسان یک واحد عبارتی اسب. این تلقی از ترجمه، یعنی گذاستن یک عبارت به جای عبارتی دیگر، در حالی که در عرب هور «واحد» ترجمه را عمدتاً واره می‌دانند، بیسرفت سبب ساید از آنجایی که سنن ترجمه و همحین تفکر درباره ترجمه در روسیه و اروپای سرفی جوانتر از این ست در اروپای سرفی اسب، هور خاطره مترجمان اروپای غربی در دوران ساس در ذهن مترجمان اروپای سرفی زنده باشد: آنها معتقد سببند که با وارد کردن ترکیبات جدید باید زبان را غنی کرد. اینکه بدان ترجمه اغلب کمتر به مهاجرت عبارات (phrasemes) از زبان به زبانهای دیگر توجه کرده‌اند، ساید خود توجیه خوبی که اصولاً واحد درست و طبیعی ترجمه همین واحدهای هستند که چنان راحت به زبان دیگر می‌لغزند که کسی

متن را در چارچوب شکل‌های بزرگتری از تفکر درک کرد. مدتهاست این موضوع روشن شده است که فرایند تولید متن درک آن تا حدودی شبیه یکدیگرند. معلوم شده است که فهم متن تنها مستلزم دانستن زبان آن متن بلکه مجموعه‌ای از اطلاعات مرتبط به هم درباره محتوای متن و همچنین ساختارهای ارتباطی ثابتی است که شکل آن متن را می‌سازد. در این مورد می‌توان این فرضیه را عرضه کرد: ساختار و معنی‌شناسی متن را می‌توان یکی از مؤلفه‌های مکانیسم پیچیده‌ای در نظر گرفت که مؤلفه‌های متن را باید در ذهن و حافظه گیرنده آن متن جستجو کرد. فرایند دریافت و درک زمانی صورت می‌گیرد که این دو مؤلفه به تعامل یکدیگر بپردازند. این وضعیت هم در متن اصلی و هم در متن ترجمه صادق است و تلاش مترجم برای رسیدن به این نقطه مطلوب است.

● فصل دهم: تحلیل روان‌شناختی ترجمه به عنوان نوعی از فعالیت زبانی، نوشته ایرینا زیمینیا. به ترجمه از زوایای گوناگون می‌توان نگاه کرد: تاریخی، فرهنگی، ادبی، ربانی و غیره. یکی از اینها بررسی ترجمه او دید روان‌شناسی است. مترجم از لحاظ روان‌شناسی چگونه فردی است؟ در جریان ترجمه چه فعل و انفعالاتی در ذهن او صورت می‌گیرد؟ رفت و آمد ذهنی بین زبان در جریان ترجمه چه تأثیری بر ذهن می‌گذارد؟ شخص در ربانه چه تفاوتی با فرد یک ربانه دارد؟ اینها مسائلی است که در حوزه روان‌شناسی ترجمه قرار می‌گیرد. نویسنده مقاله ترجمه نوعی فعالیت ربانی نظیر سخن گفتن، شنیدن، خواندن و نوشتن می‌انگارد، اما معتقد است که از برخی جهات با آن تفاوت دارد. ارتباط معمولی و به هنگام گفتگو شخص ابتدا مطلب را در ذهن خود می‌پروراند و سپس فکر خود را به زبان می‌آورد. در اینجا شخص صرفاً با افکار خودش و تبدیل آنها به گفتاری قابل درک برای شنونده سروکار دارد. اما فرایند ترجمه با این جریان فرق دارد. در اینجا شخص با افکار شخص دیگری روبروست. حقیقت، در اینجا یک مرحله اضافی در کار است. شخص ابتدا باید گفته فرد دیگری را درک و برداشت کند. زبان برداشت مفاهیم بسته به اینکه مترجم بر کدامیک از دو زبان مسلط باشد، فرد می‌کند. به هر حال بعد از مرحله برداشت مفاهیم مرحله انتقال فرامی‌رسد. در اینجا مترجم باید مفاهیم برداشته را از زبان مبدأ به زبان مقصد انتقال دهد. در گفتگوی معمولی و یا در جریان تألیف چنین وضعی وجود ندارد. مفاهیم به یک زبان برداشت و تولید می‌شوند، در حالی که ترجمه پدیده پیچیده‌تری است زیرا با مرحله اضافی و یک زبان اضافی در مسیر ارتباطی خود دارد و وضع در جریان ترجمه همزمان مشکلی بزرگ ایجاد می‌کند. پیچیدگی این فعالیت نشان می‌دهد که به صرف دانستن دور

سوی دیگر، تنها با یک هنجار نمی‌توان هر نوع ترجمه‌ای را سنجید. هنجارهای سنجش ترجمه یک متن ادبی با هنجارهای سنجش ترجمه متن علمی یا تبلیغاتی حتماً باید فرق داشته باشد. نکته دیگری که نویسنده متذکر می‌شود این است که هر جامعه زبانی می‌تواند الگوی خاصی از ترجمه برای خود انتخاب کند که متناسب با زمان و مکان خودش باشد. در عمل هم چنین بوده و ملتها اغلب در دوره‌های متفاوت شیوه‌های متفاوتی برای ترجمه برگزیده‌اند. گاه لازم بوده تحت‌اللفظی ترجمه کنند و گاه آزاد، گاه زبان مقصد را در برابر زبان مبدأ دست نخورده نگه داشته‌اند و گاه عناصری از زبان مبدأ وارد زبان مقصد کرده و آن را غنی ساخته‌اند. به هر حال، شرایط اجتماعی و سطح پیشرفت هر کشور مستلزم انتخاب شیوه خاصی برای ترجمه است. اولین ترجمه‌های متون دینی نشان می‌دهند که مترجمان واحد کلمه را رعایت می‌کرده‌اند. حتی امروز نیز برخی از مترجمان کتاب مقدس حدودی از نامفهوم بودن را جایز می‌دانند چون تأثیر خوبی بر معتقدان می‌گذارد. مترجمان فراسوی در قرن هجدهم وظیفه خود می‌دانستند که ساختار و شکل مطلب اصلی را در ترجمه تغییر دهند و گرنه مبعول خوانندگان و منتقدان واقع نمی‌شدند. این امر سان می‌دهد که دست یافتن به هنجار ترجمه در دوره‌های تاریخی گوناگون خود مستلزم زیر پا گذاشتن برخی از هنجارهای لازم برای دوره‌های دیگری از ترجمه است. در نهایت به نظر می‌رسد که بهتر است خود مترجم حتی و حاضر را بهترین هنجار گذار ترجمه بدانیم و مطمئن باشیم که تجربه و مهارت در این زمینه حرف آخر را خواهد زد.

● فصل نهم: درک، سبک، ترجمه و تعامل آنها با یکدیگر، نوشته مارگریتا برندس. ترجمه علم است یا هنر؟ نویسنده معتقد است که تا حدود زیادی علم است، اما قلمروهایی از آن در مولفه هنر قرار می‌گیرد. ترجمه همچون مت عیاری است که زاویه‌های دید گوناگون می‌تواند هر لحظه آن را به رنگی در آورد. یکی از دیدگاه‌های پرداختن به ترجمه دیدگاه کاربردشناسی است که در اینجا مطرح می‌شود. توجه روزافزون به کاربردشناسی زبان آشکار کرده است که بین زبان و ساختارهای جهان‌شمول فعالیت انسانی پیوندی درونی وجود دارد. متن محصول نهایی است که از سه حوزه شناختی مستقل اما کاملاً مربوط به هم تشکیل می‌شود: محتوا که محصول تدوین فکر است (معنی‌شناسی متن)؛ انتقال محتوا (نحو متن)؛ و میزان تأثیرگذاری انتقال محتوا (کاربردشناسی متن). بسیار مهم است که مترجمان بتوانند متن را در شکل درونیش بخوانند، نویسنده را در دیون متن کشف کنند، خالق را در اثر بیابند، و متن برونی را در شکل پیام‌دهی و پیام‌رسانی خودش بفهمند. برای این کار مترجمان باید

ی‌توان مترجم خوبی بود. ترجمه مهارتی است خاص. قابلیت
یت برای رفت و آمد بین دو زبان، بین دو نظام مفهومی، و ایجاد
نباط دایم بین دو دستگاه متفاوت.

برای تبیین فرایند ترجمه، در طی چهل سال گذشته مدل‌های
زبانگونی همراه با فرایند نگارها و نمودارهای بیچ در بیچ عرضه
ده است، اما به نظر می‌رسد که به دستگاه بیچیده و زنده اصلی،
می‌خورد مترجم، کمتر توجه شده است. گاه مترجمان کاری
کنند که با این مدل‌ها سازگار نیست ولی ما حس می‌کنیم که چه
مد خوبی بوده است. حقیقت این است که ترجمه در عالم واقع
میس است. گاه غیر از شم مترجم هیچ مدلی کارآمد نیست.

فصل یازدهم: رویکرد شناختی به همسنجی در ترجمه، نوشته
یسترا الکسیوا. برخی از ترجمه‌شناسان نسبت به اصطلاح
همسنجی در ترجمه (translational equivalence) نظر حوسی
ارند کلمه equivalence از لحاظ ریشه‌شناسی به معنای
هم‌ارزی است. تمام مشکل بر سر همین «هم» است و گاه نیز
سر «ارزش». فرهنگ ریتم‌هاوس معنای «qui» را از ریشه لاتین
معنای «برابر و شبیه» می‌داند. اگر معنای سیاهت را برگزینیم
باید بتوان به جایی راه برد وگرنه با «برابری» و «یکسانی»
ی‌توان کاری کرد. به طور کلی تقریباً همه ترجمه‌شناسان
تقدید که معادل کامل در سطح واره وجود ندارد؛ زیرا، به قول
بن رایس، «نقشه معنایی هیچ دو زبانی یکسان نیست». البته
باره وجود معادل در سطوح دیگر، در سطح بالاتر از واره، نظر‌ها
فاوت است و هنوز هم بحث ادامه دارد. برخی نیز نظر داده‌اند که
مطلاح «معادل» کنار گذاشته شود و اصطلاح جدیدی ساخته
بود پیشنهاد نویسنده در این مقاله این است که اصطلاح «معادل»
قی مانند اما دقیقاً تعریف شود و به معنای چیزی شبیه «حداکثر
دیکتی» به کار رود.

پیشرفت زبان‌شناسی، بخصوص زبان‌شناسی کلا و
بان‌شناسی متن، تصویر بهتری از مفهوم معادل به
رحم‌سازان داده است. این پیشرفت به طور کلی در دو جهت
وی داده است: جهت اول عبارت بود از پرداختن به سطوح
بلسله‌مراتبی مختلف صوری و محتوایی در زبان، لایه‌های
و باگون معنی (مصادقی، کاربردی، فرازبانی) و جهت دوم،
بایتر از اولی، بررسی خود خواننده و گیرنده پیام بود و رفتن به
بال «تأثیر برابر» متن بر خواننده زبان اصلی و زبان ترجمه.
تقیقات شاخه اول، به دلیل مادی و ملموس‌تر بودن موضوع
تقیق، پیشرفت بیشتری داشته و شاخه دوم، هرچند از مفاهیمی
بر صورت و محتوا سود جست، به دلیل اساساً شمی بودن روش
ش پیشرفت چندانی نکرده است. بررسی تأثیر یک اثر بر دو

خواننده با دو زبان متفاوت و اینکه آیا این دو تأثیر تا حد به هم
نزدیک بوده‌اند کار بسیار مشکلی است. برای پیس بردن این بحث
اغلب مجبور شده‌اند اصطلاحات «زمینه فبلی» یا «تحر به» را وارد
کار کنند؛ زیرا اگر بخواهیم متنی در زبان مقصد بر خواننده همان
تأثیر را نگذارد که بر خواننده زبان مبدأ گذاشته است، ناگزیر
تجربه و زمینه فبلی آنها نیز باید در نظر گرفته شود. این ساحه از
تحقیق هنوز الفاظ حا افتاده ندارد و به اصطلاح فراربان خود را
نیافته است. برخی معتقدند که تا زمانی که دو متن موقعیت برابر
ندارند نمی‌توان زبان واحد را در آنها ریخ. زبان در حالت متن
ریخته می‌شود و متن خود نیز در حارحوب فرهنگ قرار دارد
بنابراین، هم‌ارز کردن این سه عامل - فرهنگ، متن و زبان - بسیار
مشکل است. یوحس نایدا، ترجمه‌شناس معروف، در این مورد از
اصطلاح «ظرفیت محر» استفاده می‌کند. برای اسکه متنها ما هم
در موقعیتی یکسان قرار گیرند گاه ناید «تعبیرات تلویحی و
مضمّر» را «صراحت» بخشد و به قول نایدا خلاهای ناسی از
«حدف به فرینه‌های معنایی را بر کرد». اما مسئله اسحاسب که
وقتی در متن مقصد دستکاری می‌کنیم تا آن را - از لحاظ متنی و
خلاهای فرهنگی - با متن مبدأ همسنگ سازیم، درجه طبیعی بودن
زبان را در متن مقصد نسب به متن مبدأ تعبیر داده‌ایم. به عبارت
دیگر، زبان مسحوم متن مبدأ را «لق و سسب» کرده‌ایم.

متن تنها در صورتی می‌تواند بر دو خواننده از دو زبان متفاوت
تأثیر برابر - یا تقریباً برابر - نگذارد که آن دو خواننده يك - یا
تقریباً يك - «ظرفیت قبول» داشته باشند که نوع آن را میران و نوع
اطلاعات و تجربه شخص از جهان بیرامون تعیین می‌کند. تأثیر
یکسان تنها زمانی صورت می‌گیرد که این تجربه مشترک طرح
واحدی در نقشه ربانی داسه باشد - به عبارت دیگر تنها در
صورتی که آنها به يك فرهنگ و يك زبان نعلق داشته باشند. زبان
فقط وسیله ارتباط بیسب، وسیله‌ای است که ما از طریق آن جهان
را تجربه می‌کنیم و مدلی سناحتی از جهان می‌سازیم. اگر بتوان
شیوه‌های جهان‌سمول صاحب اسان از جهان را آن گونه که در
هر زبان متجلی می‌شود بررسی و تحلیل کرد، به نظریه جامع و
محکمی در باب ترجمه دسب خواهیم یاف. دو متن را رمایی
می‌توان از لحاظ ترجمه همسنگ دانست که محتوای نفسی متن
مبدأ طوری در متن مقصد ریخته شود که با مدل‌های سناحتی و
تجربی (انواع نفس‌مدی) حاص زبان مقصد تناسب داشته باشد
و در نتیجه بتواند دریافت محتوای نفسی متن مبدأ را تصمیس کند.
به هر حال، مفهوم ساری - درآوردن شیء یا پدیده‌ای به صورت
مفهوم ذهنی - احتمالاً مفهوم اساسی بحث‌های آینده درباره ترجمه
خواهد بود که امکان دارد از این طریق حیات حدیدی به مفهوم
«همسنگ» بدهد. البته امکان ندارد که نویسنده و مترجم موقعیتی

به تن کابوی امریکایی و گیشای ژاپنی عباى اسلامی و دامر کردی بیوشانیم دیگر کابو و گیشا نخواهند بود. در هر زبان اشیاء، مفاهیم خاصی وجود دارد که فرهنگها و زبانهای دیگر فاقد آنها هستند. این واژه‌ها را اصطلاحاً خاص واژه (realia) می‌نامند. تقریباً در تمام زبانها وجود دارد. این واژه‌ها چنان رنگ محلی تاریخی به خود گرفته‌اند که معمولاً بندرت می‌توان آنها را ترجمه کرد و ترجمه آنها نیز روال خاصی دارد. خاص واژه‌ها را می‌توان برحسب معیارهای تاریخی و جغرافیایی و قومی تقسیم کرد حاجی، کولخوز، کیمونو، کامیکازه، ساندویچ، چلوکباب و غیره. خاص واژه‌هایی هستند که معمولاً ترجمه نمی‌شوند. اینها معمولاً با تعدیلهایی آوانویسی می‌کنند، همان گونه که ما ساندویچ انگلیسی را ساندویچ کرده‌ایم. گاه مقوله خاص را به عام تبدیل، در نتیجه آن را «ترجمه» می‌کنند، مانند ترجمه «هاف اندهاف» به «سیگار». اگر واژه مورد نظر چندان عام نباشد مترجم می‌تواند چیزی بطور آن را برگزیند. مثلاً کلمه «باسلق» را می‌توان به یکی از انواع شیرینیهای شبیه آن در انگلیسی ترجمه کرد. در حس مواردی نقش مهم است نه خود کلمه. اگر هیچیک از این روشها مفید نباشند، مترجم متوسل به توضیح می‌شود. یکی دیگر از مواد این است که خاص واژه را می‌گیرند و آن را در بافتی متفاوت، اصل خود به کار می‌گیرند به طوری که معنایی متفاوت پدید می‌کند. مانند تفاوت مفهوم واژه دموکراسی در کشورهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی سابق.

مترجمان گاه در آوانویسی یا نظیرسازی خاص واژه‌ها تردید می‌افتند. کدامیک از این دوره با حداقل ضایعات معنایی حداقل کفایت ارتباطی همراه است؟ انتخاب یکی از این دو سبب به عوامل چندی بستگی دارد. یکی از آنها ماهیت متن است خاص واژه‌ها در علوم بیشتر ترجمه می‌شوند تا در ادبیات. ادبیات روایی از یانوست می‌توان استفاده کرد و معنای خاص واژه را روشن ساخت، اما همین کار در نمایشنامه، روی صحنه عملی نیست. یا مثلاً در کتابهای کودکان توصیه می‌شود که خاص واژه‌ها تا حد امکان ترجمه و در خود متن توصیف شود در داستانهای ماجراجویی گاه آوانویسی کلمات خاص صیغه بومی اثر را افزایش می‌دهد و در نتیجه به جاذبه آن می‌افزاید کتابهای علمی مردم‌پسند هر گونه شرح و توضیح و واژه‌نامه توصیفی پسندیده است. به هر حال، نوع متن، نوع خواننده، زبان و مکانی که قرار است ترجمه در آن صورت گیرد تعیین می‌کند مترجم در ترجمه خاص واژه‌ها چه راهی در پیش گیرد مترجم خواننده خود را می‌شناسد و هموست که بهترین نص می‌گیرد. مترجم گاه چیزی را قربانی می‌کند اما خودش

را به طور معادل مفهوم سازی کند، بخصوص اگر این موقعیت از لحاظ زمانی و مکانی مهجور باشد (زمانی، نظیر ترجمه مراسم مهم بخشی به شوالیه‌های قرون وسطا از طریق تماس شمشیر به سانه آنها برای يك افغانی یا افریقای؛ مکانی، نظیر ترجمه کردن مراسم عروسی در ترکمن صحرای ایران برای يك فرانسوی). نه تنها این دو نویسنده و مترجم نمی‌توانند در چنین کاری موفق شوند، بلکه اصولاً زبان آنهاست که این اجازه را می‌دهد. زبانها در توصیف موقعیتها گرایش دارند که مشخصه‌های خاصی را «آسکار» سازند. مثلاً زبان عربی الراماً مشخص می‌کند که شیء یا بدیده مورد بحث یکی یا دو تا یا چندتاست، کاری که زبانهای دیگر عموماً نمی‌کنند، زیرا فقط صورت مفرد و جمع دارند و فاقد صورت تنبیه‌اند. هیچ نویسنده و هیچ ربانی هرگز موقعیتی را در نهایت تفصیل توصیف نمی‌کند، بلکه طرحی کلی انداخته می‌شود که ذهن خواننده را برمی‌انگیزد و این انگیزش الزاماً همان نیست که در ذهن نویسنده به عنوان فرد و در زبان به عنوان ذهن جمعی تشکیل می‌شود. در چنین مواردی هر نوع ترجمه تحت اللفظی نه تنها ارتباطی برقرار نخواهد کرد بلکه منجر به سوء تفاهم خواهد شد. مترجم باید از نوعی «همسنگی» که در سطح خود زبان عمل می‌کند و نمی‌تواند به عناصر سازای دیگری تجربه سود آگاه باشد. درست در این نقطه است که زبان‌شناسی تطبیقی با زبان‌شناسی شناختی تلاقی می‌کند. بیوند این دو چه بسا در آینده آموزش ترجمه مفید باشد.

● فصل دوازدهم: معنی و تجلی آن در زبان، نوشته لئونورا چرنیا-خوفسکایا. محصول معنی آفرینی (ideational product) انسانها که از طریق زبان ملی به بیان در می‌آید دقیقاً آن چیزی است که نویسنده مقاله آن را «معنی» می‌نامد. این بدان معنی است که «معنا»ی متن، صرفنظر از اینکه به کدام زبان ملی بیان شده باشد، همواره یکی است. در همین حال «معنی»، در مشخصه‌های بخصوصی، به برخی مشخصه‌های زبان ملی که از طریق آن بیان می‌شود، وابسته است. تا وقتی که معنی بیان نشده و به شکل متن در نیامده معنی آفرینی بالقوه به شمار می‌رود و تا زمانی که با مغز اجتماعاً پیشرفته‌ای دیگر برخورد نکند به همان حال باقی می‌ماند. این برخورد آن را به معنی آفرینی بالفعل تبدیل می‌کند و ماهیت محصول معنی آفرینی بالفعل به درجه‌ای از دانش فردی که درگیرنده بالقوه وجود دارد بستگی دارد. نویسنده معتقد است که ماهیت معنی «غیرخطی» است و این ساختار معنایی غیرخطی ساختار محصول معنی آفرینی در ذهن هر گیرنده متنی است که دانش کافی داشته باشد.

● فصل سیزدهم: خاص واژه‌ها در ترجمه، نوشته سیدفلورین. اگر چه در جایی دیگر در متن آن را جبران خواهد کرد.

بی گمان سالهای سال این کتاب به عنوان متنی پیراسته و پر محتوا، کلاسهائی ادبیات فارسی را رونق خواهد داد و استادان و دانشجویان را آسوده خواهد داس.

محسّنات کتاب، از آغاز تا انجام گویای اسراف سارح به خاقانی و اس و آسنایی وی با شعر این ساعر بارام و دیر- آسناست سخنی در نه گریبی این مجموعه- نا بارده قصیده استخوان دار و بر محتوا- نمی توان گفت بویژه قصیده های انتحایی، يك بارحه آمده، بدون حذف بیتی ومله کردن سخن و گسستن توالی آن. دکر سحه بدلهای، توضیحات تاریخی، حمر اقبایی، اسارات داستانی و تعبیرات فرآنی و احادس، کار را علمی تر و اطمینان بخش تر کرده، آوردن سواهد مناسب برای تبیین مفهوم و توحیه ترکیبات بدیع و بعید، از خود حاهانی- فصائد، ترجیعات، حتی مسوی نحه العرافین- در حای حای کتاب، بر اعتبار اثر افزوده، خدا ار سرح اییاب، فراهم آوردن تعلیقات (ص ۲۶۹ تا ۵۴۲)، فهرست آیات و احادیث، راهمائی سرح اسعار، نیز از ارحمندیهای کار مؤلف است

اما آنچه گفتنی است و اهمال بر نمی تابد اینكه در فراهم آوردن گریده هایی از این دسب، این هدف را باید از نظر دور داس كه در پایان هر نیمسال، داسحو باید اجمالا نا جهاب و حبه های هنری و فكري و ربایی ساعر آسا گردد و بصویری- هر چند محوومات- از رورگار ساعر، دانش و آداب و سس و دلبستگیها و اعتقادات مردم، ورگار وی به دسب آورد متأسفانه در این گریده، بحر يك قصیده (۱۱) چهارده قصیده- و بعضیها نا سه یا چهار تحدید مطلع- در توصیف و ستایش كعبه معظمه و مرفد مطهر پیامبر اسلام است، و این- اگر بگویم ملال آور- دسب كم مایه معوس و محرومیت داسحو از آن جبهه ها و جهاب است كه گفته سد

اگر خوانده ایم كه حاهانی در اوح خودستایی، حویشتن را «نادساة اقلیم سخن» می داسسته و ناو خود بكوداست و حرمتی كه داسسته از پایگاه حویش حرسد بوده و خود را معو می دیده^۳ و گله می گراده و ار سرود در گلو مانده اش به خود می بیحیده؛ از این ویرگی رندگانی و سح و شعر وی در این گزیده نشانی نیست. نیز، اینکه گفته اند فاحه رندگانی هنری او این بوده كه محبور بوده ملائكه عذاب را ستایس كد، و كه در زادگاه خود شهر-

حاشیه.

(۱) یان ریپكا تاریخ ادبیات ایران، ترجمه عیسی نهائی، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب، ص ۳۲۵

(۲) قصیده «بیست اقلیم سح را بهتر ار من بادشا»

(۳) قصیده «قلم بخت من شكسته سر است»

بزم دیرینه عروس

دکتر رضا انزایی نژاد

بزم دیرینه عروس (شرح بانزده قصیده از دیوان خاقانی)، تألیف معصومه معدن کی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، ۵۷۴ صفحه.

یان ریپكا خاقانی را شاعری معرفی می كند «با جنبه های ممتاز، او را از بررگترین نوابغ ادب فارسی می سمارد»^۱. با وجود این خاقانی، بواقع، شاعری دیر آسناست؛ شعر او- در عین استواری و ربایی- كوه زمخت و صعب و سرکش را ماند كه توفیق بر سدن به دروه اش بهره هر كسی نشده است.

شاید به همین دلیل باشد كه در این ده دوازده سال اخیر كه برای بیشتر متون درسی زبان و ادبیات فارسی كتاب و گریده و سرح تدوین شده، برای خاقانی كتابی تألیف نشده بود.

اینك این جای خالی را خانم دكتر معدن كن با تألیف بزم دیرینه عروس پر كرده است. مؤلف برای این كار ساییستگی- تام و تمام دارد. او با خاقانی نيك آسناست، پایان نامه دكتری اس نیز تحقیق در شعر خاقانی بوده. آسنایی مؤلف با این غول ادب نارسى از كلاسهای درس دو استاد علامه، زنده یادان احمد ترجایی زاده و حسن قاضی طباطبائی، آغاز شده و در دوره هوی لیسانس و دكتری پای درس پر فیض و بركت استاد فرزانه دكتر منوچهر رضوی و نیز دكتر رشید عیوضی نشسته، و چنین است كه در این دیده شمیم دانش و كلام آن بزرگان محسوس است.

صورت آراسته، چاپ پیراسته و كم غلط و بیس از اینها ستاری استاد احمد سمعی سبب شده بزم این «دیرینه عروس» هر چه دلخواسته تر و آراسته تر به دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی عرضه شود.

داستم». از این نکته که بگذریم، آنچه گفتنی است کار ارشدم مؤلف است و «مرد آن گاه آگاه سود که نبشتن گیرد و بداند به بهنای کار چیست»^{۱۳}.

اینک بزم دیرینه عروس در بیس روی ماست با محسان بسیار، و کاستیهای اندکی که حیزی از ارزش کار سارح که می کند. در اینجا به بخشی از این کاستیها - که سا هم سلیقه شخصی و استحسانی می تواند باشد - اشاره می کنم.

● تا تو خود را مای بستی باد داری در دو دست

خاک بر خود ناس کر خود هیچ نگساید ترا

(ص ۴۰/۲)

توضیح باد در دست داستی کنایه از کار بیهوده کردن (ما) آب در هاو کوبیدن و در رهگذر باد، نگهان لاله بودن) (ص ۱۴۸).

□ معنی مناسب در اینجا «محروم بودن و هیچ نداستن» است. رك. لف نامه و سجید با این بیت از حافظ:

عنا سكار كس نسود دام باز حین

كایحا همیشه باد به دستت دام را

در اصطلاح «حاک بر خود ناسدن» نیز، جدا از معنی «تحقیر و تخفیف اناس» که سارح آورده، اشاره ای به خود را میراندن (موت ارادی) هست

● از کوی رهران طبع شُردم... (۲۸/۴۵)

توضیح. رهران طبع: اسانهای مادی و وابسته به طبع ناسوت (ص ۱۵۷)

□ گویا امیال و هواهای نفسانی و غرایز اسانی بیستر ماسه معال است.

● آدم ازو نه برقع حرمت سپدروی

سیطان ازو به سیلی حرمان سپه قفا (۳۹/۴۶)

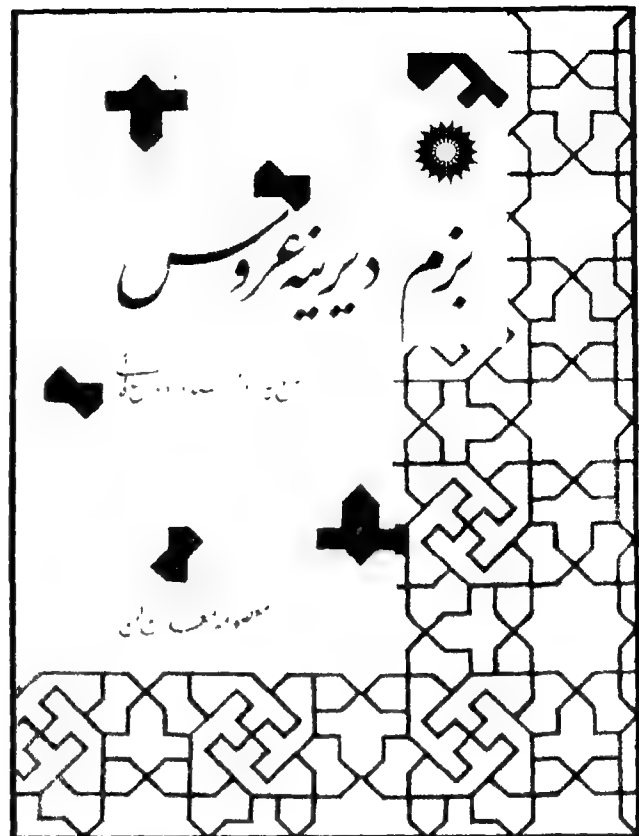
توضیح: سبب سپدروی حضرت آدم با برقع همت رسو اکرم (ص) است... (ص ۱۵۹).

□ برقع حرمت (نه همت). مفهوم مصراع چنین باید باشد سپدروی آدم [س از روسیاهی عصیان] و برقع حرمت آ. [بخسودگی و برگزیدگی به پیامبری] از جهت و سفاعت بیع اکرم است.

● برفت روز و تو خون طفل خرمی آری

نشاط طفل نماز دگر بود عذرا (۱۸/۵۰)

معنی: روز عمر تو سری سده است و تو مثل کودکان ... خرمی، آری فقط طفل است که هنگام غروب (موقع خست استراحت دیگران) آشکارا به شادی و نشاط می پردازد (۱۶۷).



نده بوده و هر دم سایه گماستگان حکومت را سبب سر احساس می کرده، اینکه بارها به ریداس افکنده بودند، و عمال او در ریدان از نمویه های ماندنی «حبسات» فارسی است^۴، اینکه او از هوای گرفته دیار خود به تنگ آمده و دلس برای يك نفس ردن در خراسان^۵ یا ساهان^۶ لك می رده، با وجود این نه رخص سفر می یاف و به محال گیر، و در این تنگی عرصه فغان برمی داشت که «از همه عالم کران خواهم گرف» او که به فول ریکا «در سوگنامه و سکوائیه های صادقت از جاهای دیگر است» و در ربای امام یحیی ارجمندترین مرثیه های ادب پارسی را گفته^۷، و در بیماری و مرگ بسرس جانگذازترین شعرها را سروده^۸، در بهنه رهد، فصاید آبداری ساخته^۹، و بالأخره خافانی همیشه عبوس چون به گلگسب عسی می رسد و از زلال محبت جرعه هایی نوس می کند هم در عزل و هم تعزلات و تسبیات فصاید، تصاویر بدیع و دل انگیز می آفرید^{۱۰}، او که به آوردن ردیفهای دسوار و کمیاب سهره است^{۱۱}، او که ساعر سپیده دمان^{۱۲} است و رخسار صبح را بدیتر از هر ساعری کسیده... از این صیغتگرها در این گزیده اری می بینم و حیف و صد حیف که مؤلف از اینهمه برده های رنگارنگ حسم بوسیده و بخواسته دانشجویان زبان فارسی را در کران تا کران مطر و حسم انداز طرفه وی تفرج دهد.

به هر صورت، سارح حق دارد بگوید که «من اینها را دوستتر

□ به لحن استهزایی شعر توجه نشده، زیرا معلوم است که دك. خود نیز هنگام غروب خسته می‌سود. ساعر از گذشتن مر به بیحاصلی سخن می‌گوید که در پیرانه سری باید تاوان سر ریستی را س داد، همان گونه که كودك نیز، که سراسر روز سار دیگر را به بازی گذرانده، در دسر نازیها و خستگی آن را، سكارا، هنگام غروب احساس می‌کند. از سناط طفل، به طنز و سهر، درد و خستگی اراده شده است.^{۱۴}

● به يك سهادب سر بسته مرد احمد باس
که نایمرد سران اوسب در سرای جزا (۴۷/۵۹)
توضیح «مرد»، غلام، ملازم، گماسته (۱۸۲)
اا طاهرا چنین معادلی برای «مرد» در فرهنگها ضبط نشده
ست، معنی مناسب در اینجا «درخور، سایسته» است، حنانکه در
سبب از سعدی:
تو را که گفت که سعدی به «مرد» عسق بو باسد
گر از وفات بگردم درست سد که نه مردم^{۱۵}

● که ولادتس ارواح خوانده سورة سور
ستار بست ستاره سماع کرد سما (۵۵/۵۹)
توضیح. «ستار»، سه‌تار.
معنی هنگام ولادت آن حضرت، ارواح سورة سادمانی و
دور خواندند و ستاره در آسمان به خود سه تار بست... (ص
۱۸)
لنا «ستار» به معنی خیمه و سه‌بند است (لغت نامه دهخدا) و
شار بستن» یعنی خیمه‌ردن و خرگاه به با کردن. «ستار بستن
ره» وقتی است که هاله‌ای گرداگرد آن دیده شود. سب معنی
تحنس است: در هنگام خجسته زاده شدن بیعمبر حانها سرود
همای خواندند و ستاره بزم سرور برافراخت و آسمان پایکوبی

● سگر چه ناخلف سری کز وجود تو
دارالخلافة بدرست ایرمانسرا (۱۶/۶۳)
توضیح: بدر، کنایه از خداوند متعال. «دارالخلافة بدر»، کنایه از
ص ۱۸۹). «ایرمانسرا»، کاروانسرا، خانه عاریتی (ص
دیل سرح بیت ۱۵)

□ بعید به نظر می‌رسد که مسلمان متعصبی خون خاقانی
ندر را بدر بخواند، بلکه مراد از بدر، حضرت آدم است، و
خلافة بدر» دنیاست و معنی مناسب «ایرمانسرا»، در اینجا
تجاهه» است. معنی بیت چنین است: نیک بنگر که تو چه
ناخلفی هستی که دنیا- دارالخلافة پدر را- به حسرتخانه
ده‌ای. یعنی تو چندان کارهای ناشایسته انجام داده‌ای که
خانه حسرت برای تو گشته است.

● رحس بهرا نتاخت بر سر صفر آفتاب
رفت به حرب آخوری گنج روان در رکاب (۱/۶۶).
توضیح: «گنج روان»، کنایه از اسعه خورسید.
معنی. خورسید، سلطان یکسواره گردون... نه برج حمل
تاخت و در حالی که گنج روان در رکابس بود... (ص ۱۹۹).
□ ظاهرا مراد از «گنج روان» ایرهاسب که مایه حیر و
برکب اند

● کحلی حرج از سحاب گسب مسلسل به سکل
عودی حاك از ببات گسب مهلهل سب
(۶۶/ مطلع دوم، ۲)
توضیح «مهلهل»، هلالی سکل، مبس و مرین (ص ۲۰۰).
□ داسته نیست مؤلف محترم این معنی را در کجاده‌اید؟
مهلهل ناره سست بافته به نك اسب و سحه بدل (مهلهل سب)
یا همان تعمس «به تاب» (از حبیب تافتگی) سر مؤبد اراده همین
معنی است.

● احمد مرسل که کرد از تس و رجم تنغ
تحت سلاطین ركال، گرده سیران کباب (۳۸/۶۹)
معنی: پیامبر اکرم (ص) آن دلاوری اسب که از صدمه و صر نه
سمسیرس سریر سلاطین بزرگ را به رعال مبدل ساحه.
(ص ۲۱۰)

□ دانسته نیست که سارح حرا به حای صط «تشن»
(تاش، درحسب، گرمی)، که با سمسیر کاملاً ملایمت دارد،
«تبس» را برگزیده و صدمه و صر به معنی کرده است.
● سب روان چون رح صبح ایبه سیما بسد
کعبه را چهره در آن ایبه بیدا بسد

حاشیه:

- (۴) ماسد «صخدم جو کله سدد آه دود اسای من»
- (۵) قصیده «چه سب سوی حراسان سدم بگذارند»
- (۶) قصیده «نکته حور اسب یا هوای صفاهان»
- (۷) «آن مصر مملکت که تو دیدی حرا باشد» و «نادرد و محب اسب در این
نگای حاك»
- (۸) قصیده «سر نابوت مرا بازکشاید همه»
- (۹) ماسد «حشم بر پرده امل مهید»
- (۱۰) «ناگردان دل نویی، کر طرب اسنازی»
- (۱۱) ما فته بر بوایم و تو فته بر ایبه
ما را نگاه در جو، تو را اندر ایبه
- (۱۲) «ما را دلپس رله حور حوان صحگاه»
- (۱۳) تاریخ بیهمی
- (۱۴) توجه مرا به این دویعه و چند نکته دیگر در این گفتار، دوست نکته یانم- دکتر
فره‌نگلو- جلب کرد
- (۱۵) در منطق الطیر از زبان دختر ترسا، خطاب به شیخ صمان آمده گفت شیخا
این رمان مردمی و خود خاقانی گفته. به مرد این دستاست، هر کر حشش دردی

گرچه زان آینه خاتون عرب را نگرند

در سس آینه رومی زن رعنا بینند (۱/۷۱ و ۲)

توضیح: «خاتون عرب»، کنایه از کعبه. «رومی زن رعنا»، کنایه از خورشید.... پس آینه، اشاره به برآمدن خورشید از ست آینه صبح و نمودار شدن تدریجی آن در آسمان است. (۲۱۶)

□ در مورد این بیت سبباً دشوار، این توضیح، که با شرح دکتر سجادی یکسان است^{۱۶}، حیری به دست نمی‌دهد و دانسته نمی‌شود که مراد شاعر توصیف کعبه است یا خورشید. قضا را عبدالرسولی نیز تنها به قید «خاتون عرب: کنایه از مکه» سنده کرده است به نظر می‌رسد که گره ست را- دکتر فره‌نگلو- بدرستی گشوده است^{۱۷}. در بیت عباتی به خورشید نیست و تمام آن ستایسی دوگانه است از کعبه؛ یعنی ابتدا با توجه به ظاهر آن، آن را به خاتون سیه حردۀ عرب مانند می‌کند؛ دیگر بار، با توجه به معنویت و نورانیت باطنی آن، به زن رومی خوش اندام و سپید چهره... در حقیقت کعبه، به جهت مظهر ایمان و مطلع نوربودنش، سفید است ولی، بظاهر و مخصوصاً با توجه به حجر الاسود، سیاه. پس زایران خانه خدا، که سس از سب روی هنگام صبح به کنار کعبه رسیده‌اند، هر چند در آینه صبح کعبه و حجر الاسود را چونان خاتون سیه‌چرده عرب می‌بینند، در سس آینه و حقیقت آن و در نگرسی عمیق و روحانی، آن را خون رن رومی سیداندام می‌یابند.

● صبح صادق سس کاذب چه کند بر تن دهر

حادر سبر درد تا زن رسوا بیسد (۱۷/۷۲)

معنی: صبح صادق، که سس از صبح کاذب می‌دمد، با روزگار چه می‌کند؟ ساهی و تیرگی سس را کنار می‌رند تا رسوایی و دروغگویی صبح کاذب نمایان شود، پس

صبح آخر دیده ای بختم چنان سد برده در

صبح اول دیده ای رورم چنان سد کم بها (فصیده)

□ سارح «زن رسوا» را «صبح کاذب» دانسته است. به نظر می‌رسد که مراد «خورشید زیبایی برهنه تن» باشد. یعنی سس از صبح کاذب صبح صادق آسمان بیلگون را می‌سکافد تا خورشید جهان آرا و زیبای برهنه جلوه‌گر شود.

● از سسی سنگ سیه بوسه ردن وف وداع

جسمه خصر ر ظلمات مفاجا بینند (۶۵/۷۶)

معنی: زایران خانه خدا، از کثرت بوسه زدن بر حجر الاسود به هنگام وداع، تو گویی ناگهان جسمه آب حیات می‌بینند. (اساره به سفید شدن حجر الاسود بر اثر بوسه‌های مکرر زایران و ساییده و سفید شدن قسمتی از آن). (ص ۲۲۹)

□ به نظر نمی‌آید که سنگ سیاه با بوسیدن سفید شود. ظاهراً مراد این است که زایران به اسراف باطن و ایمان قلبی سنگ سیاه

را يك نارحه نور و روسنایی و به دیده جسمه جانبیخس حصر می‌بینند.

● بختگان بر بختیان افتان و خیزان مسب سوسی

بی نسانی کز می و ساهی و میدان دیده‌اند (۲۰/۸۲)

توضیح: «میدان»، جای سراب، ظرف باده (ص ۲۴۶)

□ من به این معنی کلمه میدان در حای بی‌نخورده‌ام، حال آنکه مناسب اینجا معنایی است که در کساف اصطلاحات الفنون آمده است «میدان: نزد صوفیه، مقام سهود معسوفی را گویند»^{۱۸}

● بادیه خون عمره ترکان سنان‌دار از عرب

حای خوریزان و برگس‌زار بیسان دیده‌اند (۲۸/۸۳)

معنی: بادیه از اعراب سنان‌دار همچون غمره ساهدان زیباروست و اکنون این بادیه را جای خونریزان عرب و برگس‌زار بهاری دیده‌اند. (در صورت صحت نسخه بدل معنی حسین می‌شود: بادیه را که حای خوریزی سنان‌داران عرب بود همچون برگس‌زار بهاری دیده‌اند، یعنی از برگات اس مراسم محل خوریزی تبدیل به گلزاری شده است). (ص ۲۴۸)

□ طاهرا مصراع اول يك تصوير است و مصراع دوم تصویری

دیگر، در خونریزان نیز «ان» سوود مصدری است (فس ناگسایان، بله‌بران، فالسویان...) «جای خوریزان» به معنی «قریانگاه». مفهوم بیت چنین است: بادیه که در آن آدمیراده‌ای دیده نمی‌شد اینک در مراسم حج آگنده است از مردم و اردخا آینده و روده و عربهای نیره‌ور- که نیزه‌هایسان مانند عمره ریپایان نافذ است. و در مصراع دوم می‌گوید: قریانگاه مکه از بسیاری خون قربانیان مانند برگس‌زار در ماه نیسان سده

● به صحیفه ست فلک هفت ده آیب ز برس

عاسقان این همه از سورب سودا سنوند (۳۴/۹۲)

معنی: فلک همانند نه صحیفه است که هفده آیه بر آن نگاشته

سده... (ص ۲۸۳)

□ به نظر می‌رسد که هفت تا «ده آیت» است نه هفده آیه، و «ده

آیت» یا «عشر زرین» نسانی طلایی به شکل دایره‌ای بوده که در قدیم پس از هر ده آیه قرآن می‌گذاشتند و در اینجا کنایه از هفت سیاره است^{۱۹}. خاقانی افلاک را به صحیفه مانند کرده و هر يك از سیارات هفتگانه را يك «ده آیت» یا «عشر زرین» دیده است

از طواف و نایان مراسم می گوید. هر سال حورسید بر نا
حاحیان احرام می بندد و کعبه راریار می کند. ردایس از خود
اوست و ازار و لنگس از طیلسان مسری | که فاصی فلک | است.
مقصود تعظم حورسید و تفحیم کعبه است. که حاجبی حو
حورسید بران را طواف می کند حناکه ازار این حاجی طیلسان
فاصی فلک است

● کامرور حلقه در کعبه سب آسمان

حلقه زبان حانه معمور خاکرس (۱۷/۹۸)

توضیح «حلقه زبان»، در حال حلقه دردن «حلقه زبان خانه
معمور»، کنانه از مسیح (ص ۳۰۲).

[۱] به نظر می رسد حلقه زبان (با الف و وون جمع) درست باشد
و مراد از «حلقه زبان حانه معمور» فرستگان نگهان و ساکن
سب المعمور هستند که مقابل کعبه است در آسمان چهارم. مفهوم
سب حسین است امروز آسمان گردان، با آن عظم، حو حلقه
کعبه است و فرستگان سب المعمور خاکران و خدمتگزاران این
حانه اند

● اینک موافق عرفاسیب سگرس

طولس حو عرض حب و صد عرض اکرس

(۱۰۰/ مطلع سوم، ۱)

معنی. هان به موافق عرفات رسیده ام تماسایس کن. طول ان
همانند عرض بهست است، بلکه صدبار از عرض بهست هم
بستر است (ص ۳۱۱)

[۲] مؤلف عرض حب را درست بوسه است، الا که لازم بود به
آیه ۱۳۳ سوره ال عمران «وسارعوا الی معقره من رتکم و حبه
عرضها السموات والارض» اشاره می شد اما در مورد «عرض
اکر» استناه کرده اند «عرض اکر» یا «نوم العرض الاکر»
رستاحیر است و از نامهای قاصد بدس ترتب مفهوم درست سب
حسین خواهد بود طول عرفات، حو طول بهست به بهنای
آسمانها و زمین است و از بسیاری اردحام مردم سانگرا صد تا
صحرای محسر است

● قدرت رحم گساده و راده جهان نو

بر ناف حاك ناف رده ماده و برس (۱۸/۱۰۲)

معنی ناف بر و ماده این عالم در کعبه، که مرکز و ناف زمین
است، رده سده است (ص ۳۱۷)

حاشیه:

(۱۶) گریده اسعار، ص ۱۸۸

(۱۷) محله دانسکده ادبیات مشهد، بهار ۶۸ (سال ۲۲)

(۱۸) به نقل از لعب نامه دهخدا

(۱۹) رک فرهنگ معین

● حام بوسد و همه اطللس بخته سمرند

رهر بوسد و همه بوس هینا سنود (۳۷/۹۳)

توضیح. «حام»، ابریسم ناتافته.

معنی. این عاسقان حامه حس بر تن کنند.. (ص ۲۸۳)
[۱] معلوم نیست ابریسم ناتافته چگونه جامه حس می شود و
ابرسم بوسدن کجا نسان فقر است؟ در لعب نامه دهخدا، یکی از
معنی حام، کرناس بسته ضبط و همین سب شاهد آورده سده
سب

● هاوها ناسد اگر محمل من ساری و هم

بر ساسم به کم رانکه ر من ها سنود (۵۰/۹۴)

معنی. چه خوب خواهد بود اگر محمل ما را آماده سازی بلکه
لافل به حاجبی برسیم که از ما هم صدایی به گوشها برسد (ص
۲۸۶)

[۱] در «بر ساسم»، «م» ضمیر مفعولی است. همچنین «به کم
رانکه»، به روی هم، فید زمان است. با توجه به این توضیحات،
مفهوم سب حسین خواهد بود: | سار با نا | او | چه بکو خواهد بود اگر
محمل مرا آماده ساری، و در زمانی کوتاهتر از آن که «هانی» از من
سیده شود مرا به مقصد (کعبه) برسانی.

● هر سال مُحَرمانه ردا گرد آفتاب

وز طیلسان مستری آرید میزرس (۱۲/۹۷)

توضیح. مبرر، مراد دستار و عمامه است.

معنی. هر سال هنگام حج، آفتاب به گونه مُحَرمان ردا بر دوس
می اندارد و دستار سر او را از طیلسان مستری آورده و تقدیم
می کند ساعر آفتاب را به حلیفه و سلطانی تسبیح کرده که، سس از
طواف و نایان مراسم، خادمان دستار او را به حضورس تقدیم
می کند و منظور از مُحَرم سدن آفتاب برهنگی حورسید و بوسیدن
حامه نور است.

[۲] سارح محترم در ذهن خود تصویری. جدا از آنچه در بیت
هست. آوریده و آن را توجیه کرده است. حال آنکه میر به معنی
دستار و عمامه نیست، میز، ازار و فوطه است برای بایس ته.
توضیح اینکه لباس احرام معمولا دو تکه است یکی بر روی سانه
که نالاته را می پوشاند و دیگری ازار و لنگی که بایس ته را
می پوشاند. در بیت توجه به هنگام طواف و مراسم است نه به «سس

توضیح: «رضوان»، دربان و نگاهبان بهشت؛ «رضوانس» مرجع ضمیر «گور کشتگان» است.

معنی:.... زیرا گور شهدا هم از بیرون خون آلود است در حالی که اندرونش را رضوان با مشک عطر آگین کرده است (ص ۳۴۴)
□ اولاً در این بیت «رضوان» در معنی «بهشت» به کار رفته است، قس. «خاک تو از باد سلیمان به است/ خاک چه گویم که رضوان به است» (نظامی)؛ ثانیاً به ساختن نحوی جمله توحی نشده؛ شارح محترم «رضوان» را فاعل گرفته‌اند که خطاس و درست این است که «مسند» جمله است. صورت متور مصراع چنین است: هر چند بیرون گور شهیدان خونین است، لیکن اندرون آن بهشتی است مشک آلود. («به مشک آلوده»، بر روی هم، صفت مرکب مقدم است برای «رضوان» و نه فعل. جای عادی ضمیر «س» نیز پس از کلمه «اندرون» است: اندرونش رضوان آلوده به مشک).

● ر تعجیل قضای بد بناهی سار کادر بی
به حاك افكنده‌ای داری که لرزد عرش از افعاس
(۹۱/۱۱۳)

معنی: متوجه باش که قضای بد و بادافره الهی ستابان به سوی تو می‌آید، پس به دنبال مأم و ناهگاهی باش؛ زیرا مظلومی را که عرس از فریاد او به لرزه در می‌آید، بی‌سر نموده و به خاک ستم نساده‌ای (ص ۳۶۲)

□ از توضیح سارح محترم دانسته می‌شود که فید «اندربی» به کجا وابسته است، يك بار حضور آن در «به دنبال ناهگاهی باش» احساس می‌شود، بار دیگر در جمله «بی سیر نموده‌ای» و هیچ کدام درست نمی‌نماید، بلکه این فید وابسته است به فعل «داری» مفهوم بیت چنین است: در برابر قضای بد و عذاب ستابان الهی برای خود پناهی فراهم آور، زیرا در بی خود بسیاری را به خاک تیره نساده‌ای که [این ستم‌دیدگان چون بالند، به مدلول اذابکی المظلوم اهتر العرس]، عرش خداوند به لرزه در می‌آید
● آب سیه ر نان سپید فلك بهست

زین نان دهان به آب تیرا بر آورم (۱۹/۱۲۵)

معنی:.... به نظر من آب گل آلود از نان سفید فلك بهتر است (ص ۳۹۳)

□ به نظر می‌رسد که «آب سیه» در اینجا یا کنایه از اسك جسم است یا به معنی مجازی «اندوه و آفت و مرگ» که هر دو در سیر فارسی شاهد دارد، مثلاً «جهان اگر همه آب سیه گرفت چه ناک/ جو راضیم به یکی نان و آبک انگور» و هر دو را دهخدا ضبط کرده است.

● زمزم فشانم از مزه در زیر ناودان
طوفان خون ز صخره صما بر آورم (۶۸/۱۲۹)

□ در این معنی دو نکته مورد غفلت قرار گرفته است: الف) آنچه در بیت آمده «بر ناف خاک» است، نه «در ناف خاک»؛ ب) ترکیب «ناف کسی را بر چیری زدن، یا بریدن» یعنی محبت آن را با فطرب وی سرشتن، قس.

من که بر عشقم بریدستند ناف از کودکی
حون توان از عشق ببریدن به اکراهم دگر^{۲۰}
س معنی بیت چنین است: خداوند محبت و اراد کعبه را در فطرب مرد و زن سرشته است

● کی بدترین حباثل شیطان کد طلب
آن کس که با حمایل سلطان بود برش (۱۸/۱۰۴).
توضیح بدترین حباثل شیطان، کایه اردیبا و علایق دیوی. (ص ۳۲۳).

□ بیت به حدیث «النساء حباثل الشیطان»^{۲۱} اشاره دارد.

● حو طوطی کاینه بید شناس خود بیفتد بی
جو خود در خود شود حیران کد حیرت سخن رانش.
(۱۹/۱۰۷)

توضیح: «پی افتادن»، بی‌افکنده شدن، به وجود آمدن؛ «بیفتد بی»، بی‌افکنده می‌شود، بی‌ریزی می‌شود.

معنی: همانند طوطی که وقتی آینه را می‌بیند، خود سناسیش بی‌ریزی می‌شود و در بی شناخت خود بر می‌آید، و وقتی خودش در خودش حیران و سرگشته شد همین بهت و حیرت او را سخن‌ران می‌کند. منظور این است که همین حیرت و نادانی مقدمه معرفت نفس می‌شود (ص ۳۴۰).

□ دانسته نیست که این توجیه خود سارح را قانع کرده است یا نه؟ آیا می‌توانیم از «شناس خود»، «خودسناسی» در آوریم؟ و آیا در کجا «پی افتادن» را «بی‌افکندن» بویسته‌اند؟

بنده بی‌آنکه در این بیت به مفهوم محصل و قانع کننده برسم پیشنهاد می‌کنم که نسخه عبدالرسولی را بپذیریم که «سناسد خود» ضبط کرده، و «سناختن» را در اینجا انگاشتن و گمان کردن بگیریم که دهخدا هم نوشته و این بیت از ساهنامه را ساهد آورده:

سیاوش بدو گفت دارم سهاس
مرا همچو فرزند خود می‌سناس

● که گور کشتگان باشد به حون اندوده بیرونسو
ولکن زندرون باشد به مشک آلوده رضوانش
(۳۰/۱۰۸)

تدوین و نگارش کتاب به حسام می‌خورد،
● میلاد در بیست.

سب طلاق حوای داده دیده‌بانان قصر
با سکر ریز عروسان بنیان دیده‌اند (۱۵/۸۲)
بدون اساره به ترکب و تصویر رینای «سکر ریز» که کدانه اسب از
بریدن و ناسیدن سبهای بنیان از ریز گامهای استرین، به این
معنی ساده سسده سده که «دیده‌ها روفی که سادی عروسان بنیان را
دیده‌اند از حوای حسام نوسیده و محو نماسای این مراسم
سده‌اند» (ص ۲۴۵)

● در سب بر تصویر و رینای
اساده سعد دایح و مریح ربردست
حلق حمل بریده بدان تع احمرس (۱۶/۱۰۱)
سارح فقط به ظاهر سب دایح و آن را حس معنی کرده است
«در این مراسم، که احرام فلکی حضور دارند، سعد دایح استاده و
سمسر مریح زبردست اوست و با این سمسر سرح رنگ در حال
بریدن حلق کوسفند فلک است» (ص ۳۱۶)، ضمن توجه به
تصویر آفرینی ساعر و اسفاده از صورتهای فلکی، باید از نظر
دورداست که مراد از «سعد دایح» حاجی است در مراسم فریان، و
مراد از «مریح» (جو بریر فلک) قصبات است که حیوان را سر
می‌برد، و «حمل» همان کوسفند فریانی است
● در سب

را ن بیس کان عروس رهه سود علم
کوس از بی رفای سد انک نواترس (۹/۹۷)
به این توضیح سسده سده که «علم سدن»: بنیان و اسکار سدن
(ص ۲۹۹).

● حی در باره سب دسوار
مرا را افب مسی رباد نار رها
که بر رینای رن رید گسه‌اند گوا (۶۴/۵۴)
که سبب بیارمند توضیح و اساره به اعلام تاریخی و سس
ماحر است، هیچ توضیحی داده سسده است در حالی که گه‌گاه
توضیحات مفصل و نادر است در سرح اناب آمده است: میلاد
مورد سلطت ملکساره (ص ۳۱۴ و ۳۱۵)، و در مورد معرفی
حمال الدین نامی ۵ صفحه (ص ۳۲۴ تا ۳۲۹)، و گاه توضیحاتی

حاشیه

۲۰) سحر از اوحی مراغه‌ای است
۲۱) رک شرح فارسی سهاب الاحار، ص ۱۱
۲۲) تم فست فلو بهم من بعد ذلك فیهی کالحجاره او اسدفسوه
۲۳) مقصص فران نیسابوری، ص ۲۱۶، در تفسیر آیه کَلَّمَا دَحَلَ عَلَیْهَا رُكْبَتَا
المحراث و حد عدها درفا

بوصیح «صخره صمّا»، مراد حجر الاسود است. (۴۰۶)
[۱] ظاهراً وجهی نیست که صخره صمّا حجر الاسود باشد،
بوصاً که دانسته نیست چگونه از حجر الاسود طوفان توان
بد بلکه مراد از صخره صمّا دل‌سگی ساعر است و یقیناً آیه
سوره بقره در ذهن ساعر بوده که در آن دل‌های سبب به سنگ
بد سسده است.^{۲۲} می‌گوید: اگر بار دگر توفیق زیارت کعبه دسم
حسان سو و رفتی پیدا می‌کنم که از دل سنگم اسکی حو
فان راه حواهد افتاد.

● از کست زار حرح و رمین کاین دو گاو راسب
یک جو نیافتم که نه خرمن در اورم (۱۴/۱۳۲)
بوصیح. «دو گاو»، کنانه از رور سب. (ص ۴۱۲).
[۱] اوجهی که دو گاو کنایه از روز و سبب باشد به نظر نمی‌رسد
هرآمراد از دو گاو، گاو آسمان «نور» و گاو زمین است، همان که
نام گفته «گاو سبب در آسمان سمامس و رین / یک گاو دگر
فته در ریر رمین»...

● بی بی که با غمست مرا انش لاحرم
مریم صفت بهار به بهمن در آورم (۱۷/۱۳۲)
بوصیح «بهمن»، اساره به رمرستان و تولد عیسی مسیح در
بل رمرستان (۴۱۴).
[۱] به نظر می‌رسد که اساره داشته باشد به آیه ۳۷ سوره
عمران که «رکریا هر گه که در صومعه مریم سدی موه بافتی به
ن موه‌های دنیا، در زمستان موه‌های تابستان»^{۲۳}

● از «أَنْتَ» س همزه مسمار و الف داری سده
بر حین داری ر عصمت «کاف‌ها» خوان آمده
(۵۰/۱۴۱)
توضیح. در «أَنْتَ» مرجع ضمیر فرآن مجید و آیه مذکور
س (ص ۴۴۷).

[۱] گمان می‌رود «س» مضاف الیه «مسمار» است و مرجع آن
بسی است و نه قرآن. مفهوم مصراع چنین است: همزه آیه
سَبَّحْتَ لِلنَّاسِ... که خداوند عیسی را استیضاح می‌کند که آیا
به مردم گفتی که مرا و مادرم را پرستید- مسمار و میح عیسی
به است.

از این موارد که بگذریم، اندک نایکدستی در سرح ابیات و

که به نظر راید می‌رسد: مانند: «جگو به بینی این دیبای مُعَلَّم بر این حیوان لایعلم» ذیل کلمه «عَلَم». (ص ۲۱۷)
و بعد کتاب ارجمند حاضر از تسامحاتی نیز بدور نمانده که از آن جمله است:
● در بیت:

به روز حسر که ابرار «لاتخف» سوید
به گوس خاطر ایسان رسان که «لأُسر» (۶۶/۵۴)
توضیح: «لاتخف» مأخوذ از: وفالوا لاتخف ولا تحزن
(عنکبوت ۲۹: ۳۳) اسب (ص ۱۷۲).

□ اما اگر به قرآن مراجعه سودداسته خواهد شد که این آیه هیچ ربطی به روز حسر و ابرار ندارد، بلکه آیه در مورد آمدن فرستگان اسب به بیس لوط، که حون حضرت لوط از قصد زست امب خود نسبت به فرسگان اندوهگین و دلتنگ می‌سود فرسگان می‌گویند «لاتخف ولا تحزن». اگر آیه مناسبی برای بیب بسته سود، شاید آیه ۴۹ سوره اعراف ناسد که «ادخلوا الجنة لاحوف علیکم ولا اتم تحزون».

● همچنین «تمور»، ماه اول تابستان و ماه دهم ار سال رومیان (ص ۱۶۹)، حال آنکه تموز برابر اسب با ۲۳ تیر تا ۲۲ مرداد، و «ابر به سیم مذاب» (ص ۶۷/ ب ۶)، در توضحات آمده. سیم مذاب [به حای «سیم مذاب»] کنایه از فطرات باران (۲۰۱)؛ و

«طرقوا زن»، منصبی در دربارهای قدیم... (ص ۱۵۸)، حال آنکه «طرقوا زن» منصب نیست کسی است که آن منصب را دارد، «شرب عزلت ساختی از سر ببر آب هوس» (ص ۴۱/ ب ۱۱)، در تعلیقات آمده: «آب هوا و هوس را از سر چشمه قطع کن» (ص ۱۵۰)؛ و «ماهیچه» (سه بار در ص ۲۲۳) به جای «ماهجه»، «شسب» (دو بار در ص ۳۷۳) به معنی «تور» به جای «قَلَاب» و آیه رَبَّنَا ارِنَا الَّذِینَ اَصْلَافًا مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ (ص ۱۷۲) که کلمه «الدِّین» در آن منی است و بهتر بود صورت مشکول آن کامل می‌شد.

در تعیین نوع اضافات نیز تسامحاتی دیده می‌سود از آن حمله اضافه احتصاصی یا استعاری «حمایل فلك» که «تسبیهی» دگر سده (ص ۲۹۵)، و همچنین «تیغ مریح» (ص ۲۶۵) و «عده صبح» (ص ۲۷۲) و «حوی دل» (ص ۳۸۲) و «دلق هزار میح سب» (ص ۳۹۶).

ایک تأکید می‌کم که این اندک نارسایی و تسامح از ارزش کار ارجمند سر کار خانم دکتر معصومه معدن کن حیزی کم نمی‌کند. دسب میرادی برای ایشان توفیق آرزو می‌کم و حسم می‌دارم که کارهای تحقیقی دیگری از ایسان بارادب رارونق بخسد. و بکه آخر سباسی اسب از مرکز نسر دانشگاهی که کتابی بدیر آراستگی و بیراستگی فراهم آورده و منتشر ساخته اسب.

■ از انتشارات مرکز نسر دانشگاهی

بهداشت جهان

(سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۷۲)

● عنوان برخی از مقاله‌ها

- بیمارستان، زادگاهی برای بیماران
- حمایت خانواده از سالخوردگان
- مادران شاغل و شیردهی
- آیا سرطان قابل پیشگیری اسب؟
- تغذیه با شیر مادر و فاصله‌گذاری
- سلامت و آسایش زائران خانه خدا
- زندگی روانی کودک
- پیشگیری از ذات‌الریه در کودکان
- مفهوم اجتماعی امراض
- رشد جهانی جمعیت
- سوانح و حوادث در کشورهای جهان سوم
- درباره مalaria

نقوش سردرهای خانه‌های تهران قدیم، از افسانه حاجی علی‌محمدی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی (با همکاری شهرداری تهران)، ۱۳۷۲، ۱۴۲ صفحه، مصور.

فرهنگ معماری سنتی ایران، و مجموعه هنرها و مفاهیم و اصطلاحات و رسوم مربوط به آن از خط مکتب و مدرسه دور بوده و آموزش و فراگیری آن صورت شفاهی داشته و از راه تعلیم حضوری و سینه‌به‌سینه انتقال و اساعه یافته است. حافظان و ناقلان این میراث غالباً گروهی معمار و استادکار هنرمند کم‌سواد یا بی‌سواد بوده‌اند. کسانی که با بهره‌گیری از استعداد و فریحه هنری و ایمان دینی و عرفانی خود درخشان‌ترین آثار معماری را ندید آورده‌اند. دست‌آفرینده‌های ایوان را در انواع آثار معماری شهرها و روستاهای ایران می‌توان مشاهده کرد و اطلاعات اندک و ناچیزی از روس‌کار و سیوه‌های هنری آنان را در متون تاریخی می‌توان یافت.

اکنون با تحول سگرفی که در طر معسب و سزون اجتماعی و به تبع آن در معماری ندید آمده بسیاری از سبه‌ها و قیون معماری سنتی که در حای سنت و صسط سسده بوده به دست فراموسی سرده سده و بدن سان میراث براررسی از دست ما رفته است.

آنچه امروز از سسروان معماری و هنرهای وابسته به آن برای ما بار مانده در سسه و ناد سساری اندک از فرردان و ساگردان آنان نهفته است از این رو بروهس در ف و سوه معماری سسی ایران و احیای فرهنگ آن، از وارگان و اصطلاحات فنی و هنری، به مدد بارماندگان این فرهنگ، ضروری است.

در جهت این اندسه و احساس و برای احانت این حواسب فرهنگی مدیهاسب که دهر بروهسهای فرهنگی، با همب سحتکوسانه مدیران، محمدحسین حوسویس، به کار بروهسی برداخته است و تا کون آناری حد در رمیه‌های معدد مسائل اجتماعی، فرهنگ و هنری متسر کرده است.

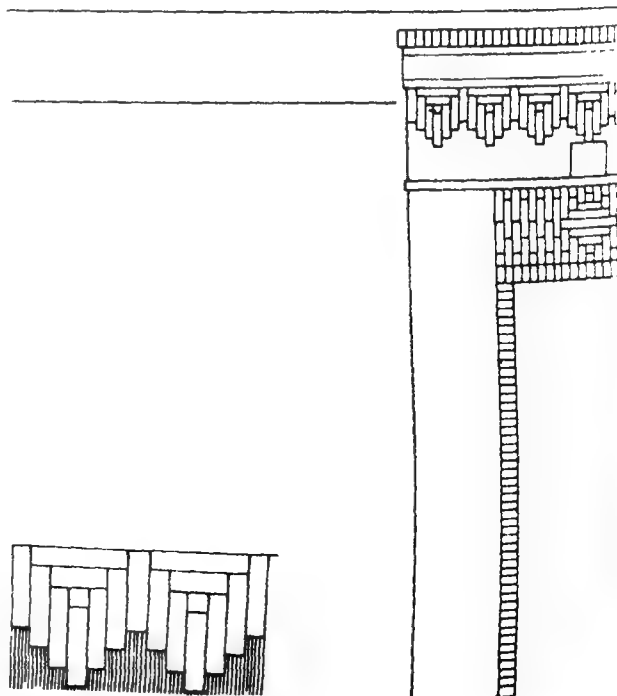
نقوش سردرهای خانه‌های تهران قدیم سومین کتاب از مجموعه «فرهنگ معماری»^۱ است که به همب این دهر با همکاری شهرداری تهران اخیراً متسر شده است این اثر را

حاشیه.

(۱) دو اثر، یکی فصاهای نهیری در بافتهای تاریخی ایران معاصر و بارارها، میدایها، درواره‌ها، فصاهای ورودی و فصاهای محاور لها، نوشته حسین سلطان‌زاده (۱۳۷۰) و دیگری مجموعه عکس از «فصاهای ورودی و سردرهای خانه‌های تهران قدیم»، عکسبرداران علامحسین صیرفی و محمدحسین حسن، طقه‌سندی عکسها و نوشته متن از حسین سلطان‌زاده (آماده توربع)، شماره‌های ۱ و ۲ از مجموعه «فرهنگ و معماری» است.

نقش و نگارهای سردر خانه‌های قدیم تهران

علی بلوکاشی





مهندس سلطان زاده در مقدمه خود هنر تزئینی در معماری دوره اسلامی را متأثر از «جهان بینی و احکام اسلامی» و حرمت «به کا گرفتن تصویر و بیکره انسان در هنرهای حون نقاسی و مجسمه سازی» و در نتیجه گرایش به استفاده از «نقوش تحریدی و هندسی» دانسته و نوشته است که بدین سان نقس برداری به سیوه تحریدی و هندسی در هنرهای کاربردی و غیر کاربردی، ماسد سفالگری، فلرکاری، قالی بافی، نارحه بافی، نقاسی و مس کاری راه یافت و در هنرهای واسه به معماری، ماسد آحرکاری کاسیکاری، گجبری و حجاری، نیز رایج سد

در این باب ناید یادآور سد که سیوه نگارسه کرد دسب آفریده ها به صورت تحریدی و هندسی از دیر ناز در مال افوام ایرانی و حامعه های ایلناتی کوح رو و روستایی رایج بوده اسب- حماعاتی که، به سب نوع معیسان، بیود مستقیم با طبیعت و آفریده های طبعی داستند. هنرمندان این جوامع ایل و روستایی، فارع از احکام دینی، با الهام از طبع محظ زیست و دوق و تحل بدوی خود دستاقتها و دسساچتهای خود را، از قالی و فالحه و گلیم و ریلو گرفته تا گبه و حورحین و مفرس و ریر اندارهای حصری و ومدی و کاسه و کوزه های سفالی، با نفس و نگارهایی اتراعی تریس می کردد. معماران و هنر کاران معماری ما بیر اس سیوه نفس برداری و نگاره سازی را در خلق آثار هنر معماری به کار گرفتند. به همن سبب اسب که آشکارا می نوار عناصر برحی از نفوس یا حتی ترکب حد نفس را در دستاوردهای گو ناگون حد نوع هنر مساهده کرد

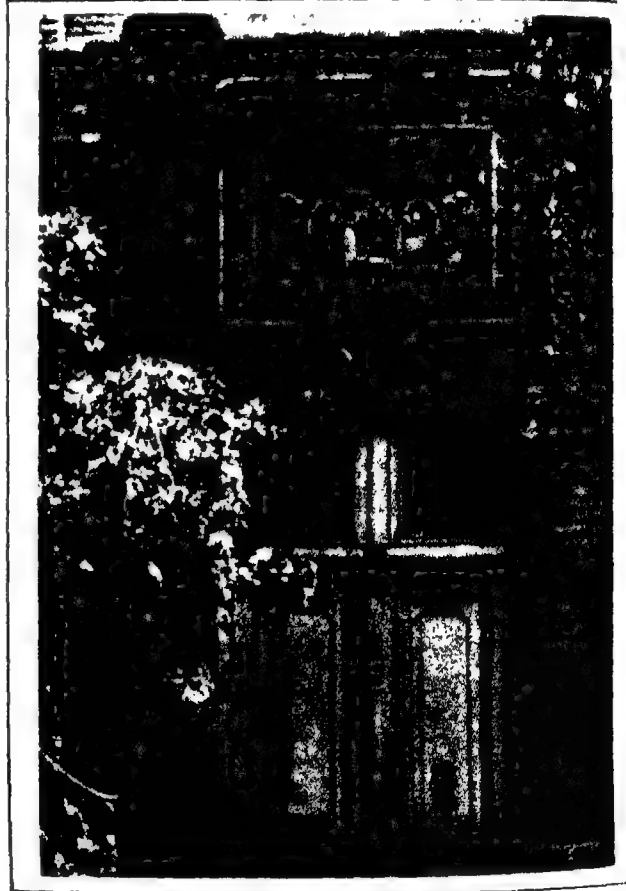
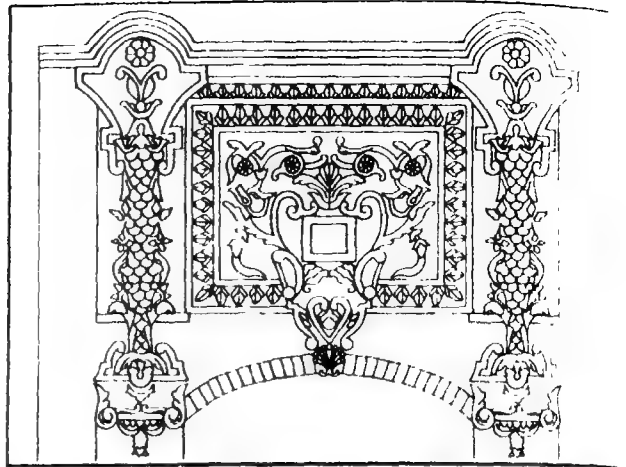
در این مقدمه روحیه محافظه کارانه و سب گرای هنرمندان ایرانی موجب کاربرد متممادی يك نفس یا يك طرح با اندکی تعبیر در آثار هنری گوناگون داسته سده است. این را ناید افرو د که حرمت گذاری به رسم و راههای سستی گذستگان و حفظ میراث فرهنگی و هنری نیاکان از این طریق، ویرگی حامعه های ابتدایی و سستی از جمله حامعه سستی ماست. لیکن این نای بدی به سب، هنرمندان ما را از آفرینس مایه های نو و بدیع در آثار هنری باز دداسته اسب.

نکته دیگر این که در این مقدمه تغییر در سیوه نفس انداری، از جمله در هنر تزئینی وابسته به معماری، در مواردی خاص به «يك دوره تحول اساسی و مهم از نظر سیاسی و اجتماعی و فرهنگی» مربوط به سمار آمده و از عوامل اثر گذار در بعضی ار ستهای هنری شناخته شده است. همچنین دوره قاجار دوره دگرگونی در برخی از سیوه های معماری و هنرهای تزئینی و عصر تقلید معماری روسی و اروپایی معرفی و طراحى فضای ورودی و نفوس سردر خانه ها و دیگر بناها از زمینه های متأثر از معماری و هنر خارجی معرفی شده است. انتظار می رفت که نمونه های عناصر

حاجم افسانه حاجی علمحمدی داسجوی رسنه گرافك داسكده هنرهای رسا فراهم آورده و ان نحسی از ناان نامه و کار عملی او زیر نظر اساد راهماس مرتضی ممر اسب موضوع اثر نفسهای برسی سردر بعضی از حابه های قدیم تهران اسب که هور صر نه و براگر سل و کلنگ «بشار نفوسها» بر فامب انها فرود سامده اسب

کتاب شامل دو مقدمه و سه نحس اسب نحس سوم آن، که مسای کار فرار گرفته، حاوی ۶۶ عکس از سردر حابه های قدیم در محله های محلف بهران ماسد نامار، محله محمدیه، مولوی، امامزاده نحی، سر حسمه، ری، نلور ساری، ساهبور، نارارحه فاب آباد، بازارحه نواب، و کوحه وریر بطام اسب در اس عکسها نمونه های گویایی از ساده برس تا بیحیده برین نفسهای سردری دیده می سود نفس و نگارهای هر يك از این سردرها ساده سازی و طراحى سده و در نحس دوم کتاب حای گرفته اسب. بخش نحس بر نه فهرسب نامها و اصطلاحهای نفسها و سرح کوتاهی درباره هر نفس احصااص یافته اسب.

مقدمه های کتاب بسار کوتاه و هر يك در دو صفحه اسب مقدمه نخست را مهندس سلطان زاده، بروهسگر حبیر در معماری و شهر سازی ایران (و مؤلف سرنه سماره ۱ از همین مجموعه «فرهنگ و معماری»، با عنوان فصاهای شهری در بافتهای تاریخی ایران) نوشته اسب مقدمه دوم از بدید آورنده کتاب و در سرح ادرس نفسها و نگاره های سردرها اردیدگاه ریپاسناسی در معماری گذشته ایران اسب و در آن به اهمیت بررسی نفسها برای هنر برینی معماری در حال و آینده و خصلت ارتباطی این نفوس با مردم حامعه اساره رفته اسب.



برجانه‌ای در حیابان صفی‌علیشاه

آجرکاری و گچبری ترسی به شکل دسته و ریحیره و آراسه به گل و گیاه است، تقلید از سبک اروپایی و احتمالاً برگرفته از معماری انگلوساکسها دانسته شده است.

در بخش نخست کتاب، یعنی در «فهرست الفبایی اصطلاحات نفوس»، نام ۹۶ نفس و نگار، از آجرکاریها و گچریهای کله‌درها و سرستوبهای دو سوی درگاهها و کناره‌های سردر و دورقاب در خانه‌ها، آمده است. در فراهم آوردن این نفسنامه و بافتن نام سکلها و نقشها و سرخ و توضیح هر نفس و سکل، از اطلاعات و راهنماییهای استاد سرخاب و مهندس ماهر النفس و داده‌های کتاب هنر گره‌سازی در معماری و درودگری، نوشته مهندس فرسته براد، استفاده شده است.

نفس برداران ایرانی در صاحب و برداشت نفسها و نگاره‌های تریسی بناها از ترکیب آجرهای تراشیده و پستدار^۲، که در اصطلاح فرهنگ معماری حوره جعفرآبایی خورسان به خصوص سوستر و درفول به آن «خوون حسی» (Xowun Çini) می‌گفته‌اند^۳، ظاهراً بیشتر از سکلهای موجود در طبیعت و محیط‌زیست فرهنگی و اعتقادات و ارمانهای دینی حاکم بر جامعه الهام گرفته شده است. برخی از نفسهای سردرها صورتی طبیعی دارند و جلوه‌گاه ریاییهای طبیعت و سکلها و حجمها و رنگها و آفریده‌های موجود در آنند. در بنیدآوردن این نقشها،

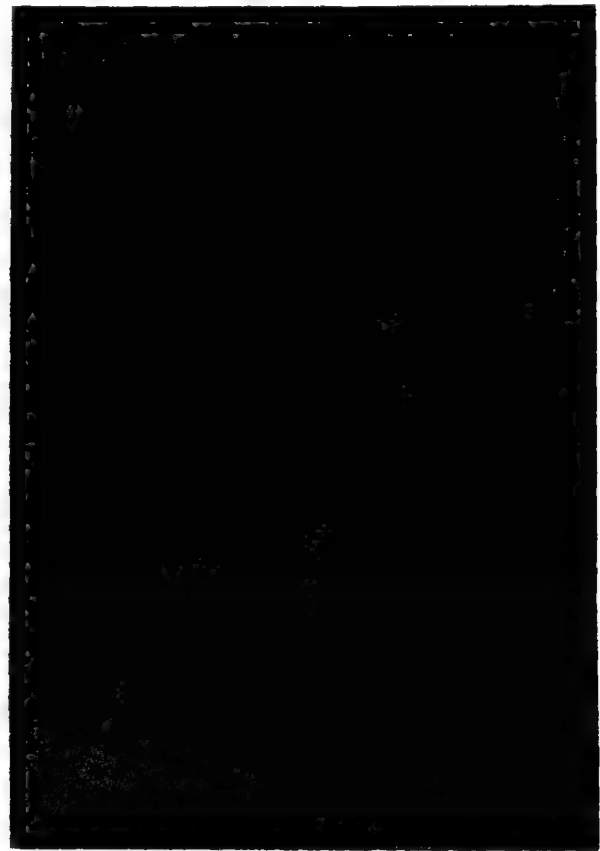
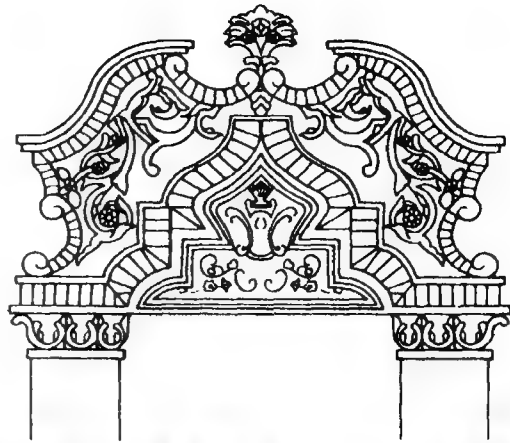
حاشیه

(۲) تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد، دکتر ایرج افسار بحسین ناز، با توجه به آدرس هر تریسی در معماری ایران و کاربرد آجرهای پستدار در بناها، غنکسهای از نقش و نگاره‌های آجرچینیهای بناها در بردن با نداشتن کوتاه درباره این نقش‌پرداریها چاپ کرده‌اند. آقای افسار در این یادداشت کاربرد آجرهای پستدار را در «بالای سردر خانه‌ها»، «دور سردر به صورت حاشیه»، «لب و کنگره بامها» و «سقف ایوان» خانه‌ها در بردن سباسبانده‌اند. بك «آجرهای پستدار برد»، ایرج افشار، هنر و مردم، ش ۸، خرداد ۱۳۴۸، ص ۱۱-۹.

(۳) شادروان محمدعلی امام سوستری در مقاله‌ای دو اصطلاح «هریر» و «خوون» را در هنر معماری قدیم ایران توضیح داده و رواج این دو واژه را در زبان امروز نوشتارها یادآوری کرده است. بك «هریر و خوون در ساختمان»، ناستان‌شناسی و هنر ایران، ش ۱، زمستان ۱۳۴۷، ص ۴۲-۴۰.

نگاره، به خصوص نمونه‌هایی از معماری روسی، در این مجموعه عنوان شاهد مدعا ارائه گردد. البته کشف مایه‌های بیگانه در این و نگاره‌های این مجموعه کاری است بر زحمات و وقتگیر چه می‌توان در این گفتار به عنوان نمونه نام برد سکلها و سکلهای چون «سینه سنتوری» یا «کله سنتوری» و «ریسه» یا «سکله گل» است. «سینه سنتوری» (tympanum)، که از اجزای بنا یا بالادرگاه است، برگرفته از شیوه معماری یونان باستان، «ریسه» (انگلیسی: festoon؛ ایتالیایی: festone)، که نوعی

۴



سردخانه‌ای در خیابان فرانسه

در مجموعه این نقشها صورتهایی نمادین هست که هر يك مظهری از باور یا آرمان جمعی عامه است. این گونه نقش و نگارها را می‌توان به اصطلاح امروزه انگاره‌هایی «نمادگرا» یا «آرمانگرا» خواند. در این شیوه از کارهای هنری چون آرمابه‌ای فرهنگی و باورهای آیینی- دینی مردم به زبان رمز و راز بیان می‌شود، درك و دریافت معنا و مفهوم آنها تنها با شناخت فرهنگ و آداب و باورهای الهام‌بخش مردم میسر است. مثلاً در باورهای گروهی از مردم ایران گیاه بیحك از جنبه مقدس داشته و از «نفراب» یا رماننده‌ها بشمار می‌رفته و برای آن خاصیت سرزدایی فایده بوده‌اند. از این رو گیاه بیحك را در بارچه‌ای می‌بستند و همراه کودکان یا زنان زانو می‌کردند تا آنان را از حنم زخم حاسدان دور بدارند. نقشهایی از گیاه بیحك را بر سردرخانه‌ها می‌انداختند تا احتمالاً به تصور خود اهل خانه را از چشم بد «کبود حشمان» تنگ نظر مصون دارند. به طور کلی، در هر دو شیوه «واقعگرایانه» و «آرمانگرایانه» با فنون هنرمندانه معماران در حفظ اصول و قواعد زیباساختی هنر ایرانی روبرو هستیم.

در پایان، به نکاتی اشاره خواهم کرد که می‌توان آنها را کم‌وبیش از لغزشها و نقصهای این اثر دانست:

(۱) عنوان کتاب «نقوش سردرهای خانه‌های تهران قدیم» اختیار شده و حال آنکه موضوع آن نقوش سردر خانه‌های قدیم تهران است نه خانه‌های تهران قدیم.

(۲) در بخش فهرست نقوش، بعضی از اجزا یا ارکان سردر که به شکلهای گوناگون است و روی آنها نقش و نگارهایی با آجر یا گچ انداخته‌اند، در زمره نقوش به شمار آمده است و از این حمله است «کتیبه»، «کله‌در»، «کله‌ستوری» و «سرتاج». اینها همه بخشهایی از سردر به شکلهای گوناگون اند که نقشهای مختلفی از آجر و گچ در آنها نشان داده شده‌اند. درست این بود که این گونه اصطلاحها جداگانه فهرست می‌شدند.

(۳) به «کلوک»، که اصطلاحی است برای يك چهارم آجر «صلیب» در فرهنگ معماری ایران، به ترتیب، «چارک» و «چلیب» نیز می‌گویند. ضمناً «کلوک» هم به مسامحه در زمره نقوش فهرست شده است.

(۴) از مجموع ۶۶ عکس سردرها ۳۱ عکس نشانی نداره

هنرمند معمار به شیوه‌ای، به اصطلاح امروزی «طبیعت‌گرا» یا «واقعگرا»، کار کرده و نقشها را از روی طبیعت تقلید و بازسازی کرده است که از این جمله‌اند نقشهای «حصیری»، «فلسی»، «کله‌شیر» یا شکلهای هندسی مربع و مستطیل و لوزی. گاهی نیز هنرمند از تقلید و نسخه‌برداری از طبیعت دوری جسته و هنرمندانه در شکلهای طبیعی و واقعی تصرف کرده و صورتهایی انتزاعی پدید آورده است. از این قبیل است نقشهای «پابزی»، «خورشید کله در»، «دم کلاغی» و «گوش گرگی».

«دارالنهضة العربية للطباعة والنشر» در بیروت به چاپ رسیده و سپس در سال ۱۳۹۷ هـ.ق تجدید چاپ شده است.

استاد محمد مصطفی شلبی از استادان علوم اسلامی در دانشگاه اسکندریه و دانشگاه عربی بیروت است و کتاب احکام الأسره را برای تدریس درس «احوال شخصیه یا حقوق خانواده» تألیف کرده است. وی در مقدمه کتابش می نویسد: «هذا ولما عهد اليّ تدريس الشعرية الاسلامية لطلاب الحقوق بجامعة بيروت العربية و كان من مقرراتها الاحوال الشخصية أوحقو العائلة رأيت أن أصع لهم كتاباً يكفيهم مؤنة البحث في كتب الفقه الاسلامي بمداهيه المختلفه التي يحتاج القارئ فيها الى مران خاص و تكوين معين.» (ص ۸).

بعد از مراجعه به کتاب مذکور و مقایسه آن با کتاب احوال شخصیه، معلوم شد که این تألیف ادعایی در واقع ترجمه نامصححی از همین کتاب (احکام الأسره) است، بی آنکه صاحب آن در حایب اساره‌ای کرده باشد که این کتاب ترجمه یا حداقل تلخیص یا اقتباسی از آن است.

بدیهی است تألیف هر کتابی، در حقیقت، حاصل فکر و تحقیق و تتبع صاحب آن است که به صورت نوشته بب می‌سود و طبعی است که هر مؤلفی در امر خویش حقوقی دارد بنابراین، اگر کسی در کتاب شخص دیگر تصرف یا آن را به نام خود معرفی و منتشر کند هم عرفاً و هم قانوناً به کار حرامی دست زده است و در صورتی که مرتکب آن فردی است نه حقوق و مقررات باشد این خلاف نابخسودنی تر خواهد بود.

آقای دکتر سیخ الاسلامی نه تنها در روی جلد، صفحه عنوان، صفحه حقوق و مقدمه، از مؤلف کتاب اصلی نامی برده و حقوق معنوی وی را نادیده گرفته است بلکه حتی اجازه نداده است که دست کم نام کتاب اصلی در ردیف فهرست منابع کتاب بیاید تا حقی گزاردۀ سود.

برای ابات این ادعا فقط حدود بیست صفحه از آغاز و پایان کتاب احوال شخصیه با متن اصلی مقایسه شده است؛ البته در پایان همین گفتار شماره صفحه‌ها و عناوین کتاب اصلی و ترجمه آن در جدولی ذکر و عرضه شده است تا خواننده کنجکاور را به بررسی و دقت بیشتر در همه صفحات کتاب راهنمایی کند. با مقایسه فهرست عناوین دو کتاب (متن و ترجمه) معلوم می‌شود که کتاب احوال شخصیه در واقع اقتباس و خلاصه‌ای از کتاب احکام الأسره است، به طوری که کتاب ۸۷۸ صفحه‌ای متن به ۲۶۴ صفحه تبدیل شده است؛ البته این تفاوت بیشتر به دلیل حذف دو بخش از کتاب احکام الأسره به وجود آمده است. مؤلف کتاب اصلی، علاوه بر بیان آرای فقهی اهل سنت، آنها را با نظر فقهای شیعه تطبیق داده و گاهی به مواد قانون مدنی بعضی از

ترجمه یا تألیف؟

جعفرزاده خوبی

احوال شخصیه (جلد اول): ازدواج و پایان آن در مذاهب چهارگانه اهل سنت، تألیف: سید اسعد شیخ الاسلامی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰، هشت + ۲۶۴ صفحه.

هر کس به طور طبیعی علاقه‌مند است کتابهایی را که حداقل در رسته تحصیلی و مطالعاتی اش منتشر می‌شود، در صورت امکان تهیه کند و بخواند؛ بویژه اگر آنها را مرکزی معتبر چاپ کرده باشد کتاب احوال شخصیه، که در موضوع «فقه معارن» بین مذاهب چهارگانه اهل سنت نوشته شده است، توجه نویسنده این مقاله را جلب کرد؛ ولی در حین مطالعه، متوجه شد که محتوای آن با همین نظم و ترتیب در کتاب احکام الأسره فی الاسلام تألیف محمد مصطفی شلبی آمده است.

احکام الأسره کتابی است فقهی که در آن با روشی محققانه «حقوق خانواده» از دیدگاه فقه اهل سنت و شیعه امامیه بررسی شده و با قانون مدنی بعضی از کشورهای اسلامی تطبیق داده شده است. این کتاب، ابتدا در سال ۱۳۹۳ هـ.ق. به همت

شده ولی در واقع مفهوم مورد نظر مؤلف کاملاً منتقل نشده است زیرا «قصداً» قید مصدر «عقد» است. یعنی باید عقد با قصد و اراده انشاء شود و به اصطلاح «قصداً» از ارکان مهم در عقود است ● متن (ص ۳۳، س ۶): «ولهذا لم تكن الرهبانية - وهي الأعراض عن الزواج - مشروعة في أي دين سماوي».

○ ترجمه (ص ۷، س ۱۶): «بنابر این رهبانیت، یعنی اعراض از نکاح، در هیچ يك از ادیان آسمانی مشروع نبوده است».

■ اشکال: گرچه در آیات و روایات گاهی لفظ نکاح به حار «زواج» به کار رفته است، با توجه به توضیح چند صفحه پس از مؤلف می نویسد: «غیران الفقهاء مع اتفاقهم علی ان لفظ الزواج حقيقة - فی العقد كذلك اوهو حقيقة فی الوطء (المحاطة الجنسية) اوهو مشترك فیهما» (احکام الأسرة، ص ۳۱)، بهم است در ترجمه به جای لفظ نکاح از واژه «اردواج» استفاده سود ● متن (ص ۴۲، س ۱۰): «قال رسول الله (ص)».

معتبر الشباب من استطاع منكم الباءة فلیتزوج فانه اغض للصر أحص للفرج، و من لم یستطع فعلیه بالصوم فانه له وجاء».

○ ترجمه (ص ۹، س ۲۴): «ای گروه جوانان هر کدام ار سه که توانایی جنسی دارد باید ازدواج کند، زیرا ازدواج بیشتر حس را از دیدن نامحرم باز می دارد و برای شرمگاه زن قلعه محکمه است و کسی که نتواند ازدواج کند بر اوس که روزه بگیرد حو: روزه بازدارنده او از شهوت است».

■ اشکال: کلمه «الباءة» به «توانایی جنسی» ترجمه سد است، ولی در حدیث این معنی اراده نشده بلکه معنای مجاری ا یعنی توانایی مالی برای ازدواج، مانند مهر و نفقه، اراده سد است؛ زیرا، در صورت حمل بر معنای حقیقی، حدیب مفهوم درستی نخواهد داشت؛ یعنی برای فردی که توانایی جنسی ندارد امر به روزه داری بی معنی است.

● در مورد نهی از خواستگاری زنی که دیگری در حا خواستگاری از اوست، مؤلف دو حدیث از پیامبر اکرم (ص) عنوان شاهد می آورد و می نویسد: «فهذه الأحادیث تفید تحر: الخطبة علی الخطبة لظاهر النهی...» (احکام الأسرة، ص ۵۹). ○ ولی مترجم این مفهوم را، که مؤلف برای نمونه دو حدیب ذکر کرده است، به گونه ای بیان می کند که گویا در این مورد فقط دو حدیب وجود دارد؛ او می نویسد: «پیغمبر (ص) این مورد را + کرده، در این خصوص دو حدیب از رسول اکرم (ص) نقل شده است» (احوال شخصی، ص ۱۶).

● متن (ص ۳۵۰، س ۲): «المهر الواجب فی الزواج نوعان الأول: المهر المسمى وهو الذى اتفق علیه عند العقد أوقدر به بتراضی الطرفين».

○ ترجمه (ص ۱۳۲، س ۱۰): «مهری که در عقد ازدوا

کشورهای اسلامی نیز اشاره کرده است، ولی در کتاب احوال شخصیه فقط به نقل آرای اهل سنت بسنده شده است؛ دیگر اینکه بخش سوم کتاب اصلی (حقوق فرزندان و خویشاوندان در ازدواج) ترجمه نشده است. آقای شیخ الاسلامی علاوه بر حذف آن دو بخش، در مواردی متعدد عباراتی را به دلخواه حذف کرده است که غالباً موجب ابهام شده و گاهی توضیح لازم در ترجمه نیامده است. چون بنای مترجم بر تلخیص متن اصلی بوده است، ذکر شواهدی از این قبیل چندان ضروری به نظر نمی رسد و تنها به مواردی پرداخته می شود که عبارات ترجمه شده نارسا و احیاناً نادرست است.

بی گمان وجود این خطاها در چند صفحه بررسی شده اطمینان خواننده را از صحت بقیه مطالب کتاب سلب و وظیفه ویراستار محترم را در چاپهای بعدی (در صورت چاپ با تجدیدنظر) بیشتر می کند. در اینجا به عنوان نمونه عباراتی از متن و ترجمه نقل و سپس اشکال ترجمه بیان می شود:

● متن (ص ۱۱، س ۵): «لأن بقاء العالم منظماً یحتاج الی هوائین شرعیة فی أمر الازدواج وهی قسم المناکحات، و فیما به التمدن من التعاون و التشارك و هو قسم المعاملات، و لاستقرار أمر التمدن علی هذا المنوال لزم ترتیب أحكام الجزاء وهی قسم العقوبات».

○ ترجمه (ص ۲، س ۳): «انتظام و بقای دنیا نیازمند قوانین شرعی در امر ازدواج است که همان مناکحات است. در امر معاملات و به منظور ایجاد تمدن، تشریک مساعی افراد جامعه لزوم پیدا می کند، و برای استقرار امر تمدن بر این منوال ترتیب احکام جزایی ضرورت خواهد داشت، که همان عقوبات است».

■ اشکال: علاوه بر اینکه مترجم در ترجمه برخی از اصطلاحات مانند مناکحات و عقوبات، معادل های فارسی به کار نبرده، متن عربی را هم نتوانسته است به خوبی به فارسی برگرداند. در متن، عبارت «و فیما به التمدن من التعاون و التشارك» به عبارت «فی أمر الازدواج» عطف شده است و جار و مجرور متعلق به «یحتاج» است. یعنی بقای نظم در جهان هم به تدوین قوانینی در امر ازدواج نیازمند است و هم به تدوین مقرراتی در امر تعاون و مشارکت و اصطلاحاً «من» در عبارت «من التعاون...»، «من» بیانیه است و از «ما» رفع ابهام می کند.

● متن (ص ۳۰، س ۴): «و من قائل: أنه عقد یفید حل استمتاع الرجل بأمرأة لم یمنع من نکاحها مانع شرعی قصداً».

○ ترجمه (ص ۶، س ۷): «گروه دیگری می گویند: ازدواج عقدی است که استمتاع مرد از زنی را که مانع شرعی برای نکاح وی وجود نداشته باشد حلال می کند».

■ اشکال: گرچه ظاهراً در ترجمه تنها کلمه «قصداً» حذف

حسب است به دو نوع تقسیم می گردد: اول. مهر المسمی و آن بری است که در موقع عقد روی آن توافق می شود و یا به رضای رین به بعد موکول می گردد.»

■ اشکال: مترجم عبارت «أوقدر بعده بتراضی الطرفین» را به و به ای ترجمه کرده است که گویا موکول شدن مهر به بعد باید با رضای طرفین باشد. در حالی که ترجمه سخن مؤلف چنین است: یا مهر با تراضی طرفین بعد از عقد معین شود.»

اما از کیفیت ترجمه عبارات که بگذریم، دو اشکال مهم دیگر، یکی در ابتدای کتاب و دومی در پایان آن، به کار آقای دکتر سیح الاسلامی وارد است. به طوری که در آغاز مقاله گفته شد، زلف کتاب احکام الأسرة در مقدمه کتاب می نویسد: «هذا ولما نهى الله تعالى تدریس الشريعة الإسلامية...» یعنی از زمانی که تدریس علوم اسلامی برای دانشجویان رشته حقوق در دانشگاه عربی بیروت به من محول شد، یکی از درسها «احوال شخصیه یا حقوق خانواده» بود. در صدد برآمدن کتابی در این زمینه تهیه کنم.

ولی آقای دکتر سیح الاسلامی در پیشگفتار کتابشان عبارت مذکور را به صورت عجیبی دگرگون کرده اند و آن را به گونه ای آورده اند که گویی خود مصنف اینند. ایسان می نویسند: «باری، از زمانی که در دانشگاه حقوق دانشگاه تهران تدریس «احوال شخصیه اهل سنت» به این جانب محول شد در صدد برآمدن کتابی در این زمینه تهیه کنم و در اختیار دانشجویان و علاقه مندان قرار دهم اینک به فضل الهی این توفیق دست داده و کتاب با عنوان احوال شخصیه (اردواج و بایان آن در مذاهب اهل سنت)

آماده شده است.» (احوال شخصیه، ص ۲)

اما اشکال دیگر اینکه در بایان کتاب احوال شخصیه فهرست ناقصی از نام کتابهای مورد استفاده مؤلف به عنوان کتابنامه عرصه شده است که در کتاب اصلی چنین فهرستی وجود ندارد و معلوم نیست دگر حس فهرستی به چه منظوری بوده است؟ اما آقای مترجم می خواسته اند اما بیداری (۱) را به ابیات برسانند یا کتاب ترجمه شده ملخص را تألیفی محققانه جلوه دهند؟ واللہ العالم اما داوری در باره صحت و سقم این کتابنامه مهلت و دقتی بیشتر می طلبد در اینجا به نکته ای دیگر اشاره می شود اگرچه در فهرست منابع نامی از کتاب الموافقات ساطبی برده شده است، در ناواری شماره ۲ صفحه ۸ کتاب احوال شخصیه مطلبی به آن کتاب ارجاع داده شده است، البته نام کتاب به سبب فارسی بدون الف و لام (موافقات) آمده است و این ظاهر آرا را با ناسی شده است که نام کتاب در متن اصلی حوین به ضمیر «ه» اضافه شده است بدون الف و لام آمده و مترجم به دلیل عدم استفاده مستقیم به بوسته مؤلف اعتماد کرده و نام کتاب را همان طور نوشته است، عبارت مؤلف در متن عربی حس است. «و يقول الساطبی فی موافقاته.»

در تهیه این مقاله، فقط حدود سبب صفحه از کتاب احوال شخصیه، که بیشتر از اعار و احکام کتاب است، نامتن اصلی تطبیق داده شد. در عین حال، برای ملاحظه و دقت بیشتر اهل نظر، فهرست عناوین کلی متن اصلی و ترجمه آن به صورت مفایسه ای در جدول ذیل دگر می شود.

صفحه	فهرست عناوین کتاب احوال شخصیه	صفحه	فهرست عناوین کتاب احکام الأسرة فی الاسلام
۵	حس اول اردواج و ابان	۲۵	القسم الاول فی الرواح و آثاره
۶	باب اول اردواج و مقدمات آن	۲۷	الباب الاول فی الرواح و مقدماته
۱۹	باب دوم ارکان عقد، شروط و طرق اسباب و انواع آن	۷۵	الباب الثاني فی ارکان العقد بشرطه و طرق انبائه و ابواعه و فیه فصول
۴۸	باب سوم محرمات	۱۶۱	الباب الثالث فی المحرمات من النساء و فیه مباحث
۸۸	باب چهارم ولایت، کفایت و وکالت در اردواج	۲۵۱	الباب الرابع فی الولایة و الکفایة و الوکالة فی الرواح و فیه فصول
۱۱۷	باب پنجم احکام عقد اردواج	۳۱۷	الباب الخامس فی احکام عقد الرواح
۱۷۳	حس دوم بایان اردواج	۴۵۹	القسم الثاني فی فرق الرواح
۱۷۴	باب اول طلاق و اقسام آن	۴۶۹	الباب الاول فی الطلاق و فیه فصول
۲۱۵	باب دوم حدانی میان روحین به حکم داوری	۵۵۵	الباب الثاني فی التفریق بین الزوجین بواسطه القضاء و فیه فصول
۲۲۳	باب سوم لعان، انلاء، طهار	۵۹۵	الباب الثالث فی اللعان و الایلاء و الطهار و فیه فصول
۲۳۸	باب چهارم عتده	۶۲۵	الباب الرابع فی العتده

نسود که حر احساس وظیفه انگیزه دیگری در تدوین آن نبوده است؛ با این آرزو که نقد نویسی حالی از غرض سوء و تعددیری به دور از جنبه گیری در جامعه علمی کشورمان رواج یابد و در نتیجه فرهنگ نویسندگی بارور گردد.

ناری، آنچه از نظر خوانندگان محترم گذشت نقد کتابی است که در آن برخی از مقررات تألیف و ترجمه رعایت نشده است و انتظار می رود که آقای دکتر شیخ الاسلامی و یا ناشر محترم در مباحث معنی و یا به هر نحوی که ممکن باشد، حقوق مؤلف کتاب اصلی را استیفا کنند و امید است این مقاله سوء ادب تلقی



آغازی خوش

مجید ملکان

فرهنگ کوچک انگلیسی-فارسی (ویرایش جدید)، سلیمان حیم،
فرهنگ معاصر، ۱۳۷۲، ۵۴۰ تومان

... همین عیبی است که به طور کلی بر فرهنگهای حیم می توان گرفت: گذشت زمان. اکنون دیگر از تاریخ اوله فرهنگهای حیم بیس از نجاه سال می گذرد و در این بیم در زبان فارسی تغییرات زیادی کرده و واژه های فارسی بسیار، همراه با دگرگونیهایی که شکل رندگی امروزی پیدا کرده است وارد زبان شده اند. فرهنگهای حیم از این واژه، جدید حالی است و البته از واژه هایی که در همین مدت وارد زبان انگلیسی شده اند، مخصوصا در زمینه های علوم تکنولوژی.

این گرفتاری در همه کتابهای مرجع دامنگیر ماست. کتابها، مرجع ما تعدادشان اندک است و همین تعداد نیز بیس از مدتی نایگانی سپرده می سود و کسی به فکر روزآمد کردن آنها بر طرف کردن عیب کهنگی آنها نیست. نمونه اش هم دائرة المعارف مصاحب است یا دقت و شیوه بی نظیرش که جای آنکه تا کنون دو ویرایش بعد از آن منتشر شده باشد، هو باید در انتظار جلد سومش باشیم که آیا منتشر بشود یا نشود.

ساز به فراگیری زبان انگلیسی با نتهای گوناگون در میان حرد و کلان گسترش بی ساقه یافته است و فرهنگ دوزبانۀ انگلیسی به فارسی از اولین ابرارهای اس یادگیری است. به نظر می رسد طی این سالها دو فرهنگ حیم و آریان نور دیگر رهبا را سب سر گذاشته اند و استقبال خریداران در غیاب رهبا جدی، آنها را یکه تاز میدان کرده است. بن این دو فرهنگ، اهل زبان هم به لحاظ اصالت و هم به لحاظ درستی جانب فرهنگ حیم را می گیرند. فاطمه کتابخوان نیز با سم خاص همین نکته را دریافته اند. حاب دهها هزار نسخه از فرهنگ کوچک حیم طی این سالها نشانه خوبی از این امر است.

آقای کریم امامی در کتاب از پس و بلند ترجمه و در مقاله ای به همین نام به تفصیل از محسنات فرهنگ حیم سخن گفته اند ایشان ضمن قدسناسی از مؤلفی سختکوس و دفیق (که از فضا کمتر حق مطلب درباره اش ادا شده) چنین می گویند:

ی معین که بسیاری از فضلا معایب آن را برمی شمارند، اما برای تجدید ویرایش آن برداشته نمی شود.

این میانه اگر ناشری به جای به چاپ سردن همان متن (که بسیار سودآور است)، متقبل هزینه ویرایش و تولید کتاب مرجعی سود و به جبران نفایص کتاب قدیمی، جای خوشحالی دارد. به نظر من اینکه دکتر باطنی و راس در کار ویرایش این فرهنگ تا چه حد موفق بوده اند، به دوم اهمیت قرار دارد. اهل زبان باید در باره کیفیت این س حو و حرا کنند و ارا ه همین گفتگوهاست که فرهنگ به شکل مطلوب بش نزدیک خواهد شد.

ای دیدن حگو بگی این ویرایش به تصادف سه صفحه اول P. را از فرهنگ قدیم حیم با ویرایش جدید آن مقایسه کردم و وارد ریر بر حوردم.

Pace به معنای «گام برداستی» که در ویرایش قدیم در مقابل، اسمی آن آمده بود در ویرایش جدید به مقابل معنای فعلی نه است.

ا در مقابل Pace oft در ویرایش قدیم آمده است «با قدم ی خدا کردن»، در ویرایش جدید «با قدم انداره گرفتن» و گردن» آمده که به ریان امروز بر دیکر است.

ا در مقابل Pachtier در حاب قدیم علاوه بر «سکن دهنده» بود «کول رن بچه»، در ویرایش جدید در ارای آن «سناک» م اند، هر چند مناسفانه اصطلاح «دندانی یا دندوبی» را برابر کر بکرده اند

ا در مقابل Packer در ویرایش قدیم «حار بادار» بوسه سده نه در ویرایش جدید به خاطر مهجور بودن حذف سده است ا در مقابل Packthread در حاب قدیم «فاطمه» آمده بود که در س جدید املای درست آن «فاتمه» ذکر سده است.

ا در مقابل Paddle در حاب قدیم آمده بود «با نای بر هه در یاه رفتن (ودسها را به هر سو تکان دادن)»، این هیا حیری، که امروز به آن «آب ناری» می گویند و در ویرایش جدید بر آمده است، هر چند شاید بهتر بود که تعریف قبلی بر حفظ بد ریرا آب ناری معنای دیگری بر دارد مل ناری کردن مایک لگن آب.

ا در مقابل Page (به معنای فعلی) معانی جدید «صدا کردن» و سار کردن» در ویرایش جدید اضافه سده است که در حاب بود.

ا در مقابل Page (به معنای اسمی) «بادو» و «بوکر» هم اضافه که امروز ریر است از «غلام بچه» که در حاب قدیم آمده بود.

ا در مقابل Pail املای قدیمی «ستل» که دیگر رایج نیست سده سده و تنها «سطل» باقی مانده است.

□ مدخلهای Paint the map red, Pamed و he is not so black as he is painted از صمیمه ویرایش قدیم به من ویرایش جدید آمده است و با فاس آنها آسانر سده است البته نمی دانم مدخل دوم حقد در دوران کنونی رواج دارد

□ در مقابل Painter در حاب قدیم «مهار کرحی» آمده بود و در این ویرایش «مهار فایق» بوسه سده است از مقاسه همن سه صفحه (از حدود ۸۰ صفحه) می توان سحه گرفت که

الف) معادلهای مهجور حاب قدیم حذف سده است ب) گاهی معادلهای دقتیری که در زمان قدیم راج بوده، جانگرس معادلهای فعلی سده است

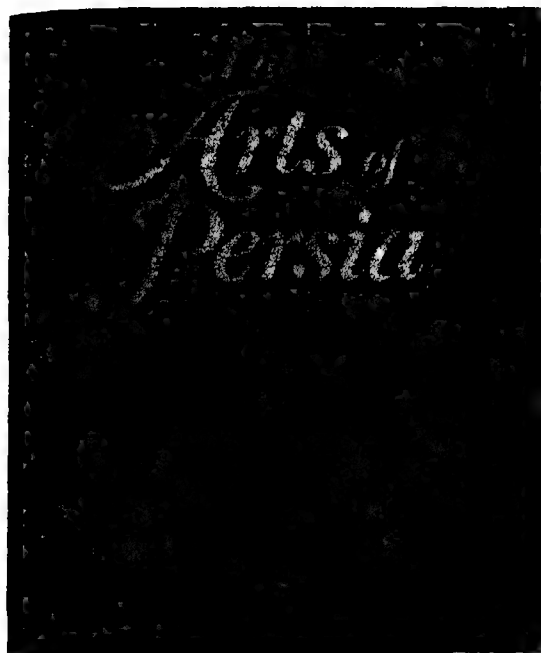
ح) معادلهای ناردای برای بعضی مدخلها ذکر سده است د) نادرستهای حابهای فعلی اصلاح سده است ه) واره های صمیمه فرهنگ به من فرهنگ آمده است آنچه در این مقاسه معلوم نمی سود رسم الخط نکواحی است که در تمام کتاب به کار رفته، همراه با به دست دادن تلفظ انگلسی کلمات با قواعد IPA و سراجام حروفحسی، صفحه ارای، و حاب حسم بوار و رنای کتاب که سلیقه فراوان در آن به کار رفته است

در مقدمه فرهنگ گفته سده که مدخلهای جدیدی هم به اس ویرایش اضافه سده است ولی با مقاسه تعداد صفحات ویرایش قدیم (۷۹۹) و ویرایش جدید (۸۰۸) کما می رود تعداد اس گوه مدخلها رباد ناسد، مگر آنکه حای آنها با بیرون کردن مدخلهای مهجور نار سده ناسد، در بورقی احتمالی نر تعداد مدخلهای حذف سده حلی ریاد به نظر برسید

اما در همن سه صفحه دو نکته در هم به نظر من عامی رسید □ مناسفانه در مقابل Pace maker معنای راج بر سکی آن (دستگاهی برای تنظیم کار قلب) ذکر سده، در حالی که خود لقب

خارجی هم بر ریان فارسی ریان جاری است □ Packed oil به استناه Packet oil حاب سده است.

بی تردید اهل ریان تعداد سسری از این نکته ها را تسحیص خواهند داد و در مورد معادلهای تازه حو و حرا خواهند کرد و در باب درست یا نادرست بودن بعضی معادلهای قدیم داوری خواهد سد، ایها همه سانه آن است که این ویرایش تنها آغاری خوس است، باید امیدوار بود که سستی بایدار شود



هنر ایران در عرصه تاریخ

سیروس پرهام

عظمت و کمال یافتگی و شأن هنرهایی را که ایران و ایرانیان را نامور ساخته بداسته باشند، اما هر يك در حد خود جلوه ای از تنوع و تاب آفرینندگی مردم این مرز و بوم است و ساحتی از حگوینگی سنتز و سازش آنان با طبیعت سرزمین - همان تالاس پایان ماندرو گهگاه خانکاهی که جوهر هنر و آفرینش زیبایی را در بطن می پرورد.

ویراستار کتاب در بیسگفتار خود این نکته را حین بیان می دارد

«وقتی که محدودب ساهکارهای بزرگ هنر ایران می سوبه - آثاری چون بیکرکنده های تخت حمسید، ظروف سمنر ساسانی، میسآتورهای تیموری و فرسهای صفوی - توجه ما به حمایتهای ساهانه معطوف می گردد و از ذوق و سوب و مهارت ستایش انگیزی که مردم عادی در اشیاء ساده مورد نیاز خود به ودیعه بهاده اند غافل می مانیم.» همین عطف توجه سبب گسته که تقریباً برای نخستین بار «معماری بومی» ایران در اینگونه کتاب جای یافته و فصلی به خانه های گلی و گندنی روستاها؛ آب انبارها و بادگیرها و کوتورخانه ها اختصاص یافته است همچنین است جای گرفتن زیورهای عسایری و روستایی، ماند ریورهای سیمین ترکمانان، در کنار گردن بدها و سینه ریرها؛ دستبدها و انگستریهای زرین و گوهر نسان ساهان و ساهاردگان و اسراف و بروتمدان؛ یا به تفصیل برداختن به دستبافته های ایلایاتی و دهاتی، که در کتابهای مسابه یا اصلا نبوده یا به اساره از آنها گذشته اند.

The Arts of Persia, edited by R. W. Ferner Yale University Press, New Haven and London, 1989

هنرهای ایران تازه ترس کتاب مسفل و مفصل است که هنرستانان معرف رمن درباره هنرهای گوناگون ایرانرمن بدوین کرده اند ماند سسرین کتابهای از این دس، هر فصل کتاب را بروهسگری بوسه که در موضوع ان فصل دارای بحصص و تحر و صاحبطر بوده و سرویراساری کار دسری و اسطام مجموعه را برعهده گرفته است

کتاب، که با حاب و کاعد معمار و عکسهای رنگی و ساه و سفید (اعلب عالی) و به اهمام و سرمایه یکی از ایرانیان خارج از کسور (حسن امرصادهی) در هگ کنگ به طع رسیده، به بسب فصل منقسم است، بدس سرخ.

(۱) مقدمه تاریخی؛ (۲) هنر بحس؛ (۳) هنر هخامسیان؛ (۴) هنر باریان؛ (۵) هنر ساسانیان؛ (۶) معماری؛ (۷) برخی ناهای بومی بجد ایران؛ (۸) فرسها؛ (۹) بارحه ها؛ (۱۰) فلرکاری؛ (۱۱) ریورها؛ (۱۲) سکه ها؛ (۱۳) نفاسی؛ (۱۴) نفاسی در دوران بعد از صفویان؛ (۱۵) هنرهای کتاب ارانی؛ (۱۶) لاک کاری؛ (۱۷) سفال و سرامیک؛ (۱۸) کاسکاری؛ (۱۹) آبگنه؛ (۲۰) حوشوویی

از میان کتابهایی که احصاص به هنر ایران از آغاز با عصر حاضر داسته، کتاب هنرهای ایران از یک امتیاز بزرگ برخوردار است که در دیگر کتابها تنها اری کمرنگ از آن هست این امتیاز برداختن به آثار هنری کمتر شناخته سده ای است که هنرستانان کمتر سراغ گرفته اند. البته، ممکن است که این آثار سکوه و

سباهی غیر محاربه، غیر علمی و دستبرد سپاه فاحاشیان عثمیه اسب.

ویرگی دیگر این کتاب همین اسب که از بازگو کردن و بازگشودن واقعتهای تلخ با ساساناحتی و «اسرار» بازار جهانی عتیقات تن نمی رند، و این مطلبی است که دیگر کتابهای تاریخ هنر ایران (و کم و بس کسورهای دیگر) از آن حالی است بسا که ندیده گرامس یا مکوم دانستن این حقیقت تلخ در کتابهای تاریخ هنر به تضاد نباشد. چرا که بیسری کجیه های موره های بزرگ اروپا و امریکا و تقریباً تمامی مجموعه های خصوصی، به دست آمده از همین گونه تاراجها و دستبردها است و این کجیه ها و مجموعه ها حرار این راه بر حم و حم کاملر و غنی بر نمی سود

حاشیه.

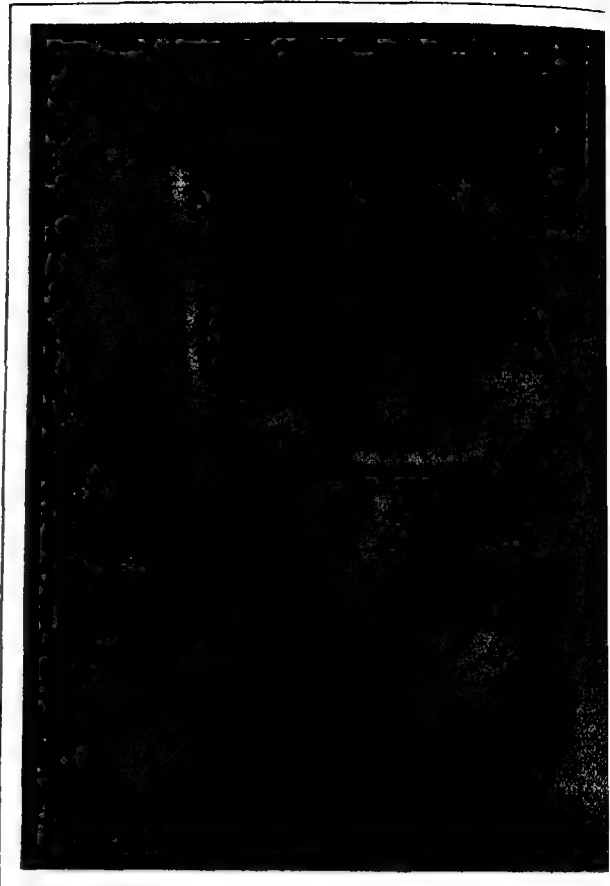
(۱) مهمترین این کتابها بدین شرح است

- Sarre, E. P. L., *Die Kunst des alten Persien*, Berlin 1922
- Pope, A. U. (ed.), *A Survey of Persian Art*, London and New York, 1938
- Fittinghausen, R. and Yarshater, L. (ed.), *Highlights of Persian Art*, Boulder, Colorado 1979

(۲) یکی دو بو سنده بر دستاورد برخی دوره های هنری را زیاده محل نابل دانسته اند و، لاجرم، اناری که وجود بر بربک آنها مسند و محقق است لا وجود انگاسه بنده است. به منل، بو سنده مقاله «سفال و سرامیک» بر اس باور است که اعار سده دوازدهم هجری با نان بو اوری ایرانیان در هنر و صنعت سفالگری بوده است این مطلب با انجا درست است که از «فقدان بو اوری» سفالنه های لعاداری منظور باشد که از سبکهای بتاکری حتی اثر بدیرفته است ولی بو سنده بسیار دور بر می رود و به این نتیجه می رسد نه اصولاً صنعت سفالگری ایران «در سال ۱۱۶۳ هجری (۱۲) عملاً مرده بود» وی به سها و خود سفالنه های لعادار «برد و کاسان و سیرار» را مورد تردید قرار می دهد، بلکه از مر اتری حو بدحت خراسان و سفالنه های مینایی آن هیچ یاد نمی کند و حتی خود لعاب مینایی را محطه می کند «حو ادرس برسی آن مربوط به رونه طرف است نه ربط حدانی به خود طرف ندارد» (ص ۲۶۹)

(۳) بو سنده مقاله «هنر نجش» و سرویر اسار دلایل یا فراین ساحتگی بودن احتمالی حام را نگفته اند ظاهر این است که این دلایل و فراین در حرامنه موره مرو بولیس (۱۹۷) در میان نهاده بنده است، که به دسترس نگارنده نیامد شاید طرح و نقش خاص حامة «گاومرد» دلیل، هرنه اصلی باشد این نقش راه راه، که در معماری دوران اسلامی ایران فراوان است و کهنترین اثر آن بر کاسیکاری حاسیه گند مسجد جامع فروین (۷ هجری) می توان یافت و در اصطلاح معماران «گدرا» خوانده می شود و سفالنه ها آن را «الافورد» (ترک دورنگ) گویند و با نه امروز در گلیمافی لر ها و سفالیه ها به کار می آید، در هنجیک از بازار سن از تاریخ و سن از اسلام ایران اثری از آن نیست این بدان معنی است که میان سبک بتاکری این حام و کهنترین نمونه آن (۵۰۷ هجری) هزاره ها فاصله است، که برای سفالنه ای که تا به امروز روایی دارد چنین سبک عظیم تاریخی سحت نامحتمل بلکه محال است به تعبیر دیگر، چگونه می شود که سفالنه ای بدیک نه چهار هزار سال از عرصه تمامی هنرهای مسو و غیر مسو و به دور افتاده باشد ولی یکناره حدان متداول شود که با رمان ما با نر جا نماد^{۱۴}

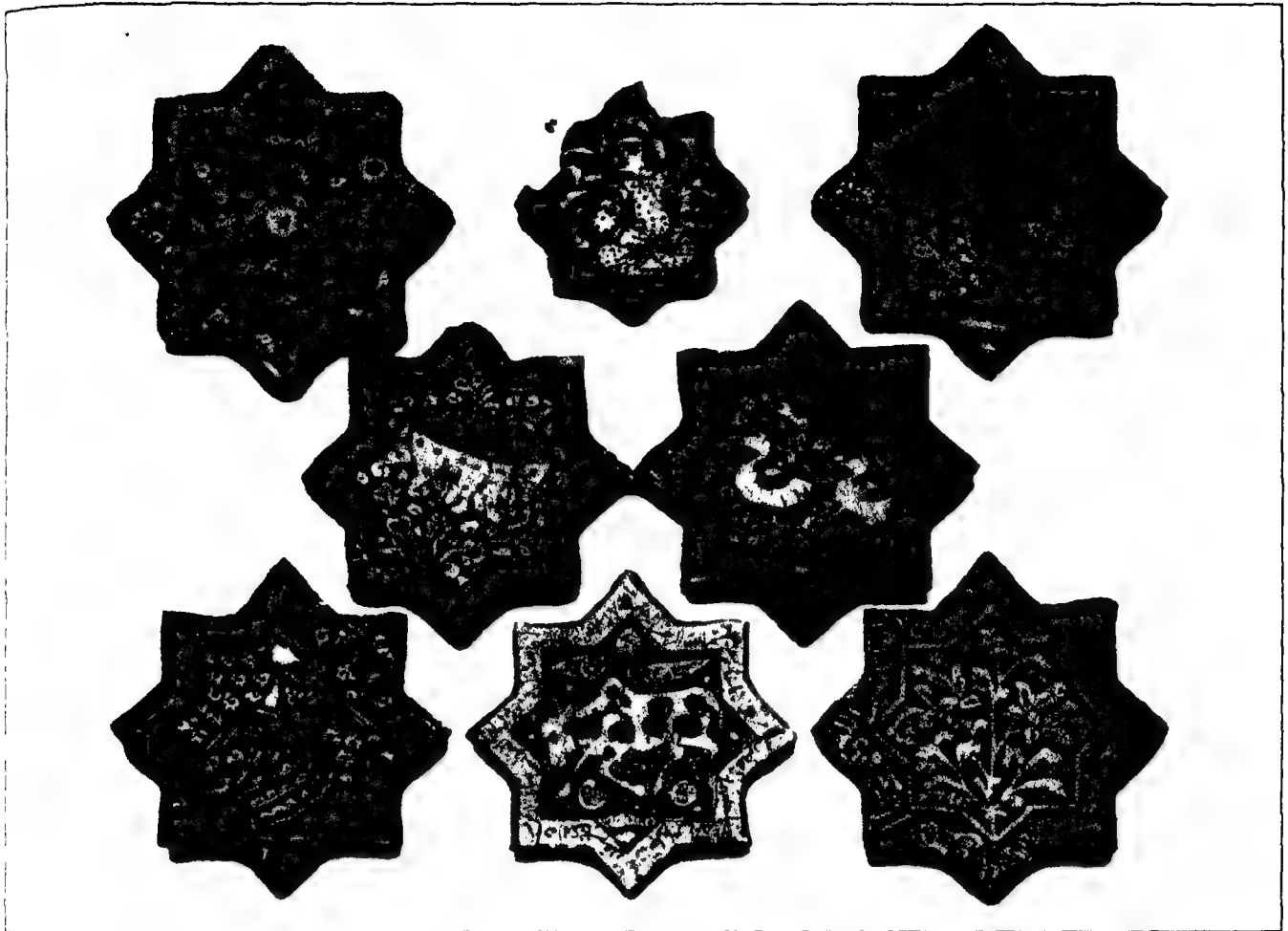
(کهنترین نمونه مسو و غیر مسو گدرا) الاورد در یک مجلس مینا بور کلبله و دمنه، از اواخر سده هشتم هجری، برخای مانده است بگریه به سیروس بر هام، دستافتهای عسایری و روستایی فارس، تهران، ۱۳۷۰، جلد ۲، ص ۳۴۴/ س ۲۰۳ (ب)



ن حام سیمین، حدود هزاره سوم پیش از مسیح، موره متروبولیس بیویورک، ی حورف پولیترو (در سال ۱۹۶۶)

با ایبهمه، اندیشه و طرح ستوده ای که سرویر استار در نظر ته در همه فصلهای کتاب به جا ننسسته و برخی هنرها از نظر بنده مانده و مجموعه کار هنوز کمبود زیاد دارد، از انار هنری بی و خصوصاً منبت کاری و گره ساری (از رللهای سگرف و عها و حمحه هایی که گویی از کاغد بریده اند تا درها و بنجره ها سدوهای بر نقش و نگار) سخنی در میان نیست: نگارگری ن خوب در کتاب جایی ندارد، همچنانکه نقاسی ست سبسه و به کاری و فقل سازی و چندین هنر و صنعت دیگر^۲.

از حاب دیگر، چندین اثر باستانی بسیار ار حمنه، که تاکنون حرانه موره ها و مجموعه های خصوصی ناساخته مانده بود و ما حر در کاتالوگهای موزه ای امری از آنها بود، برای اول بار اسانده می شود. از این جمله است جام «گاومرد» سیمین به هر سجهزار ساله سگرفی که در موره متروبولیتن بیویورک اهداسته می شود. سازگی طرح و ریایی و طرافت، حام به اندازه ای است که برخی هنر ساسان در اصالت آن ک کرده اند^۳ - شکی که، لاجرم، دامنگیر هزاران سیء باستانی ت که جای پیدا سدن آنها دانسته نیست و دستاورد حقاریهای



کاشیهای میایی، سکه ری، اواخر سده ششم هجری، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن (سال ۱۸۹۰)

(بگذریم از آن که بیشترین باز یافته‌های زرین و سیمین و گوهر سان به حکم دسواری عرضه آنها، به صورت زر و سیم خام و گوهرهای برکنده براکنده در می‌آید که هیچ نسان از شکل باستانی یا هنری نخستین ندارد. این نیز هست که نامسخص بودن حرئیات حفاری دسب جاعلان آمار «ریز خاکی» را بازتر می‌کند، به همان اندازه که راه پژوهش باستانشناسان را دسواری (تر)، تازه، آن مقدار هم که به موزه‌ها راه می‌جوید، خون جای پیدا شدن آنها معلوم نیست و نمی‌توان آنها را تاریخگذاری یا حتی به توسع دوره‌گذاری کرد، در گروه انبوه اشیاء هنری کهن و به اعتساری «متفرقه» جای می‌گیرد و کمکی به شناخت درست فرهنگ و تمدن اقوام و سرزمینهای گوناگون نمی‌کند. در همین کتاب مورد بررسی، اندك نیست مواردی که موزه‌داران نتوانسته‌اند مردمایی را که فرا آورنده يك شیء خاص و یکتا بوده‌اند بشناسند و در جد مورد حتی شك دارند که فلان شیء چند هزار ساله یا چند صدساله ساخت ایران باشد!

عامل دیگر، و بسیار زیانبارتر، ناشناخته ماندن جای پیدا شدن

همواره استدلال سده است (و اغلب با حس بیب و صداقت) که اگر میراث فرهنگی تمدنهای کهن به موزه‌های کسورهای بیسرفته راه پیدا نکند از میان خواهد رفت و چه بهتر که در جایی محفوظ بماند تا همگان بتوانند آثار تمدنهای درحسان ایران و چین و یونان و هند و مصر و بین‌النهرین و کسورهای امریکای لاتین... را ببینند و ستایش کنند. صرف نظر از آنکه این استدلال پایه متین تاریخی ندارد و دامنه مصداق آن در ایران به اواخر عصر قاجاریان محدود است که ساهان قاجار اجازه کاوسهای باستانشناسی را به طمع پیدا شدن «طلا و نقره و جواهر» به بیگانگان می‌دادند و کاری به سفال و سنگ و مفرغ و «آهن آلات» نداشتند، چندین عامل دیگر نادرست بودن استدلالهای آنحنانی را آشکار می‌دارد:

نخست آن که بخش عمده اشیایی که بنهانی خارج می‌شود نه از موزه‌های شناخته شده که از مجموعه‌های خصوصی (اغلب ناشناخته) سر در می‌آورد که از آنها هم گهگاه تنها پاره‌هایی در اواخر عمر مجموعه‌دار به موزه‌ها بخشیده یا فروخته می‌شود.

کتابی نو درباره هخامنشیان

کامیار عبدی

Mohammad Ali Dandamaev, *A Political History of the Achaemenid Empire*, Translated into English by W. J. Vogelsang, Leiden, E J Brill, 1989, XV+ 373 pp, 14 illus., 2 maps.

محمدعلی داندماف، تاریخ سیاسی شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه انگلیسی از ویلم جی. وگلینگ، لیدن، انتشارات بریل، ۱۹۸۹، پانزده + ۳۷۳ صفحه، ۱۴ تصویر، ۲ نقشه

از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، که فعالیتهای علمی باستان‌شناسی در ایران چند سالی متوقف گردید، بسیاری از باستان‌شناسان و مورخان خارجی و معدودی از همکاران ایرانی آنها فرصت را مغتنم شمردند تا به تدوین و بازنگری کارهایی که پیشتر انجام شده بود و انتشار فرآورده آنها بپردازند. در این زمینه از بین دوره‌های مختلف تاریخ ایران، دوره هخامنشی به دلیل جذابیت‌های خاص خود توجه زیادی را به خود جلب کرده است و اغراق نخواهد بود اگر بگوییم که حجم کتابها و مقالاتی که در سالهای اخیر درباره جنبه‌های گوناگون تاریخ و باستان‌شناسی این دوره نوشته شده است با چند دهه پیشین برابری می‌کند.^۱

حاشیه:

۱) درباره گروهی از مهمترین کارهای سالهای اخیر در باب دوره هخامنشی رک. کامیار عبدی و روح بخشان، «مجموعه تاریخ هخامنشی دانشگاه کر و بیگی»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ششم، شماره اول و دوم، آبان ۱۳۷۱، ص ۲۸ تا ۴۵.

این اشیاء به اصطلاح «زیر خاکی» است. عاملی که در ساسانی تاریخی و هنری هر اثر باستانی کارساز است. باستان‌شناس و هر ساس و موزه‌دار اگر نداند که یک شیء به ظاهر چند هزار ساله کدام حای یک سرزمین پهناور و در کدام لایه باستان‌شناختی و یا کدام مقبره و معبد و کاخ و کوخ پیدا شده، در اغلب موارد نمی‌تواند دوره تاریخی و ویژگیهای هنری و اجتماعی (و حتی کاربردی) آن شیء را معلوم کند. در کار شناخت تاریخی و هنری بسیاری از اشیاء زیر خاکی نه فقط باید داسب که از کدام نقطه پیدا شده، بلکه باید فهمید که آیا در گورستانی مدفون بوده یا در بیابگاهی یا در کاخی سلطنتی یا در عمارتی اسراف و اعیانی یا در خانه‌ای ساده و محقر یا در دکان بیسه‌وری... و ماسد ایها. حتی حیری که به میل در مقبره‌ای یافته شده، جای دقیق آن و این که زیر سر حسد بوده یا باین نای او، و بسا نکته‌های طریف دیگر، برای باستان‌شناس اهمیت دارد. مجموعه‌داران بطور کلی اهمیتی برای این قبیل جزئیات و دانسننها فائل بیستند و بیس ار هر حیر سیفته و دلبسته زیبایی و بکتایی و بیر فدمت (واقعی یا ظاهری) این انارید و به همین دلیل است که داریدگان مجموعه‌های خصوصی حریدار اصلی و گساده دسب بازار عتیقات هستند.

بارزترین مثال، گنجینه عظیمی است که حندی شش از یک ناند بین المللی قاحاق عتیفه به دست افتاد. این دوفینه به یقین بی‌همتا، که آثار بیش از تاریخ ایران و هر ایلامی تا عصر قاحاریان را شامل است و دو سالی می‌سود که چند هزار مترمربع زیرمبهای موزه ملی ایران را اسفال کرده است، حاوی صدها شیء یکتا است که هنوز کارشناسان موره نتوانسته‌اند حتی نیمی از آنها را به درستی ساسایی کنند! نکته اینجا است که بسیاری از این اشیاء سالیان سال همحنان ناساخته، و به معنای واقعی کلمه ار لحاظ باستان‌شناسی «گنگ» و نامفهوم، باهی خواهد ماند مگر آن که دست بخت و تصادف دوفینه‌هایی را از دل خاک بیرون آورد که با این چیزهای ناشناخته قرابت تاریخی و هری-و همسانی باستان‌شناختی داشته باشد. گفتن ندارد که اگر جای دقیق پیدا شدن بخش زیر خاکی این میراب باز یافته معلوم بود، گوشه‌هایی تاریک از زندگی و تاریخ اجتماعی نیاکان ما آسکار می‌گشت. در فراخنای تمدن چندین هزار ساله‌ای که آثار مکتوب یا نبوده یا سادده است، همین میرانهای مدفون گاه گویاتر و فصیح‌تر از کلام مکتوب اند: زیر خاکیها بسا که کار یک طومار بلند را بجای می‌آورند و پرتوی بر ظلمات هزاره‌ها می‌افکنند که بسا مورخان کتابها را باز نویسند.

تاراج میراث فرهنگی کشورها به یقین جنایتی است مصیبت بار. افسوس که «خیانت فرهنگی» و «جنایت ملی» هنوز درست تعریف نشده است!

کتاب تاریخ سیاسی شاهنشاهی هخامنشی نیز از جمله آثار است که در دهه ۱۹۸۰ منتشر شده است. تا پیش از انتشار این کتاب، به رغم انتشار مطالب فراوان به صورت پراکنده، یگانه کتاب جامع درباره تاریخ دوره هخامنشی اثر کلاسیک مورخ آمریکایی آلبرت اومستند (A. T. Olmstead)، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی (*History of the Persian Empire*)، بود که نگارش آن در سال ۱۹۴۳ به پایان رسید، اما در سال ۱۹۴۸، پس از مرگ اومستند، در شیکاگو منتشر و سپس چندین بار تجدید چاپ شد.^۲

پس از انتشار کتاب اومستند، باستان‌شناسی چه در داخل سرزمین کنونی ایران و چه در سایر نقاط قلمرو هخامنشیان موفق به کشف آثار و اطلاعات بسیار زیادی شده است که از جمله آنها منابع مکتوب فراوان بویژه در ایران و بین‌النهرین و مصر و فلسطین است. علاوه بر این، ترجمه و تفسیرهای جدید نوشته‌های مورخان یونانی موجب شده است که اطلاعات جدیدی درباره این دوره در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

این زمینه اطلاعاتی نگارش کتاب جدیدی، حداقل درباره تاریخ دوره هخامنشی، را ایجاب کرد. نخستین گام را در این راه جی. ام. کوک، در سال ۱۹۸۳، با انتشار کتاب شاهنشاهی هخامنشی^۳ برداشت. اما، همان گونه که نویسنده در مقدمه کتاب خود اشاره کرده است، هدف وی از نگارش این کتاب تکمیل مطالب تاریخ شاهنشاهی هخامنشی اومستند در برتو اطلاعات جدید بوده است نه آوردن جانشینی برای آن.

اما تاریخ سیاسی شاهنشاهی هخامنشی، اثر محمدعلی داندامایف، ابتدا در سال ۱۹۸۵ به زبان روسی در مسکو منتشر شد.^۴ نویسنده در سال ۱۹۸۷ نسخه‌ای از آن را به مترجم، که به لنین‌گرا د سفر کرده بود، اهدا کرد. وی نیز، با آگاهی از اهمیت کتاب و مشورت با برخی از صاحب‌نظران، پس از کسب اجازه از نویسنده، این کتاب را به انگلیسی برگرداند. در همین فاصله نویسنده نیز فرصت را غنیمت شمرد و مطالبی را که از هنگام انتشار نسخه روسی تا انتشار نسخه انگلیسی به دست آمده بود به کتاب افزود و بدین سان نسخه انگلیسی ویرایش جدید متن اصلی (روسی) شد.

علاقه‌مندان به تاریخ دوره هخامنشی مسلماً با نام محمدعلی داندامایف آشنا نیستند. وی در دوم سپتامبر ۱۹۲۸ در روستای اونچوکاتل، از توابع ناحیه لاکس، در جمهوری خودمختار داغستان، به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود گذراند. از سال ۱۹۵۲، پس از فارغ‌التحصیلی از دانشکده تربیت معلم لنین‌گرا، تا ۱۹۵۴ در داغستان معلم تاریخ بود و سپس تا سال ۱۹۵۸ به تحصیل در مقطع فوق لیسانس در «مؤسسه تاریخ فرهنگستان علوم شوروی» پرداخت. از سال ۱۹۵۹ با «مؤسسه

شرق‌شناسی فرهنگستان علوم شوروی» همکاری کرد و سرانجام نزد استادانی چون ایگور دیاکونف و بوریس آباتف و واسیلی استروو، در سال ۱۹۷۵ موفق به دریافت درجه دکتری گردید و در حال حاضر، علاوه بر سایر مشاغل فرهنگی و دانشگاهی، مسئولیت ویرایش مدخل‌های مربوط به تاریخ دوره‌های ماد، هخامنشی در دانشنامه ایران (*Encyclopaedia Iranica*) را بر عهده دارد. از این مورخ کتابها و مقالات متعددی درباره تاریخ ایران باستان، بویژه دوره‌های پیش گفته، به حاب رسیده است که شماری از آنها نیز به فارسی ترجمه شده‌اند و به عنوان مثال می‌توان به کتاب ارزشمند وی ایران در دوران نخستین ساهل هخامنشی^۵ اشاره کرد که علاقه‌مندان از آن بهره فراوان جسته‌اند.

ویلم وگلنگ، مترجم کتاب به زبان انگلیسی، نیز خود از پژوهشگران جوان در زمینه باستان‌شناسی و تاریخ دوره هخامنشی است و سال گذشته اثر مهمی را به نام بیدایش و سازمان‌یابی شاهنشاهی هخامنشی بر اساس مدارکی از شرق ایران^۶ منتشر کرده است.

کتاب تاریخ سیاسی شاهنشاهی هخامنشی زبانی روان دارد و تفکیک مطالب به فصول کوتاه درک وقایع پیچیده این دوره را آسانتر می‌سازد. خواننده با مطالعه این کتاب احساس می‌کند که در میان منابع مختلف از جمله گُل نبشته‌های بایگایهای بین‌النهرین و پایروسهای مصری و نوشته‌های مورخان یونانی غنای غنی شده است. نوشته‌های مختلف درباره موضوعی واحد، یکدیگر سنجیده شده‌اند تا از بین آنها معتبرترین شرح استخراج شود. در این زمینه، به عنوان مثال، می‌توان به نوشته‌های اغراق‌آمیز مورخان یونانی، بویژه درباره شمار لشکریا، هخامنشی در نبردهای متعدد با یونانیان، اشاره کرد که، با توجه محاسبات منطقی و برآورد امکانات آن عصر، تعدیل شده است. از امتیازهای مهم این کتاب این که خواننده را با نتایج تحقیقات محققان کشورهای شرقی اروپا آشنا می‌کند. همچنین می‌توان به اصلاحاتی در تاریخهای درگذشت اردشیر اول حکومت ۴۵ روزه خشایارشا و دوم و به تخت نشستن داریوش د

اره کرد که با بهره‌گیری از ترجمه بایگانی موسوم به «آرشیو بر» در بین‌النهرین در سالهای اخیر صورت گرفته است. طرح پدهایی دربارهٔ صحت گفته‌های داریوش اول در سنگ‌نبشتهٔ ستون، بویژه دربارهٔ ماجرای بردیا و گوماتای مَن، که داندامايف ستر در کتاب ایران در دوران نخستین شاهان هخامنشی نیز بارهٔ آن بحث کرده بود و همچنین پیشنهاد تاریخ دیگری برای ح همد به دست هخامنشیان و پی‌آمد آن، لشکرکشی برای جنگ اسکاهای پردریا» (سکاهای آن سوی دریا [ی سیاه]) از نکات م کتاب حاضر است.

این منبع کتابی است با قضاوت‌های بیطرفانه و منصفانه، اما یسده، در لایه‌لای سطور کتاب خود، به هنگام شرح مسائلی ن سهل‌انگاریها و بیمبالاتیهای هخامنشیان در بعضی حوردها با یونانیان و یا کشمکشهایی که عاقبت به فروبازی هساهی هخامنشی به دست مقدونیان انجامید، نمی‌تواند از ار تأسف خودداری کند.

ارریایی گفته‌های داندامايف در این کتاب حاکی از آن است وی از تعصبات و برداشتهای تحقیرآمیز نویسندگان یونانی یا نایی‌گرا مبراست و خوشبختانه در این کتاب از تطبیقهای نك و قالبی رویدادهای دورهٔ هخامنشی بر الگوهای کیستی نیز خبری نیست. در پایان، جا دارد به کتابنامهٔ مفصل ، کتاب با بیش از ۴۰۰ عنوان کتاب و مقاله اشاره سود که خود ع بسیار سودمندی برای علاقه‌مندان به تحقیق در زمینهٔ تاریخ نامشی است.

امید است با ترجمهٔ این کتاب ارزشمند که گویا در دست جمه نیز هست - منبعی جدید و مستند دربارهٔ این دورهٔ مهم از یخ ایران در اختیار پژوهشگران و علاقه‌مندان ایرانی قرار رد.

شیه:

۲) این کتاب با مشخصات زیر به فارسی ترجمه شده است آلبرت تی. اومستد، یخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمهٔ محمد مقدم، تهران، این سینا نا همکاری سه انتشارات فرانکلین، ۱۳۲۰.

3) J. M. Cook, *The Persian Empire*, London, 1983.

4) M. A. Dandamaev, *Polucheskaya Istoriya Achemenidsk Derzhavy*, Moscow, 1985

۵) محمدعلی داندامايف، ایران در دوران نخستین شاهان هخامنشی، ترجمهٔ سی ارباب، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.

6) W. J. Vogelsang, *The Rise and Organization of the Achaemen Empire. The Eastern Iranian Evidence*, Leiden, E. J. Brill, 1992

نظر اجمالی به

چند کتاب چاپ خارج

شکوه ساسانیان

Splendeur des Sassanides L'Empire perse entre Rome et la Chine (224-642), Musées royaux d'Art et d'Histoire, Bruxelles, 1993, 310 p., grand format, illustr.

شکوه ساسانیان، امپراتوری ایران بین روم و چین (۲۲۴-۶۴۲)، موزه‌های سلطنتی هنر و تاریخ، بروکسل، ۳۱۰ ص، قطع رحلی.

تغییرات و تحولات سیاسی، فرهنگی، و اقتصادی عصر حاضر که جوامع روز را متأثر می‌کند این ناور را در مسؤولان موزه‌های بزرگ جهان پدید آورده است که باید بیشتر از گذشته به ارتباط نزدیک میان موزه و مردم همت گماست. با وجود پیشرفتهای بسیار در امر حمل و نقل - که موجبات ارتباط با نقاط دور دست را فراهم می‌کند - هزینه‌های مسافرتی روز به روز افزایش می‌یابد و به دلیل مشکلات عدیدهٔ اقتصادی و اجتماعی، سفر و نقل مکان برای تمامی افراد جامعه به سادگی میسر نیست. از این رو موزه‌های بزرگ تصمیم به گرداندن آثار خود و در معرض نمایش گذاشتن اشیاء نایاب در سطح جهان گرفته‌اند (نمایشگاه اشیاء شوش در مورهٔ متروپولیتن در نیویورک مثال خوبی از چنین اقدامی است). در این باره باید اذعان کرد که موزه‌های کشور کوچک بلژیک، که اندکی از اسنان تهران ما بزرگتر است، از پیشگامان ارائهٔ چنین تسهیلات فرهنگی هستند و در طول ده سال گذشته موزه‌های بروکسل و گان (شهر اخیر از بزرگترین مراکز تدریس باستان‌شناسی ایران در اروپاست) سه نمایشگاه بزرگ را دربارهٔ تمدن و فرهنگ ایران باستان برپا کرده‌اند: نمایشگاههای مفرغهای لرستان و اورارتو در گان (۹ اکتبر ۱۹۸۲ تا ۳۰ ژانویهٔ

تصور عبریان از "علم" فارابی

Mauro Zonta. La "Classificazione delle scienze" di al-Fārābī nella tradizione ebraica, Venezia, Eurasistica n° 29 (1992), XXXII + 134p.

مورو زونتّا. "طبقه‌بندی علوم" از نظر فارابی در سنت و روایت عبری و نیز، دانشگاه ونیز، ۱۳۷۱، سی و دو + ۱۳۴ ص.

اولین ترجمه احصاء العلوم ابونصر فارابی (متوفی ۳۳۹ هـ) به لاتین با عنوان *De scientiis* در سال ۱۱۵۰ م (۵۴۵ هـ.ق) انجام گرفته است به قلم شخصی به نام وینیکو گوندیسال و واهل پُلپُلَه که از مترجمان معروف عربی به لاتین بوده است و ترجمه او اول بار در سال ۱۶۳۸ (۱۰۴۸ هـ.ق) چاپ شده است. ترجمه گوندیسال و، ترجمه‌ای آزاد بود نه دقیق، و تا وقتی که فلویموس بن فلویموس بن مایر در قرن چهاردهم آن را به عبری در بیاورد، بود، ترجمه دقیقی به هیچ زبان عمده‌ای از آن در دست نبود. فلویموس که در ۱۲۸۶ م در آرتس متولد شده از آخرین مترجمان دقیق و بر کار قرون وسطی است که در ایتالیا و بیرو حوض فرانسه می‌ریسته و عمدتاً از عربی به عبری ترجمه می‌کرده است (از جمله آثار الکندی، فارابی، ابن رشد، نیکولای دمسکی و رسائل احوان الصفا...) ترجمه عبری احصاء العلوم در ۲۲ آمار ۵۰۷۴ عبری برابر ۹ ماه مه ۱۳۱۴ م (اواخر محرم ۷۱۴ هـ) انجام گرفته است و از آن چند نسخه خطی موجود است. موزوروتا متن منقحی از ترجمه عبری به خط عبری فراهم آورده و با استفاده از متن عربی و ترجمه‌های اروپایی احصاء العلوم، آن را به ایتالیایی ترجمه کرده و توضیحات و حواشی دقیقی و سودمند بر آن افزوده است و به این ترتیب حدیثی بزرگ به عالم علم و علوم اسلامی و خاورشناسی کرده است. آنچه مختصراً درباره احصاء العلوم می‌توان گفت این است که منقسم به پنج بخش عمده است: علم اللسان؛ علم المنطق (سامل پنج فصل: بالجمله مافی، بمنفعته، بموضوعاته، بمعنی انواعه، بإحصاء الاجزاء)؛ علم التعالیم (سامل هفت مبحث: علم العدد، علم الهندسه، علم المناظر، علم الجوم، علم الموسیقی، علم الاقال، علم الحیل)؛ علم الطبیعی و العلم الالهی؛ علم المدی و علم الفقه و علم الکلام.

متن عربی احصاء العلوم تا کنون چند بار به صورت آشفته (مثل چاپ رضا الشیبی، قاهره، ۱۹۲۱) و یا منقح (چاپ بویژه پاریس، ۱۹۲۳) چاپ شده است و به چند زبان اروپایی ترجمه شده است، مثل آلمانی در ۱۸۷۳، ایتالیایی در ۱۹۲۶، اسپانیایی در ۱۹۳۲ که در ۱۹۵۳ تجدید چاپ شده است، و فرانسوی در انگلیسی در ۱۹۶۸.

۱۹۸۳) و نمایشگاه تصاویر نقوش برجسته ایران باستان در بروکسل (۲۶ اکتبر ۱۹۸۳ تا ۲۹ رانویه ۱۹۸۴).

و اینک نمایشگاه «سکوه ساسانیان» در نیمه نخست سال ۱۹۹۳ که حاصل همکاری بیست موزه و مؤسسه فرهنگی جهان است. این مهم به همت لویی و اندن برگ، باستان‌شناس برجسته بلژیکی، و با همکاری مؤسسه اعتبارات عامه بلژیک انجام گرفته است. نمایشگاه اشیاء ساسانی بروکسل به مدت سه ماه تقریباً تمامی شاهکارهای هنر سلطنتی ساسانی را در زمینه‌های حجاری، مجسمه‌سازی، فلزکاری، بارجه‌بافی، شیشه‌گری، گجبری، سکه و مهر به معرض دید جهانیان گذاشت. کاتالوگ ارزشمند این نمایشگاه از حدیثی محلد مصور مختصر از اشیاء بسیار فراتر رفته و تبدیل به دانشنامه‌ای کم‌بظیر درباره تاریخ، تاریخ هر و باستان‌شناسی عصر ساسانی شده است. این کاتالوگ، علاوه بر هفده مقاله تحلیلی، سامل ۱۸۶ تصویر تمام‌رنگی از اسبابی است که به نمایش گذاشته شده بود. قسمت مناسب (کمتر از نجاه هزار رمال) حسن کاتالوگی با قطع بزرگ (۲۵×۳۰ سانتی‌متر) از حمله مرایای اس کتاب است.

عنوان مقالات تحلیلی این مجموعه به شرح زیر است: بیسگفتار. لویی واندن برگ - ترونو اُورل، تاریخچه کسفیات و مطالعات لویی واندن برگ، جسم‌اندار تاریخی: ترونو اُورل، مقدمه اجتماعی - فرهنگی. فلیپ ریسو: معماری ساسانی. دیریس هوف؛ ترسات گجبری. نینس کروگر، مورائیکها. جاسمین نالتی، حجاری لویی واندن برگ، سازمان نظامی و تسلیحات. ترونو اُورل؛ ظروف فلزی: ترونو اُورل؛ ظروف فلزی: ترونو اُورل؛ سس‌گری دیوید وایب‌هاوس، ابریسم بافی: تاریخچه فرهنگی از آنا رروسالیمسکایا؛ ساختارهای ساحی از دابیل دوحونگ؛ مهر: ریکا گیزل؛ سکه‌ها: ریکا گیزل، نفود فرهنگ ساسانی کلاوس سیپمن.

بعد از بخش مقاله‌ها (ص ۷ تا ۱۴۱) که با تعدادی تصویر، طرح و نقش همراه است، بخش کاتالوگ (ص ۱۴۴ تا ۳۰۰) قرار دارد که حاوی تصاویر بسیار زیبایی از اسبابی است که در نمایشگاه به نمایش گذاشته بودند. مشخصات هر تصویر (عنوان، اندازه، محل کشف، محل فعلی نگاهداری، کتاب‌شناسی و توضیح چند سطری درباره محتوای سی) در کنار آن ذکر شده است.

از صفحه ۳۰۱ تا پایان کتاب سه بخش دیگر (فهرست اصطلاحات همراه با توضیح)، فهرست موزه‌های مختلفی که این اشیاء را به موزه سلطنتی بروکسل امانت داده‌اند، و بالاخره یک کتاب‌شناسی مفصل وجود دارد که بسیار سودمند است.

علی موسوی

خلاصه درسهای هانری کربن

Henry Corbin. *Itinéraire d'un enseignement*, Paris Téhéran, Ifri, 1993, 197+IVp.

هانری کربن. خلاصه درسهای هانری کربن، پاریس - تهران، انجمن ایران‌شناسی فرانسه، ۱۳۷۱ (توزیع ۱۳۷۲)، ۱۹۷ ص.

هانری کربن (۱۹۰۳ تا ۱۹۷۸) خاورشناس، فیلسوف عارف مسلکی است که از سال ۱۹۳۹، ابتدا در ترکیه و کمی پس از آن در ایران به بررسی در متون فلسفی و عرفانی مشرق زمین و ملی‌الخصوص ایرانی پرداخت و پس از ایجاد «سبئه» ایران‌شناسی استیتو فرانسه در تهران (در سال ۱۹۴۶) انتشار یک مجموعه را به نام «گنجینه نوشته‌های ایرانی» در سال ۱۹۴۹ ساد گذاشت و با همکاری چند تن از استادان و بروهندگان ایرانی، از جمله روانشاد دکتر محمد معین، حدین مس عرفانی باب و نفیس فارسی را چاپ و منتشر کرد که از آن جمله است. نصف‌المحجوب ابویعقوب سجستانی؛ آثار فلسفی سهاب‌الدین بحی سهروردی؛ کتاب جامع‌الحکمنین ناصرحسرو؛ حی‌بن عطاء ابن سینا؛ عبر‌العاسقین روربهان نقلی سیرازی؛ کتاب‌المساعر ملاصدرا؛ شرح سطحيات روزبهان سیرازی؛ ساهنامه حقیقت حاج نعمت‌الله مجرم مکرری؛ رسائل حوامردان... کاری که ادامه یافته است و تا کنون ۳۸ کتاب در این مجموعه منتشر شده است که آخرین آنها خلاصه درسهای او در سوربن است که به صورت کتاب حاضر انتشار یافته است. هانری کربن در ۱۹۵۴ به پاریس رفت و جای لویی ماسینیون را در بخش علوم دینی مدرسه مطالعات عالی پاریس گرفت و تا ۱۹۷۸ که درگذشت، در آنجا به تدریس ادامه داد. خلاصه درسهای او در هر سال در سالنامه آن مدرسه چاپ شده است که اکنون به هفت همسرش و انجمن ایران‌شناسی فرانسه یکجا چاپ و منتشر می‌شود. عنوان مطالب این اثر از این قرار است:

۱۹۵۵) تلویحات سهروردی؛ شرح کشف‌المحجوب سیستانی؛

۱۹۵۶) بررسی تطبیقی تلویحات و مطارحات؛ شرح منتهای اسماعیلی (حمیدالدین کرمانی)؛

۱۹۵۷) مفهوم نور در حکمت معنوی سهروردی؛ شرح منتهای اسماعیلی؛

۱۹۵۸) جهان‌شناسی و فرشته‌شناسی اشراقیان؛ عالم فلکی در حکمت اسماعیلی؛

۱۹۵۹) تکوین جهان در اندیشه سهروردی و تفسیر ملاصدرا از آن؛ پدیدارهای نور در تصوف نجم‌الدین کبرئیی؛

۱۹۶۰) تکوین جهان در اندیشه سهروردی (دبالة)، کتاب الینابیع اثر ابویعقوب سجستانی؛

۱۹۶۱) معاد و حسر نزد اسرافیان (سهروردی و ملاصدرا)، تسبیح و تصوف؛ آثار حیدر آملی؛

۱۹۶۲) مآخذ سیعی. کتاب الحججہ اثر کلیسی و شرح ملاصدرا؛ آثار حیدر آملی (دبالة)؛

۱۹۶۳) کتاب الحججہ کلیسی (دبالة)؛ حیدر آملی، سارح ابن عربی؛

۱۹۶۴) آیه‌الکرسی و تفسیرهای آن؛ تاریخ رمزی پیامبران بر پایه کتاب اساس التأویل فاضی نعمان؛

۱۹۶۵) مآخذ سیعی. کتاب التوحید سیح صدوق و شرح فاضی سعید فمی بر آن؛ تأویل قرآن در اصفهان در سده ۱۲ و ۱۸ م؛

۱۹۶۶) مآخذ سیعی. فاضی سعید فمی و شرح کتاب‌الموحد سنخ صدوق؛ مکتب سیخی احسائی؛

۱۹۶۷) شرح فاضی سعید فمی بر کتاب‌الموحد سیح صدوق؛ مکتب سیخی (دبالة)؛

۱۹۶۸) عرفان اسلامی در مجموعه حدیب «مساروق الانوار» اثر رحب بُرسی؛ «ریارب‌الحامعه» و شرح سیح احمد احسائی؛

۱۹۶۹) عرفان اسلامی در مجموعه حدیب، اثر رحب بُرسی (دبالة)؛ «زیارت‌الحامعه» (دبالة)؛

۱۹۷۰) تکوین جهان و تأویل در آثار سیدجعفر کسفی؛ کتاب‌العالم و‌الغلام، یک اثر اسماعیلی؛

۱۹۷۱) شرح منهای حاب سده در حلد اول مسجحاتی از آثار حکمای ایران؛ مفهوم نارافلط در الهیات سیعی، آثار ادیس عمادالدین؛

۱۹۷۲) تمیل رنگها در کتاب الیافوت الحمراء محمدکرم حان کرمانی؛ ناسح اسماعیل به فسه عرالی دامع‌الباطل سجمین داعی نمیی؛

۱۹۷۳) کتاب‌الرمور آنولونس طنابی در آثار حلدکی؛ شرح مجموعه هفت فتوت نامه؛

۱۹۷۴) نص‌الصوخص حیدر آملی و عقل شرح سهروردی؛

۱۹۷۵) درباره منتحاتی از آثار حکمای الهی ایران (حلد دوم)؛

۱۹۷۶) تسبیح و مسجبت در اصفهان در سده ۱۱ و ۱۷ م. آثار سیداحمد علوی اصفهانی؛

۱۹۷۷) کتاب حکمه‌العربیة ملاصدرا سیرازی؛

۱۹۷۸) سخنان مؤید فی‌الدین سیرازی درباره اسماعیله

● کتابشناسی، فهرست

(۱) حسینی، سیدحمید. کتابشناسی اندیشه سیاسی. تهران. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ۱۳۷۲. پانزده + ۱۶۷ ص. ۱۲۰۰ ریال
فهرستی است از کتابهای فارسی که در زمینه اندیشه سیاسی در طی ۵۰ سال اخیر در ایران منتشر شده است. در این فهرست مجموعاً مشخصات کتابشناختی ۱۷۴۷ عنوان کتاب فهرست شده است. مؤلف برای تنظیم این مجموعه از روش رده‌بندی کتابخانه کنگره آمریکا استفاده کرده است. اندیشه سیاسی در غرب، اندیشه سیاسی غرب در قرن بیستم، اندیشه سیاسی در اسلام، اندیشه سیاسی در ایران، اندیشه سیاسی در شرق، اندیشه سیاسی در افریقا، و معاهیم سیاسی در اندیشه سیاسی از جمله موضوعاتی است که در تقسیم‌بندی موضوعی این فهرست به چشم می‌خورد.

(۲) فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران (دوره ۱۱، ش ۴۵، مهر ۱۳۷۱). تهران. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. شانزده + ۲۱۶ ص. فهرست راهنما. ۲۰۰۰ ریال

مجموعه‌ای است از مشخصات کتابشناختی مقالاتی که در مهر ماه ۱۳۷۱ در نشریات ایران منتشر شده است. در این فهرست ۱۸۶۴ عنوان مقاله، به طریق موضوعی طبقه‌بندی و تنظیم شده است.

(۳) گروه مطالعات اقتصادی کتابشناسی استان بوشهر بوشهر سازمان برنامه و بودجه استان بوشهر. ۱۳۷۲. د + ۸۱۸ ص. فهرست راهنما. ۵۰۰۰ ریال.

شامل مشخصات کتابشناختی ۲۷۴۷ عنوان کتاب، حروف، سحبه خطی پروژه‌های عمرانی، مقاله و گزارشهای رسمی دولتی و پایان‌نامه‌های تحصیلی رساله‌های دانشگاهی به زبان فارسی و نیز ۶۰۱ عنوان کتاب و مقاله به زبانهای خارجی است که در ۱۵ بخش موضوعی گردآوری شده است. عنوان برخی از تقسیمبندیهای موضوعی کتاب را می‌آوریم: «سفرنامه‌ها»، «اوصاف طبیعی»، «محیط زیست و بوم‌شناسی»، «تاریخ»، «جغرافیا»، «مذهب»، «زبان و ادبیات»، «اوصاف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی»، «جامعه‌شناسی و هردشناسی»، «جامعه شهری»، «جامعه روستایی»، «جامعه عشایری»، «برنامه‌ریزی بودجه‌بندی».

(۴) مرکز خدمات. تازه‌های کتاب (ش ۴ و ۵). اسفند ۷۱ و فروردین ۷۲. تهران. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. [۱۳۷۲]. ج + ۲۱۹ ص. فهرست راهنما.

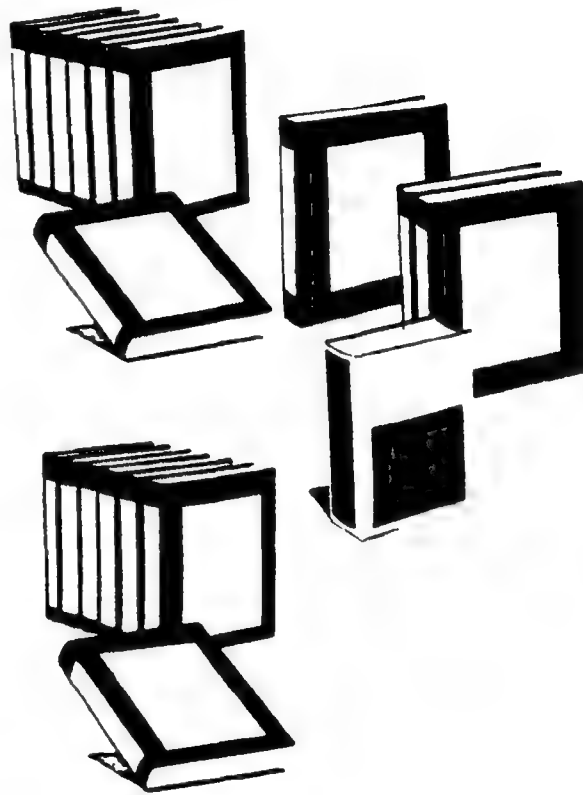
در این فهرست ۱۰۳۳ عنوان کتاب فارسی و عربی که در ماه اسفند ۱۳۷۱ فروردین ۱۳۷۲ به محرم کتابخانه ملی ایران رسیده است معرفی شده است. ترتیب تنظیم کتابها بر حسب الفبای عنوان آنهاست. شماره رده‌های کنگره و دیویی و شماره سفارش برگه کتابهای که فهرست کامل شده‌اند و نیز شماره ثبت کتاب برای کتابهای فهرست شده در پایان مشخصات کتابشناختی ه کتاب آمده است. فهرست حاضر همچنین دارای فهرستهای راهنمای مفصلاً موضوعی، اشخاص و باشران است. گفتنی است که از حدود ۱۰ نسخه کتاب که مابقی به وزارت ارشاد می‌دهد، دو سحبه آن به کتابخانه ملی می‌رسد، آرام روپس از وزارت ارشاد، کتابخانه ملی مهمترین و معتبرترین مرکز برای معرفی کتابهای تازه منتشر شده در ایران است.

(۵) نقوی، نقیب. مقاله‌نامه خراسان. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۷۲. ج ۲ [با بازنگری]. ۵۴۰ ص. واژه‌نامه. ۳۷۰۰ ریال.

● اطلاع‌رسانی

(۶) تیرل، رابرت، ژورنالیسم تلویزیونی. ترجمه مهدی رحیمیان. تهران. سروش. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ۲۵۴ ص. مصور. واژه‌نامه. ۱۸۰۰ ریال
«دنیای اخبار تلویزیونی»، «اخبار ماهواره‌ای»، «نویسندگی برای تلویزیون»، «دبیر خبر و تهیه‌کننده»، «کارگردان در نقش فیلمساز»، «حرکت تدوینگر فیلم»، «متصدی دوربین (تصویر بردار - فیلمبردار)»، «کارگردان برای تلویزیون»، «مهارتهای خبری یک گزارشگر»، «هر مصاحبه کردن

کتابهای تازه



امید طبیب‌زاده

و محری بخش و گوینده خبر، «اصول اساسی تلویزیون»، عنوان فصلهایی از کتاب است.

(۷) چمن، لیز. چگونه فهرست‌نویسی کنیم. ترجمه فیروزه برومند (و با همکاری) صدیقه امینی. تهران. سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی. ۱۳۷۱. ۱۷۴ ص. واژه‌نامه. فهرست راهنما. ۱۳۰۰ ریال.

راهمای حاضر مختص کتابخانه‌هایی است که از روش کتابخانه کنگره آمریکا جهت تنظیم موجودی خود استفاده می‌کنند این راهما از نظر فهرست‌نویسی بر پایه اصل «نوشتن شماره و جای گذاری کتاب در قفسه» تنظیم شده است، یعنی استخراج اطلاعات فهرست‌نویسی از منبع مرکزی و سمت از روش استاندارد جهت ویرایش اطلاعات مندرج در آن. توضیح اینکه مترجم بر کوشیده است با افزودن بخشهای دیگری به کتاب آن را به صورت راهمایی ساده و عملی برای استفاده کمک‌کنندگان و دانشجویان رشته کتابداری در ایران درآورد.

● مجموعه‌ها

(۸) آیین‌وند، صادق. پژوهشهایی در تاریخ و ادب. تهران. اطلاعات. ۱۳۷۲. ۱۸۳ ص. ۱۵۰۰ ریال.

مجموعه ۱۵ مقاله است در تاریخ و ادب اسلامی که برخی از آنها قنادر مجلات دانشگاهی به چاپ رسیده است.

(۹) خاتمی، سیدمحمد. بیم موج؛ مجموعه مقالات تهران. مؤسسه سیمای جوان. بی تا [توزیع ۷۲]. ۱۴۹ ص. ۹۰۰ ریال.

مجموعه مقالاتی است درباره اسلام و انقلاب و مسائل سیاسی در ایران و جهان

(۱۰) رضا، فضل‌الله. مهوری و مشتاقی، مقالات فرهنگی و ادبی تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه). ۱۳۷۲. ج ۱. ۲۸۸ ص. ۳۵۰۰ ریال.

مجموعه‌ای است از مقالات مؤلف که غالب آنها طی بیم قرن اخیر نگاشته شده و در مجلات و مطبوعات ایران به چاپ رسیده است «سیمای علمی ابوریحان» (۱۳۵۲)، «قاصی‌بست» (۱۳۵۲)، «دریافت من از استاد همانی» (۱۳۵۵)، «بیستان هست نمای» [نگاهی به شاهنامه (۱۳۵۰)]، «ادبیات فارسی اردو اهل علم» (۱۳۴۷)، «حمیدی و شعر سنی او» (۱۳۴۵)، «سحی اطرهیر و سعدی و صفی علیشاه» (۱۳۵۴)، «نارسانی واژه‌ها» (۱۳۴۹)، عنوان برخی از مقالات این مجموعه است

(۱۱) روزنامه دولت علیه ایران. ج ۲: ۵۵۱-۶۵۰. (مدیر و نقاش: میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک غفاری) به اهتمام جمشید کیانفر. تهران کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۷۲. ۱۰+۷۵۰ ص [از ص ۶۳۱ تا ۱۳۸۱] فهرست راهنما. ۱۵۰۰۰ ریال.

میرزا تقی خان امیرکبیر در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه روزنامه وقایع اتفاقیه را بنیاد نهاد. این روزنامه پس ۷۴۱ شماره در پنجم صفر ۱۲۷۷ هـ به روزنامه دولت علیه ایران تغییر نام داد و مدیریت آن را میرزا ابوالحسن خان نقاشانی (صنیع‌الملک) به عهده گرفت. روزنامه جدید هم تا شماره ۵۹۲ (پنجم ربیع‌الثانی ۱۲۸۳ هـ) با اندک تغییری انتشار یافت و از آن پس نام و صورت ظاهر آن تغییر کرد؛ به این ترتیب که روزنامه دولت علیه ایران که ماهانه بود از شماره ۵۹۳ به بعد در ۶ صفحه و با عنوان روزنامه دولتی منتشر شد روزنامه دولتی با توالی شماره مسلسل دو روزنامه قبل از خود تا شماره ۶۲۹ منتشر شد و از آن پس عنوان آن مجدداً تغییر کرد و با نام روزنامه دولت علیه ایران تا شماره ۶۵۰ منتشر شد (در سال ۱۲۸۷ هـ). از سال ۱۲۸۸ هـ این روزنامه تعطیل شد و روزنامه ایران به مدیریت محمدحسن خان صنیع‌الدوله از تاریخ ۱۱ محرم ۱۲۸۸ با هفته‌ای یک شماره جایگزین آن شد. مجموعه حاضر شامل شماره‌های ۵۵۱ تا ۶۵۰ این روزنامه است که به احباری درباره شاه و دربار، دارالخلافه، ایالات و ولایات و ترجمه احبار ممالک خارجه و اعلان اختصاص دارد

(۱۲) متی، رودی (و) نیکی کدی (ویراستاران). ایران‌شناسی در اروپا و

ژاپن. ترجمه مرتضی اسعدی. تهران. الهدی. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. بیست و چهار + ۳۹۴ ص. فهرست راهنما. ۲۶۰۰ ریال.

کتاب حاضر مروری است بر تاریخ ایران‌شناسی در کشورهایی که پیشینه‌ای در زمینه ایران‌شناسی داشته‌اند. مطالب مربوط به تاریخ ایران‌شناسی در هر کشور را یکی از ایران‌شناسان آن کشور نوشته است گفتمی است که کلیه مقالات این مجموعه پیش از این به تدریج در مجله نشر دانش جاب شده است، دیگر اینکه این کتاب کلاً ترجمه یک شماره از نشریه مطالعات ایرانی (Iranian Studies) است «ایران‌شناسی در فرانسه»، برنار اورکاد / «ایران‌شناسی در کشورهای المانی‌رمان»، برت گنورگ فراگر / «ایران‌شناسی در ایتالیا»، آجلو میکله‌بیه‌مونه / «ایران‌شناسی در ژاپن»، هیسانه ناکانی‌شی / «ایران‌شناسی در هلند»، حی ت پ دورون / «ایران‌شناسی در لهستان»، آناکر استولسکا / «ایران‌شناسی در شوروی»، موریل انکین، عنوان مقالات و نام نویسندگان این مجموعه است

● اسناد

(۱۳) واحد نشر اسناد اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول. ج ۵ تهران. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ۱۳۷۱. سست و چهار + ۷۶۰ ص. نمونه سند. ۶۰۰۰ ریال.

شامل معاهدات ایران در دوره پهلوی با کشورهای ناپلند، ترکیه، تونس، چکسلواکی، جمهوری چین (تایوان) و جمهوری خلق چین است کتاب حاضر شامل ۱۹۴ فقره سند است که از زبان اصلی به فارسی ترجمه شده است

دین و عرفان، فلسفه، منطق

(۱۴) دین پژوهی؛ به انضمام سالشمار زندگی میرچالایده. ترجمه بهاء‌الدین حرمشاهی. تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه). ۱۳۷۲. ۲۳۷ ص. ۱۷۰۰ ریال

مترجم مقالات متعددی از دایر المعارف دین، ویراسته میرچالایده را انتخاب و ترجمه کرده است که کتاب حاضر نخستین اثر از این مجموعه است گفتمی است که مقالات دایرة المعارف دین کلاً درباره دین و دین‌پژوهی است و به یک دین جاص (برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر درباره این دایرة المعارف رک نشریه فرهنگ، ش ۲-۳، سال ۱۳۶۷، ص ۶۰۷ تا ۶۱۸) دیگر اینکه کتاب حاضر شامل سالشمار مفصل زندگی میرچالایده (۱۹۸۶-۱۹۰۷)، به قلم میرچالایده وکا، و به ترجمه محمدعلی صوبی میرهسب «دین»، «دین پژوهی»، و «پدیدارشناسی دین» عنوان مقالات این مجلد از دین پژوهی است

● اسلام

(۱۵) ابوریان، محمدعلی. مبانی فلسفه اشراق از دیدگاه سهروردی ترجمه محمدعلی شیخ تهران دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲. ۳۷۴ ص فهرست راهنما ۱۶۰۰ ریال

مؤلف کتاب غرب است و از استادان فلسفه دانشگاههای اسکندریه و بیروت بوده است چاپ بحسب این کتاب، به زبان عربی، طاهره به سال ۱۹۵۸ بوده است عنوان فصلهایی از کتاب را می‌آوریم «زندگی و آثار فلسفی و ریشه‌های فلسفه سهروردی»، «مکتب اشراق»، بررسی بقدا میر مآخذ و مبانی»، «الهیات (متافیزیک) مذهب اشراق»، «سلسله موجودات بر پایه اشراق»، «مثل بوریه در مذهب سهروردی»، «ماده و احسام»، «نبوت، خوابها، تناسخ»

(۱۶) اصفهانی، عبدالغفار. رساله شریفه سعادتیه (به انضمام بخشی از کتاب سلطان فلك سعادت، تألیف حاج ملاعلی نور علیشاه نانی). تهران انتشارات حقیقت. ۱۳۷۲. ۸۷ ص. ۱۵۰۰ ریال.

(۱۷) بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (و) سیدمحمدباقر هجتی. تفسیر کاشف. ج ۵ تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۲. ۵۱۰ ص. مصور.

نقشه. جدول. ۶۰۰۰ ریال

این مجلد به ترجمه و تفسیر سوره‌های افعال و توبه اختصاص دارد
۱۸) تا بنده گنابادی، سلطان‌نحسین. تجلی حقیقت در اسرار فاجعه کربلا.

ج ۴ تهران. حقیقت. ۱۳۷۲. ۳۷۷ ص. ۵۰۰ ریال

چاپ نخست این کتاب در سال ۱۳۱۷ بوده است و شامل بحثی است در ذکر
حیات طاهری، و به ویژه باطنی (عرفانی)، شهادت امام حسین (ع)
۱۹) حیدری، محمد (و) یوسف فضائی. سیر تکامل تاریخ قرآن و تفسیر.
[بی جا] ناشر. مؤلفان. بی تا [توزیع ۱۷۲] ۳۶۸ ص. ۳۶۰۰ ریال.

۲۰) شروح سوانح به اهتمام احمد مجاهد ویراسته احمد سمیعی
تهران. سروش هفده + ۶۱۲ ص ۲۷۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل سه شرح است بر کتاب سوانح العشای ابن احمد
عراقی این شرح به ترتیب عبارتند از رساله کنورالاسرار و رموزالاحرار
عزالدين محمود کاشانی (متوفای ۷۲۵ هـ) که شرحی منظوم بر این رساله
است، شرحی از حسین ناگوری (متوفای ۹۰۱ هـ) و شرحی از قرن نهم
اهتمامگر در مقدمه‌ای که بر کتاب بوسته درباره جایهای گوناگون آن،
برحه‌های آن و بالاخره مسحاص شروخی که در این کتاب گرد آورده
اطلاعاتی به دست داده است

۲۱) صبور اردوبادی، احمد. آئین بهرستی اسلام ج ۳. خودآرائی،
پوشاک سیاه و مسئله حجاب. تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۲
۳۲۶ ص ۱۲۵۰ ریال

۲۲) عطاردی، عزیزالله تاریخ آستان قدس رضوی. ج ۱ تهران.
سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (و) انتشارات
عطارد. ۱۳۷۱ بیست و سه + ۴۹۵ ص مصور ۴۵۰۰ ریال

مؤلف کوشیده است اطلاعات کامل و جامعی را درباره تاریخ آستان قدس و
تحولات آن از آغاز تا کنون به دست دهد طاهرا کتاب حاضر بحسب جلد از
تحقیق مفصلی است که نویسنده درباره تاریخ اسلام در خراسان انجام داده
است و ملاحظات آن به بدیع منتشر خواهد شد

۲۳) عقیقی بخشایشی. طبقات مفسران شیعه ج ۱ قم دفتر نشر بوید
اسلام. ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲] ۴۴۰ ص ۴۰۰۰ ریال

کتاب حاضر نخستین مجلد از مجموعه‌ای چندین جلدی است که مؤلف
فصل دارد در آن بحسب جمعی از مفسران امامیه را معرفی کند و سپس به
مفسران عامه بپردازد و طرز کار آنان را با هم مقایسه کند در این کتاب مفسران
امامیه به ترتیب هرون معرفی شده‌اند کتاب حاضر به روال و به دنبال کتاب
دیگری از همین مؤلف با عنوان معمای امامدار شیعه (هم. شهاب. ۱۳۷۰) است
که در آن ۵۰ تن از معمای شیعه در طول ۱۲ قرن معرفی شده‌اند

۲۴) فلسفی، محمدتقی [شرح و تفسیر دعای مکارم الاخلاق از
صحیفه سجاده بخش سوم تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۲
هجده + ۵۳۳ ص. فهرست راهنما ۵۰۰۰ ریال.

۲۵) مردان خدا؛ تحریری دیگر از تذکرة الاولیاء. به کوشش محمدباقر
صدرا تهران سلسله نشریات «ما». ۱۳۷۱ چهل + ۵۹۲ ص

تذکرة الاولیاء تألیف سیح فریدالدین عطار نیشابوری شرح حال جمعی از
مردان برهبرکار و بر مقل سحابی از آنان است از آنجا که شیوه نگارش
تذکرة الاولیاء برای خوانندگان امروز نامأنوس است مؤلف کوشیده است
عبارات پیچیده و ترکیبات نامأنوس و مشکل این کتاب را به زبان ساده و روان
امروزی ماربوسی کند

۲۶) بوربخش، جواد. فرهنگ نوربخش؛ اصطلاحات تصوف
تنظیم کننده: پرویز راستی نجف آبادی. ج ۵ و ۶. تهران [بی جا]. ۱۳۷۱
[توزیع ۱۷۲]. ۳۲۶ ص ۳۰۰۰ ریال

● ادیان دیگر

۲۷) تیفری، ایو. رازهای اخترگویی نی چینک. ترجمه شهرنوش
پارسی‌پور. تهران. روایت. ۱۳۷۲. ۳۲۶ ص. مصور. ۲۵۰۰ ریال.

۲۸) ویلهلم، ریچارد. راز گل زرین: عقاید چینیان در باب زندگی.

ترجمه پروین فرامرزی. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۷۱. ۲۰۲ ص
مصور. ۱۴۰۰ ریال.

کتاب حاضر متن کیمیاگرانه یوگای تایویی راجع به تولد نابوی روحانی
است ریچارد ویلهلم (۱۸۷۳-۱۹۳۰) از چین شناسان بررگ آلمانی است که
در حواشی به چین رفت و بیش از ۲۰ سال از عمر خود را صرف بررسی حکمت
و فرهنگ چینی در آن دیار کرد او پس از ترجمه و تفسیر متن حاضر از کارل
گوستاو یونگ (۱۸۷۵-۱۹۶۱)، روانشناس بررگ سوئیسی، حواس با
تفسیری روانشناسانه بر این کتاب نویسد ترجمه مقدمه و تفسیر یونگ برر
کتاب حاضر آمده است

● فلسفه غرب

۲۹) گیتون، ژان (و) گریشکابوگدانف (و) ایگور بوگدانف. آفریدگار و
دانش (گامی به سوی متارالیزم). ترجمه احمد سادات عقیلی تهران
مدیر ۱۳۷۲. ۱۶۸ ص. ۱۳۰۰ ریال

ژان گیتون (متولد ۱۹۰۱)، فیلسوف فرانسوی و از ساگردان برحسته
هارری برگس است

۳۰) برگسن، هانری. تحول حلاق ترجمه و توضیحات از علی قلی
بیانی. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۱ ۴۸۴ ص فهرست راهنما
۲۷۵۰ ریال

از آثار معروف فیلسوف معروف فرانسوی است پژوهش در نهاد رمان،
اسات احتیاز، کتاب دیگری از برگسن است که همین مرحم به فارسی برحه
کرده است برگسن از فلاسفه مکتب "فلسفه زندگی" است

● منطق

۳۱) ازه‌ای، محمدعلی. مبانی منطق. اصفهان انتشارات دانشگاه
اصفهان ۱۳۷۲. ۲۴۶ ص. واژه‌نامه. فهرست راهنما ۱۸۰۰ ریال

به اعتماد مؤلف تفاوت منطق جدید و منطق قدیم یکی مروط به رمان و نحو
ارائه احکام منطقی است، و دیگری مروط به درجه کلیت و سمول مباحی به
تحت این دو عنوان مورد مطالعه قرار گرفته است با توجه به این نظر مؤلف
کوشیده است با حفظ حدود منطقی قدیم شیوه استفاده از علائم و نحو منطقی را
در بیان اشکال و صور استنتاج مطرح کند و در عین حال شیوه استفاده از
مثالهای عینی و رمان همگانی را که برای مبتدی ساده تر است رها نکند

اسطوره‌شناسی

۳۲) سلطانی گرد فرامرزی، علی. سیمرخ در قلمرو فرهنگ ایران
تهران. میتکران. ۱۳۷۲. ۲۸۳ ص. فهرست راهنما. ۳۴۰۰ ریال.

مؤلف کوشیده است تحول و دگرگونی پدیده سیمرخ را در اسطوره‌های
پیش و پس از اسلام در ایران بررسی کند «سیمرخ در اساطیر رردشتی»
«چهره سیمرخ در شاهنامه»، «سیمرخ در آیین عرفان اسلامی»، «مضامین
سیمرخ و قاف در مثنوی مولانا و رباع نام سلطان ولد»، «سیمرخ در فلسفه بور
و طلعت (اسراق)»، «تأثیر سیمرخ در آثار احوان الصفا»، «اشتناهاتی درباره
سیمرخ ادر دایرة المعارف اسلامی»، «تصویرها و تصورها درباره سیمرخ و
قاف»، عنوان برخی از فصلهای کتاب است.

سیاست

۳۳) اسکینر، کونتین. ماکیاولی. ترجمه عزت‌الله فولادود. تهران
طرح نو. ۱۳۷۲. ۱۶۱ ص. فهرست راهنما. ۱۷۰۰ ریال.

مؤلف کوشیده است در این کتاب به آراء و عقاید ماکیاول درباره سیاست و
اخلاق سیاسی بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که آیا ماکیاول واقعا مستحق
سوء شهرتی که بر وی سایه انداخته است هست یا حیر مؤلف ماکیاول را
عمدتا طرفدار و مبلغ سنت اسانگرای جمهوریخواهی کلاسیک معرفی کرده
است و برای روش ساختن نظرات و تعالیم او به بررسی محیطی پرداخته است

که ماکبول در آن آثار خود را تألیف کرده است. اصل کتاب حاضر از انتشارات دانشگاه آکسفورد (۱۹۸۷) است

(۳۲) بلك، يان (و) بنی موريس. جنگهای نهانی اسرائیل: تاریخ ناگفته دستگاه حاسوسی اسرائیل. ترجمه جمشید زنگنه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۲. هفده + ۶۷۹ ص. نقشه. ۵۷۰۰ ریال

کتاب حاضر کلیه عملیات جاسوسی و اطلاعاتی سازمانهای سری صهیونیستی را از پیش از تشکیل رژیم اسرائیل بررسی کرده است و چگونه سدان سازمانها را شرح داده است. حاسوسهای سازمانهای اطلاعاتی این رژیم در سراسر جهان و به ویژه در کشورهای عربی، مخالفت برخی از یهودیان با سبک اسرائیل، عملیات برخی از سازمانهای حاسوسی در ایران، رمان شاه و چگونه همکاری آنها با ساواک، رویدادهای پشت پرده و نهانی جنگهای ۱۹۴۸، ۱۹۵۶ (بحران کانال سوئز)، ۱۹۶۷ (جنگ شش روزه) و ۱۹۷۳ (جنگ رمضان)، از جمله دیگر مطالب کتاب حاضر است

(۳۵) جباری، جلیل. پیامدهای فروپاشی شوروی. بی جا. نشر رامین می تا اتوریع ۱۷۲. ۲۳۲ ص. مصور. ۲۱۰۰ ریال

سبک ۱۵ جمهوری جدید در جامعه بین المللی، تغییر ترکیب سازمان ملل، تهدید امنیت بین المللی، پایان جنگ سرد و اتحاد اروپا، جنگ و خونریزی در بالکان، بی ساتی نارابورس و برحهای مداخله ار در جهان، فعالیتهای اقتصادی و سیاسی جدید چین و ژاپن، و تهدید امنیت ایران از جمله آثار فرباسی شوروی و صاحب کتاب حاضر است

(۳۶) جامسکی، بوم. دمکراسی نادرانده ترجمه مهوش علامی تهران اطلاعات ۱۳۷۲ ۵۷۴ ص. ۲۵۰۰ ریال

مؤلف در این کتاب به توصیف و ریشه یابی سیاست امریکا در حال شورهای مختلف جهان پرداخته و ضمن به دست دادن تاریخهای اریسیاست ندرست امریکا و نقش شوروی در احرا شدن آن، خط مشی امریکا در بطم بوی جهان را تشریح کرده است به اعتقاد جامسکی، با پایان گرفتن دوره جنگ سرد و با اردست رفتن قدرت اقتصادی امریکا و فروپاشی شوروی، واسنگن از اس سیاست جدید بیروی می کند که کسورهای را که سیاستی خلاف منافع اودارد دیکتاتور می خواند و با استفاده از رسانه های گروهی حو ناارامی در آن سورها ایجاد می کند و به این ترتیب عناصر مطلوب خود را روی کار می آورد ناامانی که این عناصر جدید برای امریکا خطری نداشته باشند مورد حمایت هستند اما به محض سرکشی، امریکا آنها را بیر دیکتاتور می خواند و برمی اندازد جامسکی نام این سیاست جدید را «دمکراسی نادرانده» گذاشته و نمونه های بسیاری از آن را به دست داده است این کتاب در سال ۱۹۹۱ در امریکا منتشر شده است

(۳۷) سریع القلم، محمود. عقل و توسعه یافتگی. تهران سفیر ۱۳۷۲ ۲۵۳ ص جدول. ۳۰۰۰ ریال

مفالات کتاب حاضر بر اساس دو فرضیه زیر استوار است توسعه یافتگی حو طبیعت بر قواعد و قوانین خاصی متنی است، و بیشترت و توسعه یافتگی به طور قابل توجهی تابع محاسه گری و عقل است

(۳۸) صدیق، زین العابدین. افسانه قتل عام یهود، در جنگ جهانی دوم و تبلیغات صهیونیست، بی جا. نشر هلال. ۱۳۷۲. ۳۱ ص. ۳۰۰ ریال

مؤلف کوشیده است ثابت کند که قتل عام یهودیان در طی سالهای جنگ جهانی دوم افسانه ای بیش بوده است و صرفا حاصل تبلیغات سازمانهای تبلیغاتی صهیونیسم است

(۳۹) گارودی، روزه. گورکن ها؛ يك هشدار نوین به زندگان (نقد نظم بوی جهانی). ترجمه علی اکبر کسمایی. تهران اطلاعات. ۱۳۷۲ ۱۲۶ ص ۱۱۰۰ ریال

مؤلف یکه تازی امریکا و «نظم نوین جهانی» را به باد انتقاد گرفته است و حمایتان را به مقابله با این نظم و اداره فاجعه آمیز دعوت کرده است وی ضمن بیهاد کردن يك طرح مقاومت اقتصادی و سیاسی در برابر نظام موجود، حمایتان را به نوسازی ایمان و اعتقاد الهی دعوت می کند کتاب حاضر آخرین اثر روزه گارودی است که در سال ۱۹۹۲ در فرانسه منتشر شده است

(۴۰) گلداستاین، جاشواس (و) جان ر فریمن. خیابان سه طرفه، کنش و واکنش متقابل استراتژیک در سیاست جهانی ترجمه یوس شکرخواه تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۲ ۲۸۱ ص. جدول. نمودار ۱۵۵۰ ریال

بررسی روابط سیاسی سه کشور چین و شوروی و امریکا در فاصله سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۷ در مورد کاهش دادن خطرات جنگ هسته ای و کاستن ار هزینه های نظامی موضوع کتاب حاضر است

(۴۱) مجتهدزاده، پیروز. کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس. ترجمه و تنظیم حمیدرضا ملک محمدی بوری تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ۱۳۷۲ ۲۵۷ ص نقشه ۲۵۰۰ ریال

مؤلف در این کتاب به تاریخچه و پیدایش کشورهای منطقه خلیج فارس و مرزهای آنها پرداخته است این کشورها عبارت اند از ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات عربی متحده و عمان

اقتصاد، مدیریت، بازرگانی و حسابداری

(۴۲) اخوی، احمد. اقتصاد کلان. کاربردی تهران مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ط + هشت + ۶۷۷ ص واره نامه جدول نمودار ۵۵۰۰ ریال

در این کتاب اصول اقتصاد کلان و مفاهیم، روشها، نظریات و تحلیلهای اساسی آن مورد بحث قرار گرفته است مؤلف کوشیده است راههای کاربرد نظریه ها را در ساحت بدیده های کلان اقتصاد ایران، و به ویژه در سیاستهای اقتصادی خاصی که به رفع مسائل و مشکلات مالیه ایران مربوط می شود، شرح دهد و بررسی کند

(۴۳) اقتصاد سیاسی، سیاست قیمت گذاری کشاورزی. ترجمه حواد نیازی (و) دیگران. ویراسته محمدسعید بوری نائینی تهران وزارت کشاورزی - مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی ۱۳۷۲ جدول ۴۸۰ ص ۴۹۰۰ ریال

(۴۴) پاکدامن، رضا. مجموعه قوانین و مقررات توزیع کالا تهران مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲ ب + سی + سیزدهم + ۳۵۲ ص فهرست راهما ۴۵۰۰ ریال

در این مجموعه که نامقدمه ای بر بررسی حقوقی نظام توزیع کالا در ایران اعار شده، کلیه قوانین و مقرراتی که به موضوع توزیع کالا مرتبط است، در ۵ فصل زیر گردآوری شده است «قوانین»، «مصوبات نامه ها»، «اساسنامه ها»، «انئین نامه ها» و «مصوبات شورای اقتصاد»

(۴۵) پاکراد، فریبرز. ارزشیابی اقتصادی طرحهای سرمایه گذاری تهران هیرمد ۱۳۷۲ ۵۰۶ ص جدول ۴۵۰۰ ریال

تألفی است درباره نظرات داسگو سا، سن، و مارگلس راجع به ارزشیابی طرحهای سرمایه گذاری که از سوی سازمان ملل متحد منتشر شده است مؤلف همچنین به نظرات لنیل و میرلیس در اس ریمیه، که از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی کشورهای اروپایی انتشار یافته پرداخته است و اس نظرات را به عنوان مکمل مانی سحش و گریش طرحهای سرمایه گذاری طرح و شرح کرده است

(۴۶) صمصامی، فرهاد. تجارت خدمات و نقش کشورهای در حال توسعه تهران مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ۱۳۷۱. چهار + دوم + ۲۲۴ ص ۳۰۰۰ ریال

مؤلف حه های گوناگون خدمات و تجارت متکی بر ان را بررسی کرده و روابط حاکم بر عرصه جهانی این نوع تجارت را منحصر ساخته است خدمات تجاری، حمل و نقل دریایی، خدمات ساختمانی و طراحی مهندسی، بیمه، رسانه ها، و محاربات از جمله صاحب کتاب است

(۴۷) علی آبادی، علیرضا. مدیران جامعه اسلامی. بی جا. رامین. ۱۳۷۲. ۴۰۸ ص. ۲۶۰۰ ریال

(۴۸) قراردادهای نمونه در تجارت بین المللی. ج ۳. قراردادهای

بین المللی های يك. ترجمه حمیدرضا اشرف زاده. تهران. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. ۱۳۷۲. ۷۰ ص.

(۴۹) مردیث، جعفری (و) رابرت نلسون (و) فیلیپ نك. کارآفرینی. ترجمه محمدصادق بنی ثیان. تهران. مؤسسه کار و تأمین اجتماعی. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ۲۳۶ ص. جدول. ۲۳۰۰ ریال.

متن انگلیسی این کتاب را انتشارات دفتر بین المللی کار منتشر کرده است و ترجمه حاضر از روی چاپ ۱۹۹۲ (ج ۳) آن ترجمه شده است.

(۵۰) نادری، ابوالقاسم (و) احمد اخوی (و) شیرین حکیمی. بررسی مسائل و مشکلات صادرات غیرنفتی. تهران. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. ۱۳۷۱. ج ۲. هجده + ۴۷۸ ص. جدول. ۲۵۰۰ ریال. (۵۱) نفی زاده، محمد. ژاین و سیاستهای امنیت اقتصادی آن. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۲. ج ۲. ۲۰۴ ص. جدول. ۱۲۵۰ ریال.

مؤلف کتاب که استاد رشته اقتصاد کشاورزی در دانشگاههای زاین است، کوشیده است ویژگیهای جامعه زاین و نخبگان و حاکمان آن کشور را شرح دهد و ضمن بحث درباره سیاستهای اقتصادی زاین و ریشههای تاریخی، اجتماعی، و فرهنگی آن کشور، تأثیر آن ست را بر رشد و توسعه سریع زاین نشان دهد. وی گاه به مطالعه تطبیقی سیاستها و عملکردهای داخلی زاین و ایران در طی يك قرن گذشته نیز پرداخته است.

روانشناسی

(۵۲) آل پورت، گردن (و) لئوپستمن. روان شناسی شایعه. ترجمه ساعد بستانی. تهران. سروش. ۱۳۷۲. ۲۴۱ ص. مصور. جدول. ۱۸۰۰ ریال.

(۵۳) براندن، ناتانیل. روان شناسی حرمت نفس. ترجمه جمال هاشمی تهران. شرکت سهامی انتشار. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ۳۵۹ ص. ۳۶۰۰ ریال.

(۵۴) جامبولسکی. با عشق... تا دنیای بهتر. ترجمه هوشیار رزم آزما. تهران. ناشر: مترجم. ۱۳۷۲. ۲۳۶ ص. ۲۲۰۰ ریال.

(۵۵) جیمز، موریل (و) لوییس ساوری. خروشتن جدید. ترجمه بهمن دادگستر. تهران. روشنگران. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ۴۶۸ ص. مصور. ۳۵۰۰ ریال.

(۵۶) رحمتی، محمد صادق. روان شناسی اجتماعی معاصر. قم. سینا. ۱۳۷۱. ۲۰۰ ص. فهرست راهنما. ۱۵۰۰ ریال.

(۵۷) فرشاد، محسن. انسان و جهان فراگاهی؛ حس ششم. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۲. ۳۵۱ ص. واژه نامه. ۲۹۵۰ ریال.

(۵۸) نورمن، اریک (و) فرانک ادواردز. عجیب تر از رویا. ترجمه سیروس گنجوی. تهران. بیک فرهنگ. ۱۳۷۲. ۳۵۹ ص. مصور. ۲۷۵۰ ریال. شامل داستانهای عجیب و غریب درباره پدیدههای «فرا سویی» است که همواره باردارش ادعای ساده ترین مباحث علمی بوده است.

آموزش و پرورش

(۵۹) نواب، محمد علی. نگاهی به درون مدارس (کیفیت آموزش و پرورش تا سال ۱۳۵۷). تهران. بی نا. ۱۳۷۲. ۲۰۲ ص.

مؤلف ابتدا وضع تعلیم و تربیت ایران را در قبل از تأسیس و ایجاد مدارس جدید بررسی کرده، و سپس چگونگی برنامه ریزیهای آموزشی و تأسیس مدارس جدید را تا سال ۱۳۲۰ به طور خلاصه شرح داده است. بررسی مشروح کیفیت آموزش و پرورش در فاصله ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ از دیگر موضوعات کتاب است.

(۶۰) امیری، کیومرث. فرهنگ و نظام آموزشی پاکستان. تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی. ۱۳۷۲. ۲۴۸ ص. جدول. ۲۲۰۰ ریال.

رویارویی نظام آموزش سنتی و اسلامی با مؤسسات آموزشی جدید و علل شکست آن، نحوه بنیاد مدارس و دانشگاههای جدید و خصوصیات آنها، نحوه

برخورد نظام آموزش قدیم با علوم و فرهنگ جدید غربی، تأثیر ترجمه کتابهای علمی بر روی مسلمانان، علل بالا بودن رقم بی سوادی در پاکستان پس از ۴۵ سال استقلال آن (۶۵٪ بی سواد)، علل ناموفق ماندن تلاشهای فراوان دولت در گسترش آموزش و پرورش، چگونگی وضعیت کنونی آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی و آینده این نظام آموزشی و تأثیر آن بر مباحثات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور از جمله سؤالاتی است که مؤلف به آنها پرداخته است. به اعتقاد نگارنده کتاب سیر کلی نظام آموزشی پاکستان در جهت خلاف منافع و مصالح ملی آن کشور است و بی توجهی دولت به این مسئله عواقب خطرناکی را به دنبال خواهد داشت. گفتنی است که مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی (ناشر کتاب) وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که برای شناخت فرهنگ ملت های جهان و پدید آوردن ارتباط میان جامعه فرهنگی کشور با مراکز فرهنگی خارج، در مهر ماه ۱۳۶۹ بنا گردیده است.

(۶۱) قائمی، علی. نقش پدر در تربیت. تهران. امیری. بی تا [توزیع ۱۳۷۲]. ۳۷۶ ص. ۲۷۵۰ ریال.

(۶۲) قندچی تهرانی، داود. عوارض منفی تنبیه؛ شامل راهنمای گام به گام تربیت کودکان برای والدین و معلمان. تهران. ناشر: مؤلف. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ۱۴۱ ص. مصور. ۲۳۵۰ ریال.

حقوق و قوانین

(۶۳) سنهوری، عبدالرزاق احمد. انتقال و سقوط تعهد. ترجمه علیرضا امینی (و) محمدحسین دانش کیا (و) منصور امینی. تهران. مرکز ترجمه و نشر کتاب. بی تا [توزیع ۷۲]. هـ ۴۵۹ ص. ۳۵۰۰ ریال.

کتاب حاضر ترجمه دو قسمت از حلد سوم کتاب ده حلدی الوسیط می شرح القابون المدنی است. مؤلف کتاب (متولد ۱۸۹۵) از صاحب نظران فقه اسلامی و حقوق غربی است که در تدوین قانون مدنی چند کشور عربی شرکت داشته است.

(۶۴) نوری، رضا. شفعه، وصیت، ارث؛ اسباب ثلاثه تملك در حقوق مدنی. تهران. پاژنگ. ۱۳۷۲. ۲۰۰ ص. ۲۵۰۰ ریال.

زبان و زبان شناسی

(۶۵) دومین سمینار زبان فارسی در صدا و سیما. ویراسته احمد سمیعی (گیلانی). تهران. سروش. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ۲۰۴ ص. ۱۱۰۰ ریال.

شامل متن سخنرانیها، اظهارنظرها، و مصاحبه های دومین سمینار زبان فارسی صدا و سیما (۲۳ تا ۲۵ خرداد ۱۳۷۱) است. عنوان برخی از مقالات و نام نویسندگان آنها را می آوریم: «زبان معیار»، علی اشرف صادقی / «زبان، زبان شناسی، ویراستار»، علی محمد حق شناس / «کاربرد معانی و بیان در روزگار ما»، رضا سیدحسینی / «زبان شکسته و حدود کاربرد آن در صدا و سیما»، احمد سمیعی (گیلانی) / «صدا و سیما و مسئله اصطلاحات علمی»، علی کافی / «آثار زبانهای اروپایی در زبان جرید، رادیو و تلویزیون ایران»، هوشنگ اعلم / «خطاهای تلفظی و بیانی در صدا و سیما»، علی اشرف صادقی (۶۶) روله، ادی. نظریه زبان شناختی، توصیف زبان شناختی و تدریس زبان. ترجمه اسماعیل فقیه. تهران. مرکز ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ۲۲۲ ص. واژه نامه. ۱۸۰۰ ریال.

مؤلف کوشیده است رابطه میان نظریه زبان شناختی، توصیف زبان و مسئله تدریس زبان را روشن کند. وی ابتدا ایرادهای دستورهای آموزشی سنتی را بر شمرده و سپس به بحث درباره دستاوردهای دستور زبان ساختاری و گشتاری زایشی در توصیف و تدریس زبانهای نوین پرداخته است. فصل پایانی کتاب به مطالعه نظریه و توصیف زبان شناختی و به طور کلی نقش زبان شناسی نظری در بهتر کردن روشهای تدریس زبان اختصاص دارد.

(۶۷) سمیعی (گیلانی)، احمد. شیوه نامه دانشنامه جهان اسلام. تهران

بیاد دایرة المعارف اسلامی. ۱۳۷۲. هشت + ۱۸۰ ص.

شیوه نامه حاضر برای راهنمایی مؤلفان و مترجمان و ویراستاران و سحرپردازان و مصححان تدوین شده است. این کتاب شامل ۱۴ فصل است و هر فصل به موضوع خاصی اختصاص دارد. ساخت مقاله، ارجاعات، شیوه املایی، ضبط اعلام، نشانه های فصل و وصل، آوانویسی، حرف نویسی، اعراب گذاری، اختصاریها و رمزهای عام، علائم و رمزهای ویرایشی و نشانه گذاری مطبعی و تصحیح نمونه های چاپی، پانویشت، کاربرد اعداد و ارقام و نشانه های حرفی، کتابشناسی، جدول و نمودار و تصویر و نقشه از جمله مسائل مورد بحث در این کتاب است.

۶۸) صنّیع، مهین بانو. سیری در دستور زبان فارسی (یا سیری در آثار نخستین دستورنویسان زبان فارسی). تهران. کتابسرا. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۳۳۶ ص. ۲۹۵۰ ریال.

مؤلف بررسی خود را از کتاب المعجم فی معانی اشعارالعجم اثر شمس قیس رازی (تدوین ۶۲۳ هـ ق) آغاز کرده است به اعتقاد وی نگارش دستور زبان فارسی با همین کتاب آغاز می شود. حلیۃ الانسان حلیۃ اللسان اثر ابن مهنا، فرهنگ جهانگیری اثر حمادالدین حسین ایحوی شیرازی، برهان فاطم اثر محمدحسین ابن حلف التهریری، فرهنگ رشیدی اثر عبدالرشیدس ملاتوی، لسان المعجم (فرهنگ شعوری) اثر میراحسن حلی (شعوری)، دستور زبان فارسی اثر غلامحسین کاشف، نهج الادب اثر حکیم نیم الغنی حان رامپوری از جمله دیگر آثاری است که دستور نویسی زبان فارسی در آنها بررسی شده است.

۶۹) مؤید شیرازی. فارسی امروز برای دانشجویان خارجی. کتاب اول (فارسی آسان). شیراز. دانشگاه شیراز. ۱۳۷۱. ۲۴۲ ص.

هدف کتاب حاضر که به انگلیسی نگاشته شده است، آموزش زبان فارسی به دانش آموزان خارجی است. کتاب دارای راهنمای مفصلی برای معلمان است که آنها را با روش آموزش و تدریس کتاب آشنا می سازد.

واژه نامه و فرهنگ

۷۰) ارشقی، عادل. فرهنگ کیهان شناسی؛ شامل ۷۰۰۰ واژه زمین شناسی و نجوم (انگلیسی - فارسی). تهران. نشر نی. ۱۳۷۲. شانزده + ۲۷۲ ص.

۷۱) رازی، فریده. فرهنگ واژه های سره برای واژه های عربی در فارسی معاصر تهران. نشر مرکز. ۱۳۷۲. ج ۲. چهارده + ۲۵۶ ص. ۲۴۰۰ ریال. چاپ نخست این کتاب با عنوان فرهنگ عربی در فارسی معاصر منتشر شده است.

۷۲) سازمان ثبت احوال کشور. فرهنگ نام. تهران. سازمان ثبت احوال کشور - حوزه معاونت طرح و برنامه. ۱۳۷۱. و + ۲۹۶ ص.

کشکولی است از اسمهای خاص همراه با معنی و آوانویسی اسمها «آرش» (با حدود یک صفحه توضیح درباره آرش کمانگیر)، آرسطو لوفیا (که گیاهی طبی است)، ابان بن عبدالحمید (از شعرای عرب و مداح آل برمک)، از جمله سرواژه های این فرهنگ است. معلوم نیست فایده این فرهنگ در چیست؟

۷۳) سلمان زاده، سیروس. واژه نامه ترویج کشاورزی (انگلیسی - فارسی). اهواز. انتشارات دانشگاه چمران. ۱۳۷۲. دوازده + ۱۶۹ ص. ۱۸۰۰ ریال.

۷۴) شرکت مهندسی و تحقیقات صنایع لاستیک. فرهنگ صنعت لاستیک (تشریحی - مصور). تهران. مرکز نشر سمر. ۱۳۷۲. ۳۹۸ + ۵۱ ص. مصور. ۶۹۰۰ ریال.

۷۵) مارشال، نانسی. فرهنگ کوتاه نوشته ها (نشانه های اختصاری): انگلیسی - فارسی. ترجمه ا. امیردیوانی. با مقدمه علی کافی. تهران. قومس. ۴۸۷ ص. ۴۹۰۰ ریال.

۷۶) مختاری اردکانی، محمد. فرهنگ لغات و اصطلاحات اسلامی

(فارسی - انگلیسی). کرمان. انتشارات خدمات فرهنگی کرمان. ۱۳۷۱. ۱۰۴ ص. ۱۰۰۰ ریال.

تأکید فرهنگ بر لغات و اصطلاحات فقه، اصول، حدیث، حقوق، تفسیر، اعلام و فرهنگ اسلام است گردآورده در مقدمه خود درباره شیوه های ترجمه و به کارگیری اصطلاحات اسلامی در زبان انگلیسی توضیحات سودمندی آورده است.

۷۷) مشیری، مهشید. فرهنگ افعال فرانسه: الفبائی - قیاسی تهران. سروش. ۱۳۷۱. [توزیع ۷۲]. ۵۵۹ ص. ۷۸۰۰ ریال.

فرهنگ حاضر شامل معادل های فارسی و اطلاعات واژه شناختی حدود ۹۰۰۰ فعل رایج در زبان فرانسه است.

۷۸) نیر، حسین. فرهنگ عمومی مواد مخدر (روانگردانها). تهران. ناشر: مؤلف. ۱۳۷۲. ۲۰۵ ص. واژه نامه. ۳۵۰۰ ریال.

طاهر نخستین فرهنگی است که در این زمینه به فارسی منتشر شده است در این کتاب معادل فارسی بسیاری از مواد مخدر همراه با شرحی درباره آنها، مثلاً بیماری و اختلالات جسمی و روانی ناشی از مصرف آنها یا عوارض تأخیر در مصرف یا قطع ناگهانی این مواد، به دست داده شده است. مؤلف همچنین درباره وسایل و ارار و مکانهای ساخت و فروش و مصرف مواد گوناگون، و نام تجارتی و علمی آنها نیز توضیحاتی آورده است.

۷۹) واژه نامه مکانیک خاک و مهندسی پی ترجمه کامبیز بهنیا (و) کامران رضوی (و) امیر محمد طباطبایی. زیر نظر محمدتقی بانکی تهران. مرکز انتشارات صنعت فولاد. ۱۳۷۰ [توزیع ۱۷۲] ۱۴۸ ص. ۱۵۰۰ ریال.

واژه نامه ای سه زبانه (فارسی، انگلیسی، فرانسه) است که مدخلهای آن به ترتیب الهای اصطلاحات انگلیسی تنظیم شده است. واژه نامه حاضر دارای فهرستهای راهنمای مفصلی است که با کمک آنها می توان از طریق واژه های فارسی و فرانسه هم مستقیماً از کتاب استفاده کرد. توضیح اینکه فرهنگ حاضر از روی ویرایش پنجم فرهنگ چندزبانه اصطلاحات پی، مادها و تعاریف مکانیک خاک و مهندسی پی (کانادا، انجمن بین المللی خاک و مهندسی پی، ۱۹۸۱)، به فارسی ترجمه شده است.

علوم

۸۰) اسمیت، جان ا. بیوتکنولوژی ترجمه علی فرازمند. تهران دانشگاه علامه طباطبایی ۱۲۵ ص. مصور. نمودار. واژه نامه فهرست راهنما. ۱۶۰۰ ریال.

کتاب حاضر یکی از ۱۵۰ عنوان کتاب از مجموعه Studies in Biology است که به معرفی و شرح پیشرفتهای مهم و جدید ریست شناسی اختصاص دارد. این کتاب به بیان کلیات ضروری بیوتکنولوژی و بحث آن در توسعه فرایندهای گوناگون و قلمروهای دیگری چون پزشکی، کشاورزی، حفاظت محیط زیست و غیره اختصاص دارد. در این کتاب حرئیات برخی از احرای مهم ریست شناختی بیوتکنولوژی مطرح شده است.

۸۱) فولر، هورست. ریست شناسی نوین. ترجمه غلامرضا بوررادی. مشهد. جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد. ۱۳۷۱. ۴۸۴ ص. مصور. ۳۴۰۰ ریال.

۸۲) هاف، تارل. چگونه با آمار دروغ می گویند. ترجمه مهدی تقوی با پیشگفتار علی میریان. تهران. ناشر. علی میریان. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ب + ۱۷۰ ص. مصور. جدول نمودار. ۱۴۰۰ ریال.

مؤلف با طرح مثالهای گوناگون چگونه سوء استفاده از آمار و بیراهه مقابله با آن را با استفاده از اصول و قواعد علمی نشان می دهد. این کتاب مقدمه ای است بر روشهای استفاده از آمار برای فریب دادن دیگران.

پزشکی

۸۳) استیل، جیمز اچ. ویراستار. بیماریهای قابل انتقال بین انسان و حیوان: زئونوزها. ج ۱: زئونوزهای باکتریایی، ریکتزیایی و قارچی. ترجمه

اسماعیل ذوقی. تهران شرکت سهامی انتشار. ۱۳۷۲. ۹۲۰ ص جدول.
 سودار
 (۸۴) بوبات، برتا. رشد غیر طبیعی حرکات در کودکان فلج مغزی ترجمه
 فیروزه نصیری چنار تهران دانشگاه علوم پزشکی ایران. ۱۳۷۱ [توزیع
 ۱۳۷۲] ۱۴۵ ص. مصور ۱۳۰۰ ریال
 (۸۵) کولتر، هاریس ل. ایدر و رابطه آن با سیفلیس ترجمه هوشنگ
 لاهوتی. ریر نظرو با مقدمه ناصر لاهوتی تهران پازنگ. ۱۳۷۲. ۲۳۶ ص
 ۲۸۰۰ ریال
 (۸۶) نازانی و هورمون‌شناسی بالینی ریان. ترجمه میترا پاشازاده و
 محبوبه قدیمی. تهران نشر دانش امروز (وابسته به امیرکبیر) ۱۳۷۱
 ۶۳۸ ص. واژه‌نامه مصور. جدول. ۹۸۰۰ ریال.
 بد بود اگر نام نویسنده و مشخصات متن اصلی (انگلیسی) کتاب را هم به
 دست می‌دادند تا هویت اثر مشخص می‌بود
 (۸۷) نعمتی، حمید آنچه در باره گوش و شنوایی باید بدانیم [تهران].
 ناشر مؤلف ۱۳۷۲. ۱۰۸ ص

کشاورزی

(۸۸) آثار سیاستهای تثبیت و تعدیل ساختاری بر جامعه روستایی
 (مطالعات موردی ساحل عاج، سگال، لیبریا، رامبیا و مراکش) ترجمه
 پرویز اجلالی تهران مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی
 ۱۳۷۲. ۲۲۸ ص. سودار جدول ۲۴۰۰ ریال.
 اس کتاب را فاو (FAO) در سال ۱۹۹۱ منتشر ساخته است و در آن
 برنامه‌های دو دهه گذشته بحث کشاورزی افریقا را که با حمایت صندوق
 بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی گسترش یافته، افریقای و بررسی کرده
 است
 (۸۹) اخینانی، خدیجه. فلور ایران شماره ۷۵. تیره اسفند. تهران. وزارت
 جهاد سازدگی - مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع. ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲]. ۵۳
 ص. مصور ۶۰۰ ریال
 (۹۰) بلاچارد (و) تاتار بیماری‌شناسی درختان، راهنمای مزرعه و
 آزمایشگاه ترجمه بهروز جعفرپور مشهد دانشگاه فردوسی مشهد
 ۱۳۷۱. چهارده + ۲۳۵ ص. واژه‌نامه مصور
 (۹۱) جم‌زاد، زیبا. فلور ایران شماره ۸. تیره طوسک تهران وزارت
 جهادسازدگی - مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲].
 ۱۱۲ ص. مصور ۱۱۰۰ ریال.
 (۹۲) معاونت امور واحدهای تولیدی و کشت صنعت‌ها. سیمای مالکیت
 اراضی مزرععی ایران. تهران. صندوق مطالعات در نظامهای بهره‌برداری
 کشاورزی ایران ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲] ۱۶۰ ص. جدول. سودار ۱۲۵۰
 ریال.

فن و صنعت

(۹۳) ارزیابی پوزولانهای ایران مجری طرح: اسدالله قاضی مرادی.
 مشاور طرح: علی اکبر رمضانپور. تهران مرکز تحقیقات ساختمان و
 مسکن. ۱۳۷۱. ۶۰ ص. جدول. مصور. نمودار ۴۰۰ ریال.
 (۹۴) اهری، زهرا (و) شهلا امینی جدید. الگوی ساخت مسکن در
 شهرهای خوزستان دفتر اول: دزفول، اهواز، خرمشهر. مشاور پژوهش:
 سیدمحسن حبیبی. تهران. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. ۱۳۷۱
 [توزیع ۱۳۷۲]. ۲۳۱ ص. مصور. جدول ۱۹۰۰ ریال.
 (۹۵) پارك، ج. ف (و) ر. آمك دیارمید. کانسارها. ترجمه اسدالله
 جعفرزاده. ج ۱ تهران مرکز انتشارات صنعت فولاد. ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲].
 ی + ۲۳۰ ص. مصور. سودار. جدول. نقشه. واژه‌نامه. ۳۰۰۰ ریال.
 (۹۶) زند پارسا، کیومرث. بارگذاری. تهران. انتشارات علم و صنعت.

۱۳۷۲. ج ۲. ۵۲۵ ص. مصور. ۴۵۰۰ ریال

(۹۷) شوپ، تری ای. کاربرد روشهای عددی در ریزرانیها. ترجمه
 طرفه‌نژاد. تهران. سروش. ۱۳۷۲. ۲۹۱ ص. مصور. نمودار. جدول ۲۶۰۰
 ریال
 (۹۸) طویی، حسن. مبانی طراحی کوره‌های صنعتی. اصفهان
 انتشارات دانشگاه صنعتی اصفهان. دوازده + ۴۲۷ ص. جدول. نمودار
 واژه‌نامه. فهرست راهنما. ۲۵۰۰ ریال.
 (۹۹) کاظم‌زاده دربان، مصطفی. رسم فنی. مشهد. دانشگاه فردوسی
 مشهد. ۱۳۷۱. ۳۹۵ ص. مصور. ۳۵۰۰ ریال.
 (۱۰۰) لیند، گونار. سیلگیری شهرها ترجمه مصطفی بزرگ‌زاده تهران
 مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. ۱۳۷۲. ۲۳ ص
 مصور. ۴۵۰۰ ریال
 (۱۰۱) مجموعه مقالات متالورژی - ۵. تهران. شرکت ملی فولاد ایران -
 مرکز انتشارات صنعت فولاد. ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲] ۱۱۸ ص. مصور
 جدول. واژه‌نامه. ۱۰۰۰ ریال.
 (۱۰۲) فلمینگ، جان اف. تحلیل ماتریسی و کامپیوتری سیستم‌های
 سازه‌ای (همراه با یک دیسک کامپیوتری). ترجمه مجید بدیعی. تهران. ناشر
 مترجم. ۱۳۷۲. ۶۴۴ ص. مصور. جدول. بدون دیسک ۶۵۰۰ / با دیسک
 ۸۸۰۰ ریال

تربیت بدنی

(۱۰۳) ازهر، آلن. فوتبال نوین. ترجمه مجتبی حروف قناد. تهران. جهان
 اندیشه کودکان. ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲]. ۲۰۰ ص. مصور. ۱۸۰۰ ریال
 (۱۰۴) پویامرد، علیرضا (و) سیدهاشم معینی. راهنمای تدریس تربیت
 بدنی در مدارس متوسطه. تهران. اداره کل تربیت بدنی و ررات آموزش و
 پرورش ۱۳۷۱. ۲۵۵ ص. مصور. جدول. نمودار. ۲۲۰۰ ریال
 (۱۰۵) معظی‌پور، حجت‌الله. آنچه بر کشتی آزاد ایران و جهان گذشت
 (از المپیک ۱۹۴۸ لندن تا جهانی ۱۹۹۰ توکیو). تهران. علم و ورزش ج ۲
 ۱۳۷۲. ۳۱۸ ص. مصور. بهای دوره دولتی ۳۴۰۰ ریال

هنر و معماری

● موسیقی

(۱۰۶) آذر سینا، مهدی. موسیقی ایرانی؛ شیوه گمانچه نوازی تهران
 سروش. ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲]. ۲۱۶ ص. مصور. ۷۳۵۰ ریال
 (۱۰۷) بهروزی، شاپور. چهره‌های موسیقی ایران. تهران کتابسرا
 ۱۳۷۲. ج ۲. ۵۸۲ ص. مصور. فهرست. ۶۵۰۰ ریال
 (۱۰۸) طلانی، داریوش. بگرتشی نوبه تنوری موسیقی ایرانی (ردیف و
 سیستم مدال - با ۶ نوار کاست). تهران. ماهور. ۱۳۷۲. ۸۸ ص. جدول
 به اعتقاد مؤلف کتاب، مشکل اساسی موسیقی ایرانی محدود بودن دامه آن
 است که این ناشی از در دست بودن یک تنوری مدون و منتهی بر موسیقی سنتی
 ایرانی است به اعتقاد وی روش سنتی آموزش موسیقی روشی است که در آن
 هدف اصلی حفظ کردن تعداد زیادی ملودی است که این امر بویایی و قدرت
 تحلیل را در هر آموز محدود می‌کند و به عبارت دیگر بدون یک تنوری ساده و
 روشنگر این روش مدل نه محفوظاتی ایستا و غیر خلاق می‌شود. کتاب حاضر
 مقدمه‌ای است در جهت دست‌یابی به یک تنوری موسیقی که مبتنی است بر
 شناخت و تحلیل درون مایه‌های موسیقی ایرانی همراه با این بررسی ردیف
 میرزا عبدالله نیز به عنوان ردیف مرجع، که ما سه تار اجرا شده در ۶ نوار عرضه
 شده است.
 (۱۰۹) معروفی، جواد. ردیف موسیقی ایران برای پیانو. تهران. صدا
 ۱۳۷۲. ۲۹۰ ص. خط موسیقی. تهران. ایران صدا. ۱۳۷۲.
 مؤلف غنمات ردیف دستگاههای موسیقی ایرانی را طبق اصول موسیقی

س. المللی، برای نواختن با پیانو تنظیم کرده است. نغمه‌های این مجموعه از دیبهای مرحومان میرزا عبدالله، میرزا حسینقلی، و درویش خان است.

● عکاسی

۱۱۰. صادقی، رامین. ایران، قاره‌ای کوچک؛ مناطق طبیعی ایران. تهران واحد عکس هنرهای تصویری حوزه هنری. ۱۳۷۲. ۱۶۲ ص. مصور مودار ۲۵۰۰۰ ریال.

شامل تصاویری است از مناطق طبیعی مختلف ایران. عکسهای کتاب رنگی است و کاعد آن کلاسه.

۱۱۱. عدل، کامران. یادباد آن روزگاران یادباد... خوشنویسی از یدالله کابی حواساری. تهران: ناشر: مؤلف: سی و شش + ۱۴۰ + ۲۰ ص. مصور ۲۵۰۰۰ ریال.

نوشته است برای معرفی حلوهای گوناگون معماری شیراز و تزیینات آن از طریق عکس. تصاویر کتاب رنگی و کاعد آن کلاسه است.

۱۱۲. کسرائیان، نصرالله (و) زیبا عرشی. کردهای ایران. تهران: ناشر: کسرائیان ۱۳۷۲. بدون صفحه‌شمار. مصور ۲۵۰۰۰ ریال.

شامل ۱۲۷ قطعه عکس از مردم کردستان و فضاها و مناطق گوناگون آن. انسان است. کاعد کتاب کلاسه. تصاویر آن رنگی و جلدهش کالیگوراست.

۱۱۳. مرادی غیاث‌آبادی، رضا. دایرةالمعارف عکس ایران. ج ۱. دروازه‌های ایران. تهران: بی‌نا. ۱۳۷۲. ۱۶ ص. مصور نقشه ۲۰۰۰ ریال.

چستین جلد از مجموعه‌ای است که قرار است به تدریج منتشر شود و حلوهای از معماری و شهرسازی سنتی ایران را نمایش دهد. این مجلد شامل عکسهای از دروازه‌های قدیمی شهرهای ایران است. دروازه ملتها (یا دروازه حسابار) در تحت جمشید، دروازه ارگ در سمنان، دروازه درب کوسک در مری، دروازه تهران در هژوین، دروازه قرآن در شیراز، دروازه سگی در حوی از جمله تصاویر کتاب است.

● سینما

۱۱۴. دانشفر، بهروز. اسکار تهران زرین ۱۳۷۲. ج ۲. ۶۵۹ ص. مصور فهرست راهنما. ۱۲۵۰۰ ریال.

۱۱۵. — فرهنگ جهانی فیلم. ویراسته هوشنگ گلشکائی. ج ۱. تهران: ناشر. مؤلف [با سرمایه‌گذاری مؤسسه روزنه] ۱۳۷۲. چهارده + ۱۰۰۶ ص. مصور فهرست راهنما. ۲۵۰۰۰ ریال.

در این فرهنگ حدود ۸۰۰۰ فیلم سینمایی از کشورهای مختلف جهان بر حسب الفبای عنوان فارسی تنظیم و مرتب شده است. در مقابل نام فارسی فیلمها، عنوان اصلی آنها به یکی از زبانهای انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی یا اسپانیایی آمده است. ذکر نام کلیه عوامل ساخت فیلم (کارگردان، فیلمنامه‌نویس، بازیگرها، مسئولان فنی و غیره)، مدت نمایش، سیال، بخش، مختصری از داستان فیلم، جوایز سینمایی و نام استودیوها و کمپانیهای تهیه‌کننده از جمله دیگر اطلاعاتی است که در این فرهنگ آمده است. دیگر اینکه کلیه فیلمها بر اساس معیارهای گوناگون ارزش‌گذاری شده است. این مجلد شامل فیلمهایی است که از آغاز تا سال ۱۹۸۴ ساخته شده‌اند و مجلد بعدی به فیلمهایی اختصاص خواهد داشت که از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۳ تولید شده‌اند. کتاب دارای فهرستهای راهمائی مفصل و گوناگونی برهست که کار یافتن فیلمها را بر اساس نام کارگردان و بازیگران و... میسر می‌سازد.

۱۱۶. نیکولز، بیل (گرد آورنده). میزانشن در سینما؛ نقد و بررسی میزانشن سینمایی. ترجمه محمد شهباز. تهران: بنیاد سینمایی فارابی ۱۳۷۲. ۹۰ ص. مصور. ۱۰۰۰ ریال.

در مقالات این مجموعه برخی از حبه‌های میزانشن در سینما بررسی شده است.

● نقاشی و طراحی

۱۱۷. ایتن، یوهانس. کلاس مقدماتی من در باوهاوس: طراحی و شکل.

ترجمه پیروز سیار. تهران: سروش ۱۳۷۲. ۲۰۶ ص. مصور. واژه‌نامه (فارسی - فرانسه - انگلیسی). جلد برم ۵۷۵۰ / کالیگور ۸۰۰۰ ریال. ۱۱۸. تقی‌زاده، هادی. خط در نقاشی: مفاهیم بصری خط و نقش آن در پدیداری فضای تجسمی: به ضمیمه نقش خط در نگارگری ایران. تهران: کلهر ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲ ۱۷۴ ص. مصور.

۱۱۹. خزان، محمد. به اهتمام هزار نقش تهران حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۲. ۲۸۰ ص. مصور ۴۵۰۰ ریال.

شامل طرحهای تزیینی، کاسی، اجر، گچبری، حجاری، آلات فلزی، سفال، پارچه، فالی، تذهیب و کتاب‌آرایی است. محل احدهر یک از طرحها بر در این کتاب مشخص شده است.

۱۲۰. فاطمی، ساسان. سراسان: شرح موضوعی نقاشیهای میکال آنز در مازخانه سیستمین تهران بشری ۱۳۷۲. ۱۹۲ ص. مصور ۲۲۵۰۰ ریال.

مؤلف کوشیده است مفاسهای میکال آنز در مازخانه سیستمین را که از شاهکارهای مسلم عهد رساسان ایتالاست تفسیر و بررسی کند. بحث درباره تصورات مذهبی حاکم بر این آثار و نیز اوضاع تاریخی و اجتماعی زمان خلق این آثار از جمله اطلاعات دیگری است که در این کتاب آمده است.

● فرش و تذهیب

۱۲۱. دانشگر، احمد. فرهنگ جامع فرش ایران. تهران: نشر دی. ۱۳۷۲. ۶۱۴ ص. مصور ۲۵۰۰۰ ریال.

فرهنگ لغات و تعییرات و اصطلاحات گوناگون مربوط به فرش و فرسافای است و حاوی حدود ۲۴۰۰ مدخل درباره موضوعاتی است چون اقتصاد فرش، جغرافیای فرسافی ایران و جهان، رنگ و رنگرزی، طرح فرش ایران، فرش و فرسافی، معیاسات، و غیره.

۱۲۲. محرد تاکستانی، اردشیر شیوه تذهیب تهران. سروش ۱۳۷۲. ۲۰۰ ص. مصور ۴۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل ۶ بخش است و به بررسی تاریخ و سیر تکامل فرسافای تزیینی، شیوه انجام تذهیب، واژگان و عناصر تذهیب و مذهبان اختصاص دارد.

● معماری

۱۲۳. حاجی علیمحمدی، افسانه. نقوش سردرهای خانه‌های تهران قدیم تهران. دفتر پژوهشهای فرهنگی [با همکاری شهرداری تهران] ۱۳۷۲. ۱۴۲ ص. مصور ۳۴۵۰ ریال.

در این مجموعه که بخشی از یک بایان‌نامه تحصیلی است، تعدادی از فضاهای ورودی و نفوس سردرهای خانه‌های تهران قدیم ترسیم شده است. کتاب همچنین شامل عکسهای از خود سردرها برهست که بعضاً با ادرس آنها همراه است (به بخش بعد و معرفی کتاب در همین شماره رجوع فرمایید).

۱۲۴. هدمن، ریچارد (و) اندرو یاروسکی. مبای طراحی شهری. ترجمه راضیه رضازاده (و) مصطفی عباس‌زادگان. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲ ۱۸۰ ص. مصور ۱۸۰۰ ریال.

کتاب حاضر که متی اصلی آن در سال ۱۹۸۴ در آمریکا منتشر شده است، به بررسی حدود و معور و دامنه و نوع فعالیهای طراحی شهری اختصاص دارد. این کتاب همچنین به بررسی بعضی از ریمه‌های اصلی کار طراحی شهری پرداخته و ضمن بررسی مسائل و مشکلات موجود، اصول و روشهایی را برای مداخله متناسب و معقول‌تر در فضای شهر به دست داده است.

ادبیات

● ادبیات کودکان

۱۲۵. ایراندوست، علی‌اکبر. تا مدرسه راهی نیست نقاشی از نسرین خسروی. تهران: سروش. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲ ۲۰ ص. مصور. ۲۷۰ ریال. ۱۲۶. برانلی، فرانکلین. گردباد دریایی [علم برای کودکان]. ترجمه

علیرضا توکلی صابری. نقاشی از گیلوماسترو. تهران. انتشارات مدرسه. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. مصور. ۳۵۰ ریال.

(۱۲۷) تاد، لورتو. مزد خرد؛ منتخبی از قصه‌های عامیانه کامرون (از مجموعه «قصه‌های ملل ۳»). ترجمه علی خاکبازان. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۲. ۶۳ ص. ۴۸۰ ریال.

(۱۲۸) سی کیسین، ادیث. قهرمان کوچک. ترجمه حسین سیدی. بازنویسی علی مؤذنی. تهران. برگ. ۱۳۷۲. ۱۲۱ ص. ۶۰۰ ریال.

(۱۲۹) شعبان نژاد، افسانه. نه طلا و نازگل. نقاشی از فرید سکاچانی. تهران. سروش. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. مصور. ۵۰۰ ریال.

(۱۳۰) شمس، محمدرضا. روباه و خروس. نقاشی شهرام گلریبان. تهران. سروش. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. مصور. ۳۹۰۰ ریال.

(۱۳۱) شهریار، خسرو [گردآورنده] پیرزن و روباه. نقاشی فریا افلاطون. تهران. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۱۳۷۲. ۳۶ ص. مصور. ۲۵۰ ریال.

(۱۳۲) کشاورز، ناصر. باغ رنگارنگ. آواز قشنگ نقاشی از محمدعلی بنی اسدی. ۲۳ ص. مصور. ۲۸۰ ریال.

(۱۳۳) لاکاری، ژاک. هفت خروس سحر ترجمه پروین بهرامیان. نقاشی از می آژول. تهران. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۱۳۷۲. مصور. ۲۲۰ ریال.

(۱۳۴) میرکیانی، محمد. قصه‌های شب چله (ده قصه قدیمی). تهران. کانون انتشارات پیام نور. ۱۳۷۲. ۱۲۶ ص. ۱۰۰۰ ریال.

● نظم و نشر کهن فارسی

(۱۳۵) [جودی خراسانی، عبدالجواد]. دیوان کامل افصح الشعراء میرر عبدالجواد جودی خراسانی. به اهتمام مهدی آصفی. تهران. جمهوری. ۱۳۷۲. بیست و یک + ۶۶۱ ص. ۶۰۰۰ ریال.

مجموعه اشعار جودی خراسانی (متوفی ۱۲۰۲ هـ) شاعر عهد قاجاریه است.

(۱۳۶) خبره‌زاده، علی اصغر [به انتخاب و معرفی] نشر پارسی در آیین تاریخ (گزیده متون تاریخ) تهران انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۷۰ [توزیع ۷۲]. ۲ ج. بیست و یک + ۱۳۰۰ ص. بهای دوره دو جلدی: شصت و ۸۰۰۰ / زرکوب ۱۰۰۰۰ ریال.

در این کتاب نمونه‌ها و برگزیده‌هایی از شعر فارسی مندرج در کتابهای تاریخی اردیبهشت تا پایان دوران صفوی در دو مجلد و به ترتیب و توالی تألیف گردآوری شده است. در ابتدای هر برگزیده، خلاصه‌ای در معرفی آن اثر آمده است. کتاب دارای حلد سومی هم خواهد بود که شامل نمونه‌های شعر فارسی تا دوران مشروطه و زمان حال است. دیگر اینکه گردآورنده در عین حال کوشیده است تا سیر مسئله عدالت و عدالتخواهی و توالی فتنه‌ها و برادرکشهارا نیز در ادوار مختلف تاریخ ایران دنبال کند.

● شعر معاصر فارسی

(۱۳۷) احمدی، احمدرضا. لکهای از عمر بر دیوار بود. شیراز. نوید. ۱۳۷۲. ۲۵۵ ص. ۲۷۰۰ ریال.

(۱۳۸) جاوید، احمد. تسهیل کلام اقبال؛ پیام مشرق، علامه اقبال اسلام آباد. اقبال آکادمی پاکستان (و) مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان. ۱۹۹۲ ق + ۷۱۳ ص. ۳۵۰ روپیه.

در این مجموعه برخی از رباعیات و موهولات اقبال به دوربان فارسی وارد آمده و معادل اردوی نیک و واژه‌ها و تعبیرات فارسی نیز ذکر شده است.

(۱۳۹) خضرائی، اورنگ. اعتراف‌ها؛ مجموعه شعر (۷۰-۱۳۶۰) شیراز. نوید. ۱۳۷۲. ۱۶۰ ص. ۱۳۰۰ ریال.

(۱۴۰) دولت آبادی، فراهانی، قاسم. مشعل کوچک. [بی‌جا]. ناشر: شاعر. ۱۳۷۲. ۲۲۳ ص. ۲۰۰۰ ریال.

(۱۴۱) دیوان امام: مجموعه اشعار امام خمینی. [بی‌جا]. مؤسسه تنظیم

و نشر آثار امام خمینی (س). ۱۳۷۲. ۳۴۴ ص. واژه‌نامه (شرح مختصر اصطلاحات). فهرست راهنما. با جلد گالینگور و چاپ هفت رنگ و کاغذ گلاس ۶۶۰۰ ریال / با جلد گالینگور و چاپ سه رنگ و کاغذ تحریر ۴۰۰۰ ریال.

(۱۴۲) سادات اشکوری، کاظم. در کنار جاده پاییز. شیراز. نوید. ۱۳۷۲. ۹۷ ص. ۱۲۰۰ ریال.

(۱۴۳) سبزه، منصور (ساعدلو). نامش را نمی‌دانم. تهران. ناشر: مؤلف. ۱۳۷۲. ۱۶۰ ص. ۲۰۰۰ ریال.

(۱۴۴) شاملو، احمد. دشنه در دیس. تهران. مروارید (و) زمانه. ۱۳۷۲. ج ۳. ۶۸ ص. ۸۵۰ ریال.

(۱۴۵) طلوعی، وحید. بد مردن (یک شعر). کرمان. ناشر: مؤلف. ۱۳۷۲. ۵۸ ص. ۱۰۰۰ ریال.

(۱۴۶) فردوسی، غلامحسین (شیرازی). دیوان فردوس برین [بی‌جا] نشر طلوع. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ۲۱۳ ص. ۲۰۰۰ ریال.

(۱۴۷) کبیری، ناهید. غروب‌ها، شیراز. نوید. ۱۰۳ ص. ۱۲۰۰ ریال.

(۱۴۸) مجموعه اشعار خلیل الله خلیلی. به کوشش مهدی مدایی تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه). ۱۳۷۲. ۲۹ ص. ۱۷۰۰ ریال.

خلیل الله خلیلی (۱۲۸۶-۱۳۶۶ ش) از شاعران و ادیبان معاصر افغانستان است. این شاعر در ایران آثار دیگری بر منتشر شده است. مجموعه دیوان خلیل الله خلیلی (به اهتمام محمدحاشم امیدوار هراتی. تهران. ۱۳۷۱) (۱۴۹) یوسف، سعید. تأملی در راه. مجموعه شعر تهران. کانون فرهنگی و هنری صدا. ۱۳۷۶. ۱۵۰ ص. ۱۵۰۰ ریال.

● شعر به زبانها و لهجه‌های دیگر ایران

(۱۵۰) رزاقی، عزت الله (حکیم بهت تبریزی). تورکجه حافظانه لرویه حافظ در آیین اوهام. با مقدمه عباس زریاب. بی‌جا. ناشر. مؤلف. ۱۳۷۲. چهل و دو + ۶۳۰ ص. ۶۵۰۰ ریال.

ترجمه و تفسیر و شرح عربیات حافظ است به ترکی آدری.

(۱۵۱) رنگوبی، عبدالمجید [به کوشش]. شعر دشتی و دشتستان. دفتر چهارم. [بی‌جا]. نشر روز. ۱۳۷۲. ۳۲۸ ص. ۲۸۰۰ ریال.

شامل اشعار سید محمد طاهر شهر یاری (۱۲۶۷-۱۳۵۲ ش) متخلص به شعیق است.

(۱۵۲) سید، سید محمد. گپ سید. اشعار به لهجه بهبهانی. اهواز. مؤسسه فرهنگی آیات. بی‌تا [توزیع ۱۳۷۲]. ۲۹۵ ص. واژه‌نامه.

(۱۵۳) [شهریار]. حیدر بابا؛ بخش اول و دوم. ترجمه آزاده خشکناهی [بی‌جا]. فتاحی. ۱۳۷۱. ۱۲۸ ص. ۱۲۰۰ ریال.

ترجمه‌ای است توسط حواهر استاد شهریار

● شعر خارجی

(۱۵۴) مطر، احمد. چه دشوار است سخن. ترجمه ضیاءالدین گچی. تهران. ناشر: مترجم. ۱۳۷۲. ۱۳۷ ص. ۱۲۰۰ ریال.

ترجمه اشعاری است از احمد مطر، شاعر عرب

● داستان، فیلمنامه و نمایشنامه ایرانی

(۱۵۵) ترابی، حبیب. یک پنجره برای من کافی است. تهران. هیرمند. ۱۳۷۲. ۱۱۶ ص. ۱۲۰۰ ریال.

مجموعه ۵ داستان کوتاه است از یک نویسنده حاساز و جوان جنوبی عنوان کتاب مأخوذ از یکی از اشعار هروی فرهاد است.

(۱۵۶) چلیپا، عباس. کلاس عشق تهران. ناشر: عباس چلیپا. ۱۳۷۲. ج ۲. ۸۷ ص. ۸۰۰ ریال.

چاپ نخست این داستان در سال ۱۳۲۹ بوده است.

(۱۵۷) حاتمی کیا، ابراهیم. از کرخه تا راین (فیلمنامه کامل، گفت و

گودا، نقدها، تهران، کانون فرهنگی علمی هنری ایشارگران، ۱۳۷۲.
 ۲۳۱ص. مصور. ۲۲۰۰ ریال.
 ۱۵۸ حمزه، حمید، تثلث (مجموعه داستان)، [بی جا]، ناشر: مؤلف.
 ۱۳۷۲ ۱۱۹ص. ۸۰۰ ریال.
 ۱۵۹ روانی پور، منیرو، سیریا، سیریا، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۲ ۱۳۹ص
 ۱۴۰ ریال.
 ۱۶۰ ساعدی، غلامحسین، مار در معبد، تهران، بهنگار، ۱۳۷۲.
 ۱۰۰ص. ۱۰۰۰ ریال.
 ۱۰۱ مابشامه در سال ۱۳۵۲ نوشته شد اما احاره انتشار بیافت چاپ
 در بحسین چاپ این اثر است
 ۱۶۱ شریفی، محمد، باغ اناری، تهران، نشر گردون، ۱۳۷۱ [توزیع
 ۱۳۷۲ ۱۳۲ص ۱۲۰۰ ریال.
 ۱۶۲ شکاری، حسن، ققنوسهای عصر خاکستری، تهران، ژرف، ۱۳۷۲.
 ۲۱۷ص. ۲۳۰۰ ریال
 ۱۶۳ صابری، پری، در اندرون من خسته، تهران، ناشر: مؤلف ۱۳۷۲.
 ۲۴۷ص ۲۲۰۰ ریال.
 ۱۶۴ صادقی، محمدحسین، زیباولی شکستی، شیراز، هدهد، ۱۳۷۲
 ۹۴ص
 ۱۶۵ غریب پور، بهروز، جنگ کور؛ یا هر چیزی به جای خویش نیکوست
 امایش ماسک، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۲.
 ۲۸ص مصور ۱۳۰ ریال.
 ۱۶۶ فتاحی، حسین، قصه‌ای که راست بود، نقاشی از کریم نصر
 تهران بهاد هر و ادبیات، ۱۳۷۱، مصور. ۹۶۰ ریال
 ۱۶۷ قوچق، یوسف (و) محمود عطاگزلی، بایراق؛ مجموعه‌ای از
 ادبیات و فرهنگ ترکمن صحرا، تهران، برگ ۱۳۷۱، ۱۰۹ص. ۵۶۰ ریال.
 ۱۶۸ محابی، جواد، مومیایی، تهران، روشنگران، ۱۳۷۲ ۲۹۷ص.
 ۳۰۰ ریال
 ۱۶۹ مخملیاف، محسن، گنگ خوابیده، تهران، نشر بی، ۱۳۷۲ ۳ ج.
 ۱۵۹۴ص مصور. بهای دوره سه جلدی. ۱۷۰۰۰ ریال.
 مجموعه‌ای است از آثار دهه ۶۰ این نویسنده و کارگردان حلد محسب
 سبب قصه‌ها، حلد دوم منتخب نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌ها و جلد سوم منتخب
 مدله‌ها و گفتگوهای اوست

● داستان، فیلمنامه‌ها و نمایشنامه خارجی

۱۷۰ استاندال، صومعه بارم، ترجمه اردشیر نیکپور، تهران، جامی.
 ۱۳۷۲ ج ۲ ۵۸۱ص. ۶۵۰۰ ریال.
 ۱۷۱ برنانوس، ژرژ، خاطرات يك كشيش دهكده ترجمه اقدس
 معایبی مشهد، انتشارات فلسطین (و) جمهوری ۱۳۷۲، ۳۸۴ص ۳۵۰۰
 ریال
 آری است از نویسنده فرانسوی معاصر (۱۸۸۸-۱۹۴۸)
 ۱۷۲ بالزاک، اونوره، دو، سرهنگ شابر، ترجمه عبدالله توکل، تهران.
 نظره ۱۳۷۲، ۴۴۹ص. ۴۳۰۰ ریال.
 یکی از آثار بالزاک (۱۸۵۰-۱۷۹۹) است به ضمیمه یادداشتی از ویکتور
 هزگو با عنوان «بالزاک در بستر مرگ» و نیز متن خطابه هوگو بر سر مراد بالزاک.
 ۱۷۳ برشت، برتولت، محاکمه ژاندارک؛ در شهر ژوئن به سال ۱۴۳۱
 میلادی [نمایشنامه]، ترجمه غ. ولی زاده، تهران، فردا، ۱۳۷۲، ۷۴ص.
 ۱۷۴ ژید، آندره، اگر دانه نمیرد، ترجمه همایون نورا حمر، تهران، نیلوفر.
 ۱۳۷۲ ۲۷۸ص. ۲۳۰۰ ریال.
 ۱۷۵ — دخمه‌های واتیکان، ترجمه سیروس ذکاء، تهران، یزدان.
 ۱۳۷۲، ۳۳۹ص. ۳۴۰۰ ریال.
 اثری است از نویسنده مشهور فرانسوی (۱۸۶۹-۱۹۵۱) و برنده حایره
 ادبی بول ۱۹۴۷، ژید این کتاب را به سال ۱۹۱۴ نگاشت
 ۱۷۶ کالدول، تیلور، سران و سلاطین، ترجمه نیره توکلی (و) هادی

امین تهران، نیلوفر، ۱۳۷۲، ج ۳، ۵۳۰ص. ۴۶۰۰ ریال
 ۱۷۷ کینگ، استفن، میزری، ترجمه اصغر اندرودی (و) مجتبی
 مینائی، تهران، البرز، ۱۳۷۲، ۵۲۸ص. ۴۵۰۰ ریال
 ۱۷۸ هنری، آ. ستاره و عقاب، ترجمه بوگر حکیم، تهران، ناشر مترجم.
 ۱۳۷۲، ۱۰۶ص. ۱۲۵۰ ریال
 مجموعه ۱۰ داستان کوتاه است از نویسنده معروف آمریکایی
 (۱۸۶۲-۱۹۱۰)

● درباره ادبیات فارسی

۱۷۹ احوان ثالث، مهدی (م. امید) حرم سایه‌های سبز، مجموعه
 مقالات (۱) زیر نظر مرتضی کاخی، تهران، رستمان، ۱۳۷۲، ج ۳، ۳۵۵، ۲ص.
 فهرست راهنما
 ۱۸۰ جلالیان، عبدالحسین (جلالی)، نی بواری اول، احوال شمس
 تبریزی و سخنان او به شعر [تهران] ناشر مؤلف ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ده +
 ۴۷۲ص. ۷۵۰۰ ریال
 ۱۸۱ حیرت سجادی، عبدالمجید، گزیده‌ای از تأثیر قرآن بر نظم فارسی،
 تهران امیرکبیر ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۱۰۶۳ص وازه نامه ۷۵۰۰ ریال.
 مؤلف در ابتدای هر بخش آیه‌ای از قرآن را آورده است و به دنبال آن ابیاتی
 از اشعار قدیم فارسی را که به نحوی با این آیه پیوند داشته‌اند کتاب‌داری
 بخش است
 ۱۸۲ خالقی مطلق، حلال، گل رنجهای کهن؛ برگزیده مقالات درباره
 شاهنامه فردوسی، به کوشش علی دهباشی تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.
 ۴۴۴ص مصور ۶۳۰۰ ریال
 شامل مقالاتی است از فردوسی شناس معروف ایرانی که تاکنون سه حلد از
 شاهنامه مصحح وی منتشر شده است تعدادی از مقالات این مجموعه فعلا در
 نشریات دیگر منتشر شده و برخی برای بحسین نار است که در این مجموعه
 منتشر می شود عنوان برخی از این مقالات را می اوریم «شاهنامه و موضوع
 نخستین اسان»، «ناسداران دژتیرا»، «معرفی قطعات الحاقی شاهنامه»،
 «دستویس شاهنامه (فلوراس)»، «سرگذشت ربان فارسی»، «رسم خط
 شاهنامه» حای فهرست اعلام و فهرست موضوعی مفصلی در این کتاب حالی
 است
 ۱۸۳ دولت آبادی، محمود، ردّ گفت و گرار سنج (مجموعه مقاله‌ها،
 نقدها، گفت و شنودها، سخنرانی‌ها)، تهران، نشر پارسی (و) نشر چشمه
 ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲].
 مؤلف کلیه مقالات و نقدها و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود را بی هیچ
 تغییری و با ذکر تاریخ در این مجموعه گرد آورده است عنوان برخی از این
 مقالات و سال بحسین چاپ آنها را می اوریم «ایران و خطر تعصبات
 فرقه‌ای» (۱۳۵۷) / «یاد هرمند، پرویز می راده» (۱۳۵۸) / «تذکره (دیدار
 حاموش با بهرنگ)» (۱۳۵۲) / «آرادی ایدنولوزی مشترك همه نویسندگان
 جهان است» (۱۳۶۶) / «در احوال رمان» (۱۳۶۷) / «سیری در اندیشه‌های
 برشت» (۱۳۴۹) / «صد خاطرات، اثری متفاوت» (۱۳۶۷) / «ماناسحان در
 حاك (صمیمه فیلم حاك)» (۱۳۵۲) / «سندیکا و ما [گفت و گونی با نویسنده در
 مقام رئیس هیئت دبیران سندیکای تئاتر]» (۱۳۵۹) / «در آستانه فصلی سرد»
 [سخنرانی] (۱۹۹۲)
 ۱۸۴ شمیسا، سیروس، داستان يك روح؛ شرح و متن بوف کور صادقی
 هدایت، تهران فردوس ۱۳۷۲، ۳۵۰ص. فهرست راهنما
 مؤلف کتاب بوف کور را بر اساس قدروانکاوای تحلیلی (مأخوذ از آرای
 کارل گوستاو یونگ) و مسائل اساطیری و سمبل شناسی نقد کرده است. کتاب
 همچنین شامل تمام متن بوف کور، با حروفی متمایز از حروف اصلی متن، بیر
 هست.
 ۱۸۵ مارژلف، اولریش، طبقه بندی قصه‌های ایرانی، ترجمه کیکاووس
 جهانداری، تهران، سروش، ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]، ۳۱۰ص. ۱۷۰۰ ریال.
 طبقه بندی قصه‌ها و منتهای حکایی نوعی طبقه بندی است که بر اساس آن

همامشیان تا دوره اسلامی، «ترکستان شرقی در دوره رومیان و بودایی‌ها، «ارمستان، گرجستان و آلبانیا در نخستین اعصار مسیحیت»، عنوان فصلهایی از کتاب است.

۱۹۴ (شقیق، م. تخت فولاد اصفهان. اصفهان. انتشارات صغیر. ۱۳۷۲ ص ۷۰. مصور. ۱۰۰۰ ریال.

تخت فولاد نام قبرستان قدیمی و بررگی در اصفهان است که ظاهر آن در زمان صفویه آن را مرار نارکن الدین می خوانده اند و بعدها به نام عارفی به اسم استاد فولاد (متوفی ۹۵۹ق) شهرت یافته است. کتاب حاضر دومین کتابی است که در دو سه سال اخیر درباره گورستان قدیمی تخت فولاد منتشر شده است و در آن ضمن ارائه فهرستی از مدوین شدگان این گورستان، از تحریب این میراث فرهنگی توسط شهرداری اصفهان انتقاد شده است.

۱۹۵ (موسوی، سید محمود. توس، شهر خفته در تاریخ. تهران سازمان میراث فرهنگی کشور. ۱۳۷۱ ص ۱۶۰. مصور. نقشه. ۲۲۰۰ ریال
۱۹۶ (همایونی، صادق. حسینیۀ مشیر. تهران. سروش. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ج ۲ (با تجدید نظر و افزوده‌ها). ۶۴ ص. مصور. ۱۲۰۰ ریال

تاریخ

۱۹۷ (اومستند، ا. ت. تاریخ شاهنشاهی هخامنشی. ترجمه محمد مقدم تهران. امیرکبیر. ۱۳۷۲. ج ۳. نوزده + ۷۷۲ ص. مصور. ۷۰۰۰ ریال

۱۹۸ (بهداد، ا. طلوع رستاخیز: دوران اصلاحات امیرکبیر تهران ناشر مؤلف. [مرکز بخش: پیوند]. بی تا [توزیع ۷۲]. ۱۲۸ ص ۱۷۰۰ ریال

۱۹۹ (بهراد، ع. ا قره باغ در چشم انداز تاریخ. تبریز. ارك. ۱۳۷۲ ص ۱۵۰. نقشه.

مؤلف موقعیت جغرافیایی قره باغ و گذشته تاریخی آن را بررسی کرده است و به این سؤال پرداخته است که آیا قره باغ متعلق به ارمستان است یا بخشی از سرزمین آذربایجان. طاهراً کتاب حاضر ترجمه و اقتباسی است از کتابی با همین نام از علی اف. استاد تاریخ استیوئی تاریخ آکادمی علوم آذربایجان که ترجمه آذری این اثر در ۱۹۸۹ در ناکو منتشر شد. مؤلف قره باغ را ولایتی تاریخی در جمهوری آذربایجان می داند.

۲۰۰ (بیگدلی، غلامحسین. تاریخ بیگدلی - شاملو. تهران. فتحی ۱۳۷۲ ص ۲۵۶. مصور نقشه. ۱۲۵۰۰ ریال.

۲۰۱ (پطرس دی سرکیس گیلانتز. سقوط اصفهان (گزارشهای گیلانتز در باره حمله افغانان و سقوط اصفهان). ترجمه [از انگلیسی به فارسی] محمد مهریار. اصفهان. امور فرهنگی شهرداری اصفهان (و) گلها. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ج ۲. ۱۶۴ ص.

این کتاب شامل گزارشهایی است که گیلانتز از اظهارات کسانی که از منطقه مورد حمله اعمانان گریخته بودند و به گیلان آمده بودند گرد آورده بود گزارشهای کتاب شامل وقایع مارس ۱۷۲۲م (۱۱۳۵ ه ق) است تا احر آگوست سال بعد، یعنی دوره ای که محمد افغان پایتخت وقت ایران، اصفهان را محاصره نکرد و سپس به تصرف درآمد. کتاب حاضر نخست از ارمی به انگلیسی ترجمه شد (توسط کارومیناسیان و با مقدمه و تعلیقات لارس لاکهارت) و سپس به سال ۱۲۴۴ از انگلیسی به فارسی برگردانده شد
۲۰۲ (جبل، کاوه. سیاست خارجی امیرکبیر. با مقدمه هوشنگ مهدوی. تهران. جویا. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ۲۰۵ ص.

اوضاع سیاسی ایران قبل از صدارت امیرکبیر، بررسی شخصیت امیر و اصول سیاست داخلی و خارجی او، روابط ایران با چهار کشور بزرگ و مهم آن دوره (عثمانی، فرانسه، انگلیس، روسیه)، و بالاخره بررسی علل و عوامل داخلی و خارجی سقوط امیرکبیر از موضوعات عمده این کتاب است. مؤلف در این کتاب بیشتر به اقدامات و اصلاحاتی پرداخته است که در سه سال و سه ماه دوره صدارت امیرکبیر، در مورد روابط خارجی ایران صورت گرفته بوده است
۲۰۳ (دانشور، داریوش. وقایع دار الخلافه؛ چه کسی ناصرالدین شاه را

می توان هرازان قصه از فرهنگهای گوناگون دنیا را بر اساس ویژگیهای خاصشان به گونه ای مرتب کرد که به راحتی توان هر قصه مورد نظر را در میان ابوه قصه های دیگر یافت. بیابگذار این فن آنتی رنه است که در سال ۱۹۱۰ کتاب فهرست تپهای قصه را منتشر ساخت. نظم و ترتیب وی را بعدها استیث تومپسون سطر داد و یکی از معتبرترین مآخذ را در عرصه تحقیق تطبیقی قصه منتشر ساخت. مؤلف در مقدمه مفصلی که ویژه ترجمه فارسی این اثر است، درباره تاریخچه تیپ شناسی قصه و هواید آن توضیحاتی آورده است. کتاب حاضر طاهراً نخستین کتابی است که در این زمینه و در مورد طبقه بندی قصه های ایرانی به فارسی منتشر شده است.

۱۸۶ (مهورزانی، الهام. مرگ رنگ؛ نقد و بررسی رمان سمفونی مردگان [اثر] عباس معروفی. تهران. روشنگران. ۱۳۷۲ ۱۷۶ ص. ۱۸۰۰ ریال.

۱۸۷ (هزار بیت گزیده از دیوان کبیر غزلیات شمس؛ با ترجمه به زبان ایتالیایی. ترجمه و تحقیق از آرزو اقتداری. تهران. ناشر. مؤلف. ۱۳۷۲. ۱۷۲ ص. ۳۴۴۰ ریال.

کتاب حاضر بخشی از پایان نامه تحصیلی مؤلف کتاب است در دانشگاه کاهوسکاری ویر (ایتالیا) در رشته رمان و ادبیات. این کتاب شامل ترجمه ایتالیایی هرا بیت از ابیات دیوان کبیر است.

● درباره ادبیات خارجی

۱۸۸ (برده پروک، ام سی. تی. اس. الیوت - از مجموعه «نسل قلم» (۴) ترجمه تقی هنرور شجاعی. تهران. مرکز نشر سمر (با همکاری) دفتر ویراسته ۱۳۷۲. ۱۳۹ ص فهرست راهنما ۱۴۰۰ ریال

شرح ردگی و بررسی آثار و افکار یکی از بررگترین شاعران جهان، تی اس الیوت، سراینده منظومه سرزمین ویران و نمایشنامه حایت در کلیسا و اسب

۱۸۹ (زایدل، میشل. استندال - از مجموعه «نسل قلم» (۵). ترجمه عبدالله توکل. تهران. مرکز نشر سمر. ۱۳۷۲. ۱۰۸ ص. فهرست راهنما. ۱۲۰۰ ریال.

تحقیقی است درباره ردگی و آثار و آرای نویسنده بررگ فراسوی قرن ۱۹ و خالق آناری چون سرح و سباه، راهه کاسترو، صومعه بارم و غیره
۱۹۰ (شین، چارلز ای. اسکات فینس جرال - از مجموعه «نسل قلم» (۶) ترجمه کریم امامی. تهران. مرکز نشر سمر (با همکاری) دفتر ویراسته ۱۱۲ ص. فهرست راهنما ۱۲۰۰ ریال.

درباره ردگی و افکار و آثار یکی از نویسندگان برحسته و حوالی امریکا است. گنسی بررگ نام یکی دیگر از آثار فینس جرال (۱۹۴۰-۱۸۹۶) است که به فارسی ترجمه شده است.

۱۹۱ (ویگر، ویلیس. تاریخ ادبیات امریکا. ترجمه حسن جواد. تهران. امیرکبیر. ۱۳۷۲. ج ۲. ۴۲۹ ص. فهرست راهنما. ۲۵۰۰ ریال.

۱۹۲ (کانارد، رابرت سی. هاینریش مل - از مجموعه «نسل قلم» (۷). ترجمه خشیار دهبی. تهران. نشر شانه (با همکاری) دفتر ویراسته. ۱۳۷۲. ۹۵ ص فهرست راهنما ۱۱۰۰ ریال.

بررسی ردگی و افکار و آثار نویسنده بررگ آلمانی، هاینریش مل (۱۹۸۵-۱۹۱۷) و ریده حایره ادبی موبل ۱۹۷۲ است.

باستانشناسی

۱۹۳ (تالوت رایس، تامارا. هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی. ترجمه رقیه بهزادی. تهران. انتشارات تهران (با همکاری) نشر پردار. ۱۳۷۲. ۲۹۵ ص. فهرست راهنما. مصور. ۳۰۰۰ ریال.

«دنیای بیابانگردان ماورای قفقار و آسیای مرکزی»، «دولتهای کوچک ماوراء قفقار و هند و ایران در هزاره اول پیش از میلاد»، «سقد، مرعاه و تخوارزم از دوره هخامنشی تا عصر اسلامی»، «باکتریا و شمال عربی هندوستان از زمان

کشت؟ مشهد. [بی نا]. ۱۳۷۲. مصور. نمونه سند. ۲۵۰۰ ریال

۲۰۴) سعید، ادوارد. شرق شناسی. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۱. ۶۲۱ ص. ۳۶۵۰ ریال

۲۰۵) سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق. مطلع سعدین و مجمع بحرین به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه). ۱۳۷۲. ج ۲. ۴۴۳ ص. شمیز ۳۱۰۰ / گالینکور ۴۲۰۰ ریال

موضوع کتاب حوادث کشور ایران و جهان است در فاصله سالهای ۷۰۴ تا ۸۷۳ هـ ق. مؤلف کوشیده است حوادث جهان را در فاصله سالهای سلطت ابوسعید بهادر، آخرین ایلخان بزرگ مغول، و ابوسعید گورکان، پادشاه سموری، به صورت سال به سال جمع آوری کند

۲۰۶) کاظم زاده، فیروز. روس و انگلیس در ایران (۱۸۶۴-۱۹۱۴). پژوهشی درباره امپریالیسم. ترجمه منوچهر امیری. تهران انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲]. ج ۲. ۶۸۵ ص فهرست راهما شمیز ۴۵۰۰ / رکوب ۵۵۰۰ ریال.

مؤلف کتاب مورخ ایرانی و استاد دانشگاه بیل امریکا است او در این کتاب به تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران از روزگار سلطت ناصرالدین شاه قاجار تا آغاز نخستین جنگ جهانی پرداخته است

۲۰۷) مایل هروی، نجیب. تاریخ و زبان در افغانستان. تهران. موقوفات دکتر محمود افشاری زدی - مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی. ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲]. ج ۲. ۱۹۶ ص مصور. ۳۰۰۰ ریال.

۲۰۸) مهرآبادی، میترا. خاندانهای حکومتگر ایران باستان. با مقدمه محمدحاج مشکور (و) احسان اشراقی. تهران چاپ و انتشارات فتحی ۱۳۷۲. ۲۹۴ ص. مصور. فهرست راهما. ۴۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر درباره حاکمانهای ایران باستان و سیر تحول و بررسی تطبیعی آنها در دوره های متفاوت هخامنشی، اشکانی و ساسانی است مؤلف نام، سب، مناصب و نیول این حاکمان را از متون و مآخذ گوناگون به دست آورده و شرح و تفسیر کرده است

۲۰۹) والد اصفهانی، محمدیوسف خلد بریں (ایران در روزگار صغویان). به کوشش میرهاشم محدث تهران. بنیاد موقوفات دکتر افشار. ۱۳۷۲. ۹۰۴ ص. فهرست راهما. ۸۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر از کتب تاریخی عصر صغوی است مؤلف (متوفی ۱۱۸۸ هـ ق) این کتاب را در ۸ بخش (روضه) نگاشته است به سیاق کتب تاریخ قدیم و تاریخ جهان و ایران را تا روزگار خود شرح می دهد از این میان روضه هشتم مفصلترین بحث کتاب است که به سرگذشت شاه اسماعیل اول، شاه طهماسب، شاه مظفر، شاه اسماعیل دوم، سلطان محمد، شاه عباس اول، شاه صفی، شاه عباس دوم و شاه سلیمان صفوی اختصاص دارد

۲۱۰) هور، روبرت. تاریخ مصور جنگ جهانی اول و دوم ترجمه زرا فرجادی. تهران. چاپ و نشر بنیاد. ۱۳۷۲. ۱۲۳ ص. مصور. ۲۲۵۰ ریال.

زندگینامه، خاطرات و سفرنامه

۲۱۱) اقتداری، احمد. کاروان عمر: خاطرات سیاسی فرهنگی هفتاد سال عمر. تهران. ناشر: مؤلف. ۱۳۷۲. ۲۸۶ ص. مصور. نمونه سند. فهرست راهما. ۴۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر به شرح خاطرات سیاسی مؤلف اختصاص دارد که در چهار بخش تنظیم شده است.

۲۱۲) تولستوی از دریچه یادها. ترجمه شیرین دخت دقیقیان. تهران. حیا ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲]. ۵۸۸ ص. مصور. ۵۸۰۰ ریال.

شامل خاطرات ۳۰ نفر از دوستان و آشنایان و اقوام تولستوی است درباره او رین، استانیلاوسکی و ماکسیم گورکی از جمله نویسندگان محشایی از این کتاب هستند.

۲۱۳) دلدن، اسکندر. زندگی و خاطرات امیرعباس هویدا. تهران. گلفام. ۱۳۷۲. ج ۲. ۵۰۴ ص. مصور. فهرست راهما. ۶۵۰۰ ریال.

۲۱۴) دیویدسن، مارگریت. لویی بریل: پسری که به نابینایان جهان

توایبی آموختن بخشید ترجمه شهلا طهماسبی. تهران. هیرمند ۱۳۷۲. ۶۲ ص. مصور. ۶۹۰ ریال

داستان زندگی لویی بریل است. مردی که العای نقطه برجسته را برای نابینایان اختراع کرد

۲۱۵) رامبا، لوبساک داستان رامبا. ترجمه رضا جعفری تهران فردوس (و) مجید ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲]. ۳۲۲ ص. ۳۳۰۰ ریال

مؤلف کتاب که اهل سب است زندگی بر ماحرایی داشته که شرح در این کتاب آمده است

۲۱۶) صالحی، سیدعلی سلسله بور و سترن (مصاحبه با محمد قاضی). تهران حیا ۱۳۷۰ [توزیع ۱۳۷۲]. ۲۵۱ ص. ۲۵۰۰ ریال

بخش نخست کتاب در سال ۱۳۶۸ با عنوان محمد قاضی کسب وجه کرده است منتشر شده است

۲۱۷) طلوعی، محمود پدر و پسر: ناگفته های زندگی و روزگار بهلولی. تهران علم (۴) ۱۳۷۲. ۸۵۲ ص مصور ۹۰۰۰ ریال

۲۱۸) فرغانی، مهدی. زندگی حکیم جهانگیر خان قشقایی اصفهان امور فرهنگی شهرداری اصفهان (و) انتشارات گله ۱۳۷۱ [توزیع ۱۳۷۲]. ۲۶۱ ص. مصور فهرست راهما.

حکیم جهانگیر خان قشقایی (۱۳۲۸-۱۳۴۳ هـ ق) از علمای سام شیعه است که در حدود چهل سالگی در اصفهان به علم اموری اعار کرد و به حلقه طلاب درآمد کتاب حاضر به شرح زندگی، و معرفی همعصران، اساتید، اعار، افکار و حسمهای عرفانی و اخلاقی وی اختصاص دارد

۲۱۹) گیفورد، هری زندگی و افکار تولستوی ترجمه ابوتراب سهراب تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۲. ۱۶۱ ص فهرست راهما. ۱۲۵۰ ریال

ترجمه دومی است که از این کتاب به بار آمده است مشخصات ترجمه اول از این فرار است تولستوی، ترجمه علی محمد حق ساس، تهران، طرح بو [۱۳۷۱]. ۲۱۹ ص. ۱۷۰۰ ریال. این کتاب به شرح حال تولستوی و بررسی آثار و افکار وی اختصاص دارد

۲۲۰) لوتی، پیر. سفرنامه به سوی اصفهان ترجمه بدرالدین کتانی با مقدمه محمد مهربار تهران اقبال ۱۳۷۲. ۲۰۴ ص مصور ۲۴۰۰ ریال

مؤلف (۱۹۲۳-۱۸۵۰) داستان نویس و عضو فرهنگستان فرانسه بوده است و کتاب حاضر را در سال ۱۹۰۴ منتشر ساخته است او به سال ۱۹۰۱ (۱۳۱۷ هـ ق) معارف نادران سلطنت مظفرالدین شاه به ایران سفر کرد و سه سال بعد این سفرنامه را که شرح مسافرت او از بندر بوسهر تا حر و حش ار بندر ارملی است منتشر ساخت سفرنامه حاضر ابتدا در سال ۱۳۲۳ به صورت باورقی در روزنامه نقش جهان اصفهان منتشر شد و سپس در سال ۱۳۲۴ به صورت کتاب مستعلی تجدید چاپ شد

۲۲۱) ملاراده، حمید دریچه های توبه آسوی ارس: یادداشت های سفر به جمهوری آذربایجان تبریز ارك. ۱۳۷۱. ۱۴۶ ص مصور. ۱۰۰۰ ریال

مؤلف کوشیده است در یادداشت های دیدنی های جمهوری آذربایجان را شرح دهد مطالب کتاب حاضر فعلا به صورت مجموعه مقالاتی در روزنامه مروج آزادی منتشر شده است

جغرافیا

۲۲۲) اهلرز، اکارت. ایران مبنای کشورشناسی جغرافیایی ج ۱. جغرافیای طبیعی. ترجمه محمدتقی رهنمایی. تهران. مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب. ۱۳۷۲. ج ۲. ۲۱۲ ص. نقشه. جدول. نمودار ۳۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر به بررسی مابای جغرافیای طبیعی ایران اختصاص دارد و اوصاف این کشور را بر اساس اطلاعات موجود تا سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹) شان می دهد مابای تاریخی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی موضوع حلد دوم این مجموعه، و جغرافیای ناحیه ای ایران با صوابط تقسیمات ناحیه ای کشور،

نشریه‌های علمی و فرهنگی

موضوع جلد سوم این مجموعه خواهد بود.

(۲۲۳) زندگی، رسول. کوههای کرمان (نگرشی بر بلندبهای جنوب شرقی ایران). خدمات فرهنگ کرمان. ۱۳۷۲. ۱۳۲ ص. مصور. نقشه. واژه‌نامه. ۱۳۰۰.

مؤلف مناطق کوهستانی کرمان را به ده رشته یا منطقه کوهوردی تقسیم کرده و سپس به شرح قله‌ها و ویژگیهای گوناگون آنها، چون مشخصات، پوشش گیاهی و جانوری، حلوه‌های طبیعی، مسیر صعود و غیره پرداخته است. (۲۲۴) فرهادی، مرتضی. نگاهی به اهمیت و پیشینه کبوترخانه‌های ایران. تهران. جهاد سازندگی - جشنواره هنری ادبی روستا. ۱۳۷۲. ۲۸ ص. مصور.

در این کتاب درباره کبوترخانه‌های ایران و نقش و اهمیت آنها در گذشته بحث شده است. کتاب دارای تصاویر رنگی بسیاری از کبوترخانه‌های متفاوت در گوشه و کنار ایران است. بحث درباره معماری و جگویی ساخت و محافظت کبوترخانه‌ها از دیگر مباحث کتاب حاضر است.

(۲۲۵) مدیریت کار توگرافی - قسمت بازنگری نقشه و گردآوری اطلاعات جغرافیایی. فرهنگ جغرافیایی روستاهای کشور: ۶: شهرستان طوالش. تهران سازمان نقشه‌برداری کشور. ۱۳۷۱. ۲۵۵ ص. نقشه فهرستهای راهنما.

سازمان نقشه‌برداری کشور با اعرام گروههای پژوهشی به مناطق مختلف کشور درصدد تهیه اطلاعات هم‌افایی برآمده است و کتاب حاضر از جمله نخستین دستاوردهای آن است. نام محلی، نام رسمی، دهستان، بخش، طول و عرض هم‌افایی، ارتفاع متوسط، موقعیت و عوارض طبیعی و پیشینه آثار تاریخی از جمله اطلاعاتی است که درباره روستاهای شهرستان طوالش در این کتاب گردآوری شده است.

(۲۲۶) مهدوی، مسعود. آمار و روشهای تجزیه و تحلیل داده‌ها در جغرافیا. تهران قومس. ۱۳۷۲. ۲۲۴ ص. جدول نمودار. ۲۴۰۰ ریال (۲۲۷) یزدانی نجف‌آبادی، علی. دیباچه دیارنویز، نگرشی بر بنیادهای تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی، همراه با شرحی بر احوال رجال شهرستان نجف‌آباد. اصفهان. بی نا. ۱۳۷۲. ۳۱۰ ص. مصور نقشه. فهرست راهنما. ۲۹۰۰ ریال.

کتابهای چاپ خارج

(۱) امیرسیدعالم خان تاریخ حزن‌الملل بخارا (خاطرات). به کوشش و تصحیح محمد اکبر عشیق کابل. [بی جا]. اتحادیه نویسندگان افغانستان آزاد. ۱۳۷۰ [توزیع ۱۳۷۲]. هشتاد و پنج + ۹۰ ص. مصور.

امیرسیدعالم خان آخرین پادشاه بخاراست که از ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ (از ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۹ هجری سال کودتای رضاخان) امارت کرده است. او، پس از اشغال بخارا به دست روسها به افغانستان رخت و تا ۱۳۱۸ ش که درگذشت، در آوارگی گذراند و در همان احوال خاطرات خود را با عنوان تاریخ حزن‌الملل بخارا به رشته تحریر درآورد. این کتاب گوشه‌ای از اسرار توسعه‌طلبی روسیه تراری و جبرگی کمونیستها را بر بخارا بر ملامی سارد مصحح کتاب، علاوه بر يك مقدمه مفصل یادداشت‌های سودمندی بر آن افزوده است.

(۲) امین، پروفیسور سیدحسن. دیوان حاج ملاهادی سبزواری. ج ۲. لندن. بکا (توزیع در ایران به وسیله انتشارات وحید). ۱۳۷۲. سیرده + ۳۳۰ + چهار صفحه (انگلیسی). مصور.

حاج ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲ تا ۱۲۸۹ هـ. ق) عارف و فیلسوف قرن سیزدهم معروف تر آن است که بیار به معرفی داشته باشد. او علاوه بر تألیفات گوناگون، شعر هم می‌گفته است، اما تا کون متن مُنقح سالمی اردیوان اودر دست بوده است. متن حاضر از روی چند نسخه خطی و چاپی و با دقت و فحص هرچه تمامتر فراهم آمده است مقدمه مفصل پروفیسور امین و حواشی محققان او به فهم آثار و اشعار سبزواری کمک می‌کند.

آدیه (ش ۸۳، مرداد- شهریور ۱۳۷۲)

«گشت پرده انتشار خاطرات کیانوری»، «کیانوری: از خاطرات دفاع می‌کنم»، «زندگی و هنر و رمان»، «بدهکاران و بستانکاران سفر کلاسیک»، «منتقد ایرانی و داور خارجی؟»، «سرمایه جهانی و کشورهای پیرامونی».

آینده (س ۱۹، ش ۱-۳، فروردین- خرداد ۱۳۷۲)

«شعرهایی از تاجیکستان»، «شعرهایی از افغانستان و پاکستان»، «زبان آذری و گویش "قراونه"»، «نامه قائم مقام به لرد کاسلری»، «روح (واژه گیلکی)»، «ملک الشعرا صبا»، «فهرست ایرانشناسهای راس»
● پیام دیابت (س ۱، ش ۲، تابستان ۱۳۷۲).

«انجمن دیابت چه می‌کند»، «تغذیه و دیابت»، «حاملگی و دیابت»، «ورزش و دیابت»، «حوانات و دیابت»، «دیابت در جهان».

● تحقیقات اسلامی، نشریه بیادادیرة المعارف اسلامی (س ۷، ش ۲) «انسان کامل»، «رسالة الباهره»، «مفاهیم انقلاب در اسلام»، «مجموعه آثار ابو عبدالله سلمی»، «نقدی بر ترجمه کتاب ادبیات فارسی»، «معرفی کتاب»، «مقاله‌های انگلیسی»

صفت حمل و نقل، ویریه نامه سفر [۶] (تابستان ۱۳۷۲)

«مشهد، همه راهها به آستان قدس حتم می‌سود»، «گذشته و امروز ایبانه»، «قبرس، وئوس جهانگردان»، «لاهیجان، شهر چای و اریشم»، «ناصرالدین شاه، گزارشگری چاپکدست و می‌پروا»، «پکن، شهر افاقا و دوجرحه»، «سیمای اصفهان در عصر صفویه»، «گذری به بازار بومسیر در شیراز»

فصلنامه پیام کتابخانه (س ۲، ش ۱، بهار ۱۳۷۲)

«ارزیابی مجموعه کتابخانه‌های دانشگاهی شهر تهران»، «مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه خدمات و منابع مرجع در جهان و ایران»، «حق مؤلف (۲)»

کلیک (ش ۴۱، مرداد ۱۳۷۲)

«یگانگی حوزه فرهنگی و تاریخی جمهوریهای حراسان بررگ، ایران و افغانستان»، «رمان و عدد در اندیشه اسطوره‌ای»، «دریاب تعویص حقوق نشر و سایر قصایا»، «موسیقی ایرانی در چین (۳)»، «در غرب چه خبر؟ (۱۹)»، «بوف کور هدایت، همچون يك رمان عربی»، «مناظره گلدمن و مارکوزه»

گیلهوا (س ۱، ش ۱۱، اردیبهشت ۷۲)

«سروها ایستاده می‌میرند [به مناسبت هفتادوپنجمین سال شهادت دکتر حشمت]»، «شرح کامل محاکمه و اعدام دکتر حشمت حسگی»، «بهار در شعر گیلکی»، «اهمیت واژگان گیلکی»، «باد در باوردداشت مردم»، «آیین نگارش گیلکی»، «اشعار گیلکی».

● نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهر کرمان (دوره ۳، ش ۲).

«مرگ در پاییز و اوسته باباسبحان: قصه خاک و هویت»، «توسعه‌نیافتگی و توسعه‌یافتگی»، «از سلسله پژوهشهای شناخت عرفان ایران»، «خلاصه نکات در مورد امتحان ترجمه و ترجمه‌های حرفه‌ای ضرب‌الاجل دار»، «زبان و ادب فارسی در هند دیروز و امروز»، «بررسی رشته جامعه‌شناسی در ایران»

● خرید کتاب و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پایان نمایشگاه کتاب همدان در حدود ده میلیون تومان کتاب از ناشران شرکت کننده خرید و به کتابخانه‌های عمومی همدان اهدا کرد

● توسعه کتابخانه‌ها: دبیرکل هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور اعلام کرد که با همت مردم و مسؤولان فرهنگی کشور ۳۰۰ باب کتابخانه در طی پنج سال گذشته در کشور احداث شده است، اما با توجه به معیارهای جهانی هنوز به ۸۰۰ کتابخانه دیگر نیاز است

وی همچنین گفت که در نیمه اول سال جاری در حدود ۴۰۰ هزار جلد کتاب خریداری شده و به کتابخانه‌های عمومی کشور تحویل داده شده است.

چند خبر دانشگاهی

● استیتوی متالورژی دانشگاه تهران به وسیله آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ایران، گشایش یافت

آقای هاشمی، در مراسمی که به همین مناسبت برگزار شد، گفت از این پس درصد معینی از درآمدهای وزارتخانه‌ها و مراکز صنعتی کشور به ایجاد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و توسعه آنها اختصاص می‌یابد، زیرا که این امر به نفع هر دو طرف و موجب تأمین نیازهای کشور است

هزینه احداث این استیتو را وزارت معادن و فلزات پرداخته است

● رئیس مرکز آموزش مدیریت دولتی اعلام کرد که یک دوره دکتری و سه دوره کارشناسی ارشد مدیریت در این مرکز تأسیس شده است که از امسال دانشجو می‌پذیرد هدف از این کار ارتقای سطح علمی مدیران دستگاه‌های دولتی است

● آموزشکده‌ها و دانشگاه‌هایی که وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی هستند، زیر پوشش «دانشگاه جامع تکنولوژی» درمی‌آیند هدف از تأسیس این دانشگاه تأمین نیروی انسانی کارآمد در بخش‌های صنایع، کشاورزی، ساختمان و هنر است

● قائم مقام مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی (وابسته به دانشگاه تهران) اعلام کرد که شورای عالی انقلاب فرهنگی با ایجاد رشته کارشناسی ارشد مدیریت بیابان (در دانشگاه تهران) موافقت کرده است

● کنگس ساخت ایستگاه تحقیقاتی مرتع‌شناسی منابع طبیعی دانشگاه تهران در منطقه طالقان به زمین رده شد و کار احداث آن آغاز گردید

● کنگس احداث ساختمان‌های دانشکده حقوق و دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شیراز به زمین رده شد

● معاونت دانشجویی وزارت بهداشت اعلام کرد که دانشجویان ایرانی معیم خارج در صورتی که در رشته‌های علوم پایه در دانشگاه‌های معتبر تحصیل کنند می‌تواند از بورسهای تحصیلی این وزارتخانه استفاده کنند.

● کنگس احداث نخستین هریستان موسیقی دخترانه تهران به وسیله دکتر علی لاریجانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به زمین رده شد

● معاونان آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور در پایان سیزدهمین گردهمایی خود در رشت، بر لزوم سرمایه‌گذاری بیشتر برای توسعه آموزش عالی در کشور تأکید کردند

● مجتمع آموزش عالی لرستان به دانشگاه تبدیل می‌شود. شورای

در ایران، در جهان

خبرهایی از عالم نشر و بازار کتاب

● اهدای کتاب: حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، یک جلد کتاب خطی نفیس به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا کردند

این کتاب نفیس، نسخه‌ای از دیوان حافظ است که استاد محمدحسین شیرازی آن را در سال ۱۲۴۰ هـ.ق در مشهد کتاب کرده است قطع کتاب جیبی است، دارای ۲۸۱ صفحه است و هر صفحه حاوی ۱۵ سطر است. صفحات کتاب، که با قلم حقی تمام شکسته بسیار ممتاز بوسه شده، تذهیب شده است.

این کتاب را استاد غلامحسین امیرحاجی به مقام معظم رهبری تقدیم کرده بود.

● نمایشگاه کتاب در اورمیه: اولین نمایشگاه بزرگ کتاب اورمیه با شرکت ۳۷۵ ناشر از سراسر کشور با موفقیت برگزار شد. در این نمایشگاه هفده هزار عنوان کتاب در زمینه‌های مختلف علوم و فنون به نمایش گذاشته شد.

در کنار نمایشگاه اصلی چند نمایشگاه فرعی از آثار هنرمندان در زمینه‌های صنایع دستی، نقاشی، مینیاتور و همچنین حادیه‌های سیاحتی استان آذربایجان غربی برپا شده بود.

● بن کتاب: دکتر علی لاریجانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در مراسم پایانی نمایشگاه کتاب در همدان اعلام کرد که این وزارتخانه با استفاده از اعتبارات «تبصره پنج»، به منظور مقابله با تهاجم فرهنگی و دسترسی آسان افراد به کتابهای مورد نیاز، «بن»های ویژه خرید کتاب توزیع خواهد کرد.

این حواله‌ها در اختیار افراد کتابخوان، علی‌الخصوص دانشجویان، قرار می‌گیرد و به کمک آنها خریدار فقط نیمی از بهای کتاب را می‌پردازد. این طرح با همکاری وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات و حوزه علمیه اجرا می‌شود.

توسعه صادرات ایران» برپا شده بود، با شعرخوانی و موسیقی همراه بود.

نمایشگاه نقاشی قهوه‌خانه

اولین «نمایشگاه آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای» در شهریور ماه در «نگارخانه» سعدآباد تجریش گشایش یافت.

در این نمایشگاه آثار هنرمندان بزرگ در گذشته و معاصر، در سه رشته برمی، رومی و مذهبی به نمایش گذاشته شده بود. در مراسم افتتاح نمایشگاه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به چند تن از هنرمندانی که آثارشان به نمایش گذاشته شده بود، لوح تقدیر اهدا کرد.

نمایشگاه بین‌المللی کاریکاتور

اولین نمایشگاه بین‌المللی کاریکاتور تهران در روز ۱۳ شهریور در موزه‌های معاصر گشایش یافت و تا ۸ مهر ادامه داشت.

دکتر حسن حبیبی، معاون اول رئیس جمهوری، در مراسم افتتاح نمایشگاه «دو سالانه کاریکاتور تهران»، لزوم به کارگیری اندیشه‌های جدی در آثار کاریکاتور را ضروری شمرد و گفت باید در مطبوعات، هر چه بیشتر اثر کاریکاتور استفاده شود ولی مبالغه زیاد در کاریکاتور از قدرت طر آن می‌کاهد.

در این نمایشگاه از مجموع ۲۵۴۰ اثر ایرانی و خارجی که برای نمایش پیشنهاد شده بودند، ۱۱۲ کاریکاتور از هنرمندان ایرانی و ۴۱۷ کاریکاتور از هنرمندان ۴۷ کشور دیگر به نمایش گذاشته شده بود.

دوره‌های روزنامه‌نگاری و گرافیک مطبوعاتی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها (حیابان دکتر فاطمی غربی) از اول مهر ماه دو دوره کوتاه مدت (چهارماهه) برای آموزش در رشته‌های روزنامه‌نگاری و گرافیک مطبوعات برگزار می‌کند.

هر دوره شامل پنج عنوان درسی و ده واحد است از قبیل خبرنگاری، گزارش مطبوعاتی، مصاحبه مطبوعاتی، شیوه نگارش، گرافیک و صفحه‌آرایی، فنون طراحی، مبانی طراحی، عکاسی...

موزه آثار طبیعی و حیات وحش ایران

اولین موزه بزرگ آثار طبیعی و حیات وحش ایران در هفته دوم شهریور، در شمیران افتتاح شد. این موزه در ۱۳ هزار متر مربع مساحت (از جمله ۳ هزار متر مربع ساختمان) و شش بخش (پستانداران، پرندگان، خزندگان، حشرات، درندگان، تاکسی‌درمی) تأسیس شده است که وجود بزرگترین لک‌آرپوم کشور یکی از امتیازات آن است.

مقامات شهرداری این موزه را از «موزه‌های بی‌نظیر دنیا» توصیف کرده‌اند و گفته‌اند که «در کشورهای خاورمیانه و حتی دنیا بخش تاکسی‌درمی با چنین کیفیتی تا کنون ایجاد نشده است». هدف از ایجاد این موزه آموزش دانش‌پژوهان و ترغیب دست‌اندرکاران و تشویق دانش‌آموزان به آشنایی با جانوران است.

فعالیت‌های علمی دیگر

در طی دو ماه گذشته چند کنفرانس علمی مهم در کشور برگزار شد که

گسترش دانشگاه‌ها این تبدیل را تصویب کرده است.

همچنین کلنگ احداث دانشکده علوم پزشکی و دانشکده فنی - مهندسی دانشگاه لرستان، به وسیله آقای حسن حبیبی، معاون اول رئیس جمهوری، به زمین زده شد. دانشگاه مرگ لرستان در زمینی به وسعت چهارصد هکتار ایجاد می‌شود.

● با همکاری شهرداری تهران و سازمان تربیت بدنی اولین دانشکده والیبال ایران در ورزشگاه آزادی تهران تأسیس می‌شود.

● دهمین گردهمایی دانشجویان داخل و خارج کشور در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار شد.

● دورشته جدید کارشناسی ارشد ادبیات فارسی و علوم اجتماعی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان افتتاح شد.

کنفرانس نگارگری ایرانی-اسلامی

همزمان با برگزاری اولین «نمایشگاه دو سالانه نگارگری ایرانی-اسلامی» در اوایل شهریور ماه در موزه‌های معاصر تهران، یک مجموعه سخنرانی به وسیله استادان و صاحب‌نظران تحت عنوان «کنفرانس نگارگری ایرانی-اسلامی» برگزار شد در این کنفرانس درباره موضوعهای زیر سخنرانی شد:

- گنبد سرح (هر در پنج گنبد نظامی).

- نگاره‌های حماسی - مذهبی.

- دورمای هنر معاصر ایران.

- ماهیت نگارگری ایرانی - اسلامی.

- پیوند نگارگری با شعر و ادب پارسی.

- شناخت بزرگان نگارگری معاصر.

- جلوه‌های گوناگون نگارگری ایرانی.

- تبیین موقعیت کنونی نگارگری و آینده آن.

نمایشگاه و کنفرانس ادب و هنر ایران

در هفته اول شهریور ماه در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران «نخستین نمایشگاه و کنفرانس ادب و هنر ایران» با شرکت استادان هنر، اهل قلم، دانشجویان و علاقه‌مندان برگزار شد.

در این مراسم چند تن از استادان زبان و ادب فارسی درباره موضوعهای زیر سخنرانی کردند:

- گلشن راز.

- فلسفه موسیقی ایران.

- گنجینه‌های ادب پارسی.

- ادبیات غنایی.

- معراج.

- اصطلاحات عرفانی.

- ادبیات پیش از اسلام.

- طنز در شعر حافظ.

- دفاع از زبان فارسی.

- صنایع ادبی.

- دگرگونی چهره‌ها در اساطیر ایران.

- سنایی.

جلسات این مراسم که هفت روز طول کشید و با همکاری «مرکز

بهرت وار به آنها اشاره می‌شود:

● اولین کنگره بین‌المللی شیمی و مهندسی شیمی ایران، با شرکت متخصصان ۵۰ کشور و ارائه ۱۲۰ مقاله در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. و شرکت‌کنندگان خواستار انجام اقدامات مؤثر و عملی برای اختصاص دودرصد از تولید ناخالص ملی به امر تحقیقات در دانشگاهها شدند

در پایان این کنفرانس دکتر عبدالحسین روستائیان به عنوان استاد نمونه، دکتر علی معصومی به عنوان شیمیدان نمونه سال و دکتر محمد جامع الاحمدی به عنوان اولین شیمیدان نمونه از بحث صنعت و معدن معرفی شدند.

● یازدهمین کنگره گیاهپزشکی ایران که در ریباکنار رشت تشکیل شده بود، شش روز طول کشید و ضمن آن درباره آفات مهم برنج، پسه، دانه‌های روغنی، غلات و شیوه‌های مبارزه با آنها بحث و تبادل نظر شد.

● دومین کنگره فیزیک پزشکی و ششمین سمینار مهندسی پزشکی ایران در دانشگاه تبریز برگزار گردید.

● در دهمین کنفرانس فیزیک ایران که با سخنان دکتر هاشمی گلپایگانی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی در دانشگاه رازی کرمانشاه افتتاح شد، آخرین دستاوردهای دانشمندان ایرانی و خارجی ارائه گردید و در پایان به چند تن از مخترعان ایرانی جوایز اهدا شد.

کنگره سیدابوالقاسم نباتی

به منظور برگذاشت سیدابوالقاسم نباتی، شاعر عارف و حکیم قرن سیزدهم هـ.ق، مراسمی در بیعه اول شهریور به مدت دو روز در شهرستان کلپیر برگزار شد که بیش از ۱۸۰ تن از استادان، شاعران و شخصیت‌های ادبی کشور در آن شرکت کردند.

کلپیر، در منطقه ارسباران در شمال آذربایجان شرقی و جنوب رود ارس قرار دارد و ابوالقاسم نباتی در روستای «اوش دبین» ارسباران از توابع آن شهرستان متولد شده و در طی ۷۱ سال عمر خود آثار منشور و منظوم بسیار به ربانهای تاتی، ترکی، عربی و فارسی مرصع گذاشته است که نسخه‌های خطی آنها در بعضی از کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان (مسکو، پتر و گراد، لاهور، استانبول، باکو و کتابخانه‌های تبریز و مجلس شورای اسلامی در تهران) نگهداری می‌شود. برخی از این آثار در افغانستان، ایران، پاکستان، ترکیه، قفقاز و هندوستان چاپ شده است که عین‌العشق از آن جمله است.

نشریه‌های تازه

نازار نشر معمولاً در تابستان از رونق می‌افتد که شاید علت عمده آن تعطیلی سالانه مدارس و دانشگاه‌هاست. به همین سبب در یکی دو ماه اخیر کمتر نشریه تازه‌ای وارد عرصه مطبوعات شده است و در این مدت ظاهراً فقط چهار نشریه تازه انتشار یافته است.

● بینالود، ماهنامه‌ای است «فرهنگی، هنری، اجتماعی» که شماره اول سال اول آن تاریخ تیرماه ۱۳۷۲ را دارد. در سرمقاله این شماره چنین آمده است: «اهل نظر می‌دانند که اقدام به انتشار یک مجله، در زمان حاضر، چه مایه دشواریها به دنبال دارد و هیچ چیز جز عشق و احساس مسؤولیت و آرزوی رشد و تعالی فرهنگی نمی‌تواند ره‌توشه چنین حرکتها باشد... [و چون] خراسان با وجود منابع سرشار فرهنگی

و پشتوانه عظیمی از تمدن و فرهنگ و هنر و ادب تا کنون نتوانسته است حتی از حداقل توانهای خویش بهره‌برد و آنها را به منصه ظهور برساند، این مجله... امیدوار است که بتواند انگیزه حرکتی را فراهم کند که درخور و شایسته رادگاه زبان فارسی باشد».

بینالود که نام خود را از رشته کوه معروفی به همین نام در شمال خراسان گرفته است، به همت گروهی از ادب‌دوستان پیشاپور منتشر می‌شود و نمایندگی آن در تهران با انتشارات توس است

● پیک آزادی، هفت‌نامه‌ای است حاوی مطالب سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی، که قرار است روز دوشنبه هر هفته منتشر شود.

این هفته‌نامه «نخستین نشره استانی استان تهران» توصیف شده است زیرا که فقط در محدوده این استان توزیع می‌شود

● صراط، نشریه‌ای است ماهانه «در قلمرو اندیشه و سیاست» که شماره اول آن در بیرماه انتشار یافته است. در سرمقاله یا «برگ نخست» آن، تحت عنوان «حرف اول، گام اول» گفته شده است که «در عصر ارتباطات، در دورانی که وسایل ارتباطی فراگیر جهان را همچون دهکده‌ای کوچک در تسخیر خود دارند دیگر سخن از خطر سلاحهای پیشرفته مرگبار، تهدیدات و تحولات نظامی قدرتهای سلطه‌گر، فریب بیش نیست دیبای امروز، دیبای نماران اطلاعات، نماران امواج و واژه‌ها و مفاهیم است حبکلی از امواج و اصوات بشر را در حیره خود گرفته لذا محالی برای گریز از موقعیت و وضعیت دشوار کنونی نیست

[اولی از آنها] که اسان «شرقی» بیر برای خود چراغی دارد که گرچه حادویی نیست اما تشعشع فروغ آن می‌تواند دیبایی را متحیر سازد. ما بیت برافروختن و شعله‌ور ساختن این چراغ نیمه خاموش بر آن شدیم تا در یجه تارهای را به سوی روشن‌ترین و سرترین سوی حیاط خانه مطبوعات کشور خود نگشاییم»

شماره اول صراط حاوی مقالات و گزارشهای مختلف است از جمله «تهران، بی‌دهاق در برابر ۱۲۸ کانال ماهواره»، «اروپا، سلام هاشیم، خدا حافظ دموکراسی»، «در تکاپوی پوچی»، «غریستان، ناری دیکتانورها با دموکراسی»، «بحره‌ها بار شده است، درها را محکم ببندید»

● نامه فرهنگی شریف، فصلنامه‌ای علمی - فرهنگی است که به وسیله دانشگاه صنعتی شریف منتشر می‌شود و حاوی مقالات تحقیقی و اخبار و گزارشهای علمی است

شماره «صفر» این فصلنامه حاوی مقالاتی است درباره احیای تفکر فلسفی در میان دانشمندان تجربی، ایران و همسایگان تازه، بحران هویت، اعتماد به نفس، تأثیر دین در منش آدمی، جایگاه ریایی در فلسفه ریدکی...

فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور

دامنه فعالیت‌های فرهنگی ایرانیان در خارج از کشور هر روز گسترش بیشتر می‌یابد آنچه دیلا نقل می‌شود نمونه‌ای از فعالیت‌های چند ماه اخیر است

● فستیوال فیلمهای ایرانی در هرات به مدت دوازده روز جریان داشت و ضمن آن هفت فیلم سینمایی به نمایش گذاشته شد

● در جشنواره بین‌المللی تاورمینا (ایتالیا) دو فیلم «هرپیشه» و «انتظار» از ایران شرکت داده شد

شد که گروهی از شاعران و پژوهشگران کشورهای سواحل دریای مدیترانه در آن گرد آمده بودند تا درباره تأثیر متقابل شعر و ادبیات این کشورها در یکدیگر سخن گویند، و شاعران نمونه‌هایی از اشعار خود را باز خوانند. آپولون رب النوع شعر و هنر و نور در اساطیر یونان باستان است. بر اساس داستانهای کهن، او خود که شاعر و نوازنده بود، سوار بر آرایه‌ای از نور به دلفی آمد و پیتون، غول عظیمی را که بر آن شهر مسلط بود، از میان برداشت و خود را در چشمه‌ای که در دامنه کوه بود (و هم اکنون نیز هست)، شست و شوداد. از آن پس، معبدی در آنجا برپا شد که همه ساله گروهی انبوه از سراسر یونان به دیدن آن می‌شتافتند و نقدینه و جواهر بسیار نثار رب النوع شعر می‌کردند...

بنابراین، تشکیل کنگره بین‌المللی مذکور در دامنه کوه پاراس حنبه‌ای نمادین داشت. سخنرانان که می‌نایست یا شاعر می‌بودند و یا ناقدان و پژوهشگرانی که درباره شعر تحقیقاتی کرده‌اند، جمعاً سی و شش تن بودند؛ از جمله ۲۰ تن از شاعران کشورهای سواحل مدیترانه که برخی از آنان، مانند محمود درویش، آدونیس، اینچه، توفیق فهید، تیتوس پاتریکو، دارای آثار متعدد و شهرتی فراتر از مرزهای سرزمین خود هستند.

هرینه اقامت شرکت‌کنندگان به همت وزارت فرهنگ یونان و بیر دانشگاه استراسبورگ در فرانسه تأمین شده بود. در آخرین روز کنگره، شب شعر در سالی مجلل مجلس ملی یونان، که قسمتی از کاخ سلطنتی پیشین این کشور را تشکیل می‌داده است، با حضور جمعی از شخصیت‌های یونانی برگزار شد. از هر يك از شاعرانی که در کنگره شرکت کرده بودند، سه چکامه که قبلاً به وسیله شاعران یونانی به زبان یونانی در آمده بود، خوانده شد و سپس همان شاعر، یکی از آن چکامه‌ها را در زبان اصلی دکلامه کرد.

باری، آنچه در این کنگره برای ما ایرانیان افتخار آفرین بود، این بود که کمتر خطابه‌ای در جلسات متعدد ایراد شد که در آن نامی از سخنوران بزرگ ایرانی، مانند سعدی و حافظ و خیام و مولوی، به میان نیامد و نه نحوی از تأثیر آنان در شعر و ادب ترکیه و یا برخی از کشورهای عربی سخن برفت.

اما آنچه تأسفانگیز بود، غیبت شاعران ایرانی در چنین انجمنی بود، و حال آن که به کوشش مدیر بخش زبان فارسی دانشگاه استراسبورگ، از چند تن از شاعران ایرانی برای شرکت در کنگره دعوت شده بود و حتی از طریق سفارت ایران در پاریس، همچنان به کوشش مدیر بخش زبان فارسی دانشگاه استراسبورگ، به وزارت امور خارجه پیشنهاد شده بود که کسانی را برای شرکت در کنگره اعزام دارد. متأسفانه این اقدام به نتیجه نرسیده بود. عدم حضور شاعران ایرانی موجب آن شد که، هر چند بسیاری از سخنرانان از نقش شعر فارسی در شعر ترکی و عربی سخن می‌گفتند، ولی نمایندگان برخی دیگر از کشورها این سؤال را طرح کنند که آیا اصولاً شرکت ایران در کنگره‌ای مربوط به شعر در کشورهای سواحل مدیترانه کاری موجه است یا نه. البته به این سؤال «شیطنت‌آمیز» به وسیله آقای دکتر حسین بیگ‌باغبان، مدیر بخش زبان فارسی دانشگاه استراسبورگ که سخنرانی خوبی نیز درباره «نیمایوشیج و ریشه‌های شعر نو در ایران» ایراد کرد، جواب مطلوب داده شد و با اصرار ایشان که دوستان متعددی در جمع شرکت‌کنندگان داشت، مقرر گردید که ایران جزو اعضای

● فستیوال فیلمهای ایرانی در اواخر مرداد به مدت يك هفته در شهر ننگلور (هندوستان) برگزار شد.

● در چهل و هفتمین دوره جشنواره ادینبورگ (اسکاتلند) فیلم «چکمه» ساخته محمدعلی طالبی به نمایش درآمد و مورد استقبال قرار گرفت.

● در جشنواره موسیقی صدای آسیا که با شرکت ۱۹ کشور در آلمان (المپت) پایتخت قریزستان برگزار شد اثر فرید شب‌حیز در میان ۷۵ اثر، به عنوان اثر برتر شناخته شد و جایزه ۱۵۰۰ دلاری فستیوال را از آن خود کرد.

همچنین جایزه ویژه هیئت داوران این جشنواره به عباس بهادری، خواننده ایرانی، تعلق گرفت.

● نمایشگاه آثار هنرمندان ایرانی در باکو مورد استقبال فراوان مردم قرار گرفت. در این نمایشگاه آثار ده نقاش، پنج مجسمه‌ساز، سه کاریکاتورپرداز، دو خطاط و چهار طراح ایرانی به نمایش گذاشته شده بود.

● هفته‌نامه کریسچن ساینس مانیتور، چاپ آمریکا، اثر يك کاریکاتورپرداز ایرانی را به عنوان یکی از کاریکاتورهای منتخب خود در مورد فاجعه بوسنی - هرزه‌گوویس، معرفی کرد. اصل این کاریکاتور به امضای «حواد» در روزنامه آبرار چاپ شده بود. در این طرح سارمان ملل متحد به صورت اسانی که چوب‌پنبه در گوشه‌هایش گذاشته است و بی تفاوت از کنار قضیه بوسنی - هرزه‌گوویس می‌گذرد، ترسیم شده است. ● سومین جایزه مسابقه جهانی کاریکاتور که در مقدونیه (یوگسلاوی سابق) برگزار شد، به علی دیوانداری تعلق گرفت.

● کانو پرورش‌فکری کودکان و نوجوانان اسامی بیست تن از کودکان و نوجوانان ایرانی را که از برگزیدگان بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی هر کودک (ژاپن)، هستند، اعلام کرد. امسال ۳۱۶ هزار اثر از ۶۸ کشور در این مسابقه شرکت کرده بود.

● وزارت فرهنگ چین نمایشگاهی از منتخب آثار مینیاتور استاد محمود فرشچیان ترتیب داد.

● در سیزدهمین مسابقه بین‌المللی کاریکاتور ملا نصرالدین که با شرکت هنرمندان ۴۴ کشور در استانبول برگزار شد، چند تن از هنرمندان ایرانی آثار خود را به نمایش گذاشتند.

● در جشنواره بین‌المللی نقاشی متحرک که در پاریس برگزار شد سی فیلم کارتون ایرانی به نمایش درآمد.

ع. روح‌بخشان

● یونان

بر فراز کوه پاراناس

از ۲۷ تا ۳۱ ماه مه (۶ تا ۱۰ خرداد)، در شهر کوچک دلفی، واقع در جنوب یونان و در دامنه کوه پاراناس، جایگاه آپولون، کنگره‌ای تشکیل

نوسان بجمع به شمار آید.

نگارنده نیز درباره «هاری دوموتزلان در مکتب شاعران بزرگ برای» سخن گفت. این سخنرانی هم که نشان می‌داد چگونه بهترین شاعران فرانسوی در نوشتن آثار خود از شعر و ادب فارسی الهام گرفته‌اند، در اخذ تصمیم مبنی بر عضویت ایران در انجمن شعر شرق مدیترانه بی‌تأثیر نبود. ولی چه خوب بود که چند تن از شاعران معاصر ایران هم در سخنرانیها و در شب شعر شرکت می‌کردند یا گفت‌وگو درباره ادبیات فارسی تنها به دوره‌های گذشته محدود نشود و من ایران معاصر نیز در شعر و هنر مشخص گردد.

اینچه موجب عدم شرکت برخی از مدعوین ایرانی شده بود سنگینی هزینه رفت و برگشت به دلفی بود که با توجه به گرانی مسافرت‌های هوایی و هزینه‌های جنبی دیگر، از حدود امکانات بیشتر اهل قلم بیرون است. بنیسات فرهنگی هم از پرداخت این گونه هزینه‌ها خود را معذور می‌داند کاش دولتمردان به این نکته عنایت می‌کردند که تشکیل سمپارهای متعدد بین‌المللی در داخل کشور، که گاه در طول یک هفته در حد نهاد دولتی و اغلب با قبول هزینه رفت و برگشت و اقامت مدعوین برگزار می‌شود، تنها راه مطرح بودن در سطح جهانی بیست و چه بسا که شرکت پژوهشگران و هنرمندان ایرانی در محافل بین‌المللی از این دیدگاه مؤثرتر و مفیدتر باشد.

جواد حدیدی

● ترکیه

انتشار جلد هفتم «دایرة المعارف اسلام ترکیه»

همین جلد از دایرة المعارف اسلام اوقاف ترکیه که جلد ششم آن حدود هفت ماه قبل (در سال ۱۳۷۱/۱۹۹۲) منتشر شده بود، اخیراً انتشار یافته است. این مجلد شامل مدخلهای حرف ج (C) از [امام] جعفر صادق (ع) تا جلد چهل و یک (یا صحافی و جلدسازی)، در ۵۶۰ صفحه سه ستونی است. همچنانکه در معرفی جلد ششم این دایرة المعارف گفته شد (← نشر دانش، سال سیزدهم، شماره اول، آذر و دی ۱۳۷۱، ص ۵۴ و ۵۵)، نخستین گامهای تدارکاتی برای تأسیس این دایرة المعارف در ۱۳ مارس ۱۹۷۵ از طرف سازمان اوقاف ترکیه برداشته شد، و نخستین جزوه آن در نوامبر ۱۹۸۸/آبان ۱۳۶۷ انتشار یافت در حالی که هر مجلد این دایرة المعارف حدوداً شامل ۱۲ جزوه ۲۸ صفحه‌ای، و حاوی حدود ۸۰۰ مقاله است، صورت کامل شده آن که قرار است به حدود ۳۰ جلد برسد، دست کم ۲۲۰۰۰ مقاله خواهد داشت، و بایان و گردانندگان آن قول داده‌اند که تا سال ۲۰۰۰ میلادی این مجموعه را تکمیل کنند.

برخی از مقالات و عناوین قابل توجه این مجلد عبارتند از: [امام] جعفر صادق (ع)، جعفر بن یحیی برمکی، الجعفریه (به عنوان مذهب فقهی شیعه اثنی عشری)، جاگیر (از مناصب حکومت ترکان و مغولان)، کلود کاهن (Cahen)، مستشرق نامدار فرانسوی که اخیراً در سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱ چشم از جهان فرو بست، جاهلیه، جحیم، جاحظ، خاکارنا، حالینوس، جالوت، جام (ظرف)، جام جم، جام جم آئین، حاناسب نامه، جامه‌دار، جامه‌شویان، جامع (= مسجد جامع در ۴۷ نسخه که احتمالاً طولانی‌ترین مقاله این مجلد است)، الجامع (به

عنوان یکی از نامهای خداوند)، عبدالرحمن حامی، احمد نامقی حامی، الجامع الاحکام القرآن ابو عبدالله محمد بن احمد قرطبی، جامع البیان فی القراءات السبع، جامع البیان عن تأویل آی القرآن یا تفسیر طبری، جامع الالحان مراغی، جامع الصحیح بخاری و ترمذی، جامع العلوم فخرالدین رازی، حامو (در شبه‌قاره هند)، حابازان (در ارتش عثمانی)، کیپ تاون (Cape Town)، کارادو (Carra de Vaux)، خارودیه، سورة الحائیه، ادموند کاستل (E. Castell)، حاسوس، حرایر (به عنوان کشور الحزایر)، کاسن دو پرسوال (Causin de Perceval)، جاوه، حاویدان حرد، جاودان نامه فصل الله حروفی، حاویدنامه اقبال لاهوری، حبل المور، حبل الرحمة، حبل الطارق، حبروت، حر (و مقابله)، حرائیل، حریره، حزا، حذل، حدول، جفر، حوامع الحکایات، حودت پاشا، هم‌بن صموان، ههشیاری، حلای وطن، حلال (خداوند)، حلال آماد (افغانستان)، حلال الدین حوارمرشاه، حلالی (تقویم)، حلی (یک نوع خط)، حلاله، جل حلاله، حل شأنه، حلوه، حماعت، حماعت اسلامی (پاکستان)، حماعت تبلیغ (پاکستان)، حمال عبدالناصر، جمال الدین اصفهانی، حمال الدین القاسمی، وقعة الحمل، حبابه، میرزا کوچک خان حنگلی، چنگیزخان معول، حن، حنت (در ۱۳ صفحه) حراچی، اریکو چرولی، حوادعلی (متوفی ۱۹۸۷)، حرح و تعدیل و... مرحوم یزعی انصاری، عضو کمیته احرائی دایرة المعارف اسلام پاکستان، تحسین یارچی، رمضان ششس، یک ایرانی (خام رها طاهری حقیقی از دیارنمان حاورشاسی دانشگاه کالیفرنیا) واکمل الدین احسان اوعلو از جمله نویسندگان مقالات این مجلدند. قابل توجه است که علی‌رغم توسعی که برنامهریزان این دایرة المعارف در انتخاب یا کشف عناوین و مدخلها به حرح داده‌اند، هنوز عناوین و مدخلهایی هست که می‌شده است در جای خود اضافه شود. مثلاً «حریه» از آن جمله است، علاوه بر این، در حالی که ارجحیون به آمودریا ارجاع داده است، رود «حیحان» را که در خود ترکیه کنونی است ندارد.

قابل ذکر است که آهنگ انتشار مجلدات این دایرة المعارف اسلامی کمابیش با آهنگ انتشار مجلدات دایرة المعارف اسلام طبع لیدن تطابق یافته است؛ در حالی که جلد ششم هر دو دایرة المعارف در کمتر از یک سال پیش انتشار یافته بوده، مجلد هفتم هر دو نیز تقریباً همزمان منتشر شده است. جلد هفتم دایرة المعارف اسلام لیدن (انگلیسی و فرانسه) حاوی مدخلها و مقالات مفرش تا نظام، تنازگی در روشگاه و نمایشگاه مرکز نشر دانشگاهی عرضه شده است

● پاکستان

سمینار پیوستگیهای فرهنگی ایران و شبه‌قاره هند نخستین سمینار «پیوستگیهای فرهنگی ایران و کشورهای شبه‌قاره هند» از شنبه ششم تا دوشنبه هشتم شهریور ماه در محل هتل هالیدی این اسلام آباد، پایتخت پاکستان، برگزار شد. در این سمینار که در طول سه

رور صبح و عصر (از ۸ تا ۱۱ بعد از ظهر و از ۳ تا ۸ و گاهی ۹ و ۱۰ شب) جریان داشت، و مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی بین المللی وزارت ارشاد اسلامی با همکاری مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد بانی و برگزارکننده آن بودند، بیش از ۲۵ سخنران از کشورهای ایران (۹ نفر)، پاکستان (۱۲ نفر)، هند (۸ نفر)، بنگلادش (۲ نفر)، و سریلانکا (۲ نفر) در زمینه های مختلف پیوستگیهای فرهنگی ایران و شبه قاره هند صحبت کردند. رور نخست این سمینار با برگزاری مراسمی در برگذاشت یکی از بزرگان اساتید زبان و ادب فارسی در شبه قاره، یعنی استاد غلام سرور پاکستانی، و «رومائی» (معرفی و تجلیل) از اثر ارزنده این استاد، یعنی تصحیح خلاصه الافاظ که بتاریکی توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد منتشر شده است، پایان یافت. پایان بخش شب دوم این سمینار اجرای يك برنامه قوالی و مشاعره بود؛ و آخرین شب سمینار نیز به «رومائی» از کتاب تذکره مخزن العرائف به تصحیح مرحوم استاد دکتر محمدباقر، و گرامیداشت یاد و خاطره این استاد گرانقدر زبان و ادب فارسی در شبه قاره، اختصاص یافت در پایان این سمینار، معاون فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی، سخنان مهمی در رمیه ضرورت تحکیم پیوندهای فرهنگی میان ایران و شبه قاره هند و پاکستان، ایراد کرد.

شرکت کنندگان در این سمینار، در پایان هر جلسه، از مراکز و مؤسسه های همچون مسجد فیصل، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، شکرپریان و موره مردم شناسی پاکستان، رایری و حانه فرهنگ ایران در اسلام آباد دیدن کردند. حسن اجرا و برگزاری این سمینار، که عده زیادی از دانشجویان پاکستانی زبان فارسی از سراسر پاکستان بیدار دعوت شده بودند، چشمگیر بود، از بواحد اتفاقات فرهنگی در این سمینار این بود که يك محلد از دو محلد مجموعه سخنرانیهای تقدیم شده به این سمینار، پیش از برگزاری آن به صورتی پاکیزه و مفصّل توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان چاپ و منتشر شده بود. امید است مساعی حمیل مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی بین المللی وزارت ارشاد اسلامی و مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اعاده و تحکیم پیوستگیهای فرهنگی ایران و شبه قاره به نتایج جدی و بایسته بینجامد.

مرتضی اسعدی

● اسپانیا

کنگره بین المللی تاریخ علم

نوردهمین کنگره بین المللی تاریخ علم در روزهای ۲۲ تا ۲۹ شهریور در شهر ساراگوسا (سرقسطه) در اسپانیا برگزار شد. این کنگره که مهمترین گردهمایی در زمینه تاریخ علم است از سال ۱۹۲۹ آغاز به کار کرده است و هر چهار سال يك بار برگزار می شود.

ساراگوسا محل برگزاری این کنگره «شهر چهار فرهنگ» نام گرفته است زیرا که رومیها، مسلمانان، یهودیان و مسیحیان در طول قریبها آن را ساخته اند. این شهر در سال ۹۴ هجری قمری به دست سپاهیان اسلام افتاد و تا سال ۵۱۲ هجری قمری از بزرگترین شهرهای دولت اسلامی اندلس بود. در بسیاری از آثار هنری این شهر تأثیر هنر دوره حکومت اسلامی دیده می شود. دانشگاه ساراگوسا که میزبان کنگره بود در سال

۱۵۸۳ تأسیس شده است.

م

در این کنگره در حدود ۱۴۰۰ نفر از تقریباً صد کشور شرکت کرده بودند و جمعاً ۹۰۰ مقاله در بخشهای مختلف آن در ۲۰ سالن ارائه شد. از جمله موضوعهایی که در کنگره مطرح شد و برای پژوهشگران کشور ما جاذبه دارد عبارت بود از: نجوم دوره اسلامی، زبان و علم، انتقال اندیشه های علمی بین دو بخش شرقی و غربی حکومت اسلامی در سده های میانه، انتقال طب اسلامی، کهنترین اسطرلاب لاتینی، ریاضیات در عهد باستان و ریاضیات دوره اسلامی.

بسیاری از چهره های سرشناس تاریخ علم در این کنگره حضور داشتند همچون:

- پرفسور ادوارد کندی، برحسته ترین مورخ تاریخ ریاضیات و نجوم دوره اسلامی و پیشاهنگ تمامی تحقیقات معاصر در این زمینه
- پرفسور کینگ، مورخ تاریخ نجوم دوره اسلامی که عمده ترین آثارش در خصوص ابرارهای نجومی و ساعتهای آفتابی دوره اسلامی است؛

- پرفسور هوخدايك، ریاضیدان و مورخ تاریخ ریاضیات از هلند؛
- پرفسور سامسو، از دانشگاه مارسلون (شعبه علوم عربی) که در مورد ابوریحان سخنرانی کرد؛
- پرفسور سامی شلهوب، از دانشگاه حلب که درباره يك اسطرلاب قدیمی سخنرانی کرد؛
- پرفسور روزنفلد، تاریخنگار علم و نسخه شناس و تنظیم کننده فهرست نسخ خطی؛

- پرفسور سریانو، از سونیس، مورخ ریاضیات دوره اسلامی؛
- کلودیو چکوئی، مترجم التفهیم به زبان ایتالیایی؛
- پرفسور رشدی راشد، پژوهشگر مصری الاصل معیم فراسه که در زمینه ریاضیات و نورشناخت دوره اسلامی کار کرده است.

از ایران نیز چند تن در این کنگره شرکت کرده بودند: خانم مهندس هاله واحدی درباره «زنان ایرانی در عرصه علم»، توفیق حیدرراده در مورد «هرضیاتی در خصوص مدل غیر بطلیمیوسی ابن باجه» و مهندس محمدباقری در مورد «رساله ابعاد و اجرام کوشیار گیلانی» سخنرانی کردند. يك نماینده نیز از جانب مرکز نشر دانشگاهی به این کنگره اعزام شده بود تا با توزیع پرسشنامه ای در مورد وضعیت زبان علم در کشورهای دیگر تحقیق کند.

قبل از شروع کنگره چکیده سخنرانیها و اطلاعات مربوط به کنگره که در پنج جلد کتاب چاپ شده بود در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. نمایشگاهی از کتابهای تاریخ علم نیز در طول مدت کنگره در معرض بازدید شرکت کنندگان بود. این کنگره که مجموعه محارح آن بالغ بر يك میلیون دلار شده بود با نظم و سازماندهی بی نظیر، همراه با برنامه های جنبی متنوع برای شرکت کنندگان، نمونه ای از مهمان نوازی عالی مردم اسپانیا بود.

مجید ملکان

کاری که هیتلر نکرد!

مجله فرانسوی لیر / Lire که اختصاص به نقد و معرفی کتاب و چاپ حار مربوط به بازار نشر کتاب دارد، در شماره اوت خود که اخیراً به بهران رسیده است، به اجمال دو کتاب تازه را درباره بوسنی و هرزه گوین معرفی کرده است که ترجمه آنها به این شرح است.

(۱) نامه های سارایوو، «مجموع ۷۶ نامه است که به همت يك حامی ویرانه نگار ایتالیایی به نام آناکاتالدی از سارایوو محاصره شده خارج شده و به دست گیرندگانشان که به ایتالیا پناهنده هستند، رسیده است. مجموع این نامه ها که به وسیله انتشارات لی یا نالهوی در ایتالیا چاپ شده است، روایتگر تداوم حیات در «شهر شهید» است» (ص ۹).

(۲) خیانتکاران و آینه هایشان نام کتابی است در ۹۲ صفحه به زبان فرانسوی از آنی لوبران، که «تحقیقی طنزآلود است حاوی تأملات بوسیده درباره فاحشه بوسگلای و علی الخصوص آنچه در بوسنی و هرزه گوین می گذرد. نویسنده مخصوصاً بر این نکته تأکید می ورزد که محاوره به علف به صورت يك سلاح جنسی برای حالص ساری نژادی و فرمی در آمده است، کاری که حتی به ذهن هیتلر هم خطور نکرده بود با توجه به این امر آیا کسانی که می اندیشند و تصمیم می گیرند، حق دارند که هور هم به حای محکوم کردن این عمل به تعبیر و تفسیر بپردازند؟ به عقیده آنی لوبران هیچ نامردی و بی غیرتی از این ریز کانه تر، پلیدتر و حمایتکارانه تر وجود ندارد. و اگر کسی از این حنایات صر بها پرده بردارد و آنها را محکوم نکند، چنان است که گویی خود در آنها شریک است» (ص ۱۱۰).

● آلمان

دو تحریر جدید از مجموعه آثار هولدرین

۱۵۰ سال پس از مرگ فریدریش هولدرین (۱۸۴۳-۱۷۷۰) شاعر آلمانی دو تحریر (edition) جدید از آثار او منتشر شده است. معاصران هولدرین علاقه چندانی به آثار او نشان ندادند و در زمان حیاتش بسیاری از آثارش رنگ چاپ به خود ندادند. ولی پس از آنکه عظمت شاعر به معطاش و سایر مردم جهان آشکار گردید، چاپ آثار او با مشکلی قریباً حل ناشدنی روبهرو شد.

هولدرین شاعری کمال دوست بود و بی آنکه حسنگی شناسد ی کوشید اندیشه های شاعرانه اش را به دقیق ترین و کاملترین نحوی بیان کند و تا حایی که ممکن است بر محدودیتهای زبان در بیان اندیشه های پیچیده فایق آید. از این رو شعرهایش را روی نسخه ستونش آنها مکرراً بازنویسی و اصلاح می کرد. در نتیجه در کنار وی بسیاری از واژه ها و جمله ها و سطرهای نسخه دستنوشته مهمترین شعارش واژه ها و جمله ها و سطرهای متعددی که در زمانهای مختلف به نظر شاعر بهتر و رساتر می رسیده یادداشت شده است. این امر باعث گردیده که در میان شعرشناسان آلمانی در این مورد که کدام يك از واژه ها و جمله ها و سطرها «درست» است بحثهای پایان ناپذیر در گیرد و تهیه تحریری قطعی و نهایی از آثارش تقریباً ناممکن گردد.

در صد و پنجاهمین سالروز وفات هولدرین دو ناشر آلمانی دو تحریر معتبر از آثارش منتشر ساخته اند. ناشر تحریر اول هانس است و ناشر



هولدرین

تحریر دوم دویچه-کلاسیکر-هرلاگ ویراستاران دو تحریر مربوطه که از هولدرین شاسان معتبرند کوشیده اند متنی فراهم آورند که حتی الامکان به بهترین صورتی از اشعار که مورد نظر هولدرین بوده بردیکر باشد، و هر يك به شیوه خاص خود در این کار موفق بوده است (برگرفته از Kultur-Chronik، ۱۹۹۳، شماره ۳).

ن. ا.

● بوسنی و هرزه گوین

تاریخ، فرهنگ و میراث ملی

مرکز تحقیقات درباره تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی که مقر آن در استانبول است و از مؤسسات وابسته به «سارمان کفراس اسلامی» است، شماره اخیر فصلنامه خود را که هر چهار ماه يك بار منتشر می شود به بررسی تاریخ و فرهنگ و معرفی میراث ملی سرزمین بوسنی و هرزه گوین اختصاص داده است.

مطالب این نشریه به سه زبان تدوین شده است. عربی (۱۴ صفحه) در تاریخ و جغرافیا و دین و جمعیت و تاریخچه سیاسی منطقه، انگلیسی (۳۰ صفحه)، و فرانسوی (۱۶ صفحه)، همراه با طرحها و تصویرهای سیاه و سفید و رنگی قدیم و جدید که نشان می دهد که صر بها چگونه به هیچ چیز، حتی ساهای تاریخی و آثار ملی، رحم نکرده اند.

● ایتالیا

کنفرانس اتحادیه بین المللی ویراستاران علمی

هفتمین کنفرانس اتحادیه بین المللی ویراستاران علمی با عنوان «يك علم و يك جهان» در روزهای بیست و هفتم تا سی و یکم تیرماه در شهر سانتاماریا (ایتالیا) برگزار شد.

این کنفرانس هر دو سال يك بار به منظور توسعه و بهبود ارتباطهای علمی در جهان و روش ساختن نقش ویراستاران در جامعه علمی برگزار می شود. در کنفرانس امسال که با همکاری و کمک مالی مرکز تحقیقات دارویی و ریست پزشکی، اتحادیه بین المللی ویراستاران علمی، مدرسه ارتباطات علمی، و استیتوی ماریونگری برای تحقیقات دارویی تشکیل شده بود، پنج موضوع عمده مورد بحث قرار گرفت.

- آنچه موجب شکوفایی علم می شود،

- کنترل کیفیت در عصر الکترونیک،

- استانداردها و نامگذاریهای یکتواحت،

- علم برای همگان،

- بیان و کاربرد و نیاز و تعامل جهانی.

ارایران حاتم اعظم رحیمی ویراستار مجله علوم و تکنولوژی بلیمبر، و سید رضا هاشمی مدیر مسؤول و سردبیر فصلنامه آدای (از انتشارات وزارت شهرسازی و مسکن) در این اجتماع شرکت و سخنرانی کردند.

این کوششها این شد که شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش و پرورش استرالیای جنوبی، در واپسین هفته‌های سال مسیحی گذشته، در یکی از نشستهای خود Farsi را به Persian تغییر داد و از سال ۱۹۹۳ Persian را رسماً به کار برد.

تا جایی که نگارنده می‌داند، این نهال تنها در یکی از هفت ایالت استرالیا، یعنی استرالیای جنوبی، کاشته شده و به بار نشسته است و هنوز بسیار کار دارد تا کاربرد صرف Persian به همه نهادهای دولتی استرالیا در همه ایالتها قبولانده شود، و مثلاً، در خبرنامه‌های وزارت مهاجرت استرالیا و یا استخدامنامه‌های وزارت آموزش و پرورش آن‌ها بیفتد یا در کتابخانه‌های شهرها ستون کتابهای فارسی با برجس Persian (به جای Farsi) مشخص شود.

درباره تاریخچه دگرگونی Persian به Farsi در استرالیا، برداست نگارنده این است که این تغییر نام در پی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ایران، که جمع کثیری از ایرانیان به استرالیا کوچیدند، پدیدار شده است. در میان این هم‌میهنان ما کم‌سوادان بسیاری بوده‌اند که می‌داشته‌اند زبان ما را به انگلیسی Persian می‌خوانند نه Farsi. این گروه در اداره‌های دولتی استرالیا و نه هنگام پرکردن فرم‌ها و پرسشنامه‌ها و پاسخ به کارمندان اداره‌ها زبان خود را، از ناآگاهی، Farsi خواندند و نوشتند و بدین سان سنگ این بنا را کج گذاشتند.

آنچه دل هر ایرانی فرهنگدوست را به درد می‌آورد این است که اگر چنین حادثه‌ای برای زبان رسمی هر کشور دیگری پیش آمده بود مسؤولان به حنب و جوش می‌افتادند و ار پا نمی‌نشستند تا درد را چاره کنند. ولی می‌بینیم پانزده سال است که سفارت ایران در استرالیا شاهد سردمبلمان Farsi علیه Persian است و می‌بیند که اینان هر پور عرصه را بر Persian تنگتر می‌کنند و آن را بیرون می‌رانند و Farsi را به حایش می‌پشایند و، با اینکه، دم بر می‌آورد پانزده سال است که سفارت ایران در استرالیا شاهد مسح و طرد Persian از روی چهل و عرض و چه‌سا کینه‌توری است و، با اینکه، هیچ نمی‌گوید. حتی هنگامی که تبدیل Farsi به Persian در شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش و پرورش استرالیای جنوبی مطرح بود، رئیس شورا تلفنی به نگارنده گفت که در این باره با سفارت ایران در استرالیا تماس گرفته و نظر آنها را خواسته است تا مادامی‌که نشان دادن Persian به جای Farsi مشکل سیاسی میان استرالیا و ایران پدید آورد و سفارت ایران در پاسخ به او گفته است که این تغییر نام به کسی ریایی نمی‌رساند!

سستی در پیشگیری از گسترش دامنه این فاجعه همچنان ادامه دارد و تازه پانزده سال طول کشیده است تا دفتر تجارت استرالیا هر وزارت امور خارجه، و نه محش فرهنگی سفارت ایران در استرالیا، از فرهنگستان زبان و ادب فارسی کسب تکلیف کند، که بارهی به همت آن دفتر!

گستره آفت بسیار بیش از اینهاست و اگر امروز نجنبیم و آن را بیخ‌یر نکنیم فردا خیلی دیر است. نگارنده، بجز گروههایی از ایرانیان استرالیانشین که گذرنامه زبان خود، Persian، را پاره کردند و با این کار وابستگی خود به Persia، Persian Empire، Persian Gulf، Persian، Persian Carpet و حتی Persian Cat را در چشم جهانیان بریدند، سه مقصر (و اگر نگویم مجرم) دیگر را شناسایی کرده است که مسؤول گسترش دامنه این فاجعه‌اند.

Farsi یا Persian

در مجله نشر دانش (شماره سوم، سال سیزدهم، صفحه ۶۹) خبری درج شده بود با عنوان «نام زبان فارسی در زبانهای فرنگی: Persian یا Farsi». این خبر حاکی از آن بود که دفتر تجارت استرالیا در وزارت امور خارجه از فرهنگستان زبان و ادب فارسی پرسیده است که در نامه‌نگاریهای خود با بیگانگان به زبان انگلیسی، Persian را معادل فارسی اختیار کند یا Farsi را و فرهنگستان در پاسخی قاطع تنها استفاده از معادل Persian را روا دانسته و کاربرد Farsi را مردود شمرده است. از آنجا که این خبر متضمن مسئله فرهنگی و تاریخی بسیار مهمی است، برای روشن شدن ذهن خوانندگان نشر دانش و توجه دادن نهادهای مسؤول به وظیفه سنگینی که در این زمینه بر عهده دارند، بر خود واجب دیدم آنچه در این باره می‌دانم بنگارم.

نگارنده، که به ناچار و موقتاً در استرالیا به سر می‌برد، از نخستین روزهای ورود خویش به این کشور دریافت که در گفتارها و نوشتارهای سازمانهای دولتی استرالیا، مانند وزارت مهاجرت، اداره پلیس، وزارت آموزش و پرورش، زبان رسمی کشور ما را Farsi می‌خوانند و از Persian نه تنها خبری نیست که چه‌سا کارمندان می‌دانند که Farsi همان است که روزگاری در کتابهای درسیشان Persian نامیده می‌شد. دردناکتر از این، بی‌توجهی برخی از هم‌میهنان استرالیاشین ماست که، به پیروی از شیوه نهادهای دولتی استرالیا، زبان خود را، در گفتگو به انگلیسی، Farsi می‌خوانند.

استرالیا کشوری است چند فرهنگی که شهروندان آن از کشورهای گوناگون به این سرزمین کوچیده‌اند از این رو آموزش و پرورش ایالت استرالیای جنوبی بسیاری از زبانهای دنیا را با نام «زبانهای مدرن» آموزش می‌دهد و برای این کار مدرسه ویژه‌ای پایه‌گذاری کرده است چند سال پیش، به همت گروهی از ایرانیان فرهنگدوست، زبان فارسی نیز به عنوان یکی از زبانهای مدرن دنیا به وزارت آموزش و پرورش استرالیای جنوبی قبولانده شد که اینک در سطح دبستان و دبیرستان تدریس و حتی از درسهای شمرده می‌شود که برای ورود به دانشگاههای این ایالت پذیرفته شده است. متأسفانه در همه جا بر این درس نام Farsi اطلاق می‌شود نه Persian.

معادل Farsi، که فرهنگستان زبان و ادب پارسی آن را مطلقاً مردود اعلام کرده، حتی در برخی نوشته‌های دانشگاهی در استرالیا نیز راه یافته است. گسترش کاربرد Farsi در استرالیا تا جایی است که در واپسین ویراسته برخی کتابها، به جای Persian، Farsi نشانده‌اند و Farsi زبان آن گروه از فرهنگیان استرالیایی، که به گونه‌ای با زبانها و یا آموزش آنها سروکار دارند، شده است.

به همان دلایلی که نشر دانش از قول فرهنگستان زبان و ادب فارسی در توجیه ضرورت کاربرد Persian ذکر کرده است، نگارنده، به یاری گروهی از ایرانیان فرهنگدوست و دلیسته به زبان فارسی، از جو سال پیش کوشش گسترده‌ای برای تغییر نام درس زبان فارسی از Farsi به Persian در آموزش و پرورش ایالت استرالیای جنوبی آغاز کرد. پی آمد

۱) در دو سه سال گذشته که شمار دانشجویان ایرانی در استرالیا روبه‌فرونی گذاشته است، نگارنده، که از دانشجویان استرالیاست، در کارنامه‌های ترجمه شده برخی از این دانشجویان نکته‌های سگفت‌انگیزی کشف کرده است، از جمله اینکه برخی از مترجمان رسمی این مدارک، ترجمه خود را (و نه Persian) Translation from Farsi to English نوشته‌اند. حتی دانشگاه صنعتی امیرکبیر، که خودش کارنامه به انگلیسی صادر می‌کند، درس فارسی را Farsi می‌نویسد و در بای این جُرْم‌های نابخشودنی مهر وزارت امور خارجه ایران را می‌بینیم که درستی ترجمه را تأیید کرده است.

۲) نگارنده گهگاه از اروپا و امریکا میر بوی Farsi سیده است و برخی از ایرانیان اروپا و آمریکانشین در گاهی که برخی ایرانیان استرالیانشین مرتکب شده‌اند سهیم‌اند.

۳) از واژه‌پرداز (Word Processor) های فارسی نباید عاقل بود این یکی دیگر سُوحی بردار نیست چون بر موج تکنولوژی بوی سوار است و با چنان شتابی به اقطار جهان می‌رود که هیچ کس را توان راه‌ستنی بر آن نیست. جهان امروز در انفعال و ریر سلطه کامپیوتر است تا احتراع و گسترش واژه‌پردازها برای زبانهای گوناگون طبعی بود که دست‌اندرکاران این دانش و پیشه به اندیشه ساختن واژه‌پرداز فارسی میر بیفتند آنها را که نگارنده دیده دست کم دو رمانه، فارسی- انگلیسی، هستند و با آنها می‌توان متن فارسی یا فارسی- انگلیسی ماکیره‌ای پوست در این واژه‌پردازها معمولاً لفظ Farsi اختیار شده است به Persian و حتی، در آگهیهای باررگانی، واژه‌پرداز برای Farsi معرفی شده و فقط در برخی از آنها حوشمختابه Persian به کار رفته است آنجا که بی‌شک ایرانیان بر رونمرنشین در تهیه و شناساندن و دادوستد این واژه‌پردازها سهم بسزا داشته‌اند و دارند، باید به آمان شادباش و دست میراد گفت که ریان و خط فارسی را به چینی ایزار میرومند و سودمندی محهر کرده‌اند، ولی بار هم می‌بینیم که نادانی برخی از ایرانیان است که مایه بی‌اعتباری گذرنامه ریان فارسی، یعنی Persian، در سطح جهانی شده و می‌شود. از این واژه‌پردازها هرازان دستگاه در کشورهای گوناگون به فروش رفته و می‌رود، صرف‌نظر از ایرانیان، دانشگاهها و آموزشگاههای برنمرزی که فارسی یاد می‌دهند از آنها بهره می‌گیرند (هم‌اکنون رئیس مدرسه زبانهای خارجی استرالیای جنوبی از نگارنده خواسته است که يك واژه‌پرداز فارسی خوب به او معرفی کنم که برای مدرسه خود تهیه نماید). بدین سان، هر رور هرازان ایرانی و ایرانی در همه حای دنیا بر روی صفحه‌های کامپیوتر خود بارها Farsi را می‌بینند و Persian را بیش از پیش از یاد می‌برند.

اینك که، به همت دفتر تجارت استرالیا در وزارت امور خارجه، فرهنگستان زبان و ادب فارسی به این امر مهم آگاهی یافته است بجا و ضروری است که از دولت ایران بخواهد تا بعد در صدد جاره‌اندیشی برآید و پرچم Persian را دوباره بر افرازد نگارنده جاره این کار را در این اقدامات می‌بیند:

۱) وزارت امور خارجه، از طریق سفارتخانه‌های ایران در همه کشورهای جهان، از همه نهادهای دولتی- و اگر بشود نهادهای غیردولتی- این کشورها بخواهد که در نوشته‌ها و گفته‌های خود زبان رسمی ایران را بی‌چون و چرا Persian (و معادل دیرینه آن در زبانهای دیگر) بخوانند و از کاربرد Farsi بهره‌مند. سفارتخانه‌های ایران و نیز

وزارت امور خارجه موظف شوند که نامه‌ها و اسنادی را که واژه Farsi در آنها به کار رفته است بار گرداند و به‌دیرفتی اعلام کند در این باره و طبعه سفارت ایران در استرالیا از دیگر سفارتخانه‌های ایران سنگینتر است و باید از همه نهادهای دولتی در استرالیا بخواهد که از تصمیم وزارت آموزش و پرورش استرالیای جنوبی بی‌روی کند و تنها معادل Persian را به کار برند، بویژه اکنون که برخی از ایالت‌های دیگر استرالیا میر در کار گنجانیدن ریان فارسی در برنامه‌های آموزشی خود هستند و می‌خواهند آن را تا سطح دیپلم متوسطه ارتقا دهند، باید اطمینان یافت که، از همان آغاز، سگ این بنا درست گذاشته شود سفارتخانه‌های ایران باید بدانند که توطئه تبدیل Persian به Farsi از فماش همان توطئه‌ای است که در رمان جنگ حلیح فارس همه رسانه‌های همگانی عرب Persian Gulf را The Gulf خواندند، بار هم جدا پدیر بوسکو را می‌امرد که با دلیل و برهان در برابر بیسهاد معرصانه کشورهای عربی درباره تبدیل Persian Gulf به Arabian Gulf ایستاد

۲) دولت ایران به همه متر حمان رسمی دستور دهد که از کاربرد واژه Farsi در ترجمه‌های خود بهره‌مند و وزارت امور خارجه ترجمه‌هایی را که این دستور در آنها رعایت نشده مهر نکند.

۳) وزارت فرهنگ و آموزش عالی به دانشگاه‌هایی که کارنامه انگلیسی برای خارج از کشور صادر می‌کند دستور دهد که درس فارسی را Persian ترجمه کند و نه Farsi

۴) دولت ایران ورود و خرید و فروش واژه‌پردازهای فارسی را که در متن آنها معادل Farsi به کار رفته است ممنوع کند و ایرانیان بر رونمرنشین میر از خرید آنها بهره‌مند تا تولیدکنندگان آنها محبور شوند کالای خود را اصلاح کنند

به امید آنکه این نامه مسؤولان کشور ما را بیس از بینش متوجه حساسیت امر سارد تا به موقع و تأدیر نشده به جاره‌اندیشی بهره‌دارند

دکتر کاظم ابهری (استرالیا)

توضیحی درباره مقاله «اشعار تازه رودکی»

در شماره گذشته همین محله نگارنده مقاله‌ای با عنوان «اشعار تازه رودکی» به چاپ رساند که در آن ۵۲ بیت از رودکی از منابع مختلف گردآوری شده بود که در دو چاپ مرحوم نعیمی از اشعار رودکی بیامده است ۱۹ بیت از این اشعار از کتاب در دانه‌های مدیریت تاحیکان در گنجینه‌های هندوستان، تألیف آقای احرار مختار فمل شده بود آقای مختار فمل این اشعار را از حُکی در کتابخانه موره سالار حُک حیدرآباد که به استنباط وی در فرن یاردهم یا دواردهم هجری تهیه شده فمل کرده است. نگارنده هنگام فمل این اشعار به نوشته آقای مختار فمل اعتماد کرد و خود به جستجوی صحت انتساب این اشعار به رودکی بر بیامد، اما بلافاصله پس از چاپ مقاله به مناسب آنکه این اشعار در يك منبع متأخر آمده است، در صحت تعلق آنها به رودکی تردید کرد و در دیوان قطران که در منابع متأخر مقداری از اشعار او را به رودکی نسبت داده‌اند به جستجو پرداخت. مرأحه به دیوان قطران نشان داد که ۱۶ بیت از اشعار منقول مختار فمل با تفاوت‌هایی در دیوان قطران ضبط شده است و تنها دو بیت اول که در صفحه ۷، ستون ۱ مقاله نگارنده آمده در آن دیوان نیست این دو بیت همان است که در تذکره خیال‌النبیان نیز آمده است. این اشعار در

صفحات ۴-۲۰۳، ۴۳۴ و ۴۹۱ دیوان قطران آمده است و قطعه دوم که در کتاب مختار پنج بیت است (ص ۸ مقاله، ستون ۱) در دیوان قطران (ص ۴۳۴)، چهار بیت است و بیت دوم را ندارد. بنابراین این ۱۷ بیت را باید از مرمره اشعار رودکی خارج ساخت.

به دنبال این مسئله نگارنده نسخه بدلای سایر اشعار رودکی را نیز که در مقاله خود از کتاب مختار نقل کرده بود با چاپ اول کتاب نفیسی یعنی احوال و اشعار رودکی که بسیار مضبوط تر و دقیق تر از چاپ دوم آن است و نسخه بدلای اشعار را نیز دارد مقابله کرد و معلوم شد که ۱۱ مورد از آنها نیز در این کتاب هست، به این شرح آنچه در ص ۱۱ مقاله، ستون ۱، سطرهای ۵، ۱۷، ۲۴، ۲۹، ۳۵، و ستون ۲، سطرهای ۵، ۹، ۱۸، ۲۴، ۳۱، و ص ۱۲، ستون ۱، سطر ۱۱ آمده به ترتیب در صفحات ۹۶۹، ۹۸۸، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۷۹، ۹۸۱، ۱۰۲۰، ۱۰۲۳، ۱۰۳۱ (با کمی تفاوت) و ۱۰۳۳ این کتاب آمده است اشعاری را که سعدان ساعمراف در مقاله خود نقل کرده است نیز نگارنده با دیوان قطران مقابله نکرد، زیرا سمراف خود صریحاً اظهار کرده بود که این اشعار را با دیوان قطران مقابله کرده و مسلماً از قطران نیست اما سس بیت اول این اشعار نیز در ص ۳۵۴ دیوان قطران آمده است بنابراین این اشعار را نیز باید از جمع اشعار خارج ساخت

علی اشرف صادقی

... و اما السوفاف!

ار «شاعلام»

به نشر دانش

موضوع «تسکر و گلابه»

معرفی گونه آن شریه محرم ار «سالنامه ۷۱ گل آقا» ار اسباب ادخال سرور در فلوت اصحاب اندارخانه و ادبای گل آقا- کترهم الله- گردید و شخص گل آقا- سلمه الله- را خوش آمد، خوش آمدی و مراعات اصل اصیل «ندهستان» را مرمر فرمود

(۱) يك جلد دیگر از همان کتاب مستطاب تقدیم گردد که می گردد.

(۲) دوبار در ستون «انگولک به حراید» ذکر نام نشر دانش شود که

می شود.

و اما گلابه

آن معرفی گونه پس از نقل ذکر حمیل گل آقا از ربان استاد محمدفاصی، مختوم بود به این که. «... اما فقط صفتی را که خود گل آقا گاهی من باب طربه خودش می دهد از قلم انداخته است [یعنی استاد محمد فاضی انداخته است.] و آن «سویاب اطمینان» است»

فلاذاب که چاپ توصیح زیر طبق قانون مطبوعات در همان صفحه با همان حروف در همان شماره (اگر شد، در یکی از شماره های قبل یا بعد) مورد تقاضاست

(۱) در کتاب «قواعد اللغة الدوبهلویه» ار «ابن علاف» دیل لغت «الصوفات» به نقل از «ابوطنار بن هزال بن العونانی» مشهور به «ابوالقاسم باطنی» آمده است:

«و اما الصوفاف. وهی [هو؟] * کلمة المتداوله فی بعض مطبوعات. ظاهرها [ه] معلومه و معناها [ه] مجهوله! و حررها [ه] باللغة الفارسیه: «سوفاف» و...»

یعنی صورت صحیح این کلمه همان سوفاف (صوفاف) است و در هیچ مأخذ معتبر، کلمه «سویاب» نیامده است و این که نویسنده نشر دانش کلمه «اطمینان» را به آن افزوده، ثابت می کند که خود نویسنده هم اطمینان قرص و قایمی به صحت فرمایش خود نداشته است و مطمئن نبوده است که چی به چی هست و از این جور لغزشها در آثار و مکاتیب بعض محققان، مسبوق به سوابق است.

(۲) بر فرض صحت مدعی، اطلاق «صفت» به سوفاف ناشی از حواسپرتی و ارمصادیق تصدیق بلا تصور است. چه: «صفت» (که به آن صفت هم می گویند) همچنین بی حساب و کتاب بوده است و نمی باشد «عضنر بن سمارو بن حایانه» مکتبی به «عضو مادون آبدارخانه» ار استاد حویش «شاعلام بن غلام» ملقب به «عوام»: و او ار استادالاسانید «مولانا گل آقا»- دامت برکاته و حرکاته- در کتاب «تفسیر العواعد فی تفسیر الحراید» و شرح بر ذیل آن کتاب، مسمی به «تسینی الصفات فی الصحایف المطبوعات» نقل کرده است که. «المعب (اعنی صفت) تابع یدل علی صفة و حالة فی متبوعه.

البعث قسمان: القسم الاول- یسمی بعثاً حقیقیّاً؛ والقسم الثاني- یسمی بعثاً سبباً»

پس اطلاق صفت بر «سوفاف» و الصای سوفاف بر گل آقا، ار قسم ثالث است و چون این بحث و توصیح حسیه بین الاسبی دارد، پس بحث راجع به ثالث، می رود در باب «لوث» و شاید هم «لوس»! و صرف نظر از آن نه ای نحو، لازم می آید که اطالعه کلام ار اسباب تعدی و تعدر است (۳) حتم سخن آن که: معرفی کتاب باید به وقتی باشد که افزایش تیراژ و فراوانی فروش را باعث شود، نه در هنگامی که کار ار کار گذشته است یعنی معرفی سالنامه ۷۱ گل آقا زمانی در نشر دانش چاپ شد که تمام نسخه های آن به فروش رفته و وجوه دریافتی از هضم رافع طلبکاران (اعم ار کاعده فروش و لیتوگراف و حاجی و صحاف) گذشته بود! لاند انتظار دارد مسعد مراعات فرماید

باقی- والسلام

داعی- «شاغلام»

پاورقی.

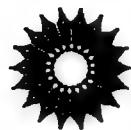
(*) نوع سوفاف ارحیث تذکیر و تأیث در کتب لغت، محل اختلاف است محمل اسب مدکر محاری باشد!

ضرب و تقسیم!

سر دبیر محترم،

سخنرانی- مقاله آقای احمد سمیعی (نشر دانش، سال ۱۳، شماره ۴) بسیار بجا و بهنگام بود افسوس که بیشتر مثالها از نوشته های گذشتگان نقل شده بود، حال آنکه هر ساعت برنامه های رادیو ایران سرشار از این قبیل «شعر بافی» ها و «شعر» هایی است که دقیقاً مورد نظر نقادانه ایشان است. تازه ترین، و شاید شنیدنی ترینش، عصر روز چهارشنبه (۷۲/۶/۲۴) به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید ار رادیو پخش شد «.... بابای پیر مدرسه سرخوشانه به ضیافت تقسیم تبسم ها می نشیند» کاش می گفتند «.... لبخندها را ضرب و تقسیم می کند» تا لا اقل چندتایی آموزگار و دانش آموز و یکی دو «بابای پیر» می فهمیدند منظور چیست!

سیروس پرهام



اشعار فارسی کاشیهای تخت سلیمان

عبدالله قوچانی



در این کتاب، تاریخ و محل ساخت کاشیهای تخت سلیمان و اشعار فارسی نوشته شده بر روی آنها محققانه بررسی شده است. محقق علاوه بر ورود در تاریخچه این نوع کاشیها، هویت گویندگان اشعار را در بسیاری موارد مشخص ساخته و بر اهمیتی که این اشعار در تصحیح متون و کشف حقایق مربوط به انتساب آنها در تذکرها دارند تأکید کرده است.



انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)

*(بهار و تابستان ۱۳۷۲)

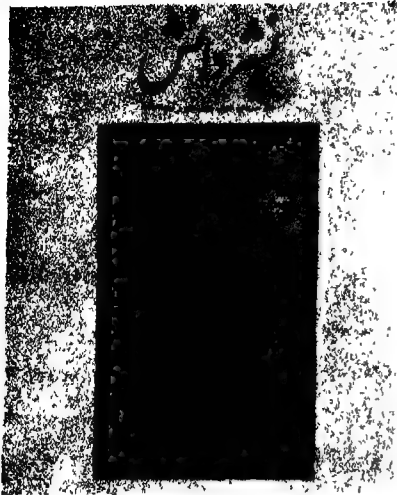


مراکز توزیع:

- ۱) خیابان سیدجمال الدین اسدآبادی، خیابان ۶۴، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (تلفن ۶۸۸۰۳۵).
- ۲) خیابان نوفل لوشاتو (فرانسه)، کوچه شهید آراکلیان (نظامی)، شماره ۶ (تلفن ۵۴۴۵-۶۴).
- ۳) خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، جنب ساختمان بازتشیستی کشوری، فروشگاه شماره ۱ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (تلفن ۷۸۶-۶۴۰۰).
- ۴) خیابان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، فروشگاه مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (تلفن ۹۲۵۷۶۸).
- ۵) فروشگاههای سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (و کلیه کتابفروشیهای معتبر).

نشر دانش

سال سیزدهم، شماره ششم، مهر و ابان ۱۳۷۲



روی جلد یکی از محال‌سنگانه سحبه خطی
مطلق‌الظنر عطار، سناوری اس سحبه به خط
نصیر حسن‌المنکی در سال ۸۵۷ هـ و کتاب
سده و هم‌اکنون متعلق به کتابخانه سلطنتی
بوربون ایالت‌نست رانر فرهنگی سفارت
ایتالیا در تهران، آقای اخلونه موسسه،
منکر و فیلم اس سحبه را برای حاب در احبار
مر در سر داسنگاهی فرار داده و مراحل حاب اس
به صورت عکسی رو به انعام است

مقاله

- | | | |
|----|------------------------------|--|
| ۲ | یوسف محمدراده | یاد خلیج فارس و باستان‌شناسان خارجی |
| ۱۲ | بهاء‌الدین حرماهی | استشهادهای ظریف به آیات قرآن |
| ۱۸ | علی اسرف صادقی | اسعار تازه‌ای از موج‌چهری |
| ۲۲ | حمید کنان‌فر | بازار با امانت (سرگذشت دحابر کتابخانه تبیح صهی) |
| ۲۸ | علیرضا دکاوی فراترلو | گوهرهای پراکنده (گلچینی از لطایف شرالددر اوسعید آسی) |
| ۳۲ | سکو اوکارانی / محمدرضا نصیری | جهان اسلام و زاین در دوره میخی |
| | نواسجی ۱۴۱۴ | |

نقد و معرفی کتاب

- | | | |
|----|----------------|--------------------------------|
| ۳۵ | علی اسرف صادقی | اسعار فارسی کاتبهای تخت سلیمان |
| ۲ | ثامران قانی | تاریخ‌نگاری فلسفه اسلامی |
| ۴۲ | سیدعلی ال‌داود | تحقیق یا تحریف |
| ۴۵ | — | اتری تازه در تاریخ صوفیه |
| ۴۷ | محمد ملحا | نگاهی به «فرهنگ علم» |
| ۵۲ | حمید نصیری | ماحرهای م و میلان کویدرا |

ویژه‌نشر

- | | | |
|----|----------------|--|
| ۵۲ | محمد سیداحلامی | ساختار متن (بررسی می احرای داخلی کتاب) |
|----|----------------|--|

کتاب‌های برگزیده

- | | | |
|----|-----------------------|----------------------------------|
| ۶۳ | محمدسعید حبایی ناسایی | فلسوف حراسایی |
| ۶۶ | کامران عدنی | «الگ گرانار» وهر و معماری اسلامی |
| ۶۸ | مرتضی اسعدی | سیره‌ای جدید به ریان انگلیسی |
| ۷ | — | تحسم اسلام در عصر ویکتوریا |
| ۷۲ | ارام بروجرودی | فرهنگ سامدی «ویس و رامین» |

نکته‌کتاب

- | | | |
|----|--|---|
| ۷۳ | | کتابهای تازه، معرفی بشریه‌های علمی و فرهنگی |
|----|--|---|

خبر

- | | | |
|----|--|----------------------------------|
| ۸۵ | | حرهای علمی و فرهنگی ایران و جهان |
|----|--|----------------------------------|

نام‌ها

- | | | |
|----|--|-----------------|
| ۸۸ | | سایه سال سیزدهم |
|----|--|-----------------|

پیشینه تعلیم

نام خلیج فارس و باستانشناسان خارجی

دکتر یوسف مجیدزاده

مزمه‌های جداسازی بخشهایی از خاک ایران و منضم ساختن آنها به امپراطوری اعراب را در بی‌دست. به بیروی از این سیاست، در سالهای ۳۷-۱۳۳۶، در نقشه‌هایی که در سوریه حاکم و به گونه‌ای گسترده در سرزمینهای اعراب پخش کردند، نخستین بار استان خوزستان ایران را «عربستان الارض المحتله» نامیدند. در مقاله «ایران مظلوم»، آقای دکتر نصرالله نورحوادی ضمن نقل مشاهدات سال ۱۳۴۶ خود در شهر دمشق بایسخت سوریه، به همین جریان اشاره داشته‌اند و نوشته‌ایسان حاکی از این بوده است که چگونه سوریه و سایر کشورهای عربی از مدت‌ها پس استان خوزستان را عربستان نامیده و، در همه نقشه‌های جغرافیایی و کتب درسی، به این بخش از سرزمین ما عنوان عربستان داده بودند.^۲

حزب بعث عراق، پس از رسیدن به قدرت، با ادعای علی حاکمیت مطلق بر اروندرود، در آوریل سال ۱۹۶۹ (فروردین سال ۱۳۴۸) بحران سندیدی در منطقه پدید آورد، و در بی‌آن نیروهای نظامی دو کشور ایران و عراق به حال آماده‌باش درآمدند. اما، در آن زمان، ضعف نظامی عراق اجازه نداد که جنگ درگیرد^۳ و با میانجیگری دولت وقت الجزایر و امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره، درگیریها به ظاهر پایان گرفت. اما این قراردادها مفاصد توسعه‌جویانه عراقیها و پان عربیسمی که از مدت‌ها پس برای جدا کردن بخشهایی از خاک ایران طرح‌ریزی شده بود منافات داشت. لذا آنها ناشکیبایانه مترصد فرصت برای روس کردن آتش يك جنگ خانمانسوز بودند که سرانجام بر کشور

مقصود از نوشتن این مقاله نه معرفی کتاب خلیج عربی در عهد باستان نوشته دانیل پاتز است، چون این کتاب دوجلدی را آقای کامیار عبدی در شماره اخیر مجله باستانشناسی و تاریخ به شرح معرفی کرده است، و نه دفاع از حقانیت تاریخی نام خلیج فارس، چون خواه در دوران رژیم پیشین خواه پس از تأسیس جمهوری اسلامی بارها محققان این معنی را در نوشته‌های خود یا در سمینارهای داخلی به اثبات رسانده‌اند؛^۱ همچنین مقامات مسؤول مملکتی آن را در سطوح بسیار بالا در والاترین مراجع حقوقی جهانی تا سطح سازمان ملل مطرح ساخته و از حق ایران و نام خلیج فارس چنان که شاید و باید دفاع کرده‌اند. قصد نگارنده در اینجا بررسی دلایلی است که در یکی دودهه اخیر انگیزه محققان و ناشران خارجی سده است برای اصرار روزافزون در استفاده از نام «خلیج عربی» به جای «خلیج فارس»، و بررسی راههای جلوگیری از این حرکت مخرب و زیرکانه برنامه‌ریزی شده و یا دست‌کم بی‌اثر کردن آن.

ادعاهای ارضی و تحریف حقایق تاریخی از جانب حکومت‌های عرب منطقه از خلیج فارس تا دریای مدیترانه در نیم قرن اخیر تازگی ندارد و به زمان حکومت جمال عبدالناصر در مصر و سپس حکومت‌های بعثی در کشورهای سوریه و عراق باز می‌گردد. هرچند عبدالناصر در سخنرانیهای شورانگیز خویش، برای نشان دادن وسعت سرزمینهای عربی، از شعار مشهور «من المحيط الاطلسی الی الخلیج الفارسی» (از اقیانوس اطلس تا خلیج فارس) استفاده می‌کرد و مردم این شعار را با سرود و ترانه

رائره المعارفی است که به سال ۱۹۷۷ در عراق جاب و منتشر شد و در آن حورستان را با رنگی دیگر از ایران جدا کرده و نام آن را عربستان نهاده بودند. این ادعای مالکیت ارضی در حامی نفسه‌ها و کتب جغرافیایی عراق، اعم از درسی و غیردرسی و رسمی و غیررسمی، به خوبی آشکار است. به قول دکتر بورخوادی، جنگ تحمیلی در حقیقت دسب کم از يك سسل بیس درجبهه فرهنگی آغاز شده بود و این تجاوز فرهنگی از طریق تحریف حقایق تاریخی مقدمه تجاوز نظامی اعراب بر خاک ایران بود.^۴ اما تجربه به اعراب نشان داد که اعمال سیاست تجاوز فرهنگی از طریق مطبوعات و انتشارات بومی به فلم و یسندگان عرب حدان موفوق نیست و آثار آن از مرزهای منطقه، از هم سرزمینهای عرب، فراتر نمی‌رود. در حقیقت، جهانیان، به‌ویژه دیبای غرب، کوحکترین توحهی به دیدگاههای عرافیهها نداستند. بنابراین، از اوایل دهه ۱۹۶۰ جنگ در جبهه فرهنگی در سطح منطقه گسترش یافت و جبهه دوم در سطح بین‌المللی گسوده شد و، سرانجام، در آغاز دهه ۱۹۷۰، با گسودن جبهه سوم، مقدمات جنگ تحمیلی و سپس تجاوز نظامی به خاک ایران آغاز شد.

چنانکه می‌دانیم، با همه ضایعات حران‌اندیری که اس جنگ، در بی داسب، حوسبختانه نفسه سوم اعراب برای جداسازی حورستان از خاک ایران با سکسب کامل روبرو شد. از سوی دیگر، تجاوز فرهنگی به صورت تحریف حقایق تاریخی در سطح منطقه بر اثر تلاشهای دیپلماتیک مقامات مسؤول و ارائه مکرر اسناد و مدارک، در سازمان ملل بی اثر شد و آن سازمان نام تحریف شده «خلیج عربی» را بردود و نام رسمی آن را همچون هزاره‌ها و قرون گذشته «خلیج فارس» اعلام کرد. اما جنگ در جبهه دوم، یعنی تحریف حقایق تاریخی به نك و نه دسب محققان و دانشمندان خارجی در سطح بین‌المللی، نه تنها متوقف نشد بلکه روزبرور ابعاد گسترده‌تری یافت و این لسترس تا به امروز نیز همچنان ادامه دارد. در این میان، برگترین زروه را باستانشناسان تسکیل می‌دهد که شمار آنها روزافزون است. کار اصلی هر باستانشناس تحقیق درباره فرهنگها و مذنبهای کهن از طریق بررسی فرآورده حفريات باستانشناسی است و سرزمینهای خاور نزدیک، مانند مصر و سوریه و عراق و رکیه و ایران، حون مهد تمدنهای باستانی اند، از این حیث جادنه بیستری دارند و بسیاری از باستانشناسان به تحصیل و تحقیق در این محس از جهان بسدت علاقه‌مندند. کسب اجازه حفاری در هر يك از این کشورها نیاز به درخواست رسمی دارد و این مجوز تنها ای يك سال، یعنی يك فصل حفاری، معتبر است و اگر باستانشناسی قصد ادامه حفاری در محل مورد نظر را در سال بعد داشته باشد، درخواست کسب مجوز برای حفاری یا بررسی را

باید تجدید کند. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، بر طبق قوانین و مقررات باستانشناسی در کشورهای خاور نزدیک اجازه حفاری را نه به افراد بلکه به مؤسسات علمی دانشگاهی و موزه‌ها می‌دهند. ما براین، باستانشناسان، به نمایندگی از آن مؤسسات، رسماً و در خارج جوب مقرراتی که هر کشور برای برای خود تعیین کرده است دسب به عملیات حفاری می‌رسند. فرص بر این است که باستانشناسی که در رأس يك هنب حفاری به کسوری می‌رود از تجربه کافی در حفريات باستانشناسی برخوردار است. از آنجا که امروزه تقریباً همه باستانشناسان در خدمت مراکز آموزش عالی اند و در دانشگاهها تدریس می‌کنند، برای آموزشهای صحرائی يك یا چند دانشجوی فارغ‌التحصیل یا مسعول تحصیل در سالهای نایابی دوره‌های فوق‌لیساس یا دکتری را همراه می‌برند. سرکب در حفاری هم برای استادان و هم برای دانشجویان اهمیت بسیار دارد و واقع برای دوام موقعیت علمی آنها حیاتی است؛ استاد برای ارتقای مقام و تدریس در دانشگاههای معتبر و دریافت حقوق بیستر و کسب اعتبار علمی و شهرت جهانی، دانشجوی فارغ‌التحصیل برای یافتن کار در دانشگاهها و موزه‌های اروپایی و امریکایی، هر کدام به سهم خود، نیاز به داستن سابقه و تجربه حفاری، انتشار مقاله و کتاب، شرکت در سمینارها و کنگره‌های بزرگ در سطح بین‌المللی دارند. طبیعی است که داعیه‌داران، به‌ویژه جوانان جویای نام، برای تحصیل این مریایا حتی نسبت به بعضی از ملاحظات اخلاقی تغافل کنند.

مقررات و شرایط برای صدور مجوز حفاری تا بیس از سالهای ۱۹۶۰ در همه کشورهای خاور نزدیک کمابیش یکسان بود و فقط بستگی داشت به اعتبار علمی مؤسسه درخواست‌کننده مجوز و تجربه باستانشناس. سر برسب هنب حفاری در این مقررات از حیث تعیین سهم مؤسسه درخواست‌کننده مجوز و نحوه مطالعه فرآورده حفريات در پایان هر فصل حفاری قیودی وجود داسب اما از آغاز دهه ۶۰-۷۰ دولتهای عرب، به نیت گسترش دادن جنگ در جبهه فرهنگی به سطح بین‌المللی، با سیاست کاملاً حساب شده، شرط تازه‌ای بر شرایط بیسین صدور

حاشیه

(۱) برای مثال، رك محمدحود مسكور، سمبار خلیج فارس، تهران، اداره كل انتشارات رادیو، ۱۳۴۱، ج ۱. معاكفه خلیج فارس بوسان، انتشارات طوس، تهران، ۱۳۵۷، فریر برختیاری اصل، «خلیج همشه فارس»، مجموعه مقالات بررسی خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۵۸-۱۳۵.

(۲) نصر الله بورخوادی، «ایران مظلوم»، سرداس، سال هفتم، شماره پنجم، مرداد و شهریور ۱۳۶۶، ص ۳.

(۳) اصغر جعفری ولدانی، «طرحهای تحریر حورستان»، محله سیاست خارجی، سال دوم، شماره ۲، فروردین - مرداد ۱۳۶۷.

(۴) نصر الله بورخوادی، همان، ص ۴.

مَجَوَز حَقَّاری افزودید و هیئت‌های درخواست‌کننده مجوز برای حَقَّاری را ملزم به نوشتن نام تحریف سدهٔ حلیج عربی به جای خلیج فارس در تمامی نسخه‌ها و گزارش‌های مربوط به حفاریات جاری و همهٔ بوسته‌ها با سحرانیها کردند. سیربیچی از این شرط به معنی محرومیت دائمی از کسب اجازهٔ حَقَّاری در سرزمینهای عربی بود. در آغاز، باستان‌شناسان بر سابقه و صاحب‌نام و آلهایی که در کشورهای مانند مصر و سوریه کار می‌کردند و محل کار آنها فاصلهٔ زیادی از خلیج فارس داشت کوسندید مشکل را دور برند و کاری کنند که به استفادهٔ از نام این خلیج در متن یا در نسخه نیازی نداشته باشند. اما در باستان‌شناسی عراق، از آن بالاتر، در سرزمینهای ساحلی و سیخ‌سین‌های حوض خلیج فارس، که گیر از حواستهٔ اعراب میسر نمی‌شد، برخی باستان‌شناسان برای احتراز از بردن نام خلیج عربی، تنها صفت «فارس» را از «خلیج فارس» حذف کردند و آن را «خلیج» نوشتند. بودند در این میان باستان‌شناسانی که به طور کلی روبرو با چنین شرایطی نرفتند و سوابق و تجربیات خویش در آن سرزمینها را سبب سرگداسه برای ادامهٔ کار به کشورهای ایران و ترکیه و سرزمینهای واقع در مسرق ایران روی آوردند. از آن حمله می‌توان بروفسور دکتر رابرت بریدوود، بروفسور سربیهاس دلوگار، و دیوید اسروناح را نام برد که عملیات باستان‌شناسی را در عراق آغاز کردند. اما در دههٔ ۱۹۶۰ به ایران آمدند. سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بواقع سکوفاترین دوران مطالعات باستان‌شناسی، باستان‌شناسی، دیرین جانورشناسی، و دیرین گیاه‌شناسی. ایران باستان بوده است می‌توان گفت که به سه نایه‌های باستان‌شناسی بون و علمی ایران در طی همن دو دهه نهاده شد بلکه کتب و مقالاتی که باستان‌شناسان ایرانی در سالهای پس از انقلاب بوسته‌اند بدون استثنا مدیون مطالعات و اکتشافات ایران‌شناسی همن دوران بوده است.

در عوض، باستان‌شناسان بی‌نام و سان و بی‌تحرئهٔ حوان و راه‌رسیده برای تأمین مقاصد اعراب انزار سن ماسبتری بودند. آنان برای یافتن کار در دانشگاهها یا دوام موقعیت علمی خویش به عملیات حفاری و بوستن کتاب و مقاله ساز داشتند و با این انگیزه، به طیب خاطر حاضر به بدیرسن شرایط اعراب بودند، بخصوص که در ارای این حوسخدمتی از امتیازهای گوناگون، مانند دریافت تمامی یا بخشی از هزینهٔ حفاری، دریافت تمامی یا بخشی از هزینهٔ چاپ برآیندهای حفاری و جر آن، برخوردار می‌شدند.

نگاهی به فهرست کتب و مقالات گروه اول در مقالهٔ حاضر، که بخش عمدهٔ مطالعات دربارهٔ خلیج فارس به همت محققان خارجی را شامل است و در عنوان تمامی آنها نام این خلیج به صورت

صحیح آن «خلیج فارس» آمده است و تاریخ بدیمترین آنها به سال ۱۷۶۴ می‌رسد، سان می‌دهد که جامعهٔ علمی معتبر غرب در صحت نام «خلیج فارس» کوحکترین تردیدی نشان نداده است.^۵ نخستین باستان‌شناس غربی که «خلیج فارس» را «خلیج عربی» بوست تی.جی.بی.بی از مؤسسهٔ مطالعات خاوربدیک باستان «کارستن بیور» در کنهاک (دانمارک) بود، که گزارش حفاریات باستان‌شناسی خویش در سیخ‌سینهای حوض خلیج فارس در سال ۱۹۶۵ و سنس در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ را طی سه مقاله با عنوان «باستان‌شناسی خلیج عربی» در دانمارک به چاپ رساند،^۶ و این درس هم‌زمان با درگیرهای مرقی ایران و عراق بر سر مسئلهٔ اروبدروود بود. حالت این که همن شخص، در سال ۱۹۶۰، در مقالهٔ مسرکی با بی.وی. گلوب مقالهٔ ردیف ۳۰ از فهرست مقالات گروه اول، نام این آبراه را «خلیج فارس» آورده بود. اعراب، که نخستین بار شاهد تأثیر سیاست اعمال فشار بر عربیها بودند و توانستند نام تحریف سدهٔ «خلیج عربی» را در مقیاس بین‌المللی وارد مدارک و اسناد تحصمی کنند،^۷ سیاست خود را با برقراری سرطهای مؤکدتر، صرف هزینه‌های مسر، و دادن امتیازات گوناگون به باستان‌شناسان محدانه بی‌گرفتند. سحنهٔ اجرای چنین سیاستی را در سالهای دههٔ ۱۹۷۰ و تا سنس از انقلاب اسلامی ایران بیسر در سلسله‌مقالات و کتاب‌ها و نسخه‌های آن دسه از باستان‌شناسان خارجی می‌سنم که به ایران راه نمی‌یافتند و حواه و ناحواه تن به حواسته‌های نامسروح اعراب در تحریف نام «خلیج فارس» می‌دادند. فهرست کتب و مقالات گروه دوم سان می‌دهد که در دههٔ ۱۹۷۰، دسب کم در عنوان هفت مقالهٔ باستان‌شناسی (ردیفهای ۶، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۸) که در محلات و مجموعه‌های متسر سده در ایالات متحدهٔ آمریکا و آلمان و انگلستان و اطرس درخ گردیده، به جای «خلیج فارس»، «خلیج عربی» آمده است. علاوه، در بساری از مقالات کتب، که در ایحا تنها به چند نمونه از آنها اساره می‌سود (فهرست کتب و مقالات گروه سوم)، حتی بعضی باستان‌شناسان و اسانسان و مورخان سرشناسی که در آغاز از بوسن به حنهٔ اعراب در حنک فرهنگی با ایران اکراه داشتند، به تدریج به اردوی آنها کسیده شدند. در این ناره از حمله می‌توان به هاکس، سب گیت، و لوید (فهرست کتب و مقالات گروه سوم، ردیفهای ۱، ۴، ۵) اساره کرد که در بوسته‌های خود نام خلیج عربی را به کار بردند؛ اما، از آنجا که گویی هنور به این نام مجعول عادت ندارند، در اسفادهٔ از نام «خلیج عربی» حالت احتیاط را مراعات می‌کردند. از حمله در کتاب اطلس کهن باستان‌شناسی هاکس عنوان یکی از فصول «بس‌النهرین، ایران و خلیج عربی» آمده ولی در نسخه خلیج فارس بوسته سده است.^۸ نکتهٔ درخور توحه

نوشته‌هایی که دربارهٔ خلیج فارس منتشر شده است.

گروه اول، با نام «خلیج فارس»

1. Arrowsmith, A. *Chart of the Persian Gulf from Original Materials Communicated by Capt. Ritchie, Lieutenant Bartholomew, RN, and Others*. London, 1910.
2. Belgrave, C. D. *The Overland Route to the Persian Gulf*. *JRCS* 5 (1933): 562ff.
3. Bent, J. T. *The Rubrah Islands in the Persian Gulf*. *Phos* 12 (1880): 1-9.
4. Berghaus, H. *Geographisches Memoir zur Erklärung und Beschreibung der neu entdeckten Küste von Persien Golf Omman*. 1842.
5. Blanford, W. F. *Note on the Geological Formations Seen along the Coast of Baluchistan and Persia from Karachi to the Head of the Persian Gulf and on Some of the Gulf Islands*. *Repts* 5 (1973): 41-45.
6. Becker, C. *Griechische Amphorenstempel von Tell Halaf am Persischen Golf*. *Bagdader Mitteilungen* 1 (1974): 45ff.
7. Bowen, Jr., R. Lezh. *The Pearl Fisheries of the Persian Gulf*. *JAS* 95(1): 161-180.
8. Boyer, C. R. *Anglo-Portuguese Piracy in the Persian Gulf, 1635-1639*. *Piracy* (ed.) *Chapters in Anglo-Portuguese*, pp. 93-124. Warford, 1935.
9. Buch, P. *Some Aspects of the Diagnosis: History of the Sabkha in Al-Bah*. In: *The Persian Gulf*. W. H. Purser (ed.), The Persian Gulf. Berlin, 1973.
10. Carter, H. J. *Report on Geological Specimens from the Persian Gulf Collected by Lt. C. G. Constable*. *IN* 74, 28 (1859): 41-48.
11. Carter, H. J. *Concluding Report on Geological Specimens from the Persian Gulf*. *JASB* 29 (1860): 359-365.
12. Constable, Lt. C. G. *Memorandum on the Hydrography and the Knowledge We Possess of the Persian Gulf*. *JRCS* 12 (1856): 198-212.
13. Constable, Lt. C. G. *Accounts of the Physical Geography of the Persian Gulf*. *JRCS* 1 (1859): 13-15.
14. Constable, Lt. C. G. and Lt. A. W. Stiffe, *Persian Gulf, Gulf of Omman and Mekran Coast*. London, 1864.
15. Dalongeville, R. and P. Sanlaville, *Confrontation de datations isotopiques avec les données géomorphologiques et archéologiques à propos de variations relatives du niveau marin sur la rive arabe du Golfe Persique*. O. Auzanne, J. Lavin and F. J. J. J. (eds.) *Chronologies in the Near East*, pp. 583. Oxford, 1987.
16. Dalziel, Lt. Col. G. *The Persian Gulf*. *JRCS* 54, 25 (1948): 349-364.
17. Discovery, F. C. *The Persian Gulf Route and Commerce*. *The Asiatic Quarterly Review* 5 (1888): 354-354.
18. Duvalville, B. *Recherches géographiques sur le Golfe Persique et sur les côtes de l'Égypte, du Yémen*. *Mémoires de l'Académie royale d'inscriptions et belles-lettres* 30 (1744): 132-197.
19. Deutsches Hydrographisches Institut. *Handbuch des Persischen Golfes*. St. Gallen, Hamburg, 1976.
20. Dyce, Haas, L. *The same Climate in the Persian Gulf*. *Marine Geology* 14 (1974): 207-223.
21. During Caspers, L. C. L. *New Archaeological Evidence for Maritime Trade in the Persian Gulf during the Late Prehistoric Period*. *East and West* 12 (1971): 1-55.
22. Evans, G. et al. *Geography and Geological History of the Persian Gulf*. *Archaeology* 12 (1969): 145-159.

حاشیه

۵) دربارهٔ موانع و نفع‌های معنوی به محققان عرب و مسلمانان از کهن‌ترین آثار که در همهٔ آنها نام خلیج فارس آمده است، یک منبع مذکور در نابوست شماره ۱ برای مجموعه‌ای از نفع‌های جهان با نام خلیج فارس، یک مهندس عثماني سحاب، اطلس خلیج فارس، بهران، مؤسسهٔ جغرافیایی و تاریخی گرامی سحاب، همان نوشته، «خلیج فارس در نفع‌های کهن»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، مرکز مطالعات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸، صص ۳۰۱-۳۱۰. همچنین، برای جدولی از نفع‌های کهن و نام خلیج فارس، یک فهرست بختیاری اصل، «خلیج همدان فارس»، صص ۱۵۵-۱۵۴. ۱۶) یک مقاله ردیف‌های ۳ تا ۵ از فهرست مقالات گروه دوم ۱۷) یادآور می‌شود که ده سال پیش از آن تاریخ کارل بلگر، از صاحب‌منصبان دولت انگلیس در کشورهای عربی سرزمین خلیج فارس، نخستین بار در سال ۱۹۵۵ در مجلهٔ صوت البحرین، خلیج فارس را خلیج عربی خوانده بود و سپس در کتابی به نام ساحل ایران در نایب مدعی شده بود که امروزه اعراب خلیج فارس را خلیج عربی می‌خوانند. یک

Belgrave, Ch., *The Pirate Coast*, London, 1966, p. 3.

8) Hawkes, L., *Atlas of the Ancient Archaeology*. Heinemann, London, 1974.

9) Lloyd, S., *The Archaeology of Mesopotamia: From the Old Stone Age to Persian Conquest*. Thames and Hudson, London, 1978.

10) Lloyd, S., *Foundations in the Dust*. Thames and Hudson, London, 1981.

11) Moorey, P. R. S., *Ancient Iran*. University of Oxford, Ashmolean Museum, 1975.

12) Moorey, P. R. S., *Ancient Iraq: Assyria and Babylonia*. University of Oxford, Ashmolean Museum, 1976.

این که نیکلاس سب گت اساساً مورّخ و یکم از معدود محققان سرشناس تاریخ آسوری و بابلی-کلدانی است و از این رو سازی به حفاری و کسب محوّز حفاری ندارد؛ اما، به نیروی از نام جدیدی که به تدریج در میان باستان‌شناسان برای خود حایی بار کرده بود، باریحهٔ این موج جدید شده است. حالیر از او آقای ستون لوید باستان‌شناس کهنه‌کار انگلیسی است که نمی‌دانم در فید حیات هست یا نه وی سالهاست که بازنسیسه شده و، اگر در فید حیات باشد، سنّ او در حدود بود سال است این باستان‌شناس-که، صرف نظر از یکی دو کار در ترکیه، بیست و عمر حوس را در حفاریات و مطالعهٔ فرهنگها و تمدنهای بین‌النهرین باستان، یعنی عراق امروزی، سری کرده است-در حیات جدید (۱۹۸۴) آخرین اثر خود که حیات اول آن به سال ۱۹۷۸ مسر شده بود برای بیان دادن مراتب فدردانی حوس را عرافها، که سالان دراز احازهٔ فعالیت‌های باستان‌شناسی در آن سرزمین را به وی داده بودند، با به تصمیم و براساران و باساران به تعبت از دیگران، نام معمول «خلیج عربی» را به حای «خلیج فارس» به کار برده است.^۹ افرون بر آن، در تحدید حیات (۱۹۸۱) کتاب دیگری از همین باستان‌شناس که حیات اول آن در سال ۱۹۴۷ مسر شده و در نفعهٔ انتهای کتاب نام این آبراه خلیج فارس آمده بود، این نام به خلیج عربی تبدیل شده است.^{۱۰} باستان‌شناس سرشناس دیگری که تحصّص او عمدتاً در رمنهٔ فلر و فلرگری باستان در خاورمیانه است، در جزوه‌های راهنمایی که برای مورهٔ اسمولس نوشته است، در نفعهٔ حروهٔ مربوط به ایران، این آبراه را «خلیج فارس» نامیده^{۱۱}، اما، در حروهٔ معنوی به عراق، فقط «خلیج» بر آن اطلاق کرده است.^{۱۲}

فهرست کردن همهٔ کتب و مقالاتی که در مس‌نا در نفعهٔ آنها به حای «خلیج فارس» نام تحریف شده «خلیج عربی» با نامهای «خلیج» یا «خلیج ایران و عرب» (دربارهٔ این دو عنوان در پایین بحث کوتاهی خواهیم داشت) به کار رفته کار بسیار دشواری است و سار به مراجعه به فهرست راهنمای همهٔ کتابها و مقاله‌هایی دارد که در زمینه‌های باستان‌شناسی و باستان‌شناسی و هر و تاریخ از سال ۱۹۷۰ تا به امروز حیات و منتشر شده است. بنابراین، آنچه در اینجا می‌آید چیزی جز مسب نمونهٔ حروار نیست.

با اینهمه، نگاهی به کتب و مقالاتی که از ۱۳۴۹/۱۹۷۰ تا ۱۳۵۷/۱۹۷۸ (نیرووری انقلاب اسلامی) مسر شده بیان می‌دهد که بازندهٔ فمره از آنها با عناوین خلیج فارس یا مربوط به آن بوده است، به این شرح سال ۱۹۷۰، یک کتاب، ۱۹۷۱، یک مقاله، ۱۹۷۲، پنج مقاله، ۱۹۷۳، سه مقاله، ۱۹۷۴، یک مقاله، ۱۹۷۵، یک مقاله، ۱۹۷۶، یک مقاله، ۱۹۷۷، یک کتاب؛ و سال ۱۹۷۸، یک کتاب. این حجم کار به روشنی آشکار می‌شود که در

بیس از دیگران حلب توحه می‌کند:

یکی موریتسیو توزی، باستانشناس ایتالیایی ار داسگاه رم، که نزدیک به بیست سال در استان سیستان در شهر سوچه حفاری کرده و تمامی تحرییات و شهرت جهانی حویس در باستانشناسی را مدیون ایران و ایرانی است و حرمحت و احترام حیردیگری از این ملت ندیده است. او بیس از بیست سال در همه نوسه‌ها و نوسه‌های خود نام این حلب را، آن گونه که ناید، «حلب فارس» نوسه و در همه سحرابیهای حویس آن را همیشه به همین نام خوانده بوده است. با این همه، در سال ۱۹۸۶، در مقاله‌ای (گروه دوم، ردیف ۲۱)، يك ناره تغییر جهت داده و نام محمول «حلب عربی» را به کار برده است. حالت اینکه آقای توری، که سالان درار ریاست هیئت حفاری محوطه باستانی شهر سوچه را بر عهده داشته، اکنون مسعول اماده ساختن و حاب حدود سیرده حلد کتاب درباره نتایج این حفاریات است و ناید دید که وی در آنها نام این حلب را چه خواهد خواند. البته این امر تعجب ریادی را بر نمی‌انگیزد، چه ناید نوحه داس که موضوع نام این حلب تنها برای ما و عربها اهمیت دارد. دیگر آنکه همگان به اصول اخلاق نای بند بوده و برای بیسپرد اهداف حویس به بها حاضرند نام حلب فارس، بلکه نام ایران را بر عوص کنند. اما همه باستانشناسان خارجی را، که سالها عمر حویس را در کشف تمدنها و فرهنگهای کهن این سرزمین سری و در راه اعتلای گذشته‌های دور کشور ما ایران موی خود را سید کرده‌اند، نمی‌توان به يك حوب راند و فرصت طلب و عاری از اصول اخلاقی به شمار آورد. هستند باستانشناسانی که سن از متوف سدن فعالیتها باستانشناسی در ایران به تنها تن به خواسته‌های اعراب بدادند بلکه حاضر سدید در هیچ حای دیگری به حر ایران حفاری کند حتی اگر عملیات حفاری در ایران هرگر در رمان حیات آنها از سر گرفته شود.

دیگری دابیل ناتر نویسنده همین کتاب دوحلدی حلب عربی در دوران باستان است که انگیره نگاستن این مقاله سده است این شخص، که امرور در حدود چهل سال دارد، از دوره لیسانس، همراه آقای لامرگ - کارلوفسکی از داسگاه هاروارد، در حفاریات ته‌یچی در استان کرمان سرک حسب و رساله لیسانس خود را بر در آستانه انقلاب درباره بخشی از فعالیتها باستانشناسی در ته‌یچی نوس. افرون بر آن، گزارش کامل حفاریات ته‌یچی در دوره‌های IVB-IVC آخرین ابری است که از وی منتشر سده است. وی که حوایی باهوش، برکار و جویای نام بود، نا بی بردن به این واقعیت که برای خارجیها در ایران دسب کم تا مدتی امکان فعالیت باستانشناسی وجود نخواهد داس، روی به سیخ نسینها آورد که در آن زمان به سدن در بی

این دهه، هنوز بسیاری از باستانشناسان و محققان در نوسه‌های حویس نام «حلب فارس» را به کار می‌بردند، و شمار آنان دو برابر شمار نویسندگانی است که نام «حلب عربی» را اختیار کرده‌اند اگر دیگر آثاری را که عناوین کتب و مقالات آنها مربوط به حلب فارس بوده اما در متن و یا در نوسه‌های خود نام حلب فارس را به کار برده‌اند به شمار آوریم متوحه می‌سویم که تلاش اعراب درباره تحریف نام این حلب به گونه‌ای گسترده حسی سده و با موقیت حدانی روبرو نبوده است. به این معنی بیر باید توحه داس که مطالعات فعال ابراساسی در آن دهه رواج داشته و گواه آن عده سرک‌کنندگان در سموریومهای مربوط به مطالعات و حفاریات باستانشناسی است که در نایان هر تاستان با سرک دهها باستانشناس خارجی از کشورهای گوناگون جهان و گروه کبیری از محققان ایرانی در محل مرکز باستانشناسی در تهران برگرار می‌سد و همچنین مقالات باستانشناسی متعددی که با کیفیت عالی و سطح بالای علمی در این سموریومها فرانت و سپس در مجموعه‌هایی حاب و در سطح بین‌المللی منتشر می‌سد رکود فعالیتها باستانشناسی ایران در سطح کشور و بین‌المللی طی سالهای اخیر، از يك سو، و آغار جنگ بحملی میان کشور ما و عراق و تسدید فعالیتها صدایرانی همسایگان عرب، از سوی دیگر، به روید کاربرد «حلب عربی» به حای «حلب فارس» کمک کرد. تا حایی که از سال ۱۹۸۹ به بعد در هیچ کتاب یا مقاله یا نوسه از آثار محققان خارجی دیگر ابری از نام «حلب فارس» بر حای نماند و در همه آنها، چه در عنوان و چه در متن، این نام حای خود را به «حلب عربی» و بعضاً «حلب ایران و عرب» یا «حلب» داد نگاهی به فهرست کتب و مقالات متعلق به سالهای سن از انقلاب در گروههای سه‌گانه سان می‌دهد که از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸ تنها هف مقاله (گروه اول، ردیفهای ۱۵، ۲۴، ۲۵، ۴۳، ۵۰، ۶۱، ۶۲) با عنوان «حلب فارس» منتشر سده که از میان آنها نویسنده مقاله‌های ردیفهای ۱۵ و ۶۲ در سال ۱۹۹۰ به گروه کسانی نبوسه است که نام «حلب عربی» را اختیار کرده‌اند (گروه سوم، ردیفهای ۱۴ و ۱۵) سن از آن، از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳، دیگر هیچیک از این باستانشناسان حرفه‌ای خارجی «حلب فارس» را در نوسه‌های خود به کار برده است کسانی چون ویتافیری، هاوارد - کارتر، حی. اف. سالیس، اح. جانسون، حی. تیکسیه، حان اوتس، دیورینگ - کاسر، بی. ام. بوهر نیز، در مقاله‌های حویس، به حای «حلب فارس»، «حلب ایران و عرب» یا «حلب» نبوسه‌اند

همچنان که دیدیم برخی از باستانشناسان، که در اعار نام «حلب فارس» را اختیار کرده بودند، سن از سالهای انقلاب «حلب عربی» را به جای آن ساندند در مان این گروه نام دوس

23. Fiey J. M., "Diocèses Syriens orientaux de Golfe Persique" *Mémorial Mgr Guérin Khour Sarkis* pp. 209ff. Louvain 1969
24. Flour W., "A Description of the Persian Gulf and its Inhabitants in 1756" *Persica* 8 (1979) 163-185
25. Flour W., "Pearl Fishing in the Persian Gulf in 1757" *Persica* 10 (1982) 202-222
26. Ghirshman R., "Ile de Kharg dans le Golfe Persique" *Artes Asiatique* 6 (1959) 114-115
27. Ghirshman R., "Ile de Kharg dans le Golfe Persique" *Comptes rendus de l'Académie des inscriptions et belles lettres* pp. 266ff. Paris 1958
28. Ghirshman R., "Ile de Kharg (Kharis) dans le Golfe Persique" *Revue archéologique* (1959) 25ff
29. Glob P., "Danske arkæologer i den Persiske Golf (Danish Archaeologists in the Persian Gulf)," *Auml* (1960) 213ff
30. Glob P. V. and T. G. Bibby, "A Forgotten Civilization of the Persian Gulf" *Scientific American* 23 (1960) 62-71
31. Haerneck F., "Quelques monuments funéraires de l'île de Kharg dans le Golfe Persique" *Iranica Asiatica* 11 (1975) 138-145
32. Hallo W. W. and B. Buchanan, "A Persian Gulf Seal" in the Old Babylonian "Mural Agreement" H. G. Güterbock and T. Jacobson (eds.), *Studies in Honor of Benno Landsberger on His Seventy-fifth Birthday April 21 1965* p. 206 Chicago 1965
33. Hansen H. H., "Carsten Niebuhr i den Persiske Golf" *Nationalmuseets Arbejdsmark* (1962) 135-148
34. Heim A., "Die artesischen Quellen des Bahrein-Inseln im Persischen Golf" *Exotique Geol. Helvetiae* 21 (1978) 1-6
35. Heim A., "Die artesischen Quellen des Bahrein-Inseln im Persischen Golf" *Artes S. helvétique des Sciences* 1972, pp. 152-153
36. Heude, H. W., *A Voyage up the Persian Gulf and a Journey Overland from India to England in 1817* London 1819
37. Holdich T. H., "Arabia and the Persian Gulf," *The Geographical Journal* 55 (1946)
38. Jowgerwerder, B. R. C. de, "Die Hafen und Handelsverhältnisse des Persischen Golfs und des Golfs von Oman" *Annalen der Hydrographie und maritimen Meteorologie* 17 (1889) 189-207
39. Hourani, G. F., "Direct Sailing between Persian Gulf and China in Pre-Islamic Times" *JRAS* (1947) 157ff
40. Koser P., "The Structural and Geomorphologic Evolution of the Persian Gulf," B. H. Burser (ed.), *The Persian Gulf* Berlin, 1973
41. Kemball, H. A. B., "Memoirs on the Resources, Localities and Relations of the Tribes Inhabiting the Arabian Shores of the Persian Gulf" *Selections from the Records of the Bombay Government* NS 24 (1856) 95-119
42. Kemphorne, H. G. B., "Notes made on a Survey along the Eastern Shores of the Persian Gulf in 1828" *JRAS* 8 (1835) 263-285
43. Lowick N. M., "Further Unpublished Islamic Coins of the Persian Gulf" *Studia Iranica* 11 (1982)
44. Mac Cluer J., *Memoir Concerning the Navigation between India and the Persian Gulf* Reproduced in A. D. Smythe, *A collection of charts, Plans of ports etc. Navigation* 18 vols. London 1786
45. Miles B., *The Countries and Tribes of the Persian Gulf* London 1919
46. Ozbaran, S., "The Ottoman Turks and the Portuguese in the Persian Gulf" 1534-1581 - *Journal of Asian History* 6 (1972) 45-87
47. Pelly H. Col. I., "On the Geographical Capabilities of the Persian Gulf as an Area of Trade" *PRGS* 8 (1864) 18-21
48. Pelly H. Col. I., "Remarks on the Pearl Oyster Beds in the Persian Gulf" *IBGS* 18 (1867) 32-35
49. Philby H. St. J. B., "Across Arabia from the Persian Gulf to the Red Sea" *The Geographical Journal* 56 (1920) 466ff
50. Piacentini V. I., "L'aperta di poltra Sassanide sul Golfo Persico fra leggenda e realtà" *Clio* 20 (1984) 209ff
51. Picard C., "Les Matines de Nêarque et le relais de l'expédition d'Alexandre dans le Golfe Persique," *Revue Archéologique* 53 (1961) 64ff
52. Pilgrim G. F., "The Geology of the Persian Gulf and the Adjoining Portion of Persia and Arabia," *Memoirs of the Geological Survey of India* 34 (1908) 1-177
53. Prins A. H. J., "The Persian Gulf Shows Two Variants in Maritime Enterprise," *Persica* 2 (1966) 1-18
54. Purser, B. H., (ed.), *The Persian Gulf* Berlin 1973
55. Rao, S. R., "A Persian Gulf Seal" from Lothal" *Antiquity* 11 (1963) 96-99
56. Rashid, S. A., "Ein frühdynastische statue von der Insel Tarut im Persischen Golf" D. O. Edvard (ed.), *Gesellschaftsklassen im Alten Zweistromland und in den angrenzenden Gebieten* (XVIII), Rencontre Assyriologique internationale, München 29. Juni bis 3. Juli 1970 pp. 159-164 Munich 1972

حاشیه

- 13 Theophrastus, *De Causis Plant* 2 5 5
 - 14 Kent, R. G., *Old Persian* (American Oriental Series, 33) American Oriental Society, New Haven Connecticut (2nd ed revised), 1953, p. 147
 - 15 Dietrich, A., "Arabicus Sinus", *Der Kleine Pauly I* Berlin, 1979 p. 485. Smith, W. (ed.), *Dictionary of Greek and Roman Geography I* London, 1854 pp. 182-183
 - 16 Bowersock, G. W., "The Greek Nabataean Bilingual Inscription at Ruwafa, Saudi Arabia", G. Bingen, G. Cambier, and G. Nachtergal, (eds.) *Le monde grec Hommages à Claire Preaux* Brussels, 1975, pp. 518-520
- برای مجموعه‌ای از نقشه‌های جهان با نام «پرسیکوس سینوس» (خلیج فارس) و «پرسیکوس سینوس» (دریای احمر)، رک. سبحان. اطلس خلیج فارس.

یافتن هویت ملی و گذشته تاریخی برای خود بودند. بی‌گمان، بدون شرکت در حفاریات باستانشناسی احتمال سرف برای نابرو خود بداس. او، که به خوبی از این واقعیت آگاه بود، خود را درست در اختیار اعراب گذاشت، تا سرانجام، در مؤسسه مطالعات حاور نزدیک باستان کارستن نیبور کنهک (دایمارک) به سمت معلم حق‌التدریسی به خدمت درآمد و احراً جبر یافتیم که پس از نوشتن ابر یادسده به داسگاه سیدی در استرالیا راه یافته و در احبا به تدریس مسغول است.

احیارکنندگان نام «خلیج عربی» برای مسرو عیب بخشیدن به این نام محغول دست به سیدساری و تحریف مدارک تاریخی رده‌اند و به تنوهراسوس (حدود ۲۸۷-۳۷۱ ق م) استناد می‌کنند که در زمان فرمانروایی سلوکوس اول می‌ریست و دو عنوان «دریای سرخ» (Erythra thalatta) و «خلیج عربی» (Arabikos) (Kolpos) را به کار برده است^{۱۳} اما تردیدی نیست که تنوهراسوس در استفاده از این دو عنوان دچار استباه سده و این دو نام را که متعلق به «دریای احمر» بوده در مورد خلیج فارس به کار برده است. این استباه یا اربیحبری کامل او اربحرافهای منطقه و یا اربعبر نادرست در وصف دو ابراه مذکور ناسی سده است. خلیج فارس، دریای سرخ و دریای عرب (بحراحر) را بحرافیدانان و مورخان یونانی نخستین نارس اربسکرکسهای اسکندر به آسیا و آفریقا معرفی کردند و احتمال استباه در اطلای این نامهای جدید بر مصداق واقعی آنها در آن رورها امری طبیعی بوده است. ریرا بیس از آن ایرایان نام خاصی برای خلیج فارس نداسند و به همین دلیل داریوس، ساهسناه خامسی، در کتسه سوئر در اساره به آن می‌گوید: «من يك نارسى ام ارب سرزمین نارس. من مصر را متصرف سدم فرمان دادم این کانال را ارب رودخانه‌ای به نام نیل، که در مصر جاری است، به دریایی که ارب نارس آغار می‌گردد حفر کند»^{۱۴} افرو نر آن، در عصر باستان همه لاتینی‌ربانان همیشه و بدون استثناء «عربسکوس سینوس» (Arabicus Sinus، دریای عربی) را برای دریای سرخ یا دریای احمر^{۱۵} و «دریای فارس» (Persicus Sinus) را برای خلیج فارس^{۱۶} به کار می‌برده‌اند ارب آن جمله‌اند: ارباوس‌تس (Eratosthenes) (۲۰۲-۲۸۴ ق م)، جغرافیدان عصر هلنی، که خلیج فارس را پرسیکوس کولپوس (Persikos Kolpos، خلیج فارس) نامیده؛ فلاویوس آمیانوس (Flavius Amianus)، مورخ یونانی قرن دوم میلادی (سال مرگ در حدود ۱۷۰ میلادی) که در کتاب آناپازیس آن را پرسیکون کایتاس (Persikon Kaitas، خلیج فارس) خوانده؛ و استرابون، جغرافیدان یونانی (۶۴ ق م تا ۲۴ ق م)، که مناطق عرب‌نشین را سرزمینهای میان خلیج فارس و خلیج عرب (بحراحر) وصف کرده است.

اما برخی از باستان‌شناسان که «خلیج فارس» را «خلیج ایران و عرب» می‌نامند، همین وانمود می‌سازند که با انتساب شمال این آبراه به ایران و جنوب آن به اعراب میانه را گرفته‌اند و بی‌ظرفانه عمل می‌کنند. کسانی که آن را صرفاً «خلیج» می‌نامند نیز به خیال خود مشکل را دور می‌رند. بهترین شاهد مثال در این باره سکایت آقای دکتر مسعود آذرنوس باستان‌شناس ایرانی مفیم بلریک است از آقایان پال برنارد و فرانس گرنه، باستان‌شناسان عضو مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه (CNRS) و برگزارکنندگان کنگره تاریخ ادیان آسیای مرکزی در دوران سس از اسلام، که در مقاله ایشان «خلیج فارس» را به «خلیج» تبدیل کرده بودند.^{۱۶} اسان نخست قصد داشتند سکایت حویس را در یکی از سریات فرهنگی ایران‌شناسی در خارج منتشر کنند ولی، آنجا که هیچک از مسؤولان این سریات حاضر به چاپ کردن آن شدند، به احبار آن را در یکی از سریات فارسی‌ریان در داخل ایران مسر کردند.^{۱۸} ویراساران مجموعه سحرانهای کنگره مذکور که در نفسه مربوط به مقاله دکتر آذرنوس دست‌برده و در آن «خلیج فارس» را به «خلیج عربی» تبدیل کرده بودند، در پاسخ به اعتراض کتبی نویسنده مقاله حسن توضیح داده‌اند به حوی آگاهید که، همان‌گونه که اصطلاح خلیج عربی برای پژوهشگران ایرانی غیرقابل قبول است، اصطلاح خلیج فارس را بر کشورهای عرب رد می‌کنند در اینجا اینکه اردیدگاه تاریخی حوی با چه کسی است به حساب نمی‌آید اگر بخواهم گردهمایی‌های بین‌المللی را امکان‌پذیر سازیم باید سطرقتی اصطلاحات را به کار ببریم.^{۱۹}

اما در مورد اطلاق نام «فارس» بر اس خلیج اسناد و مدارک تاریخی کاملاً قاطع است و در این معنی حای هیچ تردید و حتی بیست. نئارکوس (Nearchus) طول سواحل خلیج فارس را ۲۰۰۰۰ استادی (در حدود ۳۵۰۰ کیلومتر) ست کرده است که هر دو ساحل شمالی و جنوبی آن را دربرمی‌گیرد سس از وی همس رفم را آگاتمروس (Agathemeros)، بطلمیوس، و امابوس مارسیلیوس (Ammianus Marcellinus) برای طول سواحل خلیج فارس ذکر کرده‌اند. اما پلینی (Pliny) سس از ارانوس سس مجموع طول دو ساحل خلیج را ۲۵۰۰ میل رومی (در حدود ۳۷۰۰ کیلومتر) نوشته است. البته امروزه می‌دایم که طول خلیج فارس در سواحل ایران ۱۰۲۰ کیلومتر و در سواحل عربی ۱۷۴۲ کیلومتر و در مجموع ۲۷۶۲ کیلومتر است.^{۲۰} بنابراین، همه جغرافیدانان و مورخان لاتینی‌زبان و، به عبارت دیگر، تمام منابع غربی هر دو ساحل ایرانی و عربی این خلیج را از فارس (ایران) می‌شناخته‌اند و آن را به همین نام خوانده‌اند. در نتیجه «خلیج عربی»، «خلیج ایران و عرب» یا «خلیج» اسامی تحریف سددای

پس نیستند و فاد اعشار تاریخی‌اند.

سند بحث‌انگیز دیگری درباره نام «خلیج فارس» عمار «ورتاریکان» در سد ۲۵ بدیس است که می‌گوید: «سهرستان حیره را سابور سس اردسیر صاحب (و) مهراد را، که مرربان حیره بود، رورتاریکان گماس» رورف مارکوارب این عمار را «خلیج فارس» برحه کرده است.^{۲۱} و مرحمان دیگر، به تقلید از او، و سیر دکتر مهرداد بهار و دکتر سعید عریان آن را با «خلیج فارس» بطبیق داده‌اند.^{۲۲} اما دکتر احمد فصلی ورباریکان را «دریاچه تاریان» برحه کرده و احتمال می‌دهد که همان دریاچه بطعه (بطایع) با الحف در مررب ایران باشد.^{۲۳} وی می‌گوید که «خلیج فارس» هرگر «دریاچه تاریان» نامیده سده است.^{۲۴} از سوی دیگر، دکتر ماهیار بوابی، هرحد نظر خود در اس باره را در حایی منتشر نکرده است، «ورتاریکان» را سطر العرب (ارودرود) می‌خواند،^{۲۵} و دکتر کنان مرادبور برای واره «ور» مصدافی عر اردریاچه فیل است و آن را به احتمال انگری می‌داند که از آب دریا بدید آمده باشد.^{۲۶} و اس بعیر با نظر دکتر بوابی موافق دارد او در پاسخ به کسانی که «ورتاریکان» را «خلیج فارس» می‌خواند می‌گوید که در ربان بهلوی برای خلیج واره «حور» وجود داسه است و، ساراس، اگر در بدیس منظور خلیج فارس می‌بود می‌بایست آن را دست کم «حورباریکان» می‌خواندند.^{۲۷} حکونه می‌بوان بدرفب ایرانیان، به ویره مودبانی که تاریان با اسی بو بر انها مسلط سده‌اند و محورید برای حفظ دس و اس حوس حربه بردارید، نام خلیجی را که همگان، دست کم از قرن چهارم سس از ملاد، فارس خوانده بودند به اعراب سس دهند ساراس، به احتمال مررب به یس، «ورتاریکان» به خلیج فارس بلکه، آن گونه که دکتر فصلی معبد است، به دریاچه بطعه (بطایع) با الحف در مررب ایران با، آن حنان که دکتر ماهیار بوابی و دکتر کنان مرادبور معبدند، به سطر العرب (ارودرود) یا بطر آن اطلاق می‌سده است

اما ناندید که اس اسامی تحریف سده اردیدگاه حه کسانی فاد ارس و اعشار تاریخی است حناحه تصمیم‌گری در اس باره بها مربوط به ما می‌بود که اس امر رباری به ربگراری سمبارها و بوس کتاب و مقاله در انبات حفاست نام «خلیج فارس» نداس، ربرا، به گمان من، در ربامی حهان حبی لك ایرانی هم وجود ندارد که حاضر باشد «خلیج فارس» را «خلیج عربی» بخواند ساراس، بحث ما باطر است به محافل و افرادی که می‌بوان انها را در سه گروه حای داد (۱) مراجع حهایی مانند سارمان ملل و بوسکو (۲) داسمدان و محققان در رسه‌های کوناگون علوم اسایی مانند تاریخ، جغرافیا، مردم‌شناسی، اساساسی و باستان‌شناسی (۳) عامه مردم، در مورد گروه

بحسب همان گونه که بیس از این نیر اساره کردیم، مسکلی وجود ندارد. زیرا سارمان ملل متحد و نیر سازمان یونسکو سالهاست که رسماً نام تحریف سده «خلیج عربی» را مردود ساخته و نام رسمی آن را همچون گذشته «خلیج فارس» اعلام کرده اند. در مورد گروه سوم هم مسئله ای در میان نیست چون عامه مردم اصولاً توجهی به این مسائل ندارند و برایشان «فارس» یا «عرب» بودن نام این خلیج و «سط العرب» یا «ارودرود» خواندن نام آن رود خندان اهمی ندارد. آنها هر نامی را که مصطلح باشد به کار می برند. اما گروه دوم در تغییر نام محلها و در اس مورد خاص، تحریف نام «خلیج فارس» نفس بسار مؤبری دارد و به ساموضع گیری اودر اساعه نام محرف در میان عامه مردم و ملنها تعیین کننده باشد. حایحه نام تحریف سده «خلیج عربی»، از طریق انتشارات معتبر دانشگاهی، که بالاترین مراجع استاد علمی برای دیگر گروههای ارتباط جمعی به شمار می آیند، در مقیاس جهانی همچنان به حای «خلیج فارس» به کار رود، بعید نیست که در اسده ای به خندان دور به طور کامل حای خلیج فارس را عصب کند و برای طرد آن به ازدست ما و سمیاریهای خلیج فارس و اراد سحرانیها در سطح کشور و به از دست سارمانهای بین المللی کاری ساحه نخواهد بود.

بس، مسئله آن فدرها هم که ظاهر امر سان می دهد کم اهمست بسب و اگر حاره اندیسی سوددیری نخواهد باید که نام محمول «خلیج عربی» در تمامی مجامع علمی و در رسانه های گروهی بین المللی حای نام «خلیج فارس» را خواهد گرفت و به بدریح در دایره المعارف ها نیر وارد خواهد سد. حاب کتب و مقالات به زبان فارسی، آن هم به فلم محققان ایرانی، یا تسکیل سمینارها با سرکت شخصیتهای سیاسی و علمی ایرانی حتی در بالاترین سطح ممکن هیج تأبیری در حفظ نام «خلیج فارس» در مقیاس جهانی ندارد. نامه هایی چون سکوائیه دکتر مسعود ادربوس بیر، هر خند تکان دهنده است و به وضوح عمی فاجعه را سان می دهد، ار آنجا که به زبان فارسی و در یک سریه ایرانی به حاب رسده است، متأسفانه چیزی جر دزدل خودمانی به حساب نمی آید این گونه فریادها هرگز فراتر از مررهای ایران سیده نمی سود سابرین، چنین وظیفه ای را، درست آن گونه که اعراب عمل می کنند، باید به دست محققان خارجی و به فلم آنها و در سربیات آنها و به هزینه خود آنها به انجام رساند.

*

هر خند گرایش به تحریف نام خلیج فارس از خندین دهه بس اغار سده است، بویره بس از انقلاب اسلامی ایران بود که این گرایش سندات و وسعت گرفت و در سالهای نایابی دهه ۱۹۸۰ فراگیر سد.

حاشیه

17) Azarnoush, M., «The Manor House of Hapahad and the Chronology of the Sasanian Governors of Kushanshahr», P. Bernard F. Grenet, (eds.), *Histoire et cultes de l'Asie centrale preslamique: sources ecrites et documents archeologiques* (Editions du Centre National de la Recherche Scientifique 1991) pp 79-84, Paris 1992.

۱۸) مسعود ادربوس، «خلیج فارس، خلیج یتیم»، نگاه نو، شماره ۱۵، ۱۳۷۲، صص ۲۰۹-۲۵.

۱۹) ادربوس، همان، صص ۲۰۷.

۲۰) محمد سوری، «نفس ناوگان فتکش در خلیج فارس»، مجموعه مقالات سمیاری بررسی خلیج فارس، مرثر مطالعات خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۵۸-۱۳۵.

21) Markwart, J., *A Catalogue of the Provincial Capitals of Fārs-shahr (Pahlavi Text Version and Commentary)*, Giuseppe Messina, (ed.), Roma Pontificio Instituto Biblico (Analecta Orientalia, 3) 1931, p. 120.
۲۲) احمد مصلی، «سهرسانهای ایران»، سهرهای ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، ج ۳، (فراهم آورده) با همکاری جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸، صص ۲۴۹-۲۳۲، سعید غریبان، «سهرهای ایران»، حبسا، سال ۲، شماره ۵، ۱۳۶۹، در این مقاله، که طی آن از کمکهای دکتر بهار سپاسگزاری شده است، دو بار، در بندهای ۲۵ و ۵۲، «خلیج فارس» با نام «دریای تاربان» یاد شده است.

۲۳) مصلی، همان، صص ۳۳۵، ۳۴۱ و ۳۴۲.

۲۴) برای برحه واره «ور» به معنی «دریا» رک حاماسب-اسانا، حاماسب حی دستور موحرر حی (گردآورده)، متون پهلوی، گزارش سعید غریبان (ترحه و اوایوس)، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.

۲۵) مکالمه تلفنی با حام دکتر کتابون مرداور.
۲۶) کتابون مرداور، «حبست و حبست»، فرهنگ، کتاب سسم، به کوشش نجی مدرسی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹، صص ۱۸۷-۱۷۹.

۲۷) مکالمه تلفنی با حام دکتر مرداور.

پس از متوقف شدن حفاریات در ایران، باستانشناسانی که در دانشگاههای گوناگون جهان سالها به تدریس باستانشناسی و فرهنگ و تمدن ایران مشغول بودند، با پرداختن به حفاری در کشورهای دیگر، به تدریج به تدریس باستانشناسی همان کشورها پرداختند. از سوی دیگر، طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، چندین نسل باستانشناسی ویره مطالعات باستانشناسی ایران در چندین کشور اروپایی، به هم و همه دانشگاهها و مؤسسات علمی خارجی، تأسیس شد که از آن جمله‌اند: محله ایران در انگلستان، ایرایکا/انیکوآ در بلژیک، دافو در فرانسه، و امی در آلمان این سریات در گسترش مطالعات ایرانشناسی و ساساندن فرهنگ و تمدن ایران در ادوار گذشته به جهانیان سهم بسیار مهمی داشتند و مقالات علمی دانشمندان و محققان جهان، از جمله محققان ایرانی، در این مجلات به حاد می‌رسید. متأسفانه انتشار این سریات به علت تعطیل شدن حفاریات و مطالعات ایرانشناسی در ایران یا متوقف شده است و یا مطالب آنها به موضوعهای غیرایرانی اختصاص یافته است. در میان آنها تنها سریه انگلیسی ایران همخوان به حاد مطالب مربوط به فرهنگ و تمدن ایران می‌پردازد و دلیل آن صرفاً وجود سردسیر ایرانی این محله خانم دکتر وستا سرخوس، همسر باستانشناس انگلیسی دکتر کریم است. علاوه این باووی داسمند ایرانی به ایران و تمدن ایرانی توانسته است این سریه علمی را همخوان سر با نگاه دارد. دو مؤسسه علمی باستانشناسی مغلی به آلمانها و انگلیسیها، که کتابخانه‌های آنها، به‌ویژه کتابخانه آلمانیها، حاوی غنیرین مجموعه نشریات باستانشناسی و رباشناسی مربوط به ایران و تمامی حاورمیانه بوده، تعطیل شده‌اند اکنون در حدود ده سال است که در خارج از مرزهای کشور هیچ داسجویی اعم از ایرانی و غیرایرانی در رسته باستانشناسی ایران ترسب شده و همه آنهاهی که علاقه‌مند به تحصیل در رسته باستانشناسی خاور نزدیک بوده‌اند مطالعات خویش را وقف کشورهای ترکیه، سوریه، فلسطین، عراق، اردن، عمان، عربستان، و سح سسهای حاسیه خلیج فارس یا سرزمینهای آسیای مرکزی، افغاسان و پاکستان کرده‌اند. متأسفانه باید گفت که امروز هیچ داسجوی ایرانی نمی‌تواند تحصیلات عالی باستانشناسی را در خارج از مرزهای ایران ادامه دهد مگر آنکه تخصص خویش را درباره کشور غیر از ایران بگذراند. از ده سال گذشته به این طرف، نه تنها هیچ باستانشناسی به جمع ایراسناسان افروده نشده بلکه شماری از برحسته‌ترین ایراسناسان عملاً از صحنه باستانشناسی ایرانی خارج شده‌اند. دکتر هلن کنتور در گذشته است، لویی واندنبرگ اخیراً درگذشت، ران برو، ایدت برادو و رابرت بریدوود بارسسته شده‌اند؛ عده‌ای دیگر، از جمله رابرت

دایسون، در مرز بازسستگی فرار دارند. آنهاهی هم که باووی مانده‌اند (هانس نینس، کایلر یانگ، لویی لوین، لامرگ - کارلوفسکی، هنری رایت، بتر مورتسون، فرانک هول، رابرت ادامز، ویلیام سامنر، دیوید استروناس) در سنین میان سجاد، سست سالگی و بالاتر هستند و اگر وضع به همین موال نکدد، این گروه نیز بارسسته سوند، باید به طور کامل فاحه باستانشناسی ایران در سطح بس المللی را حواد، و متأسفانه این تصویر واقعیتی است انکارناپذیر. البته باستانشناسانی که طی چند سال گذشته با مدارك عالی تحصیلی از خارج به ایران مارگسته‌اند یا در سالهای بس از انقلاب و با در یکی دو سال اول دوران جمهوری اسلامی ایران برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته‌اند از موضوع بحث ما خارج‌اند اگر کسانی کمال می‌کنند که باستانشناسی ایران در اروا فادر است به حاد علمی خود ادامه دهد در اسبناه‌اند. باید گفت که باستانشناسی ایران بس از آنکه به سکوفایی کامل دست نا بد بر اثر ساسنگراریهای غلط بعضی ارداسگاهها و سارماهای مسؤل به سحی است دیده و اگر اولیای امور به آن بوحه نکند در معرض خطر اصمحلل است.

با توجه به سراط مو خود، یگانه راه خروج از وضع نامطلوب کنونی تحدید رواط فرهنگی در مطالعات باستانشناسی با دیگر کشورهای جهان است بی بردد ساسب باستانشناسی در دوران ریم گذشته حالی از عتب و نقص سوده است با اسفاده از بحارب سب و مهمی گذشته بس از هر حبر نا بد درباره مهارت، بحره و سسته علمی هر باستانشناسی که از حاد مؤسسه با داسگاهی حواسار احاره حفاری در ایران نا بد بررسهای دفی به عمل آورد انتشارات علمی هر يك از سارماهای داوطلب نا بد دف مطالعه گردد و به کسانی که در تحریف واقعاب باستانساحتی دست داسته‌اند احاره حفاری داده سود

همه حفریاتی که در دوران ریم گذشته از سوی خارجها انحام می‌گرفت اسماً حفاریات مسرك حواده می‌سد اما مسارك ما تنها در کار حفاری بود و سس و باستانسباسان حوا ما، که مسافانه در آرووی اموحس اس علم بودند، در مهمرس بحس ان، یعنی بوسش گراس و سرك در بحره و تحلیل و تبس یافته‌ها، كوحترین سهمی نداستند و تمامی ان به دست حفاران حارحی انحام می‌گرفت و این خود یکی از دلایل عقب‌ماندگی باستانشناسی ایران در طول حاد آن بوده و هست. حفاری تنها مقدمه باستانشناسی است و یافته‌های آن بحیری جز مواد خام به سمار نمی‌آیند و حناحه این یافته‌ها درسب مورد مطالعه فرار بگیرد، جر تعداد معدودی از آنها که ارزش موره‌ای دارند بمیه فاقد ارزش فرهنگی حواهند بود. بخش اصلی و عمده

78. Winternitz, F. V., "A Hymnic Inscription from the Persian Gulf Region," *BASOR* 102 (1946) 5ff.

گروه دوم، با نام «خلیج عربی»

1. Al-Takriti, W. Y., *Reconsideration of the Late Fourth and Third Millennium B. C. in the Arabian Gulf with Special Reference to the United Arab Emirates*. Ph. D. thesis, Cambridge, 1981.
2. Basson, P. W. et al., *Bustops of the Western Arabian Gulf: Marine Life and Environments of South Arabia*, 2nd edn. Dhahran, 1981.
3. Bibby, T. G., "Arabians archaeology (Arabian Gulf Archaeology)," *Kuml*, 1965.
4. Bibby, T. G., "Arabians archaeology (Arabian Gulf Archaeology)," *Kuml*, 1966.
5. Bibby, T. G., "Arabians archaeology (Arabian Gulf Archaeology)," *Kuml*, 1967.
6. Bibby, T. G., "Bahrain and the Arabian Gulf," J. Hawkes (ed.), *Atlas of Archaeology*. New York, 1974.
7. Darius, Caspers, L. C. L., "A Note on Two Stamp Seals from the Arabian Gulf Area," *JONAS* 1985: 314f.
8. Darius, Caspers, L. C. L., "Sumer and Kullu meet at Dilmun in the Arabian Gulf," *AFO* 24 (1973) 128-137.
9. Ferrara, A. J., "A Kassite Cylinder Seal from the Arabian Gulf," *BASOR* 225 (1977) 69.
10. Huitlund, F., "Some New Evidence of Harappa Influence in the Arabian Gulf," K. Enfield and P. Nicholson (eds.), *South Asian Archaeology 1985*. London, 1989.
11. Kitzel, W., "The Formation of the Arabian Gulf from 14,000 B. C.," *Sumar* 31 (1975) 101-110.
12. Potts, D. I., "Towards an Integrated History of Culture Change in the Arabian Gulf Area: Problems of Dilmun, Makkan and the Economy of Ancient Sumar," *JOS* 4 (1978) 29-52.
13. Potts, D. I., *The Arabian Gulf in Antiquity*. 2 vols. Oxford: Clarendon Press, 1990, 2nd edn. 1992.
14. Potts, D. I., "The Chronology of the Archaeological Assemblages from the Head of the Arabian Gulf to the Arabian Sea (8000-1750 B. C.)," R. W. Ehrich (ed.), *Chronologies in Old World Archaeology*. 3rd edn. Chicago, forthcoming.
15. Potts, D. I., "The Persian Presence in the Arabian Gulf," J. E. Reade (ed.), *The Indian Ocean in Antiquity*. London, forthcoming.
16. Rice, M., "The Status of Archaeology in Eastern Arabia and the Arabian Gulf," *Asian Affairs* 8 (1977) 119-151.
17. Roussé, C. and S. Sherwin-White, "Some Aspects of the Seleucid Empire: The Greek Inscriptions from Laishah, in the Arabian Gulf," *Chiron* 15 (1985).
18. Schulz, F., "Entwicklungstendenzen im Redunentum der kleinen Staaten am Persischen Arabischen Golf (Omanals Beispiel)," *Mit. d. Österreichischen geog. Ges.* 118 (1977) 70-106.
19. Simiyeh, K. M., *Seashells of the Arabian Gulf*. London, 1982.
20. Taha, M. Y., "The Archaeology of the Arabian Gulf During the First Millennium B. C.," *Al-Ruhdan* 4 (1982/83) 76f.
21. Tosi, M., "Early Maritime Cultures of the Arabian Gulf and the Indian Ocean," Shaikha H. A. Al Khalifa and M. Rice (eds.), *Bahrain Through the Ages: The Archaeology*. London, 1986.

گروه سوم، با نام «خلیج»

- Duchene, J., "La localisation de Huitout," *Fragmenta Historiae Aethiopicae Mélanges offerts M. J. Sirey* (1977) par L. De Meyer, H. Gasche et F. Vallat. ERC) pp. 65-74. Paris, 1986.
- Leichtner, U. and W. Röllig, *Gandari Naxi: Period of Regional Style*. Ludwig Reichert, Wiesbaden, 1986.
- Hager, P. O., J. Aruz, and E. Tallon (ed.), *The Royal City of Suse: Ancient Near Eastern Treasures in the Louvre*. Metropolitan Museum of Art, New York, 1977.
- Hawkes, J., *Atlas of the ancient Arabian Gulf*. Harlow, London, 1974.
- Kervran, M., "La civilisation de Hawran (Bajla) dans le Sud-Ouest de l'Arabie," *Ann. Ass. Arch. et Hist.* 42 (1967) pp. 5-10.
- Kervran, M. (ed.), *Bahrain in the 16th Century: An Impression*. 2nd edn. *Atlas of Information*. State of Bahrain, 1988.
- Lloyd, S., *The Archaeology of Mesopotamia: From the Old Stone Age to Persian Conquest*. Thames and Hudson, London, 1978.
- Lloyd, S., *Foundations in the Dust*. Thames and Hudson, London, 1983.
- Mitschke, J., "de 'La localisation du Madaktu et l'organisation politique de l'Élamite néo-élamite," *Fragmenta Historiae Aethiopicae Mélanges offerts M. J. Sirey* (1977) par L. De Meyer, H. Gasche et F. Vallat. ERC), pp. 209-225. Paris, 1986.
- Mitschke, J., "de 'La fin de l'Élam: Essai d'analyse et d'interprétation," *Travaux d'Assyriologie* 28 (1940) 47-95.
- Moorey, P. R. S., *Ancient Iran*. University of Oxford, Ashmolean Museum, 1975.
- Moorey, P. R. S., *Ancient Iraq, Assyria and Babylonia*. University of Oxford, Ashmolean Museum, 1976.
- Oates, J., *Babylon*. London: Thames and Hudson, 1986.
- Postgate, N., *The First Empires*. Elsevier, Phaidon, Oxford, 1977.
- Reade, J. E., "Kassites and Assyrians in Iran," *Iran* 16 (1978) 137-143.
- Rice, M., *Egypt's Making*. London: Routledge, 1990.
- Rif, M., *Cultural Atlas of Mesopotamia and the Ancient Near East*. Oxford, 1990.
- Sanlaville, P., "Pays et paysages du Tigre et de l'Euphrate: Réflexion sur la Mésopotamie antique," *Akkadica* 66 (janvier-février 1990) 1-12.
- Sanlaville, P., "Considération sur l'évolution de la basse Mésopotamie au cours des derniers millénaires," *Paléorient* 15/2 (1989) 5-27.
- Shaikha H. A. Al Khalifa, A., and M. Rice (ed.), *Bahrain through the ages: The Archaeology*. London: Routledge, 1986.

حاشیه

۲۸) در اینجا ما به اربابان میرعاندین کابلی، علی موسوی، کامیار عدی، دکتر صادق ملک سهروردی، و به ویژه مهرداد ملکراده، که در گردآوری ماره‌ای از مدارک مربوط به مقاله حاضر مرا یاری کردند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

باستان‌شناسی علم تفسیر و تبیین و بازسازی فرهنگها و مدهای گذشته به کمک یافته‌هاست و متأسفانه شمار چشمگیری از باستان‌شناسان ما فاقد حنان و ویژگیهایی بوده و هستند.

بی تردید عنای باستان‌شناسی ایران و جذابیت آن، در مقایسه با گذشته‌های دور سرزمینهای سیخ‌سین جنوب خلیج فارس و بسیاری از سرزمینهای عرب، به مراتب بیشتر است و بسیاری از باستان‌شناسان سلیسته و علاقه‌مند جهان، به ویژه آنهایی که سالها در اردو در رشته فعالیتهای باستان‌شناسی در ایران تجربه‌های فراوان اندوخته و خوشبختانه هنوز به سن نارسستگی نرسیده‌اند، با خروج باستان‌شناسی ایران از انزوا مستفاده به ایران باز خواهند گشت. با اعمال این سیاست، مبارزه در حیطه فرهنگی در رسته نام «خلیج فارس» به سطح بین‌المللی ارتقا می‌یابد و با استفاده از معامله به مثل یک بار دیگر «خلیج فارس» در برابر «خلیج عربی» علم می‌شود. ساج مهم دیگری که از این حرکت عاید باستان‌شناسی ایران خواهد شد عبارتند از:

۱) استفاده از توان باستان‌شناسان ایرانی و فعال ساختن دوباره نیروی تحلیل‌رهنه آنها که در بارده سال گذشته، بر اثر تعطیل شدن فعالیتهای باستان‌شناسی، بسیاری از مهارت‌های خود را از دست داده و از لحاظ علمی دچار حمود و بر مردگی شده‌اند.

۲) بازگرداندن دوباره باستان‌شناسان و اربابان خارجی به مطالعات اربان‌شناسی و تسوین آنها به ادامه کار در باره ایران، به‌ویژه باستان‌شناسی که بیس از انقلاب سالها در ایران کار کرده و تجربیات سن گرا بیهای آموخته‌اند.

۳) احیای درس باستان‌شناسی ایران در دانشگاههای معتبر و گوناگون و تربیت باستان‌شناسان معدن و فرهنگ ایران برای سلهای آینده، در بر تو ناریکست اربان‌شناسان به مطالعات اربان‌شناسی.

۴) اربان‌شناسان توان و مهارت‌های علمی باستان‌شناسان اربانی و خارجی و تضمین مداوم این علم و اسقال آن به سلهای آینده در بر تو همکاری فعال و مشترک.

در نایان باید گفت در یع است سن اربان‌شناسی سکوهمند دول جمهوری اسلامی و ملت ایران در حیطه‌های خنگ واقعی که از سوی ارباب و با حمانتهای بی‌در یع قدرتمندترین بیروهای جهان بر ما تحمیل شده بود، و با جهان بافی است تاریخ از آن نادرده و سلهای آینده این سرزمین به آن مهابات خواهند ورزید، ایک در اس جیگ فرهنگی که در مقایسه با جیگ ده‌ساله تحمیلی سار کو حک و ناحیز می‌نماید، دست روی دست بگذاریم و احاره دهیم نام خلیج فارس که سن اردو هزار سال رسده این اربان‌شناسی و همیشه نلگون ما بوده است در دوران جمهوری اسلامی ایران به خلیج عربی مدل گردد. ۲۸

اوحى الى عسافه طرفه
«هيهات هيهات مما توعدون»
وردهه يطق من حلقه
«لمل دا فليعمل العاملون»

(حسمان او با عاسفان نه اساره مي گف / دور است، وعده اي که نه سما داده اند + و همسپس ار ستس مي گف: / براي حنين حنري بايد کوسندگان نکوسند)
سس مورد ديگري را که سبه اقتباس است نقل مي کند و ان «خواندن قرآن به منظور سخن و مطلب حاصي» است چنانکه يکي از حوارج که حضرت اميرالمؤمنين علي (ع) را در حال نمازديد با سيوط اين آيه قرآن را خواند «لئن اسرکت ليحطى عملك» [زمر، ۶۵. اگر سرك ورري، عملت بياه خواهد سدا و حصرت (ع) با حضوردهن وريري که بحوي که نمازس هم برهم نخورد (حون بعد از فرائت سورة فاتحه، فرائت هر سورة يا هي آيه و آياتي از قرآن مجيد در نماز حابر است) فرمود «فاصر ان وعدالله حق ولا يستخفك الدين لا يوهون» [روم، ۶۰. صر كس، و بدان که وعده الهی حق است، و باؤمنان تو را ار راه نه در بيرد]. («الاتقان في علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۸۶ تا ۳۸۹، ترجمه اتقان، ج ۱، ص ۳۶۱ تا ۳۶۴).

چنانکه ملاحظه مي کنيد، داوري و ارياني و نظر سيوطي قابل توجه و اعتدالي است. نه عبارت ديگر او فقط استسهاد و عمل و اقتباس مسخره آمير و بي ادبانه را بهي کرده است بيرمي نوان گف که او استسهاد و عمل طريف و هوسمندانه را بلوچا بي اسكال مي داند.

در ادبيات عربي و فارسي استسهادهاي طريف نه آيات قرآن، بسيار است. انوري در قطعه اي گويد

حوان حواحه كعهه اس و بان او ييب الحرام
نيك سگر تا به كعهه جر به ربح تن رسي؟
بر نسته بركنار خوان او خطي سياه:
«لم تكونوا بالغيه الا بسق الانفس»

(ديوان انوري، تصحيح مدرس رصوي، ج ۲، ص ۷۴۴)
«لم تكونوا بالغيه الا بسق الانفس» [نحل، ۷: حرنا به ربح انداختن حان خود به آن نمي رسيد].

سعدی هم استسهادهاي طريف بسياري نه آيات قرآني دارد از جمله: «يكي بر سر راهي مسب خفته بود و رمام اختيار اردس رفته عاندي بر وي [گذر کرد و در آن] حالت مستفح او بطر کرد. مسب سر بر آورد و گفت: «واذا مروا باللغو مروا كراما» [قرآن، ۷۲. يعني: و چون بر لغو بگذرند، كريمانه بگذرند] (گلستان سعدی، تصحيح سادروان يوسفی، ص ۱۰۴)
همچنين نسيخ اجل بيتي ساخته است که مصراع دوم آن

استسهادهاي طريف به آيات قرآن

بهاء الدين خرمشاهي

قرآن مجيد ار عهد نزول آن تا امروز رسوخ عظيمي دردهن و زبان و زندگي مسلمانان، مخصوصاً مسلمانان ادب و سخن سانس داشته است، و در سياري ار موقعيتهاي مناسب نه آيات كريمه قرآن استناد يا استسهاد يا عمل سده است. سيوطي قرآن سانس بزرگ قرن نهم (و آغاز قرن دهم) در ابر معروفس، اتقان، مي نويسد که «تحریم اقتباس [آيات قرآن در نظم و نرا] ار مالکيان مسهور است» و ار بعضي ديگر حوارج آن را نقل مي کند. ريرا خود بيامر اسلام (ص) نه آيات قرآني عمل مي حسته اند سپس ار قول ابن حجه مي آورد که اقتباس بر سه گونه است. ۱) مقبول، چنانکه در خطبه ها و مواعط و بيماها مي آورند: ۲) مباح، چنانکه در خلال سخن متعارف و نامه ها و فقه ها آورند: ۳) مردود و مردود را دو قسم کرده است. قسم اول آنکه کسی آيه قرآن را به نحوي به کار ببرد که گويي از حاب خداوند سخن مي گويد چنانکه يکي از بني مروان در توفيع سکايتمه اي نوشت: «ان السا اياهم بم ان عليا حسابه» [غاسيه، ۲۶. بارگست آنان نه سوي ما، سس حسابرسي آنان با ما سب]. قسم دوم اس است که آيه اي را به هرل (سوخي و فکاهه) تضمين کند چنانکه ساعري گفته است:

عبارتی از قرآن کریم است:

قد سابه بالوری حمار

«عجلاً جسداً له حوار»

(یعنی: درارگوسی به انسان تسبیه حسب که «نه بیکر گوساله‌ای بود که نانگ گاوی داس» [طه، ۸۸]. (گلستان، ص ۱۱۹).

همو در باب نهم گلستان در حکایات دوازدهم آورده است: «طوطی را با راعی در ففس کردند و از فتح مساهده او مشاهده همی برد و می‌گفت ای چه طلعت مکروه است و هیأت معصوب و منظر ملعون و سمایل نامورون؟ با غراب البین یا لیت بینی و بیک بعد المسرفین» [ارحرف، ۳۸] ای کلاخ حدایی انداز، کاس بین من و تو به اندازه مسری و معرب فاصله بود. (گلستان، ص ۱۳۹).

حافظ هم تضمین‌ها و تمللات طریقی به آیات قرآنی دارد. از جمله گوید:

حسب حافظ ریر بام قصر آن حوری سرسب

سبوه «حبات تحری تحتها الانهار» داس

«حبات تحری تحتها الانهار» از عبارتهای معروف و مکرر قرآن مجید در وصف بهشت است یعنی «باغهایی که حویباران از فرودست آن جاری است» (اعراف، ۱۰۰). گفتمی است که در قرآن مجید غالباً، جر همین یک مورد که یاد شد، «من تحتها الانهار» است.

و در بیتی از عرلی که در طبع فرویی و جانبری سامده ولی در طبع قدسی آمده، سروده است.

مختسب حم سکسب و من سر او

«سن نالس والخر وح فصاص»

«والسن نالس والخر وح فصاص» [مائده، ۴۵] دندان در برابر

دندان و حراحتها را سر باید فصاص کرد!

□ کسی برای صاحب بن عباد نامه‌ای نوشت که در آن بسیاری از الفاظ خود صاحب را به کار برده بود و به اصطلاح سرف ادبی کرده بود. صاحب دلیل نامه‌اش نوشت: «هده بضاعتنا ردت الینا» [یوسف، ۶۵]: این سرمایه‌ماست که به ما بازگردانده شده است! (و فیات الاعیان، ابن حلکان، ج ۱، ص ۲۳۰، تصحیح احسان عباس).

□ صاحب بن عباد یکی از کارگزاران را در مکانی نزدیک به خانه خود حبس کرده بود. یک روز به نام رفت و به اصطلاح سرک کسید و او را دید. محبوس با صدای بلند اس‌آه را خواند: «فاطلع فرأه فی سواء الجحیم» [الصافات، ۵۵]: از بالا سگرست و او را در سانه جهنم دید! صاحب بلافاصله به آیه دیگر که خطاب فهر به

دورحیان است، تمیل کرد: «احسنوا فیها ولا تکلمون» [مؤمنون، ۱۰۸]: در آن گم شوید و ما من سخن مگویید. (و فیات الاعیان، ج ۱، ص ۲۳۰).

□ مادر سر مریسی (سر از بزرگان مرحنه بود) به نزد فاضی‌ای رفته بود و در موردی شهادت می‌داد و به رن دیگری که او سر شاهد بود، حیرهایی تلفس می‌کرد طرف دعوی آنها رو به فاضی کرد و گفت ملاحظه می‌کنید که این بانو، به آن بانوی دیگر تلفس شهادت می‌نند مادر بسر به حروس درآمد و گفت ای نادان خداوند فرموده است: «ان تضل احداهما فتذكر احداهما الاخری» [نفره، ۲۸۲]. تا اگر یکی فراموش کرد آن دیگری به یادش بیاورد! (و فیات الاعیان، ج ۱، ص ۲۷۸).

□ یک روز حمید نا گروهی از درویشان مواحه شد که آوار و آهنگی می‌سیدند و وحد و سماع می‌کردند. حسد مردی بر مخو و سرمحو بود. گشتند یا ابا القاسم سرودستی نمی‌حبایی؟ گفت: «وتری الحبال تحسبها حامده و هی تمر مر السحاب» [نمل، ۸۸]. و کوهها را بینی، نداری که راکند، حال آنکه به سرعت ابر می‌روند! (و فیات، ج ۱، ص ۳۷۳).

□ ابن حجاج، حسن بن احمد (متوفی ۳۹۱ق) که از بزرگان سعرای عرب است، در مصر درگذشت و به بغداد حملش کردند. او را طبیب وصیتش در حوار مدفن موسی بن جعفر (ع) دفن کردند. او وصیت کرده بود که حسدس را در بنین مدفن امام (ع) دفن کنند و بر قبرش این آیه فرآی را نویسند: «و کلبهم باسط یدراعیه بالوصید» [کهف، ۱۸]. و سگسان دستاس را بر آستانه گشوده بود! (و فیات، ج ۲، ص ۱۷۱). گویا بعدها حواحه بصیر طوسی و ساه عباس صفوی و دیگران هم این اشکار را اقتباس کرده‌اند.

□ خالد بن برید بن معاویه اموی از داسمندان فریش بود و در کیمیا و طب دست داس. او برادری به نام عبدالله داشت. روزی عبدالله به برد خالد آمد و او ولید فرزند عبدالملک خلیفه اموی سکایت کرد و گفت ولید مرا برد خود خواند و تحمیرم کرد خالد به برد عبدالملک رفت و ولید هم نزد او بود. گفت ای امیرالمؤمنین فرزند ولید، به سر عمن عبدالله - برادر من - اهانت کرده است. عبدالملک بر مخو بود سر برداست و با خالد گفت: «ان الملوك اذا دخلوا فریه افسدوها وجعلوا اعزها اذلها اذلک و کذلک یفعلون» [نمل، ۳۴]. ناساهاان خون به سهری درآیند، تباهش کند و عریان اهلش را دلیل گردانند، و این چنین کند! خالد بلافاصله به آیه دیگری از قرآن استسهاد کرد: «و اذا اردنا ان نهلك فریه امرنا مترفیه ففسعوا فیها فحق علیها القول فدمرناها تدمیرا» [اسراء، ۱۶]: و خون خواهیم سهری را نابود کنیم، نازر بروردگان آن را فرمان [او میدان] دهیم و سرانجام در آن

مانی کند و سراوار حکم [عذاب] شوند، آنگاه یکسره دسان کنم] (← وفیات، ج ۲، ص ۲۲۵)

□ ابودلامه ریدس حو از سقرای طبربرداز اوایل عهد سی بود، و برد حلقای عباسی مکاتی: داسب. "ك بار سقر ئی ار ریده گشه بود و در آن بار و واحباب دیگر را انکار کرده حلیفه عرم حذر دین او را کرد. او به حلیفه گفت قربان عذر من سال من در قرآن آمده است که می فرماید «یقولون ما لا و» [سقر، ۲۲۶. و حبرهایی می گویند که احام نمی دهند]. مه از اعتذار و استسهاد او حیده اس گرفت و از گناهس دسب. (← وفیات، ج ۲، ص ۳۲۲)

□ مهدی، حلیفه عباسی، قصد اردواح حذید داسب همسر س ام حیران نا او مخالف می کرد بر را مهدی قول داده بود به طلاح سر اورن نگردد کار به داوری کسند فرار سد سفیان ی داوری کند. به او مراجعه کردند. مهدی گفت حیران حمال کند تجدید فراس من حلال بسب. حال آنکه خداوند فرموده ب. «فایکحوا ما طاب لکم من النساء منی و بلاء و رباع» ب. ۳. هر چه زن حوس دارید دوگانه، و سه گانه و چهارگانه رید [سمن گفت: ولی گویا مراد اسنان آخر آیه است که فرماید «فان حقم الاعدلوا فواحدة»] او اگر می برسید که الب را رعایت نکنید، سن همان یکی [و سرکار عدالت را حفظ اهد کرد حلیفه از بکه دانی او حوسس آمد و دهرار درهم به بحسید، ولی سفیان بدیرف (← وفیات، ج ۲، ص ۳۸۱)

□ سلیمان بن عبدالملک، حلیفه اموی، يك بار که طاعون ع سده بود، از ترس بیماری از شهر گر بران سد به او گفتد اوید می فرماید. «هل لی یضعکم الفرار ان فررتن من الموت عمل و اذا لا تمعون الا قلیلا» [احزاب، ۱۶. بگو اگر از مرگ یا نه سدن می گر بید، هر گر فرار به حال سما سودی ندارد، و در صورت هم جرایدك رمای بهره مند نخواهند سد]. حلیفه گفت در طلب همان رمان اندك هستم. (← وفیات، ج ۲، ص ۴۲۶).

□ بدر جمالی از سپهسالاران و بهلوانان و اهل سمسیر و فلم مستنصر فاطمی حو سهرت او را سید احصار س کرد. ن بدر وارد بارگاه مستنصر سد، فاری ای این آیه را خواند مد بصر کم الله بیدر] آل عمران، ۱۲۳: به راستی که خداوند ا را به «بدر» یاری کرد [و آیه را تا پایان بخواند. مستنصر از سمدی فاری خوشوقت سد، و گفت اگر بعه آیه را خوانده بود دس را می ردم. بقیه آیه چنین است. «و اتم اذله» [حال آنکه با حوار و ناتوان بودید]. نخستین ظرافت مناسب حوایی فاری این بوده است که «بدر» در آیه غروه بدر است و با نام بدر مالی ایهام دارد. (← وفیات، ج ۲، ص ۴۴۹)

□ سربك بن عبدالله بخمی از دوستداران حضرت علی (ع)

بود. يك رور با یکی از دوستاس که از هواداران ننی امیه بود بحث و احتلاقی مییدا کرد به این سرح که سربك سحن از فصائل علی (ع) به میان آورد مرد اموی گفت «نعم الرجل علی» (علی خوب مردی است) سربك حسمگین سد و گفت به علی می گوید «نعم الرجل؟». مرد اموی گفت حتی خداوند هم در اینجا که از خود سحن می گوید، می فرماید «فقدربنا نعم القادرون» [امر سلاب، ۲۳. و درباره ایوب (ع) می فرماید «انا و حذباء صابرا نعم العبد انه اواب» [سوره ص، ۴۲. درباره سلیمان (ع) می فرماید «ووهبا لداود سلیمان نعم العبد» [سوره ص، ۳۰] انا راضی بسبی همان «نعم» را که خداوند در حق خود س و اسانس به کار می برد، در حق علی به کار سرم؟ سربك سرمیده و ساد سد و بدیرف. (← وفیات، ج ۲، ص ۴۶۸)

□ سعیت بن حرب مدانی که به عبادت و صلاح و امر به معروف و نهی از منکر معروف بود، يك بار هارون الرشید را به اسم ا به صورت نا هارون [خطاب کرد، به به کسه و القاب که رسم غرب است هارون ربحند و گفت چه باعث سد و حکو به حراب کردی که مرا به اسم ا به صورت نا الله، نا رحمن] ندا می سم حمانکه خداوند عزربربین سدگاس محمد (ص) را در کناس به اسم باد کرده است، حال آنکه مسفورربین حلاق یعنی ابولهب را به کسه یاد کرده است و گشه است: «تب ندا ابی لهب و تب» [مسند، ۱] هارون ربحنده تر سد و فرمان داد که او را از بارگاه براند (← وفیات، ج ۲، ص ۴۷۱)

[۱] یکی از بزرگان به نام سالم بن عبدالله برای گردس همراه خانواده اس به اطراف مدینه رفته بود حر به اسعب طماع - که طمعکاری و دیوره گری اس سهره آفاق است - رسد به سراع فرارگاه اورف دید در را سسه اند. اردیوار بالا رف. سالم او را دید و گفت وای بر تو، زن و دختر ام اینجا هسند. اسعب به قول قوم لوط که با سمیر سان (لوط) محادله می کردید، اسسهاد کرد و گفت: «لقد علمت مالنا فی نناك من حق و انك لتعلم ما نرب» [هود، ۷۹. تو خود می دانی که ما را در دختران بو حقی بیست و خوب می دانی چه می خواهم] سالم براس حوراکی آورد و اسعب، هم حورد و هم به همراه برد (← وفیات، ج ۲، ص ۴۷۳)

□ يك رور منصور، حلیفه عباسی، درباره ابومسلم حراسانی از یکی از مساوراس به نام سلم بن قتیبه بن مسلم نا هلی، برسد در کار ابومسلم چه گویی؟ گفت: «لو كان فیها آلهة الا الله لمسدتا» [اسا، ۲۲: اگر در میان آنها خدایان متعددی حر خداوند [نگاه] بود، ساه می سدند]. منصور گفت خوب اسسهاد کردی با این قتیبه، سخن سناس قدر اس سحن را می داند (← وفیات، ج ۳، ص ۱۵۳)

[۱] سِذْلَه (أبو المعالي عرير بن عبد الملك) که از فقه‌های شافعی و واعظان ماهر و در اصول عقاید شیرو مذهب اسعری - و ندافائل به حواری رؤیت الهی - بود گفته است از آن جهت به هنگام در خواست الهی به موسی (ع) لئ ترانی اهر تر مرا بحواهی دید [عنه سد که وفی به او گفته سد «انظر الى الحبل» | اعراف، ۱۲۳] به کوه سکر | به کوه بگر سب و به ریان حال به او گفته سد ای که حواهان دیدار مایی حرا به «ماسوتی» می بگری؟ (← وفیات، ج ۳، ص ۲۶۰)

[۱] عضدالدوله ابوسعحاق فاحسرو بن رکن الدوله (۳۲۴ تا ۳۷۲ق) دومین پادشاه از سلسله آل بویه، داسمندی فرهنگ پرور بود و در اکرام علما و شعرا می کوسد به سب فو حجاب نمایان و کارهای عمرانی در حسان، اول کسی بود که در عهد دولت اسلامی، از طرف حلقه ملک | = ساهسناه | نامده می سد و اولی کسی بود که نامس در خطه‌ها سس از نام حلقه یاد می سد اس پادشاه محسب که حکمت و حسمت سلیمانی داسب، در اوج افشار و احسانم قطعه‌ای سروده بود به مطلع زیر

لسن سرب الراج الا فی المطر

و غناء من حواری فی السحر

و اردوهای لذت طلبانه خود را سرخ داده بود، و در پایان آن به خودسانایی پرداخته بود

عضدالدوله و این رکها

ملك الاملاك غلاب القدر

در مصراع اخیر خود را شاه ساهان و حیره بر بقدر نامده بود به کفه اس حلکان سس از سرودن اس شعر حیدان رمایی سربسب، و سمار صرع او را در سس ۲۷-۴۸ سالگی از نای در آورد و هنگام احصار مکرر اس اناب فرانی را می حواند «ما اعنی عنی ماله هلك عنی سلطانیه | حاقه، ۲۸ و ۲۹: دارانی من مرا سود سحسد قدرت و سلطنت من اردسم برف | (← وفیات، ج ۴، ص ۵۵)

[۱] ابوعامه فطری بن الفحاء در غصری که مضعب بن سس را سوی برادر س عبدالله بن سس والی عراق بود، خروج کرد حجاج بن یوسف لسکرهای فراوانی به سرکوب او کسل می داسب و در همس ارتباط، معروف است که حجاج به برادر فطری گفت بو را حواهم کسب کف حرا؟ گفت به خاطر خروج برادرت گفت ولی من از امیر المؤمنین امان نامه‌ای دارم که بو ساند مرا به گناه او بگری. گفت سسان بده کف ولی حبری که در دست دارم از آن استوارتر است. گفت کدام است؟ گفت کتاب الله عروجل، که در آن فرموده است: «لا تر واره ورا حری» | انعام، ۱۶۴: | اسراء، ۱۵: فاطر، ۱۸: زمر، ۷: و کسی نار گناه دیگری را بر دوش نهد. نهد. حجاج در شکف سد و از او دست برداسب.

(← وفیات، ج ۴، ص ۹۵)

[۱] از ابوالحسن حادیم نقل است که می گوید من علام رسده بودم يك روز لب س سعد برد او آمد من بالای سر رسده سب برده‌ای استاده بودم هارون از لب سرسید انا تو سوگند خورده‌ای که من دوباع بهسی دارم؟ لب برای دادن ساسح، حلقه را سوگند داد که ان از خداوند می سرسی؟ حلقه سوگند خورد که اری می سربم لب به او گفت خداوند فرموده است «ولمن حاف مقام رنه حسان» | الرحمن، ۴۶ هر کس را که از ایستادن در سسگاه پرو، رکارس سرسیده ساسد، دوباع | بهسی | است | حلقه را حوس آمد و به او اقطاع فراوانی در مصر سحسد (← وفیات، ج ۴، ص ۱۲۹)

[۱] مرد می بوسد ابوجعفر منصور دوانقی کسی را برای سربرسی حقوق ساسایان و سسما و بویه رنان معین کرد یکی از فرحب طلبان به برد اس سربرسب آمد و فرزدن را سربهمراه داسب و از او حواسب که اسمن را حرو سوگان بوسد سربرسب گفت بیوگان «رن» هستند چگونه نام بو را حرو انها بنوسم؟ گفت اگر می سود سس حرو سانیان بویس گفت اری این یکی می سود بررا خداوند فرموده است «فانها لا تعمی الابصار ولكن تعمی القلوب الی فی الصدور» | احج، ۴۶ بررا حسمها سسسد که کور می بوید، بلکه دلهایی که در سسها حای دارند کور ساسد | مرد کف سس نام فرزدن را هم حرو سسما بویس سربرسب گفت اس کار را هم می کم بررا حهای که بدرس تو ساسی در واقع سبیم است (← وفیات، ج ۴، ص ۳۱۵)

[۱] رمحسری در ربم الاررار در ناب «طلم» می بوسد که ابوالعباء ارطایفه‌ای سسکات کرد و کف دست یکی کرده اند و با من در افتاده اند رففس گفت بیم پداسه ساس «یدالله فوق اندبهم» | افج، ۱۰ دست خداوند بر فرار دسهای ایسان است. ابوالعباء گفت امان اهل مکرید رففس گفت «ولا یحق المکر السنی الا ناهله» | فاطر، ۴۳ و مکر بلند حر به اهلس برمی گردد | ابوالعباء کف اخر عده انها سسار است رففس گفت «کم من فنه فله غلب فنه کیره نادن الله والله مع الصابین» | بقره، ۲۴۹ حه سسار که به ادن الهی گروه اندکسما بر گروه سسما حیره گردیده است، و خداوند با سکیان است | (← وفیات، ج ۴، ص ۳۴۵)

[۱] متوکل به ابوالعباء (ابوعبدالله محمد بن قاسم) گفت سسیده ام تلج ریان و هجوگو هستی؟ گفت یا امیر المؤمنین خداوند تعالی هم گاهی مدح می کند و گاهی دم. حنانکه بکجا فرموده است. «بعم العمد انه اواب» | اسوره ص، ۴۴: حه بنده نیکی که توبه کار بود | و در جای دیگر فرموده است: «هناز مشاء بنیم ماع للخیر معتد ایم» | فلم، ۱۱: ریشخند کننده سخن چین متاع

الخیر تجاوزکار گنهکار] (← وفیات، ج ۴، ص ۳۴۶).

□ يك بار بين نجاح بن سلمه و موسى بن عبدالله نبردی درگرفته بود. خبر به المعتز بالله رسید که در محفلی از بزرگان از ابو العیناء پرسید از نجاح بن سلمه چه خبر داری؟ ابو العیناء گفت: «فوکره موسی و قضی علیه» (فصص، ۱۵: موسی منشی به اوزد و جاننش درآمد). این سخن به «موسی» بن عبدالله رسید. و حون ابو العیناء را در راهی دید او را تهدید کرد. ابو العیناء بار به داستان موسی (ع) تلمیح کرد و گفت: «اترید ان نفتلنی کما قتل نفساً بالامس» (فصص، ۱۹: آیا می خواهی مرا بکسی، همان طور که دیروز کسی را کشتی؟) (← وفیات، ج ۴، ص ۳۴۷).

□ این خلکان نفل می کند که عقیل برادر حصرت علی (ع)، جانب علی (ع) را فرو گذاشت و روی به معاویه آورد، و معاویه در اکرام او مبالغه می کرد تا بدین وسیله حصرت علی (ع) را بر حاند. چون حضرت علی (ع) درگذشت و معاویه استقلال امر یافت، دیگر از دست عقیل به تنگ آمده بود، و سعی می کرد از او به نحوی بدگویی کند که به گوسس برسد و از او (یعنی معاویه) فاصله بگیرد. بدین ترتیب روری در مجلسی که اعیان اهل سام حضور داشتند، معاویه از سر سیطبت رویه اهل مجلس کرد و گفت آیا ابولهب را که حداند در حفص فرموده است «تبت یدا ابی لهب و تب» [مسد، ۱: دستان ابولهب بریده و خود او نابود باد] می شناسید؟ گفتند خیر. معاویه گفت عموی این مرد است و به عقیل اشاره کرد. عقیل بدون معطلی خطاب به همان جماعت گفت آیا زن ابولهب را که حداند در حفص فرموده است «وامرأه حمالة الحطب فی جیدها حل من مسد» [مسد، ۴ و ۵: و زنس هیزم کنش [و آتش بیار] است و در گردن ریسمانی از لیف خرماسست] می شناسید؟ گفتند خیر. گفت عمه ایسان است. و اشاره به معاویه کرد. [فی الواقع هم ام جمیل، دختر حرب، زوجه ابولهب، عمه معاویه بود]. (← وفیات، ج ۶، ص ۱۵۶ و ۱۵۷).

□ این خلکان از عاصم بن بهدله - یکی از فرآء سبعة - نقل می کند که گفت روزی به حجاج بن یوسف خبر رسید که یحیی بن یعمر می گوید حس و حسین علیهما السلام از ذریه [= فرزندان] رسول (ص) هستند. در آن هنگام یحیی در خراسان بود. حجاج به قتیبة بن مسلم والی خراسان نوشت که یحیی بن یعمر را به نزد من بفرست. فرستاد و او به نزد حجاج رفت. حجاج به او گفت آیا تو همان کسی هستی که خیال می کنی حسن و حسین فرزندان [= ذریه] رسول (ص) هستند؟ والله پوست از سرت می کنم اگر این قول را ثابت نکنی و دلیل نیاوری. یحیی گفت اگر دلیل بیاورم در امانم؟ گفت آری. یحیی گفت خداوند می فرماید: «ووهبا له اسحاق و یعقوب کلاً هدینا و نوحاً هدینا من قبل و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون و کذلک نجزی

المحسنین و زکریا و یحیی و عیسی» [انعام، ۸۴ و ۸۵] و بین «عیسی» که خداوند او را هم فرزند [= ذریه] ابراهیم (ع) می نامد. تا ابراهیم (ع) فاصله بیستر است تا بین حسن و حسین و محمد (ص). حجاج فافع می سود و می گوید اصفاً حوب دلیل آوردی، سوگند به خدا که نه این نکته توحه نکرده بودم. (← وفیات، ج ۶، ص ۱۷۴).

□ نفل است که بین صلاح الدین ایوبی و برادرش مسعود اختلاف و مبارزه بود و حون مسعود درگذشت، ملک و مال بسیاری برای فرزندش سیرکوه باقی گذاشت؛ و صلاح الدین متعرض میراث او شد و اکثر آن را مصادره کرد و فقط حیرهایی را که به کار نمی آمد نگرفت. یک سال بعد وقتی که صلاح الدین سیرکوه را دید به قصد تعهد از او پرسید تا کجای فرآن پس رفته‌ای؟ گفت تا این ایه: «ان الدین یا کلون اموال الیامی ظلماً، اما نأکلون فی بطونهم ناراً» [نساء، ۱۰. آنان که اموال یتیمان را به ستم می خورند، ستم خویش را بر آتش می کنند] حاضران و صلاح الدین از هوس و حاصر خوانی او در سگفت سدید (← وفیات، ج ۷، ص ۱۷۳).

□ اسکافی اردیران آل سامان (سامانیان) بود و در دیوان رسایل نوح بن منصور دبیر بود، و حون پدر او را نساحتند از برد او و از بخارا اعراض کرد و به برد التکین رفت. التکین او را عریر داس و نایگاه بخشید. سپس بین نوح بن منصور و التکین بقاری بیس آمد و کار بالا گرفت نوح نامه‌ای بسیار آتسین و برار و عید و تهدید برای التکین بوس، و به قول نظامی عروضی که راوی این حکایت است: «همه نامه بر آتکه بیایم و بگیرم و بکسم» حون نامه به التکین رسید، بسیار آورده شد که حرا نوح از حد خود تجاوز کرده و آنهمه لاف و گزاف بوسه است. سپس از اسکافی خواست که در ناسح سنگ تمام بگذارد. اسکافی با فراست و بالبدیهه به آیه بسیار مناسبی از فرآن مجید استسهاد کرد و آن را در سب نامه نوح بوس. آیه چنین بود «سم الله الرحمن الرحیم. یا نوح هدجادلتنا فاکرت حدالنا فأتنا بما تعدنا ان کس من الصادقین». [هود، ۳۲: ای نوح با ما جدال کردی و بسیار هم جدال کردی. اگر راست می گویی هر وعیدی را که به ما داده‌ای بیاور] (← چهارمقاله، تألیف نظامی عروضی سمرقندی، به سعی و اهتمام و تصحیح محمد فروینی، ص ۱۳ تا ۱۵).

□ نظامی عروضی در حکایت سسم از مقاله اول (دبیری) چهارمقاله داستانی نفل می کند از این قرار که فضل برمکی، برادر حسن سهل دوالریاستین، دختری داس بس با جمال و کمال مأمون سیفته او شد و او را از مدرس حواستگاری کرد و فضل بدیرف و جسی باسکوه ترتیب داد و سرانجام مهمانان رفتند و عروس و داماد را دست به دست هم دادند. مأمون هدیه‌ای ارزیده

به عروس بخشید و «دختر بدان جواهر التفات نکرد و سر اربیس بریآورد مأمون مسعوف تر گشت و دست نیازید و در اسباط نار کرد تا مگر معافه کند عارضه سرم استیلا گرفت و آن نارین حان مفعول شد که حالتی که به زبان مخصوص است واقع شد، و این سرم و حجاب بر صفحات و حجاب او ظاهر گشت بر فور گفت یا امیرالمؤمنین، «اتی امرالله فلا تستعجلوه» [بحل، ۱] فرمان خداوند در رسید، نه ستاسن محو اهدا، مأمون دست نار کشید، و حواس است که او را عسی افتد از غایت فصاحت این آب، و لطف به کار بردن او در این واقعه و سر [= دیگر] از او جسم بر یوایست داسب، و هرده رور از آن خانه بیرون نامد و به هیچ کار مسعول شد الا بدو و کار فصل بالا گرفت و رسید بدانجا که رسید» (← چهارمقاله، ص ۲۱)

[۱] ادام متر می نویسد «موقعی که عبدالدوله وارد بغداد شد، ملاحظه کرد که مردم بر ابریه های مداوم بن سعه و سبی و کسار و گرسنگی و اتس سوری از بن رفه اند، و از احبا که محرك قبل و غارتها، سحوران مذهبی بودند، لذا کار اسنان را ممنوع اعلام کرد اما این سمعون به فرمان واقعی نهاده، طبق معمول رور جمعه در جمع مردم مسر رفت عبدالدوله وی را حواسب سکر معصدی این سمعون را برد عبدالدوله آورد و از بن اینکه وی را اسبی برسد، در راه بوسه می کرد که رمس را بوسد و با حصوع و حصوع سلام بدهد و جواب «ساهشاه» را به ملائمت و اهستگی بگوید و خود درون رفت که اذن ورود بگیرد: این سمعون بر همراه وی وارد شد، و رو به خانه بنحیاب [امیر بنس] نموده، این ایه را خواند «و كذلك احد ربك ادا احد القرئ وهی طالعه ان احده الم سدید» [هود، ۱۰۲] و حسن است با حواسب برورد کارب که اهالی شهرهایی را که ستمگرید فرو می گرد، سنگمان با حواسب او سهمگن و سنگین است [نگاه رو به سوی عبدالدوله برگرداند و این ایه را خواند «م جعلناکم حلائف فی الارض من بعدهم لظفر کف تعملون» [یونس، ۱۴] بنس سما را بن از ایسان در اس سر رمس حاسن کرداندم، با سگرم که چگونه رفتار می کنند] و به طور سگفت آوری موعظه را ادامه داد به طوری که «ساهشاه» را با همه عصص و حبارب، دیدگان تر شد که سابعه بداسب» (← مدن اسلامی در قرن چهارم هجری، تألف آدام متر، ترجمه علی رضا دکاوی فراگرو، ج ۲، ص ۶۹ و ۷۰)

[۲] وقتی که بازماندگان سیدالشهداء، از جمله حضرت سجاد (ع) و رب کبری (س)، را به کوفه بردید و وارد مجلس این ریاد کردید، این ریاد سبحان دل سکنی گفت و حضرت رب (س) با فصاحت و سحاعت و استسهاد به اناب فرآن به او با سحهای دیدان سکنی دادید بنس این ریاد رو به حضرت

سجاد (ع) کرد و برسید اسمت حبیب؟ فرمود. من علی بن حسینم گفت مگر خداوند علی بن حسین را نکست؟ حضرت حاموس ماند این ریاد گفت چرا ساکت سدی؟ حضرت فرمود: مرا برادری بود، که نام او بیر علی بود و مردم او را کسید این ریاد گفت. خداوند او را کست حضرت نار حاموس سدید این ریاد گفت چرا ساکت سدی؟ این نار حضرت به دو آیه از قرآن کریم استسهاد کردید «انله یتوفی الانس حس موبها» [زمر، ۴۲]. خداوند جانها را به هنگام مردسان می گیرد] «و ما کان لفس ان تموت الا بادن الله» [ال عمران، ۱۴۵] هیچ کس حر به اذن الهی نمی مرد] این ریاد بر یسان شد و حضرت را به قبل بهدید کرد و حضرت رب (س) سحاعانه از برادراده بی دفاعس دفاع کرد خدا که این ریاد دس از بهدید برداسب (← وقعه الطف، لانی محف لوط بن یحیی الارذی تحقیق سیح محمد هادی یوسفی، ص ۲۶۳ بر «منهی الامال (طبع اسلامه)، ج ۱، ص ۳۰۰) [۱] يك نار نگارنده اس سطور، بك حلد از حاب سگی اسفار ملاصدراراهمه راه داستم، و در طی راه به یکی از اس داسم بر حوردم که بن از حال و احوال رسی از من بر سید ربیر نعل سما حبیب؟ کفم «کمل الحمار بحمل اسفار» [جمعه، ۵] وقتی که با حر شد که ان کتاب، اسفار ملاصدراسب حنده ای سر داد

[۲] بك نار در اتافم در یکی از ادارات محل خدمتم، از کرب مرا حعان و از باب رجوع از حامی سده بود در اس اساء فرد دیگری از از باب رجوع و اهل فلم و اهل احتلاط وارد اناب شد. حون حا بود یکی دو تن از گرا حانان از حا بر حاستند و خدا حافظی کردید و رفید دوست تازه وارد با اعدار گفت بنحسد، گویا حون من آمدم این دوسان تسرف بردید، خیلی بد شد من برای تسلی دادن به وی این ایه را خواندم «و لو لادفع الله الناس بعضهم بعض لفسد الارض» [نوره، ۲۵۱] و اگر خدا بعضی از مردم را به وسله بعضی دیگر دفع نمی کرد، زمین تاه می شد]

[۳] نگارنده اس سطور به یاد دارم که روری در ایام خوانی که در شهر فروین و با بدرم زندگی می کردم، بدرم از کار رورانه خود نارگسه و بن از صرف باهار، دست اسکناسی را از حب لناس خود بیرون آورده، با امیره ای از حب و مالدوستی، سب به حاضران کرده، به سمردن بول سر گرم بود من این ایه را با صدای بلند در اساره به اسنان خواندم «الذی جمع مالا و غنده بحسب ان ماله احلده» [همره، ۲ و ۳] همان کسی که مالی اندوخت و آن را سمارس کرد و کمان می کند که مالن او را حاویدان می سارد]. بدرم بکان حوردم و سر منده شد و با اجر عمرس گاه به گاه از این استسهاد مناسب که باعث نوعی سه و هسدار او سده بود، به بیکی یاد می کرد

در کتابخانه کج بحسب مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در اسلام آباد حسگی قدیمی هست که اول و آخر آن افتاده و در سکن کوبی آن دارای صدور است بحسب ورق کتاب طبق شماره هائی که در بالای صفحات دست خط ورفها نوشته شده. ورق ۱۵۹ و آخرین ورق آن ۲۵۹ است. این شماره گذاری بعدها و در هند و پاکستان انجام گرفته است. زیرا ارقام به سیوه هندی و با خطی متفاوت با خط متن نوشته شده است این حسگ حداقل دارای نازده باب بوده که هر يك از آنها به يك موضوع معین اختصاص داشته و بدوین كنده از اسعار شعری غربی و با اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم نمونه هایی را که به این موضوعها ارتباط داشته انتخاب کرده و در این بابها نقل کرده است در ورق ۱۵۹ بحسب ۱۵ باب که هر چند نای آنها با هم پیوستگی دارد آمده که گوینده آنها معلوم نیست و تنها دو باب آخر طبق عنوان آنها از افضل الدین کرمانی است در این ۱۵ باب کلمات تحت، سر، ححر و عره به کار رفته که نشان می دهد موضوع نایی که این اسعار مربوط به آن است ابرارهای حسگ با حکومت بوده است

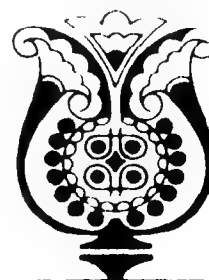
پس از این ۱۵ باب در وسط صفحه عنوان باب دهم کتاب آمده که وصف بهار است عناوین بابهای کتاب همه به عربی است و در اعار نام شعری که اسعارسان نقل شده همه حا حرف جر «ال» (= برای، از) به کار رفته است مثلاً عنوان باب دهم کتاب و نام شاعری که شعری در اعار این باب نقل شده حس است باب العاسر

فی صفة الربع لاوحدالدین ابوری

پس از عنوان فوق ۳ باب از يك قصیده ابوری نقل شده که نصفه آن در صفحه بعد آمده است این باب در نایان ورق ۸۳ تمام می شود و در اینجا باب نازدهم کتاب که در صفت پاکستان است با شعری از ابوری شروع می شود. این باب فقط يك ورق دارد و در نایان ورق ۱۸۴ تمام می شود باب دوازدهم که در صفت بائراست نیز با شعری از ابوری و در ورق ۱۸۵ شروع می شود و در اعار ورق ۱۸۹ تمام می شود باب سیزدهم در صفت رمسان است و بار با شعری از ابوری از ورق ۱۸۹ آغاز می گردد و در وسط صفحه دست راست ورق ۱۹۳ نایان می گیرد. باب چهاردهم در صفت سراب و سراب دوستی است و با شعری از ابوری در ورق ۱۹۳ شروع می شود و ظاهراً تا نایان کتاب (ورق ۲۵۹) ادامه دارد. اما با مختصر دهی معلوم می شود که از صفحه دست خط ورق ۲۱۴ به بعد اسعاری نقل شده که در وصف معشوق است و این نشان می دهد که از میان این دو صفحه که در نسخه اصل کتاب به دو ورق جداگانه متعلق اند ورق با اورافی افتاده است و عنوان باب بعد که ظاهراً «فی صفة المعشوق» بوده در این اورافی قرار داشته است

اشعار تازه ای از منوچهری

دکتر علی انصاری صادقی



یکه دیگری که این استیباط را تأیید می کند این است که احرس
اسعاری که در پایان صفحه دست راست ورق ۲۱۴ آمده با عنوان
«نواحد من السعرا» مشخص شده. در حالیکه در کنار اسعار صفحه
بعد عبارت «وله» نوشته شده که به نام ساعر معنی اشاره می کند
بنابراین آنچه در این حد ورق باقی مانده ۶ باب بیشتر نیست که
در آن سرافنادگهائی هست

حائیکه کفسم این جنگ در بردارنده اسعاری از سعرای عهد
سربوی با اوایل قرن هشتم است شاید سعد این آنها به
معاشر الحاسو بوده و با اوایل قرن هشتم می رسته از احرس
سعراست که سعراستان در این مجموعه آمده است سکت
ست که از مولوی که معاشر سعدی بوده سعری در این مجموعه
ست البته از بعضی سعرای بزرگ دیگر مانند ناصر حسره بر
سعری در اورای موحود حیک نقل شده سوه خط کتاب ستان
می دهد که تاریخ تحریر آن بر بنا همزمان بدوین آن و در اواخر
قرن هشتم با اوایل قرن هشتم است املائی دال های معجمه فارسی
بر بنا همه حار غایت شده و اغار سیکسه نویسی در املائی باره ای
از کلمات مشهود است بنابر این کتاب به سها از نظر قدمت بدوین
و بحریر آن، بلکه از حبه های دیگر سر واحد اهمیت است

فوائد کتاب را به طور کلی می توان در چهار موضوع در
خلاصه کرد

۱) از تعدادی از سعرای معروف صاحب دیوان سهرهائی در
آن نقل شده که در دیوانهای حاشی آنها نیست
۲) حاوی اسعار بعدادی از سعراست که دیوانهای آنها
مفقود است.

۳) از چند ساعر گمنام برای اولین بار - با آنجا که نگارنده
اطلاع دارد - اسعاری نقل کرده است

۴) از آنجا که اردیوانهای بعضی سعرا نسخه های قدیمی در
دست نیست، اسعاری که در آنجا از این سعرا آمده قدیم تر
روایت آنها محسوب می شود

سعراست که سعراستان در این مجموعه آمده غیر از بدار رازی
(متوفی در ۴۰۱) همه در فاصله فرهای سجم با هضم می رسته اند
و سه بن از آنان یعنی فرحی و غنصری و موحهری معاشر
غربونان و ناساها هم روزگار آنان بوده اند اسعاری که از
سعرای معروف این سه قرن نقل شده از سرانندگان ربر است
ابوری، اررفی، ابن سبیا^۲، امامی هروی، ابن الدین اومانی،
ابن الدین اخسکی، افضل الدین کرمانی، اسدی، ابوالفرج
ارویی، ادیب صابر، بدار رازی، جمال الدین عبدالرزاق (نک بار
سر به صورت جمال نفاس)، حافانی، حمام^۳، رضی الدین
سسابوری، رفیع الدین لنبانی (رفیع الدین مسعود)، رسید الدین
وطواط، سانی، سوربی، سیدحسین غربوی، سراج الدین فمری،

سیف اسفریک (به صورت سیف الدین اسفریگیسی یا سیف
اغرخ)، سعدی، سمن طوسی، سرف الدین سفروه، طقان می،
طهر فارابی، عبدالواسع حلی، عمادی سهرناری، عموی،
غنصری، غنطار فرحی، فردوسی (۷۷ ست)، فخرالدین اسعد،
فلکی سروابی، فطران، کمال الدین اسماعیل، معری، مسعود
سعد، مجد همکر (با این همکر)، محاری، محیر الدین بلقانی،
موحهری، زحبت بن احراد فانی، نجم الدین دانه، نظام الدین
اصفهای، نظامی

از سعرای غیر معروف از ابوالمعالی نجاشی، بدیع الدین برکو،
جمال الدین انهری، جوهری صانع، حسام الدین سبی،
رفیع الدین بهری، سعد بها، سراج الدین بلخی، سرف الدین
مقل، صفی الدین سبی، عماد قصلونه (- عماد لر)، عمید
کمالی، فخرالدین حامد، فخرالدین خالد، نجم الدین حسن
سهرویه، سحر نقل شده است

سراجام از چند ساعر در که نگارنده با نام آنها آشنایی ندارد

حاشیه

۱) بخش این جنگ به لطف ده سید دین محمد حسن سجم بهبه بند نه د
اسحا را و سجمانه ساجا ای می شه
۲) از این سجمانده سجم، نصف سراجا نقل شده به د جاهای دیگر بر هفت
مقطع این ده سبی حسن است
به طعم بلخ چه بندید و لک مقید
به برد خاغل باطل به برد دانا حق
از آن لغت نامه دین ابو علی، به این ده سبی نقل شده، ولی به حاشی «خاغل» در آنجا
«مقط» آمده است

۳) از حاشیه ۲ باقی ده و ۲۸ آمده که سه باقی آن در سجمانده حجام
(حاشیه می ۱۳۲) و طبع به حاشیه حاشیه الدین همایی بهران، احسن انار
ملی، ۱۳۲۲) نامده است به دلیل اهمیت آن ما آنها را در اسحا نقل می شیم
امیر، جو ساسه سرت هفت به جا
می به سجمانه با حریفی دانا
سند ساسه تله سر ساه و کدا
حیرد به سوره فقامی فردا

معسوفه خوب می بودای سجمی
بر هر به حد می چه سودای سجمی
بر س قدح سراج و دای سجمی
سند ال آنچه بود بودای سجمی

آن به نه به طبع ناده حجام شیم
را سوجنگان حرج بدنام شیم
حون در اول آنچه خواست بودن بوده است
بهوده حراج عم سراجام شیم

رباعی چهارم همان رباعی ۱۹۲ طرحانه و رباعی ۱۵۵ فروغی است، ولی
مضارع اول آن با مصط این دو کتاب متفاوت است، به این صورت
مصط طرحانه و فروغی «ما کی عم ان حورم که دارم یا نه»
مصط جنگ «عم حد حورم که سجم دارم یا نه»

هاری آمده است:

بهاء الدین قروینی، جمال الدین بلخی، رفیع الدین عبدالعزیز،
دین خلیفه، سہاب الدین صادی، سہاب الدین سفی، عرالدین
رل، فریدالدین فارسی، قطب الدین سمنی.

مقداری شعر نیز که تدوین کنندهٔ حنگ نام سرایندگان آنها را
داشته است با عناوین «لواحد»، «لواحد من السعرا» و
«احد من الافصل» آمده است.

از شعری که از دیوانهای آنها نسخه‌های قدیمی در دسترس
ست و در اینجا اسعاری از آنها نقل شده است می‌توان فرحی و
چهری را که اسعار تازه‌اس در این مقاله نقل شده ذکر کرد. از
خی در این حنگ کلا ۶۲ بیت (در ۶ حا) نقل شده است. از
س ورامین نیز که نسخه‌ای قدیمی از آن در دست نیست در اینجا
۱۱ بیت آورده شده است

بسیترین مقدار شعر از کمال الدین اسمعیل و س از آن از
مال الدین عبدالرئیس نقل شده است.

اما اسعار موحهری که در این مقاله مورد بحث است در این
گ کلا ۵۰ س از موحهری آمده است که ۱۶ س آن در
ان حانی^۲ او هست و بقیه یعنی ۳۴ بیت دیگر تازه است و در
ی دیگری بیت شده از این ابیات، ۶ بیت به علط به امامی
ست داده شده است (در ورق ۱۹۷) این ابیات همان دو سداول
مط سسم ساعر (ص ۱۷۷ دیوان، حاب سوم = ص ۱۷۹ حاب
ید، مسط هفتم) است این ۶ بیت قبل از ۱۷ س دیگر
چهری آمده است که در زیر آنها را نقل خواهیم کرد ۳۴ س
در زیر نقل خواهد شد قطعاتی هستند که کوتاهترین آنها يك
ب و بلندترینشان ۵ بیت است، اما اس قطعات به هیچ تردیدی
ماتی از فصایدی هستند که تدوین کننده به تناسب موضوع
های حنگ آنها را انتخاب کرده است اس مدعا با بررسی و
ب در ابیاتی که در حنگ نقل شده و در دیوان ساعر موجود است
نبوت می‌رسد مثلاً بیت آخر صفحهٔ حب وری ۱۶۴ و ۴ س
ل صفحهٔ راس وری ۱۶۵ حنگ که مربوط به باب دهم است،
ب دوم و سوم و چهارم و هشتم و یازدهم قصیدهٔ ۵۱ دیوان (ص
۱۲ از حاب سوم = ص ۱۴۳ حاب حدید، قصیدهٔ ۷۳) است
چنین ابیات نهم و سسم و هفتم صفحهٔ دس راس وری ۱۶۵
نگ، ابیات یازدهم و سیزدهم و شانزدهم قصیدهٔ ۲ دیوان (ص ۳)
ست. بنابراین از آنجا که این ۳۴ بیت ۱۵ قطعهٔ محزرا را تشکیل
دهند، اگر بعضی از آنها از مسطهای احتمالی مفقود ساعر
باشند از ۱۵ قصیدهٔ مفقود او گرفته شده‌اند. (يك بیت از این
یات مربوط به قطعه‌ای است که در دیوان او آمده است.) بدین
رتیب می‌توان حدس زد که دیوان موجود موحهری تنها در
دارندهٔ قسمتی از اسعار او است و مقداری از اسعار ساعر که

نمی‌دانیم جعفر بوده است از بین رفته است. اینک اسعار تازهٔ او با
بعضی تصحیحات لارم:

در باب دهم در صفت بهار (باب العاسر فی صفه الربیع) اورن
۱۶۴] اسعار زیر آمده است.

صبا فرس رخام از باغ بر حید
فرو گسترد فرسی از رر بر جد
گلی کو بود اندر خواب يك حند
سبس دیده ر خواب آنکه مُسَهَّد
بهای^۳ عنبروند^۴ کم سد ایراک
همه حاک رمین عنبر سدود^۵
در حب رد گل گویی که دارد
بر افکنده یکی رریه مفود

ومنه

سکفته لاله سیراب در میانهٔ حوید
حو کستی است عقیقین به سیر دریا بر
سان^۶ یوسف یعقوب گلب و بر گل
سرسک ابر حو حوی بر رح رلحا بر
۱. رانه‌سناسی که با بهار بهست
گرید باید امرور را به فردا بر

ومنه

اکنون بود که ناد بهاری سسده‌دم
برآر باغ و مسک فروس ختن بود
اندر دهان لاله دلی هست عبرین
هرگر سسیده‌ای که دل اندر دهن بود
بر ارغوان طوبلهٔ یافوت هم‌تیب
بر ساح لاله عقد عقیق بمن^۷ بود
دسار جعفری کمر ساح رد گل
دینای سسری سلب یاسمن بود
طوطی عروس و حجلهٔ او ارغوان بود
بلبل حظیب و میر او نارون بود
در باب دوازدهم «در صف نائیر» (وری ۱۸۵-۶) ابیات رر
آمده است:

ای بلبل بهاری غلغل حرا نداری
آن عاسمی کجا سد و آن رستخرو راری
آن نعره بر کسیدن بر ساحها دویدن
وز^۸ عشق نارمیدن از^۹ سور و بهمراری
آن بازگی^{۱۰} کجا سد و آن خر می چهارا
و آن زینب و تجمل و آن حسن و مه عدار

باد حراں نیامد حوون یار تند سرکس
ابر حراں بر آمد حوون سر کارراری^{۱۵}
در باب چهاردهم «در صفت سراب و دوستی ناده موسی» (فی
صفه السراب والحب علی السرب) آورده ۸-۱۹۷۷ ایات ریر
آمده است

بر تو جام مدام ار دست ترکان جگل
سنگ در فدیله سالوس مروور میرد

ومنه

مرا فروغ می ار عکس حوام خواهد سد
سهر خاکر و احمر علام خواهد سد
کحاسب ناده صافی که اندر دو سه رود^{۱۶}
وصال موسم عسرت حرام خواهد سد

ومنه

صبح است و درده ای سر ماه چهره می
بر حیر و اهناب من در سماع وی
دل در بیاله سد که ار حصر صوح
آورد خط به حوون صراحی رسول می^{۱۷}

حاشیه

(۲) حاشیه‌ای که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته‌اند، یکی حاشیه سوم کتاب
است که در اذر ۱۳۴۷ در انتشارات دیوار انجام گرفته و در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۶۳
بر به صورت است به طبع رسیده است دیگر حاشیه جدید شات، یا حرف حبیبی
جدید است که در سال ۱۳۷۷ با نام حاشیه اول در انتشارات دیوار صورت گرفته است

(۵) اصل میهد

(۶) اصل بهاء

(۷) اصل دید

(۸) اصل وهد

(۹) به علت اندکی سجع کلمه «سان» ناک شده و فقط بالایی حرف «ا» و
قسمت حب حرف «ن» یا فقط آن قابل خواندن است

(۱۰) به علت اندکی کلمه اول مصراع ناک شده و حرف آخر آن که حرفی سیه
«ب» است نافی مانده است

(۱۱) حرف «ب» را «ا» یا «ن» در عکس خوانده می شود پس ظاهر آذر ایچانه
معنی من به کار رفته است معنایه بود یا «ها» در ترکی آذر یا یچان و «هیبت» در
ناحیه‌ای به معنی گراسها

(۱۲) شاید ا

(۱۳) شاید و

(۱۴) اصل ناکی

(۱۵) این قطعه هم وزن و قافیه معصده ای است که در ص ۹۸ حاشیه سوم دیوان

(ص ۱۱۰) حاشیه جدید آمده است

(۱۶) شاید اندر دو سه دور

(۱۷) این دوبیت هم وزن و قافیه معصده ای است که در ص ۱۱۲ حاشیه سوم دیوان

(= ص ۱۳۴) حاشیه جدید آمده است

سارانی یار کلمه سر من
می و معشوق دادم غریبه دادم
ماند آن جهان در دست کس و
نمی نموده ام در مانتی مساف
لرستان به کار نه یزدن به یوزی
که با کمال رنج و پیدار
نزد آن دیوان بنده در کسوف
بشاری به زار است این جهان
آن زن خولع را نه بانی
ن آرد و ده و پسر گران است ای دیوان

ترابست سینا

بطاعت می جوید و زود کند عقید
حلال گشته با کام قتل و دانا
نزد جانبا مالل پرد دانا
حرام گشته تو خورع را حرام

لغت ناخت

نم آوری قیاس آفرین الحیوة
در نام زمینی کن کوکبه سرخ خاق
راجا المیز و نعل اسنی سادات
ن آفرین از اسامه سادات
حسین الی و سحر حق نیست قیاسی
نی و رام رودل با شاد و صفا
ملا و بک قدسادی عا انا اودان
ان که ساء جابها لومر شاق
مالک المیز افان و اناسر المان
یل که سانی و انا اودان
مالک المیز نالی و المیز نالی
از سراسر سی به ترسی به قاصد است

لغت ناخت

الانزهی که نسبت به از سماع فروغ
در ابلت سانی و دهر سادیز

لغت ناخت

ایام غم است سادید جام ن
موش دولی و ناله نوزی بنجام ما
قل نه کار موش و ناله نوزی کل
بم کار و ناله نوزی بنجام ما
الومر که ناله نوزی بنجام ما
نی و ناله نوزی بنجام ما

صفحه‌ای از خنک قدیمی کتابخانه «گنج بخش»

مویههار آراسب گنتی را نگارنگ رنگ (کدا)
 ارغوانی گسب حاك و ارغوبی گسب سبگ
 گل سبکف و لاله بمود از نقاب سرح روی
 آن ر عنبر برده بوی و این ر گوهر برده رنگ
 ای حوسا صحرا و روی یار و نانگ ریر و م
 وی حوسا باد شمال و ناده روس حو رنگ^{۲۱}

دوست اول این قطعه با نقاوتهایی در ص ۲۲۲ دیوان یادوست
 اضافه آمده، اما بیت سوم آن ناه است و در دیوان نامده است
 قصده نایده بینی ریر نیز در يك جنگ سحر که به شماره
 ۱۰۲۶ در کتابخانه نافذ ناسا در برکنه نگهداری می شود و در سال
 ۷۴۱ به دست سمنس حاجی دولتشاه سیراری بوسته سده آمده
 است. میکرو فیلم این جنگ به شماره ۶۰۱ در کتابخانه مرکزی
 دانشگاه تهران است و مأخذ نگارنده عکس این میکرو فیلم است
 ص ۹۹-۹۸:

حمر و نس اور بنا حام سراب
 حر نه می خوردن مکن نا من حطاب
 در فکی در ساعر سمنس سید
 بر فکی بر اتس سوران کتاب
 حید گویی با من احبار ملوک
 قصه کنسرو و افراساب
 ساهنامه کی سود در برگ ان
 کو بود همواره در برگ سراب
 ناده ای بیس آر هم رنگ عقیق
 ناده ای نس آر هموی گلاب
 ناده ای روس که حو ار روی او
 سافی ب روی بگساید نقاب
 جوهری سدا سود از تاك رر
 گوهری پیدا سود در عن^{۲۲} اب
 حوستر و نیکو بر از امن و امید
 بهتر و در خورتر ار عمر و سباب
 نور حسم و جفت جان و کام دل
 خصم مال و سب سیح و عمر سباب
 ای حوسا عیسا که ناسد آمده
 بامدادی حو بر آری سر ز حواب
 سافیان با ساغر و جام و فدح
 مطربان نا بریط و جنگ و رباب
 ای که گفتی اجتناب از کی خدای^{۲۳} (۲)
 هست مطلق گفته در نص کتاب
 راسب باید گفت لکن رای نو
 نیست در تفسیر این آنت صواب

ومنه

به وصف آب حباب و به بوی مسك سب
 به رنگ حسم حروس و به طعم ماء معس

ار ان ماه برورده مهر نخت^{۱۸}
 که ار ماه تی دارد از مهر جان
 حو بر کف گرفتگی تو گویی مگر
 همی بر سمن سبکفد ارغوان
 حو بر لب نهادس گوید خرد
 مگر آب نارسب^{۱۹} یا ناردان^۲
 حو گردد حوان بیر بوده حمن
 می بر ناید به دست حوان

گل و لاله است ناده سوری
 یافته بوی این و گونه ان

حانه اندوه را ریر و ریر کس رمی
 رانکه به طمع و نهاد ریر و ریر سد سرای

ومنه

میی حواه بو نا حو رنگن عصفی
 بتی حوی ریبیا حو حرم بهاری
 رمطرب نوایی رسافی ببیدی
 رمعسوفه بوسی ردلیر کناری

فوت دفع خون انگورسب
 تن برو فتنه گسب و معدور است
 آن نبید اندر آن فدح که به وصف
 حان در حسم و نار در نورسب

بخواه آن طبع را فوت بخواه آن کام را لذت
 بخواه آن حسم را لاله بخواه آن معز را عنبر
 در ورق ۱۶۵ جنگ يك قطعه سه بیتی به صورت زیر آمده

است:

قصیده سوم که از ص ۱۰۰ تا ۱۰۲ آمده با این عنوان نقل شده:
 «ایضا له فی وصف تماح» و مطلع آن حسن است
 چون: ایب صبح سد در فسان
 سا حبل سارگان بر یسان

این قصیده همان است که در جلد اول موسس الاحرار (ص ۸۳-۸۰) با این عنوان آمده «در مدح فخرالدین شاه موجهری فرماید، رحمه الله علیه و وصف اللاحسه»، اما این قصیده از احمد بن موجهر نیست کله از شعرای قرن سیم است، رک. تعلیقات مرحوم فروزانفر بر فیه مافیه، ص ۲۴۲-۳

حاشیه

- (۱۸) طاهرا مهر نعت
- (۱۹) اصل نازب
- (۲۰) اصل نازدان
- (۲۱) اصل خورنك رنگ به بوسه اسدی در نه - فرس به معنی روسایی ماه
- (مفتاب) است
- (۲۲) اصل عمر
- (۲۳) طاهرا ارمی خدای
- (۲۴) اصل کوند

ر آبگینه ساحسند الات می
 تا مگر کمتر کد می را حجاب
 گف از آن تا سسکی خام و فدج
 ر آبگینه کرد باید احساب

در این جنگ دو قصیده دیگر بر به نام موجهری است سده است یکی از این دو قصیده همان است که در دیوان ساعر (حاج سوم، ص ۶۹ با شماره ۳۲، حاج حدید، ص ۷۸ با شماره ۴۹) به مطلع زیر آمده است

ای ناده فدای بو همه جان و تن من

کر بیج بکندی ردل من حرن من

این قصیده در دیوان دوارده است اما در جنگ ده است بیسر است با اسهمه در جنگ در آخر قصیده بینی آمده که در دیوان صسط سنده است آن است این است

ور رانك نه دورج بر دم مالك بردان

گویم ۲۴ که ر خوب رر کی با یرون من

افزون بر این، مطلع قصیده در جنگ با دیوان اندکی تفاوت دارد صسط جنگ حسن است

ای ناده فدای من تو نادر من

کر سح بکندی ر من من حرن من

از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی

نشر ریاضی

(سال ۵، شماره های ۱ و ۲)

● عنوان برخی از مقاله ها

- ساختار گروهی حتمای درجه سوم
- اثبات حدس نایاما و اسساح قصه آخر فرما
- حد مسئله حل سنده در هندسه مسطحه
- تعریف انالیر عددی
- تمهای الگوریتمی
- دستاوردهای پژوهشهای اخیر در ریاضیات
- نظریه گرهها و مکانیک آماری
- حد برسس از آرنولد
- گفتگو با سیاسی
- سب همگانی سازی ریاضیات در روسیه
- پوریاکی به روایت آندره ویل

با روی کار آمدن صفویان و توحه سلاطین صفوی به آرامگاه حدسان که مدفن اولاد سیح نیز بود، بقیعه سیح توسعه و گسترش یافت و سلاطین صفوی، هر يك به سهم خود، در رونق و آبادانی این کتابخانه کوشیدند و بخصوص شاه عباس بر آن حرمت می نهاد وی موقوفات فراوان به آن اختصاص داد و نسخ نفیسی به آن اهدا کرد بوسته اند که شاه عباس کتب عربی از جمله فقهی خود را وقف کتابخانه آستان قدس، و کتب فارسی و دواوین شعرا را همراه حبیبی آلات و ظروف نفیس وقف بقیعه حد حوس کرد^۲ کتابخانه بقیعه تا جنگ دوم ایران و روس در ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ ق. که منجر به انعقاد عهدنامه ترکمانچای شد، بعد از کتابخانه آستان قدس رضوی، قدیمی ترین کتابخانه ایران بود که سالم بر جای مانده بود. سیاحانی چون بشیر و دولاواله (۱۰۲۸ ق/ ۱۶۱۹ م)، آدام اولناروس (۱۰۴۷ ق/ ۱۶۳۷ م)، ران باتیست ناوریس (۱۰۸۸ ق/ ۱۶۷۷ م)، و، در عصر قاجار، حمزه موریه (۱۲۳۶ ق/ ۱۸۲۱ م) از این بقیعه و کتابخانه اس دیدن کرده اند و مطالبی در باب آن در سفرنامه های خود نگاشته اند که حکایت از نفاس سحجه ها و غنای گنجینه آن دارد آدام اولناروس، ضمن شرح بازدید از بقیعه سح صفی، کتابخانه آن را حسن توصیف می کند

ارمیان راهرو طرف راست به اطافی بزرگ، که با طلا بر روی دیوارهای آن نفس و تصور بر انداخته بودند و سینه عادیگاه بود، هدایت سدیم در اسحا اولین موضوعی که باعث سگفتی رناب ما شد این بود که اطاق گسندی وسیع و هرمندانه ای که بر این بقیعه رده بودند فاقد سون بود و سقف مرور از حدس قسمت سسکل سده بود که به هم متصل بودند این تالار «حب سرا» نام داشت که در آن کتابخانه ای بر موجود بود کتابها به طور درهم و برهم در فسه ها بر روی یکدیگر فرارداستد اکثر آنها به زبان عربی و تعدادی به زبان فارسی و ترکی بود اورای حد عدد از این کتابها از پوست حیوانات و حد نای دیگر از کاغذ بود که سسار سمر و ریا بر آن بوسته بودند در کتب تاریخی اسکال و تصاویر نقاشی سده بود بر حلد کتابها سحسان- پوست دماغی سده بر- شرح رنگ کسیده بودند که با نفوسی ارگل و ساح و ترک کنها و درختان به طرر عالی و با طلا آرایش سده بود^۳

متأسفانه در منابع و متون فارسی کمتر خبری از شرح بقیعه و کتابخانه آن یافت می شود، تنها تنی حد از نویسندگان و فضلا و ادبای ایرانی اساره مختصری به کتابخانه بقیعه کرده اند. از نویسندگان قرن دوازدهم تنها میرزا عبدالله افندی، که از اعظم مورخان و مؤلفان آن دوره است، اساره ای به این کتابخانه دارد و در کتاب ریاض العلماء، ضمن شرح حال امین الدین طبریسی مؤلف مجمع البیان می نویسد.

امین الدین کتبی به نام اسرار الامامه یا اسرار الائمة تألیف نموده است و می [افندی] يك قسمی از آن کتاب را در شهر رس دیدم ولی نسخه کامل آن کتاب در کتابخانه سیح صفی الدین در اردبیل موجود است^۴

تاراج یا امانت!

(سرگذشت ذخایر کتابخانه شیخ صفی)

جمشید کیان فر

کتابخانه های ایران را از بدو تأسیس تا عهد مسروطیت به اعیان بانیان و متولیان آنها می توان به چهار دسته تقسیم کرد: (۱) کتابخانه های پادشاهان و سلاطین؛ (۲) کتابخانه های ساهزادگان و وزرا و رجال؛ (۳) کتابخانه های علما و دانشمندان، بخصوص فقهها؛ (۴) کتابخانه های مدارس و مساجد و نقاع و مراات در این نوشته سخن از کتابخانه ای است متعلق به گروه چهارم که از آن بقیعه شیخ صفی الدین اردبیلی است.

این کتابخانه در زمان حیات شیخ و با اهدای کتاب از طرف مریدان او تأسیس شد. اینان از نقاط دور و نزدیک می آمدند و کتابهای نفیس به کتابخانه مراد خود تقدیم می کردند. سیح صفی الدین اردبیلی، جد اعلای سلاطین صفوی که در سال ۷۰۰ جانشین و حلیفه شیخ زاهد گیلانی شد، در اردبیل طرح خانقاهی را پی افکند. شیخ همواره مورد احترام و توحه عموم و حتی سلاطین معول بود و خواجه رسیدالدین فضل الله همدانی، از اعظم وزرا و علمای عصر، در نامه ای به او، ضمن بیان ارادت خویش، حواله ای برای مخارج خانقاه به نام او فرستاده بود^۱ از آنجا که مریدان شیخ نزد او تعلیم می یافتند، خانقاهس مدرسه ای برای ارشاد آنان محسوب می شد و به همین دلیل نخستین کتابخانه بقیعه در حیات او بنیان نهاده شد. چون سیح پس از مرگ در همان خانقاه آرامید، مدفن او ریارنگاه مریدان گس و کتابخانه بقیعه، که محل اجتماع پیروانش بود، رونق بسزا یافت.

از نویسندگان قرن سیزدهم بر ساید توان گفت که تنها دو نفر ادبای عصر باختری در تألیفات خود محض اساره‌ای به ساجانه بقیه کرده‌اند. نخست محمد نفی حکم در کج داس و دوم محمد حسن خان اعتمادالسلطنه/ صنیع الدوله در مرآت البلدان (هر دو کتاب از کتب جغرافیایی) که دبل کلمه دبل هر دو به يك مضمون حبس آورده‌اند

اردبیل در زمان صفویه زیاد معمور و آباد بوده و موفقات زیادی برای طلائع و محصلین فرا دادید کتابخانه اردبیل در آن عصر معروف دنیا و اغلب کتب آن به زبان عربی و فلیلی هم فارسی است و ترکی هم دارد و حلدسان غالباً طلا و هم نقره بوده ولی حالا حیری از آنها باقی نیست^۵

مسح هر دو مؤلف سفرنامه آدام اولناریوس بوده و متأسفانه مؤلفان هیچ اساره‌ای به اسکه بر کتابها چه گذشته و چرا «حالا حیری از آنها باقی نیست» نمی‌کنند تنها از طریق منابع روسی، مانند تاریخ روابط علمی سری و اروپا و روسیه (جانب لنینگراد) و کتاب گریبایدوف در گرجستان و ایران، تألیف گئی کولوبوف (جانب مادکونه) و مکاسات و اسناد آنها در می‌یابیم که بر سر کتابهای کتابخانه بقیه نسخ چه آمده و چرا «حالا از آنها حیری باقی نمانده است».

کتابخانه بقیه صنیع صلی الدین اردبیلی، پس از انراض سلسله صفویه و برور انقلابات، متفرق گردید ولی تا اتمام سلطنت فتحعلی شاه قاجار در جنگ دوم روسها با ایران کتابخانه همور فعال و کتب معنایی در آن باقی بوده و در همان ایام دحایر گرانهای کتابخانه از پس رفته است تفصیل این احوال را برای نخستین بار مرحوم عبدالعزیز حواهر کلام بدین شرح می‌نگارد

در ماه دسامبر ۱۸۲۷ م قسوس روس به سرکردگی سکویچ و همراهی گریبایدوف شهر تبریز را تصرف نموده از طریق میانج (مناج) عازم سحر طهران بودند تا دامنه فوجات خود را بر ایران (همچون توسعه مضرفات خود در دولت عثمانی) ادامه دهند همان موقع بروسور مسیری اروسکی سکوسکی به رئیس کل ارکان حرب قسوس روس، کراف دسبح، سرچی بگاسیه و نقاضا نمود که در این مسافرت از کتب خطی و آثار ادبی ایرانی بر استفاده شود، مخصوصاً اشعار اس و طیفه را بروسور مریور به عهده گریبایدوف، که از نویسندگان و شعرای مشهور روسی بوده، واگذار کرد رئیس کل ارکان حرب عس مراسله و نقاضا نامه سکوسکی را به نظر سکویچ رسانیده و سکویچ با گریبایدوف در این باب مسورت کرد بالاخره بعد از تحقیقات زیاد معلوم شد که در اروان و بحوان کتابخانه مهمی وجود ندارد و کتابخانه عباس میرزا در تبریز بر اهمیت علمی نداسه و مجموعهای از کتب معاصر می‌باشد، ولی فقط در اردبیل مقداری کتب و رسائل خطی گرانها در کتابخانه حبث معبره صنیع صلی الدین اردبیلی باقی است^۶

به طور حتم گریبایدوف، که از رجال سیاسی و ادبی عصر خویش بود از طریق نوشته‌های آدام اولناریوس، حیمیر موریه^۷ و

نظایر آنها درباره کتابخانه اردبیل آگاهیایی پیدا کرده بود و به همین دلیل آبی از فکر کتابخانه بقیه فارغ نمانده و پیوسته در آروزی تصاحب کتابخانه بقیه به سر می‌برده است به همین دلیل، در زمان اسغال تبریز به دست قوای روس، به اندیشه تصرف شهر اردبیل افتاد و آن را تنها راه حل معضل خود دانست به نوشته صاحب حواهر

بسیهاده سکوسکی بستر او اگر بیادوف را تهسج نمود، ما آنکه اردبیل در قروبت اچیه، جنگ نمود و تصرف ان مستلزم محارح و رحامی بود، مع ذلك بر حسب اصرار و نقاضای گریبایدوف يك عده قسوس از قریه باغ به طرف اردبیل عزیمت کرد^۸

در هر صورت، در ۲۵ رابونه ۱۸۲۸/ ۲۶ حمادی الاخر ۱۲۴۳، به هنگام مذاکرات صلح میان عباس میرزا و ناسکویچ، شهر اردبیل به دست قوای روس به فرماندهی ربرال سوسیلن (Souchtelen) و همراهی سرهنگ سسایوین (Semavine) محاصره شد و، پس از اندک مقاومت نیروهای نظامی محلی، به تصرف روسها در آمد سعید نفیسی در این مورد می‌نویسد

در اطراف اردبیل حدیث معدن مس هست که برای بیارمندیهای نظامی آن زمان اهمیت بسیار داشته عباس میرزا به بسیاری مهندسان اروپایی ملعه آن شهر را ساخته بود که به گفته سوسیلن بر بریهایی حد بر فلاح دیگر ایران داشته است گذشته از همه در آن ملعه علوفه و حواریار و تحهرات نظامی فراوان دحیره کرده بودند لوازم توخانه نیز در آنجا فراوان بود و ما همه اس برترنها دفاع از آن شهر برای لسكریان ایران دسوار شده بود بمران عباس میرزا، نه فرمانده نادگان این شهر بودند و مردی اینالیایی، که بر ناردی (Bernardi) نام داس و فرمانده توخانه آنجا بود، ساستگی این کار را نداسند^۹

حاشیه

- (۱) تاریخچه کتابخانه‌های ایران از صدر اسلام تا عصر نوس، رکن الدین همانون هرج، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل بگارس، ج ۲، ص ۱۲
- (۲) داسنامه ایران و اسلام، دبل کلمه «اردبیل»
- (۳) سفرنامه آدام الاریوس به ایران، ترجمه احمد بهور، تهران، اسکار، ص ۱۲۷ تا ۱۳
- (۴) رناص العلماء، عبدالله اهدی، ج ۵، دبل طبرسی (متن به عربی است)
- (۵) مرآة البلدان، اعتمادالسلطنه، به تصحیح دکتر عبدالحمید یوایی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ دبل واژه «اردبیل»، کج داس، محمد نفی حکیم، به کوشش دکتر محمدعلی صوتی و حمید کیان فر، تهران، ربرن، ۱۳۴۷، دبل واژه «اردبیل»
- (۶) فهرست کتب وزارت معارف، عبدالعزیز حواهر کلام، تهران، وزارت معارف، ج ۲، ص ۷۱
- (۷) مضمون عبارت موریه چنین است «مقره به کلی متروک بود، کتابهای کتابخانه مثل کاغذهای بازه روی هم توده شده بود، بید و موریانه و حشرات دیگر به اهدام آنها کمک می‌کرد»
- (۸) فهرست کتب وزارت معارف، ج ۲، ص ۷۲
- (۹) تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، سعید نفیسی، تهران، انتشارات بیا، ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۱۴۷

اسفالگران اردبیل، علمای شهر را در يك محل جمع کردند و ایشان را از قصد و نیت باسکویج و گریبایدوف و تصمیم او به مسفل ساحس ذخایر کتابخانه آگاه ساختند علما، هر چند از آغاز مخالف کردند و در باب وفقی بودن کتب کتابخانه داد سخن دادند، حلی رود منوچه سدید که گوس کسی به حرف آنان بدهکار نیست و از حکومت و حکومتان بیر کاری ساخته نیست، چه آنان اگر حربه داستند شهر تریر را حفظ می کردند، لذا اجباراً به حمل کتابخانه تن در دادند و کتابخانه را تسلیم فوای نظامی روس کردند مشروط بر آنکه، پس از نسخه برداری، آنها را به محل اصلی عودت دهند.^{۱۱}

بالآخره کتابخانه به تصرف بررال روسی در آمد و از اوایل فوریه/ اواخر رجب دو دسه فسون سواره و بناده کاروان کتب نفیس بفعه سیح صفی را از اردبیل با نفلس اسکورت کردند و گریبایدوف به آرووی حوس رسد.

آنچه از مفاد کتاب گریبایدوف در گرجستان و ایران بر می آید این است که کتابهای بفعه سیح صفی به رسم امامت به نفلس برده شد ولی متأسفانه دبری نناید که کتابهای مرنور از کتابخانه سن بنظر ربورگ و موره ارمسار سر در آورد و در حال حاضر کتابهای یادشده در کتابخانه لسنگراد «به رسم امامت» موجود است و امید است هر چه رودتر این امامت به صاحب اصلی آن، ملت و دولت ایران، برگردانده شود.

همان گونه که گفته شد صاحب حواهر نخسین کسی است که درباره این کتابخانه تحقيقات مفصل کرده و فهرستی را که بر فسور رررمار برای او ارسال داشته، ارائه داده است، و آن فهرست شامل بربك به ۱۲۰ کتاب به اس سرح است^{۱۲}

مطلع خصوص الکلم فی معانی قصوص الحکم، به زبان عربی در فلسفه، تألیف محمد بن علی، اسماء الحسنی مع ترجمه به عربی، تألیف سلطانعلی مسهدی [محتماً ناند خط سلطانعلی باسد]؛ اسناد مباحات مخمس، به عربی؛ صحفه کامله، تألیف عبدالله بن عمر، به عربی، طوالم الانوار و مطالع الانظار، تألیف بیصاوی، به عربی، شواکل الحور فی سرح هیاکل النور [دو نسخه]؛ الاساراب و التنبیها؛ کتاب الککاس المعروف به کتاب الفاحر، تألیف محمد بن زکریا الرازی در طب، الجامع الکبیر المعروف بالحاوی، تألیف یحیی بن سعید هدلی حلی، مرفعات، روضه عین الفضا همدانی؛ کتاب علم، تألیف عرالی، لواح حامی؛ مرفعات [هست نسخه]؛ تحفه ساهی؛ مقاله خواجه انصاری؛ کیمیای سعادت غزالی؛ تاریخ طبری (به فارسی) [سه نسخه]؛ فردوس التواریخ؛ روضه الصفاء میر حواید در یازده جلد، خلاصه الاخبار فی بیان احوال الاخبار، تألیف

خواند امیر؛ حبیب السیر؛ حواهر الاخبار؛ جامع التواریخ رسیدالدین؛ طهرنامه تیموری [دو نسخه]؛ مطلع السعدي و مجمع البحرین، از عبدالررای سمره دی [دو نسخه]؛ صفوه الصفاء، از اس الزار؛ باض (مکالمه ساه طهماسب با الملحیان)؛ سرف نامه، تاریخ المار کالدروو الحواهر، روضه الاحباب فی سره النبی والال والاصحاب، مجمع الاساب، احسن الکفار فی معرفه الانمه الاطهار، تألیف محمد بن ربن عرساه حسینی، احسن الکفار فی معرفه الانمه الاطهار (جلد دوم)، خلاصه الاسعار و زنده الافکار، مجموعۀ سعرا، حمسه نظامی، دیوان اسعار، ساهنامه (چهار نسخه)، دیوان انوری، دیوان حامی، دیوان اسعار مفرقه (معدد)، خسرو سیرین، حدقه حکیم سنایی، دیوان حافایی، دیوان صفی، دیوان عطار، دیوان کمال الدین [دو نسخه]؛ گلستان سعدی، بوسان و منتخب بوسان، گلستان راز؛ کلیات دهلوی؛ آثار نظامی گنجوی (معدد)؛ منتخب دیوان خسرو، هست بهست، لیلی و محبوب، منتخب خسرو، سیرین، ترجمه بند حامی، دیوان امیرحسین دهلوی، راد المسافیرین، دیوان حواجو؛ دیوان اسیمس، کتاب مهر و مستری، کلیات عمادالملله والدین الفقه الکرمائی، دیوان حافظ سیرازی؛ کلیات حکیم براری؛ دیوان کاتبی، کلیات ساهی (سه نسخه)؛ کتب سعه حامی، تحفه الاحرار (سعر) در سه مجلد، سبحة الانرار (نظم)، بوسف و رلحا؛ سلسله الذهب (اسعار فارسی)، چهل حدیث حامی، دیوان اسعار؛ گوی و حوکان (سبح معدد)، بمرنامه هانمی (سبح معدد)، ساهنامه هانمی، هفت منظر نظامی؛ دیوان بانافعائی، دیوان سهیلی؛ دیوان آصفی، رساله ملا سلطانعلی، آثار المظفر، ساهنامه ساه اسمعل، کلیات اهلی سیرازی، عفاند ساهی، کتاب مهر و وفا؛ دیوان مانی، حسن ودان، برهه العاسفس، مرنان نامه، ترجمه الفرع بعدالسنه والسنه، کلیات بوانی، حمسه امیر علیسر بوانی، دیوان بوانی (سبح معدد)، اسکندرنامه

در هر صورت، سن از اس یعمالگری، از کتابخانه سیح صفی حری ناهی نماید حر اوران مفرقه و معدودی کتاب که يك نار، در رمان ناصرالدین ساه به هنگام بعمیر بفعه که به دستور وی انجام گرفت، بخشی از آنها به کتابخانه سلطنتی وف مسفل شد، از جمله ترجمه فارسی تفسیر معروف طبری که به هست حسب یعمانی به حاب رسیده است صاحب حواهر، به هنگام نگارش تاریخچه کتابخانه سیح صفی که اساس هست مقاله بوده، ضمن سرح به یعمال رفتن سیح کتابخانه سیح می نویسد

اوران کتابهای دیگری اهم هست که بوجهی به آنها شده و بالآخره تلف و نابود می شود و اگر يك دو نفر مطلع دانشمند برای تحقیق و

حسینوی این اوراق چه از طرف وزارت معارف و یا آنکه مستقلاً بر وی بسیار بیکو و قابل تقدیر می باشد

حوسختانه سادروان علی اصغر حکمت به این بذای صاحب خواهر با نسخ مست داد و گروھی را برای بررسی اوراق باقی مانده کتابخانه نسخ صفی به اردبیل اعرام داشت این گروه، پس از بررسی اوراق باقیمانده از کتابخانه نفقه، به تعدادی نسخ نفیس، که از دید نظامیان روس محفوظ مانده بود، دسترسی یافت و تمامی اوراق و نسخ یادشده را به بهران منتقل کرد که به دستور علی اصغر حکمت در اختیار موزه باستان ساسانی- موزه ملی کنونی- قرار گرفت اکنون نسخ و اوراق یادشده حوسختانه در مجلس اسلامی موزه محفوظ است که از آن میان می توان به حدیثه نسخه ساهنامه فردوسی و چهار مجله نسخه صریح الملك اشاره کرد

نسخ انصفالی به مجلس اسلامی موزه ملی به این شرح است: (۱) قرآن مجید و حروات، شامل ۸۵ مجلد از قرن سوم تا قرن سیزدهم هجری از کاتبانی چون یاقوت مسعومی و سهروردی (وفات ۷۰۴ یا ۷۰۶) و یاقوت بن عبدالله (وفات ۶۶۸) و حاجی عمادالغاری الطاووسی (وفات ۸۷۰) و عماد محلائی، با خطوط حوس کوفی و ثلث و ریحان و نسخ، از واقفانی چون ساهطهماسب صفوی و بهرام میرزا صفوی و حمزه میرزا و سلیم بیگلربیگی و کمال الدین علی سک

از این مجموعه فرآهای خطی، ده نسخه متعلق به فرهای سوم و چهارم هجری است که روی پوست اهو و با خط کوفی کتاب شده است.

۲) دیوان شعر، تاریخ و انواع دیگر کتب

● ساهنامه فردوسی الف) نسخه ای به خط نستعلیق دروس محمد مخلص با رقم ۸۹۵. به گواهی نظم همس مخلص در نایان نسخه، در دفتر موزه آمده که نسخه در ۴۰۰ هجری نوشته شده و محل کتاب آن دانسته نیست ب) نسخه ای به خط نستعلیق، با تاریخ کتاب ۹۳۸، با ۴۳ مجلس و کاعداً اعلای حاسالع و حلد صربی، وقف ساه عباس بر آستانه سیح صفی ح) نسخه ای بدون رقم و کاتب محتملاً از قرن دهم با ۱۸ مجلس تصویر: د) نسخه ای بدون رقم و کاتب محتملاً از قرن دهم با ۲۷ مجلس، وقف شاه عباس بر آستانه سیح صفی

● ساهنامه فاسمی: اثر میرزا فاسم گنابادی، به خط نستعلیق، سده دهم، با ۱۱ مجلس، درباره کسورگسایبهای ساهطهماسب اول. این نسخه وقف ساه عباس بر آستانه سیح صفی است.

● چهار نسخه صریح الملك. این چهار نسخه در آستانه سیح صفی بوده و مجموعه وفنامه های رفقا و موفات و اسناد املاکی

است که برای آستانه سیح صفی الدین خریداری شده و فاعداً همه به خط گردآورندگان آنهاست دو نسخه به خط رین العادین عدی، سر عبدالعزیز بن صدرالدین محمد بن ناصرالدین احمد قوامی شیرازی، با رقم ۹۷۵؛ و دو نسخه دیگر به خط محمد طاهر ساهانی، با رقم ۱۰۳۸، زمان صدور و بولت بواب سیح سرف راهدی در عصر ساه عباس صفوی يك نسخه از چهار نسخ صریح الملك به خط رین العادین عدی وقف ساه عباس بر آستانه است نسخه دیگر از صریح الملك در کتابخانه ملی ایران محفوظ است این نسخه به روزگار ناصرالدین ساه فاحار به کتابخانه سلطنتی منتقل شده و در سال ۱۳۱۶، به هنگام افتتاح کتابخانه ملی ایران، جزء مجموعه انصفالی از کتابخانه سلطنتی، به کتابخانه ملی منتقل شده است

مجموعه نسخ انصفالی از نفقه سیح صفی به مجلس اسلامی موزه ایران باستان/ موزه ملی، به استنای فراها شامل ۸۵ مجلد، همه از نسخ نفیس و عالی و مذهب است در نایان، تنها به ذکر نسخ وقفی ساه عباس که عمدتاً به سال ۱۰۱۷ و ۱۰۲۲ وقف شده اند فهرست وار اشاره می شود

۱) نسخ گنج/ حمسه نظامی، محتملاً از سده دهم (۳ نسخه)، وقف در ۱۰۱۷ هجری

۲) حک حک سر، محتملاً از سده دهم، شامل غرلهایی از ساطی و حامی و حلال و عمار و ناصری و عصمت و کاسی و ساهی و طوسی و حامی و اس نفس

۳) حبیب السر خواندمیر (۲ نسخه)، وقف در ۱۰۱۷ هجری؛ ۴) خلاصه التواریح، میرمسی قاضی میراحمد بن سرف الدین حسین حسینی ابراهیمی قمی، وزیر خراسان و در گذشته در ۱۰۰۱ هـ. در نسخه در ۹۹۷ هـ. در کتابخانه ساه عباس بوده و او آن را بر آستانه سیح صفی وقف کرده است؛

۵) دیوان خافاسی (۲ نسخه)، نسخه دوم نستعلیق سمس الدین بن میراخان فروسی (۹۹۸ هـ)، وقف در ۱۰۱۷ هـ.

۶) دیوان ساه اسماعیل خطایی صفوی، به خط نستعلیق عسی، از سده دهم، وقف ساه عباس بر آستانه سیح صفی در ۱۰۲۲ هـ.

۷) دیوان طالب آملی، به خط نستعلیق، از سده دهم یا یازدهم، با کاغذ الوان، وقف در ۱۰۱۷ هـ.

۸) دحیره خوارزمشاهی، سید اسمعیل گرگانی [خرجانی]، به خط نسخ، از سده هفتم یا هشتم، ترسیم با نستعلیق در ۹۶۸؛

حاشیه:

۱۰) همان، ص ۱۶۸

۱۱) فهرست کتب وزارت معارف، ج ۲، ص ۷۳ تا ۷۶.

(۹) دیوان عصمت بخارایی، به خط نستعلیق، از سده دهم، وقف در ۱۰۱۷ هـ؛

(۱۰) روضه الصفا، میرخواند، به خط نسخ محمد بن سیح امین الدین جهرمی، از ۹۷۴ هـ، جلدهای ۴ و ۵ و ۶ کتاب وقف در ۱۰۱۷ هـ؛

(۱۱) سیف النبوة یا مشهد الشهدا، حسین ندایی، به خط نستعلیق فاسم بن علی، از ۹۲۷ هـ، وقف در ۱۰۲۲ هـ؛

(۱۲) شاهنامه فردوسی (۲ نسخه) که فلا سرخ آن داده شد؛

(۱۳) شاهنامه فاسمی، که سرخ آن گذشت؛

(۱۴) صریح الملک، گردآوری سده در ۹۷۵ هـ؛

(۱۵) فتوحات ساهی (مقدمه الفتوحات)، ابراهیم امینی، مستمل بر پنج فتح، کتاب به خط امینی در هرات به سال ۹۲۷ هـ، وقف در ۱۰۱۷ هـ؛

(۱۶) فرهاد و سیرین، وحسی، به خط نستعلیق، از ۹۹۷ هـ، وقف در ۱۰۲۲ هـ؛

(۱۷) کامل التعبير، ابوالفضل حسن بن ابراهیم تفرسی، به خط نسخ علی ساه بن احمد ساه بن علی ضایع اصفهانی، رمضان ۷۳۷ هـ، وقف در ۱۰۱۷ هـ؛

(۱۸) کلیات سعدی (۲ نسخه)، نسخه اول به خط نستعلیق ساه محمد کاتب، نسخه دوم به خط نستعلیق از ۹۰۸ هـ، وقف در ۱۰۱۷ هـ؛

(۱۹) منوی معنوی (۲ نسخه)، یکی به خط نستعلیق احمد بن محمود، از ۸۹۱ هـ، دیگری به خط نستعلیق محتملاً از سده دهم، وقف در ۱۰۱۷ هـ؛

(۲۰) مجمع التواریخ السلطانه، حافظ ابرو، به خط نستعلیق، سده نهم یا دهم، وقف در ۱۰۱۷ هـ؛

(۲۱) مجموعه، به خط نستعلیق غیاث الدین بن ابراهیم معلم بلکیحانی، وقف در ۱۰۱۷ هـ (نسخه را محمود فاحار فرمانروای نهاوند در ۱۲۵۱ خوانده است)؛

متن وقفنامه ساه عباس در آغاز نسخه‌ها بدین شرح است: وقف نمود این کتاب را کلب آستان علی بن ابی طالب علیه السلام عباس الصفوی بر آستانه موره ساه صفی علیه الرحمه که هر که بخواهد مشروط آنکه از آن آستانه بیرون نرود و هر که بیرون نرود ساریک حو امام حسین علیه السلام بوده باشد ۱۰۱۷ [وقف]

جای بسی خوشوقتی است که آقای دانش‌پروه همه این نسخه‌ها را در سریه نسخه‌های خطی (دفتر دوم، سال ۱۳۴۱) فهرست کرده‌اند.

امید است که «امانتی‌ها»ی مذکور دوباره از روسیه به ایران بازگردانده شود و در اختیار کتابخانه ملی ایران قرار گیرد.

گوهرهای پراکنده

گلچینی از لطایف نثرالدین ابوسعید آبی

علیرضا دکاوتی قراقرلو

ابوسعید مصور بن الحسن آبی (موفی ۴۲۱ هـ ق) مسوب به آنه با اوه (سهری قدیم نردیک ساوه)، از ادیان و دولتمردان ایرانی در دستگاه آل بویه و اردوستان و نردیکان صاحب‌سعاد بوده است به لحاظ ادبی مهم‌ترین کار او گردآوری و تنظیم لطایف و نکات فراوانی است که حاکم سده آن در هفت مجلد (سجس جلد) نثرالدین (الهنه المصریه العامه للکتاب، ۱۹۸۱ با ۱۹۸۶) به دست ما می‌رسد. خصوصیت این کتاب بس‌خنگهای ادبی این است که از خطب مفصل و فصائد حالی است و نکات و حکایات مربوط به هر شخصیت تاریخی یا داستانی را یکجا کرد آورده است. گذشته از این، بر این کتاب روحیه هزل غالب است و البته برای کسانی که آمار جاحظ و ابن فنیسه و میرد و مولی و ابن عدربه و ابو حیان توحیدی را دیده باشند خندان نازگی ندارد با این حال، نظر به اینکه بعضی کتب مورد مطالعه آبی اکنون در دست نیست، کتاب خالی از فایده نمی‌باشد. ذیلا نکات و لطیفه‌هایی از این کتاب را از لحاظ خوانندگان می‌گردانم با این یادآوری که ترجمه بعضی قسمتها به صورت آزاد و نقل به معنا صورت گرفته است.

□ پیغمبر (ص) فرموده است: مردم از یکدیگر بی‌نار هستند.

لیکن از خدا بخواه که حاجت ترا به آدمهای بد نسفکد (ح ۱/ص ۴۲۲).

□ وقتی عبدالله بن علی عباسی گردن امویان را می‌زد، کسی گفت: این، نه خدا، بد بنایی است! عبدالله گفت: این تبع با سیر حجام فرمی ندارد، اما بنای بد یعنی گرسنگی رسواکننده بعد از دارایی زیاد (۴۳۶/۱)

□ یکی نزد ابوحنسفه آمد که خاربانی به نیم درهم کرایه کرده و برد آمده‌ام تا برانم حدیث کنی، ابوحنسفه گفت: آن نیم دیگر را هم کرایه بده و برگرد، من نمی‌خواهم برای تو حدیث کنم (۱۴۶/۲)

□ کسی با یحیی بن اکثم مناظره و هراگرایی ضمن صحبت به او خطاب می‌کرد. او برکر با یحیی گفت: من او برکر با هستم، ابو محمد من آن مرد گفت ولی هر یحیی امی کنس او برکر باست یحیی گفت: سگها بر سر ابطال فباس با من مناظره می‌کنی، انگاه با فباس بر من کسب می‌بهی! (۱۷۸/۲)

□ معاویه از یکی پرسید: تو بزرگ فیله‌اب هستی؟ گفت: رودگار با حارسان کرده است! (۱۸۰/۲)

□ سفای فقهی را بر در سلطان دید، از او مسأله‌ای پرسید فقه گفت: آخر اینجا حای مسأله پرسیدن است؟ سفا گفت: اینجا حای ایستادن فقهان هم سست (۱۸۲/۲)

□ مالک بن طوق از عباسی پرسید که از فلانی حاجی می‌خواستی، دیدم در حرف ردن کوباه آمدی. پاسخ داد از حرف در حواس و حواری حواهنس و سم رد حواهنس عافلی؟ (۱۸۵/۲)

□ نه ابو الهذیل علف (معرلی) گفتند که عده‌ای لعس می‌کند پاسخ داد: نه نظر شما اگر از اینان بیروی تمام جمعی دیگر لعس نخواهند کرد؟ گفتند: بلی، گفت: پس می‌سند که نه هر حال از لعس نمی‌رهیم، آن نه که دل نه حق دهم (۱۸۷/۲)

□ هارون الرشید به جهجاه نامی از طرفا گفت: تو زندیقی؟ گفت: چگونه زندیق باشم که قرآن خوانم و فرایض دایم رسید گفت: آن قدر سلاف می‌زنم با اقرار کنی. جهجاه پاسخ داد: این خلاف روس رسول الله (ص) است که فرموده است برای اقرار بر اسان سمسر بزنند و تو برای اقرار بر کفر می‌رسی! (۱۸۹/۲)

□ علام بنامه (معرلی) به او گفت: بر حتر بنابر را بخوان! راجح سوی. بنامه پاسخ داد: من هم اکنون هم راجح اگر تو نگذاری (۱۹۹/۲).

□ یکی نزد دیگری لاف می‌زد که بدرم از هر کوحه‌ای می‌گذشت مردم بر پا می‌ایستادند و راه می‌دادند، طرف پاسخ داد: آری، می‌دانم. بدرت همیشه یک خاربنا را حار و حاساک در ستن داس (۲۰۰/۲).

□ مردی اردیگری در ارگوسی به عاریت حواس مرد بنالایی به او داد و گفت: بر سب هر که حواهی نگذار (۲۰۳/۲)

□ یکی از اهل مدینه گروهی را دید برای بنار ناران سرون رفته‌اند و جمعی کودک همراه دارند، پرسید: اینها را برای چه آورده‌اند؟ گفتند: به امید آنکه خدا دعای آنان را احاط فرماید. گفت: اگر دعای اینها مسحاب بود معلمی در روی زمین رنده نبود! (۲۲۲/۲)

□ يك مدعی یعمیری را برده مهدی عباسی آوردند حلقه او را با حرف سخاند و عاخر کرد یعمیر دروغش گفت: من معوب بر حباران سنده‌ام، ولم کن برد سوانان و سحارگان بروم که امت اسیا آنها هسند (۲۱۷/۲)

□ مردی سامی از مردی مدنی پرسید: سید در ولایت سما چگونه فروخته می‌شود؟ گفت: دو طرف با همداد و هسب تاربان به يك درهم (۲۱۹/۲)

□ یکی بر فقه‌گویی گذشت، سید می‌گوید: اسرافیل صور به دهن سسبه تا کی فرمان دمیدن در صور برسد آن مرد گفت: وای که اگر اسرافیل را عطسه نگردد کار همه حراب است (۲۱۹/۲).

□ یکی بر ابو العباس از بدحالی سکوه می‌کرد، ابو العباس گفت: برو سکر کن که اسلام و سلام را با هم داری گفت: آری، اما در اس میان گرسنگی حکرم را بی‌نات کرده است (۲۲۲/۲)

□ یکی اردیگری پرسید: کسی را سراع داری که يك حر کر بی‌مو را از من بخرد، آن مرد گفت: سراع ندارم، مگر آنکه کسی بخواهد الاغی بخرد و در راه خدا اراد کند (۲۲۶/۲)

□ از کسی پرسیدند: بدرت چگونه مُرد؟ گفت: تنهایی ایعی سکنه کرد! (۲۲۹/۲)

□ یکی از طفلان به دفتس توحسه می‌کرد که هر طعامی را آخرین طعام دینا بدان و بوسه آخرت بردار! (۲۵۰/۲).

□ از خالد بن برید [حکیم ال‌امه] پرسیدند: از کجا این همه دانش اندوختی؟ گفت: با اسحاص در تمایلات و آرایسان همراهی کردم. هر چه داستند با من در میان گذاشتند (۳۸/۳).

□ ابو العباس از کسی پرسید که از کدام جماعتی؟ پاسخ داد: از فریدان آدم ابو العساء گفت: مگر از اینها کسی باقی مانده است؟ (۲۰۱/۳)

□ بدر ابو العساء به او گفت: خدا در حق من به تو سفارس کرده که «اسکرلی ولوالدیک» [سوره لقمان، آیه ۱۴] ابو العباس پاسخ

حاشیه

(۱) در داستان حاجی بنای اصهبانی، حاجی بنا که دلاک راده بود، لاف می‌زد که رئیس مردم شهر در دست بدر من بود!

خدا نه من اطمینان داشته اما نه تو نداسه که فرموده: لا تفتلوا
 دکم حسبہ املان» [سوره اسراء، انه ۳۱ | ۲۱۴/۳]

□ مردی بعد از نماز سب دعا می کرد که خدا با می شنی که من
 ارم و دیگران همه در جواب مرتد گفت حاجت خود را
 واه، اما سبطانی دیگران را مکی (۲۳۸/۳)

□ یکی به مرتد گفت: هر وقت سک ددی انه «یا معسر الحسن
 اس ان استطعتم ان تغدوا من افطار السموات والارض
 غدوا لاتغدوا الا سلطان» [الرحمن، انه ۳۳ | را حیوان
 گیرد، مرتد گفت سکی هم بردار که هر سگی فران
 ی فهمد (۲۴۲/۳)]

□ یکی از سران موکل نه حمار (طریق مسهور) گفت:
 مرد، حال نمی کسی؟ جواب داد، کسی که ناند ارس
 حالت کسید، می شنم (۲۵۸/۳)

□ دیوانه ای نه دیگری نصیحت می کرد که اگر نگویی
 ی دلم، آن قدر از تو می ترسند تا بگوئی «می دلم»، اما اگر
 وی «می دلم» آن قدر ترس می گویند تا ندائی (۲۶۰/۳)
 □ عده ای دور دیوانه ای جمع شده بودند، یکی گفت اردسب
 ها نه گوشه ای شاه بر کف گرسنه که بسوید همه می روند
 (۲۶۴/۱)

□ دیوانه ادبی در بصره بود، نه مسخره گفتند: ما را بدی ده،
 ما این کاحسان، ان حاکسان همه گریسند (۲۶۶/۳)
 □ یکی نه بهلول گفت حرادر اسحا ایساده ای، برو که حلقه
 هر دیوانه دو درهم می دهد بهلول گفت سیم دو درهم را
 (۲۷۴/۱)

□ کسی مهمان سفره نحلی بود، گربه ای آمد، لقمه ای برای
 انداخت، گربه لقمه را خورد مهمان حواس لقمه دوم را
 ندارد، صاحبخانه گفت این گربه مال همسایه است (۲۹۴/۳)
 □ یکی بود که ادعای رور بارو داشت، هر وقت ردو خوردی
 من می آمد، گارر کوباه فدی را گری می آورد و کیک می زد. یک رور
 نتند: فلان قضاب را ادب کن! کف من با قضاب جماعت کار
 ارم. (۳۰۴/۳)

□ کسیک حی ناحه ای را برداسند و برادرش را نه حاس
 باستند. لاتی سید و گفت: «الملك عقی» (۳۰۵/۳)
 □ کسی می حواس مرکوب دیگری را غارت نگردد،
 نداسی بوس و فرساد که حبال سواری دارم طرف در جواب
 سب: فی امان الله! (۳۱۰/۳)

□ هند، مادر معاویه، گفته است: ریان رحبرد، رحبر خود را
 تخاب کنند (۶۷/۴)

□ بهره وری و کامرانی کسان نه سب بداخلاقی اراد ریان
 سب (۹۷/۴)

□ کسی را برد رباد آوردند که گردن برسد، گفت: ایها الامر
 من تر تو حقی دارم، بدم همسایه شما بود رباد برسید: اسم بدم
 حسب؟ گفت نمی دلم! ار هول اسم خودم را فراموش کرده ام
 چه رسد نه بدم (۱۴۱/۴)

□ ربی ربا نه بمرمرد رسب رویی حیره سده بود بمرمرد
 برسند چه می خواهی؟ گفت حسم گناهی کرده، دارم
 سکجه اس می کم (۲۵۶/۴)

□ دو سری فروس اختلاف مالی بس فاضی بردید: فاضی
 یکی را قسم داد که بگو «والدی لاله الا هو». کذا» آن یکی گفت
 آی فاضی این قسم ما بسب، ناند این گونه قسمس بدهی که
 «مادر فلان است اگر دروغ بگوید» (۲۹۴/۴).

□ یحیی بن اکثم، فاضی حمص^۲ را عزل کرد فاضی نه بغداد
 برد یحیی آمد و یحیی او را بمرمرد با وفاری ناف، برسند تا که
 سسهای؟ گفت تا بدم یحیی فکر کرد بدرس از علما بوده،
 برسند بدم تا که سسهای؟ گفت تا مکحول^۲ (یحیی داسب
 احمق است) برسند مکحول تا که سسهای؟ گفت تا سفیان بوری
 یحیی انگاه برسند بدم درباره عذاب فر چه نظری داسب؟
 بمرمرد گفت بدس می آمد! (۲۹۷/۴)

□ حجاج می گفت: هر کس سرش درد می کند دواس بس
 من است و هر کس عجله برای مردن دارد ما رود راهس می کسم و
 محص احباط سمسر نه حای تارما نه برداسه ام! (۱۸/۵)
 □ مهدی عباسی نه سوچی دستور داد حجارا بر طع سباندند
 که گردس را برسند حجارو کرد به جلاد که مواط ناس رگ
 ححامس را بری، باره حو گرفته ام (۳۰۸/۵).

□ حجا نك رور در بارار می دود و نه هر کس می رسد
 می برسند نك کسریش خنا سسته ندیدی؟ (۳۰۹/۵).
 □ حجاروری با جمعی کله ناحه خورد، وقتی تمام سد گفت
 خدا ار کله ناحه های اهل بهس قسمسان کند (۳۱۰/۵).

□ حجا فاروره نه طیب نمود که می حواهم نزد سلطان بروم،
 سن نك است تا نه؟ (۳۱۲/۵)

□ حجا وارد باغی گردید، حامه اس نه درختی گرفت و باره
 سد، رو کرد نه درخت که اگر حیوان بودی بسب را خرد می کردم
 (۳۱۲/۵)

بدی است که نه خدا گمان نکند دارد و این گونه خود را سکنجه می‌کند (۶۹/۶)

□ نه عربی گفتند سید می‌نویسی؟ گفت من از حرد حویس
انگاه که جمع است حرسند نسیم، چه رسد به آنکه تراکنده‌اش
سارم (۷۸/۶)

□ عربی والی بحرین سید، یهودیان آن سرزمین را جمع کرد و
گفت درباره عیسی چه می‌گویند؟ گفتند کسبیم و برداریم
کسبیم گفت سار. افرار، رندانی هستند با حویسهای او را
بردارید (۴۷۱/۶)

□ نه عربی گفتند چرا خبری نمی‌جری؟ گفت منظم
ان قدر ارزان بود که کسی اگر خبری بردارد و بگربرد،
خبر به فروش به دنبال او خبری دیگری برنات کند (۴۷۳/۶)
□ عربی بر سلیمان بن عبدالملک وارد شد سلیمان داشت
فالوده می‌خورد، عرب پرسید این چیست؟ سلیمان گفت هر
کس از این بخورد می‌میرد عرب گفت اجازه هست آن را
بخسم؟ سلیمان اجازه داد عرب فالوده را، حسیس و دسب بالا برد و
طرف را جلو کشید و گفت عیالم را اول به خدا دوم به شما سپردم
(۴۸۱/۶)

□ ملکراده‌ای بود که هرگاه در مسی بر سر کسی غریبه
می‌خسید در هوساری از او عذر می‌خواست و هزار درهم به او
می‌داد روزی دوسوی برد او رفت و گفت من دوسب درهم لازم
دارم، ممکن است کمی بر سر من غریبه بکسی؟ (۵۱۹/۶)
□ انویاس را دیدید که بر حالت مسی می‌خندید، سب
برسیدید، گفت برای آنکه من رودی را در کنار من می‌سوم و از
حالیسان خبر نداسم (۵۲۴/۶)

□ کسی برد می‌فروشد رفت، هرچه ناده می‌خورد سب
می‌شد، و حمار می‌گفت سب در آن احرس می‌کرد بالاخره
از منجانه بیرون رفت و کتر سب کرد افناد با خود زمره می‌کرد
راست گفت که احرس می‌کرد (۵۲۵/۶)

□ یکی از سوح طبعان روزهای چهارشنبه روزه مسیحی
می‌گرفت، پرسیدند چرا چهارشنبه؟ گفت دلم برای این روز
می‌سورد که کسی در آن روزه مسیحی نمی‌کرد (۵۲۶/۶)

حاشیه

- ۱) می‌تواند سبی احسان برآمدن کسبیم می‌خواست برنا، سارا و
عشرانه مهجان، سارا، نازد سبی به او نوشت که «من فردا چهار با سبم بخورم و در
خانه هستم» برنا، دسار در پاسخ نوشت من هم
۲) حسیس از بهرهای سب بوده، مره، ان به ناهت بهره بوده اند
۳) لطف حجاب و سب معلوم می‌شود که به سب منقول موقای ۱۱۲
سبیل بر سر موقای ۱۶۱ است و یعنی سب آنکه سب ۱۵۹ تا ۲۴۲ می‌رسد و به
روزگار مامون (متوفی ۲۱۸) قاضی القضاة بوده است

□ گدایی از کسی چیزی خواست آن مرد بعد از آنکه کلی
معتلس کرد، گفت: «خدا بدهد» خدا گفت آن که این همه وقت
می‌خواست، مگر می‌خواستی از سید و فحاه باوری؟
(۳۲۳/۵)

□ ابو عمر و فاضی باریس تمام غور می‌کرد، معلمی گفت از
حسن حسن لباس و خریگ خریگ رس و برگ مرکوب این ادم
باله بوه و نسیم به گوس می‌رسد خبر به فاضی رسید، او را
خواست و راضی کرد از آن سب همو هرگاه فاضی را می‌دید
می‌گفت از حسن حسن لباس و خریگ خریگ رس و برگ مرکوب
این ادم صدای ملائکه به گوس می‌رسد (۳۳۳/۵)

□ ابو العیسا گویند در بازار برده فروشان غلامی دیدم که صافه
باصد دنبال داشت، آن را به سب دنبال خردم، در آن روزها خانه
می‌ساحم، سب دنبال به غلام دادم که خرج کند، بعد از چند روز
حساب خواستم ده دنبال حساب آورد پرسیدم بقیه‌اش؟ گفت
لباس تازه‌ای برای خودم خریده‌ام؟ گفتیم که نه تو اجازه داد؟
گفت: ادمهای ما سبقت بر غلامان خود کاری را که باعث
افروندن حرمت صاحبان شود عیب نمی‌گیرند با خود گفتیم این
اصمعی بوده است، ما نمی‌دانستیم نک دنبال به او دادم برای
خوارک خودم ورن تازه‌ام (که بیهایی گرفته بودم) ساه ماهی بخرد،
رفت و بعد از مدتی باز ماهی آورد گفتیم این چیست؟ گفت بهرط
سب ماهی را مقتر می‌داند؟ گفتیم سب تو حالسوسی و ما خبر
نداشتیم، و کتک مفصلی به او زدم رفت و به رسم خرداد که فلانی
بجدید فراس کرده، افوام ریم آمدید و مرا حسابی سب و مال
دادید. به غلام گفتیم تو در راه خدا ارادی، برو، قبول نکرد. بول
دادم که به حج برو و مدتی از من دور شود، ده روز نگذشته از راه
باز آمد که کاروان ما را اردان زدند و من خان به در بردم ابو العیسا
گویند. عاخر ما ندیم که چه کم، به او بولی دادم و گفتیم برای جهاد به
مرز برو، و با راهی سب به سرعت خانه و هرچه داشتیم در بصره
فروختیم و به تعداد گربحم (۳۴۱/۵-۳۴۰).

□ عربی را فحس دادید، جواب نداد. سب پرسیدید، گفت
من وارد جنگی نمی‌شوم که در آن غالب از مغلوب بدر است
(۶۰/۶)

□ برد عربی از هر ط عبادت کسی ناکردید، گفت: واللّه ادم

جهان اسلام و ژاپن

دردوره میجی

شکو اوکازاکی (Shoko Okazaki)

(استاد دانشگاه مطالعات خارجی اوساکا)

ترجمه محمدرضا بصیری / کوانیچی هاندا

پس از اهمیت یافتن مسئله نفت، جهان اسلام برای راسی‌ها ناسناخته‌تر از اروپا بود. از این رو، روابط سیاسی بین راس و ممالك اسلامی نیز دیرتر برقرار گردید و، برای مثال، سفارت ران در استانبول در سال ۱۹۲۵ و کنسولگری راس در تهران در سال ۱۹۲۶ دایر شد. راسی‌ها، در آن زمان با کشورهای که با دوره میجی برای آنان دنیای ناسناسی بود ارتباط برقرار کردند. در اوایل دوره میجی، دانشجویان و سیاستمدارانی که از راه دریا رهسپار اروپا بودند، بین راه، در سادر مصر و اسانبول، توقف می‌کردند و به این طریق از این شهرها فلا اطلاعاتی به ران رسیده بود. اما، ایران در مسیر راه دریایی اروپا نبود و راسی‌ها به هیچ وجه آن را نمی‌شناختند تنها در سال ۱۸۸۰ بود که ران ایران را کشف کرد. حال سنینم زانی‌ها چگونه با دنیای اسلام ارتباط برقرار کردند.

هیئت اعزامی دولت ژاپن به ریاست ماساهارو یوشیدا ناصرالدین شاه قاجار، در سال ۱۸۷۹، هنگام مراجعت از سفر دوم اروپا، در تترزبورگ، تاکه آکی انو موتو (Takeaki Enomoto)، سرکسول ران در روسیه، را به حضور بدیرف و علاقه خود را نسبت به برقراری روابط با دولت ران ابراز داشت. از آن پس، انو موتو بارها با کسول دولت ایران وارد مذاکره شد و سرانجام عهد قراردادی باررگانی میان ایران و ران را به دولت متبوع پیشنهاد کرد. بر همین اساس، کائرو اینونه (Kaoru Inoue)، وریر خارجه وقت ران، می‌درنگ تصمیم گرفت که هیئتی به ریاست ماساهارو یوشیدا (Masaharo Yoshida) به ایران روانه کند. یوشیدا، فرزند تو یو یوشیدا (Toyo Yoshida)، یکی از انقلابیون استان توسا (Tosa Han)، در جنوب راس و دارمند وزارت امور خارجه ران بود هیأت همراه یوشیدا مرکب بود از نو یویاسو فوروکاوا (Nobuyasu Furukawa)، فرمانده هنگ مهندسی ستاد کل ارتش، سون ایجیرو یوکویاما (Son Ichiro)

(Yokoyama)، معاون مدیر سرک باررگانی اوکورا کومی (Okuragumi)، نماینده اداره باررگانی وزارت دارایی، و سخ ر باررگان که به حسی فروس و مسافروسی و زرگری و حراری، مساعل دیگر استعمال داشتند انو موتو، وریر سروی دریایی راس، برای ارائه عظم و قدرت دولت راس، پیشنهاد کرد که هیأت یوسیدا با ناو جنگی هنی (Hiei) به جنوب ایران عرمت کند گروه یوسیدا، در اس سفر، مسؤل امور ساسی و باررگانی بود و، علاوه بر آن، مأموریت داشت که محد و عظم دولت راس را سان دهد هیأت اعرامی، به ریاست یوسیدا، رور سجم آوریل ۱۸۸۰ از ران حرکت کرد و به سدر یوسهر رسید و در اواخر ماه رونه از یوسهر عارم تهران شد یوسیدا و همراهان، در ایانی سفر از یوسهر به تهران، با مسکلات و موانع بسیاری روبرو شدند و چهل رور ریر آفات داع و سوران کو بر راه نمودند بعضی از افراد گروه، به علت طوفان سن، از اسب افتادند و از حال رفتند مدتی ماندند شدند

راسی‌ها اول بار بود که سر رمن ایران را می‌دیدند و هیچ سانه آسانی ندیدند. فرهنگ اس کشور با فرهنگ راس فرق داشت آنان از هر چه می‌دیدند و می‌سندید تعجب می‌کردند بارها ناچار بودند با داروهایی ساحکی کساورران سمار را معالجه کنند ررا ایرانان می‌سنداسند که همه خارحان برسک اند فساد مأموران دولت به حدی بود که به سان درمی اند اس کو به موارد را یوسیدا در سفرنامه خود با عنوان مسافرت به ایران (از اسسارات هاگو بوئکان، Hakubunkan، ۱۸۹۲) و فوروکاوا در سفرنامه ایران (از اسسارات ساد کل ارس، ۱۸۹۱) به فلم آورده و تعجب خود را از تفاوت دو فرهنگ راس و ایران به روسی بیان کرده اند. اطلاعات فلی اس دو ر در باره ایران سسار صعب بوده است. از این رور سفرنامه‌های آنان به استناهای ریادی برمی‌خوریم. با انهمه، حون مطمئن بودند که ایرانان یوسیه‌های آنان را نخواهد خواند، دیده‌ها و سسده‌های خود را عنائت کرده اند و از اس نظر می‌توان گفت که اس یوسیه‌ها سبب به یوسیه‌های اروپایان و امریکاییان اعسار سسری دارد. هیأت یوسیدا حدوداً چهار ماه در تهران توقف کرد و در طی این مدت به حضور ساه بار رف باررگانان راسی هم برای عرصه کالای خود نماسگاهی برس دادند. هیأت یوسیدا در آخر دسامر بهران را ترك کرد و، سن از شش ماه و چند روز اقامت در ایران، در رانویه سال ۱۸۸۱، با کسنتی روسی، از بندر انزلی عازم ماکو شد و، سن از عبور از بفلس و باطوم، از طریق دریای سیاه خود را به استانبول رسانید، و در استانبول به حضور سلطان عثمانی سرفتاب شد. پس از چهل روز اقامت در استانبول، از طریق رومانی و بوداسب به وین رسید. افراد گروه یوسیدا در وین از هم جدا شدند و یوسیدا به تترزبورگ

رفت یوکویاما و تحار دیگر به لندن رفتند و فوروکاوا از راه ایبالتا به راین برگشت. یوسدا کتاب سفرنامه ترکیه (از اسراراب هاگو یوکا) را توسط از مطالعه سفرنامه فوروکاوا معلوم می‌سود که بران کتاب دربارهٔ کشورها حرا ایران اطلاع حدانی داده شده است. شاید از حمله به اس دلیل که مسافرت به ایران هدف اصلی بوده است علاوه بر آن، گمان می‌کیم که مشکلات سفر ایران و غایت دو فرهنگ ایران و راس که آنها را به محبت انداخته باعث شده که در باب ایران به تفصیل بنویسد هر چند یوسدا و همراهان بلباس بسیار کردند که بران و راس ارتباط برقرار کنند ولی موفق شدند از این رویه راس هم فرس طول کسند تا میان ایران و راس روابط سیاسی برقرار گشت

مسافرت یاسوماسا فوکوسیم

سن از یوسدا، کلبل یاسوماسا فوکوسیم (Yasumasa Fukushima) به ایران مسافرت کرد سفر او به هندوستان (۱۸۸۶) و عبور از قارهٔ آسیا طی ۴۸۸ روز مسهور است فوکوسیم، که به حد زبان خارجی سلط داشت، به عنوان افسر اطلاعاتی، مأمور بود که از وضعیت نظامی روسها در آسیای مرکزی، که در آن زمان سیاست نیروی به خوب را داشت، آگاهی‌های کسب کند از اس رو، سومین سفر خود را آغاز کرد؛ زیرا، بعد از حک حب و راس (۵-۱۸۹۴)، ساد کل ارس راس مقصم بود که اطلاعاتی دربارهٔ قارهٔ آسیا کسب کند

فوکوسیم در ماه اکر ۱۸۹۵ از توکو حرکت کرد و، سن از عبور از افریقا و ترکیه و سریلانکا و هندوستان و عبره، در ماه مه سال ۱۸۹۶ وارد ایران شد. او حاک ایران را از جنوب به شمال نمود و، سن از سفر به آسیای مرکزی، دوباره به ایران برگشت و، از طریق عربستان و هندوستان و بایلد و ویشام، در ماه مارس ۱۸۹۷ به راین بازگشت. این سفر که فوکوسیم آن را به نهایی انجام داد، تقریباً یک سال و نیم طول کسند

فوکوسیم، طی سفر، ندداسهای مفصل از اوضاع ایران، شامل اطلاعاتی دربارهٔ وضع حراقتی و سکتلات نظامی، حاده‌ها و جر آن، به ساد کل ارس از مال داشت بخشی از اس گزارشها منسرد بر اساس آنها، از او (Azam Ota) کتابی^۱ عنوان از آسیای منانه تا عربستان (دبل انار حراال فوکوسیم) تألیف کرد که به همت انجمن تو (Ioa) در سال ۱۹۳۴ به حاب رسید سفرنامهٔ فوکوسیم سبب به سفرنامه‌های اروپایان و امریکاییان دربارهٔ جامعهٔ ایران مطالب حدانی ندارد ولی در آن از نقایص اجتماع ایرانیان بی‌برده نوسی انتقاد شده است و مطالب حالب هم زیاد دارد

فوکوسیم، سن از واقعهٔ ترور سیاسی ناصرالدین شاه، به

ایران رسید. از اس جهت از روی نوسه‌های وی می‌توان با اوضاع سورنده و ناسامان داخلی ایران و وضع خطرناک حاده‌ها سن از مرک سلطان مسند به حویی اساسد مشکلات مسافرت یوسدا با فوکوسیم قابل مقایسه نیست. زیرا یوسدا ریاست گروهی را بر عهده داشت در حالی که فوکوسیم تنها سفر می‌کرد و اطلاعات حویی بر دربارهٔ ایران داشت به نظر می‌رسد که سفر برای او امری عادی بوده و در ساحت محرت بوده است، ساد از این رو که سن از اس رو بار سفر طولانی داشته است

مسافرت یوکو کیچی ایناگا به ایران و ترکیه

در سال ۱۸۹۵، یانوان به تصرف دولت راس درآمد در آن زمان مقدار قابل توجهی برناک از ایران، از طریق هنگ کنگ، وارد یانوان شده بود و یکی از مهم‌ترین مسائل فرمانداری کل یانوان مسئلهٔ برناک بود از اس رو، فرمانداری کل تصمیم گرفت که در مورد وضع برناک در ایران و ترکیه و هندوستان به تحقیق بر دارد به اس منظور، یوکو کیچی ایناگا (Toyokichi Inaga) را که از داد و سید برناک اطلاعاتی داشت، در سال ۱۸۹۹، وانه اس کشورها ساحت برنامهٔ اس سفر در ضمن شامل تحقیق در ساسب مستعمراتی بر بود ایناگا در ماه سپتامبر همان سال (۱۸۹۹) به بندر یوسهر رسید و از همان راهی که یوسدا و فوکوسیم در ایران مسافرت کرده بودند به سفر پرداخت و از طریق ناکو و ناظوم و از راه دریا به استانبول رفت وی از راه رسمی از آسیای صغیر و سوریه عبور کرد و از طریق دریای مدیترانه وارد مصر شد و از آنجا به هندوستان رفت و در ماه مارس ۱۹۰۰ به یانوان برگشت و گزارش سفر خود را رسماً به فرمانداری کل یانوان بدم کرد. سفرنامهٔ ایناگا در هفت بخش در رو برنامهٔ ملت به حاب رسید و سن در سال ۱۹۰۰، با عنوان سفرنامهٔ آسیای غربی، به همت اسراراب من یوسا (Min Yusha) حاب و مسرد اس او اولین راسی است که به آسیای صغیر سفر کرده و بحر نه گرانهای به دست آورده است محتوای سفرنامهٔ او سبب به سفرنامه‌های یوسدا و فوروکاوا و فوکوسیم کم ارس است، محملاً به دلیل اسکه در آن زمان کتابهای مهمی، حو ایران و قسیهٔ ایران ایر لرد کرن و کسور سر و حورسند، ساهکار و بلر، به حاب رسیده بود و از اس رو ایناگا علاقه‌ای به شرح مفصلی دیده‌ها و سیده‌های خود نشان نداده است ایناگا با یوسدا و فوکوسیم در مورد رفتار ناهنجار مأموران ایرانی هم عقیده است وی در ایران از حرکات و رفتار رسب و نکوهندهٔ راهداران به جسم آمده با جایی که کارس به مساحره و دعوا با آنان کسیده است از سفرنامهٔ وی حین بر می‌آید که در طول سفر همسه عقی بوده است همچنین ایناگا دربارهٔ قدرت مرکزی ایران نوشته است که «افتدار و نهود

سده و در دیوانهای آنها ضبط شده است بر رباعی که با این مصراع شروع می شود:

حانا بر نور سمع دود آوردی

به افضل الدین کاسانی، بحسب الدین عمر گنجی، ابوسعید ابوالخیر، اررفی و ابوری بسب داده شده است

فایده حسنی دیگری که از مقاله انگونه اسعار که در دیوانهای چند شاعر آمده با اسعار مکتوب در روی کاسیه یا ظروف تاریخدان به دست می آید این است که در مواردی که تاریخ کاسی که شعر روی آن آمده مقدم بر عهد شاعری است که همان شعر در دیوان او ضبط شده، انتساب شعر به آن شاعر منتهی می گردد مؤلف در حد حا مخصوصاً در مورد رباعیات مولوی به این نکته اشاره کرده است مثلاً در ص ۱۴۴۱ کتاب سمس رباعی با مطلع

ای گرسنه مهر تو سیران جهان

ترسان رفراق تو دلیران جهان

آمده که در روی حد طرف تاریخ دار متعلق به اوایل قرن هفتم که یکی از آنها تاریخ ۶۱۳ دارد بر آمده است و طبعاً نمی تواند از مولانا (متولد در ۶۰۴) باشد (رک ص ۶۷ کتاب) رباعی گهی که ترا سوم مدار اندیشه که در دیوان حافظ (حاج بدیر احمد و حلالی نائینی، ص ۷۴۲ که مورد مراجعه مؤلف بوده) آمده به دلیل آنکه روی کاسیه های قرن هفتم هجری آمده نمی تواند از حافظ باشد. (رک ص ۶۹ کتاب) بوضوح اضافه می کند که در دیوان حافظ، چاپ خالری، ص ۱۱۰۵ بر این رباعی از سح نسخه ه، ز، ی، ک، ل، نفل شده است افای دکر محمداس رباحی بر انتساب این رباعی را به حافظ به دلیل اینکه در برهه المحال، تألیف شده در قرن هفتم، آمده مردود دانسته است (رک گلگسب در شعر و اندیشه حافظ، ص ۱-۳۸۰)

در بخش اول کتاب (ص ۱ تا ۴۲) که در حکم مدحی بر اصل کتاب است نیز فواید و نکات تاریخی کم بسب در صفحات ۱ تا ۸ مؤلف قدیمترین کاسیه های تاریخ دار موجود را ساسانی کرده و نام تعدادی از کاسی ساران را که حدتس از آنان از خانواده ابوطاهر کاسانی بوده اند و برخی کارگاههای کاسی سازی را که عمدتاً در کاسان بوده مشخص کرده است

در صفحات ۱۴-۱۳ از يك من حالت بحث شده که روی دو کاسی آمده که اصلاً متعلق به یکی از رفاع مسرکه کاسان بوده و داستان يك خواب را نقل می کند بر اساس این نوشته ها شخصی به نام سیدفخرالدین حسن طبری در سب آدینه اول سوال سال ۷۱۱ در باغ امیر کاسان که متصل به ناروی شهر و در برون دروازه مهریق آباد قرار داشته حضرت علی و حضرت صاحب الزمان را در جواب می بیند که حماره و اسب خود را بر در

حیمه بسته اند حضرت علی به پیسنده جواب می گوید در این محل ریارنگاهی سار و وی بعد از بیدار شدن به باغ می رود و جای بی اسب و حماره را مشخص می کند و به همان اندازه دو کاسی با نفس بی اسب و حماره می سارد و متن مورد بحث را روی آنها می نویسد. مؤلف با مراجعه به تلخیص مجمع الاداب ابن فوطی و تذکره الشعراء دولتشاه موفی سده است که نشان دهد ابن فخرالدین حسن طبری همان مولانا حسن کاسی شاعر سعی قرن هفتم و هشتم است که اصلاً کاسی ولی متولد امل بوده است مؤلف بر اساس قول دولتشاه که آرامگاه حسن کاسی را در سلطانه ذکر کرده نشان داده است که مقبره ای که اکنون در اینجا به نام آرامگاه ملا حسن کاسی معروف است متعلق به همن شاعر است بر تو اسنه است محل زبانه گاه مورد بحث و در نسخه باغ امیر کاسان و دروازه مهریق آباد را در کاسان به فاصله کمی از ناروی شهر در نزدیکی دروازه عطا، در محلی که قدمگاه خوانده می شود ساسانی کند (قدمگاه دیگری سر در بردیکی دروازه ملک کاسان هست که مؤلف آن را بر با احتمال دیگر محل قدمگاه مورد نظر دانسته است)

در بحث اهمیت اسعار روی کاسی و ظروف در تصحیح مور

ادبی بر بعضی مطالب مفید هست، مانند اینکه سب دوم دو سب

حانا به رمن خاوران جاری بسب

کس با من و رورکار من کاری بسب

با لطف و بوارس حمال بو مرا

در دادن صد هزاران عاری بسب

که به نوسنه محمد مورد اسرارالوحد (حاج سمعی کدکی، ح ۱، ص ۲۰۳) از گفته های خود ابوسعید است، روی يك کاسی با تاریخ ۶۰۰ هجری به صورت ربر آمده که نارواب اسرارالوحد متفاوت است

احرای و خودم همه گر حصم شوند

اسحا که منم حصومتی ناری بسب

(رک ص ۲۴ کتاب) با اینکه این شعر معروف

با بدان کم بسب که صحبت بد

گرچه ناکی برا بلند کند

آفتاب نه ان بلندی را

دره ای ابر ناندید کند

که در امثال و حکم دهخدا، ح ۱، ص ۳۴۵ و لغت نامه، دبل کلمه «بلند» او بر منابع دیگر از سعدی دانسته شده و همانکه دهخدا بر اشاره کرده با اختلافی در دیوان سنائی (ص ۱۰۶۵) آمده، در حصفت همانکه روی يك کاسی که در آغاز قرن هفتم توسط ابورید کاسانی ساخته شده آمده، بر حمة دوست عربی است من این اسعار حسن است.

افلل محالسه الاسرار ان لهم
رحسا يجتس منك العرض اد امرا
كصوء سمس تراه مسرفا فاذا
بدره من سحاب صار مستترا
(با بدان كم سبس كه صحنسان
گرچه ناكي ترا بلند كند
آفتاب ارحه روس اسب اورا
اندكي ابر نابدند كند)

علاوه بر آن اسب دوسب فارسي با اندك تفاوتی در ديوان سمس طوسی (ص ۱۲۸ به ۱۳۸) از سعراي قرن هفتم پير آمده اسب (رك ص ۱۹-۲۰ و ۴۱)

با اسكه روى بك كاسى و بك صراحي كه دهانه ان سسه سر
حروس اسب و در فرر گالري واسگتن نگهدارى مى سود
اسعارى آمده كه در انبا حروس به معنى صراحي مى به كار رفته
اسب. بوضيح اسكه حروس به اسب معنى در لغت نامه پير آمده و بك
ساهد از محتر سلفاى براى آن نقل سده اسب كه مؤلف در ص ۲۵
آن را به صميمه دو ساهد از نظامى نقل كرده اسب رباعى كه
روى صراحي آمده حبس اسب

همواره برا دولت و عرافرون ناد
افمال بو بگدسه رحد سرون ناد (۴)
تا هرح از اس حروس به كام بورسد
اى صدر جهان برا به جان افرون ناد

كه البته ورن مضراع سوم ان به دليل وجود كلمه «حروس»
محدوس اسب و نايد در اصل كلمه اى بطبر «كاسه» با حبرى
همورن آن در آن به كار رفته بوده نايد مؤلف اساره مى كند كه اس
رباعى روى دهها طرف ديگر بر نوسه سده و نحاي حروس در
انبا كلمات «صراحي، كاسه، طاس، حام، سو، فدح، صحن و
طى» به كار رفته اسب (ص ۲۵-۶)

اما كتاب در حبس اسب گونه مرانا از بعضى بر حالى سبب
مهمتر بر بعضى كتاب در فصل بندى ان و بقسم مطالب ماس انبا و
بدادن بعضى اطلاعات لازم به حواسده اسب كتاب عبر ار
سسگمار از مقدمه اى كه حاوى اطلاعاتى راجع به حبس سليمان،
محل نگهدارى كاسها، نحوه دسرسى مؤلف به انبا و غيره نايد
حالى. اسب اگر حواسده بخواهد بداند حبس سليمان در
كجاست؟ انا سهرى بوده اسب با قصر و قصرهاى ماسد
حبس حمسد يا حبر ديگرى؟ قدمت و سافه آن حقدر اسب و انا
هوز آبادان اسب با و برانه و مبروك؟ حقدربهاى كه در آنجا سده
در چه زمانى احكام گرفته؟ و اگر بداند كه حبس سليمان همان
محللى اسب كه در دوره ساسانى اسكده آدرگسب در آنجا فرار
داسه، سس با وجود صعب العور بودن ان، انافاخان معول به حه

ماسبب در آنجا قصرى بنا كرده بوده اسب و سؤالهاى نظير انبا
در هيح كحاى كتاب ماسحى براى انبا نمى ياند. تنها دو اطلاع
رير به صورت گذرا در مبحث «نفوس و محل ساخت كاسيهائى
حبس سليمان» آمده اسب كه حور در عمر محل خود آمده اسب در
لانلاى مطالب كتاب به كلى گم اسب.

در ص ۳۲ در آعار مبحث آمده «در حدين فصل حقدارى در
حبس سليمان، بوسط مؤسسه ساسانى آلمان عربى، صدها
قطعه كاسى سكهس به دست آمده»، و در ص ۳۶ در وسط اين فصل
مى حواسم «لارم به ياداورى اسب كه كاسيهائى تحت سليمان
متعلق به كاخ انافاخان فرريد هولانگو اسب كه مدت هفده سال ار
۶۶۳ تا ۶۸۰ هـ قى سطلب كرده اسب».

انبا تنها اطلاعاتى اسب كه راجع به حبس سليمان در كتاب
آمده اسب و حواسده براى اطلاع بيسر در اين زمينه ناچار اسب
به انار ديگر نظير دو كتاب رير.

Hans Henning von der Osten & Rudolf Naumann (eds)
Takht-i Suleiman, Berlin, Gebr. Mann, 1961

و على اكتر سرفرار، حبس سليمان، ترير، انتشارات مؤسسه تاريخ
و فرهنگ ايران، ۱۳۴۷، و غير انبا رجوع كند

در بحس اول كتاب همچاكه گفته سد فضولى ماسد
«كاسكاران دوره هاى مختلف»، «مضمون بوسه هاى روى
كاسى» و غيره با همس عناوين در وسط صفحه ها و به دنبال مطالب
فلى آمده اند كه گوبى رير فصلهاى ار بك فضل بررگتراند، در
حاليكه هر کدام از اين مباحث به نهاى ناد و يا سه باى انبا با هم
مباحث متفاوتى هسند و مى توانستند عنوان فصلهاى حداكانه اى
فرار بگيرد

اسكالات ديگرى بر در كتاب هسب كه سبب به اسكال فوق
سبار كم اهميت بر اسب ما در رير به عمده ترين انبا اساره
مى كنم

● فرائت موى روى كاسها. مؤلف اسعار و عبارات روى
كاسها را كه غالبا بد خط اسب با دفت سبار حواسده و اكريب
فريب به اتفاق انبا را در سبب به كتاب مسفل كرده اسب با ايهمه
در باره اى ار موارد بدحوايهائى هسب كه بگاريده با مقابله كاسها
با فرائت مؤلف مواردى ار انبا را ياداورى مى كند البته بگاريده
در مواردى كه در فرائت مؤلف برديد داسه انبا را با اصل كاسها
مقابله كرده اسب به همه متون را. اين بكنه بير ممكن و بل مسلم
اسب كه بعضى ار اسناهاى كه در كتاب بيس آمده اعلاط حانى
اسب آنچه در اسنا مى آورد حاوى بيسهاى براى تصحيح
مس اسعار و موى عرسعري روى كاسها بير هسب مواردى كه
روى كاسى غلط ضبط سده اند، اما بگاريده بيسهاى براى
تصحيح انبا ندارد بير دكر مى سويد ايلك اين موارد به ترتيب

حاج کتاب.

○ ص ۴، ستون ۱: «لاله ساغر گیر و برگس مسب...» صحیح
نه «لاله ساغر گیر.»

○ ص ۵، ستون ۱ مصراع دوم رباعی که نقل شده غلط
بیت اول رباعی چنین است:

رفتم به سر ترب سمن تریر
دیدم دو هراز رنگی حور ریر

○ ص ۱۳، ستون ۱ عبارت روی کاسی س ۲۲ که نقل یک
اب است نه این صورت نقل و تکمیل شده: «سندۀ خواب
افعه؟ حس دید» نه احتمال قوی

هو - شده باید «بواضح» خوانده شود. در همین
ن - بون ۲، در عبارت «حسین دید که درس مکان بی حماره
ده اند»، «حماره» باید «حماره» (= حماره ای) خوانده
تر همین مس کاسی سار هر کجا که یاء بکره به دنبال کلمات
موم به «ه» آمده آن را به شکل «ه» (= ه ای) بوسه
ب، اما در باره ای از موارد همزه با سر یاء را از فلم انداخته
ب مثلاً در سطر آخر، اس عبارت آمده است. «هم در اس باع
صر حمه رده دید و اسبی و حماره آنجا سسه» که «حماره» باید
حاره» خوانده شود در همین صفحه «سور» در عبارت
ورب الحمد» با علامت سؤال مشخص شده که سمورد است
○ در ص ۱۴، ستون ۱ در همین متن عبارت «هر کس که
اهد زیارت من دریابد و آنجا نتوان آمدن» روی کاسی نه
رب» «ن تواند آمدن» آمده و همین درست است

○ در همین متن کاسی سار در جمله «دو مرد و دو زن
و المؤمنین را در خوانی دیدند» «را» را از فلم انداخته است.
○ در همین ستون، سطر ۹ از آخر، «بهاء المله والدین» درست
ب به حای «بها المله والدین» که املائی دیگری از آن است و
بر بود اصلاح می شد

○ ص ۱۸، ستون ۲ رباعی نه صورت ریر نقل شده که حور
دنبال رباعی دیگری از عمادی شهر ناری آمده مؤلف حدس
، که این رباعی نر از همو باشد.

از سس که دل سکسته در. [سکندر]

.. و دل کون ر عم کم سکند
بک دم خو خوشدلی فراهم آرم
در نای کشد غم و فراهم سکند

اینجا کلمه ای که در مصراع اول خوانده شده ظاهراً «عم»
ب. البته متن کاسی چندان حوا را نیست. در مصراع سوم بر
م» که روی کاسی آمده از نظر وزن غلط است و باید به حای آن
ه ای مانند «لحظه» و نظیر آن گذاشته شود

○ ص ۲۶، ستون ۱ و ص ۴۶، ستون ۱ در رباعی ریر از نانا

افضل بهتر است بعد از کلمه «ساهدید» واو عطف اضافه شود، هر
حد در دیوان او هم نیامده است.

در دیده کایات موحود تویی

عالم همه ساهدید او مسهود تویی

○ ص ۴۵، در مصراع سوم رباعی که اردیوان نانا افضل نقل

سده يك واو عطف بعد از کلمه «حداوید» لارم است، یعنی

حکمی که بکرده است حداوید او رسول

در دیوان بر حلوی این مصراع علامت سؤال گذاشته شده است

○ ص ۴۶ مصراع چهارم رباعی نانا افضل به نقل اردیوان او

حسین نقل شده است

از خود به خود آی دوست بس نا حد است

که غلط است صورت درست این مصراع، چنانکه در مصنفات
نانا افضل، ح ۲، ص ۷۳۹ آمده حس است

از خود به خود آی دوست بس نا حد است.

در دیوان نانا افضل (حاج فتی - عاطفی و دیگران، ص ۲۳)

کلمه «ای» را «ای» خوانده و در نسخه «بس» را به «س» تصحیح
کرده اند که مؤلف در حاشیه بر همین را درست دانسته است

○ ص ۴۸ سب معروف امر معری یعنی.

بمالهای بوالعجب حال (ط حاك) آورنده بی سب

گویی در دیدن ای عجب بر س ر حسرت برهن

از روی يك کاسی نه صورت ریر نقل شده.

ا برست او با منفعت نازان او از مصلحت

گویی در دیدن ای عجب بر خود ر حسرت برهن

و مؤلف همین صورت را صحیح دانسته است، اما مصراع اول و
دوم این سب هیچ ارتباطی با هم ندارند.

○ ص ۵۰، مصراع دوم رباعی.

ای روی بو آب از گل رعنا برده

رلف سبب از عبر سارا برده

از برهه المجالس (ص ۳۰۰) نه صورت ریر نقل شده

صبر از دل من حسمت بخوا برده

که غلط نقل شده و صحیح «عم» به جای «حسمت» است

○ ص ۵۰، مصراع سوم رباعی سلیمان شاه ایوه ای به

صورت

رنهار دم مده که در کوره دل

نقل شده که صحیح «رنهار دم مده..» است.

○ ص ۶۲، در دویتی که از فردوسی روی کاسی آمده مصراع

سوم چنین نوشته شده.

خو نباسد خرد جان نباسد رواست

مؤلف هنگام نقل صورت کامل اس اسات از شاهنامه بر تحت تأثیر

کاسی فرار گرفته و مصراع را به همین صورت نقل کرده است، اما

همانطوری که در ساهنامه آمده «حو» در اعار این مصراع را بد
است.

○ ص ۶۴. دوبار رلفکان به صورت رلفگان آمده است

○ ص ۶۵: در رباعی

اهل طبرستان همه حو فاحه اند

«حو» به غلط به صورت «حو» ضبط شده است

○ ص ۶۶ مصراع سوم رباعی محیرالدین سلفانی که از ص

۴۱۱ دیوان او به صورت زیر نقل شده

ای حان و جهان حو سگرف برید

غلط نقل شده و صحیح آن حیانه که در دیوان او آمده حسن است

ای دوست جهانان حو سگرف برید

○ ص ۷۴ مصراع سوم رباعی نه به حافانی و عراقی

میسوب است، همانطوری که در برهه المجالس (ص ۶۰۹) آمده
ناید

با حسم بر اب و انا دل بریان ناف

با آن طور که در کلیات عراقی (ص ۳۱۱) نقل شده ناید

با دیده بر حو و دل بریان ناف

ناید، نه به صورت «با حسم بر اب و دل بریان ناف» که در م
نقل شده

○ ص ۷۷ مصراع سوم رباعی سرف الدین مرصی به

صورت زیر درست است

حو سانه که با سرس به صد ساح بسد

به «حو سانه با سرس»

○ ص ۹۳ در رباعی

حر ناد تو در جهان هوس می بکم

ور دیدن تو بکه به کس می بکم

عهدی است مرا با رخ و حال و خط

می بارم و می مایم او بس می بکم

«می بارم» روی کاسی به صورت «می بارم» نوشته شده و ظاهراً

تصحیح مؤلف درست است «ناحس» یا «عهد» یا کمون به نظر

نگاریده بر سده است، اما با «عسی» فراوان به کار رفته و می رود.

ظاهراً ساعر «عهد ناحس» را سربیه فاس با «عسی ناحس» ساخته

و به کار برده است

○ ص ۹۸ مصراع چهارم رباعی

تا کی تو رهجر جسم من تریابی

ناید که آنک کارم اندریابی

گر رانک تو... نحواهی بخود

بیچاره تر گری من به خدا گریابی

غلط است و به حای «گری» ناید «ار» گذاشته شود

● بعضی اظهار نظرهای مؤلف بر درست نیست، مانند آنچه در

ص ۲۳-۲۴ درباره نوسه بدن واو عطف به صورت «او» گفته

است به نظر مؤلف این املا دلیل بر این است که اسعار نگاشته

سده بر روی کاسها را شخص دیگری می خوانده و کاسی سار

انها را می نوسه است این دلیل قانع کننده نیست، زیرا این املا

در بعضی مئون دیگر مانند تفسیر سیمسی نیز به کار رفته است. در

ص ۲۴ بر اظهار نظر سده که «حان و جهان» غلط و صحیح «حان

جهان» است این مطلب نیز درست نیست رک. دکتر محمد امین

رباعی، کلکست ر شعر و اندیشه حافظ، ص ۱۶۷-۱۷۴ و

حواسی همو بر برهه المجالس، ص ۶۳۱-۲

● بعضی اسکالات نگارسی در م

حوت بود هنگام و بر این رفیع می شد

○ ص ۲، سئون ۱ «حمادی دوم» به حای حمادی

حمادی الاخر (با حادی الاخره)

○ ص ۱۷، سئون ۱ «دهها ساعر مسهور یا گمنام

فارس» به حای «عرب و ایرانی»

○ ص ۲۵، سئون ۱ «فوت بدن» به حای «در گدستن» با

«وفات کردن»

○ ص ۳۲ در این صفحه جمله ای به این صورت آمده است:

«افای که مدتی است روی کاسی در س فام کاری کند»، به حای

درباره کاسی

○ ص ۴۳ در اینجا جمله ای به این شکل آمده است «این

رباعی همجنس آمده است بر روی دهها کاسی دیگر» بطور همس

جمله در ص ۴۷ نیز تکرار شده است

○ ص ۲۴ در این صفحه جمله ای به این صورت آمده است

«قسمهایی از این سب شعر بر روی سارده قطعه کاسی دیگری از

نعت سلیمان نیز آمده است» بطور این جمله در حد سطر بعد نیز

تکرار شده است

○ ص ۶۶ کلمه «الرب» در اینجا به فاس با تلفظ انگلیسی

آن دوبار به صورت «الرب» ضبط شده است

○ ص ۸۹ «هیجس» غلط و «هییس» درست است.

مؤلف در حد حار صفات بسی ساخته شده از جای نامهای

مختوم به «ه»، «ی» نسبت را انداخته است مثلاً گنجهای و

ایوه ای در صفحات ۷۰ و ۷۳ و ۵۰ به صورت گنج و ایوه نوشته

شده اند. ظاهراً مؤلف آنها را به شکل گنج و ایوه نوشته بوده که

در حاب به گنج و ایوه بدل شده است

نام برهه المجالس در همه جا و از جمله در فهرست مآخذ بدون

دلیل به صورت برهه المجالس می الاسعار ضبط شده است.

طریحانه نیز همه جا به شکل طریحانه رباعیات حکیم حیات ضبط

شده، و علت آن ظاهراً این بوده که عنوان فرعی این کتاب

«رباعیات حکیم عمر حیات بیسانوری» است.

تاریخنگاری فلسفه اسلامی

کامران فانی

مد فخری، سیر فلسفه در جهان اسلام، ترجمه فارسی زیر نظر نصرالله رجودی، ویراستار: محمدسعید حنایی کاشانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، ۴۳۷ ص.

اب تاریخ فلسفه اسلامی (A History of Islamic Philosophy) شته ماجد فخری، محقق لبنانی و رئیس بخش فلسفه دانشگاه ریکایی بیروت و استاد فلسفه اسلامی دانشگاه جورج تاون سنگتن، نخستین بار در ۱۹۷۰ به زبان انگلیسی منتشر شد و در ال ۱۹۸۳ با تجدیدنظر و اضافاتی چند تجدید طبع یافت. راهم ن سطور در همان سال نقدی بر این کتاب نویب که در محله ردانش به چاپ رسید^۱. در پایان آن نقد آمده است «کتاب ریخ فلسفه اسلامی ماجد فخری به نظر من بهترین و جامعترین اب تاریخ مختصر فلسفه اسلامی است که تاکنون نوشته شده و ای آن دارد که به زبان فارسی ترجمه گردد.» اینک جای وشوقی است که پس از گذشت ده سال ترجمه فارسی این اب تحت عنوان سیر فلسفه در جهان اسلام منتشر شده است مؤلف در «دبیاچه چاپ اول» کتاب نوشته است: «توجه تقان غربی به تطور اندیشه فلسفه اسلامی نسبت اندک بوده

است. ظاهراً دو دلیل بر این غفلت می توان افامه کرد. یکی طبیعت موضوع و دیگری طبیعت بحث علمی در نزد غربیان بخش عمده اندیشه اسلامی، تا آنجا که این اندیشه اهمیتی برای خارج از حوزه اسلام دارد، متعلق به گذشته ای بس دور است در واقع، حناکه در این کتاب خواهد آمد، فلسفه اسلامی حتی در فرن بیستم، از جهت روح و نگرش اساساً فرون وسطایی است و همحان به ابن فرون وسطایی بودن خود ادامه می دهد از سوي دیگر، می بینیم که فلسفه در عرب، از فرن هفدهم به بعد، راه کاملاً بوی در بیس گرفته است مدام کوششهای تازه ای به کار می رود تا جهان بینی منسجمی برای اسان امروری ساد بهاده سود که در ان نفس اندیشه باستانی (یونانی) و فرون وسطایی (هم اسلامی و هم لاتینی) بتدریج نادیده گرفته می شود و حتی ناحر به سمار می آید.» اس نظر البته تا حدی در سب است ولی علت عمده اس غفلت به گمان من از ماهیت و نحوه مطالعات سرو ساسی و اسلام ساسی در عرب سرچشمه می گردد فلسفه اسلامی اصولاً بحسی از حوره گسترده مطالعات اسلامی و حزنی از کار محققان ریاساس و ریاندایی است که حص پژوهش در فرهنگ و مدن اسلامی و سیر تطور اوصاع و آرای سیاسی و اقتصادی و اجماعی و فکری ملل مسلمان، در فلسفه اسلامی هم تحق می کند. اس محققان سختکوس که به تصحیح و تحق متون می بردارند، لروما علایق فلسفی ندارند، آرای فلسفی می حد دانه برایسان مطرح بیس، حداکر بوعی کنکاوی تاریخی در آنان برمی انگرد ناگیر فلسفه اسلامی همحان در دایره تنگ سرو ساسی ماده است، و فیلسوفان و دوستداران فلسفه از آن بی حریند. بر خلاف گفته مؤلف، امروزه نفس اندیشه باستانی (یونانی) و فرون وسطایی (البته فقط مسیحی) به هیچ وجه نادیده گرفته نمی شود و ناحر به سمار می آید. در کمتر دوره ای این همه تحق و تنع درباره فلسفه یونانی و مسیحی انجام گرفته اندیشه های باستانی و فرون وسطایی اینک به صورت مباحث و موضوعات ریده امروزین مطرح می شود و جزئی از حیات فلسفی معاصر را تسکیل می دهند. فلسفه اسلامی نیز اولاً و بالذات فلسفه است و همانند هر فلسفه دیگری دوستدار حقیقت و مستاف حکم مسائلی که مطرح می کند متکی بر برهان است و نه هر تقدیر ارس ذاتی آن باید در بیسگاه عقل سحیده سود و صاحب نظران فلسفه، در هر نقطه جهان، درباره آن داوری کنند. بهایت اینکه باید نا نگاه و بگری تازه به آن بگریس و این بگریس حه بسا در وهله بحسب در «تاریخ فلسفه اسلامی» حلوه گر سود.

الته بوستی تاریخ فلسفه به صورتی که امروزه می سناسم، یعنی بررسی منظم و مسجم آرای فلسفی در زمینه تاریخی آن، سنت و سابه ای دیرینه ندارد و ظاهراً از اواخر فرن هجدهم

نویسندگان عرب نوشته‌اند از همه خواندنی‌تر است مناسبانه این کتاب بر مابند اغلب تاریخ‌های فلسفه اسلامی، تا این رسد را بسیر در بر نمی‌گردد و بر همان نظر تاریخی که فلسفه اسلامی به این رسد حتم شده صحه می‌گذارد در میان کتابهایی که درباره فلسفه اسلامی و تاریخ آن نوشته شده البته آثار هابری کرس حائزگاهی خاص دارد تاریخ فلسفه اسلامی او، به نظر ما حد فحری، «هر چند منضم فواید بسیار است، فائز به وحدت عقوی اندیشه اسلامی نیست و بسیر کراس به تأکید بر عنصر سعی و محسوسا اسماعیلی تاریخ این فکر دارد»^۲ این حربه‌گری به نظر من درست نیست البته شک نیست که کرس «بر عنصر سعی و محسوسا اسماعیلی» تأکید می‌کرد، ولی این تکه و تأکید بی‌دلیل و منطقی نبود و اگر کرس خاص او به فلسفه اسلامی سبب می‌گرفت کرس از معدود نویسندگانی بود که درباره فلسفه اسلامی بپردازد یا خوش‌سردانه و از سر کج‌حکاوی تاریخی خبر نمی‌نویسد، او این اندیشه را، بویژه در حله سعی اراسن امری رنده و مطرح می‌داند از فضا، خلاف گفته نویسنده، «فائز به وحدت عقوی اندیشه اسلامی» بود، و حقیقت همسته فکر اسلامی را مشخص داده بود، نه‌باید آنکه گوهر این فکر را در «اسلام ایرانی» می‌دید و مهم‌ترین و ارزنده‌ترین کانس را هم تحت همین عنوان اسلام ایرانی در چهار مجلد بوس در جهان اسلام، اراسن این از همه به فکر عقلی و فلسفی دلنسه بوده‌اند آن زمان که در کشورهای اهل سنت هیچ سبانی از بحث فلسفی به حسم نمی‌خورد و بدرست و علم و علم فلسفه بکلی در مدارس و حوزه‌های علمیه آنها معطل بود، این آتس مقدس بها در احاق مدرسه‌های طلبگی ایرانی هرگز خاموس شد کرس به یک عنصر همین واقعیت خارجی را در تاریخ فلسفه این معکس کرده است حای بسی ناسف است که تاکنون به زبان فارسی هیچ اثر جامعی در باره تاریخ فلسفه اسلامی نوشته شده است

کتاب سیر فلسفه در جهان اسلام ماحد فحری در مجموع

حاشیه

۱) سال سجد، سجاد دوم، نهم و اسفند ۱۳۶۳ صفحه ۲۶ تا ۲۹ پس از اسرار ترجمه فارسی این کتاب، شده نظر سجد، مرحمان به گانه آن را در باره این حد حویا سجد حای کرس به یاد داشت حسن غدی نوشته شده و همه اثر افراموس کرده بودند اند، دردمی نبود، بر این اسمان شود حرف باره ای برای نفس وجود ندارد و همه حرفها را گفته‌اند، ولی چون کسی به آنها توس نکرده حاد دارد که همچنان بکراسان کشیده بر اراسن سخن حجتنامه استفاده کردم و به مناسب اسرار ترجمه فارسی، بخشی از آن مقاله را در اینجا «بکرار» کردم
۲) همین حمله آمده در آن معانی ساج الدتر الگو به «آزادانه» ترجمه کرده بود «تا آنکه بسیار با اراسن است ولی چون بر فکر سعی و بویژه اسماعیلی بکنه بسیار کرده، حقیقت همسته فکر اسلامی را مشخص نداده است»

میلادی آغار شده است. فدما در واقع حدان عیایی به تاریخ فلسفه نداشتند و به مسائل فلسفی از نظر تاریخی نمی‌نگریستند اینج نوشته‌اند بسیر «تذکره‌های فلاسفه» بوده است مجموعه‌ای گسسته از ریدگنامه و نقل احوال حکما بی‌آنکه به مسأله اراء و تداوم و نوسنگی و سیر و سبط تاریخی آن اعتبار شود اصولاً بوجه به سیر تطوری امور تاریخی دارد و از اعتقاد به برمی ناسی شده است آنکه فلسفه را می‌توان به یک معنی در تاریخ فلسفه آموحت و سیر تاریخی ارا به عنوان لازم داب فلسفه تلقی کرد، نظر حدیدی است که به فدما ارا قبول داشتند و به سروان امروزی آنها، و هر دو گروه معتقدند که تاریخ فلسفه موضوعاً با خود فلسفه تفاوت بسیار دارد و نمی‌تواند معرف حقیقی افکار فلاسفه باشد

بوسن تاریخ فلسفه اسلامی به سوه حدید را بحسب اروایان اعاز کردند. در قرن نوزدهم مهم‌ترین کتابی که در این رمنه منتشر شد مجموعه فلسفه یهودی و عربی (۱۸۵۹) اثر سلیمان مونک بود که هور هم ارزمند و خواندنی است در ۱۹۰۱ کتاب تاریخ فلسفه اسلامی بوسه دوئر به زبان آلمانی اسار یاف که در ۱۹۰۳ به انگلیسی ترجمه شد. این کتاب سالها تنها مرجع تاریخ فلسفه اسلامی به شمار می‌رفت و به زبانهای عربی و فارسی هم ترجمه شده است در ۱۹۲۲ کتاب کم‌بوس غامه‌سند ولی خواندنی تفکر اسلامی و نایگاه آن در تاریخ اثر اولیری به طبع رسید از همین نویسنده کتاب دیگری هم تحت عنوان انتقال علوم یونانی به عالم اسلام منتشر شده که البته تنها آغاز فلسفه اسلامی را در برمی‌گیرد و به فارسی هم برگردانده شده است. از آن پس دهها کتاب درباره تاریخ فلسفه اسلامی و حبه‌های مختلف آن به طبع رسیده است که از آن میان از حد کتاب نام می‌بریم. تاریخ فلسفه در اسلام، به کوسس مان محمدسریف که ترجمه فارسی آن در چهار مجلد بسیر شده و به گفته ماحد فحری «مجموعه مقالاتی است که گروه کسری از نویسندگان نوشته‌اند و به همین سبب فاقد آن وحدت دیدگاه و طرحی است که باید خصیصه مطالعه‌ای تاریخی به معنی دقیق کلمه باشد.» تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، بوسه حیا الفاحوری و خلیل الجبر، که به فارسی هم ترجمه شده و در میان کتابهایی که

تحقیق یا تحریف

سیدعلی آل داود

حرف‌افزای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ‌ابرو، تألیف شهاب‌الدین عبدالله حوافی (حافظ‌ابرو)، تصحیح و تعلیق دکتر علام‌رضا وره‌رام، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۰ ش.

شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله بن عبدالرشید بهدادینی حوافی، مشهور به حافظ‌ابرو، یکی از مورخان و جغرافی‌نگاران بزرگ ایران در دوره تیموری است. خانواده او اصلاً اهل بهدادین حواف بودند و خود در همان روستا و به روایتی در هرات، زاده شد اما در همدان برورس یافت و هم در آنجا مقدمات دانشهای متداول را فراگرفت. او از شمار شخصیت‌های برجسته دربار امیر تیمور و ساهرخ بود و گزارش وی از حوادث آن عصر از جمله منابع براررس محسوب می‌گردد. حافظ‌ابرو به گفته محمل فصیحی در سال ۸۳۳ درگذشت. اما عبدالرزاق سمرقندی درگذشت او را در شعر ربی یکسال بعد می‌داند:

به سال هشتصد و سی و چهار در سوال

وفات حافظ‌ابرو به شهر زبجان بود

ابری سجدده و متوارن است آرای فلسفی با بیانی سیوا بروسی تحلیل شده است ترجمه فارسی آن نیز دقیق و رساست و علی‌رغم مترحمان به گانه آن بالنسبه بکدست و هماهنگ است و این نمایسگر آن است که کم‌کم در زبان فارسی به سر معیار و غیر شخصی دسب می‌یابیم نام فصلها (که در عس احصار مبین حامع است این کتاب است) و مترحم یا مترحمان هر فصل به شرح زیر است.

فصل اول. میراث یونان و اسکندریه و خاور رمین (ترجمه اسماعیل سعادت)

فصل دوم. مبارعات سیاسی و مذهبی (ترجمه محمدسعید حنایی کاسانی).

فصل سوم. آغاز نگارس منظم فلسفی در قرن سوم (ترجمه اسماعیل سعادت)

فصل چهارم سیر تکاملی مکتب بو افلاطونی اسلامی (ترجمه سیدمصطفی محقق داماد)

فصل پنجم: فلسفه بو فیاعوری و همگانی شدن علوم فلسفی (ترجمه محمدسعید حنایی کاسانی)

فصل ششم اسرار فرهنگ فلسفی در قرن چهارم (ترجمه بهاء‌الدین حرمساهی).

فصل هفتم: مساسات فلسفه با اصول عقاید دینی (ترجمه بهاء‌الدین حرمساهی).

فصل هشتم: بیدایس و گسترش تصوف (ترجمه کاظم برگ‌نیزی).

فصل نهم: میان‌برده اندلس و احیای حکمت مساء (ترجمه موحهر صاعی دره‌بیدی)

فصل دهم: مکاتب فلسفی بعد از اس‌سیا:

۱) سیح اسرا (ترجمه نصرالله نورحوادی):

۲) صدرالدین سیرازی و اخلافس (ترجمه غلامعلی حدادعادل).

فصل یازدهم: واپس‌گرایی کلامی و نارگست به سب (ترجمه مرتضی اسعدی).

فصل دوازدهم: گرایش متحدان و معاصران (ترجمه غلامعلی حدادعادل و محمدسعید حنایی کاسانی)

ار حافظ ابرو آثار فراوانی در تاریخ عمومی، تاریخ ایران و جغرافیا بر جای مانده اما تا کنون بررسی ساسانه‌ای دربارهٔ نوشته‌ها و تحقیقات او انجام نشده و بحسب ستر این آثار هم با یون مسر نگرندیده است. از آن میان دبل جامع‌التواریخ رسیدی، با بعضی دیگر حان‌یانا سانی، توسط انجمن آثار ملی در سال ۱۳۵۰س، و نسخ رسالهٔ تاریخی وی به همت فلکس باور در سال ۱۹۵۸م در براگ به طبع رسیده است.

حافظ ابرو واران‌س که کتب متعددی در تاریخ به رستهٔ بحر بر درآورد یا از میان آثار دیگران گردآوری کرد، در سال ۸۱۷هـ تألیف اثر جغرافیایی خود را آغاز نمود. در این سال نسخه‌هایی از کتب المسالك و الممالك و صورالاقالم را که به عربی بود به ساهر ج تموری عرصه داسند و او به حافظ ابرو دستور داد تا جغرافیای کاملی به زبان فارسی تهیه کند در مقدمهٔ جغرافیای وی این مطلب بدین شرح بیان شده است.

و کنایی عربی در معرفت المسالك و الممالك و صورالاقالم به حضرت با رعب به محل عرص رسد این کمتر بنندگان عرصه داسد که ان را فارسی کردابیده از کتب دیگر آنچه تعلق بدین فید داسه ناسد با ان اصاصد کند. اسارت عالی بدین معنی بناد نایب و انر کمینه را که عواص ان بحور و مسود ان سطور است همیشه در خاطر اخلاصی می بود که آنچه احوال کلی عالم معلوم گسه بعضی از کتب ان فی و بعضی به رأی العین مساهده افتاده به سب آنکه مدتی مدد در سفرهای بعد چند نوبت از جانب عرب و شمال دبار ماوراءالنهر و ترکستان و دست فتحای و حراسان و عرافین و فارس و ادرناحان واران و موعان و گرجستان و ارمیهٔ صعر و کبری و تمامی عرصهٔ ممالك روم و سام و سواحل هرات و راس تکریب و موصل و دبارنکر و گرجستان و سواحل بحر حرر و دربند و سروانات و گیلانات و رستم‌دار و امل و ساری و حرجان و از جانب جنوب و سری رابل و کابل و بلاد منصورهٔ سد و هند و ملتان و اوجه و دهلی که معظم بلاد هند است با کنار اب گنگ مطالعه افتاد و بعضی از نبات و معبران و مقبول فولان اسماع نموده ..

نگارس ابن ابر سس سال به طول انجامد و مؤلف آن را در سال ۸۲۳هـ به ساهر ج تقدیم داسد. البته حافظ ابرو و عر از منابع مکتوب، بساری از نواحی و مناطق را خود مساهده کرده و در مورد هر يك تحقیقاتی انجام داده است، از این رو بحسب مهمی از ابر او تازه و بدیع است. این فسمتها حاصل مطالعات شخصی

مؤلف به‌ویژه دربارهٔ نواحی سرفی ایران و هند است و سس از وی مورد استفادهٔ مؤلفان دیگر قرار گرفته است جغرافیای حافظ ابرو شامل دو جلد بررگ به این ترتب است. جلد اول با دنباحه‌ای مفصل آغاز شده، این دنباحه در مقدمهٔ برخی از آثار تاریخی مؤلف بر نکر از سده و بحسبهای بعدی به مباحث ریر تخصص یافته است صورت الارض، صورت تألیف، نبات رمین، فسمت اقالم نبات خط اسنوا، ذکر النحان بحر الفارس، و سس از آن فسمتهای اصلی نبات است جلد اول سس از این مباحث مستمل بر دو فسمت اصلی یعنی شرح تاریخ و جغرافیای کرمان و جغرافیا و تاریخ فارس است حافظ ابرو در جلد دوم ان ابر کلا به حراسان یعنی تاریخ و جغرافیای ان برداخته است بحسب سس از گراسی دربارهٔ حراسان بررک، به ذکر تاریخ ان انالبت ار حمله و حرکی مسلمانان، دوران نموی و عباسی و انگاه ادوار صفاری، سامانی و غزنوی را با دورهٔ معاصر خود شرح داده است از آن سس جغرافیای حراسان آغاز نسه است و طبعاً از آرد که مؤلف در ان فسمت ایران می رسته اطلاعات او به سس بر و ار اعتبار و ادرس سسری بر حوردار است. وی کوسنده است با نواحی گوناگون این انالبت بهاور را به حویی سیاسایی و معرفی کند ر دهات و روستاهای بررک و کوخک ان ناحیه را به مفصل معرفی نماید، ان لحاظ ان جلد از جغرافیای او بحق مورد توجه سسری قرار گرفته و محققان ایرانی و ابران سسسان خارجی به نظر عبات و توجه به ان نکر رسته اند

یکهٔ ساسنهٔ نادآوری آنکه دسواری کار بر روی جغرافیای حافظ ابرو و به‌ویژه دریافت صورت صحیح اسامی امکنهٔ ان- که سستامفصل است- موجب گردیده که تاکنون کسی تمامی ان ابر مفصل را تصحیح و حاب نماید از جغرافیای حافظ ابرو نسخه‌های خطی سسنا فراوانی در دست است اما سسح قدیمی بیسر در کتابخانه‌های خارج به‌ویژه انکلسان نگهداری می گردد بیسر نسخه‌های سو خود فاقد جلد دوم یعنی جغرافیای ایالت حراسان است کامل بر س نسخهٔ کهی ان ابر تحت شمارهٔ ۱۵۷۷ در موزهٔ بریتانیاسب نسخهٔ کتابخانهٔ ملک هرحد کامل است اما نسخه‌ای تازه و متأخر محسوب می گردد.

از جغرافیای حافظ ابرو با همه اهمیت و اعتباری که دارد تا کنون فقط بحسب کوناه به حاب رسیده که آن هم نکراری است، و مستمل بر جغرافیای هرات و بحسب دیگر از شهرهای حراسان است که سه بار به طبع رسیده و اسب به معرفی هر يك می برداریم بحسب بار بحسب کوناهی از معجلهٔ دوم این ابر را که احتصاص به گراس سهر هرات و روستاهای برامون آن دارد محقق افغانی غلامرضا مایل هروی براساس نسخهٔ موجود در کتابخانهٔ ملی ملک تصحیح نمود و همراه با حواسی و تعلیقات سسبنا مفصل به

سال ۱۳۴۹س توسط سناد فرهنگ ایران به حاب رساند. بخش حاب سده موصوف هر چند کوتاه است و با نسخ قدیم تر مقابله سده، اما از آن رو که مناسب طبع آن دانشمندی افغانی است، تعلیقات قابل توجهی دارد و در سناسایی اسامی روساها و مناطق مختلف اطراف هرات کوسس قابل توجهی سده است.

احرا و با چند سال فاصله دو حاب مختلف از قسمت هرات و حد سهر دیگر حراسان روانه بارار سده است. بحقی اول توسط حام کراولسکی، استاد مؤسسه نسخه های قدیم حاورمیا به در سهر بویگن آلمان، با عنوان حراسان در روزگار تعمیران از تاریخ حافظ ابرو انجام گرفته است این اثر در سال ۱۹۸۲م با حواسی و تعلیقات و فهرستهای گوناگون به طبع رسید. جلد دوم آن به ربان المانی است و زیر نام هر انادی یا روسا محل آن همراه با مشخصات دفی جغرافیایی بیان سده است. مصحح این اثر 'حام کراولسکی' در تصحیح کتاب کوسس فوق العاده ای مبدول است. او یارده نسخه خطی از جغرافیای حافظ ابرو را بر سمرده و ر آن میان نسخ سده را واحد اهمیت تشخیص داده و نسخه نوره بریتانیا، یعنی شماره ۱۵۷۷ را، به عنوان اساس برگزیده و چهار نسخه دیگر را با آن سجدده و مقایسه کرده است. مصحح مها به شرح و تعلیقات قسمت هرات و حد سهر دیگر حراسان رداخته است و تعلیقاتی که فراهم آورده حد برابر متن اصلی است وی هر حد در خواندن تازه ای از اسامی جغرافیایی پس از تردید روا داشته و ابهارا به صورت بی نقطه حاب کرده اما کار و نمونه تصحیح محققانه و ابری از رسمند و سودنی است و ی تواند سرمسوق بروهندگان دیگر فرار گردد.

حاب مورد نظر ما از جغرافیای حافظ ابرو مسمل بر همس سمت فوق و به کوسس دکتر علامرضا ورهرام اسناد تاریخ صورت گرفته است در ابتدا حسن به نظر می رسد که ایسان هم سمت دیگری از این کتاب از حمید را در دست کار و بحقی گرفته حاصل کوسسهای خود را به طبع رسانده اند. این امر در وهله ل به ویریه برای آنان که از حاب این اثر توسط محقق المانی گاهی ندارند حواسند و دلپذیر می نماید، اما مقایسه ساده این دو باب خواننده را به نسخه ای مانوس کننده می رساند به گونه ای که اسانی فهمیده می شود که نامبرده بی هیچ بحقی با کوسس ره ای، حاب حدیدی از اثر حام کراولسکی به دست داده و حتی بی تعبیر علام و سانه گذارهای حاب وی هم بر نامه است. حقه ناقص و ابری از تعلیقات و حواسی و دباحه حاب المان م به کتاب افزوده سده و انچه افای ورهرام خود اضافه کرده مدتا کلمات و نقل از منابع و مراجع عمومی است و سناسی با ارهای اصحاب تحقیق و سنج ندارد.

افای دکتر ورهرام در سروی از حام کراولسکی یارده نسخه

خطی از کتاب بر سمرده و عبا نسخ نسخه ای که در آن حاب مورد استفاده قرار گرفته حرو نسخ معیار و مسند ایسان ذکر سده است. مبی که از جغرافیای حافظ ابرو اسباب گردیده عبا و طابق التعل بالعل منقول از کتاب نامبرده است و از جغرافیای هرات آغار سده و به شرح ولایت کلندر حاتمه یافته است. مصحح در اینجا برای آنکه تعبیری با حاب اروا بدید آورد تازه ای از کلمات را در داخل بر اثر در توضیح من آورده که این کار او با سیوه تصحیح متون قدیمی سازگار نیست. نسخه بدلها هم عبا افسان سده الا آنکه به حای ذکر در حاسه صفحه به باان کتاب برده سده است. تعلیقات هم بر حقه ناقص است و البته انچه اضافه سده همچون شرح حال ابوری و دیگران غیر ضروری است و باید حذف می شد.

حناکه گفته شد آن بخش از جغرافیای حافظ ابرو را که افای ورهرام حاب کرده بخش کونااهی از اوایل جلد دوم اصل کتاب است که در حاب حام کراولسکی دو مجلد را در بر گرفته و در حاب ایسان با احتیاط و بلخصی که صورت بدر قبه به یک جلد کوچک کاهش یافته است. افسان در کار مصحح ابرایی به گونه ای اسکار و همه حانه است که گاه خواننده تصور می کند که کتاب بی هیچ دستکاری به حانخانه سرده سده است. برای مقایسه می توان صفحه ۱۱ از جلد دوم حاب و سناد را با صفحه ۹ به بعد از تصحیح افای ورهرام مقایسه کرد و به میزان همسانی این دو اثر بی ترد یکی از حاسه ها را از هر دو حاب نقل می کنم در حاسه ص ۱۴، حاب حام کراولسکی، دلیل غنارت صورت حراسان حسن آمده «و این صورت حراسان است که می اند در هر چهار نسخه حای صورت حراسان سفید مانده و در نسخه ناسکند به حای آن نسخه سهر هرات به طور خیلی ابتدایی می اند» همس حاسه در حاب افای ورهرام این گونه است «و این صورت حراسان است که می اند در نسخه های دیگر محلا صورت حراسان سفید مانده است و در نسخه ناسکند به حای آن نسخه سهر هرات به طور خیلی ابتدایی می اند.» و البته از این نقل رونوشتها در کتاب فراوان است.

سرانجام در مقایسه متن و حواسی تقریباً به این نسخه می رسم که مصحح ایرانی بی هیچ ملاحظه و دوراندیشی با

اثری تازه در تاریخ صفویه

سیدعلی ال داود

جلد نرس (ایران در روزگار صفویان)، تألیف محمد یوسف والہ اصفہانی،
به کوشش میرهاتم محدث، تهران، ساد موفوفات د کتر محمود افشار،
۱۳۷۲، ۹۰۰ ص

در باره تاریخ دوران صفویه کتابهای فراوانی تألیف شده است و
به ویرانه‌ها و آوارگی‌ها آن عصر آثار کوناگونی بر جای مانده که ما را
از حزنات حوادث آن دوره آگاه می‌سازد. عمر از آن به سبب آنکه
از اواسط عصر صفوی نای سیاحان و جهانگردان اروپایی به
ایران نارسید، گروهی از آنان که صاحب دوق و اسکار بودند به
نگارن بوسه‌هایی که بسیر از نوع سفرنامه است در باره ایران
پرداختند که بسیاری از این سیاحتنامه‌ها تا کنون به فارسی ترجمه
شده است اما از مئون تاریخی نویسنده‌گان ایرانی، بجز تعدادی
اندک، به دست فراموشی سپرده شده است.
جلد نرس که اینک بحسی از آن به دیور طبع اراسته شده از
حملة این متون گرانقدر دوره صفوی است که با دانت اعتبار
فراوان تا کنون مورد توجه پژوهشگران واقع شده بود. این کتاب

دستبرد آسکار حاصل تحقیق داسمندی خارجی را با نام خود
در ایران به حات رسانده و به این هم بسده نکرده و حواسی و
تعلیقات غرضروری به کتاب افروده که حای سگھی و تأمل
دارد ملا احوالات کسان حون گساسب، اسکندر، ابوری
ابوردی، داراب (نادهای کبابی)، مانی و مردک و امثال آنها در
کتاب آمده که همه بی فایده است و علی الاصول در شأن یک اثر
تحقیقی نمی‌تواند باشد. حتی فهرست مندرجات، فهرست
مطالب و فهرست منابع هم کاملاً با حات حاتم کراولسکی
نکوتاح است الا آنکه آقای وره‌رام در نقل فهرست منابع به
گریس آنها برداخته و مستحبات کامل کانساسی آنها را حذف
کرده است ایسان هم در سروی از حاتم کراولسکی از میان
حایهای متعدد بوسان سعدی به حات بورالله ایران رسب (که
حای متوسط است) ارجاع داده و ساهنامه فردوسی حات مول را
(که بس از ۱۵۰ سال قبل حات شده) مورد استفاده قرار داده
است مصحح در مقدمه کتاب به سربح سوه کار خود برداخته که
طبعاً مطالب آن برگرفته از مقدمه حاتم کراولسکی است و
بالآخره آقای وره‌رام برای آنکه تا حدی جفگرای کرده باشد
در سطور آخر مقدمه خود به حات محققانه حاتم کراولسکی هم
اساره کوتاهی کرده است

طرح این مطلب می‌تواند نادآوری و تذکری هم باشد برای
کسانی که، به ویرانه‌ها و سالهای اخیر، روی مئون مهم و حات بسده
رمان فارسی کار می‌کنند اما حوصله تحقیق و کنکاس لازم را
ندارند ایسان باید بداند که کار اسسار مئون قدیمی تاریخی و ادبی
به این سربعت و بدون آنکه تحقیقی در باب آنها انجام شود به تنها
فادار رسب است بلکه حتی قابل مقایسه با حایهای باراری سابق،
نه کامرو سبهای ناصر خسرو و بودرخمیری هم انجام می‌دادند،
بسبب ایسان هر چند به اصول تحقیق و فن مصحح علمی مئون
کهن اسبابی نداسند، لیکن لافل با آنکه به ایمان مذهبی کوسس
می‌کردند که آثار منتشره خود را، به ویرانه‌ها را که در رمنه تاریخ
اسلام و تاریخ کسورهای اسلامی است، بی‌غلط و با استفاده از
یک سخته صحیح خطی منتشر نماید، و در سخته کتابهای مذکور
در مقایسه با بسیاری از آثار نوظهور امروزی از اعتبار بستری
بر خوردار است.

تاریخ عمومی بررگی است که در آن شرح و فایع از ابتدای آفرینش و سرآغاز تاریخ جهان آغار گردیده و تا روزگار مؤلف رسیده است. این اثر مفصل مستمل بر هشت روضه است: روضه اول در تاریخ پیامبران و ناساهاا بیس از اسلام؛ روضه دوم در تاریخ پیامبر اسلام و امامان سیهه؛ روضه سوم در تاریخ خاندانهای اموی و عباسی؛ روضه چهارم در تاریخ دودمانهای همروزگار خلفای عباسی؛ روضه سجم در تاریخ جنگرخا معول و خاندان او؛ روضه سسم در تاریخ تمور و خاسسان او؛ روضه هفتم در تاریخ سلسلههای فرامویولو و آو فو یولو و دیگر نارماندگان سمور. و روضه هشتم، که مفصل ترین روضههای کتاب است، در تاریخ صفویان ماسفانه نسخه کاملی از همه کتاب در دست سست و فقط خند جلد آن در کتابخانه ملی ملک و دو نسخه از بخشهای مختلف روضه هسم کتاب در کتابخانه مجلس و خند کتابخانه دیگر موجود است. استوری در اثر خود خند نسخه ناقص از خلدیرین را سنا ساندده اما دوره کامل کتاب را در حابی ساهه است. همحین کتابسنااس ارجمند احمد منروی به توصف سح خطی موجود اس اثر برداخه اما او هم سایی از همه قسمتهای آن به دست نداده است.

مؤلف خلدیرین، محمد یوسف واله فروسی با اصفهانی فرورد میرزا حسن خان فروسی و برادر مورخ مسهور میرزا محمد طاهر وحید فروسی از داسمندان و تاریخ نگاران سده نازدهم هجری است و تألیف خود را در سال ۱۰۷۸ ه.ق، یعنی در عصر ناساهی ساه سلیمان صفوی، آغار کرده است. این کتاب در اصل خدائن الخلد نام داسته و در دیباچه به هس نام خوانده سده اما در پایان کتاب اسم خلدیرین بر آن نهاده سده است.

واله اصفهانی از جمله افراد دیوانی عهد صفوی است. وی در بررد ساه عباس در سال ۱۰۵۸ ه. با اهل فندهار حضور داسته و در این هنگام خود را هفتاد ساله داسته است و از این رو تولد او احتمالا باید در سال ۹۸۸ ه. اتفاق افتاده باسد این تاریخ بولد تعریبی را ریو به دست داده اما در صحت آن تردید کرده است. اگر واله آن طور که تصریح سده نگارش اثر خود را در سال ۱۰۷۸ ه. (در زمان ساه سلیمان) شروع کرده باسد در این هنگام می باید بود ساله باسد که بعید می نماید. واله سمر هم می گفته و سونه ای از اشعار او را میرزا طاهر بصرآبادی نویسنده تذکره معروف در اثر خود نقل کرده است.

پیش از چاپ کنونی خلدیرین، بحث بسیار کوتاهی از آن که مربوط به حوادث دوران آخر پادشاهی ساه صفی است توسط احمد سهیلی خوانساری در انتهای کتاب ذیل تاریخ عالم آرای عباسی در سال ۱۳۱۷ش در تهران به جاب رسیده است. اما طبع فعلی که به کوشش مشکور میرهاشم محدث انجام پذیرفته

قسمت عمده ای از بخشهای مهم این کتاب را در دسترس اهل تحقیق فرار داده است. مصحح گرامی حاب فعلی کتاب را بر مبنای نسخه خطی شماره ۲۵۲ مجلس اسوار کرده است این نسخه شامل خدائن اول تا چهارم روضه هسم خلدیرین است و از آغار افتادگی محتصری هم دارد با اس وصف نسخه ای است معبر و مفصل در بیس از ۹۰۰ صفحه و مستمل بر: خدیقه اول، شامل گزارس احوال ناکاا صفوه، کسورگسانی و ناساهی ساه اسماعیل و سرحی در باب ربان و فرردان لوست و با شروع ناساهی ساه طهماسب خاتمه یافته است خدیقه دوم، گزارس دوران طولانی سلطنت ساه طهماسب همراه با ذکر ی از فرردان و نوادگان اوست در آخر اس خدیقه به مجلس افروده سده که در برگریده مباحث برر است. مجلس اول در ذکر امرای عظام و حواس رفیع مقام؛ مجلس دوم در ذکر سادات عالی درحاب؛ مجلس سوم در ذکر مسابخ کرام و علمای اعلام؛ مجلس چهارم در ذکر وررای عظام و ارباب ماصب کرام؛ مجلس سجم در ذکر حکما و اطبا؛ مجلس سسم در ذکر حوسو سنا؛ مجلس هفتم در ذکر نفاساا و مدهناا؛ مجلس هسم در ذکر سغرای بلاعب سعار؛ و مجلس بهم در ذکر برم آرااا. به اس ترتب ملاحظه می سود که مؤلف در ضمن سرح مباحث تاریخی گربری به زوانای دیگر زده و مسائلی را مطرح نموده که برای نویسندگان تاریخ ادساا و تاریخ هر عصر صفوی هم قابل اسفاده است.

در خدیقه سوم اسفلااا و آسونهای سس از مرگ ساه طهماسب مورد بحث فرار گرفته و با سرح دوران کوتاه ناساهی ساه اسماعیل دوم خاتمه یافته است خدیقه چهارم اختصاص به دوران ناساهی سلطان محمد خداندده دارد. به این ترتیب بخش حاب شده خلدیرین با همه تفصیل تنها شامل تاریخ کمتر از سیمی از دوران صفوه است.

طبعاً مؤلف در نگارش محلدات اول خلدیرین از آناا نویسندگان بهش از خود فراوان سود حسته و ساید بخشهایی از بوسته های بیسنیاا را عینا در اثر خود گنجانده است و البته در این کار ناگیر بوده است. آفای گلچس معانی می بسد که محمد یوسف واله از کتابهای دیگر که سس از او در تاریخ صفوه نوشته سده استفاده کامل کرده اما اردکر مآخذ و منابع خوس

نگاهی به «فرهنگ علم»

مجید ملکان

فرهنگ علم، آوارف (و) ایزاکس، ترجمه احمد بیرشک، محمود بهراد، انوالقاسم قلمسناه، قاسم حدادادی، تهران، انتشارات ماریار، ۱۳۷۲، ۵۸۰ صفحه، ۷۵۰ تومان

فرهنگ علم که به هفت چهار تن از استادان صاحب نظر و صاحب نام به فارسی در آمده، ترجمه و برایش *Dictionary of Science* است که اصل آن در ۱۹۸۶ چاپ شده است. و برایش اول این فرهنگ در ۱۹۴۳ چاپ شده و سپس در هر ویرایش سعی نویسندگان اصلی بر آن بوده است که مطالب کتاب را روزآمد کنند. با توجه به کمبود فرهنگهای تخصصی در زبان فارسی و سهم مهم آنها در ترویج علم و تقویت زبان فارسی در سان مفاهیم علمی جادارد که انتشار چنین فرهنگهایی را معین بدانم و همت ناسران و مترجمان آنها را ارج بنهم.

در نگاهی اجمالی محسنات این فرهنگ را می توان حسب برسمرد:

(۱) همکاری و همگامی حد مترجم صاحب نظر و کمک گرفتن از چند ویراستار سبب شده است که نمونه خوبی از کار گروهی عرضه شود. با توجه به تنوع رشته های مطرح شده در چنین کتابهایی، تهیه آنها جز با کار گروهی میسر نیست.

خودداری کرده است و آن گاه به نقل نمونه ای از این اقتباسات برداشته است مصحح محترم خلدترین ضمن نقل این سخن در یکدب آن سحنایی گفته اما دلایل خود را در رد آن بیان نکرده است

این بخش از خلدترین البته ویره تاریخ صفویان یعنی عصر مولف است و از این رو از اهمیت مضاعفی برخوردار است اما یادآوری این نکته را خصوصاً برای مصححان گرامی این گونه آثار تاریخی ضروری می داند که هر چند بخش مهم نوسه های فوق همان است که به حوادث عصر مولف برداشته اما سایر قسمتها بر اهمیت خاص خود را به ویره از حسب حسیه های ادبی داراست و جای آن دارد که حداقل به خاطر آسایبی بیستر ناریان مولف و سبک تاریخ نگاری عصر او هم که سده به سر دهه قسمتهای آن کتابها مبادرت شود. وانگهی، در بسیاری موارد این مؤلفان از آثاری سود حسه اند و با نه اسخراج بحسی از آنها برداشته اند که اکنون آن منابع اصلی به کلی از میان رفته با نه صورتی ناقص در دست است

حاج حاضر با مقدمه ای کوتاه به فلم مصحح محترم همراه است. مقدمه البته بسیار محمل است و حق بسیاری از مسائل در آن ادا شده است بهر بود که حداقل شرح کاملی از احوال مؤلف فراهم می آمد و نسخه های خطی موجود با تفصیل معرفی می گردید و نیز گفته می شد که من حاج سده فقط حدیثه اول تا چهارم روضه هشتم است اما به این نکته به در سب خلد و به در صفحه مشخصات کتاب اساره ای سده و خواننده حسب تصور می کند که با من کامل خلدترین روبرو است. به این ترتیب ایک با حاج این کتاب که از منابع اصلی تاریخ صفویه است و به سب مفصل بودن تا کنون کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، همگان می توانند از حزنایب حوادث این عصر بر اهمیت آگاه گردید.

حاج کتاب نفیس و ریبا، حروف آن حسب نوار، و نه ای آن مناسب است و از این رو باید هم به ناسر و هم به مصحح تبریک گفت. امید است پژوهشگر ارجمند فرصت آن را بیابد تا همه بخشهای کتاب، به ویره نه روضه هشتم را، هم به صورت فعلی منتشر سارد.

ناسر در مقدمه خود می نویسد که «بیمی از راه ترجمه متن را رفته بودیم که ویرایس انگلیسی ۱۹۸۶ فرهنگ علم در آمد»؛ حات کتاب در سال ۷۲ سان می دهد که حه مایه صبر و حوصله در انتشار کتاب به کار رفته است کم اند ناسران حصوصی که حاضر به حنین سرمانه گذاری بلندمدتی باسد

(۲) سیوه تنظیم فرهنگ علم بر حسب الفبای فارسی است. این کار، نا ایکه رحمت تدوین را حید برانر می کند، سیوه درسی است که کمتر به آن توحه می سود. حواندگان فارسی ریان معمولاً برای یافتن معنای لغتی فارسی که در کتاب، نسر به نارادبو و تلویریون به آن بر خورده اند به فرهنگ مراجعه می کنند و به همین دلیل فرهنگها را عموماً باید بر حسب الفبای فارسی تنظیم کرد. برای مخاطبان اندکی که ممکن است معنای واره ای انگلیسی را نخواهند، واره نامه ای در بانان کتاب آمده است که از روی آن معادل فارسی را بنابند و به مدخل فارسی مربوطه مراجعه کنند.

ترتیب فارسی الفبا تدوین کنندگان فرهنگ را مجبور می کند که برای همه مدخلها معادل فارسی بناسد و از این طریق نلاس دیگری برای واره گری در برانر واره های علمی احام می سود (۳) سیوه اسلوبمند فرهنگ علم در ارائه مدخلها، معادل انگلیسی، ارجاعات، بر حسمه نمایی، جدا کردن تعریفهای متفاوت دیل یک مدخل، و حروفحنی و صفحه آرابی حسم بوار کتاب همه از سلیقه خوب ناسر حبر می دهد

(۴) دسب آخر و مهمتر از همه نمی توان از فیمب اران کتاب یاد نکرد. فیمب این کتاب نا بوحه به رحمانی که برای آن صرف سده از بساری از کتابهای مسانه که این رحمان را هم تقلیل نکرده اند ارانتر است. امیدوارم که به این طریق تعداد بیسنری از کتاب به دسب طالباس برسد.

اما در این نگاه احمالی نکاتی هم به نظر می رسد که دکر ان خالی از فایده نیست.

(۱) اولین نکته به متن اصلی فرهنگ بر می گردد که گاه در تعریفهای آن نارساییهای وجود دارد. هر حید که مترجمان شرط امانت را به جا آورده اند، حوی بود که نارساییهای متن را نا توحه به منابع مطمئن تر بر طرف می کردند. برای نموه حید مورد را دکر می کنم:

□ اصل بر هم نهی به اصل بر هم نهی هو بگنس ارجاع داده سده و فقط مورد استفاده آن در مدخل بور آمده است حال آنکه اصل بر هم نهی یا superposition در سیستمهای مختلف فیزیکی صادق است و باید خود اصل حداگانه بنان سود و موارد کاربرد ان را به اصل کلی ارجاع داد.

□ سد بناسیل به سد هسته ای ارجاع داده سده است که

حالت خاصی از سد بناسیل است و هر سد بناسیلی الراماً سد هسته ای نیست. سد بناسیل بنستر در سمرسانها کاربرد دارد و بناسیلی است در يك ناحیه که نا عبور دره از ان ناحیه محالف می کند.

[۱] استوانه حسم معنی سده است «سکلی فضایی که به وسيله مستطیلی به وجود می آید که حول يك ضلع حود که در حکم محور است، بحرحد»، حال آنکه اس تعریف تنها مربوط به استوانه قائم دوار است و تعریف اسوانه در حالت کلی این نیست

□ در تعریف مقاومت واکسی یا راکناس آمده است «خاصیتی از مدار جریان متناوب که نوأم نا مقاومت R، مقاومت ظاهری مدار را بر طبق رابطه $Z = (R^2 + x^2)^{1/2}$ تسکیل می دهد» اولاً راکناس خاصیت مدار جریان متناوب نیست، بلکه کمیتی است. بنا بر رابطه آن نا مقاومت طاهری و مقاومت ربطی به تعریف راکناس ندارد. تعریف راکناس حسم موهومی امنداس در مدار جریان متناوب است اس اسکال در بساری از مدخلها دیده می سود که به حای تعریف کمتهای فیزیکی فرمول و رابطه آنها نا کمتهای دیگر داده سده است (مثل تعریف صریب سکس)

□ نیم عمر حنین معنی سده «رمان لارم برای آن که فعالیت يك ایروتوت رادیواکتیو به نصف مقداری که در اغار داشته است واناسد». نا مراجعه به واناسی هم در نمی یاسم که حگونه فعالیت به نصف مقدار اولیه حود وامی باسد.

□ ترمو بلاستیک دو تعریف دارد که تعریف اول آن «ماده ای که در اثر گرما به بلاستیک تبدیل سود» نادرست است و فقط تعریف دوم آن درست است.

□ دو مدخل بنرین در فرهنگ هست که یکی معادل henzine و دیگری معادل petrol آمده ولی دیل مدخل اول عبار عجبی آمده است که معنایی ندارد و آن این که «به علت اسکه ممکن است با بزن استباه سود در بوسته های علمی باید از نوشتن کلمه «بنرین» حودداری کرد»

□ عملگر حنین معنی سده است: «نمادی برای نماس دادن عملی ریاضی که نایستی روی عملودی اجرا سوند». نا بوحه به آنکه عملوند هم در فرهنگ معنی نسته از این تعریف حیزی دستگیر حواننده نمی سود.

□ هرودین حین معنی سده: «اثر زس که از بر هم نهی دو

تحت تأثیر دو مقدار برداری قرار داشته باشد که با دو صلع میلی که به ترتیب گرفته شوند، تعارض داده شوند، آنگاه بردار برآیند با صلع سوم ملتب تعارض می‌سود» «اولا تعریف مبهم است زیرا «به ترتیب گرفته شوند» معنی درستی ندارد و باید بوسته سود «انتهای يك بردار ابتدای بردار دیگری باشد»، تا صلع سوم برآیند باشد تا با تکلیف دره‌ای که تحت تأثیر دو مقدار قرار داشته باشد چه شد و افع اس است که ملتب بردارها رطی به دره ندارد و جمع دو کمیت برداری را در هر حال به دست می‌دهد

□ بل انداره‌گیری را به بل و تستون ارجاع داده‌اند که درست نیست، زیرا بل انداره‌گیری انواع مختلف دارد که در همه آنها يك اصل حاکم است و بل و تستون نوع خاصی از بل انداره‌گیری است

□ در تعریف مزیت مکانیکی آمده است «در هر ماسین نسبت وزن واقعی ناری که بالا برده می‌سود به نیرویی که لازم است ماسین را در سرعت ثابت بگه دارد» تا اس تعریف چگونه می‌توان برای اهرم مزیت مکانیکی تعریف کرد اگر اهرم با بالا برد تکلیف چیست؟ تعریف درست مزیت مکانیکی «نسبت نیروی تولید شده توسط ماسین به نیروی اعمال شده بر آن» است.

□ در تعریف آونگ ساده آمده است «اسانی مرکب از وره یا «لنگری» که در انتهای رسمان یا مفتولی تاب می‌خورد» اس تعریف آونگ به طور کلی است و تعریف آونگ ساده تنها همان تعریف دوم است که در فرهنگ آمده است.

□ در تعریف بوفه حبس گفته شده است «ابر مشاهده شده در مدارهای تقویت کننده همراه سیگنال ورودی ناسی از تقویت ولتاژهای مراحمی که به علت‌هایی مانند حاصل می‌سود» در صورتی که بوفه یا بویر همان ولتاژها و جریانهای مراحم است، ربطی به تقویت کننده هم ندارد و در همه حامی تواند حاضر باشد □ در تعریف سانسپل الکتریکی آمده است. «اثری لازم برای حرکت دادن واحد بار الکتریکی از بینهایت به نقطه‌ای در يك میدان الکتریکی که در آن نقطه تانسپل مشخص است».

ملاحظه می‌شود که تعریف تانسپل الکتریکی منوط به تعریف خود تانسپل است که در فرهنگ مدخل جداگانه‌ای ندارد.

□ اصل بقای اندازه حرکت چنین معنی شده است: «اصلی که بر پایه آن اندازه حرکت کل دو جسم قبل از برخورد به یکدیگر برابر اندازه حرکت کل آن‌ها بعد از برخوردشان است» «اولا اصل بقای اندازه حرکت ربطی به برخورد ندارد، اصلی کلی است در مورد سیستمهایی که شرایط خاصی داشته باشد. ثانیاً این اصل در هر برخوردی صادق نیست و تنها برخوردهای خاصی از این اصل تبعیت می‌کند

موج با سامندهای مختلف حاصل می‌سود ترکیب دو موج يك سامد میانی ایجاد می‌کند که تقویت و آنگاه از روی موج حامل دمدوله می‌سود» این تعریف بسیار مبهم است که با تعریف سو بر-هترو دین آمیخته شده است تعریف هترو دین به صورت ساده چنین است. «مخلوط کردن دو سیگنال حران مساوی با سامندهای مختلف در يك وسیله غیر خطی برای ایجاد دو سامد جدید، که مجموع و تفاضل دو سامد اصلی است»

□ سطح نوری تخت چنین معنی شده «سطحی را از لحاظ نوری تخت می‌گویند که نامنظمی‌های روی آن از طول موج نور تجاوز نکند» تعریف درست چنین است «سطحی که تغییرات آن نسبت به سطح تخت از $\frac{1}{8}$ طول موج نور تجاوز نکند»

□ تنس برسی چنین تعریف شده است. «برکبی از چهار نیرو (در ساده‌ترین حالت) وارد بر چهار وجه يك مربع که دو روح نیروی مساوی و متقابل ایجاد کند» اگر تنس را با تعریف همین فرهنگ نیرویی بر واحد سطح بدیریم معلوم است که تنس برسی که یکی از انواع تنس است می‌تواند ترکیبی از چهار نیرو باشد □ در تعریف معادلات حرکت چنین گفته شده است. «معادلات سینماتیکی که در مورد احسامی به کار می‌روند که با ستاب یکخواحتی، حرکت می‌کنند» «اولا معادلات سینماتیکی در این فرهنگ تعریف شده، ثانیاً معادلات حرکت، معادله‌هایی است که تغییر مکان، سرعت و ستاب جسم را در لحظه‌های مختلف نشان می‌دهد و ربطی به ستاب داشتن یا ستاب یکخواحت داشتن ندارد.

□ مدار حافی را چنین تعریف کرده‌اند: «مداری الکتریکی که در آن سیم کسی بین اجزاء و بین خود اجزای ثابت معینی، روی يك تخته عایق بندی شده حاب شده‌اند» «اولا این تعریف مبهم و ناقص است، ثانیاً board مدار حافی ربطی به تخته ندارد.

□ جابه‌جایی الکتریکی چنین معنی شده است: «جگالی شار الکتریکی، بار الکتریکی در واحد سطح جابه‌جا شده در طول لایه‌ای از رسانا که در يك میدان الکتریکی واقع شده باشد» این تعریف نادرست و مبهم است و تعریف درست جابه‌جایی الکتریکی چنین است: «حاصل ضرب شدت میدان الکتریکی در گذردهی».

□ در تعریف مثلث بردارها چنین آمده است: «هرگاه دره‌ای

۲) نادرستی و نایکدستی در ارجاعات. برای کار در این فرهنگ بر آن است که کلماتی که خود مدخل جداگانه‌ای در فرهنگ دارند هنگام آمدن در سرح مدخلها با حروف سیاه نساز داده شوند اما در این کار یکدستی لازم رعایت نشده است. بعضی موارد آن را این فرار است.

□ ذیل دیانارون کلمه ارتفاع سناه سده است که وقتی به مدخل ارتفاع در فرهنگ مراجعه می‌کنیم می‌بینیم معنی درستی به دست نمی‌دهد، زیرا ارتفاع در این فرهنگ معادل altitude گرفته شده. حال آنکه ارتفاع ذیل دیانارون باید frequency باشد که معادل آن در این فرهنگ سنامد است.

□ مدخل اسیلوسکوب به اسیلوسکوب بر تو کاندی ارجاع داده شده که در فرهنگ نیامده است، ولی به جای آن بوسان نمای بر تو کاندی دیده می‌شود.

□ لامب به لامب گرما یونی رجوع داده شده است که در فرهنگ از آن سحی نیست.

□ حرکت توافقی به حرکت هماهنگ و حرکت هماهنگ به حرکت ساده هماهنگ ارجاع داده شده است که در فرهنگ نیامده است. البته حرکت هماهنگ ساده آمده است.

□ دماسنج ماکریم-مینیم به دماسنج ارجاع داده شده است، ولی ذیل همین ارجاع مدخل جداگانه‌ای برای دماسنج ماکزیم-مینیم آمده و سبب این ارجاع روشن نیست.

□ ذیل ایستاییم نوشته اند عصر ماوراء اوراییم عنصر ماوراء اوراییم در کتاب نیامده است، اما به جای آن عناصر فوق اوراییم داریم در تعریف این مدخل هم بوسه سده عناصر فرا اوراییم که تعریف آن با خواندن توضیحات متن معلوم می‌شود.

□ انتگرال معین و انتگرال نامعین هر دو به انتگرال رجوع داده شده است اما در مدخل انتگرال تعریفی از این دو نوع و تفاوت آنها نمی‌یابیم.

□ در تعریف سیراسس واکسی کلمه باردهی با حروف سیاه آمده که حین مدخلی در فرهنگ وجود ندارد.

□ در تعریف آونگ فو کو کلمه آونگ سیاه شده اما در مدخل آونگ در فرهنگ ابری نیست.

□ در تعریف الفاء مسح کلمه الفاکر سیاه شده است که در فرهنگ مدخلی ندارد.

□ در تعریف گستاور بیر و کلمه گستاور سیاه شده است اما گستاور به سهایی در این فرهنگ مدخل نیست.

البته اینها غیر از مواردی است که کلمه‌ای در متن آمده که معنایس روشن نیست و سیاه هم نشده است. مثلا ذیل دیود نور گسیل نوشته شده «نور گسیلیده بایش جریان متناسب است» که منظور از پیش جریان معلوم نیست یا ذیل از هم باشیدگی کلمه

[۱] در تعریف برآید بوسه اند «تک بیرو یا سرعتی که همان ابری را تولید می‌کند که دو یا چند نیرو با سرعت نایکدیگر وارد می‌آورند» بار حالت خاصی در نظر گرفته شده که برآید بردارهای نیرو با سرعت باشد در صورتی که برآید چند بردار برداری است که اثر آن برابر با مجموع اثرهای آن چند بردار باشد.

[۲] در تعریف قدرت کسی آمده است «نس کسی (کس) که به یک جسم اعمال می‌شود تا باره شود» در صورتی که قدرت کسی از حس بیروست ولی نس کسی و کس سایر تعریف همین فرهنگ از حس نیرو نیستند.

[۳] در تعریف آمار بور-ایستین و آمار فرمی-دیراک گفته اند: «ساحه‌ای از مکایک آماری...» در حالی که این دو هیچ کدام ساحه‌ای از مکایک آماری نیستند.

[۴] در تعریف بهره نوشته اند «افرایس قدرت سیگنال الکتریکی» در صورتی که اولاً بهره سبب دو کمیت الکتریکی ماسدولتار، جریان یا قدرت است، نایاً ممکن است این نسب کوچکتار از یک باشد یعنی همیشه افرایس نیست.

□ حساب دیفراسیل و اسگرال را حین تعریف کرده اند «روس بیرومدی برای حل مسائل متعدد ریاضی» که از این تعریف چیزی عاید نمی‌شود. در تعریف حساب اسگرال هم بوسه سده است. «ساحه‌ای از حسابان که به عمل انتگرال گیری می‌پردازد» این تعریف هم حواسی نمی‌دهد سراع اسگرال گیری می‌رویم که در مقابل آن بوسه اند «عملی ریاضی که در حساب دیفراسیل و انتگرال به کار می‌رود: عکس عمل مسو گیری» ضمناً مستو گیری هم در فرهنگ نیامده سراع خود مسو می‌رویم که در مقابل آن آمده است. «سحه مستو گیری یا دیفراسیل گیری از یک تابع ریاضی»، به این ترتیب به دور باطل می‌رویم.

□ در تعریف لامب بخار سدیم نوشته شده «تحلیه الکتریکی بورایی حاصل از عبور جریان الکتریکی بین دو الکترود در لوله‌ای که محوی بخار سدیم است» که این تخلیه بدیده‌ای الکتریکی است و ربطی به لامب ندارد.

رمیدن آمده است که منظور از آن معلوم نیست و در حقیقت فرهنگ
تعریف شده است.

نکته دیگر در مورد ارجاعات آن است که وقتی صورتی از
واژه‌ای بر صورتهای دیگر آن ترجیح داده می‌شود و صورتهای
بعدی به آن ارجاع می‌یابند در متن و مدخلهای دیگر باید از صورت
مرجح استفاده کرد. اما در این فرهنگ خلاف آن انجام شده
است. مثلاً بوسان سار بر بوسانگر در مقابل oscillator ترجیح داده
شده و خود بوسانگر به بوسان سار ارجاع یافته است اما در عنوان
و شرح مدخلهای دیگر کلمه بوسانگر به کار رفته مانند بوسانگر
دینارون یا بوسانگر موضعی، یا مدخل حسابان به حساب
دینارسیل و استگال ارجاع داده شده است، اما در تعریف حساب
استگال از اصطلاح حسابان استفاده شده است یا کاهس به
احساء ارجاع داده شده ولی در کاهس الومسورمنک یا تعریف
فروکروم از صورت غیر مرجح استفاده شده است.

۳) مسئله سوم به کاربردن معادلهای عربی یا نادرست به جای
معادلهای حافظه‌دار و درست است مثلاً برای momentum معادل
اندازه حرکت احسار شده است که درست آن اندازه حرکت
است در مقابل short circuit مدار کوتاه بوسه‌اند که درست آن
اتصال کوتاه است هم gun metal و هم bell metal را مفرع
گفته‌اند، حال آنکه اولی مفرع سرج یا مفرع توب و دومی مفرع
نافوس است در مقابل strain کسین گذاشته‌اند که معادل درست و
رایج آن کرنس است supercooling را بر سرد یا فرو ناف
گفته‌اند که همان تأخیر در انجماد است و حداقل باید معادل آن را
بر سردی می‌گرفتند به جای سبب میدان معاطسی، فدر
میدان معاطسی گفته‌اند دم‌دوله کردن را ساده کردن گفته‌اند که
اصلاً رایج و درست نیست. acoustoelectronics را آکوستیک
الکترونیکی گفته‌اند که درست آن الکترونیک آکوستیکی است.

۴) نایکدستی در به کاربردن واژه‌های کلیدی، مثلاً ایزوترم را
همه جا هم‌ما گفته‌اند ولی در isothermal change تغییر ایزوترم
گفته‌اند. همه جا در برابر unit یکا به کار رده‌اند اما در مقابل
dimensions of units گفته‌اند بعدهای واحدها و در تعریف مگاهرتر
به جای یکای بسامد می‌گویند معیار بسامد. عدسیه‌ها را به همگرا و
واگرا تقسیم کرده‌اند، اما در جاهای دیگر از عدسیهای کور و کاو
استفاده می‌کنند. chamber را همه جا اتاق گفته‌اند ولی در تعریف
قالب تزریقی همین chamber به اتاق تبدیل شده است. یا در
تعریف رساناهای موازی آمده است: «هادی‌های الکتریکی که
بین دو نقطه A و B به طور موازی بسته شده‌اند، به طوری که هر
رسانا A را به B متصل می‌کند.»

۵) آوردن يك واژه فارسی برای دو مفهوم کاملاً متفاوت یا
توجه به تعریفهای جداگانه‌ای که مدخلها دارند یا ند سعی کرد که
حتی الامکان برای مدخلهای متفاوت بر اثر نهاده جداگانه اسباب
کرد و نمی‌گاهی از این اصل عدول شده است و این مربوط به
مواردی هم بوده که واژه‌های حافظه‌دار فیل وجود نداشته
است و امکان جایگزینی بوده است. مثلاً admittance و conduction
هر دو را رسانی گفته‌اند، یا transformer + converter هر دو را
مدل نامیده‌اند، یا dislocation و displacement هر دو را
به‌جای‌جایی تعریف کرده‌اند، یا degaussing و demagnetization هر
دو را معاطس‌زدایی گفته‌اند، یا strain و tension هر دو را کسین
گفته‌اند.

۶) وقتی بر حسب الفبایی فارسی برای فرهنگ احسار می‌شود
لایم است که همه معادلهای رایج يك اصطلاح علمی در فرهنگ
باید، که یکی اصل احسار می‌شود و بقیه به آن ارجاع داده
می‌شود. اما در این فرهنگ گاه از این اصل عدول شده است مثلاً
اگر کسی اصطلاح نارحورد و یا نارحور را سخورد را در می
فارسی بند و نداند که معادل انگلیسی آن feedback و معادل
فارسی آن در این فرهنگ سخور است تکلف او حسب، یا
تکدام که بعضی مرجحان معادل isotherm گفته‌اند یا گذارانی که
معادل admittance گفته شده یا بوسه که معادل film گفته شده
یا.

۷) آخر این نکته مربوط به غلطهای حاشی است. در بوردی
احتمالی غلطهای زیر به نظر نگارنده این‌طور رسد
الف) اول از همه و بدتر از همه نام یکی از مرجحان روی
روکس حلد استباه حاد شده است، که ناصر اگر بول نصب
سجده از کتاب را می‌برداحت می‌توانست با تعویض آن این
استباه را رفع کند. ب) صفحه ۱۲۶ مانند به جای نامند. ج) صفحه
۱۳۲: analyzer به جای analyzer. د) صفحه ۲۱۲ xn به جای "x"
ه) صفحه ۳۲۹ petit به جای petit. و) صفحه ۳۷۲ کاربرد به
جای کاربرد. ز) صفحه ۳۷۵ خمس به جای خمس. ح) صفحه
۳۸۱ value به جای valve. ط) صفحه ۴۰۰ می‌گذارد به جای
می‌گذرد.

ماجرای من و میلان کوندرا

حمید نصیری

سگینتر می‌شدند». سحاره کوندرا از این توصیف من تعجب کرد. خون در خارج «گوشتهای خام» را بدون «عضروف» می‌فرستد به کوندرا گفتم راستی هور مستأخری؟ گفت حدان هم مستأخر هستم. خون خانه من «مهمانخانه‌ای کوچک در روستایی کوهستانی در خلال تعطیلات تابستانی است» و رمن آن هم «نه درد معدنگری می‌خورد». برسدیم پس رمنها چه می‌کنی؟ گفت «در دورانی که تاریخ هوز به کندی حرکت می‌کرد، رحدادها اندک و در نه در بودند» گفتم منظور را نمی‌فهمم. گفت یعنی در ولایت ما رمنها هر چند سال یک مرتبه می‌آیند و من بار تعجب کردم بعد سوار ماسس شدیم؛ در راه ماسس ما حرات سد با حار رفسم سراع يك «مکانیک» «مکانیک جلو ماشین را بالا زد.» می‌گویم «حلو ماسس را بالا زد» مقصودم این است که حک رد بر ماسس. بلکه همان خبری را که به آن کانوب می‌گویند بلند کرد و بعد از تعمیر ماسس «سربوتس موتور را بست» خواستیم با «مکانیک» حداحافظی کنم و برویم، ولی میلان کوندرا از او حوسس آمده بود و «ترجیح می‌داد بیتس مکانیک نماید و نا او توحی رد و بدل کند» بالاخره حداحافظی کردم. ولی موقع حداحافظی کوندرا گریه‌اش گرف و «زوزه‌ای بلند» از آن نوع که سگ در جنگ با دمیایی صاحب خود می‌کشد. سرداد «واقعاً که اس کوندرا «تا حاسی که می‌توانست به آن يك حرده مهریانی که هور در وجودش باقمیاند بود میدان» می‌داد به نظر من اس طور آدمها «می‌تواند برای کوبیدن معصومیت خود توی صورت حرف منتظر نماید» و «با نگاههای حیره و بیحده خود ما را از حامه‌های رنگارنگی که برای بهان کردن حوشاشی صوفانه خود می‌پوسیم عاری می‌کردند»

بعد رفتم رستوران عدا بخوریم در اینجا بسخدمی بود و بر امان حوراك مرع آورد. در همن موقع «چون بریدگانی که از مرعدانی فرار کرده‌اند، بیرون از زمان پرواز می‌کنند او در فراسوی پیشخدمت به‌دست، بیگانه و بیوه مرمروری را دید» و گفت بکند اس مرعها که ما می‌خوریم از همان «بریده‌های فرار کرده از مرعدانی» باشد، ولی من به او اطمینان دادم که «در فراسوی بسخدمت» هیچ خبر مسکوک و وجود ندارد کوندرا با دسمال کاغذهای روی میز برای خودس «دماغ کاغدی» درست کرد و برای مسخره کردن بسخدمت که اسمن سارا بود «تا تعجب سوراج دماغ کاغدی خود را به طرف سارا تکان داد» راسس من هم حلی تعجب کردم، خون فکر کردم که او اولس و آخر س نری است که بواسطه است «سوراج دماغ» خود را «تکان بدهد»، آن هم «به طرف» کسی سارا هم از اس فضیه حیلی حوسس آمد و شروع کرد به حدیدن و «يك بار دیگر گوش خود را در اختیار او گذاشت». به نظر من این رخدادهای «دیگر زمینه نیست، حالا خود ماجرا است، ماحرایی شبیه زمینه ابتدال همه‌پذیر زندگی خصوصی است».

آن روز «سوران پرف می‌نارید» و میلان کوندرا هم «در مسدلی کشی تکان تکان می‌خورد» این یادآوری حلی لازم است، خون عمر از آن يك روز یاد می‌آید که «سوران ناریده» باشد و کس دیگر را هم ندیده بودم که در حین «مسدلی تکان بخورد». می‌دام تا به حال میلان کوندرا را ندیده‌اند یا نه اگر او را ندیده‌اند بگذارند بگویم که «گردن کلفت و صورت پف‌الودش به موهای مجعد خاکستری معسوعی حتم» می‌سود و «حط موهانش در قسمت شقیقه‌ها تدریج عقب می‌رود، تا اینکه در حلو فقط سه گوشه کوچکی باقی می‌ماند که به طرف پایین برمی‌گردد»

بعد من و کوندرا با هم به حیابان رفسم میلان کوندرا حان راه می‌رفت که گویی «ار حیابانی در شهرکی روستاوار در غرب اروپا پایین می‌رود» من گفتم که اینجا «سهرک روساوار» است که اس طور راه می‌روی، آخر اروپاها «در عین حال، حالتی خنکجو، متجاور و با فشار دارند»، ولی حرف مرا قبول نکرد و شروع به «بهانکاری» کرد با خود گفتم شاید «سعی در بهانکاری، احساس گناه» اغار پانان است»

وسط راه بر خوردیم به مردی به اسم مرك. میلان کوندرا به من گفت «این میرک حرده‌ای حلا. احاری است که از راه بله ماربیح بالا می‌رود» من به کوندرا گفتم اس طور راجع به مردم قضاوت نکنی «کی ناورش می‌شود که تو توانایی احساسات تند و تیر را داشته باشی؟». گفت حرا این قدر بد صحبت می‌کنی؟ راست می‌گفت احساس کردم که قضای مکالمه ما سگس سده و علب آن هم اس بود که «کلمات مانند شقه‌های گوشت خام عسروف دار، سگین و

به کوندرا گفتم فدري از وفایح حکسلوا ای سابق تـ ف کن.
گفت به نظر من «گاه مردم راس راویه را با نقطه متناظره‌ای اشباه
می‌گیرند» و در حکسلوا کی هم همین طور سد و «ان خوانهای
هوشمند و طرفدار اصلاحات اساسی به اعتراض علیه اقدام خود
پرداختند، تا آن را جلو بکشند، سرزیش کند، دیالش بیفتد و رد باش را
نگیرند.» گفتم بعد از آنکه این بلاها را سر «اقدام خود» آوردند،
خطری موخه‌سان نسد. گفت «خطر فقط برای خود چکها وجود دارد،
که دیگر حتی از این واقعیت حذر هم نمی‌کند» و در بی این فصایا مردم
حك «برحاستند تا قطعنامه‌ای تدریوانه را اعلام کند»

از کوندرا برسدیم ماحرای «آفتابگردان» چه بود؟ او گفت «يك
نار، يك محله حبری هفتگی، عکس صعی از مردان اویهورم بوتش، تفنگ
بردوش و کلاهی خود آفتابگردان به سر را چاپ کرد» یکی از ان «مردان
اونهورم بوس» نامیابود که با دو مهاجر اختلاف بند کرده بود و

«شکافی که بدین ترتیب میان خودشان و دو مهاجر به وجود آورده بودند،
شکافی بود که نامیابا اررو می‌کرد دیگر هرگز از روی ان رد نشود»
ولی مناسفانه نامیابا «از روی ان سکاف رد سد» و این ماحرا به
فاحعه سکاف آفتابگردان معروف سد

خواندن برحمة «فارسی» کتاب حنده و فراموسی* ادم را به
چه عوالمی می‌برد! «فراموس» نکتیم که اس را از ترک هیر
مترحم و سعی ویراسار کتاب داریم دست هردوان مریراد!

حاشیه

* حنده و فراموسی، نالیف میلان کوندرا، برحمة فروع نوریآوری، انتشارات
روسگران، ۱۳۷۲ (تمام عبارات داخل گیومه و با حروف ابرامك عیناً از متن
کتاب نقل شده است)

از استشارات مرکز نشر دانشگاهی

مجله شیمی

(سال نهم، شماره دوم، مرداد-ابان ۱۳۷۲)

در اس شماره می‌خوانید

- سمندان کمانم
- فراسد تولد سکر
- حرا حیوه مانع است
- بحرته کفی نرده برکت سمیابی خانگی
- عسکهای افغانی فوتو کرومک
- امورس نامگذاری مواد معدنی
- مایول، صحرا را بهسب حواهد کرد
- روسی ارران برای حوهر ردایی کاغدهای ناطله

در واقع سعی بر آن بود که متن استنساخ شده، در حد امکان، هر چه باکیزه‌تر و آراسته‌تر باشد.

اما امروز، به‌من وجود انواع ماسینه‌های حروفچینی کامپیوتری و لثری و لابترون، در منهای گوناگون، با همه تفاوت‌های محتوایی، کیفیت مسترکی احساس می‌شود که ناشی از آراستگی صوری است. امعان نظر در کتابهای مختلف از جمله کتابهای بیس از دبستان تا متون داسگاهی، يك فیه حد صفحه‌ای با يك رمان حدجلدی این معی را سسر روسن می‌کند به طور مثال در متن کتابهای بیس از دبستان و دوره اسدایی، حجم مواد تصویری از مواد نوشتاری بیستر است به همین ترتب در مقاطع بعدی این نسبت تغییر می‌کند. در متون مذهبی سسر سار از آیه و حدیب، ساختار متن صورت دیگری دارد در مسهایی از اس دب، یکی از وجوه عمده کار اعراب گذاری دفعی آنها و عبارات عربی است و به همین دلیل برای آنکه علام حرکت و دیگر سانه‌ها حلط سوبد معمولاً فاصله سطرها سسر در نظر گرفته می‌سود

در واقع، با روی سیوه‌های گوناگون حروفچینی و تکلوری بو ن حاب، متن انواع کتابها، هر يك خصوصیات متناسب با خود را پیدا کرده است. به طور نمونه، متن کتاب كودك از لحاظ اندازه و نوع حروف، طول سطرها، فاصله سطرها و بهای حاسه با كتاب درسی و داسگاهی با رمان به کلی متفاوت است. در کتابهای خاص كودكان، چون مواد نوشتاری حجم كمتری دارد، به مقتضای س و سال كودك و سطح اطلاعات وی، اندازه حروف معمولاً در سب ب و فاصله سطرها بیستر است گاه حتی برای سهولت خواندن بعضی از كلمات از اعراب هم استفاده می‌سود می‌بینیم که انتخاب اندازه و نوع حروف، طول و فاصله سطرها و حتی اعراب گذاری، به محتوا و نوع مخاطبان كتاب بستگی دارد در حال حاضر و با توجه به کاربرد روزافزون حروفچینی کامپیوتری و لیزی، حروف مناسب برای کتابهای عمومی که خوانندگان متفاوتی دارد، حروف ۱۳ بارك لوبوس، با عرض سطر ۱۰ر۵ تا ۱۲ر۵ سانتی‌متر (سته به آنکه قطع كتاب رفی یا وریری باشد)، با بایه (فاصله سطرها) ۰ر۶۵ سانتی‌متر یکی از مطلوبترین اندازه‌هاست (تصویر ۱).

از طرف دیگر، در تعدادی از کتابها، غیر از حروف متن، برای متمایز کردن یا برجسته‌تر کردن بعضی از عبارات و عوانها از فلمهای دیگر حروف نیز استفاده می‌سود (تصویر ۲). استفاده از این قلمها از جمله قلم سیاه، ایرانیک، ایرایك سیاه و حتی حروف سایه‌دار و تزینی خود ضوابط خاصی دارد. در متن بعضی از رمانها، نام شخصیت‌های اصلی و فرعی، که در مواردی بسامد زیادی هم دارد، به غلط با حروفی متمایز از متن، اغلب حروف

ساختار متن

بررسی فنی اجزای داخلی کتاب*

محمد سیداحلانی

حنماً شما هم برایتان پیش آمده که گاه با خواندن حد صفحه از کتابی زودتر از معمول خسته سده‌اید یا برعکس، به رغم هجوم لشکر خواب، همحان به خواندن ادامه داده‌اید. البته در هر دو حال، تمایل شما به ادامه خواندن حتی به صرب حای و فیه یا انصراف از آن، شاید جاذبه یا عدم حاده نوشته‌ای باشد که در دست مطالعه دارید. اما ظاهراً اس همه فیه بیست صرف نظر از کشش و جذابیت متن، عوامل دیگری کمابیس در ترغیب به مطالعه و حتی سهولت رانت دخالت دارد که همواره به آن توجه نمی‌شود. بعضی از کتابها، یا به طور دفتر متن تعدادی از کتابها، به دلیل حروف ریز، سطرهای نزدیک به هم، عرض کم حاسیه، بی‌نظمی ساختار صوری، دور از دسترس بودن ارجاعات و حتی پراکندگی تصاویر مایه عذاب‌اند. خواندن حد صفحه از این کتابها چشم را خسته و دهن را آسفته می‌کند.

کمی به عقب برگردیم، به سالهای دوری که بار سنگین انتقال معارف و دانش بسری را دوق و فلم کاتبی می‌کشید که با سختکوسی و امکانات ناچیر به استنساخ نسخه‌ها می‌پرداختند؛ عبارات اصلی را در سب تر می‌نوشتند یا به ضرورت با تغییر رنگ مرکب خود آن را از فیه متمایز می‌کردند و در مواردی هم با کشیدن خطی زیر عبارات اصلی و مهم آنها را برجسته می‌ساختند. با آنکه در این کار توانمسا از همه فضای کاغذ استفاده می‌سد، برای تمایز متن از حواسی، علاوه بر کتابت با قلم ریزتر، جهت نوشته حواسی با جهت نوشته متن تفاوت داس.

نشر دانش

نشر دانش

نشر دانش

تصویر ۲: اداره و نوع حروف سه به از به متن هر کدا، کاربردهای متعدد و متنوعی دارد

در این حالت، گاه در صفحهٔ نخست فهرست کوتاهی از فصلهای مربوط به آن بخش با توضیح مختصری دربارهٔ هر یک از فصلها آورده می‌شود. این مواد با در همان صفحه‌ای که شماره و عنوان بخش آمده - صفحهٔ فرد - با در سب این صفحه، که غالباً سفید است، قرار می‌گیرد. مطالبی از این دست با سلیقهٔ آنها که با سفید بودن و حالی بودن صفحات سر سحتانه مخالف اند سازگارتر است. چون می‌تواند این مواد را به راحتی در این صفحه قرار دهند.

صورت دیگر صفحهٔ نخست در کتابهای عرفی از جمله رمانها و سفرنامه‌ها کاربرد بیشتری دارد. در این کتابها به دلیل کوتاه بودن مطالب هر فصل و همچنین پیوستگی بیشتر فصلها با یکدیگر، صفحهٔ جداگانه‌ای به بخش اختصاص داده نمی‌شود. در این دسته از کتابها، عنوان و شمارهٔ بخش در نخستین صفحهٔ متن و مطالب فصلهای جداگانه با حید سطر فاصله به دنبال یکدیگر می‌آید (تصویر ۴)

بعد از پایان بخش اول، بخش دوم نیز به همین ترتیب از صفحهٔ فرد یا روح آغاز می‌شود

حاشیه

۱. استادان بر سوار احمد سمعی، ۲. سامانی برای بررسی این بوسه قبل از چاپ و توصیه‌های از، بدست‌ان ساختگرا،

(۱) معمولاً برای مشخص کردن عنوان کتابها، سرناب، نام‌سایه‌ها و فیلمها و در مواردی عنوان سفرها از حروف ابرازک نازک در متن استفاده می‌شود. البته در بعضی از منبها بر این متمایز کردن عبارتهای تأکیدی هم از حروف ابرازک نازک و هم از حروف سباده استفاده می‌شود. از حروف ابرازک سباده و حروف سباده‌دار سر در منتهایی که عنوانهای متعدد دارد، برای معایر ساختن عنوانهای اصلی و فرعی استفاده می‌شود

(۲) در مقاله «صفحات اعار کتاب»، سرداسن، سال سیم، شمارهٔ سیم (مهر و آبان ۱۳۶۵) صفح ۵۵ تا ۶۱، به طور کدرا به صفحهٔ نخست اساره سند ساید خوانندگان آن مطلب، صفحهٔ نخست را به نوعی حرو صفحه‌های اعار کتاب تلفی کرده ساسد در حالی که به دلیل ا، ساط بسیار نزدیک این صفحه به متن، باید آن را حرو صفحه‌های متن به حساب آورد

«دی یعگوب، گریه می‌کنی؟»

«با دست آتش منقل را به هم می‌زد و می‌گفت م می‌شکند.»

بد چهارماه که صدا توی گلویتش می‌شکست و منقل را بردارد و روی سرقلیانش بگذارد.

س و کاری ندارد فقط سه‌تا بچه داشت که

برق شدند و حالا ته‌دریا رنگی می‌کند، بی‌آنکه

را به او نشان داده باشند. و هیچ بری دریایی در

سه‌تا جوان که قدشان بلند است، به‌اندازهٔ درخت

بیایند، حتی اگر دلشان برای آبادی تنگ شده

یعگوب دلسوخته است و سهٔ خودم می‌گوید

د، این حور می‌شود که دستش را مثل اسر توی

و نمی‌فهمد... کاشکی می‌تواستم دل سوخته

تا خاموش شود، اما نه می‌گوید هر حور آتشی

تصویر ۱: بخشی از متنی که با حروف ۱۳ نازک لوبوس و نامه ۰۶۵ حروفی شده است برای وضوح بیشتر، این تصویر اسبابا کوچک شده است

سباده، حیده می‌شود که به جسم بوار است و به مفرون به صرفه در هر حال، صرف نظر از نوع و اندازهٔ حروف متن و طول سطرها و بهای حاسه، متن هر کتاب، بخصوص متون علمی و تحقیقی و درسی، احرایی دارد که در این بوسه به نك يك انها اساره می‌کشم در بررسی احرای متن، ابتدا سیوه‌های مرسوم به اجمال تشرح شده و در بی ان به سیوه‌های سسهادی برداخته‌ایم

آغاز متن

بخش - سربخش

در بدوین کتاب، نسسم‌بندی مطالب در خارجویی مسحص و به احرایی همچون بخش، فصل و... و همچنین تسلسل منطقی مطالب و تنظیم ان برای درك بهتر مفاهیم بوسه و اسفال پیام آن سسار مؤبر است^۲

صفحهٔ نخست (سر بخش اول) در اغلب کتابها ارفی و غیرفی (رمان، سفرنامه، کتابهای فی و تحقیقی) معمولاً به دو صورت تنظیم می‌شود

یکی اینکه صفحهٔ نخست و عنوان ان در يك صفحهٔ مستقل و فرد قرار می‌گردد و صفحهٔ سب ان سفید است خواننده در مواحهه با این صفحه درمی‌یابد که بخش اول کتاب مستمل بر حید فصل است و هر يك از فصلها از صفحهٔ حیدد (فرد یا روح) آغاز می‌شود (تصویر ۳).

کتاب چهارم
دلغاشد گها

فصل اول
پهره رایت

آلپشا را بسیار رود، پیش از دمید صبح، بدار کردند پهر روسا با
احاسی صفت بسیار بدار شد، هر چند میخواست از سر صرون ماند و روی
صدلی بنشیند دهشت کاسه روشی بود، چهره اش بسیار حسه، آقا با ماگ و با
اندازه ای حده، میسود حالی از شادی و بهرانی و شتاب در ق بود به آلپشا
گفت «مگر لب صرم تا روز آینه گها بدد» آنگاه اظهار سائل کرد که
تهری اعتراض کند و هر چه ساول افریان را به جا بیاورد افرایش او پهر بانی
بود هر سب مدعی از پی این دو حرحه آمد رها بان گرد آینه و حرحه، اندک
اندک، از ساکنان هر نگاه آهشته شد در حسی حسی روز شده بود آند مردم از
صوت به هر نگاه شروع شد پس از سب مراسم، پهر در برق شد که سگی را بسود
و سدا حاصلی کند چون صرحه سار کویتک بود، ددار کدگان رودر آمد، صفت
رصد تا برای ناره واردی جا بار کند آلپشا گذار بر، که ناره بر صدلش سده
بود، اساد پهر به پهر بولایی سحی گفت هر صد صداس صفت بود سدا
اسوار بود در همان حال که با احاسی به صبح سداوش می بگرس، از سر
شومی گفت «سالیان ساری به شما نظم داده ام، و اسب که سالیان ساری به
صدای بلد سحی می گه ام، طوریکه به سحی گس عادت کرده ام و آندر حرف

۱۱۹

تصویر ۴ در این نمونه، عنوان و شماره بخش در صفحه مسفل قرار نگرفته است؛
فصلها به دنبال عنوان بخش می آید و بعد از خاتمه هر فصل، مطالب فصل بعدی
با چند سطر فاصله اعار می شود

بخش اول
اصول و روشهای ناگروومی

تصویر ۳ شماره بخش و عنوان آن در صفحه فرد که به ساس محتوا، تزیین هم
شده است

در مواردی به یب صرفه حویی و نه دلایلی ناموحه، بخش و
ان آن، به حای آنکه در صفحه مسفل و فرد فرار گیرد، در
ای نخستین فصل کتاب آورده می شود و تقسیم بندی کلی
ب را درهم می ریزد. در مواحه با این صفحه ابتدا بصور
سود که بخش اول فقط مستمل بر يك فصل است و فصلهای
ی به بخش اول کتاب مر بوط سست. البته در مواردی، آن هم به
یل كاملا فنی و مالی، برای حور کردن صفحه های کتاب و
فحویی در هزینه حاب و لیتوگرافی و صحافی و حتی كاغد،
زیر عنوان و شماره بخش را، به حای فرار دادن در صفحه فرد،
صفحه روح فرار می دهند در این حال، هر چند صفحه بخش
به نواز بیست، بافت و تقسیم بندی کلی کتاب لطمه ای
نمید.

در مواردی به حای لفظ «بخش» از عناوین دیگری، حون
باب»، «باب»، «دفتر»، «حد» و «قسمت» نیز استفاده می شود.
صفحه بخش، بسته به نوع کتاب، ممکن است به صورتهای
تلف تزیین شود. برای این کار در مواردی از نمهای اسلمی،
لاماطی و طرحهای گرافیکی استفاده می شود.

فصل (صفحه آغاز فصل)

از سر بخش، معمولا مطالب فصل آغاز می شود. اولین فصل
اب غالباً از صفحه فرد آغاز می شود.^۳ برای تمایز صفحه آغاز
مل با صفحه های دیگر متن، معمولا سمار سطرهای این صفحه

به اندازه يك سوم و در بعضی موارد دوسوم سبب به صفحه های
دیگر من کمتر در نظر گرفته می شود علاوه بر فضای حالی
(سفید) بالای صفحه آغاز فصل، شماره و عنوان فصل از لحاظ
حروف و نحوه فرارگیری در متن، به ساس محتوا، به صورتهای
منفاوتی درمی آید.

برای روستر سدن مطلب، بهر است به صورتهای رایج در
اس زمینه اساره سود

در بعضی از کتابها، گاه در کنار لفظ «فصل»، شماره فصل بر
دکر می سود، ملا فصل ۱۲. در دستهای دیگر از کتابها از عدد
ترتیبی حرومی اسفاده می سود: فصل دوازدهم. البته همان طور که
سبب از این یادآور سدیم عنوان و شماره فصل و آراس آن با
حدود ریادی به ساسب آراس متن و محتوای آن انتخاب می سود.
ملا در بعضی از کتابها عنوانهای اصلی و فرعی (عنوانهای
داخلی فصل) با شماره از یکدیگر متمایز می سود: در اصطلاح
عنوانها دارای کد هستند. در کتابهای درسی و فنی عنوانها غالباً
به همین ترتیب می آید، به طور مثال ۱-۲ تاریخچه در متهایی از
این دست و با عنوانهای دارای شماره، بهتر است لفظ فصل
حذف و فقط به شماره اکتفا سود (تصویر ۵). ملا برای عنوان
۱-۲ تاریخچه که نخستین عنوان فصل دوم کتاب است، در صفحه
آغار فصل آوردن عدد ۲ با حروف در سب - از ۱۸ بویست با ۳۶
بویست ساه - به حویی نمائانگر شروع فصل دوم است و با

۱. اعضاء جدید چنین تصور می‌شد که پورسانت بهت هدیه ترکیبی مصلای تک و دایره
و انعام را دریافتند اما بهر حال این تصور به جهت اشتباه فاعل باقی ماند
۲. اصحاب او باب این بحث بود که چون بهتری می‌بود که او در دست صاحب باب باشد
باشد، زیرا علاوه بر پاداشی که از صاحب رابع به تریکی تک و صاف، حظ و
دوایر داشت، بهر رویت و دواخل بیرون داشت عین امتیاز و تکالیف برای پاداش و جزی
۳. صاف، صمیم، بی‌طرف و کریمانه داشت که او همانا دریافتند اما در واقع در این
مصلای این بحث می‌گفتند و در اینجاست که بار سنگین عواطف بود برای پاداش
حظ و دایره، صمیم، کریمانه و خاص است چون که این اصل را بهتری نامگذاری
منتهی بود زیرا اینها، نامهای از خود می‌گفتند: راجع، صاف، تک، بی‌طرف،
الضابط، ۴. زاکر، ۵. پورنگ، ۶. سمس، ۷. طه، ۸. اوطار، ۹. بوسله، ۱۰. حوران،
۱۱. اسکر، ۱۲. اسکر، ۱۳. بود و در باب ۱۴، ۱۵. بولی، ۱۶. سکر، ۱۷. تک، ۱۸. بوسله،
۱۹. بولی، ۲۰. سانی و دیگر در این باب

1 Nagel	3 Hart	5 Casey	7 Brocard	9 Lemoine
6 Tucker	8 Neuberger	10 Simson	12 McCoy	
10 Abdenmiller	11 Furhmann	12 Schoute	13 Spicker	
14 UrsLFaray	15 Morley	16 Miguel	17 Higgs	
18 Poucellier	19 Swaine	20 Terry		

نمونه ۵ صفحه اعار فصل در صفحه روح ماکشودن کتاب در نگاه اول، شماره فصل و عنوان دده می شود اگر هس فصل در صفحه فرد فرار می کرب، بهر می بود که شماره و عنوان فصل در سمب جب باشد

[illegible]

۹۱ سه‌باری

[illegible]

نمونه ۶ عبارت کوتاه ابتدای فصل در حاشیه چپ با حروف روبرو با طوا سطر
کسر میانی موروثی دارد به علاوه به دلیل نوع عنوانها (عنوان کدها را به هم
بود به جای عبارت «فصل اول» فقط از عدد ۱ استفاده می‌شد به تصویر ۵ توجه
کند

سرصفحه حذف می شود و بالای عنوان فصل سفید باقی می ماند البته احراز در بسیاری از کتابهای فرنگی، برای حفظ پیوستگی و تسلسل مطالب و برای سهولت جستجو، در صفحه آغاز فصل، شماره صفحه را در پایین و وسط صفحه مادر حاشیه حب و راست قرار داده اند این کار حدّ خُس دارد اول آنکه خواننده با مراجعه به فهرست برای یافتن یکی از فصلها، صفحه مورد نظر خود را بدون قوت و فساد می کند و لازم نیست صفحه قبل و بعد را وارسی کند به علاوه، در لیوگرافی و به هنگام مونتاژ و مرحله پس از آن (نارزدید اورالد)، ناداوری و پوستن حدّ باره شماره صفحه ها، آن هم با خودکار حد رنگ، ضروری ندانمی کند در صورت ۴ نمونه ای از این شماره گذاری را ملاحظه می کنید.

حاشیہ

۳) در بعضی از کتابهای مفسر، از جمله کتابهای ورنسی، به احبار حتی فصل اول سر مایند از صفحه روح شروع شود ترتیب آرایش این کتابها به این صورت است که در صفحه روح سرخ حرکات و در صفحه مقابل (فرد) مضامین مربوط آورده می شود به همین دلیل باید ترتیبی اتحاد کرد که نخستین فصل کتاب، به حای صفحه فرد، از صفحه روح شروع شود

۴) در مورد محل فراگزینی شماره و عنوان فصل، سلفه‌ها متفاوت است. اما به طور منطقی، اگر فراز است عنوانها در حاشیه راست و حب صفحه نباید، بهتر است همواره این عنوانها هم در صفحه فرد و هم در صفحه روح در حاشیه بیرونی کتاب (البته برعکس) باشد. مزیت این کار در این است که در نگاه اول عنوان فصل دیده می‌شود البته فراگزینی عنوان و شماره فصل در وسط صفحه، در صفحه‌های روح و فرد سرانبط یکسانی دارد، در نگاه اول نظر خواننده را جلب می‌کند

مواهبی داخلی فضل هماهنگی طاهری دارد
اما در تعدادی از کتابها عوابعی داخلی می بیند و نوع
سب و عوابعی اصلی و فرعی، با بعضی اندازۀ حروف و نوع
ارگیری در متن، از یکدیگر میسر می شود در این کتابها بهر
سب شماره فصل به صورت حرفی (عدد ترتیبی) و همراه با لفظ
«فصل» آورده شود. البته، در این حالت، استفاده از شماره تنها
مناسب نخواهد بود در نتیجه آوردن لفظ «فصل» همراه با شماره
هیچ يك از صورتهاى بسین حائز سب و نامطوق طراحی
احل متن نیز سازگاری ندارد

عنوان و شماره فصل سسه به آرایس فصلها - فرارگری
فصلها در صفحهٔ روج با فرد - ممکن است در حاسیهٔ حب یا در
سط صفحه فرار گیر د.^۲

در بعضی از کتابها، پس از شماره و عنوان فصل، گاه عبارت و تاهی که به نوعی با مطالب فصل ارتباط دارد آورده می‌شود. طالبی از این دست معمولاً بعد از عنوان و شماره فصل با حروف یزتر و متفاوت با متن در حاسبه حب هر ار می‌گیرد (تصویر ۶) در مواردی که فصلهای کتاب نویسندگان متفاوتی دارد، معمولاً نام نویسنده هر فصل جایی مناسبتر از حاسبه حب صفحه خواهد داشت؛ البته باز هم با حروفی متفاوت از متن.

در کتابهایی که برای شماره‌گذاری و سوار دادن مرتب
صفحه‌ها از سر صفحه استفاده می‌شود، در صفحه آغاز فصل

سرفصله و شماره صفحه

یکی از احرای قدیمی و سابقه دار متن شماره صفحه و سپس سرفصله است در بعضی از کتابها صرفاً اکثراً به شماره صفحه بدون هیچ توضیح و عبارت اضافی منظور نویسنده را تأمین می کند، اما در دسته ای دیگر از کتابها، از جمله کتابهای درسی دانشگاهی، وجود سرفصله کاملاً ضروری است

سته به نوع کتاب، سرفصله آرایسهای متفاوتی به خود می گیرد به طور کلی، در مسهایی که فصلهای متعدد دارد و هر فصل مستمل بر عنوانهای داخلی بسیاری است، همچنین در مجموعه مقالاتی که به صورت کتاب تنظیم و گردآوری شده، استفاده از سرفصله بسیار ضروری است و به خواننده در جستجوی مطلب یا مقاله مورد نظرش کمک می کند

مضمون سرفصله در صفحه های کتاب - روح و فرد - بسته به نوع کتاب و تقسیم بندی مطالب من با یکدیگر تفاوت دارد صرف نظر از نوع آرایس و مضمون سرفصله، مطالب سرفصله غالباً به یکی از صورتهای ذیل تنظیم می شود

- ۱) صفحه های روح نام کتاب، صفحه های فرد عنوان بحسب
- فصل (تصاویر ۷، ۸، و ۱۰)

- ۲) صفحه های روح عنوان بحسب، صفحه های فرد عنوان فصل
- ۳) صفحه های روح عنوان فصل، صفحه های فرد عنوانهای اصلی هر فصل
- ۴) صفحه های روح نام کتاب، صفحه های فرد نام نویسنده

سبب ۱ نسبت به سبب دیگر کاربرد بسیاری دارد و پس از آن استفاده از شماره صفحه در کمال سادگی در ناس با نالای صفحه و در مواردی هم در وسط صفحه بدون سرفصله در آن رسمه می توان از کتابهای دوره ابتدایی تا سالهای آخر دبیرستان نام برد که در آرایس صفحه های خود همچنان به الگوی سبب استفاده از شماره صفحه بها وفادار مانده اند در آن دسته از کتابها شماره های روح در سمت راست و شماره های فرد در سمت چپ صفحه قرار دارد شماره - روح و فرد - برای آنکه در نگاه اول دیده شود، همواره در سمت لبه سربویی کاغذ (لبه برش) قرار می گیرد

سبب ۴ یکی از بندهای معمولی و نامناسب سرفصله است و ظاهراً اثر بر کردن تصفیه بحسب از من، نفس دیگری ندارد استفاده از نام کتاب در صفحه روح برای خواننده ای که کتاب را خریده یا براس حریده اند ضرورت چندانی ندارد از طرف دیگر تکرار نام نویسنده در صفحه های فرد سر به همان اندازه رایج است.

برای کارهای

این چه که ما آنچه را بار آورد اسم صمدی «باول» به او داده و مردم هم در اینها کرده بودند روح (سرمه دور) به اسم او گذاشتی نگردد بعد از پاولیج اصرار می کرد آن سرگرم کشف می انگاشت، هر چند در انکار مسوولیت خویش به سبب باغیاری می کرد مردم شهر از آنکه او بعد از سرای را به فرزند خواندگی پذیرفته حیسان بودند بعدها، بعد از پاولیج برای این بنده نفس انداخ کرد و، ما گریه اسم صمدی را در پس او را اسیر ما کف ناسد

حس بود که این اسیر ما کف دوس جمنکار بعد از پاولیج شد، و در زمانی که داستان ما آغاز می شود، با گرگیزی و تاراج در آنی سرپنداری زندگی می کرد در مقام اسیر استخدام شده بود باید از این اسیر ما کف بشیر بگویم، اما از مشعل داستان پس از اندازه روح خوانه گام به این جمنکاران معمولی شونده ام، و به داستان ما می گردم و اسیر ما در طی آن اسیر ما کف بشیر بگویم.

فصل دوم

احرای دلی سوان - هلم

آلکسا، پس از سدن زمانی که خوش فریاد زمان از داخل پوشه برای او صادر کرد، زمانی بی چشم بر جای ماند آقا به رزم مارا حش، حاکت باستاند شیوه ای سان بود یکسره به آسیر خانه رفت تا در این پیش چه دسته گلی به لب داده است آنگاه حرام شد، تا این بویکل که برای برویدی که عایش می داد، در راه حواسی بخود هوش برسانم که فرادهای پدری و فرمان داند او که «ما شنگ و نالشی» به خانه بار گرفته، به هیچ رو فرستاشی نکرد کاملاً موجه بود که قد فرادهای آفریده «اندی» بود برای اسناد تأثیر به حسن ربب یکی از مادران شهر ما که با حسی از دستان روز نامگذاری را حش گرفته بود، از اینکه ودکای ربادی به او داده عصبانی شد و طرف بدلیسی و آتانه حش را شکست، لباس های حوش و ریس را باره کرده، و دست آسیر را هار شکست و همه هم به خاطر اسناد تأثیر الله، روز بعد که هساره را با دست فحاشا و شفاهای نشکس اقرار بشناسی از فرد الوسا می داشت که پدرش روز بعد، احساناً همان شامگاه، به

تصویر ۷ در این نمونه، سرفصله بین دو خط در بالای صفحه درج شده است در تصاویر ۸ و ۱۰ نمونه های دیگری از سرفصله را ملاحظه می کنید

با پس از رواج حروف حسی کامیوبری و لرری، یکی از کارهای دسوار و وفنگر در مرحله صفحه آرایسی همس نظم و حساندن سرفصله و شماره صفحه بود، اما، با روق حروف حسی لرری، بخصوص اگر سبب ۱ برای سرفصله انتخاب شود، با تعویض یکی دو فرمان و حد کلید، سرفصله های کتاب، فصل به فصل نظم و حروف حسی می شود. اما انتخاب سبب ۳ حتی در حروف حسی لرری هم وفنگر است. برای این سرفصله، با تعبیر عنوان اصلی در هر صفحه، ارائه فرمان جدید و به کارگیری دکمه های متعدد ضروری است

نحت سرفصله را خلاصه کنیم: بعضی از کتابها اصلاً باری به سرفصله ندارند و در آنها شماره صفحه به تنهایی کفایت می کند در بعضی دیگر، استفاده از سبب ۲، که در واقع به نوعی نفس یار ذخیره فهرست مطالب را دارد، بسیار کارساز و مفید است.

عنوانهای اصلی و فرعی

یکی دیگر از احرای اساسی متن عنوانهای متعدد اصلی و فرعی است. هر بوسه، بخصوص در زمینه علمی و تخصصی، برای بیان مطالب خود و تقسیم بندی آن از عنوانهای متفاوتی بهره می گرد خواننده در مواجهه با این عنوانها بخوبی مطالب اساسی و

در کتابهای درسی و فنی، غالباً عنوانها کدگذاری شده‌اند و خواننده با عنایت به همین شماره‌ها مباحث اصلی و فرعی را از یکدیگر تمیز می‌دهد و از لحاظ ارتباط مطالب با مسکلی مواحه می‌سود (تصاویر ۵ و ۶) اما در بسیاری از کتابها، از جمله در رسته تاریخ و سفرنامه، عنوانها با همه نوعی که دارند، بدون شماره است در این کتابها برای درجه‌بندی عنوانها معمولاً از اداره‌های گوناگون حروف استفاده می‌سود^۷ البته گاهی صرفاً برعبر اداره کارساز سبک، چون، در اسباب حروف، صرف نظر از اندازه آن، سبک با متن و جسم نواری عنوانها بر دخال دارد لذا، در مواردی که عنوانها به درجات متعدد باشند، متن از اسباب حروف مناسب، با برعبر محل قرارگیری در متن، آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد فاعده مرسوم در درجه‌بندی عنوانها چنین است که در هر حال عنوان وسط سبب به عنوان حاسبه (استون) و عنوان استون سبب به عنوان سراسر سبب اهمیت بسیاری دارد و به همین سبب اهمیت عنوان مسفل از عنوان برعبر مسفل سبب است^۸ البته در بعضی از کتابهای فرنگی برای برعبر عنوانها از یکدیگر، علاوه بر برعبر اداره حروف، از علامتی همچون دایره و مربع استفاده می‌سود که در حالت فارسی به مطلوب است و به راجح^۹

عبر از اسحه درباره عنوانها و اندازه آنها بیان شد، محل عنوانها از لحاظ رسایی سبب اهمیت سببانی دارد برای روس شدن مطلب یادآوری چند نکته بی‌مناسبت نخواهد بود در مورد عنوانهایی که در رسته بالایی متن قرار دارند بهتر است قبل از عنوان حداقل ۳ تا ۴ سطر مطلب آورده شود در بعضی از کتابها عنوانی که ناگزیر در رسته بالایی متن قرار دارد گاه متن از يك سطر چند کلمه‌ای فرامی‌گردد که حندان حالت و جسم نواری نیست.

یکی دیگر از کاربردهای ناخجای عنوانها آوردن عنوان در سطر اسهای متن است بی‌آنکه هیچ مطلب دیگری بر عنوان آورده شود. این کار از لحاظ اصولی درست نیست و حداقل يك سطر از مطالب متن باید به هر نحو بر عنوان آورده شود

شکلها و جدولها

یکی دیگر از اجرای متن شکلها و جدولهایی است که به فراحور مطالب متن و برای کمک به فهم آنها در متن قرار می‌گیرد به دلایل کاملاً فنی، بهتر است شکلها و جدولها در ردیف‌ترین فاصله به محل ارجاع به نحوی در بالا یا پایین صفحه قرار گیرد (تصویر ۸). این کار، یعنی قرار دادن شکلها و جدولها در بالا یا پایین صفحه، حد امتیاز مهم دارد. اول آنکه یکی از فواصل بالا یا



تصویر ۸. قرار گرفتن شکل در بالای صفحه فرد نکته خال در این صفحه، فهرست، ناخجای متن است برای آسانی متن بهتر بود عنوانها در سبب راست می‌نویسد و به نظاره شرح مشور خود در سمت چپ می‌پردازد

بسیار شکل با جدول به این طریق حذف می‌سود (اگر شکل در وسط صفحه متن قرار گیرد لازم است هم از بالا و هم از پایین متن فاصله داشته باشد) امسار دیگر این سبب سببیل مطالب متن است، بر اینا قرار گرفتن شکل و جدول در مبنای متن رسته تلام به نوعی قطع می‌سود از طرف دیگر، احتسار این سبب، تکلف

حاشیه

(۵) معمولاً بر صفحه ۱، متن دو خط به موازات سطرهای متن است با فرار دادن این بالای متن خط می‌آورد در مواردی هم بدون استفاده از خط این مطالب در بالای صفحه قرار می‌گیرد (۶) حتی در کتابهای فرنگی هم حسن استفاده ناخجای از بر صفحه، این است البته در مواردی که نام سبب و عنوان ثابت به نوعی تحت السعاح شهرت یوسیده است سبب این کار، سبب باشد

(۷) بعضی حروف (Mark up) معوله دیگری است و به آماده‌سازی کتاب قبل از حروفچینی است در این مرحله، اداره‌های لازم برای حروف متن، عنوانها، شرح شکلها و جدولها طبق ضوابط خاصی برعبر می‌سود (۸) عنوان مسفل به عده‌ای اطلاق می‌سود که در سطر یا شمار متن قرار می‌گیرد بدون آنکه مطلبی به دنبال آن آورده شود

(۹) در مواردی که علت تعدد عنوانها هیچ کدام از بر فدها نارساز نیست از این رو، برای رفع این معضل، تعدادی از عنوانها به صورت رنگی چاپ می‌کند البته صورحسابات چاپ این قبل آنها همانند خود عنوانها حندان حوسباید

سبب

سکله، تناسب عنوانها در متن و تمایز آنها از یکدیگر حاصل هر طراحانی است که عاسفانه و صبورانه تلاش نویسنده و مترجم را سامان می بخشد.

گفتم صبورانه چون متن از رونق حروفچینی کامیوبری و لرری، که این روزها حتی به خانه‌ها نیز راه یافته است، آماده کردن فقط سرصفحه یک کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای لافل به ۴۰۰ بار حسب کاری نیاز داشت و تازه معلوم هم نبود که در سده راه لیوگرافی به چه سرنوشتی دچار می شود. حالا محاسبه کند میران این کار بر زحمات را در یک کتاب ۸۰۰ صفحه‌ای اما همس کار توانم رسا به یمن وجود کامیوتر و حروفچینی لرری طرف ده دقیقه و ساند هم کمتر مسر است. با اینهمه در بوسته حاضر، همان طور که بیس از این هم اساره سد، هر جا در مورد اسحاب سوه مطلوب به ضرورت توصیه‌ای سده وجهه نظر این بوده است که، علاوه بر حفظ سادگی و اصالت کار و صرفه جویی در وقت و انرژی، به هزینه کمتری هم نیاز باشد از طرف دیگر، حتی در کار با نویسندگان عرصه حروفچینی (حروفچینی لرری) بر این اصل فراموش سده و استفاده کمتر حتی از کلیدها و دکمه‌ها در مدنظر بوده است اما فساد همین کلیدها و دکمه‌ها بر با انگسار هرمد طراحانی که بیس از این، جای جای متن را با جسم و دل لمس کرده اند، به یقین حاصلی حوساسدتر خواهد داشت

۲۸۷ ۵۵۵

WILSON, CLYDE William Heydenburg. *Medieval Logic and the Rise of Mathematical Physics*. Madison, Wis. The University of Wisconsin Press, 1958.
 ۱۹۵۸, p. ۲۲. *The Tragicomic Problem*. Ann Arbor, Mich. Edwards Bros., 1967.
 ELLER, SISTER MARY CLAUDE. *The Development of "Right" poetry from Regimentation*. Ann Arbor, Mich. University of Michigan, Ph.D. thesis, 1964.

تصویر ۱۱ صفحه آخر فصل در یک طراحی ناماست

کلام آخر اینکه تمامی اجرای متن و بستگی و ناست و آراس موزون آنها همه و همه ناظر به این است که حواسده در سفر آرام خود به دنیای متن احساس باهمواری نکند و به مدد ارتباط و اسجام اجزاء مقصود نویسنده را دریابد. انتخاب حروف، محل

از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی

لقمان

نشریه مرکز نشر دانشگاهی به زبان فرانسوی
سال نهم، شماره دوم

- "درواره‌های اب": حواد حدیدی؛
- ترجمه ساعرا نه حد رباعی حیات ریلر لارار؛
- امراض جمعیت در ایران. امیر آسفته تهرانی؛
- حرحانی و کتاب المعریفات: مورس گلوتن،
- نظامی، گنجینه عظیم بحیل ساعرا نه: حسین یک داعیان؛
- کتاساسی
- تصویر و اینه آن ایو نورتر؛
- احبار

فیلسوف خراسانی

محمدسعید حبیبی کاشانی

Everett K. Rowson, *A Muslim Philosopher on the Soul and its Fate* Al-'Amiri's Kitab al-Amad 'ala l-'abad, American Oriental Society, 1988, 374pp

اورت ک. راوسون، نفس و فرجام آن از نظر فیلسوفی مسلمان. کتاب الآمد علی الابد عامری. امریکی اورینال سوسایتی، ۱۹۸۸، ۳۷۴ ص.

در سده‌ای که دو فیلسوف بزرگ جهان اسلام، ابونصر فارابی (متوفی ۳۳۹/۹۵۰) و ابن سینا (متوفی ۴۲۸/۱۰۳۷)، از ستارگان بر فروع آن به شمار می‌رفتند، ستارگان دیگری، سر در سهر فلسفه و ادب سوسو می‌زدند و شاید تابانگی این دو شخصیت بود که آنان را کم‌فروع می‌نمود ابوسلیمان سجستانی (متوفی حدود ۳۹۰/۱۰۰۰)، ابوحیان توحیدی (متوفی ۴۱۴/۱۰۲۳)، ابوعلی (پس) مسکویه (متوفی ۴۲۱/۱۰۳۰) و ابوالحسن عامری (متوفی ۳۸۱/۹۹۲) از جمله این احرار کم‌فروع، اما بی‌سک بسیار مهم در تاریخ فکری این سده‌اند که اکنون با گسترش تحقيقات داسگاهی و عالمانه بار دیگر در عرصه‌های بر تنس فکری معاصر مطرح می‌گردند تا ساهدی ناسد بر حاودانگی فلسفه و مسائل آن

سرحسمه کتاب حاضر و برخی مطالعات دیگر که در همین دهه (۱۹۸۰)، در رسته فلسفه اسلامی در قرن چهارم/دهم، منتشر سدد در رساله‌های دکتری است که به اسراف و هدایت پروسور فرانتس رورنال نوسه سده‌اند در واقع، به گفته نویسندگان، فکر اصلی و جهت تحقیق را وی داده است. بیس از این، حوئل ل کرمر بر اساس رساله سلیم سده خود به داسگاه بل در سال ۱۹۶۷، که در خصوص مجلس ابوسلیمان سجستانی است، دو کتاب زیر را منتشر ساخته بود:

Jole L. Kraemer, *Humanism in the Renaissance of Islam and Philosophy in the Renaissance of Islam* (Leiden, 1986)

کتاب حاضر بر نسخه تجدیدنظر سده رساله دکتری است که مؤلف در سال ۱۹۸۲ به داسگاه ییل تسلیم کرده است؛ با این توضیح که تصحیح من عربی کتاب الآمد بیش از این در سال ۱۹۷۹ در بیروت، در مجموعه «حکمت ایرانی»، از مجموعه

انتشارات سعه تهران مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل به حاب رسده بود. اما به دلیل مسکلاتی که نویسنده آنها را از «عالم تحقیق» بیرون می‌داند حاب این متن بسیار بد بوده و او مسؤولیتی در فعال آن ندارد. حاب حاضر این مرتب را دارد که نویسنده از اسداتا انتها بر آن بطارت داسته و مسؤولیت آن را به تنهایی بر عهده گرفته است و علاوه بر ترجمه متن و سرح مسوط آن، مقدمه‌ای جامع بر بر آن صمیمه کرده است.

مؤلف کتاب را در سه بخش تنظیم کرده و کتابنامه و فهرس خود را بر به دنبال آنها آورده است. در مقدمه (حدود ۵۰ صفحه) دلیل سح عنوان بحث مسوفایی در خصوص سرح حال، آثار، فلسفه، منابع عامری در کتاب الآمد و بر تصحیح متن عرصه سده است. بخش دوم (از صفحه ۵۲ تا ۱۷۸) به متن مصحح و ترجمه آن اختصاص دارد که در صفحات محرّاً و روبروی هم فرار گرفته است. و سپس مهمترین بخش کتاب می‌آید (حدود ۱۵۰ صفحه) که مستمل بر سرح محققانه و عالمانه‌ای است بر کتاب الآمد علی الابد عامری

ابوالحسن محمدس يوسف عامری در خراسان دیده به جهان کسود و غالب ایام زندگی خود را در همین دیار سر برد. سال تولد او داسته بیست، اما به روایت حاکم بیسپوری (متوفی ۴۰۵/۱۰۱۴)، مؤلف تاریخ بیسپور، وفات او در ۲۷ سوال ۳۸۱/۶ رابویه ۹۹۲ بوده است.

عامری ساگرد ابوزید بلخی (متوفی ۳۲۲/۹۳۴) بود و زندگی بر فرار و سیبی را ست سر گذاست. او سالهایی از عمر خود را در ری و بغداد (حدود ۶۵-۳۵۰/۷۶-۹۶۱) گذراند و اطلاع ما از احوال او در این سالها، به لطف ابوحیان توحیدی در کتابس الامتاع و الموائسه، بالنسبه سایان توخه است عامری در ری به خدمت ابوالفضل بن عمید (استادالرئیس) درآمد تا از سخاو و حمایب او برخوردار شود. اما، به گفته توحیدی، امیدش به یأس گرایید و وریر نا حس خود اسک در دیدگان فیلسوف ساند عامری سالهایی را بر به همراه ابوالفتح بن عمید (دوالکفایتین)، فرید و حاسین ولیعمت سافس، در بغداد بود و در آنجا رویارویی تلخی با ابوسعید سیراف، بحوی بر حسته آن ایام داس، به طوری که ابوسعید سیراف بعدها به توحیدی گفت، این رویارویی از مناظره مسهور او با ابوبسر متی بن یوس نیز تلختر بود.

عامری، حدود ۳۷۰/۹۸۰، به بیسپور بارگست و نا دربار سامانیان در بخارا روانطی بر فرار صاحب. کتاب الآمد علی الابد

حاشیه.

(۱) این دو کتاب را نگارنده به فارسی ترجمه کرده است. بر جاب.

ر ۹۸۵-۶/۳۷۵ در بخارا نوشته شد. و همان طور که بیستر هتیم، عامری در ۹۹۲/۳۸۱ در بیسانور وفات یافت.

عامری در ابتدای کتاب الأمد فهرستی از آثار خود به دست می دهد، شامل هفده اثر، و اینها غیر از رسائل وحیره و سروح یا نار فارسی اویند. از این فهرست بی درنگ روشن می شود که نامری علاوه و توجه خاصی به دین دارد چهار اثر اول که بویه ربارة دین اند عبارت اند از (۱) الانامه عن علل الدیانه، (۲) (علامه بناف الاسلام، (۳) الارصاد لتصحيح الاعتقاد، (۴) السك لعقلی و التصوف الملی توحه عامری به دین منحصر به اسلام است (علامه بناف الاسلام او بحی تطبیقی است در مقایسه سلام با دین یهود، آیین صانی، مسیحیت، آیین زرتشتی و سرك. عامری توحه و علاوه به بحث نظمی ادیان را از اسنادس انورید لمحی، که کتابی به نام سرایع الادیان بوسه بود، به ارب برده بود و می دانیم که بلخی نیز از اسناد خود یعقوب بن اسحاق کندی یروی می کرد. بدین ترتیب مهمترین حلقه اتصال میان این سه ن را می توانم بنام مسأله عقل و وحی

موضع کندی در خصوص این مسأله بسیار مشهور است او بان «علم انسانی» که از رهگذر سعی و اجتهاد کسب می شود و «علم الهی» که بربر است و تمیل ان در وحی است نمایر فائل سد، اما منکر ان سد که میان آن دودر اصل تحالفی ناسد انورید لمحی سر طاهرا می کوسیده است که تقریب میان فلسفه و سربعت با سستر کند، اما ار آراء او در ان رمسه خرابدکی به دست نداریم. با اینکه بلخی بوسیده ای کسر التألیف بوده، امرور او را در درجه نخست جعفر افندان می دانند و سها يك ابر، که در رمیه جعفر افنا بیست، او او در دست داریم و این در حالی است که صاحب نظران بدیم همه او او به بررگی ناد کرده اند. ان بدیم او را در رمرة «ادبا» سمرده، بعالبی سبك ادبی او را ستوده، یا هوب او را یکی از سه متکلم جهان خوانده و توحیدی گفته است که او در عراق به (جاحظ حراسان» مشهور بود، سهرستانی بیر او را از حمله فلاسفه اسلام ذکر می کند. به هر تقدیر، می باید سخن توحیدی را مبنی بر بیروی عامری از بلخی، در جمع حکمت و سربعت، مسلم انگاریم.

اما بگرس عامری سبب به عقل و وحی، فلسفه و اسلام، را به روسترین وجه در فصول ابتدایی الاعلام بمناف الاسلام می توان مشاهده کرد در آجا عامری از علوم دینی و غیردینی بحث می کند و فضایل هر يك را سرح می دهد و از فلسفه در برابر حمله متدیان و نیز از متدیان در برابر حمله فلسفه دفاع می کد او به آن «گروه از فلاسفه» و آن «طایفه از باطنیه» حمله می کد که مدعی اند دانش آموخته را حاجت به عمل به فرایض نیست، مگر آنکه با این عمل بخواد بر حلابی سلطه نابد و همحین دعوی بر

اینکه داس را ناید به خاطر خود ان جستجو کرد و نه برای هدایت یا عمل صحیح.

عامری معتقد است که عمل اسرف از علم است و بالسنحه علوم دینی اسرف از علوم غیردینی اند، حون مسی بر وحی اند و از این رو مضمون از سك وانگهی، اعتقاد به آنکه عقل انسان می تواند بر وحی اصول کلی اخلاقی را فراهم کد به معنای ان نیست که عقل محتاج وحی نیست، براسا حن همه اعمال مفید با داسس اموری از فعل خلق جهان و حگوگی ریدگی دیگر برای انسان ممکن نیست، وحی انی حلا را بر می کد بدین ترتیب، عامری سن از کندی، در سسل دوم، به اهتمام ازحمندوی، آسبی میان فلسفه و دین، همت می کمارد و سن از هر حمر می کوسد که فلسفه را در برد مخالفان ان مسروعیت بحسد

کتاب الأمد علی الأبد، که برنودترین اثر عامری است به مسأله ای حساس احصا حن دارد: نفس و نقای ان عامری با بحث از این مسأله حساس، که بعدها عراقی به برحی فلاسفه (یعنی فارابی و ابن سینا) از باب انکار فلسفی ان (با آنکه از روی ایمان ان را بدرهه بودند)، یعنی حسر احساد، سست کفر داد کوسد به مدیان سان دهد که حگو به نك تحلیل صحیح فلسفی در خصوص این مسأله به فقط با اعتقادات اسلامی معار و مخالف نیست بلکه مؤتد ان نیز هست بدین ترتیب خطاب ان رساله به نه فلاسفه با مفلسفون بلکه به اهل حدیث و فقها و متکلمانی است که سنون فقرات جامعه محافظه کار حراسان ان رورگار بودند

با این همه، کتاب الأمد علی الأبد عمفا رسه در سبب فلسفه افلاطونی و بوافلاطونی دارد و منابع گسردۀ آن احتمالا ساهدی است بر کمال و عظمت کتابخانه سامانان در بخارا، کتابخانه ای که ابن سینا از ان بهره ها برده است

اصلی ترین منبع یونانی که در کتاب الأمد از ان استفاده سده فایدون افلاطون است و همان طور که می دانیم فایدون مهمرین و با نفودترین اثری است که در فلسفه یونانی دربارۀ نقای نفس بوسه سده است. راوسون در حای حای کتاب الأمد سواهدی را نافه که دال بر اسایی مسقم عامری با فایدون افلاطون است، اما نکه ایحاست که هج ترجمه (عربی) کاملی از فایدون، که نافی مانده باشد، به دست ما بر سیده و منابع قدیم هم از ترجمه حسن ابری حبر نداده اند. با این همه، ابن بدیم در سناهۀ آثار بر فلس (بروکلوس) از سرح او یاد می کد: فادون. فی النفس، نه سربانی، که ابوعلی بن زرعه اندکی از ان را به عربی ترجمه کرده بود. اما مهمرین منبع دیگری که در ان می توانم ردی از فایدون بیابیم تحمض ماللهند (نایان نالف ۱۰۳۰/۴۲۱) از ابورحان

وبی است. بروبی در این کتاب حدود مانده بار از فایدون قول می‌کند و این نقل قولها از تمامی بخشهای این آورده‌اند و ترجمه هم بالنسبه دقیق است و حتی نامهای خاص، د هادس و آکرون، نیز ترجمه شده است.

در بی سان فاندون به ترجمه‌ای فارسی از آن می‌رسیم ی ک کل در ۱۹۶۸ ضمن مقاله‌ای اطلاع داد که ترجمه‌ای فارسی از یون را، بر مسای ترجمه غربی آن، حرو مخطوطات کتابخانه سه، در ترکیه، یافته است^۲ این نسخه خطی که ظاهراً به خط م است تاریخ ۷۷۵ (۱۳۷۴/۱) و نام محلی به نام برری (۲) نک ایدس، را بر خود دارد. بورکل اس من فارسی را با قولهای از فاندون که در کتاب بروبی آمده مقایسه کرد و ن داد که هیچ وجه استراکی با یکدیگر ندارند. اما او منع نری یافت که با اس ترجمه فارسی ساهبهایی بردیکی داد و ان بی است به نام ادب الطیب، از اسحاق بن علی رهاوی (اسهار سوم/بهم) اس اثر مسلم بر تاریخ محصری است از ند اطباء و حکما و در ان رهاوی برای وصف بواب و عقاب روی از فاندون افلاطون نقل قول می‌کند به هر تقدیر، از سی منابع موجود عربی می‌توانم استنباط کنم که دست کم در بل قرن چهارم/ دهم روایی در خصوص حگوئگی مرک راط در دست بوده و اس روایت عمده براساس نقل قولها و مضههایی از فاندون، و از جمله خلاصه‌ای از احتجاج سمراط اره فوایس از محاوره کریون، ساخته شده بوده است. با پایان گرفس بحث درباره منابع عامری، که تفصیل بسیار د، به توصیحات مؤلف در خصوص حگوئگی تصحیح متن رسم، از کتاب الامد علی الاند بها نک نسخه خطی در مابول محفوظ است (سر ویلی ۱۷۹، برگهای ۱۱۰ الف - ب) که بحسب محتبی موسی ان را در ۱۳۲۵/۱۹۵۷ معرفی ده است.^۳

و اما کتاب الامد علی الاند، همان طور که فلا گفتیم، به طور حص به مسأله حاودانگی با نهای نفس اختصاص دارد (و بحی اره ساهی رمایی جهان) و عامری اندسه‌های خود در خصوص ای فلسفه و دین را، بهر از هر جای دیگر، در این کتاب بیان ده است. عامری در مقدمه می‌گوید که به دلیل بحث و تراسی که خصوص زندگی بعد از مرگ وجود دارد تصمیم به نوشتن کتابی این خصوص گرفته است و از آنجا که او به روس فلاسفه بحث کند ابتدا چهار فصل مقدمانی را به ذکر اراء فیلسوفان یونانی نصاص می‌دهد با حواسده با عقاید آنها اسنا سود و ببید که گونه کسانی بدون تکیه بر وحی بواسه‌اند عقاید صحیحی در خصوص ابرار کند. در ادامه بحث او بر فایده و ارج علوم دینی (اوایل) بیسیان و سر «سگانه بودن» آنها (ویرا این

علوم از سرق بر حاسه‌اند) و وجود ارساطهایی میان آنها و سن اساء تأکد می‌کند.

بحث فلسفی او از فصل سجم آغاز می‌شود و عامری در این فصل و فصول بعد از ان با سلسله تراسی در خصوص نهای نفس افامه می‌کند و بر انها بحث فوای نفس و بحث میان عالم حسی و عالم عقلی را بر می‌افزاند. تراسی نهایی در خصوص نهای نفس در پایان فصل سترده و در فصل چهارده ارائه می‌شود عامری سس موخه تلقی فیلسوفان از عالم عقلی، حانه نفس بعد از مرگ، می‌شود (فصلهای ۱۶-۱۸) و از در حات بواب و عقاب در جهان دیگر بحث می‌کند (فصل ۱۸) فصل هفدهم در اس میان کسسی است که در ان نک سلسله تراسی بر حد اس نظر که نفس هماهنگی است و بدون بدن نمی‌تواند وجود داسه ناسد افامه می‌شود، این نظر به معتزله و «گروهی از طبعیون» سبب داده می‌شود عامری در فصل یوردهم به بحث درباره نظر با محتلمی که درباره بواب و عقاب عرضه شده می‌برد و موفق اسلامی معیار را از اس بحث نتیجه می‌گیرد. فصل یورده با استدلالی در خصوص امکان پایان جهان جسم می‌شود در فصل بیسم، احریس فصل، کوسس می‌شود که اختصاص وعد و وعید به اسان بر اساس وضع او در عالم سان داده شود در اینجا عامری بیستر به فایده عملی وعد و وعید تأکد می‌کند تا نفس مدلول لفظی و ظاهری آنات فران.

سن اس و ترجمه آن، مؤلف سرح مفصل خود را می‌آورد که به مابند من در بیست فصل تنظیم شده است و هر فصل آن سرحی بر یک فصل من است. مؤلف می‌گوید که در سرح من علاوه بر بروهس درباره منابع ان، انگره‌ها و محاطان عمدی ان، توخه خاصی بر به کل تاریخ فلسفه یونانی و اسلامی و بر به ماسات موجود میان فیلسوفان و عالمان و متکلمان در فاصله میان فارابی و اس سنا مدلول کند.

در پایان توخه بدس بکه نایسه است که کتابهایی همچون کتاب حاضر معارهایی را فراهم می‌آورد که بر اساس آنها می‌توان درباره هر اثری که ادعای بحس اکادمیک داسده ناسد قضاوت کرد. ستراین، اگر می‌خواهیم همچان حرأت بوستن داسده باسیم، همان به که حسین کتابهایی بحوانیم و ترجمه نکیم!

حاشیه

(۲) رجوع شود به

Burgel, J.-ch "A New Arabic Quotation from Plato's *Phaedo* and its Relation to a Persian Version of the *Phaedo* " *Actes du IV^e Congresso de Estudos Arabes e Islamicos* Lisbon, 1968 (1971), 281-90.

(۳) رجوع شود به میوی، م «ار حرائی ترکیه»، محله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره ۲ (۱۳۳۵) ۲۲-۷۵

«الگ گرابار» و هنر و معماری اسلامی

کامیار عیدی

Essays in Honor of Oleg Grabar (Muqarnas vol 10), Leiden, E J Brill, 1993

بی تردید در میان تمام سبکهای هنری و معماری فرون وسطی، هنر اسلامی از همه ظریفتر، استادانه‌تر، بی‌حده‌تر و برمعاتر است. پس از برابری امراتوری اسلامی، اعراب که فلمروی سس وسیع را به جنگ آورده بودند با ادعان به ضعف فرهنگی خود نسب به ملل مغلوب بیستر کارها از سیاست و کسورداری تا خلق آثار هنری و معماری را به آنان واگذاستند و خود به خلاف سسده کردند. از این رهگذر هنرمندان و معماران فرون اوله اسلامی با بهره‌مندی از منابعی غنی حون هنر و معماری ساسایی و بیراس نخستین گامها را در حلّ هنری برداسند که در فرون بعد شخصیت و ویژگیهای خاص خود را تبیت کرد و ما عنوان «هنر اسلامی» از سایر هنرها ممایز و بل یک سر و گردن بالاتر سد. امروره مطالعه هنر و معماری اسلامی و حنبه‌های مختلف کاربردی، ریبابی سناحتی و ایدئولوریک آن از ساحه‌های حدّاب باستان سناسی به سمارمی رود و بی سک یکی از صاحب‌نظران مسلم آن پروفیسور الگ گرابار است.

وی در سال ۱۹۲۹ در استراسبورگ فراسه متولّد سد تحصیلات مفدماتی را در فرانسه گذراند و برای تحصیلات دانشگاهی به امریکا رفد در سال ۱۹۵۰ در رسته تاریخ فرون وسطی از کالج هاروارد لیسانس گرف و در سال ۱۹۵۵ موفی سد با نگارش رساله‌ای درباره هنر و آداب دربار امویان از دانشگاه پرینستون در رسته‌های ربانها و ادبیات سرفی و تاریخ هنر سرفی مدرک دکتری دریافت کند. او همحس در سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۵۰ از دانشگاه پاریس لیسانس تاریخ باستان، فرون وسطی و معاصر گرفت. پس از یک سال اقامت در بیت المقدس به عنوان عضو مؤسسه شرق سناسی امریکا، در سال ۱۹۵۴ کار تدریس خود را در گروه تاریخ هنر دانشگاه میسینگان آغار کرد و در سال ۱۹۶۵ به مقام استادی رسید. او در سال ۱۹۶۸ استادی هنرهای زیبای

دانشگاه هاروارد را بدیرفت و از ۱۹۶۹ در آنجا مسعول به تدریس شد. سس از تأسیس کرسی آفاحان برای تدریس هنر و معماری اسلامی در دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۸۰، گرابار نحسین استادی بود که این کرسی را اسغال کرد.

گرابار در بسیاری از ساحه‌های تاریخ، هنر و معماری اسلامی فلم زده است نخستین مقاله او که حاصل سربک در سمینار انجمن سکه سناسی امریکا بود در سال ۱۹۵۳ با عنوان «درباره دو سکه از مطفر غازی» منتشر سد و تحقیقات بیامد آن به تألف کتاب سکه‌های تولوبی‌ها در سال ۱۹۵۷ انجامید. سس از بایان کار رساله دکتری، موضوع رساله گرابار را به گسترس تحقیقات خود در رمینه هنر صدر اسلام رهمون کرد و این امر به نگارس چند مقاله از حمله «نخستین ناهای پادمانی اسلامی» منهی سد و سس از حدین سحرانی در کالج برلین به نگارس ابر ورین سکل گیری هنر اسلامی برداحب. این کتاب که آغازگر مرحله‌ای حدید در تحلیل هنر اسلامی بود به حدین زبان از حمله المانی، اسانیایی، فراسوی و ترکی استانبولی ترجمه سده (و به فارسی در دب ترجمه) است و ویرایس دوم آن با اضافات در سال ۱۹۸۷ مجدداً از سوی انتشارات دانشگاه ییل به حاب رسد. در همین سالهای بحسب سس از فارغ التحصیلی بود که گرابار کتاب هنر ایران بیش و پس از استیلای معولان را به رسته تحریر در آورد. علاوه به هنر اموی گرابار را به هفب فصل حفاری در محوطه اسلامی قصر الحیر السرفی در سوریه کساند. نایچ این بروره، که از سوی موره باسان ساسی کلری در دانشگاه میسینگان و با همکاری دانشگاه هاروارد و مؤسسه سرفی ساسی دانشگاه سیکاگو ترتب داده سده بود، علاوه بر حد گراس مفدماتی، به وسله وی و همکاراس در کتابی دو حلدی با عنوان سهری در صحرا منتشر سد.

گرابار سس از آسانی با مورّح برجسته هنر اسلامی کورب وایتزمان به سوی سسخه‌های مصوّر اسلامی حلب سد و بقاسیهای کتاب مقامات حریری را برای سسخنرانی خود در این رمینه در دانشگاه پرینستون برگزید. با سگیری این موضوع، گرابار موفی به نگارس چند مقاله و ترتیب دادن سمیناری درباره ساهنامه دموب در سال ۱۹۷۴ در دانشگاه هاروارد سد که سرانجام با همکاری سیلا بلر به نگارس کتاب، نفوس حماسی و تاریخ. نگاره‌های ساهنامه بزرگ معولان انجامید (درباره ساهنامه دموب، رک حبیب معروف، «به دفتر نگارید حدین نگار»، نسر دانش، سال دهم، سماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۶۹).

از دیگر کتابهای گرابار که ریسده در سمینارها و سسخنرانیهای او دارد می‌توان به مسجد جامع اصفهان و اوح ترینات اساره کرد علاوه دیرنای وی به کاخهای اسلامی به نگارش کتاب الحمر



آلگ گرانار

و (۱۹۸۷)، سگلداس (۱۹۸۵)، تاراسا و کنیا (۱۹۸۹) و کویت (۱۹۹۰) کساند و او در طی این سفرها به مطالعه معماری سنتی و تأثیرات متقابل این سبها با سس امروزی این کسورها پرداخت. گرانار در طول سالهای تدریس بارها به دریافت حوایی بایل سده و به عضویت افتخاری مؤسسات فرهنگی مختلفی چون انجمن فلسفه آمریکا، مؤسسه باستان ساسی آلمان و اکادمی بریتانیا در آمده است در همن سالها او موفق سدهها دانشورا ترب کد که عده ای از امان موقی به دریافت درجه دکتری در تخصصهای گوناگون سده اند، به طوری که امروزه نمی توان موره یا مؤسسه ای را در امریکا یافت که تحقیق درباره هر و معماری اسلامی را در برنامه کاری خود داشته باشد، اما یکی از ساگردان گرانار در آن حا مسعول به کار باشد

سسهاد گرانار مبنی بر تأسس نیادی برای بروهس و آمورس سس و سوههای معماری اسلامی با کمک مالی افاحان حامیه عمل نویسد و در سال ۱۹۷۹ تسکلاتی برای معماری اسلامی به طور مسرک در دانشگاه هاروارد و مؤسسه تکنولوری ماساچوست تأسس سد یکی از بنایح برنامه افاحان انتشار سرییه جدیدی به نام مفرس است که به صورت سالانه منتشر می سود و به هر و معماری اسلامی اختصاص دارد. دو محلد نخست این سالنامه را انتشارات دانشگاه ییل و محلد سوم به بعد را (به همراه حد. نیوس) انتشارات بریل در لیدن هلند منتشر کرده است گرانار یکی از بنیادگاران و نیروی انتشار ارسد این سالنامه به سمار می رود و با سماره هم ویراستاری آن را بر عهده داشته و سس بارسیسه سده است به همن دلیل و به منظور فدردایی از تحقیقات گسترده و رحما بی دریغ گرانار در تربیت دهها محققص هر اسلامی، هنت تحریریه محله مفرس بر آن سد با سماره دهم این سالنامه را به افتخار او تربیت دهد در این محلد، که به همت ساگردان گرانار تهیه سده است، سس از شرح حال (که حکیده ای از آن در بالا آمد) و کتاب ساسی پروفیسور گرانار، ۳۷ مقاله به حسم می خورد که عناوین آنها موضوعات گوناگون را در زمینه هر و معماری اسلامی از گوشه و کنار جهان اسلام در بر می گیرد

گرانار در سال ۱۹۹۰ از دانشگاه هاروارد کناره گرفت تا به سمت فعلی خود یعنی استادی مدرسه مطالعات تاریخی مؤسسه تحقیقات عالی در بریستون ارتقا یابد به یمن فرصت پروهشی سمب حدید بود که وی با تدوین سحرانیهای بسین خود کتاب اوج تربیات را تألف کرد

آلگ گرانار اکنون بر همجان فعال و کوساست و در کنار سایر کارهای فرهنگی و تربت دانشجو به مطالعات خود درباره روایی محلف هر و معماری اسلامی ادامه می دهد.

انحامد، این کتاب سر به حد ریان از حمله آلمانی، اساسایی و لهستانی بر حمله سده و ویراس دوم آن در سال ۱۹۹۲ مسر سده است. توجه او به هر حلفای فاطمی بیر به نگارس حد مقاله از حمله «هرهای دریاری و مردمی در اسلام» منتهی سد گرانار تا به حال فصول، مقالات و مدخلهای متعددی را بر درباره مسائل محلف هر اسلامی برای مجموعهها، محلات، فرهنگنامهها و داسنامههای محلف حون دائره المعارف بریاسکا، داسنامه ایران، دائره المعارف اسلام (حاب لندن) و تاریخ ایران (حاب کمبریج) نگاسه است از حمله کارهای مقدمانی او می توان به همکاری با ریحارد اتسگهاورن در نگارس کتاب هر و معماری اسلامی از ۶۵۰ تا ۱۲۵۰ میلادی اشاره کرد که بهیه آن از سال ۱۹۵۹ اعار سد و سرانحام در سال ۱۹۸۷ به حاب رسید. این کتاب یکی از معدود راهنامههای مقدمانی درباره هر اسلامی است گرانار علاوه بر هر و معماری اسلامی در رمنه هر ساسانی بیر بوستههایی دارد که از حمله می توان به کتاب اساء سیمین ساسانی، هرهای ظریفه ایران در اواخر عصر باستان و اوایل فرون وسطی و مقاله «تفافصات در هر ساسانی» اشاره کرد افرون بر مواردی که به آنها اشاره سد، گرانار بوستههای بسیار دیگری بر دارد که مجموعاً به ۱۴۰ عنوان کتاب، مقاله، مدخل، مقدمه و بعد کتاب بالغ می سود

پروفیسور گرانار درباره مسائل و موضوعات مختلف هر و معماری اسلامی سحرانیهای فراوانی ایراد کرده که از آن حمله است: حد سحرانی در دانشگاه کلمبیا در سال ۱۹۶۷، کالج اُرنس ۱۹۶۹، دانشگاه نیویورک ۱۹۸۷، گالری ملی واسگتس ۱۹۸۹ و مؤسسه جهان عرب ۱۹۹۲

از اواسط دهه ۱۹۷۰ گرانار به بررسی معماری معاصر اسلامی پرداخت. همن امر او را به سفرهایی به کسورهای محلف اسلامی و متأثر از اسلام حون اندویری (۱۹۷۹)، پاکستان (۱۹۸۰ و ۱۹۸۳)، حس (۱۹۸۱)، سیکال (۱۹۸۲)، هند (۱۹۸۴)

سیره‌هایی است که در تاریخ مطالعات اسلامی غرب به زبانهای اروپایی نوشته شده، حتی نزد خود محققان فرنگی نه «غیرهمدلانه و گاه علناً خصمانه» بودن مشهور است. با این حال، روس اجمالاً عالمانه اسلام‌شناسان غربی، و بویژه اروپایی دوره بعد از رنسانس، بعد از آشنایی مسلمین با دستاوردهای تمدن عرب، هر روزه بیشتر مورد اخذ و اقتباس و گاه حتی تسبیح مسلمین قرار گرفته است. اگرچه این رویکرد عالمانه همواره و حتماً همدلانه هم نبوده، اما در عین حال شك نیست که تحول از فحاشیهای صریح و زمخت فزون و سطایی غرب به اسلام و مسلمین و حصر رسول اکرم (ص)، نه احوالی نظیر آنچه توماس کارلایل در کتاب *Hero and Heroworship* (لندن، ۱۸۴۰) خود درباره حصرت رسول دارد، جر در برتو همین فضای کلاً غیرصلیبی ممکن بوده است.

ناری، امرورده حدود بیست ابر عمده به عنوان سیره حصرت محمد (ص) در ریان انگلیسی موجود است که کمتر از نیمی از آنها را مسلمانان نوشته بوده‌اند؛ از مهمترین آثار در زمره اس دسته اخیر، بحر سیره رسول الله ابن اسحاق که توسط آلفرد گیبوم به انگلیسی ترجمه و در سال ۱۹۵۵ در لندن منتشر شده (و بس از آن مکرراً تجدیدحاج گردیده)، کتابهای *Muhammad His Life Based on Earliest Sources* نوشته مارین لیگر (لندن، ۱۹۸۳)، *The Prophet and His Message* نوشته حلیفه عبدالحمید، (لندن، ۱۹۸۳)، *Muhammad The Life and Teachings of the Prophet Muhammad* نوشته م. رنوف (لندن، ۱۹۶۹)، و بالاخره *Life of Muhammad* نوشته محمدحسین هیکل (لندن، ۱۹۷۶) قابل ذکر است. مشهورترین یا قابل توجه‌ترین سیره‌هایی که غیرمسلمانان به ریان انگلیسی نوشته‌اند (یا از زبان دیگری به انگلیسی ترجمه شده است) بیر، بجر ابر مشهور میور که بیشتر ذکر شد، نخست دو ابر اساسی مونگمری و اب تحب عناوین *Muhammad at Mecca* (آکسفورد، ۱۹۵۳) و *Muhammad at Medina* (آکسفورد، ۱۹۵۶) است (که ملخصی از هر دو بویژه از يك نقطه نظر سیاسی، در کتاب دیگر و اب، یعنی *Muhammad Prophet and Statesman*، آکسفورد، ۱۹۶۱، عرضه شده است)، و سپس *Muhammad* نوشته مایکل کوک (آکسفورد، ۱۹۸۳)، که اخرا به عنوان رساله فارغ التحصیلی فوق‌لیسانس توسط یکی از دانشوران داسگاه تهران، به فارسی ترجمه شده)، ترجمه انگلیسی کتاب تور آندره تحب عنوان *Muhammad The Man and His Faith* (توسط Menzel، لندن، ۱۹۳۶)، ترجمه انگلیسی *Muhammad* ماکسیم رودنسون (توسط آن کارتر، نیویورک، ۱۹۷۱)، کتاب عالیشان بادل (Bodley) تحت عنوان *The Messenger Life of Muhammad* (نیویورک، ۱۹۴۶)؛ *The Life of Muhammad*

سیره‌ای جدید به زبان انگلیسی

مرتضی اسعدی

Golam W Choudhury *The Prophet Muhammad: His Life and Eternal Message*, London, Scorpion Publishing Ltd, 1993, 195p

غلام چودری. محمد رسول الله زندگی و پیام ابدی او لندن، اسکوریپو، ۱۹۹۳، ۱۹۵ ص.

تدوین سیره‌هایی عالمانه و امروزین از حضرت رسول (ص)، از جمله نخستین گامهایی است که پس از عالمانه‌تر شدن رهیافت مطالعات اسلامی و غیرصلیبی شدن انگیزه‌های این مطالعات در غرب، بویژه بعد از قرن ۱۸ میلادی، برداشته شده است. نخستین سیره‌هایی که با این نگرش و روس عالمانه جدید به ریانهای اروپایی تدوین شده است، عبارت است از سه ابری که به ترتیب گوستاو ویل آلمانی (G. Weil) در ۱۸۴۳ (به ریان آلمانی)، سرویلیام میور انگلیسی (Sir W Muir) در ۱۸۶۱ (به ریان انگلیسی)، و اسپرنگر آلمانی (Sprenger) در ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ (در ۳ جلد، به ریان آلمانی) نوشتند. حتماً لازم است توضیح داده شود که غیرصلیبی شدن نگرش علمای غرب نسبت به اسلام و پیامبر اکرم (ص) و قرآن و مسلمین، که اساساً مولود تحولات بعد از رنسانس بود، بالضروره به معنای همدلانه شدن و دفاع‌پذیر بودن آناری که با نگرش جدید فراهم می‌آمد (و می‌آید) نیست. مثلا کتابی که سرویلیام میور تحت عنوان *The Life of Mahomet* در سال ۱۸۶۱ میلادی نوشت، در حالیکه یکی از نامبردارترین

درمنگام (لندن، ۱۹۳۰)، کتاب مشترک دینه (F. Dinet) و ابن ابراهیم تحت عنوان *The Life of Muhammad, The Prophet of Allah* (پاریس، ۱۹۱۸)، و بالاخره ابن مارگلوب تحت عنوان *Muhammad and the Rise of Islam* (لندن، ۱۹۰۵) بر حرو و ابن دسته دوم قابل ذکر است.

حدید ترس ابری که در این رمنه به زبان انگلیسی انتشار یافته، همین کتاب موضوع معرفی، یعنی کتاب غلام خودری پاکستانی (یا در واقع سگلداسی) است که در سال ۱۳۷۲/۱۹۹۳ در لندن انتشار یافته است خودری مولد روستایی در سگلداس کنونی بوده، و در سالهای قبل از تقسیم پاکستان، در سال ۱۳۵۰/۱۹۷۱ در پاکستان سرفی مقام وزارت داشته و در حلال دهه ۱۳۶۰/۱۹۸۰ با ضیاءالحق فهد روابط صمیمانه و بزرگ داشته، و از او اواسط دهه ۱۹۵۰ تا کنون در مدرسه امور بن المللی و عمومی دانشگاه کلمبیا در نیویورک، در زمینه «اسلام و تجدید» تدریس می کرده است وی در سسکفتار کوتاهی بر این کتاب گفته است که تا کنون ده کتاب «عمده»، ستر در زمینه مطالعه تطبیقی حکومتها، روابط بین المللی و سیاس خارجیه نوشته بوده، و این بوجه حدیدس به اسلام و اهتمام به بوسس يك سره حضرت رسول (ص) به زبان انگلیسی را مدیون تسویق و بحریض ضیاءالحق فهد می داند، او باین همین تسویق و بحریض، بس از بوستن این سیره، دو کتاب دیگر نیز درباره اسلام بوسه بوده است: یکی درباره قانون اساسی پاکستان که موضوعات اصلی مطرح در آن «نهاد نظام اسلامی و دین و دولت در اسلام» بوده است؛ و دیگری کتابی تحت عنوان اسلام و جهان حدید که به طور همزمان در امریکا و انگلنس منتشر شده بوده است. نگارس این کتاب سره حدید بانی از توجه و علاقه ای بود که خودری در خلال مطالعاتش برای نگارس آن دو کتاب قبلی بسبب به ریدگانی حضرت رسول اکرم (ص) یافته بوده است، او گفته که در نخستین ساعات رور (یا سب!) ۶ فوریه ۱۹۸۹ حضرت رسول (ص) را در خواب دیده، و در نسخه با «سور و عربی رسالمنده» به نگارس این سیره حدید همت گماسته، و در حروان بدوس ابن ابر، علاوه بر همکاری همکاران داسگاهی اس در داسگاه کلمبیا، از امدادهای مالی سفارت سعودی در واسگنس سر بر حوردار بوده است.

همه این توضحات برای این بود که سنان داده سود بر فسور غلام خودری، همچنان که خود نیز معترف بوده (ص دوم سسگفتار همین کتاب که شماره گذاری هم شده است)، برای نویسن سره حضرت رسول (حر سور و غرب مؤمنانه) اهلب و صلاحیت کافی نداشته است، و لذا علاوه بر ارائه آراء و تفسیر معیوب، اساساً بر گزارشها و منابع دست حدم بکنه کرده است.

این کتاب سس از يك مقدمه ۱۱ صفحه ای (که در همان اولین سطر آن، مؤلف گفته است که این کتاب صرفاً حاصل عسی او به اسلام است)، هفت فصل، يك کتابسای و يك فهرست راهما دارد. فصول همگانه کتاب عبارتند از: ۱) محمد امین: تولد و بحسین سالهای ریدگی (۲) وحی و نبوت (۳) سامرا اکرم (ص) به عنوان رئیس یا رهبر بحسین دولت اسلامی (۴) استر اریهای نظامی و مهارتهای دیپلماتیک (۵) مصلح کبر (۶) اسوه حسنه و ۷) پیام اندی سامرا اکرم (ص).

در تدوس این فصول، «از اینجا که هدف نویسنده يك امر عینی» بوده است لذا «از بعدار رادی از آثار مر بوطه، اغلب از آثار نویسندگان سرمسلمان، استفاده کرده است» (ص ۱) وی گفته است که کوسیده بوده تا «از صحیح ترین منابع ممکن استفاده کند» در حالی که «هم به گفته بلو بحی خود او، وی زبان عربی که «منابع دست اول به آن بوسه سده بوده» نمی دانسته است (همانجا) شاید به همین جهت است که در ذکر حاتمیت رسالت حضرت رسول اکرم (ص)، در حالی که خود نص صریح قرآن مجید (یعنی آیه ۴۰ از سوره احزاب) را (نه بر حمله انگلیسی عبدالله بوسف غلی که بکی از مهمربس مسندات بوسیده است) نقل کرده، به قول فضل الرحمن انصاری اسسهاد می کند که «همچنان که فضل الرحمن انصاری اساره کرده است، از همان بحسین رورهای عصر اسلام، مسلمنس عقیده دانسته اند که رجبره متسلسل اساء به حضرت محمد (ص) حسم سده و نایان یافته است» (ص ۲) انکای بوسیده بر منابع دست حدم در زبان انگلیسی، و بحقص و بعلی خاطر اسکارا «سیاست بس الملل اندیسانه» بویسنده موجب سده است که باینر کتاب، بدرستی، اس ابر را «يك اثر غامه بسد با غبر غالمانه در سره حضرت رسول» (popular biography) بداند که «نورده بقصد حسن راههای تطبیق با اعمال تعالیم حضرت رسول در جهان اسلام حدید» فراهم آمده است، و گرچه از نقطه نظر بی مؤمنانه بوسته سده، معدلك به قصد رفع سوء تفاهمها و تصحیح بیسداوریهای غلط عربیان، خطاب به آنان سدر دارد اساره به همه یا بساری از سفظاه احوال و آراء بویسنده کار بی فایده ای است: تنها اساره به بر حی از این اسساهدات می تواند نمویه وار بآسد: «طبر انابیل» را که سباه ابرهه را از ما در آورد همانا اله می داند (ص ۱۸): ریدین حاربه را بر خلاف نص صریح قرآن (و بلحاظ انکای بر منابع انگلیسی) سبر خوانده حضرت رسول (ص) می داند (ص ۲۹ و ۳۷): «قدر» را در تعبیر قرآنی «ليله القدر»، ظاهراً با اسناد به ترجمه انگلیسی بوسف غلی، به سب قدر (Night of Power) بر حمله کرده است، از قول محمد مارمادوك بیکال، نام قرآن مجید را بسا از آن ره «قرآن» می دند که حبرنیل در تنزل اولس وحی

مکرراً به پیامبر گفته بوده است که «افراء» (ص ۳۶)؛ از قول سیر ویلیام میور در شرح جمایت ابوطالب از حضرت رسول افزوده است که او علی رغم آن که ایمان نیاورده بوده، از حضرت رسول دفاع می کرده است (ص ۵۳)؛ در بحث از معراج حضرت رسول (ص)، با تمحمجی، س از نقل قول ام هانی (یکی از همسران حضرت رسول (ص)) که پیامبر سب معراج در خانه او بوده (و عایشه (مبنی بر این که سب معراج جسم پیامبر همچنان در جای خود خفته بوده)، با نقل تفسیر یوسف علی و سید امیر علی، می نویسد که النهایه معراج يك امر یا رویداد روحانی بوده، و چون خداوند در همه جا حاضر است، بیار به این سفر جسمانی برای رؤیت او نبوده است (ص ۵۴ و ۵۵)؛ در بحث از اهداف دولت اسلامی و حمایت از اتباع و سهرودان، معتقد و مدعی است که تعبیر و تصور پیامبر اکرم (ص) از دولت اسلامی، با تصویری که «علمای افراطی» دارند متفاوت بوده است، و این تفاوت، از جمله در مورد سختگیری و سبب عمل این طایفه از علما با ریان و اهل کتاب، محسوستر است (ص ۸۴)؛ معتقد است که محدود کردن یا تخصیص معنای «اجماع» به اجماع يك گروه از نخبگان (اهل حل و عقد) برخلاف روح اصلی این اصل است، زیرا تفسیر سلام امری نیست که در قبضه انحصاری کسان خاصی باشد و سلام دارای هیچ طایفه نخبه روحانی یا خاصی که اس امر را در قبضه انحصاری خود داشته باشد، نیست - «اجماع» از نظر او همانا در هیئت مجلسی که از طریق آراء عام مسلمین انتخاب شود، تجسم می یابد (ص ۸۴)، نه سیوه مستشرقان و برخلاف عامه مسلمین، فتوحات و توسعه فلرم و اسلام را ناسی از بوع و بهارت حضرت رسول (ص) می داند (ص ۱۰۱)؛ و بالاخره بنا به علایق سیاست اندیسانه خود، یا شاید به قصد تطبیق دادن تعالیم سلام با مقتضیات عصر جدید، تعبیر فرآبی «فلاح» را همانا «رفاه» (welfare) معنا می کند و مدعی است که سواهد در فرآ و سنت آن اندازه زیاد است که ناموجه است اگر دولت اسلامی را دولت رفاه نامیم، و معتقد است که توجه به رفاه یکی از الیامات صولی دولت اسلامی است و کسانی همچون ماوردی، بوعلی الفراء، غزالی، ابن خلدون، ابن تیمیه و ابن هم حوریه بر ه این نکته توجه داشته اند (ص ۱۷۶)

این کتاب اگرچه به عنوان يك سیره حضرت رسول (ص) چندان قابل اعتنا نیست، از جهت تلاشی که نویسنده برای عقلانی کردن یا توضیح و توجیه عقلانی همه تعالیم و احکام و گزاره های فرآبی و اسلامی و مطابق کردن آنها با قول رمانه حدید کرده است، قابل توجه است، و دست کم می توان آن را نمونه ای از يك رهیافت فکری - ایمانی بر طرفدار در میان مسلمانان عصر جدید دانست.

تجسم اسلام در عصر ویکتوریا

مرتضی اسعدی

Clinton Bennett. *Victorian Images of Islam*, London, Grey Seal, 1992, XII+204 pp

کلینتون بنت. تجسم اسلام در عصر ویکتوریا، لندن، گری سیل، ۱۹۹۲، دوازده + ۲۰۴ صفحه.

عصر حکومت ملکه ویکتوریا (۱۸۱۹ تا ۱۹۰۱) در بریتانیا، که طولانی ترین دوران سلطت در تاریخ انگلیس بود (۱۸۳۷ تا ۱۹۰۱)، دو ممیزه اساسی داشت: ظهور صنعت در داخل انگلیس، و استعمار در ماوراء بحار این دو جریان، که با هم بی ارتباط نبودند، بر تطوّر جریان دیگری که همانا مطالعات اسلامی در غرب بود، عمقاً تأثیر نهادند. حریانی که امروزه به اسلام ساسی یا مطالعات اسلامی در غرب مشهور است، در وسیعترین تعریف خود، همایی است که از فرون ۴/۱۰ و ۵/۱۱ تا نخستین ترجمه های متون علمی اسلامی به لاتینی در سیسیل یا اسپانیای اسلامی اعار شده، و با سکست نهایی جنگهای صلیبی صرب و آهنگ و رویکرد مسدّی یافته و با تحولاتی، تا کنون ادامه پیدا کرده است، و سایر تعریف محدودتر، بویژه به زمینه مطالعاتی عالمانه ای اطلاعی می سود که از حوالی مناه قرن ۱۹ میلادی شکل گرفته، و ممیزه اصلی آن، «عالمانه» و «اسفادی» بودن این

مطالعات است. قطع نظر از این تعریفها و تفکیکهای روس سناختی، توجه غرب به اسلام از همان ابتدا تا همس اواخر، به علل و دلایلی که برخی از آنها مسلم ولی برخی دیگر هنوز محل اختلاف است، یک ویژگی اساسی و کمابیس مداوم داسه، و آن این که عموماً همدلانه و به قصد تفاهم نبوده است؛ قابل توجه است که واتیکان الهی بودن دین اسلام را، به طور رسمی، در شورای دوم خود در سال ۱۹۶۵/۱۳۴۴ پذیرفت.

در تطور ماهوی نظرگاهها و رویکرد و رهیافتهای اسلام شناسان غربی از آغاز تاکنون به طور کلی چند نقطه عطف با چند مرحله متمایز قابل تشخیص است (۱) از آغاز ظهور اسلام تا قرن ۶/۱۲، که با جهل تقریباً مطلق غرب نسبت به اسلام و تعالیم اسلامی همراه بود؛ (۲) از قرن ۶/۱۲ تا رنسانس، و از رنسانس تا قرن ۱۲/۱۸، که علی رغم تحولات فراوانی، همچون تدارك اولین ترجمه لاتینی قرآن مجید و بسیاری از متون اسلامی دیگر، تأسیس دارالترجمه‌ها، اختراع چاپ، تأسیس مدارس آموزش زبان عربی و ربانهای سرفی، بهضت اصلاح دین، تأسیس دانشگاهها و کرسیهای تدریس ربانهای سرفی در آنها، و عمر آن که در این مدب رح داد، کل نگرش به اسلام و مطالعات اسلامی همچنان صبعه کلیسایی و تسری داسه؛ و (۳) از قرن ۱۲/۱۸ به این سو، که در بر تو عصر اصطلاحاً موسوم به عصر روسگری، شاهد جایگیری سدن نگرش عقلی و انتقادی به جای نگرش جرمی و کلیسایی، و مآلاً طرد سدن، با نابوی سدن تعصب کلیسایی در مطالعه اسلام بوده است. مهمترین و برگزیده‌ای که تحول جریان اسلام شناسی در غرب را در این دوره، نسبت به دوره‌های پیش متمایز می کرده، عبارت بوده است از متسکل سدن و تبلور یافتن مطالعات اسلامی در حارحوب تأسیسات و نهادهای ملی و بین المللی؛ عالمانه، تخصصی، و احتیادی سدن این مطالعات؛ و بیوند خوردن این مطالعات با استعمار، که گرچه در مورد همه اسلام شناسان غربی عصر جدید نه یک میزان مصداق نمی یابد، احتمالاً مهمترین مایه بدنامی کل مطالعات اسلامی در غرب بوده، و در مجموع، نوع خاصی از تعصب منفع طلبانه را به جای تعصب کلیسایی دوره‌های قبل ساندده است.

کتاب کلینتون بنت به بررسی و مقایسه آراء و نقطه نظرهای سنن تن از نویسندگان و علمای اسلام شناس انگلسی دوره‌ای از تاریخ انگلیس برداخته است که با دوره اخیر تطور مطالعات اسلامی مطابقت دارد. این سنن نویسنده و اسلام شناس مسیحی به ترتیب عبارتند از: چارلز فورستر (۱۷۸۷ تا ۱۸۷۱)، جان فردریک دنین موریس (۱۸۰۵ تا ۱۸۷۲)، ریحیالد بوسورث اسمیت (۱۸۳۹ تا ۱۹۰۸)، سرویلیام میور (۱۸۱۹ تا ۱۹۰۵)، ویلیام سنن کلر تیسدال (۱۸۵۹ تا ۱۹۲۸)، و جان دروین

(۱۸۳۶ تا ۱۹۲۳) این کتاب علاوه بر سنن فصل اصلی (فصول ۲ تا ۷) که به تفکیک به عرصه و بررسی آراء و احوال این نویسندگان و اسلام شناسان مسیحی انگلسی درباره اسلام اختصاص دارد، حاوی یک مدخل (یک صفحه و نیم)، یک سگفتار (چهار صفحه)، یک مقدمه در باب شکل گیری تصور غربیان و انگلسیها از اسلام (هجده صفحه)، یک فصل نتیجه گیری (سنن صفحه)، یک ضمیمه (تحت عنوان جدول تلور. نقد رسالت تسری قرن نوزدهمی در بارده صفحه)، کتابشناسی گزیده و فهرست راهماسب. سه نویسنده بحث از سنن نویسنده و اسلام شناس موضوع بررسی این کتاب دارای آراء و نقطه نظرهای همدلانه و تعارف حویانه بوده اند، و سه نویسنده بعدی دارای آراء و نقطه نظرهای حصمانه و معاندانه بانی اصلی سر این کتاب «مرکز مطالعه اسلام و روابط مسیحیان و مسلمسن» است که در سال ۱۳۵۵/۱۹۷۶ در کالج های سلی اوک (Shelly Ouk) تأسیس سده بوده، و اس کتاب نخسین کتاب از مجموعه‌ای است که مرکز مرنور مسسر کرده ز قصد ادامه آن را دارد عرص این مرکز از اسسار این مجموعه کتابها بررسی در همه جهات و حوانات مواحه و بر حور د میان اسلام و مسیحیت، در رمنه‌هایی است که به تدبیر و تصحیح روابط جاری میان اسلام و مسیحیت و کلاً اسلام و عرب کمک خواهند کرد. نویسنده کتاب تحسین اسلام در عصر ویکتوریا، خود، نویره در سگلادس، کارهای تبلیعی مسیحی کرده و با «انجمن تلمعی تعمیدی» در این کشور همکاری داسه، کسین کلیسای اراد در داسگاه آستون، و بر دبیر اجرایی بحس روابط بین الادیان شورای کلیساهای بریتانیا و ایرلند بوده است، و از سال ۱۳۷۱/۱۹۹۲ به عنوان استاد مطالعات ادیان در کالج وست مسسر اکسفورد تدریس می کرده است. او در بررسی آراء و احوال و نقطه نظرهای هر دو طایفه از نویسندگان مرنور مستقیماً از انار ایسان استفاده کرده و با مسحص کردن ستهای ویره‌ای که هر کدام از دور هیافت همدلانه با حصمانه مرنور بر آنها متنی نبوده، درباره نظریات کلامی یا دین شناسانه هر کدام از نویسندگان و سر تلمی آنان از رسالت دین مسیحی بحث کرده است سابر بررسی او نویسندگان مسیحی همدل تر با اسلام، تماس شخصی کمتری با مسلمین داشته اند، اما می دانسته اند که الهیات مسیحی ای که تواند با وجود ادیان دیگر به نحو حلاق مواحه سود، محکوم به ابروا و تنگ نظری خواهد بود؛ در حالیکه نویسندگان مسیحی متحاصم یا معاند علی رغم تماسها و اصطکاکهای گسترده‌ای که با مسلمین داشته اند، همچنان نظر حصمانه‌ای به اسلام داشته اند، و تجارب و دریافتهای مستقیم خود را در مقابل اصول الهیات یا دین شناسی خود امری نابوی می دانسته اند.

- (۱) فهرست الفبایی کلمات و فهرست بسامدی آنها؛
- (۲) فهرست الفبایی کلمات با ذکر محل های آنها در متن؛
- (۳) متن.

● در فهرست الفبایی که با «آب» شروع می شود و به «یوسف» پایان می گیرد، در کنار هر کلمه شماره ای گذاشته شده است که نشان دهنده تعداد دفعاتی است که آن کلمه در متن ذکر شده است اما فهرست بسامدی بر حسب تعداد دفعاتی که هر کلمه در متن ذکر شده بدوین یافته است، و مثلاً نشان می دهد که حرف «و» بیست و یک بار در هر کلمه ای در متن به کار رفته است (۳۵۵۳ بار) و س از آن «ار» (۲۳۸۱ بار)، «که» (۲۲۴۷ بار)، «را» (۲۱۳۰ بار). فرار دارند، و البته شمار این گونه کلمات بسیار کم است و حال آنکه کلماتی که چهار بار یا سه بار و علی الخصوص دو بار و یک بار به کار رفته است، فراوان است، چنانکه شماره کلماتی که دو بار ذکر شده است (از «آب» تا «یکسو») به ۱۴۵۱ کلمه می رسد، و تعداد کلماتی که فقط یک بار در متن آمده است (از «آب» تا «یوسف») به ۴۸۸۰ مورد می رسد.

● اما برای استفاده از این فرهنگها باید دید که هر کلمه در کجای متن (مثلاً کدام صفحه و کدام سطر) جای دارد، یعنی در واقع یک فهرست دیگر مورد نیاز است که می توان نام «واره یاب» بر آن گذاشت، و همین فهرست است که «بخش دوم» کتاب را تشکیل می دهد. این بخش در واقع همان «فهرست الفبایی» بخش یکم است، با این تفاوت که هر کلمه با تعدادی شماره های دوسوئی همراه است. شماره سمت چپ به فصلهای متن مربوط می شود و شماره سمت راست به سطرها، یا در واقع سب یا اسانی که کلمه در آن یافت می شود پس در حقیقت به کمک این بخش است که می توان از محل دقیق کلمات در داخل متن آگاهی یافت.

● برای استفاده بهتر از این فرهنگ طبعاً به یک متن نیاز هست و متنی که در اینجا مورد استفاده قرار گرفته است همان است که دکتر محمدجعفر محبوب در سال ۱۳۳۷ با مقدمه مسوط و حواشی و تعلیقات و فرهنگ واژه ها و فهرستهای سه گانه در بهران چاپ کرده است.

امید می رود که استاد امیکو اوکادا، که تاکنون خدمات مهمی به فرهنگ ایرانی و زبان و ادب فارسی کرده است و در راه سیاستمدان زبان و فرهنگ فارسی به مردم راس کارهای در حوز توحهی انجام داده است، همچنان به فعالیتهای فرهنگی خویش و افاده و افاضه ادامه دهد. گفتمی است که استاد امیکو اوکادا با کون حد من فارسی را به زبان راسی ترجمه و منسخر کرده است که از آن جمله است حسرو و سرس نظامی (۱۳۵۶) و ورس و رامس و حرالدس اسعد گرگانی (۱۳۶۹).

فرهنگ بسامدی «ویس و رامین»

اراد بروحردی

Emiko Okada *Data Base of Persian Literature and Culture*, Vol. I *Vīs va Rāmīn*, Tokyo, Tokyo University of Foreign Studies, 1991 (diff. 1992), 3 Parts: Part I, *Type List with Frequency*, 141p, Part II, *Type Concordance* 286p, Part III, *Text*, 238p

امیکو اوکادا، داده های پایه ای ادبیات و فرهنگ فارسی جلد اول، ویس و رامین، توکیو، دانشگاه مطالعات خارجی، ۱۳۷۰ (توریع ۱۳۷۱)، سه بخش: یکم، فهرست الفبایی و بسامد واژه ها، ۱۴۱ ص، بخش دوم، فهرست بسامدی، ۲۸۶ ص، بخش سوم، متن، ۲۳۸ ص قطع بزرگ.

یکی از راههای صاحب وضعیت یک زبان (در گذشته و حال)، گاهی از حکومتی ترکیب لغوی و ساختار وارگانی آن زبان است. و این علم سبباً کهنی است که از قدیم در مسر و رمین رواج داشته است و تهیه «کشف اللعاب» برای قرآن محمد و کشف الایبات» برای دواوین سعرا ساحه ای از آن بوده است. در سالهای اخیر تهیه فرهنگ بسامدی متون کهن فارسی و نق گرفته است و علی الخصوص گروه استاد ریکاردو رسولی در دانشگاه ویز انتالیا در تهیه این گونه فرهنگها اهتمام می کند. چنانکه تاکنون حد ابر در این زمینه (حافظ، سعدی، فرحی، روغی...) انتشار داده است.

در ژانین هم این کار از حدی بیس به همت استاد امیکو اوکادا آغاز شده است و اولین حاصل کار او و گروه همکاران به صورت فرهنگ بسامدی ویس و رامین به تازگی از چاپ خارج شده است. این کتاب حاوی سه بخش جداگانه است.

دانش‌آموزان و دانشجویان و معلمان و استادان و مترجمان مآخذ سودمندی است. به حسن تد و معرفی کتاب در همین شماره رجوع کنید

● مجموعه‌ها

(۷) حقیقت، عبدالرفیع (رفیع). تاریخ علوم و فلسفه ایرانی از جاماسب حکیم تا حکیم سبزواری. تهران. انتشارات کومش. ۱۳۷۲. ۸۸۳ ص
فهرست راهنما. ۹۸۰۰ ریال

بخش نخست به بررسی تاریخ علوم و فلسفه ایرانی از کهن‌ترین زمان تاریخی تا پایان دوره قاجار اختصاص دارد. و بخش دوم شامل شرح فعالیت‌های علمی و آثار محققان و ریاضی‌دانان و پزشکان و فیلسوفان ایرانی است از جاماسب (داماد رزنش) تا حکیم سبزواری

(۸) خرد و آزادی؛ یادنامه دکتر امیرحسین جهانبگلو. به کوشش کریم امامی (و) عبدالحسین آذرنگ تهران باغ آئینه ۱۳۷۲. ۳۹۹ ص مصور جدول

عنوان برخی از مقالات این مجموعه و نام نویسندگان آنها را می‌آوریم «سالنامه‌ریزی دکتر امیرحسین جهانبگلو»، طرح امیر فریار/ «حسبه‌ها در «زمینه»، گلی امامی/ «سال تحویل در حک‌جک»، علی دستی/ «یادداشتی برای رنده‌ها»، م. ف. فرانیه/ «عزوب آفتاب»، ساهرچ مسکوب/ «سایه‌های نمایی در حماسه یادگار زریران»، حمزه کیا/ «اسب خوبین تروا»، حسن کامساز/ «در ستایش حرثیات»، آذر میسی/ «سلطان ولد و منوی اندامه او»، محمدعلی موحد/ «دیدار از اقتصاد ایران در میانه قرن نوزدهم»، علی همدانی/ «زبان فارسی در استان خوزستان»، حکیم نهلوان/ «گاندی و مسأله آموزش»، رامین جهانبگلو/ «حامسکی به تعبیر دکارت»، سائور اعتماد/ «اعمال دکارتی»، حسین معصومی همدانی/ «تصویر دیگر»، بابک احمدی در این مجموعه همچنین شعرها و طرح‌هایی از علی محمد حق‌ساز، سیره مصور، ناصر عصار، صادی بریرانی و فرهاد استوانی چاپ شده است

(۹) شیشه‌خوانی به کوشش جابر عاصری تهران. از انتشارات یازدهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر ۱۳۷۲. ۲۴۷ ص. مصور ۲۲۰۰ ریال

شامل مقالات ارائه شده در سمینار پژوهش تعریه است که از طرف مرکز هنرهای نمایشی در یازدهمین جشنواره تئاتر فجر برگزار شد (از ۱۷ بهمن تا ۲۲ بهمن ۱۳۷۱ در تئاتر شهر) «شیشه‌خوانی، دُریتیم نمایشهای ایرانی»، حامد عاصری/ «مسأله تعریه»، الهام رحمانی/ «جمهوری آذربایجان/ «معرفی کتاب حدیقه السعاده»، حسین محمدزاده صدیق/ «مجلس سهاد علی‌اکبر (ع)»، روبرت هری دورره/ «تعریه در میان مسلمانان سیه»، ستر خلکوفا/ «بسیه و تاریخچه تعریه در ایران»، حواد امینی، عنوان فصلهایی از کتاب است

(۱۰) گریه اشعار و مقالات علامه دهخدا به انتخاب و شرح حسن احمدی گیوی تهران قطره ۱۳۷۲. ۱۱۸ ص مصور. ۱۴۰۰ ریال

● اسناد

(۱۱) حکومت سایه‌ها، اسناد محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سبهازلار به کوشش محمدرضا عباسی تهران. انتشارات سازمان اسناد ملی ایران ۱۳۷۲. پنجاه و هفت + ۴۳۲ ص نمونه سند فهرست راهنما ۵۸۰۰ ریال

شامل نامه‌ها و تلگرافاتی است که از میرزا حسن خان (متولد ۱۲۴۳ هـ)، سر میرزا حسن خان امیر دیوان، به ناصرالدین شاه و بعضاً ناصر شاه و دیگر درباریان که به او رسیده است این مکاتبات در دوره‌ای بین ۱۲۸۶ ق (یعنی از زمان سفارت میرزا حسین خان در عثمانی) تا آخرین سال زندگی وی (۱۲۹۸ ق) به عمل آمده است کتاب حاضر شامل ۲۸۹ قطعه سند و ۶۴ تلگراف است که تصویر تمام آنها به صورت صمیمه به کتاب، افزوده شده است غالب اسناد این کتاب از اداره کل بیانات و وزارت امور اقتصادی و دارایی به سازمان اسناد ملی ایران انتقال یافته است

(۱۲) فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار. ج ۱: ۱۶۴-۱۲۱۱ ق. به کوشش رضا فراستی. تهران. مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی. ۱۳۷۲. ۴۴۰ ص. فهرست راهنما. نمونه سند. ۵۰۰۰ ریال

نخستین مجلد از مجموعه فرمان‌ها و رقم‌های موجود در آرشیو مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی است که شامل ۱۰۲ فرمان و رقم مربوط به نیمه اول دوره قاجار (آقامحمدخان، فتحعلی‌شاه، محمدشاه و شاهزادگان بلندمرتبه معاصر هر یک از آنان) است در این کتاب علاوه بر متن چاپی سند، تصاویر اسناد نیز ضبط شده است

دین و عرفان و فلسفه

● اسلام

(۱۳) بازرگانی، عبدالعلی. نظم و قرآن. ۲ ج. تهران. قلم. ۱۳۷۲. ۸۰۶+ ص. دوره دو جلدی ۸۰۰۰ ریال

مؤلف به بحث درباره ارتباط سوره‌های قرآن با هم، محتوای آنها، آهنگ آیات و اسماء الحسی پرداخته است

(۱۴) حجتی، سید محمدباقر سیری در سیره‌نویسی و مروری بر احوال و آثار پاره‌ای از سیره‌نویسان بی‌جا. کنگره جهانی حضرت رضا علیه‌السلام. ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲]

کتاب حاضر به بررسی تاریخ سیره و سیره‌نگاران از آغاز تاکنون پرداخته است مؤلف مفهوم سیره و اهداف مطالعه و بررسی آن، و راه و رسم صحیح مطالعه و بررسی سیره و نیز بشیبه سیره‌نویسی و پیشگامان آن را معرفی و بررسی کرده است ابن‌اسحاق، ابن‌هشام، ابن‌فارس، ابن‌سیدالباس، ابن‌شحنه، علی بن ابراهیم حلبی، حامی عاملی، و جعفر مرتضی عاملی. از جمله سیره‌نویسانی هستند که در این کتاب درباره آنها بحث شده است

(۱۵) شیروانی، حبیب‌الرحمان. علمای سلف در جستجوی علم و دانش. ترجمه عبدالحمید مرادزهی حاشی. زاهدان. انتشارات صدیقی. ۱۳۷۲. ۱۷۴ ص. ۱۳۰۰ ریال

کتاب حاضر را یکی از علمای مسلمان هندی در موضوع چگونگی تحصیل و فراگیری علم و علمای گذشته نوشته است و ظاهراً از جمله کتابهایی است که در حوزه‌های علمی اهل سنت تدریس می‌شود

(۱۶) میرخانی، سیداحمد تاریخ اجتهاد و تقلید. بی‌جا مکتب ولی عصر (عج) ۱۳۷۲. ۳۲۰ ص ۳۰۰۰ ریال

(۱۷) هوکر، ام. بی. (و) دیگران. اسلام در حوض شرقی آسیا ترجمه مهدی حیدرپور. مشهد آستان قدس رضوی. ۱۳۷۱ [توزیع ۱۷۲]. ۲۶۴ ص. فهرست راهنما. ۲۰۰۰ ریال

مقالات کتاب حاضر در سالهای ۷۹-۱۹۷۸ نوشته شده است و حاصل دروس و جلسات گفت و شنود در دانشگاه کتب کانتربوری است «امداد سیاسی اسلام در دوران معاصر»، دلپاز بونز/ «انتقال اسلام به حوض شرقی آسیا»، ام بی هوکر/ «اسلام و دولت اسلامی»، اسی میلر/ «فرصت اجتماعی، قوم‌نگاری و فهم اسلام عملی در حوض شرقی آسیا»، روی اف ال/ «اسلام و ادبیات در حوض شرقی آسیا»، ا. دی/ «شریعت مسلمانی و شریعت اسلامی»، ام بی هوکر، عنوان مقالاتی از این کتاب است

(۱۸) گوهر، میرزااحس. مخارن. ترجمه عیدی خسروشاهی. تهران. انتشارات بهیانی ۱۳۷۲. ۲۰۲ ص. ۱۹۰۰ ریال

میرزااحس گوهر (متوفی ۱۲۶۶ هـ) از علمای آذربایجان است و اصلاً هراجه‌داعی است، و کتاب حاضر در بیان مبدء و معاد است

(۱۹) سجادی، سیدضیاءالدین مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها. ۱۳۷۲. هجده + ۳۷۲ ص. فهرست راهنما. ۲۰۰۰ ریال

سرحی است درباره اندیشه‌ها و آثار متصوفه و عرفای بزرگ ایران و اسلام و معاهیم و تعابیر و اصطلاحات عرفان و تصوف مؤلف کوشیده است در هر زمینه مآخذ و منابع مربوطه را بر معرفی کند کتاب حاضر دارای یک «کناساسی عرفان و تصوف» مفصل (۲۵۹) عنوان کتاب و مقاله) بر هست.

عنوان برخی از فصلها و بخشهای کتاب را می آوریم «تعریف تصوف»، «ابواب تصوف و عرفان»، «مقامات و حالات در تصوف»، «توبه»، «ورع»، «رهت»، «فقر»، «حسرت»، «توکل»، «مراهبه»، «فرب»، «خوف»، «تصوف از من دوم آفرین»، «سبحم هجرى فمرى»، «رأعة عدونه»، «اراهیم ادهم»، «ناترید سظامی»، «سهل بن عبدالله سترى»، «حلاج»، «بابا طاهر همدانی»، «ابوالقاسم فسرى»، «تصوف در دو قرن سیم و هفتم هجرى فمرى»، «احمد غزالى»، «عبین العناب همدانى»، «سبح احمد حام»

۲۰) دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ساسی اقتصاد اسلامی تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۱ بیست و چهار + ۵۲۱ ص ۲۷۰۰ ریال.

۲۱) همدانی، رشیدالدین فصل الله اسوله واحونه رتیدنى به کوتش رضا شعبانى ۲ ح اسلام آباد (پاکستان) ۱۳۷۱ ش بجا و چهار ۸۰۲+ ص نهى دوره دو جلدی ۸۰۰ روپيه

این کتاب به سوالهای فلسفی و حکمی گوناگون فصلای عهد حواجه رسیدالدين اروى، و پاسخ او به ان سؤالهای اختصاص دارد جلد نخست کتاب متن عکسبرداری شده نسخه اصلی است و جلد دوم متن فارسی و حروفچینی شده آن است

● فلسفه غرب

۲۲) نقیب راده، میر عبدالجسس درامدى به فلسفه تهران طهورى ۱۳۷۲ ح ۲ ایا افرايش و بارتنگرى ۱۳۷۲ ۲۹۸ ص فهرست راهما ۳۳۰۰ ریال

۲۳) ورنو، روزه (و) ران وال (و) دیگران نگاهی به بداندارشاسى و فلسفه های هست بودن ترجمه یحیی مهدوی تهران حوادر مى ۱۳۷۲ ۴۰۴ ص فهرست راهما شمیر ۲۸۰۰/ زرکوب ۵۵۰۰ ریال مجموعه ای است که مترجم از ماحد گوناگون گرد آورده است با راهگسای علامه میدان مبدی در درك بداندارشاسى و فلسفه های اگر سیاسى باشد عنوان برخی از فصلهای کتاب را می آوریم «وحدت و معنی فلسفه هوسرل»، «سین و سوابی فلسفه های هست بودن»، «ناحه افکارى می توان این فلسفه ها را مقابل و مخالف دانست»، «سورن کرکگور»، «گائریل مارسل»، «کارل یاسپرس»، «مارتین هایدگر»، «ژان پل سارتر»، «مغولات فلسفه های هست بودن»، «مسائل بهائی فلسفه هست بودن، ارح و اعشار متقابل عناصر مختلف ان»

۲۴) هیک، جان. فلسفه دین ترجمه بهرام راد. ویراسته بهاءالدین حرمشاهی تهران. الهدی ۱۳۷۲ ۲۹۷ ص فهرست راهما واژه نامه عنوان برخی از فصلهای کتاب را می آوریم «فلسفه دین چیست؟»، «مفهوم یهودی- مسیحی خدا»، «دلالت اعتقاد به وجود خدا»، «دلالت عدم اعتقاد به وجود خدا»، «مسئله سر»، «وحی و ایمان»، «اصالت سواهد، سادگرایی و اعتقاد عقلی»، «مسائل ربان دینی»، «مسائل تحقیق بدیری»، «دعاوی متعارض ادیان مختلف در باب بیل به حقیقت»، «تقدیر سرى حاودانگی و رستاجر»

۲۵) کوئینتن، آنتونی اویراستارا فلسفه سیاسى ترجمه مرتضى اسعدى تهران انتشارات بین المللى الهدى ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۳۹۹ ص فهرست راهما ۲۸۰۰ ریال. ترجمه یکی از کتابهای مجموعه «برگرده های فلسفی اکسورد» (انسانار داسگاه آکسورد، ۱۹۶۷) است از این مجموعه تاکنون ظاهراً بیس از ۲۶ عنوان کتاب منتشر شده است که از ان تعداد نهاد دو کتاب به فارسی ترجمه شده است. یکی کتاب حاضر و دیگری فلسفه علوم اجتماعى امر الی راین (برحمه عبدالکریم سروش) کتاب حاضر مجموعه ۱۲ مقاله است از ناده بوسنده صاحب نام در رسته های مختلف فلسفه سیاسى مقالات این مجموعه از سرباب و ماحد گوناگون برگرفته شده اند گفسى است که انسانار داسگاه اکسورد مى انگلسى این کتاب را تا سال ۱۹۹۱ ۱۰ بار تجدید چاپ کرده است عنوان برخی از مقالات این مجموعه و نام بوسندگان آنها را می آوریم «کاربرد نظریه سیاسى»، جان بلامسلس / «سناست، فلسفه

ایدئولوژى»، می اح بارتنر/ «ایا هیچ گونه حق طبعى ای وجود دارد؟»، اح ال ای هارپ / «کاربردهای حاکمیت»، استانیلى ای س / «مصلحت عمومى»، بریان باری / «ارادى و برابرى»، ای اف کارب / «دو مفهوم ار ارادى»، سر اربانرلین / «دو مفهوم ا، دموکراسى»، بوری سومسیر ترجمه این مقاله از حسن منصور (در کتاب کاسالسم، سوسینالسم و دموکراسى، چاپ داسگاه بهران، ۱۳۵۴) است که سنا و ماحد در این کتاب بر درج شده است / «عبدال و حیر عمومى»، بریان باری بحس نانابى کتاب حاضر بر شامل توضیحات محضرى در باره بوسندگان مقالات کتاب است

۲۶) کرومبى، ا سى ازاه گوستن ماگاليله ح ۱ علم در قرون وسطى ترجمه احمد آرام تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] شابرده ۴۱۷۱ ص منصور نقشه جدول ۱۷۰۰ ریال

«علم در جهان مسیحیت باحرى با سناست قرن دواردهم»، «دبدرس علم بوانى- اسلامى د جهان مسیحیت»، «نظام اندیشه علمى در قرن سیردهم»، «جهاسناسى و علم نجوم»، «علم کتابت جو و بوسناست»، «هن و علم در قرون وسطى»، عنوان برخی از فصلها و بخشهای کتاب است طاهرا مى اصلى (انگلسى) کتاب حاضر از انسانار داسگاه اکسورد است و برحمه حاضر از روى چاپ دوم (۱۹۶۹) ان صورت گرفته است

سیاست

۲۷) جهانگلور، رامین ماکیاولی و اندیشه رسااس تهران شتر مرکز ۱۳۷۲ ۹۵ ص ۱۲۵۰ ریال

مؤلف کوسنده است افکار ماکیاولی را در مقام یکی از بحسین کسانى که تنکر سیاسى جدید را بانه گذارى کرده است، بررسى کند و با نکه ر کتاب گسارهای وی (که لافل در ایران همواره بحث السعاع کتاب سهریا، بده است) اندیشه او را در مورد بحولات فکرى دوران رسااس در ایتالیا و اروپا بررسى کند

۲۸) حافظ بیا، محمدرضا خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۱ شابرده ۵۳۶۱ ص منصور جدول نمودار نقشه ۳۶۰۰ ریال

مؤلف به بررسى و معرفى موضوعات بر برداخته است وضعیت اقتصادى و اجتماعى و سیاسى و امنى منطقه خلیج فارس و کسورهای حاسه ان، هدفهای قدرنهای جهانى در این منطقه است اتریکى و تنگه هرمز، موقعیت و مساحتات طبعى و حدود تنگه هرمز و خرایر سرامون ان، حمرامان باریخى و سیر خرچس حاکم بر تنگه هرمز از دیرباز با به امرو، نفس ارساطى- اقتصادى تنگه هرمز و میزان وابستگى کسو، های منطقه خلیج فارس به ان، مطالعه بدنده ساطق و سادر اراد سعتى و بحارى در منطقه خلیج فارس و رابطه ان با تنگه هرمز، رابطه تنگه هرمز با اقتصاد جهانى و سدور و هروس نفت، سناستها ر طرحها و اهدامات دولتهای این منطقه در رمین حدگانه کردن مجاری حمل نفت و کالا و تأثیر ان بر اهست تنگه هرمز، جانگاه تنگه هرمز د حقوق بین الملل در باها- مطابق کواسیون ۱۹۸۲، تنگه هرمز از حب سیاسى و نظامى و حسه های رنواستراتژیکى ان

۲۹) رات جبر، کارل افغانستان، مرورى بر شست مانهایم مجموعه مقالات ترجمه سید محسن محسین مشهد استان قدس رصى ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۳۰۰ ص منصور جدول نقشه نمودار ۲۹۰۰ ریال مقالات این مجموعه مر بوط به سست مانهایم در فوریه ۱۹۷۹ است و ناسر متن اصلى ان موسسه حاورسناسى المان (آوریل ۱۹۸۰) مى باشد ان مجموعه شامل مقاله های گوناگونى از بوسندگان و محققان اروپائى است در باره حسه های گوناگونى از سناست، تاریخ معاصر، اقتصاد اوساع طبعى و حمرامان و مردم سناسى، فرهنگ و تاريخچه هر در افغانستان (۳۰) غبریریان، افشین وحدت اروپا در توروى و عمل (۱۹۹۰-۱۹۷۰) تهران جانتش ۱۳۷۲ ۲۵۳ ص جدول نمودار ۲۵۰۰ ریال

(۳۱) فرح بخش، عباس. نظم نوین جهانی، دموکراسی جدید تهران شرکت انتشارات جهان معاصر ۱۳۷۲ ۵۲۸ ص ۲۷۵۰ ریال
(۳۲) میرعابدینی، سیدابوظال چپ و جهان سوم. تهران. نشر صدوق. ۱۳۷۲ ۵۶۷ ص فهرست راهما ۴۶۰۰ ریال

به اعتماد مؤلف کتاب، حبیب در تلاش به دست آوردن مقامی رفیع در میان قدرتهای جهان است و برای دستیابی به این هدف همه سگردهای ممکن را می آرماید تا بتواند اعتماد به نفسی در میان کشورهای جهان سوم بدید آورد و آنها را برای مقابله با سلطه حویلی و استعمار بر عتب کند کتاب حاضر به شرح چنین سگردهایی برای رسیدن به اهداف فوق اختصاص دارد. تأکید نویسنده بیشتر بر سیاستهای خارجی حین و روابط گوناگون اقتصادی و فرهنگی آن کشور با کشورهای دیگر جهان است

مدیریت و اقتصاد و بازرگانی

(۳۳) بازوکی، مهدی. کاربرد تابع کلی تولید در جهان سوم. بی جا ناشر: مؤلف ۱۳۷۱ [تورج ۱۷۲]. ۲۴۸ ص. واژه نامه
(۳۴) فلورا، دویز. اقتصاد معاصر. ج ۲. پدیده های بولی ترجمه موچهر فرهنگ. تهران. سروش ۱۳۷۲. ۶۳۱ ص. نمودار جدول فهرست راهما حلد نرم ۵۵۰۰/ کالیگور ۸۰۰۰ ریال

این مجلد به تحلیل بدیده های بولی و تفصیلات مربوط به آن اختصاص دارد حلد نخست کتاب درباره گونگی عرصه اعمال اساسی اقتصادی بود (۳۵) سیدحسینی، سیدمحمد مدیریت و کارخانه تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۲ بیست + ۵۴۶ ص جدول نمودار ۳۰۰۰ ریال

جامعه شناسی

(۳۶) رئیس الداکرین، غلامعلی (دهانی) کندی؛ فرهنگ مردم سیستان مشهد ناشر مؤلف (و) نشر فرهنگ سیستان ۱۳۷۰ [تورج ۱۷۲] ۱۲۹ ص مصور ۸۰۰ ریال

سامل شرح و توصیفی است از ناریها، مثلها، عداها، بدرها، مراراب، ست ها، رباعی ها، حکایها و هرهای نمایی مردم سیستان
(۳۷) ژانکین، ایوان مرکز فرهنگی پمیدو عکسها از حرمیا برگشتاد ترجمه محسن شهیدی بهران شهرداری تهران- معاون امور اجتماعی ۱۳۷۲ ۸۴ ص. مصور ۳۰۰۰ ریال.

معرفی کوتاه و جامعی است از مرکز ملی فرهنگی و هنری زرر مسیدو در باریس که در فاصله سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷ ساخته شد

(۳۸) شاربویه، ژرژ گفت و شنودی با کلودلوی استروس، مردم شناسی و هنر. ترجمه حسین معصومی همدانی. تهران نشر گفتار ۱۳۷۲ ۱۴۱ ص ۱۷۵۰ ریال.

کلودلوی استروس (مولد ۱۹۰۸) از نمایندگان و اوصاف برجسته مکب ساختارگرایی در علوم انسانی، و به ویژه در مردم شناسی است کتاب حاضر متن گفتگویی است با وی درباره صاحب گوناگون مردم شناسی و هر که در ماههای اکتبر و نوامبر و دسامبر ۱۹۵۹ از رادیوی فرانسه سخنرانی کرد استروس در این گفتگو درباره سیوه خود در تحلیل آثار هنری، به کمک مولات رباشناسی و مردم شناسی ساختاری بحث کرده است و امکانات و محدودیتهای ساختارگرایی را در کار تحلیل بدیده های فرهنگی نشان داده است

(۳۹) فرید، محمدصادق. مانی اساسشناسی. تهران انتشارات منصور. ۱۳۷۲. ۳۶۷ ص. مصور فهرست راهما ۳۵۰۰ ریال
تعاریف و هدفها و مانی اساسشناسی، تاریخچه این علم و اصول و روشهای آن، اساسشناسی جسمانی و فرهنگی، از جمله موضوعات مورد بحث در این کتاب است

(۴۰) واکر، مارتین. قدرتهای جهان مطبوعات ترجمه م قائد بهران نشر رکز. ۱۳۷۲. ۴۳۸ ص. ۴۹۰۰ ریال.

کتاب حاضر که در سال ۱۹۸۲ در انگلستان منتشر شد تاریخچه دوازه رورنامه برگ جهان را شرح می دهد تایمر، لوموند، دی ولت، کوریهره دلا سرا، براودا، الاهرام، اسامی سیمون، نیویورک تایمر، واسگش سب، گلوب اندمیل، هاج، راندیلی میل، نام رورنامه هایی است که در این کتاب درباره آنها بحث شده است احررر بخش کتاب بیرون عنوان «وفاغ نگاری یک سکست» به بررسی نحوه برخورد هر یک از این دوازه رورنامه با اوصاع و رویدادهای ایران در احررر ده سال رررم بهلوی اختصاص دارد

(۴۱) سرایی، حسن. مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۲ ۲۵۶ ص جدول. نمودار واژه نامه فهرست راهما ۱۴۰۰ ریال

«اساسهاغ تضادفی نمونه ای در تحقیق»، «نمونه گیری تضادفی ساده»، «بر آورد حجم نمونه»، «اساسهاغ غیر تضادفی نمونه ای و غیر نمونه ای در تحقیق»، «ملاحظاتی دیگر درباره روشهای ناسی از نقش بوسس و بی حوامی»، عنوان فصلهایی از کتاب است

(۴۲) کوش، بروس. مانی جامعه شناسی ترجمه غلامعباس توسلی (و) رصافصل تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۲. بیست و چهار + ۴۴۴ ص. واژه نامه ۲۴۰۰ رال

«بروس جامعه ساجی و رسنه های تحضی»، «فرهنگ»، «نایگاه و نفس»، «بروس اجتماعی و شخصیت»، «گروههای اجتماعی»، «بهاذهای اجتماعی»، «بهاغ حابواده»، «نظارب اجتماعی»، «رفنار احرافی»، «طفاغ اجتماعی»، «بحرک اجتماعی»، «جمعیت و بوم ساسی»، «اجتماع سهری و اجتماع روسایی»، «رفنار جمعی»، «روابط ارادی و قومی»، «فدرب اجتماعی»، «سارماهای رسمی»، «حسهای اجتماعی»، «دگرگونی اجتماعی و فرهنگی»، عنوان فصلهایی از کتاب است

(۴۳) ویر، ماکس اخلاق پروستان و روح سرمایه داری ترجمه عبدالعزیز انصاری تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۱ [تورج ۱۷۲] ۱۶۵ ص. واژه نامه ۱۰۰۰ ریال
کتاب حاضر یکی از آثار کلاسیک و برجسته جامعه شناسی است و بر در این کتاب کوسیده است اساسات حیات دینی و اجتماعی و اقتصادی را در فرهنگ معاصر تبیین کند و نتیجه بگیرد که میان باورهای دینی (اخلاق و روسان) و رسد حیات اقتصادی- عقلانی مورروایی فرااب سبی وجود دارد

روان شناسی

(۴۴) جفرسون، سوزان هر مبارره با ترس. ترجمه توراندخت تمدن (مالکی) تهران شباهنگ. ۱۳۷۲ ۲۶۱ ص ۲۲۵۰ ریال.

(۴۵) راند، این فصلیت خودپرستی ترجمه پرویر داریوش. تهران. اساطیر ۱۳۷۲ ۱۹۴ ص ۱۸۰۰ ریال.

(۴۶) لستر، پتر به خود اعتماد کنید. ترجمه محمدحسین سروری. تهران مهرآیین. ۱۳۷۲ ج ۲ ۲۲۱ ص.

(۴۷) لوریا، الکساندر و مانوویچ، ده یک یادسپار. ترجمه حبیب الله قاسم راده (و) رامین مجتایی. تهران. فاطمی ۱۳۷۲ ۱۴۳ ص. واژه نامه مصور ۱۷۰۰ ریال.

کتاب حاضر یکی از آثار ارزنده لوریا (۱۹۷۷-۱۹۰۲)، روانشناس برگ روس، درباره حافظه و سازوکار آن و روابط بیحده آن با سایر فرایندهای عالی دهن است لوریا در این کتاب از طریق بررسی خصوصیات روانی مردی که حافظه سگمت انگیری دارد به نکات حالت بسیاری می رسد اصل کتاب به زبان روسی و در سال ۱۹۶۵ نوشته شده است کتاب حاضر از روی متن ترجمه شده انگلیسی (۱۹۷۵) آن به فارسی برگردانده شده است

(۴۸) ویگوتسکی، لوسیونوویچ. ذهن و جامعه؛ رشد فرایندهای روانشناختی عالی. ترجمه بهروز عزیدفتری. ویراسته محمدبقی براهی. تهران فاطمی ۱۳۷۲. ۲۳۲ ص. واژه نامه. فهرست راهما. ۲۶۰۰ ریال
مجموعه ای است از مقالات ویگوتسکی (۱۹۳۴-۱۸۹۶)، روانشناس صاحب نام روسی. این کتاب با ویرایش چهار تن از متخصصان علوم تربیتی و

روان شناسی امریکا و نیز با همکاری لوریا، از ساگردان بر حسیه و یکوسه
تدوین شده و در سال ۱۹۷۸ در امریکا منتشر شده است. از ویژگی‌های این
این کتاب تفکر و زبان با سه ترجمه گوناگون به فارسی برگردانده شده است
مترجم کتاب حاضر خود یکی از مترجمانی است که فکر و زبان را به فارسی
بر حمله کرده است (تأثیر، انتشارات نیما، ۱۳۷۱، ج ۲)

آموزش و پرورش

۴۹) آموزش بزرگسالان در کشورهای گوناگون ترجمه هادی
فرحامی. مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۲ ۳۷۲ ص ۳۵۰۰ ریال
تاریخچه و سیر تحول اصول و مفاهیم عمده آموزش بزرگسالان بررسی
شده است و تجارب کشورهای گوناگون در این زمینه شرح داده شده است
۵۰) کارنامه پژوهشی دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی وابسته
(۱۳۷۰). محری طرح رسول کتان با همکاری مهرداد عقیانی (و) علی
وطنی (و) دیگران تهران دفتر امور پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش
عالی. ۱۳۷۱ ۹۳۸ ص

در این کتاب با وضعیت کمی فعالیتهای علمی و پژوهشی دانشگاهها و مراکز
تحقیقاتی وابسته به آنها و نیز فعالیتهای گوناگون دفاتر حوزه معاونت پژوهشی
وزارت فرهنگ و آموزش عالی اسامی سوم

۵۱) سیلور، جی گالی (و) ویلیام ام الکساندر (و) آرتور جی لوپیس
برنامه‌ریزی درسی ترجمه علامرضا حوی‌نژاد با مقدمه حسن
لطف‌آبادی مشهد استان قدس رضوی ۱۳۷۲ ۶۱۸ ص نمودار جدول
واژه‌نامه. فهرست راهما ۴۸۰۰ ریال

کتاب حاضر مرجع مفیدی است برای فراگیری و به کارگیری روشهای
طراحی‌ری برنامه‌ریزی درسی در برنامه‌های بررسی گوناگون عنوان برخی از
فصلهای کتاب را می‌آوریم «فراسدها و مفاهیم در طراحی‌ری برنامه‌ریزی»،
«اطلاعات لازم برای طراحی‌ری برنامه‌ریزی»، «کریس الکوه‌های مناسب
برنامه‌ریزی»، «طراحی‌ری اجرای برنامه‌ریزی آموزشی»، «ارزیابی برنامه‌ریزی»
درسی»، «طراحی‌ری برنامه‌ریزی و اسده»

۵۲) فردانش، هاشم مانی نظری تکنولوژی آموزشی تهران سازمان
مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۲ چهارده ۲۱۰۰
ص. نمودار ۱۳۰۰ ریال

مؤلف س از ارائه تعریفها و توضیحاتی دربارهٔ مباحثی چون آموزش و
تکنولوژی آموزشی و تاریخچه آن، به بررسی چند نمونه از الگوهای آموزشی
(که برای موقعیتهای محیطهای مختلف ارائه شده‌اند) پرداخته است بخشی از
کتاب نیز به مسائل مربوط به تعیین و طبقه‌بندی هدفهای آموزشی از
دیدگاههای محیط اختصاص دارد ارائه یک الگوی پیشنهادی عام برای
ارزیابی انواع برنامه‌های آموزشی از جمله مباحث نایابی کتاب است
۵۳) فلسفه تعلیم و تربیت ج ۱ تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب
علوم انسانی دانشگاهها-دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ۱۳۷۲ یارده ۴
۵۳۵ ص. ۳۰۰۰ ریال

حقوق و قوانین

۵۴) فیه بصیری، فیروز مجموعه قوانین حقوقی تهران صندوق
۱۳۷۲. بیست و یک + ۷۲۲ ص ۷۰۰۰ ریال
مؤلف مجموعه قوانین حقوقی را به علاوهٔ اقلام قانون اساسی و میرهاون
مدنی و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت را به ترتیب حروف الفبای عنوان
قوانین تنظیم کرده است تا به این ترتیب دستیابی به هر یک از این قوانین برای
مراجعان آسان شود گفتمانی است که دارای وحدت رویهٔ هفت عمومی دیوان
عالی کشور و نظریات شورای نگهبان مربوط به هر ماده در ناوردی همان ماده
درج شده است تا مراجع را از رجوع به ماحد دیگر بی‌نیاز سازد
۵۵) مردانی، نادر (و) دیگران. آیین دادرسی مدنی. تهران نشر پلدا
۱۳۷۲. ۲۷۲ ص. ۳۰۰۰ ریال.
«دادخواست»، «ایلاع»، «دادرسی»، «تصمیمات دادگاه»، «حکم حضوری و

حسابی»، «دربی فوری»، «طری فوق العادهٔ سخت اراحکام»، «تجدید نظر
از ای محاکم حقوقی و مدنی خاص»، «امراض شخص ثالث» و «اعادهٔ
دادرسی» عنوان فصلهایی از کتاب است
۵۶) ولیدی، محمد صالح حقوق جزای عمومی تهران سازمان مطالعه
و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۲ ۲ ح هجده ۶۷۲ ص
نهای دورهٔ دو جلدی ۵۶۰۰ ریال

زبان و زبان‌شناسی

۵۷) حاج سیدجوادی، سیدحسین صدرالدین دستور بررسی فارسی در
تیمه‌فاره اسلام آباد (پاکستان)، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
۱۹۹۳ م (۱۳۷۲ ش) ح ۲۴۷ ص فهرست راهما ۲۰۰ روپیه
فهرست نا از سی است از ثلثهٔ شاهان و رسائل دستور زبان فارسی نه در
سده‌فاره نگاشته شده است - آنها و رسائل به ترتیب تاریخی معرفی شده و
در بارهٔ هر دستور بود. باب مفصلی، دربارهٔ نسخه‌های خطی کتابت آنها و
فصول و موضوعات عمده آنها آمده است یکی از قدیمی ترین دستورهای نه
در این کتاب معرفی شده، سانی است با عنوان اصل فارسی نوشته
عبدالقدیم ملسانی نه در سال ۱۱۱۱ هـ ق را نگاشته است در فصل سیم
کتاب حاضر تمامی می این دستور، از حدود ۷ صفحه) جات شده است
فصلی از کتاب نیز به معرفی برخی از رساله‌های اردو و انگلیسی، نامه، نام
فارسی، و فصل سیم آن به بررسی نلی دستور ها احتیاط در نفسی است
نه در جلد سیزدهم فهرست مند است نسخه‌های خطی فارسی باستان، ایر احمد
میری (اسلام آباد مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۰ ص)،
مهرست سبازی است و رسائل دستور زبان فارسی همراه با شرح جامعی
در بارهٔ این کتب و رسائل منتشر شده است سایر اس این فهرست محمل کتاب
حاضر محسوب می‌شود

۵۸) ریخارد، جک (و) جان بنت (و) هایدی ویر فرهنگ توصیحی
زبان‌شناسی کاربردی لانکس ترجمهٔ حسن وثوقی (و) سداکر
میرحسینی تهران مرکز ترجمه و نشر کتاب ۱۳۷۲ ۷۵۲ ص واژه‌نامه
۵۵۰۰ ریال

فرهنگ حاضر شامل غالب اصطلاحات مهمی است نه در مباحث امه رس
زبان، زبان‌شناسی، دستور، آواشناسی، واج‌شناسی و معنی‌شناسی نه فار
می‌رود فرهنگ اساساً برای شناسی بدو شده که دانش فنی چندانی نه
این موضوعات ندارند و دیگر اینکه مخاطب اصلی این کتاب شناسی هستند نه
انگلیسی زبان دوه زبان خارجی اما است ظاهراً کتاب حاضر اردو و جات
سوم می انگلیسی (۱۹۸۹) نه فارسی نه گردانده شده است سجاوب بی جدر
انتخاب جره و درس با نامه‌های بلند قطر کتاب را دست نه به دو برابر آن
اندازه‌ای نه می‌بایست افزاین داده است

۵۹) تیمه‌نامه مرکز نشر دانشگاهی ویرایش دوم تهران مرکز نشر
دانشگاهی ۱۳۷۲ ۸۴ ص ۵۰۰ ریال

این مجموعه به حسن زبان با عنوان دستور املای فارسی، و نه همت چندین از
ویراستاران مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۶۴ منتشر شد و ویراست حاضر
علاوه بر سودهٔ املای، مطالبی بر در بارهٔ قواعد نگارش موز ریاضی و فزیک و
سیمی و همجنس طر نهاده شده و سطر، صفحات ساد، تصحیح نمونه‌های
جایی آمده است

۶۰) عرب‌دفتری، بهرور ترجمه و تالیف در بارهٔ نوام چامسکی
تهران معاصر ۱۳۷۲ ۳۱۸ ص جدول واژه‌نامه ۳۲۰۰ ریال
شامل ۱۲ مقاله دربارهٔ آرای چامسکی، زبان‌شناس نامدار امریکایی است
از این تعداد سه مقاله به فله خود چامسکی است، ده مقاله بر اساس مضامین
است که میان چامسکی و مستوروات به عمل آمده است (با عنوان «فلسفهٔ
زبان» (۱۹۷۷)، و «زبان‌شناسی و علو- شناسی» (۱۹۷۷)) و یک مقاله از جان
سیرل است در بارهٔ آرایانی انقلاب چامسکی در زبان‌شناسی (۱۹۷۴) سپس
مقاله دیگر مالف مؤلف و مترجم کتاب حاضر است و بی برای فراهم آوردن این
معالات کوسیده است از بحث دربارهٔ حمله‌های فنی قضایی که هورار ساد و

مؤلف کوشیده است روس جدیدی در تدریس مطالب ریاضی ابداع کند که طی آن مطالب درسی را به گونه‌ای سیرین و الهام‌بخش به دانش‌آموزان دبیرستانی بیامورد دربارهٔ عدد بی، طول محیط دایره، اندازه‌گیری حجم، اعداد سه تا بی هئاعورسی، حجم کره، و دربارهٔ مفهوم بی‌نهایت از جمله مباحث کتاب است.

۷۰) جوشی، او مانی نظریه گروهها برای فیریکدایان ترجمه محسن
سهریشهای مشهد آستان قدس رضوی. ۱۳۷۲. ۴۳۶ ص فهرست راهما
واژه نامه ۳۹۰۰ ریال

(۷۱) ودیعی، کاظم. مقدمه‌ای بر محیط‌شناسی تهران. انتشارات بهایی ۱۳۷۲. ۳۴۱ ص. مصور. جدول ۴۹۰۰. رباعی مؤلف ضمن بحث دربارهٔ محیط و مسائل عمدهٔ آن، عوامل به‌دیدشده محیط را معرفی کرده است. کتاب دارای تصاویر رنگی و نمودار است.

فن و صنعت

۷۲) درتل، لوییس خودآموزی ماسن، تن- بلوک تنی- کاتسی-
مورائیک ترجمه مهراں احتری (و) شهرام احتری (و) کورش معصوری
فادیکلائی بهران ناشر مترجمان اتوریع شرکت انتشارات فی ایران
۱۳۷۲ هـ + ۲۴۴ ص. واژه‌نامه. مصور. جدول ۲۵۰۰ ریال

کتاب به رئاسی ساده روشی عقلی را برای آماده سازی مصالح و احرائی
مروژه های ساختمانی مطرح کرده است و در کلیه مراحل سوانط اس نامه را
مدیتر قرار داده است

(۷۳) ساهبی، سارتج (و) الیس هور و تیر اصول ساحتان داده هاب ریان
باسکال ترجمه امیر علیخاراده مشهد خراسان ۱۳۷۱ (نوزیع ۱۷۲) ۳۵۹
صص مصور واژه نامه

۷۴) سهی راده، مرتضی (ایبانه) فرآورده‌های جاپ در صنایع نساجی
تهران انتشارات صفار ۱۳۷۲ ۳۱۰ صص مصور جدول و اژه نامه ۳۵۰۰
تال

(۷۵) گروب، برارد. مناسی کاربرد ی تلویزیون و ویدیو ترجمه شریف
مقدم [تهران] پستگام نویں ۷۰۹ ص مصور ۹۵۰۰ ریال

۷۶) معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی (مشهد) مجموعه مقالات
رانه تده در اولین سمینار بررسی تصادفات ترافیکی و علل آن، ۲۵ آبان
ماه ۱۳۷۱). مشهد دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۷۲ ۱۸۶ ص. مودار
جدول.

(۷۷) ناطقی الهی، فریرر (و) دیگران «گزارش تحلیلی»، رلرلز دگان چهارم حال بختیاری، ۱۴ اسفند ۱۳۷۰. تهران مؤسسه بین المللی رلرله سیاسی و مهندسی رلرله ۱۳۷۱ ۱۰۴ ص مصور نمودار نقشه در تاریخ ۱۴ اسفند ماه ۱۳۷۰ رلرله ای سهرهای اردل، لرذگان و مناطق طراف آن را در استان چهارم حال بختیاری لرراند در این گزارش اطلاعات اولیه نه دست آمده از این لرره که توسط گروه اعزامی از طرف مؤسسه بین المللی رلرله سیاسی و مهندسی رلرله گردآوری شده، تحریر و تحلیل شده و پس لرره مذکور از دیدگاه های مهندسی رلرله و رلرله سیاسی بر رسمی شده

۷۸) آرموهای فسی و حرفه‌ای ۵ ح تهران: انتشارات فاطمی ۱۳۷۲
۹۰۶ ص جدول نمودار مصور بهای دوره ۵ جلدی ۱۵۰۰۰ ریال
مجلدات حاضر از «مجموعه نمریه‌های PAL» است که توسط کارگزاران و
معلمان مدارس حرفه‌ای آلمان برای امتحانات میانی و بهایی کارآموزان ۸۲
حرفه صنعتی تهیه شده است. از این مجموعه ۵ مجلد زیر درباره حرفه‌های
مربوطه است: که برای معلمان و مربیان هرستانهای حرفه‌ای بسیار
مفید است. به فارسی ترجمه شده است.

درس فی ۱ (ترجمہ احقر رحمی) 'درس فی ۲ (رحمہ عبداللہ ولی برادر)
 فی ۳ (ترجمہ احقر رحمی) 'رسہ فی ۴ حساب فی (رحمہ علی اصغر
 دانی) 'رسہ فی ۵ نفسہ جوانی (محمد رضا نارسا جو)

فرار کافی بر حوردرار نیست خودداری کند و فقط نه موضوعاتی سردارد که تصویر حامی را از دیدگاههای رمان‌ساحی و روان‌ساحی و فلسفی حامی به دست دهد. عنوان مقالاتی را که به فلم خود حامی بود و در این کتاب ترجمه شده است می‌آوریم «نظریهٔ رمانی» (۱۹۶۶)، «رمان و دهی» (۱۹۷۱)، «صورت و معاد رمانهای طبیعی» (۱۹۷۲) عنوان مقالاتی نیز که مؤلف و مترجم کتاب خود نگاشته است به شرح زیر است «حامی حوردراری و بحر نگاری»، «حامی و روان‌ساحی»، «معناسازی در دستور رمان گستانی»، «بررسی تأثیر عقاید رمان‌ساحی بر آرم حامی در بارهٔ مفهوم دستور رمان علمی» در نظریه‌های گفتمانی رمان‌شناسی»، «نگاهی گذرا بر رویداد کلی تحول در نظریه‌های رایجی- گستانی دستور رمان»

(۶۱) نوبهار، مهرانگیر دستور کاربردی زبان فارسی تهران رهنما
۱۳۷۲ شانزده + ۳۲۰ ص ۲۴۰۰ ریال

مؤلف کو سیدہ اسب نامہ نظر گرفتہ اصول کلی زبان‌شناسی، مخصوصاً زبان‌شناسی ساختگرا، شرح روس و موحری از صاحب عمدهٔ دستور زبان فارسی به دست دهد، نه گویائی که استفادهٔ عملی از آن برای معلمان و دانشجویان این رشته به راحتی انجام پذیر باشد

واژه‌نامه و فرهنگ

۶۲) آقا باادستجردی، علیرضا و اژه نامه اقتصادی باررگاسی (الماسی-
نگلیسی- فارسی) بی جا نشر اتحاد ۱۳۷۲ ۱۲۰ ص

۶۳) اسپیر، ریچارد] فرهنگ اصطلاحات عامیانه ترجمه قاسم
کبیری تهران رسما ۱۳۷۲ ۷۱۷ ص ۷۰۰۰ ریال

۶۴) جعفری، فرهاد (و) هاشم ساء پور مرھگ کامپیوتر (سحت افرار).
بریر نلاش ۱۵۵ ص ۱۵۰۰ ریال.

(۶۵) مجلسدیان، گ م فرهنگ فارسی-ارسی تهران ثانوی ۱۳۷۲
ص ۶۶۶.

فرهنگ حاضر حاوی حدود ۳۰۰۰۰ مدخل فارسی و معادل‌های ارمنی
به‌اساس سبسته‌بود علاوه بر مقدمه‌ای به زبان فارسی، با شرح

نگلیسی بیر نه کتاب افروده می سید امد که در جاهای بعدی افروده سود

موزس انقلاب اسلامی ۱۳۷۲ - ۳۲۰ ص شمیر ۲۴۰۰ / زرکوب ۳۳۰۰

۶۷) کشای، خسرو فرهنگ فارسی زاسمو ویراسته علی صلح جو.
پران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ۴۴۰، ۷۸، ۱۱

فرهنگ داسو (= آر آن سو) فرهنگی است که در آن کلمه لعاب بر اساس

حروف آخر آنها نظم می شوند، بر خلاف فرهنگهای معمولی که بر بیست و یک حروف اول آنها بر اساس حروف اولشان است بر این اساس بحسب مدخلهای

فرهنگ حاضر عبارتند از: ۱. نانا، رئیس نانا، مخانا، سمخانا، آخنا،
باسبانا، برعستنا، حنا، عجا، و غیره. از این فرهنگ می توان به عنوان امراری

در پرونده‌های دستوری، خاصه مطالعه سوئدها و مستندات و سررسه‌ها در کلمات مرکب و غیره استفاده کرد منبع اصلی لغات فرهنگ حاضر فرهنگ

درسی معین بوده است در مقابل هر لغت صرفاً او ابویسی آن را با حروف لاس
به دست داده سده است از مؤلف این کتاب کتاب دیگری نیز با عنوان استغفار

سویندی در زبان فارسی امروز (تهران، مرکز سر داسگاه، ۱۳۷۱) میسر
 شده است که منبع اصلی آن همین فرهنگ حاضر بوده است

علوم

۶۸) افاناسیف، و آ (و) مگ ا رایکوف در قلمرو کانالیرور بر حمه
یسیسی یاورى تهران فاطمی ۱۳۷۲ ۱۳۶ ص حدول نمودار واژه نامه
۱۶۰ رمال

(۶۹) لانگ، سرژ برخورد دانش‌امور با ریاضیات ترجمه
محمد باقری. تهران: فاطمی، ۱۳۷۲، ۱۷۵ ص. مصور، ۱۹۵۰، ریال

کتاب حاضر به شرح تاریخچه هنرستان عالی موسیقی ایران و هنرمندان آن، و نیز حرفی بوارندگان و سازسازان و ساگران و ترانه‌سرایان و تصنیف‌سازان ایرانی اختصاص دارد

● سینما

(۸۹) سیبگلتون، رالف اس برنامه‌ریزی تولید فیلم ترجمه سار یعقوب‌شاهی تهران. زمانه. با همکاری رسانه پویا ۱۳۷۲ ۲۹۰ ص واژه‌نامه جدول. ۳۰۰۰ ریال

مؤلف در این کتاب به شرح وظائف مدیر تولید و مسائل مربوط به برنامه‌ریزی‌های تولید فیلم پرداخته است

(۹۰) قوکانیان، راوون گفت و گو با بهرام بیضایی تهران آگاه ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۳۳۵ ص مصور فهرست راهما ۳۳۵۰ ریال

گفتگوهای این کتاب در بایبر ۱۳۶۵ و اردیبهشت ۱۳۶۷ صورت گرفته است و در طی آنها بیضایی دربارهٔ نکات مشکل فیلمها پس سخن گفته است

● هنرهای تجسمی

(۹۱) گیون، ادموند [طراح] کن‌درها و حواشی تریسی (۲) ۱۱۰ ص مصور ۲۰۰۰ ریال

مستمل است بر طرحهایی جهت استفاده در لیتوگرافی، گرافیک، نقش نارحه، گلدوزی، گنجری، مست کاری، سرامیک، جلدسازی، سیلک و فارکاری (۹۲) ماریسی، لاراویکا و گوگ ترجمه محمدرضا پورجعفری تهران قطره ۱۳۷۲ ۱۹۲ ص

رنگی و آثار و گوگ و جایگاه هر وی نسبت به حسنهایی هر ی پس از او از حمله مطالب کتاب حاضر است در این مجموعه ۱۵۴ تصویر از آثار و گوگ به صورت رنگی و بر کاغذ گلاسه عرضه شده است شرح مختصری دربارهٔ هر تابلو، ابعاد آنها، یادداشت‌های خود و گوگ دربارهٔ این آثار و بالاخره دتر نام صاحبان فلی و فلی نابلوها از حمله اطلاعات دیگری است که در این کتاب آمده است

(۹۳) نامی، غلامحسین مانی هنرهای تجسمی، ارتباطات بصری. تهران توس ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۱۵۶ ص مصور واژه‌نامه ۴۵۰۰ ریال.

«عناصر اصلی بصری. نقطه، خط»، «سطح»، «حجم»، «فرم سه بعدی»، «فرم دو بعدی»، «ترکیب بندی (کمپوزیسیون)»، «انواع تعادل»، «رنگ»، «ناب»، «نضاد یا کنتراست»، «ترکیب بندی با نضاد فرمها»، «فرمهای سطح در فضای غیر واقعی»، «مفاهیم جدید فضا در هر معاصر»، «حرکت»، «نور»، «رمان»، «جگوگی‌های روند آفریش یک ابر هر ی»، عنوان فصلهایی از کتاب حاضر است

● حکاکي و...

(۹۴) بوگایچیک، ل ک (و) ب. م بوگایچیک آموزش هر حکاکي. ترجمه نازلی اصغراده تهران. نشر دیبای بو ۱۳۷۲ ۸۰ ص مصور ۷۰۰ ریال

(۹۵) کلدکت، ماری هر بادادکساری ترجمه عادل ارشقی تهران کتابهای شکوفه ۱۳۷۱. [توزیع ۷۲] ۴۶ ص. مصور ۱۰۰۰ ریال

(۹۶) مانی، اکبر گویدگی و م بیان در صدا و سیما تهران داریوش ۱۳۷۲ ۱۱۱ ص مصور ۱۴۰۰ ریال

شرایط گویدگی، انواع صداها، تلفظ صحیح، نهادن گویدگی، جگوگی تهیه گزارش و تمرینها و راهماییهایی برای تقویت هنر سان، از حمله مطالب کتاب حاضر

● معماری

(۹۷) زندگی جدید- کالید قدیم: گریدهای از ساهای با ارزش تاریخی. تهران وزارت مسکن و شهرسازی- با همکاری سازمان میراث فرهنگی کشور ۱۶۰ ص ۲۵۰۰ ریال

یزشکی و دندانیزشکی

(۷۹) دیکسون، مری امداد دندانیزشکی، مجموعه امداد ترجمه قربا سار تهران ماربار ۱۳۷۲ ۲۰۰ ص مصور واژه‌نامه ۲۰۰۰ ریال (۸۰) اوربر، دیوید امداد برشکی، مجموعه امداد ترجمه توکلی صابری بهران ماربار ۱۳۷۲ ح ۸ ۴۱۵ ص مصور فهرست راهما ۳۵۰۰ ریال

تربیت بدنی

(۸۱) اهولا، اسو (و) براد هتفیلد روانشناسی ورزش، بارویکرد روانی- اجتماعی ترجمه رضا فلاحی (و) محسن حاجیلو با مقدمه محمود ساعتچی تهران سازمان تربیت بدنی- معاونت امور فرهنگی و آموزشی، دفتر تحقیقات و آموزش ۱۳۷۲ ۵۹۰ ص ۴۰۰۰ ریال

(۸۲) دکانی، محمود (و) محمد سوب کلیات تربیت بدنی در مدارس تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۱ دوازده + ۲۴۴ ص جدول ۲۱۰۰ ریال

(۸۳) شعایی، محمد کوه و رنگی (قلعه‌ها، قلعه‌ها، عازها، دریاچه‌ها، راهمهای کوهنوردان) تهران نشر. مؤلف ۱۳۷۲ ۳۱۰ ص ۳۵۰۰ ریال

(۸۴) سوبی، محمد (و) محمود دکانی روش تدریس تربیت بدنی در مدارس تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۱ ۱۴۶ ص. جدول نمودار ۱۶۰۰ ریال

هنر و معماری

● موسیقی

(۸۵) بیضایی، سیاوش ترانه‌های محلی ایران برای پیانو تهران. نشر سیاوش بیضایی [مرکز بخش. رودکی] ۱۳۷۲ ۵۶ ص ۳۸۰۰ ریال دفتر حاضر صورت تکمیل شده مجموعه دیگری از همین گردآورنده است که فعلا با عنوان اهنگهای محلی برای پیانو (در سال ۱۳۶۲) منتشر شد در تنظیم این ترانه‌ها از سکنهای مختلف موسیقی کلاسیک و معاصر استفاده شده است

(۸۶) هریری، ناصر دربارهٔ هنر و ادبیات: موسیقی ح ۱۰ گفت و شنودی با فریدون ناصری و مجید کیانی تهران نشر آویشن (و) نشر گوهراد ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۱۶۴ ص فهرست راهما ۱۱۰۰ ریال (۸۷) لطفی، محمدرضا [گردآورنده] کتاب سال شیدا، ویژه پژوهش در فرهنگ ایران و سایر اقوام و ملل. ح ۱ تهران. شرکت فرهنگی- هنری شیدا ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. ۳۶۳ ص. مصور خط موسیقی فهرست راهما ۴۵۰۰ ریال

حاجت بحسب این کتاب در آمریکا بوده است (واستگن دی سی، انتشارات مرکز فرهنگی و هنری شیدا، ۱۹۹۲) و کتاب حاضر حاج دوم آن محسوب می‌شود. عنوان برخی از مقالات این مجموعه و نام نویسندگان آنها را می‌آوریم

«اوضاع کوبی موسیقی در ایران»، محمدرضا لطفی / «مهاجرت آواهای ایران»، م ح آریان / «به مناسب مردگداست استاد مهدی کمالیان»، محمدرضا لطفی / «دوتار»، مهدی کمالیان / «سرگدست در سجه»، سیدعلی رضا میرعلی / «مانی فیریک صوب و موسیقی»، هوسنگ حجتی

(۸۸) نصیری‌فر، حبیب‌الله مردان موسیقی سنتی و نوین ایران ح ۳ تهران کتابخانه سانی ۱۳۷۲. ۵۹۷ ص مصور فهرست راهما

۱۰۵) حدیثی، مهدوی. اسب آبی چرا دهندش را باز می‌کند؟ نقاشی از آدریان کناوی. ترجمه ناصر ایرانی تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۲. [بدون صفحه شمارا] ۹۵۰ ریال.

۱۰۶) داهل، هولد انگشت جادویی. نقاشی از هنری گالرول ترجمه مریم تقوی. مشهد. ادبیات کودکان و نوجوانان- بنیاد پژوهشهای اسلامی ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲]. بدون صفحه شمار. مصور. ۵۰۰ ریال

۱۰۷) ساکاده، فلورنس. پسر هلو ترجمه سیروس طاهباز تهران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۲ ۲۶ ص. مصور ۴۰۰ ریال ۱۰۸) شکسپیر، ویلیام. مکبث. ترجمه و بارنویسی: خسرو شایسته نقاشی از منوچهر درفشه تهران انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۷۲. ۳۴ ص. ۶۰۰ ریال

۱۰۹) شمس، محمدرضا. خواب گمشده مادر برگ نقاشی از علامعلی مکتبی تهران نشر رویش ۱۳۷۲ بدون صفحه شمار مصور ۵۰۰ ریال

۱۱۰) کنگ کنگ. بچه گربه خود پسند. نقاشی از چیاک چنگ آن (و) ونای شنگ. ترجمه فرح صیانی، مشهد ادبیات کودکان و نوجوانان- بنیاد پژوهشهای اسلامی. مصور بدون صفحه شمار. ۵۰۰ ریال

۱۱۱) کیارستمی، عباس (و) داریوش دیانی. داستان رنگی پرثروبا افتخار مداد قرمز تهران. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۲ ج ۸ بدون صفحه شمار. مصور ۳۰۰ ریال

۱۱۲) محمدی، محمد گربه و پلنگ تصویرگر عادل رستم پور تهران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۱۳۷۲ ۲۸ ص. مصور. ۳۲۰۰ ریال.

۱۱۳) مهرپور، راضیه. دختر باغ آرو نقاشی از فریبا رحمانی تهران مطبوعاتی صدق ۱۳۷۲ [بدون صفحه شمارا] ۲۰۰ ریال

● شعر فارسی

۱۱۴) پژمان مختیاری، حسین کویر اندیشه، برگزیده اشعار حسین پژمان بخیاری با مقدمه ایرج افشار تهران نشر پارسا (۴) ۱۳۷۲ ۲۷۱ ص ۳۲۰۰ ریال

۱۱۵) اشکوری، کاظم سادات در کنار جاده پاییز شیراز نوید. ۱۳۷۲ ۹۷ ص ۱۲۰۰ ریال

۱۱۶) رئیس مختیاری، داراب آوای ایل، مجموعه اشعار. بی‌جا ناظر ۱۳۷۲ ۱۳۹ ص ۱۶۰۰ ریال.

۱۱۷) شاملو، احمد. گریه اشعار احمد شاملو تهران. مروارید ۱۳۷۲ ۲۸۸ ص. ۳۲۰۰ ریال

۱۱۸) عطاء اللهی، علی اصغر سهم من ارجهان تهران ناشر مؤلف ۱۳۷۲ ۱۰۰ ص ۱۳۰۰ ریال.

۱۱۹) کریمی، غلامعلی آهنگ شکفتن (مجموعه شعر) تهران ناشر مؤلف ۱۳۷۲ ۸۰۰ ریال

۱۲۰) گزیده غزلیات مولوی انتخاب و شرح از سیروس شمیسا تهران قطره ۱۳۷۲ ۱۱۲ ص ۱۲۰۰ ریال

در این مجموعه ۳۴ غزل و ۱۳ رباعی مولانا به اختصار شرح شده است (۱۲۱) مردانی، نصرالله. تذکره منظوم: ستیع سخن: همراه با معرفی کوتاهی از حدود دو هزار شاعر و بیش از صد پنجاه تذکره تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۷۱ ۳۰۰ ص ۲۳۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل منظومه‌ای است مرکب از ۲۷ بند ۱۱ بیت. یعنی مجموعاً ۲۹۷ بیت، در بحر مفاعیل و در قالب مثنوی که به صورت ترجیع بند سروده شده است چهار بند اول این منظومه مقدمه‌ای است بر فرار و نسیبهای شعر در طول تاریخ، و ۱۹ بند میانی آن به ذکر نام بیش از دو هزار شاعر فارسی‌گو- از سدید بلخی تا یحیی یسج- اختصاص یافته است. این بخش با بیت ربیع آغاز می‌شود «بختین شهید تو از بلخ بود/ که چون حنظله کام او نلخ بود» چهار بند پایانی منظومه نیز به ذکر نام بیش از ۱۵۰ تذکره یا اثر ادبی

در این کتاب به لزوم استفاده از ساهای با ارزش قدیمی که در شهرها و محلات شهرهای مختلف ایران از دیرباز به عنوان میراث فرهنگی به دست ما رسیده تأکید شده است. تصاویری از خانه‌ها و ساختمانهای قدیمی در نقاط مختلف ایران، با مشخصاتی چون محل، مساحت تقریبی، کاربرد فعلی و کاربرد پیشین (اینکه در آینده مندل به چه محلی بشود)، نمای اصلی، برش عرضی و شرحی درباره دوره تاریخی باار حمله مطالب کتاب حاضر است. مطالب کتاب به دو زبان فارسی و انگلیسی است و دارای تصاویر رنگی، کاعد گلاسه و حلد گالیگور روکش دار است

۹۸) قاضی راده، بهرام اصول و معیارهای طراحی فضاهای آموزشی و پرورشی. تهران. سازمان بوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور- دفتر تحقیقات و پژوهش سی تا [توزیع ۷۲] ۲۴۰ ص. مصور جدول ۳۵۰۰ ریال

مؤلف در این کتاب به صواب و معیارهای علمی و فنی برای ساختمانهای آموزشی، به گونه‌ای که منطق با نیازهای آموزشی کشور باشد، در زمینه فضاهای آموزشی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه پرداخته است

۹۹) قوچانی، عبدالله اشعار فارسی کاشیهای تخت سلیمان. ویراسته احمد سمیعی (گیلانی) تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۱۴۶ ص. مصور.

کتاب حاضر به بررسی یکی از انواع کاشیهای محرابی اختصاص دارد: یعنی کاشی طلایی یا زرین‌فام به دست آمده از تخت سلیمان، که از انواع کاشیهای تربیی ساهای دوره اسلامی است. مؤلف کوشیده است این قطعات بارمانده را از لحاظ تاریخ و محل ساخت و نیز اسعار فارسی بوسه سده بر روی آنها بررسی کند و هویت گویدگان اسعار آنها را مشخص سازد. عنوان برخی از بحثهای کتاب را می‌آوریم «تاریخچه مختصر کاشی طلایی»، «کاشیکاران دوره‌های مختلف»، «مضمون نوشته‌های روی کاشی»، «اشعار و متون حکو به در اختیار کاشیکار فرار می‌گرفت»، «اهمیت اشعار روی کاشی و ظروف در تصحیح متون ادبی»، «تاریخ دقیق ساحت کاشیهای تخت سلیمان»، «نقوش و محل ساخت کاشیهای تخت سلیمان» کتاب دارای تصاویر رنگی سیار روشن و واضحی است که بر کاعد گلاسه حاد سده است. به بحس بعد و معرفی کتاب در همین شماره رجوع فرمایید

ادبیات

● ادبیات کودکان

۱۰۰) ایستمن، پ. و. بهترین خانه. ترجمه مجید رزاقی، نقاشی از سعید رزاقی. تهران برگ ۱۳۷۲ ۳۲ ص. مصور ۸۰۰ ریال

۱۰۱) باک، پرل درخت بلوط. ترجمه محمدرضا مهدیراده، تهران کتابهای سپیده ۱۳۷۲ ۳۵ ص. مصور. ۳۵۰ ریال

۱۰۲) برادران گریم قصه شش همراه که دست به دست هم دادند نقاشی از لیلوفرورم. ترجمه ناصر ایرانی تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۲ [بدون صفحه شمارا] ۷۰۰ ریال

۱۰۳) یازده قصه ترجمه عذرا مدنی (میریانی) تهران ناشر مترجم ۱۳۷۲ ۹۶ ص. مصور ۱۳۵۰ ریال.

۱۰۴) بويا، سرور باران ستاره. تصویرگر رضالواسانی تهران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۷۲. مصور [بدون صفحه شمارا] ۴۵۰ ریال

احتصاص دارد. شاعر در بخش دیگر کتاب تک تک سحر و امارت را که داسان در منظومه آمده، به اختصار معرفی کرده است.

(۱۲۲) هرکس حکایتی گریده شاپور پسوند با مقدمه موجهر آتشی اصفهان فیروز نشر سپاهیان ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] چهارده + ۲۶۲ ص ۲۰۰۰ ریال.

گریده ای است از غزلیات ساعران معاصر هاسم حاوند، موجهر آسی، منصور اوحی، سند احمد حجتی، برویر خانقی، اورنگ حقیرانی، سندعلی مرارعی، غلامحسین مبین، افسر معرفت، حسن احتشادی، منصور بایمرد و شاپور پسوند از جمله ساعران این مجموعه اند.

(۱۲۳) همه جانی، کورش سراع مرا از سکوت بگیر- مجموعه شعر بی جا، ناشر. مؤلف [مرکز بحث چشمه] ۱۳۷۲ ۶۴ ص

● داستان، نمایشنامه و فیلمنامه فارسی

(۱۲۴) پورجعفری، محمدرضا دهم خرداد پنجاه و دو بی جا ناشر مؤلف ۱۳۷۲ ۱۸۷ ص ۲۱۰۰ ریال

(۱۲۵) حجاری، خاطره چراغ های رابطه، مجموعه داستان تهران روشنگران ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۱۴۴ ص. ۱۵۰۰ ریال

(۱۲۶) داشور، مهین خانواده میکائیل و اعقاب تهران نشر مرکز ۱۳۷۲ ۴۱۵ ص ۴۲۰۰ ریال

(۱۲۷) شیبانی، موجهر مفرسهای خوین (دو فیلمنامه همراه) تهران مجتمع فرهنگ و هنر اسلامی ۱۳۷۲ ۱۹۰ ص ۱۶۵۰ رال

(۱۲۸) فصیح، اسماعیل فرار فروهر تهران الر ۱۳۷۲ ۵۵۸ ص ۶۵۰۰ ریال

(۱۲۹) ملک پور، جمشید هفت دهلیز تهران نشر مرکز ۱۳۷۲ ۱۲۷ ص ۱۶۸۰ ریال

● درباره ادبیات فارسی و غرب

(۱۳۰) جلالی، بهرور. فروغ فرخزاد، خاودانه ریستن- در اوج ماندن تهران مروارید. ۱۳۷۲ ۸۲۰ ص

یادنامه ای است مفصل و خواندنی شامل نامه ها و نوشته ها و مصاحبه ها و خاطرات فروغ و نیز نوشته ها و خاطرات و مقالات دیگران درباره وی. بیسر مطالب این مجموعه در سالهای گذشته و در سرباب گوناگون چاپ شده است که اینک همه یکجا در اختیار علاقمندان قرار می گیرد. حای فهرست اعلام در این مجموعه حالی است

(۱۳۱) حسینی، صالح بررسی تطبیقی چشم و هیاهو و نازده احتجاب تهران نیلوفر. ۱۳۷۲ ۱۰۸ ص ۱۲۰۰ ریال

مؤلف کوشیده است رمان حسم و هیاهو (ویلیام فاکنر، ترجمه صالح حسینی، تهران، نیلوفر، ۱۳۶۹) را با سارده احتجاب (هوسنگ گلگیری، تهران، رمان، ۱۳۵۰، ج ۲) مقایسه کند و وجه مشابهت با افتراق آنها را سان دهد. فصل نخست کتاب به بررسی رمانهای حریان سیال دهی، که دو رمان حاضر نیز از رمره همین نوعند، اختصاص دارد. در فصلهای بعد سیوه رواب دو رمان و مضامین و تصاویر و شخصیتهای آنها با هم مقایسه و بررسی شده است. (۱۳۲) حقوقی، محمد فروغ فرخزاد، شعر زمان ۴ تهران نگاه ۱۳۷۲ ۳۴۰ ص

مؤلف اشعاری از فروغ را که اسعار موفق وی داسته، تفسیر و تحلیل کرده است. این کتاب همچنین شامل گریده ای از اسعار فروغ نیز هست.

(۱۳۳) حلیم، سیدحسین جعفر. شرح احوال و آثار عبدالرحیم خانحانان و خدمات او برای پیشرفت ادبیات فارسی اسلام آباد (پاکستان) مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ۱۳۷۱ ش (۱۹۹۲) ۲۷۷ ص فهرست راهنما. ۲۲۰ روپیه

میرزا عبدالرحیم خان خانحانان از امرای ترجمه عهد حلال الدین محمداکبر شاه بررگ (۹۶۳ تا ۱۰۱۴ هـ ق)، از ناساهاان تیموری (معمل هد) است که پس از اکبر شاه حندی هم در عصر فرید و حاسین وی نورالدین

محمد جهانگیر (۱۴-۱۳۷۱) نیز به سر برد و خدمات ادبی خود را ادامه داد. از جمله امرایی بود که خود در هل شعر و ساعری و نویسندگی بود و در باروی محل بسیاری از سحر و ادب دوستان ان رمان بو- به حدی که عده ای او را بررگتر بین مر بی اهل هنر و حامی ادب فارسی و ادبان ایرانی در مسری رمن و خصوصاً در سه فاره هند و پاکستان دانسته اند. کتاب حاضر، حصی مفصل و حامی است در نا د این - کمران محلی عهد معمول رسد فرهنگ و توجه به زبان فارسی در دوران اشرساه و معرفی خانحانان و دودمان او از مناجت کتاب حاضر است.

(۱۳۴) شهریار، سیدمحمدحسین شهریار و انقلاب اسلامی تهران الهدی ۱۳۷۲ بیست + ۲۶۳ ص ۱۵۰۰ ریال

(۱۳۵) عادل، محمدرضا فرهنگ جامع نامهای شاهنامه تهران نشر صدوق ۱۳۷۲ ۵۱۲ ص ۴۴۰۰ ریال

مستمل است بر ثلثه نامهای خاص مردم، خاوران، زوها، روهها، ماهها و در شاهنامه فردوسی مؤلف کوشیده است برای هر اسم شرح کاملی بیاورد و در پایان هر شرح شماره آبیانی را که نام مورد نظر در ان بهی دارد به دست دهد. این فرهنگ بر اساس شاهنامه حاب اکادمی علوم اتحاد شوروی بهی سه است.

(۱۳۶) گولیبیاری، عبدالقایی شر و شرح مثنوی شریف ترجمه و توضیح توفیق ه سحابی دفتر ۲ تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۴۱۳ ص ۴۳۰۰ ریال

مؤلف کوشیده است مثنوی را با استناد به ماحدی حون مقالات شمس و انار خود مولوی تفسیر کند و این کار را با اتکا به روشهای تحلیل امرو و بدون حاسنداری احجام دهد. گولیبیاری اندا عین اناب را آورده و سپس ان آیات را، با فرار دادن معادلهای ساده بحای لغات دسوار و سن و سن کردن از کان حمله، به صورت شر بارویسی کرده است و سن از ان مرحله به شرح مفصل آیات برداخته است. کتاب حاضر از ریان تری به فارسی ترجمه شده است.

(۱۳۷) بیکنکت، محمود شعر و زندگی فروغ فرخزاد، از گمشدگی تا رهایی اصفهان مشعل ۱۳۷۲ ۲۰۸ ص ۲۱۰۰ ریال

(۱۳۸) واده، ژان کلود حدیث عشق در شرق (از سده اول تا سده پنجم هجری) ترجمه حواد حدیدی تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۲ هشت + ۶۱۰ ص فهرست راهنما ۷۰۰۰ ریال

مؤلف کتاب (متولد ۱۹۳۱ م) استاد فلسفه و کلام اسلامی در مدرسه مطالعات عالی فرانسه است، و کتاب حاضر یکی از مهمترین آثار او در زمینه ریان و ادبای عرب و مسائل مربوط به دسای اسلام است. او در این کتاب کوشیده است وجه مشترک و مناهبت میان ادبای عاسانه شرق اسلامی و ادبای عرب مسیحی را سان دهد.

● شعر خارجی

(۱۳۹) پیا، پاسکال گیوم آپولیر در انیة انارش ترجمه م ع سپالو بی نا [توریع بحث گریده] ۱۳۷۲ ۳۳۸ ص منصور ۳۲۰۰ ریال

بخش نخست کتاب به بررسی اسعار و زندگی گیوم آپولیر (۱۹۱۸-۱۸۸۸)، ساعر معروف ایتالیایی و از نسگامان بهض دادانیمتی، اختصاص دارد. بخش دوم کتاب شامل گریده ای است از اسعار ان شاعر (۱۴۰) گلستان ژاپی ترجمه هاتم رحبراده تهران مؤسسه مطالعات

و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه). ۱۳۷۲. ۲۱۵ ص ۲۳۰۰ ریال

چوَره رُوَره گوَسا نام کتابی است که ایرانشناسان زاسی آن را در ادبیات زابن ناگلستان سعدی در زبان فارسی مقایسه می کنند کتاب چایر که حاوی حکایت های بدآمور و عرفانی و آمیخته به طر است و از ایثار و ایهام بسیار برخوردار است. از آثار کهن و ارزشمند ادبیات را بن محسوب می شود کتاب حاضر اثر ککو، اندیشمند و روحانی بودایی سده چهارده میلادی است این کتاب تاکنون به زبان های بسیاری ترجمه شده است ترجمه حاضر اردوی متی ترجمه انگلیسی صورت پذیرفته است

● داستان، نمایشنامه و فیلمنامه خارجی

۱۴۱) آسیوف، آیراک سرآغار بیاد کهکشانی ترجمه پیمان اسماعیلیان خاتمه. تهران چاپ و نشر بیاد ۱۳۷۲. ۵۷۲ ص ۴۳۰۰ ریال
۱۴۲) آپیکین، خوان. بن کلاه اجیری. ترجمه حسن پستیا تهران لکلك ۱۳۷۲. ج ۲. ۲۲۰۰ ریال
۱۴۳) بل. هاپریش. قطار موقوف رسید ترجمه کیکاووس جهانداری تهران چشمه ۱۳۷۲ ۱۶۷ ص ۱۶۰۰ ریال
۱۴۴) مک کالو، کالین نابوان عمارت میسالونگی ترجمه طاهره صدیقیان، تهران صدوق ۱۳۷۲. ۲۲۳ ص ۲۰۵۰ ریال

● درباره ادبیات خارجی

۱۴۵) اسکار بیت، دیر ادبیات کودکان و نوجوانان در اروپا، چشم انداز تاریخی ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم ویراسته الله وردی آدری نجف آبادی مشهد جهان اندیشه کودکان ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲] ۲۰۶ ص ۱۸۵۰ ریال
مؤلف ضمن بررسی تاریخ ادبیات کودکان در اروپا به معرفی نویسندگان ادبیات کودکان در اروپا و برآیندی که برای کودکان و نوجوانان نگاشته شده پرداخته است
۱۴۶) افران، چارلز انوره وبالرک (از مجموعه «نسل قلم»-۹) ترجمه سیاوش سرتیپی تهران نشر نشانه (نا همکاری) دفتر ویراسته ۱۳۷۲ ۱۰۸ ص. فهرست راهما. ۱۲۰۰ ریال
در این کتاب درباره زندگی و آثار مرحه نالارک (۱۸۵۰-۱۷۹۹)، و بر دیدگاه های و گرایش های فکری وی بحث شده است
۱۴۷) داستایفسکی، فیودور دفتر یادداشت رورانه یک نویسنده ترجمه ابراهیم یوسی. تهران بزرگهر ۱۳۷۰ [توریع ۱۷۲] ۳ ح ۱۵۰۹ ص بهای دوره سه جلدی ۱۵۵۰۰ ریال

یادداشت های کتاب نا نوشته های مربوط به سال ۱۸۷۳ اعاری می شود و نا بوسه های سال ۱۸۸۱ (سال مرگ داستایفسکی) خاتمه می یابد داستایفسکی در این یادداشتها نظرات خود را درباره مسائل اجتماعی و سیاسی روزگار خود بیان داشته است و درباره مسائلی چون نفس و سهم روسیه در حل و فصل آتی سر نوشت ملل اسلاو و بر مسائل مربوط به تعدادی و ادبیات بحث کرده است
۱۴۸) بلنن، رامان راهمای نظریه ادبی معاصر ترجمه عباس محیر تهران طرح نو. ۱۳۷۲ ۳۰۴ ص ۲۸۰۰ ریال

مؤلف کوشیده است مفاهیم اساسی مکاتب فرمالیسم، مارکسیسم، ساختگرایی، مابعد ساختگرایی، نظریه دریافت و مکتب انتقادی اصالت را با ایثار شرح دهد کتاب حاضر از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ سنس بار محدودیت شده است ترجمه حاضر از روی آخرین چاپ آن که ویرایش دوم اثر بر محسوب می شود، صورت گرفته است

۱۴۹) کامو، آلبر. چند نامه به دوست آلمانی. با مقدمه ای درباره افکار و آثار کامو. ترجمه رضا داوری. تهران. سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۲ ۱۰۰ ص. ۶۲۰ ریال

حاج محبت کتاب توسط انتشارات بیل در سال ۱۳۴۷ مسر شد در حاک حاضر مترجم مقدمه دیگری به کتاب افزوده است
۱۵۰) مکلینتاک، ان سیمون دوبووار ترجمه صفیه روحی (از

مجموعه «نسل قلم»-۱۰). تهران. نشر نشانه (نا همکاری) دفتر ویراسته ۱۳۷۲ ۱۲۸ ص. فهرست راهما. ۱۳۰۰ ریال.

درباره زندگی و آثار سیمون دوبووار (۱۹۸۶-۱۹۰۸)، نویسنده و اندیشمند فمینیست فرانسوی و همسر ران بل سارتر است
۱۵۱) می، درووت پروست. ترجمه فرانیه طاهری تهران طرح نو ۱۳۷۲. ۱۶۲ ص مصور ۱۷۰۰ ریال

مؤلف کوشیده است زبان در جستجوی زبان اردب رفته را بررسی کند و قصه و مضامین اصلی آن را به دست دهد کتاب حاضر یکی دیگر از آثار مجموعه Past Master، از انتشارات دانشگاه اکسفورد (۱۹۸۳)، است

متون کهن

۱۵۲) رازی، ابوبکر محمد بن زکریا الحاوی ج ۲۲ ترجمه سید محمود طباطبائی تهران الحاوی ۱۳۷۲ ۶۹۶ ص وازه نامه فهرست راهما ۹۸۰۰ ریال

الحاوی از حمله مهم ترین تألیفات رازی (۲۵۱ تا ۳۲۳ هـ) فیلسوف و طبیب داسمندی ایرانی است این کتاب درباره داروسازی و سببانی واره های ناساخته مربوط به نام داروها، اندازها و سبب های آنهاست
۱۵۳) ژیبو، فیلیپ ارداویراف نامه (ارداویراف نامه) ترجمه و تحقیق از ژاله امورگار تهران معین (و) انجمن ایرانشناسی فرانسه ۱۳۷۲. ۲۷۰ ص ۳۰۰۰ ریال

فیلیپ ریبو این اثر را حرف نویسی و اوایی می کرده و از اصل بهلوی به فرانسه ترجمه کرده است مترجم فارسی ضمن توجه به متن بهلوی اثر، آن را از روی ترجمه فرانسوی ریبو به فارسی برگردانده و مواردی را در زیر نویس مذکور شده است ریبو بر ترجمه فارسی کتاب مقدمه ای نگاشته است این اثر در میان آثار مردیسی به زبان بهلوی، از معروفترین مآخذ برای شناخت جهان سنس از مرگ در ایران باستان به حساب می آید

تاریخ

۱۵۴) حافظ ابرو رنده التواریخ، مقدمه و تصحیح و تعلیقات از سید کمال حاج سیدجوادی تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (و) نشری ج ۲ ۱۳۷۲ شصت و نه + ۱۲۶۴ ص فهرست راهما نقشه مصور دوره دو جلدی ۱۵۰۰۰ ریال

عبداللہ لطف اللہ بن عبدالرسید حوافی معروف به حافظ ابرو (متوفی ۸۳۳ هـ ق)، از تاریخ نویسان قرن نهم است کتاب تاریخ وی حوادث تاریخی را از آغاز افرسن تا سال ۸۳۰ در بر دارد دو مجلد حاضر که در واقع ربع آخر آن کتاب است و رنده التواریخ نام دارد، وقایع مربوط به سالهای ۷۳۶ (آخر ایام ابوسعیدی و انصاری دولت حنگیر خانی) تا ۸۳۰ (زمان سو. قسند. نافر حاکم احمد لره خان ساهر ج) را شامل می شود

۱۵۵) دحویه، قمرطیان بحرین و فاطمیان. ترجمه محمد باقر امیرخانی تهران سروش. ۱۳۷۱ [توریع ۱۷۲]. ۱۸۸ ص جدول. ۱۶۰۰ ریال.

مؤلف شکل گیری بهشت فرمطیان و سیر و ریها و سیر فتنهای آنان را از سده سده سوم تا آغاز سده ششم هجری بررسی کرده است و درباره مسائلی چون اعتقاد عمیق و لرلر نادر فرمطیان و حتی فاطمیان مصر به تأسر احکام نجومی بحث کرده است کتاب دارای یکمته ای است شامل حدودهای نجومی و دبیعی از راهها (طی حدود ۸ هـ) کتاب حاضر از روی ویراسته دوم نسخه

کتاب نگاشته ضمن اساره به اهمیت ترجمه مبنای تاریخی، و به ویژه متون مربوط به هند در دوره ناصری، توضیحات مفصلی درباره مترجم کتاب و خدمات دولتی وی و نیز ترجمه‌های وی آورده است. اهتمام مگر کتاب نیز در درآمد مفصلی که به کتاب نگاشته در رساله مربوط را به تفصیل معرفی کرده است.

۱۶۰) محمدی ملایری، محمد تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی ج ۱ تهران انتشارات پردان ۱۳۷۲ ۵۲۲ ص فهرست راهما ۷۰۰۰ ریال

مؤلف کوشیده است مسائل مربوط به انتقال تمدن و فرهنگ ملت ایران به دوره اسلامی را، در دوره گوناگونی که در دوره اسلامی و ساسانی حای دارد بررسی کند و آثار آن را بیان دهد.

زندگینامه و خاطرات و سفرنامه

۱۶۱) براون، هودیت گاندی، زندانی امید ترجمه محمدحسین اریا تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۷۲ ۶۵۰ ص مصور جلدبرم ۵۵۰۰/ گالیکور ۶۵۰۰ ریال

مؤلف نویسنده است با اسناد به ۹ مجلد کتابی که دولت هند در فاصله سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۸۵، با عنوان مجموعه آثار مهاتما گاندی منتشر کرده است. توضیحات و سنجشهای گاندی را بررسی کند و مراحل گوناگون زندگی سیاسی وی را بیان کند.

۱۶۲) چلبی، رانوام زندگی بهرو ترجمه فریبرز فرهنگ بهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۲ شش + ۱۴۴ ص مصور ۱۴۰۰ ریال کتاب حاضر به بررسی و شرح زندگی بهرو و تحصیلات و خانواده، افکار و آثار و مبارزات سیاسی وی اختصاص دارد.

۱۶۳) زندگی طوفانی، خاطرات سیدحسین تقی‌زاده به کوشش ایرج افشار تهران انتشارات علمی ۱۳۷۲ ج ۱ + ۱۲۲ (بخش بیست) ۹۹۴ ص مصور فهرست راهما ۹۸۰۰ ریال

کتاب، حاضر حاوی خاطرات عمده و برخی از وقایع، حوادث زندگی سیدحسین تقی‌زاده، دانشمند و سیاستمدار معروف ایرانی است. ۱۶۴) کریدر، مایکل بودا ترجمه علی محمد حق شناس ویراسته کامران فانی تهران طرح نو ۱۳۷۲ ۱۸۷ ص واژه‌نامه فهرست راهما ۱۷۰۰ ریال

مؤلف ضمن بررسی زندگی بودا، کوشیده است تحلیل گسترش آیین او را در طی قرون و در سرزمینهای گوناگون بیان کند.

۱۶۵) گرس، آئو سفیر ریا، سرگذشت و سفرنامه فرستاده فرانسه در دربار شاه سلطان حسین صفوی ترجمه و توضیح علی اصغر سعیدی، تهران انتشارات تهران ۱۳۷۲ ۴۲۵ ص مصور ۵۰۰۰ ریال

مازی تلودوبی، از زبان ماحراحو و حوس گندان فرانسوی در عهد لونی چهاردهم بود که دارویندار خود را در فرانسه فرستاد و با یکی از سفیران دولت فرانسه که برای عقد قرارداد با ایران بود به ایران آمد، و در ژانویه ۱۷۰۶ م (فروردین ۱۱۱۷ هـ) وارد ایران شد کتاب حاضر سرگذشت سفر این زن ماحراحوست که به صورت داستانی با، بهی تنظیم شده است.

۱۶۶) منصوری، فیروز نگاهی نو به سفرنامه ناصر خسرو تهران شرکت انتشارات چاپخش ۱۳۷۲ ۲۳۳ ص فهرست راهما ۲۵۰۰ ریال مؤلف خرنیاب سفرنامه ناصر خسرو را بررسی کرده است و نکاتی را درباره سبک نگارش و مسائل تاریخی در آن عنوان کرده است.

۱۶۷) وامری، ارمینیوس زندگی و سفرهای وامری، رساله سیاحت درویشی درویش ترجمه محمدحسین اریا تهران انتشارات علمی و فرهنگی سیرده + ۲۶۲ ص مصور فهرست راهما ۳۰۰۰ ریال

مؤلف کتاب (متوفی ۱۹۱۲) جاحز سناس و محقق مجاری است که در سده دوم قری ۱۹ به قسطنطنیه، آنگاه به ایران و سپس به کستان و افغانستان و هرات رفت او در سفرنامه خود توصیفات دقیقی از آداب و رسوم و سبک تفکر مردم آن سرزمینها به دست داده است.

فراسوی (لیدن، ای جی بریل، ۱۸۸۶) ترجمه سده است

۱۵۶) دو سال روابط محرمات احمدشاه و سفارت شوروی، یادداشت‌های رضا هروی نصیرالدوله به کوشش محمدتقی تهران نشر تاریخ ایران ۱۳۷۲ ۱۹۱ ص مصور نمونه فهرست راهما ۱۷۰۰ ریال

رضا هروی، نصیرالدوله، که یکی از نزدیکان احمدشاه قاجار بود، در این یادداشتها که برای نخستین بار منتشر می‌شود روایاتی بهمان و تاریخی از تاریخ ایران را در سالهای سی از کودتای ۱۲۹۹ روس می‌کند و از اقدامات سب برده رجال داخلی و قدرتهای خارجی و اوضاع ناکو ایران در سرد قدرت مان سوروی و انگلیس سخن می‌گوید مطالب کتاب در دو فصل تنظیم شده است. «از ورود روستین به ایران تا سفر دوم احمدشاه به اروپا (۲۳ مهر ۲۷ دی ۱۳۰۰)»، «از بازگشت احمدشاه با احراز سفر وی به اروپا (۴ بهمن ۱۳۰۱ تا ۲۹ مهر ۱۳۰۲)».

۱۵۷) رحیم‌لو، یوسف القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه مشهد دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۷۱ اتوریج ۱۷۲ بیست و دو ص ۱۵۷ ص فهرست راهما ۹۵۰۰ ریال

رساله‌ای است مربوط به اواخر دوره تسلط افغانها که در دستگاه حکومتی شاه طهماسب دوم نگارش یافته است. نام رساله به طلب افتادگیهای ابتدای نسخه مشخص نیست، اما محتوی و مقصود آن در زمینه سبکات اداری و سازمان حکومت صفویه است.

۱۵۸) کوفی، ابن اعثم الفتوح ترجمه محمدحسن احمد مستوفی هروی تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد بهران انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۷۲ پنجاه و پنج + ۱۰۸۶ ص فهرست راهما ۱۰۰۰۰ ریال ابومحمد حسن علی، معروف به ابن اعثم کوفی (متوفی ۳۱۴ ق) محدث، شاعر و مورخ سبعی بزرگ قرن سوم و چهارم هجری است کتاب حاضر، که به نامهای دیگری چون مواجب السام و تاریخ فوج سر نامیده می‌شود، از جمله مبنای معتبر تاریخی است که تاریخ اسلام را از زمان رحلت حضرت رسول (ص) تا زمان خلافت هارون الرشید (متوفی ۱۹۳ هـ) بیان می‌کند و به‌ویژه در باره فتح خراسان و ارمنستان و ادبایجان و حاکمان اعراب با خرها و بنود و گسترش اسلام در ایران و روم شرقی اطلاعات بسیار به دست می‌دهد. محمدحسن احمد مستوفی هروی، این کتاب را در سال ۵۹۶ هـ (۱۲۰۱ م) در تایید خراسان و سا به دستور وزیر از وزیران جواهرمسابیان، به فارسی ترجمه کرده است متن حاضر با مقابله هست نسخه خطی به علاوه نسخه خطی سبکی مورخ ۱۳۰۵ هـ ق تصحیح شده است مصحح علاوه بر ذکر نسخه بدلها، مقدمه و تعلیقات سودمندی به کتاب افزوده است که خواننده را در درک بهتر اثر یاری می‌رساند.

۱۵۹) ماسینان، اواس [مترجم] شورش هندوستان ۱۸۵۷ م/ ۱۲۷۴ هـ ق. به کوشش صفاءالدین تبرانیان، با مقدمه ایرج افشار. تهران بیلوفر ۱۳۷۲ ۲۲۲ ص. مصور. نمونه سند. فهرست راهما ۲۵۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل دو رساله درباره تاریخ هند است نام یکی از این دو رساله، شورش هندوستان است که به شورش ۱۸۵۷ هندیان در مقابل دولت انگلستان اختصاص دارد این رساله در سال ۱۳۰۴ ترجمه شده است رساله دیگر توصیفی است از هندوستان و نحوه استیلای انگلستان بر آن سرزمین که آن سر در سال ۱۳۰۴ و توسط اواس حان مسیحی، از مخرجان دروکار اصری، به فارسی ترجمه شده است ایرج افشار در مقدمه سودمندی که بر

جغرافیا

۱۶۸) اللهوردیان طوسی، حسن سفر به خراسان. مشهد انتشارات کتابکده. ۱۳۷۱ [توزیع ۷۲] ۲۴۷ ص ۲۵۰۰ ریال.

۱۶۹) علیجانی، بهلول (و) محمدرضا کاویانی. ماسی آب و هواشناسی. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۱. پانزده + ۵۷۶ ص. مصور نقشه. جدول نمودار و اژه نامه. ۲۴۰۰ ریال

۱۷۰) لونسیری، جان اف (و) فرانک تی آلدريج درآمدي بر روشها و فنون ميدانی جغرافيا ترجمه بهلول علیجانی تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۱. ۲۵۲ ص و اژه نامه جدول نقشه. ۲۰۰۰ ریال.

۱۷۱) مروارید، یونس. مراعه (افزوده رود) از نظر اوضاع طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی [تهران] ناشر: مؤلف. ۱۳۷۲. ج ۲ با تجدید نظر کلی. ۱۰۴۶ ص مصور ۵۷۵۰ ریال.

۱۷۲) وثوقی رهبری، علی اکبر تاریخ سیرجان با مقدمه باستانی پاریزی. کرمان. مرکز کرمان شناسی ۱۳۷۲ ۳۷۳ ص جدول مصور نمونه نسخه نقشه. فهرست راهنما ۳۷۰۰ ریال.

۱۷۳) وزیری، سعید. ورامین در قلمرو هرواندیشه. تهران. نظری (و) آزادگان. ۱۳۷۲. ۱۲۰ ص. مصور. نمونه سند. ۱۲۰۰ ریال

۱۷۴) مشیری، سیدرحیم جغرافیای کوچ شینی تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها ۱۳۷۲ دوازده + ۲۴۷ ص. جدول. نقشه ۱۴۰۰ ریال

۱۷۵) عزیززاده ربیعی، حسن سنجش از دور (اصول و کاربرد) تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها. ۱۳۷۲. دوازده + ۲۹۱ ص. مصور. جدول. نقشه. سودار. ۱۷۰۰ ریال.

نشریه های علمی و فرهنگی

۱) آدینه (ش ۸۴ و ۸۵، آبان ۱۳۷۲)

مجموعه مقالاتی با عنوان کلی «آرادی»، روشنایی حانه ما است» از بهرحسین آریان پور، مهدی بازرگان، محمدرضا باطنی، محمود ولت آبادی، عزت الله سعابی. حسن کیانیان، هوشنگ گلشیری و بگران. اشعاری از احمد شاملو، علی باباجاهی، صباه موحد و دیگران زندگی سید مردم، ابوالقاسم انحوی شیرازی، «معای معاصر شعر».

۲) آشنا (ش ۱۲، مرداد و شهریور ۱۳۷۲)

«تاریخ زبان فارسی» [مقاله دنباله دار]، محسن ابوالقاسمی، «طرح شد و گسترش زبان فارسی در خارج از کشور» [گفتگو با سیدجعفر بهیدی]؛ «تأثیرات حافظ شیرازی از خاقانی شروانی»، معصومه معدن ن؛ «پایان نامه سه دانشجوی پاکستانی».

۳) تحول اداری (ش ۲ و ۳، بهار ۱۳۷۲)

«شرایط و اوصاف مدیر (مدیریت اسلامی)»، «رفتار ارتباطی و مازمان»، «تکنولوژی و سازمان»، «بایگانی، شغل ناشناخته»

۴) دانشمند (س ۳۱، ش ۳۶۱، آبان ۱۳۷۲)

«سرانجام برد با فرما شد»، «کوه گرنکی»، «ناتوانی سخنگویی»، «پیش و محیط آن»، «گیاهان گوسفندخوار از شکفتیهای بزرگ».

۵) رسانه (س ۴، ش ۲، تابستان ۱۳۷۲).

«پیام آفرینان مطبوعات ایران»، «سیر تحول آثار اجتماعی رسانه»، «آسیای مرکزی وضعیت ارتباطات همگانی در بی استقلال»، «فوایس و مقررات حرفه دورنامه نگاری در انگلستان، هند، بیزیریه و پاکستان»، «مطبوعات ایران در دوره بهلولی»، «ساج محله قدیمی انگلستان»، «روابط عمومی و رسانه ها. همکاریها و نیازهای متقابل».

● ریخته گری (س ۴، ش ۱، بهار ۱۳۷۲)

«استفاده از بودر فلرات به عنوان حواصا در آلیاژهای ۷۰۷۵ آلومینیوم»، «آنالیز حرارتی آلیاژهای آلومینیوم- سیلیسیم به کمک کامپیوتر»

● زنده رود (ش ۲ و ۳، زمستان و بهار ۷۱ و ۷۲)

«نام و سرشت مدریسیم»، مالکوم برادبری (و) حیمز مک هارلیس، ترجمه احمد میرعلانی، «سالشماری مدریسیم»، «جغرافیای مدریسیم»، «سخنیت در روایت»، رابرت اسکولر (و) رابرت کلاگ، ترجمه صالح حسینی، «رور ماووی، گفتاری در سحر ایران باستان»، ابوالقاسم اسماعیل پور، «مصاحبه با حویس کارول اوس»، «طبیعت داستان کوتاه»، و اسعاری از عبدالعلی عظیمی، کامران برگ نیا، احمدرضا احمدی

● کلک (ش ۲۴، شهریور ۱۳۷۲)

«علم و زبان علمی»، داریوش آسوری، «ادموند ویلسون، سراساس ترین متفقد ادبی آمریکا»، صفدر تقی راده، «کلامی چند درباره گاهشماری و تاریخ گذاری در ایران»، احمد میرسک، «مسائل اصطلاح شاحتی فرش ایران»، علی حصوری، «نامه رسان»، ف هراوه، «روایتی ار رسد يك فرهنگ و دو قصه دیگر» [درباره فرهنگ مصور هنرهای تحسیمی (رویر مریمان و حبیب معروف، سروش، ج ۲، ۱۳۷۱)، کریم امانی.

● کیان (س ۳، ش ۱۳، ۱۳۷۲)

«شریعتی و جامعه شناسی دین»، عبدالکریم سروش: «جامعه شناسی دین ماکس و بر»، احمد صدقی: «توسعه، مدرنیته و مشارک روشنفکران»، چنگیز بهلولان، «بحرار در اندیشه سیاسی»، محسن حیمه دور: «مبادی و مبانی سحر سیاسی»، علی رضاقلی.

● گفتگو (س ۱، ش ۱، تیر ماه ۱۳۷۲)

«دکتر رضا کاویانی و مملکت بی نقشه و بی هدف او»، کاوه بیات، «سازماندهی اجتماعی و برنامه خصوصی سازی»، مراد تقفی: «نقد الگوی مسکن سازی در کشورهای در حال توسعه»، حسین صارم کلالی

● نقشه برداری (س ۴، ش ۱۴، تابستان ۱۳۷۲)

«تولید و نمایش تصویری داده ها در سیستم اطلاعات جغرافیایی»، «درك مفاهیم بیضوی، ژئوتید، اسفروئید»، «معناشناسی نقشه»، «آغار عصری جدید در نقشه برداری دریایی»، «برگزیده ای از سخنرانی ریاست سازمان نقشه برداری».

● مجله تحقیقات تاریخی (ش ۸، بهار ۱۳۷۲)

«کتاب التفانض (تفانض جریر والفرزق، گردآورده ابو عبیده معمر بن العتبی)»، علی اصغر فقیهی: «نگاهی به تشکیلات دولتهای قراقرینلو و آق قوینلو»، اسماعیل حق اوزون چارشلی: «درآمدی نظری درباب افکار سیاسی و اجتماعی در ایران سده چهاردهم هجری شمسی»، فرهنگ رجائی: «گزارش سفر به اتحاد جماهیر شوروی و شرکت در کنفرانس ویژه بزرگداشت موسی خورنی»، عنایت الله رضا.

در ایران، در جهان

خبرهایی از بازار نشر و عالم کتاب

● در نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودک و نوجوان که در «مجمع آفرینشهای فرهنگی و هنری» کابو برورس فکری کوکان و نوجوانان و با همکاری نمایشگاه بین‌المللی «بولونیا» ایتالیا برگزار شد، ۳۵۴ ناشر از ۴۱ کشور جهان ۲۵۳۷ عنوان کتاب حاصل کودکان و نوجوانان را به نمایش گذاشتند

● احمد مسیح‌حاجمی، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعلام کرد که «کد جمهوری اسلامی ایران در سیستم شماره‌گذاری استاندارد کتاب تعین گردید و ایران وارد شبکه بین‌المللی کتاب (ای اس بی ان ISBN) شد» در نتیجه هر ناشر دارای یک کد می‌شود و مسئولان در ابتدای کار کدهای پنج‌ناشر نمونه کشور را وارد نظام شماره‌گذاری بین‌المللی می‌کنند و بعد آن را گسترش می‌دهند اس

● کتابخانه مرحوم اسد حلال‌الدین همایی در مطبوعه ده شهر اصفهان افتتاح شد اس کتابخانه دارای ۱۲۰۰ مترمربع زیرساخت و محرن اولیه آن سه‌هزار حلد کتاب داشته است

● مجموعه نفیس و گرانقدری از کتابهای خطی و حات سنگی مرحوم رحمت‌الله سیبانی کاسانی به وسیله همسر آن مرحوم به کتابخانه ملی اهدا شد همچنین اساد قدیمی اس خانواده در اختیار سازمان اسناد ملی قرار گرفته است

● انتشارات سروش اعلام کرد که «در ادامه فعالیت خود می‌بر احای هنرهای اسلامی و حات نفیس سح خطی قدیمی منحصر به فرد، نابلهای مذهب و محالین مسابوری ریای سح سالم و اردسمند شاهنامه باسعرای را حات کرده است که در آینده نزدیک در حالت یک کتاب حیدرنامه نوریع خواهد شد»

● اولین نمایشگاه بین‌المللی آثار تصویرگران کتاب کودک با آثار همدان ۳۴ کشور در موزه هنرهای معاصر براسد در مراسم افتتاح نمایشگاه، دکتر علی لاریجانی کودکان را مهمترین قشر جامعه توصیف کرد و گفت کار در مورد ادبیات کودک باید با حدیث دسال شود

● وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دو هزار حلد کتاب را که در نمایشگاه بین‌المللی مسکو به نمایش گذاشته بود به بخش ایران سناسی فرهنگستان علوم روسیه اهدا کرد

● مؤسسه‌ای به نام «خانه کتاب ایران» اخیراً «اهدام به انتشار هنکی فهرست کتابسناسی کت منتشره تحت عنوان «کتاب هفته»

شده است» و شانی آن این است. صندوق سنی ۱۵۸-۱۱۴۵
● در طی دو ماه گذشته ایران در حید نمایشگاه کتاب و نمایشی در خارج از کشور شرکت کرد. از آن جمله است. اولین حشوارة کتاب کودک در بر...

● یک سح از اولین کتابی که به زبان انگلیسی چاپ شده است، به حراج گذاشته شده است کتاب حاوی مجموعه‌ای از داستانهای قدیمی است که ویلیام لاکستون از فرانسوی به انگلیسی برگردانده و در ۱۴۷۳ در بروکسل حات کرده است از این کتاب ۱۸ سح باقی مانده که فقط دو سح از آنها کامل است

● کتاب برای بوسی، عنوان طرحی است که در حاشیه نمایشگاه کتاب فرانکفورت به منظور جمع‌آوری کتاب برای سرزمین حید رده بوسی مطرح شد رئیس سنین کتابخانه دانشگاه سارایه‌وو که این طرح را عرصه کرده است گفت در حمله صرها کتابخانه دانشگاه و سن از دو میلیون حلد کتاب و حله موجود در آن نابود شده است

واژه‌های تازه پیشنهادی فرهنگستان

مدنی است که فرهنگستان زبان و ادب فارسی سعی کرده است تا در حلسات خود معادلهای فارسی برای واژه‌های بیگانه انتخاب و حیت بررسی به کمیسیونهای تخصصی خود پیشنهاد کند از حمله واژه‌هایی که در حلسه مورخ ۷۲/۸/۳ انتخاب کرد واژه‌هایی بود مربوط به ودرس اسکی روی برف و آب و یخ و غیره، بدین سرح

اسکی (روی برف) برف سری

اسکی (روی آب) آب سری

باتیار یخ سری

اسکیب خرج سری

فرهنگستان برای اسم فاعل، محل، و آلت اس بارها هم واژه‌های ریر را پیشنهاد کرد

کفش اسکی روی برف برف سرك

بیس، اسکی برف سره

اسکی بار برف سر

همچنین است واژه‌های آب سرك، آب سرك، یخ سرك، یخ سرك، یخ سرك، یخ سرك

سرك، چرخ سرك، چرخ سرك، چرخ سرك

ژاين

انتشار مجموعه آثار ایزوتسو

مروفسور نوشییکو ایزوتسو، اسلام‌سناس سركار و نامدار ژاپنی در اوایل دی ماه سال قبل درگذشت (شرداش، س ۱۳، ش ۲، ص ۲ تا ۸)، در حالی که از او آثار بسیار درباره فرهنگ و بویزه فلسفه و عرفان اسلامی به یادگار مانده است. اس آثار عمدتاً تحقیقاتی است که به صورت مقالات تراکنده در نشریه‌های مختلف چاپ شده است

سن از درگذشت استاد ایزوتسو چند تن از شاگردانش این آثار تراکنده را گردآوری و حات کرده‌اند که تاکنون بارده مجلد از آنها با حاب نفیس و حلد ررکوب انتشار یافته است. حلد یازدهم که اخیراً از حاب خارج شده است حاوی تحقیقاتی است درباره بزرگان علم و فلسفه و عرفان اسلامی مثل اس عربی، سمن تبریری، رمحتری، صدرالدین قنوی، امام محمد عرالی، اکمل‌الدین طالب، ابواسحاق شیرازی، ابوحیفه، احمد غزالی، سیبویه، حم‌الدین رازی...

در این مجموعه همچنین یک محلد مستقل حاوی بوسته‌ها و آرای دوستان و شاگردان ایزوتسو به ژاپنی ترجمه و حات شده است که از جمله حاوی بوسته‌های دکتر نصرالله پورجوادی است با عنوان

خرین دیدار با پروفیسور ایرونسو» که در نشر دانش حاب شده است

پاکستان

کنفرانس علم و تکنولوژی

بایان ششمین کنفرانس کمیته دائمی همکاریهای علمی و تکنولوژیک رمان کنفرانس اسلامی که در اسلام آباد تشکیل شده بود، قطعنامه‌ای ۳۵ ماده صادر شد که در آن به کمیته علوم و تکنولوژی سازمان فرانس اسلامی توصیه شده است که برنامه‌های مشترکی را برای توسعه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی در کشورهای کم توسعه یافته اسلامی وین و اجرا کند

در این قطعنامه، همچنین از کشورهای اسلامی خواسته شد که هیلات و بودجه لازم را برای انجام تحقیقات و تدوین برنامه‌های مورد ر کمیته فراهم کند در این قطعنامه از برنامه بیسپادی بانک توسعه لاسی میسی بر تعویب شبکه سیستمهای اطلاعات سازمان کنفرانس لاسی حمایت شده است

ترکمنستان

احداث مجتمع آموزشی ایرانیان

حریان سفر آقای هاسمی رفسمحانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران ترکمنستان، عملیات احداث يك «مجتمع آموزشی ایرانیان» در شهر شی آباد آغاز گردید

این مجتمع در فضایی به وسعت پنج هزار متر مربع ساخته می‌شود و به این بر اساس توافق که میان ایران و ترکمنستان حاصل شده است، در طی پنج سال آینده هر سال یکصد دانشجوی ترکمنستانی ای تحصیل به ایران خواهند آمد و از بورس تحصیلی برخوردار خواهند شد در عشق آباد کلاسی برای آموزش زبان فارسی دایر شده است

تاجیکستان

آموزش زبان فارسی در مدارس

دیو ماکو اعلام کرد که بر اساس موافقتنامه‌ای که میان مقامات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و مسئولان تاجیکستان امضا شده است، ۲۵ هزار حلد کتاب درسی از ایران به تاجیکستان وارد شده است که سمنی از آنها در قزاقستان و قزاقستان توزیع خواهد شد به گزارش این رادیو هم اکنون آموزش زبان و ادبیات فارسی در کلد تاجیکستان برای دانش‌آموزان احیاری شده است همچنین ار کره حکیم عمر حیات در شهر دوشنبه برده برداری شد

ازبکستان

آموزش زبان فارسی در تلویزیون

چکه سراسری تلویزیون ازبکستان ضمن مراسم خاصی آموزش زبان رسی را برای بیدگان خود آغاز کرد.

پیش از آغاز اولین درس، میرگردی ما شرکت خند تر از اسنادان رسی دان اربک و مقامات و صاحب نظران اربائی تشکیل گردید، که در ن گفته شد آموزش زبان فارسی در ازبکستان نقش مهمی در احیای رابط دو جانبه و تقویت آن و نزدیک شدن ملت‌های دو کشور ایفا می‌کند

ارمنستان

فارسی زبان دوم ارمنستان شد

وزارت آموزش و پرورش ارمنستان زبان فارسی را زبان دوم این جمهوری اعلام کرده است گفته می‌شود که هم اکنون در بیش از صد مرکز آموزشی زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود همچنین رادیو ایروان اعلام کرد که استیتوی حاورسباسی فرهنگستان علوم ارمنستان به منظور سباسبیدن فرهنگ ایران اقدام به نشر مذهبانه‌ای به نام ایران نامه به زبان ارمنی کرده است.

فرانسه

توسعه همکاریهای فرهنگی

بر اساس یادداشت تفاهمی که به امضای مدیر کل اروپای غربی وزارت امور خارجه و همتای فرانسوی اورسیده است، همکاریهای فرهنگی، علمی و تحقیقاتی میان دو کشور توسعه می‌یابد بر اساس این یادداشت تفاهم دو کشور موافقت کرده‌اند که در زمینه‌های فرهنگ و هنر، زبان سباسبی، آموزش علمی و فنی رسانه‌های گروهی، و ررسی و جهانگردی و تبادل تحریات فنی و تحقیقاتی همکاریهای خود را گسترش دهند و تحکیم بحسد

سوئد

برندگان جوایز نوبل

فرهنگستان سوئد، توبی موریسون نویسنده آمریکایی را برنده حایره نوبل ادبیات در سال ۱۹۹۳ اعلام کرد حام توبی موریسون که در سال ۱۹۳۱ در اوهایو مولد شده است دهمین نویسنده آمریکایی است که موفق به دریافت نوبل ادبیات می‌شود وی تاکنون ۶ داستان و حد رساله نوسه است و به عنوان يك «درام بو سن» شهرت دارد علاوه براین، حایره نوبل در نرسکی به دو محقق آمریکایی و انگلیسی تعلق گرفت که موفق به کشف «رنهایی نا ساحار نابیوسته» شده‌اند

همچنین حایره نوبل در سیمی به کری مولیس از آمریکا، و حایره فیریک نوبل به مایکل اسمیت از کانادا تعلق گرفت ع. روح بخشان

آلمان

«موزه ایران» و نمایشگاه «زرتشت و آیین میترا»

در سبامبر ۱۹۹۱ به همت گروهی از ایران سباسبان آلمانی، انحص ررتستیان معیم آلمان و برخی از ایران دوستان معیم انگلستان، اسپانیا، کانادا و آمریکا، «موزه ایران» در هامبورگ تأسیس شد این موزه تسکیلاتی است مستقل که به هیج بهادی وابستگی مالی ندارد و محارح ان بیسر از کمکهای مالی ررتستیان خارج از ایران تأمین می‌شود. هدف این موزه سباسبیدن فرهنگ ایران است و برخلاف موزه‌های بزرگ اروپا و آمریکا، که عمدتاً ایران را به عنوان بخشی از حاور بربیک معرفی می‌کند، موزه ایران بر آن است که استقلال فرهنگی ایران و همسبگی ان را با فرهنگهای سب الهران، مصر، چین و هند به سباسب گذارد. این اسحاب از حمله مساوران علمی این موزه‌اند بزرگ علوی، حلال حالفی مطلق، اسفندبار موبد، گودرر رسانی، حلال استیانی، فیرو

کوتوال، احسان یارساطر، فریر بریمان، کیخسرو رارع و - بیح الله صفا مدیریت این موره بیر ما گرد گروت ایران ساس المانی است در ترتیب دادن این موره تلاس سده است تا سها به آمار هری بسده بگردد و نه موضوعهای دیگری خون دین، ادبیات، معماری، تاریخ، تجارت، جامعه ساسی و مردم ساسی ایران بیر برداخته سود مهم اینکه موضوعات این موره از حدود مرزهای کوبی ایران فراتر رفته و نه ریمیه های مسانه در افغانستان، آسیای مرکزی (نویه سر ریمیه های فارسی ریان) و اقلیت های خون نارسا ن هید بر می بردارد این موره هور سیار محدود است، کتابخانه آن با ۱۷۵ کتاب کار خود را اعار کرده و در حال حاضر مجموعه ای با ۹۵۳ سیء دارد که سها ۲۹۱ فلم آن متعلق به موره است و بقیه را به طور بلند مدب از سایر موره ها یا مجموعه های خصوصی به امامت گرفته اند این اسبها به دوره های گاهنگاری عمارت اند

● دوران دیر به سگی (۱ فلم)

● دوره مس و سک (۱۲ فلم)

● دوره های مفرع قدم و مسانه (۶۴ فلم)

● دوره مفرع حدید و عصر آهن (۹۹ فلم) - در اوایل سال ۱۹۹۳ مجموعه ای با ۹۲ فلم از مفرع های لرسان برای فروش به موره عرضه شد، اما موره بودجه لازم برای خرید این مجموعه را در اختیار نداشت.

● دوره هخامنشی (۶۹ فلم)، از جمله حد کی از نفس، حسته های تحب حمسید - فرار است در اسده بعدادی از اسبها هخامنشی مکسوفه از نابل که در موره حاور بردیک در برلین نگهداری می سود به این موره امامت داده سود موره همجنس برای دریاف حد کی دیگر از نفس بر حسته های تحب حمسید از موره بر ساسا و کی نفس بر حسته های هخامنشی در آناولی ترتسانی داده است

● دوره های سلوکی و پارتی (۷۱ فلم)، از جمله کی نفس بر حسته های کمارن و نفس بر حسته های میتراپی از سر ریمیه های رومی ● دوره ساسانی (۷۵ فلم)، شامل ظروف و سکه های سیمین - فرار است موره بیراس در برلین مجموعه ای متسکل از نارجه های ساسانی را برای مدتی طولانی به موره ایران امامت دهد

● دوره اسلامی (۳۶۰ فلم)، عمدتاً ظروف سفالی، موره ایران همجنس مجموعه ای متسکل از حد کتیبه ایلامی، نوسه های آرامی و سحه های خطی مختلف در اختیار دارد در اوایل سال ۱۹۹۳ این موره نمایشگاهی سه ماهه با عنوان «ررتسب و آیین میترا» در موره راده (Rade) در بردیکی هامبورگ برنا کرد که بردیک به ۸۰۰۰ نفر از آن دیدن کردند این نمایشگاه علاوه بر برانگیختن استیاب به آسبایی با فرهنگ ایران در بین اهالی هامبورگ، علاقه مندانی را بیر از سهرهای دور و بردیک و همجنس سایر کشورها به خود جلب کرد کاتالوگ این نمایشگاه با مسحصات زیر منتشر شده است.

Zarathustra und die Mithras Mysterien, Katalog der Sonderausstellung des Iran Museum, Museum Rade, Reinbeck bei Hamburg ۱۳ bis 27.6.1993

علاوه بر آن دسته از اسبها موره ایران که با موضوع نمایشگاه همخوانی داشتند و شامل ۹۳ فلم لوازم مرل و نوساک از نمینی ویرد، ۱۵ سند درباره تاریخ اخیر نارسا ن هید و ررتستان و ۸۸ فلم اسبها اسی می شد، در این نمایشگاه لوازم بک آنسکده (اهدای نارسا ن هید)، کی

لوحه های بررگ گچی نشان دهنده میترا (اهدایی موره برلین) و اسبها دیگر (امامت مجموعه های سحسی) بیر به نمایش در آمده بود
از برنامه های آینده موره ایران گسترش مجموعه اسبها و کتابخانه، برگراری گردها پیها در ریمیه های مختلف و برپایی نمایشگاه های دیگر است

علاقه مندان به کسب اطلاعات بیشتر درباره موره ایران می تواند با سبانی زیر مکاتبه کند

The Director
Iran Museum
Seminar für Geschichte und Kultur des Vorderen Orients
Universität Hamburg
Rothenbaumchaussée 36, 20148 Hamburg
Germany

کامیار عندی

● المان

اولین چاپ کامل و دقیق آثار ویتگشتاین

لودویگ ویتگشتاین (۱۸۸۹-۱۹۵۱)، فلسوفی که تأثیرش بر فلسفه قرن سیم ساند از هر مفکر دیگری بیسر ناسد، در زمان حیات فقط بک اثر فلسفی با عنوان رساله منطقی - فلسفی منتشر کرد ولی این رساله تقریباً صد صفحه ای فقط جزء کوچکی از میراث مکتوب اوست، زیرا نابع بر ۳۰۰۰ صفحه دستنوسه حاب سده از او به حامانده است مغللانی هم که مولیان آثار ویتگشتاین س از مرگ او منتشر کرده اند، بیس از ۲۰ درصد آمار اوراد، بر ندارد این مغللاد به صورت احرانی از یک مجموعه کامل و نه هم بیوسنه تنظیم شده اند و از آن گذشته، تعبیر و تفسیر هم در آنها راه یافته و این امر با حدی دقت و اصالت آنها را حدسده دار کرده است

مسکلی که حاب کامل و دقیق همه آثار ویتگشتاین را به تعویق انداخته، علاوه بر زیاد بودن صفحات، برانکدگی و اغتساس مس دستنوسه ها و ارساطهای بیجیده آنها با یکدیگر است این موضوع تا حدی از سیوه خاص ویتگشتاین در بگرس به مسائل فلسفی ناسی می سود او فلسفه خودش را سفری به سر ریمینی ناساخته می داسد، سر ریمینی که همراهیای آن مسحص بیست و بی توان بعه ای کلی برای آن رسم کرد و ملاحظات فلسفیس را طرجهایی می داسد که در این سفر طولانی از ماطر بین راه ترسیم شده است او با سوبهار همعقیده بود که فلسفه از کاسم رنده و تحول ناسده ای است و کتابی در ریمیه فلسفه، که ابتدا و اسهایی داسنه ناسد، نوسنی ناسقص است در مقدمه تحففات فلسفی که س از مرگس اسنار ناف، بفریح می شد که چند بار تلاس کرده ملاحظات فلسفیس را در این رساله به صورت بک کتاب مسحم در آورد اما موفی سده است

دستنوسه های فلسفی ویتگشتاین مرکب از بکات و ملاحظاتی است به صورت ناراگرافهای کوتاه، که با حد سطر حالی از هم بکک سده اند کلید فهم فلسفه او از روی این مجموعه تراکنده، بافس روابط بین این نکته هاسد - یعنی خطوط فکری بیجیده ای که اردل آنها بیرون می آید، و این کار فقط از طریق بررسی همه ریمیه های محللی که هر نکته خاص در آنها مطرح شده میسر می گردد هر دستنوسه را بیر ناند



ر چارچوب رمینه و سبتری که به آن تعلی دارد درک کرد و به این منظور
اید متی حامی از همه آثار در دست ناسد و دست‌نویس‌ها بر حسب
ضمون و تاریخ بوسته سدن طوری مرتب سده ناسد که بررسی همه
خطوط فکری و ینگسباین امکان بدیر سود
ایک انتشارات اسپرینگر-فرلاگ، براساس دیدگاه فوق، برای

مها

محستین بار شروع به تنظیم و انتشار همه آثار و ینگستاس کرده است
این مجموعه، ویرایش وین (Wiener Ausgabe) نام گرفته و ویراستاران
مایکل ندو (Michael Nedo) است برای مرحله اولیه، ۱۵ مجلد در نظر
گرفته سده که همه دست‌نویس‌ها و تایب بوسته‌های و ینگستاس را از
۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ در بر دارد در این ویراس، تحدید نظرهای مکرری که
خود و ینگستاس در آنارس به عمل آورده و توضحات و ویراستار نا
صفحه‌ارایی مناسبی در معرض دید خواننده فرارمی گردد فراراست هر
سال ۲ تا ۵ مجلد انتشار ناند و هر مجلد بین ۲۵۰ تا ۳۵۰ صفحه در ابعاد
۳۳×۲۱٫۵ سانتیمتر خواهد داسب همراه این مجلدات، فهرست
المایی لعاب مهم متی بیر در حلد مجلد منتشر می سود

در حلد اول این مجموعه که نا عنوان مقدمه به دو زبان المانی و
انگلیسی اسبار یافته، شرح تمهیداتی که ویراستار به کار برده نا
مسکلات ناوب سجدۀ آثار و ینگستاس برای خواننده حل سود، آمده
است نمونه‌ای از صفحات مجلدات بعدی و سرحی از زندگی و
فعالتهای و ینگسباین بیر در این حلد حاب سده است

سیامک کاظمی

یادداشتی چند بر یک نقد

قد خواندنی و گیرای آفای دکتر انرانی براد در نشر دانش (سال
میردهم، شماره پنجم، مرداد و شهریور ۷۲)، باعث دلگرمی دوستداران
بان و ادب فارسی شد زیرا بی طرفانه و صادقانه آنچه را که در حورد
متایش برمدیرینه عروس یافته، بیان نموده و همچنین «کاستیهای اندک»
تتاب را یادآور شده اند اما نگارنده این سطور لازم داسب که در این برم
مرکت نموده یادداشت‌هایی چند را که نه گمان خویش به دریافت مطالب
ن نقد یاری می‌رساند گوشرد نماید

۱) استاد گرامی در معرفی حافای، او را «عول ادب نارس»
امیده‌اند که چندان واژه خوشایندی برای این ساعر بزرگ نیست هر
مند که بنده یقین می‌داند که مراد ایشان، ساعر بزرگ و توانا و بره‌درب
یده است!

۲) در مورد ترکیب «گنج روان» اظهار نظر کرده‌اند که «مراد از گنج
وان ابره‌است که مایه حیر و برکت اند». البته نظر مؤلف گرامی از «گنج
وان» اشعه حورسید است که مناسبتر می‌نماید زیرا.
اولاً نه تنها حورسید و اشعه آن مایه حیر و برکت است بلکه وجه نشه
نگ نیز در این تصویر از نظر شاعر دور نبوده است.

ثانیاً صفت «روان» برای اشعه حورسید دلالت بر آن دارد که
رتوهای حیات بخش و درین آن در اطراف و اکناف کیهان در حرکت
ست

ثالثاً دکتر سجادی در گزیده اشعار حافای^۱ گنج روان را «اشعه
رین» معنی نموده‌اند که مفید همین معنی است.

۳) اظهار نظر ناقد گرامی درباره «رومی زن رعنا» که آن را کعبه معنی
موده به سبب معنویت و نورانیت ناطنی آن، بیر حالی از اشکال نیست
، نظر بنده توضیح مؤلف محترم ارجح و مراد همان حورسید است زیرا
ر چند بیت آعارین این قصیده به توصیف صبح و حورسید پرداخته

است. نا توجه به صفت «رومی» بیر که تداعی سبیدی می‌کند نمی‌تواند
وصف در مورد کعبه ناسد چرا که در حای دیگر بیر از «رومی» رنگ سبید
لباس حجاج را اراده کرده است

حانه حدایس حداسب لاحرمس نام هست

سناه مربع سسین، تازی رومی خطاب

همچنین صفت «رعنا» به معنی متکبر، معرور و خودآرا، صفت
سدیده‌ای برای کعبه نیست و ناقد از این مورد نیز نادیده گذشته‌اند
۴) در مورد کلمه «میدان» اظهار نموده‌اند که «من به این معنی کلمه
میدان در حایی بر نهورده‌ام» در حالی که در فرهنگ معین (دیل همین
کلمه، در حصص ۴۴۸۶ و ۴۴۸۷) معنی مؤلف کتاب از «میدان» یعنی «حای
ناده» یا «طرف سراب» ذکر گردیده است البته ناقد گفت که استفاده از
بسود «دان» برای طرفیب، فراوان به کار رفته چنانکه موحهری گوید

بور گل اندر گلاندان بر سبیده

قطره بر او جسب حون گلاب مصعد^۲

نا این ملاحظه معنای مؤلف صواب و نظر ناقد گرامی حندان مقبول
می‌نماید

۵) ناقد در مورد «حای حوریران و برگس‌زار بیسان» گفته‌اند
«فر ناگاه مکه از بسیاری حون فر نایبان ماسد برگس‌زار بیسان سده»
که به نظر می‌رسد مراد از «برگس‌زار بیسان» حسمان نارمانده اسوه
گوسفندان فر بان سده در فر ناگاه مکه ناسد به بسیاری حون فر نایبان
۶) درباره مصراع «کامرور حلقه در کعبه سب آسمان» در معنا
گفته‌اند «امرور آسمان گردان، نا آن عظمب، حون حلقه کعبه است
و...» که حذف کلمه «در» که آسکارا در بیت آمده اندکی توضیح ناقد
محترم را حدسه‌دار نموده زیرا «حلقه در بودن یا سدن» کایه از تسلیم
بودن و جزو ناحیر به حساب آمدن است در مقام تمحیم کعبه چنانکه
مولوی گوید.

هر که سدت حلقه در رود برد حقه زر

خاصه که دربارکی محرم درواره سود

(۷) درباره مصراع «طولس خو عرض حب و صد عرض اکبرس» نوشته اند «طول عرفات خون طول بهس و» که در خود بیت به تصریح «عرض حب» آمده است به طول آن

(۸) توضیح نافذ گرامی درباره کلمه «مهلهل» مانند اغلب موارد دیگر کاملاً صواب و محاسب در تأیید سخن اسان باید گفت که گناهان تازه رویده بر خاک در آغاز بهار، حای به حای هستند و هنوز به اسوهی برسیده اند، لذا سطح خاک از میان آنها هویداست که این مطلب نیز با «تک ناف» مناسب دارد

(۹) در مورد «سحره صفا» نیز بوضوح اسان بسندیده است و تأیید آن، کار برد «مره» در مصراع اول همان است می باشد یعنی از مره خوین اسکی به صفای رزم می یازم و از دل سگی همچون سحره صفا خود طوفان خون بر جواهرم آورد

حاشیه.

- ۱) دکتر سیدنبیاء الدین سجادی، تخرید اسفار خاقانی، سره ای ج ۳ (تهران، حقی، ۱۳۶۳) ص ۱۶۱
- ۲) موحهری دامغانی دیوان، به نویسنش دکتر محمدبیر سیاهی، ج ۵ (تهران، روار، ۱۳۶۳) ص ۱۶
- ۳) مولوی، ثلثات سمن سرری، ج ۱ (تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۱) ص ۲۴۲

موجه تشکری (اهوار)

توضیح لازم

سر دبیر محترم محله سرداس

حناکه استحضار دارند در شماره پنجم سال سیردهم آن محله ار رسمند، بر کتاب احوال سحفه (نگارش این جانب) بعدی نوشته اند برای رفع هر گونه ابهام از دهی خوانندگان، اشاره به نکاتی در این مورد را ضروری می دانم

از سال ۱۳۴۸ که این جانب بدریس واحد «احوال سحفه در حموی عامه اسلامی» را بر عهده داشته ام بر آن بوده ام بر اساس متون فقهی اهل سبب و استفاده از دیگر منابع معتبر خون کتاب احکام الاسره، تألیف دکتر سلیمی، کتابی در این زمینه به زبان فارسی برای استفاده دانشجوان داسکنده حموی تدارک کنم که این تصمیم پس از سالها تأخیر، سرانجام در نابیر سال ۱۳۷۰ منجر به انتشار کتاب مرور گردید. حال اگر اشخاص دیگری قبل از انتشار این کتاب مانند بنده عهده دار درسی مشابه در حای دیگری بوده اند، این امری است طبیعی و محتمل برای افراد انفراد ندارد

بی شک کتاب احکام الاسره امری است ار رسمند که بنده نیز در حای حای کتاب خود بحث تأثیر روس او بوده و بسیار بهره ها از آن برده ام ذکر این امر، البته، به هیچ وجه از ارزش و اعتبار کار بنده نمی کاهد اما عدم ارجاع به این کتاب منی بر غللی بوده که به احتیاط به آنها می بردارم

کتاب حاضر، با حجمی بسیر، حدود ۷ سال پس برای حای مقدم سد یک سال بعد اطلاع دادند که کتاب ماسفانه مفقود شده ناچار

دستویس دیگری همراه با مقدمه و کتابنامه ای که ستارده تدارک یافت ارسال داستم در این حلال، کتاب بریسان و سرگردان دست به دست می سد و بیسگفتار و ارجاعات کتاب بعیرات و دیگر کویهای سلفه ای یافت کار به ایضا حتم سد، این کتاب که البته درباره فقه اهل سبب است، بار حندی در دست و براسازان محرم باقی ماند و سپس به منظور تأیید و تصویب، برای یکی از داسمندان متخصص در فقه فرستاده شد این احوال چند سال به درازا کشید و بنده که هنوز امیدوار بودم مقدمه و فهرست جامعی بر کتاب بنده - سم در باقم که کتاب بریر حای رفه است، و از قضا، بنده در همان زمان در خارج از کشور به سر می بردم و کار تصحیح برخی از فصول به عهده یکی از دانشجوان دوره فوق لیسانس محول سد بی کمان اگر حای و انتشار کتاب مسیر طمدی خود را می نمود، بنده مقدمه و شناسایی جامعی با اشاره صریح به کتاب احکام الاسره و منابعی دیگر در این زمینه به آن می افزودم

کنه مهم دیگری که میل دارم به اطلاع برسانم این است که در موضوع مورد بحث، منابع معتبر و مورد استناد از چند کتاب بخاور نمی کنند این کتابها برد ما حای اعتباری دارند که بنیسته تر جیح می دهم مطالب و «مستطلحات فقهی» را بدون کوچکترین معسری، کما هو عینه، نقل نمائیم بنابراین، تنها اختلاف میان این اثر و کتاب احکام الاسره آن است که مؤلف محرم محتاج را به زبان ادبلی نقل کرده و بنده که دانشجوان فارسی زبان را مخاطب داسم ناگزیر مومن مذکور را به فارسی ترجمه کرده ام بر آن ناگزیر هیچ کتابی در باب احوال سحفه مذاهب اهل سبب به زبان فارسی تألیف شده است

اینک ضرورت داد که ضمن تسکیر از دقت نظر و کوشش مسند داسمند، بوجه اسان را به این نکته معذوف دارد که در مواردی، خاصه در ترجمه چند نمونه از «تعاریف و احادیث»، با ایسان اختلاف سلیقه ای وجود دارد که شاید خود را بنده ابهام و ابهام در باره ای از مصطلحات باشد برای مثال در مورد کلمه «الباء» مسند این جانب کتب فقهی اهل سبب و از جمله کتاب معنی المحتاج الی معرفه الفاظ المنهاج السریسی بوده و عین متن چنین است «الباء بالمذله الحماح، والمراد به هنادلك و قبل مؤن الکاح» به علاوه نویسنده خود، در مقدمه کوناهی بر کتاب، به معائن و کموده های آن که در اثر کوناهی و ستاردگی و یا شرایط خاص مذکور در بالا و گاه به دور از اراده وی در متن کتاب لرزیده، اعراف کرده است و اینک بر امندوار است با توجه به اشارات متنفد محترم و تذکرات داسمندان و همکاران داسگاهی بتواند در حایهای بعدی از سهو و نقص های موجود تا سرحد امکان بکاهد

سیداسعد شیخ الاسلامی

از ماست که بر ماست

افای دکتر ابهری در شماره پنجم سال سیردهم نشر دانش از کاربرد واژه Farsi به حای Persian در استراليا گله کرده بودند حای افای دکتر ابهری حالی که بنیست نه در آن سر دنیا که در همین کشور خودمان وزارت آموزش و پرورش در کتابهای درسی خود با تیراهای میلیوی همین کار را می کند نمونه اش کتاب زبان انگلیسی سال سوم راهمایی، صفحه های ۱، ۶، ۷، و ۸ میل اینکه باید گفت از ماست که بر ماست.

محمدرضا افصلی

نمایه سال سیزدهم

این سایه شامل عنوان مقاله‌ها و نقدها، عنوان کتابهای نقد شده، و نام نویسندگان و مترجمان این مقاله‌ها و نقدهاست. نخستین شماره برابر هر مدخل شماره مجله، و شماره دوم شماره صفحه است. عنوان کتابها با حروف مایل (ایرانیک) و عنوان مقاله‌ها و نقدها درون گیومه آمده است.

امید طبیب‌زاده

- «آخرین دیدار با پروفسور ایروتنسو» ۲۰۲
آذر یزدی، مهدی ۷۶۳
آدری، سعید ۲۵۴
«آرادی و نقش آن در بنای فرهنگ عرب» ۳۰۱
«آغازی خوش» ۵۰۵
«آقای سمیعی گیلانی، آفرین بر نیست ناد که خوش بردی بوی»
[نامه] ۷۴۱
آل‌داود، سیدعلی ۴۵:۴۲۰۶، ۲۸:۴؛ ۴۳:۲
آملی، هاشم [درگشتگان] ۷۵۳
ابهری، کاظم ۸۱۵، ۷۶۱
«اثری تازه در تاریخ صوفیه» ۴۵۰۶
احتشادی، مصطفی ۹۲، ۵۲۱
احوال شخصیه (ح ۱) ازدواج و بایان آن در مذاهب چهارگانه اهل سنت ۴۷۵
ارکاخ شاه تارندان اوین ۲۵۴
«استشادهای طریف به آیات قرآن» ۱۲۶
اسعدی، مرتضی ۷۰، ۶۸۶، ۷۸۵، ۷۱۲، ۵۵۱، ۴۷۰، ۱۰۲۴
اشراقی، احسان ۳۲۴
«اشعار تازه‌ای از منوچهری» ۱۸:۶
«اشعار تازه رودکی» ۶۴
اشعار فارسی کاسیه‌های تحت سلیمان ۳۵۶
«اشعار فارسی کاسیه‌های تحت سلیمان» ۳۵۶
اعلم، هوشنگ ۳۶۲
افشار، ایرج ۲۸۳، ۴۵۲، ۷۶۱، ۷۳۰، ۱
افصلی‌پور، علیرضا ۷۵۰۳
«الکِ گرانار» و هنر و معماری اسلامی» ۶۶۶
امامی، محمدتقی ۳۲۴
ایرانی‌نژاد، رضا ۳۵۵
«انقلاب ما جادو- زبان اسلامی ایران» ۵۱۰۱
«انقلاب و وضع زن - ایران» ۵۱۰۱
و کازاکی، شیکو ۳۲۰۶
«اهتمامی در محور ستایش در گردآوری وازگان اقتصاد» ۳۶۳
یرانی، ناصر ۲:۵؛ ۲۵:۴؛ ۶۲:۲؛ ۳۰:۱
ایلام، نخستین دولت فدرال جهان» ۳۷:۴
«باز آمد» یا «پسخوراند» [نامه] ۷۶:۱
-یمی، محمد ۷۶:۱
و جردی، آزاد ۷۲۰۶؛ ۵۹:۵؛ ۵۷:۴؛ ۵۳:۳؛ ۵۳:۲؛ ۵۳:۱
- «برم دیرینه عروس» ۳۵:۵
برم دیرینه عروس (شرح مابده قصیده اردیوان حاقانی) ۳۵:۵
بلوکاسی، علی ۴۳۵
«بهار بیکان، گردش در "ربیع‌الابرار" رمحسری» ۴۳
«نه گل آراسته سدا» ۳۶۲
بیرسک، احمد ۷۵۱
«بیهی و سگردهای نویسدگی» ۳۰۲
بانی یردی، محمدحسین ۵۱:۲
«Farsi یا Persian» [نامه] ۸۰۵
«بروار به سوی سیمرخ، ساعران فراسوی در مکتب عارفان ایرانی» ۷۵
برهام، سیروس ۸۲، ۵۲۰۵
بورحوادی، نصرالله ۳۰۳، ۲۲۰۲؛ ۱
بورصر، علی ۳۲۴
«تاراج یا امامت» ۲۴:۶
«تاریخ احتمالی تعلیم و تربیت در ایران» ۵۰۱
«تاریخ دو قرن بحسب عثمانی» ۵۲۱
«تاریخ دیلوی میبد» [نامه] ۷۶۱
تاریخ سیاسی ساهشاهی هخامنشی ۵۵۵
«تاریخ نگاری فلسفه اسلامی» ۴۰۰۶
تاریخ و تمدن ایلام ۳۷۴
«تأثیر شعر در زبان صدا و سیما» ۲۴
«تحسین اسلام در عصر ویکتوریا» ۷۰:۶
«تحقیقات ایرانی در چین» ۵۵۴
«تحقیقاتی در باب قهوه و قهوه‌خانه در حوامع حاورمیا» ۵۷:۴
«تحقیق یا تحریف» ۴۲۶
«تحقیقی جامع در باب کرد و کردستان» ۴۸۱
«ترجمه، تاریخ، فرهنگ» ۴۶:۳
«ترجمه، عملی اجتماعی، دیدگاه ترجمه‌شناسان روس و بلغار»
در باره ترجمه» ۲۶۵
«ترجمه یا تألیف؟» ۴۷۵
تشت قدرت در ایران عهد ماضی (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳) ۵۲:۱
«تشت قدرت ماضی» ۵۲:۱
«نصور عربیان از "علم" فارابی» ۵۸:۵
«تغایر عامیانه در ترجمه‌ای فاجر» ۲۳:۴
تفصلی، احمد ۴۴۳
تمدن اسلامی ۵۷۴

- «توضیح لازم» [نامه] ۸۹:۶
«توضیحی درباره مقاله "اسعار تازه رودکی"» [نامه] ۸۱:۵
تیره گل سرخ / Rosaceae (فلور ایران، شماره ۶) ۲۶:۲
حاوید، هاشم ۱۶۵
جعفری، مسعود ۴۹:۱
جعفریای تاریخی حراسان در تاریخ حافظ ارو ۴۲:۶
«جلد ششم "دایرة المعارف اسلام" ترکیه» ۵۴:۱
«جهان اسلام و زاس در دوره میجی» ۳۲:۶
«چادرنشینی در شمال حراسان» ۵۱:۲
«خند نکته در يك مقاله» [نامه] ۷۵:۱
حاجی علیمحمدی، افسانه ۴۳:۵
حاشیه‌ای دیگر بر "کتابه الاصول" ۴۸:۲
لحاشیه علی کتابه الاصول ۴۸:۲
فائری، عبدالهادی [درگذشتگان] ۷۶:۴
ب علی موحایی، احمد ۵۱:۲
بختی بر وحریدی، بهاء الدین ۴۸:۲
حدیث درد و ویرانی آمریکای لاتین ۴۷:۲
دیدنی، حواد ۷۷:۵
مکرم دیوانگان در مثنویهای عطار ۲۱
مکرم صغری و طوایف ترک ایرانی ۳۲:۴
ملول روح مولوی در مصحح "مسوی" [نامه] ۷۶:۳
بایی کاسانی، محمدسعید ۶۳:۶
بیم، سلیمان ۵۰:۵
مشاهی، بهاء الدین ۱۲:۶
لاصه درسهای هانری کرس ۵۹:۵
- برین ۹۹:۶
لیح فارس ۲:۶
بی، جعفرزاده ۴۷:۵
- امامی، محمدعلی ۵۵:۵
رء المعارف بستانی ۲۴:۱
تاره نسخه‌ای از مثنوی ۳۲:۲
جمیر تیموریان، اریکها و صغویه ۵۶:۴
نکوهش مردان رستین ۵۲:۲
انر جدید ایرانشناسی ۴۴:۳
اشتباه در "التفهیم" [نامه] ۷۵:۱
ان ترجمه و اقتباس ادبی در ایران (۱۲۲۹-۱۲۹۳) ۱۶:۳
وز و امروز ۱۲:۲
ها و کلیساهای حلفای اصفهان ۴۸:۳
بی فراگزول، علیرضا ۲۸:۶
ماهی (تاریخ عمومی ایران) ۴۹:۲
مای ملکوتی در تشیع آعاری (سرچشمه‌های تعلیمات باطنی
ر اسلام) ۵۱:۱
یات خیام [نامه] ۷۱:۱
یات خیام و بیروانش ۵۱:۲
یاسعی، غلامرضا ۴۸:۱
- «روایت تصویری نعارا و سمرقند» ۵۵:۴
«روایت مستند و مصور "انقلاب دوم"» ۵۳:۳
روح بخشان، ع ۱۰۴۸ ۲۰۷۰ ۲۰۴۸ ۲۰۷۱ ۲۰۷۲ ۲۰۷۳ ۲۰۷۴ ۲۰۷۵ ۲۰۷۶ ۸۶:۶
رودسری، کاظم ۷۵:۱
«ریشه‌یابی يك فقره سن مشکل اجتماعی و فرهنگی» ۲۵
رلاتوا، نالما ۲۶:۵
«رئای "ده کوه"» ۴۰:۳
رویتا، مورو ۵۸:۵
ریولی، ریکاردو ۵۲:۳
«ساختار قدرت در عهد فاجاره» ارا عار ما انقلاب مشروطه ۹۲
«ساختار متن، بررسی می اجرای داخلی کتاب» ۵۴:۶
سبحانی، توفیق ه ۲۰۱۲ ۲۰۱۳ ۲۰۱۴ ۲۰۱۵ ۲۰۱۶ ۲۰۱۷ ۲۰۱۸ ۲۰۱۹ ۲۰۲۰ ۲۰۲۱ ۲۰۲۲ ۲۰۲۳ ۲۰۲۴ ۲۰۲۵ ۲۰۲۶ ۲۰۲۷ ۲۰۲۸ ۲۰۲۹ ۲۰۳۰ ۲۰۳۱ ۲۰۳۲ ۲۰۳۳ ۲۰۳۴ ۲۰۳۵ ۲۰۳۶ ۲۰۳۷ ۲۰۳۸ ۲۰۳۹ ۲۰۴۰ ۲۰۴۱ ۲۰۴۲ ۲۰۴۳ ۲۰۴۴ ۲۰۴۵ ۲۰۴۶ ۲۰۴۷ ۲۰۴۸ ۲۰۴۹ ۲۰۵۰ ۲۰۵۱ ۲۰۵۲ ۲۰۵۳ ۲۰۵۴ ۲۰۵۵ ۲۰۵۶ ۲۰۵۷ ۲۰۵۸ ۲۰۵۹ ۲۰۶۰ ۲۰۶۱ ۲۰۶۲ ۲۰۶۳ ۲۰۶۴ ۲۰۶۵ ۲۰۶۶ ۲۰۶۷ ۲۰۶۸ ۲۰۶۹ ۲۰۷۰ ۲۰۷۱ ۲۰۷۲ ۲۰۷۳ ۲۰۷۴ ۲۰۷۵ ۲۰۷۶ ۲۰۷۷ ۲۰۷۸ ۲۰۷۹ ۲۰۸۰ ۲۰۸۱ ۲۰۸۲ ۲۰۸۳ ۲۰۸۴ ۲۰۸۵ ۲۰۸۶ ۲۰۸۷ ۲۰۸۸ ۲۰۸۹ ۲۰۹۰ ۲۰۹۱ ۲۰۹۲ ۲۰۹۳ ۲۰۹۴ ۲۰۹۵ ۲۰۹۶ ۲۰۹۷ ۲۰۹۸ ۲۰۹۹ ۲۱۰۰ ۲۱۰۱ ۲۱۰۲ ۲۱۰۳ ۲۱۰۴ ۲۱۰۵ ۲۱۰۶ ۲۱۰۷ ۲۱۰۸ ۲۱۰۹ ۲۱۱۰ ۲۱۱۱ ۲۱۱۲ ۲۱۱۳ ۲۱۱۴ ۲۱۱۵ ۲۱۱۶ ۲۱۱۷ ۲۱۱۸ ۲۱۱۹ ۲۱۲۰ ۲۱۲۱ ۲۱۲۲ ۲۱۲۳ ۲۱۲۴ ۲۱۲۵ ۲۱۲۶ ۲۱۲۷ ۲۱۲۸ ۲۱۲۹ ۲۱۳۰ ۲۱۳۱ ۲۱۳۲ ۲۱۳۳ ۲۱۳۴ ۲۱۳۵ ۲۱۳۶ ۲۱۳۷ ۲۱۳۸ ۲۱۳۹ ۲۱۴۰ ۲۱۴۱ ۲۱۴۲ ۲۱۴۳ ۲۱۴۴ ۲۱۴۵ ۲۱۴۶ ۲۱۴۷ ۲۱۴۸ ۲۱۴۹ ۲۱۵۰ ۲۱۵۱ ۲۱۵۲ ۲۱۵۳ ۲۱۵۴ ۲۱۵۵ ۲۱۵۶ ۲۱۵۷ ۲۱۵۸ ۲۱۵۹ ۲۱۶۰ ۲۱۶۱ ۲۱۶۲ ۲۱۶۳ ۲۱۶۴ ۲۱۶۵ ۲۱۶۶ ۲۱۶۷ ۲۱۶۸ ۲۱۶۹ ۲۱۷۰ ۲۱۷۱ ۲۱۷۲ ۲۱۷۳ ۲۱۷۴ ۲۱۷۵ ۲۱۷۶ ۲۱۷۷ ۲۱۷۸ ۲۱۷۹ ۲۱۸۰ ۲۱۸۱ ۲۱۸۲ ۲۱۸۳ ۲۱۸۴ ۲۱۸۵ ۲۱۸۶ ۲۱۸۷ ۲۱۸۸ ۲۱۸۹ ۲۱۹۰ ۲۱۹۱ ۲۱۹۲ ۲۱۹۳ ۲۱۹۴ ۲۱۹۵ ۲۱۹۶ ۲۱۹۷ ۲۱۹۸ ۲۱۹۹ ۲۲۰۰ ۲۲۰۱ ۲۲۰۲ ۲۲۰۳ ۲۲۰۴ ۲۲۰۵ ۲۲۰۶ ۲۲۰۷ ۲۲۰۸ ۲۲۰۹ ۲۲۱۰ ۲۲۱۱ ۲۲۱۲ ۲۲۱۳ ۲۲۱۴ ۲۲۱۵ ۲۲۱۶ ۲۲۱۷ ۲۲۱۸ ۲۲۱۹ ۲۲۲۰ ۲۲۲۱ ۲۲۲۲ ۲۲۲۳ ۲۲۲۴ ۲۲۲۵ ۲۲۲۶ ۲۲۲۷ ۲۲۲۸ ۲۲۲۹ ۲۲۳۰ ۲۲۳۱ ۲۲۳۲ ۲۲۳۳ ۲۲۳۴ ۲۲۳۵ ۲۲۳۶ ۲۲۳۷ ۲۲۳۸ ۲۲۳۹ ۲۲۴۰ ۲۲۴۱ ۲۲۴۲ ۲۲۴۳ ۲۲۴۴ ۲۲۴۵ ۲۲۴۶ ۲۲۴۷ ۲۲۴۸ ۲۲۴۹ ۲۲۵۰ ۲۲۵۱ ۲۲۵۲ ۲۲۵۳ ۲۲۵۴ ۲۲۵۵ ۲۲۵۶ ۲۲۵۷ ۲۲۵۸ ۲۲۵۹ ۲۲۶۰ ۲۲۶۱ ۲۲۶۲ ۲۲۶۳ ۲۲۶۴ ۲۲۶۵ ۲۲۶۶ ۲۲۶۷ ۲۲۶۸ ۲۲۶۹ ۲۲۷۰ ۲۲۷۱ ۲۲۷۲ ۲۲۷۳ ۲۲۷۴ ۲۲۷۵ ۲۲۷۶ ۲۲۷۷ ۲۲۷۸ ۲۲۷۹ ۲۲۸۰ ۲۲۸۱ ۲۲۸۲ ۲۲۸۳ ۲۲۸۴ ۲۲۸۵ ۲۲۸۶ ۲۲۸۷ ۲۲۸۸ ۲۲۸۹ ۲۲۹۰ ۲۲۹۱ ۲۲۹۲ ۲۲۹۳ ۲۲۹۴ ۲۲۹۵ ۲۲۹۶ ۲۲۹۷ ۲۲۹۸ ۲۲۹۹ ۲۳۰۰ ۲۳۰۱ ۲۳۰۲ ۲۳۰۳ ۲۳۰۴ ۲۳۰۵ ۲۳۰۶ ۲۳۰۷ ۲۳۰۸ ۲۳۰۹ ۲۳۱۰ ۲۳۱۱ ۲۳۱۲ ۲۳۱۳ ۲۳۱۴ ۲۳۱۵ ۲۳۱۶ ۲۳۱۷ ۲۳۱۸ ۲۳۱۹ ۲۳۲۰ ۲۳۲۱ ۲۳۲۲ ۲۳۲۳ ۲۳۲۴ ۲۳۲۵ ۲۳۲۶ ۲۳۲۷ ۲۳۲۸ ۲۳۲۹ ۲۳۳۰ ۲۳۳۱ ۲۳۳۲ ۲۳۳۳ ۲۳۳۴ ۲۳۳۵ ۲۳۳۶ ۲۳۳۷ ۲۳۳۸ ۲۳۳۹ ۲۳۴۰ ۲۳۴۱ ۲۳۴۲ ۲۳۴۳ ۲۳۴۴ ۲۳۴۵ ۲۳۴۶ ۲۳۴۷ ۲۳۴۸ ۲۳۴۹ ۲۳۵۰ ۲۳۵۱ ۲۳۵۲ ۲۳۵۳ ۲۳۵۴ ۲۳۵۵ ۲۳۵۶ ۲۳۵۷ ۲۳۵۸ ۲۳۵۹ ۲۳۶۰ ۲۳۶۱ ۲۳۶۲ ۲۳۶۳ ۲۳۶۴ ۲۳۶۵ ۲۳۶۶ ۲۳۶۷ ۲۳۶۸ ۲۳۶۹ ۲۳۷۰ ۲۳۷۱ ۲۳۷۲ ۲۳۷۳ ۲۳۷۴ ۲۳۷۵ ۲۳۷۶ ۲۳۷۷ ۲۳۷۸ ۲۳۷۹ ۲۳۸۰ ۲۳۸۱ ۲۳۸۲ ۲۳۸۳ ۲۳۸۴ ۲۳۸۵ ۲۳۸۶ ۲۳۸۷ ۲۳۸۸ ۲۳۸۹ ۲۳۹۰ ۲۳۹۱ ۲۳۹۲ ۲۳۹۳ ۲۳۹۴ ۲۳۹۵ ۲۳۹۶ ۲۳۹۷ ۲۳۹۸ ۲۳۹۹ ۲۴۰۰ ۲۴۰۱ ۲۴۰۲ ۲۴۰۳ ۲۴۰۴ ۲۴۰۵ ۲۴۰۶ ۲۴۰۷ ۲۴۰۸ ۲۴۰۹ ۲۴۱۰ ۲۴۱۱ ۲۴۱۲ ۲۴۱۳ ۲۴۱۴ ۲۴۱۵ ۲۴۱۶ ۲۴۱۷ ۲۴۱۸ ۲۴۱۹ ۲۴۲۰ ۲۴۲۱ ۲۴۲۲ ۲۴۲۳ ۲۴۲۴ ۲۴۲۵ ۲۴۲۶ ۲۴۲۷ ۲۴۲۸ ۲۴۲۹ ۲۴۳۰ ۲۴۳۱ ۲۴۳۲ ۲۴۳۳ ۲۴۳۴ ۲۴۳۵ ۲۴۳۶ ۲۴۳۷ ۲۴۳۸ ۲۴۳۹ ۲۴۴۰ ۲۴۴۱ ۲۴۴۲ ۲۴۴۳ ۲۴۴۴ ۲۴۴۵ ۲۴۴۶ ۲۴۴۷ ۲۴۴۸ ۲۴۴۹ ۲۴۵۰ ۲۴۵۱ ۲۴۵۲ ۲۴۵۳ ۲۴۵۴ ۲۴۵۵ ۲۴۵۶ ۲۴۵۷ ۲۴۵۸ ۲۴۵۹ ۲۴۶۰ ۲۴۶۱ ۲۴۶۲ ۲۴۶۳ ۲۴۶۴ ۲۴۶۵ ۲۴۶۶ ۲۴۶۷ ۲۴۶۸ ۲۴۶۹ ۲۴۷۰ ۲۴۷۱ ۲۴۷۲ ۲۴۷۳ ۲۴۷۴ ۲۴۷۵ ۲۴۷۶ ۲۴۷۷ ۲۴۷۸ ۲۴۷۹ ۲۴۸۰ ۲۴۸۱ ۲۴۸۲ ۲۴۸۳ ۲۴۸۴ ۲۴۸۵ ۲۴۸۶ ۲۴۸۷ ۲۴۸۸ ۲۴۸۹ ۲۴۹۰ ۲۴۹۱ ۲۴۹۲ ۲۴۹۳ ۲۴۹۴ ۲۴۹۵ ۲۴۹۶ ۲۴۹۷ ۲۴۹۸ ۲۴۹۹ ۲۵۰۰ ۲۵۰۱ ۲۵۰۲ ۲۵۰۳ ۲۵۰۴ ۲۵۰۵ ۲۵۰۶ ۲۵۰۷ ۲۵۰۸ ۲۵۰۹ ۲۵۱۰ ۲۵۱۱ ۲۵۱۲ ۲۵۱۳ ۲۵۱۴ ۲۵۱۵ ۲۵۱۶ ۲۵۱۷ ۲۵۱۸ ۲۵۱۹ ۲۵۲۰ ۲۵۲۱ ۲۵۲۲ ۲۵۲۳ ۲۵۲۴ ۲۵۲۵ ۲۵۲۶ ۲۵۲۷ ۲۵۲۸ ۲۵۲۹ ۲۵۳۰ ۲۵۳۱ ۲۵۳۲ ۲۵۳۳ ۲۵۳۴ ۲۵۳۵ ۲۵۳۶ ۲۵۳۷ ۲۵۳۸ ۲۵۳۹ ۲۵۴۰ ۲۵۴۱ ۲۵۴۲ ۲۵۴۳ ۲۵۴۴ ۲۵۴۵ ۲۵۴۶ ۲۵۴۷ ۲۵۴۸ ۲۵۴۹ ۲۵۵۰ ۲۵۵۱ ۲۵۵۲ ۲۵۵۳ ۲۵۵۴ ۲۵۵۵ ۲۵۵۶ ۲۵۵۷ ۲۵۵۸ ۲۵۵۹ ۲۵۶۰ ۲۵۶۱ ۲۵۶۲ ۲۵۶۳ ۲۵۶۴ ۲۵۶۵ ۲۵۶۶ ۲۵۶۷ ۲۵۶۸ ۲۵۶۹ ۲۵۷۰ ۲۵۷۱ ۲۵۷۲ ۲۵۷۳ ۲۵۷۴ ۲۵۷۵ ۲۵۷۶ ۲۵۷۷ ۲۵۷۸ ۲۵۷۹ ۲۵۸۰ ۲۵۸۱ ۲۵۸۲ ۲۵۸۳ ۲۵۸۴ ۲۵۸۵ ۲۵۸۶ ۲۵۸۷ ۲۵۸۸ ۲۵۸۹ ۲۵۹۰ ۲۵۹۱ ۲۵۹۲ ۲۵۹۳ ۲۵۹۴ ۲۵۹۵ ۲۵۹۶ ۲۵۹۷ ۲۵۹۸ ۲۵۹۹ ۲۶۰۰ ۲۶۰۱ ۲۶۰۲ ۲۶۰۳ ۲۶۰۴ ۲۶۰۵ ۲۶۰۶ ۲۶۰۷ ۲۶۰۸ ۲۶۰۹ ۲۶۱۰ ۲۶۱۱ ۲۶۱۲ ۲۶۱۳ ۲۶۱۴ ۲۶۱۵ ۲۶۱۶ ۲۶۱۷ ۲۶۱۸ ۲۶۱۹ ۲۶۲۰ ۲۶۲۱ ۲۶۲۲ ۲۶۲۳ ۲۶۲۴ ۲۶۲۵ ۲۶۲۶ ۲۶۲۷ ۲۶۲۸ ۲۶۲۹ ۲۶۳۰ ۲۶۳۱ ۲۶۳۲ ۲۶۳۳ ۲۶۳۴ ۲۶۳۵ ۲۶۳۶ ۲۶۳۷ ۲۶۳۸ ۲۶۳۹ ۲۶۴۰ ۲۶۴۱ ۲۶۴۲ ۲۶۴۳ ۲۶۴۴ ۲۶۴۵ ۲۶۴۶ ۲۶۴۷ ۲۶۴۸ ۲۶۴۹ ۲۶۵۰ ۲۶۵۱ ۲۶۵۲ ۲۶۵۳ ۲۶۵۴ ۲۶۵۵ ۲۶۵۶ ۲۶۵۷ ۲۶۵۸ ۲۶۵۹ ۲۶۶۰ ۲۶۶۱ ۲۶۶۲ ۲۶۶۳ ۲۶۶۴ ۲۶۶۵ ۲۶۶۶ ۲۶۶۷ ۲۶۶۸ ۲۶۶۹ ۲۶۷۰ ۲۶۷۱ ۲۶۷۲ ۲۶۷۳ ۲۶۷۴ ۲۶۷۵ ۲۶۷۶ ۲۶۷۷ ۲۶۷۸ ۲۶۷۹ ۲۶۸۰ ۲۶۸۱ ۲۶۸۲ ۲۶۸۳ ۲۶۸۴ ۲۶۸۵ ۲۶۸۶ ۲۶۸۷ ۲۶۸۸ ۲۶۸۹ ۲۶۹۰ ۲۶۹۱ ۲۶۹۲ ۲۶۹۳ ۲۶۹۴ ۲۶۹۵ ۲۶۹۶ ۲۶۹۷ ۲۶۹۸ ۲۶۹۹ ۲۷۰۰ ۲۷۰۱ ۲۷۰۲ ۲۷۰۳ ۲۷۰۴ ۲۷۰۵ ۲۷۰۶ ۲۷۰۷ ۲۷۰۸ ۲۷۰۹ ۲۷۱۰ ۲۷۱۱ ۲۷۱۲ ۲۷۱۳ ۲۷۱۴ ۲۷۱۵ ۲۷۱۶ ۲۷۱۷ ۲۷۱۸ ۲۷۱۹ ۲۷۲۰ ۲۷۲۱ ۲۷۲۲ ۲۷۲۳ ۲۷۲۴ ۲۷۲۵ ۲۷۲۶ ۲۷۲۷ ۲۷۲۸ ۲۷۲۹ ۲۷۳۰ ۲۷۳۱ ۲۷۳۲ ۲۷۳۳ ۲۷۳۴ ۲۷۳۵ ۲۷۳۶ ۲۷۳۷ ۲۷۳۸ ۲۷۳۹ ۲۷۴۰ ۲۷۴۱ ۲۷۴۲ ۲۷۴۳ ۲۷۴۴ ۲۷۴۵ ۲۷۴۶ ۲۷۴۷ ۲۷۴۸ ۲۷۴۹ ۲۷۵۰ ۲۷۵۱ ۲۷۵۲ ۲۷۵۳ ۲۷۵۴ ۲۷۵۵ ۲۷۵۶ ۲۷۵۷ ۲۷۵۸ ۲۷۵۹ ۲۷۶۰ ۲۷۶۱ ۲۷۶۲ ۲۷۶۳ ۲۷۶۴ ۲۷۶۵ ۲۷۶۶ ۲۷۶۷ ۲۷۶۸ ۲۷۶۹ ۲۷۷۰ ۲۷۷۱ ۲۷۷۲ ۲۷۷۳ ۲۷۷۴ ۲۷۷۵ ۲۷۷۶ ۲۷۷۷ ۲۷۷۸ ۲۷۷۹ ۲۷۸۰ ۲۷۸۱ ۲۷۸۲ ۲۷۸۳ ۲۷۸۴ ۲۷۸۵ ۲۷۸۶ ۲۷۸۷ ۲۷۸۸ ۲۷۸۹ ۲۷۹۰ ۲۷۹۱ ۲۷۹۲ ۲۷۹۳ ۲۷۹۴ ۲۷۹۵ ۲۷۹۶ ۲۷۹۷ ۲۷۹۸ ۲۷۹۹ ۲۸۰۰ ۲۸۰۱ ۲۸۰۲ ۲۸۰۳ ۲۸۰۴ ۲۸۰۵ ۲۸۰۶ ۲۸۰۷ ۲۸۰۸ ۲۸۰۹ ۲۸۱۰ ۲۸۱۱ ۲۸۱۲ ۲۸۱۳ ۲۸۱۴ ۲۸۱۵ ۲۸۱۶ ۲۸۱۷ ۲۸۱۸ ۲۸۱۹ ۲۸۲۰ ۲۸۲۱ ۲۸۲۲ ۲۸۲۳ ۲۸۲۴ ۲۸۲۵ ۲۸۲۶ ۲۸۲۷ ۲۸۲۸ ۲۸۲۹ ۲۸۳۰ ۲۸۳۱ ۲۸۳۲ ۲۸۳۳ ۲۸۳۴ ۲۸۳۵ ۲۸۳۶ ۲۸۳۷ ۲۸۳۸ ۲۸۳۹ ۲۸۴۰ ۲۸۴۱ ۲۸۴۲ ۲۸۴۳ ۲۸۴۴ ۲۸۴۵ ۲۸۴۶ ۲۸۴۷ ۲۸۴۸ ۲۸۴۹ ۲۸۵۰ ۲۸۵۱ ۲۸۵۲ ۲۸۵۳ ۲۸۵۴ ۲۸۵۵ ۲۸۵۶ ۲۸۵۷ ۲۸۵۸ ۲۸۵۹ ۲۸۶۰ ۲۸۶۱ ۲۸۶۲ ۲۸۶۳ ۲۸۶۴ ۲۸۶۵ ۲۸۶۶ ۲۸۶۷ ۲۸۶۸ ۲۸۶۹ ۲۸۷۰ ۲۸۷۱ ۲۸۷۲ ۲۸۷۳ ۲۸۷۴ ۲۸۷۵ ۲۸۷۶ ۲۸۷۷ ۲۸۷۸ ۲۸۷۹ ۲۸۸۰ ۲۸۸۱ ۲۸۸۲ ۲۸۸۳ ۲۸۸۴ ۲۸۸۵ ۲۸۸۶ ۲۸۸۷ ۲۸۸۸ ۲۸۸۹ ۲۸۹۰ ۲۸۹۱ ۲۸۹۲ ۲۸۹۳ ۲۸۹۴ ۲۸۹۵ ۲۸۹۶ ۲۸۹۷ ۲۸۹۸ ۲۸۹۹ ۲۹۰۰ ۲۹۰۱ ۲۹۰۲ ۲۹۰۳ ۲۹۰۴ ۲۹۰۵ ۲۹۰۶ ۲۹۰۷ ۲۹۰۸ ۲۹۰۹ ۲۹۱۰ ۲۹۱۱ ۲۹۱۲ ۲۹۱۳ ۲۹۱۴ ۲۹۱۵ ۲۹۱۶ ۲۹۱۷ ۲۹۱۸ ۲۹۱۹ ۲۹۲۰ ۲۹۲۱ ۲۹۲۲ ۲۹۲۳ ۲۹۲۴ ۲۹۲۵ ۲۹۲۶ ۲۹۲۷ ۲۹۲۸ ۲۹۲۹ ۲۹۳۰ ۲۹۳۱ ۲۹۳۲ ۲۹۳۳ ۲۹۳۴ ۲۹۳۵ ۲۹۳۶ ۲۹۳۷ ۲۹۳۸ ۲۹۳۹ ۲۹۴۰ ۲۹۴۱ ۲۹۴۲ ۲۹۴۳ ۲۹۴۴ ۲۹۴۵ ۲۹۴۶ ۲۹۴۷ ۲۹۴۸ ۲۹۴۹ ۲۹۵۰ ۲۹۵۱ ۲۹۵۲ ۲۹۵۳ ۲۹۵۴ ۲۹۵۵ ۲۹۵۶ ۲۹۵۷ ۲۹۵۸ ۲۹۵۹ ۲۹۶۰ ۲۹۶۱ ۲۹۶۲ ۲۹۶۳ ۲۹۶۴ ۲۹۶۵ ۲۹۶۶ ۲۹۶۷ ۲۹۶۸ ۲۹۶۹ ۲۹۷۰ ۲۹۷۱ ۲۹۷۲ ۲۹۷۳ ۲۹۷۴ ۲۹۷۵ ۲۹۷۶ ۲۹۷۷ ۲۹۷۸ ۲۹۷۹ ۲۹۸۰ ۲۹۸۱ ۲۹۸۲ ۲۹۸۳ ۲۹۸۴ ۲۹۸۵ ۲۹۸۶ ۲۹۸۷ ۲۹۸۸ ۲۹۸۹ ۲۹۹۰ ۲۹۹۱ ۲۹۹۲ ۲۹۹۳ ۲۹۹۴ ۲۹۹۵ ۲۹۹۶ ۲۹۹۷ ۲۹۹۸ ۲۹۹۹ ۳۰۰۰ ۳۰۰۱ ۳۰۰۲ ۳۰۰۳ ۳۰۰۴ ۳۰۰۵ ۳۰۰۶ ۳۰۰۷ ۳۰۰۸ ۳۰۰۹ ۳۰۱۰ ۳۰۱۱ ۳۰۱۲ ۳۰۱۳ ۳۰۱۴ ۳۰۱۵ ۳۰۱۶ ۳۰۱۷ ۳۰۱۸ ۳۰۱۹ ۳۰۲۰ ۳۰۲۱ ۳۰۲۲ ۳۰۲۳ ۳۰۲۴ ۳۰۲۵ ۳۰۲۶ ۳۰۲۷ ۳۰۲۸ ۳۰۲۹ ۳۰۳۰ ۳۰۳۱ ۳۰۳۲ ۳۰۳۳ ۳۰۳۴ ۳۰۳۵ ۳۰۳۶ ۳۰۳۷ ۳۰۳۸ ۳۰۳۹ ۳۰۴۰ ۳۰۴۱ ۳۰۴۲ ۳۰۴۳ ۳۰۴۴ ۳۰۴۵ ۳۰۴۶ ۳۰۴۷ ۳۰۴۸ ۳۰۴۹ ۳۰۵۰ ۳۰۵۱ ۳۰۵۲ ۳۰۵۳ ۳۰۵۴ ۳۰۵۵ ۳۰۵۶ ۳۰۵۷ ۳۰۵۸ ۳۰۵۹ ۳۰۶۰ ۳۰۶۱ ۳۰۶۲ ۳۰۶۳ ۳۰۶۴ ۳۰۶۵ ۳۰۶۶ ۳۰۶۷ ۳۰۶۸ ۳۰۶۹ ۳۰۷۰ ۳۰۷۱ ۳۰۷۲ ۳۰۷۳ ۳۰۷۴ ۳۰۷۵ ۳۰۷۶ ۳۰۷۷ ۳۰۷۸ ۳۰۷۹ ۳۰۸۰ ۳۰۸۱ ۳۰۸۲ ۳۰۸۳ ۳۰۸۴ ۳۰۸۵ ۳۰۸۶ ۳۰۸۷ ۳۰۸۸ ۳۰۸۹ ۳۰۹۰ ۳۰۹۱ ۳۰۹۲ ۳۰۹۳ ۳۰۹۴ ۳۰۹۵ ۳۰۹۶ ۳۰۹۷ ۳۰۹۸ ۳۰۹۹ ۳۱۰۰ ۳۱۰۱ ۳۱۰۲ ۳۱۰۳ ۳۱۰۴ ۳۱۰۵ ۳۱۰۶ ۳۱۰۷ ۳۱۰۸ ۳۱۰۹ ۳۱۱۰ ۳۱۱۱ ۳۱۱۲ ۳۱۱۳ ۳۱۱۴ ۳۱۱۵ ۳۱۱۶ ۳۱۱۷ ۳۱۱۸ ۳۱۱۹ ۳۱۲۰ ۳۱۲۱ ۳۱۲۲ ۳۱۲۳ ۳۱۲۴ ۳۱۲۵ ۳۱۲۶ ۳۱۲۷ ۳۱۲۸ ۳۱۲۹ ۳۱۳۰ ۳۱۳۱ ۳۱۳۲ ۳۱۳۳ ۳۱۳۴ ۳۱۳۵ ۳۱۳۶ ۳۱۳۷ ۳۱۳۸ ۳۱۳۹ ۳۱۴۰ ۳۱۴۱ ۳۱۴۲ ۳۱۴۳ ۳۱۴۴ ۳۱۴۵ ۳۱۴۶ ۳۱۴۷ ۳۱۴۸ ۳۱۴۹ ۳۱۵۰ ۳۱۵۱ ۳۱۵۲ ۳۱۵۳ ۳۱۵۴ ۳۱۵۵ ۳۱۵۶ ۳۱۵۷ ۳۱۵۸ ۳۱۵۹ ۳۱۶۰ ۳۱۶۱ ۳۱۶۲ ۳۱۶۳ ۳۱۶۴ ۳۱۶۵ ۳۱۶۶ ۳۱۶۷ ۳۱۶۸ ۳۱۶۹ ۳۱۷۰ ۳۱۷۱ ۳۱۷۲ ۳۱۷۳ ۳۱۷۴ ۳۱۷۵ ۳۱۷۶ ۳۱۷۷ ۳۱۷۸ ۳۱۷۹ ۳۱۸۰ ۳۱۸۱ ۳۱۸۲ ۳۱۸۳ ۳۱۸۴ ۳۱۸۵ ۳۱۸۶ ۳۱۸۷ ۳۱۸۸ ۳۱۸۹ ۳۱۹۰ ۳۱۹۱ ۳۱۹۲ ۳۱۹۳ ۳۱۹۴ ۳۱۹۵ ۳۱۹۶ ۳۱۹۷ ۳۱۹۸ ۳۱۹۹ ۳۲۰۰ ۳۲۰۱ ۳۲۰۲ ۳۲۰۳ ۳۲۰۴ ۳۲۰۵ ۳۲۰۶ ۳۲۰۷ ۳۲۰۸ ۳۲۰۹ ۳۲۱۰ ۳۲۱۱ ۳۲۱۲ ۳۲۱۳ ۳۲۱۴ ۳۲۱۵ ۳۲۱۶ ۳۲۱۷ ۳۲۱۸ ۳۲۱۹ ۳۲۲۰ ۳۲۲۱ ۳۲۲۲ ۳۲۲۳ ۳۲۲۴ ۳۲۲۵ ۳۲۲۶ ۳۲۲۷ ۳۲۲۸ ۳۲۲۹ ۳۲۳۰ ۳۲۳۱ ۳۲۳۲ ۳۲۳۳ ۳۲۳۴ ۳۲۳۵ ۳۲۳۶ ۳۲۳۷ ۳۲۳۸ ۳۲۳۹ ۳۲۴۰ ۳۲۴۱ ۳۲۴۲ ۳۲۴

Nashr-i Dānish

Vol. 13, No.6

Oct-Nov 1993

Nashr-i Dānish is a Persian-language journal published bimonthly by Iran University Press. It contains articles, book reviews, bibliographic listings, news reports and similar items related to the field of scholarly publishing in Iran and elsewhere.

All communications and notices should be addressed to the editor:

Nasrollah Pourjavady
85 Park Avenue,
Tehran 15875-4748
The Islamic Republic of Iran

Annual subscription rates (air mail):

Middle East £ 26.00

Europe and Asia £ 30.00

Africa, North America and Far East £ 34.00

To subscribe to *Nashr-i Dānish*, please send your name and address plus a check or money order payable to Iran University Press.

Some back issues of *Nashr-i Dānish* are still available, and may be ordered at £5.00 per single copy (air mail postage included). Also available for sale are bound volumes of the previous issues, each volume: £30.00 (post, inc.)

درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت

تألیف ایورموریش

ترجمه دکتر غلامعلی سرمد

این کتاب نخستین منبع آموزشی نسبتاً جامع و معتبری است که در این زمینه به زبان فارسی ترجمه شده است. نویسنده با دیدی همه جانبه و به دور از تعصب کلیه جنبه‌های مربوط به این موضوع را واریسی کرده و رابطه آموزش و پرورش را با جامعه و فرهنگ از جنبه‌های گوناگون مورد بحث قرار داده و تأثیر پذیری و تأثیرگذاری عواملی مانند عوامل اقتصادی، قشر بندی اجتماعی، تحرك اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی، خانواده، معلم، کلاس درس و برنامه‌های درسی و سرانجام فلسفه اجتماعی را در آموزش و پرورش بررسی و تحلیل کرده است.

تشیع در هند

تألیف جان نورمن هالیستر

ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدنی

در این کتاب چگونگی نفوذ شیعه دوازده امامی در شبه قاره هند و تأسیس نخستین حکومت مسیح در دکن شرح داده شده. مؤلف در این رساله - که پایان نامه دکترای اوست - تاریخ سیاسی و فرهنگی تشیع را در هند و جریان مهاجرت شیعیان را به آنجا و نیز تاریخ شاخه‌های مختلف اسماعیلیه و همچنین تأثیرات متقابل معتقدات و آداب و رسوم شیعیان و هندوان را توصیف کرده است. در لابه لای شرح و تحلیلهای این کتاب اطلاعات بالارزشی درباره جزئیات زندگی روزمره، شعائر، مناسک، اعیاد، خوراک، پوشاک، عادات و میراث‌های فرهنگی جوامع متعدد شیعیان هند ضبط شده است.

جامعه‌شناسی ده ایران

تألیف دکتر خسرو خسروی

نویسنده در این کتاب با تأکید بر اینکه برای شناخت فرهنگ جامعه ایرانی باید آداب و رسوم و اعتقادات تمام مردم مطالعه و بررسی شود، و از این دیدگاه که دهکده‌های ایران همانند آینه‌ای است که می‌توان حیات اجتماعی گذشته مردم را در آنها مشاهده کرد، به بررسی جامعه‌شناختی روستاهای ایران پرداخته است. در این کتاب درباره ویژگیهای ده و جامعه ده نشین، ده و تاریخچه آن، جمعیت ده نشین و ارتباط ده و شهر و انواع فضاها و سکونتگاههای روستایی و نیز درباره ساختار فرهنگی و قشر بندی اجتماعی و ساختار خانواده و مؤسسات و نهادهای ده و آینده روستاهای ایران بحث شده است.

کتاب شناسی انقلاب مشروطیت ایران

تدوین علی پورصفر

طی بیش از هشت دهه‌ای که از انقلاب مشروطیت ایران گذشته هزاران کتاب و رساله و مقاله تحقیقی درباره جوانب گوناگون این رویداد مهم تاریخ اخیر ایران تألیف و منتشر شده است، و علاقه‌مندی به مطالعه و تحقیق درباره این رویداد همچنان ادامه دارد. کتاب شناسی انقلاب مشروطیت بدین منظور تدوین شده تا علاقه‌مندان و پژوهشگران بتوانند به طور سریع و آسان از اکثر منابع مربوط به این موضوع (که به زبان فارسی نوشته شده است) آگاهی کتاب شناختی به دست آورند. کتاب شامل معرفی حدود هشت هزار منبع (کتاب، رساله، مقاله، کتاب خطی و پایان نامه تحصیلی) است.

